

شما هم می‌توانید انجیل را درک کنید

انجیل به کلام پطرس

انجیل مرقس و اول و دوم پطرس

دکتر باب آتلی

پروفسور بازنشسته علم هرمنوتیک

(علم تفسیر کتاب مقدس)

سری راهنمای مطالعاتی

BIBLE LESSONS INTERNATIONAL, MARSHALL, TEXAS

2011

حق چاپ © ۲۰۱۲ بایبل لسنز اینترنشنال، کلیه حقوق محفوظ می‌باشد. تکثیر و توزیع این کتاب به هر ترتیب یا وسیله‌ای، با ذکر نام دکتر باب آتلی و اضافه کردن منبع www.freebiblecommentary.org و به صورت رایگان مجاز می‌باشد.

The primary biblical text used in this commentary is: New American Standard Bible (Update, 1995) Copyright ©1960, 1962, 1963, 1968, 1971, 1972, 1973, 1975, 1977, 1995 by The Lockman Foundation, P. O. Box 2279, La Habra, CA 90632-2279

فهرست مطالب

i	مقدمه نویسنده:
iii	راهنما برای مطالعه صحیح کتاب مقدس
x	انجیل به گفته پطرس
x	اختصارات انگلیسی کاربردی در این تفسیر
۱	پطرس
۳	معرفی انجیل مرقس
۷	مرقس ۱
۳۸	مرقس ۲
۴۹	مرقس ۳
۶۴	مرقس ۴
۷۷	مرقس ۵
۸۴	مرقس ۶
۹۵	مرقس ۷
۱۰۶	مرقس ۸
۱۱۷	مرقس ۹
۱۳۱	مرقس ۱۰
۱۵۵	مرقس ۱۱
۱۶۴	مرقس ۱۲
۱۸۵	مرقس ۱۳
۲۰۸	مرقس ۱۴
۲۳۱	مرقس ۱۵
۲۴۷	مرقس ۱۶
۲۵۲	معرفی اول پطرس
۲۵۷	اول پطرس ۱: ۱ الی ۲: ۳
۲۷۹	اول پطرس ۲: ۴ الی ۲: ۲۵
۲۹۴	اول پطرس ۳
۳۰۸	اول پطرس ۴
۳۲۰	اول پطرس ۵
۳۳۰	مقدمه‌ای بر دوم پطرس
۳۳۴	دوم پطرس ۱
۳۵۳	دوم پطرس ۲
۳۶۸	دوم پطرس ۳

۳۸۰	اصطلاحات دستور زبان یونانی
۳۸۸	موضوع خاص: انتقاد متنی
۳۹۱	واژه نامه
۳۹۸	بیانیه دکترین

موضوعات خاص

۹	موضوع خاص: منشا (<i>archē</i>)
۱۲	موضوع خاص: توبه (عهد عتیق)
۱۳	موضوع خاص: اعتراف/اقرار
۱۶	موضوع خاص: پذیرش (ارتداد اولیه)
۱۶	موضوع خاص: عرفان
۱۸	موضوع خاص: تثلیث
۱۹	موضوع خاص: اعداد نمادین در کتاب مقدس
۲۱	موضوع خاص: اصطلاحات یونانی برای آزمودن و مفاهیم آنها
۲۲	موضوع خاص: شیطان
۲۴	موضوع خاص: خانواده هیروود بزرگ
۲۵	موضوع خاص: پادشاهی خدا
۲۶	موضوع خاص: ایمان، باور یا اعتماد
۲۹	موضوع خاص: شباهت
۳۰	موضوع خاص: کاتبین
۳۰	موضوع خاص: فرشتگان و شیاطین
۳۲	موضوع خاص: آن مقدس
۳۳	موضوع خاص: جن گیری
۴۰	موضوع خاص: قلب
۴۳	موضوع خاص: فریسیان
۴۵	موضوع خاص: روزه
۵۱	موضوع خاص: هیرودی ها
۵۱	موضوع خاص: تخریب (<i>apollumi</i>)
۵۳	موضوع خاص: پسر خدا
۵۵	موضوع خاص: عدد دوازده
۵۶	موضوع خاص: فهرست اسامی شاگردان
۶۰	موضوع خاص: آمین
۶۱	موضوع خاص: شخصیت روح
۶۲	موضوع خاص: جاودانی

۶۲	موضوع خاص: تفسیر فرایندهای ترجمه گناه نابخشودنی
۶۶	موضوع خاص: تفسیر ضرب المثلها
۶۹	موضوع خاص: راز در انجیل
۷۱	موضوع خاص: استقامت
۷۳	موضوع خاص: افعال یونانی که برای رستگاری استفاده شدند
۸۸	موضوع خاص: تدهین در انجیل
۹۷	موضوع خاص: ریاکاران
۱۰۰	موضوع خاص: سخن گفتن
۱۰۴	موضوع خاص: دست نهادن در انجیل
۱۱۲	موضوع خاص: قیام از مردگان
۱۲۵	موضوع خاص: فرستادن (apostellō)
۱۲۷	موضوع خاص: مردگان، کجا هستند؟
۱۳۴	موضوع خاص: ساختن (Ktisis)
۱۳۸	موضوع خاص: ده فرمان
۱۴۱	موضوع خاص: ثروت
۱۴۷	موضوع خاص: جلال (doxa)
۱۴۹	موضوع خاص: بها/باز خرید
۱۵۲	موضوع خاص: عیسی ناصری
۱۵۸	موضوع خاص: برای همیشه
۱۶۱	موضوع خاص: دعای موثر
۱۶۷	موضوع خاص: سنگ و سنگ زیربنا
۱۶۸	موضوع خاص: سانهدرین
۱۷۱	موضوع خاص: صدوقیان
۱۷۳	موضوع خاص: اقتدار اسفار پنجگانه موسی
۱۷۸	موضوع خاص: اسامی خدا
۱۸۲	موضوع خاص: اندازه پاداش و مجازات
۱۸۳	موضوع خاص: سکه‌هایی که در دوران عیسی در فلسطین استفاده می‌شدند
۱۸۶	موضوع خاص: پیشگوییهای عهد عتیق در برابر پیشگوییهای عهد جدید - چرا مسیحیان تفسیرهای بسیار دگماتیک در مورد مکاشفه دارند؟
۱۹۱	موضوع خاص: ادبیات اپوکالیپتی (به نقل از مقدمه‌ای بر مکاشفه)
۱۹۳	موضوع خاص: پاسخ به دو سوال شاگردان در انجیل متی ۲۴: ۳
۱۹۴	موضوع خاص: این عصر و عصری که خواهد آمد
۱۹۶	موضوع خاص: تخریب
۱۹۸	موضوع خاص: انتخاب/تقدیر و نیاز به تعادل الهیاتی

۱۹۸	موضوع خاص: نماز روحانی
۲۰۱	موضوع خاص: چهل و دو ماه (از دانیال)
۲۰۲	موضوع خاص: سوار بر ابرها آمدن
۲۰۳	موضوع خاص: اعداد نمادین در کتاب مقدس
۲۰۵	موضوع خاص: پدر
۲۱۲	موضوع خاص: صدقه دادن
۲۱۶	موضوع خاص: پسح (ترتیب مراسم)
۲۱۷	موضوع خاص: شام سرور در انجیل یوحنا ۶
۲۱۸	موضوع خاص: پیمان
۲۱۹	موضوع خاص: ریخته شدن (عهد جدید)
۲۲۲	موضوع خاص: ساعت
۲۲۸	موضوع خاص: نفرین (anathema)
۲۳۳	موضوع خاص: پونتیوس پیلاتوس
۲۴۲	موضوع خاص: زنان در انجیل
۲۴۸	موضوع خاص: زنانی که از عیسی پیروی کردند
۲۵۰	موضوع خاص: خوشبو کننده هایی که برای تدفین استفاده می شدند
۲۵۹	موضوع خاص: انتخاب
۲۶۲	موضوع خاص: وراثت ایمانداران (از اول پطرس ۱)
۲۶۳	موضوع خاص: افعال یونانی که برای رستگاری استفاده شدند
۲۶۷	موضوع خاص: عیسی و روح
۲۶۷	موضوع خاص: کاریگما
۲۶۸	موضوع خاص: دیدگاه پولس نسبت به قوانین موسی
۲۷۱	موضوع خاص: تقدس در عهد جدید
۲۷۱	موضوع خاص: مقدس
۲۸۰	موضوع خاص: تقدیس کردن
۲۸۱	موضوع خاص: مسیحیت مشارکتی است
۲۸۶	موضوع خاص: تسلیم/ارائه (hupotassō)
۲۸۶	موضوع خاص: دولت انسانی
۲۸۸	موضوع خاص: اراده (THELĒMA) خدا
۲۹۰	موضوع خاص: نصایح پولس به بردگان
۲۹۹	موضوع خاص: پارسایی
۳۰۳	موضوع خاص: امید (elpis، در پولس)
۳۱۰	موضوع خاص: فساد و تقوا در عهد جدید
۳۱۱	موضوع خاص: گرایش انجیل نسبت به الکل و سو استفاده از الکل

- موضوع خاص: چرا مسیحیان رنج می کشند؟..... ۳۱۷
- موضوع خاص: *KOINŌNIA* (رفاقت)..... ۳۱۷
- موضوع خاص: شیطان فردی..... ۳۲۳
- موضوع خاص: استقامت..... ۳۲۵
- موضوع خاص: سیلاس/سیوانوس..... ۳۲۷
- موضوع خاص: رشد مسیحی (ویژگیها)..... ۳۴۰
- موضوع خاص: تضمین مسیحیت..... ۳۴۲
- موضوع خاص: فراخواندن..... ۳۴۳
- موضوع خاص: ارتداد (*APHISTĒMI*)..... ۳۴۴
- موضوع خاص: حقیقت (مفهوم آن در نوشته‌های یوحنا)..... ۳۴۷
- موضوع خاص: درست/حقیقی (اصطلاح) در نوشته‌های یوحنا..... ۳۴۷
- موضوع خاص: اصطلاحات به کار رفته برای آمدن دوم..... ۳۵۰
- موضوع خاص: "پسران خدا" در کتاب پیدایش ۶..... ۳۵۸
- موضوع خاص: تخریب، نابودی، فساد (*phtheirō*)..... ۳۶۴
- موضوع خاص: آتش..... ۳۷۱
- موضوع خاص: برنامه رستگاری جاودانی یهوه..... ۳۷۴

مقدمه نویسنده:

چگونه این تفسیر می‌تواند به شما کمک کند

تفسیر انجیل یک فرایند منطقی و معنوی است که تلاش می‌کند تا نویسنده باستانی تحت الهام را به شیوه‌ای درک کند که بتواند پیام خدا را به زبانی که امروزه قابل درک است، بیان کند.

فرایند معنوی بسیار حساس است و به سختی می‌توان آن را تعریف کرد. این فرایند شامل تعادل و باز بودن با خداست. باید تشنه (۱) او، (۲) شناختن او و (۳) خدمت به او باشیم. این فرایند شامل دعا، اعتراف و تمایل به تغییر شیوه زندگی است. روح در فرایند تفسیر قاطع است، ولی چرا درک انجیل به صورتی دیگر برای مسیحیان صادق و خداپرست عجیب است؟

فرایند منطقی را راحتتر می‌توان توصیف کرد. ما باید نسبت به متن استوار و بیطرف باشیم و نباید تحت تاثیر تعصبات فردی یا مذهبی قرار بگیریم. ذهنیت همگی ما از لحاظ تاریخی شکل خاصی گرفته است. هیچکدام از ما مفسر واقعگرا یا بی طرف نیست. این تفسیر یک فرایند دقیق منطقی را که حاوی سه اصل ساختار یافته تفسیر است را ارائه می‌کند تا کمک کند بر تعصبات مذهبی خود غلبه کنیم.

اصل اول

اصل اول توجه به زمانهای تاریخی است که در کتاب مقدس نگاشته شده و نیز توجه به مناسبتهای تاریخی از دید نگارنده. نویسنده اولیه هدفی و پیامی برای برقراری ارتباط داشت. متن نمی‌تواند معنایی داشته باشد که غیر از منظور نویسنده باستانی تحت الهام بوده است. قصد او - و نه تفکر تاریخی، احساسی، فرهنگی، فردی یا تعصبات دینی - نکته کلیدی است. کاربرد، بخشی جدایی ناپذیر از تفسیر است، ولی تفسیر مناسب باید همیشه بر کاربرد تقدم داشته باشد. همیشه باید تکرار شود که هر متن انجیلی فقط و فقط یک معنی دارد. این معنی آن چیزی است که نویسنده اصلی قصد داشته که تحت هدایت روح القدس با زمان خود ارتباط برقرار کند. یک معنی خاص می‌تواند کاربردهای بسیار متفاوتی برای فرهنگهای مختلف و موقعیتهای متفاوت داشته باشد. این کاربردها باید با اصل حقیقت نگارنده اصلی مرتبط شوند. بدین منظور این راهنمای مطالعاتی تفسیری تنظیم شده تا مقدمه‌ای برای هر یک از کتابهای انجیل باشد.

اصل دوم

اصل دوم شناسایی ادبیات هر واحد است. هر کتاب انجیل یک سند متحدالشکل است. مفسرین حق ندارند که یک جنبه از حقیقت را با حذف بقیه متمایز سازند. بنابراین، ما باید تلاش کنیم تا قبل از اینکه هر تکه را جداگانه تفسیر کنیم، هدف کل کتاب انجیل را درک کنیم. هر بخش به صورت منفرد - فصلها، پاراگرافها، یا آیات - نمی‌توانند معنایی داشته باشد و کل آن واحد معنی دیگری داشته باشد. تفسیر باید از گرایش قیاس کل به گرایش القایی هر بخش تغییر جهت داده شود. بنابراین، این راهنمای مطالعاتی تفسیری تنظیم شده تا به دانشجویان در تحلیل ساختار هر واحد توسط پاراگرافها کمک کند. بخشهای هر پاراگراف و فصل تحت الهام نیستند، بلکه به ما در شناسایی تفکر هر بخش کمک می‌کنند.

تفسیر در سطح یک پاراگراف - نه جمله، عبارت، گزیده، یا کلمه - کلید پیگیری منظور اصلی نگارنده انجیل است. پاراگرافها بر اساس عناوین متحدالشکل هستند، که اغلب به آنها تم یا جمله موضوعی گفته می‌شود. هر کلمه، عبارت، و جمله در پاراگراف به نوعی با این عناوین متحدالشکل در ارتباط هستند. آنها بحث را محدود به موضوعی خاص کرده، آن را بسط داده، توضیح داده و یا مورد سوال قرار می‌دهند. کلید واقعی برای تفسیر درست این است که تفکر نویسنده اصلی را پاراگراف به پاراگراف در طی هر بخش که کتاب انجیل را تشکیل می‌دهند، دنبال کنیم. این راهنمای مطالعاتی تفسیری برای کمک به دانشجویانی تنظیم شده که این کار را با مقایسه با ترجمه‌های مدرن انگلیسی دنبال می‌کنند. برای این هدف ترجمه‌های خاصی انتخاب شده‌اند، زیرا آنها بر اساس نظریات و دیدگاه‌های مختلف ترجمه شده‌اند.

۱. نسخه ویرایش چهارم متن یونانی جامعه متحد انجیلی (UBS) منتشر شده است. این متن توسط اساتید مدرن متن پاراگراف بندی شده است.
۲. نسخه جدید شاه جیمز (New King James Version - NKJV) ترجمه کلمه به کلمه متن دستنویس یونانی است که به Textus Receptus نیز معروف است. تقسیم بندی پاراگرافهای آن طولانیتر از سایر ترجمه‌ها است. این واحدهای طولانیتر به دانشجو امکان مشاهده موضوعات متحدالشکل را می‌دهد.
۳. نسخه جدید استاندارد بازمینی شده (New Revised Standard Version - NRSV) نسخه تغییر یافته ترجمه کلمه به کلمه است. این ترجمه در نقطه میانی دو نسخه مدرن قرار می‌گیرد. تقسیم بندی پاراگرافهای آن کاملاً در شناسایی موضوعات مفید است.
۴. نسخه انگلیسی امروز (Today's English Version - TEV) ترجمه پویایی است که توسط جامعه متحد انجیلی منتشر شده است. این ترجمه تلاش می‌کند که خواننده انگلیسی مدرن امروزی بتواند معنی و مفهوم متن یونانی را درک کند. اغلب، به خصوص در اناجیل، تقسیم بندی پاراگرافها بر اساس گوینده است تا موضوع، درست همانند نسخه بین المللی جدید. برای ترجمه و تفسیر، این نسخه مفید و کمک کننده نیست. جالب است که به این نکته توجه کنیم که هم UBS4 و هم این نسخه توسط یک موسسه ترجمه شده‌اند، با این حال، پاراگراف بندی آنها تفاوت

دارند.

۵. انجیل اورشلیم (Jerusalem Bible - JB) یک ترجمه پویا است که از روی نسخه کاتولیک فرانسه ترجمه شده است. مقایسه پاراگراف بندیهای این نسخه از دیدگاه اروپایی بسیار مفید است.
۶. نسخه چاپی مربوط به سال ۱۹۹۵ بنام انجیل امریکایی جدید بازبینی شده (Updated New American Standard Bible - NASB) ترجمه کلمه به کلمه است. تفسیر آیه به آیه در ادامه این پاراگراف بندی است.

اصل سوم

اصل سوم این است که ترجمه‌های مختلف انجیل را مطالعه کنید تا معنی و مفهوم گسترده‌تر و جامع‌تری را بتوانید از کلمات و عبارات انجیل درک کنید. اغلب یک کلمه یا عبارت یونانی را می‌توان به چندین شیوه مختلف درک کرد. این ترجمه‌های متفاوت این گزینه را در اختیارتان قرار می‌دهند و به شما کمک می‌کنند که بتوانید تنوعات مفهومی نسخ دستنویس یونانی را شناسایی کنید. اینها بر روی دگترین تاثیر نمی‌گذارند، بلکه به ما کمک می‌کنند که به متن اصلی که نویسنده باستانی تحت تاثیر الهام بوده نزدیکتر شویم.

این تفسیر راه سریع‌تری را به دانشجوی برای بررسی ترجمه خود ارائه می‌دهد. قطعیت هدف نیست، بلکه اطلاع رسانی و تفکر برانگیز بودن است. اغلب، سایر تفاسیر احتمالی به ما کمک می‌کنند که زیاد کوه نظر، دگم و مذهبی نباشیم. مفسرین لازم است که طیف وسیع‌تری از گزینه‌های تفسیری را در اختیار داشته باشند تا بتوانند تشخیص دهند که زبان یونانی قدیم تا چه اندازه می‌توانسته است مبهم باشد. حیرت آور است که چقدر تفاهم اندکی میان مسیحیانی که ادعا می‌کنند انجیل منبع حقیقت است، وجود دارد.

این اصول به من کمک کردند که برای بیشتر مسائلی که از نظر تاریخی ذهنیت مرا شکل داده بودند، با اجبار کردن خود بر تلاش بر روی متن باستانی، فائق‌گردم. امید من این است که برای شما هم برکتی باشد.

باب آتلی

۲۷ ژوئن ۱۹۹۶

راهنما برای مطالعه صحیح کتاب مقدس:

جستجوی شخصی برای حقیقت اثبات پذیر

آیا می‌توانیم حقیقت را بشناسیم؟ حقیقت در کجا یافت می‌شود؟ آیا می‌توانیم از طریق منطق آن را به اثبات برسانیم؟ آیا مرجع نهایی وجود دارد؟ آیا اصول مطلقی وجود دارند که بتوانند زندگی ما و جهان ما را هدایت نمایند؟ آیا زندگی معنایی دارد؟ چرا در این دنیا هستیم؟ به کجا خواهیم رفت؟ این سوالات - سوالاتی که همه افراد معقول به آن می‌اندیشند - تفکر بشر را از بدو زمان به خود داشته است (جامعه ۱: ۱۳-۱۸، ۳: ۹-۱۱). جستجوی خود را برای «محور یکپارچه سازنده» در زندگی به خاطر دارم. در کوچکی به مسیح ایمان آوردم و این بیشتر بخاطر شهادت اعضای اصلی خانواده‌ام بود. در سنین بزرگی سوالاتم در باره خود و دنیای من بیشتر شدند. کلیشه‌های ساده فرهنگی و مذهبی، به تجربیاتی که با آنها روبه‌رو می‌شدم یا در باره آنها می‌خواندم، مفهومی نمی‌بخشیدند. آن روزها دوران سردرگمی، جستجو، اشتیاق و اغلب یک احساس نومیدی در مواجهه با دنیای بی‌احساس و مشقت باری بود که در آن زندگی می‌کردم. بسیاری ادعا می‌کردند جوابهایی برای این پرسشهای اساسی دارند، اما پس از پژوهش و تعمق پی‌بردم جوابهایشان براین مبانی بود: (۱) فلسفه‌های شخصی، (۲) اسطوره‌های باستانی، (۳) تجربیات شخصی یا (۴) فرافکنیهای روانی [انکار ناآگاهانه افکار و احساسات خود و نسبت دادن آنها به دیگران]. نیاز به مقداری عوامل تأیید کننده، تعدادی ادله و براهین، و نظریاتی منطقی داشتم تا دیدگاه جهانی خود و محور یکپارچه کننده و دلیل زندگی را بر مبنای آنها بگذارم. اینها را در مطالعات خود در کتاب مقدس پیدا کردم. شروع به جستجوی شواهد برای اعتبار کتاب مقدس نمودم، و پاسخ‌ها را در اینها یافتم: (۱) اعتبار تاریخی کتاب مقدس مطابق تأیید علم باستان شناسی، (۲) صحت پیشگوییهای عهد عتیق، (۳) وحدت پیام کتاب مقدس در طول هزار و ششصد سال تالیف آن، و (۴) گواه شخصی کسانی که در اثر تماس با کتاب مقدس زندگی‌شان برای همیشه تغییر یافته است. مسیحیت به عنوان نظام یکی شده ایمان و باور، قادر است جوابگوی سوالات پیچیده زندگی انسان باشد. این موضوع نه تنها چارچوبی منطقی به ارمغان آورد، بلکه جنبه تجربی ایمان کتاب مقدس، به من شادمانی احساسی و استواری بخشید. تصور کردم آن محور یکپارچه سازنده زندگی - مسیح را، آن طوره که توسط کتاب مقدس شناخته می‌شود - یافته‌ام. شعفی ذهنی و تخلیه احساسی به من دست داد. اما هنگامیکه داشت برایم روشن می‌شد چه تفسیرهای گوناگون و عدیده‌ای از این کتاب - حتی گاه در میان کلیساهای و مکاتب فکری یک فرقه - مورد طرفداری و حمایت می‌باشند، شوک و دلشکستگی به من دست داد که تا به امروز بیادم است. اثبات الهام و اعتبار کتاب مقدس پایان کار نبود بلکه آغاز آن بود. چگونه می‌توانم تفاسیر متنوع و متضاد بسیاری بخشهای مشکل کتاب مقدس را تأیید یا رد کنم که توسط مدعیان اقتدار و اعتبار آن بودند؟ این کار، هدف زندگی و سیاحت ایمان من شد. می‌دانستم ایمان به مسیح، (۱) به من آرامش و شادمانی عظیمی بخشیده بود. در حین نسبی گرایهای فرهنگ من (پست مدرنیته)، (۲) دگم اندیشی و مطلق انگاری نظامهای متضاد مذهبی (مذاهب جهان) (۳) و خود بینی فرقه‌های کلیسایی، ذهن من مشتاقانه بدنبال اصولی مطلق بود. در جستجو برای راههای صحیح تفسیر ادبیات باستانی، با تعجب متوجه شدم خود من پیش‌داوریهای تاریخی، فرهنگی، فرقه کلیسایی و تجربی داشتم. کتاب مقدس را اغلب تنها به منظور محکم سازی دیدگاه خود خوانده بودم. از آن به عنوان یک منبع آموزه مطلق برای حمله به دیگران استفاده می‌کردم و با این کار نا امنیها و کمبودهای خود را از نو تأیید می‌نمودم. هنگامی که متوجه این کار خود شدم برایم بسیار دردآور بود!

اگرچه هرگز نمی‌توانم کاملاً عینی‌گرا باشم، می‌توانم کتاب مقدس را به طرز درست‌تر مطالعه کنم. می‌توانم پیش‌داوریهای خود را از این طریق که آنها را شناسایی کنم و قبول داشته باشم که وجود دارند، محدودیت ببخشم. هنوز از آنها کاملاً آزاد نشده‌ام، اما با ضعفهای خود مواجهه کرده‌ام. مفسر، اغلب بدترین دشمن مطالعه صحیح کتاب مقدس است. اجازه بدهید تعدادی از پیش‌فرضهای خود را که در مطالعه‌ام از کتاب مقدس دخیل می‌کنم، فهرست نمایم تا شما خوانندگان، آنها را همراه من بررسی نمایید:

۱. پیش‌فرضها

۱. من ایمان دارم کتاب مقدس، یگانه الهام خدای واحد حقیقی است که در آن خود را شناسانیده است. از این رو تفسیر باید با توجه به مقصود نویسنده اصلی الهی (روح خدا)، از طریق نویسنده بشری در زمینه خاص تاریخی انجام شود.
۲. من ایمان دارم که کتاب مقدس برای مردم عادی نوشته شده است - برای همه مردم! خدا از روی لطف و مرحمت خود با ما به روشنی در چهارچوب تاریخی و فرهنگی سخن گفته است. خدا واقعیت را پنهان نمی‌کند - او مایل است ما بفهمیم. ازین رو کتاب مقدس باید با در نظر گرفتن زمان خود آن، و نه زمان ما تفسیر گردد. کتاب مقدس نباید برای ما مفهومی داشته باشد که هرگز برای آنان که در ابتدا آنرا می‌خواندند یا می‌شنیدند، آن مفهوم را نداشته است. کلام خدا برای ذهن فرد عادی قابل درک است و اشکال و اسلوب تفهیم و تفاهم معمول مردم را به کار می‌گیرد.
۳. من ایمان دارم کتاب مقدس پیام و هدف یگانه دارد. با خود متضاد و مغایر نیست - اگر چه قسمتهایی از آن مشکل هستند و در ظاهر متفاوت، اما در واقع همخوان می‌باشند. بنا براین، بهترین مفسر کتاب مقدس، خود کتاب مقدس است.
۴. من ایمان دارم که هر بخش کتاب مقدس (به استثناء پیشگوییها) دارای یک مفهوم و تنها یک مفهوم است که بر پایه مقصود نویسنده اصلی و

وحی یافته می‌باشد. گرچه هرگز نمی‌توانیم مطلقاً مطمئن باشیم مقصود نویسنده اصلی را می‌دانیم، بسیاری از شاخصها، نشانگر آن می‌باشند:

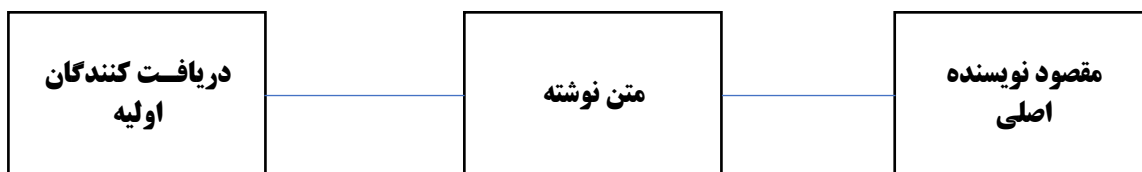
- i. ژانر (نوع ادبی) انتخابی برای ارائه پیام
- ii. زمینه تاریخی و/یا موقعیت خاص که موجب نوشتن گردید
- iii. چهارچوب ادبی کل کتاب و نیز هر واحد ادبی
- iv. طرح متن (طرح کلی) واحدهای ادبی، آن طور که با تمامی پیام ارتباط پیدا می‌کند
- v. خصیصه‌های دستوری ویژه که برای بیان پیام به کار رفته‌اند
- vi. واژگان انتخابی برای ارائه پیام
- vii. بخشهای موازی/مترادف/هم مفهوم (مشابه)

مطالعه هر یک از این موارد، موضوع مطالعه ما از یک بخش می‌گردد. بیش از آنکه اسلوب خود را برای مطالعه صحیح کتاب مقدس توضیح دهیم، اجازه دهید برخی روشهای نامناسب کاربردی امروز را توصیف نمایم - روشهایی که این قدر باعث گوناگونی در تفاسیر شده‌اند و در نتیجه باید از آنها دوری نمود:

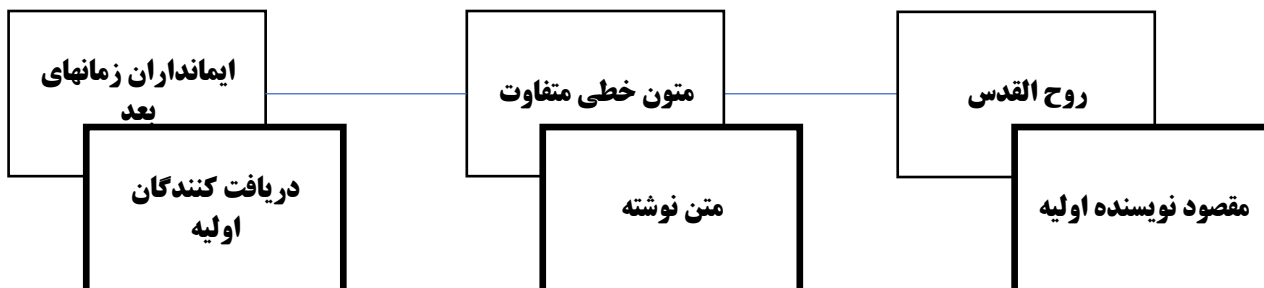
۲. روشهای نامناسب

۱. نادیده گرفتن چارچوب ادبی کتب کتاب مقدس، و استفاده از هر جمله، بند، یا حتی واژگان به عنوان اظهاریه‌های واقعیت که ربطی به منظور نویسنده یا متن کلیتر آن ندارد. این کار را معمولاً «اثبات عقیده خود توسط آیات» می‌گویند.
۲. نادیده گرفتن زمینه تاریخی کتب، بوسیله جانشین کردن زمینه تاریخی انگار شده‌ای که شواهد آن در خود متن بسیار کم است یا اصلاً در آن وجود ندارد.
۳. نادیده گرفتن زمینه تاریخی کتب و خواندن کتاب مقدس به عنوان روزنامه صبح شهر که در مرحله اول برای افراد مسیحی امروزی نگاشته شده باشد.
۴. نادیده گرفتن زمینه تاریخی کتب بوسیله مجازی ساختن متن و تبدیل آن به یک پیام فلسفی / الهیاتی که هیچ ارتباطی با شنوندگان اولیه و مقصود نویسنده اصلی ندارد.
۵. نادیده گرفتن پیام اصلی به وسیله جانشین کردن نظام الهیاتی خود شخص، یا آموزه مورد علاقه‌اش، یا مسائل مورد بحث زمان او که ربطی به مقصود نویسنده اصلی و پیام اظهار شده ندارند. این پدیده اغلب پس از آنکه قرائت کتاب مقدس در ابتدا به عنوان اثبات اقتدار گوینده انجام گرفته است، اتفاق می‌افتد. معمولاً این را «واکنش خواننده» (تفسیر بر مبنای «متن برای من چه مفهومی دارد») می‌نامند.

حد اقل سه جزء مرتبط در تمامی ارتباطات نوشتاری بشر دیده می‌شوند:



در گذشته روشهای مختلف مطالعه بر روی یکی از این سه جزء متمرکز می‌شدند. اما برای تایید حقیقی الهام منحصر به فرد کتاب مقدس، یک نمودار تغییر یافته مناسبتر می‌باشد:



در واقع هر سه جزء باید در فرایند تفسیر گنجانده شوند. به مقصود بررسی صحت حقیقت، تفسیر من متمرکز بر دو جزء اول می‌باشد: نویسنده اصلی و متن. این احتمالاً عکس العمل من در برابر راههای اشتباهی است که مشاهده کرده‌ام: (۱) مجازی ساختن یا روحانی ساختن متون و (۲) تفسیر بر مبنای «واکنش خواننده» ایمانداران زمانهای بعد (برای من چه مفهومی دارد). راههای اشتباه ممکن است در هر مرحله دیده

شوند. ما همواره باید در سنجش محرکها، پیش داوریهها، اسلوب، و کاربردهایمان کوشا باشیم. اما چگونه آنها را بسنجیم، اگرهیچگونه مرزها، محدودیتها، شروط و موازینی برای این کار وجود ندارند؟ در اینجا است که منظور نویسنده و ساختار متن، تعدادی موازین در اختیارم می‌گذارند تا بتوان پهنه تفاسیر احتمالا صحیح را محدودیت بخشید. در پرتو اسلوب نامتناسب مذکور در مطالعه، چه روشهای ممکنه‌ای برای مطالعه و تفسیر صحیح کتاب مقدس هستند که تا اندازه‌ای راست آزمایی و همخوانی را فراهم می‌کنند؟

۳. روشهای ممکنه برای مطالعه صحیح کتاب مقدس

در این مقطع اسلوب منحصر به فردی را مورد بحث قرار نمی‌دهم که برای تفسیر ژانرهای ادبی خاص به کار می‌روند، بلکه به اصول عمومی علم تفسیر (هرمنوتیک) می‌پردازم که برای همه گونه متون کتاب مقدس مصداق دارند. کتاب ارزنده‌ای درباره روشهای تفسیر ژانرهای خاص، کتاب «چگونه کتاب مقدس را درست درک کنیم» نوشته استادان «گرددون فی» و «داگلاس استوارت» از انتشار «زان درون» می‌باشد.

متدولوژی من ابتدا بر خواننده متمرکز است که اجازه می‌دهد روح القدس کتاب مقدس را از طریق چهار دوره مطالعه شخصی تنویر و روشن نماید. این کار، روح القدس و متن و خواننده را در درجه اول قرار می‌دهد نه درجه دوم. این روش همچنین خواننده را از تاثیر نامتناسب مفسران محفوظ می‌دارد. شنیده‌ام که می‌گویند: «کتاب مقدس، کتب تفسیری را خیلی روشن می‌سازد.» مقصود از این گفتار، کم ارزش شمردن کمکهای مطالعات نیست بلکه استدعایی است برای استفاده از آنها در زمان متناسب.

ما باید بتوانیم از روی خود متن بر تفسیر خود صحه بگذاریم. پنج مورد، راست آزمایی حداقل محدودی را ممکن می‌سازند:

۱. نکات ذیل در مورد نویسنده اصلی:

a. زمینه تاریخی

b. چارچوب ادبی

۲. گزینه نویسنده اولیه در:

a. ساختارهای دستوری (ترکیب جمله)

b. کاربرد واژگان معاصر ج. ژانر

۳. درک ما از متناسب بودن

a. بخشهای موازی/ مترادف و مشابه کتاب مقدس که مربوط می‌باشند

ما باید بتوانیم دلایل و منطقی را که مبنای تفسیرات ما هستند ارائه کنیم. کتاب مقدس تنها منبع ما برای ایمان و کاربرد است. متأسفانه مسیحیان در این که کتاب مقدس چه تعالیم و تاییداتی دارد اغلب توافق ندارند. اگر ادعا کنیم کتاب مقدس الهامی است و درعین حال ایمانداران نتوانند در مورد تعالیم و الزامات آن به توافق برسند، خودمان را دچار شکست کرده ایم.

چهار دوره مطالعه طراحی شده اند تا بینشهای تفسیری ذیل را فراهم کنند:

۱. دوره اول مطالعه

a. کتاب را در یک نشست بخوانید. یک مرتبه دیگر آن را در ترجمه متفاوتی بخوانید - که بهتر است تئوری ترجمه آن متفاوت باشد:

i. ترجمه تحت اللفظی (NRSV, NASB, NKJV)

ii. ترجمه معادل پویا (JB, TEV)

iii. ترجمه تفسیری («کتاب مقدس ترجمه تفسیری»، «کتاب مقدس تفصیلی»)

b. بدنبال هدف محوری کل نوشته بگردید. مضمون (تم) آنرا مشخص کنید.

c. در صورت امکان مشخص کنید کدام واحد ادبی، فصل، پاراگراف یا جمله است که بروشنی این مقصود یا تم اصلی را بیان می‌کند.

d. ژانر ادبی مقدم را شناسایی کنید:

i. عهد عتیق

۱. داستانسرایی عبری

۲. شعر عبری (ادبیات حکمت، مزامیر)

۳. نبوت عبری (نظم، نثر)

۴. قوانین در شریعت

ii. عهد جدید

۱. داستانسراییها (اناجیل، اعمال رسولان)

۲. مثالها (اناجیل)

۳. نامه‌ها/رساله‌ها

۲. دوره دوم مطالعه

۱. کتاب را دوباره کامل بخوانید و عناوین اصلی یا موضوعات را یافته و مشخص نمایید.
۲. عناوین اصلی را به صورت طرح کلی در آورید و در جمله‌ای ساده و مختصر محتوی آنها را توضیح دهید.
۳. «جمله حاوی مقصود» و «طرح کلی عمومی» خود را با استفاده از کمکهای مطالعات، بازنگری کنید.

۳. دوره سوم مطالعه

۱. کتاب را دوباره کامل بخوانید، با این هدف که زمینه تاریخی و موقعیت خاصی که باعث نوشتن آن شده است را در خود کتاب مقدس شناسایی کنید.
۲. موارد تاریخی را که در کتاب مقدس ذکر شده اند فهرست کنید.
 - a. نویسنده
 - b. تاریخ
 - c. دریافت کنندگان
 - d. دلیل خاص برای نوشتن
 - e. جنبه‌های زمینه فرهنگی که به هدف این نوشته مربوط می‌باشند
 - f. اشارات به اشخاص و رویدادهای تاریخی
۳. برای آن بخش کتاب کتاب مقدس که دارید تفسیر می‌کنید، طرح کلیتان را به صورت پاراگراف در آورید. همیشه «واحد ادبی» را مشخص کرده، به صورت طرح کلی در آورید. این می‌تواند چند فصل یا چند پاراگراف باشد. بدینوسیله می‌توانید منطق و «طراحی متن» نویسنده اصلی را دنبال کنید.
۴. زمینه تاریختان را با استفاده از «کمکهای مطالعات» بازنگری کنید.

۴. دوره چهارم مطالعه

۱. «واحد ادبی» خاص را دوباره در چند ترجمه بخوانید
 - a. ترجمه کلمه به کلمه (NKJV، NASB، NRSV)
 - b. ترجمه معادل پویا (TEV، JB)
 - c. ترجمه تفسیری («کتاب مقدس ترجمه تفسیری»، «کتاب مقدس تفصیلی»)
۲. ساختارهای ادبی یا گرامری را بیابید
 - a. عبارات تکرار شده، افس ۶: ۱ و ۱۳ و ۱۲
 - b. ساختارهای دستوری مکرر، روم ۸: ۳۱
 - c. مفاهیم مغایر
۳. موارد زیر را فهرست کنید
 - a. کلمات مهم
 - b. کلمات غیر معمول
 - c. ساختارهای مهم دستوری
 - d. کلمات، بندها، و جملات بسیار مشکل
۴. بخشهای موازی [مشابه] مربوط را در کتاب مقدس بیابید
 - a. روشن ترین مجموعه آیات تعلیمی را در مورد موضوع خود بیابید، از طریق:
 - i. کتابهای الهیات نظام مند
 - ii. کتاب مقدس های مخصوص مراجعات
 - iii. کشف الایات
 - b. در داخل موضوعتان، «دوگانگی متناقض» احتمالی [دو مفهوم بظاهر متضاد و در در واقع همخوان] را بیابید. بسیاری از حقایق کتاب مقدس به صورت "دوگانگی دیالکتیکی" (دو مفهوم به ظاهر متضاد اما در اصل سازگار و واحد) معرفی شده‌اند! بسیاری از اختلافات فرقه‌ای از این سرچشمه می‌گیرند که افراد از روی نیمی از این مفاهیم دوگانه و پر تنش در کتاب مقدس برای "اثبات عقیده خود توسط آیات" استفاده می‌کنند. تمامی کتاب مقدس الهام شده است و ما باید پیام کامل آن را بجوئیم تا برای تقصیر خود توازن و تعدیل کتاب

مقدسی ارائه دهیم.

- c. عبارات موازی یا هم معنی را در همان کتاب یا نوشته‌های همان نویسنده یا همان "ژانر" بیابید؛ کتاب مقدس بهترین مفسر خود است زیرا یک نویسنده دارد که روح القدس می‌باشد.
۵. برای بازبینی مشاهدات خود از زمینه و موقعیت تاریخی، از "کمکهای مطالعات" بهره بگیرید.
- a. کتب مقدس دارای راهنمای مطالعات
- b. دایره المعارف، کتابهای راهنما، و فرهنگ لغات کتاب مقدس
- c. پیشگفتارهای کتاب مقدس
- d. تفاسیر کتاب مقدس (در این مرحله مطالعه خود، بگذارید جوامع ایمانداران مسیحی گذشته و حال، مطالعه شخصی شما را یاری و تصحیح کنند).

۴. کاربرد تفسیر کتاب مقدس

در اینجا به کاربرد می‌پردازیم. شما با صرف وقت کوشیده‌اید تا متن را مطابق زمینه اصلی و اولیه آن درک کنید. اکنون باید آن را در زندگی و فرهنگ خود به کار بگیرید. من اقتدار کتاب مقدس را به این صورت تعریف می‌کنم: "استنباط آنچه نویسنده اصلی به عصر خود می‌گفت، و به کارگیری آن واقعیت در زمان ما."

پس از آنکه قصد نویسنده اصلی، هم از لحاظ زمان و هم منطبق آن تفسیر گردد، کاربرد باید انجام شود. ما نمی‌توانیم یک بخش کتاب مقدس را در زمان خود به کار بگیریم مگر آنکه بدانیم برای عصر خود چه می‌گفته است. یک بخش کتاب مقدس نباید معنایی بدهد که پیشتر هرگز آن معنا را نداشته است!

«طرح کلی» مشروح شما، به صورت پاراگراف‌ها، (دوره مطالعه شماره ۳) راهنمای شما خواهد بود. کاربرد باید در سطح پاراگراف‌ها انجام شود نه کلمات. کلمات فقط در چارچوب متن معنا دارند؛ بندها تنها در چهارچوب متن معنا دارند؛ جملات تنها در چارچوب متن معنا دارند. در فرایند تفسیر، تنها شخص الهام یافته‌ای که دست اندر کار می‌باشد نویسنده اصلی است. ما صرفاً از او، به وسیله روشن سازی و تنویر روح القدس، پیروی می‌کنیم. اما تنویر، الهام نیست. برای گفتن "خداوند چنین می‌فرماید"، باید پایبند قصد نویسنده اصلی باشیم. کاربرد باید دقیقاً مربوط به مقصود عمومی کل نوشته، واحد ادبی بخصوص، و بسط اندیشه در سطح پاراگراف باشد.

اجازه ندهید مسایل روز، کتاب مقدس را تفسیر کنند؛ بگذارید کتاب مقدس سخن بگوید! برای این کار ممکن است لازم باشد اصولی را از متن نتیجه گیری کنیم - این زمانی صحت دارد که «اصل» در متن باشد. متأسفانه بسیاری از اوقات، اصول ما فقط اصول "خودمان" هستند - نه اصول متن. در کاربرد کتاب مقدس (بجز در مورد نبوت) مهم است بیاد داشته باشیم برای یک متن خاص کتاب مقدس، یک معنا و تنها همان یک معنا مصداق دارد. آن معنا به قصد نویسنده اصلی مرتبط است که در باره بحران یا نیازی در زمان خود سخن گفته است. از این یک معنا می‌توان کاربردهای ممکنه فراوانی را برگرفت. کاربرد بر پایه نیازهای دریافت کنندگان خواهد بود، اما باید به مفهوم نویسنده اصلی ارتباط داده شود.

۵. جنبه روحانی تفسیر

تا اینجا درباره فرایند منطقی و متنی در تفسیر کردن و در کاربرد صحبت کرده‌ام. اجازه بدهید اکنون مختصراً جنبه روحانی تفسیر را مورد بحث قرار دهم. این لیست نکات مهم، برای من مفید بوده است:

۱. برای کمک روح القدس دعا کنید (مراجعه شود به اول قرنتیان ۱: ۲۶ و ۲: ۱۶).
۲. دعا کنید خدا شما را ببخشد و از گناہانی که به آنها واقف هستید پاک سازد. (اول یوحنا ۱: ۹).
۳. برای اشتیاق بیشتر در شناخت خدا دعا کنید (مراجعه شود به مزامیر ۱۹: ۷ الی ۱۴: ۴۲؛ ۱ بعد؛ ۱۱۹: ۱ به بعد).
۴. هر بینش جدیدتان را بلافاصله در زندگی خود به کار ببندید.
۵. فروتن و آموزش پذیر باقی بمانید.

کار بسیار مشکلی است که توازن بین فرایند منطقی، و هدایت روحانی روح القدس را بتوان حفظ نمود. نقل قولهای ذیل بمن کمک کرده‌اند توازن بین این دو را بیابیم:

۱. برداشت از «جیمز و. سایر» در کتاب «پیچاندن کتاب مقدس»، صفحات ۱۷-۱۸: "تنویر به اذهان قوم خدا می‌آید - نه صرفاً اشخاص بلند مرتبه روحانی. در مسیحیت مبنا بر کتاب مقدس، طبقه گورو [آساتید معنوی] یا اشراقیون [اشخاصی که بدون استدلال منطقی و فقط از روی نیروی ذهنی حقیقت را کشف می‌کنند] و کسانی وجود ندارند که تمامی تفاسیر قابل قبول باید از طریق آنها به دست آید. پس با اینکه روح القدس عطایای مخصوص حکمت، معرفت و بصیرت روحانی را می‌دهد، این کار را به این مسیحیان دارای عطایا واگذار نکرده است که فقط آنها مرجع تفسیر کلام او باشند. هر یک از افراد قوم خدا مسئول هستند با ارجاع به کتاب مقدس، بیاموزند، قضاوت کنند و تمیز دهند، زیرا کتاب مقدس مرجع برتر حتی نسبت به کسانی است که خدا به آنان تواناییهای خاص بخشیده است. در خلاصه، فرض من در سراسر کتاب بر این است که کتاب مقدس، مکاشفه حقیقی خدا به تمامی بشر است، و اینکه کتاب مقدس برای ما مرجع اقتدار نهایی در تمام

مواردی است که در باره آنها سخن می‌گوید، نیز کتاب مقدس یک معمای مبهم نیست، بلکه افراد عادی از هر فرهنگی می‌توانند آن را به اندازه کافی درک کنند."

۲. در مورد «کرکگارد»، مطابق «برنارد رم» در کتاب او به نام «تفسیر کتاب مقدس از دیدگاه پروتستان» صفحه ۷۵: به گفته کرکگارد، مطالعه دستوری، واژه‌ای و تاریخی کتاب مقدس لازم بود، اما از لحاظ مطالعه حقیقی کتاب مقدس، مرحله مقدماتی به شمار می‌آید. "برای مطالعه کتاب مقدس به عنوان «کلام خدا»، باید آن را با قلبی پر شور، با تمام حواس، با انتظاری مشتاقانه، و در حال مکالمه با خداوند، خواند. مطالعه کتاب مقدس بدون تفکر و توجه به آن، یا به صورت کتاب درسی، یا برای انجام شغل، مطالعه آن به عنوان کلام خدا محسوب نمی‌شود. وقتی کسی کتاب مقدس را طوری بخواند که نامه عاشقانه را می‌خواند، آنگاه آن را به عنوان کلام خدا خوانده است."

۳. "اچ. راوولی" در کتاب "مطرح بودن کتاب مقدس" صفحه ۱۹:

درک کتاب مقدس تنها به صورت عقلانی، هر قدر هم که کامل باشد، هرگز نمی‌تواند همه گنجینه‌های آن را از آن خود سازد. اینگونه فهم، ناچیز به شمار نمی‌آید چون برای استنباط کامل ضروری است. اما باید به درک روحانی گنجینه‌های روحانی این کتاب منتهی گردد تا کامل باشد. و برای آن درک روحانی، چیزی بیشتر از هوشیاری عقلانی لازم است. موضوعات روحانی با بینش روحانی دریافت می‌شوند و دانشجوی کتاب مقدس نیازمند طرز فکری پذیرنده از لحاظ روحانی، و اشتیاقی برای یافتن خدا است تا خود را به او تسلیم کند. در این صورت او می‌تواند از مطالعه علمی خود فراتر رفته، به میراث غنیتر این کتاب که بزرگترین کتابها است دست یابد."

۶. روش این کتاب تفسیر

کتاب تفسیر برای راهنمایی مطالعات به راه‌های ذیل برای کمک به رویه‌های تفسیری شما تنظیم شده:

۱. طرح کلی مختصر تاریخی، معرف هر کتاب است. پس از آنکه «مرحله مطالعه شماره ۳» را انجام داده‌اید، به این اطلاعات مراجعه کنید.

۲. بینشهای متنی در ابتدای هر فصل قرار دارند. اینها به شما کمک می‌کنند به بینید واحد ادبی چه ساختاری دارد.

۳. در ابتدای هر فصل یا هر واحد ادبی عمده، تقسیم بندی پاراگراف‌ها و عناوین توصیفی آنها از چند ترجمه جدید ارائه گردیده‌اند:

a. متن یونانی انجمن متحد کتاب مقدس، ویراست تجدید نظر شده (UBS⁴)

b. کتاب مقدس استاندارد آمریکایی ترجمه جدید، بروز آورده شده در سال ۱۹۹۵ (NASB)

c. کتاب مقدس پادشاه جیمز ترجمه جدید (NKJV)

d. ترجمه جدید تجدید نظر شده استاندارد (NRSV)

e. ترجمه انگلیسی امروز (TEV)

f. کتاب مقدس اورشلیم (JB)

تقسیم بندی پاراگراف‌ها الهام نشده‌اند. آنها باید از روی چارچوب متن محقق شوند. به وسیله مقایسه چند ترجمه معاصر که از تئوری‌های متفاوت ترجمه و دیدگاه‌های مختلف علم الهی می‌باشند، می‌توانیم ساختار گمان شده تفکر نویسنده اصلی را تجزیه و تحلیل کنیم. هر پاراگراف (بند) دارای یک حقیقت اعظم است که به آن «جمله اصلی» یا «ایده محوری متن» می‌گویند. این تفکر یکی کننده، راه تفسیر صحیح تاریخی و دستوری می‌باشد. شخص هرگز نباید تفسیر یا موعظه یا تدریس خود را بر پایه‌ای کمتر از یک پاراگراف انجام دهد! همچنین بیاد داشته باشید که هر پاراگراف با پاراگراف‌های اطرافش مرتبط است. به این دلیل است که «طرح کلی» تمام کتاب به صورت پاراگراف بندی این قدر مهم است. ما باید بتوانیم ترتیب و توالی منطقی مطلبی را که مورد بحث نویسنده الهام یافته و اصلی است دریافت کنیم.

۴. ترتیب یادداشتهای «باب» (نویسنده کتاب) مطابق روش تفسیری آیه به آیه است. با این روش مجبور می‌شویم از اندیشه نویسنده اصلی پیروی کنیم. یادداشتهای از چند جنبه مختلف اطلاعات فراهم می‌کنند:

a. چهارچوب ادبی

b. بینشهای تاریخی و فرهنگی

c. اطلاعات دستوری

d. مطالعات واژه‌ای

e. بخشهای موازی (مشابه یا مترادف) مربوطه

۵. در بعضی مقاطع کتاب تفسیر، متن درج شده ترجمه استاندارد آمریکایی جدید (بروز آمده در ۱۹۹۵) به وسیله چند ترجمه معاصر دیگر تکمیل خواهد شد:

a. کتاب مقدس پادشاه جیمز ترجمه جدید (NKJV) که مطابق پیرو متن نسخ خطی «متن دریافتی» می‌باشد.

- b. ترجمه جدید تجدید نظر شده استاندارد (NRSV) که بازنگری کلمه به کلمه کتاب مقدس ترجمه استاندارد تجدید نظر شده توسط شورای ملی کلیساها می‌باشد.
- c. ترجمه انگلیسی امروز (TEV) که ترجمه «معادل پویا» توسط انجمن کتب مقدسه آمریکا است.
- d. کتاب مقدس اورشلیم (JB) که ترجمه‌ای انگلیسی است بر مبنای ترجمه «معادل پویا» کاتولیک فرانسوی.
۶. برای کسانی که به زبان یونانی آشنا نیستند، مقایسه ترجمه‌های انگلیسی به تشخیص مسائل در متن کمک می‌کند:
- a. تفاوتها در متون خطی
- b. معانی جانشین واژگان
- c. متون و ساختار مشکل دستوری
- d. متون دارای چند معنی
- اگر چه ترجمه‌های انگلیسی نمی‌توانند این مسایل را حل کنند، آنها را برای مطالعه بیشتر و کاملتر مورد نظر قرار می‌دهند.
۷. در پایان هر فصل سوالات مربوطه برای گفتگو فراهم شده‌اند و در این سوالات سعی شده است مسائل عمده تفسیری آن فصل مورد نظر قرار بگیرند

اختصارات انگلیسی کاربردی در این تفسیر

کتاب‌های تفسیر کتاب مقدس آنکر، ویرایش ویلیام فاکسول آلبرایت و دیوید نوئل فریدمن	AB
قاموس کتاب مقدس آنکر (۶ جلد) ویرایش دیوید نوئل فریدمن	ABD
کلید تحلیلی عهد عتیق، نویسنده: جان جوزف اوونز	AKOT
متون باستانی خاور نزدیک، نویسنده: جیمز ب. پریچارد	ANET
لغتنامه عبری و انگلیسی عهد عتیق، نویسندگان: اف. براون، اس. آر. درایور، سی. ا. بریگز	BDB
Biblia Hebraica Stuttgartensia: GBS 1997	BHS
قاموس کتاب مقدس مفسرین، ۴ جلد، ویرایش: جورج ا. باتریک	IDB
فرهنگنامه کتاب مقدس استاندارد بین‌المللی، ۵ جلد، ویرایش جیمز اور	ISBE
کتاب مقدس اورشلیم	JB
کتاب مقدس مطابق متن ماسورتیک، ترجمه جدید چاپ از انجمن انتشارات یهودی آمریکا	JPSOA
لغتنامه عبری و آرامی عهد عتیق به قلم لودیک کوهلر و والتر بام گارتنر	KB
کتاب مقدس از روی متون باستانی شرقی (پشیتا) به قلم جورج م. لامسا	LAM
ترجمه هفتاد (یونانی - انگلیسی)، نویسنده: زان در ون، ۱۹۷۰	LXX
ترجمه جدیدی از کتاب مقدس، نویسنده: جیمز موقات	MOF
متن ماسورتیک عبری	MT
متن جدید کتاب مقدس آمریکایی	NAB
کتاب مقدس استاندارد آمریکایی ترجمه جدید	NASB
کتاب مقدس جدید انگلیسی	NEB
کتاب مقدس، ترجمه جدید انگلیسی	NET
قاموس جدید بین‌المللی الهیات و تاویل عهد عتیق، ۵ جلدی، ویرایش ویلیام آ. ون گمرن	NIDOTTE
کتاب مقدس تجدید نظر شده جدید استاندارد	NRSV
ترجمه جدید بین‌المللی	NIV
کتاب مقدس جدید اورشلیم	NJB
راهنمای تجزیه و تحلیل دستوری جملات عهد عتیق، اثر: تاد س. بیل، ویلیام آ. بنکس و کالین اسمیت	OTPG
کتاب مقدس تجدید نظر شده	REB
ترجمه تجدید نظر شده استاندارد	RSV
ترجمه هفتاد (یونانی - انگلیسی) نویسنده: زاندر ون، ۱۹۷۰	SEPT
، توسط اتحادیه انجمن‌های کتاب مقدس Today's English Version	TEV
ترجمه تحت‌اللفظی کتاب مقدس، نوشته رابرت یانگ	YLT
فرهنگنامه مصور کتاب مقدس زاندر ون، ۵ جلد، ویرایش میریل س. تینی	ZPBE
نسخه جدید شاه جیمز	NKJV
انجمن متحد کتاب مقدس	UBS

انجيل به روايت پطرس

پطرس

خانواده او

۱. خانواده پطرس در جلیل کفار در شهر بیت صیدا در ساحل شمالی دریای جلیل (یا دریای تیبیره، مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۴۴) زندگی می کرد، ولی ظاهراً در مقطعی به کفرناحوم کوچ کرد (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱: ۲۱ الی ۲۹).
۲. نام پدر پطرس یونا بود (مراجعه شود به انجیل متی ۱۶: ۱۷) یا یوحنا (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۴۲، ۲۱: ۱۵ الی ۱۷).
۳. نام اصلی او شمعون بود (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱: ۱۶ و ۲۹ و ۳۰ و ۳۶)، که در فلسطین قرن نخست نامی متداول بود. حالت یهودی سیمئون بود (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۵: ۱۴، دوم پطرس ۱: ۱).
- عیسی نام او را به پطرس (یا پیتر که به معنی صخره است، عیسی برای توصیف قدرت و ثبات او این نام را انتخاب کرد) در انجیل متی ۱۶: ۱۸، انجیل مرقس ۳: ۱۶، انجیل لوقا ۶: ۱۴، و انجیل یوحنا ۱: ۴۲ تغییر داد. این اسم در زبان آرامی قیافا (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۴۲، اول قرنتیان ۱: ۱۲، ۳: ۲۲، ۹: ۵، ۱۵: ۵، غلاطیان ۱: ۱۸، ۲: ۹ و ۱۱ و ۱۴) است. اغلب در عهد جدید این دو اسم با یکدیگر می آیند (مراجعه شود به انجیل متی ۱۶: ۱۶، انجیل لوقا ۵: ۸، انجیل یوحنا ۱: ۴۰، ۶: ۸ و ۶۸، ۱۳: ۹ و ۶ و ۲۴ و ۳۶، ۱۸: ۱۰ و ۱۵ و ۲۵ و ۲۰: ۲ و ۶، ۲۱: ۲ الی ۳ و ۷ و ۱۱ و ۱۵).
۴. نام برادر پطرس اندرو یا آندریاس بود (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱: ۱۶). او از شاگردان یحیی تعمید دهنده بود (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۳۵ و ۴۰) و بعداً ایمان آورده و پیرو عیسی شد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۳۶ الی ۳۷). او شمعون را نزد عیسی آورد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۴۱). چندین ماه بعد عیسی با آنها در کناره دریای جلیل مواجه شد و از آنها خواست که رسماً شاگرد تمام وقت او باشند (مراجعه شود به انجیل متی ۴: ۱۸ الی ۲۰، انجیل مرقس ۱: ۱۶ الی ۱۸ ب و انجیل لوقا ۵: ۱ الی ۱۱).
۵. او ازدواج کرده بود (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱: ۳۰، اول قرنتیان ۹: ۵)، ولی هیچ ذکری در مورد فرزندانش به عمل نیامده است.

شغل او

۱. خانواده پطرس مالک چندین کشتی ماهیگیری بوده و حتی چندین مستخدم هم استخدام کرده بودند.
۲. خانواده پطرس احتمالاً با یعقوب، یوحنا و پدر آنها، زبیدی شریک بودند (مراجعه شود به انجیل لوقا ۵: ۱۰).
۳. پطرس پس از مرگ عیسی برای مدت کوتاهی به کار ماهیگیری خودش بازگشت (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۲۱).

شخصیت او

۱. تواناییهای پطرس
 - a. او یک پیرو متعهد ولی کاملاً تحریک کننده بود (مراجعه شود به انجیل مرقس ۹: ۵، انجیل یوحنا ۱۳: ۴ الی ۱۱).
 - b. او همیشه سعی می کرد از روی ایمان عمل کند، ولی اغلب شکست می خورد (برای نمونه، راه رفتن روی آب، مراجعه شود به انجیل متی ۱۴: ۲۸ الی ۳۱).
 - c. او شجاع و آماده مردن بود (مراجعه شود به انجیل متی ۲۶: ۵۱ الی ۵۲، انجیل مرقس ۱۴: ۴۷، انجیل لوقا ۲۲: ۴۹ الی ۵۱، انجیل یوحنا ۱۸: ۱۰ الی ۱۱).
 - d. پس از رستخیز، عیسی او را شخصاً رهبر بی اعتبار دوازده شاگرد در انجیل یوحنا ۲۱ خطاب کرد و به او فرصت این را داد که توبه کند و رهبری خود را باز یابد.
۲. ضعفهای پطرس
 - a. او گرایش به قانونمندی یهودیت داشت
 - i. با کفار غذا می خورد (غلاطیان ۲: ۱۱ الی ۲۱)
 - ii. قوانین غذا (اعمال رسولان ۱۰: ۹ الی ۱۶)
 - b. او همانند همه شاگردان، تعالیم جدید و ریشه ای عیسی را و اینکه بر چه چیزی دلالت دارند، به صورت کامل درک نمی کرد
 - i. انجیل مرقس ۹: ۵ الی ۶
 - ii. انجیل یوحنا ۱۳: ۶ الی ۱۱، ۱۱: ۱۸، ۱۰ الی ۱۱
 - c. او شخصاً و شدیداً توسط عیسی تنبیه شده بود (مراجعه شود به انجیل مرقس ۸: ۳۳، انجیل متی ۱۶: ۲۳)
 - d. در زمانی که عیسی در گتسمانه به او نیاز داشت بجای اینکه دعا کند، خوابیده بود (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۴: ۳۲ الی ۴۲، انجیل متی ۲۶: ۳۶ الی ۴۶، انجیل لوقا ۲۲: ۴۰ الی ۶۰)
 - e. او چندین مرتبه انکار کرد که عیسی را می شناسد (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۴: ۶۶ الی ۷۲، انجیل متی ۲۶: ۶۹ الی ۷۵، انجیل لوقا ۲۲: ۵۶ الی ۶۲، انجیل یوحنا ۱۸: ۱۶ الی ۲۵ و ۲۷)

رهبری او در گروه شاگردان

۱. چهار فهرست از شاگردان وجود دارد (مراجعه شود به انجیل متی ۱۰: ۲ الی ۴)، انجیل مرقس ۳: ۱۶ الی ۱۹، انجیل لوقا ۶: ۱۴ الی ۱۶، اعمال رسولان ۱: ۱۳). پطرس همیشه اولین نفر فهرست شده است. دوازده شاگرد به سه گروه چهار نفری تقسیم شده بودند. فکر می‌کنم بدین منظور بوده که بتوانند به صورت دوره‌ای به خانواده خود سرکشی کنند.
۲. اغلب پطرس سخنگوی گروه شاگردان بود (مراجعه شود به انجیل متی ۱۶: ۱۳ الی ۲۰)، انجیل مرقس ۸: ۲۷ الی ۳۰، انجیل لوقا ۹: ۱۸ الی ۲۱). از این عبارتها همچنین برای تصریح اقتدار پطرس در میان گروه استفاده شده است (مراجعه شود به انجیل متی ۱۶: ۱۸). با این حال، در همین متن عیسی بر سر او فریاد می‌زند و او را ابزار شیطان خطاب می‌کند (مراجعه شود به انجیل متی ۱۶: ۲۳، انجیل مرقس ۸: ۳۹). همچنین وقتی که شاگردان بر سر این بحث می‌کردند که کدامیک برترین است، تصور نمی‌شود که پطرس این مقام را بدست آورد (مراجعه شود به انجیل متی ۲۰: ۲۰ الی ۲۸، به خصوص آیه ۲۴، انجیل مرقس ۹: ۳۳ الی ۳۷، ۱۰: ۳۵ الی ۴۵).
۳. پطرس رهبر کلیسای اورشلیم نبود. این مسئولیت به یعقوب واگذار شد که برادر عیسی بود (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۲: ۱۷، ۱۵: ۱۳، ۲۱: ۱۸، اول قرن‌تیا ۱۵: ۷، غلاطیان ۱: ۱۹، ۲: ۹ و ۱۲).

بشارت او پس از قیام عیسی

۱. نقش رهبری پطرس به وضوح در فصلهای ابتدایی اعمال رسولان دیده می‌شود.
 - a. او انتخاب جایگزین یهودا را رهبری کرد (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱: ۱۵ الی ۲۶)
 - b. او در اولین مراسم پنتیکاست موعظه کرد
 - c. او یک مرد افلیج را شفا داد و در دومین مراسم موعظه کرد (مراجعه شود به اعمال رسولان ۲)
 - d. در اعمال رسولان ۴، با جسارت با اعضای سانهدرین صحبت کرد
 - e. او بر نظم کلیساها در مورد حنانيا و سفیره در اعمال رسولان ۵ نظارت کرد
 - f. او در شورای اورشلیم در اعمال رسولان ۱۵: ۷ الی ۱۱ صحبت کرد
 - g. در اعمال رسولان چندین رخداد و معجزه به او منسوب شده‌اند
۲. پطرس، با این حال، همیشه مفاهیم انجیل را متجسم نمی‌ساخت.
 - a. او تفکر عهد عتیقی خود را حفظ کرد (مراجعه شود به غلاطیان ۲: ۱۱ الی ۱۴)
 - b. او مجبور بود تا مکاشفه خاصی را برای کرنلیوس (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۰) و پیروان سایر ادیان در نظر بگیرد

سالهای سکوت

۱. اطلاعات چندانی در مورد پطرس پس از شورای اورشلیم در اعمال رسولان ۱۵ وجود ندارد
 - a. غلاطیان ۱: ۱۸
 - b. غلاطیان ۲: ۷ الی ۲۱
 - c. اول قرن‌تیا ۱: ۱۲، ۳: ۲۲، ۹: ۵، ۱۵: ۵
۲. سنتهای کلیسای اولیه
 - a. شهید شدن پطرس در رم در نامه اسقف روم به کلیسای قرن‌تس در سال ۹۵ میلادی ذکر شده است
 - b. ترتولیان ۱۵۰ الی ۲۲۲ میلادی) هم به شهید شدن پطرس در رم تحت نرون (سالهای ۵۴-۶۸ میلادی) اشاره دارد
 - c. اسقف اسکندریه (سال ۲۰۰ میلادی) می‌گوید که پطرس در رم کشته شد.
 - d. اورینگن (سال ۲۵۲ میلادی) می‌گوید پطرس با مصلوب شدن، سر به سمت پائین، در رم شهید شد.

معرفی انجیل مرقس

کلام آغازین

۱. کلیسای باستانی معمولاً کپی، مطالعه و تعلیم انجیل مرقس را در مقایسه با انجیل متی و لوقا نادیده می‌گرفت، زیرا آنها انجیل مرقس را بیشتر به صورت "نسخه تحلیل خواننده" می‌بینند (یعنی انجیل خلاصه) که بعدها صراحتاً توسط آگوستین اظهار شد.
۲. از انجیل مرقس توسط پدران یا کشیشان کلیسای اولیه یونان یا رساله نویسان (مدافعین ایمان) قرن دوم زیاد نقل قول نمی‌شد.
۳. از زمان پیدایش گرایش دستور زبانی-تاریخی مدرن در تفسیر انجیل، انجیل مرقس اهمیت جدیدی پیدا کرد زیرا به آن به عنوان نخستین انجیل نگاشته شده نگاه می‌شود. هم انجیل متی و هم انجیل لوقا از ویژگی آن در معرفی زندگی عیسی و اهمیت آن استفاده می‌کنند. در نتیجه انجیل مرقس تبدیل به سند بنیادین کلیسا شده و نخستین سند رسمی در مورد زندگی عیسی است.

موضوع

۱. انجیل بیوگرافی یا کتاب تاریخ مدرن نیستند. آنها نوشته‌های منتخب الهیاتی هستند که برای معرفی عیسی به مخاطبین مختلف نوشته شده و آنها را به ایمان به او دعوت می‌کنند. آنها "خبر خوش" درباره زندگی عیسی با هدف بشارت هستند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۲۰: ۳۰ الی ۳۱).
۲. انجیل مرقس چهار نکته تاریخی متمایز و چهار هدف الهیاتی را دنبال می‌کند
 - a. زندگی و تعلیم عیسی
 - b. زندگی و بشارت پطرس
 - c. نیازهای کلیسای اولیه
 - d. هدف بشارتی انجیل مرقس یوحنا
۳. چهار انجیل در ادبیات رومی-یونانی و خاور نزدیک منحصر به فرد هستند. نویسندگان تحت هدایت روح این وظیفه را داشتند تا تعلیم و کارهای عیسی را که شخصیت و هدف او را به وضوح نشان می‌دادند، انتخاب و بیان کنند.
 - a. آنها این گفته‌ها و اعمال را به شیوه‌های مختلف مرتب کردند. یک مثال می‌تواند مقایسه آن با انجیل متی باشد.
 - b. مراسم در کوه (انجیل متی ۵ الی ۷) با مراسم انجیل لوقا در بیابان (مراجعه شود به انجیل لوقا ۶: ۲۰ الی ۴۹). کاملاً مشخص است که متی تمایل به این دارد که تمامی تعلیم عیسی را در یک مراسم بزرگ گردآوری کند، در حالی که لوقا همین تعلیم را در سراسر انجیل پخش می‌کند. مشابه همین را می‌توان در مورد متی که تمامی معجزات عیسی یکجا گردآوری می‌کند و لوقا آن را در سراسر انجیل خودش پخش می‌کند، گفت.
 - c. این حالت نه فقط دلالت بر توانایی نویسندگان انجیل در انتخاب و مرتب کردن تعلیم عیسی دارد، بلکه بر منطبق ساختن آنها با اهداف الهیاتی خود نیز دلالت دارد (Fee and Stuart's *How to Read the Bible For All Its Worth* صفحات ۱۱۳ الی ۱۳۴ را مطالعه کنید). در زمان خواندن انجیل، فرد باید مدام از خود سوال کند که چه نکته الهیاتی را نویسندگان می‌خواهند بدان اشاره و تمرکز کنند. چرا این رخداد خاص، معجزه، تعلیم را در این جای خاص برای معرفی عیسی بیان می‌کنند؟
۴. انجیل مرقس نمونه خوبی از یونانی کوین (*Koine*) به عنوان زبان دوم مردم سرزمینهای اطراف مدیترانه است. زبان مادری مرقس آرامی بود (همانند زبان مادری عیسی و تمامی یهودیان فلسطین قرن اول). این حالت سامی بودن، اغلب در انجیل مرقس مشهود است.

اقتدار

۱. به صورت سنتی، یوحنا مرقس با پطرس شاگرد در نوشتن انجیل او شناخته شده و از او یاد می‌شود. این کار، خود (همانند تمامی انجیل) گمنام است.
۲. مدرک دیگر در مورد شهادتهای عینی پطرس این حقیقت است که انجیل مرقس سه رخداد مهمی را که پطرس شخصاً در آنها حضور داشت، به ثبت رسانده است.
 - a. راه رفتن او بر روی آب (مراجعه شود به انجیل متی ۱۴: ۲۸ الی ۳۳)
 - b. اینکه او در حضور سزار فیلیپوس برای ایمان دوازده شاگرد، سخنگو بوده است (مراجعه شود به انجیل متی ۱۶: ۱۳ الی ۲۰)، در انجیل مرقس فقط ۸: ۲۷ الی ۳۰ و عبارتهای "بر این صخره" و "کلید پادشاهی" حذف شده‌اند.
 - c. تامین مالیات معبد برای خودش و عیسی (مراجعه شود به انجیل متی ۱۷: ۲۴ الی ۲۷).
 - i. شاید فروتنی پطرس انگیزه او بود تا در موعظه خود در رم بر این رخدادها تأکید نکند.
۳. سنت کلیسای اولیه
 - a. کلمنت اول در حدود سال ۹۵ میلادی از رم، به مرقس (به عنوان چوپان هرمس) اشاره می‌کند.

- b. پایپاس، اسقف هیراپولیس (حدود ۱۳۰ میلادی)، کتاب *Interpretation of the Lord's Sayings* را نوشت، که توسط یوزبیوس (۳۳۹-۲۷۵ میلادی) از آن نقل قول کرد در کتاب *Ecclesiastical History*: ۳: ۳۹: ۱۵. او تصریح کرد که مرقس مفسر و مترجم پطرس بود که رخدادهای را به صورت دقیق، ولی نه از لحاظ ترتیب و زمانبندی تاریخی، خاطرات پطرس در مورد عیسی ثبت می‌کرد. ظاهراً مرقس موعظه‌های پطرس را گرفته و آنها را تنظیم و سازماندهی کرده و در قالب انجیل معرفی کرده است. پایپاس ادعا می‌کند که این اطلاعات را از یک "پیر کلیسا" که می‌تواند به یوحنا شاکرد اشاره داشته باشد، دریافت کرده است.
- c. جاستین مارتیر (سال ۱۵۰ میلادی)، در نقل قولی از انجیل مرقس ۳: ۱۷ اضافه می‌کند که از خاطره پطرس است.
- d. *The Anti-Marcionite Prologue to Mark*، که در سال ۱۸۰ میلادی نوشته شده است، پطرس را به عنوان شاهد عینی انجیل مرقس شناسایی می‌کند. همچنین اظهار می‌دارد که مرقس انجیل را در ایتالیا و پس از مرگ پطرس (در رم در حدود سال ۶۵ میلادی) نوشت.
- e. ایرنائوس، در حدود سال ۱۸۰ میلادی، بیان می‌دارد که یوحنا مرقس مترجم و گردآورنده خاطرات پطرس پس از مرگ او بود (مراجعه شود به *Contra Haereses*, ۳: ۱: ۲).
- f. اسقف اسکندریه (سال ۱۹۵ میلادی) تصریح می‌کند که آنهایی که موعظه‌های پطرس در رم را می‌شنیدند، از مرقس می‌خواستند که این موعظه‌ها را ثبت کند.
- g. *Muratorian Fragment* (فهرست کتب ثبت و پذیرفته شده)، که در حدود سال ۲۰۰ میلادی در رم نوشته شده و البته متن آن کامل نشده است، ظاهراً تأیید می‌کند یوحنا مرقس خاطرات و موعظه‌های پطرس را ثبت می‌کرده است.
- h. ترتولیان (حدود سال ۲۰۰ میلادی)، در *Against Marcion*: ۴: ۵ می‌گوید که مرقس خاطرات پطرس را منتشر کرد.
- i. در *The Expositor's Bible Commentary* جلد ۸، صفحه ۶۰۶، والتر وسل تفسیر جالبی ارائه می‌کند که سنتهای کلیسای اولیه از کلیساهای مرکزی در مناطق جغرافیایی مختلف می‌آیند.
- i. پایپاس از آسیای صغیر
- ii. *Anti-Marcion Prologue* و *Muratorian Fragment* هر دو از روم
- iii. ایرنائوس (مراجعه شود به *Adv. Haer*: ۳: ۱: ۱) از لیون فرانسه. سنت ایرنائوس در ترتولیان (مراجعه شود به *Adv. Marc*: ۴: ۵) از شمال آفریقا و اسقف اسکندریه، مصر (مراجعه شود به *Hypotyposesis* 6 نقل شده توسط ایسوبیوس در *Eccl. His*: ۲: ۱۵: ۱ الی ۲: ۲۴: ۳ الی ۵: ۸، ۶: ۱۴: ۶ الی ۷). این تنوع جغرافیایی به واسطه پذیرش گسترده در مسیحیت اولیه، به قابل اعتماد بودن آنها، اعتبار می‌بخشد.
- j. بر اساس *Eccl. His*: ۴: ۲۵، اوریگن (سال ۲۳۰ میلادی) در *Commentary on Matthew* (هیچ تفسیری در مورد انجیل مرقس تا قرن پنجم میلادی توسط هیچ کس ارائه نشده است) می‌گوید مرقس انجیل را بر اساس آنچه که پطرس برای او توضیح می‌داد، نوشته است.
- k. ایسوبیوس خود در *Eccl. His*: ۲: ۱۵ در مورد انجیل مرقس بحث می‌کند و می‌گوید مرقس موعظه‌های پطرس را به درخواست کسانی که آنها را شنیده بودند ثبت کرد تا در تمامی کلیساهای بتوان آنها را خواند. ایسوبیوس این سنت را پایه و مبنای نوشته‌های اسقف اسکندریه کرد.
۴. در مورد یوحنا مرقس چه می‌دانیم
- a. مادر او یک مومن شناخته شده در اورشلیم بود و کلیسا در خانه او همدیگر را ملاقات می‌کردند (احتمالاً در شب شام آخر، مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۴: ۱۴ الی ۱۵، اعمال رسولان ۱: ۱۳ الی ۱۴، اعمال رسولان ۱۲: ۱۲). احتمالاً او همان برهنه‌ای بود که از گنسمانه فرار کرد (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۴: ۵۱ الی ۵۲).
- b. در بازگشت به آنتیوخوس از اورشلیم (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۲: ۲۵)، دایی او بارناباس، وی و پولس را همراهی می‌کرد (مراجعه شود به کولسیان ۴: ۱۰).
- c. او همراه بارناباس و پولس در نخستین سفر بشارتی آنان بود (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۳: ۵) ولی ناگهان به خانه‌اش بازگشت (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۳: ۱۳).
- d. بعداً بارناباس خواست که مرقس در دومین سفر بشارتی همراهشان باشد ولی این باعث اختلاف نظر شدید میان بارناباس و پولس شد (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۵: ۳۷ الی ۴۰).
- e. او بعداً با پولس آشتی کرد و تبدیل به دوست و همکارش شد (مراجعه شود به کولسیان ۴: ۱۰، دوم تیموتائوس ۴: ۱۱، فیلمون ۲۴).
- f. او، احتمالاً در رم، همراه و همکار پطرس بود (اول پطرس ۵: ۱۳).

۵. به نظر می‌رسد شناخت شخصی مرقس در مورد زندگی عیسی در انجیل مرقس ۱۴: ۵۱ الی ۵۲ تأیید می‌شود، در جایی که یک مرد برهنه از باغ گنسمانه درست پس از دستگیری عیسی فرار می‌کند. به نظر می‌رسد این جزئیات غیر منتظره و غیر معمول منعکس کننده تجربه شخصی خود مرقس باشند.

تاریخ

۱. این انجیل شهادت عینی و تفسیر زندگی، اعمال و تعالیم عیسی است و ظاهراً از موعظه‌های پطرس گرفته شده است. *Anti-Marcionite Prologue* و ایرنائوس (پس از مرگ پولس اضافه می‌کند) چنین می‌گویند که آنها پس از مرگ وی گردآوری و منظم شده و توزیع شد. پطرس و پولس هر دو در دوران نرون (سالهای ۵۴ الی ۶۸) در رم (سنت کلیسا) به شهادت رسیدند. تاریخ دقیق مشخص نیست، ولی اگر صحت داشته باشد، پس در این صورت تاریخ انجیل مرقس مربوط به سالهای ۶۰ می‌باشد.
۲. این احتمال هست که *Anti-Marcionite Prologue* و ایرنائوس به مرگ پطرس اشاره نداشته باشند، بلکه به رفتن (خروج) او از رم اشاره کنند. برخی شواهد قدیمی هستند که (مثلاً جاستین و هیپولیتوس) که پطرس در طول دوره کلادیوس (سالهای ۴۱ الی ۵۴ میلادی)، (ایسوبیوس، *Eccl. His* ۲: ۱۴: ۶) در رم با آنها ملاقات کرد.
۳. به نظر می‌رسد که لوقا در اعمال رسولان چنین جمع بندی می‌کند که پولس در اوایل شصت سالگی هنوز در زندان بود. اگر این صحت داشته باشد لوقا از انجیل مرقس در انجیل خود استفاده کرده باشد، در نتیجه باید قبل از اعمال رسولان نوشته شده باشد و بنابراین پیشتر از شصت سالگی است.
۴. تاریخ و اقتدار انجیل مرقس به هیچ وجه تأثیری بر حقایق تاریخی/الهیاتی/بشارتی این (یا هر انجیل دیگری) ندارد. عیسی، شخصیت اصلی است، نه انسان نگارنده آن!
۵. خیلی جالب است که هیچیک از اناجیل، حتی انجیل یوحنا که در طی سالهای ۹۵ الی ۹۶ میلادی نوشته شده) اشاره یا کنایه‌ای به تخریب اورشلیم (مراجعه شود به انجیل متی ۲۴، انجیل مرقس ۱۳، انجیل لوقا ۲۱) در سال ۷۰ میلادی توسط ژنرال رومی، تیتوس، که بعداً امپراتور شد، نمی‌کنند. احتمالاً انجیل مرقس قبل از این رخداد نوشته شده است. حتی این احتمال هست که انجیل متی و لوقا هم قبل از این دآوری مهم بر یهود نوشته شده باشند. در اینجا به سادگی باید اظهار داشت که زمان نگارش اناجیل در حال حاضر (به شیوه‌ای که این نگارش با آنها در رابطه است) امکانپذیر نیست.

گیرندگان

۱. مرقس توسط چندین نویسنده کلیسا به رم مرتبط است
 - a. اول پطرس ۵: ۱۳
 - b. *Anti-Marcionite Prologue* (ایتالیا)
 - c. ایرنائوس (رم، مراجعه شود به *Adv. Haer* ۳: ۱: ۲)
 - d. اسقف اسکندریه (رم، مراجعه شود به ایسوبیوس *Eccl. Hist.* ۴: ۱۴: ۶، ۷: ۱۴: ۵ الی ۷)
۲. مرقس هدف خود را از نگارش انجیل بیان نمی‌دارد. نظریات زیادی وجود دارند.
 - a. تراکت بشارتی (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱: ۱) که مختص رومیان نوشته شده است (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱: ۱۵، ۱۰: ۴۵)
 - b. آزار و شکنجه و بدنبال آن آتش سوزی در رم در سال ۶۴ میلادی، که نرون مسیحیان را مقصر می‌دانست، آغازگر موج وحشتناکی از آزار و شکنجه بر ضد مومنین شد. مرقس اغلب از این آزار و شکنجه یاد می‌کند (مراجعه شود به شکنجه عیسی، ۸: ۳۱، ۹: ۳۹، ۱۰: ۳۳ الی ۳۴ و ۴۵ و شکنجه پیروانش ۸: ۳۴ الی ۳۸، ۱۰: ۲۱ و ۳۰ و ۳۵ الی ۴۴).
 - c. تاخیر در آمدن دوم
 - d. مرگ شاهدان عینی عیسی، به خصوص شاگردان
 - e. اوج گرفتن ارتداد در میان کلیساهای مسیحی
 - i. یهودیان (غلاطیان)
 - ii. عرفان (اول یوحنا)
 - iii. ترکیب دو مورد فوق (کولسیان و افسسیان، دوم پطرس ۲)

ویژگیهای ساختاری

۱. انجیل مرقس بدین شیوه ساختار یافته که آخرین هفته زندگی عیسی بیش از یک سوم این کتاب را در بر می‌گیرد. اهمیت الهیاتی هفته شادی بدیهی است.

۲. از آنجا که انجیل مرقس از موعظه‌های پطرس گرفته شده است، (احتمالا در رم) مشخص می‌شود که چرا در مورد تولد او حرفی گفته نشده است. انجیل مرقس از جایی شروع می‌شود که تجربه پطرس آغاز می‌گردد، با عیسی به عنوان فردی بالغ، و از منظر الهیات مرتبط با پیام توبه و آماده بودن برای کار مسیح توسط یحیی تعمید دهنده است.

موعظه‌های پطرس باید از مفاهیم "پسر انسان" و "پسر خدا" استفاده کرده باشد. این انجیل منعکس کننده الهیات خود پطرس در مورد شخص عیسی است. در ابتدا او یک معلم و شفا دهنده بزرگ بود، ولی مشخص می‌شود که او مسیح است! این مسیح، آن ژنرال نظامی و مبارز فاتح نبود، بلکه یک خادمی بود که رنج می‌کشد (مراجعه شود به اشعیا ۵۳).

۳. ویژگی ساختار جغرافیایی اولیه انجیل مرقس توسط سایر اناجیل نیز به اشتراک گذاشته می‌شود (یعنی انجیل متی و لوقا)

a. بشارت در جلیل (انجیل مرقس ۱: ۱۴ الی ۶: ۱۳)

b. بشارت خارج از جلیل (انجیل مرقس ۶: ۱۴ الی ۸: ۳۰)

c. سفر به اورشلیم (انجیل مرقس ۸: ۳۱ الی ۱۰: ۵۲)

d. آخرین هفته در اطراف اورشلیم (انجیل مرقس ۱۱: ۱ الی ۱۶: ۸)

۴. حتی این احتمال هست که ساختار انجیل مرقس الگوی اولیه موعظه‌های شاگردان اولیه را شبیه سازی می‌کند (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۰: ۳۷ الی ۴۳، مراجعه شود به C. H. Dodd's *New Testament Studies* صفحات ۱ الی ۱۱). اگر این صحت داشته باشد، پس اناجیل نوشته شده نقطه اول دوران سنتهای شفاهی هستند (یعنی *kerygma*). در یهودیت تعالیم شفاهی بر نوشته‌های مکتوب ارجحیت دارند.

۵. انجیل مرقس با ویژگی حرکت سریع ("بلافاصله"، مراجعه شود به انجیل مرقس ۱: ۱۰) در مورد زندگی عیسی مشخص می‌شود. انجیل مرقس تعالیم طولانی عیسی را ثبت نمی‌کند، بلکه سریعا از یک رخداد به رخدادی دیگر مراجعه می‌کند (استفاده تکراری او از "بلافاصله"). انجیل مرقس عیسی را بر اساس اعمالش نشان می‌دهد. با این حال، این گامهای سریع با شهادتهای عینی همراه با جزئیات ملموس لبریز می‌شوند (یعنی پطرس).

چرخه اول مطالعه (از "راهنمای خوب مطالعه انجیل")

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید.

کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. مرکزیت موضوع کل کتاب را در قالب کلمات خود بیان کنید.

۱. موضوع کل کتاب.

۲. نوع ادبیات

چرخه دوم مطالعه (از "راهنمای خوب مطالعه انجیل")

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید. کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوعات اصلی را مشخص کرده و سپس در یک جملع مبحث را بیان کنید.

۱. موضوع واحد ادبی اول

۲. موضوع واحد ادبی دوم

۳. موضوع واحد ادبی سوم

۴. موضوع واحد ادبی چهارم

۵. و غیره

مرقس ۱

پاراگراف‌های ترجمه‌های مدرن *

UBS ⁴	NKJV	NRSV	TEV	NJB
موعظه یحیی تعمید دهنده	یحیی تعمید دهنده راه را هموار می‌سازد	فعالیت‌های یحیی تعمید دهنده	موعظه یحیی تعمید دهنده	اعلان یحیی تعمید دهنده
۸:۱ الی ۱۱:۱	۸:۱ الی ۱۱:۱	۸:۱ الی ۱۱:۱	۱:۱ الی ۳:۱ ۱:۴ الی ۵:۱ ۱:۶ الی ۸:۱	۸:۱ الی ۱۱:۱
تعمید عیسی	یحیی عیسی را تعمید می‌دهد	تعمید عیسی	تعمید و وسوسه عیسی	عیسی تعمید می‌شود
۱۱:۹ الی ۱۱:۱۱	۱۱:۹ الی ۱۱:۱۱	۱۱:۹ الی ۱۱:۱۱	۱۱:۹ الی ۱۱:۱۱	۱۱:۹ الی ۱۱:۱۱
وسوسه عیسی	شیطان عیسی را وسوسه می‌کند	وسوسه عیسی		آزمون در صحرا
۱۳:۱ الی ۱۲:۱۳	۱۳:۱ الی ۱۲:۱۳	۱۳:۱ الی ۱۲:۱۳	۱۳:۱ الی ۱۲:۱۳	۱۳:۱ الی ۱۲:۱۳
عیسی بشارت جلیلی خود را شروع می‌کند	عیسی بشارت جلیلی خود را شروع می‌کند	شروع فعالیت عیسی در جلیل	عیسی چهار ماهیگیر را فرا می‌خواند	عیسی شروع به اعلان پیام می‌کند
۱۵:۱ الی ۱۴:۱۵	۱۵:۱ الی ۱۴:۱۵	۱۵:۱ الی ۱۴:۱۵	۱۵:۱ الی ۱۴:۱۵	۱۵:۱ الی ۱۴:۱۵
فرا خواندن چهار ماهیگیر	چهار ماهیگیر به عنوان شاگرد فراخوانده می‌شوند			نخستین چهار شاگرد فرا خوانده می‌شوند
۲۰:۱ الی ۱۶:۲۰	۲۰:۱ الی ۱۶:۲۰	۲۰:۱ الی ۱۶:۲۰	۱۸:۱ الی ۱۶:۱۸ ۱۹:۱ الی ۲۰:۱۹	۱۸:۱ الی ۱۶:۱۸ ۱۹:۱ الی ۲۰:۱۹
مردی با روح ناپاک	عیسی روح ناپاکی را به بیرون می‌راند		مردی با روح شیطانی	عیسی در کفرناحوم تعلیم می‌دهد و جن زده‌ای را شفا می‌دهد
۲۸:۱ الی ۲۱:۲۸	۲۸:۱ الی ۲۱:۲۸	۲۸:۱ الی ۲۱:۲۸	۲۲:۱ الی ۲۱:۲۲ ۲۳:۱ الی ۲۴:۱ ۲۵:۱ ۲۶:۱ الی ۲۷:۱ ۲۸:۱	۲۲:۱ الی ۲۱:۲۲ ۲۳:۱ الی ۲۸:۱
شفای بسیاری از مردمان	مادرزن پطرس شفا می‌یابد		عیسی مردمان زیادی را شفا می‌دهد	شفای مادرزن شمعون
۳۴:۱ الی ۲۹:۳۴	۳۱:۱ الی ۲۹:۳۱	۳۱:۱ الی ۲۹:۳۱	۳۱:۱ الی ۲۹:۳۱	۳۱:۱ الی ۲۹:۳۱
	بسیاری پس از غروب شب‌ات شفا یافتند			تعدادی شفا
	۳۲:۱ الی ۳۴:۳۲	۳۲:۱ الی ۳۴:۳۲	۳۲:۱ الی ۳۴:۳۲	۳۲:۱ الی ۳۴:۳۲
دوره گردی و موعظه	موعظه در جلیل		عیسی در جلیل موعظه می‌کند	عیسی در سکوت کفرناحوم را ترک می‌کند و

۳۹ الی ۳۵ :۱	۳۹ الی ۳۵ :۱	۳۹ الی ۳۵ :۱	۳۷ الی ۳۵ :۱	۳۹ الی ۳۵ :۱
			۳۸ :۱	
			۳۹ :۱	
پاک کردن جذام	عیسی جذام را پاک می کند		عیسی مردی را شفا می دهد	شفای مردی که از بیماری پوستی سختی رنج می برد
۴۵ الی ۴۰ :۱	۴۵ الی ۴۰ :۱	۴۵ الی ۴۰ :۱	۴۰ :۱	۴۵ الی ۴۰ :۱
			۴۴ الی ۴۱ :۱	
			۴۵ :۱	

* تقسیم بندی پاراگرافها، تحت تاثیر الهام صورت نگرفته، بلکه کلید درک مطلب و دنبال کردن عزم اولیه نویسنده می باشند. هر ترجمه جدید، پاراگرافها را تقسیم و خلاصه کرده است. هر پاراگراف شامل یک موضوع مرکزی، حقیقت یا تفکری است. هر نسخه این موضوع را به شیوه ای متمایز به کار می گیرد. همانطور که متن را می خوانید، از خودتان سوال کنید که کدام ترجمه متناسب با درک شما از موضوع و تقسیم بندی آیه است. در هر فصل ما ابتدا باید کتاب مقدس را بخوانیم و سعی کنیم موضوعات آن (پاراگرافها) را شناسایی کنیم، سپس درک خود با نسخه های جدید را مقایسه کنیم. تنها وقتی می توانیم هدف اصلی نویسندگان را دریابیم که با پیروی از منطق و نحوه ارائه آن، بتوانیم واقعا کتاب مقدس را درک کنیم. فقط نویسنده اصلی الهام گرفته است - خوانندگان حق ندارند پیام را تغییر داده یا اصلاح کنند. خوانندگان کتاب مقدس مسئولیت اعمال حقیقت الهام گرفته را روزانه و در طول زندگی دارند. توجه داشته باشید که تمام اصطلاحات فنی و اختصارات به طور کامل در اسناد زیر توضیح داده شده است: اصطلاحات دستور زبان یونانی - موضوع خاص: انتقاد متنی و واژه نامه.

مطالعه حلقه سوم (رجوع کنید به "سمینار تفسیر کتاب مقدس")

به دنبال نیت اصلی نویسنده در سطوح پاراگراف

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید. کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص نمایید (مطالعه حلقه شماره ۳). تقسیمات موضوعی خود را با پنج ترجمه بالا مقایسه کنید. پاراگراف بندی به نویسنده الهام نشده است، اما کلید پیگیری اهداف اصلی نویسنده است که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول
۲. پاراگراف دوم
۳. پاراگراف سوم و غیره

مطالعه عبارت و کلام

NASB: انجیل مرقس ۱ : ۱

آغاز خبر خوش درباره عیسی مسیح، پسر خدا.

۱ : ۱ "آغاز" این عبارت معرفی اشاره به موارد زیر دارد:

۱. ابتدای امر همانند پیدایش ۱ : ۱ و انجیل یوحنا ۱ : ۱
۲. شروع تجسم عیسی همانند اول یوحنا ۱ : ۱
۳. آغاز بشارت عمومی عیسی (یعنی تجربیات شخصی پطرس)

اولین پاراگراف به خصوص اشاره به نبوت عهد عتیق درباره مسیح از اشعیا دارد. داستان انجیل از سنتهای نبوتی اسرائیل آغاز می گردد. نقل قول در انجیل متی ۱ : ۲ و ۳ ترکیبی از ملاکی ۳ : ۱ و اشعیا است.

موضوع خاص: منشا (archē) (SPECIAL TOPIC: ARCHĒ)

کلمه یونانی archē به معنی "آغاز" یا "منشا" چیزی است.

۱. آغاز نظم خلقت (رجوع شود به انجیل یوحنا ۱: ۱، عبرانیان ۱: ۱۰)
۲. آغاز بشارت (رجوع شود به انجیل مرقس ۱: ۱، فیلیپیان ۴: ۱۵، دوم تسالونیکیان ۲: ۱۳، عبرانیان ۲: ۳، اول یوحنا ۱: ۱)
۳. آغاز شاهدان عینی (رجوع شود به انجیل لوقا ۱: ۲)
۴. شروع نشان‌ها (معجزات، رجوع شود به انجیل یوحنا ۲: ۱۱)
۵. اصول ابتدایی (رجوع شود به عبرانیان ۵: ۱۲)
۶. به شرطی که اطمینان آغازین خود را تا به آخر استوار نگاه داریم (رجوع شود به عبرانیان ۳: ۱۴)
۷. سرآغاز، رجوع شود به کولسیان ۱: ۱۸، مکاشفه ۳: ۱۴

برای "حکمرانی" و "قدرت" هم استفاده شده است

۱. در مورد مقامات حاکم
 - a. انجیل لوقا ۱۲: ۱۱
 - b. انجیل لوقا ۲۰: ۲۰
 - c. رومیان ۱۳: ۳ و تیتوس ۳: ۱
۲. مسئولان مبلغین دینی
 - a. رومیان ۸: ۳۸
 - b. اول قرنتیان ۱۵: ۲۴
 - c. افسسیان ۱: ۲۱، ۳: ۱۰ و ۶: ۱۲
 - d. کولسیان ۱: ۱۶، ۲: ۱۰ و ۱۵
 - e. یهودا ۱: ۶

معلمین دروغین کتاب یهودا همه مقامات زمینی و بهشتی را نفرین کردند. آنها آزادیخواهان آنتینومی هستند. آنها خود و امیال خود را اول و ماقبل از خدا، فرشتگان، مقامات مدنی و سران کلیسا قرار می‌دهند.

■ "خبر خوش" با توجه به اینکه احتمالاً انجیل مرقس نخستین انجیلی است که نوشته شده، این نخستین باری است که اصطلاح *euangelion* (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱: ۱۴ و ۸: ۳۵، ۱۰: ۲۹، ۱۳: ۱۰، ۱۴: ۹) توسط یک نویسنده انجیل استفاده شده است (از دید زمانبندی تاریخی، استفاده پولس در غلاطیان ۲: ۲ و اول تسالونیکیان ۲: ۹ تقدم دارند). این اصطلاح به مفهوم "خبر خوش" یا "پیام خوب" است. مشخص است که این به اشعیا ۶۱: ۱ و احتمالاً ۴۰: ۹ و ۵۲: ۷ اشاره دارد. *Jerome Biblical Commentary* می‌گوید "استفاده مرقس از اصطلاح خبر خوش وابسته به این است که در نوشته‌های پولس کجا می‌تواند به معنی عمل اعلان کردن باشد و کجا می‌تواند به محتوایی که اعلان می‌شود، اشاره داشته باشد" (صفحه ۲۴).

■ "عیسی مسیح، پسر خدا" حالت دستور زبانی می‌تواند به صورت (۱) پیامی که توسط عیسی داده می‌شود یا (۲) پیام درباره عیسی درک شود. احتمالاً شماره ۲ مفهوم مورد نظر است. با این حال، *Dictionary of Jesus and the Gospels* از انتشارات IVP می‌گوید "حالت اضافه احتمالاً هم فاعلی و هم مفعولی باشد: "عیسی خبر خوش را اعلام می‌کند و او هم داستان وی را اعلام می‌کند" (صفحه ۲۸۵).

آیه ۱ یک جمله کامل نیست. احتمالاً عنوان کتاب است. نسخه باستانی یونیکال یونانی $\alpha, \beta, \gamma, \delta, \epsilon, \zeta, \eta, \theta, \iota, \kappa, \lambda, \mu, \nu, \xi, \omicron, \pi, \rho, \sigma, \tau, \upsilon, \phi, \chi, \psi, \omega$ عبارت "پسر خدا" را اضافه می‌کنند که در نسخه‌های NIV, TEV, NRSV, NKJV وجود دارد، در حالیکه در (۱) $\alpha, \beta, \gamma, \delta, \epsilon, \zeta, \eta, \theta, \iota, \kappa, \lambda, \mu, \nu, \xi, \omicron, \pi, \rho, \sigma, \tau, \upsilon, \phi, \chi, \psi, \omega$ سیریاک فلسطینی، (۲) سیریاک فلسطینی، (۳) دستنویس کپتیک، ۰۴۹ نسخه گرجی، (۴) ترجمه ارمنی و (۵) تفسیر اورینگن در مورد انجیل یوحنا حذف شده است. UBS^4 به اضافه شدن آن رتبه C داده است (تصمیم‌گیری در مورد آن سخت است). موضوع خاص: "پسر خدا" در بخش مربوط به انجیل مرقس ۳: ۱۱ مراجعه کنید.

برای مسیحیان عصر مدرن که عاشق انجیل هستند و به آن اعتماد دارند، درگیری منطقی با این نسخ متنوع دستنویس یونانی سخت است، ولی هر قدر که برای ما تصور درباره الهام و استقامت مکاشفه خدا سخت هم باشد، آنها واقعیت هستند. حتی به نظر می‌رسد که این اضافه شدن تعمدی و هدفمند بوده است، نه تصادفی. کاتبین اولیه ارتدکس در خصوص دیدگاه‌های ارتدادی نسبت به عیسی، مانند فرزندخواندگی که تصریح می‌کرد عیسی پسر خدا شد، آگاه بودند. این کاتبین اولیه اغلب متون یونانی که نسخه‌برداری می‌کردند را تغییر می‌دادند تا مطابق دیدگاه الهیات ارتدکس باشد (مراجعه شود به اول یوحنا ۵: ۷ الی ۸). برای اطلاعات بیشتر در مورد این تغییرات تعمدی در دسترس‌ساز دستنویس‌های یونانی توسط کاتبین ارتدکس به *The Orthodox Corruption*

of Scripture اثر Bart D. Ehrmans مراجعه کنید. او به خصوص در مورد انجیل مرقس ۱: ۱ در صفحه ۷۲ الی ۷۵ بحث می کند.

■ "عیسی" معمولاً در قرن نخست در میان یهودیان پدر اسم فرزند را تعیین می کرد. در این حالت، پدر آسمانی، توسط یک فرشته، فرزند را نامگذاری کرد. اسامی یهودیان اغلب مفاهیم نمادین دارند، این نیز مستثنی نبود. عیسی ترکیبی از دو اسم عبری است: (۱) یهوه و (۲) رستگاری. اهمیت آن در انجیل متی ۱: ۲۱ بیان شده است. عیسی ترجمه اسم عبری جاشوا است. او اثبات کرد که موسی جدید است، جاشوا جدید و کاهن اعظم جدید.

■ "مسیح" این ترجمه اسم عبری مسایح است، که به معنی "آن تدهین شده" است. در عهد عتیق تدعین رهبران (یعنی پیامبران، کشیشان، و پادشاهان) توسط خدا فرا خواندن تجهیز کردن آنان برای وظیفه تعیین شده را نمادین می سازد.

اصطلاح مسایح زیاد در عهد عتیق استفاده نشده است (مراجعه شود به دانیال ۹: ۲۵ و ۲۶ برای پادشاه اسکاتولوژیک)، ولی مفهوم آن یقیناً همین است. این همسو با انجیل متی ۱: ۱، "پسر داوود" است که اشاره به اجداد پادشاه ایده آل اسرائیل "داوود" دارد. خدا در دوم سموئیل ۷ به داوود قول داد که یکی از نوادگانش برای همیشه بر اسرائیل حکومت خواهد کرد. به نظر می رسد که این وعده با تخریب اورشلیم توسط بابلیان و اخراج ساکنین آن (سال ۵۸۶ قبل از میلاد) متلاشی شده باشد. با این وجود، پیامبران شروع به دیدن آینده نوادگان داوود کردند (یعنی اشعیا، میکاه، ملاکی). عیسی آن "پسر داوود"، "پسر انسان" (مراجعه شود به دانیال ۷: ۱۳) و "پسر خدا" (پنج مرتبه در انجیل مرقس تکرار شده است) وعده داده شده است.

جالب است که نام "عیسی مسیح" از تمام انجیل فقط در آیه آغازین استفاده شده است (فقط دو مرتبه در انجیل متی و یوحنا و در انجیل لوقا اصلاً ذکر نشده است). معمولاً مرقس از "عیسی" استفاده می کند. این نحوه کاربرد، بر تاکید الهیاتی مرقس نسبت به انسان بودن عیسی تاکید دارد، در حالیکه الهی بودن او پوشیده است (یعنی راز مسیحی) تا زمانیکه او ماموریت مسیح بودنش را کامل می کند (خدمتگزار رنج دیده). تا کتاب اعمال رسولان که "عیسی مسیح" تبدیل به عنوان همیشگی او می شود، این تحقق نمی یابد.

NASB: انجیل مرقس ۱: ۲ الی ۸

در کتاب ایشعای نبی نوشته شده است: "اینک پیام آور خود را پیشاپیش تو می فرستم، که راهت را مهیا خواهد کرد؛ آندای آن که در بیابان فریاد بر می آورد: "راه خداوند را آماده کنید! طریقه های او را هموار سازید". آپس یحییای تعمیددهنده در بیابان ظهور کرده، به تعمید توبه برای آموزش گناهان موعظه می کرد. اهالی دیار یهودیه و مردمان اورشلیم، همگی نزد او می رفتند و به گناهان خود اعتراف کرده، در رود اردن از او تعمید می گرفتند. یحیی جامه از پشم شتر بر تن می کرد و کمر بندی چرمین بر کمر می بست، و ملخ و عسل صحرایی می خورد. او موعظه می کرد و می گفت: "پس از من، کسی توانا تر از من خواهد آمد که من حتی شایسته نیستم خم شوم و بند کفشهایش را بگشایم. من شما را با آب تعمید داده ام، اما او با روح القدس تعمیدتان خواهد داد".

۱: ۲ "همانطور که نوشته شده است" کلمه "نوشته شده" زمان کامل است، یک اصطلاح یهودی است که بر مکاشفه جاودانه خدا صدق می کند (یعنی کتاب مقدس).

■ "در کتاب ایشعای نبی" این نقل قول ترکیبی است از ملاکی ۳: ۱ و اشعیا ۴۰: ۳. در نسخه عبری متن مازراتی یا نسخه *Septuagint* یونانی اشعیا ۴۰: ۳ این نیست. به همین دلیل برخی از کاتبین متن را به "در کتب انبیا نوشته شده" تغییر داده اند (یعنی در بخش پیامبران مجموعه کتب عهد عتیق). حالت مفرد آن در نسخه دستنویس یونیکال ۸، B، L و D یافت می شود، ولی حالت جمع در MSS A و W دیده می شود.

اشعیا ۴۰ الی ۶۶ دو تاکید اسکاتولوژیک اساسی دارد: (۱) خدمتگزار رنج کشیده (به خصوص اشعیا ۵۲: ۱۳ الی ۵۳: ۱۲) و (۲) عصر جدید روح (به خصوص اشعیا ۵۶ الی ۶۶). در ادامه متن آغازین انجیل مرقس چندین اشاره احتمالی به اشعیا وجود دارد.

■ "پیام آور خود را پیشاپیش تو می فرستم" اصطلاح "پیام آور" می تواند به یک فرشته اشاره داشته باشد (مراجعه شود به خروج ۲۳: ۲۰، که اشاره دیگری به خروج است)، ولی در اینجا اشاره به یک "پیام آور" (مراجعه شود به ملاکی ۳: ۱) دارد. این می تواند یک بازی با کلمه گاسپیل (یعنی پیام خوش) باشد. این یکی از معدود نقل قولهای عهد عتیق در انجیل مرقس است که اساساً برای رومیان نوشته شده است. این اشاره به بشارت یحیی تعمید دهنده (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱: ۴) دارد. نشان می دهد که سنت نبوت عهد عتیق تحقق یافته است (این همچنین منعکس کننده شفا دادن آنها و جن گیریهای عیسی است، که نبوت مسیح در اشعیا هم هست). بشارت یحیی تعمید دهنده در هر چهار انجیل ذکر شده است.

۱: ۳ "ندای آن که در بیابان فریاد بر می آورد" این نقل قولی است از اشعیا ۴۰: ۳ از جانب یک منبع ناشناخته. اصطلاح "بیابان" یعنی زمین غیر مسکونی نه زمین خشک و صحرای شنی.

■ "راه خداوند را آماده کنید" این زمان آنوریست امری فعال است که گویای فوریت امر است. در انجیل مازراتی عبری، ارباب (یعنی *adon*) خوانده می شود ولی یهوه (ارباب) در متن عبری است. این عبارت در اصل به آماده سازی فیزیکی برای یک دیدار سلطنتی است (مراجعه شود به اشعیا ۵۷: ۱۴، ۶۲: ۱۰). به صورت استعاره ای به بشارت یحیی تعمید دهنده برای آماده کردن معنوی راه برای عیسی مسیح که ارباب (یعنی *kurios*) نیز خوانده می شود، اشاره دارد.

■ "طریقه‌های او را هموار سازید" در انجیل مازراتی عبری و همچنین در LXX "راه خدایمان را هموار سازید" آمده است. مرقس (یا پطرس) ۹ متن را تغییر دادند (یا از یک منبع ناشناخته نقل کردند) تا آن را به طور اختصاصی در رابطه با عیسی نشان دهند، نه یهوه.

۴:۱ "یحییای تعمیددهنده" چرا یحیی با آب تعمید می‌داد؟

۱. تقدم عهد عتیق در اهمیت بخشیدن به جدلهای پیمان جدید (مراجعه شود به خروج ۱۹: ۱۰ و ۱۴، اشعیا ۱: ۱۶، ارمیا ۳۱: ۳۴، حزقیال ۳۶: ۲۵)
۲. عمل پاکسازی (مراجعه شود به لاویان ۱۵)
۳. استعاره اسکاتولوژیک نبوتی در مورد دادن آب حیات از جانب خدا (اشعیا ۱۲: ۲ الی ۳، ارمیا ۲: ۲، ۳، ۱۷: ۱۳، حزقیال ۴۷: ۱، زکریا ۱۳: ۱، ۱۴: ۸، مکاشفه ۲۲: ۱)
۴. انجام مراسم تعمید به عنوان حرکت آغازین برای اینکه بخشی از مردم خدا شوند
۵. یک شیوه روحانی برای آماده ساختن زائرین برای نزدیک شدن به یهوه در معبد (احتمالا با غوطه‌وری در آب، مراجعه شود به تراکات میکوا در میشنا). این مراسم شستشو هنوز توسط مسلمانان قبل از ورود به مسجد انجام می‌شود.

■ "ظهور کرد" این می‌تواند اشاره به نبوت ظهور حیرت انگیز الیاس، قبل از ظهور ناگهانی مسیح باشد (مراجعه شود به ملاکی ۳: ۱).

■ "موعظه می‌کرد" این اصطلاح "اعلام کردن" (*kērussō*) است، که به معنی اعلام کردن یک پیام به صورت گسترده و یا در ملا عام می‌باشد (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱: ۴ و ۷ و ۱۴ و ۳۸ و ۳۹ و ۴۵). مرقس از حالت فعل گاسپل استفاده نمی‌کند (*euangelizō*).

یحیی آمد و تعمید را برای توبه موعظه می‌کرد (موضوع خاص بعدی را مطالعه کنید). همین پیام توسط عیسی ادامه یافت، ولی با اضافه شدن تاکید بر ایمان (موضوع خاص در بخش مربوط به انجیل مرقس ۱: ۱۵ را مطالعه کنید). پیمان جدید نیاز به توبه و ایمانی دارد که در تعمید نشان داده می‌شود و تبدیل به یکی از موارد مورد بحث موعظه‌های شاگردان در اعمال رسولان می‌شود (یعنی *kerygma*).

۱. پطرس

a. اولین موعظه کلیسا (اعمال رسولان ۲: ۳۷ الی ۳۹)

i. توبه کنید

ii. تعمید داده شوید

b. دومین موعظه کلیسا (اعمال رسولان ۳: ۱۶ و ۱۹)

i. ایمان

ii. توبه

۲. فیلیپوس (اعمال رسولان ۸: ۱۲)

a. ایمان

b. تعمید

۳. پولوس

a. زندانبان فیلیپیان (اعمال رسولان ۱۶: ۳۱ و ۳۳)

i. ایمان

ii. تعمید

b. خداحافظی از بزرگان افسس (اعمال رسولان ۲۰: ۲۱)

i. توبه در برابر خدا

ii. ایمان به مسیح

c. شهادت در برابر آگریپا (اعمال رسولان ۲۶: ۱۸)

i. روی برگرداندن از تاریکی (شیطان)، یعنی توبه

ii. به سوی نور (خدا)

از نظر من نیازهای پیمان جدید به شرح زیر هستند

۱. توبه

۲. ایمان

۳. اطاعت

۴. پایداری

هدف پیمان جدید این است که الان شبیه مسیح باشیم چرا که دیگران تغییر را ببینند و به سوی آن جذب شوند و به مسیح ایمان آورند!

■ "تعمید توبه" تعمیم مکانیزمی برای بخشش نیست، بلکه فرصتی است برای اقرار به ایمان مومن در ملا عام. یک عمل مقدس نیست، بلکه گرایش جدیدی است نسبت به گناه و رابطه جدید با خدا. یک عمل برونوی است به نشانه تغییر درونی.

موضوع خاص: توبه (عهد عتیق)

(SPECIAL TOPIC: REPENTANCE IN THE OLD TESTAMENT)

این مفهوم بسیار حساس بوده و در عین حال تعریف آن سخت است. بیشتر ما تعریفی داریم که از تفکرات دینی ما ناشی می‌شود. با این وجود، معمولاً یک مجموعه تعاریف مذهبی بر چندین کلمه عبری (و یونانی) اعمال می‌شوند که معمولاً دلالت بر این مفهوم ندارند. باید به خاطر داشت که نویسندگان عهد جدید (به استثنای لوقا) با تفکر عبری اصطلاحات یونانی کوین را استفاده می‌کردند، بنابراین جایی که باید شروع کنیم خود اصطلاحات عبری هستند که اساساً دو اصطلاح می‌باشند:

۱. *nacham* (BDB 636, KB 688)

۲. *shub* (BDB 996, KB 1427)

کلمه نخست، *nacham*، که در اصل به معنی "نفس عمیق کشیدن" است، در چندین مفهوم استفاده شده است:

۱. "استراحت"، "راحتی" (برای مثال، کتاب پیدایش ۵: ۲۹، ۲۴: ۶۷، ۲۷: ۴۲، ۳۷: ۳۵، ۳۸: ۱۲، ۵۰: ۲۱، اغلب به صورت اسم استفاده شده، مراجعه شود به دوم پادشاهان ۱۵: ۱۴، اول تواریخ ۴: ۱۹، نحمیا ۱: ۷، ۱: ۷، ناحوم ۱: ۱)
۲. "اندوهگین"، "مغموم" (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۶: ۶ و ۷)
۳. "تغییر یافتن عقیده" (مراجعه شود به کتاب خروج ۱۳: ۱۷، ۳۲: ۱۲ و ۱۴، اعداد ۲۳: ۱۹، یعقوب ۴۲: ۵ الی ۶)
۴. "رحم و شفقت" (مراجعه شود به تثنیه ۳۲: ۳۶)

توجه داشته باشید که تمامی اینها در بردارنده احساسات عمیق هستند. نکته کلیدی اینجاست: احساسات عمیقی که منجر به عمل می‌شوند. تغییر عمل معمولاً به سوی افراد دیگری، و همچنین خدا، هدایت می‌شود. این تغییر گرایش و عمل به سوی خدا است که به این اصطلاح چنین اهمیت الهیاتی می‌دهد. ولی در اینجا محبت و توجه را نیز باید آزمود. خدا گفت که باید توبه کرد (مراجعه شود به پیدایش ۶: ۶ و ۷، خروج ۳۲: ۱۴، داوران ۲: ۱۸، اول سموئیل ۱۵: ۱۱ و ۳۵، مزامیر ۱۰۶: ۴۵)، ولی این نتیجه آندوه به خاطر گناه و یا خطا نیست، بلکه یک شیوه مفهومی برای نشان دادن رحم و شفقت خدا و توجه خدا است (مراجعه شود به اعداد ۲۳: ۱۹، اول سموئیل ۱۵: ۲۹، مزامیر ۱۱۰: ۴، ارمیا ۴: ۲۷ الی ۲۸، حزقیال ۲۴: ۱۴). اگر گناهکار واقعاً به سوی خدا روی آورد، مجازات گناه و شورش او بخشیده می‌شود. این یک تغییر مسیر زندگی است.

اصطلاح دوم، *shub*، یعنی "چرخیدن" (چرخش از، به عقب چرخیدن، چرخیدن به طرف). فعل *shub* (BDB 996, KB 1427) اساساً به معنی به عقب برگشتن یا "بازگشتن" است. در موارد زیر استفاده شده است:

۱. روی گرداندن از خدا، اعداد ۱۴: ۴۳، یوشع ۲۲: ۱۶ و ۱۸ و ۲۳ و ۲۹، داوران ۲: ۱۹، ۸: ۳۳، اول سموئیل ۱۵: ۱۱، اول پادشاهان ۹: ۶، ارمیا ۳: ۱۹، ۸: ۴
۲. روی آوردن به سوی خدا، اول پادشاهان ۸: ۳۳ و ۴۸، دوم تواریخ ۷: ۱۴، ۱۵: ۴، ۳۰: ۹، مزامیر ۵۱: ۱۳، ۱۱۶: ۷، اشعیا ۶: ۱۰، ۱۰: ۲۱ و ۲۲، ۳۱: ۶، ارمیا ۳: ۷ و ۱۲ و ۱۴ و ۲۲، ۴: ۵، ۵: ۴، ۶: ۱، ۷: ۱۰ و ۱۶، ۱۱: ۵، ۱۴: ۱ و ۲، عاموس ۴: ۶ و ۸ الی ۱۱ (به خصوص به ارمیا ۷ و عاموس ۴ توجه کنید)
۳. بیهوده در ابتدا به اشعیا می‌گوید که قوم بیهود نمی‌تواند توبه کند و نخواهد کرد (مراجعه شود به اشعیا ۶: ۱۰)، ولی نه برای نخستین بار در کتاب، او آنان را فرا می‌خواند تا به سمت او بازگردند.

توبه آنقدر که گرایش به سمت خدا است، احساسی نیست. تغییر مسیر زندگی است از خود به سمت او. نشان دهنده تمایل به تغییر در زندگی و تغییر کردن است. توقف کامل گناه نیست، بلکه توقف روزانه شورش آگاهانه است! حالت معکوس نتایج خود-محوری سقوط در پیدایش ۳ است. نشان دهنده تصویر و شباهت خدا (پیدایش ۱: ۲۶ الی ۲۷)، هر چند آسیب دیده، ولی احیا شده است. رفاقت با خدا مجدداً توسط انسان همراه ممکن است. توبه در عهد عتیق اساساً به معنی "تغییر اعمال" است، در حالیکه در عهد جدید به معنی "تغییر فکر" است (موضوع خاص: توبه در عهد جدید را مطالعه کنید). هر دوی اینها برای توبه واقعی انجیلی ضروری هستند. همچنین ضروری است که تشخیص دهیم توبه هم عمل اولیه و هم یک فرایند ممتد است. عمل اولیه را می‌توان در انجیل مرقس ۱: ۱۵، اعمال رسولان ۳: ۱۶ و ۱۹، ۲۰: ۲۱ مشاهده کرد، در حالیکه فرایند در حال انجام را می‌توان در اول یوحنا ۱: ۹، مکاشفه ۲ و ۳ دید. توبه یک گزینه نیست (مراجعه شود به انجیل لوقا ۱۳: ۳ و ۵).

اگر این درست باشد که دو پیش نیاز پیمان جدید توبه و ایمان باشند (مراجعه شود به انجیل متی ۳: ۲، ۴: ۱۷، انجیل مرقس ۱: ۴ و ۱۵، ۲: ۱۷، انجیل لوقا ۳: ۳ و ۸، ۵: ۳۲، ۱۳: ۳ و ۵، ۱۵: ۷، ۱۷: ۳)، پس *nacham* اشاره به احساسات شدید تشخیص دادن گناه فرد و روی برگرداندن از آن است، در حالیکه *shub* اشاره به روی برگرداندن از گناه و بعد روی آوردن به سمت خدا است (یکی از مثالهای این دو عمل معنوی عاموس ۴: ۶ الی ۱۱ است، "به سمت من نخواهید آمد" [پنج مرتبه] و عاموس ۵: ۴ و ۶ و ۱۴ "مرا بجوئید... خدا را بجوئید... خدا را بجوئید نه شیطان را). بزرگترین مثال در مورد قدرت توبه گناه داوود با بتشبا است (مراجعه شود به دوم سموئیل ۱۲، مزامیر ۳۲ و ۵۱). عواقب دنباله داری برای داوود، خانواده اش و اسرائیل وجود داشت، ولی داوود دوستی اش با خدا را تجدید نمود! حتی مناسب ضعیف می تواند توبه کند و بخشیده شود (مراجعه شود به دوم تواریخ ۳۳: ۱۲ الی ۱۳).

هر دو این اصطلاحات به صورت همسو در مزامیر ۹۰: ۱۳ استفاده شده اند. باید گناه تشخیص داده شود و از روی عمد و به صورت فردی باید از آن روی برگرداند، همچنین باید تمایل به جستجوی خدا و پارسایی او وجود داشته باشد (مراجعه شود به اشعیا ۱: ۱۶ الی ۲۰). توبه جنبه شناختی، جنبه فردی و جنبه اخلاقی دارد. هر سه مورد نیاز و ضروری هستند، دو تا برای شروع رابطه با خدا و برقراری رابطه جدید. احساس عمیق تاسف و پیشمانی به اطاعت و پیروی و وقف خدا شدن منتهی می شوند.

■ "برای آموزش گناهان" اصطلاح "آمزش" به مفهوم "کنار گذاشتن" است. این یکی از چندین اصطلاح انجیلی برای بخشش و آمرزش است. رابطه استعاره‌ای با روز تطهیر در عهد عتیق دارد (مراجعه شود به لایوان ۱۶) در جایی که یکی از دو بز مخصوص از کمپ اسرائیل رانده می شود، و به صورت نمادین به معنی گناهان را بردن است (مراجعه شود به لایوان ۱۶: ۲۱ الی ۲۲، عبرانیان ۹: ۲۸، اول پطرس ۲: ۲۴).

۱: ۵ "اهالی دیار یهودیه و مردمان اورشلیم، همگی نزد او می رفتند" این یک شیوه اغراق شرقی است (یعنی مبالغه)، ولی نشانگر تاثیر عظیم موعظه یحیی است. او نخستین صدای انبیا از زمان ملاکی در چهارصد سال گذشته بود. این زمان غیر کامل است که به معنی آمدن پشت سر هم مردم است، زیرا آنان یحیی را به عنوان یک پیامبر می شناختند.

■ "تعمید می گرفتند" این هم یک زمان غیر کامل است که از تداوم عمل در گذشته سخن می گوید. بسیاری از یهودیان روز جدید کار خدا را احساس می کردند و برای آن، آماده می شدند.

■ "به گناهان خود اعتراف کرده" این ضمیر مفعولی متوسط است، که به معنی "همان را گفتن" است. این اقرار عمومی مبنی بر نیاز به بخشایش معنوی بود.

مفهوم این کار چنین بود که اگر این یهودیان توبه می کردند و شیوه زندگی خود را تغییر می دادند، یهوه کاملاً گناهانشان را می بخشید (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱: ۴، انجیل متی ۳: ۶، انجیل لوقا ۳: ۳). یقیناً این یک الگوی عهد عتیقی بود. شامل بخشایش کامل از طریق توبه، ایمان، تغییر در شیوه زندگی، و اینک تعمیم به عنوان یک عمل نمادین برون بود! این الگوی عهد عتیقی توسط بشارت مسیحی عیسی تغییر یافت. این کارها همچنان وجود دارند، ولی ایمان فردی به عیسی به عنوان محور اصلی است (مراجعه شود به اعمال رسولان ۲: ۳۸، ۳: ۱۶ و ۱۹، ۲۰: ۲۱). چهار انجیل یک دوره تغییر و تحول را شکل می دهند. انجیل مرقس ۱: ۱۴ الی ۱۵ در دوره یحیی تعمیم دهنده بود، ولی از منظر الهیات پیام خبر خوش را پیش بینی می کند (یعنی توبه، ایمان و یک زندگی جدید). نکته اصلی اینجاست که عیسی کیست! او نماینده یهوه، آشکار کننده، و نماینده رستگاری و داوری است. این دلیل راز مسیحیت در انجیل مرقس است. عیسی از همان ابتدا تماماً خدا بود (باکره حامله)، ولی به طور کامل آشکار نشد تا زمانی که از مردگان قیام کرد و معراج نمود.

موضوع خاص: اعتراف/اقرار (SPECIAL TOPIC: CONFESSION)

۱. در زبان یونانی دو حالت متفاوت برای کلمه‌ای از یک ریشه برای "اعتراف" و "اقرار" به کار می رود، *exomologō / homologeō*. لفظ مرکب از *homo*، است مشابه *legō* به معنی صحبت کردن، یا *ex* به معنی بیرون از. معنی پایه گفتن یک مطلب مشابه یا موافق بودن است. حرف اضافه *ex* که اضافه شده دلالت بر اعلام عمومی است.

۲. ترجمه انگلیسی این کلمه مرکب اینها هستند:

a. Praise - ستایش

b. Agree - موافق

c. Declare - اعلام (رجوع شود به انجیل متی ۷: ۲۳)

d. Profess - اقرار

e. Confess اعتراف (رجوع شود به عبرانیان ۴: ۱۴ و ۱۰: ۲۳)

۳. این کلمه مرکب کاربردهای متضاد هم دارد

a. ستایش کردن (خدا)

b. اقرار به گناه

اینها ممکن است نشات گرفته از احساسات انسانی نسبت به مقدس بودن خدا و گناهکار بودن خودش باشد. تأیید کردن حقیقت هر کدام تأیید کردن هر دو می باشد.

۴. کاربردهای این کلمه مرکب در عهد جدید به شرح زیر می باشند.

a. وعده دادن (رجوع شود به انجیل متی ۱۴: ۷، اعمال رسولان ۷: ۱۷)

b. موافقت کردن یا رضایت دادن به چیزی (رجوع شود به انجیل یوحنا ۱: ۲۰، انجیل لوقا ۲۲: ۶، اعمال ۲۴: ۱۴، عبرانیان ۱۱: ۱۳)

c. ستایش کردن (رجوع شود به انجیل متی ۱۱: ۲۵، انجیل لوقا ۱۲: ۸، انجیل یوحنا ۹: ۲۲، رومیان ۱۰: ۹، فیلیپیان ۲: ۱۱، اول یوحنا ۲: ۲۳، مکاشفه ۳: ۵)

d. موافق بودن با

i. یک فرد (رجوع شود به انجیل متی ۱۰: ۳۲، انجیل لوقا ۱۲: ۸، انجیل یوحنا ۹: ۲۲، ۱۲: ۴۲، رومیان ۱۰: ۹، فیلیپیان ۲: ۱۱، اول یوحنا ۲: ۲۳، مکاشفه ۳: ۵)

ii. حقیقت (رجوع شود به اعمال رسولان ۲۳: ۸، اول یوحنا ۴: ۲)

e. اعلام عمومی کردن (مفهوم قانونی و حقوقی در تأیید مذهبی وارد شده است، رجوع شود به اعمال رسولان ۲۴: ۱۴، اول تیموتائوس ۶: ۱۳)

i. بدون اقرار به گناه (رجوع شود به اول تیموتائوس ۶: ۱۲ و عبرانیان ۱۰: ۲۳)

با اقرار به گناه (رجوع شود به انجیل متی ۳: ۶، اعمال رسولان ۱۹: ۱۸، عبرانیان ۴: ۱۴، یعقوب ۵: ۱۶، اول یوحنا ۱: ۹)

۱: ۶ "یحیی جامه از پشم شتر بر تن می کرد" این پوشش همیشگی او بود (ضمیر مفعولی کامل میانی). این پوست شتر نبود، بلکه لباسی بود که از پشم شتر بافته شده بود (مراجعه شود به دوم پادشاهان ۱: ۸، انجیل متی ۳: ۴). او مرد صحرا و نبی بود (مراجعه شود به زکریا ۱۳: ۴). یوحنا همانند الیاس لباس می پوشید، که ملاکی ۳: ۱ و ۴: ۵ می گوید پیش قراول مسیح بودند.

■ "ملخ و غسل صحرايي" این غذای معمولی صحرا نشینان بود. ملخ غذای مجاز و قابل قبول بود (مراجعه شود به لایوان ۱۱: ۲۲). او آنچه را که در طبیعت در دسترس بود می خورد.

۱: ۷ این آیه و انجیل مرقس ۱: ۸ موضوع آماده سازی پیام توسط یحیی را نشان می دهد. او به نقش خود و جایگاهش در رابطه آن که از سوی خدا می آید واقف بود (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۳: ۳۰). او خود را خدمتگزار و برده احساس می کرد (فقط بردگان کفش شخص دیگری را از پایش در می آوردند). خود را خوار شمردن یحیی را هر چهار انجیل به ثبت رسانده اند (مراجعه شود به انجیل متی ۳: ۱۱، انجیل لوقا ۳: ۱۶، و انجیل یوحنا ۱: ۲۷، همچنین در موعظه پولس در اعمال رسولان ۱۳: ۲۵). احتمالاً این توسط نویسندگان انجیل اضافه شده است زیرا ارتدادی که بعداً بسط یافت حول یحیی تعمید دهنده بود (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۸: ۲۴ الی ۱۹: ۷).

۱: ۸ "من شما را با آب تعمید داده ام" به خاطر داشته باشید، تعمید یحیی برای آماده سازی بود. این به تعمید مسیحی اشاره نمی کند. یحیی آخرین پیامبر عهد عتیق بود (مراجعه شود به انجیل لوقا ۱۶: ۱۶)، یک موعظه کننده انتقالی، نه اولین موعظه کننده پیام خوش (مراجعه شود به انجیل لوقا ۱۶: ۱۶، اعمال رسولان ۱۹: ۱۷). او همانند نقل قول از اشعیا، پیمان قدیم و پیمان جدید را به یکدیگر مرتبط می سازد.

■ "او با روح القدس تعمیدتان خواهد داد" این با تعمید یحیی در تضاد است. مسیح عصر روح را برپا می کند. تعمید او با (یا "در" یا "توسط") روح انجام می شود. بحثهای زیادی میان مذهبیین وجود دارد که این به کدام رخداد در تجربه مسیحیت اشاره دارد. برخی معتقدند که به تجربه قدرت گرفتن پس از رستگاری اشاره دارد، نوعی برکت دوم. من به شخصه معتقدم اشاره به مسیحی شدن دارد (مراجعه شود به اول قرتیان ۱۲: ۱۳). من پر شدن و تجهیز شدن بعد از آن را انکار نمی کنم، ولی معتقدم فقط یک تعمید روحانی اولیه در مسیح وجود دارد که در آن مومنین مرگ و قیام عیسی را شناسایی و تأیید می کنند (مراجعه شود به رومیان ۶: ۳ الی ۴، افسسیان ۴: ۵، کولسیان ۲: ۱۲). این کار اولیه روح در انجیل یوحنا ۱۶: ۸ الی ۱۱ ترسیم شده است. با قدرت درک من، کارهای روح عبارتند از:

۱. محکوم کردن گناه

۲. آشکار کردن حقیقت درباره مسیح

۳. هدایت به سوی پذیرش خبر خوش

۴. تعمیم در مسیح
 ۵. محکوم کردن مومنی که مدام گناه می‌کند
 ۶. شکل بخشیدن مومن به اینکه همانند مسیح باشد

NASB: انجیل مرقس ۱: ۹ الی ۱۱

در آن روزها، عیسی از ناصره جلیل آمد و در رود اردن از یحیی تعمید گرفت.^{۱۰} چون عیسی از آب برمی‌آمد، در دم دید که آسمان گشوده شده و روح همچون کبوتری بر او فرود می‌آید.^{۱۱} و ندایی از آسمان در رسید که "تو پسر محبوب من هستی و من از تو خوشنودم".

۹: ۱ "عیسی از ناصره جلیل آمد" عیسی در بیت‌الحم یهودیه بدنیا آمد، چند سالی در مصر زندگی کرد، و بعد در ناصره، شهر زادگاه یوسف و مریم مستقر شد، که یک شهر کوچک و محل جدید استقرار یهودیان یهودیه در شمال بود. بشارت اولیه عیسی در منطقه شمالی و اطراف دریای جلیل بود، که نبوت اشعیا ۹: ۱ را تحقق می‌بخشد.

■ "عیسی تعمید گرفت" اناجیل از نظر زمانبندی تاریخی تاریخی در مورد بشارتهای عیسی در جلیل و یهودیه تفاوت دارند. به نظر می‌رسد یک بشارت اولیه و بشارت دیگری در یهودیه انجام داده باشد، ولی زمانبندی تاریخی هر چهار انجیل باید یکسان باشند تا بتوان این دیدار اولیه از یهودیه را دید (انجیل یوحنا ۲: ۱۳ الی ۴: ۳).

اینکه چرا عیسی تعمید گرفت همیشه برای مومنین تعمق برانگیز است زیرا تعمید یحیی، تعمید توبه بود. عیسی به بخشایش نیاز نداست زیرا او به دور از گناه بود (مراجعه شود به دوم قرن‌تینان ۵: ۲۱، عبرانیان ۴: ۱۵، ۷: ۲۶، اول پطرس ۲: ۲۲، اول یوحنا ۳: ۵). نظریات بدین شرح هستند:

۱. مثالی برای مومنین بود که آن را دنبال کنند
۲. نیاز به اینکه مومنین او را شناسایی کنند
۳. انتصاب و تجهیز او برای بشارتش بود
۴. نمادی برای وظیفه رستگاری او بود
۵. موافقت او برای بشارت و پیام یحیی تعمید دهنده بود
۶. پیش‌گویی نبوتی در مورد مرگ، دفن و قیام او بود (مراجعه شود به رومیان ۶: ۴، کولسیان ۲: ۱۲)

دلیل آن هر چه که باشد، لحظه تعریف کننده در زندگی عیسی بود. هر چند دلالت بر این ندارد که عیسی در این مرحله تبدیل به مسیح می‌شود، که نقطه شروع ارتداد قیومین است (مراجعه شود به *The Orthodox Corruption of Scripture* نوشته Bart D. Ehrman صفحه ۴۷ الی ۱۱۸)، ولی این کار برای او اهمیت زیادی داشت.

۱۰: ۱

NASB, NKJV	بلافاصله
NRSV	همان دم
TEV	به محض اینکه
NJB	یکمرتبه

این یک اصطلاح متداول در انجیل مرقس است. این اصطلاح مشخصه انجیل او است. در اینجا *euthus* "بلافاصله" یا "بی‌درنگ" ترجمه می‌شود (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱: ۱۰ و ۱۲ و ۱۸ و ۲۰ و ۲۸ و ۴۲ و ۲: ۲ و ۸ و ۱۲ و ۳: ۶، ۴: ۵ و ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ و ۲۹ و ۵: ۵ و ۲۹ و ۴۲ و ۶: ۲۵ و ۲۷ و ۴۵ و ۵۰ و ۵۴، ۷: ۳۵، ۸: ۱۰، ۹: ۱۵ و ۲۰ و ۲۴ و ۱۰: ۵۲، ۱۱: ۳، ۱۴: ۴۳ و ۴۵ و ۱۵: ۱).

این اصطلاحی است که انجیل مرقس حس تند-گامی یا اکشن به خواننده می‌دهد که باب طبع رومیان بود. این کلمه مرکب ۴۷ مرتبه در انجیل مرقس تکرار شده است (مراجعه شود به *A Translator's Handbook on the Gospel of Mark* نوشته Robert Bratcher and Eugene Nida صفحه ۲۹).

■ "از آب برمی‌آمد" این ممکن است اشاره‌ای به اشعیا ۶۳: ۱۱ باشد، که در اصل به دریای سرخ اشاره می‌کند (یک خروج جدید در عیسی، که به زودی برای چهل روز مورد وسوسه قرار می‌گرفت، همانند اسرائیل که برایش چهل سال بود). این آیه نمی‌تواند به عنوان سند برای غسل مورد استفاده قرار گیرد. در متن می‌تواند دلالت بر بیرون آمدن از رودخانه باشد، نه بیرون آمدن از زیر آب.

■ "دید" این ممکن است دلالت بر این داشته باشد که فقط عیسی تأیید مسیح بودنش را دید و شنید. اگر چنین باشد، در چهارچوب موضوع تکراری راز

مسیحیت انجیل مرقس قرار می‌گیرد. با این وجود، سایر اناجیل هم این رخداد را به همین شیوه ثبت کرده‌اند (مراجعه شود به انجیل متی ۳: ۱۳ الی ۱۷، انجیل لوقا ۳: ۲۱ الی ۲۲).

■ "آسمان گشوده شده" این ممکن است اشاره به اشعیا ۶۴: ۱ داشته باشد. این اصطلاح به معنی پاره و باز شدن است، که استعاره‌ای برای پاره و باز شدن آسمان بالای زمین است (مراجعه شود به پیدایش ۱: ۶).

■ "روح همچون کبوتری" منشا این استعاره می‌تواند یکی از اینها باشد:

۱. حرکت روح بر روی آب در پیدایش ۱: ۲
۲. پرندگانی که نوح در پیدایش ۸: ۶ الی ۱۲ از کشتی فرستاد
۳. استفاده روحانیون از این به عنوان نماد قوم اسرائیل (مراجعه شود به مزامیر ۶۸: ۱۲، ۷۴: ۱۹)
۴. نماد صلح و آرامش (مراجعه شود به انجیل متی ۱۰: ۱۶)

یک دلیل که من به شخصه خود را مقید به روش تفسیر تاریخی-دستور زبانی متون انجیلی می‌دانم، که تمرکزش بر قصد نویسنده در مفهوم واقعی متن است، شیوه هوشمندانه یا ماهرانه مفسرین باستانی (و همچنین مفسرین عصر مدرن) در بازی با متن است تا آن را در ساختار الهیاتی خود بگنجانند. با اضافه کردن ارزش عددی حروف یونانی کلمه "کبوتر" (*peristera*)، که برابر با عدد ۸۰۱ است، می‌توان همین ارزش عددی را از کلمات یونانی آلفا (برابر ۱) و امگا (برابر ۸۰۰) بدست آورد، بنابراین کبوتر برابر با روح ابدی مسیح است. این خیلی هوشمندانه است، ولی ایزوگرافی است، نه تفسیری!

■ "بر او" این حرف اضافه *eis* است که به معنی "در او" می‌باشد. دلالت بر این ندارد که عیسی پیشتر روح القدس را نداشت، ولی این یک نشانه مشهود و خاص اقتدار دادن روح القدس برای وظیفه مسیحانه او است. این می‌تواند اشاره‌ای هم به تحقق نبوت باشد (مراجعه شود به اشعیا ۶۳: ۱۱).

مرقس از حرف اضافه "در او" (*eis*) استفاده می‌کند، ولی متی و لوقا از "بر او" (*epi*) استفاده می‌کنند. این بدین دلیل است که انجیل مرقس، که هیچ یک از بخشهای تولد و بازدیدها را ندارد، مستقیماً با شروع بشارت عیسی و رخداد تعمید او آغاز می‌شود. این خلاصه گویی توسط گروه‌های مرتد، قیومین و عرفا مورد استفاده قرار گرفت، تا تصریح کنند عیسی یک انسان معمولی بود و به صورت ماورا الطبیعه‌ای از مسیح در این مقطع اقتدار گرفت و پس از این بود که می‌توانست معجزه کند. بعداً کاتبین حرف اضافه را به "به" (*pros*) تغییر دادند.

موضوع خاص: پذیرش (ارتداد اولیه)

(SPECIAL TOPIC: ADOPTIONISM)

این یکی از نگرشهای اولیه در مورد رابطه عیسی با خدا به عنوان کاملاً از جنس خدا و با این حال کاملاً انسان بود (مراجعه شود به اول یوحنا ۴: ۱ الی ۳). اساساً تصریح می‌کرد که عیسی از هر جهت یک انسان معمولی بود و به مفهوم خاصی توسط خدا در زمان تعمید (مراجعه شود به انجیل متی ۳: ۱۷، انجیل مرقس ۱: ۱۱) و یا در زمان رستاخیزش (مراجعه شود به رومیان ۴: ۱) به فرزندگی گرفته شد. عیسی به صورت چنان الگویی زندگی می‌کرد که خدا، در مقطعی (تعمید یا رستاخیز) (۱) او را به فرزندگی به عنوان پسرش انتخاب کرد (مراجعه شود به رومیان ۴: ۱، فیلیپیان ۲: ۹) و یا (۲) متولد شد، مراجعه شود به مزمور ۲: ۷، نقل قول شده در عبرانیان ۵: ۵ و ۵: ۵ به عنوان اشاره به عیسی. این ارتداد کلیسای اولیه بود که تا هشت قرن ادامه یافت. بجای اینکه تبدیل به انسان شود (تناسخ)، ارتداد این را معکوس کرد و اینکه انسان تبدیل به خدا می‌شود! این از پیش وجود داشتن عیسی را انکار می‌کند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۱ الی ۲، ۵۶: ۸ الی ۵۹، ۲۸: ۱۶، ۵: ۱۷، دوم قرنتیان ۹: ۸، فیلیپیان ۲: ۶ الی ۷، کولسیان ۱: ۱۷، عبرانیان ۳: ۱، ۵: ۱۰ الی ۸).

مشکل می‌توان با کلام، عیسی، خدای پسر، از پیش بودن از جنس خدا، پاداش گرفتن و یا تحسین شدن به خاطر به عنوان سرمشق زندگی کردن را توصیف کرد. اگر او خدا بود، چگونه می‌تواند پاداش گرفته باشد؟ اگر جلال از پیش بودن داشت (یعنی انجیل یوحنا ۱: ۱ الی ۲، فیلیپیان ۲: ۶) چگونه می‌توان به او بیشتر احترام گذاشت؟ هر چند درک آن برای ما مشکل است، پدر به دلیل تحقق بخشیدن کامل اراده پدر، به شیوه خاصی به عیسی افتخار داد.

موضوع خاص: عرفان (از کلمه یونانی *gnosis*، به معنی دانش و آگاهی، مراجعه شود

به اول تیموتائوس ۶: ۲۰)

(SPECIAL TOPIC: GNOSTICISM)

۱. در قرن اول

دنیای روم در قرن اول زمان انتخاب میان ادیان شرقی و غربی بود. خدایان یونان و پانتئون‌های روم خوش نام نبودند. ادیان مرموز بسیار متداول بودند زیرا تاکید آنها بر رابطه فردی با خدا و دانش پنهان بود. فلسفه سکولار یونانی محبوب بود و با دیگر جهانبینی‌ها ادغام می‌شد. در این دنیا مذهب انتخابی ایمان انحصاری مسیحی وارد می‌شود (عیسی تنها راه به سوی خدا است، مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۴: ۶). زمینه دقیق عرفان هر چه باشد، تلاشی شد برای انحصار بخشیدن به مسیحیت (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۴: ۶، اول یوحنا ۵: ۱۲) که باورکردنی و از نظر عقلانی برای طیف وسیعی از مخاطبین یونانی-رومی قابل قبول بود. این احتمال هست که تفکر عرفانی از فرقه‌های حاشیه‌ای یهودی ریشه گرفته باشد (مراجعه شود به DSS Sect). این می‌تواند برخی از عناصر یهودی در عهد جدید را که با عرفان رابطه دارند توضیح دهد.

۲. برخی از فرضیه‌های ابتدایی ارتداد بر اساس شواهد داخلی از یوحنا ۱

- a. انکار قیام عیسی مسیح از مردگان
- b. انکار مرکزیت عیسی مسیح در رستگاری
- c. فقدان شیوه زندگی مسیحی مناسب
- d. تاکید بر دانش (اغلب رازها و اسرار)
- e. گرایش به انحصار گرایی و نخبه‌گرایی

۳. نخستین عرفان قرن اول

a. آموزشهای عرفان اولیه در قرن نخست به نظر می‌رسد که تاکید بر دوالیسم هستی‌شناسی (ابدی) میان روح و جسم بوده باشند. روح (خدای والا) به عنوان نیکی تلقی می‌شد، در حالیکه جسم از نظر ذاتی شیطانی بود. این دوگانگی شبیه:

i. فلسفه ایده‌آل در مقابل فیزیکی افلاطون

ii. بهشتی در مقابل زمینی

iii. نامرئی در مقابل مرئی؛ (همچنین تاکید زیاده از حدی بر روی اهمیت دانش نهانی (رمزها یا کدهای رمزی که اجازه می‌دهند روح از طریق محیط فرشتگان به سمت بالا و به سوی خدای والا برود) که برای رستگاری لازم بود می‌شد).

iv. احتمالاً نفوذ زرتشت

b. دو حالت اولیه عرفان وجود دارند که ظاهراً می‌توانستند زمینه اول یوحنا باشند

i. عرفان دوکسی (*Docetic*)، که انسان بودن عیسی را نفی می‌کند، زیرا جسم شیطانی است

ii. عرفان سرینتی (*Cerinthian*) که عیسی را در میان فرشتگان خوب و بد ارزیابی می‌کرد. این "روح مسیح" را بدن انسانی عیسی را در زمان تعمید غرق می‌کند و قبل از به صلیب کشیده شدن بدنش را ترک می‌نماید

iii. از این دو گروه برخی ریاضت را تجربه کردند (اگر بدن بخواهد، شیطانی است)، بقیه آنتیسمیسم را (اگر بدن بخواهد، انجام می‌دهم)

c. هیچ مدرکی در مورد توسعه سیستم عرفان در قرن اول وجود ندارد. در حقیقت تا اواسط قرن دوم که شواهد و مستندات مکتوب وجود دارند (به متون Nag Hammadi مراجعه شود). برای اطلاعات بیشتر در مورد عرفان به منابع زیر مراجعه کنید

i. The Gnostic Religion اثر هانس یوناس، از انتشارات بیکن

ii. The Gnostic Gospels اثر ایلین پاگلز، از انتشاران رندم هاوس

iii. The Nag Hammadi Gnostic Texts and the Bible اثر اندرو هلمبولد

۴. ارتداد امروز

a. روح این ارتداد امروز در ما هست وقتی مردم سعی می‌کنند حقیقت مسیحی را با سایر سیستم‌های فکری ادغام کنند

b. روح این ارتداد امروز در ما هست وقتی مردم بر دکترین "درست" برای جدا کردن رابطه فردی و سبک زندگی با ایمان تاکید می‌کنند

c. روح این ارتداد امروز در ما هست وقتی مردم از مسیحیت به سوی نخبگی فکری انحصاری روی می‌آورند

d. روح این ارتداد امروز در ما هست وقتی مردم مذهبی به سوی عرفان یا آنتیسمیسم به عنوان بهترین راه برای رسیدن به خدا روی می‌آورند.

۱۱: "ندایی از آسمان در رسید" روحانیون صدای آسمانی یا صدایی از بهشت را *Bath Kol* می‌نامند (مراجعه شود به انجیل مرقس ۹: ۷)، که شیوه‌ای برای تأیید اراده خدا در طول دوره مبانی که هیچ پیامبری وجود نداشت، بود. این یک تصریح قدرتمند الهی برای کسانی است که با اصول روحانی یهود آشنایی دارند.

■ "توپسر محبوب من هستی" این دو عنوان جنبه سلطنتی مسیح را (مراجعه شود به مزامیر ۲: ۷) را به خدمتگزار رنج کشیده اشعیا (مراجعه شود به ۴۲: ۱) به هم پیوند می‌دهد. اصطلاح پسر در عهد عتیق می‌تواند اشاره به (۱) ملت اسرائیل، (۲) پادشاه اسرائیل یا (۳) آمدن پادشاه مسیح از نسل داوود باشد. موضوع خاص در بخش مربوط به انجیل مرقس ۳: ۱۶ را مطالعه کنید.

موضوع خاص: تثلیث (SPECIAL TOPIC: THE TRINITY)

به فعالیت هر سه نفر در یک قالب متحدالشکل توجه کنید. کلمه "تثلیث" که نخستین بار توسط ترتولین ها به کار برده شد، یک کلمه انجیلی نیست، ولی مفهوم آن فراگیر است.

۱. اناجیل

a. انجیل متی ۳: ۱۶ و ۱۷، ۲۸: ۱۹ (و بقیه بطور موازی)

b. انجیل یوحنا ۱۴: ۲۶

۲. اعمال رسولان - اعمال رسولان ۲: ۳۲ و ۳۳، ۳۸ و ۳۹

۳. پولس

a. رومیان ۱: ۴ و ۵، ۵ و ۸، ۸: ۱ الی ۴، ۸: ۱۰

b. اول قرنتیان ۲: ۸ الی ۱۰، ۱۲: ۴ الی ۶

c. دوم قرنتیان ۱: ۲۱ و ۲۲، ۱۳: ۱۴

d. غلاطیان ۴: ۴ الی ۶

e. افسسیان ۱: ۳ الی ۱۴، ۱۷ و ۲: ۱۸، ۱۴: ۳ الی ۱۷، ۴: ۴ الی ۶

f. اول تسالوکیان ۱: ۲ الی ۵

g. دوم تسالوکیان ۲: ۱۳

h. تیتوس ۳: ۴ الی ۶

۴. پطرس - اول پطرس ۱: ۲

۵. یهودا - ۲۰ الی ۲۱

چندگانگی خدا در عهد عتیق دیده می شود

۱. کاربرد به صورت جمع برای خدا

a. نام الوهیم (*Elohim*) جمع است (به موضوع خاص: اسامی الهی مراجعه کنید)، ولی وقتی در مورد خدا به کار می رود همیشه فعل

به صورت مفرد است

b. "به ما" در سفر پیدایش: ۱: ۲۶ و ۲۷، ۳: ۲۲، ۱۱: ۱۷

۲. "فرشته خدا" (به موضوع خاص: فرشته خدا مراجعه کنید) نماینده مرئی الهیات است

a. سفر پیدایش ۱۶: ۷ الی ۱۳، ۲۲: ۱۱ الی ۱۵، ۳۱: ۱۱ و ۱۳، ۴۸: ۱۵ و ۱۶

b. خروج ۳: ۲ و ۴، ۱۳: ۲۱، ۱۴: ۱۹

c. داوران ۲: ۱، ۶: ۲۲ و ۲۳، ۱۳: ۳ الی ۲۲

۳. خدا و روح القدس جدا هستند، سفر پیدایش ۱: ۱ و ۲، مزامیر ۱۰۴: ۳۰، اشعیا ۶۳: ۹ الی ۱۱، حزقیال ۳۷: ۱۳ و ۱۴

۴. خدا (یهوه) و مسیح (*Adon*) جدا هستند، مزامیر ۴۵: ۶ و ۷، ۱۱۰: ۱، زکریا ۲: ۸ الی ۱۱، ۱۰: ۹ الی ۱۲

۵. مسیح و روح القدس جدا هستند. زکریا ۱۲: ۱۰

۶. هر سه در اشعیا ۴۸: ۱۶ و ۶۱: ۱ نام برده شده اند.

الهی بودن مسیح شخصیت روح القدس باعث مشکلاتی برای یکتاپرستان سخنگیر و مومنین اولیه شد (به موضوع خاص: یکتاپرستان مراجعه شود)

۱. ترتولین - پسر را زیر دست پدر می دانستند

۲. اورینگن - ذات الهی پسر و روح القدس را پائینتر می دانستند

۳. آریوس - الهی بودن پسر و روح القدس را انکار می کردند

۴. یکتاپرستان - از لحاظ ترتیب زمانی مطرح شدن، به یک خدا در قالب پدر، پسر و روح القدس اعتقاد داشتند.

تثلیث از لحاظ تاریخی یک فرمول بسط یافته است که توسط مطالب انجیلی مطرح شده است

۱. به طور کامل الهی بودن عیسی، برابر بودن با خدا در ۳۲۵ پس از میلاد توسط شورای نیکیا تصریح شد (رجوع شود به یوحنا ۱: ۱، فیلیپیان

۲: ۶، تیتوس ۲: ۱۳)

۲. برابر بودن شخصیت و الهیت کامل روح القدس با پدر و پسر در سال ۳۸۱ پس از میلاد توسط شورای قسطنطنیه تصریح شد
۳. دکترین تثلیث به طور کامل در اثر آگوستین بنام *De Trinitate* بیان شده است
- این واقعا یک راز است. ولی عهد عتیق یک ذات الهی را (یکتاپرستی) با سه شخصیت (پدر، پسر، روح القدس) تصریح می کند.

■ "محبوب من" این عبارت یا (۱) عنوانی برای مسیح آن طور که در ترجمه های NJB، NRSV، و Williams یا (۲) یک عبارت توصیفی آن طور که در NASB، NKJV، و TEV است. در ترجمه یونانی عهد عتیق، *Septuagint*، این به صورت "محبوب" یا حتی "تنها"، مشابه انجیل یوحنا ۳: ۱۶ درک می شود.

■ "من از تو خوشنودم" این عبارت توصیفی همسو با انجیل متی ۳: ۱۷ و ۱۷: ۵ است. با این حال، این عبارت توصیفی در انجیل مرقس ۹: ۷ و انجیل لوقا ۹: ۳۵ وجود ندارد.

NASB: انجیل مرقس ۱: ۱۲ الی ۱۳

۱۲ روح بی درنگ عیسی را به بیابان برد. ۱۳ عیسی چهل روز در بیابان بود و شیطان وسوسه اش می کرد. او با حیوانات وحشی به سر می برد و فرشتگان خدمتش می کردند.

۱۲: ۱ الی ۱۳ این داستان وسوسه عیسی در مقایسه با انجیل متی ۴: ۱ الی ۱۱ و انجیل لوقا ۴: ۱ الی ۱۳ خیلی خلاصه است. در این داستانها هدف وسوسه مشخص است: چگونه عیسی از قدرت مسیح بودنش برای تحقق وظیفه رستگاری استفاده می کند (مراجعه کنید به James Stewart, *The Life and Teaching of Jesus Christ* صفحات ۳۹ الی ۴۶)؟ ولی این داستان خلاصه مرقس چه معنایی دارد؟ احتمال دارد که پطرس این رخداد را به عنوان نماد اینکه عیسی شیطان را شکست داده است دیده باشد (یعنی، با قدرت روح)، پیش بینی هفته عشق، ولی این فقط یک گمان است. متن هیچ سر نخ ارائه نمی دهد به جز زمان بندی - درست پس از (۱) آراسته شدن عیسی به روح، و (۲) تأیید عیسی توسط پدر، ولی قبل از بشارت عمومی او. این یکی از سه رخدادی است که قبل از بشارت عمومی عیسی ذکر شده است (۱ [بشارت یحیی، ۲ [تعمید یحیی، و ۳ [وسوسه شیطان).

۱۲: ۱ "بی درنگ" به یادداشت مربوط به بخش انجیل مرقس ۱: ۱۰ مراجعه کنید.

■ "روح بی درنگ عیسی را به بیابان برد" اصطلاح "بردن" در اینجا معادل پرت کردن است (اغلب در مورد بیرون راندن جن استفاده می شود، مراجعه شود به انجیل مرقس ۱: ۳۴، ۳۹، ۳: ۱۵ و ۲۲ و ۲۳، ۶: ۱۳، ۷: ۲۶، ۹: ۱۸ و ۲۸ و ۳۸). وسوسه پسر توسط نماینده شیطان انجام می شد ولی توسط روح تحریر می گردید (مراجعه شود به انجیل متی ۴: ۱ الی ۱۱، انجیل لوقا ۴: ۱ الی ۱۳). اراده خدا بود که عیسی آزمایش شود! مایلیم دو کتاب خوب در این مورد معرفی کنم، *The Life and Teaching of Jesus* اثر James S. Stewart و *Between God and Satan* اثر Helmut Thielicke.

در عهد عتیق، بیابان زمان آزمایش اسرائیل بود، ولی همچنین زمان دوستی صمیمانه هم بود. روحانیون دوره بیابان گردی را ماه غسل میان یهوه و اسرائیل نامگذاری کرده اند. الیاس و یحیی تعمید دهنده در بیابان بزرگ شدند. محل انزوا و برای آموزش، مدیتیشن، و آمادگی برای بشارت فعال بود. این دوره برای آماده سازی عیسی حساس بود (مراجعه شود به عبرانیان ۵: ۸).

۱۳: ۱ "چهل روز" این به صورت مفهومی و نمادی در انجیل استفاده شده است. نشان دهنده یک دوره نامشخص زمانی است (یعنی طولانیتر از یک چرخش ماه، ولی کوتاهتر از تغییر فصل).

موضوع خاص: اعداد نمادین در کتاب مقدس (Special Topic: Symbolic Numbers in Scripture)

۱. برخی اعداد خاص هم به صورت نماد و هم به صورت عدد رفتار میکنند
 - a. یک - خدا (یعنی تثلیث ۴: ۶، افسسیان ۴: ۴ الی ۶)
 - b. چهار - تمام زمین (یعنی چهار گوشه، چهار باد، مثال، اشعیا ۱۲: ۱۱، ارمیا ۳۶: ۴۹، دانیال ۷: ۲، ۴: ۱۱، زکریا ۶: ۲، انجیل متی ۲۴: ۳۱، انجیل مرقس ۲۷: ۱۳، مکاشفه ۱: ۷)
 - c. شش - کامل نبودن انسان (یک منهای ۷، یعنی مکاشفه ۱۳: ۱۸)
 - d. هفت - کامل بودن الهی - (هفت روز خلقت). به کاربرد نمادین در مکاشفه توجه کنید:
 - i. هفت شمعدان، مکاشفه ۱: ۱۲ و ۲: ۱
 - ii. هفت ستاره، ۱: ۱۶ و ۲: ۱
 - iii. هفت کلیسا، مکاشفه ۱: ۲۰

- .iv هفت روح خدا، مکاشفه ۱:۳، ۵:۴، ۶:۵
- .v هفت چراغ، مکاشفه ۵:۴
- .vi هفت مُهر، مکاشفه ۱:۵ و ۵
- .vii هفت شاخ و هفت چشم، مکاشفه ۶:۵
- .viii هفت فرشته، مکاشفه ۲:۸ و ۶، ۱۵:۱ و ۶ و ۷ و ۸، ۱۶:۱، ۱۷:۱
- .ix هفت شیپور، ۲:۸ و ۶
- .x هفت رعد، مکاشفه ۳:۱۰ و ۴
- .xi هفت هزار، مکاشفه ۱۳:۱۱
- .xii هفت سر، مکاشفه ۱:۱۳، ۳:۱۷ و ۷ و ۹
- .xiii هفت پلاک، مکاشفه ۱:۱۵ و ۶ و ۸، ۹:۲۱
- .xiv هفت کوزه، مکاشفه ۷:۱۵، ۹:۲۱
- .xv هفت پادشاه، مکاشفه ۱۰:۱۷

e. ده - کامل بودن

i. کاربرد در اناجیل

- ۱. انجیل متی ۲۴:۲۰، ۱:۲۵ و ۲۸
- ۲. انجیل مرقس ۴:۱۰
- ۳. انجیل لوقا ۳:۱۴، ۸:۱۵، ۱۲:۱۷ و ۱۷، ۱۳:۱۹ و ۱۶ و ۱۷ و ۲۴ و ۲۵

ii. استفاده در مکاشفه

- ۱. مکاشفه ۱۰:۲، ده روز آزمایش سخت
- ۲. مکاشفه ۳:۱۲، ۳:۱۷ و ۷ و ۱۲ و ۱۶، ده شیپور
- ۳. مکاشفه ۱:۱۳، ده تاج شاهی

iii. ضرایب ۱۰ در مکاشفه

- ۱. $1000 \times 12 \times 12 = 144000$ ، ۱۰۰۰x۱۲x۱۲، مراجعه شود به مکاشفه ۱:۱۴، ۴:۷ الی ۳
- ۲. $1000 = 10 \times 10 \times 10$ ، مکاشفه ۲:۲۰ و ۳ و ۶

f. دوازده - ساختار/نهاد انسانی

- i. دوازده پسر یعقوب (یعنی دوازده قبیله اسرائیل، کتاب پیدایش ۲۲:۳۵، ۲۸:۴۹)
- ii. دوازده ستون، خروج ۴:۲۴
- iii. دوازده سنگ بر سینه کاهن اعظم، کتاب خروج ۲۸:۲۱، ۳۹:۱۴
- iv. دوازده قرص نان برای میز در مکان مقدس (به عنوان نماد تدارکات خدا برای دوازده قبیله)، لویان ۵:۲۴، خروج ۳۰:۲۵
- v. دوازده جاسوس، تثنیه ۲۳:۱
- vi. دوازده حامل سنگ، یوشع ۲:۴ و ۳ و ۴ و ۸ و ۹ و ۲۰
- vii. دوازده شاگرد، انجیل متی ۱:۱۰
- viii. کاربرد در مکاشفه

- ۱. دوازده هزار مُهر، مکاشفه ۵:۷ الی ۸
- ۲. دوازده ستاره، مکاشفه ۱:۱۲
- ۳. دوازده فرشته، دوازده قبیله، مکاشفه ۱۲:۲۱
- ۴. دوازده سنگ زیربنا، اسامی دوازده شاگرد، مکاشفه ۱۴:۲۱
- ۵. اورشلیم جدید دوازده هزار پرتاب تیر مربع بود، مکاشفه ۱۶:۲۱
- ۶. دوازده دروازه ساخته شده از دوازده مروارید، مکاشفه ۲۱:۲۱
- ۷. درخت زندگی با دوازده نوع میوه، مکاشفه ۲:۲۲

g. چهل - عدد زمان

- i. بعضی جاها به صورت مفهومی است (خروج و بیابانگردی، کتاب خروج ۳۵:۱۶)، تثنیه ۷:۲، ۸:۲،

ii. میتواند به صورت مفهومی و یا نمادین باشد

۱. سیل، پیدایش ۷:۴ و ۱۷، ۸:۶

۲. موسی در کوه سینا، خروج ۲۴:۱۸، ۳۴:۲۸، تثنیه ۹:۹ و ۱۱ و ۱۸ و ۲۵

۳. تقسیم بندی زندگی موسی

a. چهل سال در مصر

b. چهل سال در صحرا

c. چهل سال رهبری اسرائیل

۴. عیسی چهل روز روزه گرفت، انجیل متی ۴:۲، انجیل مرقس ۱:۱۳، انجیل لوقا ۴:۲

iii. (از لحاظ مطابقت) به تعداد دفعات تکرار در خصوص تعیین زمان در انجیل توجه داشته باشید!

h. هفتاد - عدد گرد برای مردم

i. اسرائیل، کتاب خروج ۱:۵

ii. هفتاد تن از بزرگان، خروج ۱:۲۴ و ۹

iii. اسکاتولوژیک، دانیال ۹:۲ و ۲۴

iv. هیئت مامور، انجیل لوقا ۱:۱۰ و ۱۷

v. بخشش (۷x۷۰) انجیل متی ۱۸:۲۲

۲. منابع مفید

a. John J. Davis, *Biblical Numerology*

b. D. Brent Sandy, *Plowshares and Pruning Hooks*

■ "وسوسه اش می کرد" این زمان غیر کامل مجهول همراه با الفاظ اضافی است که با مصدر غیر کامل فعال "کردن" مرتبط شده است. اصطلاح "وسوسه" (*peirazō*) مفهوم "آزمودن با هدف تخریب" دارد. از جملات شرطی نوع اول در انجیل متی ۴ (مراجعه شود به انجیل مرقس ۴: ۳ و ۶) یاد می گیریم که وسوسه برای این بود که چگونه از قدرت مسیح بودن برای تحقق اراده رستگاری خدا استفاده شود.

موضوع خاص: اصطلاحات یونانی برای آزمودن و مفاهیم آنها

(SPECIAL TOPIC: GREEK TERMS FOR TESTING AND THEIR CONNOTATIONS)

دو اصطلاح یونانی وجود دارند که به مفهوم "آزمودن کسی برای هدفی" هستند.

۱. *Dokimazō, Dokimion, Dokimasia*

این اصطلاح یک اصطلاح متالورژیست است برای آزمودن اصل بودن چیزی (به صورت استعاره برای فردی) با استفاده از آتش (موضوع خاص: آتش را مطالعه کنید). آتش ماهیت واقعی فلز را نشان می دهد و مواد خارجی را می سوزاند (یعنی خالص می کند). این فرایند فیزیکی تبدیل به اصطلاحی قدرتمند برای خدا ویا شیطان و یا انسانها برای آزمودن دیگران شد. این اصطلاح فقط در مفهوم مثبت آزمایش و با دید پذیرش استفاده می شود (موضوع خاص: خدا مردمش را می آزماید [عهد عتیق] را مطالعه کنید).

در عهد عتیق برای آزمودن موارد زیر استفاده شده است:

a. گاوها، انجیل لوقا ۱۴: ۱۹

b. خودمان، اول قرنتیان ۱۱: ۲۸

c. ایمان ما، یعقوب ۱: ۳

d. حتی خدا، عبرانیان ۳: ۹

تصور می شد که حاصل این آزمونها مثبت باشد (مراجعه شود به رومیان ۲: ۱۸، ۱۴: ۲۲، ۱۶: ۱۰، دوم قرنتیان ۱۰: ۱۸، ۱۳: ۳ و ۷، فیلیپیان ۲: ۲۷، اول پطرس ۱: ۷)، بنابراین اصطلاح دربردارنده این عقیده در مورد کسی است که آزموده شده و پذیرفته می شود

a. ارزش دارد

b. خوب است

c. اصل است

d. ارزشمند است

e. قابل احترام است

۲. *Peirazō, Peirasmus*

این اصطلاح اغلب مفهوم آزمودن به منظور یافتن خطا و یا رد کردن دارد. در مورد وسوسه عیسی در بیابان استفاده شده است.

a. در بردارنده تلاش برای بدام انداختن عیسی است (مراجعه شود به انجیل متی ۴: ۱، ۱۶: ۱، ۱۹: ۳، ۲۲: ۱۸ و ۳۵: ۱، انجیل مرقس ۱: ۱۳، انجیل لوقا ۴: ۲، عبرانیان ۲: ۱۸)

b. این اصطلاح (*Peirazōn*) به عنوان لقبی برای شیطان در انجیل متی ۴: ۳، اول تسالونیکیان ۳: ۵ (یعنی "وسوسه") استفاده شده است

c. کاربرد

i. توسط عیسی استفاده شد تا به انسانها هشدار دهد خدا را نیازماید (مراجعه شود به انجیل متی ۴: ۷، انجیل لوقا ۴: ۱۲، [یا مسیح مراجعه شود به اول قرنتیان ۱۰: ۹])

ii. همچنین به تلاش برای انجام کاری است که شکست خورده است (مراجعه شود به عبرانیان ۱۱: ۲۹)

iii. در رابطه با وسوسه و محاکمه مومنین استفاده شده است (مراجعه شود به اول قرنتیان ۷: ۵، ۱۰: ۹ و ۱۳، غلاطیان ۶: ۱، اول تسالونیکیان ۳: ۵، عبرانیان ۲: ۱۸، یعقوب ۱: ۲ و ۱۳ و ۱۴، اول پطرس ۴: ۱۲، دوم پطرس ۲: ۹)

■ "شیطان" انجیل به صورت تکراری یک نیروی فردی ماورا طبیعی شیطانی را تصریح می کند.

موضوع خاص: شیطان

(SPECIAL TOPIC: SATAN)

به دلایل متعددی این موضوع بسیار دشواری است.

۱. عهد عتیق به عنوان دشمن خوبی او را نشان نمی دهد، بلکه به عنوان بنده بیهوشه نشان می دهد (به A. B. Davidson، OT Theology، صفحات ۳۰۶-۳۰۰ مراجعه کنید)، که جایگزینی را به بشریت ارائه می دهد و همچنین انسان را به نادرستی متهم می کند. تنها یک خدا وجود دارد (به موضوع ویژه: یکتاپرستی مراجعه کنید)، یک قدرت، یک علت در عهد عتیق، یعنی بیهوشه (مراجعه کنید به اشعیا ۴۵: ۷؛ عاموس ۳: ۶).

۲. مفهوم دشمن شخصی شخصی خداوند در ادبیات بین فرهنگی (غیر کانونی) تحت تاثیر ادیان دوالیسم پارسی (زرتشتیان) توسعه یافت. این، به نوبه خود، به شدت تحت تاثیر یهودیت روحانیون و جامعه اسسن (به عنوان مثال، کتیبه بحرالمیت).

۳. عهد جدید تم های عهد عتیق را به شکل شگفت انگیزی، اما انتخابی، دسته بندی می کند.

اگر کسی به مطالعه شر از دیدگاه الهیات کتاب مقدس (هر کتاب یا نویسنده یا زائر به طور جداگانه مورد مطالعه و تعریف قرار گیرد) توجه کند، دیدگاه های بسیار مختلفی از شر بدست می آید.

با این حال، اگر کسی به مطالعه شر از رویکرد غیر کتاب مقدس یا کتاب مقدس ادیان جهانی یا ادیان شرقی توجه کند، در این صورت بیشتر توسعه عهد جدید در پیشگویی دوالیسم ایرانی و روح گرایی یونانی-رومی حاصل می شود.

اگر کسی به طور پیش شرطی به اقتدار الهی کتاب مقدس متعهد باشد (همانطور که من هستم)، پس توسعه عهد جدید باید به عنوان معرفت مترقی شناخته شود. مسیحیان باید در برابر نفوذ فولکلور یهودی یا ادبیات غربی (دانت، میلتن) از این مفهوم بیشتر جبهه گیری کنند. مطمئنا رمز و راز و ابهام در این زمینه وحی است. خدا خواسته است که تمام جنبه های شر و پلیدی، منشاء آن (موضوع خاص: لوسیفر)، توسعه آن، و هدف آن را فاش نکند، اما او شکست خود را نشان داده است!

در عهد عتیق اصطلاح "شیطان" یا "متهم کننده" (KB 1317، BDB 966) می تواند به سه گروه جداگانه مرتبط باشد.

۱. متهم کنندگان انسانی (به جز ۱ سموئیل ۲۹: ۴، دوم سموئیل ۱۹: ۲۲؛ اول پادشاهان ۱۱: ۱۴، ۲۳، ۲۵؛ مزمور ۱۰۹: ۶)

۲. فرشتگان متهم کننده (مراجعه شود به اعداد ۲۲: ۲۲ الی ۲۳؛ یعقوب ۱-۲؛ زکریا ۱: ۳)

۳. شیاطین متهم کننده (مراجعه شود به اول تواریخ ۲۱: ۱، اول پادشاهان ۲۲: ۲۱، زکریا ۲: ۱۳)

تنها بعدا، در دوره مقدماتی، مار پیدایش ۳ به عنوان شیطان شناسایی شده است (مراجعه شود به کتاب خرد ۲: ۲۳ الی ۲۴؛ دوم انوش ۳: ۳۱)، و حتی بعدا این تبدیل به گزینه روحانیون می شود (مراجعه شود به Sot ۹ب و سانهدرین ۲۹ الف). "فرزندان خدا" در پیدایش ۶ تبدیل به فرشتگان در اول انوش ۶: ۵۴ می شوند. من این را ذکر می کنم، نه به دقت کلامی آن، بلکه برای نشان دادن توسعه آن. در عهد جدید، این کارهای عهد عتیق به شرارت

فرشتگی و شخصیتی شیطان نسبت داده می‌شود (مراجعه شود به دوم قرن‌تیان به ۳:۱۱؛ مکاشفه ۹:۱۲).

منشا شرارت شخصیت (بسته به دیدگاه شما) در عهد عتیق دشوار یا غیرممکن است. یکی از دلایل این امر، یکتاپرستی قوی اسرائیل است (به موضوع ویژه: یکتاپرستی مراجعه کنید؛ همچنین به اول پادشاهان ۲۰:۲۲ الی ۲۲:۲۲؛ جامعه ۷:۱۴؛ اشعیا ۷:۴۵، عاموس ۳:۶ مراجعه کنید). همه علیت (مراجعه شود به اشعیا ۴۵:۷؛ عاموس ۳:۶) به یهوه نسبت داده میشوند تا یکتا بودن و اولویت او را نشان دهند (مراجعه شود به اشعیا ۱۱:۴۳، ۶:۴۴ و ۸ و ۲۴، ۵:۴۵ الی ۶ و ۱۴ و ۱۸ و ۲۱ و ۲۲).

منابع اطلاعات احتمالی عبارتند از: (۱) یعقوب ۱ الی ۲، جایی که شیطان یکی از "پسران خدا" است (یعنی، فرشتگان)؛ یا (۲) اشعیا ۱۴ و حزقیال ۲۸، که در آن پادشاهان مغرور شرقی (بابل و تابر) احتمالاً برای نشان دادن غرور شیطان به کار استفاده شده‌اند (مراجعه شود به اول تیموتائوس ۳:۶). من احساسات مختلفی در مورد این رویکرد دارم. حزقیال از استعاره‌های باغ عدن، نه تنها برای پادشاه تابر به عنوان شیطان (مراجعه شود به حزقیال ۱۲:۲۸ الی ۱۶) بلکه برای پادشاه مصر نیز به عنوان درخت آگاهی از خیر و شر (حزقیال ۳۱) استفاده می‌کند. با این حال، اشعیا ۱۴، به خصوص در آیات ۱۲ الی ۱۴، به نظر می‌رسد شورش فرشتگان را از روی غرور توصیف می‌کند. اگر خدا بخواهد ماهیت و منشا شیطان را به ما نشان دهد، این یک شیوه و مکان بسیار مبهم برای انجام آن است. ما باید علیه روند الهیات سیستماتیک در استفاده بخشهای کوچک و متضاد آیات مختلف، نویسندگان، کتاب‌ها و ژانرها و ترکیب آنها به عنوان قطعه یک پازل الهی محافظت کنیم.

من با Alfred Edersheim *The Life and Times of Jesus the Messiah*، جلد ۲، پیوست‌های XIII (صفحات ۷۴۸ الی ۷۶۳) و XVI (صفحات ۷۷۰ الی ۷۷۶) موافقم) که روحانیون یهودی به شدت تحت تأثیر حدس و گمان دوالیسم پارسی و اهریمنی قرار گرفته‌اند. روحانیون منبع خوبی برای حقیقت در این زمینه نیستند. مسیح عمدتاً از آموزه‌های کنیسه در این حوزه دور می‌شود. من فکر می‌کنم که مفهوم دشمن قوی یهوه از دو خدای بزرگ دوالیسم ایرانی، اهریمن و اهورامزدا تشکیل شده است و سپس توسط روحانیون به دوالیسم یهوه و شیطان تبدیل شد.

یقیناً مکاشفه مترقیانه‌ای در عهد جدید در خصوص شخصیت پردازی پلیدی وجود دارد، اما نه به آن دقت روحانیون. مثال خوبی از این تفاوت "جنگ در بهشت" است. سقوط شیطان ضرورت منطقی است، اما مشخص نیست (نگاه کنید به موضوع ویژه: سقوط شیطان و فرشتگان او). حتی آنچه که داده می‌شود، در سبک آخرالزمانی ظاهر شده است (مراجعه شود به مکاشفه ۴:۱۲ و ۷ و ۱۲ الی ۱۳). اگر چه شیطان از عیسی مسیح شکست خورده و به زمین فرستاده می‌شود، او همچنان به عنوان خادم یهوه عمل می‌کند (مراجعه شود به انجیل متی ۱:۴؛ انجیل لوقا ۳:۲۲ الی ۳۲؛ اول قرن‌تیان ۵:۵؛ اول تیموتائوس ۲:۱۰).

ما باید کنجکاویمان را در این زمینه محدود کنیم. یک نیروی شخصی از وسوسه و بدی وجود دارد، اما تنها یک خدا وجود دارد و ما هنوز در برابر انتخاب خود مسئول هستیم. یک جنگ معنوی وجود دارد، هم قبل و هم بعد از رستگاری. پیروزی فقط با خدای سه گانه حاصل می‌شود و دوام می‌آورد. پلیدی شکست می‌خورد و از بین می‌رود (مراجعه شود به مکاشفه ۱۰:۲۰)!

■ "حیوانات وحشی" این احتمالاً یک اشاره ساده به منطقه غیر مسکونی است. با این حال، از آنجا که حیوانات وحشی به عنوان استعاره برای شیاطین در عهد عتیق استفاده شده است (مراجعه شود به NEB) این می‌تواند به یک مکانی برای فعالیت‌های شیطانی هم اشاره داشته باشد (مراجعه شود به مزامیر ۲۲:۱۲ الی ۱۳ و ۱۶ و ۲۱، اشعیا ۱۳:۲۱ الی ۲۲، ۳۴:۱۱ الی ۱۵).

این حیوانات وحشی می‌توانند اشاره مستمر به خروج جدید هم باشند، عصر جدید احیا دوستی میان نوع بشر و حیوانات (مراجعه شود به اشعیا ۱۱:۶ الی ۹، ۶۵:۲۵، یوشع ۲:۱۸). انجیل اغلب عصر جدید را به عنوان احیا باغ عدن توصیف می‌کند (مراجعه شود به پیدایش ۲، مکاشفه ۲۱ الی ۲۲). تصویر اصلی خدا در نوع بشر (مراجعه شود به پیدایش ۱:۲۶ الی ۲۷) در مرگ عیسی به عنوان جایگزین احیا می‌شود. دوستی کامل، که قبل از سقوط و گمراهی وجود داشت (مراجعه شود به پیدایش ۳) دوباره امکانپذیر است.

■ "فرشتگان خدمتش می‌کردند" این یک زمان غیر کامل است که یعنی (۱) عمل ممتد در زمان گذشته یا (۲) شروع یک عمل در زمان گذشته. فرشتگان به (۱) الیاس در بیابان به همین شیوه خدمت می‌کردند (یعنی تأمین خوراک، مراجعه شود به اول پادشاهان ۱۸:۷ الی ۸). این می‌تواند دلالت بر عیسی به عنوان صدای یک پیامبر جدید (مراجعه شود به تثنیه ۱۸:۱۸ الی ۲۲) و (۲) اسرائیل در بیابان، و همینطور هم عیسی در بیابان، داشته باشد. این می‌تواند دلالت بر عیسی به عنوان موسی جدید هم داشته باشد که همسو با تعمید و آزمودنش است (مراجعه شود به اول قرن‌تیان ۱۰:۱ الی ۱۳).

NASB: انجیل مرقس ۱:۱۴ الی ۱۵

^{۱۴} عیسی پس از گرفتار شدن یحیی به جلیل رفت. او خبر خوش خدا را اعلام می‌کرد^{۱۵} و می‌گفت: "زمان به کمال رسیده و پادشاهی خدا نزدیک شده است. توبه کنید و به این خبر خوش ایمان آورید."

۱۴:۱ الی ۱۵ این دو آیه یک خلاصه بیانیه هستند. مرقس اغلب از این تکنیک استفاده می کند (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱: ۱۴ الی ۱۵ و ۲۱ الی ۲ و ۳۹: ۲، ۱۳، ۳: ۷ الی ۹، ۶: ۷ و ۱۲ الی ۱۳). این خلاصه ها در بردارنده چندین حقیقت الهیاتی هستند.

۱. عیسی محبوب بود و بسیاری برای شنیدن موعظ و تعالیم او می آمدند
۲. عیسی قدرتمند بود، دیوها را بیرون می راند و مردم را شفا می داد
۳. او قدرت خود را به شاگردانش منتقل کرد (سفرهای بشارتی دوازده شاگرد و هفتاد نفر)
۴. هدف بشارت عیسی توبه و ایمان بود

۱۴:۱ "گرفتن شدن یحیی" یحیی زندانی شد (*paradidōmi*)، که بیست مرتبه برای تحویل دادن فرد به مقامات در انجیل مرقس استفاده شده است)، توسط هیروود آنتیپاس زیرا او به محکوم کردن ازدواج هیروود با همسر سابق برادرش ادامه می داد (مراجعه شود به انجیل مرقس ۶: ۱۶ الی ۱۷).

موضوع خاص: خانواده هیروود بزرگ

(SPECIAL TOPIC: THE FAMILY OF HEROD THE GREAT)

۱. هیروود بزرگ

- a. پادشاه یهودیه (۳۷ الی ۴ قبل از میلاد)، از اهالی ادوم (از ادوم) که از طریق مانورهای سیاسی و حمایت مارک آنتونی توسط سنای روم در سال ۴۰ قبل از میلاد به عنوان حاکم بخش عظیمی از فلسطین (کنعان) منصوب شد.
- b. از او در انجیل متی ۱: ۲ الی ۱۹ و انجیل لوقا ۵: ۱ نام برده شده است
- c. پسران او

i. هیروود فیلیپ (پسر ماری آمنه سیمون)

۱. شوهر هیرودیاس (از ۴ قبل از میلاد تا ۳۴ میلادی)
 ۲. در انجیل متی ۳: ۱۴ و انجیل مرقس ۱۷: ۶ از او نام برده شده است
- #### ii. هیروود فیلیپ اول (پسر کلئوپاترا)

۱. حاکم منطقه شمال و غرب دریای جلیل (۴ قبل از میلاد تا سال ۳۴ میلادی)
۲. در انجیل لوقا ۱: ۳ از او نام برده شده است

iii. هیروود آنتیخوس

۱. حاکم جلیل و پیرییه (۴ قبل از میلاد تا سال ۳۹ میلادی)
۲. در انجیل متی ۱: ۱۴ الی ۱۲، انجیل مرقس ۱۴: ۶ و ۲۹، انجیل لوقا ۱: ۳ و ۱۹، ۷: ۹ الی ۹، ۳۱: ۱۳، ۶: ۲۳ الی ۱۲ و ۱۵، اعمال رسولان ۲۷: ۴، ۱: ۱۳ از او نام برده شده است

iv. آرخلئوس، هیروود اترناخ

۱. حاکم یهودیه، سامریه و ادومیه (۴ قبل از میلاد تا سال ۶ میلادی)
 ۲. از او در انجیل متی ۲۲: ۲ نام برده شده است
- #### v. آریستوبلوس (پسر ماری آمنه)

۱. به عنوان پدر هیروود آگریپا اول نام برده شده که

a. پادشاه یهودیه بوده است (۳۷ الی ۴۴ میلادی)

- b. در اعمال رسولان ۱: ۱۲ الی ۲۴ و ۲۳: ۳۵ از او نام برده شده است

i. پسر او هیروود آگریپا دوم است

- حاکم منطقه شمالی (سال ۵۰ الی ۷۰ میلادی)

ii. دختر او برنیس بود

همسر برادرش

در اعمال رسولان ۱۳: ۲۵ الی ۲۶: ۳۲ از او نام برده شده

iii. دختر او دروسیلا بود

همسر فلیکس

در اعمال رسولان ۲۴: ۲۴ از او نام برده شده

۲. اشارات انجیلی به هیروود

- a. هیروود والی که در انجیل متی ۱:۱۴، انجیل لوقا ۱:۳، ۷:۹، ۳۱:۱۳ و ۷:۲۳ از او نام برده شده پسر هیروود بزرگ است. پس از مرگ هیروود بزرگ، پادشاهی او میان پسرانش تقسیم شد. اصطلاح والی به معنی "رهبر چهار بخش" است. این هیروود، به هیروود آنتیوخوس که خلاصه آنتیپادر است، معروف است. او منطقه جلیل و پیریه را کنترل می کرد. این بدین معنی است که بیشتر بشارت عیسی در قلمرو این دومین نسل حاکمان ادومی بود.
- b. هیروود یاس دختر برادر هیروود آنتیوخوس، آریستوبولوس بود. او پیشتر با فیلیپ، برادر ناتنی هیروود آنتیوخوس ازدواج کرده بود. این فیلیپ والی که شمال جلیل را اداره می کرد نبود، بلکه برادر دیگر فیلیپ بود که در روم زندگی می کرد. هیروود یاس یک دختر از فیلیپ داشت. در بازدید هیروود آنتیوخوس از روم، او با هیروودیتاس ملاقات کرد و توسط او مورد سو استفاده قرار گرفت زیرا بدنبال پیشرفت سیاسی بود. بنابراین، هیروود آنتیوخوس همسرش را که شاهزاده نباتیان بود طلاق داد و هیروود یاس از فیلیپ طلاق گرفت تا بتواند با هیروود آنتیوخوس ازدواج کند. او خواهر هیروود آگریپا اول هم بود (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۲).
- c. از کتاب فلاویوس جوزفوس متوجه می شویم که نام دختر هیروود یاس، سالومه بود. *The Antiquities of the Jews* ۴:۵:۸. در این زمان او باید بین سنین دوازده تا هفده سالگی بوده باشد. بدیهی است که او تحت کنترل مادرش بود. او بعدا با فیلیپ والی ازدواج کرد ولی خیلی زود بیوه شد.
- d. حدود ده سال پس از گردن زدن یحیی تعمید دهنده، هیروود آنتیوخوس به تحریک همسرش به روم رفت تا بدنبال لقب پادشاهی باشد زیرا آگریپای اول، برادرش، چنین عنوانی را گرفته بود. ولی آگریپای اول به روم نامه ای نوشت و آنتیوخوس را به متهم به همدستی با پارتها که از دوران مزوپوتامیا دشمن منفور رومیان بودند، کرد. ظاهرا امپراتور حرف آگریپای اول را باور کرد و هیروود آنتیوخوس همراه با همسرش هیروود یاس به اسپانیا تبعید شدند.
- e. راحتتر می توان اینهمه هیروود را به خاطر سپرد زیرا هیروود بزرگ در عهد جدید کودکان را در بیت اللحم قتل عام کرد، هیروود آنتیوخوس یحیی تعمید دهنده را به قتل رساند، هیروود آگریپا اول یعقوب شاگرد را به قتل رساند، هیروود آگریپای دوم دادخواست ثبت شده پولس در کتاب اعمال رسولان را شنید.

برای اطلاعات کاملتر در مورد خانواده هیروود بزرگ به ایندکس فلاویوس جوزفوس مراجعه کنید

■ **"عیسی به جلیل رفت"** انجیل بشارت عیسی را از لحاظ جغرافیایی در جلیل، یهودیه، در جلیل، در یهودیه ثبت می کند. عیسی وقتی یحیی دستگیر شد (مراجعه شود به انجیل متی ۴:۱۲، انجیل لوقا ۴:۱۴ الی ۱۵، انجیل یوحنا ۱:۴۳) جنوب فلسطین را ترک کرد. بشارت در منطقه شمالی فلسطین که کفار در آنجا بودند تحقق نبوت اشعیا ۹ بود. هیچکس انتظار نداشت که یک اتفاق معنوی مهم از منطقه ای آغاز شود که از معبد بسیار دور بود (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱:۴۶) و اولینی باشد که توسط قدرتهای مدیترانه ای (یعنی آشوریان و بابلیان جدید) شکست خورده و تبعید شود.

■ **"خبر خوش خدا را اعلام می کرد"** این نحوه استفاده از اصطلاح "خبر خوش" (*gospel*) باید درست باشد. در ابتدا، پیام عیسی همانند پیام یحیی بود. کل پیام خبر خوش عیسی، تا پس از زندگی، مرگ، دفن، قیام از مردگان و معراج او، کامل نخواهد بود. آیه ۱۵ محتوای موعظه اولیه عیسی را ارائه می کند. آنچه یحیی موعظه می کرد در عیسی ناصری تجلی می نمود (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱:۶).

۱:۱۵ **"زمان به کمال رسیده"** این عبارت با *hoti* معرفی می شود، که معمولا نشانگر یک نقل قول است و در انجیل مرقس متداول می باشد. این منعکس کننده حافظه پطرس از کلمات عیسی است. این زمان کامل غیر دلالتی اخباری مجهول است، که اهمیت نبوتی / مسیحی دارد (مراجعه شود به افسسیان ۱:۱۰، غلاتیان ۴:۴، اول تیموتائوس ۲:۶، تیتوس ۱:۳). حالت مجهول منعکس کننده حضور خدا و کار و کنترل او بر زمان و تاریخ است.

■ **"پادشاهی خدا"** این اشاره به پادشاهی خدا دارد. این هم یک واقعیت زمان حال و تحقق آینده است. در انجیل متی این معمولا اشاره به "پادشاهی بهشت" دارد. این عبارات مترادف هستند (انجیل متی ۱۳:۱۱ را با انجیل مرقس ۴:۱۱ و انجیل لوقا ۸:۱۰ مقایسه کنید). زمانی که عیسی به دنیا آمد، پادشاهی هم آمد. در زندگی و تعالیم عیسی توصیف و تجسم شده است. با بازگشت او تحقق خواهد یافت. موضوع موعظه ها و تمثیلهای عیسی بود. محور اصلی پیامهای گفته شده او بود.

موضوع خاص: پادشاهی خدا (SPECIAL TOPIC: THE KINGDOM OF GOD)

در عهد عتیق یهوه به عنوان پادشاه اسرائیل تصور می شد (مراجعه شود به اول سموئیل ۸:۷، مزامیر ۱۰:۱۶، ۲۴:۷ الی ۹، ۲۹:۱۰، ۴۴:۴، ۸۹:۱۸، ۹۵:۳، اشعیا ۴۳:۱۵، ۴۴:۶) و مسیح به عنوان پادشاه ایده ال معرفی می گشت (مراجعه شود به مزامیر ۲:۶، اشعیا ۹:۶ الی ۷، ۱۱:۱ الی

۵). با تولد عیسی در بیت اللحم (۶ الی ۴ قبل از میلاد) پادشاهی خدا با قدرت جدید و رستگاری ("پیمان جدید"، مراجعه شود به ارمیا ۳۱: ۳۱ الی ۳۴، حزقیال ۳۶: ۲۷ الی ۳۶) وارد تاریخ انسانی شد.

۱. یحیی تعمید دهنده نزدیک بودن پادشاهی خدا را اعلام کرد (مراجعه شود به انجیل متی ۳: ۲، انجیل مرقس ۱: ۱۵).

۲. عیسی به وضوح تعلیم می داد که پادشاهی در او و در تعالیم او هستند (مراجعه شود به انجیل متی ۴: ۱۷ و ۲۳، ۱۰: ۷، ۱۲: ۲۸، انجیل لوقا ۱۰: ۹ و ۱۱، ۱۱: ۲۰، ۱۷: ۲۱، ۲۱: ۳۱ الی ۳۲). با این حال، پادشاهی در آینده است (مراجعه شود به انجیل متی ۱۶: ۲۸، ۲۴: ۱۴، ۲۶: ۲۹، انجیل مرقس ۹: ۱، انجیل لوقا ۲۱: ۳۱، ۲۲: ۱۶ و ۱۸).

در همسوهای سایر اناجیل در انجیل مرقس و انجیل لوقا عبارت "پادشاهی خدا" را می بینیم. این موضوع متداول در تعالیم عیسی بود که شامل قلمرو حال حاضر در قلب انسان، که روزی در تمامی زمین تحقق خواهد یافت بود. این در دعای عیسی در انجیل متی ۶: ۱۰ منعکس شده است. متی، در نوشته هایش برای یهودیان ترجیح داد که از نام خدا استفاده نکند و به جای آن عبارت "پادشاهی بهشت" را استفاده کرد، در حالیکه مرقس و لوقا که برای پیروان سایر ادیان و کفار می نوشتند، از عنوان متداول، که نام خدا بود استفاده کردند.

این یک عبارت کلیدی در سایر اناجیل است. عیسی در اولین و آخرین موعظه اش، و بیشتر تمثیلهایش، روی این موضوع صحبت می کرد. اشاره به قلمرو حکومت خدا در حال حاضر در قلب انسانها دارد! حیرت انگیز است که یوحنا از این عبارت فقط دو مرتبه استفاده کرده است (و هرگز در تمثیلهای عیسی نیآورده است). در انجیل یوحنا، حیات جاویدان استعاره کلیدی است.

دو بار آمدن عیسی در این عبارت تنش ایجاد می کند. عهد عتیق فقط بر یک مرتبه آمدن مسیح تمرکز دارد - یک آمدن نظامی، داوری کننده و باشکوه - ولی عهد جدید آمدن او را در مرحله اول به عنوان خادم رنج کشیده اشعیا ۵۳ و پادشاه فروتن زکریا ۹: ۹ نشان می دهد. دو عصر یهود (به موضوع خاص: این عصر و عصری که خواهد آمد مراجعه کنید) عصر شرارت و عصر پارسایی و صداقت همپوشانی می شوند. عیسی در حال حاضر در قلبهای مومنین حکومت می کند، ولی روزی بر تمامی مخلوقات حکومت خواهد کرد. او همان گونه که عهد عتیق پیش گویی کرده خواهد آمد (مراجعه شود به مکاشفه ۱۹)! مومنین در پادشاهی خدا که از "قبل وجود داشته" در برابر "هنوز نیامده" زندگی می کنند (مراجعه شود به Gordon D. Fee and Douglas Stuart's *How to Read The Bible For All Its Worth* صفحات ۱۳۱ الی ۱۳۴).

NASB, NKJV	"در دسترس است"
NRSV	"نزدیک شده است"
TEV	"نزدیک است"
NJB	"دم دست است"

این زمان کامل فعال اخباری است، و دلالت بر این دارد که پادشاهی یک حقیقت گذشته است (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱: ۱ الی ۳) و همچنین واقعیت حال (مراجعه شود به انجیل متی ۱۲: ۲۸، انجیل لوقا ۱۱: ۲۰، ۱۷: ۲۱). عبارت "زمان به کمال رسیده" این عبارت را همسو می کند و بر واقعیت کلام نبوتی زمان حال خدا که تبدیل به یک رخداد تاریخی می شود، تاکید می کند. "عصر جدید پارسایی" با تولد عیسی آغاز می شود، ولی به طور کامل تا رخدادهای هفته شادی شناخته نمی شود و تا پنتیکاست قدرت نمی یابد.

هر چند پادشاهی واقعا آمده است، ولی متون عهد جدیدی هم هستند که دلالت بر این دارند که تحقق کامل آن در آینده است (مراجعه شود به انجیل مرقس ۹: ۱، ۱۴: ۲۵، انجیل متی ۲۶: ۲۹، انجیل لوقا ۲۲: ۱۸، اعمال رسولان ۱: ۱۱، اول تسالونیکیان ۴: ۱۳ الی ۱۸). آنچه که اینک با مسیح می کنیم تعیین کننده امید اسکاتولوژیک ما است (مراجعه شود به انجیل مرقس ۸: ۳۸).

■ "توبه" موضوع خاص توبه در بخش مربوط به انجیل مرقس ۱: ۴ را مطالعه کنید.

■ "به این خبر خوش ایمان آورید" این همسو با انجیل متی ۴: ۱۷ و انجیل لوقا ۴: ۱۴ الی ۱۵ همین مضمون را ندارد.

موضوع خاص: ایمان، باور یا اعتماد

(SPECIAL TOPIC: FAITH (*PISTIS* [noun], *PISTEUŌ*, [verb], *PISTOS* [adjective]))

A. این یک اصطلاح بسیار مهم انجیلی است (مراجعه شود به عبرانیان ۱۱: ۱ و ۶). این موضوع موعظه های نخستین عیسی است (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱: ۱۵). حداقل دو پیش نیاز دیگر برای پیمان جدید وجود دارند: توبه و ایمان (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱: ۱۵، اعمال رسولان ۳: ۱۶ و ۱۹، ۲۰ و ۲۱).

B. ریشه یابی

۱. از یک اصطلاح عبری می آید (*BDB 53, emunah, emun*، یعنی عبرانیان ۲: ۴)، که در اصل به معنی "اطمینان حاصل کردن یا ثبات داشتن" است. حفظ ایمان

- a. خوش آمد گویی به کسی (یعنی اعتماد فردی، ایمان، مراجعه شود به E. 1)
- b. ایمان داشتن به حقایق در مورد آن فرد (یعنی کتاب مقدس، مراجعه شود به E 5)
- c. زندگی کردن همانند آن فرد (یعنی همانند مسیح)

C. کاربرد آن در عهد عتیق

باید تاکید گردد که ایمان ابراهیم به مسیح آینده نبود، بلکه به وعده خدا بود که او فرزند و وارث خواهد داشت (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱۲: ۲، ۱۵: ۲ الی ۵، ۱۷: ۴ الی ۸، ۱۸: ۱۴، رومیان ۴: ۱ الی ۵). ابراهیم با ایمان به خدا و کلامش به این وعده پاسخ داد (به موضوع خاص: باور، اعتقاد، ایمان و وفاداری در عهد عتیق مراجعه کنید). او هنوز شک و تردید در مورد این وعده‌ای داشت که بعد از ۱۳ سال تحقق یافت. با این حال، ایمان نافذ او، توسط خدا پذیرفته شد. خداوند مایل است انسانهای ناقص به ایمان و وعده های او پاسخ دهند، حتی اگر اندازه دانه خردل باشد (مراجعه شود به انجیل متی ۱۷: ۲۰) یا ایمان با تردید باشد (مراجعه شود به انجیل مرقس ۹: ۲۲ الی ۲۴).

D. کاربرد آن در عهد جدید

اصطلاح "باور داشتن" از فعل یونانی *pisteuō* یا اسم *pistis* است، که در زبان انگلیسی "باور داشتن"، "ایمان داشتن" یا "اعتماد کردن" ترجمه میشود. برای مثال، حالت اسمی آن «در انجیل یوحنا دیده نمیشود، ولی از حالت فعلی آن اغلب استفاده شده است. در انجیل یوحنا ۲: ۲۳ الی ۲۵ عدم قطعیتی در خصوص اصل بودن تائید جمعیت مبنی بر اینکه عیسی ناصری همان مسیح است وجود دارد. سایر مثالهای این استفاده سطحی از اصطلاح "باور داشتن" در انجیل یوحنا ۸: ۳۱ الی ۵۹ و اعمال رسولان ۸: ۱۳، ۱۸ الی ۲۴ دیده میشوند. ایمان انجیلی واقعی فراتر از پاسخ اولیه است. باید با فرایند شاگردی همراهی شود (مراجعه شود به انجیل متی ۱۳: ۲۰ الی ۲۳، ۳۱ الی ۳۲، ۲۸: ۱۹ الی ۲۰).

E. کاربرد آن با حروف اضافه

۱. *eis* یعنی "درون"، "داخل". این ساختار منحصر به فرد تاکید میکند که مومنین باید اعتماد/ایمان خود به عیسی را

- a. در نام او (انجیل یوحنا ۱: ۱۲، ۲: ۲۳، ۳: ۱۸، اول یوحنا ۵: ۱۳)
- b. در او (انجیل یوحنا ۲: ۱۱، ۳: ۱۵ و ۱۸، ۴: ۳۹، ۶: ۴۰، ۷: ۵ و ۳۱ و ۳۹ و ۴۸، ۸: ۳۰، ۹: ۳۶، ۱۰: ۴۲، ۱۱: ۴۵ و ۴۸، ۱۲: ۳۷ و ۴۲، انجیل متی ۱۸: ۶، اعمال رسولان ۱۰: ۴۳، فیلیپیان ۱: ۲۹، اول پطرس ۱: ۸)
- c. در من (انجیل یوحنا ۶: ۳۵، ۷: ۳۸، ۱۱: ۲۵ و ۲۶، ۱۲: ۴۴ و ۴۶، ۱۴: ۱ و ۱۲، ۱۶: ۹، ۱۷: ۲۰)
- d. در پسر (انجیل یوحنا ۳: ۳۶، ۹: ۳۵، اول یوحنا ۵: ۱۰)
- e. در عیسی (انجیل یوحنا ۱۲: ۱۱، اعمال رسولان ۱۹: ۴، غلاطیان ۲: ۱۶)
- f. در نور (انجیل یوحنا ۱۲: ۳۶)
- g. در خدا (انجیل یوحنا ۱۴: ۱)

۲. *ev* یعنی "در"، انجیل یوحنا ۳: ۱۵، انجیل مرقس ۱: ۱۵، اعمال رسولان ۵: ۱۴.

۳. *epi* یعنی "در"، انجیل متی ۲۷: ۴۲، اعمال رسولان ۹: ۴۲، ۱۱: ۱۷، ۱۶: ۳۱، ۲۲: ۱۹، رومیان ۴: ۵ و ۲۴، ۹: ۳۳، ۱۰: ۱۱، اول تیموتائوس ۱: ۱۶، اول پطرس ۲:

۴. حالت زمانی بدون حرف اضافه همانند انجیل یوحنا ۴: ۵۰، غلاطیان ۳: ۶، اعمال رسولان ۱۸: ۸، ۲۷: ۲۵، اول یوحنا ۳: ۲۳، ۵: ۱۰

۵. *hoti* که یعنی "باور داشتن که" آنچه را که مومن باید باور کند ارائه میدهد

- a. عیسی آن قدیس خدا است (انجیل یوحنا ۶: ۶۹)
- b. عیسی همان من هستم، است (انجیل یوحنا ۸: ۲۴)
- c. عیسی در پدر و پدر در پسر است (انجیل یوحنا ۱۰: ۳۸)
- d. عیسی مسیح است (انجیل یوحنا ۱۱: ۲۷، ۲۰: ۳۱)
- e. عیسی پسر خدا است (انجیل یوحنا ۱۱: ۲۷، ۲۰: ۳۱)
- f. عیسی از جانب پدر فرستاده شد (انجیل یوحنا ۱۱: ۴۲، ۱۷: ۸ و ۲۱)
- g. عیسی با پدر یکی است (انجیل یوحنا ۱۴: ۱۰ و ۱۱)

- h. عیسی از طرف پدر آمد (انجیل یوحنا ۱۶: ۲۷ و ۳۰)
- i. عیسی خود را در نام پیمان معرفی کرد: "من هستم" (انجیل یوحنا ۸: ۲۴، ۱۳: ۱۹)
- j. ما با او زندگی خواهیم کرد (رومیان ۶: ۸)
- k. عیسی مرد و دوباره برخاست (اول تسالونیکیان ۴: ۱۴)

NASB: انجیل مرقس ۱: ۱۶ الی ۲۰

^{۱۶} چون عیسی از کناره دریاچه جلیل می‌گذشت، شمعون و برادرش آندریاس را دید که تور به دریا می‌افکندند، زیرا ماهیگیر بودند. ^{۱۷} به آنان گفت: "از پی من آید که شما را صیاد مردمان خواهیم ساخت." ^{۱۸} آنها بی‌درنگ تورهای خود را وانهادند و از پی او روانه شدند. ^{۱۹} چون کمی پیشتر رفت، یعقوب پسر زبدي و برادرش یوحنا را دید که در قایقی تورهای خود را آماده می‌کردند. ^{۲۰} بی‌درنگ ایشان را فرا خواند. پس آنان پدر خود زبدي را با کارگران در قایق ترک گفتند و از پی او روانه شدند.

۱۶: ۱ "دریاچه جلیل" از این دریاچه با چندین اسم در انجیل نام برده شده است

۱. دریای چینره (مراجعه شود به اعداد ۳۴: ۱۱، یوشع ۱۲: ۳، ۱۳: ۲۷)
۲. دریاچه جنیسارت (مراجعه شود به انجیل لوقا ۵: ۱)
۳. دریای تیریه (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۶: ۱، ۲۱: ۱)
۴. دریای جلیل (متداول است، مراجعه شود به انجیل مرقس ۱: ۱۶، ۷: ۳۱، انجیل متی ۴: ۱۸، ۱۵: ۲۹، انجیل یوحنا ۶: ۱)

■ "شمعون و برادرش آندریاس را دید که تور به دریا می‌افکندند" توجه کنید که پطرس اولین کسی است که رسماً در انجیل مرقس از او نام برده می‌شود، در حالی که در یوحنا ۱: ۳۵ الی ۴۲، آندریاس اولین بود. دریای جلیل تمامی ماهی فلسطین را تأمین می‌کرد. این تور اشاره به تورهای دست بافت دارد، که حدود ۱۰ فوت در ۱۵ فوت بودند. ماهی غذای اصلی یهودیان بود.

۱۷: ۱ "از پی من آید" این فعل معین است که به صورت آنوریست امری عمل می‌کند. این نباید اولین برخورد میان عیسی و این ماهیگیران باشد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۳۵). این فراخوانی آنان است تا به صورت رسمی و دائمی پیرو یک ربی باشند (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱: ۱۷ و ۲۰).

■ "شما را صیاد مردمان خواهیم ساخت" این یک بازی با کلمات در حرفه آنان است. ماهیگیری در عهد عتیق اغلب به عنوان استعاره برای داوری و قضاوت بود (مراجعه شود به ارمیا ۱۶: ۱۶، حزقیال ۲۹: ۴ الی ۵، ۳۸: ۴، عاموس ۴: ۲، حبقوق ۱: ۱۴ الی ۱۷). در اینجا استعاره‌ای برای رستگاری است.

۱۸: ۱ این در انجیل متی ۴: ۱۸ الی ۲۲ تکرار شده است، ولی با اندکی تفاوت در داستان در انجیل لوقا ۵: ۱ الی ۱۱ یافت می‌شود.

۱۹: ۱ الی ۲۰ "قایق" اینها کشتیهای بزرگ ماهیگیری بودند. یعقوب و یوحنا، پسران زبدي، ماهیگیران ثروتمند طبقه دوم بودند (مستخدمنی استخدام کرده بودند). یوحنا ظاهراً قراردادهای کاری داشت تا به صورت منظم به خانواده‌های کیشیشان در اوشلیم ماهی بفروشد (یوحنا در میان آنان شناخته شده بود، مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۸: ۱۵ الی ۱۶).

NASB: انجیل مرقس ۱: ۲۱ الی ۲۸

^{۲۱} آنها به کفرناحوم رفتند. چون روز شَبَات فرا رسید، عیسی بی‌درنگ به کنیسه رفت و به تعلیم دادن پرداخت. ^{۲۲} مردم از تعلیم او در شگفت شدند، زیرا با اقتدار تعلیم می‌داد، نه همچون علمای دین. ^{۲۳} در آن هنگام، در کنیسه آنها مردی بود که روح پلید داشت. او فریاد برآورد: "^{۲۴} ای عیسی ناصری، تو را با ما چه کار است؟ آیا آمده‌ای نابودمان کنی؟ می‌دانم کیستی! تو آن قدوسِ خدایی!" ^{۲۵} عیسی او را نهیب زد و گفت: "خاموش باش و از او بیرون بیا!" ^{۲۶} آنگاه روح پلید آن مرد را سخت تکان داد و نعره‌زنان از او بیرون آمد. ^{۲۷} مردم همه چنان شگفت‌زده شده بودند که از یکدیگر می‌پرسیدند: "این چیست؟ تعلیمی جدید و با اقتدار! او حتی به ارواح پلید نیز فرمان می‌دهد و آنها اطاعتش می‌کنند." ^{۲۸} پس دیری نپایید که آوازه او در سرتاسر ناحیه جلیل پیچید.

۲۱: ۱ "کفرناحوم" عیسی به واسطه فقدان ایمان میان مردم ناصره (مراجعه شود به انجیل لوقا ۴: ۱۶ الی ۳۰) و به عنوان تحقق نبوت (مراجعه شود به انجیل متی ۴: ۱۳ الی ۱۶)، این شهر را به عنوان مقر فرماندهی خود انتخاب کرد (مراجعه شود به انجیل مرقس ۲: ۱). بشارت در شهر کفرناحوم (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱: ۲۱ الی ۳: ۶) استفاده شد تا فعالیت عیسی را ترسیم کند. این رخدادها به وضوح اقتدار، قدرت و مسیح بودن او را آشکار می‌ساختند. این

همانند نیم نگاهی به زندگی روزمره و کارهای عیسی در تمام طول بشارت عمومی او است.

■ "بی درنگ" به یادداشت مندرج در بخش انجیل مرقس ۱: ۱۰ مراجعه کنید.

■ "شبات" موضوع خاص زیر را مطالعه کنید

موضوع خاص: شبات

(SPECIAL TOPIC: SABBATH)

این اصطلاح از کلمه عبری (BDB 992, KB 1409) به معنی استراحت یا توقف است. به هفتمین روز خلقت مرتبط است (به John H. Walton, The Lost World of Genesis One) که خدا کار خلقت خود را پس از خلقت اولین بخشها متوقف کرد تا استراحت کند (مراجعه شود به پیدایش ۲: ۱ الی ۳). خدا استراحت نکرد چون خسته شده بود، بلکه (۱) خلقت کامل و خوب بود (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱: ۳۱) و (۲) به نوع بشر الگوی منظمی برای عبادت و استراحت ارائه دهد. استفاده روزی برای استراحت و عبادت با پیدایش ۲: ۲ الی ۳ آغاز می‌شود، که پیهوه از استراحت خود به عنوان الگویی برای حیوانات (مراجعه شود به کتاب خروج ۲۳: ۱۲) و انسانها (انسانها به برنامه منظمی برای کار، استراحت و عبادت نیاز دارند) استفاده کرد. شبات همانند سایر روزهای پیدایش ۱ شروع می‌شود، از گرگ و میش، بنابراین از گرگ و میش جمعه تا گرگ و میش شنبه دوره زمانی رسمی آن می‌باشد. تمامی جزئیات مشاهده در کتاب خروج آمده است (به خصوص فصلهای ۱۶، ۲۰، ۳۱ و ۳۵) و لاویان (به خصوص فصلهای ۲۳ الی ۲۶). نخستین استفاده خاص این روز توسط اسرائیل در خروج بود. (۱۶: ۲۵ الی ۲۶ در گردهمایی منا). بعدا تبدیل به یکی از "ده کلمه" شد (مراجعه شود به کتاب خروج ۲۰: ۸ الی ۱۱، تثنیه ۵: ۱۲ الی ۱۵). این یک مثال است که ده فرمان در کتاب خروج ۲۰ اندکی با ده فرمان در تثنیه ۵ تفاوت دارد. تثنیه اسرائیل را برای استقرار، و زندگی کشاورزی در کنعان آماده می‌کند.

فریسیان این قوانین را گرفتند و با مذاکرات شفاهی آنها را تفسیر کردند (همانند سنتهای شفاهی) تا آنها را در بسیاری از قوانین اعمال کنند. عیسی اغلب معجزاتی می‌کرد، که آگاهانه این قوانین را نقض می‌کردند تا با آنها وارد بحثهای خداشناسی شود (مراجعه شود به انجیل متی ۱۲). این شبات نبود که عیسی با آن مبارزه می‌کرد، بلکه قوانین خودساخته‌ای بودند که فاقد محبت خدا بودند (مراجعه شود به انجیل مرقس ۲: ۲۷ الی ۲۸).

کلیسای اولیه هم در روز شبات و هم در اولین روز کاری عبادت می‌کردند (یعنی یکشنبه، روز قیام و رستاخیز عیسی، مراجعه شود به انجیل یوحنا ۲۰: ۱ و ۱۹، اعمال رسولان ۲۰: ۷، اول قرتیان ۱۶: ۲). انجیل یونانی می‌گوید که رشد جنبش مسیحیت با اعضای که عیسی را به عنوان مسیح انکار می‌کنند در حال افزایش است (The Eighteen Benedictions). در این مقطع (یعنی سال ۷۰ میلادی) مسیحیان گردهمایی‌های خود را منحصر به روزهای یکشنبه کردند.

این اسم از کلمه عبری می‌آید که به معنی استراحت کردن است. به هفتمین روز خلقت مرتبط است که خدا پس از پایان خلقت اولیه، کار را کنار گذاشت و استراحت کرد (مراجعه شود به پیدایش ۲: ۱ الی ۳). خدا به این دلیل استراحت نکرد که خسته بود، بلکه به این دلیل که (۱) خلقت کامل و خوب بود (مراجعه شود به پیدایش ۱: ۳۱) و (۲) الگویی را برای عبادت و استراحت به نوع بشر ارائه دهد. شبات همانند همه روزهای پیدایش ۱ از گرگ و میش شروع می‌شود، بنابراین، از گرگ و میش جمعه تا گرگ و میش شنبه دوره زمانی رسمی بود. تمامی جزئیات مشاهده در کتاب خروج ارائه شده است (به خصوص فصلهای ۱۶، ۲۰، ۳۱ و ۳۵) و لاویان (به خصوص فصلهای ۲۳ الی ۲۶). فریسیان این قوانین را گرفتند و با مباحثات شفاهی خود، آنها را در بسیاری از قوانین گنجانند. عیسی اغلب و از روی تعمد معجزات خود را در این اوقات انجام می‌داد و این قوانین را نقض می‌کرد تا با آنها وارد بحث و جدل شود. این شبات نبود که عیسی آن را انکار و رد می‌کرد، بلکه قوانین خود-ساخته و نبود محبت در آنها بود.

■ "کنیسه" این یک کلمه مرکب است که به مفهوم "گرد هم آمدن" است. عادت عیسی بود که به صورت منظم در مراسم عبادت شرکت کند. کنیسه در سرزمینهای اطراف مدیترانه در طول دوران تبعید بابل بسط یافت. این مکانی بود برای عبادت، تحصیل، و حفظ فرهنگ. یک ابراز محلی برای ایمان یهود بود، همانطور که معبد بیان ملی بود. در هر شهری حداقل یک کنیسه وجود داشت که در هر کدام حداقل ۱۰ نفر بودند.

■ "به تعلیم دادن پرداخت" مرسوم بود که یکی از میان جمعیت و یا میهمانی برجسته انتخاب شود تا بخشی از تعلیم عبادت را رهبری کند. معمولا عبارتی از تورات (یعنی پیدایش، تثنیه) و بخشی از پیامبران (یوشع، پادشاهان و اشعیا - ملاکی) خوانده می‌شد.

۱: ۲۲ و ۲۷ "شگفت زده شدند" این به مفهوم "توجه را جلب کردن" است. شیوه تعلیم دادن عیسی و محتوای آن اساسا با تعلیم روحانیون تفاوت داشت. آنها از یکدیگر برای اقتدار نقل قول می‌کردند ولی عیسی با اقتدار از خدا صحبت می‌کرد (مراجعه شود به انجیل متی ۵: ۱۷ الی ۴۸). تعلیم عیسی و اعمال او حیرت و تحسین و حتی ترس ایجاد می‌کرد (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱: ۲۲ و ۲۷، ۲: ۱۲، ۵: ۴۲، ۶: ۲ و ۵۱، ۷: ۳۷، ۹: ۶ و ۱۵، ۱۰: ۲۶ و ۳۲، ۱۱: ۱۴، ۱۸، ۳۳).

۱: ۲۲ "نه همچون علمای دین" عیسی از سنتهای شفاهی (تلمود) نقل قول نمی‌کرد. یهودیان نگران بودند که مبادا آنها احکام خدا را باطل سازند، بنابراین هر آیه تورات (نوشته‌های موسی، پیدایش، تثنیه) توسط مباحثات روحانیون تفسیر می‌شد. بعدا اینها در مکاتب بسط یافتند، یکی به صورت آزاد (Hillel) و

یکی به صورت محافظه کار (Shammai). از روحانیون بیشتر از این دو مکتب باستانی به عنوان مراجع صلاحیتدار نقل قول می‌شد. این علما معلمین حرفه‌ای یهود بودند که سنتهای شفاهی را در موقعیتها و شرایط محلی تفسیر می‌کردند. بیشتر علما در روزگار عیسی فریسی بودند.

موضوع خاص: کاتبین

(SPECIAL TOPIC: SCRIBES)

این عنوان از اسم عبری (BDB 706, DB767) می‌آید که به معنی "پیام گفته شده"، "سند نوشته شده" (KB766) است. ترجمه یونانی *grammateus* (LXX) معمولا اشاره به پیام نوشته شده دارد. می‌تواند به یکی از موارد زیر اطلاق شود:

۱. مربی (نحمیا ۸)
 ۲. مقام دولتی (دوم پادشاهان ۳:۲۲ الی ۱۳)
 ۳. ثبت کننده/منشی (اول تواریخ ۶:۲۴، دوم تواریخ ۱۳:۳۴، ارمیا ۲۲:۳۶)
 ۴. افسر تشریفاتی نظامی (داوران ۱۴:۵)
 ۵. رهبر مذهبی (عزرا، عزرا ۶:۷، نحمیا ۱۲:۱۲ الی ۱۳)
- در عهد جدید آنان اغلب به فریسیان نسبت داده می‌شدند (موضوع خاص: فریسیان را مطالعه کنید). به مفهومی، آنان کسانی بودند که در مورد عهد عتیق و سنتهای شفاهی (تلمود) آموزش دیده بودند. آنان به تفسیر و تطابق سنتهای یهود در زندگی روزمره کمک می‌کردند (سیرا ۶:۳۹). ظاهرا به کاتبین "وکیل" هم گفته می‌شد (مراجعه شود به انجیل مرقس ۲۸:۱۲، انجیل لوقا ۷:۳۰، ۷:۲۵، ۱۰:۴۵، ۱۱:۳، ۱۴:۱). با این حال، پارسایی آنان (یعنی گرایش به قوانین یهود و آداب و مراسم مذهبی) نمی‌تواند به آرامش با خدا کمک کند (مراجعه شود به انجیل متی ۲۰:۵، رومیان ۳:۱۹ الی ۲۰، ۱:۹ الی ۵، ۳۰ الی ۳۲، ۱:۱۰ الی ۶، کولسیان ۲:۲۰ الی ۲۲).

از آنان اغلب در سایر اناجیل یاد شده است (یوحنا هرگز از آنان نام نبرده است، انجیل یوحنا ۳:۸ اصل نیست)، زیرا آنان بر ضد عیسی بودند، و ظاهرا به عنوان مقام رسمی از اورشلیم می‌آمدند (مراجعه شود به انجیل مرقس ۲۲:۳، ۱:۷). با این حال، برخی به او پاسخ دادند (مراجعه شود به انجیل متی ۱۹:۸).

۱. مشاخره بر سر غذا خوردن با گناهکاران، مالیات گیران، انجیل مرقس ۱۶:۲، انجیل متی ۹:۹ الی ۱۳
۲. بحث بر سر منشا اقتدار عیسی در بیرون راندن دیوها، انجیل مرقس ۳:۲۲
۳. بحث بر سر بخشیدن گناهان توسط عیسی، انجیل متی ۳:۹، انجیل لوقا ۲۱:۵
۴. درخواست یک معجزه، انجیل متی ۳۸:۱۲
۵. بحث بر سر شستم دستان (مراسم شستشوی دستها، انجیل متی ۱۵:۱ الی ۲، انجیل مرقس ۷:۱ الی ۵)
۶. بحث بر سر تأیید جمعیت در زمان ورود فاتحانه به اورشلیم، انجیل متی ۲۱:۱۵
۷. متهم شدن توسط عیسی و انگیزه‌های آنان (در جستجوی احترام و مقام)، انجیل مرقس ۳۸:۱۲ الی ۴۰
۸. عیسی آنان را به ریاکاری و هدایت کورکورانه در مقام موسی متهم کرد، انجیل متی ۲۳:۱ الی ۳۶

به واسطه دانش آنان از کتاب مقدس آنان باید نخستین کسانی می‌بودند که عیسی را می‌پذیرفتند ولی سنتهای آنان (مراجعه شود به اشعیا ۱۳:۲۹، ۶:۹ الی ۱۰) آنان را کور کرده بود! وقتی که نور تبدیل به تاریکی می‌شود، تاریکی چقدر بزرگ است!

۱:۲۳ "مردی بود که روح پلید داشت" این یک مورد دیو زدگی بود (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱:۳۴). توجه کنید که او هنوز در حال عبادت بود و مرتب ظاهر می‌شد. عهد جدید تمایزی میان بیماری فیزیکی و دیو زدگی قائل است، هر چند اغلب هر دو علائم مشابه دارند. در این حالات دیو فرد را کنترل می‌کند. فرد اراده خود را از دست می‌دهد. جهان بینی یهود تصور می‌کرد حضور موجودات معنوی خوب (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱:۱۳، انجیل متی ۱۸:۱۰، اعمال رسولان ۱۲:۱۵، دوم پادشاهان ۶:۱۷) و بد (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱:۲۳ و ۲۶ و ۲۷، ۳:۱۱ و ۲۰، ۵:۲ و ۸ و ۱۳، ۶:۷، ۷:۲۵) است که بر زندگی مردم تاثیر می‌گذارند.

موضوع خاص: فرشتگان و شیاطین

(SPECIAL TOPIC: THE DEMONIC (UNCLEAN SPIRITS))

۱. مردم قدیم تصورگرا بودند. آنها شخصیت انسان را با نیروهای طبیعت، حیوانات و اشیا طبیعی توصیف می‌کردند. زندگی با تعامل میان این هویت‌های معنوی با انسان توصیف می‌شد.

۲. این شخصیت‌سازیها به مرور پلی‌تئیسم (*polytheism*) یا چند خدایی را به وجود آورد. معمولا شیطان (*genii*) خدای پائینتر یا کوچکتر بود و (خوبی در مقابل اهریمنی قرار داشت) که بر زندگی انسانها تاثیر می‌گذاشتند.
- بین‌النهرین، شورش و تقابل
 - مصر، نظم و عملکرد
 - کنعان، به *Archaeology and the Religion of Israel* نوشته W. F. Albright جلد پنجم، صفحه ۶۷ الی ۹۲ مراجعه شود.
۳. عهد عتیق با موضوع خدایان کوچکتر، فرشتگان یا شیاطین صحبتی نمی‌کند، احتمالا به خاطر یکتاپرستی شدید (به موضوع خاص: یکتاپرستی مراجعه کنید، کتاب خروج ۸:۱۰، ۹:۱۴، ۱۵:۱۱، تثنیه ۴:۳۵ و ۳۹، ۶:۴، ۳۳:۲۶، مزمور ۳۵:۱۰، ۷۱:۱۹، ۸۶:۸، اشعیا ۴۶:۹، ارمیا ۶:۱۰ الی ۷، میکاه ۷:۱۸). به خدایان دروغین مردم کافر اشاره می‌کند (*Shedim*)، BDB 993 مراجعه شود به تثنیه ۱۷:۳۲، مزمور ۳۷:۱۰۶) و از برخی از آنها حتی اسم می‌برد.
- Se'im* (موجود نیمه‌انسان نیمه بز یا شیطان پشمالو، BDB 972 III، KB 1341 III، مراجعه شود به لاویان ۷:۱۷، دوم تواریخ ۱۱:۱۵، اشعیا ۲۱:۱۳، ۳۴:۱۴)
 - Lilith* (مونث، شیطان متجاوز شبها، BDB 539، KB 528، مراجعه شود به اشعیا ۳۴:۱۴)
 - Mavet* (اصطلاح عبری برای مرگ که برای خدای زیر زمینی کنعانیان استفاده می‌شد، Mot، BDB 560، KB560، مراجعه شود به اشعیا ۲۸:۱۵ و ۱۸، ارمیا ۹:۲۱، و احتمالا تثنیه ۲۲:۲۸)
 - Resheph* (بلا، آتش، تگرگ، BDB 958، KB 958، مراجعه شود به تثنیه ۲۴:۳۲، مزمور ۷۸:۴۸، حبقوق ۵:۳)
 - Dever* (بلا، BDB 184، مراجعه شود به مزمور ۵:۹۱ الی ۶، حبقوق ۵:۳)
 - Az'azel* (معنی این اسم مشخص نیست، ولی احتمالا شیطان صحرا و یا نام مکانی است، BDB 736، KB 736، مراجعه شود به لاویان ۸:۱۶ و ۱۰ و ۲۶)
- (این مثالها از Encyclopaedia Judaica جلد ۵، صفحه ۱۵۲۳ اقتباس شده‌اند.)
- با این وجود، هیچ دوالیسم یا جدایی فرشتگان از یهوه در عهد عتیق وجود ندارد. شیطان خدمتگزار یهوه است (مراجعه شود به ایوب ۱ الی ۲، زکریا ۳)، نه یک دشمن مستقل و خود رای (مراجعه شود به *A Theology of the Old Testament* نوشته A. B. Davidson، صفحات ۳۰۰ الی ۳۰۶).
۴. یهودیت در طول دوران تبعید در بابل توسعه یافت (۵۸۶ تا ۵۳۸ قبل از میلاد). از نگاه الهیاتی، از دوالیسم دین زرتشت ایران تحت تاثیر قرار گرفت، یک خدای نیک و والا بنام مزدا یا اهورامزدا و شیطان در مقابلش بنام اهریمن. در دوران بعد از تبعید یهود این شخصیت بخشیدن دوالیسم میان یهوه و فرشتگانش و شیطان و فرشتگانش و شیاطین شکل گرفت.
- شخصیت بخشیدن به شیطان در الهیات یهود به خوبی در کتاب *The Life and Times of Jesus the Messiah* نوشته Alfred Edersheim جلد ۲، ضمیمه ۸، صفحات ۷۴۹ الی ۸۶۳ توصیف شده است. یهودیسم شیطان را به سه شیوه شخصیت داده:
- شیطان یا سمائل
 - نیت شیطانی انسان (*yetzer hara*)
 - فرشته مرگ
- اِدِرْسِهَایم (*Edersheim*) اینها را به شیوه زیر مشخص می‌کند
- متهم کننده
 - وسوسه کننده
 - تنبیه کننده (جلد ۲ صفحه ۷۵۶)
- یک تمایز مشخص الهیاتی میان یهودیت بعد از تبعید و عهد جدید در معرفی شیطان وجود دارد.
۵. عهد جدید بخصوص اناجیل وجود و مقابله روح شیطانی انسانها با یهوه را تصریح می‌کنند (در یهودیت، شیطان دشمن انسانها است نه دشمن خدا). آنها مخالف اراده، حکومت و پادشاهی خدا هستند.
- عیسی با این اهریمنان مقابله کرده و آنها را از وجود انسانها خارج می‌کند، به آنها (۱) روح ناپاک (مراجعه شود به انجیل لوقا ۴:۳۶، ۶:۱۸) یا روح‌های شیطانی (مراجعه شود به انجیل لوقا ۷:۲۱، ۸:۲) گفته می‌شود. به وضوح عیسی تمایزی میان بیماری (فیزیکی و ذهنی) و اهریمن قائل می‌شود. او قدرت و بیش خود را با تشخیص دادن آنها و بیرون راندن این ارواح شیطانی به نمایش می‌گذارد. آنها اغلب او را شناخته و بر او شهادت می‌دهند ولی عیسی شهادت آنها را رد کرده و ساکت کرده و خارج می‌سازد. بیرون کردن شیطان نشانه شکست پادشاهی شیطان است.

در نامه‌های شاگردان در عهد جدید هیچ گونه اطلاعاتی در این خصوص وجود ندارد. بیرون راندن شیطان هرگز به عنوان یک هدیه معنوی فهرست نشده و هیچ روش یا فرایندی برای نسل‌های بعد برای بشارت دهندگان یا مومنین ارائه نشده است.

۶. شیطان واقعی است، شیطان شخصی است، شیطان حضور دارد. نه مبدا او و نه هدفش فاش نشده است. انجیل واقعی بودن او را تصریح کرده و شدیداً با نفوذ او مقابله می‌کند. در واقعیت نهایت دوالیسمی وجود ندارد. همه چیز تحت کنترل کامل خدا است، شیطان شکست می‌خورد، قضاوت می‌شود و از مخلوقات بیرون رانده می‌شود.

۷. مردم خدا باید در مقابل شیطان مقاومت کنند. (مراجعه شود به جیمز ۴:۷). نمی‌توانند توسط او کنترل شوند (مراجعه شود به اول یوحنا ۵:۱۸)، ولی می‌توانند وسوسه شوند و شهادت و نفوذ آنها آسیب ببینند (مراجعه شود به افسسیان ۱۰:۶ الی ۱۸) / شیطان یک بخش افشا شده در جهان بینی مسیحیان است. مسیحیان مدرن هیچ حقی ندارند که شیطان را دوباره تعریف کنند (تفسیر Rudolf Baltmann)، شیطان را بدون شخصیت کنند (ساختارهای اجتماعی پل تیلیچ)، نه سعی کنند تا او را با اصطلاحات روانشناسی توصیف کنند (زیگموند فروید). نفوذ او فراگیر است، ولی شکست می‌خورد. مومنین باید در مسیر پیروزی مسیح گام بردارند.

۲۴:۱

NASB "تورا با ما چه کار است"
 NKJV "با تو چه کرده ایم"
 NRSV "با ما چه کار داری"
 TEV, NJB "از ما چه می‌خواهی"

این به مفهوم "برای ما و برای تو چه دارد" است. در کتاب Bratcher and Nida, *A Translator's Handbook on the Gospel of Mark* توضیح می‌دهند که "در یونانی کلاسیک این عبارت به معنی ما چه وجه اشتراکی داریم؟" است. در اینجا، اما، این به گویش عبری یعنی "چرا در کار من مداخله می‌کنی" است" (صفحه ۴۹). این اصطلاح در داوران ۱۱:۱۲، دوم سموئیل ۱۶:۱۰، ۱۹:۲۲، اول پادشاهان ۱۷:۱۸، دوم تواریخ ۳۵:۱۲ به تصویر کشیده شده است.

■ "عیسی ناصری" به یادداشت مربوط به انجیل مرقس ۱۰:۴۷ مراجعه کنید.

■ "آیا آمده‌ای نابودمان کنی" از لحاظ دستور زبانی این می‌تواند یک سوال یا یک اعلام باشد. این یک اصطلاح عهد عتیقی در مورد دشمنی است (مراجعه شود به داوران ۱۱:۱۲، دوم سموئیل ۱۶:۱۰، ۱۹:۲۲، اول پادشاهان ۱۷:۱۸، دوم پادشاهان ۳:۱۳، دوم تواریخ ۳۵:۲۱). شیطان می‌داند که روزی مورد داوری قرار خواهد گرفت!

■ "آن قدوس خدایی" این یک عنوان مسیح عهد عتیقی است. این یک اقرار از روی اختیار نیست بلکه تلاش محاسبه شده جهت ایجاد دردسر برای عیسی است. عیسی بعداً متهم می‌شود که قدرتش از شیطان است (مراجعه شود به انجیل متی ۹:۳۴، ۱۲:۲۴، انجیل مرقس ۳:۲۲، انجیل لوقا ۱۱:۱۵).

موضوع خاص: آن مقدس (SPECIAL TOPIC: THE HOLY ONE)

۱. "آن مقدس اسرائیل" عنوان مورد علاقه اشعیا برای خداوند است (مراجعه شود به اشعیا ۱:۴، ۵:۱۹، ۱۰:۱۷ و ۲۰:۱۲، ۶:۱۷، ۷:۲۹، ۱۹ و ۲۳، ۳۰:۱۱ و ۱۲ و ۱۵:۳۱، ۱:۳۷، ۲۳:۴۰، ۲۵:۴۱ و ۱۶ و ۲۰:۴۳، ۳ و ۱۴ و ۱۵:۴۵، ۱۱:۴۷، ۴:۴۸، ۱۷:۴۹، ۷:۵۴، ۵:۵۵، ۵:۶۰، ۹ و ۱۴). از آنجا که او "مقدس" است، مردم او هم باید مقدس باشند (مراجعه شود به لایوان ۱۹:۲، انجیل متی ۵:۴۸، اول پطرس ۱:۱۶).

این عنوان، به عبارتی، بیان‌کننده غیر ممکن بودن گناه آلود بودن انسان سقوط کرده است که با استاندارد مقدس ارزیابی می‌شود. پیمان موسی را غیر ممکن است بتوان حفظ کرد (مراجعه شود به یوئیل ۲۴:۱۹، اعمال رسولان ۱۵، غلاطیان ۳، کتاب عبرانیان). پیمان قدیمی راهی برای نشان دادن غیر ممکن بودن مطابقت دادن انسان با استاندارد خدا است (غلاطیان ۳)، با این حال، خدا با آنها بود، برای آنها بود، آنها را برای پاسخ دادن به شرایط سقوط کرده خود آماده می‌ساخت (یعنی "پیمان جدید در عیسی"). او استانداردهای خود را پائین نمی‌آورد، ولی آنها را در مسیح خود ارائه می‌کند. پیمان جدید (مراجعه شود به ارمیا ۳۱:۳۱ الی ۳۴، حزقیال ۳۶:۲۲ الی ۳۸) یک پیمان ایمان و توبه است، نه عملکرد انسان، بلکه از طریق آن دوست داشتن مسیح را ایجاد می‌کند (مراجعه شود به جیمز ۲:۱۴ الی ۲۶). خدا مردمی را می‌خواهد که منعکس‌کننده شخصیت او به ملت‌ها باشند (مراجعه شود به انجیل متی ۵:۴۸).

۲. "آن مقدس" می‌تواند اشاره داشته باشد به:

a. خدای پدر (مراجعه شود به عبارتهای مختلف در عهد عتیق در مورد "آن مقدس اسرائیل")

b. خدای پسر (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱: ۲۴، انجیل لوقا ۴: ۳۴، انجیل یوحنا ۶: ۶۹، اعمال رسولان ۳: ۱۴، اول یوحنا ۲: ۲۰)
c. خدای روح القدس (عنوانش، "روح مقدس" مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۳۳، ۱۴: ۲۶، ۲۰: ۲۲)

اعمال رسولان ۱۰: ۳۸ آیه‌ای است که تمامی این سه که در اصل خدا هستند، دارای تدهین می‌باشند. عیسی تدهین شد (مراجعه شود به انجیل لوقا ۴: ۱۸، اعمال رسولان ۴: ۲۷، ۱۰: ۳۸). این مفهوم بسط داده می‌شود تا تمامی مومنین را هم شامل شود (مراجعه شود به اول یوحنا ۲: ۲۷). آن تدهین شده تبدیل به آن تدهین شدگان می‌شود! این می‌تواند مترادف با ضد مسیح و ضد مسیحیان باشد (مراجعه شود به اول یوحنا ۲: ۱۸). حرکت نمادین تدهین فیزیکی عهد عتیق با روغن (مراجعه شود به کتاب خروج ۲۹: ۷، ۳۰: ۲۵، ۳۷: ۲۹) در ارتباط با کسانی است که توسط خدا فرا خوانده شده و برای کار خاصی انتخاب شده‌اند (مانند رسولان، کشیشان، و پادشاهان). کلمه مسیح ترجمه عبری اصطلاح "آن تدهین شده" یا مسایح است.

۱: ۲۵ "عیسی او را نهیب زد" مرقس اغلب از این اصطلاح استفاده می‌کند: (۱) گاهی اوقات در مورد دیوها (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱: ۲۵، ۳: ۲، ۹: ۲۵)، (۲) در مورد توفان و دریا (مراجعه شود به انجیل مرقس ۴: ۳۹)، و (۳) در مورد شاگردان عیسی (مراجعه شود به انجیل مرقس ۸: ۳۰ و ۳۳، ۱۰: ۱۳).

■ "خاموش باش" این زمان آئوریست مجهول امری است به معنی "مانع فعالیت شدن" (مراجعه شود به انجیل مرقس ۴: ۳۹). دو فرمان عیسی به سوی دیو اصطلاحات قوی با مفهوم منفی بودند.

■ "از او بیرون بیا" این زمان آئوریست امری فعال است.

موضوع خاص: جن گیری (SPECIAL TOPIC: EXORCISM)

در روزگار عیسی جن گیری و بیرون راندن دیوها مرسوم بود، ولی روشهای عیسی کاملاً متفاوت بودند (مراجعه شود به انجیل متی ۱۶: ۸، انجیل مرقس ۱: ۲۷). بیرون راندن دیوها توسط او معجزه عصر جدید بود (مراجعه شود به انجیل لوقا ۱: ۹). ربی‌ها (مراجعه شود به انجیل متی ۲۷: ۱۲، اعمال رسولان ۱۳: ۱۹) از فرمولهای جادویی استفاده می‌کردند (به *The Life and Times of Jesus, The Messiah* اثر Alfred Edersheim جلد ۲، ضمیمه ۸، صفحات ۷۴۸ الی ۷۶۳، ضمیمه ۹، صفحات ۷۷۰ الی ۷۷۶ مراجعه کنید)، ولی عیسی از اقتدار خود استفاده می‌کرد. ابهامات و اطلاعات بدی امروز در مورد بیرون راندن دیوها و شیاطین وجود دارد. بخشی از این مسئله از آنجا ناشی می‌شود که عهد جدید در این خصوص بحث نمی‌کند. به عنوان یک شبان آرزو می‌کنم ای کاش اطلاعات بیشتری در این مورد داشتیم. اینها برخی کتبی هستند که به آنها اعتماد دارم:

• *Christian Counseling and the Occult*, Kurt E. Koch

• *Demons in the World Today*, Merrill F. Unger

• *Biblical Demonology*, Merrill F. Unger

• *Principalities and Powers*, John Warwick Montgomery

• *Christ and the Powers*, Hendrik Berkhof

• *Three Crucial Questions About Spiritual Warfare* by Clinton Anton

برای من حیرت انگیز است که بیرون راندن دیوها در فهرست هدایای معنوی نیست و این موضوع در نامه‌های شاگردان مطرح نشده است. من معتقدم که جهان بینی انجیلی که قلمرو معنویت را در بر میگیرد (نیکی و پلیدی)، در فلمرو فیزیکی وجود دارد و فعال است (مراجعه شود به یعقوب ۱ الی ۲، دانیال ۱۰، افسسیان ۶: ۱۰ الی ۱۸). با این حال، خداوند تصمیم گرفته است که شرایط خاصی را آشکار نکند. به عنوان مومنین، ما همه اطلاعات لازم را برای اینکه زندگی خداپسندانه داشته باشیم در اختیار داریم. اما برخی از موضوعات به طور کامل آشکار نشده و یا توسعه نیافته‌اند. مومنین باید به یاد داشته باشند که بیرون راندن دیوها یک سند مشهود از پیروزی عیسی بر شیطان است (مراجعه شود به انجیل لوقا ۱۷: ۱۰ الی ۲۰). عهد جدید تمایز مشخصی بین بیرون راندن دیوها و جن گیری و شفا را ایجاد می‌کند (مراجعه شود به انجیل متی ۱۶: ۸، انجیل مرقس ۳: ۱، انجیل لوقا ۴: ۴۰ الی ۴۱).

موضوعات خاص زیر را مطالعه کنید:

۱. موضوع خاص: شیطان

۲. موضوع خاص: شیطان فردی

۳. موضوع خاص: شیاطین در عهد عتیق

۴. موضوع خاص: شیاطین در عهد جدید

۱: ۲۶ چندین ابراز فیزیکی در مورد روح ناپاک که فرد را ترک می‌کند به ثبت رسیده است (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱: ۲۶، ۹: ۲۶، و انجیل لوقا ۹: ۳۹).

این می‌تواند راهی برای تأیید این باشد که واقعا روح او را ترک کرده است.

این نخستین نشانه قدرت به وضوح مسیح بودن عیسی را نشان می‌دهد. عنوان عهد عتیقی (مراجعه شود به مزامیر ۱۶: ۱۰) که توسط آن دیوها او و قدرتش را تأیید می‌کنند که آنها را کنترل و قضاوت کند به وضوح منعکس کننده اقتدار معنوی عیسی ناصری هستند (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱: ۲۷). این داستان همسو با انجیل لوقا ۴: ۳۱ الی ۳۷ است.

۱: ۲۷ " این چیست؟ تعلیمی جدید و با اقتدار " این کلمه یونانی برای "جدید" (*kainos*) به معنی "جدید از دید کیفیت" است، نه "جدید از نظر زمانی". عبارت "با اقتدار" می‌تواند اشاره به تعالیم عیسی باشد (مراجعه شود به انجیل متی ۷: ۲۹، NASB, NRSV, NJB) یا به فرمان دادن عیسی (مراجعه شود به انجیل لوقا ۴: ۳۶، NKJV, TEV). از آنجا که انجیل لوقا همسوی مستقیم است، به نظر می‌رسد دومی بهترین انتخاب باشد.

منشا اقتدار عیسی تبدیل به محور اصلی مسئله میان عیسی و رهبران یهود تبدیل شد (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۱: ۲۸، انجیل متی ۲۱: ۲۳، انجیل لوقا ۲۰: ۲). آنها نمی‌توانستند قدرت او را انکار کنند، بنابراین منشا آن را رد کردند. این یک گناه نابخشودنی است!

۱: ۲۸ " دیری نپایید " به یادداشت مربوط به انجیل مرقس ۱: ۱۰ مراجعه کنید.

■ "آوازه او در سرتاسر ناحیه جلیل پیچید" یک چنین جن گیری مرتب گفته می‌شد و تکرار می‌گشت.

NASB: انجیل مرقس ۱: ۲۹ الی ۳۱

۲۹ چون عیسی کنیسه را ترک گفت، بی‌درنگ به اتفاق یعقوب و یوحنا به خانه شمعون و آندریاس رفت. ۳۰ مادرزن شمعون تب داشت و در بستر بود. آنها بی‌درنگ عیسی را از حال وی آگاه ساختند. ۳۱ پس عیسی به بالین او رفت و دستش را گرفته، او را برخیزانید. تب او قطع شد و مشغول پذیرایی از آنها گشت.

۱: ۳۰ "مادرزن شمعون" این نشان می‌دهد که پطرس ازدواج کرده بود. از همسر او هرگز در عهد جدید اسمی برده نشده است. ممکن است مرده بوده، ولی اول فرنتیان ۹: ۵ دلالت بر این دارد که او همراه با پطرس سفر کرد. این داستان با انجیل لوقا ۴: ۳۱ الی ۳۷ و انجیل متی ۸: ۱۴ الی ۱۷ همسو است.

■ "در بستر بود" این زمان غیر کامل است که نشان می‌دهد عملی در گذشته ادامه داشته است. مدتی بود که او بیمار بود.

■ "تب داشت" این به مفهوم "تب داشتن" است. این زمان حال است، که دلالت بر تداوم عمل دارد. توجه داشته باشید که این بیماری با دیوزدگی ارتباطی نداشت (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱: ۳۲). قدرت عیسی بر بیماری یک نشانه دیگر شخص او و ماموریت مسیح بودنش است. اغلب در انجیل معجزات عیسی بیشتر برای شاگردان و گیرندگان بود. عیسی به وضوح خود را بر شاگردانی که جدیدا انتخاب کرده آشکار می‌کند. در اینجا او در روز شبات و با محبت عمل می‌کند. این کار برای این مردان یهودی حیرت انگیز بود.

NASB: انجیل مرقس ۱: ۳۲ الی ۳۴

۳۲ شامگاهان، پس از غروب آفتاب، همه بیماران و دیوزدگان را نزد عیسی آوردند. ۳۳ مردمان شهر همگی در برابر در گرد آمده بودند! ۳۴ عیسی بسیاری را که به بیماریهای گوناگون دچار بودند، شفا داد و نیز دیوهای بسیاری را بیرون راند، اما نگذاشت دیوها سخنی بگویند، زیرا او را می‌شناختند.

۱: ۳۲ "شامگاهان، پس از غروب آفتاب" ظاهرا این پس از گرگ و میش بود، بنابراین شبات رسماً خاتمه یافته بود و شفای فیزیکی از دید مذهبی اینک قانونی بود.

■ "نزد او آوردند" این زمان غیر کامل است که به معنی "همچنان حمل کردن" است. عیسی دوست نداشت او را به عنوان معجزه گر بشناسند، بلکه به عنوان بشارت دهنده حقیقت (مراجعه شود به انجیل لوقا ۴: ۴۳)، با این حال حرف پخش شده بود (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱: ۲۸).

■ "بیمار" آیه ۳۲ دلالت بر "همه" کسانی که در سراسر شهر بیمار و یا دیوزده بودند و نزد عیسی آورده بودند، دارد. آیه ۳۴ می‌گوید که او بسیاری از آنها را شفا داد، ولی نه همه را. جالب است که اصطلاحات "بسیاری" و "همه" اغلب در انجیل به صورت مترادف یکدیگر استفاده شده‌اند (مراجعه شود به اشعیا ۵۳: ۶ در مقابل ۵۳: ۱۱ و ۱۲، و رومیان ۵: ۱۸ در برابر ۱۹). مشخص نیست که عیسی همه کسانی را که نزد او آوردند شفا داد یا بسیاری از آنها را. در حوض بیت صیدا در اورشلیم، ثبت شده است که عیسی فقط یکی از بسیاری از بیماران را شفا داد. عیسی از مسیر خود منحرف نشد که بیماران شفا دهد، ولی اگر شرایط ایجاب می‌کرد (یعنی یک لحظه آموزش به شاگردان و همراهان او برای کمک به دردمندان و نیازمندان)، او با قدرت عمل می‌کرد. او مسیر خود به منظور بشارت خارج شد (زن سامری، مراجعه شود به انجیل یوحنا ۴، به خصوص انجیل مرقس ۱: ۴). شفا دادن یک نشانه بود، ولی ترویج هدف و تمرکز

بشارت او بود.

ابهاماتی در مورد روش شناسی درمان عیسی وجود دارد، گاهی اوقات وابسته به پاسخ ایمان فرد بیمار است، گاهی اوقات وابسته به ایمان یکی از دوستان و کسانی که او را دوست دارند و اغلب با هدف نشان دادن قدرتش است، و ربطی به ایمان گیرنده ندارد. رستگاری به صورت خودکار با شفا یافتن همراه نیست.

■ "دیوزدگان" به تمایز میان بیماری و دیوزدگی توجه کنید.

۱: ۳۳ این مردم شهر کنجکاو بودند و برخی از شفای فیزیکی و معنوی مایوس بودند.

۱: ۳۴ "بسیاری را که به بیماریه‌های گوناگون دچار بودند، شفا داد" این آیه یکی از چندین آیه در انجیل مرقس است (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱: ۳۴ و ۴۳ الی ۴۴، ۳: ۱۲، ۴: ۱۱، ۵: ۴۳، ۷: ۲۴، ۸: ۳۶ و ۲۶، ۹: ۹ و ۹) که اغلب به "راز مسیحیت انجیل مرقس" اشاره دارد. عیسی به شاگردان و کسانی که آنها را شفا می‌دهد، می‌گوید که با کسی در مورد شفا دادن او صحبت نکنند. عیسی نمی‌خواست او را فقط به عنوان شفا دهنده و معجزه‌گر بشناسند. اینها فقط نشانه‌هایی بودند برای مسیح بودن او، که در این مرحله از زندگی او به صورت کامل آشکار نشده بود. عیسی آمد که (۱) پدر را آشکار نماید، (۲) خود را به عنوان قربانی برای گناهان بدهد، و (۳) به مومنین الگویی برای پیروی ارائه دهد. شفا دادن آنها فقط نشانه‌هایی بودند از عشق او به ضعفا، بیماران و مطرودین. این نشانه پیش‌گویی شده در عهد عتیق بود از بشارت مسیح (مراجعه شود به اشعیا ۶۱: ۱).

■ "نگذاشت دیوها سخنی بگویند" این زمان غیر کامل است، دلالت بر چندین جن‌گیری دارد (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱: ۲۴). موضوع خاص: دیوها در بخش مربوط به انجیل مرقس ۱: ۲۴ را مطالعه کنید.

NASB: انجیل مرقس ۱: ۳۵ الی ۳۹

^{۳۵} بامدادان که هوا هنوز تاریک بود، عیسی برخاست و خانه را ترک کرده، به خلوتگاهی رفت و در آنجا به دعا مشغول شد. ^{۳۶} شمعون و همراهانش به جستجوی او پرداختند. ^{۳۷} چون او را یافتند، به وی گفتند: "همه در جستجوی تو هستند!" ^{۳۸} عیسی ایشان را گفت: "بیاید به روستاهای مجاور برویم تا در آنجا نیز موعظه کنم، زیرا برای همین آمده‌ام." ^{۳۹} پس روانه شده، در سراسر جلیل در کنیسه‌های ایشان موعظه می‌کرد و دیوها را بیرون می‌راند.

۱: ۳۵ "بامدادان که هوا هنوز تاریک بود" این اشاره به آخرین لطحات شب دارد، زمانی میان ۳ الی ۶ بامداد.

■ "در آنجا به دعا مشغول شد" این زمان غیر کامل است که نشان می‌دهد عیسی به صورت منظم دعا می‌کرد. در انجیل لوقا این تاکید اغلب تکرار می‌شود. در انجیل مرقس فقط سه مثال از دعا کردن عیسی دیده می‌شود، در اینجا، هنگام خوراک دادن به پنج هزار نفر (مراجعه شود به انجیل مرقس ۸: ۶)، و در گنسمانه (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۴: ۳۲ الی ۴۲).

۱: ۳۷ الی ۳۹ مردم بدنبال عیسی می‌گشتند زیرا او آنها را شفا داده بود، نه به خاطر تعالیمش (مراجعه شود به انجیل لوقا ۴: ۴۳). عیسی به صورت مداوم در حال حرکت بود زیرا (۱) می‌خواست همه پیام او را بشنوند و (۲) ماموریت او درست درک نمی‌شد.

۱: ۳۸

NASB "برای آن است که آمدم"

NKJV "به خاطر این آمده‌ام"

NRSV "این کاری است که برای انجام آمدم"

TEV, NJB "زیرا به این دلیل است که آمدم"

عیسی عمیقاً احساس می‌کرد (مراجعه شود به انجیل لوقا ۴: ۴۳) که برای اعلام خبر خوش خدا فرستاده شده است (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱: ۱۵ الی ۱۵). او احساس می‌کرد که به عنوان معجزه‌گر و شفا دهنده فرستاده نشده است، بلکه به عنوان بنیانگذاری که یک روز جدید و رابطه جدیدی را با پدر برقرار می‌کند، آغازگر پادشاهی خداست، آمده است. محوریت شخص او، محتوای پیام او، کارهای رستگاری او، قیام با شکوهش از مردگان و معراج تمرکز پیام او بود. راز مسیحیت مرقس از نظر مفهومی راهی برای تصریح این بود که تا سالها بعد و تا آینده اینها به صورت کامل درک نمی‌شوند.

۱: ۳۹ یک تنوع متنی در انجیل مرقس ۱: ۳۹ وجود دارد. برخی نسخ دستنویس یونانی عبارت "او رفت" را دارند (مراجعه شود به L, B, ۴، نسخه فسلطینی سبیریاک و ترجمه‌های کاپتیک، همچنین NASB, NRSV, TEV, NJB)، در حالیکه نسخ یونیکال دستنویس یونانی W, D, C, A، ترجمه‌های والگیت و پیشیتا و همچنین متن یونانی که آگوستین استفاده می‌کرد عبارت "او بود" (مراجعه شود به NKJV) را دارند. *The Textual Commentary on the*

Greek New Testament اثر بروس متزگر، صفحات ۷۵ الی ۷۶ تصریح می‌کند که یک کپی‌کننده متن "او رفت" را تغییر داده تا با انجیل لوقا ۴: ۴۴ مطابقت داشته باشد. این مثال خوبی از این واقعیت است که بیشتر نسخه‌های دستنویس متنوع یونانی اختلاف چندانی در اهمیت الهیاتی یا تاریخی در رابطه مفهوم داستان ندارند.

NASB: انجیل مرقس ۱: ۴۰ الی ۴۵

۴۰: "مردی جذامی نزد عیسی آمده، زانو زد و لابه‌کنان گفت: "اگر بخواهی، می‌توانی پاکم سازی".^{۴۱} عیسی با شفقت دست خود را دراز کرده، آن مرد را لمس نمود و گفت: "می‌خواهم، پاک شو!"^{۴۲} در دم، جذام ترکش گفت و او پاک شد.^{۴۳} عیسی بی‌درنگ او را مرخص کرد و با تأکید بسیار^{۴۴} به وی فرمود: "آگاه باش که در این باره به کسی چیزی نگویی؛ بلکه برو و خود را به کاهن بنما و برای تطهیر خود، آنچه را که موسی امر کرده است، تقدیم کن تا برای آنها گواهی باشد."^{۴۵} اما آن مرد چون بیرون رفت، آزادانه در این باره سخن گفت و خبر آن را پخش کرد. از این رو عیسی دیگر نتوانست آشکارا به شهر درآید، بلکه در جاهای دورافتاده بیرون از شهر می‌ماند. با این حال، مردم از همه اطراف نزد او می‌آمدند.

۴۰:۱ "مردی جذامی" این همسو با انجیل متی ۸: ۲ الی ۴ و انجیل لوقا ۵: ۱۲ الی ۱۶ است. یهودیان جذام را بیماری میدانستند که از جانب خدا تحویل می‌شود (مراجعه شود به دوم تواریخ ۲۶: ۱۶ الی ۲۱). تماس با یک جذامی باعث می‌شد که فرد رسماً ناپاک شود. این بیماری به معنی طرد کامل اجتماعی بود. از دیدگاه فرهنگی حیرت‌انگیز است که چنین فرد مطرود از جامعه به عیسی نزدیک شد و عیسی او را لمس کرد (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱: ۴۱). در مورد این بیماری که در عهد عتیق جذام نامیده می‌شود، در لاویان ۱۳ الی ۱۴ بحث شده است و بسیاری از بیماریهای پوستی را توصیف می‌کند که همه آنها از عبادت کردن محروم هستند.

■ "زانو زد" در انجیل لوقا ۵: ۱۲ گفته می‌شود که او در برابر عیسی احساس درماندگی می‌کرد. عیسی مانند دیگر ربی‌ها نبود. او برای مطرودین و رانده شدگان وقت می‌گذاشت.

■ "اگر بخواهی، می‌توانی پاکم سازی" این جمله عبارت شرطی نوع سوم است که به معنی احتمال وقوع عمل است. او تردیدی در قدرت عیسی نداشت (مرد جذامی در انجیل متی ۸: ۲ عیسی را "سرور" خطاب می‌کند) ولی بر تمایلش بر انجام آن چرا.

۴۱:۱ "با شفقت" عیسی به انسانهایی که با تصویری از خدا خلق شده‌اند عشق می‌ورزد. در متن غربی، "رنجیده" نوشته شده، ولی در MSS، A، B، و C "ترحم" نوشته شده است. در زبان آرامی این کلمات مشابه هم هستند. هر چند در قدیمیترین و بهترین نسخه دستنویس "ترحم" نوشته شده، نامتداولترین اصطلاح "رنجیده" یا "عصبانی" خوانده می‌شود. ضمیمه دو در مورد انتقاد متنی را مطالعه کنید. چندین جای دیگر در انجیل مرقس هستند که خشم عیسی به سوی بیماری یا شیطان این عصر است.

مرقس عیسی را به عنوان یک تماما انسان به تصویر می‌کشد، تمامی احساسات انسانی را خودش احساس و به دیگران هم ابراز می‌دارد.

۱. عصبانیت (انجیل مرقس ۱: ۴۱، ۳: ۵)
۲. گرسنگی فیزیکی (انجیل مرقس ۲: ۲۵)
۳. آه عمیق (انجیل مرقس ۷: ۳۴، ۸: ۱۲)
۴. خشم/استرس (انجیل مرقس ۱۰: ۱۴)
۵. محبت (انجیل مرقس ۱۰: ۲۱)
۶. غم و اندوه/ناراحتی (انجیل مرقس ۱۰: ۳۳ الی ۳۴)
۷. بی‌وفایی (انجیل مرقس ۱۵: ۳۴)
۸. تشنگی (انجیل مرقس ۱۵: ۳۶)

■ "مرد را لمس نمود" این یک تشریفات "نه! نه!" بود. لمس کردن مردم توسط عیسی به عنوان حرکت شخصی که نشاندهنده توجه و اهمیت دادن اوست و این یک امر متداول در انجیل است (مراجعه شود به انجیل مرقس ۷: ۳۳، ۸: ۲۲، ۱۰: ۱۳، همچنین چندین نفر عیسی را لمس کردند، به عنوان مثال، انجیل مرقس ۳: ۱۰، ۵: ۲۲ الی ۲۸ و ۳۰ و ۳۱، ۶: ۵۶).

■ "پاک شو" این یک زمان آنورست امری مجهول است. عیسی با همان اقتداری که دیوها را بیرون می‌راند، شفا هم می‌دهد.

۴۳:۱ "با تأکید بسیار" این به مفهوم "فریاد زد" است، که به معنی "از روی ناخشنودی فریاد زدن" است. این منعکس کننده راز مسیحیت مرقس است. خبر خوش هنوز پایان نیافته است، و پیام هنوز ناقص است. عیسی نمی‌خواست به عنوان کسی که معجزه می‌کند، شناخته شود.

■ "بی‌درنگ او را مرخص کرد" این مشابه همان عبارت قدرتمندی است که در مورد وقتی روح عیسی را به بیابان برد، استفاده شد (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱: ۱۲).

۱: ۴۴ " آنچه را که موسی امر کرده است، تقدیم کن " این نیاز برای شفای جذام بود (مراجعه شود به لاویان ۱۳ و ۱۴، تثنیه ۲۴: ۸). عیسی عهد عتیق را رد نمی‌کند (مراجعه شود به انجیل متی ۱۷ الی ۱۹)، بلکه سنتهای شفاهی که در یهود بسط یافته‌اند را رد می‌کند (مراجعه شود به انجیل متی ۵: ۲۱ الی ۴۸). احتمالا این هم برای شهادت نزد کشیش بوده است.

۱: ۴۵ " خبر آن را پخش کرد " این زمان حال نامحدود است. این یک نافرمانی مستقیم از درخواست قوی عیسی بود (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱: ۴۳ الی ۴۴).

■ " در جاهای دورافتاده بیرون از شهر می‌ماند " این اشاره به جاهای غیر مسکونی همانند انجیل مرقس ۱: ۳ دارد.

سوالاتی برای بحث

این یک راهنمای مطالعاتی است، که بدین معنی است که شما خودتان مسئول تفسیر انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر خودمان گام برداریم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. شما نباید این امر را به یک مفسر واگذار کنید.

این سوالات مباحثاتی به منظور کمک به شما در تفکر نسبت به مسائل اصلی این بخش از کتاب مطرح شده‌اند. آنها صرفاً تفکر برانگیز هستند نه قطعی.

۱. چرا انجیل مرقس با بشارت یحیی تعمید دهنده آغاز می‌شود؟ او معرف کیست؟
۲. آیا تعمید بخشی یا نمادی از بخشش است؟
۳. چرا عیسی تعمید گرفت؟ آیا او گناهکار بود و نیاز به توبه داشت؟
۴. در کجای این بخش شهادتی در مورد تثلیث دلالت می‌کند؟
۵. چرا عیسی وسوسه شد؟ در کدام بخش از زندگی او وسوسه آمد؟
۶. آیا پادشاهی خدا اینجاست یا در آینده؟
۷. آیا انجیل مرقس ۱ اولین دیدار عیسی و ماهیگیران را توصیف می‌کند؟
۸. چرا مردم در کنیسه کفرناحوم از تعالیم عیسی در شگفت شدند؟
۹. آیا دیو زدگی یک واقعیت است یا یک خرافات فرهنگی؟
۱۰. چرا دیو آشکار کرد که عیسی واقعا که بود؟
۱۱. چرا پاک کردن جذام این قدر مهم است؟
۱۲. چرا عیسی به مرد جذامی دستور داد تا به هیچکس در مورد اتفاقی که افتاده بود سخنی نگوید؟

مرقس ۲

پاراگراف‌های ترجمه‌های مدرن

UBS ⁴	NKJV	NRSV	TEV	NJB
شفای مرد فلج را	عیسی مرد افلیح را می‌بخشد و شفا می‌دهد	شفای مرد فلج	عیسی یک مرد مفلوج را شفا داد	درمان کردن مرد فلج
۱۲: ۱ الی ۱۲	۱۲: ۱ الی ۱۲	۱۲: ۱ الی ۱۲	۱۲: ۱ الی ۵ ۲: ۶ الی ۷ ۲: ۸ الی ۱۱ ۲: ۱۲	۱۲: ۱ الی ۱۲
صدا کردن مرد لاوی	متی خراجگیر	صدا کردن مرد لاوی	عیسی مرد لاوی را صدا می‌کند	صدا کردن مرد لاوی
۱۷: ۱۳ الی ۱۷	۱۷: ۱۳ الی ۱۷	۱۴: ۱۳ الی ۱۴	۱۴: ۱۳ الی ۱۴	۱۴: ۱۳ الی ۱۴
		۱۷: ۱۵ الی ۱۷	۱۶: ۱۵ الی ۱۷ ۱۷: ۲	غذا خوردن با گناهکاران ۱۷: ۱۵ الی ۱۷
سوالاتی درباره روزه	از عیسی در باره روزه سوال می‌شود	روزه	سوال درباره روزه	بحث در مورد روزه
۲۰: ۱۸ الی ۲۰	۲۲: ۱۸ الی ۲۲	۲۰: ۱۸ الی ۲۰	۱۸: ۲ ۲: ۱۹ الی ۲۰ ۲: ۲۱ الی ۲۲	۲۲: ۱۸ الی ۲۲
برداشت غلات در روز شبات	عیسی ارباب شبات است	عیسی و قوانین شبات	سوال درباره شبات	برداشت ذرت در روز شبات
۲۸: ۲۳ الی ۲۸	۲۸: ۲۳ الی ۲۸	۲۸: ۲۳ الی ۲۸	۲۴: ۲۳ الی ۲۶ ۲: ۲۵ الی ۲۶ ۲: ۲۷ الی ۲۸	۲۶: ۲۳ الی ۲۸ ۲۸: ۲۸ الی ۲۸

مطالعه حلقه سوم (رجوع کنید به "سمینار تفسیر کتاب مقدس")

به دنبال نیت اصلی نویسنده در سطوح پاراگراف

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید. کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص نمایید (مطالعه حلقه شماره ۳). تقسیمات موضوعی خود را با پنج ترجمه بالا مقایسه کنید. پاراگراف‌بندی به نویسنده الهام نشده است، اما کلید پیگیری اهداف اصلی نویسنده است که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول
۲. پاراگراف دوم
۳. پاراگراف سوم
۴. غیره

بینش متنی

I. انجیل مرقس ۲: ۱ الی ۳: ۶ در رابطه با چهار واقعه در طول دوره سفر و موعظه که در انجیل مرقس ۱: ۳۸ الی ۳۹ گفته شده، است.

۱. یک شفا دادن (انجیل مرقس ۱: ۱ الی ۱۲)

۲. رسیدن به یک گروه مستند (انجیل مرقس ۲: ۱۳ الی ۱۷)

۳. سوالی درباره روزه (انجیل مرقس ۲: ۱۸ الی ۲۰)

۴. جدل بر سر سنتهای شفاهی (انجیل مرقس ۲: ۲۳ الی ۳۸)

II. انجیل مرقس ۲: ۱ الی ۳: ۶ یک واحد مفهومی است که توسعه مخالفت با عیسی را از دیدگاه مذهبی جاری نشان می‌دهد. عیسی خودش بر علیه سنتهای شفاهی (تلمود) عمل می‌کرد تا یک جدل الهیاتی را با سران مذهبی آغاز کند. به تکرار "چرا" توجه کنید (مراجعه شود به انجیل مرقس ۲: ۷ و ۱۶ و ۱۸ و ۲۴).

III. همسوها

۱. انجیل مرقی ۲: ۱ الی ۱۲ -- انجیل متی ۹: ۱ الی ۸، انجیل لوقا ۵: ۱۲ الی ۲۶

۲. انجیل مرقس ۲: ۱۳ الی ۱۷ -- انجیل متی ۹: ۹ الی ۱۳، انجیل لوقا ۵: ۲۷ الی ۳۲

۳. انجیل مرقس ۲: ۱۸ الی ۲۲ -- انجیل متی ۹: ۱۴ الی ۱۷، انجیل لوقا ۵: ۳۳ الی ۳۹

۴. انجیل مرقس ۲: ۲۳ الی ۲۵ -- انجیل متی ۱۲: ۱ الی ۸، انجیل لوقا ۶: ۱ الی ۵

IV. عیسی آمد تا پدر را اشکار نماید. یهودیت او را در مراسم مذهبی و قوانین پنهان کرده بود. عیسی اهداف و نیتهای رهبران مذهبی را افشا می‌نماید و اینها در انجیل مرقس ثبت شده‌اند. این مسائل تفاوت‌های میان یهودیت روحانیون و پیمان جدید عیسی، آزادی و مذهب واقعی را نشان می‌دهد.

۱. اقتدار عیسی در بخشیدن گناه (انجیل مرقس ۲: ۱ الی ۱۲)

۲. نیاز به روزه گرفتن (انجیل مرقس ۲: ۱۸ الی ۲۲)

۳. نیاز به حفظ شبات و قوانین آن (انجیل مرقس ۲: ۲۳ الی ۲۸)

۴. نیاز به قوانین تشریفاتی (انجیل مرقس ۷: ۱ الی ۸)

۵. مسئله طلاق (انجیل مرقس ۱۰: ۲ الی ۹)

۶. پرداخت مالیات به روم (انجیل مرقس ۱۲: ۱۳ الی ۱۷)

۷. ماهیت رستاخیز (انجیل مرقس ۱۲: ۱۸ الی ۲۷)

۸. فرمانده (انجیل مرقس ۱۲: ۲۸ الی ۳۴)

مطالعه کلمات و عبارات

انجیل مرقس ۲: ۱ الی ۱۲

۱ پس از چند روز، چون عیسی دیگر بار به کفرناحوم درآمد، مردم آگاه شدند که او به خانه آمده است. ^۲ گروهی بسیار گرد آمدند، آن گونه که حتی جلوی در نیز جایی نبود، و او کلام را برای آنها موعظه می‌کرد. ^۳ در این هنگام، جمعی از راه رسیدند و مردی مفلوج را که چهار نفر حمل می‌کردند، پیش آوردند. ^۴ اما چون به سبب ازدحام جمعیت نتوانستند او را نزد عیسی بیاورند، شروع به برداشتن سقف بالای سر عیسی کردند. پس از گشودن سقف، تشکی را که مفلوج بر آن خوابیده بود، پایین فرستادند. ^۵ چون عیسی ایمان آنها را دید، مفلوج را گفت: "ای فرزند، گناهانت آمرزیده شد." ^۶ برخی از علمای دین که آنجا نشسته بودند، با خود اندیشیدند. ^۷ چرا این مرد چنین سخنی بر زبان می‌راند؟ این کفر است! چه کسی جز خدا می‌تواند گناهان را ببامرزد؟ ^۸ عیسی در دم روح خود دریافت که با خود چه می‌اندیشند و به ایشان گفت: "چرا در دل چنین می‌اندیشید؟ ^۹ گفتن کدام یک به این مفلوج آسانتر است، اینکه "گناهانت آمرزیده شد" یا اینکه "برخیز و تشک خود را بردار و راه برو؟" ^{۱۰} حال تا بدانید که پسر انسان بر زمین اقتدار آمرزش گناهان را دارد" - به مفلوج گفت: ^{۱۱} "به تو می‌گویم، برخیز، تشک خود بگیر و به خانه برو!" ^{۱۲} آن مرد برخاست و بی‌درنگ تشک خود را برداشت و در برابر چشمان همه از آنجا بیرون رفت. همه در شگفت شدند و خدا را تمجیدکنان گفتند: "هرگز چنین چیزی ندیده بودیم."

۲: ۱ "کفرناحوم" این اسم به معنی "روستای ناحوم" است. به دلیل بی‌ایمانی مردم ناصره، عیسی این شهر را در جلیل (مراجعه شود به انجیل متی ۴: ۱۳) به عنوان مرکز عملیاتی خود انتخاب کرد. در مسیر اصلی کاروانها از دمشق به مصر قرار داشت. برای بحث بیشتر به *Cities of the Biblical World* اثر Moine F. DeVries صفحات ۲۶۹ الی ۲۷۵ مراجعه کنید.

■ "آگاه شدند" شهرت عیسی باعث شد مردم بسیاری آمده و او را ببینند (بیماران، مردم کنجکاو، جویندگان راستین حقیقت، و رهبران مذهبی). گفته‌های عیسی اغلب خطاب به گروه‌های مختلف در میان حضار بود، ولی معمولاً کدام گروه خاص، ثبت نمی‌شد.

■ "به خانه آمده است" اینکه خانه پطرس است یا مریم، یا اجاره‌ای، مشخص نیست.

۲: ۲ "گروهی بسیار گرد آمدند" در جوامع شرقی درب باز به معنی "تشریف بیاورید" است و آنها وارد می‌شوند.

■ "حتی جلوی در نیز جایی نبود" ممکن است حیاط کوچکی در خانه وجود داشته باشد، ولی اگر هم چنین باشد، باز هم این خانه نمی‌توانست جمعیت زیادی را در خود جای دهد.

■ "او کلام را برای آنها موعظه می‌کرد" این زمان غیر کامل فعال اخباری دلالتی است، که می‌تواند (۱) شروع عمل یا (۲) تکرار یک عمل، درک شود. "کلام" اشاره به پیام عیسی دارد که در انجیل مرقس ۱: ۱۴ الی ۱۵ گفته شده است. معجزات و کارهای او تغییر یافتند، ولی هسته مرکزی پیام او ثابت باقی ماند.

۳: ۲ "مردی مفلوج" این ترکیبی از "سست بودن" و "در طول" است. احتمالاً قربانی یک حمله قلبی بوده است، و یک طرف بدنش لمس بود. عمل عیسی دو هدف داشت: (۱) تحقق نبوت اشعیا ۶: ۶ و (۲) اعلام الهی بودن داشتن اقتدار برای بخشیدن گناه. برای کسانی که بینش معنوی دارند این یک نشانه واضح و غیر مبهم است.

■ "برداشتن سقف" این به مفهوم برداشتن سقف است. از خیابان به سقفها دسترسی بود و اغلب محل گردهماییهای اجتماعی بود. آنها اغلب صاف بودند و از گل و شاخه و برگ ساخته می‌شدند. لوقا ۵: ۱۹ از "کاشی" صحبت می‌کند که احتمالاً به حیاط دلالت دارد. می‌توانید تصور کنید در حالی که تکه‌های سقف بر روی آنان می‌ریخت عیسی در حال تعلیم باشد؟

■ "تشک" این یک تکه حصیر کوچک است که برای خوابیدن استفاده می‌شد.

۵: ۲ "ایمان آنها" عیسی ایمان دوستان و همچنین ایمان مرد فلج را دید و از جانب آنان عمل کرد.

■ "گناهانت آمرزیده شد" احتمالاً این یک تحریک تعمدی نسبت به رهبران مذهبی بود که حضور داشتند. عیسی ایمان این مرد را هم تقویت کرد. یهودیان باور داشتند که رابطه‌ای میان بیماری و گناه وجود دارد (مراجعه شود به یعقوب ۹: ۲ یعقوب ۵: ۱۵ الی ۱۶). این چنین تصور می‌شد که گناهان این مرد به نوعی با افلیج بودنش مرتبط هستند.

متن UBS⁴ با زمان حال مجهول اخباری نوشته شده است. برخی متون یونانی زمان کامل مجهول اخباری هستند (مراجعه شود به P⁸⁸، A، B، C، D، L، W)، که شبیه انجیل لوقا ۵: ۲۰ هستند. با این حال، انجیل متی ۹: ۲ و MS B زمان حال مجهول اخباری دارند. مشکل بتوان تشخیص داد که کدامیک از این دو گزینه اصل باشند.

۶: ۲ "علمای دین" اینان متخصصین قوانین شفاهی و مکتوب بودند. آنان یا (۱) نمایندگان رسمی از اورشلیم بودند که فرستاده شده بودند تا مراقب عیسی باشند، یا (۲) مفسرین محلی سنتهای یهود برای مردم شهر. آنها باید زود آمده باشند که توانسته بودند وارد خانه شوند یا انتظار داشتند که به دلیل مقام اجتماعی به آنها اجازه داده شود که وارد شوند. موضوع خاص: کاتبین در بخش مربوط به انجیل مرقس ۱: ۲۲ را مطالعه کنید.

NASB, NKJV "در قلب خود دلیل آوردند"

NRSV "در قلب خود سوال کردند"

TEV, NJB "با خود فکر کردند"

سوال الهیاتی این است که آیا عیسی افکار آنان را خواند، که در نتیجه شاهدهی دیگر بر الهی بودنش است (مراجعه شود به اول سموئیل ۱۶: ۷، مزامیر ۹: ۱۳۹، ۱: ۱۴، امثال ۱۶: ۲۱، ۲: ۲۴، ۱۲، ارمیا ۱۱: ۲۰، ۱۷: ۱۰، ۲۰: ۱۲، انجیل لوقا ۱۶: ۱۵، اعمال رسولان ۱۵: ۸، عبرانیان ۴: ۱۲)، یا آیا او با سنتهای آنان آشنا بود و واکنش چهره آنان را دید؟

این خودش (مراجعه شود به انجیل مرقس ۲: ۸) می‌تواند نشانه دیگری باشد. روحانیون اشعیا ۱۱: ۳ را اینطور تفسیر می‌کردند که مسیح قادر است افکار مردم را بخواند.

موضوع خاص: قلب (SPECIAL TOPIC: THE HEART)

اصطلاح یونانی *kardia* در نسخه یونانی انجیل استفاده شده است که منعکس کننده اصطلاح عبری *lēb* (BDB 523, KB 513) است. از این اصطلاح به چندین شیوه استفاده می‌شود (مراجعه شود به Bauer, Arndt, Gingrich and Danke, *A Greek-English Lexicon*, چاپ دوم، صفحات ۴۰۳ الی ۴۰۴).

۱. مرکز زندگی انسان، به صورت استعاره برای فرد (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۴: ۱۷، دوم قرنتیان ۳: ۲ الی ۳: ۳، یعقوب ۵: ۵)

۲. مرکز زندگی معنوی (یعنی اخلاق)

a. خدا قلب را می‌شناخت (مراجعه شود به انجیل لوقا ۱۶: ۱۵، رومیان ۸: ۲۷، اول قرنتیان ۱۴: ۲۵، اول تسالونیکیان ۲: ۴، مکا شفه ۲: ۲)

(۲۳)

- b. در مورد زندگی معنوی نوع بشر استفاده شده است (مراجعه شود به انجیل متی ۱۵: ۱۸ الی ۱۹، ۱۸: ۳۵، رومیان ۶: ۱۷، اول تیموتائوس ۱: ۵، دوم تیموتائوس ۲: ۲۲، اول پطرس ۱: ۲۲)
۳. مرکز تفکر زندگی (هوش، مراجعه شود به انجیل متی ۱۳: ۱۵، ۲۴: ۴۸، اعمال رسولان ۷: ۲۳، ۱۶: ۱۴، ۲۸: ۲۷، رومیان ۱: ۲۱، ۱۰: ۶، ۱۶: ۱۸، دوم قرنتیان ۴: ۶، افسسیان ۱: ۱۸، ۴: ۱۸، یعقوب ۱: ۲۶، دوم پطرس ۱: ۱۹، مکاشفه ۱۸: ۷، در دوم قرنتیان ۳: ۱۴ الی ۱۵ و فیلیپیان ۴: ۷ قلب مترادف با ذهن است).
۴. مرکز اراده (مراجعه شود به اعمال رسولان ۵: ۴، ۱۱: ۲۳، اول قرنتیان ۴: ۵، ۷: ۳۷، دوم قرنتیان ۹: ۷)
۵. مرکز احساسات (مراجعه شود به انجیل متی ۵: ۲۸، اعمال رسولان ۲: ۲۶ و ۳۷، ۷: ۵۴، ۲۱: ۱۳، رومیان ۱: ۲۴، دوم قرنتیان ۲: ۴، ۷: ۳، افسسیان ۶: ۲۲، فیلیپیان ۱: ۷)
۶. مکان منحصر به فرد فعالیت روح القدس (مراجعه شود به رومیان ۵: ۵، دوم قرنتیان ۱: ۲۲، غلاطیان ۴: ۶، عیسی در قلب ما، افسسیان ۳: ۱۷)
۷. قلب یک شیوه استعاره‌ای برای اشاره به یک فرد کامل (مراجعه شود به انجیل متی ۲۲: ۳۷، نقل از تثنیه ۶: ۵). افکار، انگیزه‌ها، و اعمال وابسته به قلب به صورت کامل ماهیت فرد را آشکار می‌کنند. عهد عتیق کاربردهای خاصی برای این اصطلاحات دارد
- a. پیدایش ۶: ۶، ۸: ۲۱، "خدا قلبش اندوهگین شد"، همچنین به یوشع ۱۱: ۸ الی ۹ توجه کنید
- b. تثنیه ۴: ۲۹، ۶: ۵، ۱۰: ۱۲، "با تمام روح و قلبت"
- c. تثنیه ۱۰: ۱۶، ارمیا ۹: ۲۶، "قلب غیر یهودی" و رومیان ۲: ۲۹
- d. حزقیال ۱۸: ۳۱ الی ۳۲، "یک قلب نو"
- e. حزقیال ۳۶: ۲۶، "یک قلب نو" در مقابل "قلبی از سنگ" (مراجعه شود به حزقیال ۱۱: ۱۹، زکریا ۷: ۱۲)

۷: ۲ "او کفر می‌گوید" مجازات کفر گویی، مرگ به صورت سنگسار بود (مراجعه شود به لایوان ۲۴: ۱۶). عیسی برای این اتهام گناهکار بود، مگر اینکه الهی باشد. بخشیدن گناه توسط عیسی یک ادعای نه چندان ظریف بر الهی بودن او است، حداقل نماینده قدرت و اقتدار خدا.

■ "چه کسی جز خدا می‌تواند گناهان را ببامرزد" پیام توبه و ایمان عیسی (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱: ۱۴ الی ۱۵) پیش بینی شده بود با تصور گناه آلود بودن تمامی انسانها (حتی مردم تحت پیمان عهد عتیق، مراجعه شود به رومیان ۳: ۹ الی ۱۸). گناه جدی است و نه فقط جنبه رفاقت موقتی دارد بلکه جنبه اسکاتولوژیک ابدی هم دارد. گناه و قدرت آن و عواقب آن، دلیل آمدن عیسی است (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۰: ۴۵، دوم قرنتیان ۵: ۲۱).

فقط خدا می‌تواند گناه را ببخشد زیرا گناه اساسا بر ضد او است (مراجعه شود به پیدایش ۲۰: ۶، ۳۹: ۹، دوم سموئیل ۱۲: ۱۳، مزامیر ۴۱: ۴، ۵۱: ۴). از آنجا که کتاب اشعیا برای انجیل مرقس مرجع است، اینها برخی آیاتی هستند که در رابطه با عصر جدید و بخشش می‌باشند: اشعیا ۱: ۱۸، ۳۳: ۲۴، ۳۸: ۱۷، ۴۳: ۲۵، ۴۴: ۲۲. این هم یک نشانه دیگر مسیح بودن است.

۲: ۸ و ۱۲ "بی درنگ" به یادداشت مربوط به انجیل مرقس ۱: ۱۰ مراجعه کنید.

■ "عیسی، دریافت" به یادداشت مربوط به انجیل مرقس ۲: ۷ مراجعه کنید.

■ "در روح خود" نسخه یونیکال یونانی عهد جدید اینها را ندارد:

۱. فاصله میان کلمات
 ۲. نشانه گذاری و علامتگذاری
 ۳. حروف بزرگ و کوچک (تمام حروف بزرگ هستند)
 ۴. تقسیم بندی آیات و فصلها
- بنابراین، فقط می‌تواند تعیین کند که کدام حروف بزرگ باشند.

۱. اسامی الهی

۲. نام مکانها

۳. نام افراد

اصطلاح روح می‌تواند اشاره داشته باشد به

۱. روح القدس (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱: ۵)
 ۲. جنبه هشیاری فردی انسان (مراجعه شود به انجیل مرقس ۸: ۱۲، ۱۴: ۳۸)
 ۳. برخی موجودات قلمرو الهی (ارواح ناپاک، مراجعه شود به انجیل مرقس ۱: ۲۳)
- در این متن اشاره به عیسی به عنوان فرد دارد.

من به شخصه این مفهوم الهیاتی را که انسان دارای سه جنبه است (جسم، روح، روح بر اساس اول تسالونیکیان ۵: ۲۳) را رد می‌کنم. معمولاً کسانی که این مفهوم را تصریح می‌کنند، این تصور الهیاتی را تبدیل به یک توری علم تفسیر می‌کنند که توسط آن تمامی متون انجیلی تفسیر می‌شوند. این طبقه بندیها تبدیل به محفظه‌های غیر قابل نفوذی می‌شوند که توسط آنان، خدا به انسانها مرتبط می‌شود. انسانها یک واحد هستند (مراجعه شود به پیدایش ۲: ۷). برای مطالعه یک بحث مختصر و مفید درباره نظرات نوع نشر به عنوان سه گانه، دو قطبی یا واحد به *Polarities of Man's Existence in a Biblical Perspective* اثر Frank Stagg و *Christian Theology* اثر Millard J. Erickson چاپ دوم صفحات ۵۳۸ الی ۵۵۷ مراجعه کنید.

۹: ۱۱ و ۱۱ "برخیز، تشک خود بگیر و به خانه برو" اینها دو زمان آتوریست امری هستند که بدنایشان یک زمان حال امری آمده است. این یک شفای فوری و درمان همیشگی بود. به سه دلیل انجام شد

۱. زیرا عیسی به مرد نیازمند توجه داشت و به ایمان و دوستانش پاداش داد

۲. به تعلیم خیر خوش شاگردانش ادامه داد زیرا این کار به شخص او و ماموریتش ربط داشت

۳. به برخورد با سران مذهبی و جدل با آنان ادامه دهد

این رهبران مذهبی فقط دو گزینه دارند: به او ایمان آورند یا قدرت و اقتدار او را توضیح دهند.

۲: ۱۰ "پسر انسان" این یک عبارت و صفتی از عهد عتیق است. در حزقیال ۲: ۱ و مزامیر ۸: ۴ استفاده شد در مفهوم ریشه‌ای "انسان". با این وجود، در دانیال ۷: ۱۳ در یک متن منحصر به فرد دلالت بر هم انسان و هم خدا بودن فرد مورد خطاب توسط این عنوان سلطنتی اسکاتولوژیک دارد (مراجعه شود به انجیل مرقس ۸: ۳۸، ۹: ۹، ۱۳: ۲۶، ۱۴: ۲۶). از آنجا که این عنوان توسط ربی‌های یهود استفاده نشده و بنابراین هیچ مفهوم ملی، انحصاری، نظامیگری ندارد، عیسی آن را به عنوان یک لقب کامل برای ماهیت دوگانه پنهان و آشکارش، تماماً انسان، تماماً از جنس خدا (مراجعه شود به اول یوحنا ۴: ۱ الی ۳) انتخاب کرد. این عنوان مورد علاقه‌اش بود که خودش انتخاب کرده بود. این عنوان سیزده مرتبه در انجیل مرقس استفاده شده است (اغلب در رابطه با رنجهای متفاوتی که عیسی تحمل کرد، مراجعه شود به انجیل مرقس ۸: ۳۱، ۹: ۱۲ و ۳۱، ۱۰: ۳۳ و ۴۵، ۱۴: ۲۱ و ۴۱).

■ "بر زمین اقتدار آموزش گناهان را دارد" عیسی این معجزه را با هدف شهادت این کاتبین و علما انجام داد. مسئله اقتدار (*exousia*) تبدیل به مسئله اصلی می‌شود. آنها نمی‌توانند قدرت او را انکار کنند، بنابراین تصریح می‌کنند که قدرت و اقتدار او شیطانی و منشا آن شیطان است (مراجعه شود به انجیل متی ۱۰: ۲۵، ۱۲: ۲۴ الی ۲۹، انجیل لوقا ۱۱: ۱۴ الی ۲۲).

۲: ۱۲ "همه در شگفت شدند" این به دلیل شفا دادنش نبود، آنها قبلاً او را دیده بودند که چنین کاری را انجام داده بود، بلکه برای بخشش گناهان بود! آنها (کاتبین، علما و فریسیان) معجزات خود را داشتند. عیسی به وضوح قدرت و اقتدار خود را نشان داد. تعجب می‌کنم اگر این رهبران در چنین موقعیتی خدا را هم جلال می‌دادند.

NASB: انجیل مرقس ۲: ۱۳ الی ۱۴

۱۳ عیسی بار دیگر به کنار دریا رفت. مردم همه نزدش گرد می‌آمدند و او آنان را تعلیم می‌داد. ۱۴ هنگامی که قدم می‌زد، لاوی پسر خلفای را دید که در خراجگاه نشسته بود. به او گفت: «از پی من بیا.» او برخاست و از پی عیسی روان شد.

۲: ۱۳ "مردم همه نزدش گرد می‌آمدند و او آنان را تعلیم می‌داد" اینها دو فعل زمان غیر کامل هستند. عیسی همیشه برای تعلیم دادن خبر خوش وقت داشت و به مردم توجه می‌کرد. به همین دلیل است که مردم عوام او را خیلی دوست داشتند. او با داوران، انحصار طلبان و رهبران مذهبی تفاوت داشت.

۲: ۱۴ "لاوی" این اسم در زبان عبری به معنی "همراه" است. نام یکی از قبایل کشیشی اسرائیل بود. ممکن است عیسی نام این فرد را به متی تغییر داده باشد، که به معنی "هدیه یهوه" است (مراجعه شود به انجیل مرقس ۳: ۱۸، انجیل متی ۹: ۹)، یا همانند پولس، والدینش در زمان تولد دو اسم برایش تعیین کرده بودند.

■ "در خراجگاه نشسته بود" جمع آوری مالیات شغلی بود که یهودیان آن را خوار می‌شمردند زیرا از مقامات رومی خریداری می‌شد. مالیات جمع‌کنان مجبور بودند که میزان مشخصی مالیات بابت تمامی کالاها برای روم جمع‌آوری کنند. هیروود آنتیخووس هم بخشی از مالیات گردآوری شده را دریافت می‌کرد. هر مبلغ مازادی که برای خراجگیر باقی می‌ماند، به عنوان حقوقش بود. جمع‌آوری مالیات به دلیل شدت تقلباتی که در آن می‌شد مورد توجه بود. لاوی احتمالاً مالیات صادرات ماهی را جمع‌آوری می‌کرد.

■ "از پی من بیا" این زمان حال امری فعال است. این فراخواندن رسمی برای شاگردی است (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱: ۱۷ و ۲۰). باید به خاطر داشت که ربی‌ها از شاگردان می‌خواستند که خود را نسبت به قانون متعهد سازند، ولی عیسی از این مردان می‌خواست که خود را نسبت او متعهد سازند. عیسی، نه عملکرد قوانین موسی (یعنی، تلمود)، راهی برای رستگاری است. توبه بازگشتن به سوی قانون موسی نیست بلکه بازگشت به عیسی، مسیح یهوه

است. عیسی قانون را انکار نمی کند، ولی خود را در مکان سنتی و تفسیر مناسب آن قرار می دهد (مراجعه شود به انجیل متی ۵: ۱۷ الی ۴۸). رستگاری یک فرد است، نه فقط یک فرقه یا کارایی یک کد. این مسئله دلیل اصلی وارد شدن عیسی به یک جدل تعمدی با رهبران مذهبی است.

در کتاب *The Method and Message of Jesus' Teachings* رابرت استاین نکته خوبی را در رابطه با این بحث ارائه می کند:

"هر چند اصطلاح توتالیتارین مفاهیم منفی زیادی دارد، استفاده آرچی بالد ام. هانتز از این اصطلاح دقیق است و به خوبی تعهد عیسی نسبت به درخواست او از پیروانش را توصیف می کند. از زبان هر کس دیگری ادعای عیسی به عنوان خودپرستی محض تلقی می شد، ولی برای عیسی به وضوح دلالت بر این دارد که تمام جهان گرد او می آیند و اینکه سرنوشت تمام انسانها به پذیرش یا انکار او بستگی دارد. بر طبق عیسی، سرنوشت انسان حول او می گردد. رد وی یعنی داوری ابدی، پذیرش او یعنی پذیرش توسط خدا. عیسی ادعا می کند نقطه محوری تاریخ و رستگاری، خودش است. اطاعت کردن از او خردمندانه و فرار از داوری است، ولی انکار کلام او احقمانه و نابودکننده است، زیرا کلام او تنها زیربنای مطمئنی است که بر روی آن میتوان رستگاری را بنا کرد (انجیل متی ۷: ۲۴ الی ۲۷)" (صفحه ۱۱۸).

NASB: انجیل مرقس ۲: ۱۵ الی ۱۷

^{۱۵} چون عیسی در خانه لاوی بر سفره نشسته بود، بسیاری از خراجگیران و گناهکاران با او و شاگردانش همسفره بودند، زیرا شمار زیادی از آنها او را پیروی می کردند. ^{۱۶} چون علمای دین که فریسی بودند، عیسی را دیدند که با گناهکاران و خراجگیران همسفره است، به شاگردان وی گفتند: "چرا با خراجگیران و گناهکاران غذا می خورد؟" ^{۱۷} عیسی با شنیدن این سخن به ایشان گفت: «بیمارانند که به طبیب نیاز دارند، نه تندرستان. من نیامده ام تا پارسایان بلکه تا گناهکاران را دعوت کنم».

۲: ۱۵ "عیسی در خانه لاوی بر سفره نشسته بود" این خانه لاوی بود (مراجعه شود به انجیل لوقا ۵: ۲۹). عیسی با کسانی که از نظر اجتماعی و مذهبی مطرود بودند غذا می خورد تا یک بحث دینی را با آنان آغاز کند. آنها گرد او آمده بودند زیرا رفتار او با رفتار رهبران خود-پارسای یهودی تفاوت داشت. غذا خوردن یک رخداد خاص در خاور نزدیک با ستان بود که بیانگر پذیرش و دوستی بود. آنان بر روی کتف چپ خود لم دور یک میز نعلی شکل می دادند و پاهایشان پشتشان بود (در توسط J. Jermias. در کتاب *The Eucharistic Words of Jesus* صفحات ۲۰ الی ۲۱ به چالش کشیده شده. او تصریح می کند که یهودیان، به استثنای روزهای جشن، سنتهای مدیترانه ای را به صورت منظم دنبال نمی کردند). در خاور نزدیک، آنان که به صرف غذا دعوت نمی شدند، می توانستند به محوطه غذا خوری آمده و کنار دیوارها یا دم درب یا کنار پنجره بایستند و به مباحثات گوش فرا دهند.

فرد حیرت می کند که چقدر نمادهای سمبلیک اسکاتولوژیک باید در این متن بخواند. آیا این جشن یک پیش گویی ضیافت مسیحانه است که مطرودین در آن حضور دارند (مراجعه شود به انجیل متی ۸: ۱۱، انجیل لوقا ۱۳: ۲۹ احتمالاً منعکس کننده اشعیا ۵۹: ۱۵ الی ۲۱ است)؟ اگر چنین باشد، پس در اینجا یک بینش الهیاتی وجود دارد که دوستی موقتی با عیسی، آینه اسکاتولوژیک رفاقت با پادشاهی است. در حال و ابدیت با گناهکاران آشتی می شود! تمامی گناهکاران پذیرفته می شوند (و همه گناهکاران، حتی مردم تحت پیمان عهد عتیق، مراجعه شود به رومیان ۳: ۹ الی ۱۸).

■ "گناهکاران" این اشاره به مردمانی دارد که تمامی جزئیات سنتهای شفاهی را حفظ نمی کردند (یعنی تلمود). اغلب از آنها به شیوه ناخوشایند "مردم سرزمین" اشاره می شد. آنها در کنیسه پذیرفته نمی شدند.

■ "و شاگردانش" این افراد منتخب در تمامی گفته ها و کارهای عیسی حاضر بودند. در حقیقت در اصل آنها برای این شاگردان بودند. آنها همه چیز را ثبت و به جهان توضیح می دادند.

■ "زیرا شمار زیادی از آنها او را پیروی می کردند" ساختار دستور زبانی مبهم است ولی به نظر می رسد به گناهکاران اشاره دارد، نه به شاگردان.

۲: ۱۶ "علمای دین که فریسی بودند" علمای دینی انحصاراً از یک حزب مذهبی /سیاسی نبودند، هر چند بیشتر آنها در روزگار عیسی فریسی بودند. فریسیان یک بخش خاص الهیاتی یهود بودند که در طول دوره مکابی توسعه یافتند. آنان مذهبیون متعهد و صمیمی بودند که شدیداً سنتهای شفاهی (یعنی تلمود) را دنبال می کردند.

موضوع خاص: فریسیان (SPECIAL TOPIC: PHARISEES)

۱. منشا این اصطلاح احتمالاً یکی از موارد زیر است

a. "جدا بودن". این گروه در طول دوره مکابی بسط یافتند (این دیدگاه بیشتر پذیرفته شده است)، و خود را از توده مردم جدا کردند تا سنتهای شفاهی قوانین موسی را حفظ کنند (*Hasidim*).

- b. "تقسیم کردن" یک معنی دیگر این اصطلاح از همان ریشه عبری لغت است (BDB 827, BDB 831 I, KB 976)، هر دو به معنی تقسیم کردن هستند. برخی اساتید می‌گویند معنی آن مفسر یا مترجم است (مراجعه شود به نحیما ۸: ۸، دوم تیموتائوس ۲: ۱۵).
- c. "پارسی" این معنی دیگر این اصطلاح از همان ریشه آرامی است (BDB 828, KB 970). برخی از دکتربین‌های فریسیان وجوه اشتراک زیادی با دوالیسم زرتشتیان ایران دارد.
۲. نظریات زیادی وجود دارند که چه کسی فریسیان را به وجود آورد
- a. یک بخش خداشناسی از یهودیسم اولیه (جوزفوس)
- b. یک گروه سیاسی از دوره های هاسمونیان و هردویان
- c. یک گروه اساتید مفسرین موسی که به مردم عادی کمک می‌کردند پیمان موسی و سنتهای شفاهی پیرامون آن را درک کنند
- d. جنبشی از منشیان، مانند عزرا و Great Synagogue، در رقابت با رهبری روحانیون معبد شکل‌گیری آنها ناشی از درگیری گروه‌های زیر بود
- a. مافوقهای غیر یهودی (به خصوص آنتیخوس چهارم)
- b. اشراف در مقابل شریعت
- c. آنان که به پیمان زندگی متعهد بودند در برابر یهودیان عامی فلسطین
۳. اطلاعات ما در مورد آنها از این منابع است
- a. جوزفوس که فریسی بود
- i. *Antiquities of the Jews*
- ii. *Wars of the Jews*
- b. عهد جدید
- c. منابع جدیدتر یهود
۴. دکتربین اصلی آنها
- a. اعتقاد به آمدن مسیح، که تحت تاثیر ادبیات آخرالزمانی یهود قرار گرفته بود، مانند اول انوش.
- b. اعتقاد به اینکه در زندگی روزانه ما خدا فعال است. این کاملاً مخالف اعتقادات سادوجس‌ها بود (مراجعه شود به اعمال رسولان ۲۳: ۸). بسیاری از دکتربین‌های فریسیان از دیدگاه الهیات و خداشناسی در نقطه متضاد دکتربین‌های سادوجس‌ها بود.
- c. اعتقاد بر زندگی پس از مرگ بر اساس زندگی شیوه زندگی زمینی، که شامل پاداش و مجازات است (مراجعه شود به دانیال ۱۲: ۲)
- d. اعتقاد بر اقتدار فرامین خدا در عهد عتیق بر اساس آنچه که در مدارس روحانیون تفسیر می‌شدند (شامای، محافظه‌کار و هیلل، لیبرال). تفسیر روحانیون بر اساس مناظره میان روحانیون دو مکتب فلسفی مختلف صورت می‌گرفت، یکی محافظه‌کار و دیگری لیبرال. این مناظرات شفاهی بر اساس معنی کتاب مقدس نهایتاً در دو حالت نوشته می‌شدند: تلموذ بابلی و تلموذ غیر کامل فلسطینی. آنها معتقد بودند که موسی این تفاسیر شفاهی را در کوه سینا گرفته است. شروع تاریخی این مباحثات با عزرا و مردان *Great Synagogue* که بعداً سانهدرین نامیده شدند آغاز شد.
- e. اعتقاد به فرشته شناسی والا. این شامل هم معنویت خوب و معنویت شیطانی بود. این از دوالیسم پارسی و ادبیات کتاب مقدس یهود بسط یافت.
- f. اعتقاد به پادشاهی خدا، و البته آزادی اراده انسان (*yetzers*)
۵. قدرت جنبش فریسیان
- a. آنها عاشق مکاشفه خدا بوده و به آن احترام می‌گذاشتند و اعتماد داشتند. (یعنی تمام آن، منجمله قوانین، پیامبران، نوشته‌ها، و سنتهای شفاهی).
- b. آنها متعهد بودند که پیروان صادق (ایمان روزانه و زندگی) مکاشفه خدا باشند. آنها یک اسرائیل تحت عدالت می‌خواستند تا وعده‌های نبوتی روز جدید و پر رونق تحقق یابد.
- c. آنها حامی برابری جامعه یهود بودند که شامل تمامی مردم از تمامی اقشار و سطوح بود. به مفهومی، آنها رهبری روحانیون (یعنی سادوجس‌ها) و الهیات آنها را رد می‌کردند (مراجعه شود به اعمال رسولان ۲۳: ۸).
- d. آنها با یک مولفه انسانی معبر بر پیمان موسی فائق آمدند. آنها تماماً پادشاهی خدا تصریح کردند، ولی همچنین نیاز انسان بر تجربه آزادی اراده را حفظ نمودند (دو *yetzers*).

e. عهد جدید از چندین فریسی قابل احترام نام می برد (مثلا نیکودیموس، حاکم ثروتمند جوال، و جوزف از آریماتا).
۶. آنها تنها گروه قرن اول یهودی بودند که از تخریب اورشلیم و معبد توسط رومیان در سال ۷۰ میلادی باقی ماندند. آنها یهودیان مدرن شدند.

۲: ۱۶ "با گناهکاران و خراجگیران هم سفره است" این باید یک رخداد منظم با شد، نه یک استثنا (مراجعه شود به انجیل لوقا ۵: ۲۹، ۷: ۳۴، ۱۵: ۱ الی ۲). این برای نخبگان مذهبی خود-پارسا حیرت انگیز و شوکه کننده بود.

۲: ۱۷ "بیمارانند که به طبیب نیاز دارند" آنان احساس نیاز داشتند که برای ایمان حیاتی بود (مراجعه شود به انجیل متی ۵: ۳ الی ۴) و عیسی شفا دهنده و دوست آنان بود (مراجعه شود به انجیل لوقا ۷: ۳۴، ۱۹: ۱۰).

■ "من نیامده‌ام تا پارسایان بلکه تا گناهکاران را دعوت کنم" این دوگانگی است، احتمالا طعنه‌ای است همانند انجیل لوقا ۷: ۱۹. این بیان به این مفهوم نبود که رهبران دینی پارسا هستند (مراجعه شود به انجیل متی ۵: ۲۰) و بنابراین نیاز به توبه ندارند، بلکه پیام عیسی (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱: ۱۴ الی ۱۵) بیشتر برای کسانی که نیاز معنوی را در خود احساس می کردند، جذاب بود. عیسی در تعالیم خود اغلب از تمثیل استفاده می کند (مراجعه شود به انجیل مرقس ۲: ۱۷ و ۲۱ و ۲۲ و ۲۷ و ۳: ۲۷، ۴: ۲۱ و ۲۲ و ۲۵، ۷: ۱۵، ۸: ۳۵ و ۳۶ و ۳۷، ۹: ۴۰ و ۵۰، ۱۰: ۲۵ و ۲۷ و ۳۱ و ۴۳ الی ۴۴). هیچکس نابینا تر از کسی نیست که تصور می کند می بیند!

Textus Receptus "توبه کردن" را در پایان این آیه اضافه می کند تا همسو با لوقا و متون بیزانسی باشد (مراجعه شود به انجیل مرقس ۵: ۳۲)، ولی این تنوع حتی در UBS⁴ به عنوان یک احتمال ظاهری در نظر گرفته نشده است.

NASB: انجیل مرقس ۲: ۱۸ الی ۲۰

^{۱۸} زمانی که شاگردان یحیی و فریسیان روزه دار بودند، عده‌ای نزد عیسی آمدند و گفتند: "چرا شاگردان یحیی و شاگردان فریسیان روزه می گیرند، اما شاگردان تو روزه نمی گیرند؟" ^{۱۹} عیسی پاسخ داد: "آیا ممکن است میهمانان عروسی تا زمانی که داماد با ایشان است، روزه بگیرند؟ تا وقتی داماد با آنهاست نمی توانند روزه بگیرند. ^{۲۰} اما زمانی خواهد رسید که داماد از ایشان گرفته شود. در آن ایام روزه خواهند گرفت."

۲: ۱۸ الی ۲۰ "روزه گرفتن" فریسیان و شاگردان یوحنا از لحاظ فرهنگی دو مرتبه در هفته در روزهای دوشنبه و پنجشنبه روزه می گرفتند (مراجعه شود به انجیل لوقا ۱۸: ۱۲). طبق قوانین موسی فقط یک مرتبه در سال روزه باید گرفت، در روز تطهیر (مراجعه شود به لاویان ۱۶). این روزه‌های دو مرتبه در هفته مثال خوبی از بسط سنت گزایی است (مراجعه شود به زکریا ۷ الی ۸). روزه گرفتن وقتی که اجباری باشد، ارزش معنوی خود را از دست می دهد و توجه را به خودش جلب کند (مراجعه شود به انجیل متی ۶: ۱۶ الی ۱۸).

موضوع خاص: روزه (SPECIAL TOPIC: FASTING)

هر چند در عهد جدید روزه گرفتن دستور داده نشده است، در زمانهای مناسبی شاگردان عیسی باید روزه بگیرند (مراجعه شود به انجیل متی ۶: ۱۶ و ۱۷، ۹: ۱۵، انجیل مرقس ۲: ۱۹، انجیل لوقا ۵: ۳۵). شرایط روزه گیری مطلوب در اشعیا ۵۸ توصیف شده است. عیسی خودش در این زمینه پیش قدم شد (مراجعه شود به انجیل متی ۴: ۲). کلیسای اولیه روزه می گرفت (مراجعه شود به اعمال رسولان ۲: ۱۳ الی ۳، ۱۴: ۲۳، دوم قرن تیان ۵: ۶، ۱۱: ۲۷). انگیزه و اعمال بسیار مهم هستند، مدت و دوره آن انتخابی است. روزه داری به شیوه عهد عتیق برای مومنین عهد جدید الزامی نیست (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۹: ۱۵ الی ۲۹). روزه داری شیوه ای برای نمایش معنویت و ایمان داری نیست (مراجعه شود به اشعیا ۵۸، انجیل متی ۶: ۱۶ الی ۱۸)، بلکه برای نزدیکتر شدن به خدا و راهنمایی گرفتن از او است (عیسی، انجیل متی ۴: ۲). از نظر معنوی میتواند بسیار مفید باشد. گرایش کلیسای اولیه نسبت به ریاضت باعث شد که کاتبین در چندین متن "روزه گرفتن" را اضافه کنند (یعنی انجیل متی ۱۷: ۲۱، انجیل مرقس ۹: ۲۹، اعمال رسولان ۳۰: ۱۰، اول قرن تیان ۵: ۷). برای اطلاعات بیشتر در مورد این متون سوال برانگیز به *A Textual Commentary on the Greek New Testament* اثر Bruce Metzger از انتشارات United Bible Societies مراجعه کنید.

NASB, NKJV "آنها آمدند"

NRSV "مردم آمدند"

TEV, NJB "برخی آمدند"

آیه ۱۸ با این شروع می شود که شاگردان یوحنا و فریسان برای برخی منا سبتها روزه می گرفتند. آنان به این توجه می کنند و سوال می پرسند که چرا شاگردان او برای چنین مناسبتی روزه نمی گیرند.

۱۹:۲ از نظر دستور زبانی، این سوال انتظار پاسخ منفی دارد.

■ **"داماد"** تشبیهات ادبی زیادی در عهد عتیق درباره مفهوم "داماد" وجود دارد. در عهد عتیق یهوه داماد یا شوهر اسرائیل است. در این متن عیسی داماد است و کلیسا عروس (مراجعه شود به افسسیان ۵: ۲۳ الی ۳۲). در انجیل مرقس "داماد از ایشان گرفته می شود" اشاره زمانی دارد که جدایی اتفاق می افتد. اینک به عنوان مفسر دو گزینه در اختیار داریم. نخست، می توانیم این را به عنوان یک استعاره فرهنگی درباره زمان شادی که مرتبط با ازدواج است ببینیم. هیچ کس در طول عروسی روزه نمی گیرد! دوم، می توانیم این را به عنوان منحنی زمان عیسی بر روی زمین و مصلوب شدنش ببینیم. مرقس (مفسر پطرس) تمامی دلالت های این اصطلاحات استعاره ای را می دانست (در یهودیت داماد، نه در مورد مسیح، بلکه در مورد پادشاهی خدا که می آید، استعاره بود). آیا این پیش گوئی مرگ عیسی بود؟ او به وضوح مسیح بودن و الهی بودن خود را از طریق کارها و کرده هایش آشکار کرده بود (یعنی بیرون رندن دیوها، شفا دادن، بخشیدن گناهان). با این حال، راز مسیحیت مرقس باعث حیرت فرد می شود! ولی زبان غیر مستقیم و دلالت انجیل مرقس ۲: ۲۱ الی ۲۲ باعث می شوند که من به شیوه ای تجربیدی، و در عین حال اسکاتولوژیک ببینم (یعنی، داماد می میرد، ولی پسر خدا باز می گردد و می ماند). میان مرگ و بازگشت (یعنی، ضیافت مسیح)، پیروان او، به شیوه ای مناسب و در زمان مناسب، روزه می گیرند.

۲۰:۲ "گرفته شود" این می تواند اشاره ای به اشعیا ۵۳: ۸ در انجیل یونانی Septuagint باشد. پس از مصلوب شدن، قیام از مردگان و معراج، پطرس اهمیت اشعیا ۵۳ را به صورت کامل درک کرد.

■ **"روزه خواهند گرفت"** این زمان آینده خبری فعال است (بیان یک واقعیت)، نه یک امر (دستور).

NASB: انجیل مرقس ۲: ۲۱ الی ۲۲

"هیچ کس پارچه نورا بر جامه کهنه وصله نمی زند. اگر چنین کند، وصله از آن کنده شده، نو از کهنه جدا می شود، و پارگی بدتر می گردد. ۲۲ و نیز هیچ کس شراب نورا در مَشکهای کهنه نمی ریزد. اگر چنین کند، آن شراب مَشکها را پاره می کند، و این گونه، شراب و مَشکها هر دو تباه خواهند شد. شراب نورا در مَشکهای نو باید ریخت."

۲۱:۲ این بیان کننده یک حقیقت فرهنگی است که در قالب تمثیل آمده.

۲۲:۲ "مشک" این اشاره به برهائی دارد که پوست آنها به شیوه ای کنده می شود که اجازه می دهد از پوست به عنوان محفظه ای برای نگهداری مایعات استفاده شود. این خیک های جدید نرم بودند. وقتی این پوستها کهنه می شدند، فرایند تخمیر و تبدیل شراب جدید باعث می شود که آنها تکه تکه شوند. یهودیت قادر به پذیرش بینش عیبی و اصلاحات نبود و بنابراین پوچ می شد. پیمان جدید (مراجعه شود به ارمیا ۳۱: ۳۱ الی ۳۴، حزقیال ۳۶: ۲۲ الی ۳۸) با عیسی آمد. هیچ چیز نمی تواند همانند قبل بماند.

چندین گونه متفاوت یونانی در رابطه با این آیه وجود دارند. برخی با انجیل متی ۹: ۱۷ و انجیل لوقا ۵: ۳۷ الی ۳۸ هم سو هستند. شیوه ثبت مختصر این رخدادها توسط مرقس باعث شد کاتبین تلاش کنند تا زبان او را شفاف سازند.

■ **"تباه شدن"** موضوع خاص: آپولو در بخش مربوط به انجیل مرقس ۳: ۶ را مطالعه کنید.

NASB: انجیل مرقس ۲: ۲۳ الی ۲۸

۲۳ در یکی از روزهای شَبات، عیسی از میان مزارع گندم می گذشت و شاگردانش در حین رفتن، شروع به چیدن خوشه های گندم کردند. ۲۴ فریسیان به او گفتند: «چرا شاگردانت کاری انجام می دهند که در روز شَبات جایز نیست؟» ۲۵ پاسخ داد: «مگر تا به حال نخوانده اید که داوود چه کرد آنگاه که خود و یارانش محتاج و گرسنه بودند؟» ۲۶ او در زمان آبیاتار، کاهن اعظم، به خانه خدا درآمد و نان حضور را خورد و به یارانش نیز داد، هر چند خوردن آن تنها برای کاهنان جایز است. ۲۷ آنگاه به ایشان گفت: «شَبات برای انسان مقرر شده، نه انسان برای شَبات. ۲۸ بنابراین، پسر انسان حتی صاحب شَبات است.»

۲۳:۲ "در یکی از روزهای شَبات، عیسی از میان مزارع گندم می گذشت" این اشاره به راه های عبور از میان مزارع دارد که در اطراف شهرها و روستاها قرار داشتند. این مزارع می توانند اشاره به هر گونه مزرعه ای باشند (برای نمونه، گندم، جو، ...).

۲۴:۲ "چرا شاگردانت کاری انجام می دهند که در روز شَبات جایز نیست" فریسیان اعمال شاگردان را به عنوان (۱) درو کردن، (۲) غربال کردن، و (۳) آماده کردن غذا برای شبات تلقی می کردند، که بر طبق سنت های شفاهی در کتاب خروج ۳۴: ۲۱ غیرقانونی بود. شاگردان عیسی بر اساس قوانین خوشه چینی عهد عتیق (مراجعه شود به تثنیه ۲۳: ۲۵) هیچ کار غیرقانونی نمی کردند، مسئله، آن روز بود (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۲: ۱ الی ۳، خروج ۲۰: ۲۰).

۱۱، ۲۳: ۱۲، ۳۱: ۱۵، تثنیه ۵: ۱۲ الی ۱۵) که در آن روز اینکار را می‌کردند. به نظر می‌رسد که نویسندگان خبر خوش اعمال عیسی در روز شبات را ثبت می‌کردند تا (۱) جدلهایی که ایجاد می‌شد یا (۲) که عیسی هر روز این کارها را انجام می‌داد و شبات استثنا نبود، نشان دهند.

۲: ۲۵ الی ۲۸ این گفته مشهور (مراجعه شود به انجیل مرقس ۲: ۲۷) توسط عیسی منحصر به فرد است برای مرقس. بیانگر اقتدار او در تفسیر مجدد درک سنتهای عهد عتیق و خط مشی‌های آن است (مراجعه شود به انجیل متی ۵: ۱۷ الی ۴۸). در واقع این معجزه دیگر عیسی در مورد مسیح خدا بودن است.

۲: ۲۵ از نظر دستور زبانی این سوال انتظار پاسخ منفی دارد. اشاره به یک داستان دیگر زندگی داوود دارد که در اول سموئیل ۲۱ ثبت شده است. عیسی اغلب از عهد عتیق استفاده می‌کرد تا تعالیم خود را به تصویر کشد (مراجعه شود به انجیل مرقس ۲: ۲۵ الی ۲۶، ۴: ۱۲، ۱۰: ۶ الی ۸ و ۱۹، ۱۲: ۲۶ و ۲۹ الی ۳۰ و ۳۶).

۲: ۲۶ "خانه خدا" این اشاره با خیمه متحرک در ناد دارد.

■ "ابیاتار" یک مشکل تاریخی میان اول سموئیل ۲۱: ۱ و وقتی که با دوم سموئیل ۸: ۱۷ و اول تواریخ ۱۸: ۱۶ بر سر اسم بیاتار یا ابیملک مقایسه شود وجود دارد: (۱) پدر و پسر هر دو کاهن اعظم خطاب می‌شوند و (۲) عیسی از حرف اضافه *epi* با حالت مضاف الیه در مفهوم "در روزگار" استفاده کرد که یعنی "در طول دوران" (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۱: ۲۸، عبرانیان ۱: ۲). ما می‌دانیم که اندکی پس از این رخداد شاه سعول ابیملک را کشت و ابیاتار به نزد داوود فرار کرد (مراجعه شود به اول سموئیل ۲۲: ۱۱ الی ۲۳) و تبدیل به یکی از دو کاهن برجسته شد (بیاتار و زادوک).

این نمونه‌ای از مسائلی است که به راحتی قابل توضیح نیستند. این یک اختلاف نسخه دستنویس یونانی نیست. اگر چنین بود، می‌شد چنین تصور کرد که اشتباه یکی از کاتبین اولیه قبل از نسخه دستنویس پایروسی کپی شود، بوده است (که فقط یک حدس است). برای تمامی معلمین انجیل این آزار دهنده است که عیسی بخشی از تاریخ عهد عتیق را اشتباه نقل می‌کند، به خصوص از آنجا که در این متن عیسی فریسیان را به خاطر نخواندن کتاب مقدس سرزنش می‌کند. کتبی هستند که سعی می‌کنند با گزینه‌های محافظه‌کارانه متون سخت را تفسیر کنند.

۱. *Hard Sayings of the Bible* اثر Walter C Kaiser, Jr., Peter H. Davids, F. F. Bruce and Manfred T. Branch.

۲. *Encyclopedia of Bible Difficulties* اثر Gleason L. Archer.

۳. *Answers to Questions* اثر F. F. Bruce.

■ "نان حضور" وزن هر کدان از نانها حدود ۶ پوند معادل ۳ کیلوگرم بود. دوازده نان هر هفته جایگزین می‌شد و نانهای هفته قبل به عنوان تدارکات یهوه برای دوازده قبیله اسرائیل، فقط باید توسط کشیشان خورده می‌شد (مراجعه شود به کتاب خروج ۲۵: ۲۳ الی ۲۸، لاویان ۲۴: ۵ الی ۹). در این مورد خدا استثنایی قائل شده بود. عیسی ادعا می‌کرد که همان اقتدار کشیشان اعظم و همان حقوق داوود، که به زودی شاه می‌شود، را دارد!

۲: ۲۷ قوانین شبات تبدیل به اولویت شده بودند. این سنتها تبدیل به مسئله مذهب شده بودند، نه عشق برای انسانی که در تصویر خدا خلق شده بودند. اولویت قوانین اولویت رابطه را تغییر داده بود. استفاده جایگزین محبت شده بود. سنتهای مذهبی (یعنی، قوانین شفاهی) جایگزین نیت خدا (مراجعه شود به اشعیا ۲۹: ۱۳، کولسیان ۲: ۱۶ الی ۲۳) شده بودند. چگونه انسان می‌تواند خدا را خشنود سازد؟ یک قیاس عهد عتیقی خوب می‌تواند قربانی کردن با شد. نیت خدا از آن راهی برای انسانهای گناهکار و نیازمندان بود تا بتوانند نزد او بیایند و رابطه شکسته را مجدداً برقرار کنند، ولی تبدیل به یک سری آیینهای و مراسم عبادی شده بودند. همینطور هم قوانین شبات! انسان بجای هدف، تبدیل به خدمتگزار شده بود (یعنی دلیل برای قوانین).

سه گفته انجیل مرقس ۲: ۲۷ الی ۲۸ به نوعی همسو هستند (یعنی همه از اصطلاحات عمومی برای نوع بشر استفاده می‌کنند). اصطلاح "پسر انسان" در انجیل مرقس ۲: ۲۸ اصطلاح سامی برای "یک انسان" است (مراجعه شود به مزامیر ۸: ۴، حزقیال ۲: ۱). این تبدیل به اصطلاحی شد که عیسی خود را با آن توصیف می‌کرد. عیسی، انسان، نهایت کرامت و اولویت انسان را آشکار می‌کند. خدا تبدیل به یکی از ما، و برای ما، می‌شود. انسان باید نسبت به سنتهای مذهبی ارجحیت داشته باشد. خدا برای تک تک ما و برای همه ما است.

۲: ۲۸ "پسر انسان" به یادداشت مربوط به انجیل مرقس ۲: ۱۰ مراجعه کنید.

سوالاتی برای بحث

این یک راهنمای مطالعاتی است، که بدین معنی است که شما خودتان مسئول تفسیر انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر خودمان گام برداریم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. شما نباید این امر را به یک مفسر واگذار کنید. این سوالات مباحثاتی به منظور کمک به شما در تفکر نسبت به مسائل اصلی این بخش از کتاب مطرح شده‌اند. آنها صرفاً تفکر برانگیز هستند نه قطعی.

۱. استعاره‌هایی را که عیسی از آنها استفاده می‌کرد تا خود را توصیف کند، فهرست کنید
۲. چرا سران مذهبی با تعالیم عیسی دشمنی داشتند؟
۳. چرا عیسی را کسی را که خیلی مورد تنفر بود خراجگیر بود فرا می‌خواند تا شاگرد او شود؟
۴. چگونه تعالیم عیسی با سنتهای شفاهی یهود رابطه داشت؟

۵. چرا روزه گرفتن یکی از بخش‌های منظم عبادت کردن خدا برای ما نیست؟
۶. محور اصلی تمثیلهای عیسی در انجیل مرقس ۲: ۱۹ الی ۲۲ چیست؟
۷. آیا عیسی نسبت به تشریفات قوانین بی تفاوت بود یا احتمال دیگری در مورد اعمال او در انجیل مرقس ۲: ۲۳ الی ۲۸ وجود دارد؟
۸. در مورد خطای تاریخی در انجیل مرقس ۲: ۲۶ چه فکر می‌کنید؟
۹. چگونه انجیل مرقس ۲: ۲۷ با امروز رابطه دارد؟

مرقس ۳

پاراگراف‌های ترجمه‌های مدرن

UBS ⁴	NKJV	NRSV	TEV	NJB
مردی با یک دست خشک شده	شفا در روز شبات	عیسی و قوانین شبات	شفای مردی با یک دست فلج	شفای مردی که یک دستش خشک شده بود
۳: ۱ الی ۶	۳: ۱ الی ۶	(۲: ۲۳ الی ۳: ۶)	۳: ۱ الی ۳ ۳: ۴ الی ۶	۳: ۱ الی ۶
جمعیتی کنار ساحل دریا	یک جمعیت عظیم عیسی را دنبال می‌کند	شفا دادن	جمعیت کنار دریاچه	جمعیت عیسی را دنبال می‌کرد
۳: ۷ الی ۱۲	۳: ۷ الی ۱۲	۳: ۷ الی ۱۲	۳: ۷ الی ۱۱ ۳: ۱۲	۳: ۷ الی ۱۲
انتخاب دوازده نفر	دوازده شاگرد	آن دوازده نفر انتخاب می‌شوند	عیسی دوازده شاگرد را انتخاب می‌کند	انتصاب دوازده نفر
۳: ۱۳ الی ۱۹	۳: ۱۳ الی ۱۹	۳: ۱۳ الی ۱۹	۳: ۱۳ الی ۱۵ ۳: ۱۶ الی ۱۹	۳: ۱۳ الی ۱۹
عیسی و بعزلبول	خانه جدا شده نمیتواند برپا بماند	سوال درباره قدرت عیسی	عیسی و بعزلبول	خانواده‌اش نگران عیسی بودند
۳: ۲۰ الی ۳۰	۳: ۲۰ الی ۲۷	۳: ۱۹ الی ۲۷	۳: ۲۰ الی ۲۱ ۳: ۲۲ ۳: ۲۳ الی ۲۶ ۳: ۲۷	۳: ۲۰ الی ۲۱ ۳: ۲۲ الی ۲۷
مادر و برادران عیسی	مادر عیسی و برادرانش بدنبالش فرستادند	مادر عیسی و برادرانش	مادر عیسی و برادرانش	خویشاوندان واقعی عیسی
۳: ۳۱ الی ۳۵	۳: ۳۱ الی ۳۵	۳: ۳۱ الی ۳۵	۳: ۳۱ الی ۳۲ ۳: ۳۳ الی ۳۵	۳: ۳۱ الی ۳۵

مطالعه حلقه سوم (رجوع کنید به "سمینار تفسیر کتاب مقدس")

به دنبال نیت اصلی نویسنده در سطوح پاراگراف

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید.

کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص نمایید (مطالعه حلقه شماره ۳). تقسیمات موضوعی خود را با پنج ترجمه بالا مقایسه کنید. پاراگراف بندی به نویسنده الهام نشده است، اما کلید پیگیری اهداف اصلی نویسنده است که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول

۲. پاراگراف دوم

مطالعه کلمات و عبارات

NASB: انجیل مرقس ۳: ۱ الی ۶

۱ عیسی بار دیگر به کنیسه درآمد. در آنجا مردی بود که یک دستش خشک شده بود. آبرخی عیسی را زیر نظر داشتند تا اگر در روز شَبَات آن مرد را شفا بخشند، بهانه‌ای برای اتهام زدن به او بیابند. ۲ عیسی به مردی که دستش خشک شده بود گفت: «در برابر همه بایست». ۳ آنگاه از ایشان پرسید: «آیا در روز شَبَات نیکی کردن جایز است یا بدی کردن؟ جان کسی را نجات دادن یا کشتن؟» اما آنان خاموش ماندند. ۴ عیسی، خشمگین به کسانی که پیرامونش بودند نگریست و غمگین از سنگدلی ایشان، به آن مرد گفت: «دستت را دراز کن.» او دست خود را دراز کرد و دستش سالم شد. ۵ آنگاه فریسیان بیرون رفتند و بی‌درنگ با هیرودیان توطئه کردند که چگونه عیسی را از میان بردارند.

۳: ۱ "در کنیسه" این رخداد همسوا با انجیل متی ۱۲: ۹ الی ۱۴ و انجیل لوقا ۶: ۶ الی ۱۱ است. کنیسه در طول دوران تبعید در بابل بسط یافت. اساسا مکانی برای آموزش، عبادت، دعا کردن و دوستی بود. این یک ابراز محلی یهود بود همانطور که معبد نقطه کانونی ملی بود. عیسی به صورت منظم در کنیسه حضور می یافت. او کتاب مقدس و سنتها را در مدرسه کنیسه در ناصره فرا گرفت. او به طور کامل در عبادتهای یهودی قرن اول شرکت می کرد.

جالب هم هست که عیسی، ظاهرا از روی عمد، به شیوه‌های تحریک آمیز در شبات و در کنیسه عمل می کرد. او عمدا سنتهای شفاهی بزرگان (تلمود) را نقض می کرد تا وارد یک جدل الهیاتی با رهبران مذهبی شود (هم محلی و هم ملی، هم فریسیان و هم سادوجسها). بهترین بحث جامع در مورد الهیات او آن طور که از سنتهای شفاهی فاصله می گیرد در موعظه در کوه است (مراجعه شود به انجیل متی ۵ الی ۷، به خصوص ۵: ۱۷ الی ۴۸).

■ "یک دستش خشک شده بود" این وجه وصفی مجهول کامل است. انجیل لوقا ۶: ۶ می گوید که دست راست او بود، که در توانایی او در کارکردن تاثیر می گذاشت.

۳: ۲ "عیسی را زیر نظر داشتند" این زمان غیر کامل است. اشاره به حضور و مراقبت دائمی رهبران مذهبی دارد.

■ "اگر" این عبارت جمله شرطی نوع اول است، که تصور می شود شرط درست باشد. عیسی در روز شبات در کنیسه درست مقابل چشمان آنها شفا داد.

■ "بهانه‌ای برای اتهام زدن به او بیابند" این یک *hina* یا عبارت هدفمند است. آنها به مرد مفلوج علاقه نداشتند. آنها می خواستند عیسی را به اتهام نقض فنی گیر بیاندازند تا او را بی اعتبار و رد کنند. عیسی از روی محبت برای آن مرد عمل کرد تا به تعلیم شاگردانش ادامه دهد و با رهبران مذهبی مغرور و خود-پارسای قانونمند و سنتی مقابله کند.

۳: ۳

NASB "برخیز و جلو بیا"

NKJV "قدم به جلو بگذار"

NRSV "جلو بیا"

TEV "بیا اینجا جلو"

NJB "برخیز و در آن وسط بایست"

این به مفهوم "در آن میان بایست" است. این زمان حال فعال امری است. برای این بود که همه بتوانند ببینند.

۳: ۴ روحانیون سنتهای شفاهی (تلمود) خیلی بسط یافته‌ای داشتند که قوانین موسی را تفسیر می کردند (مراجعه شود به انجیل مرقس ۲: ۲۴). آنها عقاید سختی در مورد اینکه چه کارهایی را قانونا می توان در شبات انجام داد و یا نداد، داشتند. شخص می تواند در شرایط اضطراری یک فرد مجروح را تا زمانیکه شرایط او به ثبات برسد درمان کند، ولی نمی تواند وضعیت او را بهتر کند. سوال عیسی این مسئله را مطرح می کرد که آیا قوانین بالاتر از نیازهای انسانی هستند؟ از نظر قانونمندان این همیشه درست است!

■ "نجات دادن" این از اصطلاح یونانی *σῶζω* است. به دو شیوه کاملا متمایز در عهد جدید استفاده می شود: (۱) استفاده عهد عتیقی برای رهایی از مشکلات فیزیکی و (۲) برای رستگاری معنوی استفاده می شود. در اناجیل معمولا معنی اول دلالت دارد (مراجعه شود به انجیل مرقس ۳: ۴، ۸: ۳۵، ۱۵: ۳۰ الی ۳۱، حتی شفا دادن، مراجعه شود به انجیل مرقس ۵: ۲۳ و ۲۸ و ۳۴، ۶: ۵۶، ۱۰: ۵۲)، ولی در انجیل مرقس ۸: ۳۵، ۱۰: ۲۶، ۱۳: ۱۳ می تواند به معنی دوم اشاره داشته باشد. همین استفاده دو مفهومی در یعقوب استفاده شده است (معنی اول در انجیل مرقس ۵: ۱۵ و ۲۰، ولی معنی دوم در انجیل

■ "زندگی" این ترجمه اصطلاح یونانی *psuchē* است. ترجمه این اصطلاح مشکل است. می‌تواند راجع به یکی از موارد زیر صحبت کند:

۱. زندگی فیزیکی زمینی (مراجعه شود به انجیل مرقس ۳: ۴، ۸: ۳۵، ۱۰: ۴۵)
۲. احساسات و خود-آگاهی ما (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۲: ۳۰، ۱۴: ۳۴)
۳. آگاهی معنوی و جاودانی ما (مراجعه شود به انجیل مرقس ۸: ۳۶ و ۳۷)

مشکل در ترجمه این اصطلاح ناشی از کاربرد آن در فلسفه یونانی است، انسانها دارای روح هستند، و در عبری مفهوم آن روح بودن انسان است (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۲: ۷).

■ ۵: "خشمگین به کسانی که پیرامونش بودند نگریست" انجیل مرقس شفافترین ثبت احساسات عیسی را دارد (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱: ۴۰، ۴۲ و ۴۳، ۳: ۱، ۵، ۱۰: ۱۳، ۱۶، ۱۷، ۲۲، ۱۴: ۳۳، ۱۵: ۳۴). سکوت مرگبار و برتری اخلاقی رهبران خود-پارسای مذهبی عیسی را خشمگین کرده بود. این رخداد در ۲: ۲۷ الی ۲۸ روشن می‌شود.

■ "غمگین از سنگدلی ایشان" این حالت تشدید شده اصطلاح غمگین (*lupē*) با حرف اضافه *sun* است. این اصطلاح در عهد جدید فقط در اینجا استفاده شده است. عیسی با رنج و نیاز این مرد آشنا شد و بر خلاف میل و اعتقاد رهبران دینی عمل کرد. آنها تمایل به دیدن حقیقت به دلیل تعهدشان نسبت به سنتها نداشتند (مراجعه شود به اشعیا ۲۹: ۱۳، کولسیان ۲: ۱۶ الی ۲۳). اغلب چقدر چنین اتفاقی برای ما می‌افتد؟

اصطلاح "سختی" یا یعنی سنگ شدن (مراجعه شود به رومیان ۱۱: ۲۵، افسسیان ۴: ۱۸). موضوع خاص قلب در بخش مربوط به انجیل مرقس ۲: ۶ را مطالعه کنید.

■ "سالم شد" این اصطلاح (یعنی سالم شدن همانند حالت اول) دلالت بر این دارد که دست در سانه خشک شده نه اینکه نقص مادرزادی باشد. در کتاب *Gospel of Hebrews* چنین ثبت شده که آمده بود تا از عیسی بخواهد دستش را سالم کند تا بتواند سر کار بازگردد.

■ ۳: ۶ "فریسیان بیرون رفتند" انجیل لوقا ۶: ۱۱ می‌گوید "با خشم". این به مفهوم "دیوانه شدن" است (مراجعه شود به دوم تیموتائوس ۳: ۹). یادداشت مربوط به فریسیان در بخش مربوط به انجیل مرقس ۲: ۱۶ را مطالعه کنید.

■ "بی‌درنگ" به یادداشت مربوط به انجیل مرقس ۱: ۱۰ مراجعه کنید.

■ "توطئه کردند" این زمان غیر کامل فعال است که به مفهوم شروع عملی در زمان گذشته است. در انجیل مرقس ۳: ۱۱ سه زمان غیر کامل برای نشان تکرار عمل در گذشته استفاده شده است. این دو کاربرد اصلی‌ترین توابع زمانی و زبانی هستند.

■ "با هیرودیان" معمولاً فریسیان خیلی محافظه کار و ملی‌گرا، کاری با مسائل سیاسی هیرودیان، که از هیروود و اشغال رومیان حمایت می‌کرد، نداشتند.

موضوع خاص: هیرودی‌ها (SPECIAL TOPIC: HERODIANS)

هیرودی‌ها، گروه متمایزی از خانواده هیروود در فلسطین قرن اول بودند که حکومت میکردند (به جوزفوس، *Antiq* ۱۶: ۱۵، ۱۴ مراجعه کنید). هیروودیان خانواده‌ای از حاکمان ادوم بودند که از هیروود بزرگ شروع شد. در زمان مرگ او چند تن از پسرانش پادشاهی او را میان خود تقسیم کردند. همه هیروودیان از حامیان دولت روم بودند. پیروان آنها می‌خواستند وضعیت سیاسی موجود را حفظ کنند. آنها حکومت هیروود را به حکومت روم ترجیح می‌دادند. این گروه به شدت سیاسی بود. آنها الهیات فریسیان یا سادوجس‌ها به رسمیت نمی‌شناختند.

■ "که چگونه عیسی را از میان بردارند" با شفا دادن در روز شبات به رهبران اهانت شده بود، ولی هیچ مشکلی با قتل عمد نداشتند. احتمالاً اساس این تصمیم در خروج ۳۱: ۱۳ الی ۱۷ بود. به نام خدا کارهای عجیبی منتطقی شده بودند. یقیناً این پیش‌گویی مرگ عیسی بدست رهبران بود.

موضوع خاص: تخریب (apollumi) (SPECIAL TOPIC: DESTRUCTION (APOLLUMI))

این اصطلاح مفهوم گسترده‌ای دارد، که منجر به ابهامات بزرگی در مفهوم الهیاتی دآوری جاودانی در برابر نابودی شده است. مفهوم پایه‌ای این اصطلاح مرکب از *apo* و *ollumi* خراب کردن، نابود کردن است.

مشکل از کاربرد نمادین این اصطلاح ناشی می‌شود. به وضوح می‌توان این را در *Greek-English Lexicon of the New Testament, Based on Semantic Domains* اثر Louw و Nida، جلد دوم، صفحه ۳۰ دید. این کتاب معانی زیر را برای این اصطلاح فهرست می‌کند:

۱. خراب کردن (انجیل متی ۱۰: ۲۸، انجیل لوقا ۵: ۳۷، انجیل یوحنا ۱۰: ۱۰، ۱۷: ۱۲، اعمال رسولان ۵: ۳۷، رومیان ۹: ۲۲ از جلو ۱، صفحه ۲۳۲)
۲. شکست در بدست آوردن (انجیل متی ۱۰: ۴۲، جلد ۱، صفحه ۵۶۶)
۳. از دست دادن (انجیل لوقا ۱۵: ۸، جلد اول، صفحه ۵۶۶)
۴. ندانستن مکان (انجیل لوقا ۱۵: ۴، جلو اول صفحه ۳۳۰)
۵. مردن (انجیل متی ۱۰: ۳۹، جلد اول صفحه ۲۶۶)

Gerhard Kittel در کتاب *Theological Dictionary of the New Testament* جلد اول صفحه ۳۹۴ سعی می‌کند کاربردهای مختلف معانی فهرست شده را ترسیم نماید.

۱. نابود کردن یا کشتن (انجیل متی ۲: ۱۳، ۲۷: ۲۰، انجیل مرقس ۳: ۶، ۹: ۲۲، انجیل لوقا ۶: ۹، اول قرنتیان ۱: ۱۹)
۲. از دست دادن یا رنج از دست دادن (انجیل مرقس ۹: ۴۱، انجیل لوقا ۱۵: ۴ و ۸)
۳. از بین بردن (انجیل ۲۶: ۵۲، انجیل مرقس ۴: ۳۸، انجیل لوقا ۱۱: ۵۱، ۱۳: ۳ و ۵ و ۳۳، ۱۵: ۱۷، انجیل یوحنا ۶: ۱۲ و ۲۷، اول قرنتیان ۱۰: ۹ الی ۱۰)
۴. گمراه شدن/گم شدن (انجیل متی ۵: ۲۹ الی ۳۰، انجیل مرقس ۲: ۲۲، انجیل لوقا ۱۵: ۴ و ۶ و ۲۴ و ۳۲، ۲۱: ۱۸، اعمال رسولان ۲۷: ۳۴)

کیتل می‌گوید "در کل، می‌توانیم بگوئیم که شماره ۲ و ۴ زمینه گفته‌های مربوط به این دنیا در انجیل سینوپتیک هستند در حالی که شماره‌های ۱ و ۳ زمینه مطالبی هستند که در رابطه با دنیای بعدی می‌باشند، همانند پولس و یوحنا" (صفحه ۳۹۴).

ابهام در اینجا قرار می‌گیرد. این اصطلاح معنی مفهومی بسیار گسترده‌ای دارد و هر یک از نویسندگان عهد جدید به شیوه‌های مختلف از مفاهیم مختلف استفاده کرده‌اند. من توضیح Robert B. Girdlestone, *Synonyms of the Old Testament* صفحات ۲۷۵ الی ۲۷۷ را دوست دارم. او این اصطلاح را به انسانهایی ربط می‌دهد که از نظر اخلاقی نابود شده‌اند و منتظر جدایی ابدی از خدا در برابر کسانی هستند که مسیح را می‌شناسند و در او حیات جاویدان دارند. گروه آخر "نجات" یافته‌اند در حالی که گروه قبلی "نابودشدگان" هستند.

Robert B. Girdlestone در کتاب *Synonyms of the Old Testament*، صفحه ۲۷۶، اشاره می‌کند که جاهای زیادی هستند که این اصطلاح را نمی‌توان نابودی ترجمه کرد. "بلکه به مفهوم شیئی یا چیزی است که دیگر نمی‌توان برای کاربرد و هدف اصلی و اولیه از آن استفاده کرد".

۱. ته مانده‌های روغن مالی و تدهین، انجیل متی ۲۶: ۸
۲. خراب شدن لرد شراب، انجیل متی ۹: ۱۷
۳. بهم ریختن مو، انجیل لوقا ۲۱: ۱۸
۴. فاسد شدن غذا، انجیل یوحنا ۶: ۲۷
۵. ذوب شدن طلا، اول پطرس ۱: ۷
۶. فاسد شدن فیزیکی بدن، انجیل متی ۲: ۱۳، ۸: ۲۵، ۱۲: ۱۴، ۲۱: ۴۱، ۲۲: ۷، ۲۶: ۵۲، ۲۷: ۲۰، رومیان ۲: ۱۲، ۱۴: ۱۵، و اول قرنتیان ۸: ۱۱

این اصطلاح هرگز به نابود شدن انسان یا خراب شدن انسان اشاره نمی‌کند، بلکه به پایان وجود داشتن بدن اشاره دارد. همچنین به صورت متداول در مفهوم اخلاقی استفاده می‌شود. "همه انسانها از نظر اخلاقی نابود شده تلقی می‌گردند، یعنی نتوانستند هدفی را که به خاطر آن نسل آنها خلق شده را تحقق بخشند" (صفحه ۲۷۶). پاسخ خدا به این مسئله گناه، عیسی مسیح بود (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۳: ۱۵ الی ۱۶ و دوم پطرس ۳: ۹). آنان که انجیل را انکار کنند، اینک محکوم به نابودی بیشتر هستند، که شامل حسم و روح است (مراجعه شود به اول قرنتیان ۱: ۱۸، دوم قرنتیان ۲: ۱۵، ۴: ۳، دوم تسالونیکیان ۲: ۱۰). برای نظر مخالف به *Fudge, The Fire That Consumes* را مطالعه کنید.

من شخصا (مراجعه شود به R. B. Girdlestone, *Synonyms of the Old Testament* صفحه ۲۷۶) فکر نمی‌کنم که این اصطلاح به مفهوم نابودی باشد (مراجعه شود به E. Fudge, *The Fire That Consumes*). اصطلاح جاویدان هم برای حیات جاویدان و هم مجازات ابدی در انجیل متی ۲۵: ۴۶ استفاده شده است. از بین بردن یکی، از بین بردن دیگری است.

NASB: انجیل مرقس ۳: ۷ الی ۱۲

سپس عیسی با شاگردان خود به سوی دریا کناره جست. انبوهی از جلیلیان نیز در پی او روانه شدند.^۸ نیز، گروهی بسیار از مردم یهودیه و

اورشليم و آدوميه و نواحی آن سوی رود اردن و حوالی صور و صیدون، چون خبر همه کارهای او را شنیدند، نزد وی آمدند. ^۱ به سبب کثرت جمعیت، عیسی به شاگردان خود فرمود قایقی برایش آماده کنند، تا مردم بر او ازدحام نکنند. ^۲ زیرا از آنجا که بسیاری را شفا داده بود، درمندان بر او هجوم می‌آوردند تا لمسش کنند. ^۳ هر گاه ارواح پلید او را می‌دیدند، در برابرش به خاک می‌افتادند و فریاد می‌زدند: "تو پسر خدایی!" ^۴ اما او ایشان را سخت برحذر می‌داشت که به دیگران نگویند او کیست.

۳: ۷ الی ۸ رشد محبوبیت عیسی دلیل دیگری برای مخالفت از سوی رهبران مذهبی بود (مراجعه شود به انجیل متی ۱۲: ۱۵ الی ۱۶، انجیل لوقا ۶: ۱۷ الی ۱۹).

۳: ۸ "آدومیه" این اشاره به سرزمینهای ملی ادوم باستان دارد که منطقه زادگاه هیروود بود.

■ "آن سوی رود اردن" این اشاره به منطقه‌ای دارد که پیریا در منطقه اردن دارد. این یکی از سه ناحیه شناسایی شده به عنوان مسئول قوانین موسی بود (یعنی، یهودیه، جلیل و سرزمینهای آن سوی رود اردن [یعنی پیریا، مراجعه شود به *Baba Bathra* ۳: ۲]). رسماً به عنوان سرزمین میان رودهای جیوک و آرنون تعریف شده است (در عهد عتیق، آمون و موآب).

■ "حوالی صور و صیدون" این اشاره پادشاهی باستانی فینیقیه دارد.

■ "گروه بسیاری از مردم" ظاهراً این ترکیبی از یهودیان و پیروان سایر ادیان بود.

۳: ۹ "قایقی" این اشاره به یک قایق کوچک دارد.

■ "برایش آماده کنند" این قایق همیشه آماده بود زیرا ممکن بود فشار ازدحام جمعیت او را به داخل آب بیاندازد (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱: ۴۵).

۳: ۱۰ "بر او هجوم می‌آوردند" این به مفهوم بر رویش افتادن است. هر فرد بیماری می‌خواست او را لمس کند (مراجعه شود به انجیل مرقس ۵: ۲۵ الی ۳۴). حجم جمعیت همانند اطاق انتظار بخش اورژانس یک بیمارستان محلی بود.

۳: ۱۱ یکسری افعال غیر کامل در این آیه وجود دارند که رویارویی مداوم عیسی با دیوها را نشان می‌دهند. **موضوع خاص: جن‌گیری** در بخش مربوط به انجیل مرقس ۱: ۲۵ را مطالعه کنید.

■ "پسر خدا" این دیوها شاهی به نفع عیسی نبودند، بلکه بر تصور اشتباه و توقعات جمعیت تأکید می‌کردند. این کار منتهی به این شد که به عیسی اتهام بزنند منشا قدرت او از شیطان است (مراجعه شود به انجیل متی ۹: ۳۴، ۱۰: ۲۵، ۱۱: ۱۸). رهبران یهود نمی‌توانستند قدرت عیسی را به چالش بکشند، بنابراین منشا اقتدار او را زیر سوال می‌بردند.

موضوع خاص: پسر خدا (SPECIAL TOPIC: THE SON OF GOD)

این یکی از القاب اصلی عیسی در عهد جدید است. مطمئناً مفهومی الهی دارد. این لقب عیسی "پسر" یا "پسرم" را هم شامل می‌کند، همچنین خدا به عنوان "پدر" خطاب می‌شود (به موضوع خاص: پدر بودن خدا مراجعه کنید). بیش از ۱۲۴ مرتبه این لقب در عهد جدید تکرار شده است. حتی وقتی عیسی خودش را "پسر انسان" معرفی می‌کند، بر طبق دانیال ۷: ۱۳ الی ۱۴، باز هم مفهوم الهی دارد.

در عهد عتیق اصطلاح "پسر" به چهار رده خاص اشاره می‌کند (به موضوع خاص: پسر.... مراجعه شود).

۱. فرشتگان (معمولاً به صورت جمع به کار می‌رود، مراجعه شود به کتاب پیدایش ۶: ۲، ایوب ۱: ۶، ۲: ۱)

۲. پادشاه اسرائیل (مراجعه شود به دوم سموئیل ۷: ۱۴، مزامیر ۲: ۷، ۸۹: ۲۶ الی ۲۷)

۳. مردم اسرائیل به صورت کل (مراجعه شود به کتاب خروج ۴: ۲۲ الی ۲۳، تثنیه ۱۴: ۱، هوشع ۱۱: ۱، ملاکی ۲: ۱۰)

۴. داوران اسرائیلی (مراجعه شود به مزامیر ۸۲: ۶)

مفهوم دوم که به عیسی مرتبط است. بدین ترتیب، "پسر داوود" و "پسر خدا" هر دو با دوم سموئیل ۷، مزامیر ۲ و ۸۹ مرتبط می‌شوند. در عهد عتیق "پسر خدا" هرگز به صورت مشخص و صریح در مورد مسیح به کار نرفته است، به جز بصورت پادشاه اسکاتولوژیک به عنوان یکی از "تدهین شدگان" اسرائیل. با این وجود، در کتیبه بحر المیت، لقب مسیح یک دلالت عمومی دارد (به مراجع خاص در *Dictionary of Jesus and the Gospels*). صفحه ۷۷۰ مراجعه شود. همچنین، "پسر خدا" یک لقب مسیحی در دو اثر یهودی بنیادی در مورد مکاشفه یوحنا است (مراجعه شود به دوم اسدارس ۷: ۲۸، ۱۳: ۳۲ و ۳۷ و ۵۲، ۱۴: ۱۹ و اول انوش ۱۰۵: ۲).

زمینه عهد جدیدی آن، چنان که به عیسی اشاره می‌کند را می‌توان به بهترین شکل در چند گروه خلاصه کرد:

۱. از قبل وجود داشتن او (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۱۵ الی ۳۰: ۸، ۵۶ الی ۵۹، ۱۶: ۲۸، ۱۷: ۵، دوم قرنتیان ۸: ۹، فیلیپیان ۲: ۶ الی ۷، کولسیان ۱: ۱۷، عبرانیان ۱: ۳، ۱۰: ۵ الی ۸)
 ۲. تولد منحصر به فرد بودنش (از یک باکره) (مراجعه شود به اشعیا ۷: ۱۴، انجیل متی ۱: ۲۳، انجیل لوقا ۱: ۳۱ الی ۳۵)
 ۳. تعمیدش (مراجعه شود به انجیل متی ۳: ۱۷، انجیل مرقس ۱: ۱۱، انجیل لوقا ۳: ۲۲، صدای خدا از بهشت که پادشاه مزامیر ۲ را با خدمتگزار رنج‌دیده اشعیا ۵۳ متحد میسازد)
 ۴. وسوسه‌های شیطان (مراجعه شود به انجیل متی ۴: ۱ الی ۱۱، انجیل مرقس ۱: ۱۲ و ۱۳، انجیل لوقا ۴: ۱ الی ۱۳. او وسوسه شد تا نسبت به فرزندگی خود تردید کند یا حداقل ماموریت خود را به شیوه دیگری غیر از مصلوب شدن انجام دهد)
 ۵. تأیید او توسط اعتراف کنندگان غیر قابل قبول
 - a. شیاطین (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱: ۲۳ الی ۲۵، انجیل لوقا ۴: ۳۱ الی ۳۷ و ۴۱، انجیل مرقس ۳: ۱۱ و ۱۲، ۵: ۷، به موضوع خاص: شیطان (روح ناپاک) مراجعه شود)
 - b. بی‌ایمانان (مراجعه شود به انجیل متی ۲۷: ۴۳، انجیل مرقس ۱۴: ۶۱، انجیل یوحنا ۱۹: ۷)
 ۶. تأیید او توسط شاگردانش
 - a. انجیل متی ۱۴: ۳۳، ۱۶: ۱۶
 - b. انجیل یوحنا ۱: ۳۴ و ۴۹، ۶: ۶، ۱۱: ۲۷
 ۷. تأیید او توسط خودش
 - a. انجیل متی ۱۱: ۲۵ الی ۲۷
 - b. انجیل یوحنا انجیل یوحنا ۱۰: ۳۶
 ۸. استفاده‌های استعاره‌ای او در مورد خدا به عنوان پدر
 - a. استفاده او از *abba* برای خدا
 - i. انجیل مرقس ۱۴: ۳۶
 - ii. رومیان ۸: ۱۵
 - iii. غلاطیان ۴: ۶
 - b. استفاده مکرر او از پدر (*patēr*) برای توصیف رابطه خودش با خدا
- به طور خلاصه، عنوان "پسر خدا" برای آنان که عهد عتیق و وعده‌هایش و طبقه‌بندی‌هایش را می‌دانند، مفهوم الهیاتی عظیمی دارد، ولی نویسندگان عهد جدید نسبت به استفاده آن توسط پیروان سایر ادیان به واسطه سابقه شرک آنان در مورد "خدایان" که با زنان صحبت می‌کردند که نتیجه آن تائین‌ها و ژینت‌ها بودند، نگران بودند.

۱۲: ۳ این تداوم تأکید بر "راز مسیحیت" در انجیل مرقس است. عیسی، با کلام و اعمالش، به صورت کامل به عنوان مسیح در اوایل انجیل مرقس آشکار شد، ولی به دلیل درک نادرست (۱) رهبران یهود (یعنی مسیح به عنوان قهرمان ملی که اسرائیل را احیا و در جهان برجسته می‌کند) و (۲) جمعیت (یعنی مسیح به عنوان کسی که معجزه می‌کند)، عیسی از جمعیت می‌خواهد که دانش خود را در مورد او پخش نکنند. خبر خوش فقط پس از زندگی؛ مرگ قیام از مردگان و رستاخیز کامل می‌شود.

NASB: انجیل مرقس ۳: ۱۳ الی ۱۹

^{۱۳} عیسی به کوهی برآمد و آنانی را که خواست، به حضور خویش فرا خواند و آنها نزدش آمدند. ^{۱۴} او دوازده تن را تعیین کرد و آنان را رسول خواند، تا همراه وی باشند و آنها را برای موعظه بفرستد، ^{۱۵} و از این اقتدار برخوردار باشند که دیوها را بیرون برانند. ^{۱۶} آن دوازده تن که تعیین کرد عبارت بودند از: شمعون (که وی را پطرس خواند)؛ ^{۱۷} یعقوب پسر زبدي و برادر وی یوحنا (که آنها را 'بواثر جس'، یعنی 'پسران رعد' لقب داد)؛ ^{۱۸} اندریاس، فیلیپس، برتولما، متی، توما، یعقوب پسر حلفای، تَدای، شمعون غیور، ^{۱۹} و یهوذا اسخریوطی که عیسی را تسلیم دشمن کرد.

۱۳: ۳ "به کوهی برآمد" این را به دو شیوه می‌توان درک کرد (۱) عیسی منطقه نزدیک به کنار دریای جلیل را ترک کرد و به بالای تپه‌ای رفت، یا (۲) این مقدمه‌ای برای موعظه در کوه بود (مراجعه شود به انجیل متی ۵: ۷)، که مرقس آن را ثبت نکرده است.

۱۴: ۳ "او دوازده تن را تعیین کرد" این با موعظه لوقا در دشت موازی شده، انجیل لوقا ۱۲ الی ۱۶. مرقس موعظه متی در کوه را ثبت نکرد (مراجعه شود به انجیل متی ۵ الی ۷).

موضوع خاص: عدد دوازده (SPECIAL TOPIC: THE NUMBER TWELVE)

دوازده همیشه عدد نمادین برای سازمانها بوده است

۱. خارج از انجیل
 - a. ۱۲ نشان زودیاک
 - b. دوازده ماه سال
۲. در عهد عتیق (BDB 1040 و 797)
 - a. پسران یعقوب (قبایل یهود)
 - b. منعکس شده در موارد زیر
 - i. دوازده ستون در محراب در خروج ۲۴: ۴
 - ii. دوازده جواهر بر روی سینه لباس کاهن اعظم (که نشان از قبایل است) در خروج ۲۸: ۲۱
 - iii. دوازده قرص نان در مکان مقدس جشن خیمه‌ها در لاویان ۲۴: ۵
 - iv. دوازده جاسوس به کنعان اعزام شدند در اعداد ۱۳ (از هر قبیله یک نفر)
 - v. دوازده عصا (استانداردهای قبایل) در شورش کورا در اعداد ۱۷: ۲
 - vi. دوازده سنگ یوشع در یوشع ۴: ۳ و ۹ و ۲۰
 - vii. دوازده ناحیه فرماندهی در دولت سلیمان در اول پادشاهان ۴: ۷
 - viii. دوازده سنگ محراب الیاس برای یهوه در اول پادشاهان ۱۸: ۳۱
۳. در عهد جدید
 - a. دوازده شاگرد منتخب
 - b. دوازده سبد نان (یکی برای هر شاگرد) در انجیل متی ۱۴: ۲۰
 - c. دوازده تخت در عهد جدید برای نشستن شاگردان (اشاره به دوازده قبیله اسرائیل) در انجیل متی ۱۹: ۲۸
 - d. دوازده گروه از فرشتگان برای نجات عیسی در انجیل متی ۲۶: ۵۳
 - e. نمادگرایی در مکاشفه
 - i. ۲۴ ریش سفید بر ۲۴ تخت در ۴: ۴
 - ii. ۱۴۴۰۰۰ (۱۲x۱۲x۱۰۰۰) در ۷: ۱۴، ۴: ۱ و ۳
 - iii. دوازده ستاره بر تاج زنان در ۱۲: ۱
 - iv. دوازده دروازه، دوازده فرشته منعکس کننده دوازده قبیله در ۲۱: ۱۲
 - v. دوازده سنگ زیرین اورشلیم جدید و بر روی هر یک نام یکی از شاگردان در ۲۱: ۱۴
 - vi. دوازده هزار محله در ۲۱: ۱۶ (اندازه شهر جدید، اورشلیم جدید)
 - vii. دیوارها ۱۴۴ ذراع هستند در ۲۱: ۱۷
 - viii. دوازده دروازه مروارید در ۲۱: ۲۱
 - ix. درختان در اورشلیم جدید با دوازده نوع میوه (یکی برای هر ماه) در ۲۲: ۲

۱۴: ۳ عبارت دیگری هست که توسط انجیل دستنویس باستانی یونیکال B، و با اندکی تغییر در C به این آیه اضافه شده است. عبارت اضافه شده "که او نیز شاگرد نامیده شد" است (به پی نویس NRSV مراجعه کنید). بسیاری از منتقدین متنی تصور می کنند که این اضافه شدن، ادغامی است از انجیل لوقا ۱۳: ۶.

■ "تا همراه وی باشند" عیسی با عشق خود را وقف آموزش دوازده شاگردش کرده بود. رابرت کلمن دو کتاب مفید در خصوص شیوه‌های عیسی نگاشته است: *The Master Plan of Evangelism* و *The Master Plan of Discipleship*، که هر دوی آنها در ارتباط با رشد کلیسای اولیه با استفاده از اصول عیسی هستند.

■ "آنها را برای موعظه بفرستند" عیسی آمد تا خبر خوش پادشاهی را موعظه کند. او شاگردانش را برای همین کار تعلیم داد: (۱) دوازده نفر (مراجعه شود به انجیل مرقس ۶: ۷ الی ۱۳، انجیل متی ۱۰: ۱ و ۹ الی ۱۱۴ انجیل لوقا ۹: ۱ الی ۶) و (۲) بعدا هفتاد شاگرد (مراجعه شود به انجیل لوقا ۱۰: ۱ الی ۲۰).

۱۵: ۳ "دیوها" این احتمالا به فرشتگان گمراهی اشاره دارد که در خدمت شیطان هستند. با این حال، انجیل در خصوص منشأ دیوها ساکت است. اقتدار

عیسی بر روی آنها پایه گذار قدرت و ماموریت مسیح بودن او است. موضوع خاص در بخش مربوط به انجیل مرقس ۱: ۲۴ را مطالعه کنید.

۱۶: ۳ " آن دوازده تن که تعیین کرد " آن دوازده تن چهار مرتبه در انجیل تکرار شده است (مراجعه شود به انجیل متی ۱۰: ۲ الی ۴، انجیل مرقس ۳: ۱۶ الی ۱۹، انجیل لوقا ۶: ۱۴ الی ۱۶، و اعمال رسولان ۱: ۱۳ [مشابه انجیل متی ۱۰: ۲ الی ۴]). فهرست همیشه به صورت چهار گروه سه نفری ظاهر می شود. ترتیب آن اغلب در داخل گروه ها تغییر می کند (ولی پطرس همیشه اولین و یهوذا اشخریوطی همیشه آخرین است). این احتمال هست که این گروه بندی منعکس کننده شیوه چرخشی باشد که به این مردان اجازه می دهد گاه به گاه به خانواده خود و وظایف خانوادگی خود بپردازند. حیرت انگیز است که چقدر کم درباره بیشتر این نخستین شاگردان می دانیم. سنتهای کلیسای اولیه تمام چیزی است که بر آن اتکا داریم.

موضوع خاص: فهرست اسامی شاگردان (SPECIAL TOPIC: CHART OF APOSTLES' NAMES)

انجیل متی ۱۰: ۲ الی ۴	انجیل مرقس ۳: ۱۶ الی ۱۹	انجیل لوقا ۶: ۱۴ الی ۱۶	اعمال رسولان ۱: ۱۲ الی ۱۸
سیمون (پطرس/پیتر)	سیمون (پطرس/پیتر)	سیمون (پطرس/پیتر)	پطرس/پیتر
اندرو/اندریاس (برادر)	اندرو/اندریاس (پسر زیبایی)	اندرو/اندریاس (برادر)	یوحنا/جان
یعقوب (پسر زیبایی)	یوحنا (برادر جیمز)	جیمز	جیمز
یوحنا (برادر جیمز)	اندریاس	یوحنا	اندریاس
فیلیپ	فیلیپ	فیلیپ	فیلیپ
بارتلومی	بارتلومی	بارتلومی	توماس
توماس	متی/ماتئوس	متی	بارتلومی
متی (مالیات جمع کن)	توماس	توماس	متی
جیمز (پسر آلفانیوس)	جیمز (پسر آلفانیوس)	جیمز (پسر آلفانیوس)	جیمز (پسر آلفانیوس)
تادئوس	تادئوس	سیمون (زیلوت)	سیمون (زیلوت)
سیمون (کنعانی)	سیمون (کنعانی)	یهودا (پسر جیمز)	یهودا (پسر جیمز)
یهودا (اشخریوطی)	یهودا (اشخریوطی)	یهودا (اشخریوطی)	یهودا (اشخریوطی)

از یادداشت‌های انجیل لوقا ۶: ۱۴:

■ "سیمون که به او پطرس هم گفته می‌شد" سه فهرست دیگر هم در مورد ۱۲ شاگرد وجود دارد.. پطرس همیشه اولین است، یهوذا اشخریوطی همیشه آخرین است. سه گروه چهار نفری وجود دارند که مشابه هم هستند، هر چند ترتیب اسامی اغلب معکوس است (مراجعه شود به انجیل متی ۱۰: ۲ الی ۴، انجیل مرقس ۳: ۱۶ الی ۱۹، اعمال ۱: ۱۳).

■ "آندریاس" این اسم یونانی به معنی "مردانه" است. از انجیل یوحنا ۱: ۲۹ الی ۴۲ در می‌یابیم که اندریاس یکی از شاگردان یحیی تعمید دهنده بود و اینکه او برادرش پطرس را به عیسی معرفی کرد.

■ "جیمز" عبری این اسم "یعقوب" است (BDB 784) که معنی آن "جایگزین" است (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۲۵: ۲۶). در لیست دوازده نفر، دو نفر هستند که اسم آنها جیمز است. یکی برادر یوحنا (مراجعه شود به انجیل مرقس ۳: ۱۷) و جزو حلقه داخلی است (یعنی پطرس، جیمز و یوحنا). این برادر یوحنا است.

■ "یوحنا" این برادر جیمز و یکی از اعضا حلقه داخلی شاگردان است. او پنج تا از کتب عهد جدید را نوشته است و از بقیه شاگردان بیشتر زندگی کرد.

■ "فیلیپ" این اسم یونانی است و معنی آن "عاشق اسبها" است. اسم او در انجیل یوحنا ۱: ۴۳ الی ۵۱ آمده است.

■ "بارتلومی" معنی این اسم "فرزند پتولمی" است. ممکن است او نتنائیل انجیل یوحنا باشد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۴۵ الی ۴۹، ۲۱: ۲۰)

■ "متی" این اسم عبری (از ماتیتیا - *Mattithiah*) مراجعه شود به اول قرن‌تینان ۹: ۳۱، ۱۵: ۱۸ و ۲۱: ۱۶، ۵: ۲۵، ۳ و ۲۱: ۸: ۴) به معنی "هدیه یهوه" است. این اشاره به لاوی است (مراجعه شود به انجیل مرقس ۲: ۱۳ الی ۱۷).

■ "توماس" این اسم عبری به معنی "دوقلو" یا *Didymus* است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۱: ۱۶، ۲۰: ۲۰، ۲۴: ۲۱) (۲)

■ **"جیمز پسر آلفائوس"** عبری این اسم یعقوب است. اسم دو نفر در فهرست دوازده شاگرد، جیمز است. یکی برادر یوحنا (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۶: ۱۷) و بخشی از حلقه داخلی (یعنی پطرس، جیمز و یوحنا). این یکی به اسم جمز رده پائینتر شناخته می شود (مراجعه شود به انجیل مرقس ۳: ۱۷).

■ **"سیمون که به او زیلوت هم گفته می شد"** در متن یونانی انجیل مرقس "کنعانی" آمده است (همچنین انجیل متی ۱۰: ۴). مرقس، که انجیل او برای رومیان نوشته شده، احتمالاً نمی خواسته که از کلمه زیلوت که جنبه سیاسی داشت و خط قرمز محسوب می شد و به معنی جنبش چریکهای یهودی ضد رومی بود استفاده کند. لوقا ولی به این اسم از او یاد می کند (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱: ۱۳). کلمه کنعانی چندین مشتق دارد:

۱. از منطقه ای در جلیل بنام کنعان/قانا
۲. از عهد عتیق که در مورد تجار کنعانی استفاده شده بود
۳. از اطلاق متداول این اسم برای اهالی کنعان

اگر اشاره لوقا درست باشد، در نتیجه زیلوت از کلمه آرامی به معنی "مشتاق" است (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱: ۱۷). عیسی دوازده شاگرد خود را از میان چندین گروه که رقیب یکدیگر بودند، انتخاب کرد. سیمون عضو یک گروه ملی گرا بود که تلاش می کردند با خشونت رومیان را سرنگون کنند. عمدتاً این سیمون و لاوی (یعنی متی مالیات جمع کن) با همدیگر در یک جا قرار نمی گرفتند.

■ **"یهودا فرزند جیمز"** به او لیئوس (*Lebbeus*) (مراجعه شود به انجیل متی ۱۰: ۳) یا یهودا (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۴: ۲۲) هم گفته می شد. هم تادئوس و هم لیئوس به معنی "فرزند محبوب" هستند.

■ **"یهودا اشخریوطی"** دو سیمون، دو جیمز و دو یهودا هستند. نام اشخریوطی احتمالاً دو مشتق دارد:

۱. مردی از اشخریوط (نام شهری) در یهودا (مراجعه شود به یوشع ۱۵: ۲۳ که فقط به معنی این است که یهودی است)
۲. نام پدرش بوده است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۶: ۷۱، ۱۳: ۲ و ۲۶)
۳. "خنجر انداز" یا "آدم کش" که در این صورت به معنی است که او هم یک زیلوت همانند سیمون بوده است.

■ **"شمعون (که وی را پطرس خواند)"** بیشتر یهودیان جلیل هم یک اسم یهودی (یعنی سیمون یا شمعون، به معنوی شنونده) و یک اسم یونانی (که هیچوقت استفاده نمی شوند) دارند. عیسی اسم مستعار او را صخره می گذارد. در زبان یونانی پطرس و به زبان آرامی قیافا است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۴۲، انجیل متی ۱۶: ۱۶).

پطرس شاهد عینی، و شاگرد منشا انجیل مرقس است. برای توضیحات بیشتر مقدمه را بخوانید.

۳: ۱۷ **"بوآنزجس، یعنی پسران رعد"** مرقس اسم آرامی را برای خوانندگان کافرش (احتمالاً رومی) ترجمه می کند. این برادران (یعقوب و یوحنا) در انجیل لوقا ۹: ۵۴ با اسم مستعار هستند.

۳: ۱۸ **"آندریاس"** این اسم در زبان یونانی به معنی مردانه است. از انجیل یوحنا ۱: ۲۹ الی ۴۲ در می یابیم که آندریاس شاگرد یحیی تعمید دهنده بود و او برادرش پطرس را به عیسی معرفی کرد.

■ **"فیلیپس"** این اسم در زبان یونانی یعنی "علاقمند به اسبها". فراخواندن او در انجیل یوحنا ۱: ۴۳ الی ۵۱ تعریف شده است.

■ **"بارتولومی"** این اسم به معنی پسر پتولمی است. ممکن است او نتنائیل انجیل یوحنا باشد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۴۵ الی ۴۹، ۲۱: ۲۰).

■ **"متی"** این اسم عبری یعنی "هدیه یهوه". این اشاره به لاوی است (مراجعه شود به انجیل مرقس ۲: ۱۳ الی ۱۷).

■ **"توما"** این اسم عبری به معنی دوقلو یا دیدیموس است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۱: ۱۶، ۲۰: ۲۴، ۲۱: ۲).

■ **"یعقوب"** این اسم عبری "جیکوب" است. در لیست دوازده شاگرد نفر هستند که اسم آنها یعقوب است. یکی برادر یوحنا (مراجعه شود به انجیل مرقس ۳: ۱۷) و بخشی از حلقه داخلی (پطرس، یعقوب و یوحنا). این یکی به عنوان یعقوب حقیرتر شناخته می شود.

■ **"تادئوس"** او همچنین لیئوس (مراجعه شود به انجیل متی ۱۰: ۳) و یا یهودا (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۴: ۲۲) نامیده می شود. هم تادئوس و هم لیئوس یعنی "فرزند محبوب".

NASB, NJB	"شمعون زیلوت"
NKJV	"شمعون کنعانی"
NRSV	"شمعون کنهانی"
TEV	"شمعون غیور"

در متن یونانی انجیل مرقس "کنعانی" نوشته شده است (همچنین انجیل متی ۱۰: ۴۹. مرقس که خطاب به رومیان نوشته، احتمالاً نخواسته که از اصطلاح سیاسی زیلوت که اشاره به جنبش چریکی ضد رومی بود، استفاده کند. لوقا اما از این اصطلاح استفاده می کند (مراجعه شود به انجیل لوقا ۶: ۱۵)

و اعمال رسولان ۱: ۱۳). اصطلاح کنعانی چندین مشتق دارد.

۱. منطقه‌ای در جلیل که به نام کنعان (قانا) است

۲. کاربرد عهد عتیقی کنعانی به عنوان بازرگان

۳. اصطلاحی برای خطاب کردن اهالی و بومیان کنعان (که فلسطین هم نامیده می‌شود)

اگر استفاده لوقا درست باشد، پس زیلوت از اصطلاح آرامی برای "هواخواه" است (مراجعه شود به انجیل لوقا ۶: ۱۵، اعمال رسولان ۱: ۱۷). عیسی دوازده شاگرد خود را از میان چندین گروه رقیب یکدیگر انتخاب کرد. شمعون عضو یک گروه ملی‌گرا بود که مشوق سرنگونی رومیان به صورت خصمانه بود. معمولاً این شمعون و لاوی (یعنی متی خراجگیر) با یکدیگر در اتاق قرار نمی‌گرفتند.

۳: ۱۹ "یهودا اسخریوطی" دو شمعون، دو یعقوب و دو یهودا بودند. اسخریوط احتمالاً دو معنی دارد: (۱) مردی از خریوط در یهودیه (مراجعه شود به یوشع ۱۵: ۲۳) و یا (۲) "مرد چماقدار" یا "مزدور آدم‌کش" که یعنی او هم یک زیلوت همانند شمعون بود.

■ "تسلیم دشمن کرد" این فعل در انجیل یوحنا در توصیف یهودا تغییر یافته است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۶: ۷۱، ۱۲: ۴، ۱۳: ۲ و ۲۶ الی ۲۷، ۱۸: ۲ الی ۵). در اصل به معنی "خیانت کردن و تسلیم دشمن کردن" است (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱: ۱۴). انگیزه الهیاتی/روانشناسی یهودا در خیانت به عیسی یک راز است.

NASB: انجیل مرقس ۳: ۲۰ الی ۲۷

۲۰ روزی دیگر عیسی به خانه رفت و باز جماعتی گرد آمدند، به گونه‌ای که او و شاگردانش را حتی مجال غذا خوردن نبود. ^{۲۱} چون خویشان عیسی این را شنیدند، روانه شدند تا او را برداشته با خود ببرند، زیرا می‌گفتند از خود بی‌خود شده است. ^{۲۲} علمای دین نیز که از اورشلیم آمده بودند می‌گفتند: "بِعِلْزِ بُول دارد و دیوها را به یاری رئیس دیوها بیرون می‌راند." ^{۲۳} پس عیسی آنها را فرا خواند و مثل‌هایی برایشان آورد و گفت: "چگونه ممکن است شیطان، شیطان را بیرون براند؟" ^{۲۴} اگر حکومتی بر ضد خود تجزیه شود، نمی‌تواند پابرجا ماند. ^{۲۵} نیز اگر خانه‌ای بر ضد خود تجزیه شود، آن خانه پابرجا نمی‌ماند. ^{۲۶} شیطان نیز اگر بر ضد خود قیام کند و تجزیه شود، نمی‌تواند دوام آورد، بلکه پایشان فرا رسیده است. ^{۲۷} به‌واقع هیچ‌کس نمی‌تواند به خانه‌ی مردی نیرومند درآید و اموالش را غارت کند، مگر اینکه نخست آن مرد را ببندد. پس از آن می‌تواند خانه‌ی او را غارت کند.

۳: ۲۰ "به خانه رفت" این باید به همان خانه اشاره شده در انجیل مرقس ۲: ۱ و احتمالاً انجیل مرقس ۷: ۱۷، ۹: ۳۸ اشاره داشته باشد.

■ "جماعتی" این نتیجه شفا دادن‌ها و بشارت دادن‌های عیسی بود (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱: ۴۵، ۲: ۲ و ۱۳، ۳: ۷ و ۲۰).

■ "حتی مجال غذا خوردن نبود" این چیزی بود که برای خانواده‌اش بسیار بدان اهمیت می‌داد. عیسی همیشه برای مردم نیازمند وقت داشت. او خود را وقف آنان کرده بود.

۳: ۲۱

"مردم خودش"	NASB, NKJV
"خانواده اش"	NRSV, TEV
"اقوامش"	NJB

از نظر مفهومی، این معنی "اطرافیان" است. در KJV "دوستانش" ذکر شده است، ولی ظاهراً مادر و خواهران و برادرانش بودند.

"او را ببرند"	NASB
"او را نزد خود نگاه دارند"	NKJV
"او را محکم بگیرند"	NRSV
"مراقب او باشند"	TEV, NJB

این یک فعل قوی در انجیل متی است (مراجعه شود به انجیل متی ۱۴: ۳، ۱۸: ۱۸)، ولی معمولاً در انجیل متی خشن نیست. اغلب اشاره به کمک کردن به مردم بیمار و بلند کردن آنها با گرفتن دستشان است. خانواده او سعی کردند او را به زور به خانه ببرند، زیرا فکر می‌کردند غیر عقلانی رفتار می‌کند (مراجعه شود به انجیل مرقس ۳: ۳۱ الی ۳۵).

"احساسش را از دست داده"	NASB
"عقلش را از دست داده"	NKJV, NJB
"عقل خود را از دست داده است"	NRSV

متن یونانی در خصوص اینکه چه کسی این را گفته، مبهم است. آیا از اعضای خانواده اش بود (NIV، NJB، NKJV، NASB) و یا چیزی که یکی از اعضای خانواده شنیده بود که کسی چنین می گوید (TEV، NRSV)؟
اصطلاح در این متن یعنی "از تعادل روانی خارج شدن" (مراجعه شود به دوم قرن تیان ۵: ۱۳). اغلب در انجیل مرقس در مورد مردمانی که دچار حیرت می شوند استفاده شده است (مراجعه شود به انجیل مرقس ۲: ۱۲، ۵: ۴۲).
این نشان می دهد که هر چند عیسی در میان جمعیت محبوب بود، ولی همه او را درست درک نمی کردند: (۱) شاگردانش خودش، (۲) رهبران مذهبی (۳) خانواده خودش و (۴) خود جمعیت.

۳: ۲۲ " علمای دین نیز که از اورشلیم آمده بودند " این ممکن است اشاره به کسانی داشته باشد که در انجیل مرقس ۲: ۶ و ۱۶ ذکر شده اند، که ظاهراً نمایندگان رسمی بودند که از جانب سانهدرین فرستاده شده بودند تا در مورد کارها و تعالیم عیسی اطلاعات گردآوری کنند.

■ "تسخیر شده" این اصطلاح به معنی این است که شیطان او راتسخیر کرده و قدرت او از جانب شیطان است (مراجعه شود به انجیل متی ۹: ۳۴، انجیل یوحنا ۷: ۲۰، ۸: ۴۸ الی ۵۲، ۱۰: ۲۰). همین چیزها را در مورد یحیی تعمید دهنده نیز می گفتند (مراجعه شود به انجیل متی ۱۱: ۱۸). آنها نمی توانستند معجزات عیسی را انکار کنند بنابراین منشا قدرت و اقتدار او را زیر سوال می بردند.

■ "بعلزبول دارد" این اسم غیر قابل تحمل در KJV بیلزبوب تلفظ می شود، ولی در بیشتر ترجمه های مدرن بعلزبول نوشته شده است. بیل منعکس کننده کلمه سامی "بعل" یعنی "ارباب"، "مالک" یا "شوهر" است. این نام خدای توفان و باروری کنعان بود.

"زبول" می تواند به معنی (۱) ارتفاع (کوه یا بهشت)، (۲) شاهزاده (زبول) یا (۳) ظرفیت باشد. یهودیان اغلب حروف اسامی خدایان خارجی را تغییر می دادند تا منحرف کننده باشد.

اگر زبول باشد، می تواند به یکی از اینها اشاره داشته باشد

۱. بعل از اکرون (مراجعه شود به دوم پادشاهان ۱: ۲ و ۳ و ۶)
۲. یکی از خدایان فلسطین، زبابا
۳. بازی کلمات آرامی برای "ارباب دشمنی"
۴. "ارباب حشرات" ("حشره" در زبان آرامی دیبابا است)
۵. این نگارش بیلزبوب، در روحانیت یهود ناشناخته است.

برای اطلاعات بیشتر در مورد شیطان فردی به کتاب *The New International Dictionary of New Testament Theology*، جلد ۳، صفحات ۴۶۸ الی ۴۷۳ مراجعه کنید.

■ "رئیس دیوها" نام بعلزبول یک اسم متداول برای شیطان در یهودیت نیست. عیسی آن را به صورت مترادف با شیطان در انجیل متی ۳: ۲۳ استفاده کرده است.

۳: ۲۳ الی ۲۶ عیسی حماقت منطقی نسبت دادن قدرت او بر شیطان را نشان داد. بدیهی است رهبر در برابر خدمتگزارانش فاجعه است.

۳: ۲۳ " آنها را فرا خواند " برای این است که به آنها نشان دهد (علمای انجیل مرقس ۳: ۲۲) که او توانست افکار آنها را بخواند (یادداشت مربوط به انجیل مرقس ۲: ۶ را مطالعه کنید). یک شانس دیگر به آنان داد که به وضوح پیام او را بشنوند.

■ "تمثیلها" معنی مفهومی این اصطلاح (*parabolē*)، ۱۳ مرتبه در انجیل مرقس تکرار شده است) به کنار انداختن است. رخدادهای معمولی زندگی برای به تصویر کشیدن حقیقت معنوی استفاده می شود.

۳: ۲۴ "اگر" این جمله شرطی نوع سوم است به معنی احتمال وقوع عمل.

۳: ۲۷ " مگر اینکه نخست آن مرد را ببندد " این یک اشاره پوشیده مسیحانه به اشعیا ۴۹: ۲۴ الی ۲۵ است. همچنین مشخص می کند که عیسی از شیطان قویتر است.

عمل جن گیری در یهودیسم متداول بود (مراجعه شود به انجیل مرقس ۹: ۳۸، اعمال رسولان ۱۹: ۱۴). آنچه غیر معمول بود قدرت و اقتدار عیسی در برابر معجونهای جادویی و فرمولهایی بود که توسط ربی ها استفاده می شد. عیسی به وضوح نشان می دهد که با آمدنش شیطان شکست خورده است! اگوستین حتی از انجیل مرقس ۳: ۲۴ به عنوان شاهدهی نقل کرده که هزاره وعده داده شده اینک فرا رسیده است.

از این آیه امروزه اغلب به عنوان سند معتبر برای دور کردن شیطان از ملاقاتهای مسیحیان استفاده می شود. این آیه نمی تواند هنگام دعا کردن مسیحیان در برابر شیطان از آنها محافظت کند. از مومنین هرگز خواسته نشده که شیطان را خطاب کنند. این آیه تبدیل به یک خرافات شده که کلا از شخصیت عهد جدید به دور است.

NASB: انجیل مرقس ۳: ۲۸ الی ۳۰

«آمین به شما می گویم که تمام گناهان انسان و هر کفری که بگوید آمرزیده می شود؛^{۲۹} اما هر که به روح القدس کفر گوید، هرگز آمرزیده نخواهد شد، بلکه مجرم به گناهی ابدی است.»^{۳۰} «این سخن عیسی از آن سبب بود که می گفتند "روح پلید دارد".»

۳: ۲۸ "آمین" این به مفهوم آمین است. استفاده عیسی از اصطلاحات "آمین" و "واقعا" منحصر به فرد است. معمولا در اول بیانات مهم می گوید.

موضوع خاص: آمین (SPECIAL TOPIC: AMEN)

۱. عهد عتیق

- a. اصطلاح آمین در زبان عبری برای موارد زیر به کار می رود
 - i. حقیقت (BDB 49, emeth)
 - ii. راستی (BDB 53, emunah, emun)
 - iii. ایمان یا باوفا بودن
 - iv. اعتماد (BDB 52, dmn)
- b. ریشه یابی این واژه دلالت بر ثبات فیزیکی فرد دارد. مخالف آن فردی است که ثبات ندارد، می لغزد (مراجعه شود به مزامیر ۳۵: ۶، ۴۰: ۲، ۷۳: ۱۸، ارمیا ۲۳: ۱۲) یا تکان می خورد (مراجعه شود به مزامیر ۷۳: ۲). از این کاربرد مفهومی مفهوم استعاره‌ای برای وفاداری، قابل اعتماد بودن، صداقت و قابل اتکا بودن مشتق می شود (مراجعه شود به عبرانیان ۲: ۴).
- c. کاربردهای خاص (موضوع خاص: ایمان/اعتماد/وفاداری در عهد عتیق را مطالعه کنید).
 - i. ستون، مراجعه شود به دوم پادشاهان ۱۸: ۱۶ (اول تیموتائوس ۳: ۱۵)
 - ii. تضمین، مراجعه شود به خروج ۱۷: ۱۲
 - iii. ثبات، مراجعه شود به خروج ۱۷: ۱۲
 - iv. پایداری، مراجعه شود به اشعیا ۳۳: ۶
 - v. راستی، مراجعه شود به اول پادشاهان ۱۰: ۶، ۱۷: ۲۴، ۲۲: ۱۶، امثال ۱۲: ۲۲
 - vi. محکم، مراجعه شود به دوم تواریخ ۲۰: ۲۰، اشعیا ۷: ۹
 - vii. قابل اعتماد (تورات)، مراجعه شود به مزامیر ۱۱۹: ۴۳ و ۱۴۲ و ۱۵۱ و ۱۶۰
- d. در عهد عتیق دو کلمه عبری دیگر برای ایمان فعال/جدی استفاده شده است
 - i. Bathach (BDB 105)
 - ii. yra (BDB 431)، ترس، احترام، پرستش (مراجعه شود به پیدایش ۱۲: ۲۲)
 - iii. از مفهوم اعتماد یا قابل اعتماد بودن مفهوم خاصی مشتق شد که برای تأیید صحت یا قابل اعتماد بودن اظهارات دیگری به کار می رفت (مراجعه شود به اعداد ۵: ۲۲، تثنیه ۲۷: ۱۵ الی ۲۶، اول پادشاهان ۱: ۳۶، اول تواریخ ۱۶: ۳۶، نحمیا ۵: ۱۳، ۸: ۶، مزامیر ۴۱: ۱۳، ۷۲: ۱۹، ۸۹: ۵۲، ۱۰۶: ۴۸، ارمیا ۱۱: ۵، ۲۸: ۶)
 - iv. کلید الهیاتی این اصطلاح وفاداری انسان نیست، بلکه یهوه است (مراجعه شود به کتاب خروج ۳۴: ۶، کتاب تثنیه ۳۲: ۴، مزامیر ۱۰۸: ۴، ۱۱۵: ۱، ۱۱۷: ۲، ۱۳۸: ۲). تنها امید انسان سقوط کرده ترحم، وفاداری، پیمان وفاداری یهوه و قول او است. آنها که یهوه را می شناسند باید مانند او باشند (مراجعه شود به حقیوق ۲: ۴). انجیل تاریخ و ثبت بازبایی تصویر خدا (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱: ۲۶ الی ۲۷) در نوع بشر است. رستگاری توانایی نوع بشر را برای اینکه رابطه صمیمانه با خدا داشته باشد، احیا می کند. به این دلیل است که ما خلق شده ایم.

۲. عهد جدید

- a. استفاده کلمه "آمین" در عهد جدید برای کلام پایانی و تأیید اظهارات قابل اعتماد متداول است (مراجعه شود به اول قرتیان ۱۴: ۱۶، مکاشفه ۱: ۷، ۵: ۱۴، ۷: ۱۲).
- b. استفاده از این اصطلاح برای پایان بخشیدن به دعا در عهد جدید مرسوم است (مراجعه شود به رومیان ۱: ۲۵، ۹: ۵، ۱۱: ۳۶، ۱۶: ۲۷، غلاطیان ۱: ۵، ۶: ۱۸، افسسیان ۳: ۲۱، فیلیپیان ۴: ۲۰، دوم تسالونیکیان ۳: ۱۸، اول تیموتائوس ۱: ۱۷، ۶: ۱۶، دوم تیموتائوس ۴: ۱۸).

- c. عیسی تنها کسی بود که از این اصطلاح (به صورت دوبار تکرار در انجیل یوحنا ۲۵ مرتبه، انجیل یوحنا ۱: ۵۱، ۳: ۵ و ۱۱ و غیره) برای معرفی بیانات مهم استفاده می‌کرد (مراجعه شود به انجیل لوقا ۴: ۲۴، ۱۲: ۳۷، ۱۸: ۱۷ و ۲۹، ۲۱: ۳۲، ۲۳: ۴۳).
- d. به عنوان عنوانی برای عیسی در مکاشفه ۳: ۱۴ استفاده شده است (همچنین به دوم قرنتیان ۱: ۲۰، و احتمالا عنوان یهوه در اشعیا ۶۵: ۱۶ توجه کنید).
- e. مفهوم وفاداری، ایمان، قابل اعتماد یا اعتماد در یونانی با اصطلاح *pistos* یا *pistis* بیان می‌شود که در انگلیسی *faith, trust, believe* ترجمه می‌گردد (موضوع خاص: ایمان/اعتماد/وفاداری در عهد عتیق را مطالعه کنید).

■ "آمین به شما می‌گویم که تمام گناهان انسان و هر کفری که بگوید آمرزیده می‌شود" این وسعت لطف خدا را در مسیح نشان می‌دهد. عبارت "پسران انسانها" یک اصطلاح متداول سامی است که به انسانها اشاره می‌کند (مراجعه شود به مزامیر ۸: ۴، حزقیال ۲: ۱).

۳: ۲۹ "اما هر که به روح القدس کفر گوید" این را باید در شرایط تاریخی قبل از پنتیکاست درک کرد. در این مفهوم استفاده شده که حقیقت خدا رد شده است. آنچه این آیه آموزش می‌دهد "گناه نابخشودنی" است. باید در نور شرایط زیر آن را تفسیر کرد:

۱. تمایز عهد عتیق میان گناهان عمدی و غیر عمدی (مراجعه شود به اعداد ۱۵: ۲۷ الی ۳۱)
۲. ایمان نداشتن خانواده خود عیسی در برابر ایمان نداشتن فریسیان در این متن
۳. بیانات در مورد بخشش در انجیل مرقس ۳: ۲۸
۴. تفاوتها میان هموسوهای انجیل، به خصوص تغییر "پسر انسان" (مراجعه شود به انجیل متی ۱۲: ۳۲، انجیل لوقا ۱۲: ۱۰) به "پسران انسانها" (مراجعه شود به انجیل متی ۱۲: ۳۱، انجیل مرقس ۳: ۲۸).

در نور موارد فوق، این گناه توسط آنانی صورت می‌گیرد که در حضور نور و درک عظیم، هنوز عیسی را به عنوان ابزار خدا برای آشکار سازی و رستگاری انکار می‌کنند. آنان نور انجیل را به تاریکی شیطان تبدیل می‌کنند (مراجعه شود به انجیل مرقس ۳: ۳۰). آنان ترسیم روح را رد می‌کنند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۶: ۴۴ و ۶۵). گناه نابخشودنی رد کردن خدا به دلیل محدودی گناه یا کلمات نیست، بلکه انکار مستمر و دائمی خدا در مسیح باور ارادی است (یعنی علما، کاتبین و فریسیان).

این گناه فقط توسط کسانی انجام می‌شود که انجیل را دیده و شنیده‌اند. آنان که پیام را در مورد عیسی به وضوح شنیده‌اند مسئول انکار او هستند. این به خصوص در فرهنگهای مدرن که دسترسی مستمر به انجیل دارند، ولی عیسی را رد می‌کنند، درست است (یعنی آمریکا، فرهنگ غربی). برای روح القدس به عنوان فرد سوم در تثلیث به موضوع خاص زیر مراجعه کنید.

موضوع خاص: شخصیت روح

(SPECIAL TOPIC: THE PERSONHOOD OF THE SPIRIT)

در عهد عتیق "روح خدا" (ruach) نیرویی بود که هدف یهوه را تحقق می‌بخشید، ولی اشاره کوچکی هست که فردی بود (یکتاشناسی عهد عتیق، به موضوع خاص: یکتاپرستی مراجعه شود). با این حال، در عهد جدید شخصیت کامل و فردیت روح افشا می‌شود:

۱. می‌توان به او توهین کرد (مراجعه شود به انجیل متی ۱۲: ۳۱، انجیل مرقس ۳: ۲۹)
 ۲. آموزش می‌دهد (مراجعه شود به انجیل لوقا ۱۲: ۱۲، انجیل یوحنا ۱۴: ۲۶)
 ۳. شهادت می‌دهد (انجیل یوحنا ۱۵: ۲۶)
 ۴. محکوم، هدایت می‌کند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۶: ۷ الی ۱۵)
 ۵. می‌توان وی را "او" خطاب کرد (hos)، مراجعه شود به افسسیان ۱: ۱۴)
 ۶. می‌تواند ترسناک باشد (مراجعه شود به افسسیان ۴: ۳۰)
 ۷. می‌تواند فرو بنشیند (مراجعه شود به اول تسالونیکیان ۵: ۱۹)
 ۸. می‌تواند مقاومت کند (مراجعه شود به اعمال رسولان ۷: ۵۱)
 ۹. او حامی مومنین است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۴: ۲۶، ۱۵: ۲۶، ۱۶: ۷)
 ۱۰. او پسر را جلال می‌دهد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۶: ۱۴)
- متون تثلیث (در اینجا به سه مورد از بسیار موارد اشاره می‌کنیم، موضوع خاص تثلیث را بخوانید) از سه فرد صحبت می‌کنند
۱. انجیل متی ۲۸: ۱۹
 ۲. دوم قرنتیان ۱۳: ۱۴
 ۳. اول پطرس ۱: ۲

هر چند کلمه یونانی روح (*pneuma*) خنثی است، وقتی به روح القدس اشاره می‌شود، عهد جدید عمدتاً از صفت نشان دهنده مذکر استفاده می‌کند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۶: ۸ و ۱۳ الی ۱۴)

روح به فعالیت‌های انسان مرتبط است

۱. اعمال رسولان ۱۵: ۲۸

۲. رومیان ۸: ۲۶

۳. اول قرنتیان ۱۲: ۱۱

۴. افسسیان ۴: ۳۰

در ابتدای اعمال رسولان، بر نقش روح تاکید میشود (همانند انجیل یوحنا). پنتیکاست شروع کار روح نیست، بلکه فصل جدیدی است. عیسی همیشه روح داشت. تعמיד او شروع کار روح نبود، بلکه فصل جدیدی بود. روح ابزار موثر هدف پدر برای احیای انسانها است که از تصویر او ساخته شده اند (به موضوع خاص: برنامه رستگاری جاودانی یهوه مراجعه شود)!

■ "هرگز آموزیده نخواهد شد" این عبارت را باید در نور انجیل مرقس ۳: ۲۸ تفسیر کرد.

■ "بلکه مجرم به گناهی ابدی است" این انکار ارادی انجیل است (شخص عیسی و کارهای او) در حضور نور عظیم!

تنوعات زیادی در رابطه با عبارت "گناه ابدی" وجود دارد. برخی نسخ دستنویس یونانی باستانی

۱. آن را به حالت مضافه الیه تغییر دادند (یعنی *hamartias*) - W.D.C.*

۲. "داوری" را به آن اضافه کردند (یعنی *kriseōs*) - A و C² (مراجعه شود به KJV)

۳. "عذاب" را به آن اضافه کردند (یعنی *kolaseōs*)، حرف کوچک ۱۲۳۴

برای علما اولیه صحبت کردن در مورد "گناه ابدی" شوکه کننده بود.

UBS⁴ به "گناهی ابدی" رتبه B را می‌دهد (تقریباً یقین).

موضوع خاص: جاودانی (SPECIAL TOPIC: ETERNAL)

Robert B. Girdlestone در کتاب خود *Synonyms of the Old Testament*، تفسیر بسیار جالبی در مورد کلمه "جاودانی" دارد:

صفت *aiōnios* بیش از چهل بار در عهد جدید، در رابطه با زندگی ابدی، که تا حدودی به عنوان یک هدیه حاضر به شمار می‌رود، تا حدودی به عنوان وعده‌ای برای آینده است، استفاده شده است. همچنین به وجود بی پایان خدا در رومیان ۱۶: ۲۶ دلالت می‌کند؛ و تا کارایی بی پایان تطهیر مسیح در عبرانیان ۹: ۱۲، ۱۳: ۲۰ و تا اعصار بعدی در رومیان ۲۵: ۲۵، دوم تیموتائوس ۱: ۹ و تیتوس ۱: ۲ اشاره می‌کند.

این کلمه با اشاره به آتش ابدی، در انجیل متی ۸: ۱۸، ۲۵: ۴۱، داوران ۷: ۱، مجازات ابدی، انجیل متی ۲۵: ۴۶، داوری یا محکومیت ابدی، انجیل مرقس ۳: ۲۹، عبرانیان ۶: ۲، تخریب ابدی، دوم تسالونیکیان ۱: ۹ استفاده شده است. کلمه‌ای که در این قسمت‌ها استفاده شده به نهایت اشاره می‌کند، و ظاهراً نشان می‌دهد که زمانیکه این قضاوت‌ها اعمال می‌شود، زمان آزمایش، تغییر، یا احتمال بازیابی شانس، به طور مطلق و برای همیشه گذشته است. ما در مورد آینده، در مورد رابطه زندگی انسانی با مابقی حیات، و در مورد وزن اخلاقی بی‌ایمانی، در نگاه ابدی، درک بسیار اندکی داریم. اگر، از یک طرف، اشتباه به کلام خدا اضافه کردن اشتباه باشد، از سوی دیگر ما نباید از آن روی برگردانیم؛ و اگر ما تحت دکترین مجازات‌های ابدی متلاشی شویم، همانطور که در کتاب مقدس مطرح شده است، ما باید محتاط باشیم و صبر کنیم، به عشق خداوند از طریق مسیح ببینیم و در عین حال تصدیق کنیم که زمینه تاریکی وجود دارد که ما قادر به درک آن نیستیم" (صفحات ۱۸ الی ۳۱۹).

موضوع خاص: تفسیر فرایندهای ترجمه گناه نابخشودنی (SPECIAL TOPIC: Exegetical Procedures for Interpreting "The Unpardonable Sin")

۱. به خاطر داشته باشید که اناجیل منعکس کننده موقعیت یهودی هستند

a. دو نوع گناه (موضوع خاص: گناه غیر عمد [عهد عتیق])، مراجعه شود به لاویان ۴: ۲ و ۲۲ و ۲۷، ۵: ۱۵ و ۱۷ الی ۱۹، اعداد ۱۵:

۲۷ الی ۳۱، تثنیه ۱: ۴۳، ۱۷: ۱۲ الی ۱۳)

i. غیر عمد

ii. عمد

b. دوره قبل از پنتیکاست یهودی (یعنی تحقق انجیل [یعنی مرگ، رستاخیز، معراج] و موهبت روح القدس هنوز صورت نگرفته است)

۲. به مفهوم واقعی انجیل مرقس ۳: ۲۲ الی ۳۰ توجه کنید

a. بی‌ایمانی خانواده خود عیسی (مراجعه شود به انجیل مرقس ۳: ۳۱ الی ۳۲)

b. بی‌ایمانی فریسیان (مراجعه شود به انجیل مرقس ۲: ۲۴، ۳: ۱ و ۶ و ۲۲)

۳. همسوهای انجیل را مقایسه کنید، جاهایی که "پسر انسان" تبدیل به "پسران انسانها" می‌شود

a. انجیل متی ۱۲: ۲۲ الی ۳۷ (یعنی ۱۲: ۳۲، "کلامی علیه پسر انسان")

b. انجیل لوقا ۱۱: ۱۴ الی ۱۲: ۲۶، ۸: ۱۲ (یعنی "کلامی علیه پسر انسان")

c. انجیل مرقس ۳: ۲۸ (یعنی "تمام گناهان پسران انسانها آموخته می‌شود")

گناه نابخشودنی انکار مداوم عیسی در حضور نور عظیم است. فریسیان به وضوح درک کردند ولی حاضر نشدند ایمان آورند. در این مفهوم، به "در گناه تا زمان مرگ" در اول یوحنا مرتبط است (مراجعه شود به موضوع خاص: در گناه تا مرگ).

NASB: انجیل مرقس ۳: ۳۱ الی ۳۵

۳۱ آنگاه مادر و برادران عیسی آمدند. آنان بیرون ایستاده، کسی را فرستادند تا او را فرا خواند. ^{۳۲} جماعتی که گرد عیسی نشسته بودند، به او گفتند: «مادر و برادرانت بیرون ایستاده‌اند و تو را می‌جویند.» ^{۳۳} عیسی پاسخ داد: «مادر و برادران من چه کسانی هستند؟» ^{۳۴} آنگاه به آنان که گردش نشسته بودند، نظر افکند و گفت: «اینانند مادر و برادران من! ^{۳۵} هر که اراده خدا را به جای آورد، برادر و خواهر و مادر من است.»

۳۱ الی ۳۵ این آیات با انجیل مرقس ۳: ۲۱ مرتبط هستند. تضاد مشهودی میان خانواده عامی، دلسوز و بی‌ایمان عیسی (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۵: ۷) و بی‌ایمانی دشمنانه و ارادی رهبران یهود وجود دارد. عیسی به خصوص اظهار می‌دارد که اراده خدا ایمان آوردن به او است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۶: ۴۰، ۱۴: ۶).

۳۳: «مادر و برادران من چه کسانی هستند» این سوال شوکه کننده نشان دهنده خود-آگاهی عیسی و ماهیت ریشه‌ای ایمان انجیلی است که فقط می‌تواند در قالب تولد جدید، خانواده جدید توصیف شود. زندگی خانوادگی یک جنبه خیلی مهم در زندگی یهود است و استفاده از این اصطلاحات خانوادگی برای مومنین مهم است. خدا پدر است، عیسی تنها پسر و ناجی، ولی ما هم همه فرزندان خدا هستیم.

۳۵: «هر که اراده خدا را به جای آورد» ایمان به مسیح اراده خدا برای تمامی انسانها است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۱۲، ۳: ۱۶، ۶: ۴۰، ۱۴: ۶، اول یوحنا ۵: ۱۲ و ۱۳). موضوع خاص: اراده خدا در بخش مربوط به اول پطرس ۲: ۱۵ را مطالعه کنید. به دعوت عمومی و جامع برای پاسخ به ایمان به عیسی و پیام او توجه کنید.

سوالاتی برای بحث

این یک راهنمای مطالعاتی است، که بدین معنی است که شما خودتان مسئول تفسیر انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر خودمان گام برداریم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. شما نباید این امر را به یک مفسر واگذار کنید.

این سوالات مباحثاتی به منظور کمک به شما در تفکر نسبت به مسائل اصلی این بخش از کتاب مطرح شده‌اند. آنها صرفاً تفکر برانگیز هستند نه قطعی.

۱. چرا چهارچوب انجیل لوقا با انجیل مرقس تفاوت دارد؟ (انجیل مرقس ۳: ۲۲ الی ۳۰)
۲. داستان انجیل متی چه چیزی به انجیل مرقس اضافه می‌کند؟
۳. چرا رهبران دینی چنین اتهاماتی در این فصل به عیسی وارد ساختند؟
۴. چرا عیسی سعی میکند از روی خرد و منطق با آنان برخورد کند؟
۵. «گناه نابخشودنی» چیست؟
۶. امروزه در چه شرایطی می‌توان گناه نابخشودنی را مرتکب شد؟ آیا کسی میتواند بفهمد که چنین گناهی را مرتکب شده است؟
۷. آیا این عبارت در مورد گناه نابخشودنی مرتبط با اول یوحنا ۵: ۱۶ یا عبرانیان ۶ و ۱۰ است؟
۸. چگونه این گناه با رستگاری مرتبط است؟ چگونه مرتبط با بی‌ایمانی خانواده عیسی است؟
۹. آیا کفر علیه عیسی قابل بخشودن است ولی علیه روح القدس نه؟ چه تفاوتی وجود دارد؟ (انجیل متی ۱۲: ۳۱ الی ۳۲ را با انجیل لوقا ۱۲: ۱۰ و انجیل مرقس ۳: ۲۸ مقایسه کنید)

مرقس ۴

پاراگراف‌های ترجمه‌های مدرن

UBS ⁴	NKJV	NRSV	TEV	NJB
تمثیل بذر ۹ : ۱ الی ۴	تمثیل بذر ۹ : ۱ الی ۴	تعلیم با تمثیلها ۹ : ۱ الی ۴	تمثیل بذر ۲ : ۱ الی ۴ ۸ : ۳ الی ۴ ۹ : ۴	تمثیل بذر ۹ : ۱ الی ۴
هدف تمثیلها	هدف تمثیلها		هدف تمثیلها	چرا عیسی با تمثیل صحبت می‌کرد
۱۲ : ۱۰ الی ۴	۱۲ : ۱۰ الی ۴	۱۲ : ۱۰ الی ۴	۱۲ : ۱۰ الی ۴	۱۲ : ۱۰ الی ۴
تمثیل بذر توضیح داده می‌شود	تمثیل بذر توضیح داده می‌شود		عیسی تمثیل بذر را توضیح میدهد	تمثیل بذر توضیح داده می‌شود
۲۰ : ۱۳ الی ۴	۲۰ : ۱۳ الی ۴	۲۰ : ۱۳ الی ۴	۲۰ : ۱۳ الی ۴	۲۰ : ۱۳ الی ۴
نور زیر ظرف	نور زیر سبد		نور زیر ظرف	گرفتن تعلیم از عیسی
۲۳ : ۲۱ الی ۴	۲۵ : ۲۱ الی ۴	۲۵ : ۲۱ الی ۴	۲۳ : ۲۱ الی ۴	۲۳ : ۲۱ الی ۴
				تمثیل مقیاس
۲۵ : ۲۴ الی ۴			۲۵ : ۲۴ الی ۴	۲۵ : ۲۴ الی ۴
تمثیل بذری که رشد می‌کند	تمثیل بذری که رشد می‌کند	بذری که پنهانی رشد میکند	تمثیل بذری که رشد می‌کند	تمثیل بذری که خودش رشد می‌کند
۲۹ : ۲۶ الی ۴	۲۹ : ۲۶ الی ۴	۲۹ : ۲۶ الی ۴	۲۹ : ۲۶ الی ۴	۲۹ : ۲۶ الی ۴
تمثیل دانه خردل	تمثیل دانه خردل	دانه خردل	تمثیل دانه خردل	تمثیل دانه خردل
۳۲ : ۳۰ الی ۴	۳۲ : ۳۰ الی ۴	۳۲ : ۳۰ الی ۴	۳۲ : ۳۰ الی ۴	۳۲ : ۳۰ الی ۴
استفاده از تمثیل	استفاده عیسی از تمثیل			استفاده از تمثیل
۳۴ : ۳۳ الی ۴	۳۴ : ۳۳ الی ۴	۳۴ : ۳۳ الی ۴	۳۴ : ۳۳ الی ۴	۳۴ : ۳۳ الی ۴
آرام ساختن یک توفان	باد و موج اطاعت کردند	باد و دریا آرام شدند	عیسی توفان را آرام می‌کند	آرام ساختن توفان
۴۱ : ۳۵ الی ۴	۴۱ : ۳۵ الی ۴	۴۱ : ۳۵ الی ۴	۳۸ : ۳۵ الی ۴ ۴۰ : ۳۹ الی ۴ ۴۱ : ۴	۴۱ : ۳۵ الی ۴

مطالعه حلقه سوم (رجوع کنید به "سمینار تفسیر کتاب مقدس")

به دنبال نیت اصلی نویسنده در سطوح پاراگراف

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید. کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص نمایید (مطالعه حلقه شماره ۳). تقسیمات موضوعی خود را با پنج ترجمه بالا مقایسه کنید. پاراگراف‌بندی به نویسنده الهام نشده است، اما کلید پیگیری اهداف اصلی نویسنده است که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول
۲. پاراگراف دوم
۳. پاراگراف سوم
۴. غیره

۱. چند فصل بعدی در انجیل مرقس منعکس کننده رشد مخالفت رهبران مذهبی است. مرقس تضاد میان محبوبیت عیسی میان جمعیت و نامحسوب بودن وی میان رهبران مذهبی را در اینجا ترسیم می‌کند.
۲. عیسی از کنیسه رفته و در فضای باز موعظه می‌کند. این راهی برای کاهش نفوذ رهبران مذهبی و اهمیت بخشیدن به این فرصت که جمعیت بیشتری کلام او را بشنوند، بود.
۳. درک تمثیلهای مرتبط با ایمان قبلی و تعهد به آن بود و هست. حتی شاگردان در ابتدا تعالیم تمثیلی عیسی را درک نمی‌کردند. به نوعی، درک آنها وابسته به اینهاست:

a. انتخاب

b. منور ساختن قدرت روح

c. تمایل به توبه و ایمان

درک شامل قدرت گرفتن الهی و پاسخ ایمان انسانی است.

۴. تمثیل کلمه مرکب یونانی است به معنی "پرتاب کردن در طول". کاربرد معمولی آن برای به تصویر کشیدن حقایق معنوی است. با این حال، باید به خاطر داشت که برای نویسندگان انجیل این کلمه یونانی منعکس کننده کلمه عبری *mashal* (BDB605) به معنی معما یا تمثیل است، کلامی از خرد. فرد باید بر مسائل و نتایج حاصله در نور حیرت انگیز پادشاهی خدا که اینک در عیسی ظاهر است، مجدداً تعمق کند. برای برخی شنوندگان، تمثیل پنهان کردن حقیقت است (مراجعه شود به انجیل مرقس ۴: ۱۰ الی ۱۲).
۵. تمثیلهای انجیل مرقس ۴ همسو با انجیل متی و لوقا هستند.

انجیل لوقا	انجیل متی	انجیل مرقس
		چهار خاک
		۴: ۳ الی ۲۰
۸: ۵ الی ۱۵	۱۳: ۳ الی ۲۳	نور پنهان
		۴: ۲۱ الی ۲۵
۸: ۱۶ الی ۱۸		رشد دانه
		۴: ۲۶ الی ۲۹
	۱۳: ۳۱ الی ۳۲	دانه خردل
		۴: ۳۰ الی ۳۲
	۱۳: ۳۳ الی ۳۵	استفاده از تمثیلهای
		۴: ۳۳ الی ۳۴
		(مراجعه شود به انجیل مرقس ۴: ۱۰ الی ۱۲)

۶. تمثیل خاکها و برزگر که در انجیل مرقس، متی و لوقا یافت می‌شوند، کلید تفسیری سایرین هستند. عیسی از زمان استفاده کرد تا آن را به صورت خصوصی برای شاگردان توضیح دهد. تا این زمان، آنها درک نکرده بودند، بنابراین چه شانسی هست که دیگران درک کرده باشند؟ تمثیل جنبه‌های واژگانی و مجازی دارد، که باید شناسایی شوند، در غیر اینصورت مفهوم آن از دست می‌رود.

- انجیل مرقس ۴: ۲۱ الی ۲۵ در انجیل متی در قالب دیگری تکرار شده است
- انجیل مرقس ۴: ۲۱ - انجیل متی ۵: ۱۵
- انجیل مرقس ۴: ۲۲ - انجیل متی ۱۰: ۲۶
- انجیل مرقس ۴: ۲۴ - انجیل متی ۷: ۲
- انجیل مرقس ۴: ۲۵ - انجیل متی ۱۳: ۱۲، ۲۵: ۲۹

حداقل دو توضیح وجود دارد:

۱. عیسی تعالیم خود را برای گروه‌های مختلف و در زمانهای متفاوت تکرار می‌کرد.
۲. نویسندگان انجیل کلام عیسی را انتخاب می‌کردند، مرتب می‌کردند و آنها را به شیوه خود و برای مخاطبین خود و اهداف الهیاتی خود منطبق می‌ساختند (مراجعه شود به *How to Read the Bible for All Its Worth* اثر گوردون فی و داگ استوارت، صفحات ۱۱۳ الی ۱۳۴).

۷. مرقس یک سری معجزات را که قدرت و اقتدار عیسی را آشکار می‌ساختند، در انجیل مرقس ۴: ۳۵ الی ۸: ۲۶ ثبت می‌کند. این معجزات برای تائید حقیقت در مورد تعالیم ریشه‌ای و جدید عیسی بودند. خود، خودش را مسئله می‌کرد!

موضوع خاص: تفسیر ضرب المثلها

(SPECIAL TOPIC: INTERPRETING PARABLES)

اناجیل چندین سال پس از زندگی عیسی نوشته شدند. نویسندگان انجیل (با کمک روح) به لحاظ فرهنگی به سنت شفاهی عادت داشتند. ربی‌ها به صورت شفاهی و بدون نوشته تعلیم می‌دادند. عیسی این رویکرد شفاهی را برای آموزش تقلید کرد. تا آنجا که می‌دانیم، او هرگز آموزه‌ها یا مؤلفه‌های خود را مکتوب نکرد. برای کمک به حافظه، تدریس و تعالیم تکرار و خلاصه می‌شدند. نویسندگان انجیل از این روشهای حفظ اطلاعات در حافظه استفاده کردند. تمثیلهای که به سختی می‌توان آنها را تعریف کرد، یکی از این روشها هستند.

"بهترین تعریفی که از تمثیل می‌توان به عمل آورد این است که آنها داستانهایی هستند با دو نوع مفهوم. سطح داستانی آینه‌ای از واقعیتی است که مشاهده و آن را درک می‌کنیم"، *Dictionary of Jesus and the Gospels* صفحه ۵۹۴

"تمثیل گفته یا داستانی است که توسط آن گوینده تلاش می‌کند نکته‌اش را با به تصویر کشیدن آن از شرایط زندگی عادی بیان کند"، *The Zondervan Pictorial Bible Encyclopedia* صفحه ۵۹۰

به سختی می‌توان تعریف کرد که از اصطلاح تمثیل در روزگار عیسی چه چیزی درک می‌شد.

۱. برخی می‌گویند منعکس کننده اصطلاح عبری *maschal* است که به هر گونه معمایی گفته می‌شود (مراجعه شود به انجیل مرقس ۳: ۲۳)، گفته‌ای هوشمندانه (ضرب المثل، انجیل لوقا ۴: ۲۳)، گفته کوتاه (انجیل مرقس ۷: ۱۵)، یا گفته‌ای مرموز.

۲. دیگران به مفهوم یک داستان کوتاه معتقد هستند.

بسته به اینکه چگونه فرد این اصطلاح را تعریف کند، بیش از یک سوم تعالیم ثبت شده عیسی در قالب تمثیل هستند. این ژانر کلی و اصلی عهد جدید است. تمثیلهای یقیناً گفته‌های خود عیسی هستند. اگر کسی مفهوم دوم را بپذیرد، هنوز چندین نوع داستانهای کوتاه وجود دارند:

۱. داستانهای ساده (انجیل لوقا ۶: ۱۳ الی ۹)

۲. داستانهای پیچیده (انجیل لوقا ۱۱: ۱۵ الی ۳۲)

۳. داستانهای مقایسه‌ای (انجیل لوقا ۱۶: ۱ الی ۸، ۱۸: ۱ الی ۸)

۴. داستانهای نوعی/تمثیلی (انجیل متی ۱۳: ۲۴ الی ۳۰، ۴۷ الی ۵۰، انجیل لوقا ۴: ۸ الی ۸، ۱۱ الی ۱۵، ۲۵: ۱۰ الی ۳۷، ۱۶: ۱۴ الی ۲۴، ۹: ۲۰ الی ۱۹، انجیل یوحنا ۱۰: ۱، ۱۵: ۱ الی ۸)

در رابطه با این تنوع در نوع تمثیل، فرد باید این گفته‌ها را در چندین سطح تفسیر کند. نخستین سطح اصول کلی زبانشناسی که بر ژانر کل انجیل حاکم است. برخی راهنمائیها:

۱. شناسایی هدف کلی کتاب و یا حداقل بزرگترین واحد مطلب

۲. شناسایی مخاطبین اولیه. این مهم است که اغلب یک تمثیل به گروه‌های مختلف گفته میشود، مثال»

a. گوسفند گم شده در انجیل لوقا ۱۵ منظور گناهکاران است

b. گوسفند گم شده در انجیل متی ۱۸ منظور شاگردان است

۳. مطمئن شوید که بلافاصله مطلب مربوط به آن تمثیل را یادداشت کنید. اغلب عیسی یا نویسندگان انجیل نکته اصلی را می‌گویند (معمولاً در انتهای تمثیل یا بلافاصله پس از آن).

۴. هدف اصلی تمثیل را در یک جمله بیان کنید. تمثیلهای معمولاً دو یا سه مشخصه اصلی دارند. معمولاً حقیقتی، هدفی یا نکته‌ای در هر مشخصه وجود دارد (انجیل لوقا ۱۱: ۱۵ الی ۲۲ سه مشخصه دارد ولی مثال سامری خوب نه، انجیل لوقا ۱۰: ۲۵ الی ۳۷).

۵. متون همسورا در سایر اناجیل بررسی کنید، سپس سایر کتب عهد جدید و عهد قدیم را مطالعه کنید.

سطح دوم اصول تفسیری آنها هستند که به طور خاص به موارد پارابولی مربوط می‌شوند

۱. خواندن (در صورت امکان، شنیدن) مثل دوباره و دوباره. اینها برای تاثیر شفاهی هستند، نه تحلیل کتبی.

۲. اکثر تمثیلهای تنها یک حقیقت مرکزی دارند که مربوط به زمینه‌های تاریخی و ادبی هم عیسی و/یا انجیلی است.

۳. مراقب تفسیر جزئیات باشید. اغلب آنها فقط بخشی از داستان هستند.

۴. به یاد داشته باشید که مثلها واقعیت نیستند. آنها شباهت‌های زندگی هستند، اما اغلب اغراق آمیز هستند، برای اینکه نکته‌ای را بیان دارند.

۵. شناسایی نکات اصلی داستان که مخاطبان قرن اول آن را درک کرده‌اند Kenneth E. Bailey, *Jesus Through Middle Eastern Eyes*.

Eastern Eyes. سپس بدنبال پیچ و تاب یا غافلگیری باشید. معمولاً در انتهای داستان به آن می‌رسید (به عبارتی A. Berkeley

۶. تمام تمثیلهای به بدین منظور گفته میشوند تا منظور یا هدفی از آن استخراج شود. این پاسخ معمولاً مربوط به مفهوم "پادشاهی خدا" است. عیسی آغازگر پادشاهی جدید مسیحیت بود (انجیل متی ۳۱:۲۱؛ انجیل لوقا ۲۱:۱۷). کسانی که پیام او را شنیده اند، باید به او پاسخ دهند! پادشاهی نیز آینده بود (انجیل متی ۲۵). آینده فرد بستگی به این دارد که چگونه او در آن زمان به عیسی پاسخ داده باشد. تمثیل پادشاهی، پادشاهی جدیدی را که توسط عیسی آغاز میشود، توصیف میکند. آنها توصیف کننده خواسته‌های اخلاقی و رادیکال برای شاگردی هستند. هیچ چیز نمی‌تواند به همین شکل باقی بماند. همه چیز کاملاً جدید و متمرکز بر عیسی است!

۷. تمثیل اغلب نقطه یا حقیقت مرکزی را بیان نمی‌کند. مفسر باید به دنبال متون کلیدی باشد که حقایق مرکزی اصلی و فرهنگی را به مخاطبین اصلی نشان می‌دهد، ولی اکنون برای ما مبهم هستند.

سطح سوم که اغلب بحث برانگیز است، آن است که حقیقت را پنهان کرده است. عیسی اغلب از بخش پنهان تمثیل سخن می‌گوید (انجیل متی ۱۳:۹ الی ۱۵؛ انجیل مرقس ۹:۴ الی ۱۳؛ انجیل لوقا ۸:۸ الی ۱۰؛ انجیل یوحنا ۶:۱۰؛ ۱۶:۲۵). این در رابطه با نبوشت اشعیا ۶:۹ الی ۱۰ است. قلب شنونده سطح درک را تعیین می‌کند (انجیل متی ۱۱:۱۵؛ ۱۳:۹ و ۱۵ و ۱۶ و ۴۳؛ انجیل مرقس ۹:۴ و ۲۳ و ۳۳ الی ۳۴؛ ۷:۱۶؛ ۸:۱۸؛ انجیل لوقا ۸:۸؛ ۹:۴۴؛ ۱۴:۳۵).

با این حال، باید اظهار داشت که اغلب، جمعیت (انجیل متی ۱۰:۱۵؛ انجیل مرقس ۷:۱۴) و فریسیان (انجیل متی ۲۱:۴۵؛ انجیل مرقس ۱۲:۱۲، انجیل لوقا ۲۰:۱۹) دقیقاً آنچه را که عیسی گفته بود درک می‌کردند، اما حاضر به پاسخ به آن با ایمان و توبه نبودند. به یک معنا، این حقیقت تمثیل خاک است (انجیل متی ۱۳:۴؛ انجیل لوقا ۸). تمثیلهای وسیله‌ای بودند که حقیقت را پنهان یا افشا کنند (انجیل متی ۱۳:۱۶ الی ۱۷؛ ۱۶:۱۲؛ ۱۷:۱۳؛ انجیل لوقا ۸:۱۰؛ ۲۳:۱۰ الی ۲۴).

Grant Osborne در *Hermeneutical Spiral*، صفحه ۲۳۹، به این نکته اشاره می‌کند که "تمثیلهای مکانیسم برخوردار" هستند و به طور متفاوتی به بسته مخاطب عمل می‌کنند... هر گروه (رهبران، جمعیت، شاگردان) با تمثیل متفاوتی مواجه می‌شود. "اغلب حتی شاگردان هم تمثیلهای یا تعالیم او را نمی‌فهمیدند (انجیل متی ۱۶:۱۵؛ انجیل مرقس ۵:۲۶؛ ۱۷:۸ الی ۱۸؛ ۲۱؛ ۳۲؛ ۹:۴۵؛ انجیل لوقا ۹:۴۵؛ ۱۸:۳۴؛ انجیل یوحنا ۱۶:۱۲). سطح چهارم نیز بحث برانگیز است. آن را با حقیقت مرکزی تمثیلهای مقایسه می‌کند. بیشتر مفسرین عصر مدرن به تفسیر تمثیلهای واکنش نشان دادند. تمثیل جزئیات را به سیستم‌های حقیقی پیچیده تبدیل میکند. این روش تفسیر نه بر محدوده تاریخی، ادبیات ادبی یا قصد نویسنده بلکه تفکر مترجم را ارائه می‌کند.

با این حال باید پذیرفت که تمثیلهایی که عیسی تفسیر می‌کند، بسیار نزدیک به تمثیل یا حداقل نوع شناختی هستند. عیسی از جزئیات برای انتقال حقیقت استفاده کرد (مراجعه شود به انجیل متی ۱۳؛ انجیل مرقس ۴؛ انجیل لوقا ۸ و مستاجران شورو؛ انجیل متی ۲۱؛ انجیل مرقس ۱۲؛ انجیل لوقا ۲۰).

بعضی از عبارات دیگر نیز حقایق متعددی دارند. مثال خوبی در این زمینه، مثال شاهزاده است (انجیل لوقا ۱۵:۱۱ الی ۳۲). این نه تنها عشق پدر و خیالپردازی پسر جوان است، بلکه نگرش پسر بزرگتر است که به معنای کامل مثل است.

نقل قول مفید از *Linguistics and Biblical Interpretation* توسط Peter Cotterell و Max Turner:

Adulf Julicher بیش از هر کس دیگری است که دانش پژوهان عهد جدید را به تلاش قاطعانه برای درک نقش تمثیل در تعالیم عیسی می‌پردازد. تمثیل رادیکال از تمثیلهای رها شد و جستجو برای کلیدی شروع شد که ما را قادر می‌ساخت به معنای واقعی خود تمثیل برسیم، اما همانطور که ارمیا می‌گوید، تلاش‌های او برای آزاد کردن عالمان از تفسیرهای فوق العاده و دلسوزانه هر جزئیات باعث شد که او به یک اشتباه مگر بار تبدیل شود. خطا این بود که اصرار داشته نه فقط به این معنی که یک مثال باید به عنوان یک ایده تکمیلی در نظر گرفته شود، بلکه باید این ایده را به طور کلی پذیرفت" (صفحه ۳۰۸).

یک نقل قول مفید دیگر از *The Hermeneutical Spiral* توسط Grant Osborne:

"با این حال، متوجه شده‌ام که بسیاری از ضرب المثلهای در واقع تمثیل هستند، البته با توجه به نیت نویسنده یا گوینده، کنترل شده اند. بلومبرگ (۱۹۹۰) در واقع استدلال می‌کند که نکات بسیاری وجود دارند که در مثل‌ها به عنوان شخصیت هستند ولی آنها در واقع تمثیل هستند. در حالی که اینها تا حدودی اغراق آمیز هستند، به حقیقت نزدیکتر از نکته اصلی هستند (صفحه ۲۴۰).

آیا می‌توان از تمثیل برای تدریس دکترین حقیقت استفاده کرد یا دکترین حقیقت را روشن کرد؟ اکثر مترجمین تحت تأثیر سوء استفاده از روش تمثیلی برای تفسیر ضرب المثلهای قرار گرفته‌اند که به آنها امکان می‌دهد تا به ایجاد آموزه‌هایی بپردازند که هیچ ارتباطی با قصد اصلی عیسی و نویسنده انجیل نداشته باشد. معنی باید با قصد نویسنده باشد. عیسی و نویسندگان انجیل تحت الهام بودند، اما مترجمان و مفسرین نمی‌باشند.

با این حال، هر اندازه مثلها به صورت نادرست مورد قرار گرفته‌اند ولی همچنان به عنوان ابزار آموزش حقیقت عمل می‌کنند. به گفته‌های برنارد رام در این توجه کنید:

"تمثیلهای دکترین را تدریس می‌کنند و این ادعا که از آنها نمیتوان در نگارش آموزه‌های دکترین استفاده کرد، نادرست است... ما باید نتایج خود را با تدریس واضح و روشن پروردگاران و با بقیه عهد جدید بررسی کنیم. از تمثیلهای با احتیاط لازم میتوان برای نشان دادن دکترین استفاده کرد، تجربه مسیحی را به تصویر کشید کنند و دروس عملی را آموزش داد." *Protestant Biblical Interpretation* (صفحه ۲۸۵).

در کل اجازه دهید سه نقل قول داشته که هشدار را در تفسیر ما از معجزات نشان می‌دهند را ارائه کنم:

۱. از *How to Read the Bible For All Its Worth* توسط Gordon Fee و Doug Stuart گرفته شده است. "تمثیلهای چندثانیه قبل از مکاشفه در کلیسا قربانی سوتعبیر شدند" (ص ۱۳۵).
۲. از *Understanding and Applying the Bible* توسط J. Robertson McQuilkin گرفته شده است. "تمثیل‌ها منشاء نعمت بی‌ظن در روشن کردن مردم خدا در مورد حقیقت معنوی بوده است. در عین حال، تمثیلهای هم‌منشا ابهامات ناگفته هم در دکترین و هم در عمل در کلیسا بوده‌اند" (صفحه ۱۶۴).
۳. به نقل از *The Hermeneutical Spiral* اثر Grant Osborne. "تمثیلهای از جمله مهم‌ترین بخشهای کتاب مقدس هستند که مورد سوء استفاده قرار گرفته‌اند. در عین حال، پویاترین و در عین حال از پیچیده‌ترین ژانرهای کتاب مقدس می‌باشند. پتانسیل تمثیل برای برقراری ارتباطات بسیار زیاد است، زیرا مقایسه یا داستانی بر اساس تجربیات روزمره ایجاد می‌کند. با این حال، این داستان به خودی خود دارای معانی بسیاری است، و خواننده مدرن به همان اندازه آن را تفسیر می‌کند که خوانندگان باستان" (صفحه ۲۳۵).

مطالعه کلمات و عبارات

NASB: انجیل مرقس ۴: ۱ الی ۹

۱ دیگر بار عیسی در کنار دریا به تعلیم دادن آغاز کرد. گروهی بی‌شمار او را احاطه کرده بودند چندان که به‌ناچار سوار قایقی شد که در دریا بود و بر آن بنشست، در حالی که تمام مردم بر ساحل دریا بودند. ^۳ آنگاه با مثلها، بسیار چیزها به آنها آموخت. او در تعلیم خود به ایشان گفت: "گوش فرا دهید! روزی بزرگی برای بذرافشانی بیرون رفت. ^۴ چون بدر می‌پاشید، برخی در راه افتاد و پرندگان آمدند و آنها را خوردند. ^۵ برخی دیگر بر زمین سنگلاخ افتاد که خاک چندان نداشت. پس زود سبز شد، چرا که خاک کم‌عمق بود. ^۶ اما چون خورشید برآمد، همه سوخت و خشکید، زیرا ریشه نداشت. ^۷ برخی نیز میان خارها افتاد. خارها نمو کرده، آنها را خفه کردند و ثمری از آنها برنیامد. ^۸ اما بقیه بذرها بر زمین نیکو افتاد و جوانه زده، نمو کرد و بار آورده، زیاد شد، بعضی سی، بعضی شصت و بعضی حتی صد برابر." ^۹ سپس گفت: «هر که گوش شنوا دارد، بشنود».

۴: ۱ " دیگر بار عیسی در کنار دریا به تعلیم دادن آغاز کرد " این کار جدیدی نبود (مراجعه شود به انجیل مرقس ۲: ۱۳، ۳: ۷) ولی اینک که در بهای کنیسه به صورت فزاینده‌ای بر روی او بسته می‌شوند، او به تعلیم خود در فضای آزاد ادامه می‌دهد. عیسی می‌خواست که مردم عوام به او و تعلیمش دسترسی داشته باشند.

■ "گروهی بی‌شمار او را احاطه کرده بودند" جمعیت زیادی حاضر بود ولی تمثیل به کار رفته حالی از آن است تعداد اندکی پاسخ دادند. حضور جمعیت زیاد یک موضوع تکراری در انجیل مرقس است (مراجعه شود به انجیل مرقس ۲: ۱۳، ۳: ۹، ۴: ۱ و ۳۶، ۵: ۳۱، ۷: ۳۳، ۸: ۱ و ۲، ۹: ۱۴ و ۱۷، ۱۴: ۴۳، ۱۵: ۸).

■ "قایقی" اصطلاح یونانی اشاره به قایق بادبانی دارد. در انجیل مرقس ۳: ۹ عیسی برای اینکه اگر فشار جمعیت خیلی زیاد شد، درخواست قایق پارویی می‌کند. سپس قایق تبدیل به سکوی سخنرانی او می‌شود. هر فرد بیماری می‌خواست او را لمس کند. این عجب فشاری باید ایجاد کرده باشد.

■ "بنشست" مشخص نیست که نشستن عیسی (در برابر ایستادن) منعکس کننده عادت معلمین یهود است (ربی‌ها برای تعلیم دادن می‌نشستند) یا اینکه به دلیل نوسانات قایق و ثابت نبودن آن بود.

■ "بر ساحل دریا" عیسی احتمالاً از حالت طبیعی تقویت صدا توسط آب برای صحبت کردن با چنین جمعیت زیادی استفاده کرد.

۴: ۲ "بسیار چیزها به آنها آموخت" این زمان غیر کامل فعال اخباری است به معنی اینکه دوباره و دوباره به آنها آموزش می‌داد (یعنی چیزهای بسیاری)

■ "مثلها" موضوع خاص: تفسیر تمثیلهای در بخش معرفی انجیل مرقس ۴ را مطالعه کنید.

■ "گوش فرا دهید" این زمان حال فعال امری است. به خاطر داشته باشید، مثلها به صورت شفاهی گفته می‌شدند. ربی‌ها آموزش می‌دادند، سپس جمع‌بندی می‌کردند، سپس به تصویر می‌کشیدند. عیسی از این الگو پیروی می‌کرد (مراجعه شود به William L. Blevins' *Birth of a New*)

■ "برزگر" این یک شغل بسیار متداول در جلیل بود. این تمثیل برای روستائیان کشاورز که در زمینهای اطراف جلیل کشاورزی می کردند، با معنی و قابل درک بود. این زمینها اطراف جاده ها، مسیرها و علفزارها بودند. سپس آنها با دست سراسر زمین را می کاشتند. عیسی از این مثال معمولی، برای به تصویر کشیدن پذیرش معنوی استفاده کرد (یعنی چهار نوع خاک).

۴:۴ "در راه" این اشاره به مسیری دارد با راه رفتن بر روی زمینهای مزارع روستایی ایجاد می شود. وقتی این مزارع شخم زده می شوند، این راه ها برای مدت کوتاهی ناپدید می گردند ولی با استفاده مجدد، دوباره به وجود می آیند.

۴:۵ "زمین سنگلاخ" این اشاره به ساختار سنگی زمین در زیر فقط چند اینچ خاک دارد، نه سنگهای سست داخل مزرعه. عمیق بودن خاک برای بیننده مشخص نیست.

۴:۷ "میان خارها" این اشاره به خارهایی دارد که بعد از شخم زدن دیگر دیده نمی شوند.

۴:۸ "بقیه بذرها بر زمین نیکو افتاد و جوانه زده، نمو کرد و بار آورده، زیاد شد، بعضی سی، بعضی شصت و بعضی حتی صد برابر" انواع متفاوت خاک و مکان امکان رشد مقادیر متفاوتی میوه را می دهند. دستنویسهای متعددی در رابطه به پیشوند *en* وجود دارند. با این حال، تنوع در نسخ دستنویس معنی و مفهوم متن را تغییر نمی دهد. احتمالاً هر سه باید *en* باشند، که دنبال کننده نفوذ آرامی هستند.

۴:۹ و ۲۳ "هر که گوش شنوا دارد، بشنود" این یک اصطلاح سامی است. نشان دهنده تفکر دقیق و عملکرد فردی است (مراجعه شود به انجیل متی ۱۱: ۱۵، ۱۳: ۹ و ۴۳، انجیل لوقا ۸: ۸، ۱۴: ۳۵، مکاشفه ۲: ۷ و ۱۱ و ۱۷ و ۲۹، ۳: ۶ و ۱۳ و ۲۲، ۹: ۱۳). این احتمالاً منعکس کننده دعای عبری، *Shema* (مراجعه شود به تثنیه ۶: ۴)، است که به معنی "شنیدن به منظور عمل کردن" می باشد. شنیدن باید منتهی به عمل کردن شود (مراجعه شود به یعقوب ۲: ۱۴ الی ۲۶).

NASB: انجیل مرقس ۴: ۱۰ الی ۱۲

۱۰ "هنگامی که عیسی تنها بود، آن دوازده تن و کسانی که گردش بودند، دربارهٔ مَثَلِها از او پرسیدند. ^{۱۱} به ایشان گفت: «راز پادشاهی خدا به شما عطا شده است، اما برای مردم بیرون، همه چیز به صورت مَثَل است؛ ^{۱۲} تا: "بنگرند، اما درک نکنند، بشنوند، اما نفهمند، مبادا بازگشت کنند و آرمزیده شوند!"

۴:۱۰ "هنگامیکه عیسی تنها بود" این یعنی با شاگردانش تنها بود. ظاهراً آنها از سوال پرسیدن در جمع خجالت می کشیدند. بدیهی است که آنان معنی تمثیل را درک نکرده بودند.

۴:۱۱ "به شما عطا شده است" این زمان کامل مجهول اخباری است. ما استادانی هستیم که در برابر حقایق معنوی که در اختیار داریم مسئولیت داریم. "به آنکه بیشتر داده می شود، بیشتر از وی خواسته می شود" (مراجعه شود به انجیل لوقا ۱۲: ۴۸).

این آموزش خصوصی که به نظر می رسد یک امر عادی باشد، می تواند تفاوتهای میان انجیل یوحنا و سایر اناجیل را توضیح دهد. عیسی در انجیل یوحنا کاملاً متفاوت صحبت می کند. این احتمال هست که تعالیم تمثیلی، که در سایر اناجیل متداول هستند، در برابر جمعیت انجام شده باشند همان تعالیم به شیوه ای کاملاً متفاوت به صورت خصوصی انجام شده باشند (گفته های "من هستم") و این چیزی است که یوحنا آن را ثبت کرده است.

این فقط می تواند یک احتمال هم باشد که کل این راهنماییهای خاص برای دوازده نفر، به منظور این بوده که بدین شیوه اقتدار و عملکرد شاگردان تقویت شود. آنها و فقط آنها شیوه تفسیر واقعی کلام عیسی را می دانستند. تمام مکاشفه از طریق این شاگردان تحت وحی و الهام نشات می گیرد.

■ "راز" این اصطلاح یونانی *mustērion* است. به شیوه های مختلف چندین مرتبه در عهد جدید تکرار شده است. در این متن حقیقتی را آشکار می کند که رهبران و جمعیت نمی توانند آن را درک و هضم کنند (مراجعه شود به اشعیا ۶: ۹ الی ۱۰).

موضوع خاص: راز در انجیل

(SPECIAL TOPIC: MYSTERY IN THE GOSPELS)

۱. در سایر اناجیل (اناجیل غیر از انجیل یوحنا) از "راز" به عنوان بینش معنوی حاصل شده از تمثیلهای عیسی استفاده شده است.

a. انجیل مرقس ۱۱: ۴

b. انجیل متی ۱۳: ۱۱

c. انجیل لوقا ۱۰: ۸

۲. پولس از آن به چندین شیوه متفاوت استفاده می‌کند:

- a. سختی نسبی اسرائیل که باعث می‌شود پیروان سایر ادیان هم شامل پیام شوند. این ورود پیروان سایر ادیان به عنوان مکانیسمی برای یهودیان عمل می‌کند که عیسی را به عنوان همان مسیح موعود بپذیرند (مراجعه شود به رومیان ۱۱: ۲۵ الی ۳۲).
 - b. بیان خوش به ملتها داده می‌شود، به آنها می‌گوید که پیام مسیح در مورد آنها هم هست (مراجعه شود به رومیان ۱۶: ۲۵ الی ۲۷، کولسیان ۲: ۲).
 - c. کالبد نوایمانان در آمدن دوم (مراجعه شود به اول قرن‌تیا ۵: ۱۵ الی ۵۷، اول تسالونیکیان ۴: ۱۳ الی ۱۸).
 - d. جمع شدن همه چیز در مسیح (مراجعه شود به افسسیان ۸: ۱ الی ۱۱).
 - e. پیروان سایر ادیان و یهودیان به عنوان وارثان (مراجعه شود به افسسیان ۲: ۱۱ الی ۱۳: ۳).
 - f. رابطه صمیمانه میان مسیح و کلیسا که در قالب اصطلاحات ازدواج توصیف شده است (مراجعه شود به افسسیان ۵: ۲۲ الی ۳۳).
 - g. پیروان سایر ادیان هم که مشمول پیمان می‌شوند و در روح مسیح ادغام می‌شوند تا بلوغ شبه مسیح ایجاد کنند، یعنی تصویر از بین رفته خدا در انسان را احیا کنند (مراجعه شود به پیدایش ۱: ۲۶ الی ۲۷، ۵: ۱، ۵: ۵ و ۶ الی ۱۱، ۱۳، ۸: ۲۱، ۹: ۶، کولسیان ۱: ۲۶ الی ۲۸).
 - h. ضد مسیحیان پایان زمان (مراجعه شود به دوم تسالونیکیان ۲: ۱ الی ۱۱).
 - i. مناجات کلیسای اولیه درباره راز انجیل در اول تیموتائوس ۳: ۱۶ یافت می‌شود.
۳. در مکاشفه یوحنا از آن به عنوان معنی نماد آخرالزمانی استفاده شده است.

a. ۱: ۲۰

b. ۱۰: ۷

c. ۵: ۱۷ و ۶

■ "پادشاهی خدا" به یادداشت مربوط به انجیل مرقس ۱: ۱۵ مراجعه کنید.

■ "اما برای مردم بیرون" هم روح القدس و هم پذیرش انفرادی، هر دوی این حقایق معنوی باید درک شوند. آنان که روح را رد می‌کنند، مرتکب گناه انجیل مرقس ۳: ۲۹ می‌شوند. تمثیلهای دو هدف پنهان کردن حقیقت (مراجعه شود به انجیل متی ۱۱: ۲۵ الی ۲۷) و به وضوح آشکار ساختن حقیقت (مراجعه شود به انجیل لوقا ۱۰: ۲۹ و تمثیل دنباله آن) را داشتند. قلب شنونده کلید است.

۴: ۱۲ این نقل قول از تارگوم سامی اشعیا ۶: ۹ است. همسوی متابی از انجیل Septuagint هم از اشعیا ۶: ۹ و هم ۱۰ نقل قول می‌کند. موعظه‌های اشعیا توسط کوردهنان اسرائیلی که در قرن هشتم قبل از میلاد آنها را خطاب می‌کرد، رد شد. شنوندگان عیسی در قرن اول میلادی هم به همان صورت تعالیم او را رد کردند. افعال شرطی در این نقل قول حاکم هستند، که احتمالی را از جانب شنوندگان نشان می‌دهند.

هر چند مرقس برای کفار، احتمالاً رومیان، می‌نویسد، او اغلب به متون عهد عتیق اشاره می‌کند (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱: ۲ الی ۳، ۲: ۲۵ الی ۴: ۴، ۱۰: ۱۰، ۱۲: ۴ و ۸، ۱۹، ۱۲: ۲۶ و ۲۹ الی ۳۱ و ۳۶).

■ "مبادا بازگشت کنند" این اصطلاح عهد عتیق (*shub*, BDB 996) برای توبه است.

NASB: انجیل مرقس ۴: ۱۳ الی ۲۰

^{۱۳} "آنگاه بدیشان گفت: «آیا این مثل را درک نمی‌کنید؟ پس چگونه مثل‌های دیگر را درک خواهید کرد؟^{۱۴} بزرگتر کلام را می‌کارد.^{۱۵} بعضی مردم همچون بذرهای کنار راهند، آنجا که کلام کاشته می‌شود؛ به محض اینکه کلام را می‌شنوند، شیطان می‌آید و کلامی را که در آنها کاشته شده، می‌رباید.^{۱۶} دیگران، همچون بذرهای کاشته شده بر سنگلاخند؛ آنان کلام را می‌شنوند و بی‌درنگ آن را با شادی می‌پذیرند،^{۱۷} اما چون در خود ریشه ندارند، تنها اندک زمانی دوام می‌آورند. آنگاه که به سبب کلام، سختی یا آزاری بروز کند، در دم می‌افتند.^{۱۸} عده‌ای دیگر، همچون بذرهای کاشته شده در میان خارهایند؛ کلام را می‌شنوند،^{۱۹} اما نگرانی‌های این دنیا و فریبندگی ثروت و هوس چیزهای دیگر در آنها رسوخ می‌کند و کلام را خفه کرده، بی‌ثمر می‌سازد.^{۲۰} دیگران، همچون بذرهای کاشته شده در زمین نیکویند؛ کلام را شنیده، آن را می‌پذیرند و سی، شصت و حتی صد برابر بار می‌آورند."

۴: ۱۳ "آیا این مثل را درک نمی‌کنید؟ پس چگونه مثل‌های دیگر را درک خواهید کرد؟" این عبارت در انجیل مرقس منحصر به فرد است، و نشان می‌دهد که عیسی توقع داشت شاگردانش آن را درک کنند. خانواده‌اش آن را درک نکردند، جمعیت آن را درک نکرد، رهبران مذهبی آن را درک نکردند، و حتی شاگردان، بدون توجه خاص و توضیح آن را درک نکردند.

تمثیل الگویی است برای دیگران. اینها چند اصول کلیدی برای تفسیر تمثیلهای هستند

۱. از محتوای تاریخی و مفهومی یادداشت بردارید
۲. حقیقت اصلی را شناسایی کنید
۳. وارد جزئیات نشوید
۴. همسوهای آن را در انجیل پیدا کنید
۵. بدنبال چرخشهای غیر منتظره یا گفتههای شگفت آور فرهنگی باشید که بر مبنای فراخواندن و عمل کردن برای اصول پادشاهی جدید هستند

۱۴:۴ بذر اشاره به اعلان انجیل دارد. همسوی انجیل متی (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۳: ۱۹) آن را "کلام پادشاهی" می نامد.

۱۵:۴ "شیطان" این سرقت حقیقت به وضوح در دوم قرنیتان ۴: ۴ بیان شده است. همسوی آن در انجیل متی (مراجعه شود به انجیل متی ۱۳: ۱۹) این را اضافه می کند که "آنها درک نکردند"، سپس شیطان آن را از فکر و از قلبشان بیرون ساخت تا نتوانند بیشتر بدان فکر کنند. موضوع خاص در بخش مربوط به انجیل مرقس ۱: ۱۳ را مطالعه کنید.

■ "می ربايد" اصطلاح یونانی *airō* می تواند به معنی (۱) نابود کردن (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۱: ۴۸) یا (۲) گرفتن زندگی یک نفر (مراجعه شود به انجیل لوقا ۲۳: ۱۸، اعمال رسولان ۱۲: ۱۹) باشد. نه کلام، نه زندگی!

۱۶:۴ "آنان کلام را می شنوند و بی درنگ آن را با شادی می پذیرند" پذیرش اولیه حقیقت تنها شرط نیست (مراجعه شود به انجیل مرقس ۴: ۱۷ و ۱۹). ایمان انجیلی بر اساس تصمیمات احساساتی گذشته نیست، بلکه بر اساس رابطه در حال رشد است. رستگاری یک بیمه آتش سوزی یا بلیط به بهشت نیست، بلکه احیا "تصویر خدا" است که اجازه رابطه دوستانه و صمیمانه با خدا را می دهد. جوانه زدن با شوق جایگزین رابطه نتیجه دهنده نمی شود (مراجعه شود به انجیل مرقس ۴: ۲۰).

۱۷:۴ "چون در خود ریشه ندارند" این با استفاده یوحنا از ایمان در انجیل مرقس ۸: ۳۰ همسو است.

■ "آنگاه که به سبب کلام، سختی یا آزاری بروز کند، در دم می افتند" استقامت شاهی بر ایمان واقعی است.

موضوع خاص: استقامت

(SPECIAL TOPIC: THE NEED TO PERSEVERE)

دکترین انجیلی در رابطه با زندگی مسیحی را به سختی میتوان توضیح داد زیرا آنها بر اساس دیالوگهای متداول شرقی بیان شده اند. مسیحیان غربی گرایش بر این دارند که یک حقیقت را بپذیرند و حقیقت متضاد را نادیده گرفته و یا زیر پا گذارند. اجازه بدید توضیح دهم:

۱. آیا رستگاری یک تصمیم اولیه برای اعتماد کردن بر مسیح است یا یک تعهد مادام العمر برای شاگردی؟

۲. آیا رستگاری انتخاب بر مبنای فیض الهی است یا ایمان انسان و پاسخ با توبه به یک پیشنهاد الهی؟

۳. آیا رستگاری، وقتی یکبار حاصل شد، غیر ممکن است که آن را از دست داد، یا به یک تلاش مستمر نیاز دارد؟

مسئله استقامت در سراسر تاریخ کلیسا با تضادهایی همراه بوده است. مشکل با عبارتهای ظاهرا متناقض عهد جدید شروع می شود:

۱. متون در خصوص تضمین

a. گفته های عیسی (انجیل یوحنا ۶: ۳۷، ۱۰: ۲۸ الی ۲۹)

b. گفته های پولس (رومیان ۸: ۳۵ الی ۳۹، افسسیان ۱: ۱۳، ۲: ۵، ۸ الی ۹، فیلیپیان ۱: ۶، ۲: ۱۳، دوم تسالونیکیان ۳: ۳، دوم

تیموتائوس ۱: ۱۲، ۴: ۱۸)

c. گفته های پطرس (اول پطرس ۱: ۴ الی ۵)

۲. متون در خصوص نیاز به استقامت

a. گفته های عیسی (انجیل متی ۱۰: ۲۲، ۱۳: ۱ الی ۹، ۲۴ الی ۳۰، ۲۴ الی ۱۳، انجیل یوحنا ۸: ۳۱، ۱۵: ۴

الی ۱۰، مکاشفه ۲: ۷ و ۱۷ و ۳: ۲۶ و ۵: ۱۲ و ۲۱)

b. گفته های پولس (رومیان ۱۱: ۲۲، اول قرنیتان ۱۵: ۲، دوم قرنیتان ۱۳: ۵، غلاطیان ۱: ۶، ۳: ۴، ۵: ۴، ۶: ۹، فیلیپیان ۲: ۱۲، ۳:

۱۸ الی ۲۰، کولسیان ۱: ۲۳، دوم تیموتائوس ۳: ۲)

c. گفته های نگارنده عبرانیان (۲: ۱، ۳: ۶ و ۱۴، ۴: ۱۴، ۶: ۱۱)

d. گفته های یوحنا (اول یوحنا ۲: ۶، دوم یوحنا ۹)

e. گفته های پدر (مکاشفه ۲۱: ۷)

مسائل رستگاری انجیلی از عشق، رحمت و فضل تثلیث الهی است. هیچ انسانی نمی تواند بدون حرکت آغازین روح القدس (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۶: ۴۴ و ۶۵) نجات یابد. خدا یکی از اولویتهاست و دستورالعمل را تنظیم میکند، اما خواستار آن است که انسانها باید با ایمان و توبه، در ابتدا و به طور مداوم پاسخ دهند. خداوند در قالب پیمان با انسان کار می کند. امتیازات و مسئولیت هایی وجود دارند!

رستگاری برای همه انسانها ارائه می شود. مرگ عیسی با مسئله گناهان انسان سقوط کرده سر و کار دارد. خدا راه را فراهم کرده است و می خواهد همه کسانی که در تصویر او ساخته شده اند با عشق به عیسی پاسخ دهند.

اگر میخواهید از این منظر غیر کالوینیستی بیشتر در این موضوع بخوانید، ببینید

۱. Dale Moody, The Word of Truth, Eerdmans, 1981 (pp. 348-365)

۲. Howard Marshall, Kept by the Power of God, Bethany Fellowship, 1969

۳. Robert Shank, Life in the Son, Westcott, 1961

کتاب مقدس به دو مسئله متفاوت در این حوزه پرداخته است: (۱) اطمینان به عنوان مجوز برای زندگی زندگی بی ثمر و خودخواهانه و (۲) تشویق کسانی که با خدمت و بشارت با گناه شخصی مبارزه می کنند. مشکل این است که گروه های اشتباه، پیغام اشتباه را دریافت می کنند و سیستم های الهیاتی را در متون کتاب مقدس محدود می کنند. برخی از مسیحیان به شدت به پیام اطمینان نیاز دارند، در حالی که دیگران نیاز به هشدارهای حقیقی دارند! شما جزو کدام گروه هستید؟

■ "به سبب کلام" به آزار توجه کنید که به انجیل مرتبط شده است (مراجعه شود به انجیل متی ۵: ۱۰ الی ۱۲، اول پطرس ۲: ۱۱ الی ۱۲ و ۳: ۱۴ الی ۱۷، ۴: ۱۲ الی ۱۶). پسر خدا، جمعیت خدا، و مردم خدا اهداف در این دنیای همراه هستند.

۴: ۱۸ نوع سوم خاک اشاره به کسانی می کند که کلام را می شنوند، ولی مسائل خارجی (مراجعه شود به انجیل مرقس ۴: ۱۹) باعث می شوند (بذر - کلام) که بمیرد. به تفاوت واضح میان جوانه زدن و میوه دادن توجه کنید! یک شروع خوب مسابقه را نمی برد، بلکه یک پایان خوب مسابقه را می برد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۵، عبرانیان ۱۱).

۴: ۱۹ "نگرانیهایی این دنیا و فریبندگی ثروت و هوس چیزهای دیگر در آنها رسوخ می کند" این اشاره به وسوسه های دنیای (یا عصر) همراه دارد.

۴: ۲۰ "سی، شصت و حتی صد برابر" مقدار به اندازه ثمر دادن مهم نیست.

NASB: انجیل مرقس ۴: ۲۱ الی ۲۵

۲۱ عیسی به آنها گفت: "آیا چراغ را می آورید تا آن را زیر کاسه یا تخت بگذارید؟ آیا آن را بر چراغدان نمی نهید؟^{۲۲} زیرا چیزی پنهان نیست مگر برای آشکار شدن، و چیزی مخفی نیست مگر برای به ظهور آمدن.^{۲۳} هر که گوش شنوا دارد، بشنود".^{۲۴} سپس ادامه داده، گفت: "به آنچه می شنوید، به دقت دل بسپارید. با همان پیمان که وزن کنید، برای شما وزن خواهد شد، و حتی بیشتر.^{۲۵} زیرا به آن که دارد، بیشتر داده خواهد شد و از آن که ندارد، همان که دارد نیز گرفته خواهد شد."

۴: ۲۱ "چراغ" دو سوال نخست در انجیل مرقس ۴: ۲۱ از نظر دستور زبانی انتظار پاسخ منفی دارند. نور باید نورافشانی کند. ایمان باید ثمر دهد. این پاراگراف توضیح می دهد که چرا بسیاری تمثیلهای عیسی را درک نمی کردند. این تمثیلهای نورافشانی می کردند، ولی قلب و انگیزه های شیطانی انسانها، نه الهی، نور را مسدود کرده بود. خدا می خواهد ارتباط برقرار کند (مراجعه شود به انجیل مرقس ۴: ۲۲).

عیسی، در نور بلافصل متن، باید از اعلان آینده تمام انجیل پس از قیام و معراجش سخن گوید. تکرار راز مسیحی انجیل مرقس، حقیقت را در قالب تمثیلهای پنهان می کند، و فقدان درک از جانب حلقه داخلی و شاگردان نیازمند این هستند که این امر را در متون بعدی دید (یعنی بعد از پنتیکاست).

■ "کاسه" این ظرفی است که به اندازه تقریبی یک پک یا گالن مواد خشک در آن جای می گیرد. این یک اصطلاح لاتین است، احتمالاً تأییدی بر اینکه انجیل مرقس برای رومیان نوشته شده است.

■ "تخت" این به مفهوم تشک است. از آن فقط برای خوابیدن استفاده نمی شد (مراجعه شود به انجیل مرقس ۷: ۳۰) بلکه به عنوان پشتی هم هنگام غذا خوردن و لم دادن استفاده می شد.

■ "چراغدان" این می تواند به شیوه های مختلفی اشاره داشته باشد که توسط آنها چراغ در مکانی قرار می گرفت تا بیشترین نورافشانی را داشته باشد: (۱) بر روی طاقچه دیواری قرار دادن، (۲) آویزان کردن به دیوار، (۳) یک نوع پایه.

۴: ۲۳ "اگر" این عبارت جمله شرطی نوع اول است. عیسی تصور می کند که برخی او، ماموریتش و وعده هایش را درک می کنند.

۴: ۲۴ الی ۲۵ این بیانگر یک اصل معنوی است. پیام انجیل در خارج پخش شده است، کلید رشد نوع خاکی است که برویش می افتد. با ز بودن نوع بشر به

حقیقت معنوی حیاتی است. این نه فقط به پاسخ اولیه اشاره می کند، بلکه به تداوم پاسخ نیز اشاره دارد. یک پاسخ احساسی سطحی رد می شود.

۲۴:۴ "به آنچه می شنوید، به دقت دل بسپارید" این اشاره به پدیدش فردی یا رد عیسی دارد. ربی ها معتقد بودند که فکر باغ شخم زده و آماده بذر پاشی است. آنچه اجازه می دهیم چشمانمان ببیند و گوشه ایمان بشنود (مراجعه شود به انجیل مرقس ۴: ۹ و ۲۳) ریشه می گیرد. ما چیزی می شویم که در ما ساکن است، تمرکز دارد و اولیت دارد!

■ "با همان پیمان که وزن کنید، برای شما وزن خواهد شد، و حتی بیشتر" این آیه کاری به درآمد مادی ندارد بلکه با بصیرت معنوی کار دارد. این حقیقت در انجیل متی ۵: ۷، ۶: ۱۴ الی ۱۵، ۱۸: ۲۱ الی ۳۵، انجیل مرقس ۱۱: ۲۵، انجیل لوقا ۶: ۳۶ الی ۳۷، یعقوب ۲: ۱۳، ۵: ۹ هم بیان شده است. این کارها پارسایی نیستند، بلکه حقیقتی که چگونه کارهای فرد می تواند قلبش را آشکار کنند، می باشد. مومنین قلبی جدید و خانواده ای جدید دارند. ۲۵: ۴ وقتی که صحبت از انجیل است، به صورت مرتب به کسانی که پاسخ داده اند، می دهد، ولی آنان که رد می کنند، چیزی در اختیارشان قرار نمی گیرد! عیسی از یک تمثیل پارادوکسی استفاده می کند (مراجعه شود به انجیل مرقس ۴: ۲۲ و ۲۵، ۶: ۴، ۸: ۳۵، ۱۰: ۴۳ الی ۴۴). این شیوه مرسوم معلمین خاور نزدیک بود.

این عبارت از یک ساختار مجهول استفاده می کند که احتمالا کلام غیر مستقیم از طرف خدا است. خدا عمل کننده ناگفته این حرکت است.

NASB: انجیل مرقس ۴: ۲۶ الی ۲۹

۲۶ نیز گفت: «پادشاهی خدا مردی را ماند که بر زمین بذر می افشاند. ۲۷ شب و روز، چه او در خواب باشد چه بیدار، دانه سبز می شود و نمو می کند. چگونه؟ نمی داند. ۲۸ زیرا زمین به خودی خود بار می دهد: نخست ساقه، سپس خوشه سبز و آنگاه خوشه پر از دانه. ۲۹ چون دانه برسد، برزگر بی درنگ داس را به کار می گیرد، زیرا فصل درو فرا رسیده است.»

۲۶:۴ "بذر" این تمثیل در انجیل مرقس منحصر به فرد است. به واسطه آیه ۱۴ می دانیم که این اشاره به پیام انجیل دارد. رشد نتیجه بذر و خاک خوب است. این جنبه های الهی و انسانی پیمان است.

۲۷ الی ۲۹ این می تواند اشاره به فرایند رستگاری داشته باشد (مراجعه شود به اول قرن تیان ۱: ۱۸، ۱۵: ۲، دوم قرن تیان ۲: ۱۵، ۱۵: ۲، دوم پطرس ۳: ۱۸). این تمثیل رشد حیرت انگیز و مرموز ایمان در زندگی فرزندان گمراه آدم را توصیف می کند. هدف ثمر آن است!

موضوع خاص: افعال یونانی که برای رستگاری استفاده شدند

(SPECIAL TOPIC: SALVATION (GREEK VERB TENSES))

رستگاری یک محصول نیست، بلکه رابطه روزانه فردی با خدا در مسیح است. با اعتماد کردن فرد به مسیح خاتمه نمی یابد، تازه شروع شده است (یک دروازه و سپس یک راه، مراجعه شود به انجیل متی ۷: ۱۳ الی ۱۴). یک بیمه آتش سوزی نیست، و نه بلیط به بهشت، بلکه زندگی است که در شبیه مسیح بودن باید رشد کند (مراجعه شود به رومیان ۸: ۲۸ الی ۲۹، دوم قرن تیان ۳: ۱۸، ۷: ۱، غلاطیان ۴: ۱۹، افسسیان ۴: ۱، ۴: ۱۳، اول تسالونیکیان ۳: ۱۳، ۳: ۴، ۷: ۲۳، ۵: ۱۵). در آمریکا ضرب المثل داریم که می گوید هر چه یک زوج بیشتر با هم زندگی کنند، بیشتر شبیه به یکدیگر می شوند. این هدف رستگاری است!

رستگاری به عنوان عمل کامل شده (آنوریست)

- اعمال رسولان ۱۵: ۱۱
- رومیان ۸: ۲۴
- دوم تیموتائوس ۱: ۱۹
- تیتوس ۳: ۵
- رومیان ۱۳: ۱۱ (زمان آنوریست با مسیر آینده ترکیب کرده است)

رستگاری به عنوان حالی از بودن (کامل)

- افسسیان ۵: ۲ و ۸

رستگاری به عنوان فرایندی ممتد (حال)

- اول قرن تیان ۱۸: ۱، ۱۵: ۲

- دوم قرن‌تینان ۲:۱۵
- اول پطرس ۳:۲۱

رستگاری به عنوان آینده‌ای که تحقق خواهد یافت (حالت آینده در زمان فعل یا متن)

- رومیان ۹:۵ و ۱۰:۹، ۱۰ و ۱۳
- اول قرن‌تینان ۳:۱۵، ۵:۵
- فیلیپیان ۱:۲۸
- اول تسالونیکیان ۸:۵ الی ۹
- عبرانیان ۱:۱۴، ۹:۲۸
- اول پطرس ۱:۵

بنابراین رستگاری با تصمیم اولیه و ایمان آغاز می‌شود (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱:۱۲، ۱:۱۶، ۳:۱۶، رومیان ۹:۱۰ الی ۱۳). ولی این باید تبدیل به شیوه زندگی از روی ایمان شود (مراجعه شود به رومیان ۸:۲۹، غلاطیان ۲:۱۹ الی ۲:۲۰، افسسیان ۱:۴، ۲:۱۰)، که روزی تحقق آن دیده خواهد شد (مراجعه شود به اول یوحنا ۳:۲). رستگاری وضعیت نهایی جلال یافتن نامیده می‌شود (مراجعه شود به رومیان ۸:۲۸ الی ۳۰) می‌توان آن را به شیوه زیر به تصویر کشید:

۱. رستگاری اولیه - نجات یافتن از مجازات گناه
۲. رستگاری در حال بسط یافتن - نجات یافتن از قدرت گناه
۳. رستگاری نهایی - جلال یافتن (نجات یافتن از وجود گناه)

۲۹:۴ "داس را به کار می‌گیرد" این استعاره‌ای است برای درو کردن در پایین زمان. اشاره به روز داوری دارد (مراجعه شود به یوئیل ۳:۱۳، انجیل متی ۳:۳۰). (۳۰:۱۳، ۱۲)

NASB: انجیل مرقس ۴: ۳۰ الی ۳۲

عیسی دیگر بار گفت: «پادشاهی خدا را به چه چیز مانند کنیم، یا با چه مَثَلی آن را شرح دهیم؟^{۳۱} همچون دانه خردل است. خردل، کوچکترین دانه‌ای است که در زمین می‌کارند،^{۳۲} ولی چون کاشته شد، می‌روید و از همه گیاهان باغ بزرگتر شده، شاخه‌های بزرگ می‌آورد، چندان که پرندگان آسمان می‌آیند و در سایه آن آشیانه می‌سازند».

۳۰:۴ این با انجیل متی ۱۳:۳۱ الی ۳۲ همسو است.

۳۱:۴ "دانه خردل" ربی‌ها می‌گفتند که این کوچکترین بذرها است. با این حال، بوته آن تا اندازه حدود ۱۲ فوت رشد می‌کند. این تمثیل همسو با تمثیل بالا است و رشد معنوی می‌تواند از کوچک شروع شود، ولی نتایج آن عظیم هستند. همانطور که بذر انجیل در قلب فرد به صورت شبیه مسیح بودن رشد می‌کند، بنابراین پادشاهی خدا هم به شکل یک پادشاهی جهانی رشد می‌کند (مراجعه شود به انجیل متی ۱۳:۳۳).

۳۲:۴ پایان این آیه می‌تواند اشاره‌ای به درختان عظیم در متون عهد عتیقی حزقیال ۱۷:۲۲ الی ۲۴ و دانیال ۴:۱۱ الی ۱۲ باشد که نمایانگر پادشاهی خدا هستند.

NASB: انجیل مرقس ۴: ۳۳ الی ۳۴

عیسی با مَثَل‌های بسیار از این گونه، تا آنجا که می‌توانستند درک کنند، کلام را برایشان بیان می‌کرد.^{۳۴} او جز با مَثَل چیزی به آنها نمی‌گفت؛ اما هنگامی که با شاگردان خود در خلوت بود، همه چیز را برای آنها شرح می‌داد.

۳۳:۴ "با مَثَل‌های بسیار از این گونه،.... کلام را برایشان بیان می‌کرد" ما فقط بخش اندکی از بشارت شفاهی عیسی را در اختیار داریم (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۲۱:۲۵). همه ما آرزو داریم که کاش اطلاعات بیشتری در مورد تعالیم و کارهای عیسی داشتیم (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۲۰:۳۰)، ولی باید تشخیص دهیم که هر آنچه که برای شناختن درباره خدا، گناه، زندگی، مرگ و غیره لازم است را در اختیار داریم (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۲۰:۳۱). ما باید بر اساس آنچه که به ما داده شده عمل کنیم. این آیه با انجیل متی ۱۳:۳۳ الی ۳۵ همسو هستند.

■ "تا آنجا که می‌توانستند درک کنند" این اشاره به پذیرش معنوی دارد (مراجعه شود به انجیل مرقس ۴:۹ و ۲۳). مومنین امروزی مزیت مقیم بودن

روح القدس در خود را دارند که کمک می کند کلام عیسی را درک کنیم.

۴:۳۴ این منعکس کننده گفته های قبلی انجیل مرقس ۴:۱۰ الی ۱۲ و ۱۳ است.

NASB: انجیل مرقس ۴: ۳۵ الی ۴۱

۳۵ آن روز چون غروب فرا رسید، عیسی به شاگردان خود گفت: "به آن سوی دریا برویم".^{۳۶} آنها جمعیت را ترک گفتند و عیسی را در همان قایقی که بود، با خود بردند. چند قایق دیگر نیز او را همراهی می کرد.^{۳۷} ناگاه تندبادی شدید برخاست. امواج چنان به قایق برمی خورد که نزدیک بود از آب پر شود.^{۳۸} اما عیسی در عقب قایق، سر بر بالشی نهاده و خفته بود. شاگردان او را بیدار کردند و گفتند: "استاد، تو را باکی نیست که غرق شویم؟" عیسی برخاست و باد را نهیب زد و به دریا فرمود: "ساکت شو! آرام باش!" آنگاه باد فرو نشست و آرامش کامل حکمفرما شد.^{۴۰} سپس به شاگردان خود گفت: "چرا این چنین ترسائید؟ آیا هنوز ایمان ندارید؟"^{۴۱} آنها بسیار هراسان شده، به یکدیگر می گفتند: "این کیست که حتی باد و دریا هم از او فرمان می برند!"

۴:۳۵ الی ۴۱ این آغاز کننده تعداد زیادی از معجزات است، انجیل مرقس ۴: ۳۵ الی ۸: ۲۶. عیسی با نشان دادن قدرت خود پیامش را تأیید کرد. این رخداد خاص همسو با انجیل متی ۸: ۱۸ و ۲۳ الی ۲۷ و انجیل لوقا ۸: ۲۲ الی ۲۵ است.

۴:۳۶ این آیه چندین ویژگی عجیب دارد که در همسوهای آن یافت نمی شود.

۱. "عیسی را در همان قایقی که بود، با خود بردند" یعنی چه؟ TEV آن را "شاگردان سوار قایقی شدند که او بر آن نشسته بود" ترجمه می کند. به نظر می رسد که این بهترین گزینه باشد.

۲. "چند قایق دیگر نیز او را همراهی می کردند" به چه چیز اشاره می کند؟ آیا گروه شاگردان در چند قایق کوچک سوار شدند یا آیا سایر قایقها هم در توفان گرفتار شدند؟

بدیهی است اینها شهادتهای عینی هستند (یعنی پطرس)، ولی هدف و اینکه بر چه چیز دلالت دارند مشخص نیست.

۴:۳۷ "ناگاه تندبادی شدید برخاست" توفانهای ناگهانی و شدید در دریای جلیل به واسطه احاطه شدن توسط تپه ها و پائین تر بودن از سطح دریاهای آزاد مرسوم هستند. این باید مشخصا توفان بدی بوده باشد که حتی ماهیگیران فصلی هم که میان آنان بودند وحشت کردند.

۴:۳۸ این رخداد بدیهی است برای نمایش دادن آرامش عیسی و وحشت شاگردان از شرایط استفاده شده است. سوال درباره توجه عیسی کلی است. اگر خدا دوست داشتنی است و دارای قدرت است، پس چرا مومنین از تهدیدهای زندگی وحشت می کنند؟

■ "فرو نشست" موضوع خاص: آپولو در بخش مربوط به انجیل مرقس ۳: ۶ را مطالعه کنید.

۴:۳۹ این با قدرت، قدرت و اقتدار عیسی را نشان می دهد - حتی نیروهای طبیعت از او اطاعت می کنند.

■ "ساکت شو! آرام باش!" این زمان امری حال است که به دنبالش زمان امری مجهول استفاده شده است. عیسی به خدا، نماینده پدری که خالق خلقت است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۳ و ۱۰، اول قرنیتیان ۸: ۶، کولسیان ۱: ۱۶، عبرانیان ۱: ۲) بر آن قدرت داشت و دارد.

۴:۴۰ این سوال خوبی برای تمامی مومنین در هر وضعیتی است. عیسی به شاگردانش با کلام و رفتار آموزش می دهد.

۴:۴۱ این آیه به روشنی نونهالی الهیات شاگردان را نشان می دهد. متن با چندین حالت بی ایمانی در تضاد است: (۱) خانواده اش، (۲) رهبران مذهبی، و (۳) شاگردان. ردیفهای ۱ و ۳ از نظر معنوی در حال رشد هستند. بی ایمانی آنان بر اساس نادیده انگاشتن است ولی ردیف ۲ تعمدی و از روی اراده است. معجزه پشت معجزه به آنان نشان داده شد، حقیقت پس از حقیقت، ولی به واسطه وجود تعصبات قبلی رهبران مذهبی نه تنها از ایمان آوردن ممانعت کردند، بلکه اعمال و قدرت عیسی را به شیطان منتسب ساختند. این گناه نابخشودنی است.

سوالاتی برای بحث

این یک راهنمای مطالعاتی است، که بدین معنی است که شما خودتان مسئول تفسیر انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر خودمان گام برداریم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. شما نباید این امر را به یک مفسر واگذار کنید.

این سوالات مباحثاتی به منظور کمک به شما در تفکر نسبت به مسائل اصلی این بخش از کتاب مطرح شده اند. آنها صرفا تفکر برانگیز هستند نه قطعی.

۱. چرا این تمثیل (انجیل مرقس ۴: ۳ الی ۵) در تفسیر دیگر تمثیلهای اهمیت دارد؟

۲. رابطه میان حکومت خدا و اراده آزاد انسان در این عبارت چیست؟

۳. حقیقت اصلی اینها را مشخص کنید:

a. انجیل مرقس ۴: ۲۱ الی ۲۳

b. انجیل مرقس ۴: ۲۴ الی ۲۵

c. انجیل مرقس ۴: ۲۸ الی ۲۹

d. انجیل مرقس ۴: ۳۰ الی ۳۲

۴. حقیقت پایه در تمامی این تمثیلهای چیست؟

۵. سه گروهی را که در این متن ایمان نداشتند مشخص کنید

مرقس ۵

پاراگراف‌های ترجمه‌های مدرن

UBS ⁴	NKJV	NRSV	TEV	NJB
<p>شفای مردی دیو گراسن اورا تسخیر کرده بود ۱۰ الی ۱۰:۵</p> <p>۲۰ الی ۱۱:۵</p>	<p>مرد دیو زده شفا می‌یابد ۱۰ الی ۲۰:۵</p>	<p>دیو گراسن ۱۰ الی ۱۳:۵</p> <p>۲۰ الی ۱۴:۵</p>	<p>عیسی مردی با روح شیطانی را شفا می‌دهد ۵ الی ۵:۵ ۶ الی ۸:۵ ۹:۵ ۹ الی ۱۰:۵ ۱۱ الی ۱۳:۵ ۱۴ الی ۱۶:۵ ۱۷:۵ ۱۸:۵ ۱۹:۵ ۲۰:۵</p>	<p>دیو گراسن ۱۰ الی ۲۰:۵</p>
<p>دختر یایروس و زنی که لباس عیسی را لمس کرد ۲۴ الی ۲۴:۵</p> <p>۳۴ الی ۲۴:۵</p> <p>۴۳ الی ۳۵:۵</p>	<p>دختری به زندگی بازگشت و زنی شفا یافت ۲۱ الی ۴۳:۵</p>	<p>دختر یایروس برمی‌خیزد ۲۴ الی ۲۴:۵</p> <p>۳۴ الی ۳۴:۵</p> <p>۴۳ الی ۳۵:۵</p>	<p>دختر یایروس و زنی که لباس عیسی را لمس کرد ۲۳ الی ۲۴:۵ ۲۴:۵ ۲۵ الی ۲۸:۵ ۲۹ الی ۳۰:۵ ۳۱:۵ ۳۲ الی ۳۴:۵ ۳۵:۵ ۳۶ الی ۳۹:۵ ۴۰ الی ۴۱:۵ ۴۲ الی ۴۳:۵</p>	<p>شفای زنی که خونریزی داشت - دختر یایروس به زندگی بازگشت ۲۴ الی ۲۴:۵</p> <p>۲۵ الی ۳۴:۵</p> <p>۳۵ الی ۴۳:۵</p>

مطالعه حلقه سوم (رجوع کنید به "سمینار تفسیر کتاب مقدس")

به دنبال نیت اصلی نویسنده در سطوح پاراگراف

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید.

کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص نمایید (مطالعه حلقه شماره ۳). تقسیمات موضوعی خود را با پنج ترجمه بالا مقایسه کنید. پاراگراف‌بندی به نویسنده الهام نشده است، اما کلید پیگیری اهداف اصلی نویسنده است که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول
۲. پاراگراف دوم
۳. پاراگراف سوم
۴. غیره

بینش متنی به آیات ۵: ۱ الی ۴۳

این فصل برای نشان دادن زندگی عادی و روزمره عیسی در طول دوره بشارت عمومی او تنظیم شد است. قدرت عیسی و اقتدار او توسط موارد زیر نشان داده می‌شوند:

۱. مرد دیو زده همسو با انجیل متی ۸: ۲۸ الی ۳۴ و انجیل لوقا ۸: ۲۶ الی ۳۹ است
۲. دختر یایروس، همسو با انجیل متی ۹: ۱۸ الی ۱۹ و ۲۳ الی ۲۶ و انجیل لوقا ۸: ۴۰ الی ۴۲ و ۴۹ الی ۵۶ آیات ۲۱ الی ۲۴، ۳۵ الی ۴۳ است (قدرت عیسی بر مرگ را نشان می‌دهد)
۳. زنی که خونریزی داشت، همسو با انجیل متی ۹: ۲۰ الی ۲۲ و انجیل لوقا ۸: ۴۳ الی ۴۸ آیات ۲۵ الی ۳۴ (قدرت عیسی بر بیماریها را نشان می‌دهد)

مطالعه کلمات و عبارات

NASB: انجیل مرقس ۵: ۱ الی ۱۳

سپس به آن سوی دریا، به ناحیه جراسیان رفتند.^۲ چون عیسی از قایق پیاده شد، مردی که گرفتار روح پلید بود، از گورستان بیرون آمد و بدو برخورد. آن مرد در گورها به سر می‌برد و دیگر کسی را توان آن نبود که او را حتی با زنجیر در بند نگاه دارد.^۴ زیرا بارها او را با زنجیر و پابند آهنین بسته بودند، اما زنجیرها را گسیخته و پابندهای آهنین را شکسته بود. هیچ‌کس را یارای رام کردن او نبود.^۵ شب و روز در میان گورها و بر تپه‌ها فریاد برمی‌آورد و با سنگ خود را زخمی می‌کرد.^۶ چون عیسی را از دور دید، دوان دوان آمد و روی بر زمین نهاد،^۷ با صدای بلند فریاد زد: «ای عیسی، پسر خدای متعال، تو را با من چه کار است؟ تو را به خدا سوگند می‌دهم که عذابم ندهی!»^۸ زیرا عیسی به او گفته بود: «ای روح پلید، از این مرد به در آی!»^۹ آنگاه عیسی از او پرسید: «نامت چیست؟» پاسخ داد: «نامم لژیون است زیرا بسیاریم.»^{۱۰} و به عیسی التماس بسیار کرد که آنها را از آن ناحیه بیرون نکند.^{۱۱} در تپه‌های آن حوالی، گله بزرگی خوک در حال چرا بود.^{۱۲} ارواح پلید از عیسی خواهش کرده، گفتند: «ما را به درون خوکها بفرست؛ بگذار به آنها درآییم.»^{۱۳} عیسی اجازه داد. پس بیرون آمدند و به درون خوکها رفتند. گله‌ای که شمار آن حدود دو هزار خوک بود، از سرانحیبه تپه به درون دریا هجوم برد و در آب غرق شد.

۱: ۵ "سپس به آن سوی دریا رفتند" احتمالا هنوز شب بود (مراجعه شود به انجیل مرقس ۴: ۳۵). شاگردان باید قایق را پارو می‌زدند، زیرا عیسی کاملا باد را آرام کرده بود.

■ "به ناحیه جراسیان رفتند" این ناحیه در شمالی‌ترین بخش دریای جلیل قرار دارد که دکاپولیس هم نامیده می‌شود. بیشتر مردم این ناحیه کافر بوده و بسیار هلنیستی بودند. در انجیل تلفظ نام این منطقه متفاوت است. جراسا (D, B, MSS ۴) و انجیل لوقا ۸: ۲۶، جراسیا (L, MSS ۴)، جرگوستا (C, MSS A) و انجیل متی ۸: ۲۸). همه اینها شهرهای این منطقه هستند.

۲: ۵ "چون عیسی از قایق پیاده شد" احتمالا شاگردان صدای جیغ شنیدند (انجیل مرقس ۵: ۵) و خوشحال بودند که اجازه دهند عیسی نخست پیاده شود!

■ "بی درنگ" به یادداشت مربوط به بخش انجیل مرقس ۱: ۱۰ مراجعه کنید.

■ "مردی" انجیل متی ۸: ۲۸ از دو مرد سخن می‌گوید. در انجیل متی همچنین دو مرد نابینا در بیرون جریکو آمده است (مراجعه شود به انجیل متی ۲۰: ۲۹، انجیل مرقس ۱۰: ۴۶، انجیل لوقا ۱۸: ۳۵). این مشخصه انجیل متی است. مرقس و لوقا هم نظر هستند که فقط یک مرد دیو زده در آنجا وجود داشت (مراجعه شود به انجیل لوقا ۸: ۲۶). برای مطالعه بیشتر به *Hard Sayings of the Bible* صفحات ۳۲۱ الی ۳۲۲ مراجعه کنید.

■ "مردی که گرفتار روح پلید بود، از گورستان بیرون آمد" این یک داستان بدیهی دیوزدگی است. عهد جدید در باره منشأ دیو زدگی یا جزئیات فرایند اینکه چگونه با آنها باید برخورد کرد ارائه نمی‌دهد. جن گیری هرگز به عنوان یکی از برکات روح فهرست نشده است. به موضوع خاص: دیوها و جن گیری در بخش مربوط به انجیل مرقس ۱: ۲۵ مراجعه کنید.

۳: ۵ "در گورها به سر می‌برد" قایق آنها در منطقه گورستان محلی کناره گرفته بود. مردم محلی دیو زده‌ها را به این منطقه دور افتاده هدایت می‌کردند. اینجا تبدیل به خانه او شده بود.

■ "کسی را توان آن نبود که او را حتی با زنجیر در بند نگاه دارد" او قدرت مافوق طبیعی داشت.

۴: ۵ "بارها او را با زنجیر و پابند آهنین بسته بودند" این زمان کامل مجهول نامحدود است. ظاهرا مردم شهر تلاش کرده بودند او را با زنجیر ببندند. به عنوان مشکل محلی شناخته می‌شد.

■ "زنجیرها را گسیخته و پابندهای آهنین را شکسته بود" این هم قدرت مافوق طبیعی او را نشان می‌دهد.

۵:۵ "در میان گورها و بر تپه‌ها فریاد برمی‌آورد و با سنگ خود را زخمی می‌کرد" این بیان می‌تواند مرتبط به بیان خود تخریبی یا اعمال عبادت کفار در عهد عتیق باشد (مراجعه شود به اول پادشاهان ۱۸: ۲۸). اطلاعات تصویری در مورد رفتارهای این مرد باید از جانب روستائیان ارائه شده باشد.

۵:۶ "دوان دوان آمد و روی بر زمین نهاده" اصطلاح نخست دلالت بر دشمنی دارد. دومی دلالت بر احترام و تأیید جایگاه و اقتدار عیسی دارد (مراجعه شود به انجیل مرقس ۵: ۴).

۵:۷ "با صدای بلند فریاد زد: "ای عیسی، پسر خدای متعال، تو را با من چه کار است؟ تو را به خدا سوگند می‌دهم که عذابم ندهی!" یکی از دیوها عیسی را مورد خطاب قرار می‌دهد. آنها می‌دانستند که او کیست (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱: ۲۳، یعقوب ۲: ۱۹). آنها حتی او را با القاب مسیحانه مورد خطاب قرار دادند. در این حالت، انگیزه آنها ترس است (بر خلاف ۱: ۲۳).

■ "تو را به خدا سوگند می‌دهم" این اصطلاح عبری برای "قسم به خدا" است.

■ "عذابم ندهی" از نظر دستور زبانی این یا وجه وصفی آتوریست فعال برای منع کردن است و یا وجه وصفی آتوریست فعال که بجای آتوریست فعال امری عمل می‌کند، که دلالت بر "هرگز آغاز نکردن یک عمل" دارد (مراجعه شود به *Analytical Greek New Testament* اثر Barbara and Timothy Friberg صفحه ۱۲۰). دیورده می‌دانست که داوری می‌آید (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱: ۲۳ الی ۲۴، انجیل متی ۲۵: ۴۱، مکاشفه ۱۲: ۹، ۲۰: ۱۰). همسوها در انجیل متی ۸: ۲۹ و انجیل لوقا ۸: ۲۸ و ۴۱ هم دلالت بر داوری اسکاتولوژیک دارند. این دیوها ظاهراً درباره دو بار آمدن مسیح خبر نداشتند. حتی "ارواح" هم می‌توانند رنج بکشند!

۵:۸ و ۹ "به او گفته بود" زمان غیر کامل اساساً به دو شیوه استفاده شده است: (۱) تکرار کار در زمان گذشته و یا (۲) شروع یک عمل در زمان گذشته. در این متن شماره ۲ ظاهراً مناسبترین گزینه است. با این وجود، اگر ترتیب گفته‌های عیسی از نظر زمانی نامرتب باشند، در این صورت گزینه شماره ۱ ممکن است دلالت کند. ممکن است مرقس از زمان به شیوه محاوره‌ای استفاده کرده باشد زیرا همین زمان در انجیل مرقس ۵: ۱۰ هم استفاده شده است.

۵:۹ "نامت چیست" این سوال می‌تواند یک اصطلاح عبری باشد و اشاره به مشخصه‌های آنها داشته باشد.

■ "لژیون" در ارتش روم هر ۶۰۰۰ سرباز یک لژیون را تشکیل می‌دهند. این هم یکی از بسیار اصطلاحات لاتین است که در انجیل مرقس استفاده شده است. این می‌تواند استعاره‌ای از شدت کنترل آنها بر روی آن مرد باشد. با این حال، به واسطه انجیل مرقس ۵: ۱۳، که می‌گوید دیوها باعث مرگ ۲۰۰۰ خوک/گراز شدند، می‌تواند یک بیان مفهومی باشد.

۵:۱۰ "از آن ناحیه بیرون نکند" این می‌تواند اشاره به (۱) نواحی اطراف گورستان، یا (۲) ناحیه دکاپولیس، یا (۳) احتمالاً آبیس باشد، که در تمثیل انجیل لوقا ۸: ۳۱ استفاده شده است. همسوی انجیل متی "قبل از زمان تعیین شده" است (مراجعه شود به انجیل متی ۸: ۲۹).

۵:۱۱ گله خوک نشان می‌دهد که این منطقه کفار بوده است.

۵:۱۲ "ما را به درون خوکها بفرست" توجه کنید که دیوها از عیسی درخواست می‌کنند. متن به ما نمی‌گوید چرا عیسی به این دیوها اجازه داد وارد خوکها شوند یا چرا آنها چنین چیزی را خواستند. احتمالاً خروج دیوها از مرد و وارد شدن آنها به خوکها یک شیوه بصری برای تشویق مرد به این بود که رها شده است (یعنی، کمک بصری، مشابه گذاشتن گل بر روی چشمان مرد نابینا). شاید دیوها این را درخواست کردند زیرا: (۱) آنها خوکها را به پرتگاه ترجیح می‌دادند، (۲) این عمل باعث می‌شد که مردم شهر از عیسی بخواهند که آنها را ترک کند. دیوها کاری نمی‌کردند که به عیسی کمک کنند!

۵:۱۳ "در آب غرق شد" این زمان اخباری غیر کامل مجهول است. آنها یکی پس از دیگری از صخره‌ها پریدند!

NASB: انجیل مرقس ۵: ۱۴ الی ۲۰

^{۱۴}خوکبانان گریختند و این واقعه را در شهر و روستا بازگفتند، چندان که مردم بیرون آمدند تا آنچه را رخ داده بود، ببینند. ^{۱۵}آنها نزد عیسی آمدند و چون دیدند آن مرد دیورده که پیشتر گرفتار لژیون بود، اکنون جامه به تن کرده و عاقل در آنجا نشسته است، وحشت کردند. ^{۱۶}کسانی که ماجرا را به چشم دیده بودند، آنچه را بر مرد دیورده و خوکها گذشته بود، برای مردم بازگفتند. ^{۱۷}آنگاه مردم از عیسی خواهش کردند که سرزمین ایشان را ترک گوید.

^{۱۸}چون عیسی سوار قایق می‌شد، مردی که پیشتر دیورده بود، تمنا کرد که همراه وی برود. ^{۱۹}اما عیسی اجازه نداد و گفت: «به خانه، نزد خویشان خود برو و به آنها بگو که خداوند برای تو چه کرده و چگونه بر تو رحم نموده است». ^{۲۰}پس آن مرد رفت و در سرزمین دکاپولیس، به اعلام هرآنچه عیسی برای او کرده بود، آغاز کرد و مردم همه در شگفت می‌شدند.

۱۴:۵ "مردم بیرون آمدند تا آنچه را رخ داده بود، ببینند" کنجکاوی و ترس انگیزه مردم بود که بیایند، حتی در شب!
۱۵:۵ "نشسته است" این نخستین از مجموعه حالت‌هایی است که وضعیت جدید مرد را در حالت آرامش و سلامتی توصیف می‌کند.
■ "جامه به تن کرده" این دلالت بر آن دارد که معمولاً آن مرد بدون لباس بوده است (مراجعه شود به انجیل لوقا ۸: ۲۷).

■ "عاقل" دیو زدگی خود را به شیوه‌های مختلف نشان می‌دهد

۱. نمی‌تواند صحبت کند (انجیل مرقس ۹: ۱۷ و ۲۵، انجیل متی ۹: ۳۲)

۲. نمی‌تواند صحبت کند یا ببیند (انجیل متی ۱۲: ۲۲)

۳. صرع (انجیل متی ۱۷: ۱۵ و ۱۸)

۴. قدرت خیلی زیاد (انجیل مرقس ۵: ۳ الی ۴)

۵. تشنج (انجیل مرقس ۱: ۲۶ و ۹: ۲۰)

۶. رعشه (اعمال رسولان ۸: ۱۷)

با این حال، منشا همه مشکلات فیزیکی دیوها نیستند. در اناجیل، میان بیماریها تمایز قائل می‌شود (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱: ۳۲ و ۳۴، ۶: ۱۳، انجیل متی ۴: ۲۴، ۱۰: ۸، انجیل لوقا ۴: ۴۰ الی ۴۱، ۹: ۱، ۱۳: ۳۲).

۱۷:۵ "آنگاه مردم از عیسی خواهش کردند که سرزمین ایشان را ترک گوید" این زمان آئوریست میانی اخباری و حال فعال نامحدود است. این رد کردن یک دلیل احتمالی است که دیوها می‌خواستند وارد گله خوکها شوند. مردم شهر می‌خواستند کسی که آن مرد را به آرامش رساند و هیچ کدامشان نتوانسته بودند این کار را انجام دهد، از آنجا برود. چقدر این با روستای انجیل یوحنا ۴ تفاوت دارد. ظاهراً شرایط اقتصادی مهمتر از احیای این مرد بود.

۱۹:۵ "به خانه، نزد خویشان خود برو" این زمان حال فعال امری است. عیسی به این مرد گفت که به خانه‌اش برود. عیسی می‌دانست که حضور پیروان ظاهراً کافر برخی از یهودیان را منحرف می‌کند. با ماندن عیسی اینک شاهدهی در این منطقه کفار داشت. او هنوز به این مردمان مادی علاقه داشت.

■ "و به آنها بگو" این زمان آئوریست فعال امری است. به مردمتم بگو که خدا برایت چه کار کرد. ظاهراً او این کار را به خوبی انجام داد (مراجعه شود به انجیل مرقس ۵: ۲۰). این نشاندهنده توجه عیسی به کفار است.

۲۰:۵ "دکاپولیس" این اصطلاح یونانی به معنی "ده شهر" است. پیوندی بود که به زمان اسکندر کبیر باز می‌گردد. این منطقه در شمال پیریه و شرق دریای جلیل بود. بهشت فرهنگ هلنیستی بود.

NASB: انجیل مرقس ۵: ۲۱ الی ۲۴

۲۱ عیسی بار دیگر با قایق به آن سوی دریا رفت. در کنار دریا، جمعیتی انبوه نزدش گرد آمدند. ۲۲ یکی از رئیسان کنیسه که یایروس نام داشت نیز به آنجا آمد و با دیدن عیسی به پایش افتاد ۲۳ و التماس کنان گفت: "دختر کوچکم در حال مرگ است. تمنا دارم آمده، دست خود را بر او بگذاری تا شفا یابد و زنده ماند". ۲۴ پس عیسی با او رفت. گروهی بسیار نیز از پی عیسی به‌راه افتادند. آنها سخت بر او ازدحام می‌کردند.

۲۲:۵ "یکی از رئیسان کنیسه که یایروس نام داشت" معنی نام او "یهوه نورانی کرده است" می‌باشد. این فرد مسئول کارهای اداری و مدیریتی مانند تعمیرات و نگهداری ساختمان کنیسه بود. او یک فرد برجسته در جامعه بود.

■ "به پایش افتاد" این حالت برای ادای احترام به یک مقام خیلی بالا و عبادت بود (مراجعه شود به انجیل مرقس ۵: ۶ و ۲۲ و ۳۳ که کلمات متفاوتی استفاده شده است، ولی همین حرکات انجام شده‌اند). یک رهبر به خاک افتاده در خیابان در برابر یک ربی غیر رسمی خیلی غیر منتظره بود!

■ "دختر کوچکم در حال مرگ است" انجیل متی ۹: ۱۸ می‌گوید که او مرده بود. این مرد ایمان داشت که حضور عیسی و لمس کردن او دخترش را شفا می‌دهد/زنده می‌کند.

۲۳:۵

NASB, TEV "بهبتر خواهد شد"

NKJV "شفا خواهد یافت"

NRSV "شاید بهتر شود"

NJB "می‌تواند نجات یابد"

این وجه وصفی آئوریست اصطلاح *sōzō* است که در عهد عتیق در مفهوم رهایی فیزیکی استفاده شده است (مراجعه شود به یعقوب ۵: ۱۵). در عهد جدید به مفهوم نجات معنوی است. از منظر الهیات نا مشخص است که آیا همه کسانی که عیسی شفایشان داد از نظر معنوی نجات یافتند یا خیر. اعمال او ممکن است فرایندی را آغاز کرده باشد که بعداً در زندگی آنان به نقطه اوج معنویت رسیده باشد و در کتاب مقدس ثبت نشده باشد. به عنوان مثال، به این فصل توجه کنید، در جایی که ایمان مرد دیو زده پس از شفا یافتن دیده می‌شود، نه قبل از آن. به دختر جوان، به واسطه ایمان پدرش کمک شد و زنی که مشکل خونریزی داشت تعمداً می‌خواست به شیوه خودخواهانه (حتی خرافاتی) از دیدگاه ربی‌ها با لمس کردن او، وی را ناپاک کند. کجا منافع شخصی خاتمه پیدا می‌کنند و ایمان آغاز می‌شود؟

۵: ۲۴ "از دحام می‌کردند" انجیل لوقا ۸: ۲۴ اضافه می‌کند که فشار جمعیت بسیار زیاد بود به طوری که به سختی می‌شد نفس کشید.

NASB: انجیل مرقس ۵: ۲۵ الی ۳۴

۲۵ در آن میان، زنی بود که دوازده سال دچار خونریزی بود. ۲۶ او تحت درمان طبیبان بسیار، رنج فراوان کشیده و همه دارایی خود را خرج کرده بود؛ اما به جای آنکه بهبود یابد، بدتر شده بود. ۲۷ پس چون درباره عیسی شنید، از میان جمعیت به پشت سر او آمد و ردای وی را لمس کرد. ۲۸ زیرا با خود گفته بود: "اگر حتی به ردایش دست بزنم، شفا خواهم یافت." ۲۹ در همان دم خونریزی او قطع شد و در بدن خود احساس کرد از آن بلا شفا یافته است. ۳۰ عیسی در حال دریافت که نیرویی از او صادر شده است. پس در میان جمعیت روی گرداند و پرسید: "چه کسی جامه مرا لمس کرد؟" ۳۱ شاگردان او پاسخ دادند: «می‌بینی که مردم بر تو ازدحام می‌کنند؛ آنگاه می‌پرسی، "چه کسی مرا لمس کرد؟" اما عیسی به اطراف می‌نگریست تا ببیند چه کسی این کار را کرده است. ۳۲ پس آن زن که می‌دانست بر او چه گذشته است، ترسان و لرزان آمده، به پای عیسی افتاد و حقیقت را به تمامی به او گفت. ۳۴ عیسی به وی گفت: "دخترم، ایمانت تو را شفا داده است. به سلامت برو و از این بلا آزاد باش!"

۵: ۲۵ "دوازده سال دچار خونریزی بود" این بیماری رسماً او را ناپاک کرده بود (مراجعه شود به لاویان ۱۵: ۲۵ الی ۲۷) و بنابراین، از تمامی فعالیت‌های عبادت یهود محروم شده بود (مثلاً کنیسه و معبد).

۵: ۲۶ "او تحت درمان طبیبان بسیار، رنج فراوان کشیده" در انجیل لوقا ۸: ۴۳ در مورد پزشک اظهار نظر شده است.

■ "همه دارایی خود را خرج کرده بود؛ اما به جای آنکه بهبود یابد، بدتر شده بود" درمان‌های یهود برای این مشکل در تلمود فهرست شده‌اند که (۱) بستن خاکستر تخم شترمرغ دور گردن در تابستان با پارچه نخی و با پارچه کتان در زمستان و یا (۲) قراردادن دانه جو در مقعد الاغ سفید ماده است (مراجعه شود به Shabb. 110 A & B).

۵: ۲۷ "ردای وی را لمس کرد" احتمالاً آنچه که آن زن لمس کرد شال عبادت بود، که مردان در زمان عبادت استفاده می‌کردند و روی سر می‌انداختند. به آن تالیث می‌گفتند (مراجعه شود به اعداد ۱۵: ۳۸ الی ۴۰، تثنیه ۲۲: ۱۲). برای یک زن رسماً ناپاک لمس کردن یک ربی عملی ناشایست بود. این زن مایوس شده بود!

۵: ۳۰ "در همان دم" به یادداشت بخش انجیل مرقس ۱: ۱۰ مراجعه کنید.

■ "عیسی در حال دریافت که نیرویی از او صادر شده است" ماهیت دقیق این نیرو نامشخص است. بدیهی است که از جانب خدا است (مراجعه شود به انجیل لوقا ۵: ۱۷). عیسی تأثیر آن را احساس کرد. عیسی به دوازده شاگرد و هفتاد نفر در طول ماموریت بشارتی آنها هم این نیرو را داد.

■ "نیرویی از او صادر شده است" انجیل متی ۸: ۱۷ از اشعیا ۵۳: ۴ نقل می‌کند که مسیح ما را شفا می‌دهد زیرا که او بر ناتوانی ما آگاه است.

■ "چه کسی جامه مرا لمس کرد" جمعیت زیادی حضور داشت (مراجعه شود به انجیل مرقس ۵: ۳۱). در انجیل متی ۹: ۲۰ "گره" آمده است. شال دعا ۱۳ گره آبی به نشانه قوانین موسی دارد.

۵: ۳۲ "به اطراف می‌نگریست" این زمان غیر کامل دلالت بر این دارد که او شروع به نگاه کردن به جمعیت کرد. در این موقعیت عیسی به صورت ماورا طبیعه‌ای اطلاع نداشت که چه اتفاقی خواهد افتاد. احتمالاً منظور سوال، آن زن بود (فرصتی که در ملا عام ایمانش را شهادت دهد).

۵: ۳۳ "ترسان و لرزان" زنان جایگاه بسیار پائین و پستی در جامعه داشتند. او مردد بود که در ملا عام صحبت کند. او همچنین می‌دانست که چون رسماً ناپاک بود، اجازه نداشت که یک ربی را لمس کند.

۵: ۳۴ "دختر" تعالیم عیسی این حقیقت عمیق را آشکار می‌کنند از طریق ایمان انسان‌ها می‌توانند تبدیل به اعضای خانواده خدا بشوند. رستگاری با اصطلاحات تولد یا اصطلاحات قانونی توصیف می‌شود، منجمله یک رابطه خانوادگی. عجب استعاره قدرتمندی برای یک تجربه مسیحی!

■ "ایمانت تو را شفا داده است" نه لمس کردن او، بلکه عمل از روی ایمان به او کلید بود. ایمان به تنهایی مسئله نیست، بلکه موضوع ایمان (یعنی عیسی) مهم است. در اینجا هیچ چیز معجزه ماندنی وجود ندارد، و همینطور هم تفکر مثبت، فقط قدرت عیسی است! این یک کاربرد دیگر اصطلاح یونانی *sōzō* در

مفهوم عهد عتیقی آن است (مراجعه شود به انجیل مرقس ۵: ۲۳). در اینجا زمان کامل فعال اخباری است، که دلالت بر شفا یافتن او شفا یافته ماندن او از این بیماری فیزیکی است.

■ "به سلامت برو و از این بلا آزاد باش" اینها هر دو زمان حال امری فعال هستند. اصطلاح سلامت (*eirēnē*) مفهوم کامل بودن و سلامتی دارد، نه فقط عدم وجود مسئله. اصطلاح "رنج و درد" از ریشه "شلاق زدن" است.

NASB: انجیل مرقس ۵: ۳۵ الی ۴۳

^{۳۵} او هنوز سخن می گفت که عده‌ای از خانه یایروس، رئیس کنیسه، آمدند و گفتند: «دخترت مرد! دیگر چرا استاد را زحمت می دهی؟»
^{۳۶} عیسی چون سخن آنها را شنید، به رئیس کنیسه گفت: «مترس! فقط ایمان داشته باش». ^{۳۷} و اجازه نداد جز بطرس و یعقوب و یوحنا، برادر یعقوب، کسی دیگر از پی او برود. ^{۳۸} چون به خانه رئیس کنیسه رسیدند، دید غوغایی به پاست و عده‌ای با صدای بلند می گریند و شیون می کنند. ^{۳۹} پس داخل شد و به آنها گفت: «این غوغا و شیون برای چیست؟ دختر نمرده، بلکه در خواب است». ^{۴۰} اما آنها به او خندیدند. پس از اینکه همه آنها را بیرون کرد، پدر و مادر دختر و همچنین شاگردانی را که همراهش بودند با خود برگرفت و به جایی که دختر بود، داخل شد. ^{۴۱} آنگاه دست دختر را گرفت و به وی گفت: «تالیتا کوم!» یعنی: «ای دختر کوچک، به تو می گویم برخیز!» ^{۴۲} او بی درنگ برخاست و راه رفتن آغاز کرد. آن دختر دوازده ساله بود. آنها از این واقعه بی نهایت شگفت زده شدند. ^{۴۳} عیسی به آنان دستور اکید داد که نگذارند کسی از این واقعه آگاه شود، و فرمود چیزی به آن دختر بدهند تا بخورد.

۵: ۳۵ "دخترت مرد" این زمان آنوریست فعال اخباری دلالتی است. اطمینان دارم یایروس بسیار بی طاقت بود! به نظر می رسد که آزمون ایمان او یا مثالی دیگر از قدرت و اقتدار عیسی باشد.

۵: ۳۶

NASB "آنچه گفته می شد را شنید"

NKJV "به محض اینکه آنچه گفته را شنید"

NRSV, NJB "شنید چه می گویند"

TEV "عیسی هیچ توجهی به آنچه می گفتند نکرد"

NIV "آنچه می گفتند را نادیده گرفت"

اصطلاح یونانی به مفهوم با بی توجهی شنیدن است. می توان آن را به صورت نادیده گرفتن یا از دور به گوش رسیدن در نظر گرفت. این اصطلاح بسیار مبهم است به طوری که کاتبین اولیه آن را به "شنید" تغییر دادند (مراجعه شود به ^aMSSK, A, C, D, K) که در همسوی لوقایی آن ۸: ۵۰ دیده می شود.

■ "مترس" این زمان حال امری با حرف اضافه نفی که معمولاً به مفهوم متوقف ساختن یک عمل در حال انجام است. نقطه مقابل ترس، ایمان است.

■ "فقط ایمان داشته باش" این هم یک زمان حال امری فعال دیگر است. یک عبارت ساده ولی در عین حال مهم (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۶: ۳۱).

۵: ۳۷ "اجازه نداد.... کسی دیگر از پی او برود" اینکه چرا عیسی یک گروه داخلی از شاگردان داشت، مشخص نیست (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱: ۲۹، ۵: ۳۷، ۹: ۲، ۱۳: ۳، ۱۴: ۳۳). انجیل مرقس ماجرای شهادتهای عینی بطرس است. این حلقه داخلی هیچ مزیت یا تفاوت خاصی نداشت زیرا یعقوب در همان اوایل کشته شد.

عیسی دوست نداشت به عنوان شفا دهنده یا کسی که مرده را زنده می کند، شهرت پیدا کند. این یکی از چندین گفته‌های از این نوع در انجیل مرقس است، که از نظر الهیاتی "راز مسیحیت" به آن گفته می شود (مراجعه شود به انجیل مرقس ۵: ۴۳). او پیشتر مشکلات عمده‌ای در مورد تردد با جمعیت زیاد داشته است.

■ "بطرس و یعقوب و یوحنا، برادر یعقوب" اینها اعضای حلقه داخلی شاگردان عیسی بودند (مراجعه شود به انجیل مرقس ۹: ۲، ۱۴: ۳۳، انجیل متی ۱۷: ۱، ۲۶: ۳۷، انجیل لوقا ۹: ۲۸).

۵: ۳۸ "عده‌ای با صدای بلند می گریند و شیون می کنند" اینها اعمال متداول و عادل در مراسم سوگواری و عزاداری یهود بودند. نشان می دهد که اعضای خانواده منتظر مرگ دختر کوچک بوده و خود را آماده می کردند.

۵: ۳۹ "دختر نمرده، بلکه در خواب است" خوابیدن یک اصطلاح عهد عتیقی برای مرگ است. عیسی از این اصطلاح در مورد ابلعازر در انجیل یوحنا ۱۱: ۱۱ استفاده کرده بود. در اینجا به عنوان نقطه متضاد مرگ استفاده شده است. سوال برانگیز است که اگر انجیل مرقس ۵: ۳۷ باید اشاره به "راز مسیحیت"

مرقس "داشته باشد، پس چرا او این را خطاب به جمعیت می گوید، مگر اینکه سعی داشته باشد که تاثیر زنده کردن او را کاهش بدهد (شایعاتی که بر سر زبانها جاری می شوند).

۴۰:۵ " آنها به او خندیدند " این زمان غیر کامل است که دلالت بر تداوم خنده تماشاچیان و حضار برای مدت زمانی بیشتر دارد و یا اینکه شروع به خندیدن کردند.

■ "همراهانش" این اشاره به پطرس، یعقوب و یوحنا دارد. در بیشتر واقع، همان قدر که معجزات عیسی بیشتر به منظور تعلیم شاگردان و ایمان آنان بود برای کمک به مردم هم بود.

۴۱:۵ "تالیتا کوم" این یک عبارت آرامی است. یهودیان روزگار عیسی به زبان آرامی صحبت می کردند، نه زبان عبری. این زبان مادری عیسی بود. چندین عبارت آرامی در انجیل به ثبت رسیده اند (مراجعه شود به ساباتا، انجیل مرقس ۳: ۴، بوانرگس، انجیل مرقس ۳: ۱۷، شیطان، انجیل مرقس ۳: ۲۳ و ۲۶، ۸: ۲۳، تالیتا کوم، انجیل مرقس ۵: ۴۱، افافتا، انجیل مرقس ۷: ۳۵، جهنم، انجیل مرقس ۹: ۴۳ و ۴۵ و ۴۷، پاشا، انجیل مرقس ۱۴: ۱۴، آبا، انجیل مرقس ۱۴: ۳۶، الوهی، الوهی لاماساباچتانی، انجیل مرقس ۱۵: ۳۴). این واقعیت که مرقس اینها را ترجمه کرده است نشاندهنده آن است که شنوندگان هدفش کفار بوده اند.

۴۲:۵ "بی درنگ ... بی درنگ" به یادداشت مربوط به انجیل مرقس ۱: ۱۰ مراجعه کنید.

■ "آن دختر دوازده ساله بود" این توضیح بدین معنی است که او دیگر باید احکام شریعت را به جا می آورد و به سن ازدواج (*bath mitzvah*) رسیده بود. پسران در سن سیزده سالگی (*bar mitzvah*) به سن ازدواج می رسیدند و باید احکام شریعت را به جا می آوردند. سن زندگی بسیار پائین بود و چندین نسل با یکدیگر زندگی می کردند، بنابراین نسبت به الان در سنین بسیار پائینتر ازدواج می کردند.

۴۳:۵ "به آنان دستور اکید داد که نگذارند کسی از این واقعه آگاه شود" عیسی تمایل نداشت که او را به عنوان شفا دهنده یا کسی که معجزه می کند بشناسند. او این کارها را می کرد تا عشق و علاقه خدا را نشان دهد و به پیام و اقتدار خود اعتبار بخشد (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱: ۴۴، ۳: ۱۲، ۵: ۴۳، ۷: ۳۶، ۸: ۲۶ و ۳۰، ۹: ۳۰، انجیل متی ۸: ۴، ۹: ۳۰، ۱۲: ۱۶، ۱۷: ۹).

■ "و فرمود چیزی به آن دختر بدهند تا بخورد" این یک شهادت عینی دیگر است. عیسی نشان داد که به فکر دختر کوچک است. همچنین اثبات می کند که او واقعا به زندگی بازگشته است.

سوالاتی برای بحث

این یک راهنمای مطالعاتی است، که بدین معنی است که شما خودتان مسئول تفسیر انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر خودمان گام برداریم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. شما نباید این امر را به یک مفسر واگذار کنید.

این سوالات مباحثاتی به منظور کمک به شما در تفکر نسبت به مسائل اصلی این بخش از کتاب مطرح شده اند. آنها صرفا تفکر برانگیز هستند نه قطعی.

۱. دیو زدگی چیست؟ آیا امروزه می تواند رخ دهد؟ آیا مسیحیان می توانند دچار آن شوند؟
۲. چرا عیسی اجازه داد گله خوکها نابود شود؟
۳. چرا مردم شهر عیسی را راندند؟
۴. چرا آن فرد دیو زده باید می ماند؟
۵. "نیروی از او صادر شده است" یعنی چه؟
۶. چرا عیسی در مورد مرده گفت خوابیده است؟
۷. چرا عیسی می خواست زنده کردن دختر یایروس راز بماند؟
۸. چرا عیسی حلقه داخلی شاگردان داشت؟

مرقس ۶

پاراگراف‌های ترجمه‌های مدرن

UBS ⁴	NKJV	NRSV	TEV	NJB
در ناصره عیسی را رد کردند ۶: ۱ الی ۶	در ناصره عیسی را رد کردند ۶: ۱ الی ۶	طرد شدن در خانه ۶: ۱ الی ۶	در ناصره عیسی را رد کردند ۳: ۱ الی ۶ ۴: ۶ ۶: ۵ الی ۶	دیدار از ناصره ۶: ۱ الی ۶
ماموریت دوازده شاگرد ۶: ۱۳ الی ۱۳	فرستادن دوازده شاگرد ۶: ۱۳ الی ۱۳	ماموریت و دستورات به دوازده شاگرد ۶: ۱۳ الی ۱۳	عیسی دوازده شاگرد به بیرون میفرستد ۶: ۱۱ الی ۱۱ ۶: ۱۲ الی ۱۳	ماموریت دوازده نفر ۶: ۱۳ الی ۱۳
مرگ یحیی تعمید دهنده ۶: ۱۴ الی ۲۹	یحیی تعمید دهنده گردن زده میشود ۶: ۱۴ الی ۲۹	مرگ یحیی ۶: ۱۴ الی ۱۶	مرگ یحیی تعمید دهنده ۶: ۱۴ ۶: ۱۵ الف ۶: ۱۵ ب ۶: ۱۶ الی ۱۸ ۶: ۱۹ الی ۲۰ ۶: ۲۱ الی ۲۳ ۶: ۲۴ الف ۶: ۲۴ ب ۶: ۲۵ ۶: ۲۶ الی ۲۹	هیروود و عیسی ۶: ۱۴ الی ۱۶ یحیی تعمید دهنده گردن زده میشود ۶: ۱۷ الی ۲۰
غذا دادن به ۵۰۰۰ نفر ۶: ۳۰ الی ۴۴	۵۰۰۰ نفر غذا خوردند ۶: ۳۰ الی ۴۴	به ۵۰۰۰ نفر خوراک داده شد ۶: ۳۰ الی ۴۴	عیسی به پنج هزار نفر خوراک داد ۶: ۳۰ الی ۳۲ ۶: ۳۳ الی ۳۶ ۶: ۳۷ الف ۶: ۳۷ ب ۶: ۳۸ الف ۶: ۳۸ ب ۶: ۳۹ الی ۴۴	اولین معجزه قرصهای نان ۶: ۳۰ الی ۴۴
عیسی روی آب راه می‌رود ۶: ۴۵ الی ۵۲	عیسی روی دریا راه می‌رود ۶: ۴۵ الی ۵۲	عیسی روی آب راه می‌رود ۶: ۴۵ الی ۴۶ ۶: ۴۷ الی ۵۲	عیسی روی آب راه می‌رود ۶: ۴۵ الی ۵۰ الف ۶: ۵۰ ب الی ۵۲	عیسی روی آب راه می‌رود ۶: ۴۵ الی ۵۲

شفا در جنیسارت	عیسی بیماری را در جنیسارت	ایمان به قدرت عیسی برای	بسیاری او را لمس کردند و	شفای بیمار	در
۵۳ الی ۵۶	درمان کرد	شفا	درمان شدند	جنیسارت	
۵۳: ۵۶ الی ۵۶	۵۳: ۵۶ الی ۵۶	۵۳: ۵۶ الی ۵۶	۵۳: ۵۶ الی ۵۶	۵۳: ۵۶ الی ۵۶	

مطالعه حلقه سوم (رجوع کنید به "سمینار تفسیر کتاب مقدس")

به دنبال نیت اصلی نویسنده در سطوح پاراگراف

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید.

کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص نمایید (مطالعه حلقه شماره ۳). تقسیمات موضوعی خود را با پنج ترجمه بالا مقایسه کنید. پاراگراف بندی به نویسنده الهام نشده است، اما کلید پیگیری اهداف اصلی نویسنده است که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول
۲. پاراگراف دوم
۳. پاراگراف سوم
۴. غیره

همسوها در انجیل

۱. آیات ۱ الی ۶ الف همسو با انجیل متی ۱۳: ۵۴ الی ۵۸ هستند
۲. آیات ۶ الی ۱۳ همسو با انجیل متی ۹: ۳۵ الی ۱۱: ۱ و انجیل لوقا ۹: ۱ الی ۶ هستند
۳. آیات ۱۴ الی ۲۹ همسو با انجیل متی ۱۴: ۱ الی ۱۲ و انجیل مرقس ۶: ۱۴ الی ۱۶ و انجیل لوقا ۹: ۷ الی ۹ هستند
۴. آیات ۳۰ الی ۴۴ که در مورد خوراک داده به پنج هزار نفر می باشند، در هر چهار انجیل یافت می شوند (انجیل مرقس ۶: ۳۰ الی ۴۴، انجیل متی ۱۴: ۱۳ الی ۲۱، انجیل لوقا ۹: ۱۰ الی ۱۷، انجیل یوحنا ۶: ۱ الی ۱۳).
۵. آیات ۴۵ الی ۵۲ همسو با انجیل متی ۱۴: ۲۲ الی ۲۳ و انجیل یوحنا ۶: ۱۴ الی ۲۱ هستند
۶. آیات ۵۳ الی ۵۶ همسو با انجیل متی ۱۴: ۳۴ الی ۳۶ هستند.

مطالعه کلمات و عبارات

NASB: انجیل مرقس ۶: ۱ الی ۶ الف

۱ سپس عیسی آنجا را ترک گفت و با شاگردان خود به شهر خویش رفت. ^۲ چون روز شَبَات فرا رسید، به تعلیم دادن در کنیسه پرداخت. بسیاری با شنیدن سخنان او در شگفت شدند. آنها می گفتند: "این مرد همه اینها را از کجا کسب کرده است؟ این چه حکمتی است که به او عطا شده؟ و این چه معجزاتی است که به دست او انجام می شود؟ ^۳ مگر او آن نجار نیست؟ مگر پسر مریم و برادر یعقوب، یوشا، یهودا و شمعون نیست؟ مگر خواهران او اینجا، در میان ما زندگی نمی کنند؟" پس در نظرشان ناپسند آمد. ^۴ عیسی بدیشان گفت: «نبی بی حرمت نباشد جز در شهر خود و در میان خویشان و در خانه خویش!». ^۵ او نتوانست در آنجا هیچ معجزه ای انجام دهد، جز آنکه دست خود را بر چند بیمار گذاشت و آنها را شفا بخشید. ^۶ او از بی ایمانی ایشان در حیرت بود.

۶: ۱ "عیسی آنجا را ترک گفت" این اشاره به کفرناحوم دارد، که تبدیل به ستاد مرکزی او در جلیل شده بود.

■ "به شهر خویش رفت" این به مفهوم شهر بومی او یعنی ناصره است (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱: ۹ و ۲۴)، که در آنجا بزرگ شد. در بیست مایلی جنوب شرقی کفرناحوم بود. ظاهراً محل استقرار جدید یهودیان بود.

■ "و با شاگردان خود" عیسی شاگردانش را با خود می برد تا به بتواند در تمام اوقات به آنها آموزش دهد (به *The Master Plan of Evangelism* اثر Robert Coleman مراجعه کنید). بیشتر تعالیم و معجزات عیسی به نفع آنان بود.

۶: ۲ "به تعلیم دادن در کنیسه پرداخت" عیسی مرتب به کنیسه می رفت. اغلب از او دعوت می شد که به عنوان معلم مهمان آموزش دهد، این امری متداول و مرسوم بود.

■ "بسیاری با شنیدن سخنان او در شگفت شدند" آنان با تعالیم او مخالف نبودند، بلکه در مورد صلاحیت و مکتب او سوال می‌کردند. این مشابه فریسیان بود که در مورد اقتدار او سوال می‌کردند.

■ "این مرد همه اینها را از کجا کسب کرده است" خرد، قدرت و اقتدار عیسی همه را متحیر می‌کرد. در دوران کودکی عیسی همانند دیگر کودکان روستایی بود. گروه‌های مختلف سوال می‌کردند که این دانش از کجا آمده است؟ بر همه بديهی بود که عیسی خرد و اقتدار عظیمی دارد!

■ "این چه معجزاتی است که به دست او انجام می‌شود" کفر ناحوم فقط بیست مایل با ناصره فاصله داشت، بنابراین خبر کارهای او سریع پخش شده بود. ۳:۶ "مگر او آن نجار نیست" کلمه نجار یعنی که کسی که با دست چیزهایی درست می‌کند، که می‌تواند به معنی کارگری باشد که با چوب، فلز یا سنگ کار می‌کند. جاستین می‌گوید اشاره به کسی دارد که خیش و یوغ درست می‌کند (Dial، ۸۸: ۸). ظاهراً عیسی پس از مرگ زود هنگام یوسف نجار شهر شده بود.

■ "پسر مریم" همانند "این مرد" در انجیل مرقس ۶: ۲، این می‌تواند به عنوان تلاشی برای تحقیر او باشد. مردم شهر در مورد بارداری مریم اطلاع داشتند. اورینگن می‌گوید "پسر نجار و مریم" زیرا این بسیار غیر متداول بود که نام مادر ذکر شود. به دلیل انجیل یوحنا ۸: ۴۱، برخی این را در رابطه با شایعه‌ای می‌دانند که همه جا پخش شده بود که عیسی فرزند حرامزاده یک سرباز رومی بوده است. بیشتر تنوعات MSS بر اساس تعصبات الهیاتی کپی‌کنندگان که نگران این بودند که دکتربین تولد از باکره با عبارت همسوی متابی "پسر نجار و مریم" ادغام شود (مراجعه شود به انجیل متی ۱۳: ۵۵).

■ "برادر" این نشان دهنده دوران کودکی معمولی عیسی است (مراجعه شود به انجیل لوقا ۲: ۴۰ و ۵۲). همچنین نشان می‌دهد که مریم فرزندان دیگری هم دارد. از این فهرست برادران و خواهران، یعقوب و یهودا از نگارندگان عهد جدید هستند.

NASB	"به او اهانت کردند"
NKJV	"به او توهین کردند"
NRSV	"به او اهانت کردند"
TEV	"او را رد کردند"
NJB	"وی را نخواهند پذیرفت"

این اصطلاح *skandalon* است، که یعنی چوب تله. اصطلاح انگلیسی *scandal* از این اصطلاح یونانی است.

این مفهوم اهمیت عهد عتیقی مسیحی زیادی دارد (مراجعه شود به مزامیر ۱۱۸: ۲۲، اشعیا ۸: ۱۴، ۲۸: ۱۶). درست همانند رهبران مذهبی مردم شهر بر تعصبات خود غلبه نکردند (مراجعه شود به انجیل مرقس ۶: ۴).

۴:۶ "نبی" آیه یک ضرب المثل متداول در روزگار عیسی بود. یقیناً عیسی بیش از یک نبی بود، ولی این یکی از عناوین موسی در مورد آن فرد خاص که خواهد آمد بود (مراجعه شود به تثنیه ۱۸: ۱۵ و ۱۸).

۵:۶ "او نتوانست در آنجا هیچ معجزه‌ای انجام دهد" این بر ضعف عیسی دلالت ندارد، بلکه بر محدود کردن ارادی بشارتش دلالت دارد. در همسوی متی ۱۳: ۵۸ بجای "نمی‌توانست"، "نداد" قید شده است. عیسی آدم تجلیل‌کننده‌ای نبود. او هیچ چیز مورد علاقه‌ای نداشت. انجیل لوقا ۷: ۱۱ الی ۱۴ نشان می‌دهد که عیسی هیچوقت انتظار پاسخ به ایمان نداشت، بلکه این یک پیش‌نیاز معمولی بود. ایمان به خدا و عیسی در ب‌های پادشاهی معنوی را باز می‌کنند. میزان ایمان آنقدر اهمیت ندارد که به چه کسی ایمان داشتن اهمیت دارد.

■ "دست خود را بر چند بیمار گذاشت و آنها را شفا بخشید" موضوع خاص در بخش مربوط به انجیل مرقس ۷: ۳۲ را مطالعه کنید.

۶:۶ الف

NASB	"از بی‌ایمانی آنان در حیرت بود"
NKJV	"از بی‌ایمانی آنان در شگفت شد"
NRSV	"از بی‌ایمانی آنان در حیرت بود"
TEV	"او بسیار شگفت زده بود، زیرا مردم ایمان نداشتند"
NJB	"او از فقدان ایمان در آنان در شگفت بود"

این زمان غیر کامل فعال اخباری است، که دلالت بر تکرار عمل دارد. عیسی از کوری و سختی مردم در حیرت بود (عیسی دو مرتبه در ناصره رد شد، مراجعه شود به انجیل لوقا ۴: ۱۶ الی ۳۱). در حضور حقیقت عظیم، حتی معجزات حیرت‌انگیز (مراجعه شود به انجیل مرقس ۶: ۲)، آنها از ایمان آوردن خودداری کردند (مراجعه شود به اشعیا ۶: ۹ الی ۱۰).

NASB: انجیل مرقس ۶: ۶ الی ۱۳

سپس، عیسی در روستاهای اطراف گشته، تعلیم می‌داد. ^۷ او آن دوازده را نزد خود فرا خواند و آنها را دو به دو فرستاد و ایشان را بر ارواح پلید اقتدار بخشید. ^۸ به آنان دستور داد: "برای سفر، چیزی جز یک چوبدستی با خود بردارید؛ نه نان، نه کوله‌بار و نه پول در کمربندهای خود. ^۹ کفش به پا کنید، اما پیراهن اضافی نپوشید. ^{۱۰} چون به خانه‌ای درآمدید، تا هنگام ترک آن محل، در آن خانه بمانید. ^{۱۱} و اگر در جایی شما را نپذیرند، یا به شما گوش فرا ندهند، به هنگام ترک آنجا، خاک پاهایتان را نیز بتکانید، تا شهادتی باشد بر ضد آنها." ^{۱۲} پس آنها رفته، به مردم موعظه می‌کردند که باید توبه کنند. ^{۱۳} ایشان دیوهای بسیار را بیرون راندند و بیماران بسیار را با روغن تدهین کرده، شفا بخشیدند.

۶: ۷ " آنها را دو به دو فرستاد " این عبارت می‌تواند منعکس کننده یک ماموریت خاص باشد نه یک تغییر کلی.

■ "دو به دو" این می‌تواند اشاره به دو شاهد باشد که برای تأیید یک مسئله نیاز است (مراجعه شود به تشنیه ۱۹: ۱۵). می‌تواند حتی جنبه اجتماعی شهامت داشتن در تعداد باشد. این شاهدان دو نفری با دنیای ضد معنویت و فرهنگ مواجه می‌شدند.

■ "ایشان را بر ارواح پلید اقتدار بخشید" در همسوی این آیه در انجیل لوقا ۹: ۱ "و شفای بیماریها" هم قید شده است. در همسوی انجیل متی ۱۰: ۸ "شفای بیماران، زنده کردن مردگان، پاک کردن جذام، بیرون راندن دیوها" اضافه شده است. همه این اعمال معجزات عهد عتیقی مسیح، نشانه‌های توجه خدا، نشانه‌های قدرت خدا و پادشاهی آینده او هستند. موضوع خاص در بخش مربوط به انجیل مرقس ۱: ۲۵ را مطالعه کنید.

قدرت و اقتدار عیسی می‌تواند به صورت نیابتی به پیروانش داده شود. یقیناً نیروی مشترکی میان عیسی و دوازده شاگرد وجود دارد که نمی‌توان آن را تکثیر کرد، ولی قدرت خدا در کلیسای او وجود دارد.

در روزگار ما، قدرت کجاست؟ به نظر می‌رسد که این نشانه‌های قدرت برای تأیید پیام انجیل و دادن اعتبار به موعظه کنندگان انجیل استفاده شده‌اند. امروز هم حتی این درست است. با این حال، در فرهنگهایی که انجیل در آنها ریشه پیدا کرده است، قاعدتا مومنین باید از روی ایمان گام بردارند، نه از آنچه که می‌بینند، به خدا اعتماد کنند نه اینکه منتظر معجزه باشند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۴: ۴۸). معجزات پاسخ به مسائل مربوط به ایمان نیستند. احتمال زیادی هم هست که دآوری خدا در کلیسای حامیان متی دلیل موفقیت باشد ولی در واقع بی اثر بودن آن است.

نشانه‌ها و معجزات و همچنین سر و کار داشتن با دیوها و فرشتگان در روزگار عیسی و شاگردان افزایش می‌یافت. این فعالیت معنوی یقیناً در هر عصری وجود دارد، ولی با اولین آمدن عیسی شدت یافت و با نزدیک شدن آمدن دومی شدت خواهد یافت.

من از نشانه‌های محبت و قدرت خدا خوشحالم (هدایا و برکات هنوز فعال هستند)، ولی من به حقیقت انجیل اعتماد دارم، نه به وجود یا عدم وجود تأییدات فیزیکی. معجزات و نشانه‌ها می‌توانند جعلی باشند (مراجعه شود به انجیل متی ۲۴: ۲۴، دوم تسالونیکیان ۲: ۹، مکاشفه ۱۳: ۱۳، ۱۶: ۱۴، ۱۹: ۲۰). مومنین نباید درخواست تأیید کنند! ایمان کودکانه بالاتر از معجزات مافوق طبیعی هستند.

۶: ۸ "به آنان دستور داد: "برای سفر، چیزی جز یک چوبدستی با خود بردارید" تمامی اناجیل این را ثبت کرده‌اند، ولی با اندکی اختلاف. انجیل متی ۱۰: ۹ الی ۱۱ می‌گوید "چوبدستی دیگری نخرید". انجیل لوقا ۹: ۳ همانند انجیل متی ۱۰: ۱۰ است ولی عبارت "نخرید" در انجیل متی ۱۰: ۱۰ را حذف کرده است. تمامی مسافری برای محافظت یک چوبدستی با خود حمل می‌کردند. نکته این گفته در اینجاست که این مامورین و بشارت دهندگان باید کاملاً به خدا اعتماد کنند (هم از نظر فیزیکی و هم از نظر معنوی) نه به خودشان.

برای یک بحث کامل در مورد اختلافات میان انجیل متی، مرقس و لوقا در رابطه با اینکه شاگردان برای ماموریت خود، چه باید با خود ببرند و چه چیزی را نباید با خود ببرند به *Hard Sayings of the Bible* صفحه ۴۲۲ الی ۲۴ مراجعه کنید.

■ "کوله بار" این احتمالاً یک کوله پشتی بوده است.

■ "پول در کمر بند" این احتمالاً کمر بند پول بوده است.

۶: ۹ "پیراهن اضافی نپوشید" این اشاره به لباس بیرونی دارند که به عنوان پوششی برای خواب استفاده می‌شد. این یعنی که لباس اضافی بردارید (سعی نکنید برای هر شرایط پیش بینی نشده‌ای از پیش آماده باشید).

۶: ۱۰ "تا هنگام ترک آن محل، در آن خانه بمانید" آنها نباید دنبال جاهای بهتر و بهتر باشند. اولین خانه‌ای که درب آن از روی ایمان بر روی آنان باز شد، محل اقامت آنان است.

۶: ۱۱ "اگر در جایی شما را نپذیرند، یا به شما گوش فرا ندهند" "در جایی" می‌تواند به یک شهر یا کنیسه اشاره داشته باشد. این به مفهوم "پذیرفتن" است، ولی با دلالت بر خوشامد گفتن.

■ " خاک پاهایتان را نیز بتکانید، تا شهادتی باشد بر ضد آنها " این یک حرکت نمادین برای قریب الوقوع بودن داوری و جدا بودن آنها است (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۳: ۵۱، و مشابه اعمال رسولان در انجیل مرقس ۱۸: ۶). این یک سنت عادی یهودی وقتی که از سامره به یهودیه مجدداً وارد می‌شدند، بود.

■ یک جمله اضافی در انجیل مرقس ۶: ۱۱، NKJV وجود دارد "به شما اطمینان می‌دهم برای سدوم و جمراروز داوری قابل تحملتر خواهد بود تا برای آن شهر". در نسخه دستنویس A و بسیاری نسخ دستنویس یونانی جدیدتر یافت می‌شود. برای انجیل مرقس اصل نیست ولی به نظر می‌رسد ادغامی باشد از انجیل متی ۱۰: ۱۵.

۶: ۱۲ " به مردم موعظه می‌کردند که باید توبه کنند " توبه برای رابطه از روی ایمان با خدا حیاتی است (مراجعه شود به انجیل متی ۳: ۲، ۴: ۱۷، انجیل مرقس ۱: ۱۵، ۶: ۱۲، انجیل لوقا ۱۳: ۳ و ۵، اعمال رسولان ۲: ۳۸، ۳: ۱۹، ۲۰: ۲۱). این اصطلاح در زبان عبری به معنی تغییر در اعمال است، در حالیکه در زبان یونانی به معنی تغییر فکر است. توبه تمایل به تغییر از خود-محوری به زندگی است که از جانب خدا داده شده و هدایت می‌گردد. می‌خواهد که اولویتها را تغییر داده و خود را رها کنید اساساً یک گرایش جدید، یک جهان بینی جدید و یک ارباب جدید است. توبه ارائه خدا برای همه انسانها است، که از تصویر خودش خلق شده‌اند (مراجعه شود به حزقیال ۱۸: ۲۱ و ۲۳ و ۳۲، انجیل لوقا ۱۳: ۱ الی ۵، و دوم پطرس ۳: ۹).

بهترین عبارت عهد جدید که منعکس کننده تفاوت میان اصطلاحات یونانی توبه می‌باشد دوم قرن تیان ۷: ۸ الی ۱۲ است.

۱. *Lupe* "غم" یا "اندوه" انجیل مرقس ۶: ۸ (دو مرتبه)، ۹ (سه مرتبه) ۱۰ (دو مرتبه)، ۱۱

۲. *Metamelomai* "بعد از مراقبت"، انجیل مرقس ۶: ۸ (دو مرتبه)، ۹

۳. *metanoēō* "توبه"، "تفکر بعدی"، انجیل مرقس ۶: ۹ و ۱۰

تضاد در توبه دروغین است [*Metamelomai*]، مراجعه شود به یهودا، انجیل متی ۲۷: ۳، و ایسو، عبرانیان ۱۲: ۱۶ الی ۱۷ در برابر توبه واقعی [*metanoēō*].

از دید الهیات توبه واقعی به اینها مرتبط است:

۱. موعظه عیسی در مورد شرایط پیمان جدید (مراجعه شود به انجیل متی ۴: ۱۷، انجیل مرقس ۱: ۱۵، انجیل لوقا ۱۳: ۳ و ۵)

۲. موعظه شاگردان در اعمال رسولان (یعنی کریگما، مراجعه شود به اعمال رسولان ۳: ۱۶ و ۱۹، ۲۰: ۲۱)

۳. هدیه پادشاهی خدا (مراجعه شود به اعمال رسولان ۵: ۳۱، ۱۱: ۱۸، و دوم تیموتائوس ۲: ۲۵)

۴. نابودی (مراجعه شود به دوم پطرس ۳: ۹). توبه اختیاری نیست

به موضوع خاص: توبه (عهد عتیق) در بخش مربوط به انجیل مرقس ۱: ۴ مراجعه کنید.

۶: ۱۳ " ایشان دیوهای بسیار را بیرون راندند و بیماران بسیار را با روغن تدهین کرده، شفا بخشیدند " توجه داشته باشید که عهد عتیق میان بیماری و دیو زدگی تمایز قائل است. به یادداشت مربوط به انجیل مرقس ۱: ۲۵ مراجعه کنید.

■ " با روغن تدهین کرده " روغن به مفاهیم مختلف استفاده می‌شد: (۱) به عنوان دارو (مراجعه شود به یعقوب ۵: ۱۴)، (۲) به عنوان نماد روح القدس، به خصوص در پادشاهان و پیامبران عهد عتیق، و (۳) به عنوان کمک فیزیولوژیک برای تشخیص حضور خدا. عیسی از شیوه‌های کمکی مختلف برای درمان استفاده می‌کرد.

موضوع خاص: تدهین در انجیل

(SPECIAL TOPIC: ANOINTING IN THE BIBLE (BDB 603))

(فعل عبری، BDB 602، KB 643 I، اسم BDB 603)

۱. برای زیبایی استفاده می‌شد (BDB 691 I)، مراجعه شود به تثنیه ۲۸: ۴۰، روت ۳: ۳، دوم سموئیل ۱۲: ۲۰، ۱۴: ۲، دوم تواریخ ۲۸: ۱۵،

دانیال ۱۰: ۳، میکاه ۶: ۱۵)

۲. برای میهمانان استفاده می‌شد (BDB 206)، مراجعه شود به مزامیر ۲۳: ۵، انجیل لوقا ۷: ۳۸ و ۴۶، انجیل یوحنا ۱۱: ۲)

۳. برای درمان استفاده می‌شد (BDB 602)، مراجعه شود به اشعیا ۶۱: ۱، انجیل مرقس ۶: ۱۳، انجیل لوقا ۱۰: ۳۴، یعقوب ۵: ۱۴)

۴. برای آماده کردن جسد جهت دفن استفاده می‌شد (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۶: ۱، انجیل یوحنا ۱۲: ۳ و ۷، ۱۹: ۳۰ الی ۴۰)، یادداشت

دوم تواریخ ۱۶: ۱۴ ولی بدون فعل "تدهین"

۵. استفاده در مراسم مذهبی (BDB 602)، مراجعه شود به پیدایش ۲۸: ۱۸، ۳۱: ۱۳ [ستون]، خروج ۲۹: ۳۶ [محراب]، خروج ۳۰: ۲۶، ۴۰:

۹ الی ۱۶، لاویان ۸: ۱۰ الی ۱۳، اعداد ۷: ۱ [جشن خیمه‌ها]

۶. برای انتصاب رهبران

a. کشیشان

i. آرون (خروج ۲۸: ۴۱، ۲۹: ۷، ۳۰: ۳۰)

ii. پسران آرون (خروج ۴۰: ۱۵، لاویان ۷: ۳۶)

iii. عنوان یا عبارت استاندارد (اعداد ۳: ۳، لاویان ۱۶: ۳۲)

b. پادشاهان

i. توسط خدا (مراجعه شود به اول سموئیل ۲: ۱۰، دوم سموئیل ۱۲: ۷، دوم پادشاهان ۹: ۳ و ۶ و ۱۲، مزامیر ۴۵: ۷، ۸۹: ۲۰)

ii. توسط پیامبران (مراجعه شود به اول سموئیل ۹: ۱۶، ۱۰: ۱، ۱۵: ۱ و ۱۷، ۱۶: ۳ و ۱۲ الی ۱۳، اول پادشاهان ۱: ۴۵، ۱۹: ۱۵ الی ۱۶)

iii. توسط کشیشان (مراجعه شود به اول پادشاهان ۱: ۳۴ و ۳۹، دوم پادشاهان ۱۱: ۱۲)

iv. توسط بزرگان (مراجعه شود به داوران ۹: ۸ و ۱۵، دوم سموئیل ۲: ۷، ۵: ۳، دوم پادشاهان ۲۳: ۳۰)

v. توسط عیسی به عنوان پادشاه مسیحی (مراجعه شود به مزامیر ۲: ۲، انجیل لوقا ۴: ۱۸، [اشعیا ۶۱: ۱]، اعمال رسولان ۴: ۲۷، ۱۰: ۳۸، عبرانیان ۱: ۹ [مزامیر ۴۵: ۷])

vi. پیروان عیسی (مراجعه شود به دوم قرتیان ۱: ۲۱، اول یوحنا ۲: ۲۰ و ۲۷)

c. احتمالاً پیامبران (مراجعه شود به اول پادشاهان ۱۹: ۱۶، اشعیا ۶۱: ۱)

d. بی ایمانانی که ابزار الهی بودند

i. کوروش (مراجعه شود به اشعیا ۴۵: ۱)

ii. پادشاه تیریه (مراجعه شود به حزقیال ۲۸: ۱۴، جایی که او از باغ عدن به عنوان استعاره استفاده می کند)

e. اصطلاح "مسیح" یعنی "آن تدهین شده" (BDB 603)، مراجعه شود به مزامیر ۲: ۲، ۸۹: ۳۸، ۱۳۲: ۱۰

اعمال رسولان ۱۰: ۳۸ آیه ای است که تمامی سه فرد خدا (تثلیث) در تدهین دخیل هستند. عیسی تدهین شد (مراجعه شود به انجیل لوقا ۴: ۱۸، اعمال رسولان ۴: ۲۷، ۱۰: ۳۸). این مفهوم بسط یافت تا تمامی مومنین شامل تدهین شوند (مراجعه شود به اول یوحنا ۲: ۲۷). "آن تدهین شده" تبدیل "به آن تدهین شدگان" شد! این می تواند با ضد مسیح و ضد مسیحیان همسو باشد (مراجعه شود به اول یوحنا ۲: ۱۸). در عهد عتیق عمل نمادین تدهین با روغن (مراجعه شود به خروج ۲۹: ۷، ۳۰: ۳۰، ۲۵: ۳۷، ۲۹) در رابطه با آنانی است که توسط خدا برای کارهای خاصی فراخوانده شده اند (یعنی پیامبران، کشیشان، و پادشاهان). کلمه مسیح ترجمه اصطلاح عبری آن تدهین شده یا مسایح است.

NASB: انجیل مرقس ۶: ۱۴ الی ۱۶

^{۱۴} هیروودیس پادشاه این را شنید، زیرا نام عیسی شهرت یافته بود. بعضی از مردم می گفتند: "یحیای تعمیددهنده از مردگان برخاسته و از همین روست که این قدرتها از او به ظهور می رسد." ^{۱۵} دیگران می گفتند: «ایلیا است.» عده ای نیز می گفتند: "پیامبری است مانند پیامبران دیرین." ^{۱۶} اما چون هیروودیس این را شنید، گفت: "این همان یحیی است که من سرش را از تن جدا کردم و اکنون از مردگان برخاسته است!"

۶: ۱۴ "هیروودیس پادشاه" "پادشاه" عنوان رسمی هیروود انتیخوس نبود. او "والی" یا "تتراچ" خطاب می شد، که به معنی "والی بخشهای چهارگانه است". پسر هیروود کبیر و یک زن سامری بود. او حاکم پیریه و جلیل بین سالهای ۴ قبل از میلاد تا ۳۹ پس از میلاد بود و وقتی که در تبعید بود از سزار درخواست کرد که او را پادشاه کند.

موضوع خاص در مورد خانواده هیروود در بخش انجیل مرقس ۱: ۱۴ را مطالعه کنید.

■ "یحیای تعمیددهنده از مردگان برخاسته" این منعکس کننده اعتقاد فریسیان در مورد رستاخیز فیزیکی است (مراجعه شود به اعمال رسولان ۲۳: ۶، ۲۴: ۲۱، عبرانیان ۶: ۲). این تلاش دیگری بود تا قدرت و اقتدار عیسی رد شود (یعنی رهبران مذهبی و ویژگیهای او را به شیطان نسبت می دادند، همشهریان او این را رد می کردند زیرا با کودکی عیسی آشنا بودند، این مردم ویژگیهای او را به یحیی تعمید دهنده یا برخی دیگر از پیامبران عهد عتیق نسبت می دادند).

■ "ایلیا" این بر بشارت مسیحی عیسی دلالت دارد. با پیش گویی خاصی در ملاکی ۳: ۱ الی ۲ و ۴: ۵ الی ۶ مرتبط است.

■ "پیامبری است مانند پیامبران دیرین" این نشان می دهد که مردم در تعلیم او اقتدار جدیدی را احساس می کردند که برای صدها سال از زمان ملاکی (یا نگارنده تواریخ) در اسرائیل وجود نداشت. همچنین منعکس کننده نبوت مسیحانه موسی در تثنیه ۱۸: ۱۵ درباره آمده پیامبری همانند موسی است.

۶: ۱۶ " که من سرش را از تن جدا کردم " این نشان می‌دهد که هیروود به گناهکار بودن خودش واقف است (مراجعه شود به انجیل متی ۱۴: ۱۰، انجیل لوقا ۹: ۹) و از رابطه میان یحیی و عیسی آگاهی ندارد.

NASB: انجیل مرقس ۶: ۱۷ الی ۲۹

^{۱۷} زیرا به دستور خود هیروودیس یحیی را گرفته و او را بسته و به زندان افکنده بودند. هیروودیس این کار را به خاطر هیروودیا کرده بود. هیروودیا زن فیلیپس، برادر هیروودیس بود که اکنون هیروودیس او را به زنی گرفته بود. ^{۱۸} یحیی به هیروودیس گفته بود: "جایز نیست که تو با زن برادرت باشی". ^{۱۹} پس هیروودیا از یحیی کینه به دل داشت و می‌خواست او را بکشد، اما نمی‌توانست. ^{۲۰} زیرا هیروودیس از یحیی می‌ترسید، چرا که او را مردی پارسا و مقدس می‌دانست و از این رو از او محافظت می‌کرد. هر گاه سخنان یحیی را می‌شنید، حیران و پریشان می‌شد. با این حال، به خوشی به سخنان او گوش فرا می‌داد.

^{۲۱} سرانجام فرصت مناسب فرا رسید. هیروودیس در روز میلاد خود ضیافتی به پا کرد و درباریان و فرماندهان نظامی خود و والامرتبگان جلیل را دعوت نمود. ^{۲۲} دختر هیروودیا به مجلس درآمد و رقصید و هیروودیس و میهمانانش را شادمان ساخت. آنگاه پادشاه به دختر گفت: "هر چه می‌خواهی از من درخواست کن که آن را به تو خواهم داد". ^{۲۳} همچنین سوگند خورده، گفت: "هر چه از من بخواهی، حتی نیمی از مملکت را، به تو خواهم داد". ^{۲۴} او بیرون رفت و به مادر خود گفت: «چه بخواهم؟» مادرش پاسخ داد: "سر یحییای تعمیمدهنده را". ^{۲۵} دختر بی‌درنگ شتابان نزد پادشاه بازگشت و گفت: "از تو می‌خواهم هم‌اکنون سر یحییای تعمیمدهنده را بر طبقی به من بدهی". ^{۲۶} پادشاه بسیار اندوهگین شد، اما به پاس سوگند خود و به احترام میهمانانش نخواست درخواست او را رد کند. ^{۲۷} پس بی‌درنگ جلادی فرستاد و دستور داد سر یحیی را بیاورد. او رفته، سر یحیی را در زندان از تن جدا کرد ^{۲۸} و آن را بر طبقی آورد و به دختر داد. او نیز آن را به مادرش داد. ^{۲۹} چون شاگردان یحیی این را شنیدند، آمدند و بدن او را برداشته، به خاک سپردند.

۶: ۱۷ الی ۲۹ این خارج از ترتیب توالی تاریخی است. برای توضیح انجیل مرقس ۶: ۱۴ اضافه شده است.

۶: ۱۷ "هیروودیا" او همسر فیلیپ برادر هیروود آنتیوخوس بود (مراجعه شود به انجیل متی ۱۴: ۳). آنها در رم زندگی می‌کردند. او همچنین برادرزاده آنتیوخوس از سوی آریستوبولوس بود. آنتیوخوس او را از فیلیپ جدا کرده و خودش با او ازدواج کرده بود.

به گفته جوزفوس (*Antiquities of the Jews* 18.5.4)، هیروودیا با پسر هیروود کبیر ازدواج کرده بود (که مادرش ماریان، دختر کاهن اعظم بود). او همچنین می‌گوید که دختر هیروودیس، سالومه بعدا با فیلیپ ازدواج کرد. این احتمال هست که نیروز به عنوان هیروود فیلیپ هم شناخته می‌شد.

۶: ۱۸ این رابطه لاویان ۱۸: ۱۶، ۲۰: ۲۱ را نقض می‌کند.

۶: ۱۹ "هیروودیا از یحیی کینه به دل داشت" این زمان غیر کامل است. او باید این موضوع را بارها و بارها با آنتیوخوس مطرح کرده باشد. هیروود او را از وی (مراجعه شود به انجیل مرقس ۶: ۲۰) در امان نگاه داشته بود (زمان غیر کامل).

۶: ۲۰ "هیروودیس از یحیی می‌ترسید" این ترس به واسطه آن بود که یحیی انسان مقدسی بود. انجیل متی ۱۴: ۴ می‌گوید که او از محبوبیت یحیی در میان مردم می‌ترسید. هیروود انسان ترسویی بود. او از یحیی، هیروودیا و میهمانانش می‌ترسید - خیلی بد است که از خدا نمی‌ترسید.

۶: ۲۱ سه گروه میهمان وجود داشتند: (۱) مقامات محلی، (۲) مقامات نظامی، و (۳) ثروتمندان و افراد با نفوذ محلی.

■ "هر گاه سخنان یحیی را می‌شنید" هیروود یا یحیی را فرا می‌خواند و یا خودش به سلول او در ماچائروس می‌رفت (در سمت شرقی بحرالمت، مراجعه شود به *Antiquities* اثر جوزفوس، ۱۸: ۵: ۲).

■ "حیران و پریشان می‌شد. با این حال، به خوشی به سخنان او گوش فرا می‌داد" این تناقض انسانی را نشان می‌دهد که در حقیقت غرق شده ولی با این حال نور را رد می‌کند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۳: ۱۹ الی ۲۱).

■ هیروودیا صبر کرد تا فرصت مناسب فرا برسد - یک گردهمایی عمومی، میهمانی مستان، یک رقص شهوت انگیز، و وعده‌ای ظالمانه - تا هیروود را مجبور به کاری که می‌خواهد بکند.

۶: ۲۲ "دختر هیروودیا" به گفته جوزفوس، نام او سالومه و دختر فیلیپ بود.

■ "رقصید" برای زنی در چنین جایگاه اجتماعی مرسوم نبود که در چنین میهمانی‌هایی برقصد. این رقصهای شهوت انگیز معمولاً توسط روسپیان و با رقاصان حرفه‌ای انجام می‌شد.

■ "هر چه از من بخواهی، به تو خواهم داد" هیروود این را در حضور مقامات رسمی بیان کرد و بعدا نمی‌توانست حرف خود را پس بگیرد (مراجعه شود به انجیل مرقس ۶: ۲۱ و ۲۶).

۶: ۲۳ "سوگند خورد" او از نام خدا استفاده کرد تا قابل باور بودن حرفش را تضمین کند.

۶: ۲۴ این آیه انگیزه و دسیسه مادرش را تأیید می‌کند (مراجعه شود به انجیل مرقس ۶: ۲۸)

۶: ۲۶ نیاز هیروود به تحت تاثیر قراردادن دوستان و خانواده‌اش ترس او را پنهان می‌کرد (*perilupos*) که دلالت بر اندوه بیش از حد دارد، مراجعه شود به انجیل متی ۲۶: ۳۸، انجیل مرقس ۱۴: ۳۴).

۶: ۲۷ "جلاد" این اصطلاح لاتین برای محافظین خاص است. در اصل اشاره به یک جاسوس دارد، ولی بعداً برای جلاد استفاده شد (Seneca). در انجیل مرقس بیش از بقیه اناجیل کلمات و اصطلاحات لاتین استفاده شده است. احتمالاً برای اینکه برای رومیان نوشته شده است.

■ "در زندان" در *Antiquities 18.5.2* جوزفوس به ما می‌گوید ماچرانوس نام قلعه هیروود بود که نزدیک بحرالمیت در مواب قرار داشت.

۶: ۲۹ یحیی تعمید دهنده در اراده خدا بود. با این حال بشارت او فقط حدود هیجده ماه دوام آورد. هر چند علت واقعی مرگ او دسیسه یک زن شیطانی بود، ولی خدا کنترل تاریخ برای اهداف او را بر عهده داشت. این آیه همچنین منعکس کننده توجه یهودیان به تدفین مناسب است.

NASB: انجیل مرقس ۶: ۳۰ الی ۴۴

۳۰ و اما رسولان نزد عیسی گرد آمدند و آنچه کرده و تعلیم داده بودند به او بازگفتند. ^{۳۱}عیسی به ایشان گفت: "با من به خلوتگاهی دورافتاده بیایید و اندکی بیارامید." زیرا آمد و رفت مردم چندان بود که مجال نان خوردن هم نداشتند. ^{۳۲}پس تنها، با قایق عازم مکانی دورافتاده شدند. ^{۳۳}اما به هنگام عزیمت، گروهی بسیار ایشان را دیدند و شناختند. پس مردم از همه شهرها پای پیاده به آن محل شتافتند و پیش از ایشان به آنجا رسیدند. ^{۳۴}چون عیسی از قایق پیاده شد، جمعیتی بی‌شمار دید و دلش بر حال آنان به رحم آمد، زیرا همچون گوسفندانی بی‌شبان بودند. پس به تعلیم آنان پرداخت و چیزهای بسیار به ایشان آموخت. ^{۳۵}نزدیک غروب، شاگردان نزدش آمدند و گفتند: "اینجا مکانی است دورافتاده و دیروقت نیز هست. ^{۳۶}مردم را روانه کن تا به روستاها و مزارع اطراف بروند و برای خود خوراک بخرند." ^{۳۷}عیسی در جواب فرمود: «شما خود به ایشان خوراک دهید.» گفتند: «آیا می‌خواهی برویم و دوپست دینار نان بخریم و به آنها بدهیم تا بخورند؟» ^{۳۸}فرمود: «چند نان دارید؟ بروید و تحقیق کنید.» پس پرس و جو کردند و گفتند: "پنج نان و دو ماهی." ^{۳۹}آنگاه به شاگردان خود فرمود تا مردم را دسته دسته بر سبزه‌ها بنشانند. ^{۴۰}بدین‌گونه مردم در دسته‌های صد، و پنجاه نفری بر زمین نشستند. ^{۴۱}آنگاه پنج نان و دو ماهی را برگرفت و به آسمان نگرسته، برکت داد. سپس نانها را پاره کرد و به شاگردان خود داد تا پیش مردم بگذارند؛ دو ماهی را نیز میان همه تقسیم کرد. ^{۴۲}همه خوردند و سیر شدند، ^{۴۳} و از خرده‌های نان و ماهی، دوازده سبد پر برگرفتند. ^{۴۴}شمار مردانی که نان خوردند پنج هزار بود.

۶: ۳۰ "رسولان" این تنها مرتبه‌ای است که در انجیل مرقس این اصطلاح استفاده شده است. معمولاً او از اصطلاح شاگردان استفاده می‌کند. "رسول" از کلمه یونانی می‌آید به معنی "فرستاده" (*apostellō*). عیسی دوازده نفر از شاگردان خود را انتخاب کرد تا با او باشند به مفهوم خاصی آنان را "رسولان" نامید (مراجعه شود به انجیل لوقا ۶: ۱۳). این فعل اغلب در مورد اینکه او از سوی پدر فرستاده شده، استفاده شده است (مراجعه شود به انجیل متی ۱۰: ۴۰، ۱۵: ۲۴، انجیل مرقس ۹: ۳۷، انجیل لوقا ۹: ۴۸، انجیل یوحنا ۴: ۳۴، ۵: ۲۴ و ۳۰ و ۳۶ و ۳۷ و ۳۸ و ۳۹ و ۴۰ و ۵۷، ۷: ۲۹، ۸: ۴۲، ۱۰: ۳۶، ۱۱: ۴۲، ۱۷: ۳ و ۸ و ۲۱ و ۲۳ و ۲۵، ۲۰: ۲۱). در منابع یهودی، این اصطلاح در مورد کسی به کار می‌رود که به عنوان نماینده رسمی مقام بالایی فرستاده شده باشد مثلاً سفیر. آنان در این سفر ماموریتی به عنوان جانشین عیسی عمل می‌کنند. قدرت و اقتدار به آنها اعطا شده است.

■ "به او باز گفتند" این بخشی از تعلیم عیسی بود. به آنان آموزش می‌داد، چگونگی را به آنان نشان می‌داد، آنها را اعزام می‌کرد و آنها به او گزارش می‌دادند. این شیوه‌ای بود که آنان فرا گرفتند. به *The Master Plan of Evangelism* اثر Robert Coleman مراجعه کنید، که تعلیم و آموزشهای عیسی به شاگردان/رسولان را مکتوب کرده است.

۶: ۳۱ از آنجا که عیسی نیاز داشت که فشار جمعیت خود را رها سازد (مراجعه شود به انجیل مرقس ۳: ۲۰)، اینک شاگردان نیز همان کار را کردند. مردم می‌آمدند که ۲۴ ساعته کمک کنند. آموزش آنان کامل نشده بود. آنان به کمی خلوت و زمان نیاز داشتند.

۶: ۳۲ "قایق" این کلمه معمولاً اشاره به قایقهای بزرگ ماهیگیری اشاره دارد که می‌توانست تا ۱۳ نفر را در خود جای دهد (مراجعه شود به انجیل متی ۴: ۲۱ الی ۲۲، ۸: ۲۳، اعمال رسولان ۲۱: ۲ الی ۳)، ولی در مورد قایقهای کوچک هم استفاده می‌شد (مراجعه شود به انجیل لوقا ۵: ۲).

۶: ۳۳ "مردم از همه شهرها پای پیاده به آن محل شتافتند" می‌توانید جمعیت عظیمی از مردم بیمار، معلول و کنجکاو را تصور کنید که در کنار ساحل بودند؟ این مردم مایوس بودند.

۶: ۳۴ "دلش بر حال آنان به رحم آمد" عیسی همیشه برای مردم نیازمند وقت داشت (مراجعه شود به انجیل متی ۹: ۳۶).

■ "همچون گوسفندانی بی‌شبان" این استعاره ریشه عهد عتیقی دارد (مراجعه شود به اعداد ۲۷: ۱۷، حزقیال ۳۴: ۵، زکریا ۱۳). این می‌تواند اشاره به گفته عیسی در انجیل یوحنا ۱۰ باشد.

■ "به تعلیم آنان پرداخت" پاسخ عیسی به نیاز مردم تعالیمش بود. آنها به پر بودن معنوی نیاز داشتند، نه فقط احیا فیزیکی. عیسی هر دو نیاز را تأمین می‌کرد (مراجعه شود به انجیل متی ۱۴: ۱۴).

۶: ۳۵ "اینجا مکانی است دورافتاده" این همان مکان منزوی در انجیل مرقس ۶: ۳۱ است.

۶: ۳۷ "شما خود به ایشان خوراک دهید" عیسی ایمان شاگردان را می‌آزمود. آنان دقیقاً مسئله را ارزیابی کرده بودند و اینک آن را می‌دیدند!

■ "دویست دینار" یک دینار دستمزد روزانه یک کارگر معمولی یا یک سرباز بود (مراجعه شود به انجیل متی ۲۰: ۲).

۶: ۳۸ "پنج و دو ماهی" حتی به اندازه کافی برای خوراک خود نیز نداشتند. عیسی از این فرصت استفاده کرد تا به شاگردانش نشان دهد آنچه دارند کافی و بیش از نیاز است اگر به او بدهند و به او اعتماد کنند.

۶: ۳۹ "مردم را دسته دسته بر سبزه‌ها بنشانند" این اصطلاح (یعنی *sumpinō, sumpinō*، دسته، گروه) دلالت بر "آماده شدن برای خوردن" دارد. به نظر می‌رسد عیسی به شاگردان دستور داد تا جمعیت را برای توزیع خوراک به شیوه معمولی منظم کنند.

■ "بر سبزه‌ها" این یک شهادت عینی با جزئیات از سوی پطرس است. این همچنین به نزدیک بودن زمان به عید پسخ در بهار هم دارد.

۶: ۴۱ "به آسمان نگریسته" حالت فیزیکی مرسوم در میان یهودیان برای عبادت، ایستادن با دستان باز و سر به بالا با چشمان باز بود. عیسی نشان می‌داد که منشا قدرت و اقتدار او پدر آسمانی است.

■ "نانها را پاره کرد و به شاگردان خود داد تا پیش مردم بگذارند؛ دو ماهی را نیز میان همه تقسیم کرد" این یک زمان آئوریست و یک زمان غیر کامل است. معجزه چند برابر کردن در دستان عیسی رخ داد.

همسو در انجیل یوحنا ۶ انتظارات الهیاتی این جمعیت را آشکار می‌سازد. یهودیان روزگار عیسی انتظار داشتند که مسیح به آنان خوراک دهد همانطور که موسی در دوران بیابان گردی انجام داد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۶: ۳۰ الی ۴۰). عیسی همان معجزه‌ای را که انتظار داشتند انجام داد، ولی آنها نمی‌توانستند یا نمی‌خواستند که ببینند.

۶: ۴۲ این عبارت در نسخه Septuanit استفاده شده است (ترجمه یونانی عهد عتیق) تا مردم عهد عتیقی خدا در مانا سیر شوند (مراجعه شود به مزامیر ۷۸: ۲۹، ۱۰۵: ۴۰). این موضوع عهد عتیقی در انجیل یوحنا ۶: ۳۰ الی ۴۰ بسط می‌یابد، جایی که عیسی توقعات روحانی برای تأمین خوراک همانطور که موسی انجام داد را تحقق می‌بخشد. عیسی موسی جدید است، رستگاری او خروج جدید است، و او عصر جدید فراوانی را به ارمغان می‌آورد (مراجعه شود به مزامیر ۱۳۲: ۱۵، اشعیا ۴۹: ۱۰).

۶: ۴۳ "از خرده‌های نان و ماهی، دوازده سبد پر برگرفتند" این نشان می‌دهد که عیسی برای خوراک روزانه آنها معجزه نمی‌کرد. آنها باید برای خوراکیهای بعدی ذخیره می‌کردند.

برخی مفسرین (William Barclay) عنصر معجزه را انکار می‌کنند و تصریح می‌کنند که پسری غذای خود را به اشتراک گذاشت (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۶: ۹) و اینکه دیگران در جمعیت آن را دیدند و غذاهای خود را با بقیه تقسیم کردند. اگر چنین باشد، پس آن دوازده سبد باقی مانده از کجا آمد؟ تعصبات ما به همان شیوه که تعصبات مردم روزگار عیسی بر آنها تأثیر می‌گذاشت، بر تفسیر تأثیر می‌گذارد.

۶: ۴۴ "پنج هزار نفر" این عدد بزرگی است (مراجعه شود به انجیل مرقس ۶: ۳۳) و مکانی است منزوی (مراجعه شود به انجیل مرقس ۶: ۳۲). احتمالاً زنان و کودکان زیادی حضور نداشتند. ما از تعداد دقیق جمعیت اطلاع نداریم. عظیم بود.

NASB: انجیل مرقس ۶: ۴۵ الی ۴۶

^{۴۵}عیسی بی‌درنگ شاگردان خود را بر آن داشت تا در همان حال که او مردم را مرخص می‌کرد، سوار قایق شوند و پیش از او به بیت‌صیدا در آن سوی دریا بروند.^{۴۶} پس از روانه کردن مردم، خود به کوه رفت تا دعا کند.

۴۵: ۴۵ "بیت صیدا" نام این شهر به معنی "خانه نور" است. در سمت غربی دریاچه قرار داشت.

■ "او مردم را مرخص می‌کرد" همسو در انجیل یوحنا ۶ اطلاعات بیشتری در مورد واکنش مردم ارائه می‌دهد. نکات انجیل مرقس تعالیم شاگردان و عشق عیسی است در حالی که انجیل یوحنا چگونه عیسی توقعات یهودیان را در باره خوراک دادن مسیح به یهودیان همانند آنچه که موسی انجام داد (یعنی مانا) را

نشان می‌دهد. آنها سعی کردند او را پادشاه کنند. این نشان می‌دهد که آنان (همانند شاگردانش، خانواده‌اش، و رهبران مذهبی) ماموریت عیسی را درست درک نکرده بودند.

۶: ۴۶ "به کوه رفت تا دعا کند" عیسی زمان منظمی برای عبادت داشت. این به خصوص در انجیل لوقا مشهود است. عیسی می‌دانست که این معجزه درست درک نمی‌شود. همانطور که نمی‌خواست به عنوان شفا دهنده شناخته شود، نمی‌خواست به عنوان خوراک دهنده شناخته شود (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۶: ۱۵). او آمده تا پدر را آشکار کند، ولی جمعیت نمی‌توانست ببیند یا نمی‌دید. به نوعی این یک وسوسه شیطان بود در بیابان که مردم را با خوراک وسوسه کرد (خوراک دادن ماورا الطبیعه‌ای، مراجعه شود به انجیل متی ۴: ۳ الی ۴).

NASB: انجیل مرقس ۶: ۴۷ الی ۵۲

۴۷ چون غروب شد، قایق به میانه دریا رسید و عیسی در خشکی تنها بود. ^{۴۸} دید که شاگردان به زحمت پارو می‌زنند، زیرا باد مخالف می‌وزید. در حدود پاس چهارم از شب، عیسی گام‌زنان بر روی آب به سوی آنان رفت و خواست از کنارشان بگذرد. ^{۴۹} اما چون شاگردان او را در حال راه رفتن بر آب دیدند، گمان کردند شبحی است. پس فریاد برآوردند، ^{۵۰} زیرا از دیدن او وحشت کرده بودند. اما عیسی بی‌درنگ با ایشان سخن گفت و فرمود: "دل قوی دارید، من هستم. مترسید!" ^{۵۱} سپس نزد ایشان به قایق برآمد و باد فرو نشست. ایشان بی‌اندازه شگفت‌زده شده بودند ^{۵۲} چرا که معجزه ناهیا را درک نکرده بودند، بلکه دلشان سخت شده بود.

۶: ۴۸ "آنها را دید" مشخص نیست که این (۱) دید فیزیکی بوده یا (۲) دانش ماورا الطبیعه‌ای بود.

■ "به زحمت پارو می‌زنند" این از یونانی وارد انگلیسی شده و مثل "شکنجه" است. سخت است که بر خلاف جهت باد پارو زد.

■ "در حدود پاس چهارم از شب" در زمان بندی رومی این حدود بین ساعت ۳ تا ۶ بامداد بود.

■ "گام‌زنان بر روی آب به سوی آنان رفت" این هم یک معجزه دیگر عیسی با هدف تقویت کردن ایمان شاگردانش بود. آنان قدرت و اقتدار او را به شیوه‌های بسیار زیادی دیده بودند، ولی هنوز درک نمی‌کردند، آنها هنوز می‌ترسیدند (مراجعه شود به انجیل مرقس ۶: ۴۹ الی ۵۰) و شگفت‌زده می‌شدند (مراجعه شود به انجیل مرقس ۶: ۵۱).

این احتمال هست که این معجزه به منظور تحقق یعقوب ۹: ۸، ۳۸: ۱۶، مزامیر ۷۷: ۱۹ و اشعیا ۴۳: ۱۶ بوده باشد. عیسی کارهای خدایی از عهد عتیق انجام می‌داد (مراجعه شود به انجیل مرقس ۶: ۵۲).

■ "خواست از کنارشان بگذرد" به نظر می‌رسد که این با متن مطابقت نداشته باشد مگر اینکه بخواهیم آن را با یعقوب ۹: ۸ و ۱۱ مرتبط کنیم. در پی نویس TEV "به آنان ملحق شد" آمده است. این فعل همان مفهوم انجیل لوقا ۱۲: ۳۲ و ۱۷: ۷ را ندارد.

۶: ۴۹ "یک شبح" این به مفهوم "فاتنوم" یا "شبح" است همانند انجیل متی ۱۴: ۲۶. این یک اصطلاح قوی است که در مورد "تحریک ذهنی و معنوی و ابهام" استفاده می‌شود (مراجعه شود به Greek-English Lexicon of Bauer, Arndt, Gingrich, and Danker صفحه ۸۰۵).

۶: ۵۰ "دل قوی دارید" این زمان حال فعال امری است که خیلی زیاد توسط عیسی استفاده می‌شد (مراجعه شود به انجیل متی ۹: ۲ و ۲۲، ۱۴: «۲۷»، انجیل مرقس ۶: ۵۰، ۱۰: ۴۹، انجیل یوحنا ۱۶: ۳۳، اعمال رسولان ۲۳: ۱۱).

■ "مترسید" این زمان حال میانمی امری (دیپوننت) است که از این هم اغلب عیسی استفاده می‌کرد (مراجعه شود به انجیل متی ۱۴: ۲۷، ۱۷: ۷، ۲۸: ۱۰، انجیل مرقس ۶: ۵۰، انجیل لوقا ۵: ۱۰، ۱۲: ۳۲، انجیل یوحنا ۶: ۲۰، مکاشفه ۱: ۱۷). ممکن است این هم عیسی را به موسی مرتبط کند (مراجعه شود به کتاب خروج ۱۴: ۱۳، ۲۰: ۲۰). عیسی، موسی جدید بود یا سخنگوی جدید خدا (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱۵: ۱، یوشع ۸: ۱).

۶: ۵۱ قابل توجه است که داستان راه رفتن پطرس و در آب افتادن او در اینجا دیده نمی‌شود (مراجعه شود به انجیل متی ۱۴: ۲۸ الی ۳۱). A. T. Robertson در کتاب *Word Pictures in the New Testament*، جلد اول صفحه ۳۱۹ می‌گوید "شاید پطرس علاقه‌ای به آن ماجرا نداشت".

۶: ۵۲ "چرا که معجزه ناهیا را درک نکرده بودند" آنان کند فرا می‌گرفتند. عیسی با آنان صبور بود. این برای من بسیار دلگرم کننده است.

■ "دلشان سخت شده بود" این وجه وصفی کامل مجهول است. این یک مفهوم الهیاتی سخت است. آیا این (به دلیل حالت مجهول آن) دلالت بر آن دارد که خدا یا روح فکر آنان را بسته بود؟ احتمالاً این به دلیل تعصبات خودشان و سنتهای یهودی بود که نسبت به حقایق چنین بدیهی در رفتار و کارهای عیسی کور بودند (مراجعه شود به انجیل مرقس ۸: ۱۷ الی ۱۸). این مرد در هیچیک از طبقه بندی‌هایی که می‌دانستند، قرار نمی‌گرفت (مراجعه شود به انجیل مرقس ۴: ۱۳ و ۷: ۱۸). این یک موضوع تکراری در انجیل مرقس است. موضوع خاص: قلب در بخش مربوط به انجیل مرقس ۲: ۶ را مطالعه کنید.

NASB: انجیل مرقس ۶: ۵۳ الی ۵۶

^{۵۳} چون به کرانه دیگر رسیدند، در سرزمین جنیسارت فرود آمدند و در آنجا لنگر انداختند. ^{۵۴} از قایق که پیاده شدند، مردم در دم عیسی را شناختند ^{۵۵} و دوان دوان به سرتاسر آن منطقه رفتند و بیماران را بر تختها گذاشته، به هر جا که شنیدند او آنجاست، بردند. ^{۵۶} عیسی به هر روستا یا شهر یا مزرعه‌ای که می‌رفت، مردم بیماران را در میدانها می‌گذاشتند و از او تمنا می‌کردند اجازه دهد دست کم گوشه‌ردایش را لمس کنند؛ و هر که لمس می‌کرد، شفا می‌یافت.

۵۵:۶ این نیاز، عشق و قدرت عیسی را نشان می‌دهد. این همچنین درسی در مورد اولویت مردم است. عیسی همیشه برای آنان وقت داشت.

۵۶:۶ "گوشه‌ردایش" این اشاره به "شال عبادت" او دارد (مراجعه شود به اعداد ۱۵: ۳۸، الی ۴۰، تثنیه ۲۲: ۱۲). این مردم مایوس و خرافاتی و خودخواه بودند.

سوالاتی برای بحث

این یک راهنمای مطالعاتی است، که بدین معنی است که شما خودتان مسئول تفسیر انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر خودمان گام برداریم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. شما نباید این امر را به یک مفسر واگذار کنید. این سوالات مباحثاتی به منظور کمک به شما در تفکر نسبت به مسائل اصلی این بخش از کتاب مطرح شده‌اند. آنها صرفاً تفکر برانگیز هستند نه قطعی.

۱. با تناقضات میان انجیل مختلف چگونه برخورد می‌کنید؟
۲. چرا تنوع عقیده زیادی در مورد اینکه عیسی چه کسی است وجود داشت؟
۳. آیا رستاخیز یک مفهوم غیر معمول در روزگار عیسی بود؟
۴. چرا خدا اجازه داد که زن منفور و شیطانی باعث مرگ مرد بزرگی مانند یحیی شود؟
۵. چرا چنین جمعیت کثیری را جمع کرد؟
۶. چرا عیسی به پنج هزار نفر خوراک داد؟
۷. چگونه تعالیم عیسی به شفا دادنهایش مرتبط است؟

مرقس ۷

پاراگراف‌های ترجمه‌های مدرن

UBS ⁴	NKJV	NRSV	TEV	NJB
تعالیم بزرگان ۱:۷ الی ۱۳	تخلف از درون می‌آید ۱:۷ الی ۲۳	تعالیم بزرگان ۱:۷ الی ۸	تعالیم اجدادی ۲:۷ ۳:۷ الی ۴ ۵:۷ ۶:۷ الی ۷ ۸:۷ ۹:۷ الی ۱۳	سنت‌های فریسیان ۱:۷ الی ۱۳
۲۳:۷ الی ۱۴		۱۶:۷ الی ۱۴ ۲۳:۷ الی ۱۷	چیزهایی که فرد را ناپاک می‌کنند ۱۶:۷ الی ۱۴ ۱۷:۷ الی ۱۹ ۲۰:۷ الی ۲۳	پاک و ناپاک ۱۶:۷ الی ۱۴ ۱۷:۷ الی ۲۳
زن فنیقیه‌ای می‌دهد ۲۴:۷ الی ۳۰	یک کافر ایمانش را نشان می‌دهد ۲۴:۷ الی ۳۰	زن فنیقیه‌ای ۲۴:۷ الی ۳۰	شفای زن ۲۴:۷ الی ۲۷ ۲۸:۷ ۲۹:۷ ۳۰:۷	دختر سوری-فنیقیه‌ای شفا یافت ۲۴:۷ الی ۳۰
یک مرد کر و لال را یافت ۳۱:۷ الی ۳۷	عیسی یک مرد کر و لال را شفا داد ۳۱:۷ الی ۳۷	شفا دادنها ۳۱:۷ الی ۳۷	عیسی مرد کر و لال را شفا داد ۳۱:۷ الی ۳۴ ۳۵:۷ الی ۳۷	شفای مرد ناشنوا ۳۱:۷ الی ۳۷

مطالعه حلقه سوم (رجوع کنید به "سمینار تفسیر کتاب مقدس")

به دنبال نیت اصلی نویسنده در سطوح پاراگراف

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید. کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص نمایید (مطالعه حلقه شماره ۳). تقسیمات موضوعی خود را با پنج ترجمه بالا مقایسه کنید. پاراگراف بندی به نویسنده الهام نشده است، اما کلید پیگیری اهداف اصلی نویسنده است که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول
۲. پاراگراف دوم
۳. پاراگراف سوم
۴. غیره

همسوها در انجیل

۱. انجیل مرقس ۷:۱ الی ۲۳ همسو با انجیل متی ۱۵:۱ الی ۲۰ است
۲. انجیل مرقس ۷:۲۴ الی ۳۰ همسو با انجیل متی ۱۵:۲۱ الی ۲۸ است
۳. انجیل مرقس ۷:۳۱ الی ۸:۹ همسو با انجیل متی ۱۵:۲۹ الی ۳۸ است.

NASB: انجیل مرقس ۷: ۱ الی ۸

افریسیان به همراه برخی از علمای دین که از اورشلیم آمده بودند، نزد عیسی گرد آمدند^۲ و دیدند برخی از شاگردان او با دستهای نجس، یعنی ناشسته، غذا می‌خورند. افریسیان و نیز تمامی یهودیان، به پیروی از سنت مشایخ، تا دستهای خود را طبق آداب تطهیر نشویند، خوراک نمی‌خورند. ^۴ چون از بازار می‌آیند، تا شستشو نکنند چیزی نمی‌خورند. و بسیار سنن دیگر را نیز نگاه می‌دارند، همچون شستن پیاله‌ها، دیگرها، ظروف مسی و نیمکتها. ^۵ پس افریسیان و علمای دین از عیسی پرسیدند: "چرا شاگردان تو طبق سنت مشایخ رفتار نمی‌کنند، و با دستهای نجس غذا می‌خورند؟" او پاسخ داد: «اشعیا درباره شما ریاکاران چه خوب پیشگویی کرد! چنانکه نوشته شده است، "این قوم با لبهای خود مرا حرمت می‌دارند، اما دلشان از من دور است. ^۷ آنان بیهوده مرا عبادت می‌کنند، و تعلیمشان چیزی جز فرایض بشری نیست. ^۸ شما احکام خدا را کنار گذاشته‌اید و سنتهای بشری را نگاه می‌دارید."

۷: ۱ "فریسیان" اینان صمیمی‌ترین مذهب‌یون روزگار خود بودند. از نظر فرهنگی آنان بهترین بهترینها بودند. مکالمات عیسی با آنها اغلب ثبت شده است (مراجعه شود به انجیل مرقس ۷: ۵ الی ۸، ۱۱: ۲۷ الی ۳۳، ۱۲: ۱۳ الی ۱۷). به یادداشت کاملتر در بخش مربوط به انجیل مرقس ۲: ۶ مراجعه کنید.

■ "برخی از علمای دین که از اورشلیم آمده بودند" رهبران مذهبی همیشه او را تعقیب می‌کردند تا خطایی پیدا کنند (مراجعه شود به انجیل مرقس ۳: ۲۲، انجیل یوحنا ۱: ۱۹). ظاهراً آنها اعضای کمیته حقیقت جویی از سانه‌درین اورشلیم بودند (به موضوع خاص در بخش مربوط به انجیل مرقس ۱۲: ۱۳ مراجعه کنید). سانه‌درین از هفتاد نفر تشکیل می‌شد که از گروه‌های زیر بودند:

۱. خانواده‌های کشیش‌های حاکم (یعنی سادوجسها، به موضوع خاص در بخش مربوط به انجیل مرقس ۱۲: ۱۸ مراجعه کنید)
۲. رهبران مذهبی محلی (یعنی فریسیان)
۳. زمین‌داران ثروتمند محلی

۷: ۲ "دستهای نجس، یعنی ناشسته" این کار بهداشتی نبود ولی مذهبی بود (مراجعه شود به انجیل مرقس ۷: ۴). آداب پاکیزگی برای آنان یک امر کاملاً جدی بود (مراجعه شود به انجیل لوقا ۱۱: ۳۸، انجیل متی ۱۵: ۲). این امر با کلمات و اصطلاحات خاصی در تلمود نوشته شده است. بحث و جدل بر سر سنتهای شفاهی بود که متون قدیمی را تفسیر می‌کردند.

■ "ناپاک" این اصطلاح یونانی *koinos* است، به معنی "مشاع" یا "در دسترس همگان" است. این اسمی است که مفسرین عصر مدرن به یونانی عوام روزگار عیسی داده‌اند. اصطلاح لاتین *vulgate* هم همین مفهوم را دارد (یعنی، در دسترس همگان). در این متن اشاره به آن چیزی دارد که از نظر آداب تطهیر ناپاک است زیرا با چیزهای ناپاک تماس داشته است.

۳: ۷

NASB	"مگر اینکه با دقت دستان خود را بشویند"
NKJV	"مگر اینکه دستان خود ره به شیوه خاص بشویند"
NRSV	"مگر اینکه دستهای خود را به طور کامل بشویند"
TEV	"مگر اینکه دستهای خود را به شیوه مناسب بشویند"
NJB	"بدون اینکه دستهای خود را تا کتف بشویند"

در مورد این عبارت اختلافاتی در نسخ دستنویس وجود دارد. نامعمولترین متن *pugmē* است که معنی آن "نخستین" است و در نسخ دستنویس باستانی A، B و L یافت می‌شود، در حالیکه *punka* به معنی "اغلب"، در R، W و والگیت و پشینا دیده می‌شود. برخی متون باستانی فقط پرائنترهای انجیل مرقس ۷: ۳ الی ۴ را حذف کرده‌اند (یعنی نسخه دستنویس ۰۳۷ مربوط به قرن نهم میلادی، که با حرف بزرگ یونانی دلتا شناخته می‌شود، و برخی ترجمه‌های کپتیک و سیریایک و دیاتسارون). UBS⁴ به گزینه شماره ۱ رتبه A می‌دهد (یقین).

این احتمال هست که این اصطلاح مشکل یونانی منعکس کننده ترجمه یونانی یک عبارت آرامی باشد "مگر اینکه دستهای خود را به شیوه مناسب بشویند" (مراجعه شود به *Theological Dictionary of the New Testament* ویرایش شده توسط Gerhard Friedrich و Geoffrey W. Broomiley، جلد ۶، صفحه ۹۱۶). فریسیان پیش نیازهای برای کشیش‌های در حال انجام وظیفه در معبد را گرفته و آن را برای تمام یهودیان "واقعی" بسط دادند. آنها قانون موسی را اضافه کردند.

گزینه بعدی برداشت آن به عنوان شیوه ربی‌ها برای شستشوی دستها و بازوها با مشت‌های بسته است، ولی این در هیچیک از سنتهای نوشته شده ربی‌ها اثبات نشده است، مگر اینکه اشاره به مفهوم گرفتن آن ریخته شده از کتف داشته باشد (با دستان به سمت پائین) با انگشتان بسته به شکل فنجان تا بتوان مجدداً آن را به کتف مالید.

اصطلاح "شستن" (*nīptō*) مراجعه شود به انجیل متی (۱۵: ۲) معمولاً برای اشاره به شستن بخشی از بدن و نه حمام کامل استفاده می‌شده است (یعنی *louō*، مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۳: ۱۰).

■ "به پیروی از سنت مشایخ" این سنتها (مراجعه شود به غلاطیان ۱: ۱۴) در تلمود کد شده‌اند (یعنی میشنا). دو نسخه از این سنتهای ربی وجود دارند. کاملترین آن مربوط به تلمود بابل است و نسخه کامل نشده آن مربوط به فلسطین می‌باشد. مطالعه مدرن این ادبیات متوقف شده است زیرا هیچ کس اطمینان ندارد که چه زمانی این مباحثات صورت گرفته و یا ثبت شده‌اند. دو مکتب جدیدتر ربی برای تفسیر بسط یافتند، یکی محافظه کار (یعنی *Shammai*) و دیگری لیبرال (یعنی *Hillel*). تمامی این مباحثات، بر اساس مباحثات ربی‌ها صورت گرفته‌اند. ربی‌ها از پیشینیان خود به عنوان مرجع و اقتدار نقل قول می‌کنند.

۴:۷ "تا شستشو نکنند چیزی نمی‌خورند" یهودیان قوانین مربوط به ورود کشیشان به جشن خیمه‌ها را بسط داده تا آنها مشمول همگان کنند (مراجعه شود به کتاب خروج ۳۰: ۱۹). این قوانین در رابطه مراسم تدهیر هستند. آنها طی یک دوره زمانی طولانی با استنتاج و استخراج از قوانین لویان توسعه یافته‌اند.

در این عبارت تفاوتی در یک نسخه دستنویس یونانی وجود دارد. برخی متون یونانی اینها را دارند:

۱. وجه وصفی آئوریست میانی از *baptizō* (یعنی، MSS A, D, W و همچنین ترجمه‌های والگیت و سیریاک)
 ۲. حال مجهول اخباری *baptizō* (یعنی MSS, F, L)
 ۳. وجه وصفی آئوریست میانی *rantizō* به معنی "پاشیدن/ترشح کردن" (یعنی MSS & B و ترجمه کپتیک). بیشتر ترجمه‌های مدرن گزینه ۱ را استفاده می‌کنند. کاتبین اولیه ممکن است شماره ۳ را اضافه کرده باشند زیرا *baptizō* تبدیل به اصطلاح فنی برای تعمید مسیحیان شده بود.
- UBS⁴ به شماره ۱ رتبه B (تقریباً یقین) را می‌دهد.

NASB	"و ظروف مسی"
NKJV	"ظروف و لوازم مسی"
NRSV	"کتری برنز"
TEV	"ظروف و تختهای مسی"
NJB	"بشقابهای برنز"

اصطلاح ظروف یک اصطلاح لاتین است. مرقس بیش از هر کس دیگری در عهد جدید از اصطلاحات لاتین استفاده می‌کند. این می‌تواند منعکس کننده آن باشد که در روم و برای رومیان نوشته بود.

یک تفاوت متنی در نسخه یونانی وجود دارد که اصطلاح *klinōn* (یعنی تختها یا کاناپه‌ها) در نسخ دستنویس A, D, W اضافه شده است در حالیکه در P⁴⁵, B, &, L حذف شده است. احتمالاً کاتبینی که لویان ۱۵ را می‌دانستند، عبارت را اضافه کرده‌اند، یا کاتبین بعدی که با متن عهد عتیق آشنا نبودند، فکر کردند که بی جا است و آن را حذف کردند. حدس و گمان جالب است ولی از نظر الهیات کافی نیست.

۵:۷ "از عیسی پرسیدند" این زمان غیر کامل است که دلالت بر بارها و بارها سوال کردن از او و یا شروع به سوال کردن دارد.

■ "طبق سنت مشایخ رفتار نمی‌کنند" برای آنان این یک مسئله مذهبی خیلی جدی بود. حتی در مستندات یهود رخدادی ثبت شده که یک ربی به دلیل اینکه دستان خود را به صورت مناسب نشسته، طرد شده است. تلمود، که مباحثات روحانیون در مورد چگونگی درک و اجرای متون عهد عتیق را ثبت کرده است تبدیل به مرجع اقتدار شده است.

۶:۷ "اشعیا درباره شما ریاکاران چه خوب پیشگویی کرد" عیسی معتقد بود که بخش خاصی از اشعیا در عهد عتیق در رابطه نسل فریسیان هفتصد سال بعد است. این ارتباط کتاب مقدس را با هر نسل جدید نشان می‌دهد. حقیقت خدا تحت تاثیر فرهنگ قرار می‌گیرد، ولی همچنین فراتر از زمان و فرهنگ هم هستند! عیسی از اشعیا ۲۹: ۱۳ نقل کرد.

■ "ریاکاران" این ترکیبی از دو اصطلاح "زیر" و "داوری کردن" است. این اصطلاح برای هنرپیشگان که در پشت نقاب نقش بازی می‌کردند استفاده می‌شد. عیسی آنها را متهم به گیبی در برخی مسائل و بی بها جلوه دادن مسائلی دیگر می‌کند (مراجعه شود به اشعیا ۲۹: ۱۳، کولسیان ۲: ۱۶ الی ۲۳). تصادفی نیست که "ریاکاران" و شستن دست با همدیگر در مزامیر ۲۶: ۴ و ۶ آمده‌اند!

موضوع خاص: ریاکاران (در انجیل متی) (SPECIAL TOPIC: HYPOCRITES)

این اصطلاح مرکب (*hypokritēs*) معمولاً به مفهوم "داوری کردن تحت..." ترجمه می‌شود. می‌تواند به معنی (۱) اشاره ای که اصطلاح تناثری برای صحبت کردن از پشت نقاب باشد (نمایش بازی کردن)، یا (۲) کاربرد قدیمی‌تر آن "اغراق در ترجمه و تفسیر" بود.

فریسیان ادای آداب و مراسم مذهبی تقلید می کردند (اغلب در ملا عام) تا مورد تمجید سایر انسانها قرار گیرند نه اینکه خدا را خشنود سازند (هر چند مطمئن هستیم آن هم یکی از انگیزه هایشان بود):

۱. خیرات می دادند که نه فقط به فقیری کمک کرده باشند، بلکه دیگر مردمان آنان را تحسین کنند، انجیل متی ۶:۲.
۲. به گونه ای در کنیسه و در ملا عام دعا می کردند که همه مردم آنها را ببینند، انجیل متی ۶:۵.
۳. وقتی روزه می گرفتند خود را ژولیده نشان می دادند تا دیگران تحت تاثیر معنویت و روحانیت آنان قرار گیرند، انجیل متی ۶:۱۶.
۴. یک حرفی را می زدند، ولی کار دیگری می کردند (مراجعه شود به انجیل متی ۷:۷ الی ۹، انجیل مرقس ۱:۷ الی ۷، اشعیا ۲۹:۱۳).
۵. تلاش می کردند تا با سوالات انحرافی عیسی را به دام بیاندازند، نه اینکه در جستجوی خرد و حقیقت باشند، انجیل متی ۱۵:۲۲ الی ۲۲.
۶. مانع می شدند که دیگران وارد پادشاهی خدا شوند، انجیل متی ۲۳:۱۳ الی ۱۵.
۷. از مطبخها ده یک می گرفتند، ولی موارد مهمتر و سنگینتر قانون را نمی دیدند، انجیل متی ۲۳:۲۳.
۸. بیرون فنجان را تمیز می کردند، ولی درون آن را نه، ۲۳:۲۵.
۹. آنان سفیدپوشانی سرشار از ناپاکی بودند، انجیل متی ۲۳:۲۷ الی ۲۸، (مراجعه شود به *Dictionary of Biblical Imagery*. صفحه ۴۱۵).
۱۰. آنان خود را پارسا می دانستند، انجیل متی ۲۳:۲۹ الی ۳۰.
۱۱. آنان جایگاه خاصی در جهنم دارند، انجیل متی ۲۴:۵۱.

■ "چنانکه نوشته شده است" این زمان کامل است به معنی "نوشته شده است". این یک اصطلاح استاندارد یهود برای اشاره به کتاب مقدس است (مراجعه شود به انجیل مرقس ۹: ۱۲ الی ۱۳، ۱۱: ۱۷، انجیل متی ۴: ۴ و ۷ و ۱۰). نقل قول از اشعیا ۲۹: ۱۳ Septuagint است که خود-پارسا بینی انسانها را توصیف می کند. عیسی مثالی از این در انجیل مرقس ۷: ۹ الی ۱۹ ارائه می کند که همسو با انجیل متی ۱۵: ۴ الی ۶ است.

■ "دلشان" برای یهودیان این مرکز فعالیت معنوی، و در نتیجه مبنای اعمال بود. آنان از فرائض مذهبی به عنوان ابزاری برای جلب پذیرفته شدن توسط خدا استفاده می کردند. سنتهای آنان غایی شده بود. در رابطه با افراد مذهبی این همیشه خطرناک است. موضوع خاص در بخش مربوط به انجیل مرقس ۲: ۶ را مطالعه کنید.

■ "دور است" این به معنی "فاصله داشتن" است. اعمال مذهبی اغلب برای دور زدن وقف کامل در خدا استفاده می شوند. اغلب مذهب یک مانع در راه رسیدن به خدا است نه یک پل.

۷:۷ عجب محکوم کردن نابودکننده ای برای ریاکاران مذهبی.

۸:۷ "کنار گذاشته اید" این به معنی "نادیده گرفتن" است (یعنی نادیده گرفتن فرامین خدا) و در تضاد مستقیم با "نگاه داشتن/حفظ کردن" است که به معنی حفظ و نگاهداشتن سنتها است.

■ "احکام خدا را کنار گذاشته اید و سنتهای بشری را نگاه می دارید" مسئله مکاشفه عهد عتیق در برابر سنتهای شفاهی (تلمود) است. این برای هر کسی در هر فرهنگی یک مسئله است. اقتدار مذهبی یک مسئله مهم و حساس است.

NASB: انجیل مرقس ۷: ۹ الی ۱۳

۹ سپس گفت: "شما زیرکانه حکم خدا را کنار می گذارید تا سنت خود را استوار سازید! ^{۱۰} زیرا موسی گفت، "پدر و مادر خود را گرامی دار، و نیز "هر که پدر یا مادر خود را ناسزا گوید، البته باید کشته شود." ^{۱۱} اما شما می گوید شخص می تواند به پدر یا مادرش بگوید: "هر کمکی که ممکن بود از من دریافت کنید، قربان - یعنی وقف خدا - است." ^{۱۲} و بدین گونه نمی گذارید هیچ کاری برای پدر یا مادرش بکنند. ^{۱۳} شما این چنین با سنتهای خود، که آنها را به دیگران نیز منتقل می کنید، کلام خدا را باطل می شمارید و از این گونه کارها بسیار انجام می دهید."

۹:۷

NASB "شما متخصص در کنار گذاشتن هستید"

NKJV "همه را به خوبی رد می کنید"

NRSV "شما شیوه خوبی برای رد کردن دارید"

TEV "شما روش هوشمندانه ای برای رد کردن دارید"

۱۰: ۷ "موسی گفت" همسوی انجیل متی ۱۵: ۴ "خدا گفت" دارد. این وحی خدا در کلام موسی را نشان می‌دهد.

■ "گرامی دار" این نقل قول از ده فرمان است که در خروج ۲۰: ۱۲ ثبت شده و در تثنیه ۵: ۱۶ تکرار شده است. از یک اصطلاح بازرگانی عبری "به خاطر داشتن وزن" (BDB 457) است که یعنی ارزش چیزی را دانستن.

۱۱: ۷ "اگر" این عبارت جمله شرطی نوع سوم است که از احتمال وقوع یک رخداد خبر می‌دهد. عیسی به شیوه‌های متعارف دور زدن قوانین خدا اشاره می‌کند (مراجعه شود به انجیل مرقس ۷: ۱۲).

■ "پدر و مادر خود را" این نشان می‌دهد که باید به هر دو والدین احترام گذاشت.

■ "هر که پدر یا مادر خود را ناسزا گوید" این یک نقل قول از کتاب خروج ۲۱: ۱۷ است. احترام نگذاشتن داوری شدیدی را به همراه دارد. ربی‌ها این آیه را به وسیله سنتهای خود کنار گذاشتند.

■ "قربان" این ترجمه یونانی اصطلاح عبری (آرامی نیست) هدیه‌ای که به خدا داده می‌شود است (یا به معبد، مراجعه شود به NKJV). عیسی مثالی را نشان می‌دهد که چگونه مذهبیون یهود روزگار خود نیت و قانون گفته شده را با سنتهای شفاهی دور می‌زنند. آنها در سنتهای شفاهی خود راههای دور زدن زیادی را ایجاد کرده‌اند (مراجعه شود به انجیل متی ۵: ۳۳ الی ۳۴، ۲۳: ۱۶ الی ۲۲).

NASB: انجیل مرقس ۷: ۱۴ الی ۱۶

^{۱۴} عیسی دیگر بار آن جماعت را نزد خود فرا خواند و گفت: «همه شما به من گوش فرا دهید و این را دریابید: ^{۱۵} هیچ چیزی بیرون از آدمی نیست که بتواند با داخل شدن به او، وی را نجس سازد، بلکه آنچه از درون آدمی بیرون می‌آید، وی را نجس می‌سازد. ۱۶ هر که گوش شنوا دارد، بشنود!»

۱۴: ۷ "عیسی دیگر بار آن جماعت را نزد خود فرا خواند" عیسی در ملاعام ریاکاری کاتبین و سنتهایشان را برملا ساخت.

در NKJV اصطلاح *panta* (یعنی همه) بجای *palin* (به معنی دوباره) آمده است.

■ "گوش فرا دهید و این را دریابید" اینها هر دو زمانهای آتوریست فعال امری هستند. این عبارت یک مثال مهم و شوکه کننده را بیان می‌کند.

۱۵: ۷ این یک مثال متداول در مورد تفسیر عهد قدیم توسط عیسی است (مراجعه شود به انجیل متی ۵: ۱۷ الی ۴۸). او دستور غذا در لاویان ۱۱ را باطل کرد. این شیوه قدرتمندی برای تصریح اقتدارش است (او می‌توانست عهد عتیق را تغییر داده یا نقض کند، ولی آنها را نه). این همچنین باید یک کلام هشدار به کسانی باشد که در مورد خوراک و نوشیدنی بحث ایجاد می‌کنند (مراجعه شود به رومیان ۱۴: ۱۳ الی ۲۳، اول قرنتیان ۸: ۱ الی ۱۳، ۱۰: ۲۳ الی ۳۳). کلام عیسی تمایز آزادی در بیمان جدید را آشکار می‌سازد (مراجعه شود به رومیان ۱۴: ۱ الی ۱۵: ۱۳، اول قرنتیان ۸: ۱۰).

۱۶: ۷ این آیه در بسیاری از نسخه‌های یونیکال یونانی (A, D, K, θ)، دیاتسارون، و متون یونانی که توسط آگوستین از آنها استفاده می‌شد (مراجعه شود به NKJV و NJB) اضافه شده است. با این حال، در MSS، B و L حذف شده است. احتمالاً توسط کاتبین از انجیل مرقس ۴: ۹ یا ۲۳ اضافه شده است. NASB (نسخه به روز شده سال ۱۹۹۵) این را در داخل پراتنز اضافه کرده است تا نشان دهد در اصل بودن آن تردید است. ^۴UBS به حذف آن رتبه A (یقین) داده است.

NASB: انجیل مرقس ۱۷ الی ۲۳

^{۱۷} پس از آنکه جماعت را ترک گفت و به خانه درآمد، شاگردانش معنی مثل را از او پرسیدند. ^{۱۸}گفت: "آیا شما نیز درک نمی‌کنید؟ آیا نمی‌دانید که آنچه از بیرون به آدمی داخل می‌شود، نمی‌تواند او را نجس سازد؟ ^{۱۹} زیرا به دلش راه نمی‌یابد، بلکه به درون شکمش می‌رود و سپس دفع می‌شود." عیسی با این سخن، همه خوراکیها را پاک اعلام کرد. ^{۲۰} او ادامه داد: "آنچه از درون آدمی بیرون می‌آید، آن است که او را نجس می‌سازد. ^{۲۱} زیرا اینهاست آنچه از درون و دل انسان بیرون می‌آید: افکار پلید، بی‌عفتی، دزدی، قتل، زنا، ^{۲۲} طمع، بدخواهی، حيله، هرزگی، حسادت، تهمت، تکبر و حماقت. ^{۲۳} این بدیهها همه از درون سرچشمه می‌گیرند و آدمی را نجس می‌سازد."

۱۷: ۷ "شاگردانش معنی مثل را از او پرسیدند" انجیل متی ۱۵: ۱۵ می‌گوید پطرس. کلام عیسی برای این یهودیان قرن نخست بسیار شوکه کننده بود.

عیسی موسی را باطل می‌کرد. این ربی غیر رسمی ادعا می‌کرد که کیست؟

۷: ۱۸ "آیا شما نیز درک نمی‌کنید" عیسی از کندی شاگردان در درک در شگفت شد. پیام او با آنچه که آنان در طول زندگی خود شنیده بودند متفاوت بود (یعنی الهیات فریسیان). به سختی می‌توان سنتها را اصلاح کرد (مراجعه شود به انجیل مرقس ۴: ۱۳ و ۶: ۴، ۵۲، ۸: ۲۱). اعتماد به عیسی به عنوان مسیح موعود به معنی شکست ریشه‌ای در سنتهای پذیرفته شده و توقعات فرهنگی بود. "کلام زنده" بر کلام مکتوب ارجحیت دارد! مومنین عیسی را می‌پرستند، نه انجیل را.

معمولا مفسرین می‌گویند که عیسی سنتهای شفاهی را رد می‌کرد، ولی همیشه قوانین عهد عتیق را تأیید می‌نمود. با این وجود، این رد کردن قوانین خوراک و رد کردن تعالیم موسی در مورد طلاق در انجیل متی ۵: ۳۱ الی ۳۲ (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۰: ۲ الی ۱۲) به وضوح نشان می‌دهد که عیسی خود را به عنوان مفسر مناسب و ذیصلاح و حتی بالاتر از عهد عتیق (مراجعه شود به انجیل متی ۵: ۳۸ الی ۳۹) می‌دید. او نهایت مکاشفه خدا است. هیچکدام از ما که انجیل را گرامی می‌دارد با این راحت نیست. ما انجیل را به عنوان مرجع معتبر و مرتبط می‌بینیم. با این حال، چه میزان از متون عهد عتیق را عیسی دید که به وضوح نیت پدر را آشکار نمی‌کردند؟ این نه فقط کاتبین را شوکه کرد، به نوعی مرا نیز در شگفت انداخت. به من یادآوری می‌کند که عهد عتیق برای مومنین عهد عتیق جدید الزامی نیست (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۵، غلاطیان ۳). یقینا کتاب مقدس است و یقینا خدا را آشکار می‌سازد، ولی من به آداب و رسوم مذهبی و مراحل آنها پایبند نیستم (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۵: ۶ الی ۱۱ و ۱۹). من مقید به جهانبینی آن و مکاشفه خدا و اهداف و وعده‌هایش هستم (مراجعه شود به انجیل متی ۵: ۱۷ الی ۲۰)!

۱۹: ۷

NASB, NRSV "بنابراین او همه غذاها را پاک اعلام کرد)"

NKJV "بنابراین همه غذاها را تمیز اعلام کرد"

TEV "... عیسی اعلام کرد که همه خوراکیها را میتوان خورد)"

NJB "بنابراین او همه خوراکیها را حلال اعلام کرد)"

پرانته‌ها منعکس کننده دیدگاه مترجمین هستند و اینکه پی نویسی ویراستار می‌باشند (احتمالا بر اساس تجربه پطرس در اعمال رسولان ۱۰). این یک حقیقت مهم عهد جدید است (مراجعه شود به رومیان ۱۴: ۱۳ الی ۲۳، اول قرنتیان ۸: ۱ الی ۱۳، ۱۰: ۲۳ الی ۳۳). انسانها در برابر خدا بر اساس آنچه که می‌خورند و نمی‌خورند، صالح نیستند! پیمان جدید بر اساس قوانین عهد عتیق نیست (یعنی لویان ۱۱، اعمال رسولان ۱۵). خدا به قلب نگاه می‌کند، نه به معده.

۷: ۲۰ "آنچه از درون آدمی بیرون می‌آید" ربی‌های عهد عتیق می‌گفتند که ذهن بارور و آماده بذریاشی است و چشمان و گوشها دروازه روح هستند. هر چه اجازه داده شود که وارد شود، ریشه می‌گیرد. گناه از فکر کردن به وجود می‌آید و توسعه یافته و تبدیل به عمل می‌شود. سخن انسان قلب او را نشان می‌دهد.

موضوع خاص: سخن گفتن

(SPECIAL TOPIC: HUMAN SPEECH)

۱. تفکرات آغازین در مورد تمثیله‌ها

- زبان بخشی از تصویر خدا در نوع بشر است (یعنی خلقت با گفتن آغاز شد و خدا با انسان مخلوقش صحبت کرد). این بخشی حیاتی از فردیت ما است
- سخن گفتن ما را قادر می‌سازد تا با دیگران ارتباط برقرار کنیم و درباره اینکه چه احساسی نسبت به زندگی داریم حرف بزنیم. بنابراین، مشخص می‌کند که ما واقعا چه هستیم (امثال ۲: ۱۸، ۴: ۲۳، ۲۰ الی ۲۷). سخن گفتن آزمون انسان است (امثال ۷: ۲۳).
- ما موجودات اجتماعی هستیم. ما نیازمند پذیرش و تأیید هستیم. ما از جانب و خدا و نیز از جانب هموعان خود به آن نیاز داریم. کلمات این قدرت را دارند تا این نیاز را تأمین کنند، هم به صورت مثبت (امثال ۱۰: ۱۷) و هم منفی (امثال ۱۸: ۱۲).
- قدرت وحشتناکی در کلام انسان وجود دارد (امثال ۱۸: ۲۰ الی ۲۱) - قدرت برکت دادن و شفا بخشیدن (امثال ۱۱: ۱۰ و ۲۱) و قدرت نفرین و تخریب (امثال ۱۱: ۹).
- هرگونه که رفتار کنیم به همان صورت هم حاصلش به ما باز می‌گردد (امثال ۱۴: ۱۲).

۲. اصول تمثیله‌ها

a. پتانسیل منفی و مخرب کلام انسانی

i. کلام انسان پلید (۱: ۱۱ الی ۱۹، ۶: ۱۰، ۹: ۱۱ و ۱۱: ۲، ۱۲ الی ۶)

ii. حرفهای زناکارانه (۲: ۵ الی ۵، ۶: ۲۴ الی ۳۵، ۷: ۵، ۱۳: ۹ الی ۱۸، ۱۴: ۲۲)

iii. دروغ (۶: ۱۲ الی ۱۵ و ۱۹، ۱۸: ۱۰ الی ۱۲: ۱۷ الی ۱۹ و ۲۲، ۵: ۱۴، ۴: ۱۷، ۵: ۱۹ و ۹ و ۲۸، ۲۱: ۲۸، ۲۴: ۲۸، ۱۸: ۲۵).

۲۳:۲۶ الی ۲۸)

- iv. حرفهای احمقانه (۱۰:۱۰ و ۱۴، ۱۴:۳، ۱۴:۱۴، ۱۵:۶، ۱۸:۶ الی ۸)
 - v. شهادت دروغ (۱۹:۶، ۱۲:۱۷، ۱۹:۵ و ۹ و ۲۸، ۲۱:۲۸، ۲۴:۲۸، ۲۵:۱۸)
 - vi. شایعه پراکنی (۱۴:۶ و ۱۹، ۱۱:۱۳، ۱۶:۲۷ الی ۲۸، ۲۰:۱۹، ۲۵:۲۳، ۲۶:۲۰)
 - vii. حرف بیجا زدن (۱:۶ الی ۵، ۱۲:۱۸، ۲۰:۲۵، ۲۹:۲۰)
 - viii. تملق و حرفهای فریبنده (۲۵:۹)
 - ix. زیادی حرف زدن (۱۴:۱۰ و ۱۹ و ۲۳، ۱۱:۱۳، ۱۳:۳ و ۱۶، ۱۴:۲۳، ۱۵:۲، ۱۷:۲۷ الی ۲۸، ۲۱:۲۳، ۲۹:۲۰)
 - x. حرفهای منحرفانه (۱۷:۲۰، ۱۹:۱)
 - b. پتانسیل مثبت، شفا دهنده و سازنده کلام انسانی
 - i. حرفهای صادقانه (۱۰:۱۱ و ۲۰ الی ۲۱، ۳۱ الی ۳۲، ۱۲:۱۴، ۱۳:۲، ۱۵:۲۳، ۱۶:۱۳، ۱۸:۲۰)
 - ii. سخنان سنجیده (۱۰:۱۳، ۱۱:۱۲)
 - iii. سخنان خردمندانه (۱:۱۵ و ۴ و ۷ و ۸، ۲۰:۱۵)
 - iv. حرفهای شفا دهنده (۱۵:۴)
 - v. پاسخهای مهربانانه (۱:۱۵ و ۴ و ۱۸ و ۲۳، ۱:۱۶، ۱۵:۲۵)
 - vi. پاسخهای دلپذیر (۲۵:۱۲، ۲۶:۱۵ و ۳۰، ۲۴:۱۶)
 - vii. حرفهای قانونمندانه و شریعت (۱۷:۲۲ الی ۲۱)
۳. الگوی عهد عتیق در عهد جدید ادامه دارد

- a. سخن گفتن ما را قادر می سازد تا با دیگران ارتباط برقرار کنیم و درباره اینکه چه احساسی نسبت به زندگی داریم حرف بزنیم. بنابراین، مشخص می کند که ما واقعا چه هستیم (انجیل متی ۱۲:۳۳ الی ۳۷، ۱:۱۵ الی ۲۰، انجیل مرقس ۷:۲ الی ۲۳)
- b. ما موجودات اجتماعی هستیم. ما نیازمند پذیرش و تأیید هستیم. ما از جانب و خدا و نیز از جانب هموعان خود به آن نیاز داریم. کلمات این قدرت را دارند تا این نیاز را تأمین کنند، هم به صورت مثبت (دوم تیموتائوس ۱:۱۵ الی ۱۷) و هم منفی (یعقوب ۲:۳ الی ۱۲).
- c. قدرت وحشتناکی در کلام انسان وجود دارد، قدرت برکت دادن و شفا بخشیدن (افسیسیان ۲۹:۴) و قدرت نفرین و تخریب (یعقوب ۳:۹). ما مسئول هر آنچه که می گوئیم، هستیم (انجیل متی ۱۲:۳۶ الی ۳۷، یعقوب ۲:۳ الی ۱۲)
- d. بر اساس گفته های خود مورد دآوری قرار خواهیم گرفت (انجیل متی ۱۲:۳۳ الی ۳۷، انجیل لوقا ۶:۳۹ الی ۴۵) و همچنین بر اساس اعمال خود (انجیل متی ۲۵:۳۱ الی ۴۶). هرگونه که رفتار کنیم به همان صورت هم حاصلش به ما باز می گردد

۷:۲۱ "از درون و دل انسان بیرون می آید" عیسی یک سری از اعمال و گرایشات گناه آلود را فهرست می کند. همین نوع گناهان توسط رواقیون نیز محکوم شده اند. پولس هم چندین فهرست همانند این دارد (مراجعه شود به رومیان ۱: ۲۹ الی ۳۱، اول قرنتیان ۵: ۱۱، ۶: ۹، دوم قرنتیان ۱۲: ۱۰، ۲۰، غلاطیان ۵: ۱۹ الی ۲۱، افسسیان ۴: ۳۱، ۵: ۳ الی ۴، کولسیان ۳: ۵ الی ۹، دوم تیموتائوس ۳: ۲ الی ۵). موضوع خاص: فساد و تقوا در عهد جدید در بخش مربوط به اول پطرس ۴: ۲ را مطالعه کنید.

■ "فساد" ریشه کلمه انگلیسی "پورنوگرافی" از ریشه یونانی همین کلمه است. معنی آن هر گونه فعالیت جنسی نامناسب است: سکس قبل از ازدواج، همجنس بازی، وحشیگری، و حتی رد مسئولیتهای Levirate (برادر با زن بیوه برادرش رابطه جنسی برقرار می کند تا وارثی بجا گذارد).

در عهد عتیق تمایز میان خیانت در ازدواج (زنا) و بی قیدی جنسی قبل از ازدواج (فساد) قائل است. با این حال این تمایز در عهد جدید از بین می رود.

■ "قتل، کارهای گناه آلود.... تکبر" همین اصطلاحات جهان گمراه را توصیف می کنند (مراجعه شود به رومیان ۱: ۲۹ الی ۳۱. آنان قلب خارج از کنترل را نشان می دهند، قلبی که بیشتر هر چیزی را، به هر قیمتی، برای خودش می خواهد).

■ "زنا" این از اصطلاح *moicheia* می آید، که اشاره به روابط جنسی خارج از ازدواج دارد (مراجعه شود به اول قرنتیان ۶: ۹ الی ۱۰). به صورت استعاره برای بت پرستی استفاده می شد. در عهد عتیق پیهو شوهر و اسرائیل همسر بود، بنابراین بدنبال خدایان دیگر رفتن نوعی بت پرستی بود.

■ "هوسرانی" در رومیان ۱۳: ۱۳ استفاده شده تا نشان دهد مومنین چگونه نباید زندگی کنند. در *Greek-English Lexicon of the New Testament Based on Semantic Domains* جلد اول، صفحه ۷۷۱ Louw و Nida این اصطلاح را به عنوان "رفتاری غیر اخلاقی و کاملاً فاقد خویشتنداری، معمولاً با حرکات شهوانی و جنسی" تعریف می کنند. توجه کنید که چه میزان از این اصطلاحات بر رابطه جنسی کنترل نشده دلالت دارند، که مشخصه کفار و گمراهان قرن اول است.

۷:۲۲ ترتیب فهرست گناهان از یک ترجمه به ترجمه دیگر متفاوت است. به طور خلاصه، زندگی به دور از خدا خارج از قیود است! فهرست پولس در غلاطیان ۵: ۱۹ الی ۲۱ شیطان را توصیف می‌کند و فهرست در غلاطیان ۵: ۲۲ الی ۲۳ خدایی بودن را.

NASB, NRSV, NJB "حسادت"
NKJV "عصر شیطان"
TEV "حسودی"

این به مفهوم "چشمان شیطانی" است (مراجعه شود به یادداشتها و پی‌نوشت‌های NASB). در خاور نزدیک مردم نسبت به اینکه کسی آنها را طلسم کند بسیار محتاط بودند (یعنی یک کار شیطانی). در عبری مفهوم حسادت درونی است (مراجعه شود به کتاب تثنیه ۱۵: ۹، امثال ۲۳: ۶).

NASB, NRSV, TEV, "تهمت"
NJB
NKJV "کفر"

مفهوم واقعی این اصطلاح کفر است، که یعنی چیزی در مورد کسی گفتن که درست نیست. می‌تواند به عنوان تهمت یا خطا در مورد خدا یا انسان استفاده شود (مراجعه شود به اعمال رسولان ۶: ۱۱، رومیان ۲: ۲۴).

■ "تکبر" این اشاره به فرد متکبر یا مغرور دارد (مراجعه شود به انجیل لوقا ۱: ۵۱، رومیان ۱: ۳۰، دوم تیموتائوس ۳: ۲، یعقوب ۴: ۶، اول پطرس ۵: ۵).
۷:۲۳ همسو در انجیل متی ۱۵: ۲۰ کل بحث را خلاصه می‌کند (مراجعه شود به اول سموئیل ۱۶: ۷).

NASB: انجیل مرقس ۷: ۲۴ الی ۳۰

^{۲۴}عیسی آنجا را ترک گفت و به نواحی صور و صیدون رفت. به خانه‌ای درآمد؛ اما نمی‌خواست کسی باخبر شود. با این حال نتوانست حضور خود را پنهان دارد. ^{۲۵}زنی که دختر کوچکش روح پلید داشت، چون شنید او آنجاست، بی‌درنگ آمد و به پاهای او افتاد. ^{۲۶}آن زن که یونانی و از مردمان فینیقیه سوریه بود، از عیسی تمنا کرد دیو را از دخترش بیرون کند. ^{۲۷}عیسی به او گفت: "بگذار نخست فرزندان سیر شوند، زیرا نان فرزندان را گرفتن و پیش سگان انداختن روا نیست." ^{۲۸}زن پاسخ داد: "بله، سرورم، اما سگان نیز در پای سفره از خرده‌های نان فرزندان می‌خورند." ^{۲۹}عیسی به او گفت: "به خاطر این سخت، برو که دیو از دخترت بیرون آمد!" ^{۳۰}آن زن چون به خانه رسید، دید که دخترش بر بستر دراز کشیده و دیو از او بیرون شده است.

۷:۲۴ "صور" در شمال غربی دریای جلیل، خارج از مرزهای سرزمین موعود عهد عتیق قرار دارد. عمدتاً در منطقه جلیل قرار داشت. عبارت و صیدون در برخی نسخ دستنویس یونانی وجود ندارد مانند D، L، و W ولی در انجیل متی ۱۵: ۲۱ و انجیل مرقس ۷: ۳۱ و دستنویس A، B، و والگیت و پشینا وجود دارد.

■ "با این حال نتوانست حضور خود را پنهان دارد" این نتیجه معجزاتش بود (مراجعه شود به انجیل مرقس ۳: ۸). حتی در منطقه عمدتاً جلیلی او نمی‌توانست استراحت کند و اوقات فراغت برای خود و شاگردانش داشته باشد.

۷:۲۵ "دختر کوچکش روح پلید داشت" اینکه چگونه کودکان در تسخیر شیطان قرار می‌گیرند نه در اینجا و نه در انجیل مرقس ۹: ۱۷ الی ۲۹ توضیح داده نشده است. در هیچیک از این موارد به نظر نمی‌رسد که یک تسخیر خانوادگی باشد (یعنی نسل به نسل شیطان از یک عضو خانواده به درون عضو دیگری رفته باشد). موضوع خاص: جن‌گیری در بخش مربوط به انجیل مرقس ۱: ۲۵ را مطالعه کنید.

■ "به پاهای او افتاد" این یک حرکت فرهنگی بود به نشانه (۱) تقاضای یک درخواست از شخصی که مقام بالایی دارد، یا (۲) فروتنی. احتمال دارد که او درباره معجزات عیسی شنیده باشد، و از روی یاس و ناامیدی، با ترس سراغ این ربی یهودی آمده باشد.

۷:۲۶ "از مردمان فینیقیه سوریه" به خاطر داشته باشید که عیسی به سایر کفار هم کمک کرده بود (مراجعه شود به انجیل مرقس ۵: ۱، ۱۱: ۱۷، انجیل متی ۸: ۵ الی ۱۳، انجیل یوحنا ۴)، ولی در چهارچوب جغرافیایی سرزمین موعود. اگر عیسی بشارت شفا دادن خود را در سرزمین کفار شروع می‌کرد، مردم عوام به واسطه تعصبات خود او را رد کرده بودند.

همسوی جالبی میان بشارت عیسی به زن فنیقیه‌ای و بشارت الیاس به یک زن فنیقیه‌ای در اول پادشاهان ۱۷ وجود دارد. در هر دو مورد محبت، توجه و کمک خدا برای کفار منفور وجود دارد. این می‌تواند یک شاهد دیگر بر مسیح بودن او باشد.

به چه زبانی تعامل میان این زن و عیسی صورت گرفت؟ بدیهی به نظر می‌رسد که باید به زبان یونانی انجام شده باشد. به دلیل بزرگ شدن در شمال فلسطین، عیسی سه زبانه بود. در انجیل لوقا ۴: ۱۶ الی ۲۰ عیسی از کتیبه عبری اشعیا می‌خواند. او عبری انجیلی را در مدرسه کنیسه آموخته بود. او معمولاً به زبان آرامی صحبت می‌کرد. او می‌توانست به یونانی کوبین صحبت کند (یعنی مکالمات خصوصی با پیلاتس).

■ "تمنا کرد" این زمان غیر کامل است و او مرتب درخواست می‌کرد.

■ "دیو را از دخترش بیرون کند" این وجه شرطی آئوریست فعال است. او هنوز در مورد توانایی عیسی یا تمایل او به انجام این کار تردید داشت، به همین دلیل در قالب وجه شرطی بیان شده است.

۷: ۲۷ "فرزندان" این اصطلاح خانوادگی اشاره به اسرائیل دارد (مراجعه شود به انجیل متی ۱۵: ۲۴).

۷: ۲۷ الی ۲۸

NASB, NRSV, TEV "سگان"

NKJV, NJB "سگ های کوچک"

این تنها جایی است در عهد جدید که از این اصطلاح استفاده شده است. سختی آن با این واقعیت که در شکل توله سگ است، کاهش می‌یابد (یعنی *kunarion*)، "توله سگ" (در NJB "سگ خانگی" آمده است). یهودیان برای تمسخر، به کفار سگ می‌گفتند. نیت این مکالمه کمک به شاگردان بر غلبه در برابر تعصب نسبت به کفار بود (مراجعه شود به انجیل متی ۱۵: ۲۳). عیسی تشخیص داد و در ملا عام تأیید کرد که ایمان این زن عظیم بود (مراجعه شود به انجیل متی ۱۵: ۲۸).

۷: ۲۸ "سرورم" احتمالاً این در قالب کاربرد فرهنگی آقا یا ارباب استفاده شده است، همانند انجیل یوحنا ۴: ۱۱. جالب است که این تنها مثال در مورد سخن گفتن *kurios* عیسی در انجیل مرقس است.

■ "فرزندان" این به مفهوم بچه‌های کوچک (*paidion*) است. در این متن چندین حالت از اصطلاح کوچک یافت می‌شود. در *Word Pictures in the New Testament* جلد اول صفحه ۳۲۶ A. T. Robertson می‌گوید "بچه‌های کوچک عمداً تکه‌های خرده نان را برای سگ بر روی زمین می‌اندازند." آدم آرزو می‌کند که ای کاش حالت تن صدا، حالت چهره و زبان بدن عیسی هم می‌شد ثبت شود. فکر می‌کنم این مواجهه مثبت‌تر آن چیزی بود که بتوان آن را ثبت کرد.

■ "خرده‌های نان فرزندان" ثروتمندان از نان برای تمیز کردن دستهای خود پس از غذا استفاده می‌کردند، همانند دستمال.

۷: ۲۹ "به خاطر این سخنت" عیسی تحت تاثیر استقامت و ایمان این مادر قرار گرفت (مراجعه شود به انجیل متی ۱۵: ۲۸). عیسی بارها مردمان زیادی را به واسطه ایمان فرد دیگری شفا داد (مراجعه شود به انجیل مرقس ۲: ۳ الی ۱۲، ۹: ۱۴ الی ۲۹، انجیل متی ۸: ۵ الی ۱۳).

■ "برو که دیو از دخترت بیرون آمد" این زن به عیسی ایمان داشت و اینکه می‌توانست می‌تواند حتی از راه دور و بدون استفاده از مراسمی خاص و یا جادو دیو را بیرون براند.

۷: ۲۹ و ۳۰ "آمد" در انجیل مرقس ۷: ۲۹ زمان اخباری کامل فعال و در انجیل مرقس ۷: ۳۰ وجه وصفی کامل فعال است، که تمرکز آن بر نتیجه اعمال گذشته است. دیو بیرون رفته است و دور خواهد ماند.

۷: ۳۰ "دخترش بر بستر دراز کشیده" این وجه وصفی کامل مجهول است که میتوان به دو شیوه آن را درک کرد: (۱) دیو با خشونت او را ترک کرده (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱: ۲۶، ۹: ۲۶) و دختر را بر روی تخت پرت کرده است یا (۲) حالت دیو زدگی او را بیمار کرده بود.

NASB: انجیل مرقس ۷: ۳۱ الی ۳۷

^{۳۱}عیسی از ناحیه صور بازگشت و از راه صیدون به سوی دریاچه جلیل رفته، از میان قلمرو دکاپولیس عبور می‌کرد. ^{۳۲}در آنجا مردی را نزد او آوردند که هم کر بود و هم لکنت زبان داشت. از عیسی التماس کردند دست خویش را بر او بنهد. ^{۳۳}عیسی آن مرد را از میان جماعت بیرون آورده، به کناری برد و انگشتان خود را در گوشهای او گذاشت. سپس آب دهان انداخت و زبان آن مرد را لمس کرد. ^{۳۴}آنگاه به سوی آسمان نظر کرده، آه عمیقی کشید و گفت: «إفْتَحْ!» یعنی "باز شو!" ^{۳۵}در دم گوشهای آن مرد باز شد و گرفتگی زبانش برطرف گردید و توانست به راحتی سخن گوید. ^{۳۶}اما عیسی آنها را قدغن کرد که این موضوع را به کسی نگویند. ولی هر چه بیشتر قدغنشان می‌کرد، بیشتر از این واقعه سخن می‌گفتند. ^{۳۷}مردم با حیرت بسیار می‌گفتند: "هر چه او کرده، نیکوست؛ حتی کران را شنوا و گنگان را گویا می‌کند!"

۷: ۳۱ این توصیف جغرافیایی نامعمول است. صیدون در شمال صور در کناره ساحل قرار داشت، در حالی که دکاپولیس در جنوب و شرق دریای جلیل قرار داشت. NKJV می‌گوید "ناحیه صور و صیدون را ترک کرد"، ولی W, A, P^{45} و پشتینا آن را پشتیبانی نمی‌کنند. بیشتر منتقدین متنی سخن سخت‌تر را پشتیبانی می‌کنند که می‌گویند عیسی قبل از رفتن به جنوب به شمال و شرق رفت.

■ "دریای جلیل" به این فضای آبی در (۱) عهد عتیق جنیساره و (۲) دریای جنیساره در انجیل لوقا ۵: ۱ و (۳) دریای تیبیره در طول قرن اول در دوران رومیان در انجیل یوحنا ۶: ۱، ۲۱: ۱ نامیده می‌شد.

■ "قلمرو دکاپولیس" این ناحیه دیوهای جراسیان بود (مراجعه شود به انجیل مرقس ۵: ۱ الی ۲۰). همچنین تا شرق و جنوب دریای جلیل منطقه کفار بود. بشارت عیسی در این نواحی علاقه او را به کفار نشان می‌دهد.

۷: ۳۲ "هم‌گر بود و هم‌لکنت زبان داشت" این اصطلاح فقط در اینجا در عهد جدید و در انجیل Septaugiant در اشعیا ۳۵: ۶ استفاده شده است. آیه ۳۷ می‌تواند مرتبط با اشعیا ۳۵: ۵ الی ۶ باشد، که بشارت شفا دادن مسیح در آینده را توصیف می‌کند.

■ "دست خویش را بر او بنهد" موضوع خاص زیر را مطالعه کنید

موضوع خاص: دست نهادن در انجیل

(SPECIAL TOPIC: LAYING ON OF HANDS IN THE BIBLE)

این حرکت حضور فردی به شیوه‌های مختلف در انجیل استفاده شده است.

۱. سوگند خوردن (دست بر زیر ران گذاشتن، مراجعه شود به کتاب پیدایش ۲: ۲۴ و ۹، ۴۷: ۲۹)
 ۲. انتقال رهبری خانواده (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۴۸: ۱۴ و ۱۷ و ۱۸)
 ۳. به رسمیت شناختن مرگ حیوان قربانی به عنوان جایگزین
 ۴. کشیشان (مراجعه شود به کتاب خروج ۲۹: ۱۰ و ۱۵ و ۱۹، لاویان ۱۶: ۲۱، اعداد ۱۲: ۸)
 ۵. افراد غیر رسمی (مراجعه شود به لاویان ۴: ۱، ۳: ۲، ۸ و ۴: ۴ و ۱۵ و ۲۴، دوم تواریخ ۲۳: ۲۹)
 ۶. انتصاب فردی برای خدمت به خدا برای کار یا بشارتی خاص (مراجعه شود به اعداد ۸: ۱۰، ۲۷: ۱۸ و ۲۳، تثنیه ۹: ۳۴، اعمال رسولان ۶: ۶، ۱۳: ۳، اول تیموتائوس ۴: ۱۴، ۵: ۲۲، دوم تیموتائوس ۱: ۶)
 ۷. شرکت کردن در سنگسار کردن فردی گناهکار (مراجعه شود به لاویان ۱۴: ۲۴)
 ۸. دست گذاشتن بر روی دهان فرد به معنی سکوت و یا تساهل است (مراجعه شود به داوران ۱۹: ۱۸، یعقوب ۵: ۲۱، ۲۹: ۹، ۴۰: ۴، میکاه ۷: ۱۶)
 ۹. دست بر روی دست خود گذاشتن به معنی تاسف و عزاداری است (دوم سموئیل ۱۹: ۱۳)
 ۱۰. دریافت کردن نعمتی برای شفا، شادی و خدایی بودن (مراجعه شود به انجیل متی ۱۳: ۱۹ و ۱۵، انجیل مرقس ۱۰: ۱۶)
 ۱۱. در رابطه با شفای فیزیکی (مراجعه شود به انجیل متی ۳: ۸، ۹: ۱۸ و ۲۰، انجیل مرقس ۵: ۲۳، ۵: ۵، ۶: ۳۲، ۷: ۳۲، ۸: ۲۳، ۱۶: ۱۸، انجیل لوقا ۴: ۴۰، ۱۳: ۱۳، اعمال رسولان ۹: ۱۷، ۲۸: ۸)
 ۱۲. دریافت کردن روح القدس (مراجعه شود به اعمال رسولان ۸: ۱۷ الی ۱۹، ۹: ۱۷، ۱۹: ۶، به تثنیه ۹: ۳۴ هم توجه کنید) به طور شگفت‌انگیزی در اصطلاحاتی که از لحاظ تاریخی برای حمایت از انتصاب رهبران کلیساها استفاده شده است، ناهمگونی متنی وجود دارد (یعنی هماهنگی، به موضوع خاص: هماهنگی مراجعه شود).
۱. در اعمال رسولان ۶: ۶ این شاگردان هستند که بر روی آن هفت نفر برای بشارت دست می‌نهند
 ۲. در اعمال رسولان ۱۳: ۳ پیامبران و معلمین هستند که بر روی بارناباس و پولس برای ماموریت بشارتی دست می‌نهند.
 ۳. در اول تیموتائوس ۴: ۱۴ بزرگان محلی هستند که در فراخوانی اولیه تیموتائوس و انتصاب حضور دارند.
 ۴. در دوم تیموتائوس ۱: ۶ پولس است که بر تیموتائوس دست می‌نهد
- این تنوع و ابهام فقدان سازماندهی در کلیسای قرن اول را به تصویر می‌کشد. کلیسای اولیه به مراتب پویاتر بود و به طور منظم برکات معنوی مومنین را دریافت می‌کرد (مراجعه شود به اول قرن‌تین ۱۲ و ۱۴). خیلی ساده، عهد جدید برای حمایت و یا طراحی یک مدل دولتی و یا فرایندهای ناهمگونی نوشته نشده است (به اعمال رسولان ۱۵ مراجعه شود). سنت‌های ساختاری کلیسا ضروری هستند، ولی انجیلی نیستند. خداشناس بودن رهبری بسیار مهمتر از حالت رهبری است.

۷: ۳۳ "آن مرد را از میان جماعت بیرون آورده، به کناری برد" این هم برای متوقف کردن داستان سرایی کردن در مورد شفا دادن و هم احساس آرامش دادن بر آن مرد بود (مراجعه شود به انجیل مرقس ۸: ۲۳).

■ "انگشتان خود را در گوشه‌های او گذاشت" عیسی سعی می‌کرد به شیوه قابل قبول از نظر فرهنگی آن دوران (یعنی، انگشت درگوش و آب دهان بر روی زبان) با آن مرد ارتباط برقرار کند.

■ "زبان آن مرد را لمس کرد" آب دهان به عنوان دارو در منطقه مدیترانه قرن اول به صورت متداول استفاده می‌شد. این کار برای بالابردن ایمان فرد بود.

۷: ۳۴ "به سوی آسمان نظر کرده" این شیوه استاندارد یهودیان برای دعا کردن در روزگار عیسی بود (یعنی ایستادن، چشمان باز، سر به بالا، دستان به سمت بالا).

■ "آه عمیقی کشید" این اشاره به یک صدای درست ادا نشده دارد که بیان کننده احساسات قوی است (مراجعه شود به رومیان ۴، ۸: ۲۲ الی ۲۳، دوم قرن‌تین ۵: ۱۲). اعم از اینکه مثبت (مراجعه شود به انجیل مرقس ۷: ۳۴، رومیان ۸: ۲۶) یا منفی (مراجعه شود به اعمال رسولان ۷: ۳۴، یعقوب ۵: ۹) باشد، بستگی به مفهوم متن دارد. این می‌تواند آشکار کننده اندوه عیسی نسبت به گناه و بیماری در دنیایی که به واسطه یاغیان طرد شده، باشد. حالت ترکیبی این اصطلاح در انجیل مرقس ۸: ۱۲ دیده می‌شود.

■ "اِفْتَح" این به زبان آرامی و زمان امری اَنُورِیست مجهول است، به معنی "باز شو" (و باز شدند، مراجعه شود به انجیل مرقس ۷: ۳۵). پطرس به خاطر می‌آورد این کلمات آرامی را دقیقاً به خاطر می‌آورد و مرقس آنها را به یونانی برای خوانندگان کافر (یعنی رومیان) به زبان یونانی ترجمه می‌کند. یادداشت مربوط به انجیل مرقس ۵: ۴۱ را مطالعه کنید.

۷: ۳۶ "آنها را قدغن کرد که این موضوع را به کسی نگویند" دلیل این امر آن بود که خبر خوش هنوز کامل نشده بود. عیسی نمی‌خواست به عنوان فقط شفا دهنده شناخته شود. فشار جمعیت خودش مشکلی بود. راز مسیحیت مشخصه انجیل مرقس است. با این وجود، جالب است که عیسی کارهای بسیاری در انجیل مرقس کرد که چیزهای زیادی را درباره خودش آشکار کند. عیسی به وضوح خود را به عنوان مسیح آشکار می‌کند و توقعات جاری یهودیان را برای آنان که بینش معنوی داشتند تحقق بخشید.

۷: ۳۷ شفا دادن مرد کر به وضوح یک معجزه مسیح است (مراجعه شود به اشعیا ۳۵: ۵ الی ۶).

■ "هر چه او کرده، نیکوست" این زمان اخباری کامل فعال است. یک توصیف مختصر که از جانب مردم شمال فلسطین ابراز شده است.

سوالاتی برای بحث

این یک راهنمای مطالعاتی است، که بدین معنی است که شما خودتان مسئول تفسیر انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر خودمان گام برداریم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. شما نباید این امر را به یک مفسر واگذار کنید. این سوالات مباحثاتی به منظور کمک به شما در تفکر نسبت به مسائل اصلی این بخش از کتاب مطرح شده اند. آنها صرفاً تفکر برانگیز هستند نه قطعی.

۱. چگونه باید با سنتها رابطه داشته باشیم؟ سنت را توضیح دهید
۲. آیا عیسی عهد عتیق را کنار می‌گذاشت؟ اگر چنین بود چگونه ما با عهد عتیق به عنوان منبع الهام برخورد کنیم؟ (انجیل مرقس ۷: ۱۹)
۳. تفاوت دیدگاه عیسی از مذهب و دیدگاه فریسیان را توضیح دهید
۴. چرا عیسی به سرزمین کفار رفت؟ (انجیل مرقس ۷: ۲۴)
۵. چگونه یک کودک دیو زده می‌شود؟ آیا این اتفاق امروز هم می‌افتد؟ (انجیل مرقس ۷: ۲۵)
۶. چرا عیسی به آنان گفت که در مورد شفا یافتن مرد چیزی به کسی نگویند؟ (انجیل مرقس ۷: ۳۶).

مرقس ۸

پاراگراف‌های ترجمه‌های مدرن

UBS ⁴	NKJV	NRSV	TEV	NJB
خوراک دادن به چهار هزار نفر ۸: ۱ الی ۱۰	خوراک دادن به چهار هزار نفر ۸: ۱ الی ۱۰	به چهار هزار نفر خوراک داده شد ۸: ۱ الی ۱۰	عیسی به چهار هزار نفر خوراک می‌دهد ۸: ۱ الی ۳ ۸: ۴ ۸: ۵ ۸: ۶ الی ۱۰	دومین معجزه نان ۸: ۱ الی ۱۰
درخواست یک معجزه ۸: ۱۱ الی ۱۳	فریسیان معجزه درخواست کردند ۸: ۱۱ الی ۱۲ مراقب خمیرمایه فریسیان و هیروود باشید ۸: ۱۳ الی ۲۱	تقاضای معجزه کردن ۸: ۱۱ الی ۱۳	فریسیان تقاضای معجزه کردند ۸: ۱۱ الی ۱۲ ۸: ۱۳	فریسیان تقاضای معجزه‌ای از بهشت کردند ۸: ۱۱ الی ۱۳
خمیرمایه فریسیان و هیروود ۸: ۱۴ الی ۲۱		خمیرمایه فریسیان ۸: ۱۴ الی ۲۱	خمیرمایه فریسیان و هیروود ۸: ۱۴ الی ۱۵ ۸: ۱۶ ۸: ۱۷ الی ۱۹ ۸: ۲۰ ۸: ۲۱	خمیرمایه فریسیان و هیروود ۸: ۱۴ الی ۲۱
شفا یافتن یک نابینا در بیت صیدا ۸: ۲۲ الی ۲۶	یک نابینای فلج در بیت صیدا شفا می‌یابد ۸: ۲۲ الی ۲۶	مرد نابینا شفا می‌یابد ۸: ۲۲ الی ۲۶	عیسی یک مرد نابینا را در بیت صیدا شفا می‌دهد ۸: ۲۲ الی ۲۳ ۸: ۲۴ ۸: ۲۵ الی ۲۶	شفای مرد نابینا در بیت صیدا ۸: ۲۲ الی ۲۶
اقرار پطرس درباره عیسی ۸: ۲۷ الی ۳۰	پطرس اقرار می‌کند که عیسی همان مسیح است ۸: ۲۷ الی ۳۰	اقرار پطرس ۸: ۲۷ الی ۳۰	اعلام پطرس درباره عیسی ۸: ۲۷ ۸: ۲۸ ۸: ۲۹ الف ۸: ۲۹ ب ۸: ۳۰	اقرار به ایمان پطرس ۸: ۲۷ الی ۳۰
عیسی مرگ و رستخیزش را پیش بینی می‌کند ۸: ۳۱ الی ۹: ۱	عیسی مرگ و قیام خود از مردگان را پیشگویی می‌کند ۸: ۳۱ الی ۳۳ صلیبت را بردار و از پی او برو ۸: ۳۴ الی ۹: ۱	۸: ۳۱ الی ۳۳ شاگردی ۸: ۳۴ الی ۹: ۱	عیسی درباره رنج و مرگ صحبت می‌کند ۸: ۳۱ الی ۳۳ ۸: ۳۴ الی ۹: ۱	اولین نبوت محبت ۸: ۳۱ الی ۳۳ شرایط پیروی از عیسی ۸: ۳۴ الی ۹: ۱

مطالعه حلقه سوم (رجوع کنید به "سینار تفسیر کتاب مقدس")

به دنبال نیت اصلی نویسنده در سطوح پاراگراف

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید. کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص نمایید (مطالعه حلقه شماره ۳). تقسیمات موضوعی خود را با پنج ترجمه بالا مقایسه کنید. پاراگراف بندی به نویسنده الهام نشده است، اما کلید پیگیری اهداف اصلی نویسنده است که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول
۲. پاراگراف دوم
۳. پاراگراف سوم
۴. غیره

همسوها در انجیل

۱. نمی‌دانیم که عیسی اغلب به مردم غذا می‌داد یا به دلایلی خاص، به دلایلی این امر برای مفسرین عصر مدرن نامشخص است، این واقعه تکرار شده است (یعنی ۶: ۳۴ الی ۴۴، و ۸: ۱ الی ۱۰)
۲. انجیل مرقس ۸: ۱۰ الی ۱۲ همسو با انجیل متی ۱۵: ۳۹ الی ۱۶: ۴ است
۳. انجیل مرقس ۸: ۱۳ الی ۲۶ همسو با انجیل متی ۱۶: ۵ الی ۱۲ است
۴. انجیل مرقس ۸: ۲۷ الی ۳۰ همسو با انجیل متی ۱۶: ۱۳ الی ۲۰ و انجیل لوقا ۹: ۱۸ الی ۲۱ است
۵. انجیل مرقس ۸: ۳۱ الی ۳۷ همسو با انجیل متی ۱۶: ۲۱ الی ۲۶ و انجیل لوقا ۹: ۲۲ الی ۲۵ است
۶. انجیل مرقس ۸: ۳۸ الی ۹: ۱ همسو با انجیل متی ۱۶: ۲۷ الی ۲۸ و انجیل لوقا ۹: ۲۶ الی ۲۷ است

مطالعه کلمات و عبارات

NASB: انجیل مرقس ۸: ۱ الی ۱۰

۱ در آن روزها، باز جمعیتی انبوه گرد آمدند و چون چیزی برای خوردن نداشتند، عیسی شاگردان خود را فرا خواند و به ایشان فرمود: "دلم بر حال این مردم می‌سوزد، زیرا اکنون سه روز است که با منند و چیزی برای خوردن ندارند." اگر آنها را گرسنه روانه کنم تا به خانه‌های خود بروند، در راه از پا در خواهند افتاد، زیرا برخی از ایشان از راه دور آمده‌اند." شاگردان در پاسخ گفتند: "در این بیابان از کجا کسی می‌تواند برای سیر کردن آنها نان فراهم آورد؟" عیسی پرسید: «چند نان دارید؟» گفتند: "هفت نان." آنگاه جماعت را فرمود تا بر زمین بنشینند. سپس هفت نان را گرفت و پس از شکرگزاری، پاره کرده، به شاگردان خود داد تا پیش مردم بگذارند؛ و شاگردان نیز چنین کردند. چند ماهی کوچک نیز داشتند. پس عیسی آنها را برکت داده، فرمود تا پیش مردم بگذارند. همه خوردند و سیر شدند و هفت زنبیل نیز پر از خرده‌های باقی‌مانده برگرفتند. در آنجا حدود چهار هزار تن بودند. سپس عیسی جماعت را مرخص کرد^۱ و بی‌درنگ با شاگردان سوار قایق شد و به ناحیه دلمانوته رفت.

۸: ۱ "در آن روزها" این ماجرا در ناحیه کفار دکاپولیس رخ داد (مراجعه شود به انجیل مرقس ۷: ۳۱).

■ "باز جمعیتی انبوه گرد آمدند" این مشخصه بشارت عیسی در طول دوران بشارتش است.

۸: ۲ "دلم بر حال این مردم می‌سوزد" اصطلاح دل سوختن از اصطلاح یونانی برای اعضای پائینی بدن می‌آید (کبد، کلیه، شکم). در عهد عتیق یهودیان برای بیان احساسات از اندامهای پائینی بدن استفاده می‌کردند.

عیسی عاشق مردم بود (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱: ۴۱، ۶: ۳۴، ۸: ۲، ۹: ۲۲، انجیل متی ۹: ۳۶، ۱۴: ۴۱، ۱۵: ۳۲، ۱۸: ۲۷، ۲۰: ۳۴، انجیل لوقا ۷: ۱۳، ۱۰: ۳۳). این مردن در تمام طول زندگی توسط ربی‌ها طرد شده بودند. آنها به توجه عیسی هجوم آورده بودند.

■ "سه روز است که با منند" این زمان بسط یافته تعالیم بود. یهودیان روزها را از غروب تا غروب محاسبه می‌کردند. هر بخشی از روز حساب می‌شد، بنابراین این الزاما به معنی سه روز کامل یا ۲۴ ساعت نیست. آنها نمی‌توانستند جایی بروند و غذای بیشتری بخرند. هر آنچه را که با خود آورده بودند، خورده بودند.

۸: ۳ "اگر" این جمله شرطی نوع سوم است، که از احتمال بروز رخداد سخن می‌گوید. عیسی نمی‌گوید که آنها در مرحله از حال رفتن فیزیکی هستند، ولی برخی بیمار و ضعیف هستند و ممکن است غش کنند.

■ "در راه از پا در خواهند افتاد" این از پا در افتادن به دلیل غذا نخوردن بود. به داوران ۸: ۱۵ و مراثی ارمیا ۲: ۱۹ در *Septaugint* مراجعه کنید. آنها تمام خوراکی را که آورده بودند خورده بودند و در حال روزه بودند.

■ "برخی از ایشان از راه دور آمده‌اند" این نشان می‌دهد که تا چه وسعتی شهرت عیسی و معجزاتش پخش شده بود. مردم مایوس برای کمک هر جایی می‌روند و از هر کسی کمک می‌خواهند.

۸: ۴ "در این بیابان از کجا کسی می‌تواند برای سیر کردن آنها نان فراهم آورد" حتی اگر پول داشتند باز هم جایی برای خرید خوراک وجود نداشت. عیسی به شیوه خودش ایمان شاگردان را می‌آزمود. آنها دوباره شکست خوردند (مراجعه شود به انجیل مرقس ۶: ۳۴ الی ۴۴).

۸: ۶ "بنشینند" این اشاره به حالت نشستن دارد که دلالت بر آماده شدن برای خوراک است.

۸: ۶ الی ۸ "نان... ماهی" این خوراک معمول آن روزگار در فلسطین بود. این مشابه ۶: ۳۴ الی ۴۴ است.

■ "شکر گزاری" این دعا کردن برای خوراک توجه روزانه خدا را تأیید می‌کند (مراجعه شود به انجیل متی ۶: ۱۱). عیسی همیشه قبل از خوردن دعا می‌کرد.

■ "پاره کرده.... پیش مردم بگذارند" این زمان آنوریست و بدنبال آن زمان غیر کامل است. معجزه چند برابر شدن همانند انجیل مرقس ۶: ۴۱، زمانی صورت گرفت که عیسی نان را پاره کرد.

۸: ۸ "هفت زنبیل نیز پر از خرده‌های باقی‌مانده" این اصطلاحی متفاوت از ۶: ۴۳ برای سبد است. این سبدها بسیار بزرگ بودند (مراجعه شود به اعمال رسولان ۹: ۲۵). این خرده‌های باقیمانده برای استفاده بعدی گردآوری شدند. با این حال، از انجیل مرقس ۸: ۱۴ در می‌یابیم که شاگردان آنها را فراموش کرده و جا گذاشتند.

۸: ۹ "حدود چهار هزار تن" انجیل متی ۱۵: ۳۸ "مردان" را اضافه می‌کند، که یعنی جمعیت بیشتر بود. احتمالاً تعداد زنان و کودکان در این جای دور افتاده زیاد نبود، ولی یقیناً تعدادی بودند.

۸: ۱۰ "بی درنگ" به یادداشت مربوط به انجیل مرقس ۱: ۱۰ مراجعه کنید.

■ "ناحیه دکلانوته" چندین تنوع در این عبارت وجود دارد. مسئله اینجاست که هیچ مکانی به این اسم در فلسطین روزگار عیسی وجود نداشت. بنابراین کاتبین نام مکان را تغییر دادند تا با مجدن در انجیل متی مطابقت داشته باشد (مجدل در NKJV).

NASB: انجیل مرقس ۸: ۱۱ الی ۱۲

۱۱ فریسیان نزد عیسی آمدند و با او به مباحثه نشستند. آنها برای آزمایش، آیتی آسمانی از او خواستند. ^{۱۲} اما عیسی آهی از دل برآورد و گفت: "چرا این نسل خواستار آیت است؟ آمین، به شما می‌گویم، هیچ آیتی به آنها داده نخواهد شد."

۸: ۱۱ "فریسیان نزد عیسی آمدند و با او به مباحثه نشستند" این یک واقعه معمول بود. آنان نمی‌توانند اقتدار، قدرت یا محبوبیت او را انکار کنند، بنابراین سعی می‌کردند با حلیه پاسخ‌سوالاتی را بگیرند که بتوانند بر حضار تاثیر بگذارند. موضوع خاص: فریسیان در بخش مربوط به انجیل مرقس ۲: ۱۶ را مطالعه کنید.

■ "آیتی آسمانی" در انجیل یوحنا آیت معنی خاصی دارد، ولی در اینجا اشاره به درخواست فریسیان برای اثبات اقتدارش است، احتمالاً (۱) پیش‌گویی (مراجعه شود به تثنیه ۱۳: ۲ الی ۵، ۱۸: ۱۸ الی ۲۲)، (۲) یک آیت آسمانی (مراجعه شود به اشعیا ۷: ۱۱، ۳۸: ۷ الی ۸) یا (۳) آیتی در رابطه با مکاشفه (پیروزی نظامی بر دشمنان).

■ "برای آزمایش" کلمه *peirazō* مفهوم سعی کردن، آزمودن، وسوسه کردن "با دیدگاه خراب کردن" دارد. این ممکن است یک اشاره پوشیده به بی‌ایمانی بیابان گردان داشته باشد (مراجعه شود به کتاب خروج ۱۷: ۷، اعداد ۱۴: ۱۱ الی ۱۲ و ۲۲، تثنیه ۳۳: ۸). موضوع خاص در مورد اصطلاحات یونانی برای آزمودن در بخش مربوط به انجیل مرقس ۱: ۱۳ مراجعه کنید.

۸: ۱۲ "آهی از دل برآورد" این ترکیبی و در نتیجه حالت تشدید شده "ناله کردن" است (مراجعه شود به انجیل مرقس ۷: ۳۴). عیسی پیشتر به وی اقتدارش را با گفتار و اعمالش نشان داده بود، ولی کوری معنوی باقیمانده بود.

■ "در روح" (توضیح مترجم: در متن انگلیسی این آیه به صورت "عیسی در روح آهی از دل برآورد" نوشته شده که در ترجمه فارسی "در روح" ترجمه نشده است) این اشاره به فرد بودن عیسی دارد (مراجعه شود به انجیل مرقس ۲: ۸). این همان مفهوم انجیل مرقس ۱۴: ۳۸ در رابطه با انسان بودن او را دارد. اصطلاح روح در انجیل مرقس برای موارد زیر استفاده شده است:

۱. روح القدس (انجیل مرقس ۱: ۱۰ و ۱۲)

۲. ارواح ناپاک (یعنی دیوها، انجیل مرقس ۱: ۲۳ و ۲۶ و ۲۷، ۳: ۱۱ و ۳۰، ۵: ۲ و ۸ و ۱۳، ۶: ۷، ۷: ۲۵، ۹: ۱۷ و ۲۰ و ۲۵)

۳. روح انسان (انجیل مرقس ۲: ۸، ۸: ۱۲، ۱۴: ۳۸)

■ "این نسل" این اصطلاح مفهوم عهد عتیقی دارد در رابطه با دوران بیابانگردی (مراجعه شود به اعداد ۳۲: ۱۳، تثنیه ۱: ۳۵، ۳۲: ۵ و ۲۰)

■ "واقعا" (توضیح مترجم: در متن انگلیسی کلمه "واقعا" نوشته شده ولی در ترجمه فارسی "آمین" ترجمه شده است). این به مفهوم آمین است. موضوع خاص: آمین در بخش مربوط به انجیل مرقس ۳: ۲۸ را مطالعه کنید.

■ "به شما می‌گویم، هیچ آیتی به آنها داده نخواهد شد" این یک اصطلاح عبری برای بیان نفی قوی (یک عبارت شرطی یونانی نیست) است که شامل درک مطلب و عدم بیان آن است. هنگامیکه با انجیل متی ۱۶: ۴ مقایسه می‌کنیم، به صورت بدیهی منظور عیسی این است که هیچ آیت دیگری ارائه نخواهد داد. عیسی آیات بشماره‌ی را به آنها نشان داد (یعنی تحقق نبوت‌های عهد عتیق در اعمال و گفته‌هایش)، ولی ایشان هم آنها را رد کردند و نپذیرفتند و هم عیسی را زیرا او سنتها، موقعیت فرهنگی و محبوبیتشان را به چالش کشیده بود.

۸: ۱۳ عیسی به صورت گسترده‌ای در شمال فلسطین سفر می‌کرد زیرا او می‌خواست همه پیامش را بشنوند و همچنین به واسطه ازدحام جمعیت مرتب جابجا می‌شد.

NASB: انجیل مرقس ۸: ۱۴ الی ۲۱

^{۱۴} اما شاگردان فراموش کرده بودند با خود نان بردارند، و در قایق بیش از یک نان نداشتند. ^{۱۵} عیسی به آنان هشدار داد و فرمود: "آگاه باشید و از خمیرمایه فریسیان و خمیرمایه هیرودیس دوری کنید". ^{۱۶} پس شاگردان در این باره که نان ندارند شروع به بحث با یکدیگر کردند. ^{۱۷} عیسی که این را دریافته بود، به آنها گفت: "چرا درباره اینکه نان ندارید با هم بحث می‌کنید؟ آیا هنوز نمی‌دانید و درک نمی‌کنید؟ آیا دل شما هنوز سخت است؟ ^{۱۸} آیا چشم دارید و نمی‌بینید و گوش دارید و نمی‌شنوید؟ و آیا به یاد ندارید؟ ^{۱۹} هنگامی که پنج نان را برای پنج هزار تن پاره کردم، چند سبد پر از تکه‌های باقی‌مانده برگرفتید؟" گفتند: «دوازده سبد». ^{۲۰} و چون هفت نان را برای چهار هزار تن، چند زنبیل پر از تکه‌های باقی‌مانده برگرفتید؟" گفتند: "هفت زنبیل". ^{۲۱} آنگاه عیسی بدیشان فرمود: "آیا هنوز درک نمی‌کنید؟"

۸: ۱۴ این یک شهادت عینی بدیهی از سوی پطرس است.

۸: ۱۵ "به آنان فرمود" این زمان غیر کامل میانی اخباری از اصطلاح "دستور دادن با اقتدار" است (مراجعه شود به انجیل مرقس ۵: ۴۳، ۷: ۳۶، ۸: ۱۵، ۹: ۹). این اصطلاح مشخصه انجیل مرقس است (یعنی در اغلب موارد در رابطه با "راز مسیح" است).

NASB, NRSV "مراقب باشید!"

NKJV "توجه کنید"

TEV "دقت کنید"

NJB "چشمانتان را باز کنید"

این به مفهوم "بینید" (یعنی *horaō*) است. این زمان کامل فعال امری است، که دلالت بر تداوم سخت کوشی و هوشیاری مداوم دارد.

NASB, NRSV "بر حذر باشید"

NKJV

TEV "حواستان باشد"

NJB "مراقب باشید"

این نیز زمان حال فعال امری است. هر دو این دستورات تند از کلمات متفاوت یونانی که به معنی "دیدن" است (یعنی *horaō* و *blepō*) می‌آیند، و دلالت بر این دارند که مومنین باید به صورت مستمر (مراجعه شود به انجیل مرقس ۴: ۲۴، ۱۲: ۳۸، ۱۳: ۵ و ۹ و ۲۳ و ۳۳) در برابر خود-عادل بینی و نهادگرایی مراقب باشند.

■ "هیروود" کاتبین اولیه سعی داشتند که گفته‌های عیسی را استاندارد و یکسان سازند. در انجیل مرقس ۳: ۶ و ۱۲: ۱۳ عیسی می‌گوید "هیروودیان"، بنابراین دستنویس یونانی G، P⁴⁵ و W و همچنین برخی ترجمه‌های والگیت و کپتیک این حالت را تغییر دادند. در نسخ دستنویس یونانی حالت مضاف‌الیه دیده می‌شود (مراجعه شود به A، B، C، D، MSS، M، A، B، C، D). موضوع خاص در مورد خانواده هیروود در بخش مربوط به انجیل مرقس ۱: ۱۴ را مطالعه کنید.

■ "خمیرمایه" این معمولا نماد فساد است، همانطور که در این متن دیده می‌شود (مراجعه شود به اول قرن‌تین ۵: ۶ الی ۸، غلاطیان ۵: ۹). ممکن است این یک بازی با کلمات زبان آرامی باشد زیرا اصطلاح "خمیرمایه" و "کلمه" در این زبان بسیار شبیه هم هستند. مشکل شاگردان مشابه فریسیان بود، که همان خلا یا کوری معنوی بود. آنان باید همیشه و به صورت مستمر در برابر آن جبهه‌گیری می‌کردند. هیروودی‌ها مشکلشان برعکس بود - دنیوی و حفظ شرایط موجود به هر قیمت.

۸: ۱۶ "در این باره که نان ندارند شروع به بحث با یکدیگر کردند" این زمان غیر کامل است. شاگردان هنوز درس خود را فرا نگرفته بودند. عیسی نیازها را تأمین می‌کرد! عیسی در باره نفوذ فساد صحبت می‌کرد و آنان فکر می‌کردند او درباره خوراک صحبت می‌کند!

در پی انجیل متی ۱۶: ۷، NKJV "می‌گفتند" را به این جمله مختصر اضافه کرده است (همینطور هم بسیاری از نسخ دستنویس یونانی بعدی). NASB هم با مایل نوشتن کلمات این اضافات را انجام داد (یعنی "شروع کردند" و "این واقعیت").

۸: ۱۷ "عیسی که این را دریافته بود" همیشه مشخص نیست که عیسی به مسائل واقف است. گاهی اوقات دانش ماورا الطبیعه است و سایر اوقات شناخت رفتارها و مشخصه‌های مردم.

■ "چرا درباره اینکه نان ندارید با هم بحث می‌کنید" این نخستین مرتبه از شش یا هفت مرتبه‌ای است که عیسی یاس خود را نسبت به شاگردانش از اینکه که هنوز درک نکرده‌اند، بیان می‌کند. کل این متن انجیل مرقس آشکار می‌کند که چقدر درک پیام ریشه‌ای جدید انجیل برای "دوست و دشمن" سخت است. شاگردانش، خانواده‌اش، شهر زادگاهش، جمعیت، و رهبران مذهبی هیچ کدام چشم و گوش معنوی نداشتند.

■ "آیا چشم دارید و نمی‌بینید و گوش دارید و نمی‌شنوید" این یک موضوع تکراری است (مراجعه شود به انجیل مرقس ۸: ۲۱، ۶: ۵۲). خانواده عیسی، شهر زادگاهش، شاگردان خودش، مردم شهر، و رهبران مذهبی او را درک نمی‌کنند. احتمالا این راهی برای نشان دادن فضای معنوی قبل از پر شدن و آمدن روح در پنتیکاست است (و شاید راز مسیح در مصلوب شدن و قیام خدا آشکار می‌شود).

■ "آیا دل شما هنوز سخت است" این وجه وصفی حال مجهول است که دلالت بر شرایط معنوی خاصی است که از یک عامل خارجی ناشی شده است (مراجعه شود به انجیل مرقس ۴: ۱۳ و ۶: ۴۰، ۶: ۵۲، ۷: ۱۸، ۸: ۱۷ و ۲۱، ۳۳، ۹: ۱۰ و ۳۲). این دقیقا همان اتفاقی است که برای یهودای اسخریوطی افتاد. به موضوع خاص: قلب در بخش مربوط به انجیل مرقس ۲: ۶ مراجعه کنید.

۸: ۱۸ این یک نقل قول از عهد عتیق، حزقیال ۱۲: ۲ است (مراجعه شود به ارمیا ۵: ۲۱)، که از نظر الهیات همسو با اشعیا ۶: ۹ الی ۱۰ است (مراجعه شود به انجیل مرقس ۴: ۱۲). پیامبران عهد عتیق کلام خدا را می‌گفتند، ولی به واسطه شرایط معنوی شنوندگان، اشتباه درک می‌شد. این نقل قولهای عهد عتیق در حالت دستور زبانی هستند که انتظار پاسخ "بله" را دارند.

■ "و آیا به یاد ندارید" عیسی آنها را سرزنش می‌کند به خاطر نداشتن درک معنوی در رابطه با معجزه خوراک دادن قبلی (مراجعه شود به انجیل مرقس ۸: ۱۷ الی ۲۱). این عبارت در مسیر عهد عتیق است (مراجعه شود به کتاب تثنیه ۴: ۹ الی ۱۰، ۸: ۱۱ و ۱۹). مردم خدا باید حقایق خدا را حفظ کنند و طبق آنها عمل کنند.

۸: ۱۹ "چند سبد" این اصطلاح متفاوت از ۸: ۸ است. این اصطلاح در انجیل مرقس ۶: ۴۳ (سبدهای کوچکتر) استفاده شد. او معجزه خوراک دادن قبلی را به آنان یادآوری می‌کند. آنها ربط را پیدا نکردند (مراجعه شود به انجیل مرقس ۸: ۳۲ الی ۳۳، ۹: ۳۲ الی ۳۴، ۱۰: ۳۵ الی ۳۷). ۸: ۲۰ آیه ۱۹ اشاره به خوراک دادن در انجیل مرقس ۶ دارد، ولی آیه ۲۰ اشاره به خوراک دادن جاری در انجیل مرقس ۸ دارد.

NASB: انجیل مرقس ۸: ۲۲ الی ۲۶

۲۲ و چون به بیت‌صیدا رسیدند، عده‌ای مردی نابینا را نزد عیسی آورده، تمنا کردند بر او دست بگذارد. ۲۳ عیسی دست آن مرد را گرفت و او را از دهکده بیرون برد. سپس آب دهان بر چشمان او انداخت و دستهای خود را بر او نهاد و پرسید: "چیزی می‌بینی؟" ۲۴ آن مرد سر بلند کرد و گفت: "مردم را همچون درختانی در حرکت می‌بینم." ۲۵ پس عیسی دیگر بار دستهای خود را بر چشمان او نهاد. آنگاه چشمانش باز شده، بینایی خود را بازیافت، و همه چیز را به خوبی می‌دید. ۲۶ عیسی او را روانه خانه کرد و فرمود: "به دهکده بازنگرد."

۸: ۲۲ "مردی نابینا" یکی از نبوت‌های اشعیا در مورد مسیح این بود که او به نابینایان نور می‌دهد (مراجعه شود به اشعیا ۲۹: ۱۸ الی ۳۵: ۵، ۴۲: ۷ و ۱۶ و ۱۸ و ۱۹).

کوری فیزیکی یک استعاره عهد عتیقی است (مراجعه شود به اشعیا ۵۶: ۱۰، ۵۹: ۱۰). همین بازی در مورد کوری فیزیکی و معنوی را می‌توان در انجیل یوحنا ۹ دید. بدیهی است که این در رابطه با کوری شاگردان در انجیل مرقس ۸: ۱۵ الی ۱۸ است.

۸: ۲۳ " او را از دهکده بیرون برد " این به خاطر آرامش دادن به مرد و پنهان نگاهداشتن شفا بود (مراجعه شود به انجیل مرقس ۷: ۳۳، ۸: ۲۶).

■ " آب دهان بر چشمان او انداخت و دستهای خود را بر او نهاد " اینها هر دو شیوه‌های فرهنگی برای شفا دادن بودند، یکی فیزیکی و دیگری معنوی. این امر برای به وجود آوردن ایمان در مرد بود. موضوع خاص: دست نهادن در انجیل در بخش مربوط به انجیل مرقس ۷: ۳۲ را مطالعه کنید.

۸: ۲۴ " مردم را همچون درختانی در حرکت می‌بینم " قدرت عیسی محدود نبود، بلکه بر روی ایمان آن مرد کار می‌کرد. این تنها شفای مرحله‌ای یا شفا دادن در چند مرحله است که در انجیل به ثبت رسیده است.

۸: ۲۵ این آیه با دست گذاشتن عیسی بر چشمان مرد آغاز می‌شود. سپس عمل به مرد منتقل می‌شود (مراجعه شود به NJB). او باید تمرکز کند و به مردم نگاه کند (مراجعه شود به انجیل متی ۷: ۵). هنگامیکه همکاری کرد، بلافاصله بینایی او شفا یافت.

۸: ۲۶ این اشاره به تذکرات تکراری عیسی دارد که به مردم تاکید می‌کند او شفا می‌دهد ولی نباید این شفا دادن‌ها در جایی پخش شوند. Textus Receptus (یعنی KJV یا NKJV) حتی یک عبارت را اضافه می‌کند تا این را دقیقتر و صریحتر و مشخص‌تر سازد. عیسی نمی‌خواست که او را به عنوان شفا دهنده بشناسند. او از شفا استفاده می‌کرد تا رحمت و محبت خدا را نشان دهند، ایمان شاگردان را بنا کند و تعالیم بشارتی خود را تأیید کند.

NASB: انجیل مرقس ۸: ۲۷ الی ۳۰

۲۷ عیسی با شاگردان خود به روستاهای اطراف قیصریه فیلیپی رفت. در راه، از شاگردان خود پرسید: "به گفته مردم من که هستیم؟" پاسخ دادند: "بعضی می‌گویند یحییای تعمیددهنده هستی، عده‌ای می‌گویند ایلیایی و عده‌ای دیگر نیز می‌گویند یکی از پیامبران هستی." ۲۹ از آنان پرسید: «شما چه می‌گویید؟ به نظر شما من که هستیم؟» پطرس پاسخ داد: "تو مسیح هستی." ۳۰ اما عیسی ایشان را منع کرد که درباره او به کسی چیزی نگویند.

۸: ۲۷ الی ۳۰ این یک رخداد کلیدی در انجیل مرقس است و باب جدیدی باز می‌شود. داستانهای معجزات که قدرت، اقتدار و الهی بودن عیسی را تأیید می‌کنند. از این مرحله به بعد، تاکید بر مصلوب شدن او است. انجیل مرقس از اینکه او کیست به برنامه رستگاری بزرگ او (و کاری که انجام می‌دهد) تغییر می‌کند.

۸: ۲۷ "به روستاها" انجیل متی ۱۶: ۱۳ "در ناحیه" هم دارد. عیسی می‌خواست دو کار انجام دهد (۱) از جمعیت دوری کند و (۲) در تمامی روستاها موعظه کند. در این حالت، شماره ۱ حاکم است.

■ "قیصریه فیلیپی" این شهر در حدود ۲۵ مایلی شمار دریای جلیل و در منطقه کفار قرار داشت. این شهر تحت کنترل هیروود فیلیپی بود نه هیروود انتیوخوس.

■ "در راه، از شاگردان خود پرسید" همانطور که راه می‌رفتند، عیسی شروع کرد (زمان غیر کامل) به صحبت کردن با آنان.

■ "به گفته مردم من که هستیم" انجیل متی ۱۶: ۱۳ "پسر انسان" می‌گوید، که عنوانی است که عیسی خودش برای خودش انتخاب کرده بود. این سوال اصلی دین است.

۸: ۲۸ "یحیی تعمید دهنده" این نظر هیروود انتیوخوس و همچنین نظر برخی از مردم بود (مراجعه شود به انجیل مرقس ۶: ۱۴ و ۱۶، انجیل لوقا ۹: ۱۹).

■ "ایلیا" این دلالت بر آن دارد که عیسی پیش قراول مسیح است (مراجعه شود به ملاکی ۴: ۵).

■ "یکی از پیامبران" در انجیل متی ۱۶: ۱۴ "ارمیا" آمده است. همه این گزینه‌ها در بردارنده احیا و عناوین وحشتناکی هستند ولی نه انحصاراً مسیح.

۸: ۲۹ "به نظر شما من که هستیم" این جمع است و خطاب به تمامی شاگردان می‌باشد. "شما" در زبان یونانی تأکیدی است زیرا ضمیر در ابتدا قرار گرفته است (در اول جمله قرار دارد).

■ "تو مسیح هستی" پطرس، برونگرای گروه، نخست پاسخ می‌دهد. این ترجمه مفهومی عبری "مسیح" است (BDB 603)، که یعنی "آن تظهير شده". عیسی مردد بود که این عنوان را، به واسطه تفسیر اشتباه سیاسی، نظامی، ملی گرا، در ملا عام بپذیرد. در این مکالمه خصوصی او می‌پذیرد، و حتی در جستجوی این عنوان است. همسوی انجیل متی ۱۶: ۱۶ عنوان کامل را در بر دارد، "مسیح، پسر خدای زنده". مرقس (نویسنده پطرس) تمجید عیسی توسط پطرس را حذف کرده است (مراجعه شود به انجیل متی ۱۶: ۱۷ و ۱۹).

۳۰: "ایشان را منع کرد که درباره او به کسی چیزی نگویند" این هم یک مثال دیگر در مورد راز مسیح است که در انجیل مرقس بسیار متداول است (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱: ۳۳ الی ۳۴ و ۴۳: ۳، ۱۲: ۴، ۱۱: ۵، ۴۳: ۷، ۲۴: ۸، ۳۶: ۸ و ۳۰). آنها لقب او را می دانستند ولی از ماموریتش خبر نداشتند.

NASB: انجیل مرقس ۸: ۳۱ الی ۳۳

"آنگاه عیسی به تعلیم دادن آنها آغاز کرد که لازم است پسر انسان زحمت بسیار بیند و از سوی مشایخ و سران کاهنان و علمای دین رد شده، کشته شود و پس از سه روز برخیزد.^{۳۲} چون عیسی این را آشکارا اعلام کرد، پطرس او را به کناری برد و شروع به سرزنش او کرد.^{۳۳} انا عیسی روی برگردانیده، به شاگردان خود نگریست و پطرس را سرزنش کرد و گفت: "دور شو از من، ای شیطان! زیرا افکار تو انسانی است، نه الهی".

۳۱: "به تعلیم دادن آنها آغاز کرد" زمان غیر کامل می تواند به معنی (۱) شروع عمل و یا (۲) ادامه عمل در زمان گذشته دارد. در اینجا متن بر شماره ۱ دلالت دارد، ولی زمان غیر مامل دیگری در انجیل مرقس ۸: ۳۲ وجود دارد که دلالت بر شماره ۲ دارد. این نخستین پیش گویی عیسی در مورد رنج و مرگش است ولی پیش گوئیهای دیگری هم هستند (مراجعه شود به انجیل مرقس ۹: ۱۲ و ۳۱، ۱۰: ۳۳ الی ۳۴).

■ "لازم است پسر انسان" این به وضوح نشان می دهد که عیسی ماموریتش و بهای آن را درک کرده بود (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۰: ۴۵). این دقیقا همان پیش گویی بود که فریسیان در انجیل مرقس ۸: ۱۲ انتظار داشتند تا یک پیامبر واقعی را تأیید کنند (مراجعه شود به تثنیه ۱۳: ۲ الی ۵، ۱۸: ۱۸ الی ۲۲).

■ "زحمت بسیار بیند" این جنبه بشاره مسیح است که یهودیان آن را از دست داده بودند (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۳: ۱۵، مزامیر ۲۲، اشعیا ۵۲: ۱۳ الی ۵۳: ۱۲، زکریا ۹: ۱۴). در تفکر یهود، مسیح از نوادگان داوود دیده می شد، یک قهرمان نظامی فاتح اسرائیل. ولی او همچنین یک کشیش بود، همانطور که در مزامیر ۱۱۰ و زکریا ۳ الی ۴ آمده است. این ماهیت دوگانه در کتیبه بحر المیت انتظار دو نوع مسیح را دارد، یکی پادشاهی (از یهود) و یکی کشیش (از لایوان). این انتظار نقش پویای رهبری به نظر می رسد کاملا جدا از مسیحی که رنج می کشد و می میرد، است.

عیسی چندین مرتبه سعی کرد شاگردانش را نسبت به رنجی که در نبوتش است آگاه کند (مراجعه شود به انجیل مرقس ۸: ۳۱، ۹: ۱۲ و ۳۰ الی ۳۱، ۱۰: ۳۳ الی ۳۴)، ولی آنها نمی توانستند درک کنند (مراجعه شود به انجیل مرقس ۸: ۳۲ الی ۳۳، ۹: ۳۲ الی ۳۴، ۱۰: ۳۵ الی ۳۷).

■ "رد شده" این یعنی "تأیید نشد" زیرا عیسی با آنچه که رهبران دینی از مسیح درک می کردند تفاوت داشت. او با توقعات آنان جور نبود.

■ "از سوی مشایخ و سران کاهنان و علمای" این شیوه ای برای اشاره به سانهدرین بود، شورایی از هفتاد نفر از رهبران اورشلیم همانند دیوان عالی. موضوع خاص در بخش مربوط به انجیل مرقس ۱۲: ۱۳ را مطالعه کنید.

■ "کشته شود و پس از سه روز برخیزد" این خمیرمایه پیام انجیل است: یک قربانی جایگزین، و یک تأیید و پذیرش الهی.

موضوع خاص: قیام از مردگان

(SPECIAL TOPIC: THE RESURRECTION)

در انجیل بازگشت از مرگ دارای سه مفهوم است

۱. آنها که نمردند ولی رفتند تا با خدا باشند (یعنی انوش، مراجعه شود به کتاب پیدایش ۲۴: ۵، الیاس، مراجعه شود به دوم پادشاهان ۱: ۲)، به این حالت "بازگردانده شده" گفته می شود.
۲. برخی که با قدرت خدا از دروازه مرگ به سلامت بازگشتند. به این حالت احیا گفته می شود. آنها در مقطع زمانی دیگری در آینده خواهند مرد.
۳. فقط یک قیام از مردگان وجود دارد (یعنی عیسی). او مرد ولی از مرگ برخاست (یعنی *hades*) و به او بدن جدیدی داده شد که برای حیات جاویدان با خدا مناسب باشد. او نخستین ثمره مرگ است (مراجعه شود به اول قرتیان ۲۰: ۱۵ و ۲۳)، نخستین زاده از مرگ، مراجعه شود به کولسیان ۱: ۱۵ و ۱۷). به واسطه او، مومنین در بازگشت دومش قیام خواهند کرد (مراجعه شود به مزامیر ۱۵: ۴۹، ۲۴: ۷۳، اشعیا ۱۹: ۲۶، دانیال ۱۲: ۲، انجیل متی ۲۲: ۳۱ الی ۳۲، انجیل مرقس ۱۲: ۲۶ الی ۲۷، انجیل یوحنا ۵: ۲۵ و ۲۸ الی ۲۹، ۶: ۳۹ الی ۴۰ و ۴۴، ۵۴، رومیان ۸: ۱۱، اول قرتیان ۱۵، اول تسالونیکیان ۴: ۱۳ الی ۱۸، اول یوحنا ۲: ۳).

شواهد قیام

۱. پنجاه روز بعد در پنتیکاست، قیام تبدیل به یادداشت کلیدی در مراسم پطرس شد (مراجعه شود به اعمال رسولان ۲). هزاران نفر که در آن منطقه زندگی می کردند و این اتفاق رخ داده بود، ایمان آوردند!
۲. زندگی شاگردان به صورت بنیادی از ناامیدی (آنها انتظار قیام از مردگان را نداشتند) به جسارت و حتی شهادت طلبی تغییر یافت.

۳. پولس شهادتهای عینی بسیاری منجمله شهادت خودش را در اول قرن‌تین ۵:۱۵ الی ۸ فهرست کرد (مراجعه شود به اعمال رسولان ۹)

اهمیت قیام از مردگان

۱. نشان داد عیسی همان است که ادعا می‌کرد (مراجعه شود به انجیل متی ۱۲:۳۸ الی ۴۰، پیش‌گویی مرگ و قیام از مردگان)،

۲. خدا موافقت خود را بر زندگی، تعلیم و مردن بجای دیگران عیسی نشان داد (مراجعه شود به رومیان ۴:۲۵)

۳. وعده به تمام مسیحیان را نشان داد (جسم از مرگ بازگشته، مراجعه شود به اول قرن‌تین ۱۵)

ادعاهای عیسی که از مرگ بازمی‌گردد را اثبات کرد

۱. انجیل متی ۱۲:۳۸، ۱۶:۲۱، ۱۷:۹ و ۲۲ و ۲۳، ۲۰:۱۸ الی ۱۹، ۲۶:۳۲، ۲۷:۶۳

۲. انجیل مرقس ۸:۳۱، ۹:۱ الی ۱۰ و ۳۱، ۱۴:۲۸ و ۵۸

۳. انجیل لوقا ۹:۲۲ الی ۲۷

۴. انجیل یوحنا ۲:۱۹ الی ۲۲، ۱۲:۳۴، فصلهای ۱۴ الی ۱۶

هم پطرس و هم پولس تصریح می‌کنند که مزامیر ۱۶ به عیسی به عنوان مسیح اشاره می‌کند

۱. پطرس در اعمال رسولان ۲:۲۴ الی ۳۲

۲. پولس در اعمال رسولان ۱۳:۳۲ الی ۳۷

مطالعات بیشتر

۱. Evidence That Demands a Verdict by Josh McDowell

۲. Who Moved the Stone? by Frank Morrison

۳. The Zondervan Pictorial Encyclopedia of the Bible, "Resurrection," "Resurrection of Jesus Christ"

■ "پس از سه روز برخیزد" این عبارت می‌تواند اشاره به هوشع ۶:۱ الی ۲ باشد. این آیه به همان شیوه مشابه آرامی تارگوم ترجمه و تفسیر می‌شود. با این حال، به نظر می‌رسد که عیسی به یونا ۱:۱۷ اشاره می‌کند (مراجعه شود به انجیل متی ۱۲:۳۹، ۱۶:۴). این نوع معجزات پیش‌گویی دقیقاً چیزی بود که فریسیان در انجیل مرقس ۸:۱۲ (مراجعه شود به انجیل متی ۱۶:۴) درخواست می‌کردند. بر طبق تثنیه ۱۳:۲ الی ۵، ۱۸:۱۸ الی ۲۲، این نوع پیش‌گویی مبنای تعریف یک پیامبر واقعی بود. این معجزه پس از معجزه به آنان داد، ولی آنها نمی‌توانستند ببینند!

۳۲:۸

NASB "او این مورد را به وضوح بیان می‌کرد"

NKJV "او این کلام را باز صحبت کرد"

NRSV, NJB "او این را کاملاً آشکار گفت"

TEV "او این را برایشان شفاف کرد"

این یک زمان غیر کامل دیگر همانند انجیل مرقس ۸:۳۱ است. اینجا به معنی "شروع کرد" است، ولی می‌تواند به تکرار عمل هم اشاره داشته باشد (یعنی عیسی درباره رنج و مرگ خود چندین بار به آنان گفت). او به وضوح با آنان صحبت کرد - تمثیل، استعاره نگفت (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۰:۲۴، ۱۱:۱۴، ۱۶:۲۵ و ۲۹، ۱۸:۲۰).

■ "پطرس او را کناری برد" این کار از روی صمیمیت انجام شد، ولی بدون درک. پطرس در خصوص اینکه او چگونه از مقام مسیح بودنش برای نزدیک شدن به مردم و نجات آنها عمل کند، به عنوان جانشین شیطان عمل می‌کرد (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱:۱۲ الی ۱۳، انجیل متی ۴:۱ الی ۱۱).

■ "و شروع به سرزنش او کرد" این یک کلمه قوی یونانی است (مراجعه شود به LXX در پیدایش ۳۷:۱۰، انجیل لوقا ۴:۴۱، دوم تیموتائوس ۴:۲). در انجیل مرقس ۱:۲۵، ۳:۱۲، ۴:۳۹ و ۹:۲۵ در مورد عیسی استفاده شده است. یقیناً انگیزه او محافظت از عیسی بود، نه محکوم کردن او. پطرس ماهیت نیابت و نبوت رنج عیسی را درک نمی‌کرد.

عیسی در انجیل مرقس ۸:۳۳ پطرس را به دلیل نداشتن بینش معنوی و کند درک کردن، سرزنش می‌کند.

۸:۳۳ "به شاگردان خود نگریست" عیسی این کلام را به پطرس گفت، ولی به نوعی همه شاگردان را خطاب می‌کرد.

■ "دور شو از من، ای شیطان" این زمان حال فعال امری است. عیسی به پطرس امر کرد که از جلوی چشمانش دور شود. این رد کردن مفهوم عهد عتیقی دارد (یعنی "پشت کردن"، مراجعه شود به اول پادشاهان ۱۴:۹، حزقیال ۲۳:۳۵). بدون تشخیص دادن این، پطرس عیسی را به همان شیوه‌ای که شیطان او را در بیابان وسوسه می‌کرد، داشت و وسوسه می‌کرد (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱:۱۲ الی ۱۳، انجیل متی ۴:۱ الی ۱۱). شیطان سعی کرد به هر طریقی به غیر از کالواری بر پیوند عیسی با انسان فائق آید (به آنها خوراک دهد، برایشان معجزه کند و پیامش را مخدوش کند). پطرس تشخیص نمی‌داد که رنج و

مرگ عیسی برنامه خدا بود (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۰: ۴۵، اعمال رسولان ۲: ۲۳، ۳: ۱۸، ۴: ۲۸، ۱۳: ۲۹، دوم قرتیان ۵: ۲۱). موضوع خاص: شیطان در بخش مربوط به انجیل مرقس ۱: ۱۳ را مطالعه کنید.

اغلب ظریف‌ترین و دردناکترین وسوسه‌ها از سوی دوستان و خانواده است! پادشاهی خدا، و نه ترجیحات شخصی، مزایای فردی یا اهداف فردی، بالاترین اولویت است (مراجعه شود به انجیل مرقس ۸: ۳۴ الی ۳۸).

NASB: انجیل مرقس ۸: ۳۴ الی ۹: ۱

^{۳۴} "آنگاه جماعت را با شاگردان خود فرا خواند و به آنان گفت: "اگر کسی بخواهد مرا پیروی کند، باید خود را انکار کرده، صلیب خویش برگیرد و از پی من بیاید. زیرا هر که بخواهد جان خود را نجات دهد، آن را از دست خواهد داد؛ اما هر که به خاطر من و به خاطر انجیل جان خود را از دست بدهد، آن را نجات خواهد داد. ^{۳۶} انسان را چه سود که تمامی دنیا را ببرد اما جان خود را بیازد؟ ^{۳۷} انسان برای بازیافتن جان خود چه می‌تواند بدهد؟ ^{۳۸} زیرا هر که در میان این نسل زناکار و گناهکار از من و سخنانم عار داشته باشد، پسر انسان نیز آنگاه که در جلال پدر خود همراه با فرشتگان مقدس آید، از او عار خواهد داشت."

^۱ نیز ایشان را فرمود: "آمین، به شما می‌گویم، برخی اینجا ایستاده‌اند که تا آمدن نیرومندان پادشاهی خدا را نبینند، طعم مرگ را نخواهند چشید."

۳۴: ۸ "جماعت را با شاگردان خود فرا خواند" انجیل مرقس تنها انجیلی است که حضور جمعیت در قصر سزاریا فیلیپی را ثبت کرده است. معمولاً این رخدادها به عنوان زمان تعلیم خصوصی تلقی می‌شوند، ولی بدیهی است که دیگران هم حضور دارند. این جمعیت ممکن است شامل غیر یهودیان باشد و احتمالاً هیچ فریسی یا کسی از رهبران مذهبی در آن حضور نداشت زیرا خارج از محدوده سرزمین موعود و در سرزمینهای کفار بود. برای این جمعیت بود که عیسی بهای واقعی شاگرد بودن، تسلیمی کاملاً ریشه‌ای و نیاز به پیروی از خود را آشکار می‌سازد. او آنها را تشویق به پیروی می‌کند ولی البته بهای آن را هم می‌گوید!

■ "اگر" این جمله شرطی نوع اول است، که تصور می‌کند از دیدگاه نگارنده و یا از نظر مفهومی شرط درست است.

■ "اگر کسی بخواهد مرا پیروی کند" به دعوت جهانی عیسی برای اینکه شاگرد و پیرو باشیم توجه کنید. ولی بهایی دارد (یعنی رستگاری رایگان است ولی شاگردی ضروری و به صورت شخصی بشمار گرانقیمت است). جالب است که کلام عیسی به پطرس در انجیل مرقس ۸: ۳۳ (*hupage opisō mou*) در اینجا دوباره استفاده می‌شود (*opisō mou*)، ولی به مفهوم "دنبالم بیا" (یعنی شاگردی). شاگردی نامطلوب هست (پطرس به عنوان نماینده شیطان) و شاگردی مطلوب (خدمت مخلصانه). همان چیزی که پطرس عیسی را به خاطرش سرزنش کرد، اینک به وضوح به عنوان هدف برای همه بیان می‌شود، "صلیب خود را بردارید!"

■ "باید خود را انکار کرده" این زمان آتوریست میانی امری از اصطلاحی است که دلالت بر "انکار کردن"، "سلب مالکیت کردن"، "نادیده گرفتن"، "رد کردن" دارد (مراجعه شود به انجیل متی ۱۶: ۲۴، ۲۰: ۳۵ و ۷۵، انجیل مرقس ۸: ۳۴، ۱۴: ۳۰ و ۳۲ و ۷۲، انجیل لوقا ۹: ۲۳، ۱۲: ۹، ۲۳: ۳۴ و ۶۱، انجیل یوحنا ۱۳: ۳۸).

سقوط (مراجعه شود به پیدایش ۳) استقلال و خود محوری انسان را به هدف زندگی تبدیل کرد، ولی اینک مومنین باید به خدا اتکا کنند. رستگاری احیا تصویر خدا در بشریت است که در زمان سقوط و گمراهی آسیب دید.

■ "صلیب خویش برگیرد" این زمان آتوریست فعال امری است. عبارت "صلیب خویش برگیرد" اشاره به محکومینی دارد که باید صلیب خود را تا محل مصلوب شدن بر دوش حمل کنند. این یک استعاره فرهنگی برای یک مرگ دردناک و شرم آور است. در این متن اشاره به مرگ طبیعت گناه آلود قدیمی است. انجیل یک فراخوان ریشه‌ای یک باره برای رفاقت و شاگردی است (مراجعه شود بانه انجیل متی ۱۰: ۳۸، ۱۶: ۲۴، انجیل لوقا ۹: ۲۳، ۱۴: ۲۷، ۱۷: ۳۳، انجیل یوحنا ۱۲: ۲۵). همانطور که عیسی جانش را به خاطر دیگران پیش کش کرد، پس ما هم باید از الگوی او پیروی کنیم (مراجعه شود به دوم قرتیان ۵: ۱۴ الی ۱۵، غلاطیان ۲: ۲۰، اول یوحنا ۳: ۱۶). این به وضوح نشان می‌دهد که نتایج سقوط و گمراهی از بین رفته‌اند.

■ "از پی من بیاید" این زمان حال امری فعال است. این زبان شاگردی روحانیون است. مسیحیت انتخاب قطعی است که بدنالش را گردی مداوم همراه است (مراجعه شود به انجیل متی ۲۸: ۱۹ الی ۲۰، افسسیان ۲: ۸ الی ۱۰).

۸: ۳۵ الی ۳۷ "هر که بخواهد جان خود را نجات دهد، آن را از دست خواهد داد" این بازی با کلمه یونانی "خود/خویش" (*psuchē*) است. در این متن یک اختلافی میان زندگی معنوی (متمرکز بر پادشاهی) و زندگی خودخواهانه (زمینی، خود-محور) وجود دارد. در ترجمه عهد جدید ویلیامز "زندگی والا تر ... زندگی پست‌تر" قید شده است. اگر به خاطر مسیح زندگی می‌کنیم باید تا ابد زندگی کنیم، اگر برای خودمان زندگی می‌کنیم، از نظر معنوی مرده هستیم (مراجعه شود به پیدایش ۳، اشعیا ۵۹: ۲، رومیان ۵: ۱۸ الی ۱۹، ۷: ۱۰ الی ۱۱، ۸: ۱ الی ۸، افسسیان ۲: ۱ و ۵، کولسیان ۲: ۱۳، یعقوب ۱: ۱۵) و روی

برای همیشه خواهیم مرد (مراجعه شود به مکاشفه ۲: ۱۱، ۲۰: ۶ و ۱۴، ۲۱: ۸). این حقیقت همانند تمثیل ثروتمند نادان است (مراجعه شود به انجیل لوقا ۱۶: ۱۲ الی ۲۰).

۳۵: ۸ "انجیل" این ترکیبی از eu (خوش) و angelos (پیام) است. اساسا به معنی خبر خوش است، ولی تبدیل به این شده که برای پیام عیسی به عنوان مسیح که رستگاری (و تمامی دکترین های مرتبط با آن را) به ارمان می آورد، استفاده می شود. نماد حقیقت مسیحیت و اعلام آن حقایق است. انجیل مرقس احتمالا اولین انجیلی است که از آن در این مفهوم استفاده می کند (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱: ۱ و ۱۴ الی ۱۵، ۸: ۳۵، ۱۰: ۲۹، ۱۴: ۹).

۳۶: ۸ "تمامی دنیا را ببرد" این هم یکی از وسوسه های شیطان برای عیسی بود (مراجعه شود به انجیل مرقس ۴: ۸ الی ۹).

■ **"جان خود را ببازد"** این زمان آتوریست مجهول نامحدود اصطلاحی است که برای توصیف از دست دادن چیزی که فرد قبلا مالک آن بوده است (مراجعه شود به انجیل متی ۱۶: ۲۶، اعمال رسولان ۲۷: ۱۰).

۳۷: ۸ این سوال قدرتمندی است. اولویت در کجاست، زندگی حال یا زندگی جاویدان؟ زندگی خودخواهانه یکی از لذات زندگی و نعمتهای زندگی را می راید. این زندگی هم یک نعمت است و هم یک خدمتگزاری.

۳۸: ۸ "زیرا هر که در میان این نسل زناکار و گناهکار از من و سخنانم عار داشته باشد" این اشاره به زمانی دارد که هر فرد با انجیل مواجه می شود. همین واقعیت به شیوه ای دیگر در انجیل متی ۱۰: ۳۲ الی ۳۳ و انجیل لوقا ۱۲: ۸ الی ۹ بیان شده است. آنچه که امروز مردم در مورد انجیل تصمیم می گیرند، آینده آنان را مشخص می کند. عیسی انجیل (خبر خوش) است.

این عبارت یک جمله شرطی نوع سوم است که احتمالی را بیان می دارد (مراجعه شود به TEV و NJB).

■ **"در میان این نسل زناکار و گناهکار"** یهودیان در دوره بین بنیادین الهیات دو عصر را بسط دادند. بر عصر حاضر، گناه، خودپرستی و ناپارسایی حاکم است. موضوع خاص: دو عصر یهود در بخش مربوط به انجیل مرقس ۱۳: ۸ را مطالعه کنید. با این وجود، خدا مسیح را می فرستد تا عصر جدید پارسایی را برپا کند. عیسی اظهار می دارد که خودش این روز جدید را برپا می کند و این عصر پارسایی بستگی (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۱۲، ۳: ۱۶) به ایمان و اعتماد فرد به او دارد، نه به عملکرد او (مراجعه شود به ارمیا ۳۱: ۳۱ الی ۳۴، انجیل متی ۵: ۲۰).

■ **"پسر انسان"** این عنوانی است که عیسی برای خودش انتخاب کرد، هیچ دلالتی بر ملی گرایی، نظامیگری، یا انحصارطلبی که یهودیت قرن اول بود، ندارد. این اصطلاح از کاربرد متداول آن در حزقیال ۲: ۱ و مزامیر ۸: ۴ می آید، جایی که به معنی "بشر" است و دانیال ۷: ۱۳، که دلالت بر مسیح و الهی بودن دارد (سوار بر ابرهای بهشت، به خدا نزدیک می شود و پادشاهی جاویدان را دریافت میکند). این اصطلاح ترکیبی از دو جنبه شخصیتی عیسی دارد که تماما الهی و تماما انسانی است (مراجعه شود به اول یوحنا ۴: ۱ الی ۳).

■ **"آنگاه که.... آید"** عهد عتیق به وضوح یک بار آمدن مسیح را آشکار می کند. با این حال، زندگی زمینی عیسی نشان داد که پیدایش ۳: ۱۵، مزامیر ۲۲، اشعیا ۵۳، و زکریا ۹ الی ۱۴، به تحمل درد و رنج مسیح اشاره می کنند. دومین آمدن با شکوه مسیح به عنوان خدا و داور کهکشانش دقیقا چیزی است که یهودیان از آمدن او در بار اول انتظار داشتند. الهیات ذهن بسته و دکماتیک آنان باعث شد که عیسی را انکار کنند.

آمدن دوم، آمدن اصلی و تکرار حقیقت عهد جدید است (مراجعه شود به انجیل متی ۱۰: ۲۳، ۱۶: ۲۷ الی ۲۸، ۲۴: ۳ و ۲۷ و ۳۰ و ۳۷، ۲۶: ۶۴، انجیل مرقس ۸: ۳۸ الی ۳۹، ۱۳: ۲۶، انجیل لوقا ۲۱: ۲۷، انجیل یوحنا ۲۱: ۲۲، اعمال رسولان ۱: ۱۱، اول قرن تیان ۱: ۷، ۱۵: ۲۳، فیلیپیان ۳: ۲۰، اول تسالونیکیان ۱: ۱۰، ۲: ۱۹، ۳: ۱۳، ۴: ۱۶، دوم تسالونیکیان ۱: ۷ و ۱۰، ۲: ۸، و یعقوب ۵: ۷ الی ۸، دوم پطرس ۱: ۱۶، ۳: ۴ و ۱۲، اول یوحنا ۲: ۲۸، مکاشفه ۱: ۷).

■ **"در جلال پدر خود همراه با فرشتگان مقدس آید"** این یک پیشگویی عهد عتیق از دانیال ۷: ۱۰ (مراجعه شود به انجیل متی ۱۶: ۲۷، انجیل مرقس ۱۳: ۲۰، انجیل لوقا ۹: ۲۶، دوم تسالونیکیان ۱: ۷) است. این اشاره به آمدن دوم مسیح دارد. این شیوه دیگری برای تصریح الهی بودن عیسی است. چندین مرتبه در انجیل متی فرشتگان گردآورندگان اسکاتولوژیک و تفکیک کنندگان انسانیت بودند (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۳: ۳۹ الی ۴۱ و ۲۴: ۳۱).

■ **"جلال"** در عهد عتیق متداولترین کلمه برای "جلال" (*kabod*) اساسا یک اصطلاح بازرگانی بود (که اشاره به ابزار اندازه گیری داشت) و به معنی "سنگین بودن" بود. آنچه که سنگین بود ارزشمند بود و یا ارزش خاصی داشت. اغلب مفهوم روشنی به این کلمه اضافه می شد تا بزرگی خدا را بیان کند (مراجعه شود به خروج ۱۵: ۱۶، ۲۴: ۱۷، اشعیا ۶۰: ۱ الی ۲). او به تنهایی ارزشمند و قابل احترام است. او برای انسان سقوط کرده و گناه کار بیش از اندازه هوشمند است (مراجعه شود به خروج ۳۳: ۱۷ الی ۲۳، اشعیا ۶: ۵). خدا را فقط می توان از طریق مسیح به صورت واقعی شناخت (مراجعه شود به ارمیا ۱: ۱۴، انجیل متی ۱۷: ۲، انجیل یوحنا ۱۴: ۸ الی ۹، عبرانیان ۱: ۳، یعقوب ۲: ۱).

اصطلاح "جلال" به نوعی مبهم است.

۱. می تواند همسو با "عدالت خدا" باشد

۲. می‌تواند اشاره به "تقدس" و "کامل بودن" خدا داشته باشد
۳. می‌تواند به تصویر خدا که انسان در آن خلق شد اشاره داشته باشد (مراجعه شود به پیدایش ۱: ۲۶ الی ۲۷، ۵: ۱، ۹: ۶)، ولی بعداً و در قیام تخریب شد (مراجعه شود به پیدایش ۳: ۱ الی ۲۲).
- نخستین مرتبه در مورد حضور یهوه با مردمش در ابر جلال در طول دوره بیابانگردی استفاده شد (مراجعه شود به خروج ۱۶: ۷ و ۱۰، لایوان ۹: ۲۳، اعداد ۱۴: ۱۰).

۹: ۱ نظریات زیادی برای توضیح گفته‌های عیسی وجود دارند. می‌تواند به یکی از موارد زیر اشاره داشته باشد:

۱. معراج عیسی
 ۲. پادشاهی در عیسی وجود دارد
 ۳. آمدن روح القدس در پنتیکاست
 ۴. تخریب اورشلیم در سال ۷۰ میلادی
 ۵. انتظار بازگشت زودتر عیسی
 ۶. رشد سریع مسیحیت
 ۷. تغییر شکل
 ۸. این نظریات بر عبارات مختلف متن تمرکز دارند: (۱) "گروهی از مردم اینجا ایستاده‌اند"، (۲) "پادشاهی خدا"، یا (۳) "با قدرت آمدن".
- بهترین حدس گزینه شماره ۷ است به واسطه محتوای انجیل مرقس ۹: ۲ الی ۱۳ و دوم پطرس ۱: ۱۶ الی ۱۸. همچنین هیچ نظریه دیگری نمی‌تواند تمامی سه ویژگی متن را توضیح دهد. ولی اگر بتواند این کار را کند، فقط به پطرس، یعقوب و یوحنا اشاره دارد.
- "آمین" (توضیح مترجم: در متن اصلی *truelly* به معنی واقعا نوشته شده ولی در ترجمه فارسی انجیل آمین بجای آن نوشته شده است) این به مفهوم کلمه آمین است. موضوع خاص در بخش مربوط به انجیل مرقس ۳: ۲۸ را مطالعه کنید.
 - "طعم مرگ را نخواهند چشید" این یک عبارت منفی قوی است که به عنوان عبارت استعاره‌ای استفاده شده است (یعنی تجربه پایان یافتن زندگی).
 - "پادشاهی خدا" به یادداشت بخش ۱: ۱۵ مراجعه شود.
 - "آمدن نیرومندان" این وجه وصفی کامل فعال است، که دلالت بر آمدن کامل پادشاهی خدا دارد. این عبارت با این واقعیت که پادشاهی، در برخی مفاهیم واقعی، با آمدن عیسی آغاز می‌شود در تناقض است، ولی انتظار یک رخداد در آینده می‌رود (آمدن دوم).

سوالاتی برای بحث

- این یک راهنمای مطالعاتی است، که بدین معنی است که شما خودتان مسئول تفسیر انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر خودمان گام برداریم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. شما نباید این امر را به یک مفسر واگذار کنید.
- این سوالات مباحثاتی به منظور کمک به شما در تفکر نسبت به مسائل اصلی این بخش از کتاب مطرح شده‌اند. آنها صرفاً تفکر برانگیز هستند نه قطعی.
۱. آیا عیسی به دو جمعیت زیاد خوراک داد یا این یک خوراک دادن از دو جنبه است؟
 ۲. چه نوع معجزه‌ای فریسیان می‌خواستند؟
 ۳. چرا عیسی شاگردان را سرزنش کرد؟
 ۴. چرا عیسی در مرتبه اول فقط بخشی از نابینایی مرد نابینا را شفا داد؟
 ۵. چرا انجیل متی کاملتر از انجیل مرقس در مورد اعتراف پطرس است؟
 ۶. اعتراف پطرس در خصوص عیسی دقیقاً بر چه چیز دلالت داشت؟
 ۷. چرا شاگردان در مورد تعلیم عیسی درباره مرگ خود در اورشلیم بسیار شوکه شدند؟
 ۸. با کلمات خود بگوئید که معنی آیات ۳۴ الی ۳۸ چیست.

مرقس ۹

پاراگراف‌های ترجمه‌های مدرن

UBS ⁴	NKJV	NRSV	TEV	NJB
تغییر شکل عیسی	عیسی در کوه تغییر شکل یافت	تغییر شکل	تغییر شکل	تغییر شکل
۸:۲ الی ۹	۱۳:۲ الی ۹	۸:۲ الی ۹	۶:۲ الی ۹	۸:۲ الی ۹
۱۳:۹ الی ۹	۱۳:۹ الی ۹	نبوت درباره الیاس ۱۳:۹ الی ۹	۸:۷ الی ۹ ۹:۹ ۱۰:۱۱ الی ۹ ۱۲:۱۳ الی ۹	سوال درباره الیاس ۱۳:۹ الی ۹
شفا دادن پیش که روح ناپاک داشت	پسری شفا یافت	پسری که صرع داشت شفا یافت	عیسی پسری با روح شیطانی را شفا می‌دهد	دیو صرع
۲۹:۱۴ الی ۹	۲۹:۱۴ الی ۹	۲۹:۱۴ الی ۹	۱۶:۱۴ الی ۹ ۱۷:۱۸ الی ۹ ۱۹:۲۰ الی الف ب:۲۰ الی ۲۱ الف ب:۲۱ الی ۲۲ ۲۳:۹ ۲۴:۹ ۲۵:۹ ۲۶:۲۷ الی ۹ ۲۸:۹ ۲۹:۹	۲۹:۱۴ الی ۹
عیسی دوباره مرگ و قیام از مردگان را پیش‌بینی می‌کند	عیسی دوباره مرگ و قیام از مردگان را پیش‌بینی می‌کند	پیش‌گویی مرگ	عیسی دوباره از مرگ خود سخن می‌گوید	نبوت دوم عشق
۳۰:۳۲ الی ۹	۳۰:۳۲ الی ۹	۳۰:۳۲ الی ۹	۳۱:۳۰ الی ۹ ۳۲:۹	۳۰:۳۲ الی ۹
بزرگترین کیست؟	بزرگترین کیست؟	بزرگی واقعی	بزرگترین کیست؟	بزرگترین کیست؟
۳۷:۳۳ الی ۹	۳۷:۳۳ الی ۹	۳۷:۳۳ الی ۹	۳۳:۹ ۳۴:۳۷ الی ۹	۳۳:۹ ۳۷:۳۳ الی ۹
آن کس که بر علیه ما نیست، طرف ما است	عیسی فرقه‌گرایی را منع می‌کند	جن‌گیر گمنام	هرکس بر علیه ما نیست طرف ما است	استفاده از نام عیسی
۳۸:۴۱ الی ۹	۳۸:۴۱ الی ۹	۳۸:۴۱ الی ۹	۳۸:۹ ۳۹:۴۱ الی ۹	۳۸:۴۰ الی ۹ نشان دادن سخاوت به شاگردان عیسی ۴۱:۹
وسوسه به گناه	عیسی در مورد تهدید هشدار می‌دهد	گرمای جهنم	وسوسه به گناه	هدایت دیگران به گمراهی
۴۲:۵۰ الی ۹	۴۲:۴۸ الی ۹	۴۲:۴۸ الی ۹	۴۲:۴۸ الی ۹	۴۲:۵۰ الی ۹
	نمک بی مزه بی ارزش است	شاگردان شور		

مطالعه حلقه سوم (رجوع کنید به "سمینار تفسیر کتاب مقدس")

به دنبال نیت اصلی نویسنده در سطوح پاراگراف

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید.

کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص نمایید (مطالعه حلقه شماره ۳). تقسیمات موضوعی خود را با پنج ترجمه بالا مقایسه کنید. پاراگراف بندی به نویسنده الهام نشده است، اما کلید پیگیری اهداف اصلی نویسنده است که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول
۲. پاراگراف دوم
۳. پاراگراف سوم
۴. غیره

همسوها در انجیل

۱. انجیل مرقس ۹: ۲ الی ۸ همسو با انجیل متی ۱۷: ۱ الی ۸ و انجیل لوقا ۹: ۲۸ الی ۳۶ است.
۲. انجیل مرقس ۹: ۹ الی ۱۳ همسو با انجیل متی ۱۷: ۹ الی ۱۳ و انجیل لوقا ۹: ۳۶ است.
۳. انجیل مرقس ۹: ۱۴ الی ۲۹ همسو با انجیل متی ۱۷: ۱۴ الی ۲۰ و انجیل لوقا ۹: ۳۷ الی ۴۳ است.
۴. انجیل مرقس ۹: ۳۰ الی ۳۲ همسو با انجیل متی ۱۷: ۲۲ الی ۲۳ و انجیل لوقا ۹: ۴۳ الی ۴۵ است.
۵. انجیل مرقس ۹: ۳۳ الی ۳۷ همسو با انجیل متی ۱۸: ۱ الی ۵ و انجیل لوقا ۹: ۴۶ الی ۴۸ است.
۶. انجیل مرقس ۹: ۳۸ الی ۵۰ همسو با انجیل متی ۱۸: ۶ الی ۱۴ و انجیل لوقا ۹: ۴۹ الی ۵۰ است.

مطالعه کلمات و عبارات**NASB: انجیل مرقس ۹: ۲ الی ۸**

آشش روز بعد، عیسی پطرس و یعقوب و یوحنا را برگرفت و آنها را تنها با خود بر فراز کوهی بلند برد تا خلوت کنند. در آنجا، در حضور ایشان، سیمای او دگرگون گشت.^۳ جامه اش درخشان و بسیار سفید شد، آن گونه که در جهان هیچ ماده‌ای نمی‌تواند جامه‌ای را چنان سفید گرداند.^۴ در آن هنگام، ایلیا و موسی در برابر چشمان ایشان ظاهر شدند و با عیسی به گفتگو پرداختند.^۵ پطرس به عیسی گفت: "استاد، بودن ما در اینجا نیکوست. پس بگذار سه سرپناه بسازیم، یکی برای تو، یکی برای موسی و یکی هم برای ایلیا." پطرس نمی‌دانست چه بگوید، زیرا سخت ترسیده بودند.^۶ آنگاه ابری آنها را در بر گرفت و ندایی از ابر در رسید که، "این است پسر محبوبم، به او گوش فرا دهید."^۷ به ناگاه، چون به اطراف نگر بستند، هیچ کس دیگر را نزد خود ندیدند، جز عیسی و بس.

۹: ۲ "شش روز" در انجیل لوقا ۹: ۲۸، هشت روز قید شده است. ذکر چنین زمان دقیقی در انجیل مرقس بسیار نامعمول است.

■ "پطرس و یعقوب و یوحنا" این حلقه داخلی شاگردان عیسی است که همیشه در رخدادهای مهم حضور داشتند (مراجعه شود به انجیل مرقس ۵: ۳۷). این رخداد به همان اندازه که برای عیسی مهم بود، برای اینان نیز مهم بود.

■ "بر فراز کوهی بلند" شرع (انجیل غیر رسمی یهودیان) می‌گوید که کوه تابور بود، ولی احتمالاً یکی از کوهپایه‌های کوه هرمون بود. فرد حیرت می‌کند که آیا این به نوعی یک تکرار تجربه موسی در کوه سینا بوده است.

۱. یک کوه بلند
۲. ابر
۳. نورانی شدن چهره‌ها (مراجعه شود به کتاب خروج ۳۴: ۲۹)
۴. یک دوره شش روزه

این موضوع خروج (یعنی عیسی به عنوان موسی جدید، پیمان جدیدی ارائه می‌کند، مردمش را از بردگی گناه نجات می‌دهد) یک موضوع تکراری در انجیل مرقس است. انجیل لوقا، می‌گوید که عیسی، موسی و الیاس در مورد خروج عیسی صحبت می‌کردند).

■ "آنها را" انجیل لوقا ۹: ۲۸ می‌گوید که هدف "عبادت کردن" بود. عیسی می‌خواست که از جمعیت دور باشد تا به صورت خصوصی به شاگردانش تعلیم دهد. در این جاحلقه داخلی شاگردان بودند که باید تعلیم می‌دیدند.

■ "در حضور ایشان، سیمای او دگرگون گشت" این زمان ائوریست مجهول اخباری است که با اصطلاح متا (بعد از) و *morphoō* (یعنی فرم/حالت)، که نتیجه آن به معنی "تغییر ظاهر فرد" است. اصطلاح انگلیسی *metamorphosis* از این اصطلاح یونانی می‌آید. جلال تابناک از پیش وجود داشتن عیسی در جسم او نشان داده می‌شود. درخشش الهی بودن عیسی بر این شاگردان نمایان می‌گردد (مراجعه شود به دوم پطرس ۱: ۱۶ الی ۱۸). اصطلاح *morphē* (مراجعه شود به فیلیپیان ۲: ۶ الی ۷) نشان دهنده تغییر نیافتن وجود فردی یا چیزی است (بر خلاف *schēma*، مراجعه شود به فیلیپیان ۲: ۸، تغییر حالت نمای برون).

همین تغییر حالت برای پیروانش نیز امکانپذیر است (مراجعه شود به رومیان ۱۲: ۲، دوم قرنتیان ۳: ۱۸). به مفهومی، این اشاره احیا تصویر الهی در انسان است، که در سقوط پیدایش ۳ آسیب دید. عیسی ما را قادر می‌سازد تا واقعا انسان و واقعا همانند مسیح شویم.

۳:۹

NASB	"ردایش نورانی و بیش از حد سفید شد"
NKJV	"لباسش درخشان و بیش از حد سفید شد"
NRSV	"لباسش فوق العاده سفید شد"
TEV	"لباسش سفید و درخشان شد"
NJB	"لباسش سفید درخشان شد"

انجیل متی ۱۷: ۲ اضافه می‌کند که "صورتش همانند خورشید می‌درخشید". یقینا این یک جنبه جلال عیسی است، که اغلب وجهه درخشندگی هم دارد (مراجعه شود به انجیل یادداشتهای کاملتر انجیل مرقس ۸: ۳۸).

NASB, NKJV	"هیچ شوینده‌ای نمی‌تواند آنها را سفید کند"
NRSV	"چنانکه هیچکس بر روی زمین نمی‌تواند آنها را چنین سفید کند"
TEV	"سفیدتر از آنچه هر کس بر روی زمین بتواند آنها را بشوید"
NJB	"سفیدتر از آنچه که هر سفیدکننده‌ای بر روی زمین بتواند آنها را سفید کند"

این اشاره به کارگری دارد که لباسها را می‌شوید.

در آیاتی همانند این است که کتب تاریخی بسیار مفید هستند. اجازه بدید چندین کتاب که به من کمک کردند فرهنگ خاور نزدیک باستان را درک کنم را به شما معرفی کنم:

1. Roland de Vaux, *Ancient Israel*, two vols.
2. Fred H. Wright, *Manners and Customs of Bible Lands*
3. James M. Freeman, *Manners and Customs of the Bible*
4. Jack Finegan, *Light From the Ancient Past*, two vols.
5. James S. Jeffers, *The Greco-Roman World of the New Testament Era*
6. K. A. Kitchen, *Ancient Orient and the Old Testament*
7. Edwin M. Yamauchi, *The Stones and the Scriptures*

۴: ۹ "الیاس...موسی...عیسی" این مکاشفه ممتد خدا را نشان می‌دهد. توجه کنید که ظاهرا آنها، در نور اول تسالونیکیان ۴: ۱۳ الی ۱۸، جسم احیا شده خود را بدست آورده‌اند. اینها دو شخصیت اصلی عهد عتیق هستند که جنبه اسکاتولوژیک داشتند (یعنی الیاس قبل از مسیح و موسی پیامبری همانند عیسی).

■ "ظاهر شدند" این اصطلاح برای نمایان شدن فرشته‌ها در انجیل لوقا ۱: ۱۱ و ۲۲: ۴۳ و در مورد عیسی در انجیل لوقا ۲۴: ۳۴ استفاده شده است.

■ "با عیسی به گفتگو پرداختند" این یک جمله غیر کامل با الفاظ زائد است، که دلالت بر یک مکالمه طولانی دارد. انجیل لوقا ۹: ۳۱ می‌گوید که آنها درباره رفتن عیسی از اورشلیم (خروج) صحبت می‌کردند. نتیجه‌گیری بسیار جالبی میان این بخش و خروج ۲۴: ۱۲ الی ۱۸ انجام می‌شود:

۱. عنصر زمانی "شش روز" (انجیل مرقس ۹: ۲)

۲. مکان، "در یک کوه بلند" (انجیل مرقس ۹: ۲)

۳. وجود ابر و اینکه خدا از درون آن صحبت می کند (انجیل مرقس ۹: ۷)

۴. ذکر وجود درخشندگی در چهره موسی و در چهره عیسی در اینجا (انجیل لوقا ۹: ۲۹، خروج ۳۴: ۲۹ الی ۳۰)

۹: ۵ "پطرس به عیسی گفت" انجیل لوقا ۹: ۳۲ می گوید که سه شاگرد پس از یک روز طولانی و کوه نوردی سخت خوابیده بودند و پطرس بیدار شد و رفتن الیاس و موسی را دید.

■ "استاد" (در نسخه انگلیسی ربی نوشته شده ولی در ترجمه فارسی انجیل استاد نوشته شده است- مترجم) در همسوی انجیل متی "سرور" و همسوی انجیل لوقا "استاد" ذکر شده است.

■ "بودن ما در اینجا نیکوست" این باید یک تجربه معنوی بسیار حیرت انگیز باشد، این تأیید شخصیت عیسی به عنوان مسیح موعود است.

■ "سرپناه" (در نسخه انگلیسی خیمه ذکر شده ولی در ترجمه فارسی انجیل سرپناه ترجمه شده است- مترجم) این باید ساختاری همانند خیمه های موقتی باشد که در طول جشن خیمه ها برای غرفه ها می ساختند. منظور جمله پطرس این بود که اگر ملاقات کنندگان نورانی عهد عتیق برای مدتی می ماندند، می توانند برای مدت بیشتری هم بمانند.

۹: ۶ هر وقت پطرس نمی دانست که چکار کند، حرف می زد.

۹: ۷ "ابر" این نماد حضور یهوه در خروج بود (مراجعه شود به کتاب خروج ۱۳ الی ۱۴). ربی ها به این ابر باشکوه شکینا می گفتند، به معنی یهوه برای همیشه و به صورت مشهود با اسرائیل است.

■ "ابری آنها را در بر گرفت" (در نسخه انگلیسی ابری بر آنها سایه انداخت ذکر شده است - مترجم) این اصطلاح در مفهوم عهد عتیقی ابر حضور یهوه است که سایه می اندازد (یعنی محافظت میکند) و در طول دوران بیابانگردی (یعنی ۳۸ سال) مردم خدا را راهنمایی می کند. در رابطه با عیسی، این ابر سه مرتبه ظاهر می شود.

۱. در زمان آبتنی، مریم زیر سایه روح قرار می گیرد (مراجعه شود به انجیل لوقا ۱: ۳۵)

۲. در زمان تعمید، عیسی توسط صدایی از بهشت مورد خطاب قرار می گیرد (خود ابر به طور خاص ذکر نشده است، مراجعه شود به انجیل متی ۳: ۱۷)

۳. در زمان تغییر حالت چهره صدایی شنیده می شود (مراجعه شود به انجیل متی ۱۷: ۵، انجیل لوقا ۹: ۳۴)

این اصطلاح در عهد جدید دو مرتبه دیگر هم استفاده شده است، یک بار در رابطه با سایه پطرس که بر روی مردم می افتد و نتیجه آن شفای آنها است (مراجعه شود به اعمال رسولان ۵: ۱۵) و حالت ترکیبی اصطلاح در عبرانیان ۹: ۵، که اشاره به چروبییم دارد که بر روی صندلی بخشش در پیمان سایه می اندازد.

■ "ندایی" این یا (۱) اشاره به یهوه دارد که از درون ابر در بیابان صحبت می کند و یا (۲) صدای خدا (صدایی که از بهشت می آید) است که شیوه خدا برای آشکار کردن یهوه در طول دوره تعامل است، وقتی که هیچ پیامبری نبود (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱: ۱۱).

■ "پسر محبوب" اصطلاح پسر در این عبارت عهد عتیق برای (۱) اسرائیل به عنوان کل، (۲) پادشاه اسرائیلی به نماینده یهوه، و (۳) مسیح موعود استفاده شده است (مراجعه شود به مزامیر ۲: ۷). این دومین باری است که پدر پسر را به این شیوه خاص و با این عنوان خاص خطاب می کند (مراجعه شود به انجیل متی ۳: ۱۷، ۱۷: ۵). یادداشت کاملتر را در بخش مربوط به انجیل متی ۱: ۱۱ و موضوع خاص در بخش مربوط به انجیل مرقس ۳: ۱۱ مطالعه کنید.

■ "به او گوش فرا دهید" این زمان حال امری فعال است، که منعکس کننده نبوت کتاب تثنیه ۱۸: ۱۵ است. مکاشفه غایی پدر تأیید و اطاعت است (مراجعه شود به انجیل لوقا ۶: ۴۶).

۹: ۸ این آیه دلالت بر این دارد که یا (۱) این تجربه یک رویا بود و یا (۲) پادشاهی خدا یک لحظه دیده شده و بعد از دید محو شده است.

NASB: انجیل مرقس ۹: ۹ الی ۱۳

هنگامی که از کوه فرود می آمدند، عیسی به ایشان فرمان داد که آنچه دیده اند برای کسی بازگو نکنند تا زمانی که پسر انسان از مردگان برخیزد. ^{۱۱} آنان این ماجرا را بین خود نگاه داشتند، اما از یکدیگر می پرسیدند که 'برخاستن از مردگان' چیست. ^{۱۱} آنگاه از عیسی پرسیدند: "چرا علمای دین می گویند نخست باید ایلیا بیاید؟" ^{۱۲} عیسی پاسخ داد: "البته که نخست ایلیا می آید تا همه چیز را اصلاح کند. اما چرا در مورد پسر انسان نوشته شده است که باید رنج بسیار کشد و تحقیر شود؟" ^{۱۳} به علاوه، من به شما می گویم که ایلیا، همان گونه که درباره او نوشته شده است، آمد و آنان هر آنچه خواستند با وی کردند."

۹: "به ایشان فرمان داد که آنچه دیده‌اند برای کسی بازگو نکنند تا زمانی که پسر انسان از مردگان برخیزد" این تنها باری است که یک بازه زمانی در رابطه با هشدارهای تکراری عیسی در خصوص سکوت آنان ذکر شده است (مراجعه شود به انجیل مرقس ۵: ۴۳، ۷: ۳۶، ۸: ۳۰). این محدودیت مرتبط با این حقیقت است که انجیل هنوز کامل نشده است. در آینده، حافظه آنها از این رخداد در نور تمامی دیگر رخدادهای انجیل درک می‌شود (مراجعه شود به دوم پطرس ۱: ۱۶ الی ۱۸).

۹: ۱۰ "از یکدیگر می‌پرسیدند که 'برخاستن از مردگان' چیست" شاگردان تمایز میان آمدن دوم (۸: ۳۸) و قیام از مردگان (۹: ۹) را درک نمی‌کردند. یهودیان روزگار عیسی توقع فقط یک بار آمدن مسیح به تاریخ را داشتند و این آمدن مرتبط با پیروزی نظامی و برتری ملی اسرائیل در سطح جهانی بود. موضوع خاص: قیام از مردگان در بخش مربوط به انجیل مرقس ۸: ۳۱ را مطالعه کنید.

۹: ۱۱ "علما" اینان مفسرین عهد عتیق بودند که عهد عتیق را توضیح می‌دادند و می‌گفتند که چگونه می‌تواند با روزگار مطابقت داده شود و جامعه به آنان احترام می‌گذاشت. در این زمان بیشتر علما فریسی بودند. موضوع خاص در بخش مربوط به انجیل مرقس ۲: ۶ را مطالعه کنید.

۹: ۱۲ الی ۱۳ "نخست ایلیا می‌آید..... ایلیا آمد" عیسی تصریح می‌کند که یحیی تعمید دهنده نقش نبوتی ایلیا که در ملاکی ۳: ۱ و ۴: ۵ آمده است را تحقق بخشید. مباحثات زیادی درباره پاسخی که عیسی داد وجود دارد. او به خصوص اظهار داشت که ایلیا در بشارت یحیی تعمید دهنده آمده است (مراجعه شود به انجیل متی ۱۱: ۱۰ و ۱۴، انجیل مرقس ۹: ۱۱ الی ۱۳، انجیل لوقا ۱: ۱۷). با این حال، فریسیان در انجیل یوحنا (انجیل یوحنا ۱: ۲۰ الی ۲۵) از یحیی تعمید دهنده سوال کردند که آیا او ایلیا است، و به صریحاً آن را انکار کرد. این به ظاهر تناقض با توجه به این حقیقت که یحیی تعمید دهنده انکار کرد که ایلیا زنده شده است برطرف می‌شود، ولی عیسی تصریح کرد که یحیی به صورت نمادین بشارت آماده‌سازی زمینه توسط ایلیا را تحقق بخشیده است. آنها هر دو به یک شیوه لباس می‌پوشیدند و رفتار می‌کردند، بنابراین شناسایی آنها از نظر یهودیان که درباره ایلیا می‌دانستند و در مورد یحیی تعمید شنیده بودند و دهنده دیده بودند، این امر بدیهی بود (مراجعه شود به انجیل لوقا ۱: ۱۷).

۹: ۱۲ "باید رنج بسیار کشد و تحقیر شود" این برای یهودیان روزگار عیسی که منتظر یک تحقق دهنده قدر همانند داوران عهد عتیق بود، عجیب نبود و انتظار یک ناجی رنج دیده را نداشتند. آنان چندین سرنخ عهد عتیق را از دست داده بودند (یعنی پیدایش ۳: ۱۵، مزامیر ۲۲، اشعیا ۵۲: ۱۳ الی ۵۳: ۱۲، زکریا ۹ الی ۱۴). سالها طول کشید تا دوازده شاگرد آن را درک کنند، آنها حتی تا زمان بشارت خاص روح در پنتیکاست که بر آنان آشکار شد، به صورت کامل درک نکردند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۶: ۱۳ الی ۱۴).

توجه داشته باشید که عیسی سعی می‌کرد تا دوازده شاگرد را با دلایل و منطق الهیات آشنا کند. او آنان را مجبور می‌کرد تا رابطه میان دو نبوت متفاوت را ببینند. آنان رسماً عالم نبودند، ولی به زودی باید همانند آنان عمل می‌کردند.

عیسی آنان را با تحقق غیر منتظره حیرت‌زده کرد که مفهومی نبوده بلکه نمادین بود (یعنی یحیی تعمید دهنده به عنوان ایلیایی که آمد تا راه را برای مسیح باز کند، عمل کرد).

عیسی از هر زمان خصوصی برای آموزش شاگردانش استفاده می‌کرد. حتی در راه بازگشت به پائین کوه، او یک موضوع مرتبط را مطرح کرد (یعنی نبوت ملاکی درباره ایلیا). این بهره گرفتن از هر موقعیت برای آموزش‌های دینی در کتاب تثنیه ۶: ۷ و ۱۱: ۱۹ منعکس شده است.

۹: ۱۳ "همان گونه که درباره او نوشته شده است" ایلیا از یهزیل آزار و شکنجه دید (مراجعه شود به اول پادشاهان ۱۹: ۲ و ۱۰ و ۱۴) همانطور که یحیی از هیرودیس آزار دید.

NASB: انجیل مرقس ۹: ۱۴ الی ۲۹

^{۱۴} چون نزد دیگر شاگردان رسیدند، دیدند گروهی بی‌شمار گردشان ایستاده‌اند و علمای دین نیز با ایشان مباحثه می‌کنند. ^{۱۵} جماعت تا عیسی را دیدند، همگی غرق در حیرت شدند و دوان دوان آمده، او را سلام دادند. ^{۱۶} عیسی پرسید: "درباره چه چیز با آنها بحث می‌کنید؟" ^{۱۷} مردی از میان جمعیت پاسخ داد: "استاد، پسر مرا نزد آورد. او گرفتار روحی است که قدرت سخن گفتن را از وی بازگرفته است. ^{۱۸} چون او را می‌گیرد، به زمینش می‌افکند، به گونه‌ای که دهانش کف می‌کند و دندانهایش به هم فشرده شده، بدنش خشک می‌شود. از شاگردانت خواستم آن روح را بیرون کنند، اما نتوانستند." ^{۱۹} عیسی در پاسخ گفت: "ای نسل بی‌ایمان، تا به کی با شما باشم و تحملتان کنم؟ او را نزد من بیاورید." ^{۲۰} پس او را آوردند. روح چون عیسی را دید، در دم پسر را به تشنج افکند به گونه‌ای که بر زمین افتاد و در همان حال که کف بر دهان آورده بود، بر خاک غلتان شد. ^{۲۱} عیسی از پدر او پرسید: "چند وقت است که به این وضع دچار است؟" پاسخ داد: "از کودکی." ^{۲۲} این روح بارها او را در آب و آتش افکنده تا هلاکش کند. اگر می‌توانی بر ما شفقت فرما و یاری‌مان ده." ^{۲۳} عیسی گفت: "اگر می‌توانی؟ برای کسی که ایمان دارد همه چیز ممکن است." ^{۲۴} پدر آن پسر بی‌درنگ با صدای بلند گفت: "ایمان دارم؛ یاری‌ام ده تا بر بی‌ایمانی خود غالب آیم!" ^{۲۵} چون عیسی دید که گروهی دوان دوان به آن سو می‌آیند، بر روح پلید نهیب زده، گفت: "ای روح کر و لال، به تو دستور می‌دهم از او بیرون آیی و دیگر هرگز

به او داخل نشوی!"^{۲۶} روح نعره‌ای برکشید و پسر را سخت تکان داد، از وی بیرون آمد. پسر همچون پیکری بی جان شد، به گونه‌ای که بسیاری گفتند: "مرده است".^{۲۷} اما عیسی دست پسر را گرفته، او را برخیزانید، و پسر بر پا ایستاد.^{۲۸} چون عیسی به خانه رفت، شاگردانش در خلوت از او پرسیدند: "چرا ما نتوانستیم آن روح را بیرون کنیم؟"^{۲۹} پاسخ داد: "این جنس جز به دعا بیرون نمی‌آید".

۹: ۱۴ " چون نزد دیگر شاگردان رسیدند " عیسی بقیه شاگردان را در پائین کوه ترک کرده بود. انجیل لوقا ۹: ۳۷ می‌گوید که آنها روز بعد بازگشتند.

■ " گروهی بی‌شمار گردشگران ایستاده‌اند و علمای دین نیز با ایشان مباحثه می‌کنند " هر دوی اینها مشخصه بشارت عیسی هستند و اینک شاگردان سایه وضعیت وجودی عیسی و همچنین بشارت خود را می‌بینند. اینها مسائل تکراری هستند، ولی همچنین فرصت هم هستند.

۹: ۱۵ " بلافاصله " (در نسخه انگلیسی کلمه *immediately* به معنی بلافاصله ذکر شده ولی در ترجمه فارسی اصلا این اصطلاح ترجمه نشده است - مترجم) به یادداشت مربوط به بخش انجیل مرقس ۱: ۱۰ مراجعه کنید.

■ " همگی غرق در حیرت شدند " برخی این حیرت‌زدگی را به عنوان اشاره به چهره عیسی در رابطه با کتاب خروج ۳۴: ۲۹ الی ۳۰ می‌دانند که هنوز می‌درخشید، ولی به نظر می‌رسد که متن دلالت بر این دارد که ظاهر شدن عیسی فرصتی را برای بشارت و تعلیم ایجاد کرد.

NASB "شروع به دویدن به سویش کردند تا او را خوشامد گویند"

NKJV "به سویش دویدند، به او خوشامد گفتند"

NRSV "به سویش دویدند تا به او خوشامد بگویند"

TEV "به سویش دویدند و به او خوشامد گفتند"

NJB "دویدند تا به او خوشامد گویند"

این زمان غیر کامل است که میتواند به معنی (۱) شروع یک عمل (مراجعه شود به NASB) و یا (۲) تکرار یک عمل در زمان گذشته باشد. این جمعیت همچنان داشتند تا عیسی را ببینند و یکی پس از دیگری به طرف بالا دویدند تا به او خوشامد گویند.

۹: ۱۶ " درباره چه چیز با آنها بحث می‌کنید " عیسی این سوال را خطاب به جمعیت پرسید. علما به پسر جوان توجهی نداشتند، بلکه به جنبه الهیاتی ناتوانی شاگردان برای تاثیر گذاشتن بر درمان توجه داشتند.

۹: ۱۷ " او گرفتار روحی است " اناجیل تمایز قطعی میان دیو‌زدگی و بیماری فیزیکی دارد. در این حالت خاص، به نظر می‌رسد تمایز واضح نیست. علائمی که توسط پدر توصیف شد و دلالت‌های مفهومی چندین اصطلاح یونانی در این متن مشخص کننده بیماری صرع است، به خصوص حمله شدید. این عنصر فیزیکی با دیو‌زدگی اشتباه گرفته شده بود. موضوع خاص: دیو‌زدگی در بخش مربوط به انجیل مرقس ۱: ۲۳ مراجعه شود.

۹: ۱۸ " خشک می‌شود " این توصیف حمله شدید است.

■ "از شاگردانت خواستم آن روح را بیرون کنند، اما نتوانستند " شاگردان هم حیرت زده شده بودند. در انجیل مرقس ۶: ۷ و ۱۳ عیسی به آنان قدرت برتری بر دیوها را داده بود، ولی در مورد خاص تلاش‌های آنان بی نتیجه بود.

۹: ۱۹ عیسی از دو سوال لفظی در انجیل مرقس ۹: ۱۹ استفاده می‌کند تا ناامیدی خود را نسبت به شاگردانش نسبت به فقدان ایمان شاگردان، جمعیت و علما ابراز دارد.

۹: ۲۰ " روح چون عیسی را دید، در دم پسر را به تشنج افکند " این دیو‌زدگی است که خود را به صورت صرع نشان می‌دهد.

۹: ۲۱ چندین مورد در اناجیل در خصوص دیو‌زدگی کودکان وجود دارد. چطور و چرا این اتفاق می‌افتد، هرگز بیان نشده است.

۹: ۲۲ ماهیت تخریبی دیو به وضوح در توصیف زندگی فرزند توسط پدر دیده می‌شود.

■ "هلاکش کند" موضوع خاص: تخریب (*APOLLUMI*) در بخش مربوط به انجیل مرقس ۳: ۶ را مطالعه کنید.

■ "اگر" این یک جمله شرطی نوع اول است که از دیدگاه نویسنده و یا از نظر مفهوم متن درست تصور می‌شود. این تصریح ایمان پدر نسبت به عیسی در توانایی برای شفا دادن است.

■ "اگر می‌توانی بر ما شفقت فرما و یاری‌مان ده " این پدر علیرغم ناتوانی شاگردان در شفای پسر به عیسی ایمان داشت.

در *Word Studies in the New Testament* جلد اول صفحه ۱۱۳، M. R. Vincent به نکته ای اشاره می‌کند که این پدر کاملا با مشکل پسرش شناسایی می‌شود، همانطور که زن سوری-فنیقیه ای با دخترش شناسایی می‌شد (مراجعه شود به انجیل متی ۱۵: ۲۲).

۹: ۲۳ "اگر می‌توانی" این تکرار گفته مرد در انجیل مرقس ۹: ۲۲ است. این هم یک جمله شرطی نوع اول دیگر است. این مرد قدرت عیسی را تأیید کرد، اینک عیسی ایمان او را می‌آزماید.

■ "برای کسی که ایمان دارد همه چیز ممکن است" این یک چک سفید برای بشریت نیست، حتی بشریت مومن، که بخواهد خدا را گول بزند، بلکه وعده‌ای است که خدا اراده خود را با ایمان داشتن تحقق می‌دهد (به *The Disease of the Health and Wealth Gospels* اثر Gordon Fee مراجعه کنید). دو شرط وجود دارد: (۱) اراده خدا و (۲) ایمان داشتن! موضوع خاص: دعای موثر در بخش مربوط به انجیل مرقس ۱۱: ۲۳ را مطالعه کنید.

۹: ۲۴ "ایمان دارم؛ یاری‌ام ده تا بر بی‌ایمانی خود غالب آیم" این زمان حال فعال امری است. به خاطر داشته باشید که این فاعل ایمان است، نه مقدار، این مهم است (مراجعه شود به انجیل متی ۱۷: ۲۰، انجیل لوقا ۱۷: ۶). توجه کنید که عیسی بر روی تردید این مرد کار می‌کرد، همانطور که با ما عمل می‌کند.

عیسی بر روی ایمان پدر کار می‌کرد، نه ایمان پسر، زیرا او از زمان کودکی دیو زده بود. فرد حیرت می‌کند که ناتوانی شاگردان در بیرون راندن دیو ایمان نداشتن پدر به شاگردان بود. عیسی اغلب بر ایمان والدین یا دوستان برای تاثیر بخشیدن به شفا تمرکز می‌کرد. کلمات این پدر نیاز او به عیسی برای کمک به ایمانش را تأیید می‌کند. این دعایی است که همه ما آن را می‌گوئیم.

Textus Receptus اصطلاح Kurie (یعنی پروردگار) را اضافه کرده است، که ممکن است توسط علما انجام شده باشد تا ایمان پدر را با خطاب کردن عیسی به عنوان خدا، نشان دهد، ولی این اصطلاح اضافه شده در هیچ ترجمه مدرن انگلیسی و همچنین KJV و NKJV دیده نمی‌شود.

۹: ۲۵ "گروهی دوان دوان به آن سو می‌آیند" (در نسخه انگلیسی *a crowd was rapidly gathering* "جمعیتی به سرعت جمع می‌شد" نوشته شده ولی در ترجمه فارسی "گروهی دوان دوان به آن سو می‌آیند" نوشته شده - مترجم). مشخص نیست که این چه ربطی به جن گیری دارد. این برخلاف راز مسیح است که اغلب در انجیل مرقس می‌آید. عیسی قدرت و اقتدار خود را در وضعیتی به شاگردان نشان می‌دهد که نمی‌توانند آن را درک کنند. فشار و کنجکاوای جمعیت همیشه مسئله بود، ولی همچنین فرصتی هم بود. این می‌تواند مشابه همان جمعیت انجیل مرقس ۹: ۱۴ الی ۱۵ و یا تعداد بیشتری از تازه واردین باشد.

■ "ای روح کر و لال" ظاهراً این یک جنبه دیگر مشکل فیزیکی آن پسر در رابطه با دیوزدگی بود (مراجعه شود به انجیل مرقس ۹: ۱۷).

■ "به تو دستور می‌دهم از او بیرون آیی و دیگر هرگز به او داخل نشوی" این زمان آنوریست فعال امری و وجه وصفی آنوریست فعال است که به معنی "بیرون آمدن و دیگر وارد نشدن" است.

۹: ۲۶ ظهور فیزیکی و خروج دیو به نظر می‌رسد در جن گیری در عهد جدید متداول باشد.

■ "پسر همچون پیکری بی‌جان شد" این هم یک عارضه دیگر از تسخیر قوی است.

۹: ۲۷ "عیسی دست پسر را گرفته، او را برخیزانید، و پسر بر پا ایستاد" این عمل توجه و محبت عیسی را نشان می‌دهد (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱: ۴۱، ۵: ۴۱). او از دست زدن به فرد بیمار و دیو زده ابایی نداشت.

۹: ۲۸ "چرا ما نتوانستیم آن روح را بیرون کنیم" آنها در شگفت بودند. بیشتر آنها می‌توانستند دیوها را بیرون برانند، ولی چرا حالا نتوانستند؟ انجیل متی ۱۷: ۲۰ می‌گوید به دلیل کم بودن ایمانشان بود.

۹: ۲۹ "این جنس جز به دعا بیرون نمی‌آید" در بسیاری از دیگر نسخ دستنویس یونانی عبارت "و روزه داری" هم وجود دارد. با این حال، نه در B یا 8 و نه در نسخه یونانی که توسط کلمنت استفاده شده دیده نمی‌شود. اضافه شدن این عبارت بسیاری قدیمی و گسترده است، احتمالاً به دلیل گرایش کلیسای اولیه نسبت به یهود در این منطقه. در MSS P⁴⁵، A، C، D، K، L، W، X و دیاتسارون اضافه شده است. موضوع خاص در مورد روزه داری در بخش مربوط به انجیل مرقس ۲: ۱۸ الی ۲۰ را مطالعه کنید. UBS⁴ به متن کوتاهتر رتبه A (قطعی) را می‌دهد.

از نظر الهیاتی، این مورد دلالت بر آن دارد که انواع مختلفی از دیوها وجود دارند که نیازمند تکنیکهای متفاوتی هستند. موضوع خاص در بخش مربوط به انجیل مرقس ۱: ۲۵ را مطالعه کنید.

NASB: انجیل مرقس ۹: ۳۰ الی ۳۲

"آنها آن مکان را ترک کردند و از میان جلیل گذشتند. عیسی نمی‌خواست کسی بداند او کجاست،^{۳۱} زیرا شاگردان خود را تعلیم می‌داد و در این باره بدیشان سخن می‌گفت که: "پسر انسان به دست مردم تسلیم خواهد شد و او را خواهند کشت. اما سه روز پس از کشته شدن، بر خواهد خاست."^{۳۲} ولی منظور او را درنیافتند و می‌ترسیدند از او سؤال کنند.

۳۰: ۹ "از میان جلیل گذشتند" این هنوز در مرحله ترک از کوهی است که در آن چهره اش تغییر یافت و از میان جلیل به سمت جنوب میرفت. عیسی میخواست تا آنجا که میتواند شخصا با مردم صحبت کند.

■ "عیسی نمیخواست کسی بداند او کجاست" این هم یک جنبه دیگر تمایل عیسی است که نمیخواست مردم او را به عنوان شفا دهنده یا معجزه گر بشناسند زیرا فشار مردم برای کمک فیزیکی تعلیم دادن و موعظه کردن را برایش غیر ممکن می ساخت.

۳۱: ۹ "پسر انسان" به یادداشت مربوط به بخش انجیل مرقس ۸: ۳۸ مراجعه کنید.

■ "تسلیم خواهد شد" این زمان حال اخباری مجهول است. معنی این عبارت "تحویل دادن به مقامات" است. این سومین مرتبه ای بود که عیسی به وضوح بر شاگردانش آشکار می ساخت که در اورشلیم چه رخ خواهد داد (مراجعه شود به انجیل مرقس ۸: ۳۱، ۹: ۱۲).

■ "بر خواهد خاست" موضوع خاص در بخش مربوط به انجیل مرقس ۸: ۳۱ را مطالعه کنید.

■ "سه روز" در ثبت زمان به شیوه یهود، این احتمالاً ۳۰ الی ۳۸ ساعت است (یعنی زمان کوتاهی در روز جمعه قبل از گرگ و میش، تمام شب و بخشی از یکشنبه قبل از سحر). این دوره زمانی چندین مرتبه به تجربه یونس مرتبط می شود (مراجعه شود به انجیل متی ۱۲: ۳۹ الی ۴۰، ۱۶: ۳، انجیل لوقا ۱۱: ۲۹ الی ۳۲).

۳۲: ۹ "منظور او را دریافتند" این یک موضوع تکراری در انجیل است. انجیل لوقا به وضوح این وضعیت را آشکار می کند:

۱. شاگردان متوجه نشدند (انجیل لوقا ۲: ۵۰، ۹: ۴۵، ۱۸: ۳۴)

۲. باید درک می کردند زیرا کلام عیسی برای آنان بود (انجیل لوقا ۸: ۱۰)

۳. عیسی ذهن شاگردان را باز کرد (انجیل لوقا ۲۴: ۴۵)

آنان به همان اندازه جمعیت کور بودند تا زمانیکه گفته های عیسی و الهام روح ذهن بسته و قلب آنان را به حقیقت و پیمان جدید باز کرد. ذهن انسان گمراه نمی تواند درک کند مگر با کمک روح و حتی پس از آن یک فرایند رشد آرام است از رستگاری به پارسایی.

NASB: انجیل مرقس ۹: ۳۳ الی ۳۷

۳۳ سپس به کفرناحوم آمدند. هنگامی که در خانه بودند، عیسی از شاگردان پرسید: "بین راه درباره چه چیز بحث می کردید؟" ایشان خاموش ماندند، زیرا در راه در این باره بحث می کردند که کدام یک از آنها بزرگتر است.^{۳۵} عیسی بنشست و آن دوازده تن را فرا خواند و گفت: "هر که می خواهد نخستین باشد، باید آخرین و خادم همه باشد".^{۳۶} سپس کودکی را برگرفته، در میان ایشان قرار داد و در آغوشش کشیده، به آنها گفت: "هر که چنین کودکی را به نام من بپذیرد، مرا پذیرفته است؛ و هر که مرا بپذیرد، نه مرا، بلکه فرستنده مرا پذیرفته است".

۳۳: ۹ "کفرناحوم" این شهر، زادگاه پطرس و آندریاس، پس از ایمان نیاوردن مردم ناصره تبدیل به مرکز فرماندهی عیسی شد.

■ "هنگامیکه در خانه بودند" این احتمالاً منزل پطرس بود (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱: ۲۹) یا یک خانه اجاره ای که عیسی استفاده می کرد.

■ "بین راه درباره چه چیز بحث می کردید" آنان جر و بحث می کردند، فقط صحبت نمی کردند. او درباره مرگ خود (سه مرتبه) به آنان گفته بود و آنان می خواستند بدانند کدامیک از آنان جایش را به عنوان رهبر خواهد گرفت (مراجعه شود به انجیل متی ۱۸: ۱ الی ۱۸، انجیل لوقا ۹: ۴۶ الی ۴۸، ۲۲: ۲۴).

۳۴: ۹ "بزرگتر" (در متن انگلیسی "بزرگترین" *greatest* نوشته شده ولی در ترجمه فارسی بزرگتر آمده است- مترجم) این حسادت سایر گروه های شاگردان را در برابر حلقه داخلی شاگردان که شامل پطرس، یعقوب و یوحنا بود را نشان می دهد. همچنین منعکس کننده مفهوم یهودی ملی گرایی پادشاهی زمینی است.

۳۵: ۹ "بنشست" این دلالت بر یک کلاس رسمی آموزش دارد (مراجعه شود به انجیل مرقس ۴: ۱، ۹: ۳۵، انجیل متی ۵: ۱، انجیل لوقا ۴: ۲۰).

■ "هر که می خواهد نخستین باشد" این یک جمله شرطی نوع اول است که از دیدگاه نویسنده تصور می شود که شرط درست است. عیسی جاه طلبی را محکوم نکرد، بلکه آن را با شرایط جدید پادشاهی خدا تعریف کرد. بزرگی به خدمت کردن مرتبط است (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۰: ۳۱ و ۴۵، انجیل متی ۲۰: ۲۶، ۱۹: ۳۰، انجیل یوحنا ۱۳: ۵)، نه کنترل یا قدرت! پادشاهی خدا بسیار با جوامع انسانی تفاوت دارد.

این عبارت مثال خوبی هستند از اینکه چگونه عیسی تعالیم خود را به شیوه های مختلف و در زمانهای متفاوت تکرار می کرد (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۰: ۴۳ الی ۴۴، انجیل متی ۲۳: ۱۱، انجیل لوقا ۲۲: ۲۴ الی ۲۵).

■ "خادم" عیسی به زبان آرامی صحبت می کرد. این گفته (یعنی انجیل مرقس ۹: ۳۵ الی ۳۷) می تواند یک بازی با کلمه آرامی "تالیا" باشد که هم به معنی "فرزند" و هم "خادم" است.

۹: ۳۶ "کودکی را برگرفته" انجیل متی ۱۸: ۱ الی ۱۸، انجیل لوقا ۹: ۴۶ الی ۴۹ و در اینجا به وضوح نشان داده می‌شود که عیسی درباره نوایمانان صحبت می‌کند نه کودکان.

■ "در آغوشش کشیده" این هم یک شهادت عینی دیگر همراه با جزئیات از جانب پطرس است. حتی احتمال آن هست که خانه پطرس و فرزند پطرس باشد!

۹: ۳۷ "هر که چنین کودکی را به نام من بپذیرد" "به نام من" یعنی "در شخصیت عیسی". هیچ جادویی در تکرار کلمات خاص وجود ندارد. قدرت از شناختن عیسی و شبیه سازی اعمالش می‌باشد. پاسخ از روی محبت ما به دیگران زیرا ما پیروان عیسی هستیم و این راهی است برای نشان دادن عشق خود به او (مراجعه شود به انجیل متی ۲۵: ۳۱ الی ۴۵).

از اعمال رسولان ۱۹: ۱۳ الی ۱۶ می‌دانیم که جن گیران یهود از نام عیسی استفاده می‌کردند ولی نتایج حیرت‌انگیزی می‌گرفتند. از انجیل متی ۷: ۲۱ الی ۲۳ می‌دانیم که رابطه فردی با مسیح بسیار مهم و حساس است، نه فقط پر حرفی کردن یا حتی تکرار نام او.

■ "هر که مرا بپذیرد، نه مرا، بلکه فرستنده مرا پذیرفته است" عیسی به طور مشخص موقعیت پدر را تصریح می‌کند. این به صورت مکرر در انجیل یوحنا بیان شده است. این اطاعت از پدر نابرابری نیست بلکه در قالب تثلیث عمل می‌کند.

موضوع خاص: فرستادن (*apostellō*)

(SPECIAL TOPIC: SEND (*APOSTELLŌ*))

این یک اصطلاح متداول یونانی برای فرستادن است (یعنی *apostellō*) که چندین کاربرد الهیاتی دارد:

۱. در یونانی کلاسیک و در میان روحانیون به مفهوم فراخواندن و فرستادن یک نماینده رسمی از طرف شخص دیگری است، همانند سفیر در انگلیسی (*ambassador*) (مراجعه شود به دوم قرنتیان ۲۰: ۵)

۲. انجیل معمولاً از این فعل در مورد عیسی استفاده می‌کنند که از سوی پدر فرستاده شده است. در انجیل یوحنا این اصطلاح مفهوم مسیحانه‌ای دارد (مراجعه شود به انجیل متی ۴۰: ۱۰، ۲۴: ۱۵، انجیل مرقس ۳۷: ۹، انجیل لوقا ۴۸: ۹ و بخصوص انجیل یوحنا ۳۶: ۵ و ۳۸، ۲۹: ۶ و ۵۷، ۲۹: ۷، ۴۲: ۸، ۳۶: ۱۰، ۴۲: ۱۱، ۳: ۱۷ و ۸ و ۱۸ و ۲۱ و ۲۳ و ۲۵ و ۲۱: ۲۰ - هم اصطلاح *apostle* و هم مترادف آن *pempō* در آیه ۲۱ استفاده شده‌اند). در مورد عیسی که مومنین را می‌فرستد، استفاده شده است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۸: ۱۷، ۲۱: ۲۰ - هم اصطلاح *apostle* و هم مترادف آن *pempō* در آیه ۲۱: ۲۰ استفاده شده‌اند).

۳. در عهد جدید حالت اسم *apostle* برای شاگردان استفاده شده است

a. دوازده شاگرد حلقه داخلی شاگردان (انجیل مرقس ۳۰: ۶، انجیل لوقا ۱۳: ۶، اعمال رسولان ۲: ۱ و ۲۶)

b. گروه خاص شاگردان کمک کننده و همکارانشان

i. بارناباس (اعمال رسولان ۴: ۱۴ و ۱۴)

ii. اندرونیکوس و جانیکوس (*KJV, Junia*)، مراجعه شود به رومیان ۷: ۱۶)

iii. آپولس (اول قرنتیان ۴: ۶ الی ۹)

iv. یعقوب برادر خداوند (مراجعه شود به غلاطیان ۱: ۱۹)

v. سیلوانوس و تیموتی (اول تسالونیکیان ۲: ۶)

vi. احتمالاً تیتوس (دوم قرنتیان ۸: ۲۳)

vii. احتمالاً اپافرودیتوس (فیلیپیان ۲: ۲۵)

c. هدیه‌ای به کلیسا (اول قرنتیان ۱۲: ۲۸ الی ۲۹، افسسیان ۴: ۱۱)

۴. پولس از این عنوان برای خودش برای تصریح اقتدارش به عنوان نماینده مسیح در اکثر نامه‌هایش استفاده می‌کند (مراجعه شود به رومیان ۱: ۱، اول قرنتیان ۱: ۱، دوم قرنتیان ۱: ۱، غلاطیان ۱: ۱، افسسیان ۱: ۱، کولسیان ۱: ۱، اول تیموتائوس ۱: ۱، دوم تیموتائوس ۱: ۱، تیتوس ۱: ۱)

۵. مسئله‌ای که ما به عنوان مومنین مدرن با آن مواجه هستیم این است که عهد جدید هرگز مشخص نکرده است که این هدیه‌ای که از آن صحبت می‌کند چیست یا شامل چیست و چگونه مومن می‌تواند آن را شناسایی کند. بدیهی است فرد باید میان دوازده شاگرد اصلی (۳ الف) و کاربرد بعدی (۳ ب) بتواند تمایز قائل شود. اگر فرستادگان مدرن تحت الهام نباشند که کتب جدیدی بنویسند (مراجعه شود به یهودا آیه ۳) پس آنها چه کاری می‌کنند که متفاوت با پیامبران عهد جدید و یا مبشرین است (مراجعه شود به افسسیان ۴: ۱۱)؟ اینها احتمالات من هستند

a. آغازگران کلیسای بشارتی در مناطقی که بشارت انجام نشده

NASB: انجیل مرقس ۹: ۳۸ الی ۴۱

^{۳۸} یوحنا گفت: "استاد، شخصی را دیدیم که به نام تو دیو اخراج می‌کرد، اما چون از ما نبود، او را بازداشتیم." ^{۳۹} عیسی گفت: "بازش مدارید، زیرا کسی نمی‌تواند به نام من معجزه کند و دمی بعد، در حق من بد بگوید." ^{۴۰} زیرا هر که بر ضد ما نیست، با ماست. ^{۴۱} آمین، به شما می‌گویم، هر که از آن سبب که به مسیح تعلق دارید حتی جامی آب به نام من به شما بدهد، بی‌گمان بی‌پاداش نخواهد ماند.

۹: ۳۸ "اما چون از ما نبود، او را بازداشتیم" تفاوتی در میان نسخ دستنویس یونانی وجود دارد. این آیه را به سختی می‌توان ترجمه و تفسیر کرد. همین امر باعث شد که علمای باستان آن را تغییر دهند. ترجمه‌های انگلیسی قابل قبول (به دنبال UBS⁴) را میتوان در MSS ۸ و B و ترجمه سنتی سیریاک دید.

۹: ۳۹ "بازش مدارید" این زمان حال امری با وجه وصفی منفی است، که معمولا دلالت بر متوقف ساختن عملی است که در حال انجام می‌باشد.

۹: ۴۰ "زیرا هر که بر ضد ما نیست، با ماست" عیسی معمولا از ضرب المثلهای فرهنگی در تعالیم خود استفاده می‌کرد (مراجعه شود به انجیل مرقس ۲: ۱۷ و ۲۱ و ۲۲، ۳: ۲۷، ۴: ۲۱ و ۲۲ و ۲۵، ۷: ۱۵، ۸: ۳۵ و ۳۶ و ۳۷، ۹: ۴۰ و ۵۰، ۱۰: ۲۵ و ۲۷ و ۳۱ و ۴۳ الی ۴۴). این را با انجیل متی ۱۲: ۳۰ و انجیل لوقا ۱۱: ۲۳ مقایسه کنید.

بحث جالبی در رابطه با تناقض میان انجیل مرقس ۹: ۴۰ و انجیل لوقا ۱۱: ۲۳ در کتاب *Hard Sayings of the Bible* از انتشارات IVP صفحات ۴۶۶ الی ۴۶۷ وجود دارد. این کتاب منبع مفیدی برای دانشجویان علوم دینی است. آنها تصریح می‌کنند که زمینه‌های مفهومی آنچه را که تناقض به نظر می‌رسد برطرف می‌کند.

۹: ۴۱ متن همسورا در انجیل متی ۱۰: ۴۲، ۲۵: ۴۰ مطالعه کنید. تضاد شدیدی میان انجیل مرقس ۹: ۳۸ الی ۴۱ و انجیل مرقس ۹: ۴۲ الی ۴۸ وجود دارد. آنهایی که رسماً به عیسی مرتبط نیستند مشخص هستند که با حسن نیت هستند ولی آنها که او را می‌شناسند به او با استعاره قوی درباره مسئولیتشان نسبت به نوایمانان هشدار می‌دهند. این پارادوکس شوکه‌کننده حقیقت انجیل مرقس ۹: ۳۳ الی ۳۷ را ترسیم می‌کند.

همچنین این آیه پاداش پادشاهی خدا را برای کسانی که صادقانه خدمت می‌کنند، بیان می‌کند (مراجعه شود به انجیل مرقس ۹: ۴۱، ۱۰: ۲۱، ۲۸ الی ۳۱ و چندین مرتبه در موعظه عیسی در کوه در انجیل متی ۵: ۱۲ و ۴۶، ۶: ۵ الی ۶ و ۱۶ الی ۱۸ و ۱۹ الی ۲۱). مشکل می‌توان تعادل میان رستگاری رایگان در کار خاتمه یافته مسیح و مسئولیت پیمان مومنین بر زندگی بر مبنای ایمان را برقرار کرد.

همچنین مشکل می‌توان توازن میان مفهوم عهد جدیدی اندازه پاداش و مجازات را برقرار کرد (مراجعه شود به انجیل متی ۱۰: ۴۵، ۱۱: ۲۲، ۱۸: ۶، ۲۵: ۲۱ و ۲۳، انجیل مرقس ۱۲: ۴۰، انجیل لوقا ۱۲: ۴۷ الی ۴۸، ۲۰: ۴۷). موضوع خاص در بخش مربوط به انجیل مرقس ۱۲: ۴۰ را مطالعه کنید.

NASB: انجیل مرقس ۹: ۴۲ الی ۴۸

^{۴۲} "و هر که سبب شود یکی از این کوچکان که به من ایمان دارند لغزش خورد، او را بهتر آن می‌بود که سنگ آسیابی بزرگ به گردش بیاویزند و به دریا افکنند!" ^{۴۳} اگر دستت تو را می‌لغزاند، آن را قطع کن. زیرا تو را بهتر آن است که علیل به حیات راه یابی تا آنکه با دو دست به دوزخ روی، به آتشی که هرگز خاموش نمی‌شود. ^{۴۴} [جایی که گرم آنها نمی‌میرد و آتش خاموشی نمی‌پذیرد]. ^{۴۵} و اگر پایت تو را می‌لغزاند، آن را قطع کن. زیرا تو را بهتر آن است که لنگ به حیات راه یابی، تا آنکه با دو پا به دوزخ افکنده شوی. ^{۴۶} [جایی که گرم آنها نمی‌میرد و آتش خاموشی نمی‌پذیرد]. ^{۴۷} و اگر چشمت تو را می‌لغزاند، آن را به در آر، زیرا تو را بهتر آن است که با یک چشم به پادشاهی خدا راه یابی، تا آنکه با دو چشم به دوزخ افکنده شوی، ^{۴۸} جایی که: "گرم آنها نمی‌میرد و آتش خاموشی نمی‌پذیرد."

۹: ۴۲ "هر که سبب شود یکی از این کوچکان" از نظر الهیات، این اشاره به نوایمانان دارد. با این وجود، ممکن است رابطه مفهومی با درسی که از پسر دیو زده داد داشته باشد. خدا کودکان را دوست دارد و نمی‌خواهد کسی از آنها سو استفاده کند.

■ "که به من ایمان دارند" (در متن انگلیسی به من وجود ندارد- مترجم). این وجه وصفی حال فعال است که دلالت بر تداوم بر ایمان دارد. برخی نسخ دستنویس یونانی باستانی "به من" را اضافه کرده‌اند (مراجعه شود به ترجمه‌های MSS A, B, C2, L, W و والگست، سیریاک و کپتیک). به نظر می‌رسد که این توسط علما اضافه شده باشد از متن همسورا در انجیل متی ۱۸: ۶ زیرا این کلمات در MSS ۸ و C دیده نمی‌شوند. موضوع خاص در بخش مربوط به انجیل مرقس ۱: ۱۵ را مطالعه کنید.

■ "لغزش خوزد" این در مفهوم تله حیوان است که طعمه‌ای در آن قرار داده شده.

■ "اگر" این عبارت جمله شرطی نوع اول است. این یک هشدار قوی به رهبران مسیحی است. چوپان بزرگ به تمامی گوسفندان اهمیت می‌دهد، به خصوص آنها که جدید و آسیب پذیر هستند.

این یک مبالغه است (مراجعه شود به انجیل متی ۵: ۲۹ و ۳۰ و ۳۸ الی ۴۶، ۶: ۲ الی ۴، ۷: ۳ الی ۵، ۲۳: ۲۳ الی ۲۴، ۱۰: ۲۴ الی ۲۵). عیسی به زبان استعاره‌ای روز داوری ابدی صحبت می‌کند. این اغراغهای شرقی برای نسلها مومنین غربی را سردرگم کرده بود. عشق ما به انجیل و عشق ما به در پیروی از عیسی باعث شد که مومنین غربی ژانرها و استعاره‌های انجیل را درست درک نکنند.

■ "سنگ آسیابی بزرگ" این به سنگ بالایی آسیاب اشاره می‌کند که توسط یک حیوان چرخانده می‌شود. این هم یک مبالغه شرقی دیگر است که برای تاکید پیام استفاده شده است.

■ "به دریا افکنند" این زمان مجهول کامل اخباری است، که دلالت بر یک وضعیت دائمی دارد. این یک استعاره قوی در مورد داوری است. به عنوان مردمی تنها، یهودیان از آب می‌ترسیدند.

۹: ۴۳ الی ۴۷ این زبان اغراق و استعاره است، ولی نشان می‌دهد که به تعهد ریشه‌ای توسط عیسی نیاز دارد (مراجعه شود به *The Method and Message of Jesus' Teachings* نوشته Robert H. Stein صفحات ۸ الی ۱۱).

این آیات مثال خوبی از شعر عبری هستند، همسوه‌های مترادف، بسیار در عهد عتیق مرسوم هستند (مراجعه شود به انجیل مرقس ۲: ۲۱ الی ۲۲، ۳: ۴ و ۲۴ الی ۲۵ و ۲۸، ۴: ۲۲ و ۳۰، ۸: ۱۷ و ۱۸، ۹: ۴۳ الی ۴۷، ۱۰: ۳۸ و ۴۳ الی ۴۴، ۱۳: ۲۴ الی ۲۵). برخی مثالها در انجیل مرقس در مورد همسوه‌های متضاد انجیل مرقس ۲: ۱۹ الی ۲۰، ۳: ۲۸ الی ۱۹، ۴: ۲۵، ۷: ۸ و ۱۵، ۸: ۳۵ هستند (مراجعه شود به Stein صفحات ۲۷ الی ۲۹).

۹: ۴۳ "اگر" این عبارت شرطی نوع سوم است که از احتمال وقوع رخداد خبر می‌دهد.

■ "به حیات راه یابی" برای زندگی دو کلمه در عهد جدید وجود دارد: (۱) *bios* (یعنی زندگی زمینی) و (۲) *zoē* (یعنی زندگی معنوی). عیسی در مورد ورود به دنیای معنوی صحبت می‌کند (یعنی حیات جاویدان). این همسو است با عبارت "پادشاهی خدا" در انجیل مرقس ۹: ۴۷. مومنین می‌توانند اینک وارد پادشاهی شوند و به نوعی، حتی اینک می‌توانند بهشت را تجربه کنند (مراجعه شود به افسسیان ۲: ۵ الی ۶).
به شیوه‌های متعددی این در عهد جدید نشان داده شده است.

۱. دنیایی که می‌آید، حیات جاویدان (انجیل مرقس ۱۰: ۱۷ و ۳۰)

۲. نجات... از دست دادن زندگی (انجیل مرقس ۸: ۳۵، انجیل متی ۱۰: ۳۹، انجیل لوقا ۱۷: ۳۳)

۳. ورود به زندگی (انجیل مرقس ۹: ۴۳، انجیل متی ۲۵: ۴۶)

۴. در شادی ارباب شریک شدن (انجیل متی ۲۵: ۲۱ و ۲۳)

■ "دوزخ" این همان جهنم (یا جهنم) (مراجعه شود به ارمیا ۷: ۳۱) است. این مکان عبادت فنیقیه‌ای‌ها برای عبادت خدای آتش و باروری در دره پسران هینوم در جنوب اورشلیم است. این مکانی بود که اولین نوزاد بدنیا آمده هر کس برای خدای باروری کنعان قربانی می‌شد (مراجعه شود به لاویان ۱۸: ۲۱، ۲۰: ۲ و الی ۵، تثنیه ۱۲: ۳۱، ۱۸: ۱۰، دوم پادشاهان ۲۱: ۶، دوم تواریخ ۲۸: ۳، ۳۳: ۶، ارمیا ۲: ۲۳، ۷: ۳۲، ۳۲: ۳۵). یهودیان از بت پرستی پیشینیان خود بسیار شرمسار بودند به طوری که این مکان را تبدیل به زباله دانی اورشلیم کردند. استعاره‌های عیسی در مورد جدایی دائمی از محبت پدر (آتش، کرم، تعفن) از این مکان زباله دانی متعفن می‌آید.

این اصطلاح بارها توسط عیسی استفاده شده، ولی فقط یک بار توسط یکی از نگارندگان عهد جدید استفاده شده (یعقوب ۳: ۶). از منظر انجیلی دوزخ به همان اندازه بهشت واقعیت دارد (مراجعه شود به انجیل متی ۲۵: ۴۶). موضوع خاص زیر را مطالعه کنید.

موضوع خاص: مردگان، کجا هستند؟

(SPECIAL TOPIC: Where Are the Dead?)

۱. عهد عتیق

a. همه انسانها به *Sheol* (دنیای زیر زمین در زبان عبری) می‌روند (هیچ ریشه‌ای برای این کلمه موجود نیست و ریشه آن مشخص نیست،

(BDB 982, KB 1368)، و شیوه‌ای است برای اشاره به مکانی که مردگان را در آنجا گذاشته و در آنجا زندگی می‌کنند یا قبر است،

بیشتر در ادبیات عرفانی و اشعیا استفاده شده است. در عهد عتیق هستی در سایه، هشیار ولی بدون لذت وجود دارد (مراجعه شود به

یعقوب ۲۱: ۱۰ الی ۲۲، ۱۷: ۳۸).

b. مشخصه های شئول (Sheol)

- i. با داوری خدا همراه است (آتش)، تنبیه ۲۲:۳۲
- ii. زندانی با دروازه، یعقوب ۱۷:۳۸، مزامیر ۱۳:۹، ۱۸:۱۰۷
- iii. سرزمین بدون بازگشت، یعقوب ۷:۹ (اصطلاح اکادادی برای مرگ)
- iv. سرزمین/قلمرو تاریکی، یعقوب ۲۱:۱۰ الی ۲۲، ۱۳:۱۷، ۱۸:۱۸
- v. مکان سکوت، مزامیر ۱:۲۸، ۱۷:۳۱، ۱۷:۹۴، ۱۷:۱۱۵، اشعیا ۵:۴۷
- vi. همراه با مجازات حتی قبل از روز داوری، مزامیر ۴:۱۸ الی ۵
- vii. همراه با شیطان (تخریب، موضوع خاص: شیطان را مطالعه کنید)، که در آن خدا نیز حضور دارد، یعقوب ۶:۲۶، مزامیر ۸:۱۳۹، عاموس ۲:۹
- viii. همراه با گودال است (قبر)، مزامیر ۱۰:۱۶، ۳:۸۸ الی ۴، اشعیا ۱۵:۱۴، حزقیال ۳۱:۱۵ الی ۱۷
- ix. افراد شرور زنده وارد شئول می شوند، اعداد ۳۰:۱۶ الی ۳۳، یعقوب ۹:۷، مزامیر ۱۵:۵۵
- x. انسان حیوان‌نمایی با دهان بزرگ، اعداد ۳۰:۱۶، امثال ۱۲:۱، اشعیا ۱۴:۵، حبقوق ۲:۵
- xi. به مردم آنجا رفائیم (یعنی روح مردگان) گفته می شود، یعقوب ۵:۲۶، امثال ۱۸:۲، ۱۶:۲۱، ۱۴:۲۶، اشعیا ۹:۱۴ الی ۱۱
- xii. با این وجود، حتی در اینجا نیز یهوه حاضر است، یعقوب ۶:۲۶، مزامیر ۸:۱۳۹، امثال ۱۱:۱۵

۲. عهد جدید

- a. کلمه عبری شئول در زبان یونانی به *Hades* ترجمه می شود (دنیای دیده نشده)
- b. مشخصه های *Hades* (همانند شئول است)
 - i. اشاره به مرگ دارد، انجیل متی ۱۸:۱۶
 - ii. به مرگ مرتبط است، مکاشفه ۱۸:۱، ۸:۶، ۱۳:۲۰ الی ۱۴
 - iii. اغلب شبیه مکانی برای مجازات دائمی است (*Gehenna* یا جهنم)، انجیل متی ۲۳:۱۱ (نقل از عهد عتیق)، انجیل لوقا ۴۳:۲۳
- c. احتمالاً مجزا شده (روحانیون)

- i. بخش نیکی آن بهشت نامیده می شود (مراجعه شود به دوم قرنتیان ۴:۱۲، مکاشفه ۷:۲)، انجیل لوقا ۴۳:۲۳
- ii. بخش پلیدی آن که تارتاروس نامیده می شود، مکانی به مراتب پائینتر از *Hades*، دوم پطرس ۴:۲، که در آن شیاطین هستند (مراجعه شود به پیدایش ۶، اول انوش). پرتگاه (*Abyss*)، انجیل لوقا ۳۱:۸، رومیان ۷:۱۰، مکاشفه ۱:۹ الی ۲ و ۱۱، ۷:۱۱، ۱۷:۱ و ۸، ۲۰:۱ و ۳

d. جهنما (جهنم)

- i. منعکس کننده یک عبارت عهد عتیقی است، "دره پسران هینوم"، (جنوب اورشلیم). مکانی بود که خدای آتش فینقیان، مولک (KB591, BDB 574) با قربانی کردن کودکی پرستش و عبادت می شد (مراجعه شود به دوم پادشاهان ۳:۱۶، ۶:۲۱، دوم قرنتیان ۳:۲۸، ۶:۳۳)، که در لایوان ۲۱:۱۸، ۲:۲۰ الی ۵ منع شده بود.
- ii. ارمیا این مکان را از محل عبات کفار و بت پرستان تبدیل به محل داوری یهوه کرد (مراجعه شود به ارمیا ۳۲:۷، ۶:۱۹ الی ۷). این مکان تبدیل به محل داوری آتشین در اول انوش ۲۶:۹۰ الی ۲۷ و خویشان ۱۰۳:۱
- iii. یهودیان روزگار عیسی اجدادشان از حضور در مراسم عبادت بت پرستان و کفار به خاطر قربانی کردن کودکان ترسانده بودند، به همین دلیل آنها این مکان را تبدیل به زباله‌دانی شهر اورشلیم کرده بودند. بسیاری از استعاره‌های داوری جاودانی عیسی از این مکان می آیند (آتش، دود، کرمها، بوی تعفن، مراجعه شود به انجیل مرقس ۹:۴۴ و ۴۶). اصطلاح جهنما/جهنم فقط توسط عیسی استفاده شده است (به استثنای یعقوب ۶:۳).

iv. استفاده عیسی از جهنم

۱. آتش، انجیل متی ۲۲:۵، ۹:۱۸، انجیل مرقس ۹:۴۳
۲. همیشگی، انجیل مرقس ۹:۴۸ (انجیل متی ۴۶:۲۵)
۳. محل خراب شدن (هم روح و هم جسم)، انجیل متی ۲۸:۱۰
۴. همسو با شئول، انجیل متی ۲۹:۵ الی ۳۰، ۹:۱۸
۵. پلیدی را بیان می دارد مانند "فرزند جهنم"، انجیل متی ۱۵:۲۳
۶. نتیجه حکم داوری، انجیل متی ۳۳:۲۳، انجیل لوقا ۵:۱۲

۷. مفهوم جهنم همسو با مرگ دوم است (مراجعه شود به مکاشفه ۱۱: ۲، ۶: ۲۰ و ۱۴) یا دریاچه آتش (مراجعه شود به انجیل متی ۱۳: ۴۲ و ۵۰، مکاشفه ۱۹: ۲۰، ۱۰: ۲۰ و ۱۴ الی ۱۵، ۸: ۲۱). احتمال دارد که دریاچه آتش تبدیل به محل دائمی انسانها (از شئول) و شیطان (از تارتاروس، دوم پطرس ۴: ۲، یهوذا ۶: ۱ یا هاویه، مراجعه شود به انجیل لوقا ۳: ۸، مکاشفه ۹: ۱ الی ۱۱، ۱: ۲۰ و ۳) شود.

۸. این برای انسانها نبود، بلکه برای شیطان و فرشتگان او بود، مراجعه شود به انجیل متی ۲۵: ۴۱

e. این احتمال هست، به واسطه همپوشانی حادثه و شئول و جهنم که:

i. همه انسانها به شئول/حادثه بروند

ii. کارهای (نیک و بد) آنها پس از داوری تشدید می‌شود، ولی مکان پلیدی بود، به همین دلیل انجیل KJV حادثه را قبر و جهنم را جهنم ترجمه کرده است.

iii. تنها جایی در انجیل که مجازات قبل از داوری را ذکر کرده، تمثیل انجیل لوقا ۱۹: ۱۶ الی ۳۱ (ایلعازر و مرد ثروتمند) است. شئول به عنوان مکان فعلی مجازات توصیف شده (مراجعه شود به تثنیه ۲۲: ۳۲، مزامیر ۱۸: ۱ الی ۵). با این حال، کسی نمی‌تواند برای آن دکترینی یا تمثیلی تعریف کند.

۳. حالت میان مرگ و بازگشت از مرگ

a. انجیل جاودانگی روح را تعلیم نمی‌دهد، که یکی از چندین نگرش باستانی در مورد پس از مرگ است، و تصریح می‌کند که:

i. روح انسان قبل از زندگی فیزیکی وجود داشته است

ii. روح انسان قبل و بعد از مرگ فیزیکی جاویدان است

iii. اغلب جسم فیزیکی به عنوان زندان دیده می‌شود و مرگ آن را به حالت قبل از وجود تبدیل می‌کند

b. عهد جدید به حالت جدا شدن از بدن میان مرگ و رستاخیز اشاره می‌کند

i. عیسی از حالت جدایی میان بدن و روح صحبت می‌کند، انجیل متی ۲۸: ۱۰

ii. ابراهیم ممکن است جسم داشته باشد، انجیل مرقس ۲۶: ۱۲ الی ۲۷، انجیل لوقا ۲۳: ۱۶

iii. موسی و الباس در زمان تغییر شکل بدن فیزیکی داشتند، انجیل متی ۱۷

iv. پولس تصریح می‌کند که در زمان آمدن دوم، مومنینی که با عیسی می‌آیند ابتدا بدن جدیدی می‌گیرند، اول تسالونیکیان ۱۳: ۴ الی ۱۸

v. پولس تصریح می‌کند که مومنین در روز رستاخیز بدن معنوی جدیدی می‌گیرند، اول قرنتیان ۱۵: ۲۳ و ۵۲

vi. پولس تصریح می‌کند که مومنین به حادثه می‌روند، ولی در زمان مرگ با عیسی هستند، دوم قرنتیان ۵: ۶ و ۸، فیلیپیان ۲۳: ۱. عیسی بر مرگ غلبه کرد و پارسایان را با خود به بهشت برد، اول پطرس ۱۸: ۳ الی ۲۲.

۴. بهشت

a. این اصطلاح به سه مفهوم در انجیل استفاده شده است

i. اتمسفر بالای زمین، پیدایش ۱: ۱ و ۸، اشعیا ۵: ۴۲، ۴۵: ۱۸

ii. بهشت درخشان، پیدایش ۱: ۱۴، تثنیه ۱۰: ۱۴، مزامیر ۴: ۱۴۸، عبرانیان ۴: ۱۴، ۷: ۲۶

iii. محل پادشاهی خدا، تثنیه ۱۰: ۱۴، اول پادشاهان ۲۷: ۸، مزامیر ۴: ۱۴۸، افسسیان ۴: ۱۰، عبرانیان ۹: ۲۴ (بهشت سوم، دوم قرنتیان ۱۲: ۲)

b. انجیل مطالب زیادی در مورد پس از زندگی بیان نمی‌کند، احتمالاً به این دلیل که انسان گمراه نمی‌تواند یا توان درک آن را ندارد (مراجعه شود به اول قرنتیان ۹: ۲)

c. بهشت هم مکان (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۴: ۲ الی ۳) و هم فرد (دوم قرنتیان ۵: ۶ و ۸) است. بهشت می‌تواند باغ احیا شده عدن باشد (پیدایش ۱ الی ۲، مکاشفه ۲۱ الی ۲۲). زمین پاک شده و احیا می‌گردد (مراجعه شود به اعمال رسولان ۳: ۲۱، رومیان ۸: ۲۱، دوم پطرس ۱: ۱۰). تصویر خدا (پیدایش ۱: ۲۶ الی ۲۷) در مسیح احیا می‌شود. اینک دوستی صمیمانه باغ عدن دوباره امکانپذیر است.

با این حال، این می‌تواند استعاره‌ای باشد (بهشت به عنوان یک شهر مکعب شکل عظیم مکاشفه ۲۱: ۹ الی ۲۷) و نه فقط مفهومی. اول قرنتیان ۱۵ تفاوت‌های میان بدن فیزیکی و بدن معنوی را به عنوان بذر گیاه بالغ توصیف می‌کند. اول قرنتیان ۹: ۲ (نقل قولی از اشعیا ۴: ۶ و ۱۷: ۶۵) وعده بزرگی است. می‌دانم که وقتی او را ببینیم، همانند او خواهیم بود (مراجعه شود به اول یوحنا ۲: ۳).

۵. منابع مفید

a. William Hendriksen, *The Bible On the Life Hereafter*

۴۴:۹ و ۴۶ آیات ۴۴ و ۴۶ همانند انجیل مرقس ۹: ۴۸ یکی هستند. هیچیک از آنها در نسخ دستنویس یونانی یونیکال B، C^L، یا W دیده نمی شوند. به نظر می رسد که علما و کاتبین این کلمات را از انجیل مرقس ۹: ۴۸ گرفته و در انجیل مرقس ۹: ۴۴ و ۴۶ وارد کرده باشند.

۴۸: ۹ " جایی که گرم آنها نمی میرد و آتش خاموشی نمی پذیرد " این نقل قول از اشعیا ۶۶: ۲۴ است. یهودیان از اینکه پیشینیان آنها کودکانشان را می سوزانند بسیار حیرت زده بودند (دوم پادشاهان ۲۱: ۶) به طوریکه آنها این مکان را تبدیل به زباله دانی اورشلیم کردند. از این مکان است که عیسی زبان استعاره ای خود را برای دوری از خدا برگرفت - دوزخ. مشابه همین اصطلاح، جاودانی، در انجیل متی ۲۵: ۴۶ که برای بهشت استفاده شده در همین آیه در مورد داوری استفاده شده است.

NASB: انجیل مرقس ۹: ۴۹ الی ۵۰

۴۹ زیرا همه با آتش نمکین خواهند شد. ^{۵۰}نمک نیکوست، اما اگر خاصیتش را از دست بدهد، چگونه می توان آن را نمکین ساخت؟ شما نیز در خود نمک داشته باشید و با یکدیگر در صلح و صفا به سر برید."

۴۹: ۹ " با آتش نمکین خواهند شد " نمک وسیله ای برای شفا، پاک سازی و محافظت بود. از آن همچنین برای مهر کردن پیمان استفاده می شد (مراجعه شود به کتاب اعداد ۱۸: ۱۹). برای مردم بیابان نشین یکی از لوازم بسیار مهم زندگی بود. اصطلاحات نمک و آتش در این متن برای پاکسازی مترادف هستند. در میان نسخ دستنویس باستانی تفاوت های زیادی در آیه ۴۹ دیده می شود. اینها احتمالاً به دلیل عدم قطعیت (۱) چگونه این آیه با انجیل مرقس ۹: ۴۸ مرتبط می شود، یا (۲) خود این آیه یعنی چه، هستند. احتمالاً عالم یا کاتبی اشاره ای به لایوان ۲: ۱۳ دیده و آن را در حاشیه متن قرار داده است. عیسی اغلب از نمک به عنوان قیاس برای برقراری ارتباط با حقیقت معنوی استفاده می کرد (مراجعه شود به انجیل متی ۵: ۱۳، انجیل لوقا ۱۴: ۳۴ الی ۳۵).

۵۰: ۹ این آیه، همانند انجیل مرقس ۹: ۴۹ به نظر می رسد به نوعی با متن قبلی بی ارتباط باشد. همانطور که انجیل مرقس ۹: ۴۹ اضافه شده، زیرا اصطلاح آتش به خاطر اصطلاح نمک اضافه شده است. می تواند به اشاره به انجیل مرقس ۹: ۳۵ داشته باشد. اینکه مسیحیان چگونه زندگی می کنند، اهمیت دارد.

سوالاتی برای بحث

این یک راهنمای مطالعاتی است، که بدین معنی است که شما خودتان مسئول تفسیر انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر خودمان گام برداریم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. شما نباید این امر را به یک مفسر واگذار کنید.

این سوالات مباحثاتی به منظور کمک به شما در تفکر نسبت به مسائل اصلی این بخش از کتاب مطرح شده اند. آنها صرفاً تفکر برانگیز هستند نه قطعی.

۱. چرا عیسی تغییر یافت؟
۲. این رخداد چه ارتباط با عهد عتیق دارد؟
۳. چرا شاگردان در مورد الیاس دچار سردرگمی شدند؟
۴. چرا شاگردان هنوز نمی توانند مرگ و قیام عیسی را درک کنند؟
۵. آیا برای یک مسیحی جاه طلبی خطا است؟
۶. عیسی بزرگی را چگونه تعریف می کند؟
۷. آیا در انجیل مرقس ۹: ۳۵ الی ۳۷ و ۴۲ عیسی در مورد کودکان صحبت می کند یا به عنوان مثال برای بزرگسالان استفاده می کند؟
۸. در مورد داوری در چه بندی وجود دارد؟
۹. آیا انجیل مرقس ۹: ۴۳ الی ۴۷ را باید مفهومی برداشت کرد؟
۱۰. نمک سمبل چیست؟

مرقس ۱۰

پاراگراف‌های ترجمه‌های مدرن

UBS ⁴	NKJV	NRSV	TEV	NJB
تعلیم در مورد طلاق	ازدواج و طلاق	در خصوص ازدواج و طلاق	عیسی در مورد طلاق تعلیم می‌دهد	سوال در مورد طلاق
۱۰:۱ الی ۱۲	۱۰:۱ الی ۱۲	۱:۱۰ ۲:۱۰ الی ۹	۱:۱۰ ۲:۱۰ ۳:۱۰ ۴:۱۰ ۵:۱۰ الی ۹	۱۰:۱ الی ۱۲
کودکان برکت گرفتند	عیسی کودکان را برکت می‌دهد	برکت دادن به کودکان	عیسی کودکان را برکت می‌دهد	عیسی و کودکان
۱۰:۱۳ الی ۱۶	۱۰:۱۳ الی ۱۶	۱۰:۱۳ الی ۱۶	۱۰:۱۳ الی ۱۶	۱۰:۱۳ الی ۱۶
مرد ثروتمند	عیسی به حاکم جوان پند می‌دهد	مرد ثروتمند	مرد ثروتمند	مرد جوان ثروتمند
۱۰:۱۷ الی ۲۲	۱۰:۱۷ الی ۲۲	۱۰:۱۷ الی ۲۲	۱۷:۱۰ ۱۸:۱۰ الی ۱۹ ۲۰:۱۰ ۲۱:۱۰ الی ۲۲	۱۰:۱۷ الی ۲۲
	با خدا همه چیز ممکن است		۲۳:۱۰ ۲۴:۱۰ الی ۲۵ ۲۶:۱۰ ۲۷:۱۰	خطر ثروت
۱۰:۲۳ الی ۳۱	۱۰:۲۳ الی ۳۱	۱۰:۲۳ الی ۲۷	۲۸:۱۰ ۲۹:۱۰ الی ۳۱	۱۰:۲۳ الی ۲۷
عیسی برای سومین مرتبه مرگ و قیامش از مردگان را پیش‌گویی میکند	عیسی برای سومین مرتبه مرگ و قیامش از مردگان را پیش‌گویی میکند	برای سومین مرتبه در مورد شور پیش‌گویی میشود	عیسی برای سومین مرتبه در باره مرگش صحبت می‌کند	نبوت سوم شور
۱۰:۳۲ الی ۳۴	۱۰:۳۲ الی ۳۴	۱۰:۳۲ الی ۳۴	۱۰:۳۲ الی ۳۴	۱۰:۳۲ الی ۳۴
درخواست یعقوب و یوحنا	بزرگترین آن است که خدمت میکند	یعقوب و یوحنا در جستجوی افتخار	درخواست یعقوب و یوحنا	پسران زبیدی درخواستی ارائه میکنند
۱۰:۳۵ الی ۴۵	۱۰:۳۵ الی ۴۵	۱۰:۳۵ الی ۴۰	۳۵:۱۰ ۳۶:۱۰ ۳۷:۱۰ ۳۸:۱۰ ۳۹:۱۰ الی ۴۰	۱۰:۳۵ الی ۴۰
عیسی بارتیمائوس نابینا را شفا میدهد	عیسی بارتیمائوس نابینا را شفا میدهد	بارتیمائوس نابینا	عیسی بارتیمائوس نابینا را شفا میدهد	مرد نابینای جریکو
		۱۰:۴۱ الی ۴۵	۱۰:۴۱ الی ۴۵	۱۰:۴۱ الی ۴۵

۵۲:۱۰ الی ۴۶	۵۲:۱۰ الی ۴۶	۵۲:۱۰ الی ۴۶	۴۷:۱۰ الی ۴۶	۵۲:۱۰ الی ۴۶
			۴۸:۱۰	
			۴۹:۱۰	
			۵۰:۱۰	
			۵۱:الف	
			۵۱:ب	
			۵۲:۱۰	

مطالعه حلقه سوم (رجوع کنید به "سمینار تفسیر کتاب مقدس")

به دنبال نیت اصلی نویسنده در سطوح پاراگراف

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید.

کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص نمایید (مطالعه حلقه شماره ۳). تقسیمات موضوعی خود را با پنج ترجمه بالا مقایسه کنید. پاراگراف بندی به نویسنده الهام نشده است، اما کلید پیگیری اهداف اصلی نویسنده است که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول
۲. پاراگراف دوم
۳. پاراگراف سوم
۴. غیره

همسوه‌های سایر اناجیل

۱. طلاق، انجیل مرقس ۱۰:۲ الی ۱۲ (همسو با انجیل متی ۱۹:۱ الی ۱۲)
۲. برکت دادن کودکان، انجیل مرقس ۱۰:۱۳ الی ۱۶ (همسو با انجیل متی ۱۹:۱۳ الی ۱۵، انجیل لوقا ۱۸:۱۵ الی ۱۷)
۳. حاکم جوان و ثروتمند، انجیل مرقس ۱۰:۱۷ الی ۳۱ (همسو با انجیل متی ۱۹:۱۶ الی ۲۰، انجیل لوقا ۱۸:۱۸ الی ۳۰)
۴. پیش گویی مصلوب شدن، انجیل مرقس ۱۰:۳۲ الی ۳۴ (همسو با انجیل متی ۲۰:۱۷ الی ۲۰، انجیل لوقا ۱۸:۳۱ الی ۳۴)
۵. پسران زبیدی، انجیل مرقس ۱۰:۳۵ الی ۴۵ (همسو با انجیل متی ۲۰:۲۱ الی ۲۸)
۶. بارتیمائوس نابینا، انجیل مرقس ۱۰:۴۶ الی ۵۲ (همسو با انجیل متی ۲۰:۲۹ الی ۳۴، انجیل لوقا ۱۸:۳۵ الی ۴۳)

مطالعه کلمات و عبارات

NASB: انجیل مرقس ۱:۱۰

عیسی آن مکان را ترک کرد و به نواحی یهودیه و آن سوی رود اردن رفت. دیگر بار جماعتها نزد او گرد آمدند، و او بنا به روال همیشه خود، به آنها تعلیم می‌داد.

۱:۱۰ "عیسی آن مکان را ترک کرد و به نواحی یهودیه و آن سوی رود اردن رفت" در نسخ SRV و ASV "به نواحی یهودیه و آن سوی رود اردن آمد" قید شده است. متن دلالت بر این دارد که عیسی در حال طی آخرین سفر خود به اورشلیم بود. ظاهراً او از طریق سامریه به شمال رفت، و بعد به جلیل، و به جمعیت زائیرینی که عازم اورشلیم بودند، ملحق شد (یعنی از طریق پیریه) و بعد به سمت غرب به سوی اریحا بازگشت. اگر چنین شده باشد، در این صورت این آیه مبهم را توضیح می‌دهد (مراجعه شود به *Word Pictures in the New Testament* نوشته A. T. Robertson، جلد ۱، صفحه ۳۴۸، تصریح می‌کند که بیش از یک سوم انجیل لوقا در طی انجیل مرقس ۹ و ۱۰ رخ داده است، یعنی ۹:۵۷ الی ۱۸:۱۴، همچنین انجیل متی ۱۸ و یوحنا ۷ الی ۱۱).

■ "دیگر بار جماعتها نزد او گرد آمدند" این می‌تواند به (۱) زائیرینی که برای جشن در راه اورشلیم بودند یا (۲) بیماران، افراد کنجکاو، رهبران یهود و شاگردان اشاره داشته باشد.

■ "او بنا به روال همیشه خود" هر گاه عیسی فرصی برای تعلیم بدست می‌آورد، این کار را می‌کرد (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱:۲۱، ۲:۱۳، ۴:۲، ۶:۲ و ۶ و ۳۴، ۱۲:۳۵، ۱۴:۴۹). محتوای پیامش این بود:

۱. توبه کنید و ایمان آورید (همانند پیام یحیی تعمید دهنده)
۲. با ایمان به او می‌توان وارد پادشاهی خدا شد
۳. پادشاهی خدا به صورت ریشه‌ای شیوه تفکر و زندگی فرد را تغییر می‌دهد.

NASB: انجیل مرقس ۱۰: ۲ الی ۹

آفریسیان نزدش آمدند و برای آزمایش از او پرسیدند: "آیا جایز است که مرد زن خود را طلاق دهد؟" عیسی در پاسخ گفت: "موسی چه حکمی به شما داده است؟" گفتند: "موسی اجازه داده که مرد طلاقنامه‌ای بنویسد و زن خود را رها کند." عیسی به آنها فرمود: "موسی به سبب سختدلی شما این حکم را برایتان نوشت. اما از آغاز آفرینش، خدا ایشان را مرد و زن آفرید." و "از همین رو، مرد پدر و مادر خود را ترک کرده، به زن خویش خواهد پیوست،^۸ و آن دو یک تن خواهند شد." بنابراین، از آن پس دیگر دو نیستند، بلکه یک تن می‌باشند.^۹ پس آنچه را خدا پیوست، انسان جدا نسازد."

۱۰: ۲ "فریسیان" موضوع خاص فریسیان در بخش مربوط به انجیل مرقس ۲: ۱۶ را مطالعه کنید.

■ "آزمایش" کلمه *periazō* مفهوم آزمودن با دیدگاه تخریب دارد (مراجعه شود به انجیل مرقس ۸: ۱۱، ۱۰: ۲، ۱۲: ۱۵، موضوع خاص در مورد اصطلاحات برای "آزمودن" در بخش مربوط به انجیل مرقس ۱: ۱۳ را مطالعه کنید). این سوال برای (۱) متقارن کردن هم مردم و هم روحانیون در مورد اعتقادات دو مکتب روحانی شمایی (محافظه کار) و هیلل (لیبرال) و یا (۲) برانگیزاندن خشم هیروود بود.

■ "آیا جایز است که مرد زن خود را طلاق دهد" توجه داشته باشید که سوال فریسیان در مورد طلاق است نه ازدواج. همچنین توجه کنید که عیسی به یک سوال خاص پاسخ می‌دهد. عیسی به این سوال در یک شرایط خنثی پاسخ نمی‌دهد. این فریسیان در صدد بودند که او را بدام بیاندازند و او را از (۱) پیروان هیلل که گرایش لیبرال در مورد طلاق داشتند جدا کنند. انجیل متی ۱۹: ۳ سوال را بسط میدهد تا چرا طلاق را هم شامل شود و یا (۲) از هیروود انتیخوس جدا کنند زیرا او طلاق داده بود (مراجعه شود به انجیل مرقس ۶: ۱۷ الی ۲۰).

اصطلاح مجاز (در نسخه انگلیسی کلمه قانونی یا *lawful* آمده است) می‌تواند به شریعت موسی یا سنتهای روحانیون اشاره داشته باشد (یعنی تلمود). در پاسخ، عیسی عبارتی را از کتاب تثنیه نقل می‌کند.

۱۰: ۴ "طلاقنامه‌ای بنویسد" این نقل قول از کتاب تثنیه ۲۴: ۱ الی ۴ است. موسی فرایند قانونی را برای حمایت زن ایجاد کرد (مراجعه شود به کتاب خروج ۲۱: ۱ الی ۱۱). این فرایند قانونی پیش نیازهای زیادی داشت.

۱. مدتی زمان می‌برد
۲. باید یک کشیش یا لای آو آن را می‌نوشت
۳. احتمالاً باید مهریه پرداخت می‌شد

خوشبختانه این فرایندها به زوج این شانس را می‌داد تا آشتی کنند.

همچنین باید اذعان داشت که کتاب تثنیه ۲۴ حق ازدواج مجدد را هم برای مرد و هم زن در نظر گرفته است. با این حال، عبارت کتاب تثنیه در این متن به موضوع فرهنگی طلاق به اندازه این موارد اشاره نمی‌کند: (۱) اطمینان از بازگوه و وفادار بودن عروس و (۲) مشخص کردن فرایندهای خاص و محدودیتها در ازدواج مجدد.

مسئله اصلی در تفسیر لیبرال این عبارت توسط مکتب روحانی هیلل (مراجعه شود به *The Christ of the Gospels* اثر J. W. Shepherd صفحات ۴۵۱ الی ۴۵۷) رخ می‌دهد. این مکتب اصطلاح بی‌شرمی را گرفته و بازه زمانی و معنی آن را بسط داد. فریسیان فقط از موسی نقل قول می‌کردند تا عیسی را به دام اندازند. آنان در جستجوی اطلاعات نبودند.

عیسی نیت خدا برای ازدواج به عنوان یک مرد و یک زن برای زندگی را تأیید کرد. هیچ چیز دیگری ایده‌آل نیست. مسئله اینجاست که چگونه میان کلام عیسی در این متن با دیگر گفته‌هایش در مورد بخشش در سایر متون توازن ایجاد کرد. استانداردهای پیروان پادشاهی بالا است، ولی همچنین، لطف خدا هم هست! در این زمینه گرایش مورد به مورد بهتر از قوانین سخت مطلق است.

در عهد عتیق، یهوه از طلاق استفاده کرد تا اعمال خود را به واسطه بت پرستی نسبت به اسرائیل توصیف کند (مراجعه شود به اشعیا ۵۰: ۱، ارمیا ۳: ۱ الی ۸، یوشع ۲: ۲). مثالهایی در عهد عتیق هستند که طلاق لازم است (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۲۱: ۸ الی ۱۴، خروج ۲۱: ۱۰ الی ۱۱، تثنیه ۲۱: ۱۰ الی ۱۴، عزرا ۹ الی ۱۰). مقاله تفکر برانگیز بسیار جالبی در *Journal of the Evangelical Theological Society* جلد ۴۰، شماره ۴ تحت عنوان *Old Testament Perspectives on Divorce and Remarriage* اثر Joe M. Sprinkle وجود دارد.

۱۰: ۵ "به سبب سختدلی شما" عیسی اسرائیلیها را به عنوان "سخت دل" توصیف کرد (مراجعه شود به اشعیا ۲: ۴، ۳: ۷). اصطلاح "گردن سخت" مترادف

استعاره‌ای این اصطلاح است (مراجعه شود به خروج ۳۲: ۹، ۳۳: ۳ و ۵ و ۹، تثنیه ۹: ۶ و ۱۳). آنها همیشه می‌خواستند که کارها را به شیوه خودشان انجام دهند. این میل همیشگی انسان گمراه است. این گرایش حتی در شاگردان هم بود (مراجعه شود به انجیل مرقس ۳: ۵ و ۶: ۵۲).
موضوع طلاق مثال خوبی در مورد مسئله اثبات متن است. ما باید اجازه دهیم که تمام انجیل در مورد هر موضوعی سخن گوید. این تنها عبارت انجیل در مورد طلاق یا ازدواج مجدد نیست.

این اظهار عیسی برای من ناراحت کننده است. از کجا بدانم که کتاب تثنیه ۲۴: ۱ الی ۴ حرف آخر یهوه در مورد این موضوع نیست؟ در انجیل است. اگر عیسی با این مسئله مواجه نشده بود، احتمالاً هیچ وقت ارتباط محدود آن را نمی‌فهمیدم. مسئله اینجاست که چند تا از سایر متون عهد عتیق در رابطه با سخت دلی هستند و چند تا از آنها اراده خدا برای نوع بشر می‌باشند؟ تنها آسودگی از گرایش سیستماتیک الهیاتی به مسئله و در حساب آوردن هر دو عهد (منظور عهد عتیق و عهد جدید است) و شرایط تاریخی به وجود می‌آید (مثلاً، انجیل مرقس ۷: ۱۴ الی ۱۶، ۱۷ الی ۲۳). مسیحیان عصر مدرن خیلی سریع در مورد صحت مطلق متن از متون متفرق و جدا و ریز عبور کرده و نتیجه گیری می‌کنند.

از نظر الهیاتی، رد کردن موسی توسط عیسی تکان دهنده است. یک شیوه بسیار قدرتمند برای تصریح اقتدارش است. این شاگردان یهودی خیلی هیجان زده می‌شدند که می‌دانست چرا موسی کاری را انجام داد که او با اقتدارش از یهوه می‌تواند آن را برگرداند. این بخش در انجیل مرقس از منظر الهیاتی همسو با انجیل متی ۵: ۱۷ الی ۴۸ است.

۱۰: ۶ "از آغاز آفرینش" موضوع خاص: KTISIS (ساختن) را در ادامه مطالعه کنید.

موضوع خاص: ساختن (KTISIS) (SPECIAL TOPIC: KTISIS)

اصطلاح *Ktisis* به مفاهیم مختلف در عهد جدید استفاده شده است. فرهنگ اصطلاحات Louw and Nadia احتمالات زیر را فهرست میکند:

۱. خلقت (عمل خلق کردن، مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۳: ۱۹، رومیان ۱: ۲۰ الی ۲۲، افسسیان ۳: ۹)
۲. مخلوق (چیزی که زنده خلق شده است، مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۰: ۶، رومیان ۱: ۲۵، ۸: ۳۹، کولسیان ۱: ۱۵ و ۲۳)
۳. جهان (هر آنچه که خلق شده است، مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۳: ۱۹، رومیان ۸: ۲۰، عبرانیان ۹: ۱۱)
۴. نهاد (مراجعه شود به اول پطرس ۲: ۱۳ (شماره ۳۹/۴۲))
۵. مرجع قدرت (مراجعه شود به اول پطرس ۲: ۱۳ (۴۷/۳۷))

پولس همچنین در رومیان ۸: ۱۸ الی ۲۵ به خلقت شخصیت داده است. او به خلقت جدید خدا، عصر جدید، عصر روح القدس در دوم قرنیتان ۵: ۱۷ و غلاطیان ۶: ۱۵ شخصیت داده است. مومنین باید همانند شهروندان عصر جدید زندگی کنند.

■ "خدا ایشان را مرد و زن آفرید" در برنامه اولیه آفرینش خدا، ازدواج بود (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱: ۲۷). سکس نعمت خدا برای تحقق هدف و برای زمین بود/هست (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱: ۲۸).

۱۰: ۷ "مرد پدر و مادر خود را ترک کرده" این نقل قول دیگری از کتاب پیدایش است (مراجعه شود به انجیل مرقس ۲: ۲۴). جایگاه بالای ازدواج را نشان می‌دهد، حتی بالاتر از جایگاه والدین. جدایی فکری از والدین ضروری است، حتی اگر جدایی فیزیکی صورت نگیرد (یعنی چندین نسل با یکدیگر زندگی کنند).

۱۰: ۸ "و آن دو یک تن خواهند شد" این نقل قول هم از کتاب پیدایش ۲: ۲۴ است. در ازدواج، دو تن تبدیل به یک تن می‌شوند - از نظر فیزیکی، احساسی و از هر لحاظی. این تداوم ازدواج را در برنامه خدا نشان می‌دهد.

موسی سالهای زیادی را به دور از رخدادهایی که در کتاب پیدایش ثبت شده زندگی کرده است. در بخش خلقت کتاب پیدایش او مسئله بعدی اولویت ازدواج را به سنتهایی که به اولین زوج باز می‌گردد، خواند.

۱۰: ۹ "آنچه را خدا پیوست" از نظر مفهومی به معنی با "یکدیگر مخلوط کردن/آمیختن" است. طلاق یکی از راه‌های انسان گمراه برای آن چیزی است که خدا به عنوان اصل جامعه پایه‌ریزی کرده است (یعنی، ازدواج ستونی برای ثبات جامعه است، مراجعه شود به کتاب تثنیه ۵: ۱۶ و ۳۳، ۴: ۴۰، ۳۲: ۴۷)، "در سرزمینی که خداوند به تو خواهد بخشید، عمری طولانی و پربرکت خواهی داشت". این مثال خوبی است از پیمان مومن که خواست خود را به اراده خدا ترجیح می‌دهد.

■ "انسان جدا نسازد" (در متن انگلیسی، *let no man separate* نوشته شده یعنی "نگذارید هیچ انسانی جدا سازد" - مترجم) این زمان حال امری فعال با وجه وصفی منفی است، که معمولاً به معنی متوقف ساختن عملی است که در حال انجام است. برای بحث خوبی در خصوص ازدواج، خانواده و طلاق *New Testament Theology* اثر Frank Staff صفحات ۲۹۶ الی ۳۰۲ را مطالعه کنید.

NASB: انجیل مرقس ۱۰: ۱۰ الی ۱۲

۱۰ چون در خانه بودند، شاگردان دیگر بار درباره این موضوع از عیسی سؤال کردند. ۱۱ عیسی فرمود: "هر که زن خود را طلاق دهد و زنی دیگر اختیار کند، نسبت به زن خود مرتکب زنا شده است. ۱۲ و اگر زنی از شوهر خود طلاق گیرد و شوهری دیگر اختیار کند، مرتکب زنا شده است."

۱۰: ۱۰ " شاگردان دیگر بار درباره این موضوع از عیسی سؤال کردند " انجیل متی ۱۹: ۱۰ حیرت شاگردان را ثبت کرده است. آنها در مورد آنچه که همیشه به آنان در مورد طلاق و ازدواج مجدد آموزش داده می‌شد، کنجکاو بودند. این عبارت الگوی تعلیم عمومی و تفسیر خصوصی عیسی را نشان می‌دهد. این الگو نشان می‌دهد که چقدر راحت می‌توان گفته‌های عیسی را اشتباه درک کرد. این جلسات خصوصی فرصتی برای آموزش دوازده شاگرد در درک درست و جنبه‌های ریشه‌ای پادشاهی خدا بودند. عیسی نهایت اقتدار را در خودش متمرکز کرده بود، نه در عهد عتیق (مراجعه شود به انجیل متی ۵: ۱۷ الی ۱۹)، هر چند به عهد عتیق احترام می‌گذاشت و معمولاً آن را تأیید می‌کرد.

۱۰: ۱۱ الی ۱۲ " مرتکب زنا شده است مرتکب زنا شده است " اینها هر دو افعال حال اخباری هستند. حالت کلمه "مرتکب زنا شدن" در یونانی کوبین (از دیدگاه تاریخ تحولات لغوی) می‌تواند زمان میانی یا مجهول باشد. در انجیل متی ۵: ۳۲ که بر روی همین موضوع صحبت می‌شود، از زمان آنوریست مجهول نامحدود استفاده شده است. اگر این درست باشد، پس این طلاق و ازدواج مجدد نیست که زنا تلقی می‌شود، بلکه عمل قانونی رها کردن زن است، که از نظر فرهنگی داغ ننگ همانند زنا کرده بر او زده می‌شود. از نظر مفهومی "باعث شده که او زنا کند". این منع کتاب مقدس در مورد ازدواج مجدد نیست. این در ارتباط با جنبه تفسیر یهودی آن است (هیلل در برابر شمایی).

با این حال، فسخ پیمان ازدواج میان مومنین (یعنی کسی که بنام مسیح قسم خورده که در ازدواجش پایدار بماند) چیزی نبوده و نیست که خدا به آن کاری داشته باشد. مومنین باید "استاندارد بالاتر پادشاهی" را حفظ کنند. طلاق معمولاً از پلیدی کمتر است، گناه نابخشودنی نیست! یادداشت کامل در بخش مربوط به انجیل مرقس ۱۰: ۴ را مطالعه کنید.

۱۰: ۱۲ " اگر زنی از شوهر خود طلاق گیرد و شوهری دیگر اختیار کند، مرتکب زنا شده است " این ترجمه از متن یونانی اسکندریه است. در متون غربی چنین خوانده می‌شود "اگر زن شوهر خود را رها کند و طلاق نگیرد و با کس دیگری ازدواج کند، پس زنا کرده است". متن همسوی آن در انجیل متی ۱۹: ۱ الی ۱۲ این آیه را حذف می‌کند، احتمالاً به دلیل اینکه متی، که برای یهودیان می‌نوشت، نیازی نداشت که این را اضافه کند. در یهود، زنان حق طلاق گرفتن از شوهر را ندارند. مرقس، که برای پیروان سایر ادیان می‌نوشت، این را ثبت کرده تا جنبه کلی تعالیم عیسی را نشان دهد. این بر تساوی قانونی زن و شوهر تمرکز دارد که در قوانین روم منعکس شده بود. این هم شاهد دیگری است که انجیل مرقس برای رومیان نوشته شده است. عیسی طرفدار خانواده بود (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۰: ۱۳ الی ۱۶)!

■ "اگر" این عبارت جمله شرطی نوع سوم است که به معنی احتمال وقوع یک رخداد است.

NASB: انجیل مرقس ۱۰: ۱۳ الی ۱۶

۱۳ مردم کودکان را نزد عیسی آوردند تا بر آنها دست بگذارد. اما شاگردان مردم را برای این کار سرزنش کردند. ۱۴ عیسی چون این را دید، خشمگین شد و به شاگردان خود گفت: "بگذارید کودکان نزد من آیند؛ آنان را بازمدارید، زیرا پادشاهی خدا از آن چنین کسان است. ۱۵ آمین، به شما می‌گویم، هر که پادشاهی خدا را همچون کودکی نپذیرد، هرگز بدان راه نخواهد یافت." ۱۶ آنگاه کودکان را در آغوش کشیده، بر آنان دست نهاد و ایشان را برکت داد.

۱۰: ۱۳ "آوردند" این زمان غیر کامل است. والدین مرتب فرزندان خود را نزد او می‌آوردند تا از لحاظ مذهبی آنان را برکت دهد. این هیچ ربطی به رستگاری این کودکان ندارد. آنان با ختنه شدن بخشی از اسرائیل بودند و منتظر بودند تا دختران در سن دوازده سالگی و پسران در سن ۱۳ سالگی بالغ تلقی شوند.

■ "کودکان" انجیل لوقا ۱۸: ۱۵ می‌گوید "نوزادان". در میان یهودیان دختران کمتر از ۱۲ سال و پسران کمتر از ۱۳ سال کودک تلقی می‌شدند.

■ "دست بگذارد" (در نسخه انگلیسی "لمس کند" نوشته شده ولی در ترجمه فارسی دست بگذارد آورده شده - مترجم) انجیل متی ۱۹: ۱۳ می‌گوید بر "آنان دست گذارد" (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۰: ۱۶). در روزگار عیسی بسیار متداول بود که والدین از روحانیون می‌خواستند که کودکانشان را برکت دهند. مشابه این عمل در کتاب پیدایش ۴۸: ۸ به بعد دیده می‌شود. معمولاً این کار در روز تولد کودک صورت می‌گرفت. این برکت بیشتر به خاطر آسودگی خاطر والدین بود تا وضعیت نجات یافتن در برابر گمراهی کودکان!

■ "شاگردان مردم را برای این کار سرزنش کردند" (در نسخه انگلیسی "آنها" نوشته شده ولی در ترجمه فارسی "مردم" قید شده است - مترجم) "آنها" مبهم است بنابراین علمای اولیه "کسانی که آنها را می‌آوردند" را اضافه کردند (مراجعه شود به NKJV). با این وجود، این در نسخ دستنویس باستانی یونانی B یا C وجود ندارد ولی در A و D و W دیده می‌شود. متن کوتاهتری هم در انجیل متی ۱۹: ۱۳ و انجیل لوقا ۱۸: ۱۵ یافت می‌شود. کودکان در خاور

نزدیک برتری را که کودکان در غرب دارند، ندارند. شاگردان تصور کرده بودند که آنها از عیسی در برابر کارهای مخرب و پر جنب و جوش محافظت می‌کنند. با این وجود، برای عیسی مردم همیشه ارجحیت داشتند.

NASB, NKJV, NJB
"او خشمگین بود"
NKJV
"او بسیار ناراحت بود"
TEV
"او عصبانی بود"

این اصطلاح قوی است که در انجیل مرقس ۱۰: ۴۱ برای خشم شاگردان بر برابر یعقوب و یوحنا در خصوص پرسش برای مقام رهبری و در انجیل مرقس ۱۴: ۴ برای نشان دادن نفرت یهودیان برای تطهیر عیسی استفاده شده است. متی نیز چندین مرتبه این اصطلاح را استفاده کرده است (مراجعه شود به انجیل مرقس ۲۰: ۲۴، ۲۱: ۵، ۲۶: ۸).

انجیل مرقس با ثبت احساسات عیسی انسان بودن او را ثبت کرده است (مراجعه شود به *Jesus and the Rise of Early Christianity* اثر Paul Barnett صفحه ۱۵۶).

۱. دلسوزی برای جذامی (انجیل مرقس ۱: ۴۰ الی ۴۲)
۲. خشم به خاطر سخت دل بودن فریسیان (انجیل مرقس ۳: ۱ الی ۵)
۳. خشم نسبت به شاگردان (انجیل مرقس ۱۰: ۱۳ الی ۱۶)
۴. محبت به حاکم ثروتمند جوان (انجیل مرقس ۱۰: ۱۷ الی ۲۲)
۵. ناراحتی عمیق در گتسمانه (انجیل مرقس ۱۴: ۳۳ الی ۳۴)
۶. ترک کردن او بر بالای صلیب (انجیل مرقس ۱۵: ۳۴)

عیسی اغلب ناامیدی خود را از شاگردان نشان می‌داد (مراجعه شود به انجیل مرقس ۶: ۵۲، ۸: ۱۷، ۹: ۱۹). او کودکان را معجزه خلقت خدا می‌دانست و آنها را دوست می‌داشت. او اغلب از کودکان به عنوان موضوع آموزشی برای ایمان واقعی و شاگردی یاد می‌کرد.

- "بگذارید کودکان نزد من آیند" این زمان آئوریست امری فعال است، که بر فوریت و شدت امر تاکید دارد.
- "آنان را باز مدارید" این زمان حال امری با وجه وصفی منفی است که معمولاً به معنی متوقف کردن عملی است که در حال انجام می‌باشد.
- "پادشاهی خدا" این اصطلاح متداول انجیلی اشاره به حکومت خدا در قلب مردم دارد که روزی در تمامی زمین همانند بهشت تحقق خواهد یافت. موضوع خاص در بخش مربوط به انجیل مرقس ۱: ۱۵ را مطالعه کنید.

■ "آمین" (در نسخه انگلیسی کلمه *Truly* ذکر شده ولی در انجیل فارسی "آمین" نوشته شده است- مترجم) موضوع خاص: آمین در بخش مربوط به انجیل مرقس ۳: ۲۸ را مطالعه کنید.

■ "هر که پادشاهی خدا را همچون کودکی نپذیرد" این اشاره به افراد بالغ دارد. عیسی اغلب از کودکان به عنوان مثال معنوی استفاده می‌کرد (مراجعه شود به انجیل متی ۱۸). عهد جدید مکاشفه برای افراد بالغ است. بر شرایط معنوی کودکان بحث نمی‌کند.

اصطلاح یونانی *dechomai* اساساً به معنی "نگهداشتن چیزی" است. در این مفهوم، همسو با *lambanō* است. در اینجا با مفهوم "دریافت کردن"، "ایمان آوردن" و یا "پذیرفتن" است. ممکن است تمایز ظریفی در مفهوم وجود داشته باشد که *dechomai* بر دهنده تاکید دارد در حالی که *lambanō* منعکس کننده عمل فعال بر روی پذیرنده است (مراجعه شود به *Greek-English Lexicon of the New Testament Based on Semantic Domains* اثر Louw and Nida صفحه ۵۷۲، پی نویس ۳۱).

محرك الهیاتی این است که انسانها باید عیسی را "بپذیرند" و به او "ایمان آورند". رستگاری شامل فرد پذیرفتن فرد، و ایمان به حقیقت فرد است (یعنی انجیل)، و زندگی کردن به شیوه‌ای که همانند آن فرد باشد. یک جنبه اختیاری اولیه و جاری برای رستگاری وجود دارد.

■ "هرگز بدان راه نخواهد یافت" این یک ساختار منفی مضاعف است که به معنی "هرگز و هیچوقت" است. در مفهومی، عیسی پادشاهی خدا را به صورت پذیرش او و تعالیمش همانند یک کودک توصیف می‌کند. در روزگار ما این امر قابل تحمل نیست، ولی این از تعالیم واضح عهد جدید است. اغلب بدان "انحصار طلبی انجیل" گفته می‌شود. با این حال، صحت دارد. ایمان به عیسی تنها راه برای رسیدن به پدر است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۴: ۶)! این باید انگیزه، شهادت و تواضع در دعا باشد، نه غرور، تعصب و پیش داوری.

۱۰: ۱۶ "آنگاه کودکان را در آغوش کشیده" این هم یک شهادت عینی همراه با جزئیات از جانب پطرس است، همانند ۹: ۳۶.

■ "ایشان را برکت داد" عیسی برای هر یک وقت گذاشت. ما می‌توانیم به محبت خدا بر فرزندانمان اعتماد داشته باشیم و به وضوح آن را در عیسی ببینیم. همانگونه که عیسی برخواست، جایگاه اجتماعی زنان و نیز کودکان بالاتر رفت. موضوع خاص: دست نهادن در انجیل در بخش مربوط به انجیل مرقس ۷:

NASB: انجیل مرقس ۱۰: ۱۷ الی ۲۲

۱۷ چون عیسی به راه افتاد، مردی دوان دوان آمده، در برابرش زانو زد و پرسید: "استاد نیکو، چه کنم تا وارث حیات جاویدان شوم؟" ۱۸ عیسی پاسخ داد: "چرا مرا نیکو می خوانی؟ هیچ کس نیکو نیست جز خدا فقط. ۱۹ احکام را می دانی: "قتل مکن، زنا مکن، دزدی مکن، شهادت دروغ مده، فریبکاری مکن، پدر و مادر خود را گرامی دار." ۲۰ آن مرد در پاسخ گفت: «استاد، همه اینها را از کودکی به جا آورده‌ام. ۲۱ عیسی به او نگر بسته، محبتش کرد و گفت: "تو را یک چیز کم است؛ برو آنچه داری بفروش و بهایش را به تنگدستان بده که در آسمان گنج خواهی داشت. آنگاه بیا و از من پیروی کن." ۲۲ مرد از این سخن نومید شد و اندوهگین از آنجا رفت، زیرا ثروت بسیار داشت.

۱۰: ۱۷ " چون عیسی به راه افتاد " مشخصه انجیل مرقس سفر کردنهای عیسی است. این تکنیک خاص مرقس برای ساختار دادن به ارائه خاطرات (موظف‌های) پطرس است.

■ "مردی" انجیل متی ۱۹: ۲۰ صفت "جوان" را هم اضافه کرده است، انجیل متی ۱۹: ۲۲ اضافه می کند: "او کسی بود که اموال زیادی داشت (یعنی ثروتمند بود)"، در حالیکه انجیل لوقا ۱۸: ۱۸ او را "حاکم" معرفی می کند. ظاهراً این مرد فردی ثروتمند، مومن، با نفوذ و از رهبران مذهبی بود. اصطلاح حاکم دلالت بر این دارد که او رهبر یک کنیسه محلی بود. موضوع خاص: پارسایی در بخش مربوط به اول پطرس ۳: ۱۴ را مطالعه کنید.

■ "دوان دوان آمده، در برابرش زانو زد" این یک رفتار بسیار غیر معمول از جانب یک فرد ثروتمند شرقی است. به نظر می رسد که این مرد صادق و مایل به دانستن بود. این تلاشی برای آزمودن یا گمراه کردن عیسی نبود.

■ "استاد نیکو" این عبارت فرصت را برای عیسی مهیا کرد تا جهان بینی معنوی این مرد را ارزیابی کند (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۰: ۱۸). اصطلاح نیکو (یعنی *agathos*) را می توان به شیوه های مختلف معنی کرد (نیکو، سودآور، سخاوتمند، سودمند، صریح، یا با تقوی). مرد از آن به یک شیوه استفاده کرد ولی عیسی از آن برای نهایت مفهوم استفاده کرد.

■ "چه کنم" - درک او از موضوعات معنوی بر اعمال بود. این مرد لبریز از آموزشهای سنتهای رفتاری روحانیون بود (مراجعه شود به انجیل متی ۱۹: ۱۶).

■ "وارث" این اصطلاح آشنا دلالت بر رابطه فردی با خدا دارد. در عهد عتیق، گفته می شد که کشیشان وارثین خدا هستند زیرا آنها، بر خلاف قبایل، مالک هیچ زمینی نیستند. همین سوال دلالت بر این دارد که مرد باور داشت که خدا او را کاملاً پذیرفته است، ولی فقط می خواست که مطمئن شود.

■ "حیات جاویدان" مفهوم زندگی پس از مرگ (یا پادشاهی اسکاتولوژیک) از آیاتی همانند دانیال ۱۲: ۲ یا یعقوب ۱۴: ۱۴، ۱۹: ۲۵ الی ۲۷ می آید. فریسیان بز زندگی پس از مرگ با اصطلاحات دنیوی تاکید می کردند. آنان مطمئن بودند که یهوه به واسطه (۱) هویت روحانی (یعنی فرزندان ابراهیم) و (۲) عمل کرد آنان بر سنتهای شفاهی (یعنی تلمود)، به آنان حیات جاویدان می دهد.

۱۰: ۱۸ "نیکو" از این اصطلاح برای نشان دادن تنها استاندارد مقایسه پارسایی خدا استفاده شده است. اصطلاح "پارسایی" یک اصطلاح ترکیبی عهد عتیق (یعنی *river reed*) می آید که به عنوان استاندارد یا خط کش استفاده می شد.

■ "هیچ کس نیکو نیست جز خدا فقط" عیس در مورد خوب بودن خود حرفی نمی زند، بلکه می خواست تفکر سطحی مرد در مورد خدا و نیکی واقعی را تکان دهد (مراجعه شود به انجیل متی ۵: ۴۸). این می تواند اشاره ای به اول تواریخ ۱۶: ۳۴، دوم تواریخ ۵: ۱۳، ۷: ۳، مزامیر ۲۵: ۸، ۸۶: ۵، ۱۰۰: ۵، ۱۰۶: ۱، ۱۰۷: ۱، ۱۱۸: ۱، عزرا ۳: ۱۱ باشد.

همسوی انجیل متی سوال حاکم را به "استاد، چه کار نیکویی باید انجام دهم تا حیات جاویدان بدست آورم" تغییر می دهد (انجیل متی ۱۹: ۱۶). این تغییر سرخشی در مورد منظور این مرد از مفهوم نیکی و تطهیر او توسط آن را ارائه می دهد (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۹: ۲۰).

۱۰: ۱۹ "احکام را می دانی" این خلاصه ای از نیمه دوم ده فرمان است که در ارتباط با چگونگی رفتار اعضا خانواده با یکدیگر است.

■ "فریبکاری مکن" این می تواند اشاره به گناه باشد. این فرمان، آن طور که بیان شده است، جزو ده فرمان نیست، و به این شکل در هیچ جایی در عهد عتیق بیان نشده است. همچنین، همسوهای آن در انجیل متی ۱۹: ۱۸ الی ۱۹ و انجیل لوقا ۱۸: ۲۰ این عبارت را ندارند. با این حال، منصفانه بگویم، همه نسخ یونانی اناجیل با این نقل قول فرامین مخالف هستند. این هم باز یک مشکل متداول با شهادت عینی است. یقیناً این امر بر الهام بخش بودن یا قابل اعتماد بودن انجیل تاثیری ندارد.

موضوع خاص: ده فرمان (مراجعه شود به کتاب خروج ۱: ۲۰ الی ۱۷، تثنیه ۵: ۶ الی

(۲۱)

(SPECIAL TOPIC: THE TEN COMMANDMENTS (cf. Exod. 20:1-17; Deut. 5:6-21))

۱. اصطلاحات

- a. به مفهوم "ده کلام" (مراجعه شود به کتاب خروج ۳۴: ۲۸، تثنیه ۱۳: ۴، ۱۰: ۴)
- b. اسقف اسکندریه به آن "دکالوگ" (*Deka Logous*) می گوید و پدران کلیسای اولیه نیز آن را دنبال کردند.
- c. در انجیل به آن گفته می شود:
- i. "پیمان" (در عبری *berith*، مراجعه شود به کتاب خروج ۳۴: ۲۸، تثنیه ۱۳: ۴، ۹: ۹، موضوع خاص: پیمان را مطالعه کنید)
۱. از آکادایی، *barah* - خوردن (یعنی غذای معمول)
۲. از آکادایی، *biritu* - پیمان بستن (یعنی پیمان میان مردم)
۳. از آکادایی، *birit* - میان (توافق میان دو گروه)
۴. *Baru* - طعم (یعنی وظیفه)
- ii. "شهادت دادن" - کتاب خروج ۳۴: ۱۶، ۲۵: ۱۶ (یعنی دو لوح)

a. هدف

- i. آنها آشکار کننده شخصیت خدا هستند (موضوع خاص: مشخصه های خدای اسرائیل در عهد عتیق را مطالعه کنید)
۱. منحصر به فرد و مقتدر (یکتاپرستانه، موضوع خاص: یکتاپرستی را مطالعه کنید)
۲. اخلاقی، هم برای جامعه و هم فرد
- b. آنان برای:
۱. تمامی مردم هستند زیرا آشکار کننده اراده خدا برای نوع بشر هستند و تمامی انسانها از تصویر خدا خلق شده اند
۲. فقط مومنین و پیمانداران هستند زیرا بدون کمک خدا غیر ممکن است که بتوان آنها را درک کرد
۳. احساسات درونی، حتی در میان قبایل اولیه (مراجعه شود به رومیان ۱: ۱۹ الی ۲۰، ۲: ۱۴ الی ۱۵) که C. S. Lewis از آن صحبت می کرد در اینجا منعکس می شوند.
- c. همانند تمامی قوانین باستانی آنها
۱. برای قانونمند ساختن روابط بین فردی هستند
۲. برای برقراری ثبات جامعه می باشند
- d. آنها گروه ناهمگون بردگان و بیخانمانان مصری را تبدیل به یک جامعه مومن و قانونمند کردند. B. S. Childs در *Old Testament Library, Exodus* می گوید: "هشت جنبه منفی محدوده خارجی پیمان را نشان می دهند. هیچ بی نظمی نیست به جز شکستن رابطه ظریف خدا-انسان که وجود دارد. دو جنبه مثبت معنی زندگی در قالب پیمان را نشان می دهد. ده فرمان هم به درون و هم بیرون نگاه می کند، در برابر شیوه مردن محافظت می کند و به شیوه زندگی اشاره می کند" - (صفحه ۳۹۸)

۲. همسوها

a. انجیلی

۱. ده فرمان دو مرتبه ثبت شده اند، در خروج ۲۰ و تثنیه ۵. تفاوت اندک در فرامین ۴، ۵ و ۱۰ سازگار بودن این اصول در شرایط متفاوت را نشان می دهد.
۲. با این وجود؛ یکسانی به دقتی اشاره می کند که بر آن اساس صادر شده اند.
۳. آن طور که یوشع ۲۴ نشان می دهد، احتمالاً به صورت دوره آنها خوانده شده و مجدداً تأیید شده اند.
- b. فرهنگی
۱. سایر قوانین از خاور نزدیک باستان
۲. حالت قانون در خروج ۲۰: ۱۸ الی ۲۳: ۳۷ وجوه اشتراک بیشتری با قوانین سایر خاور نزدیک باستانی دارند. با این حال، ده فرمان در یک حالت منحصر به فرد هستند که دلالت بر اقتدار دارند (دستور دوم شخص - *apodictic*)
۳. بدیهی ترین ارتباط فرهنگی با پیمان *Hittite Suzerainty Treaties* مربوط به ۱۴۵۰ تا ۱۲۰۰ قبل از میلاد وجود دارد. برخی مثالهای خوب در مورد این شباهتها را می توان در موارد زیر دید:

۱. ده فرمان

۲. کتاب تثبیه

۳. یوشع ۲۴

عناصر این پیمانها به شرح زیر هستند

۱. مشخصه پادشاه

۲. تنظیم قوانین اصلی

۳. تعهدات پیمان

۴. اصول قراردادن معاهده در محراب برای مطالعه عموم

۵. خداشناس/الهی بودن طرفین برای شهادت

۶. برکت برای صداقت و نفرین برای نقض

۲. برخی منابع خوب در این زمینه به شرح زیر می‌باشند

۱. George Mendenhall, Law and Covenant in Israel and the Ancient Near East

۲. Dewey Beegle, Moses, The Servant of Yahweh

۳. W. Bezzel, Origin and History

۴. D. J. McCarthy, Treaty and Covenant

۳. ساختار داخلی

۱. Alt در کتاب خود *The Origins of Israelite Law*، نخستین کسی بود که میان قوانین قاطع و انعطاف پذیر تمایز قائل شد.

۲. ده فرمان اصولاً فرامین منفی هستند (۸ مورد از ۱۰ مورد). حالت فرامین دوم شخص مفرد است. آنها بدین معنی هستند که یا خطاب به تمام جامعه تحت پیمان هستند، هر فرد عضو، و یا هر دو.

۳. دو کتیبه سنگی (خروج ۱۲:۲۴، ۱۸:۳۱) اغلب به عنوان مرتبط کننده افقی و عمودی رابطه بادیگر مردمان در شش فرمان دیگر هستند. با این وجود، در نور پیمان *Hittite Suzerain*، ممکن است دو کپی از کل فرامین وجود داشته باشد.

۴. ترتیب تاریخی ده فرمان

۱. بدیهی است که ما ده دستور داریم. با این وجود، تمایز دقیق میان آنها ارائه نشده است.

۲. یهودیان عصر مدن کتاب خروج ۲:۲۰ را به عنوان نخستین فرمان فهرست می‌کنند. به منظور حفظ تعداد فرامین، کتاب خروج ۲۴:۳ الی ۶ را به عنوان دومین فرمان تلقی می‌کنند.

۳. کاتولیک‌های رم و کلیسای لوتری به پیروی از آگوستین، کتاب خروج ۳:۲۰ الی ۶ را به عنوان اولین فرمان تلقی می‌کنند و برای حفظ تعداد ده دستور، آیه ۱۷ را به دو دستور جداگانه تقسیم می‌کنند.

۴. کلیساهای اصلاح طلب، به پیروی از اوریگن و کلیساهای اولیه شرقی و غربی میگویند که کتاب خروج ۳:۲۰ اولین فرمان است. این نگرش یهودیان قدیم است که توسط فیلو و جوزفوس ارائه شد.

۴. چگونه مسیحیان با ده فرمان رابطه دارند؟

a. نگرش والای عیسی به کتاب مقدس در مؤظه کوه در انجیل متی ۵ الی ۷ و به خصوص ۱۷:۵ الی ۴۸ که جدی بودن سوال را نشان می‌دهد، ثبت شده است. به نظر میرسد که مؤظه او بر اساس ده فرمان و کاربرد مناسب آنها بوده است.

b. نظریات در مورد ارتباطات و روابط

۳. برای مومنین

۱. Roy Honeycutt، این ده فرمان

a. "ما ده فرمان را هرگز فراموش نمی‌کنیم؛ زیرا خداوند هرگز فراموش نخواهد شد" (صفحه ۷)

b. "با این حال، این فرامین شاهد خداوند هستند، اما حسی وجود دارد که در آن رابطه و ارتباط با خداوند چنان تقریباً درهم تنیده شده است که تقریباً غیر قابل تفکیک است. متعاقباً، اگر خدا خدا با زندگی شما رابطه دارد، فرامین هم عمیقاً رابطه دارند زیرا آنها برای شخصیت خدا نوشته شده‌اند." (صفحه ۸)

۲. شخصاً، ما باید این نشانها را که ناشی از رابطه از روی ایمان هستند، ببینیم. جدا کردن آنها از ایمان تعهد به خدا نابود

کردن آنها است. بنابراین، از نظر من، آنها فقط در این مفهوم که خدا می‌خواهد همه انسانها او را بشناسند، کلی هستند

آنها همچنین با شهادت درونی خدا بر تمامی انسانهای مخلوقش در رابطه هستند. پولس این را در رومیان ۱:۱۹ الی ۲۰،

۱۴:۲ الی ۱۵ بیان می‌دارد. در این مفهوم، فرامین منعکس کننده نور راهنمایی هستند که رابطه دائمی با تمامی نوع بشر دارند.

۴. برای تمامی انسانها در تمامی جوامع و تمامی دورانها

۱. Elton Trueblood در *Foundations for Reconstruction* می‌گوید: "تاز این کتاب کوچک، این است که بازسازی قانون اخلاقی، همانطور که توسط ده فرمان عبری بیان شده است، یکی از راه‌هایی است که در آن مقابله‌ای برای انکار احتمالی یافت می‌شود" (صفحه ۶)

۲. George Rawlinson, *Pulpit Commentary*, کتاب خروج

"آنها برای همه زمانها یک خلاصه متمرکز از وظایف انسانی را تشکیل می‌دهند که بر چهره آن الوهیت قرار می‌گیرد، و برای هر نوع جامعه انسانی مناسب است و تا زمانی که جهان ادامه دارد، نمی‌تواند قدیمی شود. حفظ ده فرمان به عنوان بهترین خلاصه‌ای از قانون اخلاقی توسط جوامع مسیحی، بر این اساس توجیه می‌شود" (صفحه ۱۳۰)

۵. آنها ابزار رستگاری نیستند، و هرگز نبوده‌اند، اینها ابزار خدا برای برای رستگاری معنوی انسانهای گمراه هستند. پولس به صراحت این را در غلاطیان ۲:۱۵ الی ۴:۳۱ و رومیان ۳:۲۱ الی ۶:۲۳ بیان می‌دارد. آنها به عنوان خطوط راهنما برای انسان در جامعه هستند. آنها به خدا اشاره می‌کنند و سپس به انسانها. فراموش کردن اولی فراموش کردن کل آنها است. قوانین اخلاقی، بدون تغییر، قلبها را تسخیر می‌کنند، تصویری از انسانهای گمراه نامید! ده فرمان معتبر هستند، ولی فقط برای آماده شدن جهت ملاقات با خدا در زمان ناتوانی و درماندگی. بدون رستگاری آنها خطوط راهنمای بدون راهنما هستند!

۱۰:۲۰ "همة اینها را به جا آورده‌ام" این مرد تمامی عادات مذهبی خود را به جا آورده بود. پولس شاگرد هم تصور می‌کرد که تمامی عادات مذهبی را به جا آورده است (مراجعه شود به اعمال رسولان ۲۳:۱ الی ۲، فیلیپیان ۳:۶). این مرد دروغ نمی‌گفت. او باور داشت که نزد خدا از گناه مبرا است.

■ "از کودکی" این اشاره به مراسم نوار میتزوه دارد که در سن ۱۳ سالگی انجام می‌شود که پسر تبدیل به مرد می‌شود و موظف است احکام را به جا آورد.

۱۰:۲۱ "عیسی به او نگرستانه، محبتش کرد" این در انجیل مرقس منحصر به فرد است. اما محبت عیسی استانداردهای پادشاهی خدا را کاهش نمی‌دهد. این یک پارادوکس از محبت بی قید و شرط و نیاز به پاسخ مناسب به ایمان آوردن است.

■ "تورا یک چیز کم است" این بیان مشابه انجیل مرقس ۱۲:۳۴ است. عیسی تشخیص داده بود که انسانها چند درجه نزدیکتر یا دورتر از پادشاهی واقعی هستند، رفتار موسایی یا هویت قومی و نژادی را شامل نمی‌شد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۸:۳۳)، بلکه ایمان فردی به او بود. این رهبر مذهبی نزد روح واقعی، و شخص درست آمده بود، و سوال درست پرسیده بود ولی ظاهراً نمی‌توانست تصمیم قاطعی بگیرد! عیسی استاندارد را کاهش نداد! مرد با ناراحتی رفت! بسیار نزدیک و در عین حال بسیار دور بود!

■ "برو آنچه داری بفروش و بهاییش را به تنگدستان بده که در آسمان گنج خواهی داشت. آنگاه بیا و از من پیروی کن" این طبیعت ریشه‌ای ایمان عهد جدیدی را نشان می‌دهد (مراجعه شود به انجیل لوقا ۱۴:۳۳). عیسی می‌دانست که اولویتهای مرد چه هستند. برای مسیحی بودن، فرد باید سایر اولویتهای را زیر پا بگذارد. به نوعی این کار مسیحی بودن را واقعاً مشکل می‌کند. در این بیان، عیسی بر نیمه نخست ده فرمان تمرکز کرده است که در رابطه با اولویت تعهد نسبت به خدا و فقط خدا است (مراجعه شود به انجیل متی ۵:۲۰).

این بیان نمی‌تواند برای مومنین تبدیل قانون شود (فقر برای خدا بهترین است). باید در متن آن را درک کرد. رابطه معنوی میان خدا و نوع بشر باید نسبت به روابط فیزیکی در اولویت باشد (یعنی ثروت، شهرت، کار، خانواده، و حتی خود زندگی). اگر دارایی پلیدی است و ماهیت پلید دارد، چرا باید به فقرا داده شود؟

یک نکته دیگر. ما همیشه بر تقاضای عیسی تمرکز میکنیم، ولی آیا توجه کردید که عیسی یک انگیزه بی سابقه به این مرد داد؟ از او دعوت کرد که به گروه شاگردانش ملحق شود! این موقعیت عظیمتر از بهاییش بود.

■ "در آسمان گنج خواهی داشت" به واسطه شورش انسانها، برکات خداوند برای زندگی پس از مرگ نگهداری شده‌اند (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۰:۳۰، انجیل متی ۵ الی ۷). انسابا باید تمایل داشته باشند که ثروتهای زمینی را به عنوان شهادتی بر پیمان معنوی رها کنند، نه به عنوان مبنای آن.

۱۰:۲۲ "مرد از این سخن نومید شد" این اصطلاح را به دو مفهوم می‌توان درک کرد: (۱) شوکه شد و حیرت کرد یا (۲) ناراحتی با چهره منقلب و فروریخته بیان شد. در این متن هر دو معنی می‌دهند.

NASB: انجیل مرقس ۱۰: ۲۳ الی ۲۷

^{۲۳} عیسی به اطراف نگریده، به شاگردان خود گفت: "چه دشوار است راهیابی ثروتمندان به پادشاهی خدا!"^{۲۴} شاگردان از سخنان او در شگفت شدند. اما عیسی بار دیگر به آنها گفت: "ای فرزندان، راه یافتن به پادشاهی خدا چه دشوار است! ^{۲۵}گذشتن شتر از سوراخ سوزن آسانتر است از راهیابی شخص ثروتمند به پادشاهی خدا".^{۲۶} شاگردان که بسیار شگفت زده بودند، به یکدیگر می گفتند: "پس چه کسی می تواند نجات یابد؟"^{۲۷} عیسی بدیشان چشم دوخت و گفت: "برای انسان ناممکن است، اما برای خدا چنین نیست؛ زیرا همه چیز برای خدا ممکن است."

۱۰: ۲۳ "عیسی به اطراف نگریده" این نوع بیان چندین مرتبه برای اینکه نشان دهد عیسی تا چه اندازه به تاثیر گذاشتن تعالیمش بر اطرافیان توجه دارد به کار رفته است (مراجعه شود به انجیل مرقس ۳: ۵ و ۳۴، ۵: ۳۲، ۱۰: ۲۳، ۱۱: ۱۱). فقط انجیل لوقا ۶: ۱۰ همسو است. این انحصار از خاطرات پطرس است.

■ "چه دشوار است راهیابی ثروتمندان به پادشاهی خدا" این برای شاگردان حیرت انگیز بود (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۰: ۲۴). نگرش سنتی عهد عتیق، بر اساس کتاب تثنیه ۲۷ الی ۲۸ ثروت و سلامتی مرتبط با عملکرد بر پیمان و برکت خدا هستند. این همان مسئله‌ای است که توسط یعقوب و مزامیر ۷۳ بیان شده است. افراد ثروتمند بجای خدا بر منابع خود تکیه دارند.

موضوع خاص: ثروت

(Special Topic: Wealth)

۱. چشم انداز عهد عتیق در عنوان کل

a. خدا مالک همه چیز است

i. پیدایش ۱ الی ۲

ii. اول تواریخ ۱۱: ۲۹

iii. مزامیر ۱: ۲۴، ۱۲: ۵۰، ۱۱: ۸۹

iv. اشعیا ۲: ۶۶

b. انسانها ناظرین ثروت برای اهداف خدا هستند

i. تثنیه ۱۱: ۸ الی ۲۰

ii. لایوان ۹: ۱۹ الی ۱۸

iii. یعقوب ۱۶: ۳۱ الی ۳۳

iv. اشعیا ۵۸: ۶ الی ۱۰

c. ثروت بخشی از عبادت است

i. دو عشر

۱. اعداد ۲۱: ۱۸ الی ۲۹، تثنیه ۶: ۱۲ الی ۷، ۲۲: ۱۴ الی ۲۷

۲. تثنیه ۱۰: ۳، ۲۰: ۸ الی ۲۱، ۲۲: ۱۰، ۱۵: ۶

ii. امثال ۹: ۳

d. ثروت به عنوان هدیه ای از جانب خدا برای وفاداران به پیمان

i. تثنیه ۲۷ الی ۲۸

ii. امثال ۱۰: ۳، ۲۰: ۸ الی ۲۱، ۲۲: ۱۰، ۱۵: ۶

e. هشدار در برابر ثروت به قیمت دیگران

i. امثال ۶: ۲۱

ii. ارمیا ۵: ۲۶ الی ۲۹

iii. یوشع ۶: ۱۲ الی ۸

iv. میکاه ۹: ۶ الی ۱۲

f. ثروت به خودی خود گناه نیست مگر اینکه اولویت داشته باشد

i. مزامیر ۷: ۵۲، ۱۰: ۶۲، ۳: ۷۳ الی ۹

ii. امثال ۲۸:۱۱، ۲۳:۴، ۵، ۲۷:۲۴، ۲۸:۲۰ الی ۲۲

iii. یعقوب ۲۴:۲۱ الی ۲۸

۲. چشم انداز منحصر به فرد امثال

a. ثروت حاصل تلاش فردی است

i. سستی و تنبلی محکوم است، امثال ۶:۶ الی ۱۱، ۱۰:۴ الی ۵ و ۲۶، ۱۲:۲۴ و ۲۷، ۱۳:۴، ۱۵:۱۹، ۱۸:۱۹، ۱۹:۱۵ و ۲۴،

۲۰:۴ و ۲۱:۲۵، ۲۲:۱۳، ۲۴:۳۰ الی ۳۴، ۲۶:۱۳ الی ۱۶

ii. سخت کار کردن تشویق شده است - امثال ۱۲:۱۱ و ۱۴، ۱۳:۱۱

b. از فقر در برابر ثروت برای به تصویر کشیدن ضعف در برابر پارسایی استفاده شده است - امثال ۱۱:۲۷، ۲۸، ۱۳:۷، ۱۵:۱۶

الی ۱۷، ۲۸:۶ و ۱۹ الی ۲۰

c. خرد (شناختن خدا و کلامش و زندگی با این آگاهی) بهتر از ثروت است - امثال ۳:۱۳ الی ۱۵، ۸:۹ الی ۱۱ و ۱۸ الی ۲۱، ۱۳:۱۸

d. هشدارها و نصایح

i. هشدارها

۱. موقع تضمین وام همسایه مراقب باشید - امثال ۱:۶ الی ۵، ۱۱:۱۵، ۱۷:۱۸، ۱۶:۲۰، ۲۶:۲۲ الی ۲۷، ۱۳:۲۷

۲. مراقب باشید که از راه های شیطانی ثروتمند نشوید - امثال ۱۹:۱، ۲:۱۰ و ۱۵، ۱۱:۱، ۱۳:۱۱، ۱۶:۱۱، ۲۰:۱۰ و ۲۳،

۲۱:۶، ۲۲:۱۶ و ۲۲:۸

۳. موقع قرض گرفتن مراقب باشید، امثال ۷:۲۲

۴. حواستان باشد که ثروت کوتاه مدت است، امثال ۴:۲۳ الی ۵

۵. ثروت در روز داوری کمک نخواهد کرد - امثال ۴:۱۱

۶. ثروت "دوستان" زیادی دارد - امثال ۲۰:۱۴، ۱۹:۴

ii. نصایح

۱. سخاوتمندی تشویق می شود - امثال ۱۱:۲۴ الی ۲۶، ۳۱:۱۴، ۵:۱۷، ۱۷:۱۹، ۲۲:۹ و ۲۲ الی ۲۳، ۲۳:۱۰ الی ۱۱،

۲۸:۲۷

۲. پارسایی بهتر از ثروت است - امثال ۸:۱۶، ۶:۲۸ و ۸ و ۲۰ الی ۲۲

۳. دعا برای نیاز است نه فراوانی - امثال ۷:۳۰ الی ۹

۴. به فقیر کمک کردن همانند کمک کردن به خدا است - امثال ۳۱:۱۴

۳. چشم انداز عهد جدید

a. عیسی

i. ثروت یک وسوسه منحصر به فرد برای اعتماد به خود و منابع خود به جای خدا و منابع او است

۱. انجیل متی ۲۴:۶، ۲۲:۱۳، ۲۳:۱۹

۲. انجیل مرقس ۲۳:۱۰ الی ۳۱

۳. انجیل لوقا ۱۲:۱۵ الی ۲۱ و ۳۳ الی ۳۴

۴. مکاشفه ۳:۱۷ الی ۱۹

ii. خدا نیازهای فیزیکی ما را تامین می کند

۱. انجیل متی ۱۹:۶ الی ۳۴

۲. انجیل لوقا ۱۲:۲۹ الی ۳۲

iii. هر آنچه بکاری، حاصل همان را برداشت می کنی

۱. انجیل مرقس ۴:۲۴

۲. انجیل لوقا ۶:۳۶ الی ۳۸

۳. انجیل متی ۱۴:۶، ۱۸:۳۵

iv. توبه بر ثروت تاثیر می گذارد

۱. انجیل لوقا ۱۹:۲ الی ۱۰

۲. لایوان ۱۶:۵

۷. سو استفاده اقتصادی محکوم است

۱. انجیل متی ۲۳:۲۵

۲. انجیل مرقس ۱۲:۳۸ الی ۴۰

vi. داوری پایان زمان با استفاده ما از ثروت رابطه دارد - انجیل متی ۲۵:۳۱ الی ۴۶

b. پولس

i. نگاه عملی همانند امثال

۱. افسسیان ۴:۲۸

۲. اول تسالونیکیان ۴:۱۱ الی ۱۲

۳. دوم تسالونیکیان ۳:۸ و ۱۱ الی ۱۲

۴. اول تیموتائوس ۵:۸

ii. نگاه معنوی همانند عیسی (همه چیز کوتاه مدت است)

۱. اول تیموتائوس ۶:۶ الی ۱۰ (قناعت)

۲. فیلیپیان، ۴:۱۱ الی ۱۲ (قناعت)

۳. عبرانیان ۱۳:۵ (قناعت)

۴. اول تیموتائوس ۶:۱۷ الی ۱۹ (سخاوتمندی و اعتماد به خدا، نه ثروت)

۵. اول قرنتیان ۷:۳۰ الی ۳۱

۴. جمع بندی

a. هیچ الهیات انجیلی سیستماتیکی در مورد ثروت وجود ندارد

b. هیچ عبارت قطعی و مشخصی در این مورد وجود ندارد، بنابراین بینشها باید بسوی عبارتهای متفاوت باشند. مراقب باشید که در میان متون بدنبال عقیده خود نباشید.

c. امثال، که توسط افراد خردمند نوشته شده، نگرش متفاوتی از سایر انواع ژانرهای انجیلی دارد. امثال عملی بوده و بر افراد تمرکز دارد. برقرار کننده توازن است و باید میان بقیه کتاب مقدس توازن برقرار کند (مراجعه شود به ارمیا ۱۸:۱۸)

d. روزگار ما باید نگرش خود و تجربیاتش در رابطه با ثروت را در نور انجیل تحلیل کند. اگر فقط سرمایه داری یا کمونیسیم تنها راهنمای ما باشند، اولویتهای جابجا می شوند. چرا و چگونه یک نفر موفق می شود سوالات مهمتری هستند تا اینکه چقدر اندوخته است.

e. انباشتن ثروت باید در توازن با عبادت و خدمتگزاری مسئولانه باشد (مراجعه شود به دوم قرنتیان ۸ الی ۹).

۱۰:۲۴ "فرزندان" عیسی شاگردان را با اصطلاحی که در تعلیم قبلی استفاده کرده بود فرا می خواند (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۰: ۱۳ الی ۱۶). این تائید می کند که "فرزندان" اشاره به مومنین بالغ دارد.

■ "راه یافتن به پادشاهی خدا چه دشوار است" این بیان حیرت انگیزی است. رستگاری در کار خاتمه یافته عیسی هدیه ای رایگان است برای هر کسی که با توبه ایمان آوردن بدان پاسخ دهد. مشکل زمانی پیش می آید که فکر می کنیم لیاقت آن را داریم و یا از آن بهره می بریم! ایمان برای انسان مغرور، گمراه و خودمختار سخت است. اگر رابطه ما با خدا سخت و مشکل بود، بیشتر آن را دوست می داشتیم، ولی اینگونه که هست، شیوه توبه و ایمان برای انسان گمراه، به خصوص افراد ثروتمند، تحصیل کرده، و والامنصب تحقیر آمیز است.

از آنجا که این آیه بسیار مختصر است، چندین عالم قدیمی سعی کردند که ابعاد آن را با وارد کردن یک عبارت شرایط ایجاد کننده محدود کنند (مراجعه شود به *A Textual Commentary on the Greek New Testament* اثر Bruce M. Metzger):

۱. "برای کسانی که به ثروت ایمان دارند" در MSS A, C, D و Textus Receptus دیده می شود.

۲. "مردی ثروتمند" در MS W دیده می شود

۳. "آنان که دارای اموال هستند" در minuscule 1241 دیده می شود

۱۰:۲۵ "گذشتن شتر از سوراخ سوزن" همانند انجیل متی ۲۳:۲۴ این عبارت یک اغراق گویی شرقی است. چندین عالم و همچنین مفسرین زیادی تلاش کردند که این عبارت را توضیح دهند، مثلاً (۱) یک بازی با کلمات میان شتر (*kamēlos*) و نخ (*kamilus*) که از قرن پنجم می آید و یا (۲) استفاده از "سوراخ سوزن" که اشاره به دروازه ای کوچک در یکی از بزرگترین دروازه های اورشلیم دارد، اما هیچیک از اینها دارای شواهد و مستندات تاریخی نیستند (مراجعه شود به *How To Read the Bible For All Its Worth* اثر Fee and Stuart صفحه ۲۱). این تلاشها همگی نکته گزافه گویی شرقی را

نادیده گرفته‌اند (مراجعه شود به انجیل متی ۱۹: ۲۴، انجیل لوقا ۱۸: ۲۵).

۱۰: ۲۶ "شگفت‌زده بودند" مرقس اغلب از این اصطلاح (*ekplēssomai*) برای توصیف واکنش مردم به تعالیم و اعمال عیسی استفاده می‌کند (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱: ۲۲، ۶: ۲، ۷: ۳۷، ۱۰: ۲۶، ۱۱: ۱۸، و مترادف *thambeō* در انجیل مرقس ۱۰: ۲۴). پیام عیسی کاملاً با پیام روحانیون تفاوت داشت، هم در حالت (یعنی اقتدارش) و هم پیام (طبیعت پادشاهی).

NASB "به او می‌گفتند"
NKJV "میان خود می‌گفتند"
NRSV "به یکدیگر گفتند"
TEV "از یکدیگر می‌پرسیدند"
NJB "به یکدیگر می‌گفتند"

این ترجمه‌های متفاوت در رابطه به تفاوتها در نسخ دستنویس یونانی هستند.

۱. Textus Receptus و NKJV, MSS A, D, W

۲. NRSV, TEV, NJB, MS M* و ترجمه پشتی

۳. NASB, MSS C و B

۴. یک نسخه دستنویس (یعنی ۵۶۹) و برخی ترجمه‌های کپتیک این عبارت را حذف کرده‌اند، همانند متی ۱۹: ۲۵ و لوقا ۱۸: ۲۶.

۱۰: ۲۷ تاکید این آیه بر لطف خدا یک استقبال و توازن میان ماهیت ریشه‌ای شاگردی در عهد جدید است. انسانها نمی‌توانند به خدای مقدس نزدیک شوند، بلکه حقیقت حیرت‌انگیز این است که خدا به ما نزدیک می‌شود.

این گفته ممکن است اشاره‌ای به پیدایش ۱۸: ۱۴ یا ارمیا ۳۲: ۱۷ و ۲۴ در عهد عتیق باشد. تنها امید نوع بشر در شخصیت، وعده‌ها و اعمال خدای واقعی است!

NASB: انجیل مرقس ۱۰: ۲۸ الی ۳۱

^{۲۸} آنگاه پطرس سخن آغاز کرد و گفت: "اینک ما همه چیز را ترک گفته‌ایم و از تو پیروی می‌کنیم." ^{۲۹} عیسی فرمود: "آمین، به شما می‌گویم، کسی نیست که به خاطر من و به خاطر انجیل، خانه یا برادران یا خواهران یا مادر یا پدر یا فرزندان یا املاک خود را ترک کرده باشد، ^{۳۰} و در این عصر صد برابر بیشتر خانه‌ها و برادران و خواهران و مادران و فرزندان و املاک - و همراه آن، آزارها - به دست نیابد، و در عصر آینده نیز از حیات جاویدان بهره‌مند نگردد. ^{۳۱} اما بسیاری که اولین هستند آخرین خواهند شد، و آخرینها اولین!"

۱۰: ۲۸ "ما همه چیز را ترک گفته‌ایم و از تو پیروی می‌کنیم" این زمان اُتوریست اخباری فعال است (یعنی یکبار برای همیشه ترک کردند)، و بدنبال آن زمان حال اخباری کامل (تداوم در عمل شاگردی). در یک مفهوم، پطرس تصمیم شاگردان را برای پیروی از عیسی محک می‌زند. ممکن هم هست که پطرس تلاش داشت تا تعهد خودشان با عیسی را با درخواست عیسی از حاکم ثروتمند جوان مقایسه کند.

۱۰: ۲۹ این آیه برخی از جنبه‌های معمول در جامعه یهود را که پیروانش آنها را رعایت می‌کردند را فهرست می‌کند. همچنین به وضوح تعهدات آنها را نسبت به شخص او مرتبط می‌سازد (یعنی به خاطر من) و حقیقت او ("به خاطر انجیل").

کلیدهای اولیه تحت تاثیر ریاضت یونانی، و به خصوص بی‌تفاوتی قرار گرفت. جالب است که همسران به خصوص در این لیست قرار نگرفته‌اند. این می‌تواند دلالت بر آن باشد که ازدواج چیزی نیست که از آن باید صرف نظر کرد. با این وجود، شامل ساختن "فرزندان" می‌تواند دلالت بر این باشد که در عبارت "خانه را ترک کردن"، همسران هم شامل هستند. اولویت تعهد فرد نسبت به عیسی باید حتی از خانواده هم ارجح‌تر باشد (مراجعه شود به اول تیموتائوس ۵: ۸). این دلالت بر بی‌تفاوتی ندارد، بلکه نهایت تعهد است.

۱۰: ۳۰ عیسی پادشاهی خدا را (۱) به شیوه کاملاً زمینی که همسو با آن چیزی است که شاگردانش در این زندگی از دست داده‌اند، و (۲) در رابطه با نظم جاری جهانی، توصیف می‌کند. لذات برخی از برکات چندصد جنبه‌ای را با بخشی از مردم خدا بودن تجربه کرد.

این اصطلاحات خانوادگی آشنا و متداول اساساً بدین منظور به کار برده شده‌اند که به شاگردان اطمینان داده شود که این روابط در مقیاس وسیعتری احیا خواهند شد - خانواده خدا. من به این باور ندارم که این عبارت به مفهوم وعده فراوانی محصولات مادی، آن طور که در تثنیه ۲۷ الی ۲۸ آمده، است. اگر برکات به عنوان ساختار پادشاهی برای خدمت تلقی شوند، پس چرا رحمت؟ برکات مادی را مومنین تجربه نمی‌کنند، بلکه لذت و تجربه خانواده بزرگ مسیح را تجربه می‌کنند!

■ "همراه آن، آزارها" این یک عبارت اضافه شده شوکه کننده است که منحصر به مرقس است. مسیحیان در این دنیای گمراه مورد آزار قرار خواهند گرفت (مراجعه شود به انجیل متی ۵: ۱۰ الی ۱۲، رومیان ۸: ۱۷، دوم قرنتیان ۱: ۵ و ۷، فیلیپیان ۳: ۱۰، دوم تیموتائوس ۲: ۹ الی ۱۲، اول پطرس ۴: ۱۲ الی ۱۶). این آزارها چندین هدف الهی را دنبال می کنند: (۱) شهادی بر اینکه ما نجات یافته ایم، (۲) ابزار خدا برای اینکه ما در قالب شبیه مسیح قرار گیریم، و (۳) اثبات اینکه جهان مورد داوری قرار خواهد گرفت.

■ "در عصر آینده" (در نسخه انگلیسی عبارت *in the age to come* ذکر شده که معنی آن "عصری که می آید" است ولی در نسخ فارسی عصر آینده نوشته شده - مترجم). یهودیان (روحانیون و نویسندگان کتیبه بحر المیت) تاریخ را در دو عصر می دیدند. عصر پلیدی حاضر که انسانها و فرشتگان یاغی بر آن حکومت می کنند و عصری که خدا این تاریخ را توسط مسیح می شکند و عصر جدیدی را برپا می سازد، عصر پارسایی و صلح. گاهی اوقات این به صورت فراوانی زمینی توصیف شده همانند تنبیه ۲۷ و ۲۸ (مراجعه شود به عاموس ۹: ۱۳ الی ۱۵) و برخی جاها به صورت "بهشتی جدید و زمینی جدید" توصیف شده (مراجعه شود به اشعیا ۵۶-۶۶). از عهد جدید، این بدیهی است که عصر جدید (یعنی پادشاهی خدا) با تولد دوباره مسیح در بیت لحم برپا شد، ولی هنوز به صورت کامل تحقق نیافته است. عهد جدید به وضوح دو بار آمدن مسیح را آشکار می کند، بار اول به عنوان خدمتگزار رنج کشیده اشعیا ۵۳ و بار دوم، به عنوان شاه شاهان. مسیحیان در عصر "آمده ولی کاملاً تحقق نیافته" زندگی می کنند که دو عصر یهود را همپوشانی می کند. به عنوان پیروان مسیح ما از نظر معنوی از نعمت هر دو عصر برخورداریم (مراجعه شود به افسسیان ۲: ۵ الی ۶). موضوع خاص: این عصر و عصری که خواهد آمد در بخش مربوط به انجیل مرقس ۸: ۱۳ را مطالعه کنید.

■ "حیات جاویدان" این چیزی است که آن حاکم ثروتمند جوان در مورد آن سوال کرد - زندگی با خدا، زندگی همانند خدا. مرقس از صفت (*aiōnios*) برای گناه جاویدان در انجیل مرقس ۳: ۲۹ و حیات جاویدان در اینجا استفاده می کند. این بر زندگی (*zōa*) عصر جدید دلالت دارد، زندگی در پادشاهی خدا. این در مسیح وجود دارد، ولی با آمدن دوباره وی تحقق کامل خواهد یافت (یعنی *parousia*=حال).

تقریباً می توان گفت که این عبارت توصیفی در سایر نسخ انجیل نادر است، ولی در انجیل یوحنا متداول می باشد. این یک عبارت کلیدی در سراسر نوشته های یوحنا است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۳: ۱۵، ۴: ۳۶، ۵: ۳۹، ۶: ۵۴، ۸: ۶۸، ۱۰: ۲۸، ۱۲: ۲۵، ۱۷: ۲ و ۳، اول یوحنا ۱: ۲، ۲: ۲۵، ۳: ۱۵، ۵: ۱۱ و ۱۳ و ۲۰). موضوع خاص: جاویدان در بخش مربوط به انجیل مرقس ۳: ۲۹ را مطالعه کنید.

۱۰: ۳۱ "اما بسیاری که اولین هستند آخرین خواهند شد" این یک حقیقت معنوی شگفت انگیز است (مراجعه شود به انجیل متی ۱۹: ۳۰، ۲۰: ۱۶). ثروت و موقعیت واقعی هیچ ارتباطی با استانداردهای زمینی ندارند (مراجعه شود به اشعیا ۵۵: ۸ الی ۹). این وارونگی نقش ها برخلاف تصور عهد عتیقی شاگردان در مورد رستگاری بود (مراجعه شود به انجیل متی ۱۹: ۳۰، انجیل لوقا ۱۳: ۳۰). مراجعه شود به *The Disease of the Health and Wealth* اثر Gordon Fee Gospel.

این می تواند به ظغیان پطرس در مورد فداکاریهایش برای شاگرد شدن منتهی شود (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۰: ۲۸). این عبارت مرحله الهیاتی برای ۱۰: ۴۱ الی ۴۵ را مهیا می سازد. عیسی شاه اسکاتولوژیک شاهان، تبدیل به خدمتگزار رنج کشیده اشعیا ۵۲: ۱۳ الی ۵۳: ۱۲ می شود! مومنین باید زندگی/مرگ/خدمات او را شبیه سازی کنند (مراجعه شود به اول یوحنا ۳: ۱۶). انجیل خدمت است، نه قدرت، محبت است نه زور!

NASB: انجیل مرقس ۱۰: ۳۲ الی ۳۴

۳۲ آنان در راه اورشلیم بودند و عیسی پیشاپیش ایشان راه می پیمود. شاگردان در شگفت بودند و کسانی که از پی آنها می رفتند، هراسان. عیسی دیگر بار آن دوازده تن را به کناری برد و آنچه را می بایست بر او بگذرد، برایشان بیان کرد. ۳۳ فرمود: "اینک به اورشلیم می رویم. در آنجا پسر انسان را به سران کاهنان و علمای دین تسلیم خواهند کرد. آنان او را به مرگ محکوم خواهند نمود و به اقوام بیگانه خواهند سپرد. ۳۴ ایشان استهزایش کرده، آب دهان بر وی خواهند انداخت و تازیانه اش زده، خواهند کشت. اما پس از سه روز بر خواهد خاست."

۱۰: ۳۲ "در راه" در عهد عتیق، استعاره راه یا جاده برای توصیف زندگی الهی استفاده شده است (مراجعه شود به مزامیر ۲۳: ۳، ۳۲: ۸، ۵۰: ۲۳، ۱۱۹: ۱، ۱۳۹: ۳، امثال ۲: ۱۲ الی ۱۵، ۴: ۱۸، ۱۲: ۲۸، ۱۵: ۲۴). همچنین بشارت یحیی تعمید دهنده برای هموار کردن "راه برای سرور" (مراجعه شود به اشعیا ۴۰) را توصیف کرده است. در اعمال رسولان، عنوان کلیسای اولیه "راه" بود (مراجعه شود به انجیل مرقس ۹: ۲، ۱۹: ۹ و ۲۳، ۲۲: ۴ و ۱۴ و ۲۲).

به نظر می رسد که مرقس انجیل خود را بر اساس این استعاره زندگی از روی ایمان شکل داده باشد (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱: ۲ و ۳، ۸: ۲۷، ۹: ۳۳ و ۳۴، ۱۰: ۳۲ و ۵۲). عیسی زائری بود که به سوی مصلوب شدن می رفت (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۰: ۴۵).

■ "عیسی پیشاپیش ایشان راه می پیمود" این می تواند اشاره به گروه شاگردان یا گروه زائری باشد که برای جشن به سوی اورشلیم می رفتند.

■ "شاگردان در شگفت بودند و کسانی که از پی آنها می رفتند، هراسان" این عبارت باید در رابطه با سه نبوت عیسی در باره رنج کشیدن و مرگش بدست

رهبران یهود و رومی باشد. عیسی می دانست در آنجا با چه چیز مواجه می شود و با این حال با سرعت و اطمینان به پیش می رفت. احتمالاً آنها نگران این بودند که پس از رنج کشیدن و مرگ او چه بر سرشان خواهد آمد.

■ "آن دوازده تن را به کناری برد" این چهارمین پیشگویی عیسی در مورد رنج کشیدن و مرگش است (مراجعه شود به انجیل مرقس ۸: ۳۱، ۹: ۱۲ و ۳۱). این با جزئیات ترین پیشگویی است. او دقیقاً می دانست چه بر سرش خواهد آمد (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۰: ۴۵). شاگردان هنوز نمی توانستند هدف و لزوم این را درک کنند (مراجعه شود به انجیل مرقس ۹: ۳۲، انجیل لوقا ۹: ۴۵، ۱۸: ۳۴).

■ "آنچه را می بایست بر او بگذرد، برایشان بیان کرد" (در نسخ انگلیسی این عبارت به صورت "شروع به گفتن این کرد برایشان که چه بر سرش خواهد آمد" که در ترجمه های فارسی فعل "شروع کرد" یا *began* حذف شده و دیده نمی شود- مترجم) بیشتر افعال در انجیل مرقس ۱۰: ۳۲ غیر کامل هستند، که اشاره به تکرار عمل دارند. من فکر می کنم این می تواند به تکرار نبوت عیسی درباره رنج کشیدنش هم باشد، بنابراین، "شروع کرد" ترجمه اشتباه این فعل غیر کامل است (مراجعه شود به TEV).

به بیانی، عیسی قدرت و اقتدار خود را در مورد آگاهی از آینده و داشتن کنترل بر زندگی و قیامت از مردگان آشکار می ساخت (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۰: ۱۷ الی ۱۸).

۱۰: ۳۳ "پسر انسان" به یادداشت مربوط به بخش انجیل مرقس ۸: ۳۸ مراجعه کنید.

■ "به سران کاهنان و علمای دین تسلیم خواهند کرد" (در متن انگلیسی زمان فعل مجهول است و جمله به صورت "به سران کاهنان و علمای دین تحویل داده خواهد شد" است ولی در ترجمه فارسی ترجمه به صورت فوق عوض شده است- مترجم) این عبارت توصیفی در مورد سانهدرین است (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۴: ۴۳) که دادگاه عالی یهودیان بود، البته، در قرن اول دارای اختیارات محدودی بود. موضوع خاص در بخش مربوط به انجیل مرقس ۱۲: ۱۳ را مطالعه کنید.

عیسی واکنش سانهدرین را پیش گویی کرده. ورود فاتحانه عیسی به اورشلیم و تطهیر معبد توسط او تقدیرش را رقم زد. نخستین عمل فریسیان را خشمگین کرد و دومین کارش سادوجسها را خشمگین کرد.

■ "به اقوام بیگانه خواهند سپرد" این اشاره به ارتش اشغالگر روم دارد (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۵: ۱). سانهدرین قدرت مجازاتهای سنگین را نداشت، فقط دولت روم چنین اختیاری داشت.

۱۰: ۳۴ "استهزایش کرده" این کار توسط سربازان رومی در انجیل مرقس ۱۵: ۱۶ الی ۲۰ تحقق یافت. مرقس محاکمه عیسی در برابر هیروود انتیخوس را ثبت نکرده است (مراجعه شود به انجیل لوقا ۲۳).

■ "آب دهان بر وی خواهند انداخت" (در نسخه انگلیسی زمان حال برای این عبارت استفاده شده ولی در ترجمه فارسی، زمان حال به آینده تبدیل شده است- مترجم) این یک تحقیر عهد عتیقی است (مراجعه شود به اعداد ۱۲: ۱۴، تثنیه ۲۵: ۹، یعقوب ۱۷: ۶، ۳۰: ۱۰، اشعیا ۵۰: ۶). سربازان رومی نفرت خود را از تمامی یهودیان به این شیوه بر عیسی بروز دادند (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۴: ۶۵).

■ "تازیانه اش زده" تازیانه زدن عملی متداول قبل از مصلوب کردن بود (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۵: ۱۵). دستان فرد به یک ستون کوتاه بسته می شد. یک سرباز از تازیانه ای که تکه های سنگ یا فلز یا استخوان به انتهای نوارهای چرمی بسته شد بودند و حدود ۳ فوت (حدود ۶۰ سانتیمتر) طول داشتند استفاده می کرد و بر پشت زندانی تازیانه می زد. این تازیانه ها بدن فرد را شکافته و گاهی باعث می شدند که دندان و یا حتی چشمان فرد بیرون بزنند. بسیاری از زندانیان از همین تازیانه ها می مردند. این ضربات بسیار بیرحمانه بودند (مراجعه شود به اشعیا ۵۲: ۱۴).

■ "پس از سه روز" این به مفهوم بعد از سه روز است. این دوره احتمالاً در رابطه با تجربه یونا است (مراجعه شود به انجیل متی ۱۲: ۳۹ الی ۴۱، ۱۶: ۴ و ۲۱، انجیل لوقا ۱۱: ۳۹ و ۳۲). حتی توسط پولس در خلاصه انجیل در اول قرن نهم ۱۵: ۴ هم ذکر شده است.

عیسی از این نبوت "روز سوم" در رابطه با دو رخداد استفاده کرد: (۱) قیامت از حادث (مراجعه شود به انجیل مرقس ۸: ۳۱، ۹: ۳۱، ۱۰: ۳۴) و همچنین (۲) بناکردن یک معبد جدید توسط خودش در سه روز (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۴: ۵۸، ۱۵: ۲۹، انجیل یوحنا ۲: ۱۹، اعمال رسولان ۶: ۱۴). در رابطه با این عبارت اختلافاتی در نسخه دستنویس یونانی وجود دارد. در همسوها (انجیل متی ۲۰: ۱۹ و انجیل لوقا ۱۸: ۳۳) عبارت "در سومین روز" وجود دارد. این در انجیل مرقس در MSS A و W وجود دارد. با این حال، در مشخصه جمله بندی مرقس در انجیل مرقس ۸: ۳۱ و ۹: ۳۱ عبارت "پس از سه روز" یافت می شود که در MSS A، B، C، D و L وجود دارد.

■ "بر خواهد خاست" این زمان آینده میانی اخباری است. تمرکز آن بر برخاستن خود عیسی است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۰: ۱۷ الی ۱۸). بیشتر عبارتها و آیات در مورد قیام مسیح زمان مجهول هستند، و بر خدای پدر به عنوان عامل قیام از مردگان و پذیرفتن قربانی شدن مسیح تمرکز دارند. به نوعی، هر سه وجه تثلیث در قیام عیسی درگیر هستند (یعنی روح در رومیان ۸: ۱۱). موضوع خاص: قیام از مردگان در بخش مربوط به انجیل مرقس ۸: ۳۱ را مطالعه کنید.

NASB: انجیل مرقس ۱۰: ۳۵ الی ۴۰

^{۳۵} یعقوب و یوحنا پسران زبیدی نزد او آمدند و گفتند: "استاد، تقاضا داریم آنچه از تو می‌خواهیم، برایمان به جای آوری!" ^{۳۶} بدیشان گفت: "چه می‌خواهید برایتان بکنم؟" ^{۳۷} گفتند: "عطا فرما که در جلال تو، یکی بر جانب راست و دیگری بر جانب چپ تو بنشینیم." ^{۳۸} عیسی به آنها فرمود: "شما نمی‌دانید چه می‌خواهید. آیا می‌توانید از جامی که من می‌نوشم، بنوشید و تعمیدی را که من می‌گیرم، بگیریید؟" ^{۳۹} گفتند: "آری، می‌توانیم." عیسی فرمود: "شکی نیست که از جامی که من می‌نوشم، خواهید نوشید و تعمیدی را که من می‌گیرم، خواهید گرفت. ^{۴۰} اما بدانید که نشستن بر جانب راست و چپ من، در اختیار من نیست تا آن را به کسی ببخشم. این جایگاه از آن کسانی است که برایشان فراهم شده است."

۱۰: ۳۵ "پسران زبیدی" انجیل متی ۲۰: ۲۰ می‌گوید که مادرشان بود که این را درخواست کرد.

■ "تقاضا داریم آنچه از تو می‌خواهیم، برایمان به جای آوری" هر بار که عیسی رنج و مرگ خود را پیش‌گویی کرد، شاگردان شروع به برنامه‌ریزی می‌کردند که چه کسی جایگاه او را به عنوان رهبر کسب خواهد کرد! دیدگاه فکری آنان هنوز بر پایه پادشاهی زمینی و کسب رهبری آن بود. شاگردان تا زمان پنتیکاست آن را درک نکردند!

به نوعی، این رخداد بدین منظور ثبت شده تا نشان دهد تا چه اندازه شاگردان قدرت درک نداشتند (مراجعه شود به انجیل لوقا ۱۸: ۳۴). این نهایت دوگانگی و تضاد است.

۱۰: ۳۷ "چپ ... راست" آنان جایگاه اقتدار و احترام را می‌خواستند. این رخداد نشان می‌دهد که پطرس به عنوان رهبر گروه شاگردان پذیرفته نشده بود. شخصیت او باعث شده بود که او همیشه اول سخن بگوید، ولی آنها نسبت به او احساس رهبرشان را نداشتند.

■ "در جلال تو" انجیل متی ۲۰: ۲۱ می‌گوید "در پادشاهی تو". در انجیل مرقس این اشاره به بیان پادشاهی اسکاتولوژیک خداوند دارد (مراجعه شود به انجیل مرقس ۸: ۳۸، ۱۰: ۳۷، ۱۳: ۳۶).

موضوع خاص: جلال (doxa) (SPECIAL TOPIC: GLORY (DOXA))

مفهوم انجیلی جلال را به سختی می‌توان توصیف کرد. LXX از doxa برای ترجمه بیش از بیست کلمه عبری استفاده کرده است. به کرار و به شیوه‌های متفاوت در عهد عتیق از این کلمه استفاده شده است. این کلمه بر خدا، عیسی، انسانها، و پادشاهی مسیحی دلالت دارد. در عهد عتیق متداولترین کلمه برای "جلال" (kabod, BDB 458, KB 455-458) اساساً یک اصطلاح تجاری در ارتباط با مقیاس و اندازه‌گیری بود ("سنگین بودن"، KB 455). آن چیزی که سنگین بود با ارزش بود و یا ارزش چشمگیری داشت. اغلب مفهوم روشنایی به آن اضافه می‌شد تا عظمت خدا را بیان کند (رجوع شود به سفر خروج ۱۹: ۱۶ الی ۱۸، ۲۴: ۱۷، ۳۳: ۱۸، اشعیا ۶۰: ۱ و ۲). او به تنهایی با ارزش و قابل احترام است (رجوع شود به مزامیر ۲۴: ۷ الی ۱۰، ۶۶: ۲، ۷۹: ۹). او درخشانتر از آن است که انسان کم ارزش بتواند او را ببیند، بنابراین او خود را در ابر، دست و یا دود می‌پوشاند (رجوع شود به سفر خروج ۱۶: ۷ و ۱۰، ۳۳: ۱۷ الی ۲۳، اشعیا ۶: ۵). بهوه را تنها و بطور درست می‌توان توسط مسیح شناخت (رجوع شود به انجیل یوحنا ۱: ۱۸، ۶: ۴۶، ۱۲: ۴۵، ۱۴: ۸ الی ۱۱، کولسیان ۱: ۱۵، اول تیموتائوس ۶: ۱۶، عبرانیان ۱: ۳، اول یوحنا ۴: ۱۲). برای یک بحث کامل در مورد *kabod* به موضوع خاص: جلال (عهد عتیق) مراجعه کنید. جلال مومنین این است که آنها انجیل و جلال خدا را درک می‌کنند، نه اینکه خودش را (رجوع شود به اول قرن‌تین ۱: ۲۹ الی ۳۱، ارمیا ۹: ۲۳ و ۲۴). برای بحث دقیقتر به NIDOTTE، جلد دوم، صفحه ۵۷۷ الی ۵۷۸ مراجعه کنید.

۱۰: ۳۸ "شما نمی‌دانید چه می‌خواهید" می‌خواهید زمان میانی است، که تمرکز آن بر روی موضوع "شما خودتان" است. عبارت بعدی "می‌توانید" هم زمان میانی است.

■ "جام" در عهد عتیق این اصطلاح برای سرنوشت فرد استفاده شده است، و معمولاً مفهوم منفی دارد (مراجعه شود به مزامیر ۷۵: ۸، اشعیا ۵۱: ۱۷ الی ۲۳، ارمیا ۲۵: ۱۵ الی ۲۸، ۴۹: ۱۲، ۵۱: ۷، مراثی ارمیا ۴: ۲۱ الی ۲۲، حزقیال ۳۲: ۳۴، حبوق ۲: ۱۶، زکریا ۱۲: ۲). این همان استعاره‌ای است که عیسی در گتسمانه (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۴: ۳۶) از آن برای مصلوب شدنش استفاده کرد.

■ "تعمیدی را که من می‌گیرم، خواهید گرفت" این استعاره‌ای در مورد رنج و شکنجه و حتی مرگش است (مراجعه شود به انجیل لوقا ۱۲: ۵۰). جلال او حاوی در است (مراجعه شود به عبرانیان ۲: ۱۸، ۵: ۸).

۱۰:۳۹ این رهبران درگیر همان شکنجه و درک ناردستی بودند که عیسی تجربه کرده بود (یعنی یعقوب در اعمال رسولان و یوحنا در مکاشفه ۱: ۹).

۱۰:۴۰ " این جایگاه از آن کسانی است که برایشان فراهم شده است " این هم مثال دیگری است از تبعیت عیسی از برنامه و اهداف پدر. یک تقدیر الهی است (مراجعه شود به اعمال رسولان ۲: ۳، ۳: ۱۸، ۴: ۲۸، ۱۳: ۲۹). نسخه قدیمی اسکندریه (MS A*) "توسط پدرم" را هم اضافه دارد که در انجیل متی ۲۰: ۲۳ هم دیده می‌شود.

نسخه دستنویس یونیکال قدیمی یونانی تماماً با حروف بزرگ نوشته شده است و هیچ فاصله‌ای، نشانه گذاری میان کلمات نیست یا پاراگراف بندی نشده است. گاهی اوقات تصمیم گیری در مورد اینکه چگونه جمله را به کلمات بتوان تقسیم بندی کرد بسیار مشکل است. این جمله می‌تواند به دو شیوه تقسیم شود (مراجعه شود به Interpreting the New Testament اثر Hans Conzelmann و Andreas Lindemann ترجمه شده توسط Siegfried S. Schotzmann صفحه ۲۲).

۱. برای کسی که لیاقتش را دارد

۲. برای دیگران است (مراجعه شود به ترجمه های سیریاک)

NASB: انجیل مرقس ۱۰: ۴۱ الی ۴۵

۴۱ چون ده شاگرد دیگر از این امر آگاه شدند، بر یعقوب و یوحنا خشم گرفتند. ۴۲ عیسی ایشان را فرا خواند و گفت: " شما می‌دانید آنان که حاکمان دیگر قومها شمرده می‌شوند بر ایشان سروری می‌کنند و بزرگانشان بر ایشان فرمان می‌رانند. ۴۳ اما در میان شما چنین نباشد. هر که می‌خواهد در میان شما بزرگ باشد، باید خادم شما شود. ۴۴ و هر که می‌خواهد در میان شما اول باشد، باید غلام همه گردد. ۴۵ چنانکه پسر انسان نیز نیامد تا خدمتش کند، بلکه آمد تا خدمت کند و جانش را چون بهای رهایی در راه بسیاری بنهد."

۱۰: ۴۱ "با شنیدن این" (در نسخه انگلیسی این آیه به صورت "با شنیدن این، ده شاگرد از یوحنا و یعقوب خشمگین شدند" آمده - مترجم) این نشان می‌دهد که یعقوب و یوحنا صبر کردند تا با عیسی تنها شدند. همچنین انسان بودن شاگردان را نشان می‌دهد. اینان ابر قدیس نبودند، بلکه فقط انسانهایی بودند که فرا خوانده شدند، تجهیز گشتند و توسط خدا مورد استفاده قرار گرفتند. دیگران خشمگین شدند، ولی نه به خاطر اینکه درخواست یعقوب و یوحنا نابجا بود، بلکه به دلیل اینکه آنان اول درخواست کردند. این شاگردان منتخب هنوز خودخواهی و گناه را نشان می‌دادند.

۱۰: ۴۲ عیسی هنوز جاه طلبی و درک نادرست پادشاهی را خاطر نشان می‌کند.

۱۰: ۴۳

NASB "ولی میان شما اینطور نباشد"

NKJV "با این حال نباید میان شما چنین باشد"

NRSV "اما اینطور میان شما نباشد"

TEV "این، اما، شیوه ای نیست که میان شما باشد"

NJB "میان شما نباید چنین اتفاقی بیافتد"

این اختلاف ترجمه‌ها منعکس کننده تفاوتها در نسخ دستنویس متفاوت یونانی هستند. در برخی از نسخ دستنویس (B, C*, D, L, W) فعل زمان حال استفاده شده است (مراجعه شود به NASB, NRSV, TEV) که در همسوی انجیل متی ۲۰: ۲۶ هم یافت شد. با این وجود، در سایر نسخ دستنویس (A و C³) زمان آینده استفاده شده است (مراجعه شود به NKJV و NJB).

■ " هر که می‌خواهد در میان شما بزرگ باشد " عیسی بزرگی و جاه طلبی را منع نمی‌کند، بلکه بزرگی واقعی را به صورت خدمتگزاری و فروتنی توصیف می‌کند (مراجعه شود به انجیل متی ۲۰: ۲۶، انجیل مرقس ۹: ۳۵).

■ " غلام " این اصطلاح ترجمه diakonos است، که بعداً تبدیل به موضوع اصلی سرودهای مذهبی می‌شود. تمامی مومنین برای خدمت کردن فراخوانده می‌شوند (مراجعه شود به افسسیان ۴: ۱۱ الی ۱۲).

۱۰: ۴۴ این به ترجمه انجیل مرقس ۱۰: ۳۱ کمک می‌کند.

■ "غلام" (در نسخه انگلیسی اصطلاح slave به معنی برده استفاده شده است - مترجم) این اصطلاح معادل doulos است که اشاره به خدمتگزاران محلی دارد.

۱۰: ۴۵ "پسر انسان" به یادداشت مربوط به انجیل مرقس ۸: ۳۸ مراجعه کنید.

■ " نیامد تا خدمتش کند، بلکه آمد تا خدمت کند " این توصیف راستین بزرگی است. عیسی الگوی زندگی پادشاهی را برای ما ترسیم می‌کند تا بدان

عمل کنیم (مراجعه شود به اول پطرس ۲: ۲۱). این حقیقت به صورت نمادین در شستن پاهای شاگردان در اتاق طبقه بالا در شبی که به او خیانت شد، تعلیم داده شد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۳: ۱۴ الی ۱۵).

این حقیقت همیشه برای رهبری کلیسا مشکل بود. ولی بدون آن هیچ کلیسای خدمتگزاری وجود ندارد.

■ "جانش را بنهد" این آیه خلاصه انجیل مرقس است. عیسی همیشه به مرگ خود به عنوان برکت و جلال اشاره می‌کند. این بیانگر کفاره دادن نیابتی مسیح بابت گناهان است (یعنی گناهان ما، مراجعه شود به دوم قرنتیان ۵: ۲۱).

■ "بها" این به مفهوم "بازخرید" یا "پرداخت بهای چیزی" است (مراجعه شود به انجیل متی ۲۰: ۲۸، تیتوس ۲: ۱۴، اول پطرس ۱: ۱۸). منعکس کننده اصطلاح عهد عتیقی است که برای بازخرید بردگان و زندانیان جنگی که اغلب توسط یکی از نزدیکان صورت می‌گرفت، استفاده شده است. عیسی در خودش عشق و محبت و عدالت خدای پدر را متحد می‌سازد. بهای گناه زندگی است - که خدا به ما داده است.

موضوع خاص: بها/بازخرید

(Special Topic: Redeem)

۱. عهد عتیق

a. اساسا دو اصطلاح عبری وجود دارند که در بردارنده این مفهوم می‌باشند.

i. *Ga'al* (BDB 145 I, KB 169 I) که به معنی "بهای آن پرداخت شده و آزاد است" می‌باشد. حالت دیگر این اصطلاح *go'el* مفهوم واسطه انسانی را به آن اضافه می‌کند که معمولا عضو خانواده است (سرپرست خانواده). این جنبه فرهنگی حق بازخرید اشیا، حیوانات، زمین (مراجعه شود به لایوان ۲۵ و ۲۷) یا اقوام (مراجعه شود به روت ۴: ۱۴، اشعیا ۲۹: ۲۲) از دید الهیاتی به تحویل اسرائیل از مصر توسط یهوه منتقل می‌شود (مراجعه شود به کتاب خروج ۶: ۶، ۱۳: ۱۵، مزامیر ۷۴: ۲، ۷۷: ۱۵، ارمیا ۳۱: ۱۱).. او تبدیل به ناجی می‌شود (مراجعه شود به یعقوب ۱۹: ۲۵، مزامیر ۱۹: ۱۴، ۳۵: ۷۸، امثال ۲۳: ۱۱، اشعیا ۴۱: ۱۴، ۴۳: ۱۴، ۴۴: ۶ و ۲۴، ۴۷: ۴، ۴۸: ۱۷، ۴۹: ۷ و ۲۶، ۵۴: ۵ و ۸، ۵۹: ۲۰، ۶۰: ۱۶، ۶۳: ۱۶، ارمیا ۵۰: ۳۴).

ii. *Padah* (BDB 804, KB 911) که به معنی "تحويل دادن" یا "نجات دادن" است.

۱. رستگاری تنها مولود (کتاب خروج ۱۳: ۳۵ الی ۱۵ و اعداد ۱۸: ۱۵ الی ۱۷)

۲. رستگاری فیزیکی برابر رستگاری معنوی (مزامیر ۴۹: ۷ و ۸ و ۱۵)

۳. یهوه اسرائیل را از گناهانشان و شورشیشان نجات خواهد داد (مزامیر ۱۳۰: ۷ الی ۸)

b. مفهوم الهیاتی آن در بردارنده چندین رابطه است

i. یک نیاز، تعهد، مجازات و زندانی شدن وجود دارد

۱. فیزیکی

۲. اجتماعی

۳. معنوی (مراجعه شود به مزامیر ۸: ۱۳۰)

ii. برای آزادی، رهایی و احیا بهایی باید پرداخت شود

۱. در ارتباط با قوم اسرائیل (مراجعه شود به تثنیه ۷: ۸)

۲. در رابطه با فرد (مراجعه شود به یعقوب ۱۹: ۲۵ الی ۲۷، ۳۳: ۲۸، اشعیا ۵۳)

iii. شخصی باید به عنوان واسطه و ذینفع عمل کند. در *ga'al* این شخص معمولا یکی از اعضا خانواده یا نزدیکان است (*go'el*, BDB 145)

iv. یهوه معمولا خود را با اصطلاحات خانوادگی معرفی می‌کند.

۱. پدر

۲. شوهر

۳. یک ناجی از نزدیکان خانواده/ناجی رستگاری از طریق یهوه رها میشود، بهایش پرداخت می‌گردد و رستگاری حاصل می‌گردد.

۲. عهد جدید

a. از چندین اصطلاح که در بردارنده مفهوم الهیاتی بحث هستند، استفاده شده است.

i. *Agorazō* (مراجعه شود به اول قرن‌تینان ۶: ۲۰، ۷: ۲۳، دوم پطرس ۲: ۱، مکاشفه ۵: ۹، ۱۴: ۳ الی ۴). این یک اصطلاح تجاری است که منعکس کننده بهای پرداخت شده برای چیزی است. ما مردمانی هستیم که خونبها می‌گیریم که بر زندگی خود کنترلی نداریم. ما به مسیح تعلق داریم.

ii. *Exagorazō* (مراجعه شود به غلاطیان ۳: ۱۳) ۴: ۵، افسسیان ۵: ۱۶، کولسیان ۴: ۵). این نیز یک اصطلاح تجاری است. این اصطلاح منعکس کننده مرگ جایگزین عیسی از جانب ما است. عیسی نفرینی که بر بر مبنای شریعت بر ما بود و انسانهای گناهکار نمی‌توانستند آن را تحقق بخشند، تحمل کرد (شریعت موسی، مراجعه شود به افسسیان ۲: ۱۴ الی ۱۶، کولسیان ۲: ۱۴). او نفرینی را که بر ما بود (مراجعه شود به تثنیه ۲۱: ۲۳) برای همه ما (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۰: ۴۵، دوم قرن‌تینان ۵: ۲۱) تحمل کرد! از طریق عیسی عدالت و عشق خدا در هم آمیخت و تبدیل به بخشش کامل و پذیرش شد!

iii. *Luō* (آزاد کردن/رها کردن)

۱. *Lutron* "بهای پرداخت شده" مراجعه شود به انجیل متی ۲۰: ۲۸، انجیل مرقس ۱۰: ۴۵). اینها کلمات قدرتمندی هستند که از دهان خود عیسی بیرون آمده اند و در رابطه با هدف آمدنش می‌باشند، برای اینکه ناجی جهان باشد، برای اینکه بدهی گناهمانی را که مرتکب نشده است، بپردازد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۲۹).

۲. *Lutroō*

a. که ناجی اسرائیل باشد (مراجعه شود به انجیل لوقا ۲۴: ۲۱)

b. تا خودش را قربانی کند که مردم را نجات دهد و پاک سازد (تیتوس ۲: ۱۴)

c. برای اینکه جایگزین بدون گناه باشد (اول پطرس ۱: ۱۸ الی ۱۹)

۳. *Lutrōsis*، "رستگاری"، "آزادی"

a. نبوت زکریا در مورد عیسی، انجیل لوقا ۱: ۶۸

b. دعای آنا با خدا برای عیسی، انجیل لوقا ۲: ۳۸

c. عیسی بهتر است، قربانی برای یک مرتبه، عبرانیان ۹: ۱۲

iv. *Apolytrōsis*

v. رستگاری در آمدن دوم (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۹: ۳ الی ۲۱)

۱. انجیل لوقا ۲۸: ۲۱

۲. رومیان ۲۳: ۸

۳. افسسیان ۱: ۱۴، ۳: ۳۰

۴. عبرانیان ۹: ۱۵

vi. رستگاری در زمان مرگ عیسی

۱. رومیان ۲۴: ۳

۲. اول قرن‌تینان ۳۰: ۱

۳. افسسیان ۷: ۱

۴. کولسیان ۱: ۱۴

vii. *Antilytron* (مراجعه شود به اول تیموتائوس ۲: ۶). این یک متن مهم است (همانند تیتوس ۲: ۱۴) که رهایی را با مرگ عیسی بر بالای صلیب به عنوان جایگزین مرتبط می‌کند. او تنها قربانی قابل قبول است، کسی که به خاطر "همه" مرد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۲۹: ۱، ۱۶: ۳ الی ۱۷، ۲۴: ۴، اول تیموتائوس ۴: ۱۰، تیتوس ۲: ۱۱، دوم پطرس ۹: ۳، اول یوحنا ۲: ۲، ۴: ۱۴).

b. مفهوم الهیاتی در عهد جدید

i. انسان برده گناه است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۸: ۳۴:: رومیان ۱۰: ۳ الی ۱۸ و ۲۳، ۲۳: ۶)

ii. وابستگی انسان به گناه در قانون عهد عتیقی موسی آشکار شده است (مراجعه شود به غلاطیان ۳) و مؤنظه عیسی بر بالای کوه (مراجعه شود به انجیل متی ۵ الی ۷). عملکرد انسان تبدیل به مجازات مرگ برای او شده است (مراجعه شود به کولسیان ۲: ۱۴)

iii. عیسی، بره معصوم خدا، آمد و بجای ما مرد (مراجعه شود به انجیل مرقس ۴۵: ۱۰، انجیل یوحنا ۲۹: ۱، دوم قرن‌تینان ۲۱: ۵). ما را از گناه خریدند تا به خدا خدمت کنیم (مراجعه شود به رومیان ۶).

- iv. به طور ضمنی هم یهوه و هم عیسی "نسبت نزدیک" دارند که از طرف ما عمل می‌کنند. این استعاره‌های خانوادگی (یعنی پدر، شوهر، پسر، برادر، نزدیکان) تداوم می‌یابند.
- v. رستگاری بهایی نیست که به شیطان (یعنی الهیات قرون وسطی) پرداخت شده باشد، بلکه آشتی با خدا و عدالت خداوند با عشق خدا و کامل بودن در مسیح است. در صلیب صلح بازگرداننده شد، شورش بشر آموزش داده شد، تصویر خدا در بشریت در حال حاضر به طور کامل در همکاری صمیمانه عمل می‌کند!
- vi. هنوز یک جنبه آینده نگرانه ای در رستگاری وجود دارد (مراجعه شود به رومیان ۸: ۲۳، افسسیان ۱: ۱۴، ۴: ۳۰). که شامل احیا کالبد ما و صمیمیت فردی با تثلیث خدا است (موضوع خاص: تثلیث را مطالعه کنید). کالبدهای احیا شده ما همانند او خواهند بود (مراجعه شود به اول یوحنا ۲: ۳). او یک بدن فیزیکی دارد، ولی با یک بعد اضافی. به سختی می‌توان پارادوکس اول قرن‌تینان ۱۵: ۱۲ الی ۱۹ را با اول قرن‌تینان ۱۵: ۳۵ الی ۵۹ توصیف کرد. بدینی است یک کالبد فیزیکی و زمینی وجود دارد و همچنین یک کالبد معنوی و بهشتی. عیسی هر دورا داشت.

■ "برای" این همان پیشوند یونانی آنتی/ضد است. گاهی اوقات به اسم "بها" (*lutron = antilutron*) مراجعه شود به اول تیموتائوس ۲: ۶) اضافه می‌شود. می‌تواند به معنی "بجای" یا "از طرف" هم باشد. رابطه میان حرف اضافه ضد (*anti*) و هیپر (*hyper*) باید در متن مشخص شود (مراجعه شود به دوم قرن‌تینان ۵: ۱۴، عبرانیان ۱۰: ۱۲، اول پطرس ۲: ۲۱، ۳: ۱۸، اول یوحنا ۳: ۱۶). همه اینها مفهوم کفارہ دادن نیابتی عیسی را دارند. او بجای ما مرد و گناهان ما را به جان خرید (مراجعه شود به اشعیا ۵۳: ۴ الی ۶).

■ "بسیاری" اصطلاح "بسیاری" توسط برخی از مفسران استفاده شده تا قربانی شدن نیابتی عیسی را محدود به "منتخبین" بکنند. اصطلاح "بسیاری" و "همه" در دو عبارت کلید مترادف هستند که در مورد رستگاری می‌باشند. "بسیاری" در اشعیا ۵۳: ۱۱ الی ۱۲ را با "همه" در اشعیا ۵۳: ۶ مقایسه کنید. این همسویی به وضوح در رومیان ۵: ۱۸ "همه" و رومیان ۵: ۱۹ "بسیاری" دیده می‌شود. عیسی بهای همه ما را پرداخت، ولی فقط کسانی که با ایمان و توبه پاسخ دادند و نجات یافتند.

انجیل مرقس ۱۰: ۴۵ قلب الهیات انجیلی است. در پاسخ به جاه طلبی فردی آمده است. جاه طلبی انسانی باید به عنوان هدیه به خدا بازگردانده شود (مراجعه شود به رومیان ۱۲: ۱ الی ۲). مسیحیان باید جانفشانی مسیح را تکرار کنند (مراجعه شود به اول یوحنا ۳: ۱۶).

NASB: انجیل مرقس ۱۰: ۴۶ الی ۵۲

^{۴۶}آنگاه به اریحا آمدند. و چون عیسی با شاگردان خود و جمعیتی انبوه اریحا را ترک می‌گفت، گدایی کور به نام بارتیمائوس، پسر تیمائوس، در کنار راه نشسته بود. ^{۴۷}چون شنید که عیسی ناصری است، فریاد برکشید که: "ای عیسی، پسر داوود، بر من رحم کن!" ^{۴۸}بسیاری از مردم بر او عتاب کردند که خاموش شود، اما او بیشتر فریاد می‌زد: "ای پسر داوود، بر من رحم کن!" ^{۴۹}عیسی ایستاد و فرمود: "او را فرا خوانید." پس آن مرد کور را فرا خوانده، به وی گفتند: "دل قوی دار! برخیز که تو را می‌خواند." ^{۵۰}او بی‌درنگ عبای خود را به کناری انداخته، از جای برجست و نزد عیسی آمد. ^{۵۱}عیسی از او پرسید: "چه می‌خواهی برایت بکنم؟" پاسخ داد: "استاد، می‌خواهم بینا شوم." ^{۵۲}عیسی به او فرمود: "برو که ایمانت تو را شفا داده است." آن مرد، در دم بینایی خود را باز یافت و از پی عیسی در راه روانه شد.

۱۰: ۴۶ "اریحا" این یکی از قدیمیترین شهرهای جهان است و اغلب به آن "شهر نخلها" گفته می‌شد. این اسم یعنی "معطر شده". این یک منطقه بسیار بارور و زیبا بود. در روزگار عیسی دو اریحا وجود داشت، شهر قدیمی و شهر جدید رومیان در حدود یک مایلی این شهر. این شهر در حدود ۱۸ مایلی شمال شرقی اورشلیم در کنار معبر رود اردن قرار داشت.

■ "چون عیسی با شاگردان خود.... اریحا را ترک می‌گفت" در انجیل متی ۲۰: ۲۹ "بیرون می‌رفت"، و در انجیل لوقا ۱۸: ۳۵ "نزدیک می‌شد" آمده است. این ابهام نشانگر شهادتهای عینی است. به خاطر داشته باشید که در روزگار عیسی، دو شهر اریحا وجود داشت. ممکن است از یکی خارج می‌شد و به دومی نزدیک می‌شد.

■ "جمعیتی انبوه" اینها زائرینی بودند که همراه با مردم شهر در راه اورشلیم برای عید پسخ بودند. بسیاری از روحانیون معبد در اریحا زندگی می‌کردند. مسیر از اریحا تا اورشلیم به واسطه راهزنان بسیار خطرناک بود (تمثیل سامری خوب)، بنابراین مردم در گروه‌های عظیم حرکت می‌کردند.

■ "گدایی کور..... در کنار راه نشسته بود" در مورد این عبارت تفاوت‌هایی در میان نسخ دستنویس باستانی یونانی وجود دارد. کلمه گدا یک اصطلاح نادر است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۹: ۸). معمولا این مفهوم با یک ضمیر فاعلی همراه است (یعنی W, K, MSS A, Textus Receptus, مراجعه شود به NKJV). با این حال، این اسم (یعنی *prosaiteō*) در MSS B و L وجود دارد (مراجعه شود به NASB, NRSV, TEV, NJB). نسخه دستنویس D یک مترادف (یعنی *epaiteō*)، که ریشه هر دو آنها از مصدر "پرسیدن" یا "تقاضا کردن" است) دارد و در همسوی انجیل لوقا ۱۸: ۳۵ یافت

می‌شود. این تنوعات تأثیری در تفسیر و ترجمه این عبارت ندارند.

■ "بارتیمائوس" این کلمه یعنی "پسر تیمائوس". در انجیل مرقس بسیار نامعمول است که نام افرادی که عیسی آنها را شفا داده یا دیورا از آنها بیرون رانده ثبت شوند. جالب است که در انجیل متی، دو مرد نابینا وجود دارند (مراجعه شود به انجیل متی ۲۰: ۳۰). دقیقاً چرا این اتفاق رخ داده، مشخص نیست، ولی تفاوت مشخصی میان انجیل متی، لوقا و مرقس وجود دارد.

■ "پسر تیمائوس" این کلمه یک کلمه آرامی است به معنی ناپاک. این تلاشی است برای توضیح اسم بارتیمائوس برای خوانندگان پیرو سایر ادیان.

■ "در کنار راه نشسته بود" احتمالاً این جایی بود که مرد نابینا هر روز به امید صدقه می‌نشست (یعنی اعانه‌ای که یهودیان باید به فقرا می‌دادند).

■ "عیسای ناصری" مرقس انحصاراً عنوان *Nazarēnos* مطرح می‌کند (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱: ۲۴، ۱۰: ۴۷، ۱۴: ۶۷، ۱۶: ۶). انجیل متی می‌گوید "او را باید ناصری خواند" (مراجعه شود به انجیل متی ۲: ۲۳).

روستایی که عیسی در آنجا بزرگ شد ناصره خوانده می‌شد. این نام در عهد عتیق یا تلمود یا در جوزفوس ذکر نشده است. احتمالاً تا زمان جان هیرکانوس (یعنی هاسمونانن) که از ۱۳۴ تا ۱۰۴ قبل از میلاد حکمفرمایی می‌کرد، این شهر وجود نداشت. حضور یوسف و مریم در این روستا دلالت بر این دارد که قبیله داوود در اینجا مستقر شد.

ممکن است رابطه ریشه لغوی میان ناصره و عنوان مسیحانه شاخه که در زبان عبری نستر است وجود داشته باشد (مراجعه شود به اشعیا ۱۱: ۱، ارمیا ۲۳: ۵، ۳۳: ۱۵، زکریا ۳: ۸، ۶: ۱۲، مکاشفه ۵: ۵، ۲۲: ۱۶).

ظاهراً یک اصطلاح طعنه آمیز است زیرا مکان آن بسیار از اورشلیم فاصله داشته در منطقه کفار بود (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۴۶ و اعمال رسولان ۲۴: ۵، حتی اگر چنین باشد، نبوت اشعیا ۹: ۱ است). ممکن است این همان دلیلی باشد که به عنوان اتهام عیسی بر بالای سرش بر صلیب نوشته شد.

موضوع خاص: عیسی ناصری

(SPECIAL TOPIC: JESUS THE NAZARENE)

در عهد جدید وقتی از عیسی صحبت می‌شود، از چندین اصطلاح مختلف یونانی استفاده می‌شود.

۱. اصطلاحات عهد جدید

a. ناصری - شهری در جلیل (مراجعه شود به انجیل لوقا ۱: ۲۶، ۲: ۴ و ۳۹ و ۵۱، ۴: ۱۶، اعمال رسولان ۱۰: ۳۸). از این شهر در منابع آن زمان اسمی برده نشده است، ولی بعدها در کتیبه‌هایی یافت شد. اهل ناصره بودن برای عیسی افتخار نبود (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۴۶). درج این نام در پای صلیب عیسی نشانگر تحقیر کردن وی توسط یهودیان است.

b. *Nazarēnos* - به نظر می‌رسد که به یک مکان جغرافیایی اشاره دارد (مراجعه شود به انجیل لوقا ۴: ۳۴، ۲۴: ۱۹).

c. *Nazōraios* - ممکن است به شهری اشاره داشته باشد، ولی می‌تواند هم بازی با کلمه مسیحی "Branch" در زبان عبری باشد (*netzer*, BDB 666, KB 718 II, اشعیا ۱۱: ۱، BDB 855, ارمیا ۲۳: ۵، ۳۳: ۱۵، زکریا ۳: ۸، ۶: ۱۲، در مکاشفه ۲۲: ۱۶ به آن اشاره شده). لوقا از این برای عیسی در ۱۸: ۳۷ و اعمال رسولان ۲: ۲۲، ۳: ۶، ۴: ۱۰، ۶: ۱۴، ۲۲: ۸، ۲۴: ۲۶، ۹ استفاده کرده است.

d. در ارتباط با شماره ۳، *nāzīr* (BDB 634, KB 684) که به معنی "آن تقدیس شده به وسیله پیمان" است.

۲. استفاده‌های تاریخی از کلمه خارج از عهد جدید

a. به معنی یک گروه یهودی (قبل از مسیح) است (در زبان آرامی *nāsōrayyā*)

b. در دایره‌های یهودی استفاده می‌شد تا کسانی که به مسیح ایمان دارند را توصیف کند (مراجعه شود به اعمال رسولان ۲۴: ۵ و ۱۴، ۲۸: ۲۲، *nosri*)

c. تبدیل به اصطلاحی شد که برای مومنین در کلیساهای سوریه به کار می‌رفت (آرامی). کلمه "مسیحی" در کلیساهای یونانی برای مومنین به کار می‌رفت.

d. مدتی پس از سقوط اورشلیم، فریسیان در جمنیا تجدید سازمان یافتند و رسماً کنیسه و کلیسا را از یکدیگر تفکیک کردند. نمونه‌ای از دشنام‌های علیه مسیحیان در دعای هیجدهم از براکوت ۲۸ ب الی ۲۹ که مومنین را "ناصریان" خطاب می‌کند، یافت می‌شود. "بسیاری از ناصریان و مرتد‌ها در لحظه ناپدید می‌شوند، آنها باید از کتاب زندگی حذف شوند و با وفاداری نباید نوشته شوند"

e. توسط جاستین مارتیر در *Dial*، ۱: ۱۲۶ استفاده شده است، که از *netzer* (اشعیا ۱۱: ۱) در مورد عیسی استفاده کرده است.

۳. نظر نویسنده

من از این همه نگارشهای متفاوت در شگفت هستم، هر چند که می‌دانم در عهد عتیق بسیار تکرار شده است، مانند "یوشع" که در عبری از چندین نگارش متفاوت استفاده کرده است. موارد زیر باعث شدند که در مورد معنی آن اطمینان نداشته باشم:

۱. نزدیکی بسیار زیاد با نگارش اصطلاح "Branch" (netzer) یا اصطلاحات مشابه *nāzīr* (آن که با پیمان بستن قدیس شد)
۲. مفهوم منفی جلیل برای پیروان سایر ادیان
۳. نبود مدرک در مورد وجود شهری بنام ناصره در جلیل
۴. از دهان شیطان با مفهوم اسکاتولوژیک بیرون می‌آید (مثلا "آیا برای نابودی ما آمده ای؟")

برای مطالعه انجیلی کامل این مجموعه کلمات به کتاب *New International Dictionary of New Testament Theology* اثر کالین براون، جلد دوم، صفحه ۳۴۶ و یا *Birth of the Messiah* اثر ریموند ایی براون، صفحات ۲۰۹ الی ۲۱۳ و ۲۲۳ الی ۲۲۵ مراجعه کنید.

■ "پسر داوود" این یک عنوان مسیحانه بود (مراجعه شود به دوم سموئیل ۷)، که مفهوم ملی گرایی داشت. این عنوان در انجیل مرقس بسیار نادر است (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۰: ۴۷ و ۴۸، ۱۲: ۳۵).

■ "بر من رحم کن" این زمان آئوریست امری فعال است، که دلالت بر شدت دارد. این یک دعای مرسوم در مزامیر است (مراجعه شود به انجیل مرقس ۵: ۱).

■ ۱۰: ۴۸ "بسیاری از مردم بر او عتاب کردند" این زمان غیر کامل است. او باز و باز فریاد می‌زد و برخی از مردم هم دوباره و دوباره او را سرزنش می‌کردند (مراجعه شود به انجیل لوقا ۱۸: ۳۹).

■ ۱۰: ۴۹ "عیسی ایستاد" حتی در مسیر مرگ، عیسی برای یک گدای نابینا وقت داشت! این هم یک نشان نبوتی دیگر از اشعیا برای کسانی است که دید معنوی دارند.

■ "دل قوی دار! برخیز که تو را می‌خواند" معمولا در یونانی کوبین هر عبارت به عبارت قبلی با یک حرف ربط یا ضمیر که به چیزی در متن قبلی بدان اشاره شده، مرتبط است. وقتی که این رابطه وجود نداشته باشند، (همانطور که در اینجا دیده می‌شود) به متن توجه می‌شود. اینها بیانات امری اسکاتاکویی هستند. اولین و دومین زمان حال امری فعال هستند و آخری زمان حال اخباری فعال است.

■ ۱۰: ۵۰ "او بی‌درنگ عباي خود را به کناری انداخته" این عبا برای (۱) خوابیدن و (۲) گردآوری غذا و صدقه استفاده می‌شد. به مفهومی این نشان از ایمان او بود که شفایش داد.

■ "از جای برجست" اینها شهادت عینی همراه با جزئیاتی هستند که پطرس به خاطر داشت.

■ ۱۰: ۵۱ "چه می‌خواهی برایت بکنم" عیسی او را مجبور می‌کرد که تقاضایش را از روی ایمان بیان کند.

■ "استاد، می‌خواهم بینا شوم" (در متن انگلیسی *I want to regain my sight* نوشته شده که معنی آن "می‌خوام بینایی خود را دوباره بدست آورم" است) شفای نابینایی اهمیت مسیحانه دارد (مراجعه شود به اشعیا ۳۵: ۴ الی ۵، ۴۲: ۷ و ۱۶، ۶۱: ۱). این یکی از شواهدی بود که فریسیان درخواست می‌کردند.

■ ۱۰: ۵۲ "ایمانت تو را شفا داده است" این به مفهوم "نجات دادن" (یعنی *sōzō*) در حالت زمان کامل فعال اخباری است. این اصطلاح در مفهوم عهد عتیقی برای شفای فیزیکی استفاده شده است (مراجعه شود به یعقوب ۵: ۱۵).

■ "از پی عیسی در راه روانه شد" انجیل لوقا ۱۸: ۴۵ "جلال دادن خدا" را به این عبارت اضافه کرده است.

سوالاتی برای بحث

این یک راهنمای مطالعاتی است، که بدین معنی است که شما خودتان مسئول تفسیر انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر خودمان گام برداریم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. شما نباید این امر را به یک مفسر واگذار کنید.

این سوالات مباحثاتی به منظور کمک به شما در تفکر نسبت به مسائل اصلی این بخش از کتاب مطرح شده اند. آنها صرفا تفکر برانگیز هستند نه قطعی.

۱. چرا والدین از عیسی می‌خواستند که بر فرزندان‌شان دست بگذارد؟
۲. چرا شاگردان سعی کردند که آنها را متوقف کنند؟
۳. چرا عیسی بسیار نسبت به آنان مهربان بود؟
۴. چگونه کودکان با پادشاهی خدا مرتبط هستند؟

۵. کدام شرایط کودک را عیسی در شاگردان جستجو می کرد؟
۶. چرا عیسی اغلب در مورد نزدیک شدن مرگش برای شاگردان می گفت؟
۷. بزرگی واقعی را توصیف کنید.

مرقس ۱۱

پاراگراف‌های ترجمه‌های مدرن

UBS ⁴	NKJV	NRSV	TEV	NJB
ورود فاتحانه به اورشلیم	ورود فاتحانه	یکشنبه نخل	ورود فاتحانه به اورشلیم	مسیح وارد اورشلیم می‌شود
۱۱:۱ الی ۱۱	۱۱:۱ الی ۱۱	۱۱:۱ الی ۱۰	۱۱:۱ الی ۳ ۱۱:۴ الی ۵ ۱۱:۶ الی ۱۰ ۱۱:۱۱	۱۱:۱ الی ۱۱
نفرین شدن درخت انجیر	درخت انجیر خشک شد	درخت انجیر نفرین شد	عیسی درخت انجیر را نفرین می‌کند	درخت انجیر
۱۱:۱۲ الی ۱۴	۱۱:۱۲ الی ۱۴	۱۱:۱۲ الی ۱۴	۱۱:۱۲ الی ۱۴ الف ۱۱:۱۴ ب	۱۱:۱۲ الی ۱۴
تطهیر شدن معبد	عیسی معبد را تطهیر می‌کند	تطهیر کردن معبد	عیسی به معبد می‌رود	بیرون راندن دلان از معبد
۱۱:۱۵ الی ۱۹	۱۱:۱۵ الی ۱۹	۱۱:۱۵ الی ۱۹	۱۱:۱۵ الی ۱۷ ۱۱:۱۸ ۱۱:۱۹	۱۱:۱۵ الی ۱۹
درسی از درخت انجیر	درسی از درخت انجیر	معنی درخت انجیر	درسی از درخت انجیر	درخت انجیر ایمان و دعا را خشک می‌کند
۱۱:۲۰ الی ۲۵	۱۱:۲۰ الی ۲۴ بخشش و عبادت ۱۱:۲۵ الی ۲۶	۱۱:۲۰ الی ۲۴ ۱۱:۲۵	۱۱:۲۰ الی ۲۱ ۱۱:۲۲ الی ۲۵	۱۱:۲۰ الی ۲۵
انجیل مرقس ۱۱:۲۶ حذف می‌شود	اقتدار عیسی مورد سوال قرار می‌گیرد	انجیل مرقس ۱۱:۲۶ حذف می‌شود	انجیل مرقس ۱۱:۲۶ حذف می‌شود	انجیل مرقس ۱۱:۲۶ حذف می‌شود
اقتدار عیسی مورد پرسش قرار می‌گیرد	اقتدار عیسی مورد سوال قرار می‌گیرد	در مورد اقتدار عیسی	سوال در مورد اقتدار عیسی	اقتدار عیسی مورد پرسش قرار می‌گیرد
۱۱:۲۷ الی ۳۳	۱۱:۲۷ الی ۳۳	۱۱:۲۷ الی ۳۳	۱۱:۲۷ الی ۲۸ ۱۱:۲۹ الی ۳۰ ۱۱:۳۱ الی ۳۳ الف ۱۱:۳۳ ب	۱۱:۲۷ الی ۳۳

مطالعه حلقه سوم (رجوع کنید به "راهنمای مطالعه مفید انجیل")

به دنبال نیت اصلی نویسنده در سطوح پاراگراف

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید.

کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص نمایید (مطالعه حلقه شماره ۳). تقسیمات موضوعی خود را با پنج ترجمه بالا مقایسه کنید. پاراگراف بندی به نویسنده الهام نشده است، اما کلید پیگیری اهداف اصلی نویسنده است که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول
۲. پاراگراف دوم
۳. پاراگراف سوم و غیره

۱. ورود فاتحانه یک نشان نبوتی مهم بود، عیسی به عنوان مسیح موعود معرفی شد. این همسو با انجیل متی ۱:۲۱ الی ۱۱، انجیل لوقا ۲۹:۱۹ الی ۴۴ و انجیل یوحنا ۱۲:۱۲ الی ۱۹ است.
۲. یک جنبه پارادوکسی در مورد ورود فاتحانه وجود دارد. عیسی به صورت بدیهی پیش گویی زکریا ۹:۹ و دیگران را تحقق بخشیده بود (یعنی مناجات نامه مزامیر) و فریاد جمعیت تأیید مسیح بودن او بود. با این حال، باید به خاطر داشت که این هیاهوهای مزامیر برای خوشامدگویی زائری که هر ساله برای عید پسخ می آمدند برقرار بود. این حقیقت که این امر را برای فرد خاصی اختصاص می دهند برای این رخداد منحصر به فرد است. این به وضوح در بهت و حیرت رهبران مذهبی دیده می شود.
۳. تطهیر معبد که در انجیل مرقس ۱۱:۱۵ الی ۱۹ به ثبت رسیده، ظاهراً دومین تطهیری است که توسط عیسی صورت گرفته است. اولی در انجیل یوحنا ۲:۱۵ ثبت شده است. من فرضیات منتقدین که تلاش دارند بگویند این دو رخداد در واقع یکی هستند را نمی پذیرم. هر چند در یکسان سازی زمانی میان انجیل یوحنا و سایر اناجیل مشکل هست، اما به واسطه تفاوت‌های میان داستانها، حفظ دوبار تطهیر معبد، یکی در ابتدای بشارت و دیگری در اواخر آن، هنوز این به نظر من بهترین است. این همچنین می تواند رشد پنهان رهبران مذهبی در اورشلیم را توضیح دهد. این تطهیر همسو با انجیل متی ۲۱:۱۲ الی ۱۶ و انجیل لوقا ۴۵:۱۹ الی ۴۷ است.
۴. نفرین درخت خشک شده یک اشاره بدیهی به یهودیت است. این همسو با انجیل متی ۲۱:۱۸ الی ۱۹ و انجیل لوقا ۴۵:۱۹ الی ۴۸ است.
۵. درخت انجیر خشک شده (انجیل مرقس ۱۱:۲۰ الی ۲۵) همسو با انجیل متی ۲۱:۱۹ الی ۲۲ و انجیل لوقا ۳۷:۲۱ الی ۳۸ است.
۶. اقتدار عیسی زیر سوال می رود (انجیل مرقس ۱۱:۲۷ الی ۱۲:۱۲). اقتدار او یک نکته کلیدی الهیاتی است! همسو با انجیل متی ۲۳:۲۱ الی ۴۶ و انجیل لوقا ۲۰:۱ الی ۱۹ است.

مطالعه کلمات و عبارات

NASB: انجیل مرقس ۱:۱۱ الی ۱۰

۱ چون به بیت فاجی و بیت عنیا رسیدند که نزدیک اورشلیم در دامنه کوه زیتون بود، عیسی دو تن از شاگردان خود را فرستاد^۲ و به آنان فرمود: «به دهکده ای که پیش روی شماست، بروید. به محض ورود، کره الاغی را بسته خواهید یافت که تا کنون کسی بر آن سوار نشده است. آن را باز کنید و بیاورید. اگر کسی از شما پرسید: «چرا چنین می کنید؟» بگویید: «خداوند بدان نیاز دارد و بی درنگ آن را به اینجا باز خواهد فرستاد.»»^۳ آن دو رفتند و بیرون، در کوچه ای کره الاغی یافتند که مقابل دری بسته شده بود. پس آن را باز کردند.^۴ در همان هنگام، بعضی از کسانی که آنجا ایستاده بودند پرسیدند: «چرا کره الاغ را باز می کنید؟» «آن دو همان گونه که عیسی بدیشان فرموده بود، پاسخ دادند؛ پس گذاشتند بروند.^۵ آنگاه کره الاغ را نزد عیسی آورده، ردهای خود را بر آن افکندند، و عیسی سوار شد.^۶ بسیاری از مردم نیز ردهای خود را بر سر راه گسترده و عده ای نیز شاخه هایی را که در مزارع بریده بودند، در راه می گسترده. کسانی که پیشاپیش او می رفتند و آنان که از پس او می آمدند، فریادکنان می گفتند:

"هوشیاعانا!" اما بعدها از این واژه برای حمد و ستایش استفاده می کردند؛ همچنین در آیه ۱۰.

"مبارک است آن که به نام خداوند می آید!"

"مبارک است پادشاهی پدر ما داوود که فرا می رسد!"

"هوشیاعانا در عرش برین!"

۱:۱۱ "بیت فاجی" این اسم یعنی "خانه انجیر" یا "مکان انجیر کال". این مکانی مرتفع و مشرف بر اورشلیم بود که به آن کوه زیتون می گفتند. در نوشته های روحانیون این مکان یکی از حومه های اورشلیم بود. این مکان به جاده اصلی به سمت اریحا که زائرین از آن استفاده می کردند، نزدیک بود.

■ "بیت عنیا" این اسم یعنی "خانه خرما". انجیل یوحنا ۱۱:۱۸ می گوید این مکان در دو مایلی جنوب شرقی اورشلیم در جاده به سمت اریحا قرار دارد و خانه مریم، مارتا و ایلعازر بود. در طول روزهای سه جشن بزرگ سالانه (مراجعه شود به لاویان ۲۳) هر کسی در در اطراف اورشلیم خانه خود را با زائرین به اشتراک می گذاشت. عیسی زمانی که در اورشلیم بود، در اینجا سکنی داشت (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۱:۱۱، انجیل متی ۲۱:۱۷).

■ "نزدیک اورشلیم در دامنه کوه زیتون بود" این دو روستای کوچک در یک مسیر قرار داشتند (در فاصله حدود دو و نیم مایلی) که به "کوه زیتون" معروف است.

■ "دو تن از شاگردان خود را فرستاد" احتمالاً پطرس یکی از آنان بود و این رخداد را برای یوحنا مرقس تعریف می کرد.

۱:۲ "بی درنگ" به یادداشت مربوط به انجیل مرقس ۱:۱۰ مراجعه کنید.

■ "کره الاغ" این رخداد تحقق یک نبوت است (مراجعه شود به پیدایش ۴۹:۱۱، زکریا ۹:۹). الاغها حیوان سواری مرسوم پادشاهان یهود بودند (این همچنین

در کتیبه مریم و حماسه سامری گیلگمش ذکر شده است). این الاغ جوان نبوت شاهانه را تحقق می بخشد (فقط پادشاه بر الاغ خودش سوار می شد. این الاغ جوان تا کنون به کسی سواری نداده بود)، ولی و همچنین به این معنی بود که او در صلح می آید. در آمدن دوم، سرور سوار بر حیوان سفید به معنی شاه شاهان و داور جهان ظاهر می شود (مراجعه شود به مکاشفه ۱۹:۱۱ الی ۱۶). روحانیون این نبوت‌های میسح را قبول داشتند و می گفتند اگر اسرائیل ارزش داشته باشد، حتی برای یک روز، مسیح سوار بر ابرهای جلال می آمد، ولی اگر نداشت، باز هم روزی سوار بر الاغی خواهد آمد.

■ "تا کنون کسی بر آن سوار نشده است" الاغ پادشاه را هیچ کس سوار نمی شود غیر از پادشاه. مثالی از این نماد قدرتمند در زمانی که سلیمان بر الاغ داوود سواری می کرد، دیده می شود (مراجعه شود به اول پادشاهان ۱: ۳۳).

۱۱:۳ "اگر" این یک عبارت شرطی نوع سوم است که از احتمال وقوع رخداد سخن می گوید.

■ "خداوند بدان نیاز دارد" (در متن انگلیسی *Lord* نوشته شده به معنی ارباب، سرور ولی در نسخ فارسی، خداوند ترجمه شده است- مترجم) اغلب به سختی می توان در داستانهای اناجیل مشخص کرد که آیا عیسی از بینش نبوتی خود استفاده می کند و یا شخصا برخی رخدادهای را از پیش برنامه ریزی کرده است (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۲: ۱۶).

این یک استفاده نادر از اصطلاح *Kurios* به عنوان لقبی برای عیسی در انجیل مرقس است (مراجعه شود به انجیل مرقس ۷: ۲۸، ۱۱: ۳). از آنجا که این کلمه می تواند به معنی "ارباب" یا "مالک" باشد، می تواند اشاره به مالک کره الاغ هم باشد. با اینحال متن دلالت بر این دارد که به عیسی اشاره می شود. اهمیت الهیاتی این است که این یک شیوه عهد عتیقی برای اشاره به یهوه (مراجعه شود به انجیل مرقس ۹: ۱۱) با اسم *Adon* است که به معنی "مالک"، "ارباب"، "سرور" و یا "شوهر" در زبان عبری است.

■ "و بی درنگ آن را به اینجا باز خواهد فرستاد" مشخص نیست که آیا این یک توضیح از جانب شاگردان است و یا بخشی از پیام عیسی است. به واسطه این ابهام، چندین دستنویس قدیمی یونانی در این خصوص وجود دارد.

۱۱:۵ "بعضی از کسانی که آنجا ایستاده بودند" در همسوی انجیل لوقا ۳۳: ۱۹ "مالکین" ذکر شده است.

۱۱:۷ "رداهای خود را بر آن افکندند" عملکرد ردا به عنوان زیرانداز و یا زین بود. رنگ آنها برای جشنها و یا رژه ها بود.

۱۱:۸ "بسیاری از مردم نیز ردهای خود را بر سر راه گسترده" بسیاری به چه کسی/ کسانی اشاره دارد؟ اگر به شاگردان باشد، در این صورت حرکتی برای پادشاهی عیسی است (مراجعه شود به دوم پادشاهان ۱۳: ۹). اگر اشاره به مردم شهر اورشلیم دارد، فرد حیرت می کند که اینان هر ساله این کار را می کردند به خاطر آسیبی که راه رفتن الاغ بر روی زمین سخت بر ردها وارد می کرد. احتمالاً آنها در مورد عیسی شنیده بودند و منحصر به فرد بودن او را پذیرفته بودند.

■ "عده ای نیز شاخه هایی را که در مزارع بریده بودند، در راه می گسترده" انجیل یوحنا ۱۲: ۱۳ می گوید که اینها شاخه های نخل بودند که در کوه زیتون رشد می کردند (مراجعه شود به جوزفوس). ظاهراً اینها نشان فتح و پیروزی بودند (مراجعه شود به مکاشفه ۷: ۹). این آداب مذهبی هر ساله توسط اهالی اورشلیم در جشن خیمه ها و پسخ برای زائرینی که به شهر نزدیک می شدند، اجرا می شدند. امسال اهمیت آمدن پادشاه تحقق یافت.

هر چند این حرکت نمادین به صورت منظم در طول جشن خیمه ها برگزار می شد (مراجعه شود به لویان ۲۳: ۱۳ الی ۲۰)، ولی آن شاخه ها به مراتب بزرگتر از اینها بودند. شاخه هایی که در اینجا استفاده شدند کوچکتر بودند و قابل مقایسه با سنتهای عصر مدرن امروزی هستند که برگهای رز زیر پای عروس هنگامیکه به سمت جایگاه میرود، می ریزند. این سه عمل، (۱) عبا بر روی حیوان، (۲) عباها بر روی جاده، و (۳) شاخه هایی که بر روی زمین می انداختند، نشان می دهند که همگی به عیسی به عنوان مسیح، پادشاهی (مراجعه شود به مزامیر ۲)، که از نسل داوود (مراجعه شود به دوم سموئیل ۷) می آید، احترام می گذارند.

۱۱:۹ "فریادکنان می گفتند" ظاهراً مناجات انجیل مرقس ۱۱: ۹ الی ۱۰ بخشی از جشن های سالانه بود. آنها مفاهیم ملی گرایی زیادی داشتند (این می تواند یک اصطلاح آرامی برای "قدرت پادشاهی" باشد). با این حال، از آنجا که آنها هر ساله تکرار می شدند، رومیان از آن احساس تهدید نمی کردند. امسال آنها انحصاراً تحقق عیسی ناصری را یافتند. آنچه تا کنون مناجات بود، اینک مکاشفه بود!

■ "هوشیاعانا" این اصطلاح عبری به معنی "به او خوش آمد گوئید" است. این بخشی از حالل مزامیر ۱۱۸: ۲۵ است، که هر ساله در حین اینکه زائرین به اورشلیم می آمدند نقل می شد. این به معنی "اینک نجات بده" است (مراجعه شود به دوم سموئیل ۱۴: ۴، دوم پادشاهان ۶: ۱۶)، و تبدیل به خیر مقدم استاندارد شد.

■ "مبارک است آن که به نام خداوند می آید" (در نسخه انگلیسی کلمه *Load* به معنی ارباب/ سرور آمده ولی در ترجمه فارسی خداوند نوشته شده - مترجم) این نقل قولی است از مزامیر ۱۱۸: ۲۶. این یکی از حالل های مزامیر است (۱۱۳ الی ۱۱۸) که در جشن پسخ نقل می شد. مزامیر ۱۱۸ دلالت های مسیحانه قدرتمندی دارد (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۱: ۲۲). همسوی آن در انجیل لوقا ۱۹: ۳۸ "مبارک است پادشاهی که به نام سرورمان می آید". این

مراسم سالانه تبدیل به تحقق نبوت شد!

۱۰:۱۱ " مبارک است پادشاهی پدر ما داوود که فرا می‌رسد " این عبارت مفهوم ملی گرایانه دارد (مراجعه شود به دوم سموئیل ۷، یوشع ۳: ۵). جای تعمق است که آیا این هر ساله تکرار می‌شد و یا اینکه اختصاصا برای اشاره به عیسی اضافه شده است. این می‌تواند اشاره به زکریا ۹: ۹ باشد. انجیل متی ۲۱: ۵ مستقیما به این نبوت اشاره می‌کند. همسوی آن در انجیل لوقا ۱۹: ۳۹ خشم شدید فریسیان را وقتی که این عبارات مستقیما به عیسی نسبت داده می‌شد، نشان می‌دهد.

■ "هوشیاعانا در عرش برین است" این اصطلاح می‌تواند به معنی (۱) خدای در بهشت را شکر و یا (۲) باشد که خدایی که در بهشت است او (یعنی عیسی) را نجات دهد، باشد.

NASB: انجیل مرقس ۱۱:۱۱

۱۱:۱۱ پس عیسی به اورشلیم درآمد و به معبد رفت. در آنجا همه چیز را ملاحظه کرد، اما چون دیر وقت بود همراه با آن دوازده تن به بیت‌عنیا رفت.

۱۱:۱۱ "معبد" این کلمه (*hieron*) به معنی کل معبد و محوطه اطراف آن است، نه فقط محراب مرکزی (محراب مقدس).

■ " چون دیر وقت بود " آنها ۱۸ مایل از اریحا پیاده آمده بودند. محوطه معبد تقریبا خالی بود. عیسی می‌خواست تمامی آداب تطهیر و احیا معبد به شکلی که هدف خداوند بود را ببیند.

NASB: انجیل مرقس ۱۱:۱۲ الی ۱۴

۱۲ روز بعد، به هنگام خروج از بیت‌عنیا، عیسی گرسنه شد. ^{۱۳} از دور درخت انجیری دید که برگ داشت؛ پس پیش رفت تا ببیند میوه دارد یا نه. چون نزدیک شد، جز برگ چیزی بر آن نیافت، زیرا هنوز فصل انجیر نبود. ^{۱۴} پس خطاب به درخت گفت: «مباد که دیگر هرگز کسی از تو میوه خورَد!» شاگردانش این را شنیدند.

۱۲:۱۱ عیسی نیازهای معمولی داشت (یعنی خوراک) تا توسط آنها درس قدرتمندی در مورد داوری و رد شدن بدهد.

۱۳:۱۱ "درخت انجیر" اسم شهر بیت فاجی به معنی "خانه انجیر" را به خاطر دارید؟ بدیهی است بسیاری درختان این نوع میوه در این ناحیه وجود داشتند.

■ "برگ داشت" بحثهای زیادی میان مفسرین وجود دارد که چرا عیسی سراغ آن رفت.

۱. در یک مکان محافظت شده بود و زودتر از موقع برگ داشت، بنابراین شاید انجیرهای کوچکی داشت

۲. برگها نشانگر وعده بودند، ولی تحقق نمی‌یافتند، همانطور که اسرائیل کرد

۳. عیسی به انجیرها نگاه نمی‌کرد، بلکه به ساقه آنها که آنها هم خورده می‌شدند (مراجعه شود به F. E. Bruce, Answers to Questions صفحه

۵۶ یا Hard Sayings of the Bible صفحات ۴۴۱ و ۴۴۲).

من فکر می‌کنم که این یک حرکت نمادین از داوری بود (مراجعه شود به انجیل لوقا ۱۳: ۶ الی ۹)، همانند تطهیر معبد یهودیان دوران عیسی، که مقرر آنها در اورشلیم بود. این تخریب در سال ۷۰ میلادی توسط ژنرال رومی تیتوس (که بعدا امپراتور شد) و داوری اسکاتولوژیک به واسطه ایمان نیاوردن به عیسی را پیش بینی می‌کرد (مراجعه شود به آیه ۱۴).

■ "هنوز فصل انجیر نبود" فصل پسخ بود و معمولا هنوز تمام برگها ظاهر نمی‌شدند. این عبارت به صورت نمادین ماهیت رخداد را توصیف می‌کرد. توجه کنید که عیسی با صدای بلند صحبت می‌کرد تا تمامی شاگردان بشنوند. اسرائیل معمولا با درخت انجیر نمادین نمی‌شد (معمولا شاخه انگور بود، مراجعه شود به ارمیا ۲۹: ۱۷، یوشع ۹: ۱۰، یوئیل ۱: ۷، میکا ۷: ۱ الی ۶). این حقیقت که درخت برگهای بیشمار داشت نشان می‌دهد که باید میوه داده باشد. اما اسرائیل نه. این ماجرای درخت انجیر با تطهیر معبد برای اهمیت بخشیدن به اینکه اشاره به داوری خدا بر رهبران یهودی قرن اول و سیستم آنها به دو قسمت تقسیم می‌شود. قطعی نیست که آیا تمامی اسرائیل یا فقط رهبران غیر قانونی مطرود می‌شوند (یعنی سادوحس ها که از رومیان مقام اجتماعی شان را می‌خریدند). بر این داوری بر اسرائیل در انجیل لوقا ۱۳: ۶ الی ۹ و انجیل مرقس ۱۲: ۱ الی ۱۲ تاکید شده است.

۱۴:۱۱ این یک داوری قوی و دائمی است.

موضوع خاص: برای همیشه (اصطلاح یونانی)

(SPECIAL TOPIC: FOREVER (GREEK IDIOM))

یک اصطلاح یونانی برای هست که به معنی "در طی سالها" (مراجعه شود به انجیل لوقا ۳:۳، رومیان ۲۵:۱، ۳۶:۱۱، ۲۷:۱۶، غلاطیان ۵:۱، اول تیموتائوس ۱۷:۱) است و می‌تواند منعکس کننده اصطلاح عبری 'olam باشد. به Robert B. Girdlestone صفحات ۳۱۹ الی ۳۲۱ و موضوع خاص: برای همیشه 'olam مراجعه کنید.

سایر عبارتهای مرتبط "در طی سالها" (مراجعه شود به انجیل متی ۱۹:۲۱، انجیل مرقس ۱۴:۱۱، انجیل لوقا ۵۵:۱، انجیل یوحنا ۵۸:۶، ۳۵:۸، ۱۲:۳۴، ۱۳:۸، ۱۴:۱۶، دوم قرنتیان ۹:۹) و "در عصر اعصار" (مراجعه شود به افسسیان ۳:۲۱) هستند. به نظر می‌رسد که هیچ تمایزی میان این اصطلاحات یونانی برای "همیشه" وجود نداشته باشد. اصطلاح "اعصار" می‌تواند به مفهوم نمادین جمع در ادبیات روحانیون باشد که به آن "جمع سلطنتی/محترمانه" گفته می‌شود و یا می‌تواند به مفهوم چندین عصر در مفهوم عبری "عصر ضعف" یا "عصری که می‌آید" یا "عصر پارسایی" باشد (به موضوع خاص: این عصر و عصری که می‌آید مراجعه شود).

NASB: انجیل مرقس ۱۵:۱۱ الی ۱۸

^{۱۵} چون به اورشلیم رسیدند، عیسی به معبد درآمد و به بیرون راندن کسانی آغاز کرد که در آنجا داد و ستد می‌کردند. او تختهای صرافان و بساط کبوترفروشان را واژگون کرد^{۱۶} و اجازه نداد کسی برای حمل کالا از میان صحن معبد عبور کند.^{۱۷} سپس به آنها تعلیم داد و گفت: «مگر نوشته نشده است که، "خانه من خانه دعا برای همه قومها خوانده خواهد شد؟ اما شما آن را 'لانه راهزنان' ساخته‌اید.

^{۱۸} سران کاهنان و علمای دین چون این را شنیدند، در پی راهی برای کشتن او برآمدند، زیرا از او می‌ترسیدند، چرا که همه جمعیت از تعالیم او در شگفت بودند.

۱۵:۱۱ "به معبد درآمد" این اختصاصا به محوطه پیروان سایر ادیان اشاره دارد، جایی که تجار غرفه داشتند (آن غرفه‌ها به خانواده کاهنان اعظم تعلق داشتند). انجیل یوحنا تطهیر قبلی را ثبت کرده است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۳:۲ به بعد) / عیسی همیشه آن مرد خوشرویی که تصور می‌کنیم نبود! این عمل اقتدار سادوجسها به عنوان زائر به چالش می‌کشید و همچنین و گفته‌های ورود فاتحانه فریسیان را به چالش می‌کشید. این کارها عیسی را به مرگ محکوم کردند (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۸:۱۱).

■ "به بیرون راندن کسانی آغاز کرد که در آنجا داد و ستد می‌کردند" این می‌تواند اشاره‌ای به زکریا ۲۱:۱۴ باشد "در آن روز در خانه میزبانان، در آنجا دیگر هیچ کنعانی (یعنی تاجر) وجود نداشت".

■ "کسانی که در آنجا داد و ستد می‌کردند" این تجار نمایندگان خانواده کاهن اعظم بودند، که کاهنی و حق امتیاز آن را از روم خریده بودند (حداقل از سال ۳۰ میلادی. من فکر می‌کنم عیسی در سال ۳۴ میلادی مصلوب شد).

■ "صرافان" مالیات معبد نیم شکل بود (مراجعه شود به کتاب خروج ۱۳:۳۰). در روزگار عیسی تنها شکل تیریان شکل بود. زائرین ۱/۲۴ شکل کارمزد برای تبدیل پولشان دریافت می‌شد.

■ "کبوترفروشان" کبوتر حیوان قربانی فقرا، جذامیان و زنان بود. قیمت معمول در این غرفه‌ها سه برابر بود. حتی وقتی که زائرین حیوان قربانی خود را با خود از خانه می‌آوردند، کاهن همیشه ایرادی می‌گرفت و می‌خواست که حیوان دیگری بخرند.

۱۶:۱۱ "اجازه نداد کسی برای حمل کالا از میان صحن معبد عبور کند" این عبارت منحصر به انجیل مرقس است. صحن مربوط به پیروان سایر ادیان میانبر بین شهر و کوه زیتون بود. اهمیت مذهبی خود را به مکانی برای مردم برای نزدیک شده به یهوه را از دست داده بود.

۱۷:۱۱ "خانه من خانه دعا برای همه قومها خوانده خواهد شد" این نقل قولی از اشعیا ۵۶:۷ است. محبت کلی خدا را نشان می‌دهد. انجیل متی که خطاب به یهودیان نوشته شده، این آخرین جمله را حذف کرده است.

■ "آن را 'لانه راهزنان'" این نقل قولی است از مؤنثه مشهور معبد ارمیا که در رابطه با مراسم و آداب مذهبی و خرافات است (مراجعه شود به ارمیا ۷:۱۱). بنام مذهب سود سرشاری به بهای آرامش و عبادت برای پیروان سایر ادیان حاصل می‌شد. این اصطلاح راهزنان می‌تواند به مفهوم "شورشیان" باشد.

۱۸:۱۱ "سران کاهنان و علمای دین" خانواده‌های ثروتمند کنترل دفتر کاهن اعظم را بدست داشتند. دیگر این یک مقام خانوادگی در رابطه با آرون نبود، بلکه منصبی بود که توسط رومیان به بالاترین قیمت پیشنهادی فروخته می‌شد.

■ "علمای دین" این طبقه بندی رهبران از عزرا شروع شد. در روزگار عیسی بیشتر آنان فریسی بودند. آنان جنبه‌های عملی قانون را برای عوام تفسیر می‌کردند، به خصوص از سنتهای شفاهی (یعنی تلمود). این گروه از نظر عملکرد مشابه روحانیون مدرن بودند. موضوع خاض در بخش مربوط به انجیل مرقس ۶:۲ را مطالعه کنید.

■ "در پی راهی برای کشتن او برآمدند" (در متن انگلیسی در جستجوی راهی برای تخریب او نوشته شده - مترجم) این زمان غیر کامل است. می تواند به معنی "شروع کردند" باشد (مراجعه شود به TEV, NASB)، ولی می تواند به معنی این باشد که از این نقطه در جستجوی راهی بودند که عیسی را بکشند (مراجعه شود به NRSV).

تمامی افعال در انجیل مرقس ۱۱:۱۸ غیر کامل هستند، اشاره به اعمالی دارند که شروع شده اند و تا آخرین روز زندگی عیسی ادامه دارند. یک الگوی تکراری ظاهر می شود. ورود فاتحانه و تطهیر معبد سرنوشت عیسی را رقم زد، و او این را می دانست.

NASB: انجیل مرقس ۱۱:۱۹

چون غروب شد، عیسی و شاگردان از شهر بیرون رفتند.

۱۱:۱۹ (در نسخه انگلیسی این آیه به عنوان یک پاراگراف مستقل است - مترجم) این آیه احتمالا باید در ادامه پاراگراف انجیل مرقس ۱۱:۱۵ الی ۱۸ باشد. این یک شهادت عینی دیگر از جانب پطرس است. این عبارت کوتاه در نسخ دستنویس مختلف یونانی به شیوه های متفاوت ثبت شده است (در برخی مفرد و در برخی جمع است).

NASB: انجیل مرقس ۱۱:۲۰ الی ۲۶

۲۰ بامدادان، در راه، درخت انجیر را دیدند که از ریشه خشک شده بود. ۲۱ پطرس ماجرا را به یاد آورد و به عیسی گفت: "استاد، بنگر! درخت انجیری که نفرین کردی، خشک شده است." ۲۲ عیسی پاسخ داد: «به خدا ایمان داشته باشید. ۲۳ آمین، به شما می گویم، اگر کسی به این کوه بگوید، "از جا کنده شده، به دریا افکنده شو،" و در دل خود شک نکند بلکه ایمان داشته باشد که آنچه می گوید روی خواهد داد، برای او انجام خواهد شد. ۲۴ پس به شما می گویم، هر آنچه در دعا درخواست کنید، ایمان داشته باشید که آن را یافته اید، و از آن شما خواهد بود. ۲۵ پس هر گاه به دعا می ایستید، اگر نسبت به کسی چیزی به دل دارید، او را ببخشید تا پدر شما نیز که در آسمان است، خطاهای شما را ببخشد (۲۶) اما اگر شما ببخشید، پدر شما نیز که در آسمان است، خطاهای شما را نخواهد بخشید».

۱۱:۲۰ "در راه" آنها همان مسیر بتانی به اورشلیم را طی می کردند.

■ "از ریشه خشک شده بود" این یک نشانه از طرد کامل اسرائیل بود (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱:۱۲ الی ۱۲)، یا حداقل رهبران فعلی آن.

۱۱:۲۱ "پطرس ماجرا را به یاد آورد" به وضوح پطرس به یاد دارد.

۱۱:۲۲ "عیسی پاسخ داد" دوباره پطرس در مورد آنچه همه شاگردان بدان فکر می کردند، به عنوان سخنگو عمل کرد.

■ "به خدا ایمان داشته باشید" این زمان حال فعال امری است. در انجیل این یک مورد مرسوم است. ایمان/اعتماد/باور (یعنی اسم، *distis*، فعل *pisteuo*: موضوع خاص: در بخش مربوط به انجیل مرقس ۱:۱۵ را مطالعه کنید) به یهوه (و مسیح او) تنها امید انسان گمراه است. این سیستم فعلی جهان و ساختارهای قدرت آن نباید توجه ما را به خودش جلب کند. خدا با ما و برای ما است. به او توجه کنید، فقط به او!

این حرکت نمادین داور و طرد بر کل سیستم تفکر سنتی آنان تاثیر گذارد. فقط می توانیم تصور کنیم که تعالیم جدید و ریشه ای عیسی و ابعاد آنها بر این مردان سنتی یهودی قرن اول چگونه بود! عیسی با قدرت و به طور بدیهی معبد (به شیوه ای که عمل می کرد) و رهبری آن را، یعنی سادوجسها و فریسیان وارد کرد (هم لیبرال، حلال و محافظه کار، شمای).

یک نسخه متفاوت دستنویس یونانی در MSS و D وجود دارد که ضمیر شرطی *ei* (یعنی اگر) به آن اضافه شده است. این، عبارت را به جمله شرطی نوع اول تبدیل می کند. با این وجود، حضور آن می تواند یک اصطلاح عبری باشد که دلالت بر نقل قول مستقیم دارد. این در MSS A, B, C, L یا W و نه در هیچ یک از ترجمه های انگلیسی معاصر وجود ندارد. احتمال دارد که توسط کاتبین و علمایی اضافه شده که می خواستند آن را دقیقاً همانند انجیل لوقا ۱۷: ۶ یا حتی انجیل متی ۲۱: ۲۱ بکنند (بجای *ei* در انجیل لوقا *ean* دارد).

۱۱: ۲۳ "حقیقتا/واقعا" این به مفهوم "آمین" است. به موضوع خاص در بخش مربوط به انجیل مرقس ۳: ۲۸ مراجعه کنید.

■ "به این کوه" این (۱) احتمالا اشاره به کوه زیتون دارد (مراجعه شود به زکریا ۱۴: ۴) و یا (۲) حالتی از بیان همانند زکریا ۴: ۷ است. این عبارت یک استعاره متداول روحانیون برای حذف کردن سختی ها است.

در عهد عتیق این نوع از زبان تسطیح معمولا برای توصیف آمدن یهوه استفاده می شده است (مراجعه شود به میکاه ۳: ۱ الی ۴، حبوق ۳: ۶). او برای همه زمین است زیرا کوه ها برایش هموار می شوند (مراجعه شود به زکریا ۴: ۱۴) و دره ها پر می شوند و رودها و دریاها خشک می شوند برای اینکه همه بتوانند در اورشلیم به او نزدیک شوند. این ماهیت زبان استعاره ای در عهد جدید توسط مردم مردمانی که محتاج آمدن عیسی بودند، نه اورشلیم، عوض شد. در عهد جدید، اورشلیم در فلسطین تبدیل به "اورشلیم جدید" می شود، شهر مقدسی که از بهشت به پائین می آید. عهد جدید نبوت های عهد عتیق در رابطه با موقعیت جغرافیایی اورشلیم و فلسطین را جهانی می کند.

■ "به دریا" این احتمالا اشاره به بحرالْمیّت دارد، که از کوه زیتون دیده می‌شود.

■ "شک نکند" ایمان عامل کلیدی در دعا است (مراجعه شود به یعقوب ۶: ۱ الی ۸).

■ "دل" موضوع خاص در بخش مربوط به انجیل مرقس ۶: ۲ را مطالعه کنید.

۱۱: ۲۳ الی ۲۴ "برای او انجام خواهد شد" این عبارت باید با سایر عبارات انجیلی در مورد دعا متوازن گردد. این مثال خوبی است که چرا نباید نباید فقط یک جمله را ملاک قرار دهیم و بگوئیم انجیل می‌گوید که آن را انجام می‌دهد. انجیل به مراتب بیشتر در مورد دعا می‌گوید. بدترین کاری که خدا می‌توانست برای بیشتر مسیحیان انجام دهد پاسخ دادن به دعاهای آنان بود! معمولا ما برای همه چیزهای اشتباه دعا می‌کنیم. لطفا موضوع خاص زیر در مورد "دعای موثر" را مطالعه کنید و به آن بیاندیشید.

موضوع خاص: دعای موثر

(SPECIAL TOPIC: EFFECTIVE PRAYER)

۱. مرتبط با رابطه فردی با تثلیث خدا

a. در رابطه با اراده پدر

i. انجیل متی ۶: ۱۰

ii. اول یوحنا ۳: ۲۲

iii. اول یوحنا ۵: ۱۴ الی ۱۵

b. پایداری در عیسی

i. انجیل یوحنا ۷: ۱۵

c. دعا بنام عیسی

i. انجیل یوحنا ۱۳: ۱۴ و ۱۴

ii. انجیل یوحنا ۱۶: ۱۵

iii. انجیل یوحنا ۲۳: ۱۶ الی ۲۴

d. دعا در روح

i. افسسیان ۶: ۱۸

ii. یهودا ۱: ۲۰

۲. در رابطه با انگیزه‌های فردی

a. تردید نداشتن

i. انجیل متی ۲۱: ۲۲

ii. یعقوب ۶: ۱ و ۷

b. تقاضای بیمورد داشتن

i. یعقوب ۳: ۳

c. از روی خودخواهی درخواست کردن

i. یعقوب ۲: ۴ و ۳

۳. در رابطه با گزینه‌های فردی

a. استقامت

i. انجیل لوقا ۱۸: ۱ الی ۸

ii. کولسیان ۴: ۲

iii. یعقوب ۵: ۱۶

b. اختلاف نظر

i. اول پطرس ۳: ۷

c. گناه

i. مزامیر ۱۸: ۶۶

ii. اشعیا ۱:۵۹ الی ۲

iii. اشعیا ۷:۶۴

به دعاها پاسخ داده می‌شود، ولی همه دعاها مستجاب نمی‌شوند. دعا یک رابطه دو طرفه است. بدترین کاری که خدا می‌تواند انجام دهد برآورده کردن درخواستهای نامناسب است.

۱۱:۲۴ "که آن را یافته‌اید" یک نسخه دستنویس متفاوت در رابطه با زمان فعل *lambanō* وجود دارد. زمان اُتوریست که منعکس کننده اصطلاح عبری تحقق یافتن چیزی است که انتظارش می‌رفت، در *MS A*، *B*، *C*، *L* و *W* یافت می‌شود. ظاهراً این توسط کاتبین تغییر یافت (۱) به زمان آینده تا با انجیل متی ۲۱:۲۲ منطبق شود (مراجعه شود به *MS D* و والگیت) و یا (۲) به زمان حال (مراجعه شود به *MS A* و ترجمه زبان ارمنی).

۱۱:۲۵ "پس هر گاه به دعا می‌ایستید" حالت معمول برای دعا کردن ایستادن با چشمان باز و سر و دستان به سمت بالا است. به گونه‌ای دعا می‌کنند که گویی با خدا حرف می‌زنند.

■ "اگر نسبت به کسی چیزی به دل دارید، او را ببخشید" اینکه دیگران را ببخشیم یک شاهدهی است، نه مبنا، برای بخشیده شدن خودمان (مراجعه شود به انجیل متی ۵:۷، ۱۴:۶ الی ۱۵، ۷:۱ الی ۲، ۱۸:۲۱ الی ۳۵، انجیل لوقا ۶:۳۶ الی ۳۷، افسسیان ۴:۳۲، کولسیان ۳:۱۳، یعقوب ۱۳:۲، ۵:۹). کسی که نمی‌بخشد، هرگز خدا را نخواهد دید.

■ "اگر" این عبارت یک جمله شرطی نوع اول است. مومنین اغلب کینه را در خود نگه می‌دارند. با شناختن خدا از طریق عیسی باید این رفتار تغییر یابد. ما که بارها بخشیده شدیم، چگونه می‌توانیم با دیگران که از تصویر خدا ساخته شده‌اند، با تحقیر و زاری، رفتار کنیم؟

■ "پدر شما نیز که در آسمان است" عیسی به زبان آرامی سخن می‌گفت، که بدین معنی است که در بسیاری جاها که "پدر" همانند *Pater* در زبان یونانی گفته می‌شود، می‌توانند منعکس کننده همان کلمه آرامی آبا (*Abba*) (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۴:۳۶) باشد. این اصطلاح خانوادگی بابا یا پدر منعکس کننده صمیمیت عیسی با پدر است. اصطلاح پدر فقط در عهد عتیق برای یهوه استفاده شده است، ولی عیسی آن را اغلب و به صورت فراگیر استفاده می‌کرد. این یک مکاشفه اصلی از رابطه جدید ما با خدا از طریق مسیح است.

۱۱:۲۶ این آیه در نسخ یونیکال دستنویس یونانی *A*، *B*، *L* و *W* وجود ندارد. در چندین نسخه دیگر با تفاوت‌هایی در *MS A*، *D*، *K*، *X* و ترجمه پشتپا و دیاتسارون (چهار انجیل که در یک کتاب ادغام شده‌اند) دیده می‌شود. به نظر می‌رسد که کاتبین باستانی این عبارت را از انجیل متی ۱۵:۶ اضافه کرده باشند.

NASB: انجیل مرقس ۲۷:۱۱ الی ۳۳

۲۷ آنها بار دیگر به اورشلیم آمدند. هنگامی که عیسی در معبد گام می‌زد، سران کاهنان و علمای دین و مشایخ نزدش آمده،^{۲۸} پرسیدند: "به چه اجازه‌ای این کارها را می‌کنی؟ چه کسی اقتدار انجام این کارها را به تو داده است؟"^{۲۹} عیسی در پاسخ گفت: «من نیز از شما پرسشی دارم. به من پاسخ دهید تا من نیز به شما بگویم با چه اقتداری این کارها را می‌کنم. ^{۳۰} تعمید یحیی از آسمان بود یا از انسان؟ پاسخ دهید." ^{۳۱} آنها بین خود بحث کرده، گفتند: «اگر بگوییم، "از آسمان بود"، خواهد گفت، "پس چرا به او ایمان نیاوردید؟" ^{۳۲} اگر بگوییم، "از انسان بود" ...» - از مردم بیم داشتند، زیرا همه یحیی را پیامبری راستین می‌دانستند. ^{۳۳} پس به عیسی پاسخ دادند: «نمی‌دانیم.» عیسی گفت: «من نیز به شما نمی‌گویم با چه اقتداری این کارها را می‌کنم.»

۱۱:۲۷ "آنها بار دیگر به اورشلیم آمدند" به نظر می‌رسد که این دلالت بر آن دارد که اورشلیم را ترک کردند و شب به بتانی بازگشتند، احتمالاً با ایلعازر و مریم و مارتا.

■ "در معبد گام می‌زد" می‌توانید تصور کنید که تجار چگونه به او نگاه می‌کردند! عیسی خود را پنهان نمی‌کرد و یا از مقابله دوری نمی‌کرد. این زمان تاثیر گذاردن او بر اورشلیم بود.

■ "سران کاهنان و علمای دین و مشایخ" این توصیف کامل برای سانه‌درین است. این بدنه رسمی حکومت هفتاد نفر در اورشلیم بود، که از کنیسه بزرگ عزرا بسط یافته بود. این گروه متشکل از کاهن اعظم و خانواده‌اش، مشایخ محلی، و ثروتمندان و بزرگان بانفوذ در نواحی اورشلیم بود. موضوع خاص در بخش مربوط به انجیل مرقس ۱:۱۳ را مطالعه کنید.

۱۱:۲۸ "به چه اجازه‌ای این کارها را می‌کنی" این یک سوال حساس در باره عیسی بوده و هست. او از کجا قدرت خود را آورده و اقتدار گفتن و عمل کردن دارد؟ عیسی با انتظارات آنان از مسیح یهوه سازگاری نداشت.

۱۱:۲۹ عیسی اغلب از این تکنیک سوال دوم برای مقابله با کسانی که میخواستند به او کمک بزنند و گمراهش کنند و بدام اندازند، استفاده می‌کرد (مراجعه شود به انجیل مرقس ۲:۶ الی ۹ و ۱۹ و ۲۵ الی ۲۶، ۳:۲۳ الی ۲۴، ۳:۲۴ الی ۳۹، ۱۲:۱۴ الی ۱۶). با آنان رو راست می‌بود اگر با او رو راست می‌بودند

(مراجعه شود به انجیل مرقس ۳۳:۱۱).

۱۱: ۳۰ "تعمید یحیی از آسمان بود یا از انسان" عیسی به سوال آنان با سوالی پاسخ داد که در ارتباط با تعمید یحیی تعمیددهنده بود که آنان او را رد کرده بودند. آنان واقعا حقیقت را نمی گفتند (مراجعه شود به انجیل مرقس ۳۱: ۱۱ الی ۳۳). آنان توجه شان بیشتر به شهرت و اعتبار و حفظ قدرشان بود (مراجعه شود به انجیل مرقس ۳۲: ۱۱).

۱۱: ۳۱ "اگر" این جمله شرطی نوع سوم است که به معنی احتمال وقوع رخداد است.

۱۱: ۳۳ عیسی با تمثیل انجیل مرقس ۱: ۱۲ الی ۱۲ به آنان پاسخ داد که یکی از شدیدترین نوع محکوم کردن اسرائیل و رهبران در سراسر عهد جدید است.

سوالاتی برای بحث

این یک راهنمای مطالعاتی است، که بدین معنی است که شما خودتان مسئول تفسیر انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر خودمان گام برداریم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. شما نباید این امر را به یک مفسر واگذار کنید.

این سوالات مباحثاتی به منظور کمک به شما در تفکر نسبت به مسائل اصلی این بخش از کتاب مطرح شده اند. آنها صرفا تفکر برانگیز هستند نه

قطعی.

۱. این فصل چه چیزی را در مورد عیسی آشکار می کند؟
۲. چرا عیسی عنوان پسر داوود را پذیرفت؟
۳. چگونه ایمان با شفا یافتن ارتباط دارد؟
۴. چرا ورود فاتحانه اینقدر مهم است؟
۵. معنی فریادهای جمعیت چیست؟
۶. چرا عیسی درخت انجیر را نفرین کرد؟
۷. چرا عیسی تجار را بیرون راند؟ آیا این نخستین مرتبه بود؟
۸. چرا پلیس معبد جلوی او را نگرفت؟
۹. آیا میتوانیم هر چیزی را از خدا بخواهیم؟ چگونه ایمان با پاسخ گرفتن دعا در ارتباط است؟
۱۰. چرا انجیل مرقس ۲۸: ۱ سوال اینقدر مهمی است؟

مرقس ۱۲

پاراگراف‌های ترجمه‌های مدرن

UBS ⁴	NKJV	NRSV	TEV	NJB
تمثیل تاکستان و مستاجران ۱۱:۱۲ الی ۱۱	تمثیل باغبان شریر تاکستان ۱۲:۱۲ الی ۱۲	تمثیل تاکستان ۱۱:۱۲ الی ۱۱	تمثیل مستاجران تاکستان ۸:۱۲ الی ۱۱ ۱۱:۹ الی ۱۱	تمثیل مستاجر شریر ۱۱:۱۲ الی ۱۱
۱۲:۱۲ پرداخت مالیات به سزار	فریسیان: آیا پرداخت مالیات به سزار قانونی است؟	پرداخت مالیات به سزار	سوال در مورد پرداخت مالیات	در مورد پرداخت خراج به سزار
۱۳:۱۲ الی ۱۷	۱۳:۱۲ الی ۱۷	۱۳:۱۲ الی ۱۷	۱۳:۱۲ الی ۱۴ ۱۵:۱۲ ۱۶:۱۲ الف ۱۶:۱۲ ب ۱۷:۱۲ الف ۱۷:۱۲ ب	۱۳:۱۲ الی ۱۷
سوال در مورد قیام از مردگان ۱۸:۱۲ الی ۲۷	صدوقیان: در مورد قیام از مردگان چه؟ ۱۸:۱۲ الی ۲۷	سوال در مورد قیام از مردگان ۱۸:۱۲ الی ۲۳ ۲۴:۱۲ الی ۲۷	سوال در مورد برخاستن از مرگ ۱۸:۱۲ الی ۲۳ ۲۴:۱۲ الی ۲۷	برخاستن مرده ۱۸:۱۲ الی ۲۳ ۲۴:۱۲ الی ۲۷
بزرگترین فرمان ۲۸:۱۲ الی ۳۴	علما: نخستین فرمان چیست؟ ۲۸:۱۲ الی ۳۴	بزرگترین فرمان ۱۲:۲۸ الی ۳۴	بزرگترین فرمان ۲۸:۱۲ ۲۹:۳۱ الی ۳۱ ۳۲:۳۳ الی ۳۳ ۳۴:۱۲	بزرگترین فرمانی که تا کنون صادر شده ۲۸:۱۲ الی ۳۴
سوال در مورد پسر داوود	عیسی: چگونه داوود می‌تواند نواده خود را سرور خطاب کند؟	پسر داوود	سوال در مورد مسیح	عیسی نه فقط پسر داوود بلکه سرور داوود است
۳۵:۱۲ الی ۳۷ محکوم کردن علما	در مورد علما هشیار باشید ۳۵:۱۲ الی ۳۷	گفتن از روی غرور و تواضع ۳۵:۱۲ الی ۳۷	عیسی بر علیه معلمین قانون هشدار میدهد ۳۷:۱۲ ب الی ۴۰	علما توسط عیسی محکوم شدند ۳۵:۱۲ الی ۳۷
۳۸:۱۲ الی ۴۰ پیش کش زن بیوه ۴۱:۱۲ الی ۴۴	دو سکه ناچیز زن بیوه ۳۸:۱۲ الی ۴۰ ۴۱:۱۲ الی ۴۴	پیش کش زن بیوه ۳۸:۱۲ الی ۴۰ ۴۱:۱۲ الی ۴۴	پیش کش زن بیوه ۴۱:۱۲ الی ۴۴	سکه ناچیز زن بیوه ۳۸:۱۲ الی ۴۰ ۴۱:۱۲ الی ۴۴

مطالعه حلقه سوم (رجوع کنید به "راهنمای مطالعه مفید انجیل")

به دنبال نیت اصلی نویسنده در سطوح پاراگراف

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید.

کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص نمایید (مطالعه حلقه شماره ۳). تقسیمات موضوعی خود را با پنج ترجمه بالا مقایسه کنید. پاراگراف بندی به نویسنده الهام نشده است، اما کلید پیگیری اهداف اصلی نویسنده است که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول
۲. پاراگراف دوم
۳. پاراگراف سوم و غیره

همسوهای متنی

۱. نمایندگان سانهدرین سوال می پرسند (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۱: ۲۷ الی ۱۲: ۱۲) و پاسخ عیسی با تمثیل (انجیل مرقس ۱۲: ۱ الی ۱۲). این همسو با انجیل متی ۲۱: ۳۳ الی ۴۶ و انجیل لوقا ۲۰: ۱ الی ۱۹ است.
۲. فریسیان و هیرودیان در مورد پرداخت مالیات به سزار سوال می پرسند (انجیل مرقس ۱۲: ۱۳ الی ۱۷) که همسو با انجیل متی ۲۲: ۱۵ الی ۲۲ و انجیل لوقا ۲۰: ۲۰ الی ۲۶ است.
۳. صدوقیان در مورد قیام از مرگ سوال می پرسند (انجیل مرقس ۱۲: ۱۸ الی ۲۷) که همسو با انجیل متی ۲۲: ۲۳ الی ۳۳ و انجیل لوقا ۲۰: ۲۷ الی ۴۰ است.
۴. عالمی در مورد بزرگترین فرمان/حکم سوال می پرسد (انجیل مرقس ۱۲: ۲۸ الی ۳۴) که همسو با انجیل متی ۲۲: ۳۴ الی ۴۰ است.
۵. عیسی از رهبران یهود درباره رابطه مسیح با داوود سوال می پرسد (انجیل مرقس ۱۲: ۳۵ الی ۳۷) که همسو با انجیل متی ۲۲: ۴۱ الی ۴۶ و انجیل لوقا ۲۰: ۴۱ الی ۴۴ است.
۶. عیسی علما را محکوم می کند (انجیل مرقس ۱۲: ۳۸ الی ۴۰) و همسو است با انجیل متی ۲۳: ۱ الی ۳۹ و انجیل لوقا ۲۰: ۴۵ الی ۴۷.
۷. پیشکش قربانی زن بیوه (انجیل مرقس ۱۲: ۴۱ الی ۴۴) همسو است با انجیل لوقا ۲۱: ۱ الی ۴.

مطالعه کلمات و عبارات

NASB انجیل مرقس: ۱: ۱۲-۱۱

سپس عیسی به مثلها با ایشان سخن آغاز کرد و گفت: «مردی تاکستانی غرس کرد و گرد آن دیوار کشید و چرخشتی در آن کند و برجی بنا نهاد. سپس تاکستان را به چند باغبان اجاره داد و خود به سفر رفت. ^۲ در موسم برداشت محصول، غلامی نزد باغبانان فرستاد تا مقداری از میوه تاکستان را از آنها بگیرد. ^۳ اما آنها غلام را گرفته، زدند و دست خالی بازگرداندند. ^۴ سپس غلامی دیگر نزد آنها فرستاد، ولی باغبانان سرش را شکستند و به او بی حرمتی کردند. ^۵ باز غلامی دیگر فرستاد، اما او را کشتند. و به همین گونه با بسیاری دیگر رفتار کردند؛ بعضی را زدند و بعضی را کشتند. ^۶ او تنها یک تن دیگر داشت که بفرستد و آن، پسر محبوبش بود. پس او را آخر همه روانه کرد و با خود گفت: «پسر مرا حرمت خواهند نهاد.» ^۷ اما باغبانان به یکدیگر گفتند: «این وارث است؛ بیایید او را بکشیم تا میراث از آن ما شود.» ^۸ پس او را گرفته، کشتند و از تاکستان بیرون افکندند. ^۹ حال، صاحب تاکستان چه خواهد کرد؟ خواهد آمد و باغبانان را هلاک کرده، تاکستان را به دیگران خواهد سپرد. ^{۱۰} مگر در کتب مقدس نخوانده اید که: «سنگی که معماران رد کردند، مهمترین سنگ بنا شده است؛ ^{۱۱} خداوند چنین کرده و در نظر ما شگفت می نماید.»

۱: ۱۲ "به مثلها با ایشان سخن آغاز کرد" ایشان مستقیماً به نمایندگان سانهدرین اشاره دارد (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۱: ۲۷)، ولی به طور غیرمستقیم به جمعیت هم اشاره دارد.

کل این فصل مجموعه سوالاتی است که رهبران مذهبی می پرسند:

۱. از سانهدرین (انجیل مرقس ۱۱: ۲۷ الی ۱۲: ۱۲)
۲. از فریسیان و هیرودیان (انجیل مرقس ۱۲: ۱۳ الی ۱۷)
۳. از صدوقیان (انجیل مرقس ۱۲: ۱۸ الی ۲۷)
۴. از علما/کاتبین (انجیل مرقس ۱۲: ۲۸ الی ۳۴)
۵. از عیسی (انجیل مرقس ۱۱: ۲۹ الی ۳۳، ۱۲: ۹ و ۳۵ الی ۳۷)

■ "تاکستانی غرس کرد و گرد آن دیوار کشید و چرخشتی در آن کند و برجی بنا نهاد" این از نسخه یونانی اشعیا ۵: ۱ الی ۲ نقل قول شده است. تاکستان انگور یکی از نمادهای قوم اسرائیل است (همانند دخت انجیر در انجیل مرقس ۱۱: ۱۲ الی ۱۴ و ۲۰ الی ۲۵). اشعیا ۵ از یک شعر محلی برای تاکستان انگور استفاده می کند تا اسرائیل را خطاب قرار دهد. انجیل متی چندین تمثیل دیگر را شامل است که قوم اسرائیل را مورد خطاب قرار می دهد (مراجعه شود به انجیل متی ۲۲: ۱ الی ۱۴). به سختی می توان مشخص کرد که آیا خدا یکی این موارد را رد کرده است یا نه:

۱. رهبران غیرقانونی و غیر آرونی اسرائیل

۲. خود پارسا شناختن و قضاوت قانونی

۳. بی ایمانی قوم به عنوان یک کل. اسرائیل با تمامی مزایای پیمانانش (مراجعه شود به رومیان ۹: ۴ الی ۵)، مسئول حفظ شریعت موسی هم بود (مراجعه شود به تثنیه ۲۷ و ۲۸).

حیرت انگیز است که فرایند توصیف محبت رایگان و در دسترس خدا برای همه کسانی که به سوبش می آیند در مقایسه با سختی و خشونت این کشاورزان در این تمثیل چقدر تفاوت دارد.

۱۲: ۱۲ "در موسم برداشت" معمولا پنج سال طول می کشید تا یک تاکستان شروع به تولید محصول در سطح تجاری کند. انتظار می رفت که مالک هم در سرمایه گذاری خودش حضور داشته باشد.

۱۲: ۲ و ۴ و ۵ و ۶ "فرستاد" خدا تلاش کرد تا با فرستادن چندین نماینده ارتباط برقرار کند، حتی با فرستادن پسرش. این بیانگر تحمل درازمدت خدا و تمایل او برای برقراری یک رابطه است.

۱۲: ۲ و ۴ و ۵ "غلام" این غلامان معرف پیامبران عهد عتیق هستند. انجیل متی، به عنوان مشخصه، دو غلام دارد (مراجعه شود به انجیل متی ۲۱: ۳۴). این متن به وضوح نشان می دهد که چگونه متی ماجراهای چندین غلام را در یک جا و یکی پس از دیگری در یک رخداد ترکیب می کند.

۱۲: ۳ "زدند" این اشاره به زدن شدید دارد. به مفهوم زدن در حدی که پوست کنده شود است (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۳: ۹).

۱۲: ۴ "سرش را شکستند" این اشاره به زدن ممتد بر سر است. این سو استفاده و رنجی که نمایندگان خدا تحمل کردند و از جانب او با مردم شورشی و یاغی سخن گفتند (یعنی پیامبران عهد عتیق) دارد.

■ "به او بی حرمتی کردند" این حالت فعل از اسم تیموتائوس است که به معنی "احترام" یا "ارزش" است. این به مفهوم "رفتار کردن با بی ادبی" یا "بی احترامی کامل" است (مراجعه شود به یعقوب ۲: ۶).

۱۲: ۵ چرا خدا یکی پس از دیگری خدمتگزاری را فرستاد؟ خدا انسانها را برای هدفی خلق کرد - رفاقت با خودش. او می خواهد مردمی همانند خودش ایجاد کند، ولی آنها/ما نمی خواهیم. با این حال خدا بارها و بارها سعی کرد تا به ما برسد. او عاشق مخلوقاتش است.

۱۲: ۶ "او تنها یک تن دیگر داشت که بفرستد و آن، پسر محبوبش بود" بدیهی است که این به عیسی اشاره دارد. همین عبارت در زمان تعمید عیسی توسط پدر استفاده شد (مراجعه شود به انجیل متی ۱: ۱۱، ۳: ۱۷) و تغییر چهره او (۹: ۷، انجیل متی ۱۷: ۵). همین حقیقت در انجیل یوحنا ۳: ۱۶ و عبرانیان ۱: ۱ الی ۲ دیده می شود. ترکیبی از مزامیر شاهانه (یعنی ۲: ۷) و عبارت خدمتگزار رنج کشیده است (مراجعه شود به اشعیا ۴۲: ۱).

۱۲: ۷ "تا میراث از آن ما شود" این اشاره به قانون یهود در مورد املاک بدون مالک دارد که بر اساس ادعای مالکیت می توان آن را بدست آورد. این اشاره به تمایل بیشتر و بیشتر به هر قیمتی انسان گمراه دارد. انسان می خواهد خدای خودش باشد (مراجعه شود به پیدایش ۳).

۱۲: ۸ "از تاکستان بیرون افکندند" دفن نامناسب تحقیر کامل از جانب مستاجر بر علیه مالک و پسرش را نشان می دهد.

همسوهای انجیل این توالی را توصیف می کنند به این صورت که آنان پسر را از تاکستان بیرون می اندازند، سپس می کشند (مراجعه شود به انجیل متی ۲۱: ۳۹، انجیل لوقا ۱۹: ۱۵). این احتمالا همان توصیف مرگ عیسی بیرون دیوارهای شهر اورشلیم است.

۱۲: ۹ این آیه پاسخ خدا نسبت به کسانی را نشان می دهد که تنها فرزندش را به قتل رساندند. در انجیل مرقس عیسی از جمعیت سوالی می پرسد. این منعکس کننده اشعیا ۵: ۳ الی ۴ است، که پیامبر سوالی می پرسد. شنوندگان از زبان خودشان محکوم می شوند (یعنی انجیل متی ۲۱: ۴۱). خدا تمامی مخلوقات هشیارش را برای هدیه زندگی نگاه می دارد. هر چه بکاریم، همان را درو می کنیم (مراجعه شود به انجیل مرقس ۴: ۲۱ الی ۲۵، انجیل متی ۱۳: ۱۲، ۲۵: ۱۴ الی ۳۰، غلاطیان ۶: ۷).

■ "تاکستان را به دیگران خواهد سپرد" به نظر می رسد که "دیگران" اشاره به کلیسا داشته باشد، که از یهودیان و پیروان سایر ادیان تشکیل می شود (مراجعه شود به افسسیان ۲: ۱۱ الی ۳: ۱۳).

۱۲: ۱۰ "مگر در کتب مقدس خوانده اید" این مقدمه عیسی بر آیه ای است که هر سال در زمان خیرمقدم گویی به زائرینی که وارد اورشلیم می شدند استفاده می شد (مراجعه شود به مزامیر ۱۱۸: ۲۲ الی ۲۳). این یک سوال تکراری در عهد جدید است (مراجعه شود به انجیل متی ۲۱: ۴۲، انجیل لوقا ۲۰: ۱۷، اعمال رسولان ۴: ۱۱، رومیان ۹: ۳۲ الی ۳۳، اول پطرس ۲: ۷). این توضیح می دهد که چگونه اسرائیل مسیح خود را از دست می دهد (مراجعه شود به رومیان ۱۱: ۹). این عبارت سیلی به صورت همان کسانی است که ادعا می کردند کتاب مقدس را می دانند!

■ "سنگ" این نقل قولی از مزامیر ۱۱۸: ۲۲ الی ۲۳ در نسخه یونانی کتاب مقدس است. در نوشته های روحانیون، این سنگ اشاره به ابراهیم، داوود، یا مسیح دارد (مراجعه شود به دانیال ۲: ۳۴ الی ۳۵). همین مزامیر به عنوان بخشی از حالل مزامیر برای خوش آمد گویی زائرینی که برای عید پسخ به اورشلیم

می آمدند استفاده می شد.

- "معماران" در نوشته های روحانیون، این اصطلاح به کاتبین اشاره دارد. توضیحی که عیسی اضافه کرد، در انجیل متی ۲۱: ۴۳ الی ۴۴ ثبت شده است. توجه داشته باشید که معماران محکوم شده اند که مهمترین حقیقت را گم کرده اند: عیسی مسیح موعود است.
- "مهمترین سنگ بنا" استعاره مسیح به عنوان سنگ از چندین کاربرد آن در عهد عتیق آمده است.

۱. قدرت و ثبات یهوه (مراجعه شود به مزامیر ۱۸: ۱ الی ۲)
۲. بینش دانیال در فصل ۲ (مراجعه شود به دانیال ۲: ۳۴ الی ۳۵ و ۴۸)
۳. یک عنصر ساختمانی که یکی از اینها است
 - a. برای شروع ساختن بنا است (سنگ زیربنا)
 - b. وزن ساختمان را تحمل میکند (سنگ زیربنا یا ستون اصلی در هر گنبد)
 - c. سنگ نهایی (سنگ بالایی یا آخرین سنگی که در بالاترین نقطه قرار میگیرد)
۴. ساختمان به صورت استعاره به مردم خدا، معبد واقعی اشاره دارد (مراجعه شود به اول قرنتیان ۳: ۱۶ الی ۱۷، دوم قرنتیان ۶: ۱۶، افسسیان ۲: ۱۹ الی ۲۲).

موضوع خاص: سنگ (BDB 6, KB 7) و سنگ زیربنا (BDB 819, KB 944)

(SPECIAL TOPIC: CORNERSTONE)

۱. کاربرد در عهد عتیق
 - a. مفهوم سنگ به عنوان یک عنصر سخت و با دوام که زیربنای خوبی را ایجاد می کند برای توصیف یهوه استفاده شده است (مراجعه شود به یعقوب ۳۸: ۶، مزامیر ۱۸: ۲ از دو کلمه برای سنگ و تخته سنگ استفاده می کند، BDB700 و 849)
 - b. این اصطلاح بعداً به یک اصطلاح مسیحانه تبدیل شد (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۴۹: ۲۴، مزامیر ۱۱۸: ۲۲، اشعیا ۲۸: ۱۶)
 - c. اصطلاح "سنگ" یا "تخته سنگ" برای داوری از جانب یهوه توسط مسیح آمد (مراجعه شود به اشعیا ۸: ۱۶، BDB 6، زیربنای DBD 103 را می سازد، دانیال ۲: ۳۴ الی ۳۵، ۴۴ الی ۴۵ {BDB1078})
 - d. این اصطلاح تبدیل به استعاره برای ساختن و ساختمان شد (به ویژه در اشعیا ۲۸: ۱۶)
 - i. سنگ زیربنا، نقطه آغاز، که زاویه ایمن برای بقیه ساختمان است و سنگ زیربنا نامیده می شود
 - ii. می تواند به آخرین سنگ ساختمان هم اشاره داشته باشد، که دیوارها به یکدیگر محکم را نگاه می دارد (مراجعه شود به زکریا ۴: ۷، افسسیان ۲: ۲۰ و ۲۱)، که به آن سنگ پوشش گفته می شود. از کلمه عبری rosh (به معنی سر)
 - iii. می تواند به سنگ کلیدی هم اشاره داشته باشد که در وسط هلال درب ورودی بوده و وزن تمامی دیوار را تحمل می کند.
۲. کاربرد در عهد جدید
 - a. عیسی از مزامیر ۱۱۸ چندین مرتبه برای اشاره به خود نقل می کند (مراجعه شود به انجیل متی ۲۱: ۴۱ الی ۴۶، انجیل مرقس ۱۲: ۱۰ الی ۱۱، انجیل لوقا ۲۰: ۱۷)
 - b. پولس از مزامیر ۱۱۸ در رابطه با رد ایمان به یهوه توسط اسرائیلیان یاغی استفاده می کند (مراجعه شود به رومیان ۹: ۳۳)
 - c. پولس از مفهوم سنگ زیربنا در افسسیان ۲: ۲۰ الی ۲۲ برای اشاره به مسیح استفاده می کند
 - d. پطرس از این مفهوم برای عیسی در اول پطرس ۲: ۱ الی ۱۰ استفاده می کند. عیسی سنگ زیربنا است و مومنین سنگهای زنده هستند (یعنی مومنین به عنوان معبد، مراجعه شود به اول قرنتیان ۶: ۱۹)، بر پایه او بنا شده اند (عیسی معبد جدید است، مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۴: ۵۸، انجیل متی ۱۲: ۶، انجیل یوحنا ۲: ۱۹ الی ۲۰). یهودیان با انکار عیسی به عنوان مسیح، همین زیربنای امید خود را رد کردند.
۳. توضیحات الهیاتی
 - a. یهوه به داوود/سلیمان اجازه داد تا معبدی برپا کنند. به آنان گفت که اگر پیمان خود را حفظ کنند به آنان نعمت داده و با آنان خواهد بود (مراجعه شود به دوم سموئیل ۷)، ولی اگر این کار را نکنند، معبد آنان خراب خواهد شد (مراجعه شود به اول پادشاهان ۹: ۱ الی ۹)!
 - b. ربی های یهودیان بر روی شکل و مراسم تمرکز کرده و جنبه شخصی ایمان را نادیده گرفتند (مراجعه شود به ارمیا ۳۱: ۳۱ الی ۳۴، حزقیال ۲۲: ۳۶ الی ۳۸). خدا خواهان یک رابطه روزانه، فردی و خداپسندانه با کسانی است که بر اساس تصویر او خلق شده اند (مراجعه شود

- به کتاب پیدایش ۱: ۲۶ الی ۲۷). انجیل لوقا ۲۰: ۱۷ الی ۱۸ در بر دارنده کلمات وحشتناکی در مورد داوری نسبت به یهودیت است، همینطور هم انجیل متی ۵: ۲۰.
- c. عیسی از مفهوم معبد برای معرفی کالبد فیزیکی خود استفاده کرد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۲: ۱۹ الی ۲۲). این ادامه پیدا کرده و مفهوم ایمان فردی به عیسی به عنوان مسیح کلید رابطه با یهوه است (یعنی انجیل یوحنا ۱۴: ۶، اول یوحنا ۵: ۱۰ الی ۱۲).
- d. رستگاری جهت احیا تصویر آسیب دیده خدا در انسان ها است (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱: ۲۶ الی ۲۷ و کتاب پیدایش ۳) تا دوستی با خدا امکان پذیر شود. هدف مسیحیت همانند مسیح بودن است. مومنین باید تبدیل به سنگهای زنده شوند (معابد کوچک که بر اساس مسیح ساخته می شوند).
- e. عیسی زیربنا و سنگ آخر ایمان ما است (یعنی آلفا و امگا). با اینحال، سنگ زیربنا و سنگ آزموده شده است (مراجعه شود به اشعیا ۲۸: ۱۶). از دست دادن او، از دست دادن همه چیز است. هیچ راه میانی در اینجا وجود ندارد.

۱۲:۱۱ این آیه دلالت بر آن دارد که هر آنچه در رابطه با انکار و مرگ عیسی رخ می دهد، پیش گویی شده و انبیا آن را گفته اند (مراجعه شود به اشعیا ۵۳: ۱۰، انجیل لوقا ۲۲: ۲۲، اعمال رسولان ۲: ۲۳، ۳: ۱۸، ۴: ۲۸، اول پطرس ۱: ۲۰).

NASB: انجیل مرقس ۱۲:۱۲

۱۲ آنگاه بر آن شدند عیسی را گرفتار کنند، زیرا دریافتند که این مَثَل را درباره آنها گفته است، اما از جمعیت بیم داشتند؛ پس او را ترک کردند و رفتند.

۱۲:۱۲ " بر آن شدند عیسی را گرفتار کنند " رهبران یهود متوجه شدند که تمثیلا به آنها اشاره دارند و آنها به همان شیوه پیش گویی شده عمل کردند (یعنی سعی کردند او را به قتل برسانند).

■ " از جمعیت بیم داشتند " این رهبران به نظرات جاری توجه کردند (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۱: ۱۸ و ۳۲، انجیل متی ۲۱: ۲۶ و ۴۶، انجیل لوقا ۱۹: ۴۸) تا اینکه به کلام خدا توجه کنند و در مورد اعمال خود تصمیم گیری نمایند.

■ " دریافتند که این مَثَل را درباره آنها گفته است " این ضمیر آنها را می توان به یکی از این دو شیوه درک کرد: (۱) رهبران از محبوبیت عیسی در میان جمعیت هراس داشتند (مراجعه شود به انجیل متی ۲۱: ۴۵) یا (۲) جمعیت هم درک کرد که این تمثیل خطاب به رهبران مذهبی است.

NASB: انجیل مرقس ۱۳:۱۲ الی ۱۷

۱۳ سپس بعضی از فریسیان و هیرودیان را نزد عیسی فرستادند تا او را با سخنان خودش به دام اندازند. ۱۴ آنها نزد او آمدند و گفتند: «استاد، می دانیم مردی صادق هستی و از کسی باک نداری، زیرا بر صورت ظاهر نظر نمی کنی، بلکه راه خدا را به درستی می آموزانی. آیا پرداخت خراج به قیصر رواست یا نه؟ ۱۵ آیا باید بپردازیم یا نه؟» اما عیسی به ریاکاری آنها پی برد و گفت: "چرا مرا می آزمایید؟ دیناری نزد من بیاورید تا آن را ببینم." ۱۶ سکه ای آوردند. از ایشان پرسید: «نقش و نام روی این سکه از آن کیست؟» پاسخ دادند: "از آن قیصر." ۱۷ عیسی به آنها گفت: «پس مال قیصر را به قیصر بدهید و مال خدا را به خدا.» آنها از سخنان او حیران ماندند.

۱۲:۱۳ "فرستادند" این اشاره به سانهدرین دارد، که یک یک مرجع مقتدر یهود بود (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۱: ۲۷).

موضوع خاص: سانهدرین

(SPECIAL TOPIC: THE SANHEDRIN)

۱. منابع اطلاعاتی

a. خود عهد جدید

b. *Antiquities of the Jews* از Flavius Josephus

c. بخش میشناح (*Mishnah*) از تلمود (تراکت "سانهدرین")

متاسفانه عهد جدید و جوزفوس با نوشته های روحانیون موافق نیستند، که به نظر می رسد بر دو سانهدرین در اورشلیم تصریح می شود، یکی روحانی (صدوقیان) که توسط کاهن اعظم رهبری می شود و با مسائل اجتماعی و جرائم و قضاوت سر و کار دارد و دیگری توسط فریسیان و کاتبین کنترل می شود که در رابطه با مسائل مذهبی و مسائل سنتی است. نوشته های روحانیون از سال ۲۰۰ به بعد منعکس کننده شرایط فرهنگی پس از سقوط اورشلیم توسط ژنرال رومی تیتوس در سال ۷۰ میلادی است. یهودیان (یعنی رهبران فریسیان) ستاد مرکزی را برای زندگی مذهبی در شهری بنام جمینا دوباره راه اندازی کردند که بعداً (در سال ۱۱۸ میلادی) به جلیل منتقل شد.

۲. واژه‌شناسی

مشکل تعیین هویت این بدنه قضایی شامل اسامی مختلفی است که با آنها شناخته می‌شود. کلمات زیادی برای توصیف بدنه قضایی در جامعه یهود در اورشلیم وجود دارد.

a. *Gerousia* به معنی "سنا" یا "شورا". این قدیمی‌ترین اصطلاحی است که در پایان دوره پارس استفاده شده است (مراجعه شود به جوزفوس، *Antiquities* ۱۲/۳/۳ و مکابیان ۱۱:۲۷). این اصطلاح توسط لوقا در اعمال رسولان ۵:۲۱ همراه با "سانهدرین" استفاده شده است. احتمال دارد راهی برای توصیف اصطلاح برای خوانندگان یونانی زبان باشد (مراجعه شود به اول مکابیان ۱۲:۳۵)

b. *Synedrin* - "سانهدرین". این اصطلاح ترکیبی از *syn* (همراه با) و *hedra* (صندلی) است. جالب است که این اصطلاح در زبان آرامی استفاده شده است ولی یک کلمه یونانی است. در انتهای دوره مکابیان، تبدیل به اصطلاح پذیرفته شده برای دادگاه عالی یهودیان در اورشلیم شد (مراجعه شود به انجیل متی ۲۶:۵۹، انجیل مرقس ۱۵:۱، انجیل لوقا ۲۲:۶۶، انجیل یوحنا ۱۱:۴۷، اعمال رسولان ۲۷:۵). مشکل زمانی به وجود می‌آید که این واژه در مورد شواری قضات محلی خارج از اورشلیم استفاده می‌شود (مراجعه شود به انجیل متی ۱۰:۱۷، ۵:۲۲).

c. *Presbyterion* - "بزرگان شورا" (مراجعه شود به انجیل لوقا ۲۲:۶۶). این یک اسم عهد عتیقی برای رهبران قبایل است. با این وجود، برای اشاره به دادگاه عالی در اورشلیم استفاده شده است (مراجعه شود به اعمال رسولان ۵:۲۲).

d. *Boulē* - این اصطلاح به معنی "شورا" توسط جوزفوس استفاده شده است (یعنی Wars ۲/۱۶/۲، ۵/۴/۲ ولی نه در عهد جدید) برای توصیف بدنه های قضایی مختلف:

i. سنای روم

ii. دادگاه‌های محلی روم

iii. دادگاه عالی یهود در اورشلیم

iv. دادگاه محلی یهودیان

از جوزف اهل اریماتنا به عنوان یکی از اعضای سانهدرین با شکلی از این اصطلاح توصیف شده است (یعنی *bouleutēs* که به معنی "عضو شورا"، مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۵:۴۳، انجیل لوقا ۲۳:۵۰).

۳. توسعه تاریخی

گفته می‌شود که در ابتدا عزرا کنیسه بزرگ را برپا کرد (مراجعه شود به تارگوم در غزل غزلها ۱:۶) در دوره پس از تبعید، که به نظر می‌رسد تبدیل به سانهدرین روز عیسی شد.

a. میسناح ثبت کرده که دو دادگاه اصلی در اورشلیم وجود داشت (مراجعه شود به سانهدرین ۱:۷).

b. در دوره پس از تبعید، رزوبابل از نسل داوود و از نسل آرون، یوشع بود. پس از مرگ رزوبابل، نسل داوود ادامه نیافت و بنابراین ردای داوری انحصارا به روحانیون رسید (مراجعه شود به اول مکابی ۱۲:۶) و بزرگان محلی (مراجعه شود به نحما ۱۶:۲، ۵:۷).

c. این نقش روحانی مانند در تصمیمات قضایی در دیودوروس ۴:۴:۴۰ الی ۵ در طول دوره هلنی به ثبت رسیده است

d. این نقش روحانی در دولت در دوره سلوسید ادامه یافت. جوزفوس در *Antiquities* ۱۳۸/۱۲ الی ۱۴۲ از آنتیوخوس سوم (۲۲۳ تا ۱۸۷ قبل از میلاد) نقل می‌کند.

e. این قدرت روحانی بر اساس *Antiquities* اثر جوزفوس ۱۰/۵ الی ۶ و ۱۳/۱۵/۵ در طول دوره مکابی ادامه داشت.

f. در طول دوران روم، حاکم سوریه (گابینیوس ۵۷ ال ۵۵ قبل از میلاد) پنج منطقه سانهدرین ایجاد کرد (مراجعه شود به 'Josephus' *Antiquities* 14.5.4 و Wars 1.8.5) ولی بعدا توسط روم در سال ۴۷ قبل از میلاد منسوخ شد.

g. سانهدرین با هیروود در مسائل سیاسی مقابله می‌کرد (مراجعه شود به *Antiquities* ۱۴/۹/۳ الی ۵) که در سال ۳۷ قبل از میلاد انتقام گرفت و بیشتر اعضای دادگاه عالی را به قتل رساند (مراجعه شود به *Antiquities* ۱۴/۹/۴، ۱۵/۱/۲).

h. در دوران دادستانهای روم (۶ تا ۶۶ بعد از میلاد) جوزفوس می‌گوید (مراجعه شود به *Antiquities* ۲۰/۲۰۰ و ۲۵۱) که سانهدرین مجددا قدرت و نفوذ قابل توجهی بدست آورد (انجیل مرقس ۱۴:۵۵). در عهد جدید سه دادگاه ثبت شده است که سانهدرین تحت رهبری کاهن اعظم عدالت را اجرا کردند.

i. دادگاه عیسی (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۴:۵۳ الی ۱۵:۱، انجیل یوحنا ۱۸:۱۲ الی ۲۳ و ۲۸ الی ۳۲)

ii. پطرس و یوحنا (مراجعه شود به اعمال رسولان ۴:۳ الی ۶)

iii. پولس (مراجعه شود به اعمال رسولان ۲۲:۲۵ الی ۳۰)

i. وقتی که یهودیان در سال ۶۶ میلادی قیام کردند، رومیان متعاقبا در سال ۷۰ میلادی جامعه یهود و شهر اورشلیم را نابود کردند.

ساهده‌رین برای همیشه از بین رفت، هر چند فریسیان در جمینا سعی کردند که دادگاه عالی (یعنی *Beth Din*) را دوباره به زندگی مذهبی یهودیان بازگردانند (ولی نه برای مسائل مدنی یا سیاسی).

۴. عضویت

a. نخستین اشاره انجیلی به دادگاه عالی دوم قرن‌تین ۸: ۱۹ الی ۱۱ است. این دادگاه از این گروه‌ها تشکیل می‌شد:

i. لایوان

ii. روحانیون

iii. سران خانواده‌ها (یعنی بزرگان، مراجعه شود به اول مکابی ۲۰: ۱۴، دوم مکابی ۴: ۴۴)

b. در طول دوره مکابی تحت سطله (۱) خانواده‌های روحانی صدوقی و (۲) اشراف محلی (مراجعه شود به اول مکابی ۷: ۳۳، ۷: ۲۳، ۱۱: ۲۸، ۱۴: ۲۸). بعدها در همین دوران کاتبین (وکلا، معمولاً فریسیان) ظاهراً توسط همسر آکساندر جانیوس، سالومه (۷۶ تا ۶۷ قبل از میلاد) هم اضافه شدند. حتی گفته می‌شود که او کاری کرد که فریسیان گروه غالب باشند (مراجعه شود به *Wars of the Jews*، ۲/ ۵، ۱، اثر جوزفوس).

c. در روز عیسی دادگاه از گروه‌های زیر تشکیل شد

i. خانواده‌های روحانیون ارشد

ii. افراد محلی از خانواده‌های اشراف

iii. کاتبین (مراجعه شود به انجیل لوقا ۴۷: ۱۹)

۵. منابع مورد استفاده

a. Dictionary of Jesus and the Gospels, IVP, pp. 728-732

b. B. The Zondervan Pictorial Encyclopedia of the Bible, vol. 5, pp. 268-273

c. C. The New Schaff-Herzog Encyclopedia of Religious Knowledge, vol. 10, pp. 203-204

d. D. The Interpreter's Dictionary of the Bible, vol. 4, pp. 214-218

e. E. Encyclopedia Judaica, vol. 14, pp. 836-839

■ "فریسیان" این یک گروه مذهبی بود که در دورانی مکابی توسعه یافت. آنان بسیار به سنت‌های شفاهی (یعنی تلمود) متعهد بودند. موضوع خاص: فریسیان در بخش مربوط به انجیل مرقس ۲: ۱۶ را مطالعه کنید.

■ "هیرودیان" این یک گروه سیاسی بود که از حکومت هیروود ادومی حمایت می‌کرد. آنها در موقعیت‌های متفاوت از حکومت روم هم حمایت می‌کردند. معمولاً فریسیان و هیرودیان دشمن یکدیگر بودند. این حقیقت که آنان با یکدیگر همکاری می‌کردند نشان می‌دهد که آنان چقدر تعالیم عیسی را جدی گرفته بودند. موضوع خاص: خانواده هیروود بزرگ در بخش مربوط به انجیل مرقس ۱: ۱۴ را مطالعه کنید.

■ "تا او را با سخنان خودش به دام اندازند" این به مفهوم گرفتن است. این اصطلاح برای گرفتن حیوانات وحشی استفاده می‌شد. این تبدیل به استعاره‌ای برای کسب اطلاعات شد تا خطای او را نشان دهند (مراجعه شود به انجیل لوقا ۱۱: ۵۴). آنان فکر می‌کردند با پرسیدن این سوال او رامیان دو گروه مخالف به دام انداخته‌اند: مقامات رومی و مردم.

۱۲: ۱۴ "استاد، می‌دانیم مردی صادق هستی و از کسی باک نداری، زیرا بر صورت ظاهر نظر نمی‌کنی، بلکه راه خدا را به درستی می‌آموزانی" این رهبران چاپلوسی عیسی را می‌کردند تا او را به دام اندازند، ولی در واقعیت آنان حقیقت را درباره او می‌گفتند. عیسی حقیقت را دقیقاً همانطور که بیهوده حقیقت را اداره می‌کرد، اداره کرد. این تناقض عظیمی است. گفته‌های مکارانه آنان در واقعیت بزرگترین تأیید بود.

■ "زیرا بر صورت ظاهر نظر نمی‌کنی" (در نسخه انگلیسی عبارت *You are not partial* به مفهوم شما به بخشی از چیزی توجه نمی‌کنید است - مترجم) - در اصطلاح عبری این به مفهوم "شما به چهره مردم نگاه نمی‌کنید" است. از لحاظ تاریخی این اشاره به دآوری در مورد اسرائیل دارد. زمانی که آنها کسی را محاکمه می‌کردند، فرد سرش را پائین می‌انداخت تا هویتش فاش نگردد. اگر قاضی دستش را بر زیر چانه فرد می‌گذاشت و آن را بالا می‌آورد و هویتش را شناسایی می‌کرد، احتمال داشت تحت تأثیر قرار گیرد. بنابراین قاضی باید کور باشد و بدون شناسایی متهم قضاوت کند.

■ "آیا پرداخت خراج به قیصر رواست" این یک سوال قانونی در رابطه با قوانین موسی است، ولی همچنین در رابطه با تحت سلطه بودن اسرائیل توسط روم هم هست. این سوالی است که علما هر روز با آن درگیر بودند. دو راه برای پاسخ به سوال وجود داشت، یکی بر اساس قانون موسی و دومی بر مبنای این واقعیت که قوانین روم حاکم بودند. این رهبران سعی داشتند تا زمینه‌های قانونی را برای دولت روم فراهم کنند و آنها را با قوانین مذهبی مطابقت دهند (مراجعه شود به انجیل لوقا ۲۰: ۲۰). با پاسخ بله او به زیلوس اهانت کرده بود و با پاسخ نه توسط دولت روم دستگیر می‌شد.

■ "خراج" این ترجمه مفهومی اصطلاح لاتین CENSUS به معنی ممیزی مالیاتی است. این مالیات سرانه‌ای بود که روم برای تمامی مردم سرزمینهای فتح شده وضع کرده بود. مالیات سرانه در سراسر امپراتوری (بین سالهای ۶ تا ۲۰ میلادی) برای مردان ۱۴ تا ۶۵ ساله و زنان ۱۲ الی ۶۵، که در سرزمینهای تحت سلطه امپراتوری زندگی می‌کردند مستقیماً به حساب امپراتور می‌رفت. به همین دلیل بود که یوسف مجبور شد به همراه مریم باردار ناصره را ترک کرده و به بیت‌الحم برود (مراجعه شود به انجیل لوقا ۱: ۲ الی ۶).

۱۲: ۱۵ "به ریاکاری آنها پی برد چرا مرا می‌آزماید" اصطلاح ریاکاری (*hypokrisis*) در اصل به هنرپیشگانی که در پس نقاب نقشی را بازی می‌کردند اطلاق می‌شد. آنان تظاهر می‌کردند شخص دیگری هستند (مراجعه شود به انجیل متی ۲۳: ۲۸، انجیل لوقا ۱۲: ۱، ۲۰: ۲۰، اول تیموتائوس ۴: ۲، اول پطرس ۲: ۱). بعداً از این اصطلاح در مورد حقه‌بازانی که سعی می‌کردند مردم را گمراه کند و به تفکری وادار کنند که درست نبود، استفاده شد. هر آنچه که این رهبران در انجیل مرقس ۱۲: ۱۴ به عیسی می‌گفتند در تناقض با اعمال آنان در انجیل مرقس ۱۲: ۱۵ بود. اصطلاح آزمودن (*peirazō*) در اینجا به مفهوم آزمودن با هدف تخریب است. موضوع خاص: اصطلاحات برای آزمودن در انجیل مرقس ۱: ۱۳ را مطالعه کنید.

■ "دیناری" سکه نقره تنها شیوه پرداخت مالیات بود. این دستمزد روزانه برای یک کارگر معمولی یا سرباز بود. این سکه نمادی بر کنترل و سلطه روم بود. موضوع خاص در بخش مربوط به انجیل مرقس ۱۲: ۴۲ را مطالعه کنید.

۱۲: ۱۶ "نقش و نام روی این سکه از آن کیست" تیبیریوس (سالهای ۱۴ الی ۳۷ میلادی) امپراتور آن زمان بود. بر روی این سکه، ادعای خدا بودن امپراتور ضرب شده بود. بر روی این سکه نوشته شده بود: "سزار تیبیریوس آگوستوس، فرزند خداوند آگوستوس". در پشت سکه تصویر تیبیریوس که بر روی تخت سلطنت نشسته است و عبارت "والاترین روحانی" ضرب شده بود.

۱۲: ۱۷ "پس مال قیصر را به قیصر بدهید" مومنین باید قوانین اجتماعی را رعایت کنند زیرا فرمان خدا است (مراجعه شود به رومیان ۱۳: ۱ الی ۷، تیتوس ۳: ۱، اول پطرس ۲: ۱۳ الی ۱۴). اصطلاح یونانی "تحویل دادن" می‌تواند به مفهوم "پس دادن چیزی که متعلق به فرد است" باشد.

■ "مال خدا را به خدا" هر چند حکومت مجازات‌های مذهبی را اجرا می‌کرد، اما یک حکومت مذهبی نبود. اگر دولت حکم نهایی را صادر کند، باید توسط پیروان یک خدای واقعی رد می‌شد. بسیاری از آنها تلاش کرده اند تا از این آیه از آموزه‌های مدرن سیاسی کلیسا و حکومت حمایت کنند. به معنای بسیار محدود، این آیه این موضوع را مورد توجه قرار می‌دهد، اما مطمئناً این حمایت از کتاب مقدس برای این نظریه سیاسی مدرن نیست. این نظریه واقعیتی است که از تاریخ به دست می‌آید، نه به طور عمده از کتاب مقدس.

NASB: انجیل مرقس ۱۸: ۱۲ الی ۲۷

^{۱۸} سپس صدوقیان که منکر قیامتند، نزد وی آمدند و سؤالی از او کرده، گفتند: "استاد، موسی برای ما نوشت که اگر برادر مردی بمیرد و همسرش فرزندی نداشته باشد، آن مرد باید او را به زنی بگیرد تا نسلی برای برادر خود باقی گذارد. ^{۲۰} باری، هفت برادر بودند. برادر نخستین زنی گرفت، و بی‌فرزند مرد. ^{۲۱} پس برادر دوم آن بیوه را به زنی گرفت، اما او نیز بی‌فرزند مرد. برادر سوم نیز چنین شد. ^{۲۲} به همین سان، هیچ‌یک از هفت برادر فرزندی به جا نگذاشت. سرانجام، آن زن نیز مرد. ^{۲۳} حال، در قیامت، آن زن همسر کدام‌یک از آنها خواهد بود، زیرا هر هفت برادر او را به زنی گرفته بودند؟"

^{۲۴} عیسی به ایشان فرمود: "آیا گمراه نیستید، از آن رو که نه از کتب مقدس آگاهید و نه از قدرت خدا؟ ^{۲۵} زیرا هنگامی که مردگان برخیزند، نه زن می‌گیرند و نه شوهر اختیار می‌کنند؛ بلکه همچون فرشتگان آسمان خواهند بود. ^{۲۶} اما دربارهٔ برخاستن مردگان، آیا در کتاب موسی نخوانده‌اید که در ماجرای بوتنه، چگونه خدا به او فرمود: "من هستم خدای ابراهیم و خدای اسحاق و خدای یعقوب؟" ^{۲۷} او نه خدای مردگان، بلکه خدای زندگان است. پس شما بسیار برخطیاید!"

۱۲: ۱۸ "صدوقیان" این یک بخش آریستوکرات و مذهبی یهودیت بود که کاهن اعظم و سانهدرین را کنترل می‌کرد. اعضا این مجموعه افراد ثروتمند و افراد دارای قدرت سیاسی بودند. آنان بسار محافظه کار بوده و فقط نوشته‌های موسی (یعنی کتاب پیدایش تا تثنیه) را به عنوان مرجع اقتدار می‌پذیرفتند (یعنی سنتهای شفاهی را رد می‌کردند).

موضوع خاص: صدوقیان

(SPECIAL TOPIC: SADDUCEES)

۱. منشا گروه

a. بیشتر اساتید معتقدند که این اسم از زادوک می‌آید، که یکی از کاهنان اعظم داوود بود (مراجعه شود به دوم سموئیل ۸: ۱۷، ۱۵: ۲۴). بعداً سلیمان ایباتار را به دلیل پشتیبانی از شورشیان آدونیا تبعید کرد (مراجعه شود به اول پادشاهان ۲: ۲۶ الی ۲۷) و زادوک را به عنوان تنها کاهن اعظم انتخاب کرد (مراجعه شود به اول پادشاهان ۲: ۲۵). پس تبعید بابلی‌ها این خط مشی کشیشانه در یوشع مجدداً برقرار

شد (مراجعه شود به حاجی ۱: ۱). خانواده لایوان برای اداره معبد انتخاب شدند. بعداً آنان که جزو این سنت کشیشانه بودند و نیز حامیان آنان زادوکی یا صدوقی خطاب شدند.

b. یک سنت قرن نهم میلادی روحانیون (*Aboth* ربی ناتان) می گوید که زادوک شاگرد آنتیگون سوخو (قرن دوم قبل از میلاد) بود. زادوک گفته معروف استادش "پاداش پس از مرگ" را نادرست درک کرد و الهیاتی را بسط داد که منکر زندگی پس از مرگ بود و در نتیجه منکر رستاخیز و زندگی دوباره بود.

c. بعداً در میان یهود صدوقیان با بوئوسیان شناخته می شدند. بوئوس هم شاگرد آنتیگون سوخو بود. او الهیاتی مشابه زادوک بسط داد که آن هم منکر زندگی پس از مرگ بود.

d. اسم صدوقیان تا روزگار جان هیرکانوس (۱۳۵ تا ۱۰۴ قبل از میلاد) به میان نیامد، که توسط جوزفوس (مراجعه شود به *Antiquities* ۱۳: ۱۰: ۵ الی ۶) مطرح شد. در *Antiquities* ۱۳: ۵: ۹ می گوید که سه مکتب فکری وجود دارند: فریسیان، صدوقیان و اسن ها.

e. یک نظریه رقیب هم وجود دارد که آنان از دوران حاکمان سلولیت آمدند که تلاش می کردند مذهب را تحت حکومت آنتیوخوس اپیفانس چهارم (در سالهای ۱۷۶ تا ۱۳۵ قبل از میلاد) هلنیزه کنند. در دوران مکابیان در زمان سیمون مکابی (در سالهای ۱۴۲ الی ۱۳۵ قبل از میلاد) مذهب جدیدی و وارثان او (مراجعه شود به اول مکابی ۱۴: ۴۱) شکل گرفت. این کاهنان اعظم هاسمونی احتمالاً شروع صدوقیان آریستوکرات بودند. فریسیان در همین دوران از هاسیدیم شکل گرفت (یعنی "جدا شدگان"، مراجعه شود به اول مکابی ۲: ۷، ۴۲: ۵ الی ۲۳).

f. یک نظریه مدرن هم وجود دارد (T. W. Manson) که صدوقیان یک اصطلاح ترجمه شده از واژه یونانی *sundikoi* است. این اصطلاح اشاره به مقامات محلی دارد که در حکومت با رومیان همکاری میکردند. این ممکن است توضیح دهد که چرا برخی از صدوقیان کشیشان آریستوکرات نبودند ولی از اعضا سانهدرین بودند.

۲. باورهای متمایز

a. آنها یک فرقه مذهبی محافظه کار (فقط تورات را به عنوان کتاب تحت الهام پذیرفته بودند) یهود در دوران هاسمونیان و رومیان بودند.

b. آنها به ویژه با روال معبد، پروتکل و مراسم مذهبی مشغول به کار بودند.

c. آنان بر فقط بر تورات مکتوب (یعنی از کتاب پیدایش تا کتاب تثنیه) به عنوان مرجع اعتقاد داشتند و سنتهای شفاهی (یعنی تلمود) را رد می کردند.

d. بنابراین آنان بسیاری از دکنترین هایی که توسط فریسیان بسط یافته بودند را رد می کردند.

i. رستاخیز بدن (مراجعه شود به انجیل متی ۲۲: ۲۳، انجیل مرقس ۱۲: ۱۸، انجیل لوقا ۲۰: ۲۷، اعمال رسولان ۴: ۱ الی ۲، ۲۳: ۸)

ii. جاودانگی روح (مراجعه شود به *Antiquities* ۱۸: ۱: ۳ الی ۴، جنگها ۲: ۸: ۱۴)

iii. وجود یک سلسله مراتب پیچیده و زنجیروار فرشتگان (مراجعه شود به اعمال رسولان ۲۳: ۸)

iv. آنان به "چشم در برابر چشم" (*lex talionis*) اعتقاد داشته و از مجازات فیزیکی و مرگ (بجای حل و فصل پولی) حمایت می کردند.

e. زمینه دیگری از جدلهای مذهبی جدل میان تقدیر و اراده آزاد بود. یکی از سه گروهی بودند که توسط جوزفوس از آنان نام برده شد i. اسن ها نوعی جبرگرایی را تأیید می کردند

ii. صدوقیان بر اراده آزاد انسان تأکید می کردند (مراجعه شود به *Antiquities* ۱۳: ۵: ۹، جنگها ۲: ۸: ۱۴)

iii. فریسیان جایگاه میانه ای و متوازی بین دو گروه فوق را داشتند

f. در یک مفهوم، مناقشه میان این دو گروه (یعنی صدوقیان و فریسیان) بر سر تنش میان کشیشها و انبیا عهد عتیق بود.

تنش دیگر از اینجا ناشی می شد که صدوقیان نمایندگان جامعه و زمینداران اصیل بودند. آنان آریستوکرات بودند (مراجعه شود به *Antiquities* جوزفوس ۱۳: ۱۰: ۶، ۱۸: ۱: ۴ الی ۵، ۲۰: ۹: ۱)، در حالی که فریسیان و عالمین و کاتبین تحصیلکردگان مذهبی از میان مردم بودند. این تنش را می توان با معبد اورشلیم در برابر کنیسه های محلی در سراسر سرزمین متمایز کرد.

مناقشه دیگر می تواند این باشد که صدوقیان نفوذ دین زرتشت را در الهیات فریسیان رد می کردند. مثالهای این الهیات عبارتند از (۱) نظریه شدیدا بسط یافته در مورد فرشتگان، (۲) دوالیسم میان یهوه و شیطان، و (۳) نگرش استادانه به زندگی پس از مرگ با اصطلاحات فیزیکی جذاب. این زیاده روی ها توسط اسن ها و فریسیان منجر به الهیاتی در میان صدوقیان شد. آنان با تلاش جهت خنثی کردن افکار سایر گروه های یهودیان، به وضعیت محافظه کارانه الهیات فقط موسی روی آوردند.

۳. منابع اطلاعاتی

- a. جوزفوس منبع اصلی اطلاعات در مورد صدوقیان است. او با هم حفظ تعهدش نسبت به فریسیان و علاقه اش در ترسیم کردن وجهه مثبت از زندگی یهود برای رومیان از آنان جانبداری می‌کرد.
 - b. منبع دیگر کتب روحانیون و ربی‌ها است. با این حال، در اینجا نیز یک جانبداری شدید مشهود است. صدوقیان منکر ربط و اقتدار سنتهای شفاهی ریش سفیدان بودند (یعنی تلمود). این نوشته‌های فریسیان به صورت کاملاً مشهود مخالفان آنان را به صورت منفی و احتمالاً اغراق شده (انسان پوشالی، تاکتیکها) توصیف می‌کند.
 - c. هیچ نوشته شناخته شده‌ای در مورد خود صدوقیان وجود ندارد که باقی مانده باشد. با تخریب اورشلیم و معبد در سال ۷۰ میلادی تمامی اسناد و نفوذ کشیشان نخبه از بین رفت.
- آنان می‌خواستند آرامش منطقه را حفظ کنند و در قرن نخست تنها راه همکاری با رومیان بود (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۱: ۴۸ الی ۵۰).

۱۲: ۱۹ "موسی برای ما نوشت" این اشاره به بحث ازدواج مجدد موسی در کتاب تثنیه ۲۵: ۵ الی ۱۰ دارد.

■ "اگر برادر مردی بمیرد" این اصطلاح از یک اصطلاح لاتین برای "برادر شوهر" است. حق ارث در اسرائیل بسیار مهم بود زیرا خدا آن سرزمین را به قبیله وعده داده بود (مراجعه شود به یوشع ۱۲ الی ۱۹). بنابراین، اگر مردی بمیرد و هیچ وارث مذکری نداشته باشد، باید برادرش با بیوه او ازدواج کند و پدر فرزند آن بیوه شود، سپس آن پسر وارث تمامی اموال برادر فوت کرده می‌شود.

۱۲: ۲۳ هدف سوال در اینجا به تمسخر کشیدن زنده شدن مرده در قالب فیزیکی در زندگی بعدی است.

۱۲: ۲۴ تمرکز سوال تخریب کننده عیسی در درک نکردن هم کتاب مقدس و هم خدا توسط صدوقیان بود. حالت دستور زبانی این سوال انتظار پاسخ "بله" دارد.

۱۲: ۲۵ "بلکه همچون فرشتگان آسمان خواهند بود" این اشاره مختصر حدس و گمانهای زیادی را ایجاد کرد. فرشتگان در عهد عتیق معمولاً مذکر هستند (به استثنای زکریا ۵: ۹). آیا این توضیح مختصر عیسی اشاره به جنسیت آنان دارد یا وصلتهای جنسی؟ چگونه این بر درک فرد از پیدایش ۶: ۱ الی ۲ تاثیر می‌گذارد؟ شاید ما سعی می‌کنیم بیش از حد از این برخورد صدوقیان نتیجه گیری الهیاتی کنیم. بهشت یک تجربه نسبی کاملاً متفاوتی از زمین است. دقیقاً چگونه است عملکرد این پادشاهی ابدی و درون فردی و معنوی نامشخص است. انجیل خواسته که اطلاعات زیادی درباره زندگی بعدی افشا نکند. بهتر است که واقعیتی که بر مبنای وعده‌های خدا و مسیح است را بپذیریم، و تمایل داشته باشیم که تا زمان مرگ از آن ناآگاه باشیم. انجیل هر آنچه را که لازم است مومنین بدانند، ارائه می‌کند.

عیسی تصریح می‌کند که هیچ جنبه جنسی (یعنی زایمان) در بهشت وجود ندارد. سوالات زیادی هست که فرد ممکن است بخواهد در این زمینه سوال کند، ولی هیچ توضیح بیشتری در این زمینه در عهد جدید داده نشده است. می‌تواند خیلی ساده به این معنی باشد که فرشتگان توسط خدا خلق شده‌اند نه با زاد و ولد جنسی.

۱۲: ۲۵ الی ۲۶ "فرشتگان ... اما درباره برخواستن مردگان" صدوقیان هم فرشتگان و هم قیام پس از مرگ را انکار می‌کردند. فریسیان هر دو را تأیید می‌کردند.

۱۲: ۲۶ "اما درباره برخواستن مردگان" متون زیادی در عهد عتیق وجود دارند که این حقیقت را تأیید می‌کنند (مراجعه شود به یعقوب ۱۴: ۱۴ الی ۱۵، ۱۹: ۲۵ الی ۲۷، مزامیر ۲۳: ۶، اشعیا ۲۵: ۶ الی ۹، ۲۶: ۱۴ الی ۱۹، دانیال ۱۲: ۲). با این وجود، زندگی پس از مرگ در عهد عتیق یک واقعیت پنهان است. افشاگریهای مترقیانه عهد جدید این واقعیت را روشن کرده و توضیح می‌دهد، ولی هنوز با زبان استعاره بوده و پنهان است. بهشت وعده حتمی و حقیقت است، ولی ماهیت دقیق است یک راز است.

■ "در کتاب موسی" عیسی تصریح می‌کند که منشا تثنیه موسی است. همچنین این سوال انتظار پاسخ "بله" را دارد.

موضوع خاص: اقتدار اسفار پنجگانه موسی

(SPECIAL TOPIC: MOSES' AUTHORSHIP OF THE PENTATEUCH)

۱. انجیل به تنهایی اسمی از نویسنده نمی‌آورد (همینطور هم بیشتر کتب عهد عتیق). کتاب پیدایش، همانند عزرا، نحیا یا آن طور که ما اعمال رسولان را قسمت بندی می‌کنیم، تقسیم بندی ندارد.
۲. سنتهای یهودی
- a. نویسندگان باستانی یهودی می‌گویند که موسی آن را نوشته است

- i. *Ecclesiasticus* نوشته Ben Sirah، ۲۴: ۲۳، نوشته شده حدوداً ۱۸۵ قبل از میلاد
- ii. *Baba Bathra*، ۱۴ ب، بخشی از تلمود که در مورد نویسندگی سنتی کتب عتیق می گوید
- iii. فیلو از اسکندریه، مصر، یک فیلسوف یونانی که حدود ۲۰ قبل از میلاد تا ۴۲ میلادی زندگی می کرد
- iv. فلاویوس جوزفوس، مورخ یهودی که حدود ۳۷ تا ۷۰ میلادی زندگی می کرد
- b. یهوه حقیقت را بر موسی آشکار می کند
- i. گفته شده که موسی برای مردم نوشته است
۱. خروج ۱۷: ۱۴
۲. خروج ۲۴: ۴ و ۷
۳. خروج ۳۴: ۲۷ و ۲۸
۴. اعداد ۳۳: ۲
۵. تثنیه ۳۱: ۹ و ۲۲ و ۲۴ الی ۲۶
- ii. گفته شده که خدا از طریق موسی با مردم صحبت کرده است
۱. تثنیه ۵: ۴ الی ۵ و ۲۲
۲. تثنیه ۶: ۱
۳. تثنیه ۱۰: ۱
- iii. گفته شده که موسی کلام تلمود را برای مردم گفته است
۱. تثنیه ۱: ۱ و ۳
۲. تثنیه ۵: ۱
۳. تثنیه ۲۷: ۱
۴. تثنیه ۲۹: ۲
۵. تثنیه ۳۱: ۱ و ۳۰
۶. تثنیه ۳۲: ۴۴
۷. تثنیه ۳۳: ۱
- c. نویسندگان عهد عتیق آن را متعلق به موسی می دانند
- i. یوشع ۸: ۳۱
- ii. دوم پادشاهان ۱۴: ۶
- iii. عزرا ۶: ۱۸
- iv. نحمیا ۸: ۱، ۱۳: ۱ الی ۲
- v. دوم تواریخ ۲۵: ۴، ۳۴: ۱۲، ۳۵: ۱۲
- vi. دانیال ۹: ۱۱
- vii. ملاکی ۴: ۴
۳. سنتهای مسیحی
- a. عیسی گفته های تورات را منتسب به موسی می داند
- i. انجیل متی ۸: ۴، ۱۹: ۸
- ii. انجیل مرقس ۱: ۴۴، ۷: ۱۰، ۱۰: ۱۰، ۱۲: ۲۶
- iii. انجیل لوقا ۵: ۱۴، ۱۶: ۳۱، ۲۰: ۳۷، ۲۴: ۲۷، و ۴۴
- iv. انجیل یوحنا ۵: ۴۶ الی ۴۷، ۷: ۱۹ و ۲۳
- b. سایر نویسندگان عهد جدید گفته های تورات را منتسب به موسی می دانند
- i. انجیل لوقا ۲: ۲۲
- ii. اعمال رسولان ۳: ۲۲، ۱۳: ۳۹، ۱۵: ۱ و ۱۵ الی ۲۱، ۲۲: ۲۶، ۲۸: ۲۳
- iii. رومیان ۱۰: ۱ و ۱۹
- iv. اول قرنتیان ۹: ۹

v. دوم قرن تیان ۳: ۱۵

vi. عبرانیان ۱۰: ۲۸

vii. مکاشفه ۱۵: ۳

c. اکثر پدران کلیساهای اولیه اقدار موسی را پذیرفته‌اند. با این وجود، ایرنئاسیون، کلمنت اسکندریه، اورینگن، و ترتولیان در مورد رابطه موسی با قالب شرعی پیدایش سولاتی دارند (مراجعه شود به D2 صفحه ۳).

۴. اساتید مدرن

a. بدیهی است که اضافات ویراستاری بر تورات اعمال شده است (ظاهراً برای اینکه کار باستانی برای خوانندگان معاصر قابل درک‌تر شود، که از خصایص کاتبین مصری است).

i. پیدایش ۱۲: ۶، ۱۳: ۷، ۱۴: ۱۴، ۲۱: ۳۴، ۳۲: ۳۶، ۳۱: ۴۷، ۱۱

ii. خروج ۱۱: ۳، ۱۶: ۳۶

iii. اعداد ۱۲: ۳، ۱۳: ۲۲، ۱۵: ۲۲ الی ۲۳، ۲۱: ۱۴ الی ۱۵، ۳۲: ۳۳

iv. تثبیه ۳: ۱۴، ۳۴: ۶

b. کاتبین باستانی بسیار تحصیل کرده و آموزش دیده بودند. روشهای آنان کشور به کشور تفاوت داشت:

i. در بین النهرین، آنها دقت می‌کردند که چیزی را تغییر ندهند، و حتی کنترل می‌کردند که کارشان دقیق باشد. این پی‌نویس یک کتاب سامری مربوط به سال ۱۴۰۰ قبل از میلاد است: "کار ابتدا تا به انتها به پایان رسیده، نسخه‌برداری شده، بازبینی شده، مقایسه شده و نشان به نشان تأیید گردید".

ii. در مصر، آزادانه متون باستانی را مورد تجدید نظر قرار می‌دادند و آنها را برای خوانندگان معاصر بازنویسی می‌کردند. کاتبین قمران (کتیبه بحرالمیت) از این شیوه استفاده کردند.

c. اساتید قرن ۱۹ نظریه‌ای داشتند که تورات ترکیبی از اسناد، از منابع مختلف است که یک دوره زمانی گسترده گردآوری شده است (Graff-Wellhausen). این نظریه بر اساس موارد زیر است:

i. اسامی متفاوت برای خدا

ii. دوگانگیهای ظاهری در متن

iii. حالت مفهومی مطالب

iv. الهیات مطالب

d. منابع و تاریخ‌های متصور

i. منبع J (استفاده یهوه در جنوب اسرائیل) - ۹۵۰ قبل از میلاد

ii. منبع E (استفاده الوهیم در شمال اسرائیل) - ۸۵۰ قبل از میلاد

iii. منبع JE ترکیب آنها - ۷۵۰ قبل از میلاد

iv. منبع D - ۶۲۱ قبل از میلاد (کتاب قانون، دوم پادشاهان ۸: ۲۲، در طول دوران اصلاحات جوسیا در زمان تعمیر و مرمت معبد کشف شد که ظاهراً کتاب تثبیه بود)

v. منبع P (بازنویسی کشیشانه عهد عتیق، به خصوص آئین‌ها و فرایندها) - ۴۰۰ قبل از میلاد

e. بدیهی است که اضافات ویراستاری بر تورات اعمال شده است. یهودیان تصریح می‌کنند که این:

i. کاهن اعظم (یا فرد دیگری از خانواده او) در زمان نگارش

ii. ارمیای پیامبر

iii. عزرائی کاتب - اسدراش چهارم می‌گوید که او بازنویسی کرد زیرا نسخه اصلی در سقوط اورشلیم در سال ۵۸۶ قبل از میلاد نابود شده بود

f. با این وجود، نظریه J. E. D. P. بیشتر در مورد مفاهیم مدرن نظریات و طبقه‌بندیهای آنها می‌گوید تا شواهدی از تورات (R. K. Tyndale's Commentaries, Harrison, Introduction to the Old Testament, صفحات ۴۹۵ الی ۵۴۱ و "Leviticus" صفحات ۱۵ الی ۲۵).

g. مشخصه‌های کتاب مقدس عبری

i. دوتا بودن، همانند پیدایش ۱ و ۲، در عبری متداول هستند. معمولاً توصیف کلی داده می‌شود، و بدنبال آن موضوع خاصی بیان می‌گردد. این ممکن است تاکیدی بر حقیقت باشد و یا راهی برای بخاطر سپردن گفته‌های شفاهی

ii. روحانیون باستانی دو نام متداول برای خدا می‌گفتند که اهمیت الهیاتی دارند:

۱. یهوه (YHWH) - نام قراردادی برای خدا زیرا او به عنوان نجات دهنده و رستگار کننده اسرائیل است

۲. الوهیم - نام الهی به عنوان خالق، تامین کننده و پایدار نگاهدارنده زندگی بر روی زمین (مراجعه شود به مزامیر ۱: ۱۹ الی ۶، ۱۰۴)

iii. در مکتوبات و نوشته‌های خاور نزدیک تنوع شیوه نگارش و ادبیات نگارشی متداول است (مراجعه شود به R. K. Harrison صفحات ۵۲۲ الی ۵۲۶)

h. نظریه دیگری هست که می‌گوید کاتبینی (در بخش‌های مختلف اسرائیل) بودند که همزمان بر روی بخش‌های مختلف اسفار پنجگانه تحت مدیریت سموئیل کار می‌کردند (مراجعه شود به اول سموئیل ۲۵: ۱۰). این نظریه ابتدا توسط E. Robertson در کتاب The Old Testament Problem مطرح شد.

۵. شواهد باستانی از خاور نزدیک دلالت بر این دارند که موسی از خط میخی و شیوه بیان سنتی بین النهرینی برای نگارش پیدایش استفاده کرده است. این به هیچ وجه دلالت بر فقدان الهام و وحی ندارد، بلکه تلاشی است برای توضیح مفهوم پدیده کتاب اول (مراجعه شود به P. J. Wiseman's New Discoveries in Babylonia about Genesis).

در آغاز پیدایش ۳۷، یک مشخصه نفوذ سبک، حالت و نحو مصری به نظر می‌رسد موسی یا از محصولات ادبی و یا سنتهای شفاهی آن روزگار اسرائیل هم در مصر و هم در بین النهرین استفاده کرده است. تحصیلات رسمی موسی کلا مصری بود. فرمت ادبی اسفار پنجگانه مشخص نیست، هر چند ممکن است که کاتبین و یا از سنتهای کتبی و یا شفاهی استفاده کرده باشد. نوشته‌های او توسط کاتبین بعدی به روز شدند. تاریخی و قابل اعتماد بودن این چند کتاب اول عهد عتیق توسط باستان‌شناسان عصر مدرن ترسیم شده است.

■ "من هستم خدای ابراهیم" این اشاره به کتاب خروج ۲: ۲ الی ۶ یک بازی با زمان مصدر "بودن" است. یک حالت این فعل (یعنی سبب شونده) تبدیل به نام پیمان برای خدای اسرائیل است. یهوه (مراجعه شود به کتاب خروج ۱۴: ۳). این عنوان دلالت بر آن دارد که خدا همیشه بوده و یکتا بوده است. چون او زنده است، پس مردمانش نیز زنده هستند (مراجعه شود به انجیل مرقس ۲۷: ۱۲، مزامیر ۱۵: ۱۰۳ الی ۱۷، اشعیا ۶: ۴۰ الی ۸، اول پطرس ۲۴: ۱ الی ۲۵). توجه کنید که عیسی واقعیت زندگی پس از مرگ را از نوشته‌های موسی تأیید می‌کند، که تنها بخش شریعت موسی است که این صدوقیان آن را به عنوان مرجع اقتدار برای دکترین خویش پذیرفته اند.

NASB: انجیل مرقس ۲۸: ۱۲ الی ۳۴

۲۸ یکی از علمای دین نزدیک آمد و گفتگوی آنها را شنید. چون دید که عیسی پاسخی نیکو به آنها داد، از او پرسید: "کدام یک از احکام، مهمترین همه است؟" ۲۹ عیسی به او فرمود: «مهمترین حکم این است: "بشنو ای اسرائیل، خداوند خدای ما، خداوند یکتاست. ۳۰ خداوند خدای خود را با تمامی دل و با تمامی جان و با تمامی فکر و با تمامی قوت خود محبت کن." ۳۱ دومین حکم این است: "همسایهات را همچون خویشتن محبت کن." بزرگتر از این دو حکمی نیست. ۳۲ آن عالم دین به او گفت: «نیکو فرمودی، استاد! براستی که خدا یکی است و جز او خدایی نیست، ۳۳ و به او با تمامی دل و با تمامی عقل و با تمامی قوت خود مهر ورزیدن و همسایه خود را همچون خویشتن محبت کردن، از همه هدایای تمام سوز و قربانیها مهمتر است. ۳۴ چون عیسی دید که عاقلانه پاسخ داد، به او فرمود: «از پادشاهی خدا دور نیستی.» از آن پس، دیگر هیچ کس جرأت نکرد چیزی از او بپرسد.

۱۲: ۲۸ "علمای دین" اینان اغلب افراد غیر کشیش (لاوی نبودند) بودند که در سنتهای شفاهی (یعنی تلمود) یهود عالم شده بودند. در عهد عتیق، لاویان نوشته‌های مقدس را برای مردم تفسیر می‌کردند (مراجعه شود به نحما ۸). همانطور که کنیسه‌های محلی در میان تبعیدیان بابل بسط می‌یافت، نقش معلمین محلی و مفسرین اهمیت بیشتری پیدا می‌کرد. تا روزگار عیسی بیشتر این علما فریسیان بودند. آنان از نظر تاریخی (پس از تخریب معبد) تبدیل به ربیهای یهودیت شدند. موضوع خاص در بخش مربوط به انجیل مرقس ۲: ۶ را مطالعه کنید.

■ "گفتگوی آنها را شنید" به نظر می‌رسد که همسوی این در انجیل متی ۲۲: ۳۴ الی ۳۵ دلالت بر انگیزه‌های نهانی دارد، ولی انجیل مرقس دلالت بر این دارد که او واقعا به سوالات دینی علاقمند بود.

۱۲: ۲۹ "بشنو" عیسی از کتاب تثنیه ۶: ۴ الی ۵ نقل قول میکند، ولی نه از متون مازراتی در انجیل یونانی (همسوی آن در انجیل متی ۲۲: ۳۷ به متن مازراتی نزدیکتر است، ولی نه دقیقا). نقل قول عیسی عبارتی را به هم متن یونانی مازراتی و هم انجیل یونانی اضافه می‌کند. این متن خاص در هیچکدام از متون عهد عتیق وجود ندارد. نسخه LXX کلمه عبری "دل" را به "فکر" یا "درک" تغییر داده است. ولی این نقل قول عبارت "با تمام فکر و توجه" را به یک عبارت سه بخشی (قلب، روح و قدرت) در نوشته‌های مازراتی و LXX اضافه می‌کند. نسخه NJB این عبارت را به عنوان اینکه بخشی از عهد عتیق نیست چاپ کرده است (یعنی به صورت مایل یا ایتالیک نیست). جالب است که نسخه یونیکال یونانی D (یعنی بزاعی) مربوط به قرن پنجم عبارت "با تمام فکرت" را کلا حذف کرده است. به نظر می‌رسد که این اصل باشد، زیرا با پاسخ علما در انجیل مرقس ۱۲: ۳۳ مطابقت دارد.

در همسوی انجیل متی (یعنی ۲۲: ۳۲) متی از عیسی نقل قول می‌کند که می‌گوید "با تمامی دل و با تمامی عقل و با تمامی روح". در اینجا عبارت عبری "با تمامی قوت" خارج شده است. خیلی جالب است که انجیل متی و مرقس با یکدیگر و با هم متون مازراتی و LXX هم عقیده نیستند. این یک مثال کامل در مورد بی‌اعتباری بسیاری از نقل قولهای عهد عتیق در عهد جدید است (حتی آنانی که به عیسی نسبت داده می‌شوند). در اینجا است که دقیق بودن غیر ممکن می‌شود. تمامی آنان (یعنی LXX، انجیل متی و انجیل مرقس) منعکس کننده مفهوم کلی نقل قول از موسی هستند.

این متن عهد عتیقی (یعنی کتاب تثنیه ۶: ۴ الی ۵) شما (Shema) نامیده می‌شود که کلمه عبری به معنی "شنیدن" است. این به معنی شنیدن به منظور انجام دادن است. تبدیل به تأیید یهود بر یکتاپرستی شده است. همه روزه و در هر شبات یهودیان مومن او را عبادت می‌کنند. متون دیگری در مورد یکتا و واحد بودن خدا در گفته‌های پیامبران هست، ولی این یکی در نوشته‌های موسی است (یعنی کتب پیدایش تا تثنیه) و بنابراین، تعهدی بر تمامی شنوندگان عیسی (یعنی صدوقیان و فریسیان).

۱۲:۳۰ پاسخ عیسی نشان می‌دهد که دو جنبه بر فرامین اولیه خدا وجود دارند: (۱) یکتا بودن و وحدانیت خدا و (۲) تعهد کامل ما بر او و فقط او.

■ "قلب" به موضوع خاص در بخش مربوط به انجیل مرقس ۲:۶ مراجعه شود.

۱۲:۳۱ "همسایهات را همچون خویشین محبت کن" این نقل قولی از لایوان ۱۹: ۱۸ در نسخه یونانی انجیل است. عیسی حقایق الهیاتی را به نیازهای اخلاقی و عملی مرتبط می‌کرد (مراجعه شود به زکریا ۷ الی ۸). غیر ممکن است که خدا را دوست داشت و از آنانی که بر اساس تصویر او خلق شده‌اند نفرت داشت (مراجعه شود به اول یوحنا ۲: ۹ الی ۱۱، ۳: ۱۵، ۴: ۲۰).

اگر خود را دوست نداشته باشید، غیر ممکن است که همسایه خود را همانند خود دوست داشته باشید (یعنی خواهر یا برادر هم پیمان). ما مخلوقات او هستیم، و بر اساس تصویر او زینت یافته‌ایم (مراجعه شود به پیدایش ۱: ۲۶ و ۲۷). ما باید از نعمات خود لذت ببریم و شرایط فیزیکی، ذهنی و روانی خود را بپذیریم (مراجعه شود به مزامیر ۱۳۹). انتقاد از خود انتقاد از خالق ما است! او می‌تواند از گمراهی ما را تبدیل به انعکاس شکوه خود کند (یعنی شبیه مسیح بودن).

مسیحیت شامل یک تعهد و ایمان فردی به خدا از طریق مسیح است. با یک تصمیم اختیاری برای توبه و ایمان آغاز می‌شود. با این حال، منجر به یک تجربه خانوادگی می‌شود. برای یک هدف مشترک نعمتی به ما داده شده است (مراجعه شود به اول قرنتیان ۱۲: ۷). ما بخشی از بدن مسیح هستیم. چگونه رفتار کردن ما با دیگران نشان دهنده میزان وقف کردن خود به مسیح است. یکتا بودن خدا و خلقت انسان از تصویری از خدا و همانند مسیح بودن نیازمند پاسخ مناسب به خدا و سایر انسانها است (مخصوصا کسانی که مومن هستند).

■ "بزرگتر از این دو حکمی نیست" این اظهار برای کسانی که به قوانین و احکام بسیار سخت است (مراجعه شود به رومیان ۱۴: ۱ الی ۱۵: ۳) که بپذیرند. با عشق کامل به خدا و برادران هم پیمان (و حتی گمراهان) هیچ قانونی وجود ندارد. قوانین برای تغییر دادن قلب و فکر هستند، آنان خدایی بودن را ایجاد نمی‌کنند!

۱۲: ۳۲ الی ۳۳ "او... به او" این ضمائر اشاره به یهوه دارند. به واسطه کتاب خروج ۲۰: ۷، بیشتر یهودیان نمی‌توانند نام پیمان خدا را تکرار کنند.

■ "جز او خدایی نیست" این عبارت وجود سایر موجودات روحانی همچون فرشتگان را نفی نمی‌کند این به مفهوم افعی کلمه بدین معنی است که هیچ کس جلوتر و در کنار یهوه نیست. او یک طبقه بندی منحصر به فرد است (مراجعه شود به کتاب خروج ۸: ۱۰، ۹: ۱۴، کتاب تثنیه ۴: ۳۵ و ۳۹). این عالم یگانه بودن خدا را بیان می‌کرد.

۱۲: ۳۳ "محبت کردن، از همه هدایای تمام‌سوز و قربانیها مهمتر است" این عالم درک عظیمی درباره ایمان و آداب و مراسم مذهبی داشت (مراجعه شود به اول سموئیل ۱۵: ۲۲، اشعیا ۱۱: ۱ الی ۱۴، هوشع ۶: ۶، عاموس ۵: ۲۱ الی ۲۴، میکاه ۶: ۶ الی ۸). این به معنی کم بها کردن مراسم معبد نبود، بلکه برای تصریح این بود که انگیزه مناسب و ایمان مهم و حساس هستند (ملحق شدن به بینش نبوتی و کشیشانه).

۱۲: ۳۴ "از پادشاهی خدا دور نیستی" این بیان شیوه دیگری بود که عیسی محوریت پاسخ فوری ایمان بلافاصله به خود را تصریح می‌کرد. پس پادشاهی در دسترس است (از طریق ایمان به عیسی)، نه جایی در آینده. هر چند این مرد الهیات عهد عتیق را درک کرده بود، ولی بدون قراردادن ایمان خود به مسیح در مکان درستی با خدا قرار نداشت. الهیات درست رستگاری را تضمین نمی‌کند! دانستن انجیل رستگاری را تضمین نمی‌کند! اجرای اعمال و فرائض مذهبی رستگاری را تضمین نمی‌کند. ایمان به مسیح این کار را می‌کند!

NASB: انجیل مرقس ۱۲: ۳۵ الی ۳۷

۳۵ هنگامی که عیسی در صحن معبد تعلیم می‌داد، پرسید: «چگونه است که علمای دین می‌گویند مسیح پسر داوود است؟^{۳۶} داوود، خود به الهام روح القدس گفته است: "خداوند به خداوند من گفت: «به دست راست من بنشین تا آن هنگام که دشمنانت را کرسی زیر پایت سازم»."^{۳۷} اگر داوود خود، او را خداوند می‌خواند، او چگونه می‌تواند پسر داوود باشد؟» انبوه جمعیت با خوشی به سخنان او گوش فرا می‌دادند.

۱۲:۳۵ "چگونه است که" این فصل یک سری سوالات را ثبت کرده است

۱. از سانهدرین (انجیل مرقس ۱۱: ۲۷ الی ۱۲: ۱۲)

۲. از فریسیان و هیرودیان (انجیل مرقس ۱۲: ۱۳ الی ۱۷)

۳. از صدوقیان (انجیل مرقس ۱۲: ۱۸ الی ۲۷)

۴. از علما و کاتبین (انجیل مرقس ۱۲: ۲۸ الی ۳۴)

۵. از عیسی (انجیل مرقس ۱۱: ۲۹ الی ۳۳ و ۳۵ الی ۳۷)

اینک عیسی از آنان سوالی می پرسد، همانگونه که در انجیل مرقس ۱۱: ۲۹ الی ۳۰ پرسید. این روش پرسش و پاسخ شیوه روحانیون و ربیهای یهود است.

■ " مسیح پسر داوود است " انجیل متی ۱۲: ۲۳ به بعد، ۱۵: ۲۱، دوم سموئیل ۷: ۱۱ الی ۱۶ را بخوانید و آنها را با مزامیر ۱۱۰: ۱ مقایسه کنید. عیسی سعی میکرد که به رهبران مذهبی نزدیک شود. او به آنان علاقه داشت بنابراین از شیوه برهان و تفسیر آنان استفاده می کرد. آنان نور زیادی داشتند ولی در عین حال سنتها آنان را کور کرده بود.

۱۲: ۳۶ " داوود، خود به الهام روح القدس گفته است " این الهام مرموز ۱۱۰ توسط روح القدس را تصریح می کند. انجیل حقیقت الهی است (از روح القدس)، ولی به زبان و فرهنگ نویسندگان نوشته شده است.

■ " خداوند به خداوند من گفت " (در نسخه انگلیسی برای هر دو مورد کلمه Lord ذکر شده ولی در ترجمه فارسی خداوند نوشته شده - مترجم) این نقل قولی از مزامیر ۱۱۰: ۱ از انجیل یونانی است. در عبری اولین " Lord " (در ترجمه انگلیسی تماما با حروف بزرگ نوشته شده) به همان شیوه نگارش کلمه یهوه (YHWH) ترجمه و نوشته شده است. این شیوه نگارش بدین دلیل است که یهودیان در استفاده و ذکر نام الهی بسیار محتاط بودند. بنابراین در زمان خواندن متن به صدای بلند، وقتی به نام یهوه می رسند، بجای آن اصطلاح عبری Adon به معنی ارباب، شوهر، مالک (Lord) را به کار می برند. در زبان یونانی این به Kurios ترجمه می شود. این تمایز در متن یونانی جایی که kurios هم برای یهوه و هم adon ترجمه می شود، دیده نمی شود.

موضوع خاص: اسامی خدا

(SPECIAL TOPIC: NAMES FOR DEITY)

۱. El (BDB 42, KB 48)

- a. ریشه باستانی نام برای خدا قطعی نیست، هر چند، بسیاری از اساتید معتقدند که از ریشه Akkadian به معنی "قوی بودن" یا قدرتمند بودن می آید (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱۷: ۱، کتاب اعداد ۲۳: ۱۹، کتاب تثنیه ۷: ۲۱، مزامیر ۵۰: ۱).
- b. در زیارتگاه کنهانیان بالاترین خدا El (متون Ras Shamra) است، به معنی "پدر خدایان" و "ارباب بهشت".
- c. در انجیل El اغلب با سایر اصطلاحات ترکیب میشود. این ترکیب شدن تبدیل به شیوه ای برای مشخصه خدا شده اند.
 - i. El-Elyon (خدای والاترین، BDB 42 & 751 II)، کتاب پیدایش ۱۴: ۱۸ الی ۲۲، کتاب تثنیه ۳۲: ۸، اشعیا ۱۴: ۱۴
 - ii. El-Roi ("خدایی که میبیند" یا "خدایی که خود را آشکار میکند"، BDB 42 & 909)، کتاب پیدایش ۱۶: ۱۳
 - iii. El-Shaddai ("خداوند متعال"، یا "خدای تمامی شفقتها" یا "خدای کوه"، BDB 42 & 994)، کتاب پیدایش ۱۷: ۱، ۳۵: ۱۱، ۴۳: ۱۴، ۴۹: ۲۵، کتاب خروج ۶: ۳
 - iv. El-Olam ("خدای جاویدان"، BDB 42 & 761)، کتاب پیدایش ۲۱: ۳۳. از منظر ایهیات این اصطلاح به وعده خدا به داوود مرتبط است، دوم سموئیل ۷: ۱۳ و ۱۶
 - v. El-Berit ("خدای پیمان"، BDB 42 & 136) داوران ۹: ۴۶
- d. El برابر با
 - i. یهوه در اعداد ۲۳: ۸، مزامیر ۱۶: ۱ الی ۲، ۸۵: ۸، اشعیا ۴۲: ۵
 - ii. الوهیم در کتاب پیدایش ۴۶: ۳، یعقوب ۵: ۸، "من El هستم، الوهیم پدر شما"
 - iii. Shaddai در کتاب پیدایش ۴۹: ۲۵، اعداد ۲۴: ۴ و ۱۶
 - iv. "حسادت" در کتاب خروج ۳۴: ۱۴، کتاب تثنیه ۴: ۲۴، ۵: ۹، ۶: ۱۵
 - v. "رحم" در کتاب تثنیه ۴: ۳۱، نحما ۹: ۳۱
 - vi. "بزرگ و حیرت انگیز" در کتاب تثنیه ۷: ۲۱، نحما ۱: ۵، ۹: ۳۲، دانیال ۹: ۴
 - vii. "آگاهی" در اول سموئیل ۲: ۳
 - viii. "پناهگاه قوی من" در دوم سموئیل ۲۲: ۳۳
 - ix. "انتقام گیرنده من" در دوم سموئیل ۲۲: ۴۸

x. "آن مقدس" در اشعیا ۵: ۱۶

.xi "قدرت" در اشعیا ۱۰: ۲۱

.xii "رستگاری من" در اشعیا ۱۲: ۲

.xiii "قوی و قدرتمند" در ارمیا ۳۲: ۱۸

.xiv "مجازات" در ارمیا ۵۱: ۵۶

e. ترکیب تمامی اسامی مهم عهد عتیق برای خدا در یوشع ۲۲: ۲۲ یافت میشوند (El، الوهیم، یهوه، مجموعه تکرار میشود)

.۲ Elyon (BDB 751, KB 832)

a. معنی اصلی آن "بالا"، "عالی" یا "بالا برده شده" است (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۴۰: ۱۷، اول پادشاهان ۹: ۸، دوم پادشاهان ۱۷: ۱۸، نحما ۳: ۲۵، ارمیا ۲۰: ۲، ۳۶: ۱۰، مزامیر ۱۸: ۱۳).

b. از آن به عنوان مفهوم همسو برای چندین اسم دیگر خدا استفاده شده است

i. الوهیم - مزامیر ۴۷: ۱ الی ۲، ۷۳: ۱۱، ۱۰۷: ۱۱

ii. یهوه - کتاب پیدایش ۱۴: ۲۲، دوم سموئیل ۲۲: ۱۴

iii. El-Shaddai - مزامیر ۹۱: ۹ و ۱

iv. El - اعداد ۲۴: ۱۶

v. اله - اغلب در کتاب دانیال ۲ الی ۶ و عزرا ۴ الی ۷ استفاده شده است، و مرتبط با Ilair (اصطلاح آرامی برای "خدای والا") در دانیال ۳: ۲۶، ۴: ۲، ۵: ۱۸ و ۲۱ میباشد.

c. اغلب توسط غیر اسرائیلیها از آن استفاده می شود

i. ملکیزد، کتاب پیدایش ۱۴: ۱۸ الی ۲۲

ii. بلام، کتاب اعداد ۲۴: ۱۵

iii. موسی، زمانی که در کتاب تثنیه ۳۲: ۸ از قوم صحبت می کند

iv. انجیل لوقا در عهد جدید، هنگامی که خطاب به کفار می نویسد، همچنین از اصطلاح معادل یونانی Hupsistos استفاده

می کند (مراجعه شود به ۱: ۳۲ و ۳۵ و ۷۶، ۶: ۳۵، ۲۸: ۸، اعمال رسولان ۷: ۴۸، ۱۶: ۱۷)

.۳ الوهیم (حالت جمع) - الوها (حالت مفرد)، اساسا در اشعار استفاده می شود (BDB 43, KB 52).

a. این اصطلاح در خارج از عهد عتیق دیده نمیشود

b. این کلمه میتواند به معنی خدای اسرائیل یا خدای اقوام باشد (مراجعه شود به کتاب خروج ۳: ۶، ۲۰: ۳). خانواده ابراهیم چندین خدا را می پرستیدند (مراجعه شود به یوشع ۲۴: ۲).

c. می تواند اشاره به داوران اسرائیلی باشد (مراجعه شود به کتاب خروج ۲۱: ۶، مزامیر ۸۲: ۶)

d. اصطلاح الوهیم در مورد سایر موجودات روحانی (فرشتگان، شیاطین) در کتاب تثنیه ۳۲: ۸ (LXX)؛ مزامیر ۸: ۵، یعقوب ۱: ۶، ۳۸: ۷ نیز استفاده شده است

e. در انجیل این نخستین عنوان/نام برای خدا بود (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱: ۱). تا کتاب پیدایش ۲: ۴ انحصارا از این اصطلاح استفاده شده است، جایی که با یهوه ترکیب میشود. اساسا (از دیدگاه الهیات) اشاره به خدا به عنوان خالق، نگه دارنده، و ایجاد کننده زندگی در این این سیاره دارد (مراجعه شود به مزامیر ۱۰۴).

مترادف با El است (مراجعه شود به کتاب تثنیه ۳۲: ۱۵ الی ۱۹). همچنین همسو با یهوه در مزامیر ۱۴ است (الوهیم، ۱، ۲، ۵، یهوه ۲ و ۶، حتی آدون آیه ۴).

f. هر چند این کلمه جمع است و در مورد سایر خدایان استفاده میشود، این اصطلاح اغلب به خدای اسرائیل دلالت دارد، ولی معمولا فعل مفرد برای آن استفاده میشود تا دلالت بر کاربرد یکتا پرستی آن داشته باشد (به موضوع خاص: یکتا پرستی مراجعه شود).

g. خیلی عجیب است که اصطلاح متداول برای خدای یگانه اسرائیل جمع است (همچنین به "ما" در کتاب پیدایش ۱: ۲۶، ۳: ۲۲، ۱۱: ۷ توجه کنید). هر چند هیچ قطعیتی وجود ندارد، نظریاتی وجود دارند:

i. در زبان عبری کلمات جمع زیادی وجود دارند که از آنها برای تاکید استفاده میشود. چیزی که به این حالت نزدیک است در زبان عبری حالت دستور زبانی است که جمع شاهانه نامیده میشود، که حالت جمع برای بزرگ نمایی مفهوم به کار میرود.

ii. این میتواند اشاره به شورای فرشتگان داشته باشد که خدا در بهشت با آنان ملاقات می کند و فرامینش را به آنان می گوید (مراجعه شود به اول پادشاهان ۲۲: ۱۹ الی ۲۳، یعقوب ۱: ۶، مزامیر ۸۲: ۱، ۸۹: ۵ و ۷)

iii. حتی ممکن است منعکس کننده مکاشفه خدا در عهد جدید در قالب یک خدا به شکل سه فرد باشد. در کتاب پیدایش ۱:۱ خدا خلق می‌کند، کتاب پیدایش ۲ روح مقدس است و در عهد جدید عیسی نماینده خدای پدر آفریننده است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱:۳ و ۱۰، رومیان ۱۱:۳۶، اول قرنتیان ۸:۶، کولسیان ۱:۱۶، عبرانیان ۱:۲، ۲:۱۰)

۴. یهوه (BDB 217, KB 394)

a. این اسمی است که منعکس کننده خدا به عنوان خدای خالق پیمان است، خدا به عنوان ناجی و رهایی بخش. انسانها پیمان شکنی میکنند، ولی خدا به عهد، کلام، وعده و پیمان خود پایبند است (مراجعه شود به مزامیر ۱۰۳).

کتاب پیدایش ۲:۴ الی ۳:۲۴ با مکاشفه خاصی درباره جایگاه برتر و هدف نوع بشر، و همچنین مسئله گناه و شورشی که به واسطه جایگاه خاص او بود، آغاز میشود.

b. در کتاب پیدایش ۴:۲۶، گفته میشود "انسانها شروع به فراخواندن نام خدا (یهوه) کردند". با این حال، کتاب خروج ۶:۳ دلالت بر این دارد که نخسین انسانهای مطیع پیمان (خان سالاران و خانواده ایشان) خدا را فقط به عنوان *El Shaddai* می‌شناختند. نام یهوه فقط یک مرتبه در کتاب خروج ۳:۱۳ الی ۱۶ و به خصوص آیه ۱۴ ذکر شده است. با این حال، نوشته‌های موسی اغلب با استفاده از شیوه‌های مرسوم بازی با کلمات تفسیر میکند، نه از طریق روشهای ریشه یابی لغات (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱۷:۵، ۲۷:۳۶، ۲۹:۱۳ الی ۳۵). نظریات متعددی در خصوص معنی این کلمه وجود دارد (به نقل از IDB جلد دوم صفحات ۴۰۹ الی ۴۱۱).

i. از ریشه عربی "نشان دادن عشق پرشور"

ii. از ریشه عربی "دمیدن" (یهوه به عنوان خدای توفان)

iii. از ریشه اوگاریت (کنعانی) به معنی "سخن گفتن"

iv. بر اساس یک سنگ نبشته فنیقیه ای، صفت فاعلی به معنی "کسی که حمایت میکند"، یا "آن که برپا میکند"

v. از حالت Qal عبری، "آن یگانه ای که هست..."، یا "آن یگانه ای که حاضر است" (در حالت زمان آینده "آن یگانه ای که خواهد بود")

vi. از Hiphil عبری به معنی "آن که باعث وجود داشتن است"

vii. از ریشه عبری "زندگی کردن" (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۳:۲۱)، به معنی "همیشه زنده، آن یگانه ای که همیشه زنده است"

viii. از متن کتاب خروج ۱۳:۳ الی ۱۶ حالت غیر کامل استفاده شده در فعل زمان کامل، "باید به آنچه که قبلا بودم همچنان ادامه دهم" یا "من همانی خواهم بود که همیشه بوده ام" (مراجعه شود به *A Survey of Syntax in the Old Testament* اثر J. Wash Watts صفحه ۶۷). اسم کامل یهوه اغلب به صورت اختصار یا احتمالا به صورت اولیه استفاده می‌شود.

۱. Yah (به عنوان مثال، Hallelu – yah, BDB 219)، مراجعه شود به کتاب خروج ۱۵:۲، ۱۷:۱۶، مزامیر ۸۹:۸، ۱۰۴:۳۵)

۲. Yahu ("iah") پسوند اسم مثلا اشعیا (Isaiah)

۳. Yo ("Jo") پیشوند اسم، مثلا جاشوا (Joshua) یا یوئیل (Joel)

c. بعدا در یهود نام این پیمان بسیار مقدس شد (تتراگرافیتون) که یهودیان از بیان آن وحشت دارند که مبادا فرمان کتاب خروج ۲۰:۷، کتاب تثنیه ۵:۱۱، ۶:۱۳ را بشکنند. بنابراین آنها این نام را با اسمی دیگری همچون "مالک"، "ارباب"، "شوهر"، "سرور" - adon یا Adonai (به معنی سرورم) جایگزین کردند. وقتی که به نام یهوه در زمان خواندن عهد عتیق میرسند آن را "سرور" تلفظ می‌کنند. به همین دلیل است که در ترجمه‌های انگلیسی بجای یهوه "سرور" نوشته میشود.

d. همانند El، اغلب یهوه با سایر اصطلاحات جهت تاکید بر مشخصه‌های خاص خدای پیمان اسرائیل ترکیب می‌شود. ترکیبات زیادی وجود دارند که در اینجا به برخی از آنها می‌پردازیم:

i. یهوه - Yireh (یهوه ارائه میکند، BDB 217 و 906)، کتاب پیدایش ۲۲:۱۴

ii. یهوه - Rophekha (یهوه شفا دهنده شما است، BDB 217 و 950، وجه وصفی *Qal*)، کتاب خروج ۱۵:۲۶

iii. یهوه - Nissi (یهوه نشان من است، BDB 217 و 651)، کتاب خروج ۱۷:۱۵

iv. یهوه - Meqaddishkem (یهوه تنها کسی که تو را تطهیر میکند، BDB 217 و 872، وجه وصفی *Piel*)، کتاب خروج ۳۱:۱۳

v. یهوه - Shalom (یهوه آرامش است، BDB 217 و 1022)، داوران ۶:۲۴

vi. یهوه - Sabbaoth (یهوه میزبان، BDB 217 و 878)، اول سموئیل ۱:۳ و ۱۱، ۴:۴، ۱۵:۲، اغلب در مورد انبیا

vii. یهوه - Ro'I (یهوه چوپان من است، BDB 217 و 944، وجه وصفی *Qal*)، مزامیر ۲۳:۱

■ "به دست راست من بنشین" (در نسخه انگلیسی "در سمت راست من بنشین" نوشته شده - مترجم) "من" اشاره به یهوه دارد. این عبارت انسانی (سخن گفتن خدا با اصطلاحات بدن انسان) برای نشان دادن مکان، قدرت و اقتدار مسیح است. این منعکس کننده این است که پادشاه جهان حکومت خود را با شخص دیگری به اشتراک می‌گذارد (مسیح، مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۴: ۶۲).

■ "تا آن هنگام که دشمنان را کرسی زیر پایت سازم" (در نسخه انگلیسی "تا آن زمان که دشمنان را زیر پایت بگذارم" ذکر شده - مترجم) این در ادامه نقل قول از مزامیر ۱۱۰: ۱ است. این عبارت پیروزی یهوه از جانب مسیح را تصریح می‌کند (مراجعه شود به مزامیر ۲). این حقیقت در اول قرن‌تبیان ۱۵: ۲۴ الی ۲۷ هم آشکار می‌شود و حتی در نهایت در جاودانگی پادشاهی پدر در اول قرن‌تبیان ۱۵: ۲۸ ادامه می‌یابد.

نقل قول مرقس (و متی ۲۲: ۴۴) از مزامیر ۱۱۰: ۱ از متن عبری مازراتی و نسخه یونانی انجیل مشتق شده است (و مرقس از کتاب تثنیه ۶: ۴ الی ۵ نقل قول مرقس ۱۲: ۲۹ الی ۳۰ نقل قول می‌کند). در MT و LXX "تا زمانی که دشمنان را کرسی زیر پایت سازم" آمده (مراجعه شود به انجیل لوقا ۲۰: ۴۳، اعمال رسولان ۲: ۲۴ الی ۲۵). کاتبین و علما (یعنی ترجمه‌های A, MSS, L و والگیت و پشیتا) نقل قول مرقس را تغییر داده‌اند تا با عهد عتیق همخوان باشد.

۱۲: ۳۷ نکته دشوار سوال این بود. نشان می‌دهد که (۱) رهبران مذهبی کتاب مقدس و حتی مسیح را درک نکرده بودند (یعنی از نظر معنوی و الهیاتی کور بودند) یا (۲) مسیح، هر چند پسر داوود بود، از نظر معنوی و الهیاتی از او والاتر بود و در واقع ریشه خدایی داشت. همانطور که آنان تلاش می‌کردند با سوالات خود عیسی را گمراه کنند، و اینک او سوالی از آنان پرسید که آنان را به سکوت وا داشت.

فکر می‌کنم شماره ۲ از نظر الهیاتی پاسخ مناسبی باشد. یهوه عهد عتیق راه مسیحی را جدای از تلاش‌های انسانی یا سنت‌های فرهنگی انتخاب کرد (تمامی بزرگان قبایل با زنان عقیم ازدواج می‌کردند و پسر بزرگتری نداشتند که وارث منتخب باشد)! این یک تصریح ظریف ولی قوی است که مسیح بزرگتر از داوود است (ارباب یا سرور داوود)، که یقیناً دلالت بر عملکرد الهی دارد.

■ "انبوه جمعیت با خوشی به سخنان او گوش فرا می‌دادند" جمعیت زیاد از مشخصه‌های تکراری انجیل مرقس است. مردم آن سرزمین که اغلب توسط نخبگان مذهبی تحقیر شده و یا دون شمرده می‌شدند (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۲: ۳۸ الی ۴۰)، از تماشای عیسی که اوضاع را در برابر مذهبیون مغرور با استفاده از شیوه‌های خودشان تغییر داده لذت می‌بردند.

NASB: انجیل مرقس ۱۲: ۳۸ الی ۴۰

۳۸ پس در تعلیم خود فرمود: «از علمای دین برحذر باشید که دوست دارند در قبای بلند راه بروند و مردم در کوچه و بازار آنها را سلام گویند،^{۳۹} و در کنیسه‌ها بهترین جای را داشته باشند و در ضیافت‌ها بر صدر مجلس بنشینند.^{۴۰} از سویی خانه‌های بیوه‌زنان را غارت می‌کنند و از دیگر سو، برای تظاهر، دعای خود را طول می‌دهند. مکافات اینان بسی سخت‌تر خواهد بود.»

۱۲: ۳۸ "از علمای دین برحذر باشید که دوست دارند" ارتباط غیر روحانی میان انجیل مرقس ۱۲: ۲۵ الی ۲۷ و انجیل مرقس ۱۲: ۳۸ الی ۴۰ قطعی نیست. بدیهی است او همان قشر رهبران را مورد خطاب قرار می‌دهد (یعنی علما و کاتبین)، ولی قطعی نیست که آیا علمای ۳۵ الی ۳۷ مورد خطاب هستند دوست دارند با تظاهر به دینداری خودنمایی کنند یا نه. به طور حتم، کلام عیسی در رابطه با صدوقیان و فریسیان بود که با تظاهر به دینداری سعی می‌کردند در جامعه برتر باشند.

■ "که دوست دارند در قبای بلند راه بروند" این اشاره به ردای سفید نخی بلند تالیت با شال آبی رنگ دارد که علما می‌پوشیدند. تلمود می‌گوید که باید در حضور ربی ایستاد. این مردان این رفتارهای خاص را دوست می‌داشتند (شال عبادت متمایز از دیگران، خوش آمد گویی همراه با احترام زیاد، بهترین مکان در زمان عبادت، و بهترین جا در زمان خوراک). همه اینها را داشتند، ولی مسیح را نداشتند.

۱۲: ۴۰ "از سویی خانه‌های بیوه‌زنان را غارت می‌کنند" این می‌تواند زبان استعاره‌ای باشد که اشاره به (۱) حجم صدقه‌ای که از همه مردم می‌خواهند یا (۲) عادت متقاعد کردن بیوه زنان در دادن اموال به ارث رسیده به معبد، دارد. در نتیجه این به شیوه‌های مختلف رهبران مذهبی برای جمع آوری پول اشاره می‌کند.

■ "از دیگر سو، برای تظاهر، دعای خود را طول می‌دهند" آنها دعا می‌خوانند تا توسط دیگران دیده شوند، نه اینکه خدا دعایشان را بشنود. دین آنان تظاهر و نمایش و برون گرایی است (مراجعه شود به اشعیا ۲۹: ۱۳، انجیل متی ۷: ۲۱ الی ۲۳، کولسیان ۲: ۱۶ الی ۲۳)، ولی آنان نعمت بزرگ خدا را ندیدند!

■ "مکافات اینان بسی سخت‌تر خواهد بود" ایمان دینی آنان نمایش برونی بود، نه ایمان درونی و فعال و عشق و خدمت به خدا (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۲: ۲۸ الی ۳۴). این عبارت می‌تواند منعکس کننده (۱) میزان مجازات (مراجعه شود به انجیل متی ۱۰: ۱۵، ۱۱: ۲۲ و ۲۴، ۱۸: ۶، ۲۵: ۲۱ و ۲۳، انجیل لوقا ۱۲: ۴۷ الی ۴۸، ۲۰: ۴۷، یعقوب ۳: ۱) باشد و یا (۲) اغراق و گزافه گویی شرقی.

موضوع خاص: اندازه پاداش و مجازات

(SPECIAL TOPIC: DEGREES OF REWARDS AND PUNISHMENT)

۱. پاسخ مناسب یا نامناسب به خدا بر اساس سطح دانش فرد است. هر اندازه میزان دانش فرد کمتر باشد، مسئولیت او نیز کمتر است. بر خلاف این امر هم درست است (مراجعه شود به انجیل لوقا ۱۲: ۴۵)
۲. دانش در مورد خدا از دو شیوه ابتدایی حاصل میشود
 - a. خلقت (مراجعه شود به مزامیر ۱۹، رومیان ۱ الی ۲)
 - b. کتاب مقدس (مراجعه شود به مزامیر ۱۹، ۱۱۹، عیسی آنطور که در عهد عتیق آشکار شد)
۳. شواهد عهد عتیق
 - a. پاداشها
 - i. کتاب پیدایش ۱۵: ۱ (معمولا همراه با پاداش زمینی، زمین و پسران همراه است)
 - ii. لاویان ۲۶: ۱ الی ۱۳، کتاب تثنیه ۲۸: ۱ الی ۱۴ و ۵۸ الی ۶۸ (اطاعت از پیمان نعمت همراه دارد)
 - iii. دانیال ۱۲: ۳
 - b. مجازاتها - لاویان ۲۶: ۱۴ الی ۳۹، تثنیه ۲۷: ۱۵ الی ۲۶، ۲۸: ۱۵ الی ۳۷ (نافرمانی از پیمان لعن و نفرین همراه دارد)
 - c. الگوی عهد عتیقی پاداش برای فرد پارسای تحت پیمان به واسطه گناه انسانی تغییر یافته است. این تغییر در یعقوب و مزامیر ۷۳ (یعنی "آن دو شیوه"، مراجعه شود به تثنیه ۳۰: ۱۵ و ۱۹، مزامیر ۱) دیده میشود. عهد جدید تمرکز را از عمل به فکر منتقل می کند (مراجعه شود به مؤتله کوه، انجیل متی ۵ الی ۷).
۴. شواهد عهد جدید
 - a. پاداشها (فراسوی رستگاری)
 - i. انجیل مرقس ۹: ۴۱
 - ii. انجیل متی ۵: ۱۲ و ۴۶، ۱ الی ۶، ۵ الی ۶، ۶ الی ۱۸، ۱۰: ۴۱ ای ۴۲، ۱۶: ۲۷، ۲۵: ۱۴ الی ۲۳
 - iii. انجیل لوقا ۶: ۲۳ و ۳۵، ۱۱: ۱۹ الی ۲۵، ۱۹ الی ۲۶
 - b. مجازاتها
 - i. انجیل مرقس ۱۲: ۳۸ الی ۴۰
 - ii. انجیل لوقا ۱۰: ۱۲، ۱۲: ۴۷ الی ۴۸، ۱۹: ۲۰ الی ۲۴، ۲۰: ۴۷
 - iii. انجیل متی ۵: ۲۲ و ۲۹، ۳۰: ۷، ۱۹: ۱۰، ۱۵ و ۲۸، ۱۱: ۲۲ الی ۲۴، ۱۳: ۴۹ الی ۵۰، ۱۸: ۶، ۲۵: ۱۴ الی ۳۰
 - iv. یعقوب ۳: ۱
۵. از نظر من تنها قیاسی که معنی می دهد، از اپرا است. من در برنامه های اپرا شرکت نمیکنم بنابراین آن را درک نمیکنم. هر قدر بیشتر در مورد سختی و پیچیدگی موسیقی و رقص می فهمیدم، بیشتر اجرا را تحسین می کرد. من باور دارم که بهشت جام های ما را لبریز می کند، ولی فکر می کنم خدمت زمینی ما اندازه جام را تعیین می کند.
- بنابراین، دانش و آگاهی و پاسخ بر مبنای آن آگاهی منتهی به پاداش و مجازات میشود (مراجعه شود به انجیل متی ۱۶: ۷، انجیل لوقا ۱۲: ۴۸، اول قرنتیان ۳: ۸ و ۱۴، ۹: ۱۷ و ۱۸، غلاطیان ۷: ۶، دوم تیموتائوس ۴۳: ۱۴). یک اصل معنوی هم وجود دارد - ما هر آنچه را که بکاریم درو خواهیم کرد! کمی بیشتر کاشتن و دروی بیشتر (مراجعه شود به انجیل متی ۱۳: ۸ و ۲۳).
۶. "تاج پارسایی" کار عیسی مسیح است که ما آن را پایان دادیم (مراجعه شود به دوم تیموتائوس ۴: ۸)، ولی توجه کنید که "تاج زندگی" به استقامت در طی محاکمه بستگی دارد (مراجعه شود به یعقوب ۱: ۱۲، مکاشفه ۲: ۱۰، ۳: ۱۰ الی ۱۱). "تاج جلال" برای رهبران مسیحی مرتبط با شیوه زندگی آنان است (مراجعه شود به اول پطرس ۵: ۱ الی ۴). پولس میدانند که او یک تاج همیشگی دارد، ولی شدیداً خود را کنترل میکرد (مراجعه شود به اول قرنتیان ۹: ۲۴ الی ۲۷).
- راز زندگی مسیحی این است که از کار خاتمه یافته مسیح آزاد است، ولی از آنجا که ما باید از طریق مسیح به پیام خدا پاسخ دهیم، ما همچنان باید به اقتدار زندگی مسیحی وار پاسخ دهیم. زندگی مسیح گونه به همان اندازه رستگاری ماورا الطبیعی است، با این حال ما باید آن را دریافت کرده و حفظ کنیم. پارادوکس رایگان ولی با هزینه هر چیزی راز پاداشها و کاشت/برداشت است.

ما با کارهای خوب نجات نمی یابیم، بلکه به خاطر کارهای خوب نجات می یابیم (مراجعه شود به افسسیان ۲: ۸ الی ۱۰). کارهای خوب شاهدهی هستند که ما او را دیده ایم (مراجعه شود به انجیل متی ۷). سزاواری انسان در زمینه رستگاری به تخریب منتهی می شود، ولی به زندگی خدا پسندانه پاداش داده می شود.

NASB: انجیل مرقس ۱۲: ۴۱ الی ۴۴

۴۱ عیسی در برابر صندوق بیت المال معبد به تماشای مردمی نشسته بود که پول در صندوق می انداختند. بسیاری از ثروتمندان مبالغ هنگفت می دادند. ۴۲ سپس بیوه زنی فقیر آمد و دو قران در صندوق انداخت. ۴۳ آنگاه عیسی شاگردان خود را فرا خواند و به ایشان فرمود: «آمین، به شما می گویم، این بیوه زن فقیر بیش از همه آنها که در صندوق پول انداختند، هدیه داده است. ۴۴ زیرا آنان جملگی از فزونی دارایی خویش دادند، اما این زن در تنگدستی خود، هر آنچه داشت داد، یعنی تمامی روزی خویش را».

۱۲: ۴۱ "صندوق بیت المال" میشنا (و کتاب معبد اثر آلفرد ادرسهایم، صفحات ۴۸ الی ۴۹) می گوید که سیزه صندوق شیپوری شکل، که هر کدام برای یک هدف خیر خاص علامت گذاری شده بودند، وجود داشت و در محراب زنان قرار داشتند.

هیچ گونه مدرک فیزیکی در این خصوص یافت نشده و هیچ سند کتبی هم غیر از میشنا درباره وجود آنان، موجود نیست.

۱۲: ۴۲ "دو قران" (در نسخه انگلیسی دو سکه مسی نوشته شده است - مترجم) این در واقع لپتون (نازکترین سکه) بود که ارزش آن یک بیست و چهارم یا ۱ نود و ششم دینار بود. این کم ارزشترین سکه یهود بود.

■ "که ارزش آن یک سنت بود" (این بخش در ترجمه فارسی انجیل ترجمه نشده است) این اصطلاح معادل اصطلاح quadrans لاتین است، که معادل لپتون، کوچکترین سکه مسی رومی بود (یک چهارم اساریون، که خودش یک شانزدهم دینار بود). احتمالاً انجیل مرقس برای رومیان نوشته شده است.

موضوع خاص: سکه هایی که در دوران عیسی در فلسطین استفاده می شدند

(SPECIAL TOPIC: COINS IN USE IN PALESTINE IN JESUS' DAY)

۱. سکه های مسی

- چرما (*cherma*) - کم ارزش (مراجعه کنید به انجیل یوحنا ۲: ۱۵)
- چالچوس (*charchos*) - کم ارزش (مراجعه شود به انجیل متی ۱۰: ۹، انجیل مرقس ۱۲: ۴۱)
- اساریون (*assarion*) - سکه مسی رومی به ارزش تقریبی ۱/۱۶ دینار (مراجعه شود به انجیل متی ۱۰: ۲۹)
- کدرانتس (*kodrantēs*) - سکه مسی رومی به ارزش تقریبی ۱/۶۴ دینار (مراجعه شود به انجیل متی ۵: ۲۶)
- لپتون (*lepton*) - سکه مسی یهودی به ارزش تقریبی ۱/۱۲۸ دینار (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۲: ۴۲، انجیل لوقا ۲۱: ۲)
- کوادرانس/فارتینگ (*quadrans/farthng*) - سکه رومی به ارزش خیلی کم

۲. سکه های نقره

- آرگوروس (*arguros*) - سکه نقره - بسیار با ارزشتر از سکه های برنز یا مسی بود (مراجعه شود به انجیل متی ۱۰: ۹، ۲۶: ۱۵)
 - دیناریوس (*dēnarius*) - سکه نقره رومی که ارزش آن معادل دستمزد یک روز کاری بود (مراجعه شود به انجیل متی ۱۸: ۲۸، انجیل مرقس ۶: ۳۷)
 - دراخم (*drachmē*) - سکه نقره یونانی که ارزش آن برابر با ارزش دیناریوس بود (مراجعه شود به انجیل لوقا ۱۵: ۹)
 - دی-دراخمون (*di-drachmon*) - سکه دو دراخمایی که ارزش آن برابر نیم شکل یهودی بود (مراجعه شود به انجیل متی ۱۷: ۲۴)
 - استاتر (*statēr*) - سکه نقره که ارزش آن برابر چهار دینار بود (مراجعه شود به انجیل متی ۱۷: ۲۷)
۳. سکه های طلا - کروزوس (*chrusos*) - با ارزشترین سکه (مراجعه شود به انجیل متی ۱۰: ۹)
۴. اصطلاحات کلی وزن فلزات

- منا (*mnaa*) - لاتین مینا، واحد وزن فلز معادل ۱۰۰ دینار (مراجعه شود به انجیل لوقا ۱۹: ۱۳)
- تالانتون (*talanton*) - واحد یونانی وزن (مراجعه شود به انجیل متی ۱۸: ۲۴، ۲۵: ۱۵ و ۱۶ و ۲۰ و ۲۴ و ۲۵ و ۲۸)
 - سکه نقره به ارزش ۶۰۰۰ دینار
 - سکه طلا به ارزش ۱۸۰۰۰ دینار

c. شکل (*shekel*) - واحد یهودی عهد عتیقی وزن نقره (۴ اونس، مراجعه شود به کتاب پیدایش ۲۳: ۱۵، ۳۷: ۲۸، کتاب خروج ۲۱:

۳۲)

i. *pīm* - ۲/۳ شکل

ii. *beka* - ۱/۲ شکل

iii. *gerah* - ۱/۲۰ شکل

واحدهای بزرگتر

i. *maneh* - ۵۰ شکل

ii. *kikkar* - ۳۰۰۰ شکل

۱۲: ۴۳ "آمین" (در نسخه انگلیسی *truely* به معنی "واقعا" ذکر شده است) این به مفهوم آمین است. موضوع خاص در بخش مربوط به انجیل مرقس ۳: ۲۸ را مطالعه کنید.

۱۲: ۴۴ ایمان کامل این زن در تضاد با غرور و سطحی بودن علمای مذهبی بود. آنان اموال بیوه زنان را غارت میکردند. این بیوه زن همه دارایی اش را به خدا داد و بنابراین با ایمانش به او وابسته است تا نیازهایش را تامین کند. با دادن، خدا به قلب ما نگاه میکند، نه به مقدار (مراجعه شود به دوم قرنیتیان ۸ الی ۹). ولی همچنین به مقدار توجه کنید که همه آن چیزی بود که او داشت. دادن، همانند اعمال و کلام، درون قلب ما را آشکار می کند. موضوع خاص: ثروت (Special Topic: Wealth) در بخش مربوط به انجیل مرقس ۱۰: ۲۳ را مطالعه کنید.

سوالاتی برای بحث

این یک راهنمای مطالعاتی است، که بدین معنی است که شما خودتان مسئول تفسیر انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر خودمان گام برداریم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. شما نباید این امر را به یک مفسر واگذار کنید. این سوالات مباحثاتی به منظور کمک به شما در تفکر نسبت به مسائل اصلی این بخش از کتاب مطرح شده اند. آنها صرفاً تفکر برانگیز هستند نه قطعی.

۱. بگوئید هر یک از موارد زیر در تمثیل به چه مفهومی هستند و به چه اشاره میکنند

a. مالک تاکستان _____

b. تاکستان _____

c. مستاجرین _____

d. بردگان/کارگران _____

e. پسر _____

۲. چرا نقل بخشی از مزامیر ۱۱۸ در اینجا بسیار مناسب است (یعنی انجیل مرقس ۱۰: ۱۲)؟

۳. اهمیت تمثیل (در انجیل مرقس ۱: ۱۲ الی ۱۲) برای ملت یهود (مراجعه شود به انجیل متی ۴۳: ۲۱ الی ۴۴) چیست؟ همچنین رومیان ۹ الی ۱۱ را برای یک اظهار متعادل بررسی کنید.

۴. حقیقت محوری گفته عیسی را خلاصه کنید

a. در رابطه با اقتدار مدنی (انجیل مرقس ۱۳: ۱۲ الی ۱۷)

b. در رابطه با قیام از مردگان (انجیل مرقس ۱۸: ۱۲ الی ۲۷)

c. در رابطه با قانون (انجیل مرقس ۲۸: ۱۲ الی ۳۴)

d. در رابطه با عنوان "پسر داوود" (انجیل مرقس ۳۵: ۱۲ الی ۴۰)

e. در رابطه با دادن و متعهد شدن (انجیل مرقس ۴۱: ۱۲ الی ۴۴)

۵. آیا درجاتی برای مجازات وجود دارد؟

مرقس ۱۳

پاراگراف‌های ترجمه‌های مدرن

UBS ⁴	NKJV	NRSV	TEV	NJB
تخریب معبد پیش گویی شد ۱:۱۳ الی ۲	عیسی تخریب معبد را پیشگویی می‌کند ۱:۱۳ الی ۲	تخریب اورشلیم پیش‌گویی شد ۱:۱۳ الی ۲	عیسی از تخریب معبد سخن می‌گوید ۱:۱۳ الی ۲	گفتمان اسکاتولوژیک: مقدمه ۱:۱۳ الی ۲
شروع حوادث ۱:۱۳ الی ۳	نشانه‌های پایان عمر ۱:۱۳ الی ۳	پایان عمر ۱:۱۳ الی ۳	مشکلات و اذیتها ۳:۱۳ الی ۸	آغاز اندوه ۳:۱۳ الی ۴ ۵:۱۳ الی ۸ ۹:۱۳ الی ۱۰ ۱۱:۱۳ الی ۱۳
عذاب بزرگ ۱۴:۱۳ الی ۲۳	عذاب بزرگ ۱۴:۱۳ الی ۲۳	۱۴:۱۳ الی ۲۳	وحشت ۱۴:۱۳ الی ۲۰ ۲۱:۱۳ الی ۲۳	عذاب بزرگ اورشلیم ۱۴:۱۳ الی ۲۰ ۲۱:۱۳ الی ۲۳
آمدن پسر انسان ۱۳:۲۴ الی ۲۷	آمدن پسر انسان ۱۳:۲۴ الی ۲۷	۱۳:۲۴ الی ۲۷	آمدن پسر انسان ۱۳:۲۴ الی ۲۷	آمدن پسر انسان ۱۳:۲۴ الی ۲۷
درس درخت انجیر ۱۳:۲۸ الی ۳۱	تمثیل درخت انجیر ۱۳:۲۸ الی ۳۱	۱۳:۲۸ الی ۳۱	درس درخت انجیر ۱۳:۲۸ الی ۳۱	زمان این آمدن ۱۳:۲۸ الی ۳۱
هیچکس روز و ساعتش را نمی‌داند ۱۳:۳۲ الی ۳۷	هیچکس روز و ساعتش را نمی‌داند ۱۳:۳۲ الی ۳۷	۱۳:۳۲ الی ۳۷	هیچکس روز و ساعتش را نمی‌داند ۱۳:۳۲ الی ۳۷	آگاه باشید ۱۳:۳۲ الی ۳۷

مطالعه حلقه سوم (رجوع کنید به "راهنمای مطالعه مفید انجیل")

به دنبال نیت اصلی نویسنده در سطوح پاراگراف

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در جهت نور راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید. کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص نمایید (مطالعه حلقه شماره ۳). تقسیمات موضوعی خود را با پنج ترجمه بالا مقایسه کنید. پاراگراف‌بندی به نویسنده الهام نشده است، اما کلید پیگیری اهداف اصلی نویسنده است که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول
۲. پاراگراف دوم
۳. پاراگراف سوم و غیره

بینش متنی

۱. عبارتهای اسکاتولوژیک عهد جدید منعکس کننده بینش عهد عتیق است که با پایان زمان از طریق رخدادهای دوران معاصر می‌نگرد. عیسی از این الگو پیروی میکند. پیامبران عهد عتیق میکاه و ارمیا تخریب اورشلیم و معبد را به عنوان نشانه دآوری خدا در مورد بی‌ایمانی اسرائیل پیشگویی کرده بودند. خدا پیروان سایر ادیان را فرا میخواند تا مردمش را مورد دآوری قرار داده و سرزمینهایشان را غصب کنند. اینک در عهد جدید مردم خدا همچنان با بی‌ایمانی رفتار میکنند. آنان مسیح را رد می‌کنند. آنان همراه با شهر و معبدشان نابود میشوند (یعنی در سال ۷۰ میلادی توسط تیتوس). سرزمین موعود آنان اینک به دیگران داده میشود (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱:۱۲ الی ۱۲، به خصوص انجیل مرقس ۹:۱۳، یعنی

- ظاهراً مومنین خارجی. ماموریت آنان در انجیل مرقس ۹:۱۳ الی ۱۳ توضیح داده شده است.
۲. انجیل متی ۲۴، انجیل مرقس ۱۳ و انجیل لوقا ۲۱ را بسیار سخت میتوان مورد تفسیر قرار داد، زیرا به طور همزمان با چندین سوال سروکار دارند.
- معبد چه زمانی تخریب خواهد شد؟
 - نشانه های بازگشت مسیح کدامها هستند؟
 - چه زمانی این عصر پایان خواهد یافت؟
۴. ژانر اسکاتولوژیک عهد جدید معمولاً ترکیبی از زبانهای اپوکالیپتیک و نبوتی هستند، که تمعداً مبهم بوده و بسیار نمادین هستند.
۵. چندین عبارت در عهد جدید (مراجعه شود به انجل متی ۲۴، انجیل مرقس ۱۳، انجیل لوقا ۱۷ و ۲۱ و اول و دوم تسالونیکیان و مکاشفه) در رابطه با آمدن دوم هستند. این متون بر موارد زیر تأکید دارند:
- که زمان این رخداد نامشخص است ولی قطعاً اتفاق خواهد افتاد
 - که آخرین نسل زمان کلی را خواهد دانست ولی زمان دقیق آن را نه.
 - که به طور ناگهانی و غیر منتظره اتفاق خواهد افتاد
 - که هر نسل از مومنین باید دعاگو باشند و آماده و وفادار برای انجام وظایف محوله باشند
۶. تمرکز اصلی این فصل بر نصایح عملی (۱۹ دستور) است، نه اشاره به زمان و توالی تاریخی دقیق رخدادهای آمدن دوم.
۷. دو عبارت کلیدی (۱) "مراقب باشید" (انجیل مرقس ۵:۱۳ و ۹ و ۲۳ و ۳۳) و (۲) "نه هنوز" (انجیل مرقس ۷:۱۳ و ۱۰) است. این دو اصطلاح "آماده باشید" و "صبورانه منتظر باشید" با دیگر پارادوکسهای "قبلاً" و "نه هنوز" در توازن قرار دارند.

موضوع خاص: پیشگوییهای عهد عتیق در برابر پیشگوییهای عهد جدید - چرا

مسیحیان تفسیرهای بسیار دگماتیک در مورد مکاشفه دارند؟

SPECIAL TOPIC: OLD TESTAMENT PREDICTIONS OF THE FUTURE VS. NEW TESTAMENT

(PREDICTIONS—Why do Christians Have So Many Dogmatic Interpretations of Revelation?)

در طول سالهایی که بر روی اسکاتولوژی مطالعه می کردم، فراگرفتم که بیشتر مسیحیان یک پایان زمان سیستماتیک و توسعه یافته نمی خواهند. برخی مسیحیانی هستند که بر روی این زمینه مسیحیت به دلایل الهیاتی، روانشناسی و یا سایر دلایل مذهبی تمرکز می کنند. به نظر می رسد که این مسیحیان غرق در این شده اند که چگونه همه چیز پایان خواهد یافت، و به نوعی اولویت و فوریت انجیل را فراموش می کنند! مومنین نمی توانند بر دستور کار اسکاتولوژیک خدا (پایان زمان) تأثیر بگذارند، ولی می توانند در به اجرا گذاشتن حکم شرکت کنند (مراجعه شود به انجیل متی ۲۸: ۱۹ الی ۲۰، انجیل لوقا ۲۴: ۴۶ الی ۴۷، اعمال رسولان ۱: ۸). بیشتر مومنین آمدن دوم مسیح و وعده های خدا مربوط به پایان زمان را تأیید می کنند. مشکلات تفسیری از آنجا ناشی می شوند که چگونه این شرایط موقتی را که از چندین پارادوکس انجیل می آیند درک کرد (موضوع خاص: پارادوکس در کتاب مقدس را مطالعه کنید).

- تنش میان الگوی پیمان انبیا عهد قدیم و الگوی شاگردان در عهد جدید
- تنش میان یکتا پرستی انجیل (یک خدا برای همه) و انتخاب اسرائیل (یک قوم خاص)
- تنش میان جنبه شرطی پیمان و وعده ها (اگر... پس) و وفاداری بی قید و شرط خدا به انسان گمراهی که رستگار شده است
- تنش میان ژانر ادبیات خاور میانه ای و الگوی ادبی جامعه مدرن غربی
- تنش میان پادشاهی خدا در حال ولی با این حال در آینده
- تنش میان بازگشت قطعی مسیح و این باور که برخی رخدادها باید ابتدا به وقوع بپیوندند

اجازه دهید این رخدادها را به تفکیک مورد بحث قرار دهیم

تنش نخست (طبقه بندیهای نژادی، قومی و جغرافیایی عهد قدیم در برابر تمامی مومنین از سراسر جهان)

انبیا عهد قدیم احیا پادشاهی یهود در فلسطین با مرکزیت اورشلیم را پیش گویی کردند، جایی که تمامی اقوام جهان گرد هم آمده و یک حاکم الهی را پرستش و عبادت کنند، ولی نه عیسی و نه هیچ یک از شاگردان عهد جدید بر این موضوع تمرکز نکردند. آیا تحت الهام عهد قدیم نیست (مراجعه شود به انجیل متی ۵: ۱۷ الی ۱۹)؟ آیا نگارندگان عهد جدید رخدادهای حیاتی پایان زمان را حذف کرده اند؟

منابع زیادی در باره پایان جهان وجود دارند

- انبیا عهد قدیم (اشعیا، میکاه، ملاکی)
- نگارندگان اپوکالیپتیک عهد قدیم (مراجعه شود به حزقیال ۳۷ الی ۳۹، دانیال ۷ الی ۱۲، زکریا)

۳. نگارندگان تعاملی و غیر مذهبی اپوکالیپتیک یهودی (مانند اول انوش، که توسط یهودا به او اشاره شده است)

۴. خود عیسی (مراجعه شود به انجیل متی ۲۴، انجیل مرقس ۱۳، انجیل لوقا ۲۱)

۵. نوشته های پولس (مراجعه شود به اول قرنتیان ۱۵، دوم قرنتیان ۵، اول تسالونیکیان ۴ الی ۵، دوم تسالونیکیان ۲)

۶. نوشته های یوحنا (اول یوحنا و مکاشفه)

آیا همه اینها به وضوح موضوع آخر زمان را تعلیم می دهند (رخدادها، زمان، اشخاص)؟ اگر نه، چرا؟ آیا همه آنان تحت الهام نبودند (به استثنای نگارندگان تعاملی یهودی)؟

روح حقایق را بر نگارندگان عهد عتیق با اصطلاحات و طبقه بندی هایی آشکار کرد که آنان بتوانند درک کنند. با این حال، در طول یک مکاشفه مترقی روح این مفاهیم اسکاتولوژیک را به مفاهیم کلی تبدیل کرد ("راز مسیح"، مراجعه شود به افسسیان ۲: ۱۱ الی ۱۳: ۳). اینها برخی مثالهای مرتبط هستند:

۱. شهر اورشلیم در عهد عتیق به عنوان استعاره برای مردم خدا (صهیون) استفاده شده است، ولی در عهد جدید به عنوان اصطلاحی برای بیان پذیرش تمامی انسانهای توبه کرده و ایمان آورده استفاده شده است ("اورشلیم جدید" مکاشفه ۲۱ الی ۲۲). بسط مفهومی یک شهر فیزیکی به مردم جدید خدا (یهودیان و دیگرانی که ایمان آورده اند) در وعده خدا بر رستگار کردن انسان گمراه در کتاب پیدایش ۳: ۱۵ پیش بینی شده است، یعنی پیشتر از زمانی که یهودی یا یک پایتخت یهودی وجود داشته باشد. حتی فرا خواندن ابراهیم (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱۲: ۱ الی ۳) دیگران را هم شامل کرد (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱۲: ۳، کتاب خروج ۱۹: ۵). موضوع خاص: برنامه رستگاری جاودانی یهوه را مطالعه کنید.

۲. در عهد عتیق دشمنان مردم خدا اقوام اطراف خاور نزدیک باستان هستند، ولی در عهد جدید آنها بسط یافته و تبدیل به تمامی مردم بی ایمان، ضد خدا، و شیطان زده شده اند. نبرد از حالت یک نبرد جغرافیایی و منطقه ای خارج شده و تبدیل به یک نبرد جهانی شده است (مراجعه شود به کولسیان).

۳. وعده سرزمینی که در عهد قدیم به طور کامل و تمام و کمال است (وعده های پدر سالارانه کتاب پیدایش، مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱۲: ۷، ۱۳: ۱۵، ۱۵: ۷ و ۱۵ و ۱۶، ۷: ۸) اینک تبدیل به کل کرده زمین شده است. اورشلیم جدید تبدیل به زمین شده، نه فقط خاور نزدیک یا جای خاصی به صورت انحصاری (مراجعه شود به مکاشفه ۲۱ الی ۲۲).

۴. برخی مثالهای نبوتی دیگر عهد عتیق که بسط یافته اند به شرح زیر می باشند:

a. بذر ابراهیم اینک مفهوم معنوی پیدا کرده است (مراجعه شود به رومیان ۲: ۲۸ الی ۲۹).

b. مردم هم پیمان اینک دیگران را هم شامل می شود (مراجعه شود به یوشع ۱: ۱۰، ۲: ۲۳، نقل شده در رومیان ۹: ۲۴ الی ۲۶، همچنین لویان ۲۶: ۱۲، کتاب خروج ۲۹: ۴۵ نقل شده در دوم قرنتیان ۶: ۱۶ الی ۱۸ و کتاب خروج ۱۹: ۵، کتاب تثنیه ۱۴: ۲، نقل شده در تیتوس ۲: ۱۴).

c. معبد اینک عیسی است (مراجعه شود به انجیل متی ۲۶: ۶۱، ۲۷: ۴۰، انجیل یوحنا ۲: ۱۹ الی ۲۱) و از طریق او و کلیسای محلی (مراجعه شود به اول قرنتیان ۳: ۱۶) یا مومنین به صورت انفرادی (مراجعه شود به اول قرنتیان ۶: ۱۹)

d. حتی اسرائیل و عبارات مشخصه توصیفی عهد عتیقی آن به کل مردم خدا اشاره می کند (یعنی "اسرائیل"، مراجعه شود به رومیان ۹: ۶، غلاطیان ۶: ۱۶، یعنی "پادشاهی کشیشان"، مراجعه شود به اول پطرس ۲: ۵، ۹ الی ۱۰، مکاشفه ۱: ۶)

الگوی انبیا تحقق یافته، بسط پیدا کرده و اینک جامعتر شده است. عیسی و شاگردان نگارنده اش همانند انبیا عهد عتیق در آخر زمان حضور ندارند (مراجعه کنید به *The Future of The Kingdom in Prophecy and Fulfillment* اثر Martin Wyngaarden). مفسرین عصر مدرن تلاش می کنند الگوی ادبی عهد عتیق بسازند یا پیچش های هنجاری کتاب مکاشفه را در داخل یک کتاب یهودی بگنجانند و مفاهیم را به زور در قالب عبارتهای ریز و مبهم عیسی و پولس قرار دهند. نگارندگان عهد جدید نبوتهای عهد عتیق را نفی نمی کنند، ولی دلالتهای کلی و غایی خود را ابراز می دارند. هیچ سیستم منطقی و سازمان یافته ای بر اسکاتولوژی عیسی و پولس وجود ندارد. هدف آنان اساسا رستگاری یا معنوی بوده است.

با این حال، حتی در درون عهد جدید هم تنش وجود دارد. هیچ ساختار سیستماتیک و سازمان یافته ای در مورد رخدادهای اسکاتولوژیک وجود ندارد. به بسیاری از شیوه ها، مکاشفه از مفاهیم عهد عتیقی برای توصیف آخر زمان استفاده می کند تا از تعالیم عیسی (مراجعه شود به انجیل متی ۲۴، انجیل مرقس ۱۳) از ژانر ادبی که توسط حزقیال، دانیال و زکریا آغاز گشت پیروی می کند، ولی در طول دوره تعاملی بسط یافت (ادبیات اپوکالیپتیک یهودی). این می تواند شیوه یوحنا برای ارتباط دادن پیمانهای قدیم و جدید باشد. این الگوی قدمت شورش انسان و تعهد خدا بر رستگاری را نشان می دهد. ولی باید به این نکته توجه داشت هر چند مکاشفه از زبان، مردم و رخدادهای عهد قدیم استفاده می کند، ولی آنها را در نور روم قرن نخست مجدداً تفسیر می نماید (مراجعه کنید به مکاشفه ۱۷).

تنش دوم (یکتاپرستی در برابر قوم منتخب)

تاکید انجیل بر یک فرد معنوی و خالق رستگاری است، یعنی خدا (مراجعه شود به کتاب خروج ۸: ۱۰، اشعیا ۴۴: ۲۴، ۴۵: ۵ الی ۷ و ۱۴ و ۱۸ و ۲۱ الی ۲۲، ۴۶: ۹، ارمیا ۱۰: ۶ الی ۷). وحدانیت عهد عتیقی به شیوه آن روزگار یکتا پرستی بود (به موضوع خاص: یکتاپرستی، مراجعه کنید). تمامی اقوام اطراف چند خدا را میپرستیدند. یکتا بودن خدا قلب مکاشفه عهد عتیق است (مراجعه شود به کتاب تثنیه ۴: ۶). خلقت مرحله ای از هدف دوستی میان خدا و نوع بشری است که از تصویر او و شبیه او خلق شده است (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱: ۲۶ الی ۲۷). با این حال، نوع بشر قیام کرد، بر علیه محبت، رهبری و هدف خدا گناه کرد (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۳). محبت و هدف خدا بسیار قوی بود به طوری که یقین کرد وعده دهد انسان گناهکار را رستگار کند (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۳: ۱۵)!

تنش از آنجا آغاز گردید که خدا یک نفر، یک خانواده، یک قوم را انتخاب کرد تا آن برای رسیدن به بقیه مردم استفاده کند. انتخاب ابراهیم توسط خدا (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱۲، ۱۵، ۱۷، ۱۸) و یهودیان به عنوان کشیش (مراجعه شود به کتاب خروج ۱۹: ۴ الی ۶) منجر به غرور شد تا خدمتگزاری، جدا کردن شد به جای جمع کردن. فرا خواندن ابراهیم توسط خدا شامل نعمت بین المللی برای تمامی نوع بشر بود (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱۲: ۳). باید به خاطر داشت و تاکید کرد که انتخاب عهد عتیق برای خدمتگزاری بود نه رستگاری. تمامی اسرائیل هرگز با خدا نبودند، هرگز برای ابد به واسطه صرفا تولد نجات نیافتند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۸: ۳۱ الی ۵۹، انجیل متی ۳: ۹)، ولی با ایمان فردی و اطاعت (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱۵: ۶ نقل شده در رومیان ۴: ۳ و ۹ و ۲۲، غلاطیان ۳: ۶). اسرائیل در ماموریت خود شکست خورد (کلیسا اینک پادشاهی کشیشان است، مراجعه شود به مکاشفه ۱: ۶، اول پطرس ۲: ۵ و ۹) و فرمان را تبدیل به مزیت، خدمت را به جایگاه خاص کرد! خدا یکی را انتخاب کرد تا همه را انتخاب کند!

تنش سوم (پیمان مشروط در برابر پیمان بی قید و شرط)

این یک تنش الهیاتی یا پارادوکس میان پیمانهای مشروط و بی قید و شرط است. یقینا این درست است که برنامه/هدف رستگاری خدا بی قید و شرط است (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱۵: ۱۲ الی ۲۱). با این حال، پاسخ انسان به فرمان او همیشه مشروط است! الگوی "اگر... پس" هم در عهد عتیق و هم در عهد جدید دیده میشود. خدا وفادار است، انسان بی وفا است. این تنش ابهامات زیادی را منجر شده است. مفسرین تمایل به این دارند که فقط بر یک بخش این موضوع تمرکز کنند، وفاداری خدا یا تلاش انسان، حکومت خدا یا اراده آزاد انسان. هر دوی اینها انجیلی و ضروری هستند. موضوع خاص: انتخاب/تقدیر و نیاز به برقراری توازن الهیاتی مراجعه کنید.

این به اسکاتولوژی، به وعده عهد عتیق خدا به اسرائیل مربوط است. اگر خدا این را وعده میدهد، پس برقرار است. خدا به وعده خود متعهد است، پای اعتبارش در میان است (مراجعه شود به حزقیال ۳۶: ۲۲ الی ۳۸). پیمانهای مشروط و بی قید و شرط با مسیح مرتبط هستند (مراجعه شود به اشعیا ۵۳)، نه اسرائیل. وفاداری غایی خدا بستگی به رستگاری تمامی کسانی دارد که توبه خواهند کرد و ایمان خواهند آورد نه به اینکه چه کسی پدر یا مادر شما باشد. عیسی و نه اسرائیل کلید تمامی پیمانها و وعده های خدا هستند. اگر یک پراتز الهیاتی در انجیل وجود داشته باشد، آن کلیسا نیست، بلکه اسرائیل است (مراجعه شود به اعمال رسولان ۷، غلاطیان ۳).

ماموریت جهانی پیام انجیل به کلیسا واگذار شده است (مراجعه شود به انجیل متی ۲۸: ۱۹ الی ۲۰، انجیل لوقا ۲۴: ۴۷، اعمال رسولان ۱: ۸). هنوز یک پیمان مشروط است! بدین معنی نیست که خدا به طور کامل یهودیان را رد کرده باشد (مراجعه شود به رومیان ۹ الی ۱۱). ممکن است مکانی و هدفی برای آخر زمان وجود داشته باشد که به اسرائیل اعتقاد داشته باشد (مراجعه شود به زکریا ۱۲: ۱۰).

تنش چهارم (الگوهای ادبی خاور نزدیک در برابر الگوهای غربی)

ژانر یک عنصر حساس در تفسیر درست انجیل است (به *How To Read the Bible For All Its Worth* اثر Fee and Stuart مراجعه کنید). کلیسا بر اساس ضوابط فرهنگی غربی (یونانی) شکل گرفت و توسعه یافت. ادبیات شرقی به مراتب نمادین تر، استعاره ای و تمثیلی تر از الگوهای ادبی فرهنگی مدرن غربی است (به موضوع خاص: ادبیات شرقی (پارادوکسهای انجیل) مراجعه کنید). تمرکز آن بر مردم، رویاروییها، و رخدادها بیش از حقایق قضایی مختصر است. مسیحیان در مورد استفاده از الگوهای ادبی و تاریخی جهت تفسیر نبوت انجیل (هم عهد قدیم و هم عهد جدید) گناهکار هستند. هر نسلی و هر جمعیت منطقه ایی از تاریخ، فرهنگ و مفاهیم ادبی و لغوی خود برای تفسیر و مکاشفه انجیل استفاده کرده است. تک تک آنها در اشتباه هستند. مغرورانه است که تصور کنیم فرهنگ غربی نقطه تمرکز بر نبوت انجیل است.

ژانری که نگارنده اولیه و تحت الهام انتخاب میکند تا بر آن اساس بنگارد، یک قرارداد ادبی با خواننده است (Bruce Corley). کتاب مکاشفه یک روایت تاریخی نیست. ترکیبی از نامه (فصول ۱ الی ۳)، نبوت، و عمدتا ادبیات اپوکالیپتیک است. به همان اندازه اشتباه است که بگوئیم انجیل بیش از آنچه که نگارنده تحت الهام نوشته برای گفتن حرف دارد تا بگوئیم کمتر از آنچه قصد نگارنده بوده، حرفی برای گفتن دارد. غرور و دگماتیسم مفسرین در کتابی همچون مکاشفه بیشتر نامناسب است.

کلیسا هرگز با یک تفسیر مناسب مکاشفه موافقت نکرده است. توجه من شنیدن و سر و کار داشتن با کل انجیل است، نه برخی بخشهای منتخب. تفکر شرقی انجیل حقیقت را در جفتهای پر از تنش نشان می دهد. گرایش غربی ما نسبت به حقیقت پیش بینی شده معتبر نیست، بلکه نامتوازن است. فکر می کنم امکان این باشد که حداقل برخی از تنگناها در تفسیر مکاشفه باید در نور و ژانر روزگار خودش تفسیر شوند. یک گرایش تاریخی نسبت به

مکاشفه باید نخست با آنچه که نخستین خوانندگان درک میکردند و یا می‌توانستند در کنند، کار داشته باشد. به طرق مختلف مفسرین غربی مدرن معنی بسیاری از نمادهای کتاب را متوجه نشده‌اند. اعتماد اولیه کتاب مکاشفه برای تشویق مومنانی بود که مورد آزار و اذیت قرار می‌گرفتند. این کتاب کنترل خدا بر تاریخ (همانند انبیا عهد عتیق) را نشان می‌دهد، این کتاب تصریح می‌کند که تاریخ به سمت پایان، داوری یا نعمت تعیین شده در حرکت است (همانطور که انبیا عهد عتیق می‌گفتند). این کتاب با اصطلاحات یهودی آپوکالیپتیک، محبت حضور، قدرت و سلطه خدا را تصریح می‌کند.

این کتاب به همین شیوه‌های الهیاتی برای هر نسلی از مومنین مصداق دارد. این کتاب نبرد دائمی میان نیکی و پلیدی را نشان می‌دهد. ممکن است جزئیات قرن نخست برای ما از دست رفته باشند، ولی نه حقایق قدرتمند و آرامش بخش آن. زمانی که مفسرین غربی عصر مدرن تلاش می‌کنند تا جزئیات کتاب مکاشفه را به زور در تاریخ معاصر قرار دهند، الگوهای نادرست و اشتباه ادامه پیدا می‌کنند!

کاملاً امکان پذیر است که جزئیات کتاب مفهومی باشند (همانند عهد عتیق در رابطه با تولد، زندگی و مرگ مسیح) برای آخرین نسل مومنین که با تهاجم رهبر ضد خدا (مراجعه شود به دوم تسالونیکیان ۲) و فرهنگ مواجه می‌شوند. هیچ کس نمی‌تواند از این تحقق مفهومی مکاشفه آگاه شود تا زمانی که کلام عیسی (مراجعه شود به انجیل متی ۲۴، انجیل مرقس ۱۳ و انجیل لوقا ۲۱) و پولس (مراجعه شود به اول قرنتیان ۱۵، اول تسالونیکیان ۴ الی ۵، و دوم تسالونیکیان ۲) هم از نظر تاریخی مشهود گردند. حدس و گمان و دگماتیسم همگی نامناسب هستند. ادبیات آپوکالیپتیک اجازه این انعطاف پذیری را میدهد. از خدا به خاطر این تصاویر و نمادها که بر روایت‌های تاریخی تفوق دارند، سپاسگزاریم. خدا کنترل همه چیز را عهده دارد، حکومت می‌کند، خواهد آمد!

اکثر تفاسیر غربی نکته اصلی ژانر را گم کرده‌اند. مفسرین غربی عصر مدرن اغلب در جستجوی یک سیستم منطقی روشن الهیاتی هستند تا اینکه بخواهند با ژانر ادبیات آپوکالیپتیک مبهم، نمادین و درام یهودی منصفانه برخورد کنند. این حقیقت به خوبی توسط Ralph P. Martin در مقاله اش تحت عنوان *Approaches to New Testament Exegesis* در کتاب *New Testament Interpretation* ویرایش I. Howard Marshall بیان شده است:

"ما در درک ما از آخرالزمان بسیار دچار اشتباه می‌شویم و به اشتباه سعی خواهیم کرد که دیدگاه‌های آن را مانند یک کتاب معرفت‌شناختی که هدفش توصیف وقایع تاریخ تجربی و تاریخی است، درک کنیم، مگر اینکه ما کیفیت قابل توجهی از این نوشتار را تشخیص دهیم و به یاد آوریم که چگونه زبان به عنوان وسیله‌ای برای بیان حقیقت مذهبی مورد استفاده قرار می‌گیرد. برای حصول هدف اخیر، باید تمام مشکلات تفسیر را به کار گرفت. به طور جدی تر منجر به تحریف مفهوم اصلی آخرالزمان می‌شود و بنابراین ارزش عظیمی از این قسمت از عهد جدید را به عنوان ادعایی دراماتیک در زبان اسطوره‌ای حاکمیت خدا در مسیح و پارادوکس حکومت او که می‌تواند عشق و لطافت را در هم آمیزد، را از دست می‌دهد (مراجعه شود به مکاشفه ۵: ۵ و ۶، شیر بره است)" (صفحه ۲۳۵).

W. Randolph Tate در کتاب *Biblical Interpretations* می‌گوید:

"هیچ ژانر دیگری از کتاب مقدس با چنین نتایجی غم‌انگیز به عنوان آپوکالیپس، به ویژه کتاب‌های دانیال و مکاشفه، با اشتیاق خوانده نشده است. این سبک از یک تاریخ فاجعه آمیز سوء تفاهم ناشی از یک سوء برداشت اساسی از اشکال، ساختار و هدف ادبی اش بوده است. به دلیل همین ادعا جهت نشان دادن آنچه که در کوتاه مدت رخ می‌دهد، آپوکالیپس به عنوان یک نقشه راه و طرح آینده شناخته شده است. نقص غم‌انگیز در این دیدگاه این فرضیه است که مرجع کتابها، مراجع عصر معاصر خواننده است تا مراجع عصر نویسنده. این رویکرد اشتباه به آپوکالیپس (به ویژه مکاشفه) به گونه‌ای با کار برخورد میکند را همانطور که یک کریپتوگرافی است، که توسط آن رویدادهای معاصر می‌تواند برای تفسیر نماد متن مورد استفاده قرار گیرد. ابتدا، مترجم باید تشخیص دهد که آپوکالیپس پیام‌های خود را به شیوه‌های نمادین منتقل می‌کند. تفسیر یک نماد به معنای واقعی کلمه زمانی که به صورت استعاره باشد به سادگی به اشتباه تفسیر میشود. مسئله این نیست که آیا رویدادهای آخر الزمانی تاریخی هستند یا نه. حوادث ممکن است تاریخی باشند؛ ممکن است واقعا اتفاق افتاده یا ممکن است اتفاق بیافتند، اما نویسنده حوادث را می‌گوید و معنای آن را از طریق تصاویر و نمونه‌های اولیه ارتباط می‌دهد" (صفحه ۱۳۷)

به نقل از *Dictionary of Biblical Imagery* ویرایش شده توسط Longman III و Ryken, Wilhost:

"خوانندگان امروز اغلب از این سبک ناراحت و ناامید می‌شوند. تصاویر غیر منتظره و تجربیات خارج از این جهان، عجیب و غریب و بدون هماهنگی با بسیاری از کتاب مقدس است، به نظر می‌رسند. با در نظر گرفتن این ادبیات به صورت ظاهری بسیاری از خوانندگان حیران می‌شوند که "چه خواهد شد، کی اتفاق می‌افتد، چه زمانی"، بنابراین نیت پیام از بین می‌رود" (ص ۳۵)

تنش پنجم (پادشاهی خدا در حالی ولی با اینحال در آینده)

پادشاهی خدا حاضر است ولی با اینحال در آینده است. این پارادوکس الهیاتی در نقطه اسکاتولوژی تبدی به نقطه تمرکز می‌شود. اگر کسی انتظار تحقق مفهومی تمامی نبوت‌های عهد عتیق برای اسرائیل را داشته باشد، در نتیجه پادشاهی خدا عمدتاً تبدیل به احیا اسرائیل به صورت یک مکان جغرافیایی و پیشینه الهیاتی می‌شود. این امر ضرورت پیدا می‌کند که کلیسا در فصل ۵ به طور مخفیانه مورد سرزنش قرار گیرد و فصل‌های باقی مانده مربوط به اسرائیل باشد (به مکاشفه ۲۲: ۱۶ مراجعه کنید).

با این حال، اگر تمرکز بر روی پادشاهی که توسط مسیح عهد عتیق وعده داده شده، افتتاح شد، پس با اولین ورود مسیح حاضر است، و سپس تمرکز تبدیل به تجسم، زندگی، تعالیم، مرگ و رستاخیز مسیح است. تاکید بر خداشناسی بر رستگاری جاری است. پادشاهی خدا آمده است، عهد عتیق با پیشنهاد مسیح برای رستگاری برای همه تحقق یافته است، نه سلطنت خود بر برخی از مردم!

یقیناً این درست است که انجیل از دو بار آمدن مسیح سخن می‌گوید، ولی تاکید بر کجا باید واقع شود؟ به نظر من اینطور می‌آید که بیشتر نبوت‌های عهد عتیق بر آمدن اول و برقراری پادشاهی مسیح (مراجعه شود به دانیال ۲) تمرکز دارند. به بسیاری از شیوه‌ها این قابل قیاس پادشاهی جاودانه خدا است (مراجعه شود به دانیال ۷). در عهد عتیق تمرکز بر پادشاهی جاودانه خدا است، با این حال، مکانیسم بیانیه آن پادشاهی بشارت مسیح است (مراجعه شود به اول قرن‌تین ۱۵: ۲۵ الی ۲۷). سوال این نیست که کدامیک درست هستند، هر دو درست هستند، ولی تاکید بر کجاست؟ باید گفته شود که برخی از مفسرین بیش از حد بر پادشاهی مسیح تمرکز می‌کنند (مراجعه شود به *Contextual Insights to Revelation 20*) که آنها تمرکز انجیلی بر پادشاهی پدر را فراموش کرده‌اند. پادشاهی مسیح یک رخداد اولیه است نه نهایی (مراجعه شود به مکاشفه ۲۱ الی ۲۲). از عهد عتیق چنین بر نمی‌آید که پادشاهی موقتی الزامی باشد، در واقع، پادشاهی مسیح که در دانیال ۷ از آن صحبت شده، ابدی است.

تنش ششم (بازگشت قریب الوقوع مسیح در برابر آمدن دوم همراه با تاخیر)

به اکثر مومنین چنین آموزش داده شده است که عیسی به زودی، ناگهان و به صورت غیر منتظره خواهد آمد (مراجعه شود به انجیل متی ۱۰: ۲۳، ۲۴: ۲۷ و ۳۴ و ۴۴، انجیل مرقس ۹: ۱، ۱۳: ۳۰، مکاشفه ۱: ۱، ۳: ۳، ۲: ۱۶، ۳: ۱۱، ۲۲: ۷ و ۱۰ و ۱۲ و ۲۰، مراجعه شود به موضوع خاص: بزودی باز خواهد گشت). ولی هر نسل منتظری از مومنین تا کنون در اشتباه بوده‌اند! نزدیکی بازگشت عیسی (قریب الوقوع بودن آن) یک امید و وعده قوی برای هر نسل است، ولی واقعیت فقط برای یک نسل است (و آن همانی است که مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرد). مومنین باید چنان زندگی کنند که گویی فردا او خواهد آمد، ولی برای اگر تاخیر داشت، کمیسیون بزرگ را تشکیل دهند (مراجعه شود به انجیل متی ۲۸: ۱۹ الی ۲۰). برخی عبارتهای انجیل و اول و دوم تسالونیکیان بر اساس آمدن دوم همراه با تاخیر است (*Parousia*). برخی رخداد‌های تاریخی هستند که باید نخست به وقوع به پیوندند:

۱. بشارت جهانی (مراجعه شود به انجیل متی ۲۴: ۱۴، انجیل مرقس ۱۰: ۱۳)
۲. مکاشفه "انسان گناهکار" (مراجعه شود به انجیل متی ۲۴: ۱۵، دوم تسالونیکیان ۲، مکاشفه ۱۳)
۳. آزار و اذیت زیاد (مراجعه شود به انجیل متی ۲۴: ۲۱ و ۲۴، مکاشفه ۱۳)
۴. یک ابهام عمده وجود دارد (مراجعه شود به انجیل متی ۲۴: ۴۲ الی ۵۱، انجیل مرقس ۱۳: ۳۲ الی ۳۶)! هر روز به گونه‌ای زندگی کنید که گویی امروز آخرین روز زندگیتان است، ولی برای تعلیم و بشارت آینده برنامه ریزی کنید!

همبستگی و توازن

باید گفته شود که مکاتب تفسیری اسکاتولوژیک مدن متفاوتی وجود دارند که همه آنها در بردارنده نیمی از حقیقت هستند. آنها برخی از متون را به خوبی تفسیر می‌کنند. مسئول در همبستگی و توازن است. اغلب مجموعه‌ای از پیش فرض‌هایی وجود دارند که از متن کتاب مقدس برای تکمیل اسکلت الهیات پیشین استفاده می‌کنند. کتاب مقدس اسکاتولوژی منطقی، زمانی و سیستماتیک را نشان نمی‌دهد. این مانند یک آلبوم خانوادگی است. تصاویر درست است، اما نه همیشه در جهت، در زمینه یا در مسیر منطقی. بعضی از عکس‌ها از آلبوم افتاده‌اند و نسل‌های بعد از اعضای خانواده دقیقاً نمی‌دانند چگونه آنها را بازگردانند. کلید تفسیر مناسب از وحی، قصد نویسنده اصلی است که در انتخاب ژانر ادبی خود نشان داده است. اکثر مترجمین تلاش می‌کنند ابزارها و شیوه‌های گوناگون خود را از دیگر ژانرهای عهد جدید به تفسیر مکاشفه برسانند. آنها بر روی عهد عتیق تمرکز می‌کنند تا بتوانند با تعالیم عیسی، پلی را برای ایجاد ساختار الهیاتی و قرار دادن به مکاشفه به عنوان نشانگر برقرار کنند.

باید اعتراف کنم که من این تفسیر مکاشفه را با ترس و اضطراب به وحی می‌رسانم، نه به دلیل نفرین ادیان ۲۲: ۱۸-۱۹، اما به دلیل سطح اختلاف تفسیر این کتاب در میان مردم خدا. من مکاشفه خدا را دوست دارم. درست است که همه مردان دروغگو هستند (رومیان ۳: ۴)! لطفاً از این تفسیر به عنوان یک تلاش برای تحسین و نه قطعی، به عنوان یک پست نشانه و نه یک نقشه راه، به عنوان "آنچه که اگر"، نه "به این ترتیب خداوند می‌گوید: استفاده کنید. من با ناراحتی‌های خود، تعصبات و دستور کار الهیات روبرو هستم. من نیز از دیگر مترجمان چنین مواردی را دیده‌ام. تقریباً به نظر می‌رسد که افراد در مکاشفه آنچه را که انتظار دارند پیدا می‌کنند. این ژانر خود به سوء استفاده منتهی می‌شود! با این حال، برای مقاصد خاصی در کتاب مقدس است. قرار دادن آن به عنوان ختم "کلام" تصادفی نیست. این یک پیام از خدا به فرزندانش از هر نسل است. خدا می‌خواهد ما را درک کند! بیایید دست در دست هم دهیم، نه اینکه کمپ درست کنیم؛ بگذارید تاکید کنیم که چه چیزی روشن و مرکزی است، ممکن است هر چیزی درست نباشد. خداوند به همه ما کمک کند!

موضوع خاص: ادبیات اپوکالیپتی (به نقل از مقدمه‌ای بر مکاشفه)

(SPECIAL TOPIC: APOCALYPTIC LITERATURE)

مکاشفه یک ژانر منحصر به فرد ادبیات یهودی، اپوکالیپتیک، است. از آن اغلب در مواقع پر از تنش برای بیان این عقیده که خدا تاریخ را کنترل کرده و مردمش را رستگار می‌کند، استفاده می‌شود. مشخصه‌های این نوع ادبیات به شرح زیر هستند:

۱. احساس قوی حکومت جهانی خدا (یکتاپرستی و جبرگرایی)
۲. مبارزه میان نیکی و پلیدی، این عصر و عصری که خواهد آمد (دوالیسم)
۳. استفاده از کلمات و کدهای رمزی (معمولا از عهد عتیق یا ادبیات تعاملی اپوکالیپتیک یهود)
۴. استفاده از رنگها، اعداد، حیوانات، گاهی اوقات حیوانات/انسانها
۵. استفاده از میانجیهای فرشتگان توسط بینشها و رویاها، ولی معمولا از طریق میانجیگری فرشتگان
۶. اساسا بر پایان زمان تمرکز میکند (عصر جدید)
۷. استفاده یک نمادهای ثابت، نه واقعیت، به منظور برقراری و انتقال پیام آخر زمان
۸. برخی از مثالهای این نوع ژانر به شرح زیر هستند:

a. عهد عتیق

- i. اشعیا ۲۴ الی ۲۷ و ۵۶ الی ۶۶
- ii. حزقیال ۳۷ الی ۴۸
- iii. دانیال ۷ الی ۱۲
- iv. یوئیل ۲:۲۸ الی ۳:۲۱
- v. زکریا ۱ الی ۶ و ۱۲ الی ۱۴

b. عهد جدید

- i. انجیل متی ۲۴، انجیل مرقس ۱۳، انجیل لوقا ۲۱ و اول قرنتیان ۱۵ (به شیوه‌هایی)
- ii. دوم تسالونیکیان ۲ (در بیشتر شیوه‌ها)
- iii. مکاشفه (فصل‌های ۴ الی ۲۲)

c. غیر شرعی (بر گرفته از *The Method and Message of Jewish Apocalyptic* اثر D. S. Russell صفحات ۳۷ الی ۳۸)

- i. اول انوش، دوم انوش (اسرار انوش)
- ii. کتاب جشنها
- iii. سیبیلین اوراکل ۳ و ۴ و ۵
- iv. عهد و پیمان دوازده شیخ
- v. مزامیر سلیمان
- vi. تصورات موسی
- vii. شهادت اشعیا
- viii. اپوکالیپس موسی (زندگی آدم و حوا)
- ix. اپوکالیپس ابراهیم
- x. عهد و پیمان ابراهیم
- xi. دوم ادريس (چهارم ادريس)
- xii. دوم و سوم باروخ

۹. در این ژانرها یک حس دوگانگی وجود دارد. واقعیت را به صورت یک مجموعه دوالیسمها، تضادها یا تنشها میان وارد زیر می‌بیند (که بسیار در نوشته‌های یوحنا متداول است):

a. بهشت - زمین

b. عصر پلیدی (انسانهای پلید و فرشتگان پلید) - عصر پارسایی (انسانهای خداپرست و فرشتگان خداپرست)

c. شرایط حال حاضر - شرایط آینده

تمامی اینها به سوی تحقیق در حرکتند که توسط خدا ارائه شده اند. این دنیایی نیست که خدا قصد آن را داشت، ولی او به کار خود و پروژه اش ادامه می دهد تا رفاقت و دوستی در باغ عدن برقرار و احیا شود. رخداد مسیح نقطه آبیاری برنامه خدا است، ولی دو آمدن او این دو الیسم و دوگانگی را به وجود آورده است.

نکات برجسته احتمالی در رابطه با سوالات شاگردان (برگرفته از *Answers to Questions* اثر E. F. Bruce، صفحه ۵۷)

۱. هشدار در برابر گمراهی (انجیل مرقس ۱۳: ۵ الی ۸)
۲. پیشگویی شکنجه (انجیل مرقس ۱۳: ۹ الی ۱۳)
۳. تخریب اورشلیم (انجیل مرقس ۱۳: ۱۴ الی ۲۳)
۴. بازگشت مسیح (انجیل مرقس ۱۳: ۲۴ الی ۲۷)
۵. هشدار مبنی بر اینکه نسبت به شرایط حال که منجر به تخریب اورشلیم میشود، مراقب باشند (انجیل مرقس ۱۳: ۲۸ الی ۳۱، یعنی آن نسل انجیل مرقس ۱۳: ۳۴)
۶. هشدار مبنی بر اینکه آگاه باشند که ارباب باز خواهد گشت (انجیل مرقس ۱۳: ۳۲ الی ۳۷، هیچ بجز پدر نمیداند، انجیل مرقس ۱۳: ۳۶)
۷. F. F. Bruce انجیل مرقس ۱۳ را همسو با اولین شش بخش مکاشفه ۶ میداند (مراجعه شود به صفحه ۵۷ و ۱۳۸)

مطالعه کلمات و عبارات

NASB: انجیل مرقس ۱: ۱۳ الی ۲

«هنگامی که عیسی معبد را ترک می کرد، یکی از شاگردانش به او گفت: "استاد، بنگر! چه سنگها و چه بناهای باشکوهی!" اما عیسی به او فرمود: "همه این بناهای بزرگ را می بینی؟ بدان که سنگی بر سنگ دیگر باقی نخواهد ماند، بلکه همه فرو خواهد ریخت."

۱: ۱۳ "معبد" این کلمه (*hieron*) بود که برای کل محوطه معبد استفاده میشد. از زمان رخدادهای انجیل مرقس ۲۶: ۵۵ عیسی در اینجا تعلیم میداد. این ساختمانها به امید بزرگ یهودیان تبدیل شده بودند. نمادی برای عشق انحصاری خدا به اسرائیل (مراجعه شود به ارمیا ۷، انجیل یوحنا ۸: ۳۱ الی ۵۹).
■ "یکی از شاگردانش" این احتمالاً پطرس بود (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۳: ۳). یوحنا و مرقس احتمالاً خاطرات پطرس از گفته های عیسی را به ما میگویند. این طولانیترین دوره تعلیم در انجیل مرقس است.

■ "چه سنگهای باشکوهی" این به مفهوم "سنگهای عظیم" است. جوزفوس به ما میگوید که هیروود کبیر از سنگهای صیقل یافته عظیم آهنی یا مزه (*mezzeh*) که در این ناحیه به وفور یافت میشدند استفاده کرده بود. آنها ۱۲ X ۸ X ۲۵ ذرع بودند (مراجعه شود به *Antiquities* ۳-۱۱-۱۵). سنگهای با این شکل را هنوز میتوان در دیوار ندبه در اورشلیم مشاهده کرد.

■ "بناهای باشکوهی" این به مفهوم "ساختمانهای عظیم" است. آنها سنگهای آهنی سفید صیقل یافته طلا کاری شده بودند. این ساختمان عظیم و پروژه ساختمانی گرانقیمت برای آرام کردن یهودیان که از پادشاه شدن ادومی برافروخته بودند، بنا شده بود. مرمت و توسعه آن از حدود ۲۰ یا ۱۹ قبل از میلاد آغاز شده بود و حدوداً در سال ۶۳ یا ۶۴ میلادی خاتمه یافت (مراجعه شود به *Antiquities* اثر جوزفوس ۱۵-۱۱-۱ الی ۷، جنگها ۵-۵-۱ الی ۶).

۱: ۱۳ "سنگی بر سنگ دیگر باقی نخواهد ماند" این عبارت دو وجه نفی با حالت مفعولی دارد. هیچ حالت دستوری نفی قویتر در زبان یونانی وجود ندارد. این از تخریب کامل سخن می گوید. این بیان باید آنان را خجالت زده کند. جوزفوس به ما می گوید که در سال ۷۰ میلادی رومیان این مکان را کاملاً تخریب کردند به طوری که فرد می توانست زمین را همانند یک مزرعه شخم بزند (مراجعه شود به میکاه ۳: ۱۲، ارمیا ۱۸: ۲۶).

چندین نسخه دستنویس یونانی متفاوت وجود دارند که در ارتباط با این عبارت هستند. کسی که نوشته های انجیل متی ۲۴: ۲ را دنبال کند اینها را در نسخ یونانی باستان یونیکال، B، L، W و می یابد. دوم دنبال کردن گفته های انجیل لوقا ۲۱: ۶ است که در MS A و والگیت یافت می شوند. UBS⁴ انجیل متی ۲۴: ۲ را دنبال می کند که قید "اینجا" یا "در این مکان" را به آن اضافه می نماید.

NASB: انجیل مرقس ۳: ۱۳ الی ۸

آ و چون عیسی بر کوه زیتون روبه روی معبد نشسته بود، پطرس و یعقوب و یوحنا و اندریاس در خلوت از او پرسیدند: "به ما بگو این وقایع کی روی خواهد داد و نشانه نزدیک شدن زمان تحقق آنها چیست؟" عیسی بدیشان فرمود: «به هوش باشید تا کسی گمراهتان نکند. بسیاری به نام من آمده، خواهند گفت، "من همانم" و بسیاری را همراه خواهند کرد. چون درباره جنگها می شنوید و خبر جنگها به گوشتان می رسد، مشوش مشوید. چنین وقایعی می باید رخ دهد، ولی هنوز پایان فرا نرسیده است. قومی بر قوم دیگر و حکومتی بر حکومت دیگر خواهند خاست. زلزله ها در جایهای گوناگون خواهد آمد و قحطیها خواهد شد. اما این تنها به منزله آغاز درد زایمان است.

۱: ۱۳ "بر کوه زیتون روبه روی معبد نشسته بود" این کوه در دو و نیم مایلی شرق اورشلیم و محوطه معبد و مشرف به آنجا بود (حدود ۳۰۰ الی ۴۰۰ فوت بالاتر قرار داشت).

■ "پطرس و یعقوب و یوحنا و اندریاس" فقط انجیل مرقس این جزئیات را بیان میکند. احتمال دارد که این یکی از خاطرات و شهادتهای عینی پطرس باشد.

۱۳: ۴ " این وقایع کی روی خواهد داد و نشانه نزدیک شدن زمان تحقق آنها چیست " انجیل متی ۲۴: ۳ سوال جامعتری را به ثبت رسانده است. رخدادهای زیادی بودند که این شاگردان میخواستند درباره آنها بدانند: (۱) زمان تخریب معبد، (۲) زمان آمدن دوم، و (۳) زمان پایان دنیا. شاگردان احتمالاً فکر میکردند که هر سه این رخدادهای همزمان به وقوع خواهند پیوست. توجه کنید که عیسی همانگونه که پیامبران عهد عتیق کردند، مسائل دنیوی و اسکاتولوژیک را به یکدیگر پیوند داده بود.

موضوع خاص: پاسخ به دو سوال شاگردان در انجیل متی ۲۴: ۳ (SPECIAL TOPIC: ANSWERS TO THE DISCIPLES' TWO QUESTIONS OF MATTHEW 24:3)

(به نقل از *Answers to Questions* اثر F. F. Bruce صفحه ۵۷)

۱. هشدار در برابر گمراه کردن، توسط انبیا دروغین یا فجایع بزرگ، مبنی بر اینکه این پایان زمان است

a. انجیل متی ۲۴: ۴ الی ۸

b. انجیل مرقس ۱۳: ۵ الی ۸

c. انجیل لوقا ۲۱: ۸ الی ۱۱

۲. پیش گویی شکنجه و وعده کمک

a. انجیل متی ۲۴: ۹ الی ۱۴

b. انجیل مرقس ۱۳: ۹ الی ۱۳

c. انجیل لوقا ۲۱: ۱۲ الی ۱۹

۳. پاسخ به سوال نخست، در رابطه با تخریب اورشلیم و پراکنده شدن ساکنان آن

a. انجیل متی ۲۴: ۱۵ الی ۲۸

b. انجیل مرقس ۱۳: ۱۴ الی ۲۳

c. انجیل لوقا ۲۱: ۲۰ الی ۲۴

۴. پاسخ به سوال دوم، توصیف آمدن مسیح

a. انجیل متی ۲۴: ۲۹ الی ۳۱

b. انجیل مرقس ۱۳: ۲۴ الی ۲۷

c. انجیل لوقا ۲۱: ۲۰ الی ۲۴

۵. هشدار به مراقب بودن در وضعیتی که منجر به سقوط اورشلیم شد

a. انجیل متی ۲۴: ۳۲ الی ۳۵

b. انجیل مرقس ۱۳: ۲۸ الی ۳۱

c. انجیل لوقا ۲۱: ۲۹ الی ۳۳

۶. هشدار به مراقب بودن برای آمدن دوم مسیح

a. انجیل متی ۲۴: ۳۶ الی ۴۴

b. انجیل مرقس ۱۳: ۳۲ الی ۳۷

c. انجیل لوقا ۲۱: ۳۴ الی ۳۶

۱۳: ۵ الی ۱۳ " به هوش باشید تا کسی گمراهتان نکند " به هوش باشید" زمان حال امری فعال است. عیسی به آنان فرمان میدهد که همیشه در حالت آماده باش باشند. از چند طریق این سنتهای یهودی درباره مسیح آنان را متعصب کرده بود. این آیات نشانه ها و پیشگوییهای اشتباهی را بیان میکند که در هر عصری وجود دارند. این امر اغلب تکرار میشود (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۳: ۵ و ۹ و ۲۳ و ۳۳). بسیاری هستند که میخواهند بر اساس این موارد شما را گمراه کنند.

هر نسلی از مسیحیان سعی کرده که تاریخ معاصر را به زور در نبوت انجیلی بگنجاند. تا این زمان همگی در اشتباه بودند. بخشی از مشکل این است که مومنین باید در لحظه زندگی کنند و منتظر آمدن دوم باشند، ولی همه نبوتها برای یک پایان زمان نسل مومنین نوشته شده اند. خوشحال باشید که نمی دانید.

۱۳: ۶ " بسیاری به نام من آمده " این اشاره به مسیح های دروغین دارد (مراجعه شود به انجیل متی ۲۴: ۱۱، ۲۳ الی ۲۴). حتی در *Wars of the Jews* 6.54 جوزفوس هم اشاره ای به این مسئله شده است که تصریح میکند رومیان اورشلیم را به دلیل نبوتهای متعصبانه دروغین که مردم را با وعده های دروغین که یهوه بر اساس نبوتهای اشعیا (اشعیا ۳۷) مداخله کرده و اورشلیم را نجات میدهد، تخریب کردند، ولی البته پیشگوییهای مکرر ارمیا در مورد سقوط اورشلیم بی ایمان را ذکر نکردند.

■ " خواهند گفت، "من همانم"" این به مفهوم "من هستم" است. این یک اطلاق مسیحانه است که از عنوان عهد عتیقی پیمان خدا، یهوه، از مصدر "بودن" استفاده میکند (مراجعه شود به کتاب خروج ۱۳: ۱۲ و ۱۴، انجیل یوحنا ۴: ۲۶، ۸: ۲۴ و ۵۸، ۱۳: ۱۹، ۱۸: ۵). موضوع خاص در بخش مربوط به انجیل

■ " و بسیاری را گمراه خواهند کرد " این قبیل هشدارها و اصطلاحات در نوشته های اپوکالیپتیک متداول هستند. این قدرت مجاب کننده مسیح های دروغین را و خلا معنوی انسان گمراه را نشان میدهد (مراجعه شود به انجیل متی ۲۴: ۱۱، ۲۳ الی ۲۶). همچنین بی ریایی و سادگی تازه ایمان آورندگان و نو مسیحیان را نشان میدهد (مراجعه شود به اول قرنتیان ۳: ۱ الی ۳، عبرانیان ۵: ۱۱ الی ۱۴).

۱۳: ۷ "مشوش مشوید" این زمان حال امری با حرف اضافه نفی است، که معمولا به معنی متوقف ساختن عمل در حال انجام است.

■ "چنین وقایعی می باید رخ دهد، ولی هنوز پایان فرا نرسیده است" جنگها و زمین لرزه ها نشانه های پایان نیستند، ولی نشانه های حاضر در هر عصری می باشند (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۳: ۸ و ۱۰، انجیل متی ۲۴: ۶ و ۸). این رخدادهای طبیعی خشن نشانه های آمدن دوم نیستند، بلکه نشانه های زندگی در جهان گمراه هستند (مراجعه شود به John L. Bray, *Matthew 24 Fulfilled* صفحات ۲۵ و ۲۸، که معرفی خوبی از تفسیر پیشین میباشد).

۱۳: ۸ "قحطیها خواهد شد" در برخی نسخ دستنویس یونانی "و مشکلات" هم ذکر شده است (مراجعه شود به MSS A و W و NKJV). گونه های دیگری هم وجود دارند ولی در بیشتر ترجمه های انگلیسی "و قحطیها" نوشته شده که در انجیل متی ۲۴: ۷ و ۸، MSS B و L (و MS D با اندکی تفاوت) دیده میشود. همسوی آن در انجیل لوقا ۲۱: ۱۱ موارد دیگری را هم فهرست کرده است. UBS⁴ به متن کوتاهتر رتبه B را میدهد (تقریبا یقین است).

■ "درد زایمان" اصطلاح کامل "درد زایمان" عصر جدید است (مراجعه شود به اشعیا ۱۳: ۸، ۲۶: ۱۷، ارمیا ۳۰: ۶ الی ۷، میکاه ۴: ۹ الی ۱۰، انجیل متی ۲۴: ۸، اعمال رسولان ۲: ۲۴، اول تسالونیکیان ۵: ۳). این منعکس کننده اعتقاد یهودیان در شدت یافتن پلیدی قبل از عصر جدید پارسایی است (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۳: ۱۹ الی ۲۰ و *Book of Jubilees* ۲۳: ۱۸، همراه با *Apocalypse of Baruch* ۲۷ الی ۲۹). یهودیان به دو عصر ایمان داشتند: عصر حاضر پلیدی، که مشخصه آن گناه و قیام علیه خدا است و "عصری که خواهد آمد". عصر جدید با آمدن مسیح آغاز میگردد (مراجعه شود به مزمور ۲). این عصر، دوران پارسایی و وفاداری به خدا است. هر چند بخشی از بینش یهودیان درست است، ولی دو بار آمدن مسیح را به حساب نمی آورد. ما در دوران همپوشانی این دو عصر به سر میبریم: عصری که گذشته و پادشاهی خدا که هنوز نیامده است.

موضوع خاص: این عصر و عصری که خواهد آمد

(SPECIAL TOPIC: THIS AGE AND THE AGE TO COME)

پیامبران عهد عتیق آینده را به صورت ادامه حال دیدند. برای آنها آینده تجدید حیات جغرافیایی اسرائیل است. با این حال، آنان به صورت روز جدیدی به آن نگاه می کردند (مراجعه شود به اشعیا ۶۵: ۱۷، ۶۶: ۲۲). با تداوم انکار یهوه توسط فرزندان خودسر ابراهیم (حتی پس از تبعید) یک الگوی جدید در ادبیات آخر زمانی یهودیان شکل گرفت (مراجعه شود به انوش ۱، عزرا ۴، باروخ ۲). این نوشته ها تمایزی میان دو عصر ایجاد کردند: عصر حاضر شیطانی که شیطان بر آن غلبه دارد و عصر عدالت که خواهد آمد و روح القدس بر آن حاکم خواهد بود و توسط مسیح آغاز می شود (عمدتا یک جنگجوی پویا).

در این عصر خداشناسی (اسکاتولوژی) توسعه مشهودی وجود دارد. خداشناسان به این "مکاشفه در حال پیشرفت" می گویند. عهد جدید این واقعیت کیهانی از دو عصر را تصریح می کند (دوالیسم موقتی)

عیسی	پولس	عبرانیان (پولس)
انجیل متی ۱۲: ۳۲، ۱۲: ۳۹ و ۲۲	رومیان ۱۲: ۲	عبرانیان ۱: ۲، ۶: ۵، ۱۱: ۱۳
انجیل مرقس ۱۰: ۳۰	اول قرنتیان ۱: ۲۰، ۲: ۶ و ۸، ۳: ۱۸	
انجیل لوقا ۱۶: ۸، ۱۸: ۳۰، ۲۰: ۳۴ و ۳۵	دوم قرنتیان ۴: ۴	
	غلاطیان ۱: ۴	
	افسیان ۱: ۲۱، ۲: ۲ و ۷، ۶: ۱۲	
	اول تیموتائوس ۶: ۱۷	
	دوم تیموتائوس ۴: ۱۰	
	تیتوس ۲: ۱۲	

در الهیات عهد جدید این دو عصر یهودی به واسطه پیش بینی غیر منتظره دو آمدن مسیح مورد همپوشانی قرار می گیرند. تولد دوباره مسیح (یعنی قیام از مردگان) عمده رسالت عهد عتیق را در مورد شروع عصر جدید تحقق بخشید (دانیال ۲: ۴۴ و ۴۵). با این حال، عهد عتیق آمدن او را به عنوان قاضی و فاتح دیده، در حالی که او در بار اول به عنوان خدمتگزار رنج دیده آمد (مراجعه شود به اشعیا ۵۳، زکریا ۱۲: ۱۰)، فروتن و بردبار (مراجعه شود به

زکریا ۹:۹) بود. او درست همانطور که عهد عتیق پیش بینی کرده بود، به قدرت باز خواهد گشت (مراجعه شود به مکاشفه ۱۹). این تحقق دو مرحله باعث گردیدند که پادشاهی خدا در عصر حاضر باشد (آغاز شود)، نه در زمان آینده (یعنی به طور کامل تحقق نیافته است). این تنش "قبلا ولی نه هنوز" عهد جدید است.

NASB: انجیل مرقس ۹:۱۳ الی ۱۳

^۹ "و اما شما درباره خودتان به هوش باشید، زیرا شما را به محاکم خواهند سپرد و در کنیسه‌ها خواهند زد و به خاطر من در حضور والیان و پادشاهان خواهید ایستاد تا در برابر آنان شهادت دهید. نخست باید انجیل به همه قومها موعظه شود. ^{۱۱} پس هر گاه شما را گرفتار کنند و به محاکمه کشند، پیشاپیش نگران نباشید که چه بگویید، بلکه هرآنچه در آن زمان به شما داده شود، آن را بگویید؛ زیرا گوینده شما نیستید، بلکه روح القدس است. ^{۱۲} برادر، برادر را و پدر، فرزند را تسلیم مرگ خواهد کرد. فرزندان بر والدین برخاسته، اسباب کشته شدن آنها را فراهم خواهند آورد. ^{۱۳} همه به خاطر نام من از شما نفرت خواهند داشت؛ اما هر که تا به پایان پایدار بماند، نجات خواهد یافت."

۱۳: ۹ الی ۱۳ این بخش با انجیل با متی ۲۴ همسو نیست ولی در انجیل متی ۱۰: ۱۷ الی ۲۲ نمایان میگردد. این نشان میدهد که عیسی باید این حقیقت را بارها و در مواقع مختلف تکرار کرده باشد و یا اینکه متی و مرقس این بحث را بر اساس موضوع طبقه بندی کرده اند.

۱۳: ۹ " شما درباره خودتان به هوش باشید " این زمان حال فعال امری است (همانند همین حالت در انجیل مرقس ۱۳: ۵ و ۲۳ دیده میشود). در اینجا یک عنصر مسئولیت فردی جهت آماده شدن برای رخدادهای پایان زمان وجود دارد.

■ " شما را به محاکم خواهند سپرد و در کنیسه‌ها خواهند زد و به خاطر من در حضور والیان و پادشاهان خواهید ایستاد " عبارات محاکم و کنیسه‌ها اصطلاحاتی هستند که در انجیل متی ۲۴: ۹ دیده نمی شود، نشان دهنده مورد آزار و شکنجه قرار گرفتن مسیحیان توسط دولتها و مذهبیون یهود و پیروان سایر ادیان است (مراجعه شود به اول پطرس ۴: ۲ الی ۱۶).

■ "محاکم" این حالت جمع سانه‌دین است. اشاره به دادگاه محلی کنیسه دارد (مراجعه شود به دوم قرنتیان ۱۱: ۲۴).

■ " خواهند زد " (در نسخه انگلیسی اصطلاح *flogged* به معنی تازیانه زدن ذکر شده ولی در ترجمه فارسی کلمه تازیانه حذف شده است- مترجم) این به معنی "شلاق زدن" و یا "کندن پوست بدن" است (مراجعه شود به دوم قرنتیان ۱۱: ۲۴). یهودیان بر اساس کتاب تثنیه ۲۵: ۱ الی ۳، توهین کنندگان را سی و نه مرتبه تازیانه میزدند - سیزده مرتبه جلوی بدن و ۲۶ مرتبه بر پشت بدن.

۱۳: ۹ و ۱۲ "به خاطر من" آیا مومنین، نه برای ضعف یا گناهانشان، بلکه به خاطر اینکه پیرو مسیح هستند (مراجعه شود به انجیل متی ۵: ۱۰ الی ۱۶، اول پطرس ۴: ۱۲ الی ۱۶) مورد آزار و شکنجه قرار خواهند گرفت؟

۱۳: ۱۰ " نخست باید انجیل به همه قومها موعظه شود " اصطلاح "باید" ترجمه یونانی اصطلاح *dei* است که دلالت بر ضرورت انجام دارد. عیسی (یا پطرس یا مرقس، همه کسانی که تحت الهام هستند) تلاش می کردند که به شاگردان نشان دهند: (۱) ماموریتشان در برابر کفار (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱۲: ۳، اول پادشاهان ۸: ۶۰، اشعیا ۴۲: ۶، ۴۹: ۶، ۵۱: ۴، ۵۲: ۱۰، ۶۰: ۱ الی ۳، انجیل متی ۲۴: ۱۴، ۲۸: ۱۹ الی ۲۰، اعمال رسولان ۱: ۸، رومیان ۱۱: ۲۵ الی ۲۷) و (۲) زمان طولانیتری میان تخریب اورشلیم و آمدن دوم وجود دارد (مراجعه کنید به دوم تسالونیکیان ۲، دوم پطرس ۲). ما باید تنش هر لحظه آمدن سرورمان و این حقیقت که ابتدا باید اتفاقاتی رخ دهند را حفظ کنیم. یک تنش واقعی در عهد جدید در رابطه با زمان آمدن دوم وجود دارد» قطعی است، با تاخیر است و یا نا مشخص می باشد.

۱۳: ۱۱ روح القدس همیشه با مومنین است. روح القدس همیشه به مومنین در برابر آزار و اذیت ها قدرت می بخشد (مراجعه شود به اعمال رسولان ۴)! روح القدس اغلب با عیسی تعریف می شود همانطور که همسوی آن در انجیل لوقا ۲۱: ۱۵ نشان می دهد. این وعده جایگزین آمادگی فردی برای موعظه منظم و تعلیم فرصتها نیست، بنابراین جایگزین مطالعه درست نمی باشد. این لطف خاصی است که به مومنین اجازه میدهد شاهد ایمان به مسیح در دوران آزار و شکنجه باشند (مراجعه شود به انجیل متی ۱۰: ۱۹ الی ۲۰، انجیل لوقا ۱۲: ۱۱ الی ۱۲، ۲۱: ۱۴ الی ۱۵).

■ "در آن زمان" موضوع خاص: ساعت در بخش مربوط به انجیل مرقس ۱۴: ۳۵ را مطالعه کنید.

۱۳: ۱۲ "برادر... برادر" خانواده قلب زندگی یهود است، ولی خانواده ها بر سر عیسی از هم می پاشند (مراجعه شود به انجیل متی ۱۰: ۲۱ و ۳۵ الی ۳۷). این همچنین یک موضوعی است که در نوشته های آپوکالیپتیکی تکرار میشود (مراجعه شود به *Jubilees* ۲۳: ۱۹ و *Baruch II* ۷۰: ۳).

۱۳: ۱۳ " اما هر که تا به پایان پایدار بماند، نجات خواهد یافت " این دکترین استقامت و پایداری است (مراجعه شود به انجیل متی ۱۰: ۲۲). این را باید در یک تنش گفتمانی با دکترین امنیت حفظ کرد (مراجعه شود به مکاشفه ۲: ۷ و ۱۱ و ۱۷ و ۲۶، ۳: ۵ و ۱۲ و ۲۱، ۷: ۷). موضوع خاص: نیاز به استقامت در بخش مربوط به انجیل مرقس ۴: ۱۷ را مطالعه کنید.

۱۴ "اما چون آن 'مکروه ویرانگر' را در مکانی که نباید، بر پا ببینید - خواننده دقت کند - آنگاه آنان که در یهودیه‌اند، به کوهها بگریزند؛^{۱۵} و هر که بر بام خانه باشد، برای برداشتن چیزی، فرود نیاید و وارد خانه نشود؛^{۱۶} و هر که در مزرعه باشد، برای برگرفتن قبای خود به خانه بازنگردد. ^{۱۷} وای بر زنان آبستن و مادران شیرده در آن روزها! ^{۱۸} دعا کنید که این وقایع در زمستان روی ندهد. ^{۱۹} زیرا که در آن روزها چنان مصیبتی روی خواهد داد که مانندش از آغاز عالمی که خدا آفرید تا کنون روی نداده و هرگز نیز روی نخواهد داد. ^{۲۰} و اگر خداوند آن روزها را کوتاه نمی‌کرد، هیچ بشری جان سالم به در نمی‌برد. اما به خاطر برگزیدگان، که خود آنها را انتخاب کرده، آن روزها را کوتاه کرده است. ^{۲۱} در آن زمان، اگر کسی به شما گوید: "بنگر، مسیح اینجاست"، یا "بنگر، او آنجاست!" باور نکنید. ^{۲۲} زیرا مسیحان کاذب و پیامبران دروغین برخاسته، آیات و معجزات به ظهور خواهند آورد تا اگر ممکن باشد، برگزیدگان را گمراه کنند. ^{۲۳} پس هوشیار باشید، زیرا پیشاپیش، همه اینها را به شما گفتم.

۱۴:۱۳

NASB, NKJV	زشتی تخریب
NRSV	فساد ویرانگر
TEV	ترس و وحشت
JB	تخریب فاجعه آمیز

موضوع خاص: تخریب

(SPECIAL TOPIC: THE ABOMINATION OF DESOLATION)

M. R. Vincent اصطلاح تخریب را به این صورت توصیف میکند: این اصطلاح از فعل βδελύσσαι، بدین معنی است که شما نسبت به خوراک احساس تهوع یا ناراحتی کنید، از این رو به طور کلی برای بیزاری استفاده می‌شود. در یک مفهوم اخلاقی دلالت بر یک مورد منفور اخلاقی یا دینی دارد (مراجعه شود به دوم قرنتیان ۱۵: ۸، ارمیا ۱۳: ۲۷، حزقیال ۱۱: ۲۱، دانیال ۹: ۲۷، ۱۱: ۳۱). از آن به عنوان مترادف بت پرستی در اول پادشاهان ۱۱: ۱۷، کتاب تثنیه ۷: ۲۶، دوم پادشاهان ۲۳: ۱۳ استفاده شده است. این دلالت بر هر چیزی دارد که دوری و بیگانگی از خداوند را از خود نشان می‌دهد؛ همچون خوردن جانوران ناپاک، لاویان. ۱۱: ۱۱؛ کتاب تثنیه ۱۴: ۳؛ و، به طور کلی، تمام انواع کارهایی که کفار انجام میدهند. این حس اخلاقی باید در عهد کاربرد عهد جدیدی کلمه مورد تاکید قرار گیرد (یعنی مقایسه انجیل لوقا ۱۶: ۱۵، مکاشفه ۱۷: ۴ و ۵، ۲۱: ۲۷). این فقط یک انزجار فیزیکی و زیبایی نیست. اشاره در اینجا احتمالاً به اشغال معابد توسط رومیان بت پرست تحت فرمان تیتوس با استانداردهای و نشانه‌های آنهاست. جوزفوس می‌گوید که پس از سوزاندن معبد، رومیان پرچمهای خود را در دروازه شرقی برافراشتند و در آنجا قربانی هدیه دادند و با هیجان اعلام کردند که تیتوس امپراتور شود "Word Studies in the New Testament" (صفحات ۷۴ الی ۷۵).

کلمه عبری "تخریب" (BDB 1055, KB 1640) به معنی توهین به مقدسات است. این عبارت در دانیال ۹: ۲۷ و ۱۱: ۳۱ و ۱۲: ۱۱ استفاده شده است.

۱. در ابتدا به اشاره به آنتیوخوس چهارم ایپفانس اشاره داشت، که در معبد اورشلیم محرابی برای ژئوس اولیمپوس در سال ۱۶۷ قبل از میلاد بنا کرد و خوکی را قربانی کرده و در آنجا گذاشت (مراجعه شود به دانیال ۸: ۹ الی ۱۴، اول مکابیان ۱: ۵۴ و ۵۹، دوم مکابیان ۶: ۱ الی ۲).
 ۲. در دانیال ۷: ۷ الی ۸ در رابطه با آخر زمان ضد مسیح است (مراجعه شود به دوم تسالونیکیان ۲: ۴)
 ۳. در انجیل متی ۲۴: ۱۵، انجیل مرقس ۱۳: ۱۴، انجیل لوقا ۲۱: ۲۰ اشاره به آمدن ژنرال رومی تیتوس (که بعداً امپراتور شد) و ارتش او در سال ۷۰ میلادی دارد که استانداردهایی را برای ارتش خود تعیین کرد که مختص خدایان بت‌ها بودند، و ارتش خود را در دروازه شرقی نزدیک به معبد مستقر کرد. این نمی‌تواند به محاصره بیت المقدس اشاره کند؛ زیرا برای مؤمنان خیلی دیر بود که بتوانند فرار کنند.
- این مثالی از عبارتی است که در چندین متن متفاوت ولی مرتبط استفاده میشود. به این "تحقق چندگانه نبوت" گفته میشود. غیر ممکن است که تا زمانی که رخدادی صورت نگرفته باشد، بتوان آن را تفسیر کرد، و به گذشته نگاه کرد.

NASB	ایستادن در جایی که نباید بود
NKJV	ایستادن جایی که نباید
NRSV, NJB	برقراری در جایی که نباید باشد
TEV	ایستادن در جایی که او نباید باشد

در *The Analytical Greek New Testament* اثر Barbara and Timothy Friberg صفحه ۱۵۴ (مراجعه شود به TEV) وجه وصفی

ایستادن حالت مفعولی کامل فعال مذکر است، ولی در *The Analytical Lexicon to the Greek New Testament* اثر William D. Mounce صفحه ۲۱۹ حالت مفعولی فعال خنثی است (مراجعه شود به NJB، NRSV، NASB). اگر خنثی باشد، پس (۱) تخریب (*bdelugma*) یا (۲) به ارتش تیتوس (*strateuma*) اشاره می‌کند. انجیل متی ۲۴: ۱۵ "ایستادن در مکان مقدس" (یعنی مکان مقدس معبد) را اضافه می‌کند، که دلالت بر جنس مذکر و اشاره به ژنرال رومی دارد. این همچنین، به تیتوس هم می‌تواند اشاره داشته باشد، که استانداردهای رومی در معبد اورشلیم را تنظیم کرد (و در برابر خدایانشان ایستاد).

■ "خواننده دقت کند" این به معنی "در باره آن با دقت فکر کنید" و یا "خوب به این نکته توجه کنید" است (مراجعه شود به دوم تیموتائوس ۲: ۷). این یادداشتی از جانب نگارنده انجیل است. ظاهراً با هدف برانگیختن مباحثات بعدی بوده است (یعنی تخریب فاجعه آمیز از دانیال ۹: ۲۷، ۱۱: ۳۱، ۱۲: ۱۱) بر روی موضوع توسط کسی که متن را با صدای بلند برای یک گروه در مراسم دعا و عبادت می‌خواند، چیزی همانند کلاسهای مدرسه یکشنبه روزگار مدرن امروزی ما.

■ "آنگاه آنان که در یهودیه‌اند، به کوهها بگریزند" ایسوبیوس، یک تاریخدان کلیسا از قرن چهارم، ثبت کرده است که مسیحیان از اورشلیم به پلا فرار کردند، که در حدود بیست مایلی جنوب شرقی دریای جلیل و درست قبل مکان محاصره شهر توسط رومیان در سال ۷۰ میلادی بود (مراجعه شود به *Hist. Eccl* ۲: ۵: ۳ الی ۳)

۱۳: ۱۵ "و هر که بر بام خانه باشد" خانه‌ها سقف صاف داشتند. از آنها به عنوان مکانی که در ماه‌های گرم در آنجا گرد می‌آمدند، استفاده می‌شد. گفته می‌شود که فرد می‌توانست بر روی بام خانه‌ها سراسر اورشلیم را طی کند. ظاهراً برخی خانه‌ها در کنار دیوار شهر بنا شده بودند. وقتی که ارتش دیده شد، برپا کردن پرچم وضعیت اضطراری ضروری بود.

۱۳: ۱۶ "قبا" این اشاره به جامه بیرونی دارد، که همچنین به عنوان پوشش برای خواب هم استفاده می‌شد. مردانی که در مزرعه کار می‌کردند این قبا را با خود همراه نداشتند.

۱۳: ۱۷ "وای" این اصطلاح در عهد عتیق برای مشخص کردن داوری نبوتها مورد استفاده قرار گرفته است. شیوه ای برای اشاره به مراسم تدفین یا سوگواری بود. داوری خدا در مورد اورشلیم بر مومنین و نیز بی ایمانان تاثیر می‌گذارد (همانطور که عذاب عظیم اثر می‌گذارد).

■ "بر زنان آبستن" بدیهی است که این صرفاً اشاره به تخریب اسرائیل دارد. برای زنان باردار سریع فرار کردن و گذشتن از روی دیوار دشوار بود. این هیچ ارتباطی با آمدن دوم و پایان عصر ندارد. مسئله اینجاست که این سوالات همزمان مورد بررسی قرار می‌گرفتند. هیچ طبقه بندی ساده آیه ای نیست که بر اساس موضوع صورت گرفته باشد.

۱۳: ۱۸ "در زمستان" سفر سریع هم برای زنان باردار و کودکان در زمستان سخت بود.

۱۳: ۱۹ این را می‌توان به صورت (۱) شدت مجازات آخر زمان مومنین و داوری خدا بر ایمان‌نیاوردگان یا (۲) گزافه‌گویی شرقی دید. به سختی می‌توان دریافت که اشارات مفهومی و یا نمادین هستند (یوئیل ۲: ۲۸ الی ۳۲ و استفاده پطرس از آن در اعمال رسولان ۲ را مقایسه کنید، که مفهومی استفاده نشده است). عهد جدید یک کتاب شرقی است. آنها به مراتب بیشتر اغراق و گرافه‌گویی میکنند و نمادین حرف می‌زنند تا ما غربی‌ها. سوال هرگز این نیست که مکاشفه را جدی بگیریم. این یک سوال علم‌واژه‌شناسی در مورد نیت نگارنده اصلی است که تحت الهام بوده است.

این آیه ممکن است اشاره ای به دانیال ۱۲: ۱ باشد، ولی با یک عبارت بیشتر. منتخب آنانی هستند که اسم آنان در کتاب زندگی درج شده است (یهودیان مومن، کسانی که واقعا در ایمان خود پایدار ماندند، و کفاری که ایمان آوردند، راز خدا پنهان بود ولی اینک آشکار می‌گردد، مراجعه شود به افسسیان ۲: ۱۱ الی ۳: ۱۳).

■ "از آغاز عالمی که خدا آفرید" موضوع خاص در بخش مربوط به انجیل مرقس ۱۰: ۶ را مطالعه کنید.

۱۳: ۲۰ سوال تفسیری این است که این به کدامیک از این سه رخداد (یعنی (۱) تخریب اورشلیم، (۲) آمدن مسیح، و (۳) پایان زمان) اشاره می‌کند؟ در خصوص این سه رخداد به شیوه‌های همپوشانی بحث شده است. هیچ تقسیم بندی دقیق و مشخصی برای این آیه وجود ندارد. برای من این چنین به نظر می‌رسد که این اشاره به آمدن دوم و پایان زمان دارد، نه تخریب اورشلیم، زیرا مسیحیان قبل از تخریب از شهر فرار کردند.

■ "اگر" (ترجمه متن انگلیسی این آیه به صورت "هیچکس نجات نمی‌یافت مگر اینکه او روزها را کوتاه می‌کرد" که با ترجمه فارسی مغایر است- مترجم) این یک عبارت شرطی نادر درجه دوم است که "بر خلاف حقیقت" نامیده می‌شود. یک فرضیه نادرستی را بیان می‌کند که منجر به جمع بندی نادرستی می‌شود. از نظر مفهومی این دلالت بر آن دارد که "اگر خدا روزها را کوتاه نمی‌کرد (که کرد) هیچ کس نجات نمی‌یافت (ولی آنها نجات یافتند)".

■ "خدا" (در نسخه انگلیسی کتاب مقدس در بیشتر موارد کلمه *Lord* به معنی "ازباب" یا "سرور" استفاده شده که بسته به موضوع اشاره به عیسی یا خدا دارد، ولی در متن فارسی، همه جا به اشتباه خدا ترجمه شده - مترجم) این کلمه باید اشاره به یهوه داشته باشد نه عیسی. یهوه کسی است که انتخاب میکند

(مراجعه شود به افسسیان ۱: ۴).

■ "جان سالم به در نمی برد" (در نسخه انگلیسی *Would have been saved* نوشته شده که به معنی نجات داده نمیشدند - مترجم) این شیوه استفاده از اصطلاح به مفهوم عهد عتیقی آزادی یا رهایی فیزیکی است (مراجعه شود به یعقوب ۵: ۱۵)، نه رستگاری معنوی.

■ "اما به خاطر برگزیدگان" موضوع خاص زیر را مطالعه کنید

موضوع خاص: انتخاب/تقدیر و نیاز به تعادل الهیاتی

(SPECIAL TOPIC: Election/Predestination and the Need for a Theological Balance)

انتخاب یک دکتربین حیرت انگیز است. با این حال، نباید آن را استثنا قائل شدن نسبت به کسی تلقی کرد، بلکه کانالی یا ابزاری برای رستگار کردن دیگران است. در عهد عتیق این اصطلاح اساساً برای خدمت کردن استفاده شده است، در عهد جدید اساساً برای رستگاری که در نتیجه خدمت کردن است، استفاده شده است. کتاب مقدس هرگز تضاد ظاهری بین حاکمیت خدا و اراده آزاد بشری انسان را توجیه نمی کند، اما هر دو آنها را تأیید می کند! مثال خوبی از تنش کتاب مقدس رومیان ۹ بر انتخاب حاکم خدا و رومیان ۱۰ بر پاسخ ضروری بشر خواهد بود (مراجعه شود به رومیان ۱۰: ۱۱ و ۱۳). کلید این تنش الهیاتی را شاید بتوان در افسسیان ۱: ۴ یافت. عیسی مرد منتخب خدا است و به صورت بالقوه همه از طریق او انتخاب میشوند (Karl Barth). عیسی پاسخ "آری" به نیازهای انسان سقوط کرده و. گمراه است (Karl Barth). افسسیان ۱: ۴ همچنین با تصریح اینکه هدف تقدیر بهشت نیست بلکه تقدس (همانند مسیح بودن) است، کمک میکند که مسئله روشن شود. ما اغلب جذب مزایای انجیل میشویم و مسئولیتها را نادیده میگیریم! فراخواندن خدا (انتخاب) هم برای حال و هم برای ابدیت است!

دکترین در ارتباط با حقایق دیگر، نه تنها به عنوان حقایق غیر مرتبط است. یک قیاس خوب، مقایسه یک صورت فلکی در برابر یک ستاره است. خداوند حقیقت را در ژانرهای شرقی ارائه می دهد نه غربی. ما نباید تنش ناشی از جفت دیالکتیکی (پارادوکسی) حقیقت های دینی را حذف کنیم:

۱. تقدیر در برابر اراده آزاد انسان
۲. امنیت مومنین در برابر نیاز به استقامت
۳. گناهکاری ذاتی در برابر گناه اختیاری
۴. بدون گناه بودن (کامل بودن) در برابر کمتر گناه کردن
۵. توجیه اولیه و تقدیس در برابر مقدسات پیشروانه
۶. آزادی مسیحی در برابر مسئولیت مسیحی
۷. برتری خدا در برابر حضور او در همه جا
۸. خدایی که در نهایت غیر قابل شناخت است در برابر خدا به عنوان قابل فهم در کتاب مقدس
۹. پادشاهی خدا در حال حاضر در مقابل تحقق در آینده
۱۰. توبه به عنوان یک هدیه از خدا در برابر توبه به عنوان یک پاسخ الزامی از جانب انسان
۱۱. عیسی به عنوان یک موجود خدایی در برابر عیسی به عنوان انسان
۱۲. عیسی به عنوان برابر با پدر و عیسی به عنوان زبردست پدر

مفهوم الهیاتی "پیمان"، حاکمیت خداوند (که همیشه ابتکار عمل و برنامه را تنظیم می کند)، با یک پاسخ توبه اولیه و دائمی از انسان، را یکسان میکند (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱: ۱۵؛ اعمال رسولان ۳: ۱۶ و ۱۹؛ ۲۰: ۲۱). مراقب باشید که به خاطر اثبات متن از یک طرف پارادوکس، وجوه دیگر را از بین نبرید! مراقب باشید فقط از دکتربین مورد علاقه خود یا سیستم الهیات استفاده کنید!

■ "او روزها را کوتاه میکرد" این عبارت دلالت بر آن دارد که خدای تغییر نیافتنی (مراجعه شود به مزمور ۱۰۲: ۲۶ الی ۲۷، ملاکی ۳: ۶) می تواند برنامه های خود را تغییر دهد! شخصیت او و هدف رستگاری او هرگز تغییر نمیکند، ولی دعاهای مردمش بر او تاثیر گذاشته و اغلب برنامه هایش را تغییر میدهد. این یک راز است! ولی سرمایه نمازهای روحانی است.

موضوع خاص: نماز روحانی

(SPECIAL TOPIC: INTERCESSORY PRAYER)

۱. مقدمه

a. به دلیل سرمشق بودن عیسی، دعا اهمیت دارد

- i. دعای فردی، انجیل متی ۱: ۳۵، انجیل لوقا ۳: ۲۱، ۶: ۱۲، ۹: ۲۹، ۲۲: ۳۱ الی ۴۶
- ii. تطهیر معبد، انجیل متی ۲۱: ۱۳، انجیل مرقس ۱۱: ۱۷، انجیل لوقا ۱۹: ۴۶
- iii. الگوی دعا، انجیل متی ۶: ۵ الی ۱۳، انجیل لوقا ۱۱: ۲ الی ۴
- b. دعا محسوس کردن اعتقاد فردی و توجه ما است به خدا که حضور دارد و مایل است از طرف ما و دیگران از طریق دعاهای ما عمل کند.
- c. خدا خود را محدود کرده که فقط بر اساس دعاهای فرزنداناش در زمینه‌های مختلف عمل کند (مراجعه شود به یعقوب ۴: ۲)
- d. هدف اصلی دعا دوستی ما و صرف وقت با تثلیث خدا است
- e. محدوده دعا هر کسی یا هر چیزی است که مورد توجه مومن است. می‌توانیم یک بار دعا کنیم و می‌توانیم بر اساس آنچه در فکر و مورد توجه ما است، بارها و بارها دعا کنیم.
- f. دعا می‌تواند شامل عناصر مختلفی باشد
 - i. تشکر و تمجید تثلیث
 - ii. شکرگزاری خدا برای حضورش، دوستی‌اش، و مقرراتش
 - iii. اعتراف به گناهان گذشته و حال
 - iv. درخواست نیازهای احساس شده
 - v. نماز روحانی که تامین نیازهای دیگران را از خدا می‌خواهیم
- g. نماز روحانی مرموز است. خدا دعاهایی که برای دیگران می‌کنیم را بیشتر از دعاهایی که برای خود می‌کنیم دوست دارد. با این حال، دعاهای ما اغلب منجر به تغییر، پاسخ و یا نیاز نه فقط در ما بلکه در آنها که برایشان دعا می‌کنیم نیز می‌شود.

۲. انجیل

a. عهد عتیق

- i. برخی مثالها در مورد نماز روحانی
 ۱. ابراهیم برای سدوم دعا می‌کند، پیدایش ۱۸: ۲۲
 ۲. دعاهای موسی برای اسرائیل
 - a. خروج ۵: ۲۲ الی ۲۳
 - b. خروج ۳۲: ۹ الی ۱۴، ۳۱ الی ۳۵
 - c. خروج ۳۳: ۱۲ الی ۱۶
 - d. خروج ۳۴: ۹
 - e. تثنیه ۹: ۱۸، ۲۵ الی ۲۹
 ۳. دعای سموئیل برای اسرائیل
 - a. اول سموئیل ۷: ۵ الی ۶ و ۸ الی ۹
 - b. اول سموئیل ۱۲: ۱۶ الی ۲۳
 - c. اول سموئیل ۱۶ الی ۱۸
 ۴. دعای داوود برای فرزندش، دوم سموئیل ۱۲: ۱۶ الی ۱۸
 - ii. خدا در جستجوی نمازهای روحانی است، اشعیا ۵۹: ۱۶
 - iii. گناهان شناخته شده و اعتراف نشده و توبه نشده بر دعاهای ما تاثیر می‌گذارند
 ۱. مزامیر ۶۶: ۱۸
 ۲. امثال ۲۸: ۹
 ۳. اشعیا ۵۹: ۱ الی ۲، ۶۴: ۷

b. عهد جدید

- i. بشارت نماز روحانی پسر و روح
 ۱. عیسی
 - a. رومیان ۸: ۳۴
 - b. عبرانیان ۷: ۲۵
 - c. اول یوحنا ۲: ۱

۲. روح القدس، رومیان ۸: ۲۶ الی ۲۷

ii. بشارت نماز روحانی پولس

۱. دعا برای یهودیان

a. رومیان ۹: ۱

b. رومیان ۱۰: ۱

۲. دعا برای کلیسا

a. رومیان ۱: ۹

b. افسسیان ۱: ۱۶

c. فیلیپیان ۱: ۳ الی ۴ و ۹

d. کولسیان ۱: ۳ و ۹

e. اول تسالونیکیان ۱: ۲ الی ۳

f. دوم تسالونیکیان ۱: ۱۱

g. دوم تیموتائوس ۱: ۳

h. فیلیمون آیه ۴

۳. پولس از کلیسا درخواست میکند که برایش دعا کنند

a. رومیان ۱۵: ۳۰

b. دوم قرنتیان ۱: ۱۱

c. افسسیان ۶: ۱۹

d. کولسیان ۴: ۳

e. اول تسالونیکیان ۵: ۲۵

f. دوم تسالونیکیان ۳: ۱

iii. بشارت نماز روحانی کلیسا

۱. دعا برای یکدیگر

a. افسسیان ۶: ۱۸

b. اول تیموتائوس ۲: ۱

c. یعقوب ۵: ۱۶

۲. درخواست دعا برای گروهی خاص

a. دشمنان ما، انجیل متی ۵: ۴۴

b. کارگران مسیحی، عبرانیان ۱۳: ۱۸

c. حاکمان، اول تیموتائوس ۲: ۲

d. بیماران، یعقوب ۵: ۱۳ الی ۱۶

e. دعا برای حمایت و بخشش، اول یوحنا ۵: ۱۶

۳. شرایط برای دعاهاى مستجاب شده

a. رابطه ما با مسیح و روح

i. پایداری در او، انجیل یوحنا ۱۵: ۷

ii. بنام او، انجیل یوحنا ۱۴: ۱۳ و ۱۴، ۱۵: ۱۶، ۱۶: ۲۳ الی ۲۴

iii. در روح، افسسیان ۶: ۱۸، یهودا ۲۰

iv. بر طبق اراده خدا، انجیل متی ۶: ۱۰، اول یوحنا ۳: ۲۲، ۵: ۱۴ الی ۱۵

b. انگیزه‌ها

i. تردید نداشتن، انجیل متی ۲۱: ۲۲، یعقوب ۱: ۶ الی ۷

ii. فروتنی و توبه، انجیل لوقا ۱۸: ۹ الی ۱۴

iii. درخواست بیمورد، یعقوب ۴: ۳

iv. خودخواهی، یعقوب ۴: ۲ الی ۳

c. سایر جنبه‌ها

i. استقامت

۱. انجیل لوقا ۱۸: ۱ الی ۸

۲. کولسیان ۴: ۲

ii. درخواست مستمر

۱. انجیل متی ۷: ۷ الی ۸

۲. انجیل لوقا ۱۱: ۵ الی ۱۳

۳. یعقوب ۱: ۵

iii. اختلاف نظر در خانه، اول پطرس ۳: ۷

iv. نداشتن گناه

۱. مزمو ۶۶: ۱۸

۲. امثال ۲۸: ۹

۳. اشعیا ۵۹: ۱ الی ۲

۴. اشعیا ۶۴: ۷

۴. جمع بندی الهیاتی

a. عجب افتخاری. عجب موقعیتی، عجب وظیفه و مسئولیتی

b. عیسی سرمشق ما است. روح راهنمای ما است. پدر مشتاقانه منتظر است.

c. می‌تواند شما، خانواده‌تان و جهان را تغییر دهد.

موضوع خاص: چهل و دو ماه (از دانیال)

(SPECIAL TOPIC: FORTY-TWO MONTHS)

عبارت "چهل و دو ماه" از دیدگاه نبوتی مشخصه دوران آزار و اذیت است. لگدمال کردن محراب بیرونی ضرب المثل مردم مومن تحت سلطه کفار در دورانهای مختلف تاریخی است - آنتیوخوس اپیفانس، رومیان در سال ۷۰ میلادی و ضد مسیحیان آخر زمان.

چهل و دو ماه، یا معادل آن، چندین مرتبه در انجیل تکرار شده است. به نظر می‌رسد منشا این اصطلاح کتاب دانیال باشد.

۱. دانیال ۷: ۲۵، ۱۲: ۷ "یک زمان، زمانی، زمانهایی و نیمی از زمان" یا ۱۲۷۷ روز را ذکر می‌کند (تصور می‌شود "زمان" معادل یک سال باشد).

مراجعه شود به مکاشفه ۱۲: ۱۴

۲. دانیال ۸: ۱۴ دو هزار و سیصد عصر و صبح را ذکر می‌کند

۳. دانیال ۱۲: ۱۱ هزار و دویست و نود روز را ذکر می‌کند

۴. دانیال ۱۲: ۱۲ عدد هزار و سیصد و سی و پنج روز را ذکر می‌کند. مشابه این عبارت در مکاشفه ۱۱: ۳، ۱۲: ۶ (هزار و دویست و شصت روز) و

۱۱: ۲ و ۱۳: ۵ (چهل و دو ماه).

شیوه دیگر نگاه کردن به این عبارت معمایی این است که آن را به صورت یک توالی بنگریم. یک، دو ولی نه سومین، بنابراین یک محدودیت الهی در میزان زمان وجود دارد که طی آن پادشاهی‌های کفار مردم خدا را مورد آزار و اذیت قرار می‌دهند. خدا در کتاب دانیال کنترل کامل همه چیز را بر عهده

دارد (مراجعه شود به کتاب دانیال ۷: ۴ و ۶ و ۱۱ و ۱۲ و ۱۸ و ۲۲ و ۲۵ و ۲۶ و ۲۷)!

هنگامی که تمامی این وقایع را به حساب آوریم، تنوع آنها به نظر می‌رسد که از طبیعت نمادین اعداد سخن می‌گوید (موضوع خاص: اعداد نمادین در کتاب مقدس را مطالعه کنید)، در حالی که نزدیک بودن اینها به چهل و دو ماه به نظر می‌رسد که یک عدد نمادین برای دوره آزار و اذیت را نشان می‌دهد.

از آنجا که سه و نیم نصف عدد هفت است، به نظر می‌رسد که اشاره ای به کامل بودن دوران آزار و اذیت باشد که کوتاه شده است (مراجعه شود به انجیل متی ۲۴: ۲۲، انجیل مرقس ۱۳: ۲۰، انجیل لوقا ۲۱: ۲۴).

۱۳: ۲۱ "اگر" این یک عبارت شرطی نوع سوم است که به معنی احتمال وقوع عمل می‌باشد.

■ "باور مکنید" این زمان حال فعال امری با وجه نفی است، که معمولاً به معنی متوقف کردن عمل در حال انجام است، ولی در این متن این مفهوم دلالت نمیکند.

مسیحیان باید به خردمندی مارها و به سادگی کبوترها باشند (مراجعه شود به انجیل متی ۱۰: ۱۶). مسیحیان ساده دل، مسیحیان زود باور، مسیحیان کودک بسیار ساده هستند. ما باید روح را بیازماییم (مراجعه شود به اول یوحنا ۴: ۱) تا ببینیم آیا آنها واقعا سخنگوی خدا هستند یا نه. برای من بسیار تاسف بار است وقتی که می‌شنوم مومنین دور درخت جمع می‌شوند یا در کنار درب‌ها یا مکانهای مقدس بدنبال عیسی می‌گردند. این متن کاملا شفاف است! وقتی که بیاید همه او را خواهند دید و او را خواهند شناخت (مراجعه شود به انجیل متی ۲۴: ۲۷).

متن بلا فصل انجیل مرقس ۱۳: ۱۴ الی ۲۳ اشاره به کسانی دارد که از اورشلیم فرار کردند، تا توسط کسی که در شهر ادعای مسیح بودن می‌کرد و خود را به جای او زده بود تحقیر نشوند.

۱۳: ۲۲ "آیات و معجزات به ظهور خواهند" این مسیح‌های دروغین معجزاتی می‌کردند. همیشه مراقب معجزاتی باشید که ادعا میکنند از جانب خدا هستند (مراجعه شود به کتاب خروج ۷: ۱۱ الی ۱۲ و ۲۲، کتاب تثنیه ۱۳: ۱، انجیل متی ۲۴: ۲۴، دوم تسالونیکیان ۲: ۹ الی ۱۲، مکاشفه ۱۳: ۱۳ الی ۱۴). مومنین دروغین میتوانند معجزاتی انجام دهند (مراجعه شود به انجیل متی ۷: ۲۱ الی ۲۳).

■ "اگر ممکن باشد" این چنین به نظر من می‌رسد که احتمال وقوع انجیل متی ۱۳: ۲۲ میتواند از نظر متنی در رابطه با احتمال انجیل مرقس ۱۳: ۲۰ باشد (یعنی شرط نوع دوم) زیرا آن منتخب (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۳: ۲۰ و ۲۲) نمیتواند به گمراهی هدایت کند!

۱۳: ۲۳ این یکی از شیوه‌های اثبات عیسی (که منعکس کننده پیش‌گوییهای یهوه در عهد عتیق است) کنترل او بر تاریخ و رستگاری با پیشگویی رخدادهای آینده به پیروانش بود. یهوه و مسیح او زمان و تاریخ را کنترل میکردند! حتی دورانهای سخت بخشی از برنامه رستگاری او هستند.

NASB: انجیل مرقس ۱۳: ۲۴ الی ۲۷

^{۲۴}اما در آن روزها، پس از آن مصیبت، "خورشید تاریک خواهد شد و ماه دیگر نور نخواهد افشاند. ^{۲۵}ستارگان از آسمان فرو خواهند ریخت و نیروهای آسمان به لرزه در خواهند آمد." ^{۲۶}آنگاه مردم پسر انسان را خواهند دید که با قدرت و جلال عظیم در ابرها می‌آید. ^{۲۷}او فرشتگان را خواهد فرستاد و برگزیدگان را از چهار گوشه جهان، از کرانه‌های زمین تا کرانه‌های آسمان، گرد هم خواهد آورد.

۱۳: ۲۴ "اما" این یک حرف نقض قوی است که شکستن متن را نشان میدهد. یک مقطع زمانی جدید آشکار میشود.

۱۳: ۲۴ "خورشید تاریک خواهد شد" این زبان آپوکالیپتیک عهد عتیق در مورد پایان زمان است (مراجعه شود به حزقیال ۳۲: ۷ الی ۸، یوئیل ۲: ۱۰، ۳: ۱۵، ۲۸: ۳ الی ۴، عاموس ۸: ۹، همچنین دوم اذراس ۵: ۵، فرضیات موسی ۱۰: ۵ و اول انوش ۸۰: ۴ الی ۷ را مطالعه کنید). اینها یک مجموعه از نقل قولهای عهد عتیق است:

۱. آیه ۲۴ از اشعیا ۱۳: ۱۰
۲. آیه ۲۵ از اشعیا ۳۴: ۳
۳. آیه ۲۶ از دانیال ۷: ۱۳

با این حال، این می‌تواند اشاره به تحولات ماهیتی دارد که با آمدن خالق رخ می‌دهند (مراجعه شود به دوم پطرس ۳: ۷ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۲، رومیان ۸: ۱۸ الی ۲۲). اغلب این رخدادهای آپوکالیپتیک کیهانی برای توصیف سقوط دولتها استفاده می‌شوند.

۱۳: ۲۵ این نقل قولی از اشعیا ۳۴: ۴ است. این آیه منعکس کننده این باور است که ستارگان قدرتهای بهشتی هستند (مراجعه شود به داوودان ۵: ۲۰، یعقوب ۷: ۳۸). در ادبیات آپوکالیپتیک شهابها اغلب به فرشتگان اشاره دارند (مراجعه شود به مکاشفه ۸: ۱۰، ۹: ۱، ۱۲: ۴). در انجیل فرشتگان خدمتگزاران خدا هستند، ولی در بت پرستی بین‌النهرینی به خدایانی اشاره دارند که بر سرنوشت انسان کنترل و نظارت دارند (یعنی دوازده نشان دایره البروج یا حرکات ستارگان و سیارات).

۱۳: ۲۶ "پسر انسان را خواهند دید که با قدرت و جلال عظیم در ابرها می‌آید" بر انسانی و الهی بودن عیسی با اصطلاح "پسر انسان" تاکید میشود، همانگونه که در مزامیر ۸: ۴ توصیف شده، و با اصطلاحات متداول یهودی به عنوان انسان در حزقیال ۲: ۱، و در مفهوم الهی آن در دانیال ۷: ۱۳ (مراجعه شود به انجیل مرقس ۸: ۳۸، ۱۳: ۲۶، ۱۴: ۶۲، تمامی کاربردها در دانیال ۷: ۱۳). این حقیقت که "پسر انسان" سوار بر ابرهای بهشتی می‌آید، الهی بودن او را نشان میدهد (مراجعه شود به مزمور ۶۸: ۴، ۱۰۴: ۳). ابرها وسیله حمل و نقل و پوشش یهوه هستند (ابر جلال شکینا در طول دوره بیابانگردی کتاب خروج و اعداد. عیسی با ابر می‌رود (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱: ۹) و سوار بر ابر باز میگردد (مراجعه شود به اول تسالونیکیان ۴: ۱۷)).

موضوع خاص: سوار بر ابرها آمدن (چندین کلمه عبری، ولی عمدتاً *anan*، BDB

777, KB 857

(SPECIAL TOPIC: COMING IN THE CLOUDS)

آمدن بر سوار ابرها یک نشان کاملا اسکاتولوژیک است. در عهد عتیق به شیوه کاملا متمایز استفاده شده است.

۱. برای نشان دادن حضور فیزیکی خدا، ابر جلال شکینا (مراجعه شود به کتاب خروج ۱۳: ۲۱، ۱۴: ۱۹ و ۲۰ و ۲۴، ۱۶: ۱۰، ۱۹: ۹، کتاب اعداد ۱۱: ۲۵، نمیا ۹: ۱۹)

۲. برای پوشاندن تقدس او برای اینکه انسان با دیدن او نمیرد (مراجعه شود به کتاب خروج ۳۳: ۲۰، اشعیا ۵: ۶)

۳. برای جابجا شدن خدا (مراجعه شود به مزمور ۱۸: ۹، ۱۰۴: ۳، اشعیا ۱۹: ۱، ناحوم ۱: ۳، اعمال رسولان ۱: ۹، اول تسالونیکیان ۴: ۱۷) در کتاب دانیال ۷: ۱۳ ابرها برای نقل و انتقال خدا، مسیح انسانی استفاده شده است (مراجعه شود به موضوع خاص: مسیح). به این نبوت کتاب دانیال بیش از ۳۰ مرتبه در عهد جدید اشاره شده است. همین ارتباط مسیح با ابرهای بهشتی را میتوان در انجیل متی ۲۴: ۳۰، ۲۶: ۶۴، انجیل مرقس ۱۳: ۲۶، ۱۴: ۶۲، انجیل لوقا ۲۱: ۲۷، اعمال رسولان ۱: ۹ و ۱۱، اول تسالونیکیان ۴: ۱۷، مکاشفه ۱: ۷ دید.

■ "قدرت و جلال عظیم" این تمایز فاحش میان آمدن اول (مراجعه شود به زکریا ۹: ۹، اشعیا ۵۳) و آمدن دوم (مراجعه شود به مکاشفه ۱۹) را نشان میدهد. این در انجیل متی ۲۴: ۳۰ همسو شده ولی برای آن از اصطلاحات متفاوتی استفاده شده است.

۱۳: ۲۷ "فرشتگان" در دوم تسالونیکیان ۱: ۷ فرشتگان، فرشتگان عیسی نامیده می‌شوند. معمولا آنها فرشتگان یهوه نامیده می‌شوند (مراجعه شود به یهودا ۱۴).

■ "برگزیدگانش را گرد هم خواهد آورد" این زبان نبوتی عهد عتیق است. (مراجعه شود به تثنیه ۳۰: ۳۵، اشعیا ۴۳: ۶، و مزمور ۵۰: ۵). ترتیب دقیق این رخدادهای پایان زمان نامشخص است. پولس یاد داد که در زمان مرگ، مومن نزد عیسی است (مراجعه شود به دوم قرنتیان ۵: ۶ و ۸). اول تسالونیکیان ۴: ۱۳ الی ۱۸ تعلیم میدهد که ظاهرا چیزی از بدن فیزیکی ما که اینجا باقی میماند، در زمان آمدن سرورمان به روح ما ملحق میشود. این دلالت بر حالت از جسم جدا شده میان مرگ و روز رستاخیز است. مباحث زیادی در مورد رخدادهای پایان زمان و تجربیات زندگی بعدی وجود دارند که در انجیل به ثبت نرسیده‌اند.

■ "از چهار گوشه جهان، از کرانه‌های زمین تا کرانه‌های آسمان" این دلالت بر پیروی جهانی از عیسی دارد. همچنین دلالت بر مدت زمان طولانی برای گسترش انجیل دارد.

عدد چهار در انجیل نماد جهان است. این عدد اشاره به چهار گوشه جهان دارد (اشعیا ۱۱: ۱۲)، چهار گوشه بهشت (دانیال ۷: ۲، زکریا ۲: ۶)، و چهار قسمت انتهایی بهشت (مراجعه شود به ارمیا ۴۹: ۳۶). منتخبین از هر جا که پراکنده شده باشند، گردآوری خواهند شد.

موضوع خاص: اعداد نمادین در کتاب مقدس

(Special Topic: Symbolic Numbers in Scripture)

۱. برخی اعداد خاص هم به صورت نماد و هم به صورت عدد رفتار میکنند
 - a. یک - خدا (یعنی تشبیه ۶: ۴، افسسیان ۴: ۴ الی ۶)
 - b. چهار - تمام زمین (یعنی چهار گوشه، چهار باد، مثال، اشعیا ۱۱: ۱۲، ارمیا ۴۹: ۳۶، دانیال ۷: ۲، ۱۱: ۴، زکریا ۲: ۶، انجیل متی ۲۴: ۳۱، انجیل مرقس ۱۳: ۲۷، مکاشفه ۷: ۱)
 - c. شش - کامل نبودن انسان (یک منهای ۷، یعنی مکاشفه ۱۳: ۱۸)
 - d. هفت - کامل بودن الهی - (هفت روز خلقت). به کاربرد نمادین در مکاشفه توجه کنید:
 - i. هفت شمعدان، مکاشفه ۱: ۱۲ و ۲۰، ۲: ۱
 - ii. هفت ستاره، ۱: ۱۶ و ۲۰، ۲: ۱
 - iii. هفت کلیسا، مکاشفه ۱: ۲۰
 - iv. هفت روح خدا، مکاشفه ۳: ۱، ۴: ۵، ۵: ۶
 - v. هفت چراغ، مکاشفه ۴: ۵
 - vi. هفت مُهر، مکاشفه ۵: ۱ و ۵
 - vii. هفت شاخ و هفت چشم، مکاشفه ۵: ۶
 - viii. هفت فرشته، مکاشفه ۸: ۲ و ۶، ۱۵: ۱ و ۶ و ۷ و ۸، ۱۶: ۱، ۱۷: ۱
 - ix. هفت شیپور، ۲ و ۶
 - x. هفت رعد، مکاشفه ۱۰: ۳ و ۴
 - xi. هفت هزار، مکاشفه ۱۱: ۱۳
 - xii. هفت سر، مکاشفه ۱۳: ۱، ۱۷: ۳ و ۷ و ۹

xiii. هفت پلاک، مکاشفه ۱۵: ۱ و ۶ و ۸، ۲۱: ۹

xiv. هفت کوزه، مکاشفه ۱۵: ۷، ۲۱: ۹

xv. هفت پادشاه، مکاشفه ۱۷: ۱۰

e. ده - کامل بودن

i. کاربرد در انجیل

۱. انجیل متی ۲۰: ۲۴، ۲۵ و ۱ و ۲۸

۲. انجیل مرقس ۱۰: ۴۱

۳. انجیل لوقا ۱۴: ۳۱، ۱۵: ۸، ۱۷: ۱۲ و ۱۷، ۱۹: ۱۳ و ۱۶ و ۱۷ و ۲۴ و ۲۵

ii. استفاده در مکاشفه

۱. مکاشفه ۲: ۱۰، ده روز آزمایش سخت

۲. مکاشفه ۱۲: ۳، ۱۷: ۳ و ۷ و ۱۲ و ۱۶، ده شیپور

۳. مکاشفه ۱۳: ۱، ده تاج شاهی

iii. ضرایب ۱۰ در مکاشفه

۱. $1000 \times 12 \times 12 = 144000$ ، مراجعه شود به مکاشفه ۷: ۴ و ۱۴: ۱ الی ۳

۲. $1000 = 10 \times 10 \times 10$ ، مکاشفه ۲۰: ۲ و ۳ و ۶

f. دوازده - ساختار/نهاد انسانی

i. دوازده پسر یعقوب (یعنی دوازده قبیله اسرائیل، کتاب پیدایش ۳۵: ۲۲، ۴۹: ۲۸)

ii. دوازده ستون، خروج ۲۴: ۴

iii. دوازده سنگ بر سینه کاهن اعظم، کتاب خروج ۲۸: ۲۱، ۳۹: ۱۴

iv. دوازده قرص نان برای میز در مکان مقدس (به عنوان نماد تدارکات خدا برای دوازده قبیله)، لایان ۲۴: ۵، خروج ۲۵: ۳۰

v. دوازده جاسوس، تثنیه ۱: ۲۳

vi. دوازده حامل سنگ، یوشع ۴: ۲ و ۳ و ۴ و ۸ و ۹ و ۲۰

vii. دوازده شاگرد، انجیل متی ۱۰: ۱

viii. کاربرد در مکاشفه

۱. دوازده هزار مُهر، مکاشفه ۷: ۵ الی ۸

۲. دوازده ستاره، مکاشفه ۱۲: ۱

۳. دروازه، دوازده فرشته، دوازده قبیله، مکاشفه ۲۱: ۱۲

۴. دوازده سنگ زیرینا، اسامی دوازده شاگرد، مکاشفه ۲۱: ۱۴

۵. اورشلیم جدید دوازده هزار پرتاب تیر مربع بود، مکاشفه ۲۱: ۱۶

۶. دوازده دروازه ساخته شده از دوازده مروارید، مکاشفه ۲۱: ۲۱

۷. درخت زندگی با دوازده نوع میوه، مکاشفه ۲۲: ۲

g. چهل - عدد زمان

i. بعضی جاها به صورت مفهومی است (خروج و بیابانگردی، کتاب خروج ۱۶: ۳۵)، تثنیه ۲: ۷، ۸: ۲،

ii. میتواند به صورت مفهومی و یا نمادین باشد

۱. سیل، پیدایش ۷: ۴ و ۱۷، ۸: ۶

۲. موسی در کوه سینا، خروج ۲۴: ۱۸، ۳۴: ۲۸، تثنیه ۹: ۹ و ۱۱ و ۱۸ و ۲۵

۳. تقسیم بندی زندگی موسی

a. چهل سال در مصر

b. چهل سال در صحرا

c. چهل سال رهبری اسرائیل

۴. عیسی چهل روز روزه گرفت، انجیل متی ۴: ۲، انجیل مرقس ۱: ۱۳، انجیل لوقا ۴: ۲

iii. (از لحاظ مطابقت) به تعداد دفعات تکرار در خصوص تعیین زمان در انجیل توجه داشته باشید!

h. هفتاد - عدد گرد برای مردم

i. اسرائیل، کتاب خروج ۱: ۵

ii. هفتاد تن از بزرگان، خروج ۲۴: ۱ و ۹

iii. اسکاتولوژیک، دانیال ۹: ۲ و ۲۴

iv. هیئت مامور، انجیل لوقا ۱۰: ۱ و ۱۷

v. بخشش (۷x۷۰) انجیل متی ۱۸: ۲۲

۲. منابع مفید

a. John J. Davis, *Biblical Numerology*

b. D. Brent Sandy, *Plowshares and Pruning Hooks*

NASB: انجیل مرقس ۲۸:۱۳ الی ۳۲

۲۸ حال، از درخت انجیر این درس را فرا گیرید: به محض اینکه شاخه‌های آن جوانه زده، برگ می‌دهد، درمی‌یابید که تابستان نزدیک است. ۲۹ به همین گونه، هر گاه ببینید که این چیزها رخ می‌دهد، درمی‌یابید که او نزدیک، بلکه بر در است. ۳۰ آمین، به شما می‌گویم که تا این همه روی ندهد، این نسل نخواهد گذشت. ۳۱ آسمان و زمین زایل خواهد شد، اما سخنان من هرگز زوال نخواهد پذیرفت. ۳۲ هیچ‌کس آن روز و ساعت را نمی‌داند جز پدر؛ حتی فرشتگان آسمان و پسر نیز از آن آگاه نیستند.

۱۳: ۲۸ "درخت انجیر" در این تمثیل، درخت انجیر ظاهراً نمادی ملی اسرائیل آن طور که در انجیل مرقس ۱۲: ۱۱ الی ۱۴ ذکر شده نیست، بلکه استعاره‌ای است در مورد مومنین که در مورد بازگشت سرورمان، اگر زمان دقیق را ندانند، ولی کلیت را میدانند. این نشانی از آمدن تابستان است نه بهار.

۱۳: ۲۹ "ببینید" این یا زمان حال اخباری فعال و یا حال امری فعال است. آخرین نسل دقیقاً این عبارتهای نبوتی را درک خواهند کرد. مسئله کلیسا این است که هر نسلی از مومنین سعی کرده است که با زور این نبوتها را در تاریخ و فرهنگ خود قرار دهد. تا کنون همه نسلها در اشتباه بودند. کلیسا اعتبار خود در با همه این پیشگوئیهای دروغین از دست می‌دهد.

■ "او" در متن یونانی هیچ ضمیری وجود ندارد. مصدر "بودن" میتواند مذکر یا خنثی باشد. به واسطه انجیل مرقس ۱۳: ۱۴ ضمیر فاعلی خنثی مناسبترین است. اگر چنین باشد، پس این اشاره به تخریب اورشلیم دارد.

۱۳: ۳۰ این یک ساختار دستور زبانی منفی مضاعف قوی است. این آیه می‌تواند به یکی از موارد زیر اشاره داشته باشد:

۱. تخریب اورشلیم

۲. تغییر چهره (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱: ۹)

۳. نشانه‌های آمدن دوم

مسئله اینجا است که عیسی همه این سه سوال را که شاگردان در یک متن از او می‌پرسند، بدون تقسیم بندی مشخصی میان رخدادها، در یکدیگر ادغام می‌کند (مراجعه شود به انجیل متی ۲۴: ۳)

۱۳: ۳۱ "آسمان و زمین زایل خواهد شد" (در متن انگلیسی کلمه بهشت نوشته شده ولی در فارسی آسمان ترجمه شده است- مترجم) این حقیقت بزرگ در زبان اپوکالیپتیک عهد عتیق در لفافه گفته شده است (مراجعه شود به دوم پطرس ۳: ۷ و ۱۰). کلام خدا هرگز نمی‌میرد، ولی خلقت فیزیکی او که تحت تاثیر گناهان انسان گناهکار قرار گرفته از بین خواهد رفت. این موضوع تکراری کتاب مقدس است (مراجعه شود به یوشع ۲۱: ۴۵، ۲۳: ۱۴ الی ۱۵، اول پادشاهان ۸: ۵۶، اشعیا ۴۰: ۶ الی ۸، ۵۵: ۸ الی ۱۱، انجیل متی ۵: ۱۷ الی ۲۰).

۱۳: ۳۲ "آن روز" این خلاصه شده عبارت عهد عتیق "روز خدا" (که در عاموس و یوشع بسیار استفاده شده است) میباشد. اشاره به آمدن دوم و یا روز داوری دارد (یعنی دنیوی = تخریب اورشلیم یا اسکاتولوژیک = آخرین داوری).

■ "و ساعت" (در متن انگلیسی یا ساعت نوشته شده است- مترجم) به موضوع خاص زمان در بخش مربوط به انجیل مرقس ۱۴: ۳۵ مراجعه کنید.

■ "هیچ‌کس نمی‌داند جز پدر" این اشاره به آمدن دوم و عصر جدید دارد، نه تخریب اورشلیم. عیسی این مخصوصاً این مسئله را در انجیل مرقس ۱۳: ۳۰ به آن نسل می‌گوید. این آیه قویی در مورد بازداشتن مسیحیان از مشخص کردن زمان آمدن دوم است.

موضوع خاص: پدر

(SPECIAL TOPIC: FATHER)

عهد عتیق به صورت استعاره رابطه صمیمی با خدا را تحت عنوان پدر معرفی می‌کند (به موضوع خاص: پدر بودن خدا مراجعه شود):

۱. ملت اسرائیل اغلب به عنوان فرزند "پسر" یهوه توصیف می‌شوند
۲. حتی کمی قبل‌تر در تثنیه از خدا به عنوان پدر یاد شده است
۳. در تثنیه ۳۲ از اسرائیل به عنوان "فرزندان او" و خدا به عنوان "پدر" شما یاد شده است
۴. این الهام در مزامیر ۱۰۳: ۱۳ مطرح شده و در مزامیر ۶۸: ۵ (به صورت پدر یتیمان) بسط یافته است
۵. در میان پیامبران متداول بود (رجوع شود به اشعیا ۱: ۲، ۶۳: ۸، اسرائیل به عنوان پسر، خدا به عنوان پدر، ۶۳: ۱۶، ۶۴: ۸، ارمیا ۳: ۴ و ۱۹، ۳۱: ۹)

عیسی به زبان آرامی صحبت می‌کرد که بدین معنی است که بسیاری از جاهایی که "پدر" به کار رفته است، کلمه یونانی آن "*Pater*" است، و می‌تواند منعکس کننده کلمه *abba* در زبان آرامی باشد (رجوع شود به انجیل مرقس ۱۴: ۳۶). این کلمه شبیه "بابا" (*Daddy*) یا "پاپا" (*Papa*) منعکس کننده صمیمت با پدر است، و افشا کردن آن برای پیروانش رابطه صمیمی ما با پدر را تشویق می‌کند. کلمه "پدر" به سختی برای یهوه در عهد عتیق استفاده شده است، ولی عیسی اغلب و به صورت فراگیر از آن استفاده می‌کند. این یک مدرک بزرگ رابطه با خدا از طریق مسیح برای پیروان است (رجوع شود به انجیل متی ۶: ۹).

- "حتی فرشتگان آسمان" فرشتگان به شیوه برخورد خدا با انسان با کنجکاوی می‌نگردند (مراجعه شود به اول قرن‌تین ۴: ۹، افسسیان ۲: ۷، ۳: ۱۰، اول پطرس ۳: ۱۲). هر چند آنها در کنار خدا هستند، ولی به طور کامل برنامه‌های او را درک نمی‌کنند. با ایمان به مسیح این اهداف ابدی آشکار می‌گردند.
 - "و پسر نیز" این فقدان اطلاعات به وضوح نشان می‌دهد انسان حقیقی بودن عیسی را نشان می‌دهد. هر چند عیسی تماما خدایی و تماما انسان است، وقتی که متولد شد، بخشی از صفات الهی خود را در بهشت گذاشت (مراجعه شود به فیلیپیان ۲: ۷). این محدودیت تا زمان معراج وی پایدار بود.
- استفاده عیسی از اصطلاح پسر برای توصیف خود این را نشان می‌دهد که خود را شناخته بود (یعنی یهوه پدر است، او منتخب است، مسیح پسر). این یک کاربرد نادر اصطلاح پسر است که دلالت بر پسر پدر (یعنی خدا) دارد. عیسی اغلب به خود با عنوان پسر انسان اشاره می‌کند، ولی این عبارت توسط شنوندگان به عنوان یک "فرد انسانی" درک می‌شود مگر اینکه با کاربرد خاص در دانیال ۷: ۱۳ آشنا باشید. ولی یهود بر این متن و عنوان عهد عتیق تأکید نمی‌کنند.

عبارت و پسر نیز در انجیل متی ۲۴: ۳۶ و همین‌طور هم در برخی از نسخ دستنویس یونیکال یونانی α , β , γ , δ , ϵ , ζ , η , θ , ι , κ , λ , μ وجود ندارد. در بیشتر ترجمه‌ها اضافه شده است زیرا در دستنویس α , β و γ و دیاتسرون و متون یونانی ایرناتوسوس، اورینگن، کریسوستوم و نسخه قدیمی لاتین که جرم از آن استفاده می‌کرد، دیده می‌شود. ممکن است این از متونی باشد که توسط علما و کاتبین اورتدکس تغییر یافته تا خدایی و انسانی بودن عیسی را در برابر معلمین دروغین برجسته سازد (مراجعه شود به *The Orthodox Corruption of Scripture* اثر Bart D. Ehrman، دانشگاه آکسفورد، ۱۹۹۳، صفحات ۹۱ الی ۹۲).

NASB: انجیل مرقس ۳:۳۳ الی ۳۷

^{۳۳} پس بیدار و هوشیار باشید، زیرا نمی‌دانید آن زمان کی فرا می‌رسد.^{۳۴} همچون کسی است که به سفر رفته و به هنگام عزیمت، خادمانش را به اداره خانه خود گماشته باشد، و به هر یک وظیفه‌ای خاص سپرده و به دربان نیز دستور داده باشد که بیدار بماند.^{۳۵} پس شما نیز بیدار باشید، زیرا نمی‌دانید صاحبخانه کی خواهد آمد، شب یا نیمه‌شب، به هنگام بانگ خروس یا در سپیده‌دم.^{۳۶} مبادا که او ناگهان بیاید و شما را در خواب ببیند.^{۳۷} آنچه به شما می‌گویم، به همه می‌گویم: بیدار باشید!

۱۳: ۳۳ "پس بیدار و هوشیار باشید" اینها زمان حال فعال امری هستند (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۳: ۵ و ۹ و ۲۳). مومنین باید با امید همیشگی آمدن دوم زندگی کنند. در انجیل مرقس ۱۳: ۳۳ الی ۳۷ دو اصطلاح مختلف به صورت "هوشیار باشید" ترجمه شده است:

۱. *blepō* (آیه ۳۳، مراجعه شود به غلاطیان ۱: ۶)

۲. *grēgoreō* (آیات ۳۴ و ۳۵ و ۳۷، مراجعه شود به افسسیان ۶: ۱۸)

در *Greek-English Lexicon of the New Testament Based on Semantic Domains* اثر Louw and Nida جلد ۱، صفحه ۳۳۳،

این اصطلاحات معنی همپوشان "بیدار باشید" یا "هشیار باشید" برای شماره ۱ و "نسبت به... آگاه باشید" یا "مراقب... باشید" برای شماره دو، دارند.

هر چند واقعیت آمدن دوم فقط تجربه یک نسل است، هر نسلی در امید مداوم هر لحظه آمدن سرورمان زندگی می‌کند. این توضیح می‌دهد که چرا شاگردان و کلیسای اولیه فکر می‌کردند که بازگشت قریب الوقوع است. تاخیر ۲۰۰۰ ساله حیرت‌انگیز است، ولی خدا صبر زیادی دارد و امیدوار است که کسی مجازات نشود (مراجعه شود به اول تیموتائوس ۲: ۴، دوم پطرس ۳: ۹). او درنگ می‌کند تا شاید کلیسا ماموریت بزرگش را تحقق بخشد (مراجعه شود به انجیل متی ۲۸: ۱۹ الی ۲۰، انجیل لوقا ۲۴: ۴۶ الی ۴۷، اعمال رسولان ۱: ۸) و تمامی یهودیان و پیروان سایر ادیان گرد هم آیند (مراجعه شود به رومیان ۱۱). بازگشت برای مومنین حیرت‌انگیز است، ولی برای ایمان‌نیاورندگان فاجعه بار بوده و عواقب ابدی دارد.

■ **"(و دعا کنید)"** این کلمات در بسیاری از نسخ دستنویس یونانی یونیکال منجمله A, C, K, L, W, X وجود دارند ولی در نسخ B و D دیده نمی‌شوند. احتمال زیادی هست که اصل باشند (مراجعه شود به NKJV). ⁴UBS با این حال به متن کوتاهتر رتبه B می‌دهد (تقریباً یقین است).

■ **"آن زمان"** این یک اصطلاح تعیین زمان و تاریخ نیست، و در انجیل مرقس از آن استفاده نشده است، بلکه صرفاً اصطلاحی است برای یک زمان تعیین شده خاص (*kairos*)، مراجعه شود به انجیل مرقس ۱: ۱۵). این اشاره به یک رخداد مهم اسکاتولوژیک دارد. سوال این است که کدامیک: (۱) تخریب اورشلیم، (۲) ظاهر شدن پسر انسان، یا (۳) آغاز عصر جدید؟ شماره ۱ در سال ۷۰ میلادی رخ داد. شماره ۲، به یک مفهوم رخ داده است (قیام عیسی از مردگان و بازگشت به زندگی)، ولی به مفهومی دیگر، آینده است (یعنی تحقق یافتن پادشاهی خدا با آمدن دوم عیسی). شماره سه هم، همانند شماره ۲، به نوعی رخ داده است. مومنین در میانه عصر جدید پادشاهی خدا که هنوز نیامده زندگی میکنند (مراجعه شود به *How to Read the Bible for All Its Worth* اثر Fee and Stuart صفحات ۱۳۱ الی ۱۳۴).

۱۳: ۲۴ **"همچون کسی است که به سفر رفته"** این یک اصطلاح متداول در بسیاری از تمثیلهای و تعلیم عیسی است (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۲: ۱، انجیل متی ۲۱: ۲۱، ۳۳، ۲۵: ۱۴، انجیل لوقا ۱۵: ۱۳، ۱۹: ۱۲، ۲۰: ۹). مسئله فاکتور زمانی است (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۳: ۳۵ الی ۳۷). با دادن زمان کافی، ماهیت اصلی مردم بروز داده میشود. تاخیر در بازگشت باعث میشود وفاداری واقعی مردم و اولویتهای آنان معرف ایشان باشد. انجیل متی این کلمات را در انجیل متی آیات ۲۴: ۴۲ الی ۵۱ بسط داده است.

■ **"به هر یک وظیفه‌ای خاص سپرده"** احتمالاً این در رابطه با نعمات روح القدس است که در رومیان ۱۲، اول فرنتیان ۱۲ و افسسیان ۴ فهرست شده اند. مسیحیان مورد داوری قرار خواهند گرفت (مراجعه شود به دوم فرنتیان ۵: ۱۰)، ولی برای چه؟ یقیناً نه برای گناهان، زیرا خون عیسی همه گناهان را بخشید (مراجعه شود به عبرانیان ۹). احتمالاً به حساب خدا آنان خدمتگزاران انجیل میشوند و از نعمات معنوی بهره خواهند برد.

۱۳: ۳۵

NASB	شاید در عصر، در نیمه شب و یا در بامداد زمانی که خروس بانگ در دم دهد
NKJV	در عصر، در نیمه شب و یا در بامداد زمانی که خروس بانگ در دم دهد
NRSV	در عصر، در نیمه شب و یا در زمان بانگ خروس و یا در سحر
TEV	در عصر، در نیمه شب و یا در زمان بانگ خروس و یا در زمان طلوع خورشید
NJB	عصر، نیمه شب، بانگ خروس یا سحر

این کلمات منعکس کننده گشتهای شبانه رومیان است که هر کدام سه ساعت میباشند

۱. عصر، از ۶ الی ۹ شب
۲. نیمه شب، از ۹ شب الی نیمه شب
۳. بانگ خروس، ۱۲ بامداد الی ۳ بامداد
۴. سحر، از ساعت ۳ الی ۶ بامداد

۱۳: ۳۷ به یادداشت مندرج در بخش مربوط به انجیل مرقس ۱۳: ۳۳ مراجعه کنید.

سوالاتی برای بحث

این یک راهنمای مطالعاتی است، که بدین معنی است که شما خودتان مسئول تفسیر انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر خودمان گام برداریم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. شما نباید این امر را به یک مفسر واگذار کنید. این سوالات مباحثاتی به منظور کمک به شما در تفکر نسبت به مسائل اصلی این بخش از کتاب مطرح شده اند. آنها صرفاً تفکر برانگیز هستند نه قطعی.

۱. هدف اصلی این فصل چیست؟
۲. آیا آیات ۴ الی ۷ پایان زمان را توصیف میکنند؟
۳. چگونه نبوت دانیال در فصلهای ۷ الی ۱۲ با آمدن دوم مرتبط است؟
۴. چرا عیسی از زبان آپوکالیپتیک همانند آیه ۲۴ استفاده می‌کند؟
۵. آیا مومنین می‌توانند بدانند که سرورمان دوباره چه زمانی خواهد آمد؟
۶. آمدن دوم، قریب الوقوع است یا با تاخیر یا زمان آن مشخص نیست؟
۷. چگونه عیسی زمان بازگشت خود را نمی‌داند؟
۸. آیا انتظار بازگشت عیسی در طول زندگی خود را دارید؟

مرقس ۱۴

پاراگراف‌های ترجمه‌های مدرن

UBS ⁴	NKJV	NRSV	TEV	NJB
نقشه برای کشتن عیسی	نقشه برای کشتن عیسی	مرگ عیسی	دسیسه علیه عیسی	توطئه علیه عیسی
۱:۱۴ الی ۲	۱:۱۴ الی ۲	(۱:۱۴ الی ۱۵:۴۷)	۱:۱۴ الی ۲	۱:۱۴ الی ۲
تطهیر در بیت عنیا	تطهیر در بیت عنیا	۱:۱۴ الی ۲	عیسی در بیت عنیا تطهیر می‌شود	تطهیر در بیت عنیا
۳:۱۴ الی ۹	۳:۱۴ الی ۹	۳:۱۴ الی ۹	۳:۱۴ الی ۵ ۶:۱۴ الی ۹	۳:۱۴ الی ۹
موافقت یهودا برای خیانت به عیسی	یهودا موافقت می‌کند که به عیسی خیانت کند	۱۰:۱۱ الی ۱۱	یهودا موافقت می‌کند که به عیسی خیانت کند	یهودا به عیسی خیانت می‌کند
۱۰:۱۱ الی ۱۱	۱۰:۱۱ الی ۱۱	۱۰:۱۱ الی ۱۱	۱۰:۱۱ الی ۱۱	۱۰:۱۱ الی ۱۱
عید پسح با شاگردان جشن می‌گیرد	عیسی پسح را با شاگردانش جشن می‌گیرد	شام آخر	عیسی با شاگردانش شام پسح را می‌خورد	مقدمات برای شام پسح
۱۲:۱۲ الی ۲۱	۱۲:۱۲ الی ۲۱	۱۲:۱۶ الی ۱۶	۱۲:۱۴ ۱۳:۱۵ الی ۱۶	۱۲:۱۶ الی ۱۶
				خیانت یهودا پیش‌گویی می‌شود
		۱۷:۱۷ الی ۲۱	۱۷:۱۸ الی ۱۹ ۲۰:۲۱ الی ۲۱	۱۷:۲۱ الی ۲۱
برگزاری شام سرور	عیسی شام سرور را برگزار می‌کند		شام سرور	رسم اوکاربست
۲۲:۱۴ الی ۲۶	۲۲:۱۴ الی ۲۶	۲۲:۲۵ الی ۲۵	۲۲:۱۴ ۲۳:۲۵ الی ۲۵	۲۲:۲۵ الی ۲۵
		جسیمانی		انکار پطرس پیش‌گویی شد
		۲۶:۳۱ الی ۳۱	۲۶:۱۴	۲۶:۳۱ الی ۳۱
انکار پطرس پیش‌گویی شد	عیسی انکار پطرس را پیش‌گویی می‌کند		عیسی انکار پطرس را پیش‌گویی می‌کند	
۲۷:۳۱ الی ۳۱	۲۷:۳۱ الی ۳۱		۲۷:۲۸ الی ۲۹ ۲۹:۱۴ ۳۰:۱۴ ۳۱:الف ۳۱:ب	
				گتسمانه
عبادت در جسیمانی	عبادت در جسیمانی		عیسی در جسیمانی دعا می‌کند	
۳۲:۴۲ الی ۴۲	۳۲:۴۲ الی ۴۲	۳۲:۴۲ الی ۴۲	۳۲:۳۴ الی ۳۶ ۳۵:۳۶ الی ۳۷ ۳۷:۳۸ الی ۳۸	۳۲:۴۲ الی ۴۲

			۴۰ الی ۳۹: ۱۴	
			۴۲ الی ۴۱: ۱۴	
خیانت و دستگیری عیسی	خیانت در دستگیری در جتسیمانی		دستگیری عیسی	دستگیری
۵۰ الی ۴۳: ۱۴	۵۰ الی ۴۳: ۱۴	۵۰ الی ۴۳: ۱۴	۴۴ الی ۴۳: ۱۴	۵۲ الی ۴۳: ۱۴
			۴۹ الی ۴۵: ۱۴	
مرد جوانی که فرار کرد	مرد جوانی برهنه فرار میکند		۵۰: ۱۴	
۵۲ الی ۵۱: ۱۴	۵۲ الی ۵۱: ۱۴	۵۲ الی ۵۱: ۱۴	۵۲ الی ۵۱: ۱۴	
عیسی در برابر شورا	عیسی با سانهدرین مواجه می شود	عیسی در برابر قیافاس	عیسی در برابر شورا	عیسی در برابر سانهدرین
۶۵ الی ۵۳: ۱۴	۶۵ الی ۵۳: ۱۴	۶۵ الی ۵۳: ۱۴	۵۶ الی ۵۳: ۱۴	۵۴ الی ۵۳: ۱۴
				۶۴ الی ۵۵: ۱۴
			۵۹ الی ۵۷: ۱۴	
			۶۰: ۱۴	
			۶۱: ۱۴	
			۶۲: ۱۴	
			۶۳ الی ۶۴ الف	
			۶۴: ۱۴ ب	
			۶۵: ۱۴	۶۵: ۱۴
انکار عیسی توسط پطرس	پطرس عیسی را انکار می کند و می گرید		پطرس عیسی را انکار می کند	انکار پطرس
۷۲ الی ۶۶: ۱۴	۷۲ الی ۶۶: ۱۴	۷۲ الی ۶۶: ۱۴	۶۷ الی ۶۶: ۱۴	۷۲ الی ۶۶: ۱۴
			۶۸: ۱۴	
			۶۹ الی ۷۰ الف	
			۷۰: ۱۴ ب	
			۷۱: ۱۴	
			۷۲: ۱۴	

مطالعه حلقه سوم (رجوع کنید به "راهنمای مطالعه مفید انجیل")

به دنبال نیت اصلی نویسنده در سطوح پاراگراف

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید. کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص نمایید (مطالعه حلقه شماره ۳). تقسیمات موضوعی خود را با پنج ترجمه بالا مقایسه کنید. پاراگراف بندی به نویسنده الهام نشده است، اما کلید پیگیری اهداف اصلی نویسنده است که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول
۲. پاراگراف دوم
۳. پاراگراف سوم و غیره

همسوهای متنی در سایر انجیل

۱. دسیسه برای قتل عیسی در انجیل مرقس ۱۴: ۱ الی ۲ همسو با انجیل متی ۱۶: ۱ الی ۵ و انجیل لوقا ۲۲: ۱ الی ۲ است
۲. تطهیر در بیت عنیا در انجیل مرقس ۱۴: ۳ الی ۹ همسو با انجیل متی ۱۶: ۶ الی ۱۳ و انجیل یوحنا ۱۲: ۲ الی ۸ (احتمالا یک تطهیر دیگر در جلیل در انجیل لوقا ۷: ۳۶ الی ۳۹).

۳. موافقت یهودادر خیانت به عیسی در انجیل مرقس ۱۴: ۱۰ الی ۱۱ همسوبا انجیل متی ۲۶: ۱۴ الی ۱۶ و انجیل لوقا ۲۲: ۳ الی ۶ است
۴. پسح با شاگردان در انجیل مرقس ۱۴: ۱۲ الی ۲۱ همسوبا انجیل متی ۲۶: ۱۷ الی ۲۵، انجیل لوقا ۲۲: ۲۱ الی ۲۳ و انجیل یوحنا ۱۳: ۲۱ الی ۳۰ است.
۵. برگزاری شام آخر با شاگردان در انجیل مرقس ۱۴: ۲۲ الی ۲۶ همسوبا انجیل متی ۲۶: ۲۶ الی ۲۹ و انجیل لوقا ۲۲: ۱۷ الی ۲۰ است (مراجعه شود به اول قرن‌تینان ۱۱: ۲۳ الی ۲۶)
۶. انکار پطرس در انجیل مرقس ۱۴: ۲۷ الی ۳۱ همسوبا انجیل متی ۲۶: ۳۱ الی ۳۵ است
۷. عبادت کردن عیسی در جَسِیمانی در انجیل مرقس ۱۴: ۳۲ الی ۴۲ همسوبا انجیل متی ۲۶: ۳۶ الی ۴۶ و انجیل لوقا ۲۲: ۳۹ الی ۴۰ و انجیل یوحنا ۱: ۱۸ است.
۸. خیانت و دستگیری عیسی در انجیل مرقس ۱۴: ۴۳ الی ۵۰ همسوبا انجیل متی ۲۶: ۴۷ الی ۵۶، انجیل لوقا ۲۲: ۴۷ الی ۵۳ و انجیل یوحنا ۱۸: ۲ الی ۱۲ است
۹. عیسی در برابر سانه‌درین در انجیل مرقس ۱۴: ۵۳ الی ۶۵ همسوبا انجیل متی ۲۶: ۵۷ الی ۶۸ و انجیل یوحنا ۱۸: ۱۲ و ۱۹ الی ۲۴ است
۱۰. انکار عیسی توسط پطرس در انجیل مرقس ۱۴: ۶۶ الی ۷۲ همسوبا انجیل متی ۲۶: ۶۹ الی ۷۵ و انجیل لوقا ۲۲: ۵۴ الی ۶۲ و انجیل یوحنا ۱۸: ۱۵ الی ۱۸ و ۲۵ الی ۲۷ است.

مطالعه کلمات و عبارات

NASB: انجیل مرقس ۱۴: ۱ الی ۲

۱ دو روز به عید پَسَخ و فَطیر مانده بود. سران کاهنان و علمای دین در جستجوی راهی بودند که عیسی را به نیرنگ گرفتار کنند و به قتل رسانند، زیرا می‌گفتند: "نه در ایام عید، مبادا مردم شورش کنند".

۱۴: ۱ "پَسَخ و فَطیر" اساساً اینها دو جشن مجزا بودند که در یک رخداد جشن گرفته می‌شدند، آخرین طاعون که باعث شد فرعون به یهودیان اجازه ترک مصر را بدهد. نیازهای خوارک عید پسح در کتاب خروج ۱۲: ۱ الی ۱۴، ۲۱ الی ۲۸، ۴۳ الی ۵۱ یافت می‌شوند. مراحل جشن هفت روزه نان فطیر در کتاب خروج ۱۲: ۸، ۱۵ الی ۲۰ (مراجعه شود به کتاب اعداد ۲۸: ۱۶ الی ۲۵، کتاب تثنیه ۱۶: ۱ الی ۸ و *Antiquities* اثر جوزفوس ۳: ۱۰: ۵) یافت می‌شوند.

■ "دو روز مانده بود" چون دو جشن با هم ترکیب شده بودند، گاهی اوقات یهودیان به کل دوره به عنوان عید پسح اشاره می‌کردند. بنابراین، مشخص نیست که "دو روز" یعنی (۱) دو روز مانده به جشن هشت روزه یا (۲) دو روز قبل از خود عید پسح.

انجیل یوحنا ۱۲: ۱ الی ۸ می‌گوید که این در روز دیگری اتفاق افتاده است، آیه ۳ به بعد می‌تواند یک مراجعه به گذشته باشد. وقایع تاریخی آخرین روزهای زندگی عیسی به صورتهای متفاوتی توسط نگارندگان در چهار انجیل ثبت شده اند. به نظر من کلیسای اولیه تناقضات میان چهار انجیل را تشخیص داد، ولی تلاش نکردند که آنها را به یکدیگر نزدیک کنند. علت تفاوتها (۱) طبیعت شهادت عینی نویسندگان، و (۲) اهداف بشارتی/الهیاتی هر یک از نگارندگان. هر یک از آنان تحت الهام این آزادی را داشتند تا تعلیم عیسی را جهت گروه های هدف خود، انتخاب کرده، مطابقت داده و مرتب سازند (مراجعه شود به *How to Read the Bible for All Its Worth* اثر Gordon Fee and Doug Stuart صفحات ۱۲۶ الی ۱۲۹).

■ "سران کاهنان و علمای دین" انجیل متی "بزرگان" را نیز اضافه کرده است، که دلالت کامل بر سانه‌درین دارد. به موضوع خاص در بخش مربوط به انجیل مرقس ۱۲: ۱۳ مراجعه کنید.

■ "که عیسی را به نیرنگ گرفتار کنند و به قتل برسانند" این چیز جدیدی نیست (مراجعه شود به انجیل مرقس ۳: ۶، ۱۱: ۱۸)، ولی اعمال عیسی در پذیرش تأیید جمعیت در طول ورود فاتحانه به اورشلیم و پاک کردن کاسبان از صحن معبد تقدیر او را هم توسط فریسیان و هم صدوقیان رقم زد.

۱۴: ۲ "مبادا مردم شورش کنند" عیسی در جلیل بسیار معروف بود. در طول عید پسح با ورود زائرین از سراسر منطقه مدیترانه جمعیت اورشلیم به سه برابر حالت معمول میرسید که بسیاری از آنان اهل جلیل بودند. شورش احتمالی در انجیل متی ۲۶: ۵ و ۲۷: ۲۴ هم ذکر شده است.

NASB: انجیل مرقس ۱۴: ۳ الی ۹

۳ چون عیسی در بیت‌عَنیا در خانه شَمعون جذامی بر سفره نشسته بود، زنی با ظرفی مرمین از عطری بسیار گرانبها، از سنبل خالص، نزد عیسی آمد و ظرف را شکسته، عطر را بر سر او ریخت. ^۴ اما بعضی از حاضران به خشم آمده، با یکدیگر گفتند: «چرا باید این عطر این گونه تلف شود؟ ^۵ می‌شد آن را به بیش از سیصد دینار فروخت و بهایش را به فقیران داد.» و آن زن را سخت سرزنش کردند. ^۶ اما عیسی بدیشان گفت: «او را به حال خود بگذارید. چرا می‌رنجانیدش؟ او کاری نیکو در حق من کرده است. ^۷ فقیران را همیشه با خود دارید و هر گاه بخواهید می‌توانید به آنها کمک کنید، اما من همیشه نزد شما نخواهم بود. ^۸ این زن آنچه در توان داشت، انجام داد. او با این کار، بدن مرا بیشاپیش برای تدفین،

تدهین کرد. آمین، به شما می‌گویم، در تمام جهان، هر جا انجیل موعظه شود، کار این زن نیز به یاد او بازگو خواهد شد.»

۱۴:۳ "بیت عنیا" شهری بود در کنار که زیتون، که از اورشلیم دور نبود، و مکانی محبوب برای زائرین جهت خوابیدن در سه جشن سالانه بود. هر خانواده یهودی که نزدیک اورشلیم زندگی میکرد از نظر فرهنگی موظف بود که درب خانه اش را بر روی زائرین باز کند.

■ "شمعون جذامی" در عهد عتیق، جذام نشانه ناخرسندی خدا بود. در جامعه با آن خیلی بد برخورد میشد. ظاهرا این مرد شفا یافته بود، احتمالا توسط عیسی. جذام در دنیای باستان به انواع بیماریهای پوستی گفته میشد (مراجعه شود به لویان ۱۳ الی ۱۴) نه فقط آن بیماری خاصی که امروزه به آن جذام گفته میشود.

همسوی این در انجیل یوحنا ۱۲:۲ الی ۸ دلالت بر این دارد این خانه ایلعازر بود و اینکه مریم، خواهرش آن زن بود. آیا میشود که شمعون پدر آنها باشد که عیسی قبلا شفا داده بود؟

■ "بر سر سفره" (در متن انگلیسی table به معنی میز نوشته شده - مترجم) آنها از صندلی استفاده نمیکردند، بلکه از میزهای پایه کوتاه که به شکل نعل اسب قرار میگرفتند استفاده کرده و بر نیمه چپ بدن لم داده و پاها به سمت عقب قرار میگرفتند.

■ "زنی آمد" انجیل لوقا ۷:۲۶ الی ۵۰ همین تدهین در همین مکان را ثبت کرده است منتها توسط زنی گناهکار. انجیل یوحنا ۱۲:۳ نام این زن را مریم خواهر ایلعازر گفته است ولی انجیل مرقس هیچ اسمی ارائه نمیدهد. مرقس بسیار زودتر نوشته شده و احتمالا میترسید که او را به عنوان پیرو عیسی معرفی کند، در حالیکه یوحنا بسیار دیرتر انجیل خود را نوشت و احساس آزادی بیشتری برای نام بردن او داشت (مراجعه شود به *St. Mark's Gospel* نوشته Lenski).

واقعا این عمل حیرت انگیز از روی محبت و علاقه بوده که تدفین عیسی را نمادین میکند.

NASB یک ظرف مرمرین کوچک
NKJV فلاسک مرمرین
NRSV, TEV, ظرف مرمرین
NJB

این یک ظرف بسته از سنگ سفید از آلباسترون، شهری در مصر، بود. وقتی که باز میشد، دیگر نمیشد آن را بست. انجیل یوحنا ۱۲:۳ میگوید که آن حاوی یک پوند بود. این میتواند از جهیزیه ازدواج وی باشد. بدهی است که عملی ناشی از عشق بیش از حد و تعلق خاطر بود.

۱۴:۳

NASB عطری گران قیمت از سنبل هندی خالص
NKJV روغن بسیار گران قیمت از سنبل هندی
NRSV پماد بسیار گران قیمت از سنبل هندی
TEV عطر بسیار گران قیمت ساخته شده از سنبل هندی
NJB کرم بسیار گران قیمت، از سنبل هندی خالص

عطر سنبل از ریشه یک گیاه در هیمالیا ساخته میشد. رایحه بسیار قوی داشت. کلمه "خالص" از *pistikos* می آید که دلالت بر کیفیت بالای آن دارد (یعنی "اصل"، یا "بدون ناخالصی"، مراجعه شود به انجیل متی ۱۲:۳).

اصطلاح سنبل ("*nard*") احتمالا از لاتین است (مراجعه شود به *Word Pictures in the New Testament* اثر A. T. Robertson جلد اول صفحه ۳۸۰). انجیل مرقس اطلاعات و کلمات لاتین بیشتری نسبت به سایر اناجیل دارد. ظاهرا مخاطبین آن رومیان بوده اند.

■ "بر سر او" انجیل یوحنا به ما میگوید که بر پاهایش ریخت (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۲:۳). احتمالا هر دو درست هستند زیرا یک پوند عطر برای سر وی خیلی زیاد است، ولی به راحتی میتوانست تمام بدن او را تطهیر کند.

این امکان هست که تطهیر سر به یهودیان تطهیر پادشاه را یادآوری کند (مراجعه شود به اول سموئیل ۱۰:۱، دوم پادشاهان ۹:۳ و ۶ و دلالت بر اول سموئیل ۱۶:۱۳ دارد). این میتواند یک نماد مسیحانه و همچنین فرایند/نبوت تدفین باشد (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۵:۴۶، ۱۶:۱، انجیل لوقا ۲۳:۵۶، انجیل یوحنا ۱۹:۳۹ الی ۴۰).

۱۴:۴ "بعضی" انجیل یوحنا ۱۲:۴ الی ۵ سوال کننده را یهودا اسخریوطی معرفی میکند. ظاهرا شاگردان عیسی در این خصوص میان خود بحث میکردند (مراجعه شود به انجیل مرقس ۹:۱۰، ۱۰:۲۶، ۱۱:۳۱، ۱۲:۷، ۱۶:۳).

■ "به خشم آمده، با یکدیگر گفتند" این زمان غیر کامل با الفاظ زائد است. شاگردان میان خود صحبت میکردند و از ولخرجی آن تاسف می خوردند. آنان عصبانی و حتی خشمگین بودند. این اصطلاح در مورد گرایش عیسی نسبت به انجیل مرقس ۱۰:۱۴ درباره شاگردان که کودکان را از او دور میکردند نیز استفاده شده است.

■ "می شد آن را به بیش از سیصد دینار فروخت" معادل ارزشی آن برای عصر مدرن را نمیتوان تخمین زد زیرا قدرت خرید پول تغییر می کند. یک دینار دستمزد یک روز یک سرباز یا کارگر بود، بنابراین معادل دستمزد یک سال بود.

۱۴:۵ "بهایش را به فقیران داد" دادن پول به فقرا در طول جشن پسخ یک کار بسیار مهم مذهبی برای ربی ها بود (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۳: ۲۹). به آن صدقه دادن گفته میشود.

موضوع خاص: صدقه دادن

(SPECIAL TOPIC: ALMSGIVING)

۱. خود اصطلاح

- a. این اصطلاح در میان یهود بسط یافت
- b. اشاره به دادن به فقیر یا نیازمند دارد
- c. کلمه انگلیسی، *almsgiving*، مختصر شده اصطلاح یونانی *eleēmosunē* حاصل شده است.

۲. مفهوم عهد عتیقی

- a. مفهوم کمک کردن به فقرا پیشتر در تورات بیان شده است.
 - i. به عنوان مثال، کتاب تثنیه ۱۵: ۷ الی ۱۱
 - ii. "خوشه چینی کردن"، کنار گذاشتن بخشی از حاصل درو برای فقرا، لاویان ۱۹: ۹، ۲۳: ۲۲، کتاب تثنیه ۲۴: ۲۰
 - iii. "سال سبت" اجازه دادن به فقرا که محصول هفتمین سال را بخورند، کتاب خروج ۲۳: ۱۰ الی ۱۱، لاویان ۲۵: ۲ الی ۷
- b. مفهوم آن در ادبیات عرفانی بسط یافت (مثالهای منتخب)
 - i. یعقوب ۵: ۸ الی ۱۶، ۲۹: ۱۲ الی ۱۷ (ضعیف در ۲۴: ۱ الی ۱۲ توصیف شده است)
 - ii. مزامیر ۱۱: ۷
 - iii. امثال ۱۱: ۴، ۱۴: ۲۱ و ۳۱، ۱۶: ۶، ۲۱: ۳ الی ۱۳

۳. بسط آن در یهود

- a. نخستین بخش میشنا در رابطه با این است که چگونه با فقرا، نیازمندان و لاویان محلی برخورد کرد.
 - b. نقل قولهای منتخب
 - i. کلیسا (همچنین به عرفان بن سیراک نیز شناخته میشود) ۳: ۳۰ "همانطور که آب شعله آتش را خاموش میکند، صدقه هم گناه را تدهین میکند" (NRSV)
 - ii. توبیت ۴: ۶ الی ۱۱ "زیرا آنان که اعمال خود را بر اساس حقیقت انجام میدهند، تمامی کارهایشان رونق میگیرد. برای همه کسانی که عدالت را انجام می دهند، از اموال خود^۷ صدقه میدهند، و اجازه ندهید از صدقه ای که میدهید غبطه بخورید. چهره خود را از هر کسی که فقیر است دور نکنید و صورت خدا از شما دور نخواهد شد. ^۸اگر شما دارای اموال زیادی هستید، صدقات خود را از میان آنها تقسیم کنید؛ اگر کم بود، نگران نباشید با توجه به کمی که داشته اید. ^۹پس شما برای روزی که ضرورت دارد، گنج خوبی برای خودتان می گذارید. ^{۱۰}زیرا صدقه از مرگ از مرگ رهایتان میکند و شما را از رفتن به تاریکی دور میکند. ^{۱۱}ایده، برای همه کسانی که از آن بهره می برند، یک جایزه عالی در حضور والاترینها است" (NRSV)
 - iii. توبیت ۱۲: ۸ الی ۹ "نماز و روزه خوب هستند، اما بهتر از هر دو طرف، عدالت و پارسایی است. کمی پارسا تر بهتر از ثروتی است که مرتکب اشتباه می شود. بهتر است به جای انباشتن طلا، صدقه داد. ^۹زیرا صدقه شما را از مرگ رهایی داده و گناهانتان را پاک می کند. کسانی که صدقه میدهند، از زندگی کامل لذت خواهند برد." (NRSV)
 - c. آخرین نقل قول از توبیت ۱۲: ۸ الی ۹ نشان میدهد که مسئله در حال بسط یافتن است. اعمال/منافع انسانی به عنوان مکانیزمی هم برای بخشش و هم فراوانی دیده میشوند.
- این مفهوم در نسخ یونانی انجیل بیشتر بسط می یابد به طوری که اصطلاح یونانی برای "صدقه دادن" (*eleēmosunē*) تبدیل به اصطلاح مترادف برای "پارسایی" (*dikaiosunē*) میشود. اینها را میتوان هنگام ترجمه به عبری برای "پارسایی" (BDB 842)، پیمان محبت و وفاداری خدا، مراجعه شود به کتاب تثنیه ۶: ۲۵، ۲۴: ۱۳، اشعیا ۱: ۲۷، ۲۸: ۱۷، ۵۹: ۱۶، دانیال ۴: ۲۷) به جای یکدیگر استفاده کرد.

d. اعمال خیرخواهانه انسان به خودی خود برای دستیابی به فراوانی شخصی فرد در اینجا و رستگاری در مرگ تبدیل شد. خود عمل به جای انگیزه ای از عمل، به لحاظ الهی به شدت تاکید میشود. خدا به قلب نگاه می کند، سپس کار دست را قضاوت می کند. این آموزش ربی ها بود، اما به نوعی در خود پارسایی فردی گم شد (مراجعه شود به میکاه ۶: ۸).

۴. واکنش عهد جدید

a. این اصطلاح در آیات زیر یافت میشوند

i. انجیل متی ۶: ۱ الی ۴

ii. انجیل لوقا ۱۱: ۴۱، ۱۲: ۳۳

iii. اعمال رسولان ۳: ۲ الی ۳ و ۱۰، ۱۰: ۲ و ۴ و ۳۱، ۲۴: ۱۷

b. عیسی درک سنتی از پارسایی را به عنوان موارد زیر توصیف میکند:

i. صدقه دادن

ii. روزه گرفتن

iii. دعا کردن

c. در موعظه عیسی در کوه (مراجعه شود به انجیل متی ۵ الی ۷) او به صورت ریشه ای گرایش بینش سنتی پارسایی را تغییر میدهد (اعتماد کردن به اعمال فرد). "پیمان جدید" ارمیا ۳۱: ۳۱ الی ۳۴ تبدیل به استاندارد جدید با خدا بودن میشود (مراجعه شود به رومیان ۳: ۱۹ الی ۳۱). خدا قلب جدیدی میدهد، فکر جدیدی میدهد و روح جدیدی میدهد. تمرکز بر کارایی انسان نیست بلکه بر عملکرد الهی است.

۱۴: ۶ "او را به حال خود بگذارید" این زمان آنوریست فعال امری است. عیسی از این حرکت از روی محبت و مهربانی دفاع می کند. او به این به عنوان عمل آماده شدن برای مرگ نزدیک و تدفینش می نگریست (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۴: ۸).

۱۴: ۷ "فقران را همیشه با خود دارید" این گفته برای بی اعتبار کردن فقرا نبود (مراجعه شود به کتاب تثنیه ۱۵: ۴ و ۱۱)، بلکه تاکید بر منحصر به فرد بودن عیسی و زمان محدود او بر روی زمین بود.

۱۴: ۸ "بدن مرا پیشاپیش برای تدفین، ندهین کرد" آیا او توانسته بود چیزی را درک کند که شاگردان نتوانسته بودند؟ از همین نوع عطر برای آماده سازی جهت تدفین استفاده میشد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۹: ۴۰).

۱۴: ۹ "واقعا" این به مفهوم آمین است. موضوع خاص در بخش مربوط به انجیل مرقس ۳: ۲۸ را مطالعه کنید.

■ "هر جا انجیل موعظه شود" انجیل اشاره به پیامی است که عیسی درباره خدا، درباره انسانیت، درباره گناه، درباره خودش، درباره رستگاری و درباره دوران پس از مرگ تعلیم میداد. عیسی این حقایق را برای نویسندگان عهد جدید از طریق روح القدس آشکار کرد. اینها افشا شدند، نه اینکه کشف انسانی باشند. این اساسا مکاشفه یک فرد و رابطه با آن فرد است، نه فقط یک عقیده یا سیستم دکترین درباره آن فرد. در بردارنده رابطه فردی با مسیح از طریق ایمان و درک اینکه او کیست، و چرا آمد است که به زندگی کردن همانند مسیح در نور این رابطه جدید با خدا و کلا یک جهان بینی جدید است.

■ "در تمام جهان" عیسی انتظار داشت که پیام انجیل در سراسر زمین پخش شود (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۳: ۲۷ و انجیل متی ۲۸: ۱۹ الی ۲۰، انجیل لوقا ۲۴: ۴۶ الی ۴۷، اعمال رسولان ۱: ۸).

■ "کار این زن نیز به یاد او بازگو خواهد شد" عیسی کارهای از روی محبت و عشق را فراموش نمیکند. این در کتاب مقدس به ثبت رسیده است، ولی بسیاری دیگر در قلب خدا حفظ شده اند و در آن روز بزرگ و خاص آشکار خواهند شد (مراجعه شود به غلاطیان ۶: ۷ الی ۹، اول تیموتائوس ۵: ۲۵، مکاشفه ۱۴: ۱۳، همچنین ۲: ۱ و ۱۹ و ۳: ۸)

NASB: انجیل مرقس ۱۴: ۱۰ الی ۱۱

"آنگاه یهودای آسخریوطی که یکی از آن دوازده تن بود، نزد سران کاهنان رفت تا عیسی را به آنها تسلیم کند.^{۱۱} آنها چون سخنان یهودا را شنیدند، شادمان شدند و به او وعده پول دادند. پس او در پی فرصت بود تا عیسی را تسلیم کند.

۱۴: ۱۰ "یهودای آسخریوطی که یکی از آن دوازده تن بود" چندین نظریه در مورد اسخریوط وجود دارد (این کلمه در نسخه های مختلف یونانی به شیوه های متفاوتی نوشته شده است). ممکن است به یکی از موارد زیر اشاره داشته باشد:

۱. مردی از کربوت، شهری در یهودیه

۲. مردی از کارتام، شهری در جلیل

۳. کیسه که برای نگهداری و حمل پول استفاده می‌شد

۴. کلمه عبری برای خفه کردن

۵. کلمه یونانی برای چاقوی فرد قاتل

اگر شماره ۱ درست باشد، او تنها فرد اهل یهودیه در میان دوازده شاگرد بود. اگر شماره ۴ یا ۵ درست باشد، او یک فدایی همانند شمعون بود.

اخیرا کتاب جالبی منتشر شده که البته بسیار نظری است (انجیل یوحنا را کم ارزش می‌کند) و یهودا را در نور مثبت توصیف می‌کند. عنوان کتاب *Judas, Betrayed or Friend of Jesus?* اثر William Klassen از انتشارات فورترس، چاپ ۱۹۹۶.

■ "که یکی از آن دوازده تن بود" او از اعضای دستچین شده توسط عیسی بود. او بخش از سفرهای بشارتی بود و در کلاسهای آموزشی عیسی، در زمان معجزات و در شام آخر حضور داشت.

این عبارت حرف تعریف قطعی دارد (در نسخه انگلیسی "one of the twelve" برای یهودا اسخریوطی استفاده شده است). پیشنهادات زیادی در مورد معنی آن وجود دارد: (۱) یهودا رهبر گروه شاگردان بود. او پول را نگهداری میکرد و در شام آخر جایگاه افتخار متعلق به او بود، یا (۲) اشاره به زمزمه کردن در انجیل متی ۱۴: ۴ دارد.

■ "نزد سران کاهنان رفت" انجیل لوقا ۲۲: ۴ "و پلیس معبد" را هم اضافه می‌کند. یهودا سوال کرد که چقدر به او میدهند (مراجعه شود به انجیل متی ۲۶: ۱۵). قیمت یک برده بود (مراجعه شود به کتاب خروج ۲۱: ۳۲، زکریا ۱۱: ۱۲).

انجیل متی ۲۶: ۱۶ به ما میگوید که "سی قطعه نقره" بود. این نبوت زکریا ۱۱: ۱۲ الی ۱۳ را تحقق بخشید (مراجعه شود به انجیل متی ۲۷: ۹ الی ۱۰). عیسی "شبان" طرد شده بود. نویسندگان انجیل فصلهای ۹ الی ۱۴ زکریا را به عنوان مرجع یا نشانه در رابطه با بشارت عیسی نقل کردند.

۱. انجیل متی ۲۱: ۴ الی ۵ از زکریا ۹: ۹ نقل قول میکند

۲. انجیل متی ۲۴: ۳ از زکریا ۱۲: ۱۰ نقل قول میکند

۳. انجیل متی ۲۶: ۱۵ از زکریا ۱۱: ۱۲ الی ۱۳ نقل قول میکند

۴. انجیل متی از زکریا ۱۳: ۷ نقل قول میکند

۵. انجیل متی از ۲۷: ۹ الی ۱۰ نقل قول میکند

■ "خیانت" (در نسخه انگلیسی این آیه به صورت "به عیسی خیانت کند" نوشته شده است- مترجم) این اصطلاح یونانی "دادن به" (*paradidōmi*) است. انجیل انگلیسی همیشه این را خیانت کردن ترجمه می‌کند، ولی این معنی ثبت شده نیست. میتواند معنی مثبت "جلب اعتماد کردن" هم داشته باشد (مراجعه شود به انجیل متی ۱۱: ۲۷) یا "احیا کردن" یا "فرمان دادن" (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۴: ۲۶، ۱۵: ۴۰)، همچنین مفهوم منفی "تحویل دادن فرد به مقامات" یا "قراردادن کسی در دستان شیطان" دارد (مراجعه شود به اول قرن‌تیا ۵: ۵، اول تیموتائوس ۱: ۲۰) یا برای خدا برای اینکه جلوی بت پرستی فرد گرفته شود (مراجعه شود به اعمال رسولان ۷: ۴۲). بدیهی است که متن باید مفهوم این فعل متداول را تعیین کند. برای عمل یهودا خیانت مناسب است.

۱۴: ۱۱ "شادمان شدند" نمیگوید که به هیجان آمدند. انگیزه یهودا همیشه منشا گمانه زنی بود. این رهبران مذهبی گریز او از گروه شاگردان را دیده بودند و به آن به عنوان توجیه توطئه قتل نگاه میکردند.

■ "در پی فرصت" انجیل لوقا ۲۲: ۶ عبارت "در غیاب مردم" را هم اضافه می‌کند. آنان از محبوبیت عیسی در میان زائرین اهل جلیل که برای جشن در اورشلیم بودند، میترسیدند (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۱: ۱۸، انجیل متی ۲۶: ۵ و ۲۷: ۲۴).

NASB: انجیل مرقس ۱۴: ۱۲ الی ۱۶

۱۲ در نخستین روز عید فطیر که برهٔ پَسَخ را قربانی می‌کنند، شاگردان عیسی از او پرسیدند: «کجا می‌خواهی برویم و برای تدارک ببینیم تا شام پَسَخ را بخوری؟»^{۱۳} او دو تن از شاگردان خود را فرستاد و به آنها گفت: «به شهر بروید؛ در آنجا مردی با کوزه‌ای آب به شما برمی‌خورد. از پی او بروید.^{۱۴} هر جا که وارد شد، به صاحب آن خانه بگویید، "استاد می‌گوید، میهمانخانه من کجاست تا شام پَسَخ را با شاگردانم بخورم؟"»^{۱۵} و او بالاخانه‌ای بزرگ و مفروش و آماده به شما نشان خواهد داد. در آنجا برای ما تدارک ببینید.^{۱۶} آنگاه شاگردان به شهر رفته، همه چیز را همان‌گونه که به ایشان گفته بود یافتند و پَسَخ را تدارک دیدند.

۱۴: ۱۲ "نخستین روز عید فطیر" مشکل مهمی است که در چه روزی سرورمان با شاگردانش شام آخر را خورد، ۱۳ یا ۱۴ نیشان. به نظر میرسد که انجیل یوحنا بر روز ۱۳ دلالت داشته باشد (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۸: ۲۹، ۱۹: ۱۴ و ۳۱ و ۳۲)، در حالیکه سایر انجیل به روز ۱۴ اشاره دارند. این تفاوت احتمالا در رابطه با یکی از موارد زیر است:

۱. استفاده از تقویم رومی در برابر تقویم یهودی
۲. شیوه متفاوت در مورد شروع روز، یعنی عصر برای یهودیان در برابر صبح برای رومیان
۳. شواهدی که جوامع حول بحر المیت، از تقویم خورشیدی، عید پسخ را یک روز زودتر به عنوان نماد مخالفت با رهبری کاهنان در اورشلیم استفاده میکردند.

چهار انجیل شواهد عینی هستند که با اهداف الهیاتی و بشارتی نگاشته شده‌اند. نگارندگان این حق را داشتند که تحت الهام زندگی و گفته‌های عیسی را انتخاب و مرتب کرده و مطابقت دهند. این در مورد بیشتر سختیهای مشاهده شده در انجیل به حساب می‌آید (به *How to Read the Bible for All Its Worth* اثر Stuart و Fee صفحات ۱۲۶ الی ۱۲۹ مراجعه کنید). همین واقعیت که اینها گفته‌های متفاوت از یک رخداد هستند. کلیسای اولیه چهار نسخه انجیل را بدون تلاش برای یکسان کردن آنان پذیرفت (به استثنای دیاسترون تاتیان در اواخر قرن دوم). از لحاظ آئین تفسیر کتاب مقدس اناجیل باید رد نور خود متن مورد تفسیر قرار بگیرند (یعنی قصد و نیت نگارنده) و نباید به منظور کسب اطلاعات تاریخی بیشتر با سایر اناجیل مورد مقایسه قرار گیرند.

۱۴:۱۳ "دو تن از شاگردان" انجیل لوقا ۲۲: ۸ میگوید که این دو شاگرد پطرس و یوحنا بودند. از منابع روحانی این را میدانیم که از هر خانه فقط دو نفر اجازه داشتند که وارد معبد شوند تا گوسفند خود را با کمک یک کشیش هدیه کنند.

■ "در آنجا مردی با کوزه‌ای آب به شما برمی‌خورد" در این فرهنگ، حمل آب توسط مرد بسیار غیرمعمول است، به خصوص اینکه کوزه باشد. اگر لازم بود که مردان حجم زیادی آب را حمل کنند آنان از پوست گوسفند یا بز استفاده میکردند نه کوزه سفالی. این هم یک شهادت عینی دیگر از جانب پطرس است.

۱۴:۱۴ "به صاحب آن خانه بگویید" بسیاری باور دارند که این خانه یوحنا مرقس بوده است (موعظه پطرس در رم در انجیل مرقس)، مکان احتمالی شام آخر و محل ظهور عیسی پس از مرگ. یوحنا مرقس پسر عموی بارناباس و در بخش اولیه نخستین سفر بشارتی بارناباس و ستول (یعنی پولس) بود. او همچنین همراه پطرس و ظاهراً با استفاده از خاطرات و موعظه‌های پطرس، نگارنده اولین انجیل بود. به نظر میرسد که این رخداد از پیش ترتیب داده شده بود، نه یک پیش‌گویی.

۱۴:۱۵ این هم مکان ظهور پس از مرگ عیسی بود (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱: ۱۲). این اتفاق تبدیل به مقر اصلی شاگردان شد.

NASB: انجیل مرقس ۱۴: ۱۷ الی ۲۱

۱۷ چون شب فرا رسید، عیسی با دوازده شاگرد خود به آنجا رفت. ^{۱۸} هنگامی که بر سفره نشست، غذا می‌خوردند، عیسی گفت: "آمین، به شما می‌گویم که یکی از شما که با من غذا می‌خورد مرا تسلیم دشمن خواهد کرد". ^{۱۹} آنها غمگین شدند و یکی پس از دیگری از او پرسیدند: "من که آن کس نیستم؟". ^{۲۰} عیسی گفت: "یکی از شما دوازده تن است، همان که نان خود را با من در کاسه فرو می‌برد. ^{۲۱} پسر انسان همان‌گونه که درباره‌ او نوشته شده، خواهد رفت، اما وای بر آن کس که پسر انسان را تسلیم دشمن می‌کند. بهتر آن می‌بود که هرگز زاده نمی‌شد".

۱۴:۱۷ "چون شب فرا رسید" روز یهودیان از غروب آغاز میشود (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱: ۵ و ۸ و ۱۳ و ۱۹ و ۲۳ و ۳۱). این خوراک پسخ بود زیرا معمولاً یهودیان خوراک خود را بعد از ظهر دیر هنگام می‌خورند. فقط خوراک پسخ بعد از ساعت ۶ بعد از ظهر خورده میشود.

۱۴:۱۸ "بر سر سفره" به واسطه کتاب خروج ۱۲: ۱۱ اساساً خوراک پسخ به صورت ایستاده خورده میشود. یهودیان قرن نخست از صندلی استفاده نمیکردند، سنتی که از پارسیان فرا گرفته بودند (مراجعه شود به استر ۱: ۶، ۷: ۸). آنان بر روی کوسن‌های کوتاه و معمولاً به صورت سه نفری بر سر میزی به شکل نعل اسب، در حالت لمیده بر روی بالش بر کتف چپ و پاها در پشتشان خوراک می‌خورند (بنابراین خدمتگزاران به راحتی میتوانند خوراک‌ها را بیاورند).

■ "آمین" (در متن انگلیسی واقعاً نوشته شده ولی در ترجمه فارسی "آمین" نوشته شده است- مترجم) این به مفهوم آمین است. موضوع خاص در بخش مربوط به انجیل مرقس ۳: ۲۸ را مطالعه کنید.

■ "که یکی از شما که با من غذا می‌خورد مرا تسلیم دشمن خواهد کرد" این اشاره‌ای به مزامیر ۴۱: ۹ است. این یک شیوه فرهنگی برای برجسته کردن گناه یهودا است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۳: ۱۸). دوستی بر سر میز یک نماد فرهنگی بسیار مهم و نشانگر تعهد است. خیانت کردن به کسی که با او بر سر میز خوراک خورده‌اید در میان شرقی‌ها کار بسیار مخوفی است.

۱۴:۱۹ "یکی پس از دیگری از او پرسیدند: "من که آن کس نیستم" هر یک از شاگردان فکر میکرد شاید خودش باشد. این نشان میدهد که در این مقطع زمانی هیچ کس مشکوک نبود که آن فرد یهودا باشد. هر یک از آنان نسبت به موقعیت و جایگاه خود تردید داشت.

۱۴:۲۱ "اما وای بر آن کس که پسر انسان را تسلیم دشمن می‌کند. بهتر آن می‌بود که هرگز زاده نمی‌شد" انجیل یوحنا ۱۳: ۲۷ به بعد دلالت بر این دارد که یهودا پس از سومین جام نعمت قبل از مراسم شام سرور آنجا را ترک کرد. یهودا یک معما بود. انگیزه‌های او برای خیانت به عیسی هرگز آشکار نشد. برخی او را به عنوان یک یهودی وطن پرست برجسته میبینند (یعنی زیلوت) که سعی میکند عیسی به شیوه نظامی وار علیه روم عمل کند. دیگران او را به عنوان یک یهودی متعهد میبینند که از عیسی به خاطر رد سنتهای شفاهی و دوستی با کفار و گناهکاران منقلب بود. انجیل یوحنا از همان آغاز او را به عنوان

یک دزد نشان میدهد، کسی که بر اساس پول دوستی رفتار میکند. با این حال، اعمال یهودا پس از دستگیری عیسی با این ویژگیها مطابقت ندارد. انگیزه و منطق او هر چه که باشد، هر قدر که شیطان دخیل باشد، هر قدر که پیش گوییهای انبیا در این امر دخیل باشد، یهودا مسئول اعمال و رفتارش بود، همانطور که همه ما هستیم (مراجعه شود به غلاطیان ۶: ۷).

NASB: انجیل مرقس ۱۴: ۲۲ الی ۲۵

^{۲۲}هنوز مشغول خوردن بودند که عیسی نان را برگرفت و پس از شکرگزاری، پاره کرد و به شاگردان داد و فرمود: «بگیرید، این است بدن من.»
^{۲۳}سپس جام را برگرفت و پس از شکرگزاری، به آنها داد و همه از آن نوشیدند. ^{۲۴}و بدیشان گفت: «این است خون من برای عهد [جدید] که به خاطر بسیاری ریخته می‌شود. ^{۲۵}آمین، به شما می‌گویم که از محصول مو دیگر نخواهم نوشید تا روزی که آن را در پادشاهی خدا، تازه بنوشم.»

۱۴: ۲۲ "نان را برگرفت" توجه کنید که این بره پسخ نبود (و نه گیاهان تلخ)، بلکه نان فطیر بود (*azumos*)، مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۴: ۱). اصطلاح یونانی استفاده شده در اینجا *artos* است، که معمولا برای نان معمولی استفاده میشود (مراجعه شود به انجیل مرقس ۳: ۲۰، ۶: ۸ و ۱۶ و ۳۶ و ۳۷، ۷: ۲ و ۵ و ۲۷، ۴ و ۱۴ و ۱۶ و ۱۷). ولی همچنین در همسوی انجیل متی ۲۶: ۲۶، انجیل لوقا ۲۲: ۱۹ به معنی نان فطیر است. احتمالا بره بیش از حد مفهوم ملی گرای داشت. برای تمامی ارتباطات تاریخی میان پسخ و شام آخر، یک تمایز الهیاتی تعمدی وجود دارد.

اگر یک نشان پایدار میان کتاب خروج و عیسی وجود داشته باشد، که به نظر میرسد درست باشد، در نتیجه نان رابطه خاصی با "مانا" (مراجعه شود به کتاب خروج ۱۶) که در طول دوره بیابان گردی توسط یهوه داده شد، وجود دارد. این یک رژیم زندگی بخش با ثبات به مردم خدا ارائه میدهد. اینک یهوه نان "واقعی" بهشت که زندگی "واقعی" ارائه میدهد، ارائه میدهد و رهبر «کاملی» میفرستد و پسخ را بدون گناه و مرگ آغاز میکند. نگارندگان عهد عتیق اغلب از نشان های مسیح شناسی در معرفی عیسی به عنوان مسیحی که در عهد عتیق معرفی شده استفاده میکنند.

شراب در عهد عتیق به عنوان خون انگور اغلب در مفهوم قضاوت و داوری استفاده میشد (یعنی انگور خشم). اینک قربانی است که حیات جاویدان به همراه دارد. این تصور به زیبایی و وضوح در انجیل یوحنا ۶ دیده میشود.

■ "پس از شکرگزاری" یک سری مراحل در مراسم خوراک پسخ وجود دارد. با تمام احتمالات نمادینه کردن نان پاره شده و شراب در نقطه مذهبی رخ میدهد "جام سوم شکرگزاری" (مراجعه شود به اول قرنیتیان ۱۰: ۱۶).

موضوع خاص: پسخ (ترتیب مراسم)

(SPECIAL TOPIC: PASSOVER (ORDER OF SERVICE))

۱. دعا
۲. جام شراب
۳. شستشوی دست توسط میزبان و دادن لگن به نفرات بعدی
۴. سبزیجات تلخ و سس
۵. بره و خوراک اصلی
۶. دعا و مرحله دوم سبزیجات تلخ و سس
۷. جام دوم شراب با بخش پرسش و پاسخ برای کودکان (مراجعه شود به کتاب خروج ۱۲: ۲۶ الی ۲۷)
۸. خواندن مزامیر ۱۱۳ الی ۱۱۴ و دعا
۹. مسئول مراسم برای هر نفر پس از شستن دستها سوپ میریزد
۱۰. همه میخورند تا زمانیکه کاملا سیر شوند، و در انتها یک تکه گوشت بره میخورند
۱۱. جام سوم شراب پس از شستن دستها
۱۲. خواندن مزامیر ۱۱۵ الی ۱۱۸
۱۳. جام چهارم شراب، که به معنی آمدن پادشاهی است
بسیاری معتقدند که رسم شام آخر در نقطه ۱۱ بنا نهاده شد

■ "بگیرید، این است بدن من" انجیل یوحنا ۶: ۲۲ و اول قرنیتیان ۱۰: ۱۶ این مراسم و آئین مذهبی را به بهترین شیوه الهیاتی به تصویر کشیده‌اند. گفته‌های عیسی درباره بدن و خونس این یهودیان را حیرت زده می‌کند. آدم خواری و خون آشامی نقض لاویان ۱۱ است. بدیهی است این گفته ها نمادین هستند، ولی هنوز تکان دهنده می‌باشند.

عیسی با پاره کردن نان، مصلوب شدنش را نمادینه کرد. زیرا رنگ شراب هم رنگ خون است، و رنگ نان هم رنگ گوشت بدن انسان. عیسی نان واقعی

موضوع خاص: شام سرور در انجیل یوحنا ۶

(SPECIAL TOPIC: THE LORD'S SUPPER IN JOHN 6)

۱. انجیل یوحنا خودش شام آخر سرور را ثبت نکرده است، هر چند فصل های ۱۳ الی ۱۷ مکالمات و دعای اتاق طبقه بالا را ثبت رسانده است. این حذف کردن ممکن است تعمدی باشد. کلیسای اواخر قرن اول شروع به نگاه کردن به مقررات در معنای مقدس کرد. و شروع کرد به آنها به عنوان کانالهای لطف الهی نگاه کردن. یوحنا با ثبت نکردن تعمید عیسی یا شام آخر، احتمالاً به این بسط مفهومی واکنش نشان داد.
۲. انجیل یوحنا ۶ در مورد خوراک دادن به پنج هزار نفر است. با این حال بسیاری از آن برای تعلیم نگرش تقدسی اوکاریستی استفاده کردند. این منشا دکتورین کاتولیک رم است (انجیل یوحنا ۶: ۵۳ الی ۵۶).
- سوال بر سر اینکه چگونه فصل ۶ با اوکاریست مرتبط است ماهیت دوگانه انجیل را نشان میدهد. بدیهی است که انجیل در رابطه با گفته ها و زندگی عیسی است، با این حال، آنها دهه ها بعد نوشته شدند و بیانگر نحوه ایمان نگارنده هستند. بنابراین سه سطح در نیت نویسندگان وجود دارد:
 - a. روح
 - b. عیسی شنوندگان اولیه
 - c. نویسندگان انجیل و مخاطبین آنها
- چگونه باید تفسیر کرد؟ تنها روش قابل تائید باید گرایش متنی، دستور زبانی و لغوی بر اساس شرایط تاریخی باشد.
۳. ما باید به خاطر داشته باشیم که مخاطبین یهودیان بودند و زمینه فرهنگی توقعات مذهبی از مسیح بودند که یک سوپر موسی باید باشد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۶: ۳۰ الی ۳۱)، به خصوص در رابطه با تجربیات کتاب خروج مانند مانا. ربی ها از مزامیر ۷۲: ۱۶ برای اثبات متن استفاده میکردند. گفته های غیر معمول عیسی (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۶: ۶۰ الی ۶۲ و ۶۶) برای مقابله با توقعات خطای مردم از مسیح بودند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۶: ۱۴ الی ۱۵)..
۴. پدران کلیسای اولیه اتفاق نظر نداشتند که این عبارت به شام آخر اشاره میکند. کلمنت اسکندریه، اورینگن و ایسویوس هرگز در مباحثات خود در خصوص این متن به شام آخر اشاره نکردند.
۵. استعاره های این متن بسیار مشابه گفته های عیسی هستند که در مورد "زن در کنار چاه" در انجیل یوحنا ۴ استفاده شده اند. آب زمینی و نان به عنوان استعاره برای زندگی ابدی و واقعیتهای معنوی و الهی استفاده شدند.
۶. این چند برابر کردن نان تنها معجزه ثبت شده در تمامی چهار انجیل است!

۱۴: ۲۳ "شکرگزاری" اصطلاح یونانی برای شکرگزاری *eucharistē* است، که از آن اصطلاح انگلیسی اوکاریست (*Eucharist*) برای شام آخر گرفته شده است.

۱۴: ۲۴ "این است خون من برای عهد" رنگ شراب شبیه رنگ خون انسان است. این عبارت سه منشا احتمالی عهد عتیقی دارد:

۱. کتاب خروج ۲۴: ۶ الی ۸، شروع کتاب پیمان با پیمان خون
 ۲. ارمیا ۳۱: ۳۱ الی ۳۴، تنها متن عهد عتیقی که از "پیمان جدید" اسم آورده است
 ۳. زکریا ۹: ۱۱ که از نظر مفهومی ۹ الی ۱۴ را یک واحد کرده و منشا بسیاری از نبوتها (مسیح شناسی) در مورد زندگی عیسی است. در میان نسخ سنتی دستنویس یونانی دو تفاوت وجود دارد.
 ۱. "پیمان" در انجیل متی ۲۶: ۲۸ که در نسخه دستنویس یونانی ϵ و C و D^2 و L (همچنین D^* و W با اندکی تغییر) یافت میشود. UBS^4 به این متن کوتاهتر رتبه A (یقین) میدهد.
 ۲. "عهد جدید" در انجیل لوقا ۲۲: ۲۰ و اول قرنیتیان ۱۱: ۲۵ که در MSS A و E و والگیت و سیریاک و کاپتیک و ارمنی یافت میشود (مراجعه شود به NKJV). این احتمالاً اضافه شده تا کلام عیسی به پیمان "جدید" در ارمیا ۳۱: ۳۱ الی ۳۴ ربط داده شود.
- در تمام این بحث یک نکته بدیهی است. مرگ عیسی برای احیا انسان گناهکار برای رفاقت با خدا حساس است (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۰: ۴۵). عیسی آمد تا (۱) پدر را آشکار کند، (۲) مثالی به ما نشان دهد برای پیروی از پدر، و (۳) به خاطر گناهان ما بمیرد. هیچ راه دیگری برای رستگاری وجود ندارد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۰ و ۱۴). این جنبه مرکزی برنامه ابدی خدا است (مراجعه شود به اعمال رسولان ۲: ۲۳، ۳: ۱۸، ۴: ۲۸، ۱۳: ۲۹).

موضوع خاص: پیمان

(SPECIAL TOPIC: COVENANT)

اصطلاح عهد عتیقی berith (KB157, BDB 136) به معنی "پیمان" را نمی توان به راحتی ترجمه کرد. هیچ فعلی که با این اصطلاح همخوانی داشته باشد در زبان عبری وجود ندارد. تمامی تلاشها برای مشتق و استخراج کردن و تعریف یک مفهوم ایدئولوژیک یا معنی دار نامتقاعد کننده بوده اند. احتمالاً بهترین حدس "قطع کردن" باشد (BDB 144) که دلالت بر حیوان قربانی باشد که همراه پیمان است (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱۵: ۱۰ و ۱۷). با این حال، محور اصلی این مفهوم استاتید را وادار کرد تا کاربرد واژه را مورد بررسی قرار دهند و تلاش کنند معنی عملی آن را دریابند. پیمان ابزاری است که توسط آن یک خدای واقعی (موضوع خاص: یکتا پرستی را مطالعه کنید) با مخلوقات انسانی سر و کار دارد. مفهوم پیمان، عهد، یا موافقتنامه در درک مکاشفه انجیلی بسیار حساس است. تنش میان سلطه خدا و اراده آزاد انسان به وضوح در مفهوم پیمان دیده می شود. برخی از پیمانها انحصاراً بر اساس شخصیت و اعمال خدا هستند.

۱. خود خلقت (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱ الی ۲)
 ۲. مقاومت و وعده به نوح (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۶ الی ۹)
 ۳. فرا خواندن ابراهیم (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱۲)
 ۴. پیمان با ابراهیم (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱۵)
- با این وجود، ماهیت طبیعی خود پیمان نیازمند پاسخ به آن است.
۱. با ایمان آدم باید از خدا اطاعت کند و میوه وسط عدن نخورد.
 ۲. با ایمان نوح باید یک کشتی عظیم دور از دریا بسازد و حیوانات را گردآوری کند
 ۳. با ایمان ابراهیم باید خانواده خود را ترک کند، از خدا پیروی کند، و به وارثین آینده اعتماد کند.
 ۴. با ایمان موسی باید اسرائیلیان را از مصر بیرون برده به کوه سینا برده و راهنمائیهای خاص برای زندگی دینی و اجتماعی با وعده نعمت و لعن دریافت کند (مراجعه شود به لویان ۲۶، کتاب تثنیه ۲۷ ای ۲۸).

مشابه همین تنش در مورد رابطه خدا با انسان در پیمان جدید مطرح شده است (مراجعه شود به ارمیا ۳۱: ۳۱ الی ۳۴، عبرانیان ۷: ۲۲، ۸: ۶ و ۸ و ۱۳، ۹: ۱۵، ۱۲: ۲۴). این تنش را به راحتی می توان با مقایسه حزقیال ۱۸: ۳۱ با حزقیال ۳۶: ۲۷ الی ۳۸ دید (اعمال یهوه). آیا پیمان بر اساس اعمال ناشی از لطف خدا است یا پاسخ اجباری انسان؟ این یک نکته داغ میان پیمان قدیم و پیمان جدید است. اهداف هر دو یکی هستند:

۱. احیا رابطه با یهوه که در کتاب پیدایش ۳ از بین رفت
 ۲. ایجاد مردمی پارسا که منعکس کننده شخصیت خدا هستند.
- پیمان جدید ارمیا ۳۱: ۳۱ الی ۳۴ این تنش را با حذف عملکرد انسان به عنوان ابزاری برای مقبول شدن برطرف می کند. قانون خدا به جای کدی برونی قانونی تبدیل به میل درونی می شود. هدف مردم خداپرست و پارسا تغییر نمی کند، بلکه روش ها تغییر می کنند. انسان گمراه اثبات کرد که نمی تواند انعکاس مناسبی از تصویر خدا باشد. مسئله پیمان خدا نبود، بلکه ضعف و گناهکاری انسان بود (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۳، رومیان ۷، غلاطیان ۳).

تنش مشابهی میان پیمان مشروط و غیر مشروط عهد عتیق همچنان در عهد جدید باقی می ماند. رستگاری مطلقاً با کار خاتمه یافته عیسی مسیح رایگان است، ولی نیازمند توبه و ایمان است (هم در آغاز و هم اینکه باید استمرار داشته باشد، موضوع خاص: ایمان به عهد جدید را مطالعه کنید). عیسی رابطه جدید خود با مومنین را "یک پیمان جدید" می نامد (مراجعه شود به انجیل متی ۲۶: ۲۸، انجیل مرقس ۱۴: ۲۴، انجیل لوقا ۲۲: ۲۰، اول قرنیتیان ۱۱: ۲۵). این یک اعلامیه رسمی و قانونی و یک فراخواندن به همانند مسیح بودن است (مراجعه شود به انجیل متی ۵: ۴۸، رومیان ۸: ۲۹ الی ۳۰، دوم قرنیتیان ۳: ۱۸، ۷: ۱، غلاطیان ۴: ۱۹، افسسیان ۱: ۴، ۴: ۱۳، اول تسالونیکیان ۳: ۱۳، ۴: ۳ و ۷، ۵: ۲۳، اول پطرس ۱: ۱۵)، یک اعلام خبری از پذیرش (رومیان ۴) و امر به مقدس بودن (انجیل متی ۵: ۴۸)! مومنین با عملکرد خود نجات پیدا نمی کنند، بلکه با اطاعت (مراجعه شود به افسسیان ۲: ۸ الی ۱۰، دوم قرنیتیان ۳: ۵ الی ۶). زندگی خداپسندانه تبدیل به شهادی برای رستگاری می شود، نه ابزاری برای رستگاری (یعنی یعقوب و اول یوحنا). با این حال، زندگی جاویدان مشخصه های قابل مشاهده ای دارد! این تنش به وضوح به عنوان هشدار در عهد جدید دیده می شود (به موضوع خاص: ارتداد مراجعه کنید).

■ "به خاطر بسیاری ریخته می شود" مرگ عیسی که با ریخته شدن خونش نمادینه میشود، قربانی شدن برای گناه است (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۰: ۴۵، انجیل متی ۲۶: ۲۸، اول قرنیتیان ۱۵: ۳، دوم قرنیتیان ۵: ۲۱، عبرانیان ۹: ۱۱ الی ۱۵). اصطلاح "بسیاری" به یک گروه محدود اشاره نمی کند، بلکه یک استعاره عبری (یا سامری) برای "تمامی کسانی که پاسخ میدهند" است. این را میتوان به صورت همسو در رومیان ۵: ۱۸ و ۵: ۱۹ و همچنین اشعیا ۵۳: ۶ دید که همگی با "بسیاری" در ۵۳: ۱۱ الی ۱۲ مقایسه میشوند. به یادداشت مندرج در بخش مربوط به انجیل مرقس ۱۰: ۴۵ مراجعه کنید.

موضوع خاص: ریخته شدن (عهد جدید)

(SPECIAL TOPIC: POURED OUT)

اصطلاح یونانی کلاسیک *cheō* به معنی "ریختن" (معمولا به مفهوم ریختن درون چیزی) است. حالت تشدید یافته آن *ekcheō*، دو مفهوم را بسط می‌دهد:

۱. ریختن خون بی گناه، مراجعه شود به کتاب پیدایش ۹: ۶، ۳۷: ۲۲، کتاب تثنیه ۱۹: ۱۰، انجیل متی ۲۳: ۳۵، اعمال رسولان ۲۲: ۲۰، رومیان ۳: ۱۵

۲. دادن قربانی، مراجعه شود به داوران ۶: ۲۰، اول سموئیل ۷: ۶، دوم سموئیل ۲۳: ۱۶، انجیل متی ۲۶: ۲۸، انجیل مرقس ۱۴: ۲۴، انجیل لوقا ۲۲: ۲۰

در مورد عیسی، این دو مفهوم در زمان کالواری (مصلوب شدنش) (مراجعه شود به *The New International Dictionary of New Testament Theology* اثر Colin Brown، جلد ۲، صفحات ۸۵۳ الی ۸۵۵).

انجیل همچنین از این فعل در رابطه با موارد زیر استفاده میکند:

۱. درون کسی حلول یافتن روح القدس (مراجعه شود به یوئیل ۲: ۲۸ الی ۲۹، حزقیال ۳۹: ۲۹، زکریا ۱۲: ۱۰، اعمال رسولان ۲: ۱۷ الی ۱۸ و ۳۳، ۴۵: ۱۰، تیتوس ۳: ۶)

۲. محبت خدا (مراجعه شود به رومیان ۵: ۵، به همسوی الهیاتی آن در غلاطیان ۴: ۶ توجه کنید)

خشم خدا (مراجعه شود به مکاشفه ۱۶، این فعل هشت مرتبه استفاده شده است.

۱۴: ۲۵ "دیگر نخواهم نوشید" آداب مراسم پسخ شامل چهار جام نعمت/برکت است. ربی ها این مراحل را بر اساس کتاب خروج ۶: ۶ الی ۷ برقرار کرده اند. جام سوم نمایانگر رستگاری است. این همانی است که مبنای شام سرور است. عیسی از نوشیدن جام چهارم (جام نعمت/برکت) سر باز زد زیرا به مفهوم تحقق یافتن است. عیسی این را با آمدن مسیح در آخر زمان ربط داد (مراجعه شود به اشعیا ۲۵: ۶ و ۵۵، انجیل متی ۸: ۱۱، انجیل لوقا ۱۳: ۲۹، ۱۴: ۱۵ و ۲۴، ۲۲: ۳۰، مکاشفه ۱۹: ۹ و ۱۷).

■ "تا روزی که" بدیهی است که این اشاره به آمدن با شکوه و قدرت عیسی در آینده است که کاملا با وضعیت فعلی متفاوت است که او شرم، درد، انکار و رد شدن و مرگ مواجه میشود. دو بار آمدن عیسی وظیفه او به عنوان رستگار کننده را متمایز میکند (کفاره دادن به جای دیگران) و داور/فاتح. این دو وجه آمدن یهودیان را حیرت زده کرد. احتمالا خود عیسی بود، شاید در مسیر امانوس، که او اهمیت کامل عبارت عهد عتیق را نشان داد (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۳: ۱۵، مزامیر ۲۲، اشعیا ۵۳، و زکریا ۹ الی ۱۴).

■ "پادشاهی خدا" موضوع خاص در بخش مربوط به انجیل مرقس ۱: ۱۵ قسمت سوم را مطالعه کنید.

NASB: انجیل مرقس ۱۴: ۱۶

^{۱۶}آنگاه پس از خواندن سرودی، به سمت کوه زیتون به راه افتادند.

۱۴: ۲۶ "خواندن سرودی" فعل یونانی منشا کلمه سرود (*hymn*) در زبان انگلیسی است. این احتمالا بخشی از حالل مزامیر (مراجعه شود به مزامیر ۱۱۳ الی ۱۱۸، مراجعه شود به انجیل متی ۲۶: ۳۰) بود، که آخرین بخش مراسم پسخ بود. این مزامیر بیانات از روی شادی و قدردانی برای رستگاری بیهوده بودند. آنها به صورت بخش یا تماما تکرار شده و در روزهای مهم جشن تکرار میشدند، به استثنای روز کفاره. مزامیر ۱۱۳ الی ۱۱۴ در اوایل خوراک پسخ خوانده می شوند و ۱۱۵ الی ۱۱۸ در پایان مرام خوراک خوردن.

■ "کوه زیتون" عیسی و شاگردانش باید به صورت منظم از این مکان برای استقرار یا عبادت در طول دوره پسخ استفاده میکردند (یعنی هشت روز).

NASB: انجیل مرقس ۱۴: ۲۷ الی ۳۱

^{۲۷}عیسی به آنان گفت: «همه شما خواهید لغزید زیرا نوشته شده،» «شبان را خواهم زد و گوسفندان پراکنده خواهند شد.»

^{۲۸}اما پس از آنکه برخاستم، پیش از شما به جلیل خواهم رفت." ^{۲۹}پطرس به او گفت: «حتی اگر همه بلغزند، من هرگز نخواهم لغزید.» ^{۳۰}عیسی به او گفت: «آمین، به تو می گویم که امروز، آری همین امشب، پیش از آنکه خروس دو بار بانگ زند، سه بار مرا انکار خواهی کرد!» ^{۳۱}اما پطرس با تأکید بسیار گفت: «اگر لازم باشد با تو بمیرم، انکارت نخواهم کرد.» سایر شاگردان نیز چنین گفتند.

۲۷: ۱۴

"همه شما خواهید لغزید" NASB, NJB

"همه شما به لغزش خواهید افتاد" NKJV

این زمان آینده خبری است. این یک شهادت دیگری است که عیسی رخدادهای آینده را میدانند و بر آنها کنترل دارد. زمان مجهول در ترجمه ASV دیده میشود "به همه شما اهانت خواهد شد" (یعنی *skandalizō*، که در مورد میله طعمه دام استفاده میشود. یک زمان آینده مجهول دوم هم وجود دارد، "پخش خواهید شد" از زکریا ۱۳: ۷. همین اصطلاح بی ایمانی (یعنی "سقوط کردن") برای دیگرانی که مسیح را رد میکردند نیز استفاده شد (مراجعه شود به انجیل متی ۱۱: ۶، ۱۳: ۲۱ و ۲۴، ۱۰: ۲۶، ۳۱). ایمان شاگردان سقوط میکند! انکار پطرس فقط مثالی از ترس آنان بود.

■ "نوشته شده" این به مفهوم "نوشته شده است" میباشد که زمان خبری کامل مجهول است. این یک عبارت مشخصه است (اصطلاح عبری) که به عهد عتیق تحت الهام اشاره دارد.

■ "خواهم زد" این نقل قولی از زکریا ۱۳: ۷ است. برنامه پدر بود که عیسی باید جان خود را به عنوان قربانی برای گناه بدهد (مراجعه شود به اشعیا ۵۳: ۴ و ۶ و ۱۰، انجیل مرقس ۱۰: ۴۵، انجیل لوقا ۲۲: ۲۲، اعمال رسولان ۲: ۲۳، ۳: ۱۸، ۴: ۲۸، ۱۳: ۲۹، دوم قرنتیان ۵: ۲۱).

۱۴: ۲۸ عیسی چندین مرتبه به شاگردان گفت که آنان را در کوه جلیل خواهد دید (مراجعه شود به انجیل متی ۲۶: ۳۲، ۲۸: ۷ و ۱۰ و ۱۶). این ملاقات خاص به مناسبت ملاقات بزرگ بود (مراجعه شود به انجیل متی ۲۸: ۱۶ الی ۲۰)، که احتمالاً ظهور پس از قیام است که در اول قرنتیان ۱۵: ۶ از آن صحبت شده است. این اشاره به معراج ندارد، که چهل روز پس از قیام از مردگان در کوه زیتون صورت گرفت (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱: ۱۲).

این یک پیشگویی در مورد قیامش از مردگان بود ولی آنان اهمیت آن را نمیدیدند. این عبارت یک فرصت عالی برای نشان دادن این است که عهد جدید اغلب به کارهای رستگاری تمامی مردم نیک خدا مربوط است.

۱. خدای پدر عیسی را بر خیزاند (مراجعه شود به اعمال رسولان ۲: ۲۴، ۳: ۱۵، ۴: ۱۰، ۵: ۳۰، ۱۰: ۴۰، ۱۳: ۳۰ و ۳۳ و ۳۴ و ۳۷ و ۱۷: ۳۱، رومیان

۴: ۶ و ۹، اول قرنتیان ۶: ۱۴، دوم قرنتیان ۴: ۱۴، غلاطیان ۱: ۱، افسسیان ۱: ۲۰، کولسیان ۲: ۱۲، اول تسالونیکیان ۱: ۱۰)

۲. خدای پسر خود را بر خیزاند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۲: ۱۹ الی ۲۲، ۱۰: ۱۷ الی ۱۸)

۳. خدای روح عیسی را بر خیزاند (مراجعه شود به رومیان ۸: ۱۱). همین تاکید تثلیثی را میتوان در انجیل مرقس ۱۴: ۹ الی ۱۰ دید. به موضوع خاص: تثلیث در بخش مربوط به انجیل مرقس ۱: ۱۱ مراجعه کنید.

۱۴: ۲۹ "حتی" این به مفهوم "حتی اگر" است (مراجعه شود به NKJV و NJB). این عبارت جمله شرطی نوع اول است، که از دیدگاه نگارنده یا مفهوم متن تصور میکند شرط درست است. پطرس میتواند تصور کند که دیگران فرار کنند، ولی خودش نه!

■ "ولی" (در نسخه انگلیسی کلمه *yet* نوشته شده که به معنی ولی/با این حال میباشد ولی در ترجمه فارسی حذف شده است-مترجم) این یک قید قوی *alla* است. پطرس با تاکید داشت تصریح میکرد که او هرگز عیسی را ترک نخواهد کرد (مراجعه شود به انجیل لوقا ۲۲: ۳۳، انجیل یوحنا ۱۳: ۳۷ الی ۳۸). پطرس در ملاعام بر وفاداری تاکید داشت که نداشت و نتوانست آن را تحقق بخشد. امیالش بر توانائیش برتری یافتند.

۱۴: ۳۰ "همین امشب، پیش از آنکه خروس دو بار بانگ زند، سه بار مرا انکار خواهی کرد" (متن انگلیسی به صورت "تو خودت همین امشب، پیش از آنکه خروس دو بار بانگ زند، سه بار مرا انکار خواهی کرد" خوانده میشود که "تو خودت" در ترجمه فارسی حذف شده است-مترجم) "تو خودت" برای تاکید است. این زمان آینده میانی خبری است. داستان انجیل لوقا طولانی تر است (مراجعه شود به انجیل مرقس ۲۲: ۳۱ الی ۳۴). جزئیات اینکه خروس دو مرتبه بانگ سر میدهد شهادت عینی و یکی از خاطرات پطرس است. این فقط در انجیل مرقس ثبت شده است.

۳۱: ۱۴

NASB "با تاکید مرتب می گفت"

NKJV "با شدت زیاد می گفت"

NRSV "با شدت می گفت"

TEV "حتی قویتر پاسخ داد"

NJB "حتی صادقانه تر تکرار کرد"

این اصطلاح (*perisseia*) برای شدت یا نهایت اندازه در حالت های مختلف در عهد جدید استفاده شده است (مراجعه شود به انجیل متی ۵: ۲۰، ۲۷: ۲۳، اعمال رسولان ۲۶: ۱۱، فیلیپیان ۱: ۹، اول تسالونیکیان ۴: ۱). حالت شدیدتر با پیشوند پیش فرض ek فقط در انجیل مرقس دیده میشود. این احتمالاً از جانب خود پطرس است! او به خاطر داشت که انکارش چقدر با حرارت بود!

■ "حتی اگر" (در ترجمه فارسی "حتی" ترجمه نشده است-مترجم) این عبارت جمله شرطی نوع سوم است که به معنی احتمال وقوع عمل است. به مفهوم "حتی اگر لازم باشد" است.

■ **"انکار نخواستیم کرد"** پطرس واقعا این چنین احساس میکرد. با تمام قلبش و توانش او مصمم بود که در کنار عیسی بایستد! همانطور که گناهان داوود و بخشش متعاقب آن بعدا برای تشویق مومنین بود، همینطور هم تاکید پطرس و شکست آن بدین منظور است. انسان گناهکار و ضعیف میخواهد کار درست را انجام دهد (مراجعه شود به رومیان ۷)، آنها خود را ناتوان می یابند! عیسی میتواند بر ترس غلبه کند، ولی بی ایمان توبه نکرده نمیتواند.

NASB: انجیل مرقس ۱۴: ۳۲ الی ۴۲

۳۲ آنگاه به مکانی به نام جتسیمانی رفتند و در آنجا عیسی به شاگردان خود گفت: "در اینجا بنشینید، تا من دعا کنم". ۳۳ سپس پطرس و یعقوب و یوحنا را با خود برد و پریشان و مضطرب شده، بدیشان گفت: "از فرط اندوه، به حال مرگ افتاده ام. در اینجا بمانید و بیدار باشید". ۳۵ سپس قدری پیش رفته، بر خاک افتاد و دعا کرد که اگر ممکن باشد آن ساعت از او بگذرد. ۳۶ او چنین گفت: «آبا، پدر، همه چیز برای تو ممکن است. این جام را از من دور کن، اما نه به خواست من بلکه به اراده تو". ۳۷ چون بازگشت، آنان را در خواب یافت. پس به پطرس گفت: "شمعون، خوابیده ای؟ آیا نمی توانستی ساعتی بیدار بمانی؟ ۳۸ بیدار باشید و دعا کنید تا در آزمایش نیفتید. روح مشتاق است اما جسم ناتوان". ۳۹ پس دیگر بار رفت و همان دعا را کرد. ۴۰ چون بازگشت، ایشان را همچنان در خواب یافت. زیرا چشمانشان بسیار سنگین شده بود. آنها نمی دانستند چه به او بگویند. ۴۱ آنگاه عیسی سومین بار نزد شاگردان آمد و بدیشان گفت: "آیا هنوز در خوابید و استراحت می کنید؟ دیگر بس است! ساعت مقرر فرا رسیده. اینک پسر انسان به دست گناهکاران تسلیم می شود. ۴۲ برخیزید، برویم. اینک تسلیم کننده من از راه می رسد".

۱۴: ۳۲ "جتسیمانی" جتسیمانی "در عبری یعنی فشار روغن. ظاهرا این یک باغ خصوصی در بیرون محدوده شهر اورشلیم در کنار کوه زیتون بود. داشتن باغ در داخل شهر غیر قانونی بود زیرا کودک مورد نیاز برای گیاهان از نظر دینی شهر را ناپاک میکرد. ظاهرا اغلب عیسی به اینجا می آمد. حتی این احتمال هست که در طول هفته محبت او با شاگردانش شب را بیتوته می کردند. یهودا این مکان را به خوبی می شناخت.

■ **"در اینجا بنشینید، تا من دعا کنم"** در همسو ها در انجیل متی ۲۶: ۴۱ و انجیل لوقا ۲۲: ۴۰ عیسی از آنها میخواهد که آنها هم دعا کنند تا دچار وسوسه نشوند.

۱۴: ۳۳ "سپس پطرس و یعقوب و یوحنا را با خود برد" این حلقه داخلی رهبری میان شاگردان بود. آنان در چندین مناسبت خاص زمانی که دیگر شاگردان نبودند، با عیسی بودند. ظاهرا این به آموزش های خاص و حسادت از جانب دیگر شاگردان منتهی شد. دقیقا چرا عیسی یک حلقه داخلی داشت، مشخص نیست. فهرست دوازده شاگرد همیشه به صورت چهار گروه سه نفری است. گروه ها هرگز تغییر نمی کردند. احتمال دارد که گروه ها یک برنامه چرخشی برای شاگردان داشتند که به صورت دوره ای به خانه خود رفته و از خانواده شان مراقبت کنند. موضوع خاص در بخش مربوط به انجیل مرقس ۳: ۱۶ را مطالعه کنید.

NASB	"شروع به پریشانی و اضطراب کردند"
NKJV	"او شروع به پریشانی و اضطراب عمیق کرد"
NRSV	"آشفته و پریشان شد"
TEV	"اضطراب و آشفتگی بر او غلبه کرد"
NJB	"شروع به ترس و وحشت کرد"

عیسی در یک حالت اضطراب بود. اینها اصطلاحات قوی در زبان یونانی هستند. به عنوان خواننده عصر مدرن ما اینجا در یک زمینه بسیار مقدس هستیم که و میبینیم که پسر خدا میتواند در آسیب پذیر ترین لحظه انسانی است. عیسی باید این ماجرا را به شاگردانش پس از قیامش از مردگان ربط دهد. ظاهرا برای این بود که به کسانی که در معرض وسوسه قرار میگیرند و آنان که در جستجوی درک تجربه عذاب و بهای قربانی شدن عیسی هستند، کمک کند.

■ **"از فرط اندوه، به حال مرگ افتاده ام"** به صورت حیرت انگیزی این یک بیان تاکیدی در مورد ترس و اضطراب در جانب عیسی است. هر چند متن خودش دلیل آن را بیان نمی کند، ولی به نظر می رسد که آنچه عیسی از آن می ترسید اختلال در رابطه صمیمانه و رفاقتی بود که همیشه با پدر داشت. این در گفته های عیسی در انجیل مرقس ۱۵: ۳۴ به وضوح مشخص می شود. این یکی از انسانی ترین لحظاتی است که ما اجازه داریم شاهد جدل عیسی با تقدیر باشیم.

این یک اصطلاح عهد عتیقی (مراجعه شود به مزامیر ۴۲: ۵) است که شدت بیش از حد را بیان میدارد و مربوط به رستگاری انسان گناهکار است. تمامی مزامیر ۴۲ و همینطور ۲۲ منعکس کننده تجربه عیسی در مورد انکار و مرگ است. در مورد این تقلا را می توان در همسوی انجیل لوقا ۲۲: ۴۳ الی ۴۴ دید (هر چند UBS⁴ به حذف آن رتبه A (یقین) داده است، که ثبت کرده فرشته ای می آید و او را بشارت میدهد و او عرق زیادی کرده و عرقش به صورت قطرات خون میریزد. پیروزی بر پلیدی در اینجا در باغ صورت میگیرد. سرزنش و وسوسه شیطان در انجیل متی ۴ و توضیح به ظاهر مفید ولی بینهایت مخرب پطرس در انجیل متی ۱۶: ۲۲ در این عبارت به صورت کامل آشکار میشود.

■ **"در اینجا بمانید و بیدار باشید"** این زمان ائوریست فعال امری است که به دنبالش زمان حال فعال امری آمده است. آنان در وضعیت آماده باش و محافظت

از عیسی در برابر یهودا و مافیا بودند، ولی به خواب رفتند.

۱۴: ۳۵ "بر خاک افتاد و دعا کرد" اینها دو زمان غیر کامل هستند. معمولاً این زمان فعل به معنی تداوم عمل در زمان گذشته است، ولی بدیهی است که در اینجا بدین معنی و مفهوم نیست. کاربرد متداول دیگر این فعل یونانی شروع و آغاز انجام عملی در زمان گذشته است. دعا کردن در حالت به خاک افتادن شدت احساس و علاقه را نشان میدهد. عیسی میدانست که یهوه قادر به انجام هر کاری است (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۴: ۳۶، "همه چیز برای تو میسر است").

■ "ساعت"

موضوع خاص: ساعت

(SPECIAL TOPIC: THE HOUR)

ساعت به شیوه های مختلفی در انجیل استفاده شده است:

۱. اشاره به زمان (مراجعه شود به انجیل متی ۸: ۱۳، ۲۶: ۴۰، انجیل لوقا ۷: ۲۱، انجیل یوحنا ۱۱: ۹)
۲. استعاره برای زمان آزمون و محاکمه (مراجعه شود به انجیل متی ۱۰: ۱۹، انجیل مرقس ۱۳: ۱۱، انجیل لوقا ۱۲: ۱۲)
۳. استعاره برای شروع بشارت عیسی (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۲: ۴ و ۴: ۲۳)
۴. استعاره برای روز داوری (آمدن دوم، انجیل متی ۲۴: ۳۶ و ۴۴، ۲۵: ۱۳، انجیل مرقس ۱۳: ۳۲، انجیل یوحنا ۵: ۲۵ و ۲۸)
۵. استعاره برای صبر عیسی (مراجعه شود به انجیل متی ۲۶: ۴۵، انجیل مرقس ۱۴: ۳۵ و ۴۱، انجیل یوحنا ۷: ۳۰، ۸: ۲۰، ۱۲: ۲۳ و ۲۷، ۱۳: ۱، ۱۶: ۳۲، ۱۷: ۱)

■ "اگر ممکن باشد آن ساعت از او بگذرد" این وجه وصفی آتوریست فعال است. عیسی تصریح می کند که یهوه قادر است هر کاری انجام دهد و عیسی امیدوار است که او از مصلوب شدن، چشم پوشی کند (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۴: ۳۶). این دقیقاً وسوسه شیطان در بیابانگردی بود، مراجعه شود به *The Life and Teaching of Jesus Christ* اثر James Stewart صفحات ۳۹ الی ۴۶). از انجیل متی ۲۶: ۳۹ و ۴۲ و ۴۴ و نیز انجیل مرقس ۱۴: ۳۹ و ۴۱ فرا میگیریم که عیسی همین دعا را سه مرتبه خواند که یک شیوه یهودی برای نشان دادن شدت است.

۱۴: ۳۶ "آبا" این یک اصطلاح آرامی آشنا است که کودکان پدرشان را در خانه صدا میکنند، مانند بابا، بابایی، پدر و غیره. عیسی صمیمیت خانوادگی با یهوه داشت (مراجعه شود به عبرانیان ۱: ۲، ۳: ۶، ۵: ۸، ۷: ۲۸). مرگ او این صمیمیت را به ما ارمغان میدهد.

این متن تنها باری است که اصطلاح آرامی آبا (در متن یونانی) توسط عیسی استفاده شده است. عیسی در زمان تقلای شدید وسوسه کالبد انسانی خود را آشکار میکند (یعنی احساسات شدید خود را توصیف میکند، بر زمین می افتد، و سه مرتبه دعا میکند). در اینجا او آخرین برگ خود را بازی میکند، بهترین فرصتی که برای تغییر عقیده پدر برای مصلوب شدنش داشت. او یهوه را با صمیمانه ترین اصطلاحات خانوادگی صدا میزند. ولی همچنان هر دُعایی با "آما" نه به خواست من بلکه به اراده تو "خاتمه می یابد. خدای پدر محبت خود را نسبت به انسان گمراه با پاسخ ندادن به درخواست عیسی نشان میدهد. باید برای گناهان نهایت قربانی داده شود، ولی آسان نبود و بهایش سنگین بود، هم احساسی و هم فیزیکی، هم برای پدر و هم برای عیسی.

عیسی ما را میشناسد زیرا او تمامی وسوسه های انسانی را میشناسد (با اینحال بدون اینکه گناه کرده باشد). ترس و وحشت و سرخوردگی گناه نیستند. پیروزی در چشیمانی حاصل شد.

■ "پدر" انجیل مرقس اغلب از اصطلاحات و کلمات آرامی استفاده میکند (مراجعه شود به انجیل مرقس ۳: ۱۷، ۵: ۴۱، ۷: ۳۴، ۱۴: ۳۶، ۱۵: ۳۴). آرامی زبان گفتاری میان عیسی و شاگردان بود. مرقس هر یک از اینها را ترجمه میکند، که نشان میدهد او برای خوانندگان یهودی نمینوشت، بلکه برای پیروان سایر ادیان و کفار، احتمالاً رومیان نوشته است زیرا تمامی اصطلاحات لاتین در انجیل مرقس یافت میشوند. موضوع خاص: پدر در بخش مربوط به انجیل مرقس ۱۳: ۳۲ را مطالعه کنید.

■ "این جام" این یک استعاره عهد عتیقی برای تقدیر فرد است (مراجعه شود به مزامیر ۱۶: ۵، ۲۳: ۵، ارمیا ۵۱: ۲، انجیل متی ۲۰: ۲۲). معمولاً از آن در مفهوم داوری (منفی) استفاده میشود است (مراجعه شود به مزامیر ۱۱: ۶، ۷۵: ۸، اشعیا ۱۷: ۲۲، ارمیا ۲۵: ۱۵ و ۱۶ و ۲۷ الی ۲۸، ۴۹: ۱۲، مراثی ارمیا ۴: ۲۱، حزقیال ۲۳: ۳۱ الی ۳۳، حبقوق ۲: ۱۶). این اصطلاح اغلب با مفهوم تاریکی استفاده میشود که یک استعاره دیگر برای داوری است (مراجعه شود به یعقوب ۲۱: ۲۰، اشعیا ۲۹: ۹، ۶۳: ۹، ارمیا ۲۵: ۱۵ الی ۱۶ و ۲۷ الی ۲۸). عیسی میخواهد غش کند. ترس گناه نیست. او با ایمان با ترس رو به رو شد. ما نیز باید چنین کنیم!

■ "آما نه به خواست من بلکه به اراده تو" در اینجا، از نظر دستور زبان یونانی ضمائر "من" و "تو" در موقعیت تأکیدی به کار رفته اند. این تسلیم و پیروی عیسی از اراده پدر بود. در اینجا چهره واقعا انسانی عیسی و ایمانش می درخشد. هر چند طبیعت انسانی او برای رستگاری فریاد میزند، اما قلب او آماده

تحقق اراده پدر برای قربانی شدن به عنوان جایگزین است (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۰: ۴۵، انجیل متی ۲۶: ۳۹).

۱۴: ۳۷ و ۴۰ " آنان را در خواب یافت " این شاگردان در طول زمان تغییر چهره نیز به خواب رفته بودند (مراجعه شود به انجیل متی ۲۶: ۴۳ و انجیل لوقا ۹: ۳۲). آنان شیطان یا بی فکر نبودند، بلکه انسان بودند. قبل از اینکه بخواهیم پیش داوری کرده و شاگردان را محکوم کنیم، اجازه دهید به این نکته در انجیل لوقا ۲۲: ۴۵ توجه کنیم که میگوید "آنان از فرط اندوه به خواب رفتند" که این امر را توصیف میکند که آنان نمیتوانستند درد نبوت عیسی در خصوص مرگ خود و پراکنده شدن آنان را متعاقب مرگش تحمل کند. هر چند عیسی آرزو داشت که در این لحظه بحرانی زندگی خود یک رابطه صمیمانه و وساطتی داشته باشد، ولی مجبور بود که به تنهایی با آن مواجه شود، و به خاطر تمامی مومنین با آن مواجه شد.

۱۴: ۳۷ " شمعون " این تنها مرتبه ای است که عیسی از زمانی که نام او را در انجیل مرقس ۳: ۱۶ تغییر داد، شمعون صدا میکند. صخره (یعنی پطرس) هر چیزی بود به جز با ثبات، مطمئن، و قابل اعتماد. پطرس باید این تغییر معکوس اسم را با درد به خاطر آورده باشد. مطمئن هستم که پیام را دریافت کرد.

۱۴: ۳۸ " بیدار باشید و دعا کنید " این زمان حال امری و حال میانی امری است. متن بعدی دشمن را آشکار میکند.

■ " تا در آزمایش نیفتید " (در نسخه انگلیسی " تا دچار وسوسه نشوید " نوشته است- مترجم) نظریات مختلفی است که " وسوسه " در این متن به چه چیز میتواند اشاره داشته باشد:

۱. نبوت بلافصل عیسی در انجیل مرقس ۱۴: ۲۷
۲. به شاگردان که بجای دعا کردن و عبادت به خواب رفته بودند، انجیل مرقس ۱۴: ۳۷ و ۴۰
۳. به بی وفایی شاگردان نسبت به عیسی در انجیل مرقس ۱۴: ۵۶
۴. به انکار پطرس در انجیل مرقس ۱۴: ۶۹ الی ۷۵
۵. به محاکمه دولتی یا مذهبی (مراجعه شود به انجیل مرقس ۵: ۱۰ الی ۱۲، انجیل یوحنا ۹: ۲۲، ۱۶: ۲)

اصطلاح " وسوسه " (*peirasmos*) مفهوم " وسوسه کردن یا تلاش به منظور تخریب به منظوری خاص " دارد (مراجعه شود به انجیل متی ۶: ۱۳، انجیل لوقا ۱۱: ۴، یعقوب ۱: ۱۳). معمولا متضاد اصطلاح یونانی دیگری است که برای آزمودن استفاده میشود (*dokimazo*) که به مفهوم " تلاش برای وسوسه کردن با نگرش تقویت کردن و قدرت بخشیدن " است. با این حال، این مفاهیم همیشه در هر متنی دیده نمیشوند. از دیدگاه الهیاتی میتوان گفت که خدا فرزندان را وسوسه نمیکند و نمی آرزوید تا آنها را نابود کند، بلکه موقعیتی برای آنان فراهم می آورد که از نظر معنوی در طول آزمایش رشد یابند و تقویت شوند (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۲۲: ۱، کتاب خروج ۱۶: ۴، ۲۰: ۲۰، کتاب تثنیه ۸: ۲۲ و ۱۶، انجیل متی ۴، انجیل لوقا ۴، عبرانیان ۵: ۸). او همیشه راهی را ارائه میکند (مراجعه شود به اول قرنیتیان ۱۰: ۱۳). موضوع خاص اصطلاحات یونانی برای آزمودن در بخش مربوط به انجیل مرقس ۱: ۱۳ را مطالعه کنید.

■ " روح مشتاق است اما جسم ناتوان " این ممکن است توضیحی بر گفته های پطرس یا دیگر شاگردان در انجیل مرقس ۱۴: ۲۹ و ۳۱ باشد. عیسی این تنش را به طور کامل درک میکرد (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۴: ۳۶).

استفاده " روح " در رابطه با روح نوع بشر از زندگی درونی و تفکر ما سخن میگوید (مراجعه شود به مزامیر ۵۱: ۱۰ و ۱۲ و ۱۷).

در نوشته های پولس " روح " اغلب متضاد با " کالبد " است (مراجعه شود به رومیان ۸: ۱ الی ۱۱).

۱۴: ۴۰ " آنها نمی دانستند چه به او بگویند " آنان هیچ دلیل قابل توضیحی نداشتند (مراجعه شود به انجیل مرقس ۹: ۶) به غیر از ضعف کالبدشان (مراجعه شود به انجیل لوقا ۹: ۳۲).

۱۴: ۴۱ " آیا هنوز در خوابید و استراحت می کنید " این اصطلاح یونانی را به سختی میتوان ترجمه کرد. آیا این یک سوال است؟ آیا یک وارونه گویی است؟ آیا یک گفته است؟ هر چند در مورد معنی آن یقینی نیست، ولی بدیهی است که عیسی پیروزی را کسب کرده است و اینک راست ایستاده است، آماده مواجهه با محاکمه شبانه، کتک خوردن در صبح و مصلوب شدن.

■ " دیگر بس است " این اصطلاح در چندین نسخ دستنویس یونانی تغییراتی را به وجود آورده است. آیا این اشاره با خوابیدن شاگردان دارد؟ میتواند (۱) " کافی است " ترجمه شود، (۲) " مقرر شد " یا (۳) " دیگر تمام شد " (مراجعه شود به NJB " دیگر همه چیز خاتمه یافت ") ترجمه شود. در نسخه پایروسی یونانی کوبین که در مصر یافت شده، در مورد که چیزی که بهایش به طور کامل پرداخت شده، استفاده شده است (مراجعه شود به *The Vocabulary of the Greek New Testament* اثر Moulton and Milligan، صفحات ۵۷ الی ۵۸). در نتیجه این همسو با انجیل یوحنا ۱۹: ۳۰ است که میگوید " تمام شد " یا " به طور کامل بهایش پرداخت شد " / احتمالا این به یهودا و خیانت وی اشاره دارد که باید برای عیسی خیلی سنگین باشد. عیسی پیروزی معنوی را در جتسمانی بدست می آورد!

۱۴: ۴۱ تا الی ۴۲ این گفته های منقطع تاکیدی هستند و هیچ حرف ربطی میان آنها وجود ندارد. وقایع درست همانطور که عیسی پیشگویی کرده بود، رخ میدهند. ساعت مقرر فرا رسیده بود.

■ " ساعت مقرر فرا رسیده " به موضوع خاص در بخش مربوط به انجیل مرقس ۱۴: ۳۵ مراجعه کنید.

■ "خیانت شده" (در نسخه انگلیسی آیه به صورت "اینک به پسر انسان خیانت شده به دست گناهکاران تسلیم می شود" آمده ولی در ترجمه فارسی، "خیانت شده" حذف شده است- مترجم) این اصطلاح (*paradidōmi*) معمولا به معنی "به دست کسی تحویل دادن" است (مراجعه شود به انجیل مرقس ۹: ۳۱)، ولی رابطه آن با یهودا در بیشتر ترجمه های انگلیسی معنی "خیانت" را شدت میدهد. به یادداشت کاملتر در بخش مربوط به انجیل مرقس ۱۴: ۱۰ مراجعه کنید.

NASB: انجیل مرقس ۱۴: ۴۳ الی ۵۰

۴۳ عیسی همچنان سخن می گفت که ناگاه یهودا، یکی از آن دوازده تن، همراه با گروهی مسلح به چماق و شمشیر، از سوی سران کاهنان و علمای دین و مشایخ آمدند. ۴۴ تسلیم کننده او به همراهان خود علامتی داده و گفته بود: "آن کس را که ببوسم، همان است؛ او را بگیرد و با مراقبت کامل ببرد." ۴۵ پس چون به آن مکان رسید، بی درنگ به عیسی نزدیک شد و گفت: «استادا!» و او را بوسید. ۴۶ آنگاه آن افراد بر سر عیسی ریخته، او را گرفتار کردند. ۴۷ اما یکی از حاضران شمشیر برکشیده، ضربه ای به خدمتکار کاهن اعظم زد و گوش او را ببرد. ۴۸ عیسی به آنها گفت: "مگر من راهزنم که با چماق و شمشیر به گرفتنم آمده اید؟" ۴۹ هر روز در حضور شما در معبد تعلیم می دادم و مرا نگرقتید. اما کتب مقدس می باید تحقق یابد. ۵۰ آنگاه همه شاگردان ترکش کرده، گریختند.

۱۴: ۴۳ "همزمان" (در نسخه انگلیسی این آیه با "همزمان" آغاز میشود ولی در ترجمه فارسی حذف شده است- مترجم) به یادداشت مربوط به انجیل مرقس ۱۰: ۱ مراجعه کنید.

■ "گروهی" انجیل یوحنا ۱۸: ۳ و ۱۲ میگوید که سربازان رومی حضور داشتند. انجیل لوقا ۲۲: ۵۲ میگوید که نمایندگان سانهدرین در میان آن گروه بودن، که دلالت بر پلیس معبد دارد. دلیل حضور تعداد زیادی سرباز این بود که فصل پسخ بود و مقامات از شورش میترسیدند (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۴: ۲، انجیل متی ۲۶: ۵، ۲۷: ۲۴).

■ "چماق و شمشیر" اصطلاح شمشیر اشاره به شمشیرهای کوتاه دارد که سربازان رومی به کمر میبستند. "چماق" اشاره به صلاحی دارد که اختصاصا پلیس معبد از آن استفاده میکرد.

■ "سران کاهنان و علمای دین و مشایخ" این اشاره به سانهدرین دارد. به موضوع خاص در بخش مربوط به انجیل مرقس ۱۲: ۱۳ مراجعه کنید.

۱۴: ۴۴ "او را بگیرد" این زمان آنوریست امری فعال است.

NASB, NRSV, TEV "او را تحت محافظت ببرد"

NKJV "او را با محافظت ببرد"

NJB "مطمئن شوید که وقتی او را میبرید، به خوبی محافظت شود"

این اصطلاح یونانی *sphallomai* ("افتادن") است که با پیشوند آلفا آمده که منفی شده است. این اصطلاح حالت استعاره برای "ایمن بودن، محکم بودن، ثابت بود" است. یهودا نگران بود که مبادا عیسی دستگیری اش را خنثی کند. این ترس و وحشت یهودا را آشکار میکند. او معجزات عیسی را دیده بود و قدرتش را میشناخت.

۱۴: ۴۵ "گفت: «استادا!» و او را بوسید" بوسیدن گونه یا پیشانی در این فرهنگ یک رسم معمول برای خوش آمد گویی است (مخصوصا میان ربی ها). گفته های عیسی در مورد اعمال یهودا را در انجیل متی ۲۶: ۵۰، انجیل لوقا ۲۲: ۴۸ مطالعه کنید. این نشانه احتمالا برای سربازان رومی بود زیرا پلیس های معبد عیسی را به خوبی میشناختند.

۱۴: ۴۷ "اما یکی از حاضران شمشیر برکشیده" از همسوی این آیه در انجیل یوحنا ۱۸: ۱۰ و انجیل لوقا ۲۲: ۵۰ الی ۵۱ میدانیم که فرد پطرس بود و خدمتگزاری که صدمه دید مالخوس بود. به شاگردان پیشتر در مورد شمشیر تذکر داده شده بود (مراجعه شود به انجیل لوقا ۲۲: ۳۶ الی ۳۸)، ولی بدیهی است که آنان معنی واقعی گفته های عیسی در این رابطه را اشتباه درک کرده بودند. از جانب پطرس باید این چنین گفت که او کاملا آماده بود که به خاطر ارایش در این مرحله فدا شود. به طور بسیار عجیبی او یکی از دو شمشیرش را کشید. ولی مجددا، این گونه اعمال نامطلوب و خصمانه ماهیت و شخصیت او را مشخص می سازند.

■ "خدمتکار کاهن اعظم" انجیل یوحنا ۱۸: ۱۰ نام این خدمتگزار را مالخوس میگوید.

■ "گوش او را ببرد" در انجیل لوقا ۲۲: ۵۱، عیسی مجددا آن را میچسباند.

۴۸: ۱۴

NASB, NKJV "یک دزد"

NRSV, NJB "یک راهزن"

آنان با عیسی همانند یک تبه کار رفتار میکنند، نه یک کافر. آنان همانطور که با باراباس رفتار کرده بودند، با عیسی رفتار میکنند (که همین کلمات در مورد او استفاده شده بودند، مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۸: ۴۰).

۴۹: ۱۴ " هر روز در حضور شما در معبد تعلیم می‌دادم " این خطاب به اعضا سانهدرین یا پلیس معبد بودو عیسی دستور کار پنهانی آنان را آشکار می‌ساخت.

■ " اما کتب مقدّس می‌باید تحقق یابد " در انجیل مرقس ۱۴: ۵۰ " آنگاه همه شاگردان ترکش کرده " (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۴: ۲۷ که از زکریا ۱۳: ۷ و انجیل متی ۲۶: ۳۱ نقل قول میکند). ادم حیرت میکند که چقدر انجیل یوحنا ۱۸: ۱۵ الی ۱۶ با این نبوت مطابقت دارد. چنین به نظر میرسد که یوحنا عیسی را در تمام مراحل محاکمه همراهی میکند و در مصلوب شدنش حضور داشته است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۹: ۲۶ الی ۲۷).

NASB: انجیل مرقس ۱۴: ۵۱ الی ۵۲

^{۵۱} جوانی که فقط پارچه‌ای به تن پیچیده بود، در پی عیسی به راه افتاد. او را نیز گرفتند، اما او آنچه بر تن داشت رها کرد و عریان گریخت.

۱۴: ۵۱ الی ۵۲ " جوانی که فقط پارچه‌ای به تن پیچیده بود " سنت کلیسا میگوید که این یوحنا مرقس بود، کسی که انجیل را گردآوری کرد. او یکی از اولین همراهان عمومی خود بارناباس (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۲: ۲۵) و سائول (پولس) از تارسوس بود. سنت قویا تصریح میکند که او کاتب و گردآورنده خاطرات پطرس از زندگی عیسی بود (یعنی انجیل مرقس). سنت همچنین میگوید که در خانه او بود که شام آخر برگزار شد (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۲: ۱۲).

مشخص نبود که چرا او این چنین لباس پوشیده بود. احتمالاً زمانی که خواب بود به او گفتند که عیسی را دارند دستگیر میکنند یا شاید او سعی میکرد که به عیسی و شاگردان نزدیک باشد و در نزدیکی باغ خوابیده بود.

NASB: انجیل مرقس ۱۴: ۵۳ الی ۶۵

^{۵۲} عیسی را نزد کاهن اعظم بردند. در آنجا همه سران کاهنان و مشایخ و علمای دین گرد آمده بودند. ^{۵۴} پطرس نیز دورادور از پی عیسی رفت تا به حیاط خانه کاهن اعظم رسید. پس در آنجا، کنار آتش، با نگهبانان نشست تا خود را گرم کند. ^{۵۵} سران کاهنان و تمامی اهل شورا در پی یافتن شهادتهایی علیه عیسی بودند تا او را بکشند، ولی هیچ نیافتند. ^{۵۶} زیرا هر چند بسیاری شهادتهای دروغ علیه عیسی دادند، اما شهادتهای ایشان با هم وفق نداشت. ^{۵۷} آنگاه عده‌ای پیش آمدند و به دروغ علیه او شهادت داده، گفتند: "ما خود شنیدیم که می‌گفت، "این معبد را که ساخته دست بشر است خراب خواهیم کرد و ظرف سه روز، معبدی دیگر خواهیم ساخت که ساخته دست بشر نباشد." ^{۵۹} اما شهادتهای آنها نیز ناموافق بود. ^{۶۰} آنگاه کاهن اعظم برخاست و در برابر همه از عیسی پرسید: "هیچ پاسخ نمی‌گویی؟ این چیست که علیه تو شهادت می‌دهند؟" ^{۶۱} اما عیسی همچنان خاموش ماند و پاسخی نداد. دیگر بار کاهن اعظم از او پرسید: "ایا تو مسیح، پسر خدای متبارک هستی؟" ^{۶۲} عیسی بدو گفت: "هستم، و پسر انسان را خواهید دید که به دست راست قدرت نشسته، با ابرهای آسمان می‌آید." ^{۶۳} آنگاه کاهن اعظم گریبان خود را چاک زد و گفت: «دیگر چه نیاز به شاهد است؟ ^{۶۴} کفرش را شنیدید. حکمتان چیست؟» آنها همگی فتوا دادند که سزایش مرگ است. ^{۶۵} آنگاه بعضی شروع کردند به آب دهان بر او انداختن؛ آنها چشمانش را بستند و در حالی که او را می‌زدند، می‌گفتند: «نبوت کن!» نگهبانان نیز او را گرفتند و زدند.

۱۴: ۵۳ " عیسی را نزد کاهن اعظم بردند " انجیلیوحنا ۱۸: ۱۳ الف از آناس نام میبرد ولی قیافا از سال ۱۸ تا ۳۶ میلادی کاهن اعظم بود (مراجعه شود به انجیل متی ۲۶: ۵۴). سایر انجیل بازجویی توسط آناس را ثبت نکرده اند. او کاهن اعظم قبلی و قدرت واقعی در پشت پرده بود (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۸: ۱۳ ب).

■ " همه سران کاهنان و مشایخ و علمای دین " این عبارت بیان کننده این است که شورای عالی بود، یعنی سانهدرین (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۴: ۵۵). موضوع خاص در بخش مربوط به انجیل مرقس ۱۲: ۱۳ را مطالعه کنید.

۱۴: ۵۴ این آیه مرحله انکار پطرس در محوطه محراب را توصیف میکند. پطرس نمیتوانست دور بایستد، ولی نمیخواست/نمیتوانست رابطه خود با عیسی را نشان دهد. عجب تناقضی.

NASB "با افسران نشسته بود"

NKJV "با خدمتگزاران نشست"

NRSV "با نگهبانان نشست"

TEV "با نگهبانان نشسته بود"

NJB "در کنار حصار نشسته بود"

این وجه وصفی غیر کامل میانی غیر فعال با الفاظ اضافی است. اینطور به نظر میرسد که پطرس سعی میکرد همانند یکی از خدمتگزاران رفتار کند. او میخواست که در گروه جذب شود، ولی به خاطر نوری که بر چهره اش افتاده بود و لهجه جلیلی آنان او را کنار میزدند. پطرس این شب را به خوبی به یاد دارد! ۱۴: ۵۵ این یک محاکمه قانونی نبود، یک حقه بازی بود (مراجعه شود به *Roman Society and Roman Law in The New Testament* اثر A. N. Sherwin-White صفحات ۲۴ الی ۴۷).

۱۴: ۵۶ " زیرا هر چند بسیاری شهادتهای دروغ علیه عیسی دادند " زمان غیر کامل (دو مرتبه در این آیه و همچنین در انجیل مرقس ۱۴: ۵۷ و ۵۹) تلاشهای مکرر با شهادتهای دروغین را نشان میدهد، ولی هیچ دو شهادتی با یکدیگر مطابقت نداشتند. این رژه دروغگویان بود.

■ " اما شهادتهای ایشان با هم وفق نداشت " در عهد عتیق لازم است که دو نفر شهادت یکسان دهند (مراجعه شود به کتاب تثنیه ۱۷: ۶، ۱۹: ۱۵). همچنین در عهد عتیق اگر کسی شهادت دروغ بدهد باید مجازات متهم را تقبل کند.

۱۴: ۵۸ " این معبد را که ساخته دست بشر است خراب خواهیم کرد " این آیه مثال خوبی درباره استفاده عیسی از استعاره برای توصیف رخدادهای در شرف وقوع است. کلمه "معبد" بر دو چیز و دو برهه زمانی دلالت دارد.

۱. مصلوب شدن بدن عیسی (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۲: ۱۹ الی ۲۲)، و قیام از مردگان در ظرف سه روز (نشان یونا، مراجعه شود به انجیل متی ۱۲: ۳۹ الی ۴۰، انجیل لوقا ۱۱: ۲۹ الی ۳۲). این باید ظرف چند ساعت اتفاق می افتاد.

۲. معبد هیرود در اورشلیم باید توسط رومیان در سال ۷۰ میلادی تخریب میشد و بازسازی هم نشود. این داوری در مورد ۴۰ سال آینده است، و منعکس کننده داوری اسکاتولوژیک است (یعنی دوم تسالونیکیان ۲ و مکاشفه).

راحت میتوان دید که چگونه پادشاهی موقتی و با این حال اسکاتولوژیک عیسی و اصول اخلاقی آن را مذهب یون دگماتیک، و قانونگرا هم در حال و هم در گذشته درست درک نکردند.

■ " ظرف سه روز " این دوره زمانی اشاره شده (مراجعه شود به انجیل مرقس ۸: ۳۱، ۹: ۳۱، ۱۰: ۳۴) با نبوت عهد عتیق در اول قرن تیان ۱۵: ۳ الی ۴ مرتبط است. دوره زمانی " سه روز " هم با " معبد جدید " و هم با بدن جدید در زمان قیام از مردگان مرتبط است. عیسی تعدا این دو را با یکدیگر ادغام کرد. معبد عصر جدید مومنین است، هم فردی و هم گروهی (مراجعه شود به اول قرن تیان ۳: ۱۶، ۶: ۱۹).

■ " معبدی دیگر خواهیم ساخت که ساخته دست بشر نباشد " (در نسخه انگلیسی کلمه "بشر" در این آیه وجود ندارد- مترجم) این یک نبوت حیرت انگیز از مرگ و قیام عیسی از مردگان است. همانطور که در عبادت عهد عتیق معبد در مرکز است، اینک خود عیسی خواهد بود. او سنگ زیربنای رد شده است. اینک او نقطه تمرکز عبادتها است.

او این قدرت را دارد که جان خود را پیش کش کند و دوباره برگردد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۰: ۱۱ و ۱۵ و ۱۷ و ۱۸). او کنترل کامل زندگی، مرگ و قیام خود از مردگان را دارد.

۱۴: ۶۰ " آنگاه کاهن اعظم برخاست و در برابر همه از عیسی پرسید " کاهن اعظم تلاش میکرد که عیسی به گناه خود اعتراف کند. تحت قوانین یهود، این کار غیر قانونی است، همینطور هم محاکمه شبانه و مجازات در همان روز.

۱۴: ۶۱ " همچنان خاموش ماند " این ممکن است تحقق اشعیا ۵۳: ۷ باشد (مراجعه شود به انجیل متی ۲۶: ۶۳، ۲۷: ۱۲ الی ۱۴، انجیل مرقس ۱۵: ۵، انجیل لوقا ۲۳: ۹، انجیل یوحنا ۱۹: ۹).

■ " دیگر بار کاهن اعظم از او پرسید " انجیل متی ۲۶: ۶۳ اضافه میکند که او عیسی را تحت سوگند قرار داد.

■ " مسیح " کرایست ترجمه یونانی اصطلاح عبری مسیح است که به معنی " آن مطهر شده " میباشد. در نبوتهای عهد عتیق، کاهنان و پادشاهان به عنوان نماد خاص انتخاب خدا برای انجام وظیفه شان تظهير میشدند. این اصطلاح بعدا برای " پسر داود " (مراجعه شود به دوم سموئیل ۷) که اسرائیل را احیا باید میکرد مورد استفاده قرار گرفت.

■ " پسر خدای متبارک " " متبارک " یک لقب متداول یهودی است (یعنی طولانی کردن کلام) برای خدا. یهودیان انتظار نداشتند که مسیح خدایی با کالبد انسانی باشد، همانند داوران. ولی عیسی از این رابطه خانوادگی برای تصریح اینکه تماما با پدر یکسان است استفاده کرد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۵: ۱۸، ۱۰: ۳۰ و ۳۳ و همچنین ۱: ۱).

۱۴: ۶۲ " هشتم " این میتواند اشاره ای به عنوان عهد عتیقی برای پیمان خدا، یهوه، باشد که از فعل عبری " بودن " می آید (مراجعه شود به کتاب خروج ۳: ۱۴، کتاب تثنیه ۳۲: ۳۹، اشعیا ۴۱: ۴، ۴۳: ۱۰، ۴۶: ۴، انجیل یوحنا ۴: ۲۶، ۸: ۲۴ و ۲۸ و ۵۸، ۱۳: ۱۹، ۱۸: ۵). موضوع خاص: اسامی الهی در انجیل مرقس ۱۲: ۳۶ را مطالعه کنید. این پاسخ بسیار صریح مشابه انجیل لوقا ۲۲: ۷۰ است. مرقس پاسخ مرموزتری را به ثبت رسانده است (مراجعه شود به انجیل متی ۲۶: ۶۴).

این انجیل مرقس است که خود آگاهی عیسی را از همان ابتدا بع عنوان فرزند پدر و مسیح نشان میدهد (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱: ۱). دیوها هم او را شناختند و همچنین او را شفاهای تأیید کردند (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱: ۲۴ و ۳: ۱۱)، ولی شاگردان در درک هم عیسی و هم کارهایش کند بودند (مراجعه شود به انجیل مرقس ۸: ۲۹). آنها هنوز از دیدگاه قرن نخست نگاه میکردند، دیدگاه یهودی (همانطور که کاهن اعظم میدید).

■ "پسر انسان را خواهید دید که به دست راست قدرت نشسته" این اشاره ای به مزامیر ۱۱۰: ۱ است. این یک استعاره انسان شناسانه برای مکان قدرت است. اصطلاح "قدرت" اشاره به یهوه است. عیسی (یعنی پسر انسان، مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۴: ۲۱ و ۴۱ و ۶۲) با اصطلاحات اسکاتولوژیک تصریح میکند که آنها درک کرده اند که او مسیح یهوه است. هر چند مزامیر ۱۱۰: ۴ یک مفهوم کشیشانه دارد، ولی این آیه یک مفهوم شاهانه دارد (مراجعه شود به عبرانیان ۱: ۳).

باید تکرار شود که درک کاهن اعظم از سوال انجیل مرقس ۱۴: ۶۱ از درک عیسی متفاوت بود (همین امر در مورد سوالات پیلاتس در انجیل مرقس ۱۵ صدق میکند). کاهن اعظم این را به عنوان تهدیدی برای قدرت و اقتدار خود و قدرت و اقتدار روم درک کرده بود. مفهوم عهد عتیقی مسیح به عنوان پادشاه فاتح به طور مشابه توسط شاگردان پخش شده بود (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۰: ۳۷).

عیسی پادشاهی خود را در آینده و به صورت معنوی میدید (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۸: ۳۶). به همین دلیل است که او این عبارتهای اسکاتولوژیک را از مزامیر ۱۱۰ و دانیال ۷ نقل قول میکند.

یقیناً پارادوکسی در دو مرتبه آمدن، یکی به عنوان خدمتگزار فروتن و رنج کشیده و دیگری به عنوان پادشاه جلال یافته و داور وجود دارد. عهد عتیق هر دو را ارائه میکند، ولی یهودیان فقط بر دومی تمرکز دارند. این همان تنش الهیاتی در پادشاهی خدا است که آغاز شده ولی تحقق نیافته است. برای ما بسیار سخت است که تصور کنیم چقدر درک پیام او برای مردم یهودی مشکل بوده است.

■ "با ابرهای آسمان می آید" این نقل قولی است از دانیال ۷: ۱۳. عبارتی است که از جنس خدا بودن عیسی را به وضوح با اصطلاحات عهد عتیقی تصریح میکند. هیچکس سوار بر ابرها نمیشود به جز یهوه، ولی اینک "پسر" او هم چنین میکند (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۳: ۲۶، اعمال رسولان ۱: ۹، مکاشفه ۷: ۱).

۱۴: ۶۳ "گریبان خود را چاک زد" این نشانه رنجش روحی شدیدی است که با کفر گویی ایجاد میشود. مجازات کفر بر اساس لایوان ۲۴: ۱۵ مرگ به صورت سنگسار است. عیسی اگر آن یگانه، مسیح، پسر خدا، و ناجی جهان نبود، باید بر اساس کتاب تثنیه ۱۳: ۱ الی ۳ و ۱۸: ۲۲ میمیرد. هیچ حد واسطی در این میان وجود ندارد. یا او کسی است که ادعا میکند یا او یک کفر گو است که سزایش مرگ است (مراجعه شود به *Evidence That Demands a Verdict* اثر Josh McDowell).

۱۴: ۶۴ "کفر" دروغ گفتن درباره یهوه سزاوار مجازات مرگ توسط سنگسار است (مراجعه شود به لایوان ۲۴: ۱۴ الی ۱۶).

۱۴: ۶۵ "آب دهان بر او انداختن" این یک نشانه عهد عتیقی رد کردن است (مراجعه شود به کتاب اعداد ۱۲: ۱۴، کتاب تثنیه ۲۵: ۹، یعقوب ۱۷: ۶، ۳۰: ۱۰، اشعیا ۵۰: ۶). اعضا سانهدرین و سربازان رومی (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۵: ۱۹) بر عیسی آب دهان می انداختند.

■ "چشمانش را بستند و در حالی که او را می زدند، می گفتند: «نبوت کن!»" آنان چشمانش را بستند، او را میزدند و بعد میپرسیدند، "کی تو را زد؟" آنان ادعای او مبنی بر پیامبری خدا را تمسخر میکردند. ربی های روزگار عیسی اشعیا ۱۱: ۳ را این گونه تفسیر میکردند که مسیح میتواند از طریق بو و نه فقط از طریق دیدن داوری کند. این ممکن است به این واقعه ربط داشته باشد یا نداشته باشد. ولی یقیناً به اشعیا ۵۲: ۱۴ مرتبط است. ربی ها این آیه را با گفتن اینکه مسیح جذام دارد، تفسیر میکردند، ولی من فکر میکنم این اشاره به کتک زدن های شدید توسط چندین گروه سرباز اشاره داشته باشد. چندین نسخه دستنویس یونانی این متن در انجیل مرقس را بسط میدهند تا منعکس کننده انجیل متی ۲۶: ۶۸ و انجیل لوقا ۲۲: ۶۴ باشد.

NASB "او را با مشت میزدند"

NKJV "او را با ساقه های نخل که در دست داشتند میزدند"

NRSV "او را کتک میزدند"

TEV "او را میزدند"

NJB "به او ضربه میزدند"

این داستان سو استفاده از عیسی از اصطلاح یونانی *kolaphizō* استفاده میکند که به معنی زدن با مشت است، و *hrapizō* که به معنی کشیده زدن با دستان باز است (مراجعه شود به انجیل متی ۲۶: ۶۷). کشیده زدن با دستان باز یک نماد شرقی برای تحقیر است (مراجعه شود به انجیل متی ۵: ۳۹، انجیل یوحنا ۱۸: ۲۲، ۱۹: ۳). در اعمال رسولان ۱۶: ۲۷ همین اصطلاحات اشاره به "زدن با شلاق" هم دارد.

هم سانهدرین و هم سربازان رومی عیسی را مسخره میکردند و هم از نظر فیزیکی او را آزار میدادند (مراجعه شود به اشعیا ۵۲: ۱۴، ۵۳: ۴).

۶۶ هنگامی که پطرس هنوز پایین، در حیاط بود، یکی از خادمه‌های کاهن اعظم نیز به آنجا آمد^{۶۷} و او را دید که کنار آتش خود را گرم می‌کرد. آن زن با دقت بر وی نگر بست و گفت: «تو نیز با عیسی ناصری بودی».^{۶۸} اما پطرس انکار کرد و گفت: «نمی‌دانم و در نمی‌یابم چه می‌گویی!» این را گفت و به سرسرای خانه رفت. در همین هنگام خروس بانگ زد.^{۶۹} دیگر بار، چشم آن کنیز به او افتاد و به کسانی که آنجا ایستاده بودند، گفت: «این مرد یکی از آنهاست».^{۷۰} اما پطرس باز انکار کرد. کمی بعد، کسانی که آنجا ایستاده بودند، بار دیگر به پطرس گفتند: «بی‌گمان تو نیز یکی از آنهايي، زیرا جلیلی هستی».^{۷۱} اما پطرس لعن کردن آغاز کرد و قسم خورده، گفت: «این مرد را که می‌گویید، نمی‌شناسم!».^{۷۲} در همان دم، خروس بار دوم بانگ زد. آنگاه پطرس سخنان عیسی را به یاد آورد که به او گفته بود: «پیش از آنکه خروس دو بار بانگ زند، سه بار مرا انکار خواهی کرد»، پس دلش ریش شد و بگریست.

۱۴: ۶۶ " یکی از خادمه‌های کاهن اعظم نیز به آنجا آمد " انجیل یوحنا ۱۸: ۱۷ میگوید که او نگهبان درب بود. انجیل متی، مثل همیشه، از نفر سخن میگوید، در حالی که انجیل مرقس فقط از یک نفر سخن میگوید (مراجعه شود به انجیل متی ۲۶: ۶۹ الی ۷۱). پطرس باید به یوحنا مرقس این داستان خجالت آور را گفته باشد یا آن را در یکی از موعظه هایش در روم استفاده کرده و مرقس آن را شنیده است.

۱۴: ۶۷ "پطرس را دید" (در ترجمه فارسی به جای "پطرس" ضمیر "او" نوشته شده است- مترجم) ماه کامل بود (زمان عید پسخ بود). او به وضوح میتوانست چهره پطرس را در نور آتش و ماه ببیند (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۴: ۵۴ و ۶۷، انجیل یوحنا ۱۸: ۱۸ و ۲۵).

■ "عیسای ناصری" یهودیانی که در جلیل بزرگ شده اند (مراجعه شود به انجیل متی ۲۶: ۶۹) لهجه خاص و متمایزی داشتند. این عیسی را به شاگردان ربط میداد (مراجعه شود به انجی مرقس ۱۴: ۷۰). موضوع خاص در بخش مربوط به انجیل مرقس ۱۰: ۴۷ را مطالعه کنید.

۱۴: ۶۸ "نمی‌دانم و در نمی‌یابم چه می‌گویی" ترتیب دقیق این اتهامات انجیل به انجیل متفاوت است. این واقعیت که پطرس سه مرتبه عیسی را با تاکید شدید انکار کرد، در تمامی داستانها مشترک است.

■ "و به سرسرای خانه رفت" ظاهرا پطرس سعی کرد که آن مکان را ترک کند. نسخ دستنویس باستانی یونانی یونیکال به طور یکسان تردید دارند که آیا باید در انجیل مرقس ۱۴: ۶۸ "در همین هنگام خروس بانگ زد" اضافه شود یا نه (MSS A و C و D و همچنین ترجمه های والگیت و پشینا آن را اضافه کرده اند در حالی که B، L و W آن را حذف کرده اند). به وضوح بانگ دوم خروس در انجیل مرقس ۱۴: ۷۲ توضیح داده شده است. برخی ترجمه های مدرن (مراجعه شود به NASB، NIV) آن را حذف کرده اند، ولی بسیاری نسخ دیگر آن را با پی نویسی اضافه کرده اند (مراجعه شود به TEV، NRSV، NKJV، UBS⁴). (NJB) نمیتواند مشخص کند که کدامیک اصل است.

۱۴: ۷۰ "کمی بعد" انجیل لوقا ۲۲: ۵۹ میگوید "حدود یکساعت بعد".

■ "جلیلی" یا لهجه پطرس و یا لباسش او را لو داد.

۱۴: ۷۱ "پطرس لعن کردن آغاز کرد و قسم خورده" اصطلاح "لعن کردن" (*anathematizō*) اساسا اشاره به چیزی دارد که وقف خدا شده باشد (*anathēma*)، ولی در اینجا به این صورت آمده که به لعن اشاره داشته باشد (مراجعه شود به اعمال رسولان ۲۳: ۱۲ و ۱۴ و ۲۱). این شیوه ای برای تصریح قابل اعتماد بودن یک بیان توسط فرا خواندن داوری خدا بر خود فرد اگر راست نگوید، است.

پطرس به قویترین شیوه فرهنگی (قسم و سوگند) نزد خدا خود را مجرم ساخت! یهودا کاری بدتر از پطرس نکرد. پطرس سرورش را به صورت مکرر، با تاکید و اصطلاحات تعهد آور در ملا عام انکار کرد (مراجعه شود به انجیل متی ۲۶: ۳۴ و ۷۴).

موضوع خاص: نفرین (anathema)

(SPECIAL TOPIC: CURSE (ANATHEMA))

۱. عهد عتیق

چندین کلمه در زبان عبری برای "نفرین" وجود دارد. *Herem* (KBD 353, BDB 356) در مورد چیزی که به خدا داده/واگذار می‌شد (مراجعه شود به LXX که آن را به عنوان *anathema* ترجمه می‌کند، BAGD ۵۴، لایوان ۲۷: ۲۸) استفاده می‌گردد. معمولا شامل تخریب آن موضوع بود زیرا برای استفاده انسانی بیش از مقدس بود (مراجعه شود به کتاب تثنیه ۷: ۲۶، یوشع ۶: ۱۷ الی ۱۸، ۱۷: ۱۲). اصطلاحی بود که در مفهوم "نبرد مقدس" استفاده می‌شد. خدا به یوشع گفت که کنعانیان را نابود کند. اریحا اولین موقعیت بود، "نخستین میوه" این نبرد/پاکسازی مقدس.

۲. عهد جدید

در عهد جدید *anathema* و حالت‌های مرتبط با آن در مفاهیم مختلف استفاده شده اند:

- a. به عنوان هدیه یا پیشکش به خدا (مراجعه شود به انجیل لوقا ۲۱: ۵)
- b. به عنوان سوگند به مرگ (مراجعه شود به اعمال رسولان ۲۳: ۱۴)
- c. برای نفرین کردن و سوگند خوردن (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۴: ۷۱)
- d. فرمولی در رابطه با نفرین کردن عیسی (مراجعه شود به اول قرنتیان ۱۲: ۳)
- e. چیزی یا کسی که به منظور تخریب یا داوری توسط خدا داده می‌شود (مراجعه شود به رومیان ۹: ۳، اول قرنتیان ۱۶: ۲۲، غلاطیان ۱: ۸ الی ۹).

ردیف d در فهرست فوق بسیار بحث برانگیز است. من یادداشت‌های خود را از اول قرنتیان ۱۲: ۳ اضافه می‌کنم:

"عیسی نفرین شده است" یک گفته شوکه کننده است. چرا کسی (به استثنای یهودیان سنتی) که ادعا می‌کند از طرف خدا صحبت می‌کند، چنین حرفی بزند؟ این اصطلاح (یعنی *anathema*) خودش زمینه عهد عتیقی دارد (یعنی اصطلاح عبری، *Herem*). در رابطه با مفهوم نبرد مقدس است، که شهری خود را وقف خدا می‌کند و بنابراین مقدس می‌شود. این یعنی هر چه در آن نفس بکشد، انسان یا حیوان باید بمیرد (مراجعه شود به یوشع ۶: ۱۷، ۷: ۱۲). نظریاتی که چگونه این اصطلاح در قرنتس استفاده می‌شد، به شرح زیر هستند:

- i. که یک ریشه یهودی در رابطه با سوگند کنیسه دارد (مراجعه شود به اعمال رسولان ۲۶: ۱۱، یعنی، فرمولهای نفرین ربیها برای حذف کردن مسیحیان از کنیسه استفاده می‌شد). برای باقیماندن فرد باید عیسی ناصری را رد یا نفرین می‌کرد.
- ii. ریشه رومی در ارتباط با عبادت امپراتور دارد که فقط سزار را می‌شد "ارباب/سرور" خواند.
- iii. ریشه عبادت در رابطه با بت پرستان دارد که نفرین بر کسانی داده می‌شد که از نام خدا استفاده می‌کردند. این را می‌توان چنین ترجمه کرد "باشد که عیسی — را نفرین کند" (مراجعه شود به اول قرنتیان ۱۶: ۲۲).
- iv. که کسی این عبارت را به مفهوم الهیاتی مرتبط می‌کند با این مفهوم که عیسی لعنت عهد عتیق را به جای ما تقبل کرد (مراجعه شود به کتاب تتنیه ۲۱: ۲۳، غلاطیان ۳: ۱۳).

v. مطالعات اخیر از قرنتس (مراجعه شود به پی نویسی شماره ۱ صفحه ۱۶۴ در کتاب Bruce Winter به نام *After Paul Left Corinth*) لوح‌های نفرین در اکروپولیس باستانی در قرنتس یافت شدند، مستند می‌کنند که متخصصین تصور می‌کنند رابطه ای میان فعل "بودن" باید در این عبارت وجود داشته باشد "عیسی نفرین شده بود"، ولی این سند تاریخی به وضوح نشان می‌دهد که این نفرینهای رومیان قرن نخست از قرنتس فاقد این فعل هستند (همینطور هم برخی از نفرین‌ها در LXX کتاب تتنیه ۲۲: ۱۵ الی ۲۰)، همینطور هم در اول قرنتیان ۱۲: ۳. شواهد باستان‌شناسی دیگری هستند که مسیحیان قرن نخست رومی قرنتس از نفرین در اعمال کفن و دفن استفاده می‌کردند (یعنی در دوران بیزانس، که در قبرهای مسیحیان یافت شد (مراجعه شود به *The Inscriptions* اثر J. H. Kent، سال ۱۹۲۶ الی ۵۰، Princeton: American School of Classical Studies, 1966, vol. 8: 3, no. 644)).

برخی از کلیساهای قرنتس نفرین‌ها را به نام بر علیه دیگر اعضای کلیسا تغییر دادند. نه فقط این روش یک مشکل بود، بلکه یک انگیزه نفرت‌انگیز هم بود. این یک مثال دیگر از تنشهای درونی این کلیسا است. پولس از آنها می‌خواهد که کلیسایی برپا کنند، آن را تهذیب کنند، ولی آنها می‌خواهند نفرین بخشی از کلیسا باشد.

■ "این مرد را که می‌گویید، نمی‌شناسم!" احتمالاً عبارت "این مرد" یک اصطلاح توهین آمیز سامی برای اشاره به عیسی بود.

۱۴: ۷۲ "خروس بار دوم بانگ زد" پطرس گفته‌های عیسی را به خاطر می‌آورد (مراجعه شود به انجیل لوقا ۲۲: ۳۱ الی ۳۲). انجیل لوقا ۲۲: ۶۱ می‌گوید که عیسی به او نگاه می‌کند. ظاهراً عیسی از نزد آناس به نزد قیافا در کاخ کاهن اعظم برده می‌شد.

عبارت "بار دوم" در برخی نسخ دستنویس یونانی حذف شده است. مسئله ای که علما و کاتبین با آن مواجه بودند این بود که سه نسخه دیگر انجیل (یعنی انجیل متی، انجیل لوقا و انجیل یوحنا) فقط یک بار بانگ زدن خروس را ذکر کرده اند، در حالیکه انجیل مرقس ظاهراً دو مرتبه را ثبت کرده است (مراجعه شود به MSS A و B و C² و D و W) بنابراین برخی نسخ دستنویس این عبارت را حذف کرده اند (مراجعه شود به MSS X و C و L).

■ "بگریست" پطرس با انکارش و دادن امید به همه مومنین که عیسی را با زبان‌شان، جان‌شان و اولویتهایشان انکار کرده‌اند، نبوت را تحقق بخشیده بود. همچنین برای هر کسی که با ایمان به سوی او باز گردد، امیدی هست (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۲۱).

سوالاتی برای بحث

این یک راهنمای مطالعاتی است، که بدین معنی است که شما خودتان مسئول تفسیر انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر خودمان گام برداریم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. شما نباید این امر را به یک مفسر واگذار کنید. این سوالات مباحثاتی به منظور کمک به شما در تفکر نسبت به مسائل اصلی این بخش از کتاب مطرح شده اند. آنها صرفاً تفکر برانگیز هستند نه قطعی.

۱. آیا تناقضی میان انجیل مرقس و انجیل یوحنا در مورد روزی که شام آخر رخ داد وجود دارد؟
۲. چرا مریم بسیار ولخرجی و دست و دلبازی کرد؟ چرا عیسی به او اجازه داد؟
۳. آیا انجیل مرقس ۱۴: ۷ عدم توجه به فقرا را تعلیم میدهد؟
۴. چرا رهبران مذهبی میخواستند که عیسی را به قتل برسانند؟
۵. در مورد یهودا چه؟ چگونه اعمال او را باید توصیف کنیم؟
۶. چگونه شام آخر با پسخ ربط دارد؟ اهمیت شام آخر سرورمان چیست؟
۷. چرا جتسیمانی خیلی پارادوکسی است (یعنی عیسی میخواهد که جام رد کند، ولی در عین حال اراده خدا را هم میخواهد)؟
۸. چرا کاهن اعظم وقتی که عیسی از مزامیر ۱۱۰ و دانیال ۷: ۱۳ نقل قول کرد، منقلب شد؟

مرقس ۱۵

پاراگراف‌های ترجمه‌های مدرن

UBS ⁴	NKJV	NRSV	TEV	NJB
عیسی در برابر پیلاتس	عیسی با پیلاتس رو در رو میشود	عیسی با پیلاتس رو در رو میشود	عیسی در برابر پیلاتس	عیسی در برابر پیلاتس
۵ : ۱۱ الی ۱۵	۵ : ۱۱ الی ۱۵	۵ : ۱۱ الی ۱۵	۱ : ۱۱ الی ۲ الف ۱۵ : ۲ ب ۱۵ : ۳ ال ۴ ۱۵ : ۵	۱ : ۱۵
عیسی به مردن محکوم میشود	گرفتن جای باراباس		عیسی به مرگ محکوم میشود	
۱۵ : ۱۶ الی ۱۵	۱۵ : ۱۶ الی ۱۵	۱۵ : ۱۶ الی ۱۵	۱۰ : ۱۶ الی ۱۰ ۱۱ : ۱۱ الی ۱۲ ۱۳ : ۱۵ ۱۴ : ۱۴ الف ۱۴ : ۱۴ ب ۱۵ : ۱۵	۱۵ : ۱۶ الی ۱۵
سربازان ادای عیسی را در می آورند	سربازان ادای عیسی را در می آورند	مصلوب شدن	سربازان عیسی را مسخره میکنند	تاجی از خار بر سر عیسی گذاشته میشود
۱۵ : ۱۶ الی ۲۰	۱۵ : ۱۶ الی ۲۰	۱۵ : ۱۶ الی ۲۰	۱۵ : ۱۶ الی ۲۰	۱۵ : ۱۶ الی ۲۰ الف
مصلوب شدن عیسی	پادشاه بر بالای صلیب		عیسی مصلوب میشود	راه صلیب
۱۵ : ۲۱ الی ۳۲	۱۵ : ۲۱ الی ۳۲	۱۵ : ۲۱ الی ۲۴	۱۵ : ۲۱ الی ۲۸	۱۵ : ۲۰ ب الی ۲۲ مصلوب شدن ۱۵ : ۲۳ الی ۲۸
		۱۵ : ۲۵ الی ۳۲		عیسی مصلوب شده تحقیر میشود ۱۵ : ۲۹ الی ۳۲
مرگ عیسی	عیسی بر بالای صلیب میمیرد		مرگ عیسی	مرگ عیسی
۱۵ : ۳۳ الی ۴۱	۱۵ : ۳۳ الی ۴۱	۱۵ : ۳۳ الی ۴۱	۱۵ : ۳۳ الی ۳۴ ۱۵ : ۳۵ الی ۳۶ ۱۵ : ۳۷	۱۵ : ۳۳ الی ۳۹
دفن عیسی	عیسی در قرب یعقوب دفن میشود		تدفین عیسی	زنان در کالواری
۱۵ : ۴۲ الی ۴۷	۱۵ : ۴۲ الی ۴۷	۱۵ : ۴۲ الی ۴۷	۱۵ : ۴۰ الی ۴۱ تدفین عیسی	۱۵ : ۴۰ الی ۴۱
			۱۵ : ۴۲ الی ۴۷	تدفین ۱۵ : ۴۲ الی ۴۷

مطالعه حلقه سوم (رجوع کنید به "راهنمای مطالعه مفید انجیل")

به دنبال نیت اصلی نویسنده در سطوح پاراگراف

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید. کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص نمایید (مطالعه حلقه شماره ۳). تقسیمات موضوعی خود را با پنج ترجمه بالا مقایسه کنید. پاراگراف بندی به نویسنده الهام نشده است، اما کلید پیگیری اهداف اصلی نویسنده است که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول
۲. پاراگراف دوم
۳. پاراگراف سوم و غیره

مطالعه کلمات و عبارات

NASB: انجیل مرقس ۱۵: ۱ الی ۵

بامدادان، بی‌درنگ، سران کاهنان همراه با مشایخ و علمای دین و تمامی اعضای شورای یهود به مشورت نشستند و عیسی را دست بسته بردند و به پیلاتس تحویل دادند. پیلاتس از او پرسید: «آیا تو پادشاه یهودی؟» عیسی پاسخ داد: «تو خود چنین می‌گویی!» سران کاهنان اتهامات بسیار بر او می‌زدند. پس پیلاتس باز از او پرسید: «آیا هیچ پاسخی نداری؟ بین چقدر بر تو اتهام می‌زنند!» ولی عیسی باز هیچ پاسخ نداد، چندان که پیلاتس در شگفت شد.

۱:۱۵ "بامدادان" انجیل مرقس همانند تمامی نوشته‌های یهودی، بر زمان دقیق تمرکز نمی‌کند. این احتمال هست که یهودیان دوران عیسی شب و روز را به هر کدام به ۱۲ ساعت، هر کدام به سه بخش ۴ ساعته، تقسیم میکردند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۱: ۹). روز ۲۴ ساعته از بابل می‌آید. یهودیان و یونانیان آن را از ایشان اقتباس کرده بودند. ساعت آفتابی به دوازده بخش تقسیم میشد.

در فصل ۱۵، انجیل مرقس چندین مشخصه زمانی دارد.

۱. طلوع آفتاب، انجیل مرقس ۱۵: ۲۵، (حدود ۶ بامداد بسته به زمان آن در طی سال)
۲. ساعت سوم، انجیل مرقس ۱۵: ۲۵، (حدود ۹ صبح)
۳. ساعت ششم، انجیل مرقس ۱۵: ۳۳ (حدود ظهر)
۴. ساعت نهم، انجیل مرقس ۱۵: ۳۴ (حدود ۳ بعد از ظهر)
۵. عصر، انجیل مرقس ۱۵: ۴۲ (غروب آفتاب، حدود ۶ بعد از ظهر)

انجیل لوقا ۲۲: ۶۶ الی ۷۱ جزئیات این ملاقات را ارائه میکند. این ملاقات صبح زود به منظور قانونی جلوه دادن محاکمه غیر قانونی آنان بود (مراجعه شود به *Roman Society and Roman Law in the New Testament*, اثر A. N. Sherwin-White صفحات ۲۴ الی ۴۷). موقعیت زمانی محاکمه عیسی در برابر پیلاتس و مصلوب شدن او به شرح زیر است:

انجیل متی	انجیل مرقس	انجیل لوقا	انجیل یوحنا
حکم پیلاتس			ساعت ششم ۱۴:۱۹
مصلوب شدن	ساعت سوم ۲۵:۱۵		
آمدن تاریکی	ساعت ۶ الی ساعت ۹ ۳۳:۱۵	ساعت ۶ الی ساعت ۹ ۴۴:۲۳	
فریاد زدن عیسی	ساعت ۹ ۳۴:۱۵		

وقتی این زمانها با یکدیگر مقایسه میشوند، دو گزینه برای تفسیر حاصل میشوند: (۱) آنها یکی هستند. یوحنا از زمان رومی استفاده کرده و از ۱۲ بامداد محاسبه نموده است (مراجعه شود به Gleason L. Archer, *Encyclopedia of Bible Difficulties* صفحه ۳۶۴) و سایر اناجیل از زمان یهودی استفاده کرده‌اند، که از ۶ بامداد شروع میشود، (۲) یوحنا زمان دیرتری را برای مصلوب شدن عیسی تصریح کرده است که مثال دیگری در مورد

تفاوت‌های میان انجیل یوحنا و سایر اناجیل است. با این حال، به نظر می‌رسد که انجیل یوحنا ۱: ۳۹ و ۴: ۶ گاهی اوقات یوحنا از زمان یهودی و گاهی از زمان رومی استفاده می‌کند (مراجعه شود به *M. R. Vincent, Word Studies*، جلد ۱، صفحه ۴۰۳).

زمانهای مشخص شده در تمامی اناجیل ممکن است تماما نمادین باشد زیرا آنها در رابطه با (۱) زمان قربانی کردن های روزانه (یعنی تداوم) در معبد (۹ صبح و ۳ بعد از ظهر، مراجعه شود به اعمال رسولان ۲: ۱۵، ۳: ۱) و (۲) فقط بعد از ظهر زمان سنتی برای کشتن بره پسح در ۱۴ نisan بود. انجیل که یک کتاب باستانی شرقی است، بر خلاف مکتوبات مدرن غربی، بر زمانهای دقیق تاکید ندارد.

■ "سران کاهنان همراه با مشایخ و علمای دین و تمامی اعضای شورای یهود" موضوع خاص: سانهدرین در بخش مربوط به انجیل مرقس ۱۲: ۱۳ را مطالعه کنید.

■ "بی‌درنگ" مشخصه انجیل مرقس عمل است ("بعد"، "و"، "بی‌درنگ"). عیسی اساسا از طریق کارهایش شناخته می‌شود. داستان با استفاده از سرعت پیش می‌رود. به یادداشت بخش انجیل مرقس ۱: ۱۰ مراجعه کنید.

■ "عیسی را دست بسته بردند" این احتمالا یک فرایند متداول در مورد تبه کاران بود و ناآگاهانه ترس آنان از عیسی را نشان میداد. بسیاری از این میترسیدند که عیسی شعبده باز یا جادوگر باشد و قدرتش در دستانش باشد.

■ "به پیلاتس تحویل دادند" دقیقا کجا این اتفاق افتاده مشخص نیست. بسیاری از اساتید معتقدند که پیلاتس وقتی که در اورشلیم بود، در قصر هیروود زندگی میکرد. محل اقامت معمول وی در سزاریه در کنار دریا بود، جایی که او در یکی دیگر از قصرهای هیروود مستقر بود. دیگران معتقدند که او در مقر فرماندهی ارتش زندگی میکرد، که پادگان آنیونیا در کنار معبد بود. زمان، سپیده دم بود، بر اساس سنتهای رومی برای محاکمه صبح زود (احتمالا به خاطر گرما). پیلاتس بر فلسطین به عنوان نماینده امپراتور از حدود ۲۵-۲۶ الی ۳۶-۳۷ میلادی حکومت میکرد و به واسطه اتهامات مکرر ویتلیوس از سوریه برکنار شد.

موضوع خاص: پونتیوس پیلاتوس

(SPECIAL TOPIC: PONTIUS PILATE)

۱. شخص

- محل و تاریخ تولد نامشخص
- جزو ارتش سواره نظام (از رده متوسط جامعه روم بالاتر)
- ازدواج کرده بود ولی در مورد فرزندانش اطلاعی در دست نیست
- انتصاب‌های مدیریتی قبلی (که باید تعدادشان زیاد باشد) مشخص نیست

۲. شخصیت

a. دو دیدگاه متفاوت

- فیلو (*Legatio and Gaium, 299-305*) و جوزفوس (*Antiq. 18.3.1 and Jewish Wars 2.9.2-4*) او را به عنوان دیکتاتوری بیرحم تجسم می‌کردند.
 - عهد جدید (اناجیل، اعمال رسولان) او را به عنوان نایب رومی ضعیف که به راحتی می‌تواند بازیچه قرار گیرد نشان می‌دهند
- Paul Barnett, Jesus and the Rise of Early Christianity* توضیحات احتمالی را در مورد این دو دیدگاه ارائه می‌دهند. در سال ۲۶ میلادی به توصیه سجانوس، مشاور ارشد و ضد یهود تیبریوس، به عنوان نایب توسط تیبریوس که فردی طرفدار یهودیان بود (مراجعه شود به *Philo, Legatio and Gaium, 160-161*) منصوب شد.
 - تیبریوس قدرت سیاسی خود را در برابر *L. Aelius Sejanus* افسر گارد خودش که قدرت اصلی پشت پرده بوده و از یهودیان متنفر بود، از دست داده بود (*Philo, Legatio land Gaium, 159-160*).
 - پیلاتوس شاگرد سجانوس بود و تلاش می‌کرد او را با کارهایش تحت تاثیر قرار دهد
- آوردن استانداردهای رومی به اورشلیم (در سال ۲۶ میلادی)، که سایر حاکمین قبلی انجام نداده بودند. این نمادهای خدایان رومی یهودیان را برافروخته می‌کرد (مراجعه شود به *Josephus' Antiq. 18.3.1; Jewish Wars 2.9.2-3*)
 - ضرب سکه (۲۹ الی ۳۱ میلادی) که تصاویر پرستش رومی بر روی آنها ضرب شده بود و جوزفوس می‌گوید او به عمد سعی داشت قوانین و سنتهای یهود را از بین ببرد. (مراجعه شود به *Josephus, Antiq. 18.4.1-2*)
 - از خزانه معبد پول برمی‌داشت تا صرف کانال کشی اورشلیم کند (مراجعه شود به *Josephus, Antiq. 18.3.2; Jewish Wars 2.9.3*)

۴. جلیلی‌های زیادی را در حالیکه برای پسخ در اورشلیم قربانی هدیه می‌کردند به قتل رساند.
۵. در سال ۳۱ میلادی حفاظ‌های رومی را به اورشلیم آورد. پسر هیرود بزرگ از او درخواست کرد که آنها را ببرد، ولی او این کار را نکرد در نتیجه، آنها به تیبیریوس نامه نوشتند و تقاضا کردند که آنها به سزایه به کناره دریا منتقل شوند (مراجعه شود به *Philo, Legatio and Gaium, 299-305*)
۶. سامریان زیادی را در کوه گریزیم (سالهای ۳۶/۳۷ میلادی) در حالیکه در جستجوی اشیا مقدس مذهبی گم شده خود بودند، قتل عام کرد. این باعث شد مافوق محلی پیلاتس (*Vitellius, Prefect of Syria*) او را از سمت خود برکنار کرده و به روم بازگرداند (مراجعه شود به *Josephus, Antiq. 18.4.1-2*).
- c. سجانوس در سال ۳۱ میلادی اعدام شد و تیبیریوس قدرت کامل سیاسی خود را مجدداً احیا کرد، بنابراین گزینه‌های ۱ و ۲ و ۳ و ۴ فوق احتمالاً توسط پیلاتس انجام شدند تا اعتماد سجانوس را بدست آورد، شماره ۵ و ۶ می‌توانند تلاشی برای جلب اعتماد تیبیریوس باشند ولی شکست خوردند.
- d. بدیهی است با احیا قدرت امپراتور طرفدار یهودیان، به اضافه یک نامه رسمی به حاکم محلی از طرف تیبیریوس که با یهودیان مهربان باشند (مراجعه شود به *Philo, Legatio and Gaium, 160-161*)، باعث شد که رهبران یهود در اورشلیم بر آسیب‌پذیری سیاسی پیلاتوس در برابر تیبیریوس برتری یافته و او را بازیچه قرار دهند و مجبورش کنند که عیسی را مصلوب کند. این نظریه بارنت دو دیدگاه در باره پیلاتوس را به شیوه‌ای محتمل در کنار هم قرار می‌دهد.
۳. سرنوشت او
- a. پس از مرگ تیبیریوس او به روم فراخوانده شد (سال ۳۷ میلادی)
- b. او به مقام دیگری منصوب نشد
- c. پس از این، از زندگی او اطلاعی در دست نیست. بعدها نظریات زیادی مطرح شدند ولی هیچکدام بر اساس واقعیت نیستند.

۱۵:۲ "پیلاطس از او پرسید" به چه زبانی؟ احتمال اینکه پیلاتس به زبان آرامی صحبت کند کمتر از این بود که عیسی بتواند به زبان یونانی کوبین صحبت کند. برای مطالعات بیشتر در این زمینه به منابع زیر مراجعه کنید:

۱. "Did Jesus Speak Greek" نوشته Joseph A. Fitzmeyer, chapter 21 صفحات ۲۵۳ الی ۳۶۴ *Approaches to the Bible: the Best of Bible Review*
۲. "The Languages of the New Testament" نوشته J. Howard Greenlee در *Expositor's Bible Commentary* جلد ۱، صفحات ۴۱۰ الی ۴۱۱

■ "آیا تو پادشاه یهودی" "تو" در اینجا حالت تأکیدی و طعنه آمیز دارد. انجیل لوقا ۲۳:۱ الی ۲ اتهامات سانهدرین را فهرست میکند. انجیل یوحنا ۱۹:۸ الی ۱۹ جزئیات بیشتری در رابطه با مکالمه میان عیسی و پیلاتس ارائه میدهد. پیلاتس به جنبه‌های مذهبی اتهامات کاری نداشت، بلکه جنبه‌های سیاسی اتهامات برایش مهم بودند.

NASB, NKJV "تو میگویی"

NRSV, TEV "تو چنین میگویی"

NJB "تو اینچنین میگویی"

این به مفهوم "تو میگویی که من هستم" است، که میتواند یک اصطلاح عبری برای تأیید باشد (مراجعه شود به انجیل متی ۲۶:۲۵ و ۶۴، انجیل لوقا ۲۲:۷۰، ۲۳:۳) یا شیوه مبهمی برای پاسخ دادن باشد، که دلالت بر "تو این چنین میگویی و دلالت بر این دارد که من یک نوع پادشاه دیگری باشم" باشد. به نظر میرسد که این یک مشاوره خصوصی در پرتتوریوم بوده باشد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۸:۳۳ الی ۳۸). یا عیسی به در این مورد به شاگردان باید گفته باشد یا اینکه یوحنا حضور داشته است. یهودیان وارد نشده بودند زیرا از نظر آئین آنان برای خوراک پسخ ناپاک میشدند.

داستان بازجویی عیسی توسط هیرود آنتیوخوس در انجیل مرقس بیان نشده است، ولی میتوان آن را در انجیل لوقا ۲۳:۶ الی ۱۲ مطالعه کرد.

۱۵:۳

NASB "شروع کردند اتهامات شدید بر او وارد کردن"

NKJV, NRSV "اتهامات بسیار بر او می‌زدند"

TEV "اتهامات زیادی به او وارد میکردند"

NJB "اتهامات زیادی علیه او مطرح کردند"

این زمان غیر کامل است به این معنی که دوباره و دوباره به او اتهام می‌زدند. این باید پس از صحبت خصوصی پیلاتس با عیسی رخ داده باشد (مراجعه

شود به انجیل مرقس ۱۵: ۴). فهرست برخی از اتهامات در انجیل لوقا ۲۳: ۲ ثبت شده است.

۱۵: ۵ "عیسی باز هیچ پاسخ نداد" این میتواند تحقق اشعیا ۵۳: ۷ باشد (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۴: ۶۱، انجیل متی ۲۶: ۶۳، ۲۷: ۱۲، انجیل یوحنا ۱۹: ۹).

■ "چندان که پیلاتس در شگفت شد" چرا پیلاتس در شگفت شد؟

۱. عیسی به طور خصوصی با او صحبت کرد، ولی در حضور اتهام وارد کنندگان صحبت نکرد.
۲. کاهن اعظم اتهامات بسیاری بر او وارد کرد و آنها بسیار تند بودند.
۳. عیسی همانند بیشتر زندانیان رفتار نمیکرد که مرتب از خود دفاع میکردند.

NASB: انجیل مرقس ۱۵: ۶ الی ۱۵

پیلاتس را رسم بر این بود که هنگام عید، یک زندانی را به تقاضای مردم آزاد کند.^۷ در میان شورشیانی که به جرم قتل در یک بلوا به زندان افتاده بودند، مردی بود باراباس نام.^۸ مردم نزد پیلاتس آمدند و از او خواستند که رسم معمول را برایشان به جای آورد.^۹ پیلاتس از آنها پرسید: «آیا می‌خواهید پادشاه یهود را برایتان آزاد کنم؟»^{۱۰} این را از آن رو گفت که دریافته بود سران کاهنان عیسی را از سر رشک به او تسلیم کرده‌اند. اما سران کاهنان جمعیت را برانگیختند تا از پیلاتس بخواهند به جای عیسی، باراباس را برایشان آزاد کند.^{۱۱} آنگاه پیلاتس بار دیگر از آنها پرسید: «پس با مردی که شما او را پادشاه یهود می‌خوانید، چه کنم؟»^{۱۲} دیگر بار فریاد برآوردند که: «بر صلیبش کن!»^{۱۳} پیلاتس از آنها پرسید: «چرا؟ چه بدی کرده است؟» اما آنها بلندتر فریاد زدند: «بر صلیبش کن!»^{۱۴} پس پیلاتس که می‌خواست مردم را خشنود سازد، باراباس را برایشان آزاد کرد و عیسی را تازیانه زده، سپرد تا بر صلیبش کشند.

۱۵: ۶ "هنگام عید" این اشاره به پسخ دارد. اساتید اغلب بر سر طول مدت بشارت عمومی عیسی بحث دارند. تنها دلیلی که کلیسا دوره سه ساله بشارت عمومی عیسی را تأیید میکند این است که در انجیل یوحنا از سه عید پسخ نام برده شد است. با این حال، در انجیل یوحنا ذکری از "جشن" همانند اینجا است، که دلالت بر یک پسخ دیگر دارد. من فکر میکنم که عیسی ممکن است بیش از چهار سال یا احتمالاً پنج یا شش سال بشارت عمومی داشته است. بدیهی است که اناجیل تأکیدی بر زمانبندی‌های تاریخی ندارند، بلکه تأکید آنها بر جنبه الهیاتی است. اناجیل کتب تاریخی غربی نیستند، بلکه داستانهایی الهیاتی شرقی هستند. آنها نه بیوگرافی هستند و نه اتوبیوگرافی. آنها خودشان ژانر هستند. نویسندگان انجیل، تحت الهام، این آزادی عمل را داشتند که گفته‌ها و اعمال عیسی را انتخاب کرده، مطابقت داده و مرتب کنند تا او را برای خوانندگان مخاطب خود معرفی نمایند. من فکر نمیکنم که آنان این آزادی را داشتند که حرف در دهان عیسی بگذارند؛ با این حال، شاهدان عینی که در بعداً مشاهدات خود را با اهداف و نیت الهیاتی و برای مخاطبین دیگری ثبت کرده‌اند، به این سوال که چرا چهار انجیل با یکدیگر تفاوت دارند پاسخ میدهند.

■ "یک زندانی را به تقاضای مردم آزاد کند" به نظر میرسد که این رسم معمول رومی در فلسطین بود روزگار عیسی بود. هیچ تأیید تاریخی برای این مورد وجود ندارد غیر از *Antiquities of the Jews* اثر جوزفوس ۲۰: ۹: ۳. پیلاتس سعی داشت احساس ترحم جمعیت را برای عیسی جلب کند تا بتواند او را رها سازد (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۵: ۱۴، انجیل لوقا ۲۳: ۱۴ الی ۱۶، انجیل یوحنا ۱۸: ۳۸ الی ۳۹، ۱۹: ۴).

۱۵: ۷ "باراباس" این اسم ترکیبی از بار به معنی "پسر" و عباس به معنی "پدر" است. در برخی از نسخ عبری انجیل نام او بار رباس "پسر ربی" نوشته شده است. در چندین نسخه یونانی MSS انجیل متی ۲۷: ۱۶ الی ۱۷ عیسی باراباس نوشته شده است که تلاشی است ضد و نقیض برای نام بردن از عیسی که حقیقتاً "پسر پدر" بود.

■ "بلوا" مردی که جمعیت میخواست آزاد شود، همان کسی بود که اتهامات نسبت به او را به عیسی وارد میکردند.

■ "مردم" برخی تصور میکنند دوستان باراباس منتظر این فرصت سالانه بودند. دیگران تصور میکنند که این جمعیت از زائرین نبودند، بلکه از شاهدان دروغین و کسانی بودند که در محاکمه شبانه عیسی حضور داشتند. اینان هیچ وجه اشتراکی با یکدیگر نداشتند به جز اینکه همگی میخواستند باراباس آزاد شود، ولی با دلایل متفاوت.

شهر یر از زائرین بود، بسیاری از جلیل بودند، ولی آنان صبح به این زودی بیدار نبودند، همینطور هم در بارگاه پیلاتس.

NASB, NJB	"بالا رفتند"
NKJV	"با صدای بلند فریاد میزدند"
NRSV	"آمدند"
TEV	"جمع شدند"

هجی و تلفظ کلمات یونانی "بالا رفتن" (*anabainō*) و "با صدای بلند فریاد زدن" (*anaboaō*) بسیار شبیه هم هستند، که به معنی این است با شیوه‌های باستانی یا کپی کردن عهد جدید توسط کاتبین و علما که متن را یک نفر با صدای بلند میخواند و چندین نفر دیگر مینوشتند، به راحتی با هم اشتباه گرفته میشوند. نسخ یونانی قدیمی به این شیوه تفکیک میشوند:

۱. "بالا رفتن" وجه وصفی آئوریست فعال در *MSS و والگیت.

۲. "با صدای بلند فریاد زدن" وجه وصفی آئوریست فعال در W, C, A, MSS و پیشینا

"با صدای بلند فریاد زدن در هیچ جای دیگری در انجیل مرقس دیده نمیشود ولی "بالا رفتن" نه مرتبه در موارد زیر یافت میشود:

۱. بزرگ شدن چیزها (۷:۴)

۲. سوار قایق شدن (۶:۵۱)

۳. بالا رفتن (۸:۱۵)

احتمالا NASB و NJB درست هستند.

۹:۱۵ مرقس همانند لوقا (هم در انجیل و هم در اعمال رسولان) برای اینکه نشان دهند مسیحیت تهدیدی بر اقتدار رومیان نیست، مینویسند.

۱۰:۱۵ "از سر رشک" پیلاتس انگیزه سانهدرین را درک کرده بود (مراجعه شود به انجیل متی ۲۷:۱۸)، ولی و از اجرای عدالت خودداری کرد.

حسادت یقینا انگیزه احتمالی رهبران یهود بود، ولی متعجبم که چطور انگیزه های سیاسی و مذهبی آنان بر پیلاتس آشکار نشد (یعنی انجیل لوقا ۲۳:

۲). همچنین این احتمال هست که پیلاتس در مورد عیسی از طریق جاسوسان یا خبرچین هایش (یا حتی همسرش، مراجعه شود به انجیل لوقا ۲۷:۱۹) اطلاع داشت.

۱۲:۱۵ "مردی که شما او را پادشاه یهود می خوانید" انجیل یوحنا ۱۹:۱۵ ثبت کرده که این مافیای یهود (یعنی شورشیان و رهبران یهود) گفتند "ما هیچ پادشاهی نداریم به جز سزار". عجب تناقضی.

۱۳:۱۵

NASB, NRSV, TEV, NJB

NKJV

"دوباره فریاد زدند"

اصطلاح یونانی *palin* توسط مترجمین عصر مدرن به عنوان "عقب" ترجمه میشود. هم "دوباره" و هم "عقب" ترجمه های گزینه ای استاندارد در *A Greek-English Lexicon of the New Testament* اثر Bauer, Arndt, Gingrich and Danker صفحه ۶۰۶ هستند.

۱۴:۱۵ "چه بدی کرده است" انجیل یوحنا این گفته پیلاتس را که سه مرتبه در انجیل مرقس ۱۸:۳۸ و ۱۹:۴ و ۶ تکرار شده همسو است. پیلاتس دوباره تلاش میکند ترحم برای عیسی بدست آورده و او را رها سازد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۸:۳۸ و ۱۹:۶ و ۱۲) ولی جمعیت این را نمیخواست.

۱۵:۱۵

NASB, NRSV

NKJV

TEV

NJB

"میخواست مردم را راضی کند"

"میخواست جمعیت را خشنود سازد"

"میخواست جمعیت را راضی کند"

"میخواست جمعیت را ساکت کند"

برای پیلاتس نظم اجتماعی از عدالت مهمتر بود. رهبران یهود در ترساندن پیلاتس موفق شده بودند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۹:۱۲). پیلاتس به اتهامات مختلفی نزد مقامات سوریه و روم متهم شده بود. او نمیتوانست اتهامات بیشتری را بپذیرد. آنان این را میدانستند و از آن سو استفاده میکردند.

بسیاری از زبانشناسان عصر مدرن متوجه شده اند که کلمات یونانی *hikanon poiēsai* در اصل اصطلاح لاتین هستند (مراجعه شود به Bauer, Arndt and Gingrich صفحه ۳۷۴، *An Idiom Book of the New Testament Greek* اثر C. F. D. Moule صفحه ۱۹۲). این نکته مهمی است زیرا انجیل مرقس کلمات، اصطلاحات و عبارات لاتین زیادی دارد که احتمالاً به خاطر این است که برای رومیان مینوشته است.

■ "تازیانه زده" این تحقق اشعیا ۵۳:۵ است. شلاق زدن مرحله استاندارد و اول قبل از مصلوب کردن است. زدن وحشتناکی بود. فرد باید خم میشد و دستانش به یک چوب کوتاه بسته میشد. سپس دو سرباز، هر کدام در یک طرف فرد، او را با شلاقی میزدند که از نه نوار چرمی که اشیا سفتی به انتهای آنان وصل شده بود. اغلب زندانیان از همین شلاق زدن ها میمردند.

NASB: انجیل مرقس ۱۵:۱۶ الی ۲۰

۱۶ آنگاه سربازان، عیسی را به صحن کاخ، یعنی کاخ والی، بردند و همه گروه سربازان را نیز گرد هم فرا خواندند. ۱۷ سپس خرقة ای ارغوانی بر او پوشانیدند و تاجی از خار بافتند و بر سرش نهادند. ۱۸ آنگاه شروع به تعظیم کرده، می گفتند: "درود بر پادشاه یهود!" ۱۹ و با چوب بر سرش می زدند و آب دهان بر او انداخته، در برابرش زانو می زدند و ادای احترام می کردند. ۲۰ پس از آنکه استهزایش کردند، خرقة ارغوانی را از تنش به در آورده، جامه خودش را بر او پوشاندند. سپس وی را بیرون بردند تا بر صلیبش کشند.

۱۵:۱۶ "آنگاه سربازان او را بردند" سربازان رومی (مراجعه شود به انجیل متی ۲۷: ۲۷) از یهودیان به دلیل برخورد خاص آنان با پیروان سایر ادیان و کفار متنفذ بودند و تمام انزجار خود را بر سر عیسی خالی کردند. انجیل لوقا ۲۳: ۱۱ دلالت بر این دارد که هیروود، فرمانده سربازان هم ادای او را به عنوان پادشاه تلقید کرد.

NASB	"به صحن کاخ (یعنی پرتور یوم)"
NKJV	"به سالنی که پرتور یوم نامیده میشد"
NRSV	"به صحن کاخ (یعنی مقر فرماندهی حاکم)"
TEV	"داخل صحن کاخ حاکم"
NJB	"صحن داخلی کاخ که پرتور یوم نامیده میشد"

این اشاره به محل اقامت مقامات رسمی رومی زمانی که در اورشلیم بودند، دارد. ممکن است این پادگان آنتونیو باشد، که در کنار معبد بود یا احتمالاً کاخ هیروود کبیر در اورشلیم.

NASB	"تمامی گروهان رومی"
NKJV	"همه گروهان"
NRSV, NJB	"تمامی گروهان"
TEV	"دیگر گروهان ها"

اصطلاح یونانی *speiran* (یعنی گروه) اساساً به معنی چیزی است که دور خود پیچیده شده باشد، مانند نخ یا طناب. از آن به صورت نمادین برای گروهی از افرادی که برای یک هدف خاص کار میکنند استفاده شده است. *cohort* یک اصطلاح دیگر لاتین است. برای یک دهم لژیون استفاده میشد که معمولاً ۶۰۰ پیافر بود. ولی میتوانست به تعداد خیلی کمتر هم اشاره داشته باشد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۸: ۳). ارتش روم از ساختار (۱) لژیون، ۶۰۰۰ نفر، (۲) گروهان، ۶۰۰ نفر، (۳) مانپیل ۲۰۰ نفر و (۴) سنتوری ۱۰۰ نفر تشکیل میشد.

۱۵:۱۷ "خرقه‌ای ارغوانی بر او پوشانیدند" انجیل متی ۲۷: ۲۸ "جامه سرخ یکی از افسران رومی" را ثبت کرده است. ارغوانی سمبل پادشاهی بود. اساساً شنل افسران رومی سرخ رنگ بود ولی به مرور زمان، دچار رنگ پریدگی میشد و به ارغوانی نزدیک میشد. آنها عیسی را به عنوان پادشاه موعود یهود تحقیر میکردند (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۵: ۱۸ و ۲۰، انجیل یوحنا ۱۹: ۲).

انجیل لوقا ۲۳: ۱۱ ثبت کرده که حتی سربازان یهودی هیروود آنتیخوس هم با گذاشتن شنل پادشاهی او را به عنوان پادشاه/ مسیح تحقیر کردند.

■ "تاجی از خار" این کار به عنوان یک شکنجه بود زیرا خارها بر پیشانی عیسی فرو میرفتند. با این حال، کاملاً محتمل است که این یک تاج درخشان از برگهای نخل بوده باشد، که راه دیگری برای تحقیر عیسی بود (مراجعه شود به انجیل متی ۲۷: ۲۷ الی ۳۱، انجیل مرقس ۱۵: ۱۵ الی ۲۰). اصطلاح یونانی "تاج" (*stephanos*) به عنوان یک نماد پیروزی ورزشی یا تاج گل برگ بو بود که توسط امپراتور استفاده میشد.

۱۵:۱۹ این آیه تحقیرهای سربازان رومی را توصیف میکند.

۱. "سام دادن"، مختص خوشامد گویی به یک رهبر بود (انجیل مرقس ۱۵: ۱۸)
۲. "با نی به سرش ضربه زدن"، احتمالاً این را به جای عصای سلطنتی، اول در دست عیسی گذاشتند تا او را مسخره کنند
۳. "آب دهان بر روی او انداختند" یک نشان فرهنگی برای تحقیر یا تقلید بوسه (یک نوع ادای احترام)
۴. "جلویش زانو زدند یا تعظیم کردند" نوع دیگری از تحقیر سلطنت او
۵. انداختن شنل ارغوانی بر شانه او، به نشانه پادشاه بودن

شماره ۲ الی ۴ زمانهای غیر کامل هستند، که به معنی تکرار عمل در زمان گذشته هستند. بسیاری از سربازان این اعمال را بارها و بارها تکرار میکردند و یا هر سرباز حاضری این اعمال را انجام میداد.

۱۵:۲۰ "وی را بیرون بردند" عیسی همانند تمامی زندانیان محکوم باید صلیبش را تا محل مصلوب شدن در بیرون از دیوارهای شهر بر دوش خود حمل میکرد. این یک مسیر طولانی در خیابانهای اورشلیم بود تا همه ببینند و از عدالت روم وحشت داشته باشند.

این هدایت کردن مجرمین به خارج از دیوارهای اورشلیم برای کشته شدن با توجه و احترام به قوانین یهود بود (مراجعه شود به لایوان ۲۴: ۱۴ و اعداد ۱۵: ۳۵ الی ۳۶). رومیان نمیخواستند در طول روزهای جشن این جمعیت شورش ایجاد کنند.

■ "تا بر صلیب کشند" فنیقیها مصلوب کردن را ابداع کردند. اسکندر کبیر پس از سقوط تیریه ۲۰۰۰ نفر را مصلوب کرد. رومیان این تکنیک را کامل کرده و مجرمین محکوم چندین روز قبل از مرگ باید شکنجه میشدند. این شکنجه بیرحمانه به عنوان یک عامل بازدارنده از ارتکاب به جرم بود. این عمل بر روی اتباع روم انجام نمیشد.

۱۱ آنها رهگذری شمعون نام از مردم قیزوان را که پدر اسکندر و رؤفوس بود و از مزارع می‌آمد، واداشتند تا صلیب عیسی را حمل کند.

۱۵: ۲۱ "واداشتند" این یک کلمه ای است که از زبان پارسی گرفته شده و به معنی قرض گرفتن بوده و برای استخدام کارگران جهت استفاده دولتی استفاده می‌شد.

NASB	"رهگذری که از مزرعه می‌آمد"
NKJV	"که از مزرعه بیرون می‌آمد"
NRSV	"یک رهگذر، که از روستا می‌آمد"
TEV	"که از روستا به شهر می‌آمد"
NJB	"یک رهگذر.... که از روستا می‌آمد"

آیا این دلالت بر آن دارد که این فرد در فلسطین زندگی میکرد یا بازدید کننده‌ای بود که برای پسخ آمده بود؟ من فکر میکنم اشاره به یک زائر دارد که در حومه اورشلیم اسکان یافته بود و تصادفا در آن زمان در آنجا بود. با اینحال، افراد بسیار زیادی از قیروان (یعنی شمال افریقا) بودند که در اورشلیم زندگی میکردند. آنان حتی یک کنیسه مخصوص خود داشتند (مراجعه شود به اعمال رسولان ۶: ۹). ظاهرا اسم فرزندان او بدین دلیل ذکر شده که برای کلیسای اولیه افراد شناخته شده ای بودند (نه در اورشلیم، بلکه در روم).

■ "شمعون از مردم قیروان" سیریناکا منطقه ای در شمال افریقا بود. قیروان نام پایتخت آن بود. با این حال، شمعون یک اسم یهودی است. از کتاب اعمال رسولان در می‌یابیم که یهودیان زیادی در این منطقه بودند (مراجعه شود به اعمال رسولان ۲: ۱۰، ۶: ۹، ۱۱: ۲۰، ۱۳: ۱). نژاد او مشخص نیست. در روزگار سلیمان و ملکه سبا یهودیان سیاه پوست هم بودند (یعنی اتیوپی).

■ "پدر اسکندر و رؤفوس" این توصیف خاص مشخص میکند که شمعون و یا فرزندان او در کلیسای اولیه افراد معروف و شناخته شده ای بودند. از آنجا که انجیل مرقس برای رومیان نوشته شده است، احتمالا رؤفوس در رومیان ۱۶: ۱۳ همین مرد است.

■ "صلیب" چندین حالت ممکن برای صلیب توسط رومیان استفاده میشد، T، X، t یا داربستی که چندین ستون عمودی به آن بسته شده بود. تمامی این اشکال توسط تحقیقات باستان شناسی یافت شده اند که در قرن نخست در فلسطین مورد استفاده قرار میگرفتند.

۲۲ پس عیسی را به مکانی بردند به نام جُلجُتا، که به معنی مکان جمجمه است. ۲۳ آنگاه به او شراب آمیخته به مُر دادند، اما نپذیرفت. ۲۴ سپس بر صلیبش کشیدند و جامه‌هایش را بین خود تقسیم کرده، برای تعیین سهم هر یک قرعه انداختند. ۲۵ ساعت سوم از روز بود که او را بر صلیب کردند. ۲۶ بر تقصیرنامه او نوشته شد: «پادشاه یهود».

۱۵: ۲۲ "جُلجُتا" این یک اصطلاح آرامی است. اصطلاح "کالواری" یک اصطلاح رومی به معنی "جمجمه" است. این اصطلاح به کل جمجمه اشاره ندارد بلکه فقط بر بخش پیشانی اشاره دارد. مکان آن مشخص نیست، ولی در خارج از دیوارهای اورشلیم بود، احتمالا در یک مکان پست، تپه ای در کنار جاده اصلی به طرف شهر مقدس (مراجعه شود به لاویان ۲۴: ۱۴، اعداد ۱۵: ۳۵ الی ۳۶، انجیل یوحنا ۱۹: ۲۰).

۱۵: ۲۳ "به او شراب آمیخته به مُر دادند" (در نسخه انگلیسی "تلاش کردند تا به او شراب آمیخته به مر دهند" ذکر شده - مترجم) این زمان غیر کامل است به این معنی که آنها چندین مرتبه تلاش کردند. تلمود سنتی میگوید که زنان اورشلیم این کار را به عنوان وظیفه به زندانیان محکوم انجام میدادند. ماده مخدر قوی در آن بود که درد را کاهش میداد و ذهن را نشئه میکرد.

■ "اما نپذیرفت" دلیل این کار مشخص نیست.

۱۵: ۲۴ "سپس بر صلیبش کشیدند" رومیان بر کف دست میخ نمیکوبیدند بلکه بر مچ میخ میکوبیدند که استخوانها و عضلات دست بدن را نگاه میداشتند. پاها اندکی خم میشدند و به چوبی مثلثی شکل میخ میشدند. این کار را انجام میدادند تا فرد مرتب خود را بتواند بالا بکشد تا بتواند نفس بکشد. همچنین یک تکه کوچک چوب هم بود که به آن زین میگفتند، که فرد میتوانست اندکی بر روی آن بنشیند و کمی استراحت کند. بیشتر افراد به صلیب کشیده شده بر اثر جراحات میمردند. فرد را تا حدود یک فوت از سطح زمین بلند میکردند.

■ "جامه‌هایش را بین خود تقسیم کرده" سربازان رومی که محکومین را مصلوب می‌کردند می‌توانستند اموال آنان را به عنوان بخشی از دستمزد خود صاحب شوند.

■ "قرعه انداختند" این در مزامیر ۲۲: ۱۸ پیش گویی شده بود. این مزامیر مصلوب شدن عیسی را توصیف میکند (مسیحیت شناسی). عیسی نخستین سطر این مزامیر را در انجیل مرقس ۱۵: ۳۴ نقل میکند. همچنین مزامیر ۲۲: ۷ الی ۸ آن نفری را که عبور میکنند و عیسی را تحقیر مینمایند را نیز پیش

گویی کرده است (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۵: ۲۹).

۱۵: ۲۵ "ساعت سوم" انجیل یوحنا ۱۹: ۱۴ میگوید "ساعت ششم". سایر اناجیل از زمان یهودی استفاده میکنند در حالیکه انجیل یوحنا اغلب ولی نه همیشه از زمان رومی استفاده میکند.

■ "او را بر صلیب کردند" نویسندگان انجیل با توصیف فیزیکی ترسناک و مراحلی که این کار انجام شد، با احساسات ما بازی نمیکنند. مسئله الهیاتی چگونگی نیست (هر چند در کتاب تثنیه ۲۱: ۲۳ این امر مهم است، مراجعه شود به غلاطیان ۳: ۱۳). او مرد، ولی او که بود و چرا مرد!

۱۵: ۲۶

NASB, NRSV,
NJB
NKJV
TEV
"در تقصیر نامه ... خوانده میشود"
"در بالا تقصیر نامه... نوشته شده"
"یادداشت اتهامات علیه او میگوید"

سه نوشته متفاوت تقصیر نامه از انجیل یوحنا ۱۹: ۲۰ می آیند. اطلاعات مبنی بر اینکه تقصیر نامه بر پیشانی عیسی با میخ کوبیده شد، در انجیل متی ۲۷: ۳۷ نوشته شده است.

KJV و NKJV انجیل متی ۱۵: ۲۶ را به شیوه ای ترجمه میکنند که به وضوح "بالا" را تصریح میکنند، ولی اصطلاح "تقصیرنامه" به صورت فعل تکرار شده که به معنی حکاکای کردن، حک کردن، نوشتن است، نه "بالا".

■ "اتهام علیه او ... خوانده میشود" (در نسخه انگلیسی این آیه چنین خوانده میشود: اتهام علیه او 'پادشاه یهود' خوانده میشود-مترجم) رومیان به این نشان کوچک تیتولوس میگفتند. معمولا حروف به رنگ سیاه بر زمینه سفید بود. اتهام رسمی معمولا یا (۱) بدنال محکوم حمل میشد یا (۲) به گردن محکوم آویزان میشد. در محل مصلوب کردن بر بالای سر عیسی بر بالای صلیب نصب شد (مراجعه شود به انجیل متی ۲۷: ۳۷). به *Manners and Customs of the Bible* اثر James M. Freeman صفحات ۳۹۵ الی ۶ مراجعه شود.

- "پادشاه یهود" خیلی جالب است که با وجود اینه تفاوت بیان در میان اناجیل، دقیقا این کلمات بر بالای سر عیسی بر صلیب نصب شد
۱. انجیل متی ۲۷: ۳۷ - "این است عیسی، پادشاه یهود"
 ۲. انجیل مرقس ۱۵: ۲۶ - "پادشاه یهود"
 ۳. انجیل لوقا ۲۳: ۳۸ - "این است پادشاه یهود"
 ۴. انجیل یوحنا ۱۹: ۱۹ - "عیسی ناصری، پادشاه یهود"

هر یک با دیگری تفاوت دارد، ولی اساسا یکی هستند. این در مورد بسیاری از انواع جزئیات تاریخی در میان اناجیل درست است. هر نویسنده خاطرات خود را (و منابع) را به روش های مختلفی ضبط کرده است، اما آنها هنوز هم یک شاهد عینی هستند. پیلاتس میخواست با این عنوان برای عیسی و نصب آن بر بالای صلیب رهبران یهود را آزار دهد (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۵: ۲۱ الی ۲۲).

NASB: انجیل مرقس ۱۵: ۲۷ الی ۳۲

۲۷ دو راهزن را نیز با وی بر صلیب کشیدند، یکی در سمت راست و دیگری در سمت چپ او. ^{۲۸} [بدین گونه آن نوشته کتب مقدس تحقق یافت که می گوید: «او از خطاکاران محسوب شد»]. ^{۲۹} رهگذران سرهای خود را تکان داده، ناسزاگویان می گفتند: «ای تو که می خواهی معبد را ویران کنی و سه روزه آن را بازسازی، خود را نجات ده و از صلیب فرود آ!» ^{۳۱} سران کاهنان و علمای دین نیز در میان خود استهزایش می کردند و می گفتند: «دیگران را نجات داد اما خود را نمی تواند نجات دهد!» ^{۳۲} بگذار مسیح، پادشاه اسرائیل، اکنون از صلیب فرود آید تا ببینیم و ایمان بیاوریم.» آن دو تن که با او بر صلیب شده بودند نیز به او اهانت می کردند.

۱۵: ۲۷ "دو راهزن را نیز با وی" این اصطلاح میتواند به معنی "راهزن" یا "شورش" باشد. این تحقق دقیق اشعیا ۵۳: ۱۲ است.

مزامیر ۲۲ و اشعیا ۵۲: ۱۳ الی ۵۳: ۱۲ در برخی از جزئیات بسیار دقیق هستند، ولی نه در همه چیز. خواندن این نبوت های مسیحی دشوار است زیرا فقط جزئیات در مورد عیسی صدق میکنند. بقیه باید (۱) نمادین، (۲) شعری یا (۳) فقط در ارتباط با وضعیت تاریخی دوران خود بوده باشد. فقط تحت الهام نگارندگان عهد جدید است که این نوع مسیحیت شناسی معتبر است. مومنین عصر مدرن وقتی که انجیل را میخوانند، توسط روح هدایت میشوند (منور میگردند)، ولی ما با این جزئیات که میگویند الهام ارجح تر از نور است، مخالفیم.

نوع شناسی توسط بسیاری از نویسندگان بعدی عهد جدید مورد سو استفاده قرار گرفت به طوری که من این نوع ترجمه انجیل را رد میکنم به استثنای مواردی که توسط نگارندگان نوشته شده اند. ما نمیتوانیم فرایندهای واژه شناسی نویسندگان تحت الهام انجیل را بازسازی کنیم. ما باید بر درک اینکه آنچه

نویسندگان اولیه و تحت الهام به روزگار خود میگویند، اعتماد کنیم (مقدمه "Good Bible Reading" را مطالعه کنید). سپس باید این حقایق را بر شرایط فرهنگی خود اعمال کنیم.

۱۵: ۲۸ این آیه در نسخ یونانی باستان یونیکال A و B، C و D وجود ندارد. در ترجمه های NRSV، TEV، NJB و NIV وجود دارد. ظاهراً به عنوان یک یادداشت حاشیه ای بر انجیل لوقا ۲۲: ۳۷ توسط علما و کاتبین در ابتدا نوشته شده است. این بخشی از متن اصلی انجیل مرقس نیست. این برخلاف شیوه مرقس است که خطاب به کفار و پیروان سایر ادیان از عهد عتیق نقل قول کند (یعنی انجیل مرقس ۱۵: ۲۸ یک اشاره به اشعیا ۵۳: ۱۲ است).⁴ UBS به حذف آن رتبه A داده است (یقین).

۱۵: ۲۹ "رهگذران سرهای خود را تکان داده، ناسزاگویان می گفتند" احتمالاً برای اینکه رومیان هدف از به صلیب کشیدن را به طور کامل اجرا کنند، مکان آن در جاده اصلی بیرون از شهر اورشلیم و نزدیک ورودی شهر بود.

این رهگذران هم نبوت مزامیر ۲۲: ۶ الی ۸، ۱۲ الی ۱۳ و ۱۶ الی ۱۷ را تحقق بخشیدند.

■ "ای تو که می خواستی معبد را ویران کنی" این تحقیر کنندگان احتمالاً متهم کنندگان دروغینی بودند که در محاکمه شبانه سانهدرین حضور داشتند (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۴: ۵۸).

۱۵: ۳۰ این توضیح تحقیر مستمر قدرتهای عیسی است (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۴: ۵۸). آنها هنوز میخواستند که عیسی معجزه ای به آنها نشان دهد، حتی در این لحظات پایانی. آنها ادعا میکردند که به او ایمان خواهند آورد (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۵: ۳۲).

۱۵: ۳۱ "دیگران را نجات داد" اصطلاح "نجات دادن" در مفهوم عهد عتیقی شفای فیزیکی استفاده شده است. این رهبران نمیتوانستند معجزات عیسی را منکر شوند، ولی قدرت او را به شیطان نسبت میدادند (مراجعه شود به انجیل مرقس ۳: ۲۲). مردم اورشلیم میدانستند که او ایلعازر را زنده کرده است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۱).

۱۵: ۳۲ "مسیح، پادشاه اسرائیل" این عنوان "پادشاه اسرائیل" از جانب پیلاتس برای تحقیر کاهن اعظم بود که بر بالای سر عیسی میخکوب شد. این ریشخند است، نه تائید.

این یقیناً با تمسخری که در مزامیر ۲۲: ۶ الی ۸، ۱۲ الی ۱۳ و ۱۶ ذکر شده مطابقت دارد.

■ "آن دو تن که با او بر صلیب شده بودند نیز به او اهانت می کردند" فقط در انجیل لوقا ۲۳: ۳۵ الی ۴۳ است که توبه فرد گناهکار ثبت شده است.

NASB: انجیل مرقس ۱۵: ۳۳ الی ۳۹

^{۳۳}از ساعت ششم تا نهم، تاریکی تمامی آن سرزمین را فرا گرفت. ^{۳۴}در ساعت نهم، عیسی با صدای بلند فریاد برآورد: «ایلیوی، ایلیوی، لَمَّا سَبَقْتَنِي؟» یعنی «ای خدای من، ای خدای من، چرا مرا واگذاشتی؟» ^{۳۵}برخی از حاضران چون این را شنیدند، گفتند: «گوش دهید، ایلیا را می خواند.» ^{۳۶}پس شخصی پیش دوید و اسفنجی را از شراب ترشیده پر کرد و بر سر چوبی نهاده، پیش دهان عیسی برد تا بنوشد، و گفت: «او را به حال خود واگذارید تا ببینیم آیا ایلیا می آید او را از صلیب پایین آورد؟» ^{۳۷}پس عیسی به بانگ بلند فریادی برآورد و دم آخر برکشید. ^{۳۸}آنگاه پرده معبد از بالا تا پایین دو پاره شد. ^{۳۹}چون فرمانده سربازان که در برابر عیسی ایستاده بود، دید او چگونه جان سپرد، گفت: «براستی این مرد پسر خدا بود.»

۱۵: ۳۳ "ساعت ششم" اگر ساعت یهودی استفاده شده باشد، این ساعت ۱۲ ظهر است. به یادداشت مربوط به بخش انجیل مرقس ۱۵: ۱ مراجعه کنید.

■ "تاریکی تمامی آن سرزمین را فرا گرفت" این یکی از نشانه های داوری عهد عتیق است، یا در مفهوم پیمان (یعنی یکی از کتیبه های مصری، مراجعه شود به کتاب خروج ۱۰: ۲۱، کتاب تثنیه ۲۸: ۲۸ الی ۲۹) یا در مفهوم اپوکالیپتیک (مراجعه شود به یوئیل ۲: ۲، عاموس ۸: ۹ الی ۱۰، صفیا ۱: ۱۵). این نماد خدای پدر بود که خود را برابر پسری که تمام گناه بشریت را تقبل کرده بود، دور کرد. این چیزی بود که بیشتر از همه عیسی در جتسمانی از آن میترسید (با گفتن ای خدای من، ای خدای من، چرا مرا واگذاشتی؟" در انجیل مرقس ۱۵: ۳۵ نمادین شده است). عیسی تبدیل به کسی شد که گناه را پیشکش کرد و تمامی گناهان جهان را بر دوش کشید (مراجعه شود به دوم قرن تیان ۵: ۲۱). او جدا شدن شخصی از پدر را تجربه کرد. تاریکی نماد فیزیکی خدای پدر است که از پسر روی بر میگرداند.

۱۵: ۳۴ "در ساعت نهم" اگر از زمان یهودی استفاده شده باشد، این ساعت سه بعد از ظهر است.

■ "ای خدای من، ای خدای من، چرا مرا واگذاشتی" این نقل قولی از مزامیر ۲۲: ۱ است. از آنجا که کتیبه های یهودی هیچ فصل بندی یا تقسیم بندی آیات ندارند (تمامی آنها در قرون وسطی به انجیل اضافه شدند)، به نظر میرسد که با نقل پنج آیه نخست، عیسی میخواست که تمامی مزامیر را برجسته نماید. در خصوص اینکه این عبارت چگونه باید ترجمه شود، میان اساتید اختلاف نظر است.

۱. در Septuagint آمده "اوه خدا، خدای من، به من توجه کن" (که در مزامیر اتفاق می افتد)
 ۲. در پشیتا (ترجمه George M. Lamsa) آمده
 - a. مزامیر ۲۲: ۱ "خدای من، خدای من، چرا به من زندگی بخشیدی؟"
 - b. انجیل مرقس ۱۵: ۳۴ "خدای من، خدای من، به خاطر این از من چشم پوشی شد"
 ۳. در نسخه انجمن انتشاراتی یهودیان امریکا مزامیر ۲۲: ۱ چنین آمده: "خدای من، خدای من، چرا مرا رها کرده ای؟"
 ۴. کدکس بیزائی (قرن پنجم) میگوید: "خدای من، خدای من، چرا مرا سرزنش کردی؟". جهت بحث کامل در مورد مسائل عرفان در رابطه با این آیه به *The Orthodox Corruption of Scripture: The Affect of Early Christological Controversies on the Text of the New Testament* اثر Bart D. Ehrman صفحه ۱۴۳ الی ۱۴۵ مراجعه کنید.
- عیسی داشت نهایت گناهان بشریت را تجربه میکرد. دور شدن از رفاقت با پدر (مراجعه شود به اشعیا ۵۴: ۲). انشانها برای دوستی با خدا خلق شدند، بدون آن، ما هرگز کامل نخواهیم بود.
- ۱۵: ۳۴ و ۳۵ "گوش دهید، ایلیا را می خواند" عیسی و شاگردان (و همه یهودیان در فلسطین قرن نخست) به زبان آرامی صحبت میکردند. مرقس که برای رومیان مینوشت، همیشه این اصطلاحات آرامی را ترجمه میکرد، که پطرس آنها را به خوبی به خاطر دارد. در زبان آرامی، ایلیا همان الیاس است. اصطلاح آرامی همچنین در انجیل متی ۲۷: ۴۶ ثبت شده است. این تکان دهنده ترین عبارتی است که عیسی از بالای صلیب فریاد زد. او خود را از پدر بیگانه میدید. الیاس پیامبری بود که در زمان های سختی و دشواری قبل از مسیح می آمد (مراجعه شود به ملاکی ۳: ۱ الی ۶، ۴: ۴ الی ۶)، بنابراین کسانی که اطراف او حضور داشتند تصور میکردند عیسی دعا میکند که او بیاید و کمکش کند.
- یکی از نویسندگان محبوب من F. F. Bruce است. او در کتاب خودش بنام *Answers to Questions* صفحه ۶۵ مقاله ای از Palestine Exploration Quarterly، آپریل ۱۹۵۱ اثر Alfred Guillaume را مطرح کرده و میگوید پسوند "من" در کتیبه بحر المیت به صورت *iyā* دیده میشود. هنگامیکه عیسی میگوید "خدای من" حالت آن *Eliya* است که تلفظ آن بسیار شبیه اسم الیاس (*Elijah*) است. این میتواند توضیح دهد که چرا رهگذران، حرف عیسی را درست متوجه نشدند.
- ۱۵: ۳۶ "شراب ترشیده" این یک شراب ارزانقیمت بود که مردم عوام و سربازان مینوشیدند. میتواند در رابطه با مزامیر ۲۲: ۱۵ باشد. دهان عیسی بسیار خشک بود و به چیزی نیاز داشت که بنوشد تا به او کمک کند آخرین حرفهایش را از بالای صلیب بگوید (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۹: ۲۸ الی ۳۰).
- "بر سر چوبی نهاده" از چوب برای رساندن به دهانش استفاده شد. دادن نوشیدنی به فرد مصلوب شده عملی از روی رحم و شفقت نبود بلکه برای طولانی تر کردن زندگی او و درد و رنج بیشتر بود.
- "ببینیم آیا ایلیا می آید او را از صلیب پایین آورد" این از روی شفقت نبود، بلکه از روی میل به دیدن یک معجزه بود (مراجعه شود به انجیل متی ۲۷: ۴۷ الی ۴۸).
- ۱۵: ۳۷ "فریادی برآورد" انجیل یوحنا ۱۹: ۳۰ میگوید که او گفت: "انجام شد!" این کلام در نسخه تجاری پاپیروسی یونانی کوبین که در مصر یافت شد دیده میشود. ظاهرا یک اصطلاح تجاری است به معنی "بهائیش به طور کامل پرداخت شد" است (یعنی اشعیا ۵۳).
- ۱۵: ۳۸ "پرده معبد از بالا تا پایین دو پاره شد" دو پرده در حرم بنای معبد وجود داشت، یکی در محل مقدس و دومی قبل از مکان مقدس. اگر دومی پاره شده باشد، هیچ کس به جز کاهنان آن را ندیده، پرده اولی به طور منظم به اطراف بسته میشد. این پرده ها در کتاب خروج ۲۶: ۳۱ الی ۳۷ توصیف شده اند. در روزگار عیسی، هیروود معبد را بازسازی کرده بود، این پرده در ابعاد ۶۰ در ۳۰ سی فوت با ضخامت تقریبی ۴ اینچ بود. اگر پرده بیرونی پاره شده باشد، تمامی زائرین و عبادت کنندگان باید آن را دیده باشند. ظاهرا این نشان دادن برقراری مجدد رابطه صمیمانه با خدا در زمان مرگ عیسی بوده باشد (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۳: ۱۵، کتاب خروج ۲۶: ۳۱ الی ۳۵). در انجیل متی ۲۷: ۵۱ الی ۵۳ سایر معجزات به عنوان نشانه های تأیید ثبت شده اند.
- ۱۵: ۳۹ "فرمانده سربازان" این یکی از رتبه های سطح پائین افسران ارتش روم بود. به معنی "فرمانده ۱۰۰ نفر" است. این افراد ستون ارتش روم بودند. کرنلیوس در اعمال رسولان ۱۰ هم یک فرمانده بود. مرقس برای بشارت داده به رومیان مینویسد.
- "براستی این مرد پسر خدا بود" این به مفهوم "واقعا پسر خدا بود" است. با این حال، نبود فاعل به معنی این نیست که قطعی نیست (مراجعه شود به انجیل متی ۴: ۳ و ۶، ۱۴: ۳۳، ۲۷: ۴۳ و انجیل لوقا ۴: ۳ و ۹). او فرمانده یکصد سرباز بود. مرگ افراد بسیاری را دیده بود (مراجعه شود به انجیل متی ۲۷: ۵۴). این میتواند "عبارت کلیدی" انجیل مرقس باشد زیرا این انجیل به طور خاص خطاب به رومیان نوشته شده بود. کلمات لاتین بسیاری در آن وجود دارند و اصطلاحات عهد عتیقی بسیار اندک. همچنین آداب و سنتها و اصطلاحات آرامی و یهودی در آن ترجمه و توضیح داده شده اند. اینجا یک افسر رومی است که به یک شورشی به صلیب شده یهودی ایمان می آورد!

احتمالا از دید الهیاتی تمدا رهگذران، کاهنان اعظم و حتی سایر زندانیان او را تحقیر میکنند ولی فرمانده رومی با تأیید و حیرت به او پاسخ میدهد!

۴۰ شماری از زنان نیز از دور نظاره می‌کردند. در میان آنان مریم مَجْدَلِیّه، مریم مادر یعقوب کوچک و یوشا، و سالومه بودند. ^{۴۱} این زنان هنگامی که عیسی در جلیل بود، او را پیروی و خدمت می‌کردند. بسیاری از زنان دیگر نیز که همراه او به اورشلیم آمده بودند، در آنجا بودند.

۱۵: ۴۰ "شماری از زنان نیز از دور نظاره می‌کردند" گروه شاگردان توسط چندین زن مورد حمایت و پشتیبانی مالی و فیزیکی قرار میگرفت (یعنی آشپزی، شستشو، و غیره، مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۵: ۴۱، انجیل متی ۲۷: ۱۵، انجیل لوقا ۸: ۳).

موضوع خاص: زنان در انجیل (SPECIAL TOPIC: WOMEN IN THE BIBLE)

۱. عهد عتیق

- a. از لحاظ فرهنگی زنان جزو اموال تلقی می‌شدند
- i. در لیست اموال ثبت می‌شدند (خروج ۲۰: ۱۷)
 - ii. رفتار با زنان برده (خروج ۲۱: ۷ الی ۱۱)
 - iii. پیمان زنان توسط مردی مسئولیت او را برعهده داشت قابل ابطال بود (اعداد ۳۰)
 - iv. زنان به عنوان غنیمت جنگی (تثنیه ۲۰: ۱۰ الی ۱۴، ۲۱: ۱۰ الی ۱۴)
- b. همدلی عملا وجود داشت
- i. زن و مرد در تصویر خدا ساخته شدند (پیدایش ۱: ۲۶ الی ۲۷)
 - ii. افتخار کردن به پدر و مادر (خروج ۲۰: ۱۲، تثنیه ۵: ۱۶)
 - iii. احترام گذاشتن به پدر و مادر (لاویان ۱۹: ۳، ۲۰: ۹)
 - iv. زنان و مردان می‌توانند ناصری باشند (اعداد ۶: ۱ الی ۲)
 - v. دختران حق ارث دارند (اعداد ۲۷: ۱ الی ۱۱)
 - vi. بخشی از مردم تحت پیمان (تثنیه ۲۹: ۱۰ الی ۱۲)
 - vii. مشاهده تعالیم پدر و مادر (امثال ۱: ۸ و ۶: ۲۰)
 - viii. پسران و دختران Heman (خانواده لاوی) موسیقی معبد را رهبری می‌کردند (اول تواریخ ۲۵: ۵ الی ۶)
 - ix. پسران و دختران در عصر جدید نبوت می‌کنند (یوئیل ۲: ۲۸ الی ۲۹)
- c. زنان نقش رهبری داشتند
- i. خواهر موسی، مریم، پیامبره خوانده شد (خروج ۱۵: ۲۰ الی ۲۱، همچنین به میکاه ۴: ۶ توجه کنید)
 - ii. به زنان نعمت بافتن داده شد تا پارچه‌های جشن خیمه‌ها را ببافند (خروج ۳۵: ۲۵ الی ۲۶)
 - iii. یک زن متاهل، بنام دبورا، یک پیامبره بود (مراجعه شود به داوران ۴: ۴) و تمامی قبایل را رهبری می‌کرد (داوران ۴: ۴ الی ۵، ۵: ۷)
 - iv. هلدای پیامبره ای بود که شاه یوشیا او را فراخواند تا کتاب قانونی که تازه یافت شده بود را بخواند و تفسیر کند (دوم پادشاهان ۲۲: ۱۴، دوم تواریخ ۳۴: ۲۲ الی ۲۷)
 - v. ملکه استر، یک الهه، یهودیان را در پارس نجات داد

۲. عهد جدید

- a. از نظر فرهنگی زنان هم در یهودیت و هم در روم و یونان اتباع طبقه دوم تلقی می‌شدند و حقوق و مزایای کمتری داشتند (به استثنای مقدونیه)
- b. زنان نقش رهبری داشتند
- i. الیزابت و مریم الهه‌هایی نزد خدا بودند (انجیل لوقا ۱ و ۲)
 - ii. آنا، الهه، در معبد خدمت می‌کرد
 - iii. لیدیا، مومن و رهبر کلیسای خانگی بود (اعمال رسولان ۱۶: ۱۴ و ۴۰)
 - iv. چهار دختر باکره فیلیپ الهه بودند
 - v. فیبی، خادم کلیسا در کنخریه بود (رومیان ۱۶: ۱)
 - vi. پریسکا (پریسیلا) همکار پولس و معلم آپولو (اعمال رسولان ۱۸: ۲۶، رومیان ۱۶: ۳)

vii. ماری، تریفینا، تریفوسا، جولیان خواهران نرون همکاران پولس بودند (رومیان ۱۶: ۶ الی ۱۶)

viii. جونیا (KJV) احتمالاً یک زن شاگرد بود (رومیان ۱۶: ۷)

ix. ائودیا و سینتیک، همکاران پولس بودند (فیلیپیان ۴: ۲ الی ۳)

۳. چگونه یک مومن عصر مدرن در مثالهای انجیلی تعادل برقرار می‌کند

a. چگونه فرد می‌تواند حقایق تاریخی یا فرهنگی را مشخص کند که فقط در متن اصلی صادق هستند از حقیقت جاودانی که فقط برای

تمامی کلیساها معتبر هستند، تمامی مومنین تمام عصرها؟

i. ما باید نیت نگارنده اصلی را بسیار جدی بگیریم. انجیل کلام خداست و تنها منبع برای ایمان.

ii. ما باید با متون تحت الهام که به صورت تاریخی تغییر شکل یافته‌اند سروکار داشته باشیم.

۱. فرهنگ (آداب و رسوم و خط مشی‌ها) اسرائیل (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۵، غلاطیان ۳)

۲. یهودیت قرن اول

۳. اظهارات پولس در اول قرن‌تین که به وضوح از دید تاریخی شکل گرفته است

a. سیستم قانونی روم بت پرست (اول قرن‌تین ۶)

b. برده باقی ماندن (اول قرن‌تین ۷: ۲۰ الی ۲۴)

c. امتناع از ازدواج (اول قرن‌تین ۷: ۱ الی ۳۵)

d. باکره‌ها (اول قرن‌تین ۷: ۳۶ الی ۳۶)

e. قربانی کردن غذا برای بت (اول قرن‌تین ۸، ۱۰: ۲۳ الی ۳۳)

f. کارهای بی ارزش در شام خدا (اول قرن‌تین ۱۱)

iii. خدا به صورت کامل و به وضوح خودش را به عنوان یک فرهنگ مشخص در روز مشخص نشان داد. ما باید مکاشفه را جدی بگیریم،

ولی نه تمام جنبه‌های تاریخی آن را. کلام خدا با کلمات انسانی نوشته شده و به یک فرهنگ مشخص در یک مقطع زمانی خاص

خطاب شد.

b. تفسیر انجیلی باید در جستجوی نیت نویسنده اصلی باشد. به زبان عصر خودش چه می‌گوید؟ برای تفسیر درست، این یک امر بنیادی

و حساس است. ولی بعد ما باید آن را با عصر خود مطابقت دهیم. مسئله اصلی تفسیر ممکن است تعریف اصطلاح باشد. آیا غیر از

شبانهایی که به عنوان رهبر دیده شده‌اند، آیا بیشترین دیگری هم وجود داشتند؟ کاملاً مشخص است که پولس در اول قرن‌تین ۱۴: ۳۴

الی ۳۵ و اول تیموتائوس ۲: ۹ الی ۱۵، تصریح می‌کند که زنان نباید دعاهای عمومی را رهبری کنند! ولی چگونه آن را با عصر حاضر

مطابقت دهیم؟ من نمی‌خواهم فرهنگ پولس و یا فرهنگ خودم کلام و اراده خدا را ساکت کند. احتمالاً روزگار پولس خیلی محدود

کننده بوده است، ولی همچنین روزگار من هم بسیار باز است. با گفتن اینکه حرفهای پولس و تعالیم او مشروط، مربوط به قرن اول و

حقایق وضعیت محلی هستند، احساس ناراحتی می‌کنم. من کی هستم که فکرم یا فرهنگم با یک نویسنده تحت الهام و وحی مخالفت

کند؟

با این وجود، وقتی در مورد زنانی که رهبر بودند، مثالهای انجیلی وجود دارند، چه کنم (حتی در نوشته‌های پولس، مراجعه شود به

رومیان ۱۶)؟ یک مثال خوب در این مورد بحث پولس در مورد عبادت عمومی در اول قرن‌تین ۱۱ الی ۱۴ است. در اول قرن‌تین ۱۱: ۵

به نظر می‌رسد او به زنان، با سر پوشیده، اجازه موعظه و دعا خواندن در جمع را می‌دهد، با این وصف، در ۱۴: ۳۴ الی ۳۵ از آنان

می‌خواهد ساکت باشند! خادمین (مراجعه شود به رومیان ۱۶: ۱) و پیامبران زن (مراجعه شود به اعمال رسولان ۲۱: ۹) وجود داشته‌اند.

این گوناگونی است که به من اجازه می‌دهد تشخیص دهم که توضیحات پولس (در بخشی که مربوط به محدود کردن زنان می‌شود)

محدود به قرن‌تس و افسس قرن اول بوده است. در هر دو کلیساها مشکلاتی در مورد زنانی که آزادی جدید را یافته‌اند دیده می‌شد (مراجعه

شود به *Bruce Winter, After Paul Left Corinth*) که می‌توانست باعث به وجود آمدن مشکلاتی برای کلیسا در رسیدن این

جامعه (جامعه زنان) در رسیدن به مسیح شود. آزادی آنان باید محدود می‌شد تا انجیل بتواند موثرتر واقع افتد.

روزگار من درست مخالف روزگار پولس است. در روزگار من انجیل می‌تواند محدود شود اگر زنان ماهر و سخنور اجازه نداشته باشند

که خبر خوش را پخش کنند، یا اجازه رهبری نداشته باشند! هدف غایی عبادت عمومی چیست؟ آیا بشارت و شاگردی نیست؟ با رهبری

زنان آیا خدا مفتخر و خشنود نمی‌شود؟ به نظر می‌رسد که پاسخ انجیل به عنوان کل "بله" باشد! من می‌خواهم به پولس بگویم که الهیات

من بر اساس نظریات پولس است. من نمی‌خواهم بیش از حد تحت نفوذ و بازیچه فمینیسم مدرن باشم! با این وجود احساس می‌کنم

کلیسا در پاسخ به حقایق بدیهی انجیلی کند پاسخ می‌دهد، همانند بردگی، نژادپرستی، تعصب و جنس‌گرایی. همچنین در مورد سو

استفاده از زنان در دنیای مدرن هم پاسخ و واکنش مناسب به کندی داده می‌شود. خدا در مسیح برده و زن را آزاد می‌کند. من اجازه نمی‌دهم که محدودیتهای فرهنگی به اینها ریشخند بزنند.

یک نکته دیگر: به عنوان یک مفسر، می‌دانم که قرن‌هاست یک کلیسای بسیار درهم گسیخته بود. برکات کاریزماتیک به رخ کشیده می‌شدند. ممکن است زنان در این امر دست داشته می‌داشتند. همچنین باور دارم که افسس تحت تاثیر معلمین دروغینی بود که از زنان بهره می‌بردند و از آنان به عنوان سخنگویان جانشین در کلیساهای خانگی افسس استفاده می‌کردند.

c. منابعی برای مطالعات بیشتر

i. How to Read the Bible For All Its Worth by Gordon Fee and Doug Stuart (pp. 61-77)

ii. Gospel and Spirit: Issues in New Testament Hermeneutics by Gordon Fee

iii. Hard Sayings of the Bible by Walter C. Kaiser, Peter H. Davids, F. F. Bruce, and Manfred T.

Branch (pp. 613-616; 665-667)

■ "مریم مجدلیه" مجدلیه شهر کوچکی در کناره های دریای جلیل، در سه مایلی شمال تیریه بود. پس از اینکه عیسی از او دیورا بیرون راند، بسیاری از این شهر به او ایمان آوردند (مراجعه شود به انجیل لوقا ۸: ۲). به طور غیر منصفانه به او تهمت فاحشگی زده بودند ولی در عهد جدید هیچ شاهدی بر این امر وجود ندارد. مراجعه شود به موضوع خاص در بخش مربوط به انجیل مرقس ۱۶: ۱.

■ "مریم مادر یعقوب کوچک و یوشا" در انجیل متی ۲۷: ۵۶ از او به عنوان مادر یعقوب و یوسف نام برده شده است. در انجیل متی ۲۸: ۱ از او به عنوان "آن مریم دیگر" نام برده شده است. سوال اصلی این است که او همسر کی بود؟ در انجیل یوحنا ۱۹: ۲۵ احتمالا او همسر کلپاس است، گفته شده که فرزندان او پسران حلفا هستند (مراجعه شود به انجیل متی ۲۷: ۵۶، انجیل مرقس ۱۵: ۴۰، ۱۶: ۱ الی ۲). به موضوع خاص: زنانی که از عیسی پیروی کردند در بخش مربوط به انجیل مرقس ۱۶: ۱ مراجعه کنید.

NASB: انجیل مرقس ۱۵: ۴۲ الی ۴۷

آن روز، روز 'تهیه'، یعنی روز پیش از شبات بود. پس هنگام غروب^{۴۳} یوسف نامی از مردم رامه، که عضوی محترم از شورای یهود بود و انتظار پادشاهی خدا را می‌کشید، شجاعانه نزد پیلاتس رفت و جسد عیسی را طلب کرد.^{۴۴} پیلاتس که باور نمی‌کرد عیسی بدین زودی درگذشته باشد، فرمانده سربازان را فرا خواند تا ببیند عیسی جان سپرده است یا نه.^{۴۵} چون از او دریافت که چنین است، جسد عیسی را به یوسف سپرد.^{۴۶} یوسف نیز پارچه‌ای کنائی خرید و جسد را از صلیب پایین آورده، در کتان پیچید و در مقبره‌ای که در صخره تراشیده شده بود، نهاد. سپس سنگی جلوی دهانه مقبره غلتانید.^{۴۷} مریم مجدلیه و مریم، مادر یوشا، دیدند که عیسی کجا گذاشته شد.

۱۵: ۴۲ "هنگام غروب" انجیل مرقس تنها انجیلی است که این را بیان میکند. کتاب خروج ۱۲: ۶ "عصر" را بیان میکند انگار که دو تا هستند: (۱) ۳ الی ۶ بعد از ظهر و (۲) ۶ بعد از ظهر به بعد. متن میگوید که بعد از ۳ بعد از ظهر (زمان قربانی کردن های بعد از ظهر)، و قبل از ۶ بعد از ظهر (زمان آغاز پسخ) بود.

■ "روز تهیه" این اشاره به روی میکند که همه چیز باید برای شبات مقدس و هفته پسخ آماده شود (یعنی پسخ و نان فطیر یک جشن هفت روزه بودند، بنابراین، باید دو شبات باشد) نه خود خوراک پسخ.

۱۵: ۴۳ "یوسف نامی از مردم رامه" به نظر میرسد که او یک پیرو مخفی همانند نیکودیموس باشد (مراجعه شود به انجیل متی ۲۷: ۵۷، انجیل یوحنا ۱۲: ۴۲). با این حال، پس از مرگ عیسی او در ملا عام نزد پیلاتس می‌رود و از او درخواست جسد عیسی را میکند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۹: ۳۸). شناسایی شدن فردی به عنوان دوست یک فرد مصلوب شده کار بسیار خطرناکی بود.

به عنوان یک یهودی ارتدکس روزگار خودش، یوسف خود را از لحاظ آئین دینی برای پسخ و شبات ناپاک کرده بود زیرا:

۱. به خانه یک کافر رفته بود

۲. به جسد یک مرده دست زده بود

با این حال ممکن است که خواسته باشد نفرین کتاب تثنیه ۲۱: ۲۲ الی ۲۳ را باطل کرده باشد. معمولا رومیان می‌گذاشتند جسد فرد مصلوب شده در همان محل بماند، ولی از آنجا که یهودیان در مورد اجساد دفن نشده بسیار سختگیر بودند، رومیان به آنان اجازه میدادند که اجساد را دفن کنند، ولی نه بلافاصله.

اصطلاح Arimathea به معنی ارتفاع است و ظاهرا نام دیگری برای شهر رامه باشد که در پنج مایلی شمال شرقی اورشلیم بود.

■ "عضوی محترم از شورای یهود" یوسف یکی از اعضای سانهدرین بود، همانند نیکودیموس. به موضوع خاص: سانهدرین در بخش مربوط به انجیل مرقس ۱۲: ۱۳ مراجعه کنید.

■ "انتظار پادشاهی خدا را می‌کشید" یوسف مردی معتقد بود (مراجعه شود به انجیل مرقس ۲۷: ۵۸). پادشاهی خدا یک توقع متداول میان فریسیان و مردم عادی بود. عیسی اغلب در این خصوص صحبت میکرد. موضوع اولین و آخرین موعظه عیسی و نکته اصلی تمثیلهایش بود. به موضوع خاص در بخش مربوط به انجیل مرقس ۱: ۱۵ مراجعه کنید.

به چه مفهومی یوسف انتظار پادشاهی خدا را میکشید، مشخص نیست. چگونه میشود کسی شاگرد باشد و نداند که پادشاهی آمده است؟ شاید هنوز در انتظار پادشاهی زمینی بود (همانند شاگردان، مراجعه شود به اعمال رسولان ۱: ۶).

■ "نزد پیلاتس رفت و جسد عیسی را طلب کرد" این کار او را از لحاظ آئین مذهبی ناپاک کرده بود و نمیتوانست در شبات و هفته پسح شرکت کند. همچنین این کار او را به عنوان یکی همراهان عیسی، یک شورشی مصلوب شده، معرفی میکرد. این یک کار شجاعانه و عمل جسورانه بود.

■ "جسد عیسی را طلب کرد" معمولاً رومیان می‌گذاشتند که جسد در بالای صلیب پیوسد و فاسد شود و این کار به عنوان تهدیدی علیه شورشیان بود. اجساد جزو اموال روم بودند. معمولاً آنها را به خانواده فرد جهت تدفین تحویل نمیدادند، که برای یهودیان بسیار مهم بود. این یک درخواست خاص و درخواست غیر معمول بود. این کار به خاطر حساسیت یهودیان نسبت به اجساد که از نظر مذهبی زمین را به خصوص در طول فصل پسح ناپاک میکرد، انجام شد.

۱۵: ۴۴ "پیلاتس که باور نمی‌کرد عیسی بدین زودی درگذشته باشد" مصلوب شدن یک مرگ دردناک و طولانی مدت بود. اغلب چندین روز طول میکشید. سربازان اغلب به قربانیان آب یا شراب میدادند، این کار نه از روی ترحم، بلکه برای طولانی کردن مرگ بود. با این حال، این مرتبه محکوم باید به خاطر شبات سریع میمرد، بنابراین سربازان پاهای او دو مجرم را شکستند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۹: ۳۱ به بعد). این کار برای این بود که آنان نتوانند خود را بالا بکشند تا راحتتر تنفس کنند. آنان اندکی پس از این کار مردند. ولی عیسی قبلاً مرده بود، بنابراین پاهای او را نشکستند. این نبوت را کامل کرد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۹: ۳۶ که از کتاب خروج ۱۲: ۴۶ نقل قول میکند. به یادداشت مربوط به بخش انجیل مرقس ۱۵: ۲۷ مراجعه کنید).

"آیا" در اینجا به عنوان نشان شرطی بودن جمله نیست، بلکه سوال غیر مستقیم است. پیلاتس از اینکه عیسی به این سرعت مرده بود، حیرت کرده بود، بنابراین از حضار این سوال غیر مستقیم را پرسید.

۱۵: ۴۵ "جسد" اصطلاح یونانی استفاده شده، *soma*، نیست بلکه *ptōma* به معنی جنازه است. عیسی مرده بود.

۱۵: ۴۶ "یوسف نیز پارچه‌ای کتانی خرید و جسد را از صلیب پایین آورده، در کتان پیچید" نیکودیموس هم در آنجا بود (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۹: ۳۹ الی ۴۰). آنان سریعاً جسد عیسی را بر طبق سنتهای یهود آماده کردند (به خاطر آمدن سرین سانه‌دین در ساعت ۶). یهودیان همانند مصریان جسد را مومیایی نمیکردند ولی آداب و مراسمی داشتند که شامل کفن کردن و استفاده از عطرهای خاص بود.

■ "در مقبره‌ای که در صخره تراشیده شده بود، نهاد" این نبوت خاص اشعیا ۵۳: ۹ را تحقق بخشید. انجیل متی ۲۷: ۵۷ الی ۶۰ میگوید که این قبر خود یوسف بود.

■ "در صخره تراشیده شده بود" عیسی در زمین دفن نشد، بلکه در مقبره خانوادگی یوسف دفن شد. این یک صخره تراشیده شده بود که حاوی چندین قسمت برای دفن اجساد بود. مقبره‌های زیادی مثل این در اطراف اورشلیم وجود دارند.

■ "سنگی" این یک تکه سنگ بزرگ گرد همانند سنگ آسیاب بود. اغلب از این مقبره‌ها دزدی میشد، بنابراین آنان درب مقبره را با سنگهای سنگین محکم میبستند.

۱۵: ۴۷ "دیدند که عیسی کجا گذاشته شد" این اصطلاح به معنی "دیدن با علاقه و توجه" است. آنان میخواستند مطمئن شوند که عیسی به طور درست برای دفن آماده شده است. با این حال، این مطابق با الزام به حضور دو شاهد عینی (یعنی کتاب تثنیه ۱۷: ۶، ۱۹: ۱۵) برای تأیید شهادت قانونی بود. عیسی مرده بود و آنان به یک قبر اشتباه نرفته بودند.

سوالاتی برای بحث

این یک راهنمای مطالعاتی است، که بدین معنی است که شما خودتان مسئول تفسیر انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر خودمان گام برداریم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. شما نباید این امر را به یک مفسر واگذار کنید.

این سوالات مباحثاتی به منظور کمک به شما در تفکر نسبت به مسائل اصلی این بخش از کتاب مطرح شده‌اند. آنها صرفاً تفکر برانگیز هستند نه

قطعی.

۱. چه کسی عیسی را دستگیر کرد؟ (جمعیت را گرد آورد)

۲. چگونه محاکمه عیسی غیر منصفانه بود، حتی بر اساس استانداردهای یهود؟

۳. آیا در آیات ۶۶ الی ۶۹ دو خدمتگزار زن حضور داشتند؟

۴. چرا پطرس در حیاط بسیار عصبی بود؟

۵. داستان محاکمه در هر چهار انجیل را بخوانید و وقایع زمانی را از دیدگاه خود بنویسید
۶. اگر ممکن باشد، انگیزه پیلاتس از کل ماجرا را بنویسید
۷. چطور میتوانیم رفتار جمعیت را توضیح دهیم؟
۸. چرا سربازان عیسی را تحقیر کردند؟ چند گروه مختلف او را تحقیر کردند؟
۹. شیوه های مختلفی که او را تحقیر کردند را فهرست کنید
۱۰. کجا عیسی مصلوب شد؟
۱۱. چرا عیسی احساس میکرد که پدر او را رها کرده است (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۵: ۳۴)
۱۲. چرا انجیل مرقس ۱۵: ۳۹ یکی از آیات کلیدی انجیل مرقس است؟
۱۳. چرا یوسف میخواست عیسی سریع دفن شود؟

مرقس ۱۶

پاراگراف‌های ترجمه‌های مدرن

UBS ⁴	NKJV	NRSV	TEV	NJB
قیام از مردگان ۱:۱۶ الی ۸	او برخاست ۱:۱۶ الی ۸	نخستین عید پاک ۱:۱۶ الی ۸	قیام از مردگان ۱:۱۶ الی ۵	گور خالی. پیام فرشته ۱:۱۶ الی ۲ ۳:۱۶ الی ۸
			۱:۱۶ الی ۶ ۷ ۸:۱۶	

مطالعه حلقه سوم (رجوع کنید به "راهنمای مطالعه مفید انجیل")

به دنبال نیت اصلی نویسنده در سطوح پاراگراف

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید. کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص نمایید (مطالعه حلقه شماره ۳). تقسیمات موضوعی خود را با پنج ترجمه بالا مقایسه کنید. پاراگراف‌بندی به نویسنده الهام نشده است، اما کلید پیگیری اهداف اصلی نویسنده است که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول
۲. پاراگراف دوم
۳. پاراگراف سوم و غیره

مشروعیت آیات ۹ الی ۲۰

۱. من باور نمیکنم که آیات ۹ الی ۲۰ انجیل مرقس اصل باشند. آنان تحت الهام نبوده و نباید در عهد جدید اضافه میشدند.
۲. هیچ چیزی از بعد از آیه ۸ به بعد در نسخ یونانی باستانی زیر وجود ندارند
 - a. سیناتیوکوس که با اولین حرف الفبای عبری \aleph شناخته میشود. این نسخه دستنویس حاوی کل عهد جدید است و مربوط به قرن چهارم میباشد. در صومعه سنت کاترین در جبل موسی، مکانی معمولی در کوه سینا یافت شد.
 - b. واتیکانوس، که با حرف یونانی B شناخته میشود. این نسخه دستنویس حاوی کل عهد جدید به استثنای مکاشفه است و این نیز مربوط به قرن چهارم میباشد.
۳. سومین شاهد باستانی یونیکال بر نسخه یونانی عهد جدید، الکساندرینوس، با حرف یونانی A شناخته میشود. این نسخه دستنویس حاوی کل عهد جدید است و مربوط به قرن پنجم میلادی میباشد. این نسخه مربوط به اسکندریه مصر میباشد. این نسخه همچنین حاوی یک بخش پایانی در انجیل مرقس است (متنی که در Textus Receptus و KJV دیده میشود). این نسخه طولانی ابتدا در *Against Heresies* اثر ایرنئوس (۱۲۰ الی ۲۲۰ میلادی) III: 10: 5 و نسخه گردآوری شده چهار انجیل تایتان (۱۱۰ الی ۱۷۰ میلادی) بنام دیاسترون یافت شد. با این حال، کلمنت اسکندریه و اورینگ اسکندریه هرگز حتی برای یک مرتبه از این آیات نقل قول نکردند. این به من میگوید که متن پایانی اصل نیست، حتی در الکساندرینوس که از همان شهر است. این آیات در MS C اضافه شده اند که مربوط به اسکندریه در حدود زمانی قرن پنجم میباشد.
۴. ایزوبیوس (۲۷۵ الی ۳۴۰ میلادی)، یک کلیسای اولیه تاریخی قرن چهارم، میگوید "دقیق ترین کپی ها" با انجیل مرقس ۱:۱۶: ۸ خاتمه می یابند.
۵. جروم (۳۴۷ الی ۴۲۰ میلادی) مترجم نسخه والگیت به لاتین، میگوید که تقریباً تمامی نسخ یونانی فاقد بخش پایانی از آیه ۸ هستند.
۶. آیات ۹ الی ۲۰ حاوی ۱۴ الی ۱۷ کلماتی هستند که پیشتر استفاده نشده و یا به صورت متفاوتی در انجیل مرقس استفاده شده اند. همچنین یک تغییر مشخص در شیوه و نحوه اینها وجود دارد. نشانه‌های بدیهی انجیل مرقس ۱:۱۶: ۱۸ ماهیت تحت الهام نبودن این آیات اضافه شده را تأیید میکنند.
۷. نسخ دستنویس یونانی (کپتیک) بعد از آیه ۸ چهار پایان متفاوت دارند. برخی نسخ دستنویس حاوی پایان طولانی (یعنی انجیل مرقس ۱:۱۶: ۹ الی ۲۰) و سپس یک پایان کوتاه هستند یا یک پایان کوتاه و سپس ۴ پیک متن پایانی طولانی یا ترکیب یکی از اینها.
 - a. این یک متن پایانی کوتاه از یک دستنویس کپتیک است: "و همه آن چیزهایی که به پطرس و آنانی که بودند فرموده بود، گفتن خاتمه یافت و پس از این عیسی خود را به آنها نشان داد، و از محل طلوع آفتاب تا دورترین نقطه غرب آنها را همراه با روح القدس برای بشارت دادن رستگاری ابدی و انجیل که جاودانی است اعزام کرد."

b. این هم یک متن پایانی کوتاه دیگر: "ولی آنها به طور مختصر به پطرس و کسانی که آنجا بودند هر آنچه که به ایشان گفته شده بود را گفتند. و پس از این عیسی خودش توسط آنان گفت از شرق تا غرب رستگاری ابدی و جاودانی را بشارت دهند." به این "خاتمه کوتاه" گفته میشود و در نسخه قدیمی دستنویس K یافت میشود.

۸. مسئله اصلی این است که انجیل مرقس به نظر میرسد در آیه ۸ بسیار ناگهانی خاتمه پیدا میکند. نظریات بسیاری وجود دارند، ولی هیچ کس به یقین نمیداند چرا انجیل مرقس این چنین ناگهانی با یادداشتی ترسان پایان می یابد.

۹. توضیح خوبی در مورد این مشکل متنی در کتاب *A Textual Commentary on the Greek New Testament* اثر Bruce M. Metzger از انتشارات United Bible Societies، صفحات ۱۲۲ الی ۱۲۶ یا کتاب *Translator's Handbook on the Gospel of Mark* اثر Robert G. Bratcher and Eugene Nida از انتشارات United Bible Societies، صفحات ۵۱۷ الی ۵۲۲ وجود دارد.

۱۰. برای بحث مختصر در مورد انتقاد متنی به ضمیمه ۲ در انتهای این تفسیرنامه مراجعه کنید.

مطالعه کلمات و عبارات

NASB: انجیل مرقس ۱: ۱۶ الی ۸

۱ چون روز شَبَات گذشت، مریم مَجْدَلِیَه و سالومه و مریم، مادر یعقوب، حنوط خریدند تا بروند و بدن عیسی را تدهین کنند. ^۲ پس در نخستین روز هفته، سحرگاهان، هنگام طلوع آفتاب، به سوی مقبره روانه شدند. ^۳ آنها به یکدیگر می گفتند: «چه کسی سنگ را برای ما از جلوی مقبره خواهد غلتانید؟» ^۴ اما چون نگریستند، دیدند آن سنگ که بسیار بزرگ بود، از جلوی مقبره به کناری غلتانیده شده است. ^۵ چون وارد مقبره شدند، جوانی را دیدند که بر سمت راست نشسته بود و ردایی سفید بر تن داشت. از دیدن او هراسان شدند. ^۶ جوان به ایشان گفت: «مترسید. شما در جستجوی عیسی ناصری هستید که بر صلیب کشیدند. او برخاسته است؛ اینجا نیست. جایی که پیکر او را نهاده بودند، بنگرید. ^۷ حال، بروید و به شاگردان او و به پطرس بگویید که او پیش از شما به جلیل می رود؛ در آنجا او را خواهید دید، چنانکه پیشتر به شما گفته بود.» ^۸ پس زنان بیرون آمده، از مقبره گریختند، زیرا لرزه بر تنشان افتاده بود و حیران بودند. آنها به هیچ کس چیزی نگفتند، چرا که می ترسیدند.

۱: ۱۶ " چون روز شَبَات گذشت " روز برای اسرائیلیان باستان از غروب آغاز میشد، بر اساس کتاب پیدایش ۱: ۵ و ۸ و ۱۳ و ۱۹ و ۲۳ و ۳۱. با این حال، رومیان و یونانیان از شیوه تغییرات فصل در طول دوران روز و شب استفاده میکردند. انجیل مرقس ۱۵ چندین نمونه از این مشخصه های زمانی را دارد (یعنی ساعت سوم، انجیل مرقس ۱۶: ۲۵، ساعت ششم، انجیل مرقس ۱۶: ۳۳، ساعت نهم، انجیل مرقس ۱۶: ۳۴). به نظر میرسد که این عبارت اشاره به شیوه اسرائیلیان دارد و بنابراین میشود از ۶ بعد از ظهر جمعه تا ۶ بعد از ظهر شنبه برای شبات.

■ " مریم مَجْدَلِیَه و سالومه و مریم، مادر یعقوب " به موضوع خاص زیر مراجعه کنید.

موضوع خاص: زنانی که از عیسی پیروی کردند

(SPECIAL TOPIC: THE WOMEN WHO FOLLOWED JESUS)

۱. نخستین جایی که از زنانی که به عیسی و گروه شاگردانش کمک میکردند انجیل لوقا ۸: ۱ الی ۳ است.
 - a. مریم که مجدلیه خوانده میشد (انجیل لوقا ۸: ۲)
 - i. انجیل متی ۲۷: ۵۶ و ۶۱، ۲۸: ۱
 - ii. انجیل مرقس ۱۵: ۴۰ و ۴۷، ۱۶: ۱ و ۹
 - iii. انجیل لوقا ۸: ۲، ۲۴: ۱۰
 - iv. انجیل یوحنا ۱۹: ۲۵، ۲۰: ۱ و ۱۱ و ۱۶ و ۱۸
 - b. یونا همسر چوزا (خدمتگزار هیروود، انجیل لوقا ۸: ۳) در انجیل لوقا ۲۴: ۱۰ هم از او نام برده شده است.
 - c. سوزانا (انجیل لوقا ۸: ۳)
 - d. و بسیاری زنان دگر که خوراک آنان را به حساب خود تامین میکردند (انجیل لوقا ۸: ۳)
۲. از گروهی از زنان که در زمان به صلیب کشیده شدن عیسی حضور داشته اند نام برده شده است.
 - a. فهرست انجیل متی
 - i. مریم مجدلیه (انجیل متی ۲۷: ۵۶)
 - ii. مریم مادر یعقوب و یوسف (انجیل متی ۲۷: ۵۶)
 - iii. مادر فرزندان زبیدی (انجیل متی ۲۷: ۵۶)

b. فهرست انجیل مرقس

i. مریم مجدلیه (انجیل مرقس ۱۵: ۴۰)

ii. مریم مادر یعقوب کوچکتر و یوشا (انجیل مرقس ۱۵: ۴۰)

iii. سالومه (انجیل مرقس ۱۵: ۴۰)

c. لوقا فقط میگوید "زنانی که از جلیل او را همراهی میکردند"

d. فهرست انجیل یوحنا

i. مریم، مادر عیسی (انجیل یوحنا ۱۹: ۲۵)

ii. خواهر مادرش (انجیل یوحنا ۱۹: ۲۵)

iii. مریم کلویاس (KJ)، کلویاس، این یعنی همسر یا دختر کلویا، انجیل یوحنا ۱۹: ۲۵)

iv. مریم مجدلیه (انجیل یوحنا ۱۹: ۲۵)

۳. از گروهی از زنان که شاهد دفن عیسی بوده اند نام برده شده است

a. فهرست انجیل متی

i. مریم مجدلیه (انجیل متی ۲۷: ۶۱)

ii. آن مریم دیگر (انجیل متی ۲۷: ۶۱)

b. فهرست انجیل مرقس

i. مریم مجدلیه (انجیل مرقس ۱۵: ۴۷)

ii. مریم مادر یوشا (انجیل مرقس ۱۵: ۴۷)

c. انجیل لوقا فقط میگوید: "زنانی که با او از جلیل آمده بودند" (انجیل لوقا ۲۳: ۵۵)

d. یوحنا هیچ چیزی در مورد زنانی که قبر را دیده اند ثبت نکرده است.

۴. گروهی از زنان صبح روز یکشنبه به محل دفن عیسی رفتند

a. فهرست انجیل متی

i. مریم مجدلیه (۱: ۲۸)

ii. آن مریم دیگر (انجیل متی ۲۸: ۱)

b. فهرست انجیل مرقس

i. مریم مجدلیه (انجیل مرقس ۱۶: ۱)

ii. مریم مادر یوسف (انجیل مرقس ۱۶: ۱)

iii. سالومه (انجیل مرقس ۱۶: ۱)

c. فهرست انجیل لوقا

i. آنان به قبر رفتند (انجیل لوقا ۲۴: ۱ الی ۵ و ۲۴)

۱. مریم مجدلیه (۱۰: ۲۴)

۲. یونا (۱۰: ۲۴)

۳. مریم مادر یوسف (۱۰: ۲۴)

d. انجیل یوحنا فقط از مریم مجدلیه نام میبرد (انجیل یوحنا ۲۰: ۱ و ۱۱)

۵. در جلسه اتاق طبقه بالا از حضور گروهی از زنان نام برده شده است

a. زنان (اعمال رسولان ۱: ۱۴)

b. مریم مادر یوسف (اعمال رسولان ۱: ۱۴)

۶. رابطه دقیق میان زنان در این فهرستها مشخص نیست. بدیهی است مریم مجدلیه نقش مهمی در میان آنان داشته است. مقاله خوبی در مورد "زنان" در زندگی و بشارت عیسی در *Dictionary of Jesus and the Gospels* از انتشارات IVP صفحات ۸۸۰ الی ۸۸۰ چاپ شده است.

■ "حنوط خریدند" (در نسخه انگلیسی آوردند نوشته شده است- مترجم) هر چند این زنان دیده بودند که یوسف و نیکودیموس جسد عیسی را آماده کرده و در مقبره قرار دادند، ظاهراً به دلیل محدودیت زمانی (بین ۳ الی ۶ بعد از ظهر) احتمالاً برخی از مراحل تدفین جا مانده بودند (احتمالاً شمع های معطر و یا برخی انواع خاص خوشبو کننده ها، و این زنان میخواستند که مراحل سنتی را به اتمام برسانند.

موضوع خاص: خوشبو کننده هایی که برای تدفین استفاده می شدند

(SPECIAL TOPIC: BURIAL SPICES)

۱. مر، عطری از درختان عربی (BDB 600, KB 629)، به *UBS, Fauna and Flora of the Bible*، صفحات ۱۴۷ و ۱۴۸ مراجعه شود)

- a. از این ماده ۱۲ مرتبه در عهد عتیق استفاده شده است، بیشتر در نوشته های عرفانی به عنوان عطر نام برده شده (مراجعه شود به مزامیر ۴۵: ۸، غزل غزلهای ۱: ۱۳، ۴: ۱۴، ۵: ۱ و ۵)
- b. یکی از هدایایی بود که مگی برای عیسی نوزاد برده بود (مراجعه شود به انجیل متی ۲: ۱۱)
- c. نمادگرایی آن قابل توجه است

i. در "روغن مقدس تدهین" از آن استفاده میشود (مراجعه شود به کتاب خروج ۳۰: ۲۳ الی ۲۵)

ii. برای هدیه دادن به پادشاه استفاده شده است (انجیل متی ۲: ۱۱)

iii. از آن برای تدهین عیسی در موقع دفن استفاده شد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۹: ۳۹، و به صورت نمادین در انجیل یوحنا ۱۱: ۲). این کار بر اساس سنتهای یهودی که در تلمود توصیف شده انجام میشود (Berakhoth 53a)

iv. توسط زنان اورشلیم به مردان محکوم در راه مصلوب شدن داده میشد تا آن را بنوشند

۲. الوئه، یک نوع چوب معطر (BDB 14 III, KB 19)

- a. مرتبط با عطرها خوشبو است (مراجعه شود به اعداد ۲۴: ۶، مزامیر ۴۵: ۸، امثال ۷: ۱۷، غزل غزلهای ۴: ۱۴، به *UBS, Fauna and Flora of the Bible* صفحات ۹۰ و ۹۱ مراجعه شود).
- b. همراه با مَر توسط مصریان در طی مراحل مومیایی کردن استفاده میشد.
- c. نیقودیموس مقدار زیادی از آن را با خود برد و عیسی را با آن تدهین کرد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۹: ۳۹). این کار بر اساس سنتهای یهودی که در تلمود توصیف شده انجام شد (Berakhoth 6a)

۱۶: ۲ "پس در نخستین روز هفته، سحرگهان، هنگام طلوع آفتاب" تمامی اناجیل زمان را اندکی متفاوت بیان میکنند.

۱. انجیل متی ۲۸: ۱ میگوید "در موقع سحر"

۲. انجیل لوقا ۲۴: ۱ میگوید "صبح زود موقع سحر"

۳. انجیل یوحنا ۲۰: ۱ میگوید "زمانی که هنوز هوا تاریک بود"

ظاهرا این زنان زمانی که خانه را ترک میکنند، هنوز هوا تاریک بود، ولی زمانی که به مقبره میرسند (احتمالا باید عطریات هم میخریدند) هوا اندکی روشن شده بود.

■ "چه کسی سنگ را برای ما از جلوی مقبره خواهد غلتانید" آنها پیش از اینکه به فکر سنگی بزرگی که مقابل ورودی مقبره بود و آن را بسته بود فکر کنند، راه افتاده بودند. مرقس هیچ چیزی در مورد محافظین انجیل متی ۲۷: ۶۲ الی ۶۶ ثبت نکرده است.

این سنگ گرد و بزرگ بود و به اندازه ای بود که سوراخ ورودی مقبره را به خوبی ببندد.

۱۶: ۴ "نگریستند" ظاهرا آنها بسیار سربزیر بودند، و در صبح به زمین نگاه میکردند.

■ "به کناری غلتانیده شده است" از انجیل متی ۲۸: ۲ چنین به نظر میرسد که این سنگ بر اثر یک زمین لرزه از مقابل مقبره به کناری رفته باشد (توسط فرشته ای انجام شده، مراجعه شود به انجیل لوقا ۲۴: ۴، انجیل یوحنا ۲۰: ۱۲) و به کناری رفته است.

■ "آن سنگ که بسیار بزرگ بود" سقرت از مقبره ها در آن دوران به دلیل عطریات و اشیا گرانبهائی که معمولا استفاده میشد، بسیار متداول بود. مکان و نوع مقبره و همچنین اندازه سنگ نشان میدهد که قبر فرد ثروتمندی بوده است (مراجعه شود به اشعیا ۵۳: ۹).

■ "وارد مقبره شدند" انجیل یوحنا ۲۰: ۱۱ میگوید که مریم بیرون ایستاد و به درون نگاه کرد، ولی انجیل لوقا ۲۴: ۳ تأیید میکند که حداقل در یک مقطع زنان وارد مقبره شدند.

■ "جوانی را دیدند که بر سمت راست نشسته بود" توصیف کاملتر پوشش این جوان در انجیل متی ۲۸: ۳ دیده میشود (مراجعه شود به انجیل لوقا ۲۴: ۴، میگوید "جامه ای درخشان").

۱۶: ۶ "مترسید" این زمان حال امری با وجه وصفی منفی است، که معمولا به معنی متوقف کردن عملی است که در حال انجام میباشد. انسانها همیشه در

مواجهه فیزیکی با قلمرو معنوی ترس و وحشت دارند.

■ "عیسای ناصری" به یادداشت کاملتر در بخش مربوط به انجیل مرقس ۱۴: ۶۷ مراجعه کنید.

■ "که بر صلیب کشیدند" (در نسخه انگلیسی "بر صلیب کشیده شد" نوشته شده که زمان آن مجهول است ولی در ترجمه فارسی حالت فعل به معلوم تغییر داده شده است- مترجم) این زمان کامل مجهول است (مراجعه شود به انجیل متی ۲۸: ۵). این حرف تعریف مشخص است و میتواند یک عنوان هم باشد، "آن مصلوب شده" (مراجعه شود به اول قرن‌تینان ۱: ۲۳، ۲: ۲، غلاطیان ۳: ۱). وقتی که عیسی را میبینیم، او هنوز آثار جراحات مصلوب شدن را دارد، که تبدیل به نشان افتخار و شکوه است (مراجعه شود به اول قرن‌تینان ۱۵: ۴، و مکاشفه ۵: ۱۲). عیسی تنها فرد تثلیث است که کالبد فیزیکی دارد.

■ "او برخاسته است" برخاستن ستون مرکزی ایمان مسیحیت است (مراجعه شود به اول قرن‌تینان ۱۵). این موافقت خدا با زندگی و قربانی شدن عیسی را نشان میدهد. این موضوع تکراری پطرس است (مراجعه شود به اعمال رسولان ۲: ۲۴ الی ۲۸ و ۳۲، ۳: ۱۵ و ۲۶، ۴: ۱۰، ۵: ۳۰، ۱۰: ۴۰، اول پطرس ۱: ۱۳، ۳: ۱۸ و ۲۱ و پولوس، اعمال رسولان ۱۳: ۳۰ و ۳۳ و ۳۴ و ۳۷، ۱۷: ۳۱، رومیان ۴: ۲۴، ۸: ۱۱، ۱۰: ۹، دوم قرن‌تینان ۴: ۱۴). این تأیید و موافقت پدر با مرگ پسر به عنوان جایگزین است (مراجعه شود به اول قرن‌تینان ۱۵). از نظر الهیاتی تمامی سه نفر تثلیث در قیام مسیح از مردگان دخیل بودند، پدر (اعمال رسولان ۲: ۲۴، ۳: ۱۵، ۴: ۱۰، ۵: ۳۰، ۱۰: ۴۰، ۱۳: ۳۰، ۳۳ و ۳۴، ۱۷: ۳۱)، روح القدس (رومیان ۸: ۱۱) و پسر (انجیل یوحنا ۲: ۱۹ الی ۲۲، ۱۰: ۱۷ الی ۱۸). موضوع خاص: قیام از مردگان در بخش مربوط به انجیل مرقس ۸: ۳۱ را مطالعه کنید.

■ "جایی که پیکر او را نهاده بودند" این اشاره به یکی از چندین حفره در مقبره یوسف دارد. انجیل یوحنا ۲۰: ۶ الی ۷ مکان دفن را و اینکه چگونه کفن قرار گرفته بود را توصیف میکند.

۱۶: ۷ "حال بروید و به شاگردان او و به پطرس بگویید" چرا پطرس در اینجا برجسته شده است؟ چقدر سرورمان با محبت و به فکر بود (از طریق یک فرشته)، که پطرس رنج دیده و بازگشته را برجسته میکند. پطرس به خاطر دارد.

■ "او پیش از شما به جلیل می‌رود" عیسی از پیش با شاگردان پس از قیام از مردگان در جلیل قرار ملاقات داشت. شاگردان اهمیت الهیاتی این رخداد را درست درک نکرده بودند (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۴: ۲۸، انجیل متی ۲۸: ۲۸، ۳۲ و ۷ و ۱۰، انجیل یوحنا ۲۱، اول قرن‌تینان ۱۵: ۶). من فکر میکنم که این زمان جلسه بزرگ بود.

۱۶: ۸ "زیرا لرزه بر نشان افتاده بود و حیران بودند" انجیل متی ۲۸: ۸ "با شادی فراوان" را هم اضافه میکند.

■ "آنها به هیچ کس چیزی نگفتند" آیا این موقتی بود یا آنان از پیام فرشته در انجیل مرقس ۱۶: ۷ پیروی نکردند؟ انجیل یوحنا ۲۰: ۱ الی ۱۰ داستان مریم مجدلیه که به شاگردان گزارش خالی بودن مقبره را میدهد، بیان میکند ولی پیام فرشته را نمیگوید.

■ "چرا که می‌ترسیدند" انجیل بسیار ناگهانی و با یک پیام منفی که ظاهراً کاتبین و علمای باستان سعی کرده اند یک خلاصه ای به آن اضافه کنند خاتمه می‌یابد.

۱۶: ۹ الی ۲۰ من نسبت به نوشته های تحت الهام شاگردان که کلام واقعی خدا هستند متعهد هستم زیرا اینها تنها منبع ایمان میباشند. با این حال، این آیات تحت الهام نیستند، احتمال این هم هست که کفر آمیز باشند (نوشیدن سم). از ارائه هرگونه تفسیری بر اینها خودداری میکنم. برای یک بحث کامل در مورد مسائل متنی به *A Textual Commentary On the Greek New Testament* اثر Bruce M. Metzger صفحات ۱۲۲ الی ۱۲۶ مراجعه کنید.

سوالاتی برای بحث

این یک راهنمای مطالعاتی است، که بدین معنی است که شما خودتان مسئول تفسیر انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر خودمان گام برداریم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. شما نباید این امر را به یک مفسر واگذار کنید. این سوالات مباحثاتی به منظور کمک به شما در تفکر نسبت به مسائل اصلی این بخش از کتاب مطرح شده اند. آنها صرفاً تفکر برانگیز هستند نه قطعی.

۱. چرا اینهمه تفاوت میان چهار انجیل وجود دارد؟
۲. چرا انجیل مرقس با یک چنین پیام منفی خاتمه می‌یابد؟
۳. چرا قیام از مردگان ستون اصلی ایمان مسیحی است؟

معرفی اول پطرس

نویسندگی

۱. شواهد داخلی در مورد نویسندگی پطرس شاگرد
 - a. صراحتاً در اول پطرس ۱: ۱ بیان شده است
 - b. اشارات به گفته‌ها و تجربیات زندگی عیسی و دوازده شاگرد
 - i. مثالهای برگرفته از *The First Epistle of St. Peter* اثر E. G. Selwyn، ۱۹۴۶
 ۱. اول پطرس ۱: ۳ - انجیل یوحنا ۲۱: ۲۷
 ۲. اول پطرس ۱: ۷ الی ۹ - انجیل لوقا ۲۲: ۳۱، انجیل مرقس ۸: ۲۹
 ۳. اول پطرس ۱: ۱۰ الی ۱۲ - انجیل لوقا ۲۴: ۲۵ به بعد، اعمال رسولان ۱۵: ۱۴ به بعد
 ۴. اول پطرس ۳: ۱۵ - انجیل مرقس ۱۴: ۲۹ و ۷۱
 ۵. اول پطرس ۵: ۲ - انجیل یوحنا ۲۱: ۱۵ به بعد
 - ii. مثالهای برگرفته از *The First Epistle General of Peter* اثر Alan Stibbbs، ۱۹۷۱
 ۱. اول پطرس ۱: ۱۶ - انجیل متی ۵: ۴۸
 ۲. اول پطرس ۱: ۱۷ - انجیل متی ۲۲: ۱۶
 ۳. اول پطرس ۱: ۱۸ - انجیل مرقس ۱۰: ۴۵
 ۴. اول پطرس ۱: ۲۲ - انجیل یوحنا ۱۵: ۱۲
 ۵. اول پطرس ۲: ۴ - انجیل متی ۲۱: ۴۲ به بعد
 ۶. اول پطرس ۲: ۱۹ - انجیل لوقا ۶: ۳۲، انجیل متی ۵: ۳۹
 ۷. اول پطرس ۳: ۹ - انجیل متی ۵: ۳۹
 ۸. اول پطرس ۳: ۱۴ - انجیل متی ۵: ۱۰
 ۹. اول پطرس ۳: ۱۶ - انجیل متی ۵: ۴۴، انجیل لوقا ۶: ۲۸
 ۱۰. اول پطرس ۳: ۲۰ - انجیل متی ۲۴: ۳۷ الی ۳۸
 ۱۱. اول پطرس ۴: ۱۱ - انجیل متی ۵: ۱۶
 ۱۲. اول پطرس ۴: ۱۳ - انجیل متی ۵: ۱۰ به بعد
 ۱۳. اول پطرس ۴: ۱۸ - انجیل متی ۲۴: ۲۲
 ۱۴. اول پطرس ۵: ۳ - انجیل متی ۲۰: ۲۵
 ۱۵. اول پطرس ۵: ۷ - انجیل متی ۶: ۲۵ به بعد
 - c. گفته‌ها و عبارات مشابه با مونتزه پطرس در اعمال رسولان
 - i. اول پطرس ۱: ۲۰ - اعمال رسولان ۲: ۲۳
 - ii. اول پطرس ۲: ۷ الی ۸ - اعمال رسولان ۴: ۱۰ الی ۱۱
 - iii. اول پطرس ۲: ۲۴ - اعمال رسولان ۵: ۳۰، ۱۰: ۳۹ (به خصوص استفاده از اصطلاح یونانی *xylon* برای صلیب)
 - iv. اول پطرس ۴: ۵ - اعمال رسولان ۱۰: ۴۵
 - d. مقایسه مبلغین قرن نخست
 - i. سیلوانوس (سیلاس) - اول پطرس ۵: ۱۲
 - ii. مرقس (یوحنا مرقس) - اول پطرس ۵: ۱۳
۲. شواهد خارجی در مورد نویسندگی پطرس شاگرد
 - a. از همان اوایل و به صورت گسترده توسط کلیسای اولیه پذیرفته شد
 - i. عبارت مشابه، احتمالاً نقل قول، توسط کلمنت رم در نامه خود تحت عنوان *Letter to Corinthians* (سال ۹۵ میلادی)
 - ii. عبارت مشابه، احتمالاً نقل قول، در *Epistle of Barnabas* (سال ۱۳۰ میلادی)
 - iii. توسط پاپیاس، اسقف هیروپولیس (Hieropolis) (سال ۱۴۰ میلادی) در نقل قولی در *Eusebius' His. Eccl* به آن اشاره شده
 - iv. نقل قول توسط پلیکارپ در *Epistle to the Philippians* ۸: ۱، ولی او اول پطرس را به نام ذکر نمی‌کند (پلیکارپ در سال ۱۵۵)

میلادی درگذشت)

- v. توسط ایرناتیوس نقل قول شده (۱۴۰ الی ۲۰۳ میلادی)
 - vi. توسط اورینگن (۱۸۵ الی ۲۵۳ میلادی) نقل قول شده. اورینگن معتقد بود که اول پطرس ۵: ۱۳ جایی که پطرس مرقس را "پسر" خطاب می کند به معنی این است که او انجیل مرقس را برایش نوشت.
 - vii. نقل قول توسط ترتولیان (۱۵۰ الی ۲۲۲ میلادی)
۳. دلایل در مورد زیر سوال بردن نویسندگی پطرس شاگرد
- a. در بخش موراتوریان، لیست کتب شرعی که در روم بین سالهای ۱۸۰ الی ۲۰۰ میلادی گردآوری شده، فهرست نشده است
 - b. یونانی آن خوب است، یونانی کوبین درست، که از یک ماهیگیر اهل جلیل و تحصیل نکرده بعید است (*a grammatos*). مراجعه شود به اعمال رسولان ۴: ۱۳)
 - c. بیشتر شبیه نوشته های پولس در رومیان و افسسیان است
 - d. توصیف آزار و اذیت در اول پطرس بیشتر با زمانهای بعدی مطابقت دارد
 - i. دومیتیان (۸۱ الی ۹۶ میلادی)
 - ii. تراجان (۹۸ الی ۱۱۷ میلادی)
۴. پاسخ های احتمالی به نکات اساتید عصر مدرن
- a. قطعه موراتوریان آسیب دیده و حداقل یک سطر متن در آن نیست (مراجعه شود به *A General Survey of the History of the Canon of the New Testament* اثر B. F. Westcott چاپ ششم، صفحه ۲۸۹)
 - b. پطرس درس نخوانده نبود (مراجعه شود به اعمال رسولان ۴: ۱۳) بلکه صرفا در مدرسه ربی ها تعلیم ندیده بود. ظاهرا اکثر یهودیان جلیل از بدو تولد دوزبانه بودند. مسئله مهم دیگر در این بحث این است که پطرس از یک عالم استفاده میکند. گفته های اول پطرس ۵: ۱۲ میگوید که ممکن است او از سیلوانوس (سیلاس) استفاده کرده باشد.
 - c. هم پطرس و هم پولس اغلب مسائل عبادتی و آموزشی مرسوم در کلیسای اولیه را نقل میکردند (اسناد آموزشی دینی). آنها در طی سالها با یکدیگر تماس هایی داشتند (مراجعه شود به اعمال رسولان، غلاطیان، دوم پطرس ۳: ۱۵ الی ۱۶).
به نظر من محتمل ترین دلیل در مورد شباهت های میان نوشته های پطرس و پولس می تواند این چنین توضیح داده شود که هر دو از سیلاس (سیلوانوس) به عنوان کاتب استفاده می کردند.
 - d. اول پطرس لزوما با تابات یک آزار و اذیت در سراسر امپراطوری نیست. تصریح پطرس در مورد اینکه مومنین نیاز به یک حکومت دارند (مراجعه شود به اول پطرس ۲: ۱۳ الی ۱۷) در روزگاری که یک امپراتوری گسترده وجود داشت، غیر معمول است.
بیماری روانی در حال رشد نرو (۵۴ الی ۶۸ میلادی) (خود بزرگ بینی) فرقه های محلی را، به خصوص در آسیای صغیر، برای تحریک آزار و اذیت های محلی تشویق میکرد. اول پطرس با روزگار نرو بیشتر مطابقت دارد تا دوران دومیتیان (۸۱ الی ۹۶ میلادی) یا تراجان (۹۸ الی ۱۱۷ میلادی). حتی این احتمال هست که برخی از آزار و اذیتها از جانب گروه های یهودی و نیز حکومت های محلی ابراز میشدند.
۵. هیچ چیز در اول پطرس وجود ندارد که نیازمند دوره بعدی یا نویسنده باشد.

تاریخ

۱. تاریخ به وضوح مربوط به نویسنده است.
۲. روایت مرگ پطرس و پولس در روم تحت دوران نرو را به یکدیگر مرتبط میدانند، احتمالا ۶۵ میلادی. اگر چنین باشد، پس در نتیجه اول پطرس میان سالهای ۶۳ الی ۶۴ میلادی نوشته شده است.
۳. اگر اول پطرس به کلمنت رم (سال ۹۵ میلادی) اشاره داشته باشد، زمان آن برای اواسط قرن نخست، محتمل است.
۴. آ. تی. رابرتسون معتقد است که پطرس حدود ۶۷-۶۸ میلادی درگذشت و اول پطرس را در ۶۵-۶۶ میلادی نوشت. من فکر میکنم او ۶۴-۶۵ میلادی درست قبل از مرگش این را نوشت.

گیرندگان

۱. همانند نامه مرسوم در قرن اول، گیرندگان در اول پطرس ۱: ۱ فهرست شده اند: "کسانی که به عنوان غریبان پراکنده در سراسر پونتوس، غلاطیه، کاپادوکیه، آسیا و بیطینییه پخش شده اند". این مناطق رومی (با تصور اینکه غلاطیه همان نژاد شمالی غلاطیا باشد) در شمال ترکیه امروزی قرار دارند. این مناطق ظاهرا مناطقی هستند که نه پولس در آنها بشارت داد (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۶: ۶) و نه پطرس (مراجعه شود به اول پطرس ۱: ۱۲). احتمالا این کلیساها از یهودیانی که ایمان آورده و پس از پنتیکاست به خانه بازگشته اند، منشا گرفته اند (مراجعه شود به اعمال رسولان ۲: ۹ الی ۱۱).

۲. هر چند این کلیساها ممکن است در ابتدا توسط یهودیان مومن در زمان نوشتن پطرس تشکیل شده باشند، ولی بیشتر آنان کافر بودند.

a. قبلا خدا را نادیده می‌گرفتند (۱: ۱۴)

b. شیوه های بیهوده زندگی که از پدرانشان به ارث رسیده است (اول پطرس ۱: ۱۸)

c. این مردمان خدا شده‌اند (اول پطرس ۲: ۹ الی ۱۰، نقسی در هوشع ۱: ۹ الی ۱۰، ۲: ۲۳)

d. میان کفار (اول پطرس ۲: ۱۲)

e. فهرست گناه های نابخشودنی (اول پطرس ۴: ۳ الی ۴)

۳. کتاب دربر دارنده عناصر یهودی است

a. اصطلاحات "بیگانه" "غریبه" و "دیاسپورا" منعکس کننده سنتهای یهود هستند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۷: ۳۵، اعمال رسولان ۷: ۶)

b. استفاده از کتاب عهد عتیق

i. کتاب خروج ۱۹ (مراجعه شود به اول پطرس ۲: ۵ و ۹)

ii. اشعیا ۵۳ (مراجعه شود به اول پطرس ۱: ۱۹ و ۲: ۲۲ و ۲۴ و ۲۵)

با این حال، این مثالها الزاما منعکس کننده کلیسای یهودی نیستند بلکه:

۱. عنوان عهد عتیق را از اسرائیل به کلیسا تغییر میدهند ("پادشاهی کشیشان")

a. اول پطرس ۲: ۵

b. اول پطرس ۲: ۹

۲. یک سند آموزشی کلیسا (یعنی، یک سری تعالیم مذهبی و دینی برای کسانی که تازه ایمان آورده اند)، که از متون مسیحی عهد

عتیقی استفاده میکند

a. اول پطرس ۱: ۱۹ - اشعیا ۵۳: ۷ (یعنی بره)

b. اول پطرس ۲: ۲۲ - اشعیا ۵۳: ۵

c. اول پطرس ۲: ۲۴ - اشعیا ۵۳: ۴ و ۵ و ۱۱ و ۱۲

d. اول پطرس ۲: ۲۵ - اشعیا ۵۳: ۶

۴. هر چند پطرس فرا خوانده شد که به طور خاص به یهودیان بشارت دهد (مراجعه شود به غلاطیان ۲: ۸)، او همانند پولس، با هم یهودیان و هم غیر

یهودیان کار میکرد (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۰). ایمان آوردن کرنلیوس به پطرس جامع بودن ریشه ای انجیل را نشان داد. اول پطرس

پطرس منعکس کننده این تشخیص جدید است.

هدف

۱. اول پطرس هم جنبه دکتین و هم جنبه عملی دارد. با این حال، همانطور که پولس نامه خود را به یک بخش آغازین بر مبنای دکتین و یک بخش

جمع بندی برای کاربرد تقسیم کرد، پطرس هر دو را در هم آمیخت و یکی کرد. کتاب او را بسیار سخت تر میتوان بررسی کرد. از بسیاری جهات بیشتر منعکس کننده یک موعظه است تا یک نامه.

۲. مورد اصلی که در خصوص آن بحث میشود درد و رنج و تحمل آزار و اذیت است. این کار به دو روش انجام شده است.

a. عیسی به عنوان نهایت مثال برای مورد آزار و شکنجه قرار گرفتن و طرد شدن معرفی شده است (مراجعه شود به اول پطرس ۱: ۱۱، ۲: ۲۱ و ۲۳، ۳: ۱۸، ۴: ۱ و ۱۳، ۵: ۱).

b. از پیروان عیسی خواسته میشود تا رفتار و کارهای او را تکرار و شبیه سازی کنند (مراجعه شود به اول پطرس ۱: ۶ الی ۷، ۲: ۱۹، ۳: ۱۳ الی ۱۷، ۴: ۱ و ۱۲ الی ۱۹، ۵: ۹ الی ۱۰).

۳. در نور درد و رنج و آزار و اذیتهایی که در اوایل مسیحیت بسیار رایج بود، اینهمه ذکر آمدن دوم حیرت انگیز نیست. این کتاب، همانند بیشتر نوشته های عهد جدید، تماما اسکاتولوژیک است.

ژانر

۱. این کتاب دارای بخش آغازین و جمع بندی است که در قرن نخست در ادبیات یونانی-رومی مرسوم بود.

a. اول پطرس ۱: ۱ الی ۲

i. نویسنده

ii. گیرندگان

iii. دعا

b. اول پطرس ۵: ۱۲ الی ۱۴

i. حسن ختام

۱. از چه کسی

۲. به چه کسی

ii. دعا

۲. متن خود نامه بیشتر به یک موعظه شبیه است تا یک نامه. برخی تصور کرده اند که این

a. اول یک موعظه بود

b. اول یک مناجات تعمید بود

c. این اولین بخش های ترکیبی از تعالیم مذهبی بود

۳. به نظر میرسد که نامه در اول پطرس ۴: ۱۱ با یک عبارت تسبیحی خاتمه می یابد، ولی هیچ نسخه دستنویس یونانی در این نقطه پایان نمی یابد.

احتمال دارد که اول پطرس ۴: ۱۲ الی ۵: ۱۱ یک خلاصه هدفمند از کل نامه باشد.

۴. من شخصا فکر میکنم که اول پطرس به عنوان یک نامه دوره ای به کلیساها باشد که پطرس شخصا آنها را پایه ریزی کرد، بیشتر شبیه کولیسان

پولس (به کولس، لادیکه، هیراپولیس ارسال شد، مراجعه شود به کولسیان ۴: ۱۳)، ولی همچنین یک تشویق کلی برای مومنین تا مراقب مشکلات پیش رو باشند، بیشتر شبیه نامه های غلاطیان و افسسیان پولس.

این ژانر دوره ای فقدان یک بخش آغازین و پایانی شخصی را برای نامه توضیح میدهد. همچنین فقدان بیان مثال های خاص از آزار و اذیت را هم توضیح میدهد.

تقدیس

۱. من طبقه بندی تقدیس را به اول پطرس اضافه میکنم زیرا این بحث در دوم پطرس بسیار بحث برانگیز است.

۲. اول پطرس در *Eccl. His.* ایزوبیوس ۳: ۳: ۲۵ در بخش "کتب بی قید و شرط" فهرست شده است. در کلیسای باستان هیچوقت در مورد واقعی بودن نامه های پطرس شاگرد تردید نشد.

۳. به دلیل تعدد نوشته های جدی در وصف پطرس مسئله تقدیس تشدید میشود. کلیسای اولیه هرگز هیچکدام از اینها را نپذیرفت، و فقط اول پطرس را به رسمیت شناخت و در مورد اینکه دوم پطرس واقعا متعلق به او باشد بحث داشت.

a. اعمال پطرس

b. اعمال پطرس و اندریاس

c. اعمال پطرس و پولس

d. علاقه پطرس و پولس

e. اعمال پطرس و دوازده شاگرد

f. آپوکالیپس پطرس

g. انجیل پطرس

h. علاقه پطرس

i. محبت پطرس

j. موعظه پطرس

k. کارهای کودکان پطرس

(جهت بحث در مورد هر یک از این مستعارات به *Zondervan Pictorial Encyclopedia of the Bible* جلد چهارم صفحات ۷۲۱ الی ۷۲۳، ۷۲۳ الی ۷۳۲ و ۷۳۳ و ۷۴۰ مراجعه کنید). هیچ یک از این نوشته ها که به پطرس نسبت داده شده اند حتی به صورت جدی به عنوان بخشی قداست عهد عتیق تلقی نمی شوند. این، به خودی خود، بیشتر در مورد اضافه شدن اول و دوم پطرس به ما میگوید.

چرخه مطالعه اول

این یک راهنمای مطالعات تفسیری است، که به معنای آن است که شما مسئول تفسیر خودتان از انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر نوری که داریم حرکت کنیم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. البته نباید مفسر را نادیده بگیرید.

فصل را به صورت یکجا بخوانید. موضوع کلی کتاب را با کلمات خود بیان کنید.

۱. موضوع کل کتاب

۲. نوع ادبیات کتاب

چرخه مطالعه دوم

این یک راهنمای مطالعات تفسیری است، که به معنای آن است که شما مسئول تفسیر خودتان از انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر نوری که داریم حرکت کنیم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. البته نباید مفسر را نادیده بگیرید. کل کتاب انجیلی را یکجا بخوانید. موضوعات اصلی را مشخص کنید و آنها را در یک جمله بیان کنید.

۱. موضوع اولین نکته
۲. موضوع دومین نکته
۳. موضوع سومین نکته
۴. موضوع چهارمین نکته
۵.

اول پطرس ۱: ۱ الی ۳: ۲

پاراگراف‌های ترجمه‌های مدرن

UBS ⁴	NKJV	NRSV	TEV	NJB
سلام	خوشامدگویی به زائرین منتخب	سلام	مقدمه	خطاب و خیر مقدم
۱: ۱ الی ۲	۱: ۱ الی ۲	۱: ۱ الی ۲	۱: الف ۱: ب الی ۲ ۱: ۲ ب	۱: ۱ الی ۲
یک امید زنده	وارث بهشتی	شادمانی در رستگاری	امید زنده	مقدمه ای بر وارثین مسیحی
۱: ۳ الی ۹	۱: ۳ الی ۱۲	۱: ۳ الی ۹	۱: ۳ الی ۵	۱: ۳ الی ۵ وفاداری به مسیح و عشق مسیح
			۱: ۶ الی ۹	۱: ۶ الی ۹ امید انبیا
۱: ۱۰ الی ۱۲		۱: ۱۰ الی ۱۲	۱: ۱۰ الی ۱۲	۱: ۱۰ الی ۱۲ نیازهای زندگی جدید و تقدس تازه تعمید گرفتگان
فراخواندن به زندگی مقدس	زندگی در برابر خدا که پدر ما است	تقاضای تقدس	فراخواندن به زندگی مقدس	
۱: ۱۳ الی ۱۶	۱: ۱۳ الی ۲۱	(۱: ۱۳ الی ۲: ۱۰) ۱: ۱۳ الی ۱۶	۱: ۱۳ الی ۱۶	۱: ۱۳ الی ۲۱
۱: ۱۷ الی ۲۱		۱: ۱۷ الی ۲۱	۱: ۱۷ الی ۲۱	تهذیب اخلاقی توسط کلام
	کلام پایدار			
۱: ۲۲ الی ۲۵	۱: ۲۲ الی ۳: ۲	۱: ۲۲ الی ۳: ۲	۱: ۲۲ الی ۲۵	۱: ۲۲ الی ۳: ۲

* تقسیم‌بندی پاراگرافها، تحت تاثیر الهام صورت نگرفته، بلکه کلید درک مطلب و دنبال کردن عزم اولیه نویسنده می‌باشند. هر ترجمه جدید، پاراگراف‌ها را تقسیم و خلاصه کرده است. هر پاراگراف شامل یک موضوع مرکزی، حقیقت یا تفکری است. هر نسخه این موضوع را به شیوه‌ای متمایز به کار می‌گیرد. همانطور که متن را می‌خوانید، از خودتان سوال کنید که کدام ترجمه متناسب با درک شما از موضوع و تقسیم بندی آیه است. در هر فصل ما ابتدا باید کتاب مقدس را بخوانیم و سعی کنیم موضوعات آن (پاراگراف‌ها) را شناسایی کنیم، سپس درک خود با نسخه‌های جدید را مقایسه کنیم. تنها وقتی می‌توانیم هدف اصلی نویسندگان را دریابیم که با پیروی از منطق و نحوه ارائه آن، بتوانیم واقعا کتاب مقدس را درک کنیم. فقط نویسنده اصلی الهام گرفته است - خوانندگان حق ندارند پیام را تغییر داده یا اصلاح کنند. خوانندگان کتاب مقدس مسئولیت اعمال حقیقت الهام گرفته را روزانه و در طول زندگی دارند. توجه داشته باشید که تمام اصطلاحات فنی و اختصارات به طور کامل در اسناد زیر توضیح داده شده است: انتقادات متنی و واژه‌نامه.

مطالعه حلقه سوم (رجوع کنید به "راهنمای مطالعه مفید انجیل")

به دنبال نیت اصلی نویسنده در سطوح پاراگراف

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید.

کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص نمایید (مطالعه حلقه شماره ۳). تقسیمات موضوعی خود را با پنج ترجمه بالا مقایسه کنید. پاراگراف‌بندی به نویسنده الهام نشده است، اما کلید پیگیری اهداف اصلی نویسنده است که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول

NASB: اول پطرس ۱: ۱ الی ۲

از پطرس، رسول عیسی مسیح،

به غریبان پراکنده در پونتوس و غلاطیه و کاپادوکیه و آسیا و بیطینیه؛^۲ به آنان که بنا بر پیشدانی خدای پدر، به واسطه عمل تقدیس کننده روح، و برای اطاعت از عیسی مسیح و پاشیده شدن خورش بر ایشان، برگزیده شده‌اند. فیض و سلامتی به فزونی بر شما باد.

۱: ۱ "پطرس" پطرس سخنگوی بدیهی دوازده شاگرد بود. او عضوی از حلقه داخلی (پطرس، یعقوب، و یوحنا) بود. شهادتهای عینی پطرس از زندگی و تعالیم عیسی (مراجعه شود به اول پطرس ۵: ۱) در انجیل مرقس به ثبت رسیده اند (احتمالا نخستین انجیل نوشته شده، همچنین احتمالا توسط مرقس از موثله‌های پطرس در روم نوشته شده است).

رابطه خاص عیسی با پطرس هم در انجیل متی ۱۶ و انجیل یوحنا ۲۱ ثبت شده است. با این حال، این رابطه خاص به عنوان مغز متفکر گروه تأیید نشده است. پطرس به عنوان رهبر (پاپ) مسیحیان غربی یک بسط تاریخی است (همانند نگرش به مریم در میان کاتولیک‌های رم) نه یک آموزه انجیلی واضح. اول پطرس درجه ای به سوی شاگردی قلبی و زندگی پرآشوب از این رهبر حیرت انگیز ارائه میدهد.

اصطلاح پطرس در زبان یونانی به معنی "یک سنگ جداگانه" در مقابل سنگ زیرین (پترا، یعنی حالت مونث) است (مراجعه شود به انجیل متی ۱۶: ۱۸)، در زبان آرامی هر دو قیافا ترجمه شده اند، و هر گونه تمایز میان دو اصطلاح یونانی در گفته‌های عیسی به پطرس از بین رفته اند!

■ "رسول" این اصطلاح با مفهوم یهودی آن به معنی "کسی که با اختیار فرستاده شده" است. پطرس همیشه در اول فهرست لیست شده است. عیسی دوازده شاگرد خود را انتخاب کرد تا همیشه با او باشند و آنان را "رسول" نامید (مراجعه شود به انجیل لوقا ۶: ۱۳). این اصطلاح اغلب در مورد عیسی به عنوان کسی که از جانب پدر فرستاده شده است استفاده میشود (مراجعه شود به انجیل متی ۱۰: ۴۰، انجیل مرقس ۹: ۳۷، انجیل لوقا ۹: ۴۸، انجیل یوحنا ۴: ۳۴، ۵: ۲۴ و ۳۰ و ۳۶ و ۳۷ و ۳۸، ۶: ۲۹ و ۳۸ و ۳۹ و ۴۰ و ۵۷، ۷: ۲۹، ۸: ۴۲، ۱۰: ۳۶، ۱۱: ۴۲، ۱۷: ۳ و ۸ و ۱۸ و ۲۱ و ۲۳ و ۲۵، ۲۰: ۲۱). دوازده شاگرد در انجیل متی ۱۰: ۱ الی ۴، انجیل مرقس ۳: ۱۳ الی ۱۹، انجیل لوقا ۶: ۱۲ الی ۱۶، اعمال رسولان ۱: ۱۲ الی ۱۳ فهرست شده اند.

■ "عیسی" این نام عبری به معنی "یهوه نجات میدهد" یا "یهوه رستگاری می آورد" است. این نام توسط یک فرشته به والدین او گفته شد (مراجعه شود به انجیل متی ۱: ۲۱). "عیسی" از کلمه عبری برای رستگاری، هوشع، با پسوند پیمان به نام خدا مشتق شده است. این مشابه اسم یوشع در زبان عبری است.

■ "مسیح" (کرایست) این معادل یونانی اصطلاح عبری مسیح است که به معنی آن تطهیر شده است. این نام دلالت بر "کسی که توسط خدا فرا خوانده شده و بر کار خاصی گماشته شده است" دارد. در عهد عتیق سه گروه خاص از رهبران تطهیر میشوند: کشیشان، پادشاهان و انبیا. عیسی این هر سه را تحقق بخشید (مراجعه شود به عبرانیان ۱: ۲ الی ۳). به موضوع خاص: تدهین در انجیل در بخش مربوط به انجیل مرقس ۶: ۱۳ مراجعه کنید.

NASB "به آنان که به عنوان غریبه زندگی میکنند"

NKJV "به زائرین پراکنده"

NRSV "به تبعیدیان پراکنده"

TEV "به کسانی که توسط خدا انتخاب شده و به عنوان پناهنده زندگی میکنند"

NJB "به تمامی کسانی که به عنوان بیگانه زندگی میکنند"

این نامه تناوبی به عمدتاً به گروه‌های مومنین تازه ایمان آورده ارسال شد (اول پطرس ۱: ۱۴ و ۱۸، ۲: ۹ الی ۱۰ و ۱۲، ۴: ۳ الی ۴). پطرس اغلب از اصطلاحات عهد عتیقی برای توصیف کلیسای عهد جدید استفاده میکرد (مراجعه شود به اول پطرس ۲: ۵ و ۹).

■ "پراکنده در سراسر" این به مفهوم دیاسپورا است، که یعنی "کاشتن". این اصطلاح معمولاً توسط یهودیان فلسطین که خارج از فلسطین زندگی میکردند استفاده میشد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۷: ۳۵). پطرس از آن برای اشاره به کلیساهایی که توسط خار جیان و یهودیان ایمان آورده در شمال آسیای میانه استفاده میکرد. این ایمان آوردگان اینک اتباع بهشت هستند (مراجعه شود به فیلیپیان ۳: ۲۰، عبرانیان ۱۱: ۸ الی ۱۰، ۱۳ الی ۱۶)، ولی برای باقی زندگی زمینی به صورت بیگانه و در تبعید زندگی میکردند.

■ "پونتوس و غلاطیه و کاپادوکیه و آسیا و بیطینیه" پونتوس جزو قلمرو روم نبود. این فهرست بیشتر به گروه‌های نژادی اشاره میکند. به نظر میرسد که این لیست منعکس کننده مسیری است که نامه طی میکند، از سینوپ در دریای سیاه آغاز میشود و در مسیر حرکت عقربه‌های ساعت به بیطینیه باز میگردد. ذکر شده که تعداد زیادی از این گروه‌ها در زمان پنتیکاست حضور داشته‌اند (مراجعه شود به اعمال رسولان ۲: ۹ الی ۱۱).

۱: ۲ "آنان که بنا بر پیشدانی خدای پدر، به واسطه عمل تقدیس کننده روح، و برای اطاعت از عیسی مسیح و پاشیده شدن خورش بر ایشان،

برگزیده شده‌اند" این تأکیدی بسیار قوی مبنی بر سلطه خداوند است (که توصیف کننده اول پطرس است)، اغلب در عهد عتیق استفاده شده تا انتخاب اسرائیل توسط یهوه را تصریح کند (مراجعه شود به کتاب تثنیه ۴: ۳۷، ۷: ۶ الی ۷، ۱۴: ۲، اشعیا ۶۵: ۹). در عهد عتیق انتخاب در رابطه با خدمتگزاری است، با این حال، در عهد جدید این اصطلاح در رابطه با رستگاری معنوی میباید.

اصطلاح "پیشدانی" (به صورت اسم [prognōsis] فقط در اینجا و اعمال رسولان ۲: ۲۳، در حالت فعل [proginōskō] از دید الهیاتی در رومیان ۸: ۲۹، ۱۱: ۲ استفاده شده است) در رابطه با تلاش یا منفعت انسان نیست (مراجعه شود به افسسیان ۲: ۸ الی ۹، دوم تیموتائوس ۱: ۹، تیتوس ۳: ۵). خدا حاکم است و تمام تاریخ برای او حاضر است. فقط انسانها زمان را به صورت گذشته، حال و آینده تجربه میکنند. به خاطر داشته باشید که پطرس، سخنگوی گروه شاگردان و منکر سرورمان، کسی است که اینها را مینویسد. پطرس به خاطر اینکه خدا کی است انتخاب شد، نه اینکه پطرس کی بود! لطف خدا به واسطه پیشدانی یا رستگاری یا چیز دیگری نیست بلکه بر اساس اعمال انسان در آینده است.

تثلیث به صورت فعال در اینجا دیده میشود: پدر (اول پطرس ۱: ۳ الی ۵)، پسر (اول پطرس ۱: ۶ الی ۹)، و روح القدس (اول پطرس ۱: ۱۰ الی ۱۲). کلمه "تثلیث" یک اصطلاح انجیلی نیست، بلکه سه گانه بودن خدا اغلب به صورت واحد در متون مختلف ذکر میشود. موضوع خاص: تثلیث در بخش مربوط به انجیل مرقس ۱: ۱۱ را مطالعه کنید.

موضوع خاص: انتخاب

SPECIAL TOPIC: ELECTION/PREDESTINATION AND THE NEED FOR A THEOLOGICAL (BALANCE)

انتخاب دکترین جالبی است. فراخواندن برای طرفداری یا حمایت نیست، بلکه فراخواندن برای این است که راه باشید، ابزاری برای رستگاری دیگران. در عهد عتیق این اصطلاح اساساً برای خدمت کردن استفاده شده است، در عهد جدید برای رستگاری استفاده شده که خدمتی است. انجیل هرگز آنچه که به نظر می‌رسد تضاد میان اراده خدا و اراده آزاد انسان است را نمی‌پذیرد، ولی هر دورا تأیید می‌کند. مثال خوبی از تنش انجیلی می‌توان رومیان ۹ در مورد انتخاب پادشاهی خدا و رومیان ۱۰ در مورد نیاز انسان به پاسخ باشد (مراجعه شود به رومیان ۱۰: ۱۱ و ۱۳).

کلید این تنش الهیاتی را شاید بتوان در افسسیان ۱: ۴ یافت. عیسی مرد منتخب خدا است و همه چیز در انتخاب او است (Karl Barth). عیسی پاسخ "بله" خدا به نیاز انسان سقوط کرده است (Karl Barth). افسسیان ۱: ۴ همچنین با تصریح اینکه هدف تقدیر بهشت نیست، بلکه تقدس است کمک می‌کند تا مسئله مشخص شود (همانند مسیح بودن). ما اغلب جذب مزایای انجیل می‌شویم و مسئولیتها را فراموش می‌کنیم! فراخواندن خدا (انتخاب) برای زمان و در عین حال برای ابدیت است!

دکترین‌هایی در رابطه با سایر حقایق ارائه شده‌اند، البته نه یک حقیقت منفرد و نامربوط. یک مقایسه خوب می‌تواند یک کهکشان در برابر یک ستاره باشد. خدا حقیقت را در یک قالب شرقی ارائه داده نه غربی. ما نباید تنشی را که با پارادوکسهای دکترین حقیقت بوجود می‌آیند حذف کنیم (خدا به عنوان متعالی در برابر خدا به عنوان همه جا حاضر. امنیت در برابر استقامت، عیسی برابر با پدر در مقابل عیسی به عنوان خدمتگزار پدر، آزادی مسیحی در برابر مسئولیت مسیحی به پیمان، و غیره).

مفهوم الهیاتی پیمان پادشاهی خدا را (که همیشه پیش قدم بوده و دستور کار را تعیین می‌کند) با الزام اولیه در توبه پایدار و پاسخ از روی ایمان از جانب نوع بشر (مراجعه شود به انجیل مرفس ۱: ۱۵، اعمال رسولان ۳: ۱۶ و ۱۹، ۲۰: ۲۱) را به هم می‌پیوندد. مراقب باشید که تأیید یک وجه پارادوکس وجه دیگر را کم ارزش نکند.

موضوعات خاص زیر را مطالعه کنید

۱. انتخاب/تقدیر و نیاز به تعادل الهیاتی
۲. تقدیر در برابر آزادی اراده انسان
۳. پیمان
۴. ادبیات شرقی (پارادوکسهای انجیلی)

■ "به واسطه عمل تقدیس کننده روح" اصطلاح "تقدیس کننده" از ریشه یونانی "قدیس" (saint) یا "مقدس" (holy) می‌آید، در زبان آرامی این ریشه دلالت بر "جدا کردن برای انجام کاری خاص" دارد. مومنین کسانی هستند که "فرا خوانده شده، جدا شده و برای هر یک وظیفه خاصی در نظر گرفته میشود" (مراجعه شود به دوم تسالونیکیان ۲: ۱۳، که همچنین یک عبارت تثلیثی است).

این آغاز کلام با تأیید عملکردهای رستگاری هر سه نفر از تثلیث در ارتباط با مشکل بشر گمراه برای درک انجیل پطرس ضروری است.

۱. پدر - انتخاب میکند
۲. روح القدس - تقدیس میشود
۳. پسر - جان خود را پیشکش میکند

از آنجا که این عبارت هم در دوم تسالونیکیان ۲: ۱۳ و اول پطرس ۱: ۲ یافت میشود، جالب است که حدس بز نیم آیا سیلوانوس (مراجعه شود به اول پطرس ۵: ۱۲، که همچنین سیلاس هم خوانده میشود) ممکن است همان کاتبی باشد که اول پطرس را نوشته و همچنین کاتبی که پولس از وی استفاده کرد تا اول و دوم تسالونیکیان را بنویسد (اول تسالونیکیان ۱: ۱، دوم تسالونیکیان ۱: ۱). چندین نکات مشابه این زیاد در سراسر اول پطرس دیده میشوند. به موضوع خاص: شخصیت روح القدس در بخش مربوط به انجیل مرقس ۳: ۲۹ مراجعه کنید. همچنین این آزادی نگارش را نشان میدهد (کلمات و عبارات) که به زبان عامیانه ای که در کلیسای اولیه استفاده میشد، به کاتبین گفته میشد.

■ "برای اطاعت از عیسی مسیح" انجیل رابطه نوع بشر با خدا را با کلمات و اصطلاحات پیمانی معرفی میکند. خدا همیشه قدم اول را بر میدارد و دستور کار را تعیین میکند، ولی انسان باید با توبه، ایمان، اطاعت، خدمت کردن و استقامت پاسخ دهد. ما نجات پیدا میکنیم تا خدمت کنیم. اطاعت حساس است (مراجعه شود به انجیل لوقا ۶: ۴۶، افسسیان ۲: ۱۰). موضوع خاص: پیمان در بخش مربوط به انجیل مرقس ۱۴: ۲۴ را مطالعه کنید.

■ "و پاشیده شدن خورش بر ایشان" این یک استعاره عهد عتیقی است برای:

۱. تطهیر و بخشش (مراجعه شود به لایوان ۱۴: ۱ الی ۷)

۲. آغاز کتاب پیمان (مراجعه شود به کتاب خروج ۲۴: ۳ الی ۸)

۳. در جایگاه جدید قرار گرفتن (مراجعه شود به کتاب خروج ۲۹: ۲۰ الی ۲۲)

فداکاری عیسی (مراجعه شود به اشعیا ۵۳: ۱۰، انجیل مرقس ۱۰: ۴۵، دوم قرتیان ۵: ۲۱) به پیروانش اجازه داد که پذیرفته شوند، تطهیر گردند، بخشیده شوند و رابطه جدیدی را با خدا بدست آورند (مراجعه شود به عبرانیان ۱۰: ۲۲، ۱۲: ۲۴). مومنین کسانی هستند که با خون رها شده (نجات یافته) و بر آنها خون پاشیده شده است (تقدیس شده اند).

■ "فیض و سلامتی به فرزونی بر شما باد" این مشابه دوم پطرس ۲: ۱ و یهودا ۲ است. پولس هم از متن مشابهی برای شروع نامه هایش استفاده کرده است. شاید پطرس نامه های پولس را دیده، به خصوص رومیان و افسسیان و یا هر دو از ادبیات متداول و مرسوم قرن اولی پیروی کرده اند (یعنی ارائه مطالب آموزشی به نو ایمان آوردگان). به خاطر داشته باشید که ممکن است سیلاس به عنوان کاتب هم به پطرس (مراجعه شود به اول پطرس ۵: ۱۲) و پولس (مراجعه شود به اول و دوم تسالونیکیان ۱: ۱) خدمت کرده باشد. سیلاس همچنین یعقوب یوحنا را که احتمالاً به تازه ایمان آوردگان تعلیم میداد جایگزین کرده است. اگر چنین باشد، پس سیلاس در تعلیم خاص هم شرکت داشته و بنابراین با شیوه نگارش برای تازه ایمان آوردگان در کلیسای اولیه آشنا بوده است.

"فیض و سلامتی" یک آغاز کلام منحصر به فرد مسیحی و همچنین تصریح الهیاتی اولویت شخصیت رحیم خدا و اعمال رستگاری او است که برای نوع بشر فیض و سلامتی را مهیا میسازد، سلامتی که با کارهای خدای سه گانه (مراجعه شود به اول پطرس ۱: ۲) ارائه میشوند. فیض و سلامتی ما فقط از طریق اینکه بدانیم خدا کی هست و چه کاری کرده فراهم میشود.

این یک بسط است که این نامه معمولی مسیحی را به عنوان مدرکی مبنی بر اینکه پطرس هم به مومنین (فضل، که یک فرم مسیحی از خیر مقدم یونانی، Chairein بود) و یهودی (صلح بود که ترجمه یهودی معمولی بود سلام شالوم) مینویسد.

■ "به فرزونی بر شما باد" این یک عبارت متداول در عبادتها و دعاهای یهودی است (مراجعه شود به اول پطرس ۱: ۲، یهودا ۲).

NASB: اول پطرس ۱: ۳ الی ۹

آمتبارک باد خدا و پدر خداوند ما عیسی مسیح که از رحمت عظیم خود، ما را به واسطه رستخیز عیسی مسیح از مردگان، تولدی تازه بخشید، برای امیدوی زنده^۴ و میراثی فسادناپذیر و بی آلیش و ناپژمردنی که برای شما در آسمان نگاه داشته شده است؛^۵ و شما نیز به قدرت خدا و به واسطه ایمان، محفوظ هستید برای نجاتی که از هم اکنون آماده شده است تا در زمان آخر به ظهور رسد؛^۶ و در این بسیار شادمانید، هر چند اکنون زمانی کوتاه بنا به ضرورت در آزمایشهای گوناگون غمگین شده اید،^۷ تا اصالت ایمانتان در بوته آزمایش به ثبوت رسد و به هنگام ظهور عیسی مسیح به تمجید و تجلیل و اکرام بینجامد، همان ایمان که بس گرانبهارتر از طلاست که هر چند فانی است، به وسیله آتش آزموده می شود.^۸ شما گرچه او را ندیده اید، دوستش می دارید؛ و گرچه اکنون او را نمی بینید، به وی ایمان دارید و از شادمانی وصف ناپذیر و پر جلال آکنده اید،^۹ زیرا غایت ایمان خویش یعنی نجات جانهایتان را می یابید.

۱: ۳ "متبارک باد" این اصطلاح (*eulogētos*) مشابه اصطلاحی که در انجیل متی ۵ استفاده شده (*makarios*) نیست. دقیقاً در مورد خدا در عهد جدید استفاده شده است. ما اصطلاح انگلیسی "eulogy" را از این کلمه اقتباس کرده ایم. این مشابه تمجید تثلیث است که در افسسیان ۱: ۳ الی ۱۴، اول پطرس ۱: ۳ الی ۵ در رابطه با پدر، اول پطرس ۱: ۶ الی ۹ در رابطه با پسر و اول پطرس ۱: ۱۰ الی ۱۲ در رابطه با روح القدس یافت میشود.

■ "خدا و پدر" توماس اکیناس تلاش میکند تا وجود خدا را با تمرکز بر اینها اثبات کند

۱. طرح

۲. لزوم منطقی نخستین عامل حرکت

با این حال اینها مربوط به نیازهای منطقی و فلسفی انسان هستند. انجیل خدا را در گروه بندینی که در سطح منطق و تحقیق انسان است آشکار میکند. فقط مکاشفه خدا را به عنوان پدر سرورمان عیسی مسیح آشکار میکند. موضوع خاص: پدر در بخش مربوط به انجیل مرقس ۱۳: ۲۲ مطالعه کنید.

■ **"خداوند"** (در متن کتاب مقدس به زبان انگلیسی از عیسی مسیح هرگز به عنوان خداوند نام برده نشده است بلکه از اصطلاح *Lord* استفاده شده است - مترجم) اصطلاح یونانی "*Lord*" (*Kurios*) میتواند در مفهوم کلی استفاده شود و یا با بسط دادن آن در مفهوم الهیاتی مورد استفاده قرار گیرد. این اصطلاح به مفهوم "ارباب"، "آقا"، "سرور"، "مالک"، "شوهر" است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۹: ۳۶ و ۳۸). کاربرد عهد عتیقی این اصطلاح (در زبان عبری *adon*) از آنجا ناشی میشود که یهودیان از ذکر نام خدا، یهوه، از مصدر عبری بودن، (مراجعه شود به کتاب خروج ۳: ۱۴) ترس داشتند. موضوع خاص: اسامی خدا در بخش مربوط به انجیل مرقس ۱۲: ۲۶ را مطالعه کنید. آنان از شکستن فرامین ترس داشتند "نباید نام خدا را بیهوده بر زبان آورید" (مراجعه شود به کتاب خروج ۲۰: ۷، کتاب تثنیه ۵: ۱۱). بنابراین فکر میکردند اگر آن را بر زبان نیاورند، آن را بیهوده به کار نبرده اند. بنابراین وقتی کتاب مقدس را میخوانند کلمه عبری *adon* را که معنی مشابه کلمه یونانی *kurios* (*Lord*) دارد جایگزین میکردند. نگارندگان عهد جدید از این اصطلاح برای توصیف تماما الهی بودن مسیح استفاده میکردند. عبارت "عیسی سرور است" (*Jesus is Lord*) احتمالا اعتراف در ملا عام نسبت به ایمان و فرمول تعمیم کلیسای اولیه بود (مراجعه شود به رومیان ۱۰: ۱، ۹ الی ۱۳، اول قرنتیان ۱۲: ۳، فیلیپیان ۲: ۱۱).

■ **"که از رحمت عظیم خود"** این عبارت که شخصیت خدای پدر را تحسین میکند (اول پطرس ۱: ۳ الی ۵)، میتواند منعکس کننده الهامات، و ادبیات شعری کلیسای اولیه باشد. شخصیت اصلی انجیل خدا است! منظور، شخصیت و اعمال او هستند که تنها امید انسان گمراه و سقوط کرده برای پذیرش و استقامت هستند (مراجعه شود به افسسیان ۲: ۴، تیتوس ۳: ۵).

■ **"بخشید"** این نوع عبارتها برای تصریح سلطه خدا به عنوان تنها حقیقت انجیلی در رابطه با رستگاری استفاده میشود (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۱: ۱۸، یعقوب ۱: ۱۸، افسسیان ۱: ۴)، ولی این تنها نیمی از مفهوم پیمان است. موضوع خاص در بخش مربوط به انجیل مرقس ۱۴: ۲۴ را مطالعه کنید.

■ **"تولدی تازه بخشید"** این اصطلاح از همان ریشه *anagennaō*، مراجعه شود به اول پطرس ۱: ۲۳) است که در انجیل یوحنا ۳: ۳ (*gennaō*) هم به کار برده شده است. این یک وجه وصفی حرکتی آئوریست است، که در مورد یک عمل قطعی سخن میگوید. عهد جدید همچنین از سایر استعاره ها برای توصیف رستگاری ما استفاده کرده است: (۱) "زنده شدن" (مراجعه شود به کولسیان ۲: ۱۳، افسسیان ۲: ۴ الی ۵)، (۲) مخلوقی جدید (مراجعه شود به دوم قرنتیان ۵: ۱۷، غلاطیان ۶: ۱۵)، و (۳) "بخشی از طبیعت الهی" (مراجعه شود به دوم پطرس ۱: ۱۴). پولس به استعاره خانوادگی "به فرزندی گرفتن" علاقه داشت در حالیکه یوحنا و پطرس به استعاره خانوادگی "تولد جدید/نوزاد" علاقه داشتند.

"دوباره متولد شدن" یا "از بالا بدنیا آمدن" یک تاکید انجیلی بر نیاز به یک شروع کاملا جدید است، یک خانواده کاملا جدید (مراجعه شود به رومیان ۵: ۱۲ الی ۲۱). مسیحیت یک اصلاح یا یک سیرت نیست، یک رابطه جدید با خدا است. این رابطه جدید به واسطه اینها ممکن شده است:

۱. رحم و لطف پدر

۲. قربانی شدن و مرگ پسر و قیام او از مرگ

۳. کار روح القدس (مراجعه شود به اول پطرس ۱: ۲)

این اراده و کار الهی به مومنین یک زندگی جدید میدهد، یک امید زنده، و یقینا یک ارث.

■ **"امیدی زنده"** صفت "زنده" یک تاکید تکراری در اول پطرس است (مراجعه شود به اول پطرس ۱: ۳ و ۲، ۲۳ و ۲، ۴ و ۵ و ۲۴، ۴: ۵ و ۶). تمامی آنچه که خدا اراده کرده و انجام میدهد، زنده بوده و باقی میماند (یک بازی با کلمه یهوه).

■ **"به واسطه رستخیز عیسی مسیح از مردگان"** عیسی نماینده پدر است و ابراز رستگاری (همانطور که نماینده پدر در خلقت و همچنین به عنوان داور است). رستخیز عیسی حقیقت مرکزی انجیل است (مراجعه شود به رومیان ۱: ۴، اول قرنتیان ۱۵). قیام عیسی از مردگان ویژگی پیام مسیحی است که یونانیان نتوانستند آن را بپذیرند (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۷: ۱۶ الی ۳۴).

■ **"میراثی"** (در متن انگلیسی "بدست آوردن میراثی" که نوشته شده است - مترجم) در عهد عتیق هر قبیله ای به غیر از لاویان زمینی را به ارث بردند. به لاویان، به عنوان قبیله کشیشان، خدمتگزاران معبد و معلمین محلی با این دید نگاه میشد که خود یهوه با آنان است (مراجعه شود به مزامیر ۱۶: ۵، ۷۳: ۲۳ الی ۲۶، ۱۱۹: ۵۷، ۱۴۲: ۵، مراثی ارمیا ۳: ۲۴). نویسندگان عهد جدید اغلب حقوق و مزایای لاویان را گرفته و آنها را در مورد تمامی مومنین اعمال میکردند. این شیوه آنان برای تصریح این بود که پیروان عیسی مردمان واقعی خدا بوده و اینکه اینک مومنین فرا خوانده شده تا به عنوان کشیش به خدا خدمت کنند (مراجعه شود به اول پطرس ۲: ۵ و ۹، مکاشفه ۱: ۶)، همانطور که عهد عتیق در مورد تمامی اسرائیل این امر را تصریح میکند (مراجعه شود به کتاب خروج ۱۹: ۴ الی ۶). تاکید عهد جدید بر روی فرد به عنوان کشیش با امتیازات خاص نیست، بلکه بر این حقیقت که تمامی مومنین کشیشانی هستند که باید به صورت جمعی خدمت کنند (مراجعه شود به اول قرنتیان ۱۲: ۷). به مردمان عهد جدید خدا وظیفه عهد عتیقی بشارت جهانی داده شده است (مراجعه شود

به کتاب پیدایش ۱۲: ۳، کتاب خروج ۱۹: ۵، انجیل متی ۲۸: ۱۸ الی ۲۰، اعمال رسولان ۱: ۸). این است مفهوم کار عیسی به عنوان مالک خلقت زیرا او نماینده پدر در خلقت بود (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۳ و ۱۰، اول قرنتیان ۸: ۶، کولسیان ۱: ۱۶، عبرانیان ۱: ۲ الی ۳). ما شرکای این میراث هستیم زیرا او وارث است (مراجعه شود به رومیان ۸: ۱۷، غلاطیان ۴: ۷، کولسیان ۳: ۲۴).

موضوع خاص: وراثت ایمانداران (از اول پطرس ۱)

(SPECIAL TOPIC: BELIEVERS' INHERITANCE)

در عهد عتیق هر قبیله به غیر از لایوان زمینی را به ارث بردند (مراجعه شود به یوشع ۱۴ الی ۲۲). به لایوان به عنوان کشیشان، خادمان معبد و آموزگاران محلی با دید اینکه یهوه را دارند و وارث او هستند، دیده می‌شد (مراجعه شود به مزامیر ۱۶: ۵، ۷۳: ۲۳ الی ۲۶، ۱۱۹: ۵۷، ۱۴۲: ۵، مرانی ۳: ۲۴). نگارندگان عهد جدید اغلب حقوق و امتیازات لایوان را از آنان سلب کرده و آنها را به تمامی مومنین اطلاق می‌کردند. این شیوه آنان در تصریح این بود که پیروان عیسی مردمان راستین خدا بودند و اینکه، هم اکنون تمامی مومنین برای خدمت به عنوان کشیشان خدا به خدمت فرا خوانده شده‌اند (مراجعه شود به اول پطرس ۲: ۵ الی ۹، مکاشفه ۱: ۶)، همانطور که عهد عتیق در مورد تمامی اسرائیل این امر را تصریح می‌کند (مراجعه شود به کتاب خروج ۱۹: ۴ الی ۶). تاکید عهد جدید برای کشیش بودن هر فرد با امتیازات و مزایای خاص نیست، بلکه بر این حقیقت است که تمامی مومنین کشیشانی هستند که باید به صورت گروهی و جمعی خدمت کنند (مراجعه شود به اول قرنتیان ۱۲: ۷). به مردم عهد جدید خدا وظیفه بشارت دادن جهانی داده شده است (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱۲: ۳، کتاب خروج ۱۹: ۵، انجیل متی ۲۸: ۱۸ الی ۲۰، انجیل لوقا ۲۴: ۴۶ الی ۴۷، اعمال رسولان ۱: ۸، موضوع خاص: برنامه رستگاری جهانی یهوه را مطالعه کنید).

این است مفهوم کار عیسی به عنوان مالک خلقت زیرا او نماینده پدر در خلقت بود (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۳ و ۱۰، اول قرنتیان ۸: ۶، کولسیان ۱: ۱۶، عبرانیان ۱: ۲ الی ۳). ما شرکای این میراث هستیم زیرا او وارث است (مراجعه شود به رومیان ۸: ۱۷، غلاطیان ۴: ۷، کولسیان ۳: ۲۴). کتاب مقدس درباره مومنین که چیزهای بسیاری را به واسطه رابطه خانوادگی با عیسی که وارث همه چیز است (مراجعه شود به عبرانیان ۱: ۲) به ارث (مراجعه شود به اعمال رسولان ۲۰: ۳۲، ۲۶: ۱۸، افسسیان ۱: ۴، کولسیان ۱: ۱۲، ۳: ۲۴) می‌برند، صحبت می‌کند. بنابراین در به ارث بردن اینها شریک هستند (مراجعه شود به رومیان ۸: ۱۷، غلاطیان ۴: ۷):

۱. پادشاهی (مراجعه شود به انجیل متی ۲۵: ۳۴، اول قرنتیان ۶: ۹ الی ۱۰، ۱۵: ۵۰، افسسیان ۵: ۵)
۲. زندگی جاویدان (مراجعه شود به انجیل متی ۱۹: ۲۹، عبرانیان ۹: ۱۵)
۳. وعده‌های خدا (مراجعه شود به عبرانیان ۶: ۱۲)
۴. تعهد خدا بر وعده‌هایش (مراجعه شود به اول پطرس ۱: ۴ الی ۵)

■ "فسادناپذیر و بی‌آلایش و ناپژمردنی" در اول پطرس ۱: ۴ سه عبارت توصیفی برای توصیف ارثیه مومنین با استفاده از اشارات تاریخی عهد عتیق به سرزمین موعود بیان شده است. فلسطین از نظر جغرافیایی تنها سرزمینی بود که به صورت پلی میان امپراتورهای مقدونیه و مصر قرار داشت. این منجر به تهاجمات و مانورهای سیاسی بسیاری میشد. مومنین وارثین مناقشات دنیوی نبودند.

۱. "فساد ناپذیر" یا "امن از حمله"

۲. "طاهر" یا "پرانرژی"

۳. "محو ناشدنی"؛ محدودیت زمانی برای آن وجود ندارد

■ "در آسمان نگاه داشته شده است" (در نسخه انگلیسی "بهشت" نوشته شده ولی در ترجمه فارسی "آسمان" ترجمه شده است- مترجم) این ضمیر کامل مجهول است، که به معنی "خدا مومنین را محافظت کرده و به محافظت ادامه میدهد"، است. این یک اصطلاح نظامی برای محافظت کردن یا قلعه‌های سربازان است (مراجعه شود به فیلیپیان ۴: ۷).

اصطلاح "بهشت" جمع است. این منعکس کننده جمع بودن در زبان عبری است. در زبان عبری باستان اسامی جمع زیادی وجود داشت که میتواند راهی برای نشان دادن تاکید باشد (مانند کاربرد حالت جمع اعلیحضرت برای خدا توسط ربی‌ها). ربی‌ها بر سر این بحث داشتند که سه سطح در بهشت وجود دارد (مراجعه شود به کتاب تثنیه ۱۰: ۱۴، اول پادشاهان ۸: ۲۷، نحمیا ۹: ۶، دوم قرنتیان ۱۲: ۲) یا هفت سطح زیرا هفت عدد کامل است (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۲: ۱ الی ۳).

۵: ۱ "به قدرت خدا و به واسطه ایمان، محفوظ هستید" این فعل حال مجهول است. همانطور که میراث ما (زندگی معنوی) محافظت می‌شود، بنابراین، شخص ما (زندگی فیزیکی) نیز محافظت میشود. شخص خدا و وعده همه جنبه‌های زندگی ما را شامل می‌شود. در زمان آزار و اذیت، رنج و تعالیم دروغین (مانند پطرس ۲) چنین مطلبی مورد نیاز و تشویق بود. این بدان معنا نیست که مؤمنان کشته و شکنجه نخواهند شد؛ بلکه خدا با آنها بود و برای آنها و در نهایت آنها از طریق او پیروز بودند. این از لحاظ الهی شبیه به پیام کتاب مکاشفه است.

■ "به واسطه ایمان" به پارادوکس پیمان توجه کنید. خداوند آنها و وارث آنها را حفظ می کند، اما آنها باید در ایمان باقی بمانند. تنش بین این جفت دیالکتیکی کتاب مقدس (یعنی حاکمیت خدا و اراده آزاد انسان) است که موجب توسعه سیستم های الهیاتی شده است که بر تنها یک بخش از پارادوکس تأکید دارند. هر دو طرف کتاب مقدس هستند، هر دو طرف لازم هستند! خدا با پیمانهای غیر مشروط (که خدا آنها را ارائه میکند) و مشروط (واکنش فرد) سروکار دارد.

■ "نجاتی که از هم اکنون آماده شده است" کتاب مقدس برای توصیف رستگاری، از تمامی زمانهای فعل یونانی استفاده می کند. ما تا زمانی که روز رستاخیز فرا برسد، به طور کامل نجات نخواهیم یافت (مراجعه شود به یوحنا ۳: ۲). این اغلب به عنوان شکوه و عظمت ما خوانده می شود (مراجعه شود به رومیان ۸: ۲۹ الی ۳۰). به موضوع ویژه زیر مراجعه کنید.

موضوع خاص: افعال یونانی که برای رستگاری استفاده شدند

(SPECIAL TOPIC: SALVATION (GREEK VERB TENSES))

رستگاری یک محصول نیست، بلکه رابطه روزانه فردی با خدا در مسیح است. با اعتماد کردن فرد به مسیح خاتمه نمی یابد، تازه شروع شده است (یک دروازه و سپس یک راه، مراجعه شود به انجیل متی ۷: ۱۳ الی ۱۴). یک بیمه آتش سوزی نیست، و نه بلیط به بهشت، بلکه زندگی است که در شبیه مسیح بودن باید رشد کند (مراجعه شود به رومیان ۸: ۲۸ الی ۲۹، دوم قرنیتیان ۳: ۱۸، ۷: ۱، غلاطیان ۴: ۱۹، افسسیان ۱: ۴، ۴: ۱۳، اول تسالونیکیان ۳: ۱۳، ۴: ۳ و ۷، ۵: ۲۳، اول پطرس ۱: ۱۵). در آمریکا ضرب المثلی داریم که می گوید هر چه یک زوج بیشتر با هم زندگی کنند، بیشتر شبیه به یکدیگر می شوند. این هدف رستگاری است!

رستگاری به عنوان عمل کامل شده (آتوریست)

- اعمال رسولان ۱۵: ۱۱
- رومیان ۸: ۲۴
- دوم تیموتائوس ۱: ۱۹
- تیتوس ۳: ۵
- رومیان ۱۳: ۱۱ (زمان آتوریست با مسیر آینده ترکیب کرده است)

رستگاری به عنوان حالی از بودن (کامل)

- افسسیان ۲: ۵ و ۸

رستگاری به عنوان فرایندی ممتد (حال)

- اول قرنیتیان ۱: ۱۸، ۱۵: ۲
- دوم قرنیتیان ۲: ۱۵
- اول پطرس ۳: ۲۱

رستگاری به عنوان آینده ای که تحقق خواهد یافت (حالت آینده در زمان فعل یا متن)

- رومیان ۵: ۹ و ۱۰، ۱۰: ۹ و ۱۳
- اول قرنیتیان ۳: ۱۵، ۵: ۵
- فیلیپیان ۱: ۲۸
- اول تسالونیکیان ۵: ۸ الی ۹
- عبرانیان ۱: ۱۴، ۹: ۲۸
- اول پطرس ۱: ۵

بنابراین رستگاری با تصمیم اولیه و ایمان آغاز می شود (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۱۲، ۳: ۱۶، رومیان ۱۰: ۹ الی ۱۳)، ولی این باید تبدیل به شیوه زندگی از روی ایمان شود (مراجعه شود به رومیان ۸: ۲۹، غلاطیان ۲: ۱۹ الی ۲۰، افسسیان ۱: ۴، ۲: ۱۰)، که روزی تحقق آن دیده خواهد شد (مراجعه شود به اول یوحنا ۳: ۲). رستگاری وضعیت نهایی جلال یافتن نامیده می شود (مراجعه شود به رومیان ۸: ۲۸ الی ۳۰) می توان آن را به شیوه زیر به تصویر کشید:

۴. رستگاری اولیه - نجات یافتن از مجازات گناه
۵. رستگاری در حال بسط یافتن - نجات یافتن از قدرت گناه
۶. رستگاری نهایی - جلال یافتن (نجات یافتن از وجود گناه)

■ "در زمان آخر" این مفهوم بعد یهودی دو عصر است، اما از عهد جدید ما متوجه می شویم که این دو عصر همپوشانی دارند. روزهای آخر از رستاخیز در بیت لحم آغاز شد و در آمدن دوم نتیجه گیری خواهد شد. ما تقریباً در دو هزاره گذشته در روزهای آخر بوده ایم. مراجعه شود به موضوع خاص: این عصر و

"به شدت در این شادی میکنید"	NASB
"در این شادی میکنید"	NKJV
"شادی در این"	NRSV (footnote)
"از این خوشحال باشید"	TEV
"این برای شما شادی بزرگی است"	NJB

این یک زمان میانی اخباری (A.T. Robertson) یا امری (Barbara and Timothy Friberg) است. مؤمنان به دلیل رابطه امن خود با خدا (مراجعه شود به اول پطرس ۱: ۳ الی ۵) حتی در میانه این دنیای گمراه به راه خود ادامه میدهند (مراجعه شود به یعقوب ۱: ۲ الی ۴، اول تسالونیکیان ۵: ۱۶، رومیان ۵: ۳، ۸: ۱۸).

■ "هرچند اکنون زمانی کوتاه" محاکمه و آزار و شکنجه در حال حاضر را نمیتوان با در کنار خدا بودن تا ابدیت مقایسه کرد (مراجعه شود به رومیان ۸: ۱۸).
■ "بنا به ضرورت در آزمایشهای گوناگون غمگین شده‌اید" این اصطلاح یونانی *dei* است که به معنی مورد نیاز یا ضروری است، به یک جمله مشروط متصل است. یک حالت فرضی فعل "بودن" وجود دارد که باعث می شود که آن را یک شرط اول کلاس خواند، شرطی که تصور می شود درست باشد. پطرس فرض می کند که زندگی خدایی به آزار و اذیت منجر شود. او این موضوع آزار و شکنجه را اغلب تکرار می کند (مراجعه شود به اول پطرس ۱: ۶ الی ۷، ۲: ۱۹، ۳: ۱۴ الی ۱۷، ۴: ۱ و ۱۲ الی ۱۴ و ۱۹، ۵: ۹).

■ "غمگین شده‌اید" این زمان، وجه وصفی آنوریست است. عامل مجهول و بیان نشده، بدی است؛ خداوند برای اهداف خوب خود، حتی از شر هم استفاده می کند. حتی عیسی خود را با چیزهایی که از آنها رنج فراوانی تحمل کرده بود، کامل کرد (مراجعه شود به عبرانیان ۵: ۸ الی ۹). درد و رنج در زندگی به عنوان رنجی که باید برای هدف تقبل کرد، تلقی میشود. معضل الهی این است که رنج سه منبع ممکن دارد:

۱. شیطان

۲. دنیای گمراه

۳. خدا

a. به صورت موقتی برای تنبیه گناه

b. برای بلوغ همانند مسیح شدن

مشکل این است که من هرگز نمی دانم کدام یک از آنها شامل من است! بنابراین من تصمیم می گیرم که به این باور برسم که اگر برسد، بله، وقتی که می آید، خدا از آن برای مقاصدش استفاده می کند. کتاب مورد علاقه من در این زمینه، *The Christian's Secret of a Happy Life*، اثر Hannah Whithall Smith است.

■ "آزمایشهای گوناگون" این اصطلاح یونانی به معنای رنگ پریده یا رنگارنگ است (یعقوب ۱: ۲). انواع مختلفی از محاکمه، وسوسه و آزار و اذیت وجود دارند. در اول پطرس ۴: ۱۰ از اصطلاح مشابهی برای توصیف زیباییهای متنوع خداوند استفاده می شود. ما هرگز فراتر از اراده مورد آزمایش و وسوسه قرار نمیگیریم (مراجعه شود به اول قرنتیان ۱۰: ۱۳).

۱: ۷ "تا اصالت ایمانتان" این یک *hina* یا عبارت هدف است. رنج کشیدن ایمان را تقویت نمیکند. در سراسر انجیل، خدا فرزندان را آزمایش میکند (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۲۲: ۱، کتاب خروج ۱۵: ۲۲ الی ۲۵، ۱۶: ۴، کتاب تثنیه ۸: ۲ و ۱۶، ۱۳: ۳، داوودان ۲: ۲۲، دوم قرنتیان ۳۲: ۳۱، انجیل متی ۴: ۱، انجیل لوقا ۴: ۱ الی ۲، رومیان ۵: ۲ الی ۴، عبرانیان ۵: ۸ الی ۹، یعقوب ۱: ۲ الی ۴).

در این آیه *dikimon* در حالت اسم و ضمیر وصفی *dikimazō* دارد که هر دو مفهوم آزمودن با هدف تقویت کردن و پذیرفتن دارند. موضوع خاص اصطلاحات یونانی در مورد آزمودن و مفاهیم آنها در بخش مربوط به انجیل مرقس ۱: ۱۳ را مطالعه کنید.

■ "بس گرانبهاتر از طلاست" در این زندگی، بزرگترین هدیه‌ای که به خدا می توانیم بدهیم ایمانمان است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۲۰: ۲۷، دوم قرنتیان ۴: ۱۷). در ابدیت ایمان تبدیل به بینش می شود. وقتی که با ایمان به او این آزمونها را تحمل می کنیم خدا خشنود شده و افتخار می کند (مراجعه شود به اول پطرس ۴: ۱۲ الی ۱۶). رشد معنوی فقط از طریق آزمودن ایمان حاصل می شود (مراجعه شود به رومیان ۵: ۲ الی ۵، عبرانیان ۱۲: ۱۱، یعقوب ۱: ۲ الی ۴).

■ "ظهور عیسی مسیح" همین کلمه (*apokalupsis*) به عنوان تیتیر برای آخرین کتاب عهد جدید، مکاشفه، استفاده شده است. معنی آن "آشکار کردن"، "به طور کامل ظاهر شدن" یا "شناساندن" است. در اینجا اشاره آمدن دوم دارد، یک بحث متداول در نوشته های پطرس (مراجعه شود به اول پطرس ۱: ۷ و

۸: ۱ " شما گره چه او را ندیده‌اید " حتی مؤمنانی که رنج میکشند، به او اعتماد دارند. عیسی برای کسانی که به او ایمان آورده‌اند، اما هرگز او را در انجیل یوحنا ۱۷: ۲۰ ندیده‌اند، دعا میکرد.

■ "به وی ایمان دارید" پس زمینه یونانی این اصطلاح به ترجمه آن برای عصر حاضر کمک می‌کند. به یاد داشته باشید نویسندگان عهد جدید به زبان عبری فکر میکردند و به یونانی کوئین می‌نوشتند. در زبان عبری، در ابتدا به یک شخص در موقعیت پایدار اشاره شد (پاهای خود را قرار داده، بنابراین او را نمی‌توان تحت فشار قرار داد). این حالت به عنوان استعاره برای کسی که معتبر، وفادار و قابل اطمینان بود، استفاده می‌شد. معادل یونانی (*pisteuō* یا *pistis*) به اصطلاح "ایمان"، "اعتقاد" و "اعتماد" به زبان انگلیسی ترجمه شده است. ایمان و اعتقاد کتاب مقدس در درجه اول چیزی نیست که ما انجام می‌دهیم، بلکه به کسی است که به او اعتماد میکنیم. این اعتماد به نفس خداست نه ما که نقطه تمرکز است. انسان گمراه به خداوند، اعتقادات و وفاداری او، اعتقاد به معشوق و برآورده شدن او اعتماد میکند. تمرکز بر فراوانی یا شدت ایمان انسانی نیست، بلکه هدف آن ایمان است (مراجعه شود به ۱ پطرس ۱: ۸ و ۲: ۶ الی ۷). موضوع خاص در بخش مربوط به انجیل مرقس ۱: ۱۵ را مطالعه کنید.

■ "از شادمانی وصف‌ناپذیر و پر جلال آکنده‌اید،" اصطلاح "شادمانی" بیشتر در اول پطرس ۱: ۶ استفاده شده است. این اصطلاح به شدت شادمانی که معمولاً همراه با ابراز آن به صورت فیزیکی مانند صداهای بلند و رقصیدن و غیره همراه است، اشاره میکند (مراجعه شود به انجیل لوقا ۱: ۴۴ و ۴۷: ۱۰، ۲۱، انجیل یوحنا ۵: ۳۵، ۸: ۵۶). این شادمانی، که پطرس از آن سخن میگوید حتی در میان رنج دیدگان هم یافت میشود (مراجعه شود به اول پطرس ۴: ۱۳، رومیان ۵: ۳، اول تسالونیکیان ۵: ۱۷). این شادمانی یکی از نعمات غیر منتظره روح القدس در زمانهای آزمون رنج کشیدن است.

■ "پر جلال" این وجه وصفی کامل مجهول است. مومنین از روی ایمان شادی پر جلال را (نسبت به آنچه که هنوز دیده نشده) ابراز میدارند! این شادی و جلال را نمیتوان پنهان کرد. این آشناری است که توسط روح جریان دارد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۴: ۱۴، ۷: ۳۸). این شهادتی است بر قدرت انجیل برای تمامی کسانی که با پیام خوش را شنیده و تحت فشار هستند. موضوع خاص: جلال (*doxa*) در بخش مربوط به انجیل مرقس ۱۰: ۳۷ را مطالعه کنید.

۹: ۱ " زیرا غایت ایمان خویش یعنی نجات جانهایتان را می‌یابید " (ترجمه فارسی متن انگلیسی این آیه به صورت "به عنوان حاصل ایمان خود بدست می‌آورد" است- مترجم) این زمان حال میانی است. دلالت بر این دارد که شادی ما نه فقط در آینده، بلکه به واسطه کارهایی که تثلیث خداوند برای ما در زمان حال حاضر انجام میدهد، علیرغم درد و رنجی که تحمل میکنیم، تحقق می‌یابد (مراجعه شود به اول پطرس ۱: ۲).

■ "نجات جانهایتان" (در متن انگلیسی "نجات روحتان" نوشته شده است- مترجم) این اشاره به جلال یافتن دارد. در عهد جدید رستگاری به تصمیمی که گرفته میشود اشاره دارد (زمان آتوریست، مراجعه شود به رومیان ۸: ۲۴)، ولی همچنین به عنوان یک فرایند در حال اجرا نیز هست (فعل زمان حاضر، مراجعه شود به اول قرنتیان ۱: ۱۸، ۱۵: ۲، اول تسالونیکیان ۴: ۱۴) که در آینده تحقق می‌یابد (یعنی فعل زمان آینده، مراجعه شود به رومیان ۵: ۹ و ۱۰: ۹). به موضوع خاص در بخش مربوط به اول پطرس ۱: ۵ مراجعه کنید. این جنبه آینده ای اغلب با "جلال یافتن" مشخص میشود (مراجعه شود به رومیان ۸: ۲۹ الی ۳۰). مومنین روزی عیسی را آن طور که هست و خواهند دید و شبیه او خواهند شد (مراجعه شود به اول یوحنا ۳: ۲).

اصطلاح یونانی *psuchē* (به معنی روح) اغلب در نوشته‌های پطرس استفاده شده است (مراجعه شود به اول پطرس ۱: ۹ و ۲: ۲، ۱۱ و ۲۵: ۳، ۲۰، ۴: ۱۹، دوم پطرس ۲: ۸ و ۱۴). از آن به عنوان یک اصطلاح عبری برای یک فرد به عنوان کل استفاده شده است. انسانها از دو یا سه بخش تشکیل نشده‌اند، بلکه یک واحد هستند (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۲: ۷). این درست است که ما به عنوان انسان با این سیاره در ارتباط هستیم، ولی از آنجا که ما به شکل خدا و شبیه او خلق شده ایم، ما با قلمرو معنوی هم در رابطه هستیم.

ساختن الهیات سیستماتیک بر اساس اول تسالونیکیان ۵: ۲۳ و عبرانیان ۴: ۱۲، نابجا است و به این ترتیب سعی کنید همه متون کتاب مقدس را در این سه دسته (بدن، روح و روح) مرتبط کنید. آنها به سادگی به کل شخص و قدرت نفوذ کلمه خدا اشاره می‌کنند. مراقب کسانی که ادعا می‌کنند کلید کل کتاب مقدس در دو متن متمایز است و از چارچوب اثبات شده خارج شده و در یک شبکه الهیاتی قرار دارد که از طریق آن می‌توانید تمام کتاب مقدس را مشاهده کنید (Watchman Nee) باشید. اگر این یک کلید بود، روح آن را در زمینه تدریس واضح قرار می‌داد و آن را اغلب تکرار می‌کرد. کتاب مقدس یک کتاب از معماها یا تیزرهای مغز نیست! خدا می‌خواهد با ما ارتباط برقرار کند و حقیقت اصلی در زمینه‌های تدریس روشن است.

بینش متنی نسبت به آیات ۱: ۱۰ الی ۲۱

۱. اول پطرس ۱: ۱۰ الی ۱۲ به دانش نبوت‌های عهد عتیق در مورد رستگاری مسیح میپردازد.
۲. "روح" از طریق انبیا؛ در اول پطرس ۱: ۱۱ الی ۱۲ سه مورد را آشکار میسازد.
 - a. رنج کشیدن مسیح (کتاب پیدایش ۳: ۱۵، مزامیر ۲۲، اشعیا ۵۲: ۱۳ الی ۵۳: ۱۲)
 - b. جلالی که تداوم پیدا میکند (اشعیا ۵۶ الی ۶۶)
 - c. انبیا از چیزی فرا تر از روزگار خود سخن میگویند (یعنی اشعیا، حزقیال، میکاه، زکریا)
۳. در اول پطرس ۱: ۱۳ الی ۱۷ پطرس از مومنین میخواهد که شش کار را برای محافظت خود انجام دهند

- a. آماده ساختن ذهن خود، اول پطرس ۱: ۱۳
- b. در روح آرامش داشتن، اول پطرس ۱: ۱۳
- c. آرزوهای خود را به فضل آخر زمان ساختن، اول پطرس ۱: ۱۳
- d. با عصر کنونی سازگار نباشید، اول پطرس ۱: ۱۴
- e. زندگی مقدس داشته باشید، اول پطرس ۱: ۱۵
- f. در رابطه با خداوند زندگی کنید، اول پطرس ۱: ۱۷
- g. به شدت یکدیگر را دوست بدارید (هفتمی از اول پطرس ۲۲ اضافه شده است)

مطالعه کلمات و عبارات

NASB: اول پطرس ۱: ۱۰ الی ۱۲

۱۰ دربارهٔ همین نجات، پیامبران به دقت گند و کاو می‌کردند، پیامبرانی که از فیض مقرر برای شما سخن می‌گفتند. ۱۱ آنان می‌کوشیدند دریابند هنگامی که روح مسیح در ایشان، از پیش بر رنجهای مسیح و جلال پس از آن شهادت می‌داد، به چه شخص و کدامین زمان اشاره داشت. ۱۲ بر ایشان آشکار شد که نه خویشتن بلکه شما را خدمت می‌کردند، آنگاه که از اموری سخن می‌گفتند که اکنون درباره‌اش از مبشران انجیل می‌شنوید، از آنان که به واسطهٔ روح القدس که از آسمان فرستاده شده، شما را بشارت می‌دهند. حتی فرشتگان نیز مشتاق نظر کردن در این امورند.

۱۰: ۱ "دربارهٔ همین نجات" از (۱) اول پطرس ۱: ۲ که کار رستگاری تثلیث خدا را توصیف میکند، و (۲) اول پطرس ۱: ۳ الی ۵ که توصیف میکند خداوند از این رستگاری محافظت کرده و آن را نگاه میدارد، و (۳) اول پطرس ۱: ۶ الی ۹ که رنج مومنین را به واسطه این رستگاری توصیف میکند، موضوع بحث است.

■ "پیامبران" این اشاره به پیامبران عهد عتیق دارد (مراجعه شود به اول پطرس ۱: ۲). در تفکر ربی ها تمامی نویسندگان تحت الهام به عنوان پیامبر تلقی میشدند. به موسی پیامبر گفته میشد (مراجعه شود به کتاب تثنیه ۱۸: ۱۸) و آنچه که ما در زبان انگلیسی ما کتب تاریخی به آنها میگوئیم (یعنی از یوشع الی پادشاهان) یهودیان به آنها "پیامبران قبلی" میگویند.

■ "از فیض مقرر برای شما سخن می‌گفتند" (در نسخه انگلیسی "فیضی که به سوی شما می‌آید" نوشته شده است-مترجم) این عبارت دلالت بر این دارد که پیامبران عهد عتیق در مورد پیمان جدید چیزهایی میدانستند. همچنین این دلالتی است بر گفته عیسی در ارتباط با ابراهیم در انجیل یوحنا ۸: ۵۶ (مراجعه شود به دوم اسداس ۳۶: ۲۲ الی ۳۸) که به پذیرش بر اساس محبت خدا و اعمال اشاره میکند نه کارآیی فرد. این همان دلالتی است که در عبرانیان ۱۱: ۱۳ ب بدان اشاره شده است. مشکل میتوان دانست که پیامبران عهد عتیق تا چه اندازه در مورد انجیل اطلاع داشتند. توصیف ارمیا از پیمان جدید در ارمیا ۳۱: ۳۱ الی ۳۴ (همچنین حزقیال ۳۶: ۲۲ الی ۳۸) اشاره دارد. انجیل متی ۱۳: ۱۷ میگوید که بسیاری از پیامبران عهد عتیق آنچه که عیسی میگفت و انجام میداد را میشنیدند و میدیدند.

حتی نبوت اشعیا در مورد تولد از باکره (مراجعه شود به اول پطرس ۷: ۱۴) وقتی که در متن تفسیر میشود، اشاره به یک تولید طبیعی با زمانبندی ماورا طبیعی دارد (مراجعه شود به اول ۷: ۱۵ الی ۱۶)، نه انحصاراً تولد مسیح در آینده. فقط متی و لوقا هستند که دلالت کامل نبوت اشعیا را میبینند. در مورد سایر نبوتهای خاص در هوشع (مراجعه شود به هوشع ۱۱: ۱) و زکریا ۹: ۹، ۹: ۱۱، ۱۳: ۱۲، ۱۰: ۱۰) هم صحت دارد. این یونانی گویان یهودی عهد جدید و شاگردان بودند که عیسی را به طور کامل از عهد عتیق آشکار ساختند (مسیحیت شناسی). ممکن است که از خود عیسی زمانی که این دو با او در راه عمانوس بودند، یاد گرفته باشند (مراجعه شود به انجیل لوقا ۲۴: ۱۳ الی ۳۵، به خصوص اول پطرس ۱: ۲۷).

■ "آنان می‌کوشیدند دریابند" (در نسخه انگلیسی این عبارت بدین صورت نوشته شده است: "آنان بادقت جستجو و بررسی میکردند"-مترجم) به نظر میرسد که اینها با یکدیگر مترادف باشند (مراجعه شود به *Greek-English Lexicon of the New Testament: based on Semantic Domains*, جلد اول، صفحه ۳۳۱).

۱۱: ۱

"در جستجوی این بودند که چه کسی یا چه زمانی" **NASB**

"در جستجوی اینکه چه کسی یا در چه برهه زمانی" **NKJV**

"در مورد شخص یا زمان بررسی میکردند" **NRSV**

"سعی میکردند دریابند زمان آن کی است یا کی خواهد آمد" **TEV (footnote)**

"زمان و شرایط را جستجو میکردند" **NJB**

این دلالت بر هم فرد و زمان دارد. آنان منتظر یک مسیح خدایی بودند که در یک زمانی خاص که توسط خدا تعیین شده وارد شده و تاریخ را رقم بزند. همانند

ما، آنان "در تاریکی از داخل شیشه نگاه می‌کردند" (مراجعه شود به اول قرن‌تبیان ۱۳: ۹ الی ۱۳).

■ "روح مسیح در ایشان" مسیح و روح القدس در عهد عتیق به یکدیگر مرتبط شده اند (مراجعه شود به اشعیا ۱۱: ۱ الی ۲، ۴۸: ۱۶، ۶۱: ۱). توجه کنید که به روح القدس "روح مسیح" گرفته شده است (مراجعه شود رومیان ۸: ۹، غلاطیان ۴: ۶). همچنین به حضور داشتن جنبه روح، حتی در عهد عتیق توجه کنید. کارهای عیسی و روح همپوشانی دارند. همین حقیقت را که در دوم پطرس ۱: ۲۱ بیان شده مطالعه کنید

موضوع خاص: عیسی و روح

(SPECIAL TOPIC: JESUS AND THE SPIRIT)

جریان روانی میان کار روح و پسر وجود دارد. G. Campbell Morgan می‌گوید بهترین نام برای روح "عیسی دیگر" است (با این حال، آنها از یکدیگر متمایز و بوده و زندگی جاویدان دارند). فهرست زیر مقایسه مشخصه کار و عناوین پسر و روح هستند

۱. روح "روح عیسی" یا عبارات خطاب گفته می‌شود (مراجعه شود به رومیان ۸: ۹، دوم قرن‌تبیان ۳: ۱۷، غلاطیان ۴: ۶، اول پطرس ۱: ۱۱)
a. "حقیقت"

i. عیسی (انجیل یوحنا ۱۴: ۱۶)

ii. روح (انجیل یوحنا ۱۴: ۱۷، ۱۶: ۱۳)
b. "حامی"

i. عیسی (اول یوحنا ۲: ۱)

ii. روح (انجیل یوحنا ۱۴: ۱۶ و ۲۶، ۱۵: ۲۶، ۱۶: ۷)
c. "مقدس"

i. عیسی (انجیل مرقس ۱: ۲۴، انجیل لوقا ۱: ۳۵، اعمال رسولان ۳: ۱۴، ۴: ۲۷ و ۳۰)

۲. هر دو با اصطلاحات مشابه خطاب می‌شوند

a. عیسی (انجیل متی ۲۸: ۲۰، انجیل یوحنا ۱۴: ۲۰ و ۲۳)، ۱۵: ۴ و ۵، رومیان ۸: ۱۰، دوم قرن‌تبیان ۱۳: ۵، غلاطیان ۲: ۲۰ و افسسیان ۳: ۱۷، کولسیان ۱: ۲۷)

b. روح (انجیل یوحنا ۱۴: ۱۶ الی ۱۷، رومیان ۸: ۹ و ۱۱، اول قرن‌تبیان ۳: ۱۶، ۶: ۱۹، دوم تیموتائوس ۱: ۱۴)

c. پدر (انجیل یوحنا ۱۴: ۲۳، دوم قرن‌تبیان ۶: ۱۶)

۳. هر دو در مومنین مقیم هستند

۴. وظیفه روح شهادت دادن برای عیسی است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۵: ۲۹، ۱۶: ۱۳ الی ۱۵)

■ "از پیش بر رنج‌های مسیح.... اشاره داشت" این چیزی است که یهودیان را شگفت زده کرد (مراجعه شود به اول قرن‌تبیان ۱: ۲۳). خادم رنج دیده تبدیل به ستون اصلی هر یک از مؤنظله‌های پطرس در اعمال رسولان میشود که ما آن را *kerygma* می‌گوئیم (که اعلام شد، مراجعه شود به اعمال رسولان ۲: ۲۳ و ۲۴، ۳: ۱۸، ۴: ۱۱، ۱۰: ۳۹، ۱۷: ۳، ۲۶: ۲۳). این دقیقاً چیزی بود که عیسی سعی میکرد در طول مدتی که با آنان بود، به آنها بگوید (مراجعه شود به انجیل متی ۱۶: ۲۱، ۲۰: ۱۷ الی ۱۹، انجیل مرقس ۸: ۳۱، انجیل لوقا ۹: ۲۲)، ولی آنها نمیتوانستند آن را دریافت کنند (مراجعه شود به انجیل مرقس ۹: ۳۱ الی ۳۲، ۱۰: ۳۲ الی ۳۴، انجیل لوقا ۹: ۴۴ الی ۴۵، ۱۸: ۳۱ الی ۳۴).

اینها نکات مربوط به رنج کشیدن مسیح در عهد عتیق هستند (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۳: ۱۵، مزامیر ۲۲، اشعیا ۵۳)، ولی اسرائیلیان عهد عتیق انتظار داشتند که مسیح به عنوان یک قهرمان فاتح بیاید تا تمامی نوع بشر را مورد داوری قرار داده و اسرائیل را در جایگاه موعود و قدرت قرار دهد. آنان به سادگی دو بار آمدن مسیح را که در زندگی و تعالیم عیسی آشکار شدند، فراموش کردند (یعنی ناجی، داور).

در زیر جدول جالبی از *kerygma* قرار دارد که در *Chronological and Background Charts of the New Testament* اثر H. Wayne

House (صفحه ۱۲۰) یافت میشود.

موضوع خاص: کاریگما

(SPECIAL TOPIC: THE *KERYGMA* OF THE EARLY CHURCH)

نظرات زیادی در مورد مسیحیت وجود دارند. روزگار ما روزگار جمع‌گرایی مذهبی است، درست همانند قرن اول. شخصا، من تمام گروه‌هایی که ادعا میکنند عیسی می‌شناسند و به او ایمان دارند قبول دارم. همه ما در مواردی اتفاق نظر یا اختلاف نظر داریم ولی اساساً مسیحیت تماماً در ارتباط با عیسی است. با این حال، گروه‌هایی هستند که ادعا میکنند مسیحی هستند که ظاهراً ادعایی بیش نیست. چگونه اینها را تشخیص دهیم؟

دوراه وجود دارد:

۱. یک کتاب مفید تا بدانیم گروه های عصر مدرن به چه ایمان دارند (از داخل متون خودشان) کتاب *The Kingdom of the Cults* اثر Walter Martin است.

۲. موزه های کلیسای اولیه، به خصوص آنان که توسط پطرس و پولس شاگرد در کتاب اعمال رسولان گفته شدند، ویژگی های برجسته اینکه چگونه نویسندگان تحت الهام کلیسای اولیه مسیحیت را به گروه های مختلف معرفی میکردند. به این "اعلام اولیه" یا "موزه"ها (که کتاب اعمال رسولان خلاصه آن است) کاریگما (کلمه یونانی است) گفته میشود. موارد زیر حقایق پایه ای انجیل در مورد عیسی در کتاب اعمال رسولان است.

- a. بسیاری از نبوتهای عهد عتیق را تحقق بخشیده است - اعمال رسولان ۲: ۱۷ الی ۳، ۲۱-۳، ۳۱ و ۳، ۳۴: ۱۸ الی ۱۹ و ۲۴، ۱۰: ۱۳، ۴۳: ۱۷ الی ۲۳ و ۲۷، ۳۳: ۳۳ الی ۳۷ و ۴۰ الی ۴۱، ۲۶: ۶ الی ۷ و ۲۲ الی ۲۳
- b. همانطور که توسط بیهوه وعده داده شده بود، فرستاده شد - اعمال رسولان ۲: ۲۳، ۳: ۲۶
- c. معجزاتی انجام داد تا پیام خود و محبت خدا را تأیید کند - اعمال رسولان ۲: ۲۲، ۳: ۱۶، ۱۰: ۳۸
- d. تحویل داده شد - انکار شد - اعمال رسولان ۳: ۱۳ الی ۴، ۱۴: ۱۱
- e. مصلوب شد - اعمال رسولان ۲: ۲۳، ۳: ۱۴ الی ۴، ۱۵: ۱۰، ۱۰: ۱۳، ۳۹: ۱۰، ۲۸، ۲۶: ۲۳
- f. به زندگی بازگشت - اعمال رسولان ۲: ۲۴، ۳۱ الی ۳۲، ۳: ۱۵ و ۲۶، ۴: ۱۰، ۱۰: ۱۳، ۴۰: ۱۷، ۳۰: ۲۶، ۳۱: ۲۳
- g. در سمت راست خدا نشست - اعمال رسولان ۲: ۳۳ الی ۳، ۳۶: ۱۳ و ۲۱
- h. دوباره خواهد آمد - اعمال رسولان ۳: ۲۰ الی ۲۱
- i. داور منتخب است - اعمال رسولان ۱۰: ۴۲، ۱۷: ۳۱
- j. روح القدس را فرستاد - اعمال رسولان ۲: ۱۷ الی ۱۸ و ۳۳ و ۳۸ الی ۳۹، ۱۰: ۴۴ الی ۴۷
- k. نجات دهنده همه کسانی است که ایمان می آورند - اعمال رسولان ۱۳: ۳۸ الی ۳۹
- l. هیچ کس دیگری نجات دهنده نیست - اعمال رسولان ۴: ۱۲، ۱۰: ۳۴ الی ۳۶

اینها برخی از شیوه هایی هستند که میتوان به حقایق بنیادی پاسخ داد:

- ۱. توبه - اعمال رسولان ۲: ۳۸، ۳: ۱۷، ۱۹: ۲۶، ۳۰: ۲۰
- ۲. ایمان داشتن - اعمال رسولان ۲: ۲۱، ۱۰: ۴۳، ۱۳: ۳۸ الی ۳۹
- ۳. تمسک گرفتن - اعمال رسولان ۲: ۳۸، ۱۰: ۴۷ الی ۴۸
- ۴. پذیرش روح القدس - اعمال رسولان ۲: ۳۸، ۱۰: ۴۷
- ۵. همه ممکن است با هم بیایند - اعمال رسولان ۲: ۳۹، ۳: ۲۵، ۲۶: ۲۳

این فهرست میتواند به عنوان بیانیه پایه کلیسای اولیه مورد استفاده قرار گیرد، هر چند نویسندگان مختلف عهد جدید ممکن است بخشی از نوشته خود را نادیده بگیرند و بر بخشی دیگر، تأکید بیشتری داشته باشند. تمامی انجیل مرقس از دکتترین کاریگمای پطرس پیروی میکند. به انجیل مرقس اساساً به عنوان ساختار موزه های پطرس در روم نگاه میشود به که صورت انجیل نوشته شده است. هم متی و هم لوقا از ساختار انجیل مرقس پیروی میکنند.

■ "جلال پس از آن" این اشاره به اشعیا ۵۳: ۱۰ الی ۱۲ است.

۱: ۱۲ "نه خویشتن بلکه شما را خدمت می کردند" این حقیقت در جاهای زیادی در نوشته های پولس تصریح میشوند (مراجعه شود به رومیان ۴: ۲۳ الی ۲۴، ۱۵: ۴، اول قرنتیان ۹: ۹ الی ۱۰، ۱۰: ۶ و ۱۱). این اساساً همان الهیاتی است که در دوم تیموتائوس ۳: ۱۵ الی ۱۷ آشکار شده است. کارهای خدا (مکاشفه) و ثبت آنها و تفسیرشان (الهام) برای تمامی مومنین آتی بودند (نورافشانی). اگر پطرس اساساً برای کفار و پیروان سایر ادیان مینوشت، این عبارت تصریح الهیاتی را برای شامل کردن کفار و پیروان سایر ادیان اضافه میکند، که همیشه در برنامه خدا بودند (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۳: ۱۵، رومیان ۹ الی ۱۱، افسسیان ۲: ۱۱ الی ۱۳: ۱۳).

موضوع خاص: دیدگاه پولس نسبت به قوانین موسی

(SPECIAL TOPIC: PAUL'S VIEWS OF THE MOSAIC LAW)

خوب است و از جانب خداست (مراجعه شود به رومیان ۷: ۱۲ و ۱۶).

۱. راهی برای عدالت و پذیرش توسط خدا نیست (حتی می تواند لعن و نفرین هم باشد، مراجعه شود به غلاطیان ۳).

به موضوع خاص: قوانین موسی و مسیحیت مراجعه شود.

۲. هنوز هم اراده خدا بر مومنین است زیرا این خود-آشکارسازی خدا است (پولس اغلب از عهد عتیق نقل قول می‌کند تا مومنین را متقاعد و یا تشویق کند).

۳. مومنین توسط عهد عتیق آگاه می‌شوند (مراجعه شود به رومیان ۴: ۲۳، و ۱۵: ۴، اول قرنتیان ۱۰: ۶ و ۱۱)، ولی با عهد عتیق نجات نمی‌یابند (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۵، رومیان ۴، غلاطیان ۳، عبرانیان). عملکرد آن بر اساس تقدس است نه توجیه.

۴. بر مبنای پیمان جدید عمل می‌کند تا:

a. گناه آلود بودن را نشان دهد (مراجعه شود به غلاطیان ۳: ۱۵ الی ۲۹)

b. انسان رها شده در جامعه را هدایت کند

c. تصمیمات اخلاقی مسیحیت را اعلام کند

این طیف الهیاتی در ارتباط با قوانین موسی وجود دارد، از نفرین (مراجعه شود به غلاطیان ۳: ۱۰ الی ۱۳) و فوت تا برکت و ثبات که باعث می‌شوند در درک نگرش پولس نسبت به قوانین موسی با مشکل مواجه شویم. در *A Man in Christ* جیمز استوارت تفکر و نگارش پارادوکسی پولس را نشان می‌دهد:

"معمولا از کسی که در تلاش است تا یک سیستم فکری و دکترینی را بنا کند، انتظار می‌رود که تا حد ممکن معنی و مفهوم اصطلاحاتی را که به کار می‌برد، روشن و مستحکم سازد. انتظار دارید که هدف او دقت در بیان نظراتش در میان پاراگراف‌های متن باشد. می‌خواهید وقتی که توسط یک نگارنده کلمه خاصی استفاده شد، در تمامی متن یک معنی و مفهوم مشخص داشته باشد. بیشتر عبارات و جملات او سیال و هستند، نه ثابت.... "او می‌نویسد "قانون مقدس و الهی است"، "من از قوانین خدا برای انسان فانی مسروم (مراجعه شود به رومیان ۷: ۱۲ و ۲۲) ولی به وضوح جنبه دیگر *nomos* است که باعث می‌شود او در جای دیگری بگوید "مسیح به جای ما لعن شد و این گونه ما را از لعنت شریعت باز خرید کرد" (مراجعه شود به غلاطیان ۳: ۱۳)" (صفحه ۹۶).

■ "اکنون درباره‌اش از مبشّران انجیل می‌شنوید" از این به نظر میرسد که پطرس تمامی این کلیساها را برپا نکرده است. ممکن است اینها توسط مومنین یهودی که از پنتیکاست بازگشتند برپا شده باشند (مراجعه شود به اعمال رسولان ۲)، یا توسط نقل موثقه های پولس و یا سایر مبشّرین.

■ "که به واسطه روح القدس که از آسمان فرستاده شده" از روح القدس در چندین جای کلیدی در اول پطرس نام برده شده است (مراجعه شود به اول پطرس ۱: ۲ و ۱۱، ۴: ۱۴). این عبارت یک اصطلاح عبری برای تصریح این است که عصر پارسایی، که از جانب خدا است، به طور کامل توسط روح القدس، آمده است (مراجعه شود به اعمال رسولان ۲).

■ "حتی فرشتگان نیز مشتاق نظر کردن در این امورند" این به مفهوم "سر خم کردن برای دیدن" است همانند انجیل یوحنا ۲۰: ۵ و ۱۱. در یعقوب ۱: ۲۵ به صورت "با قصد نگاه کردن" ترجمه شده است. این هم به فرشتگان نیک و هم فرشتگان پلید اشاره دارد (مراجعه شود به افسسیان ۳: ۱۰، اول قرنتیان ۴: ۹).

از دید روحانی یهود فرشتگان واسطه های یهوه و موسی در کوه سینا بودند (مراجعه شود به اعمال رسولان ۷: ۵۳، غلاطیان ۳: ۱۹، عبرانیان ۲: ۲). همچنین آنان نسبت به عشق و توجه خدا نسبت به انسانها حسادت میکردند. در عبرانیان ۱: ۱۴، فرشتگان به عنوان خدمتگزاران "آنان که وارثین رستگاری هستند" توصیف شده است. پولس حتی تصریح میکند که مومنین فرشتگان را داوری میکنند (مراجعه شود به اول قرنتیان ۶: ۳). خدا با کارهای خود برای انسانهای گمراه، منحصر خود را بر فرشتگان آشکار کرد (مراجعه شود به اول قرنتیان ۴: ۹، افسسیان ۲: ۷، ۳: ۱۰).

NASB: اول پطرس ۱: ۱۳ الی ۱۶

۱۳ پس اندیشه خود را آماده عمل ساخته، با خویشتنداری امید خود را یکسره بر فیضی بنهید که به هنگام ظهور عیسی مسیح به شما عطا خواهد شد. ۱۴ چون فرزندان مطیع، دیگر مگذارید امیال دوران جهالت به زندگیتان شکل دهد. ۱۵ بلکه همچون آن قدّوس که شما را فرا خوانده است، شما نیز در همه رفتار خویش مقدّس باشید؛ ۱۶ چرا که نوشته شده است: «مقدّس باشید، زیرا من قدّوسم».

■ "پس" این (dio)، مراجعه شود به دوم پطرس ۱: ۱۰ و ۱۲، ۳: ۱۴) نشان میدهد احکامی که می‌آیند نتیجه بحث های قبلی میباشند.

NASB "ذهن خود را برای عمل آماده کنید"

NKJV "صدای ذهن خود را بشنوید"

NRSV "ذهن خود را برای عمل آماده کنید"

TEV "ذهن شما آماده اقدام است"

NJB "ذهن شما... آماده برای اقدام"

این زمان آنوریست میانی است که به صورت امری استفاده شده است. این حالت دلالت بر تقاضا و مصمم بودن برای انجام عملی از روی تصمیم فردی دارد. این یک اصطلاح عبری است که به مفهوم "شنیدن صدای ذهن و قلب" است. در خاور میانه باستان، هم زنان و هم مردان لباسهای بلند میپوشیدند. با رسیدن به پاها و کشیدن پائین لباس به بالا و بستن آن به کمر، تبدیل به شلوار میشد که اجازه کارهای بیشتری را میداد. عمل مشابهی برای آماده سازی ذهنی در رومیان ۱۲: ۲، افسسیان ۴: ۱۷ و ۲۳ یافت میشود.

■ "در روح آرام باشید" (این عبارت در نسخه فارسی ترجمه نشده است- مترجم) این زمان حال فعال امری در میان یک مجموعه وجه وصفی و زمانهای امری است که برای شدت بخشیدن به امر استفاده شده است. این فراخوانده به اعتدال و خویشنداری نیست، بلکه استعاره ای است برای هشدار داده به ذهن و مسیر فکری (مراجعه شود به اول پطرس ۴: ۷، ۵: ۸، اول تسالونیکیان ۵: ۶ و ۸، دوم تیموتائوس ۴: ۵).

■ "امید خود را یکسره بر فیضی بنهید" این آنوریست فعال امری است که به معنی انتخاب قطعی کردن برای اعتماد کردن کامل به بازگشت مسیح است. "امید" در عهد عتیق اغلب اشاره به آمدن دوم دارد (مراجعه شود به تیتوس ۲: ۱۳). امید ما بر اساس شخصیت قاطع و اعمال تثلیث خدا است (مراجعه شود به اول پطرس ۱: ۲ و ۳ الی ۵).

■ "بر فیضی بنهید که به هنگام ظهور عیسی مسیح به شما عطا خواهد شد" این همان فیضی است که پیامبران عهد عتیق با دقت در جستجوی آن بودند (مراجعه شود به اول پطرس ۱: ۱۰). به وضوح این نشان میدهد که امید مومنین بر شخصیت و کارهای تثلیث خدا است (مراجعه شود به اول پطرس ۱: ۲ و ۳ الی ۵) و اینکه فیض او به طور کامل با آمدن عیسی تحقق خواهد یافت (مراجعه شود به اول یوحنا ۳: ۲). رستگاری با تمامی حالات و زمانهای فعل یونانی توصیف شده است. موضوع خاص در بخش مربوط به اول پطرس ۱: ۵ را مطالعه کنید.

■ "فرزندانی مطیع" این یک اصطلاح عبری برای رابطه خانوادگی ما با خدای پدر و عیسی پسر است (حالات منفی در افسسیان ۲: ۲ و ۵: ۶ یافت میشوند). مومنین از طریق او وارثین هستند (مراجعه شود به رومیان ۸: ۱۵ الی ۱۷). به طور حیرت انگیزی گناهکاران هم با دعوت خدا و قربانی شدن عیسی، بخشی از خانواده خدا هستند.

NASB, NRSV "شکل مگیرید"

NKJV "خود را وفق ندهید"

TEV "مگذارید زندگی شما شکل بگیرد"

NJB "مگذارید که شخصیتتان شکل بگیرد"

این زمان حال میانی یا زمان مجهول است که به صورت امری استفاده شده است. اغلب در عهد جدید مومنین به عنوان اینکه از روی اراده و خواست خدا یا روح عمل میکنند (حالت مجهول) توصیف میشوند، ولی یک حالت احتمالی دستور زبانی وجود دارد که مومنین فرا خوانده میشوند تا به وضوح زندگی جدیدی بر اساس رابطه جدید با خدا از طریق روح داشته باشند (حالت میانی).

همانطور که رستگاری یک پیمان مشروط است، که توسط خدا منشا میگیرد ولی به پاسخ انتخابی نیاز دارد، همینطور هم زندگی مسیحی چنین است. زندگی جاویدان مشخصه های مشهودی دارد (مراجعه شود به اول پطرس ۱: ۱۵). بیشتر اصطلاحات و واژه های پطرس از نامه های پولس در رومیان ۱۲: ۲ منشا میگیرند.

■ "امیال دوران جهالت" این اشاره به کفار دور از خدا و پیروان سایر ادیان دارد (مراجعه شود به اول پطرس ۴: ۲ الی ۳، افسسیان ۴: ۱۷ الی ۱۹).

۱۵: ۱

NASB "اما مانند مقدس که شما را صدا زد"

NKJV "اما همانطور که کسی که شما را صدا زد مقدس است"

NRSV "به جای ... فقط به عنوان خدا که شما را صدا کرد مقدس است"

TEV "به جای ... فقط به عنوان خدا که شما را صدا کرد مقدس است"

NJB "بعد از مدل مقدس که ما را می خواند"

این تأکید بر شخصیت خدا و انتخاب حاکم است (مراجعه شود به اول پطرس ۲: ۹؛ ۵: ۱۰). هیچکس نمیتواند به خدا برسد مگر اینکه روح آنها را بکشاند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۶: ۴۴ و ۶۵). این روش الهیاتی دیگری است در رد پذیرش الهی با استفاده از عملکرد انسانی (مراجعه شود به افسسیان ۲: ۸ الی ۹). عنوان مؤنثه من در این متن "قدیس آن مقدسان" است.

■ "شما نیز در همه رفتار خویش مقدس باشید" این آنوریست امری مجهول است. از مومنین خواسته میشود که مقدس باشند. اراده خدا همیشه این بوده که فرزندانش منعکس کننده شخصیت او باشند (مراجعه شود به تیتوس ۲: ۱۴). هدف از مسیحیت تنها این نیست که وقتی مردیم به بهشت برویم، بلکه هم اکنون همانند مسیح بودن است (رومیان ۸: ۲۹-۳۰؛ ۲ قرتیان ۳: ۱۸؛ ۷: ۱؛ غلاطیان ۴: ۱۹؛ افسسیان ۱: ۴؛ ۲: ۱۰؛ ۴: ۱۳؛ اول تسالونیکیان

۳: ۱۳؛ ۴: ۷، ۳؛ ۵: ۲۳). وظیفه مسیح نه تنها دور کردن گناه است، بلکه بازسازی تصویر خدا در انسان گمراه است. ما باید همیشه به رستگاری اطمینان داشته باشیم که فاقد صلابت باشد! انجیل (۱) یک فرد به استقبال می آید؛ (۲) حقیقت در مورد آن شخص ایمان آورده است؛ و (۳) زندگی که آن شخص را زنده می کند (افسیان ۴: ۱؛ ۵: ۱-۲، ۱۵؛ اول یوحنا ۱: ۷؛ ۲: ۴-۶). کلمات تکان دهنده عیسی در انجیل متی ۵: ۲۰ و ۴۸ را به یاد داشته باشید. همیشه مراقب گفتن این باشید که "در آن (مسیحیت) برای من چیست". ما برای خدمتگزاری نجات پیدا میکنیم، ما تحت هیچ شرایط نامعلومی به تقدس دعوت نشده ایم. خداوند بر کلیسای غربی به دام افتاده توسط (۱) رفاه؛ (۲) ماتریالیسم؛ و (۳) سلامت/ثروت موعظه، رحم کند!

موضوع خاص: تقدس در عهد جدید

(SPECIAL TOPIC: NEW TESTAMENT HOLINESS/SANCTIFICATION)

عهد جدید معتقد است که وقتی گناهکاران با توبه و ایمان به سوی عیسی باز می گردند (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱: ۱۵؛ اعمال رسولان ۳: ۱۹، ۱۶؛ ۲۰: ۲۱)، آنها بلافاصله موجه و تقدیس می شوند. این موقعیت جدید آنها در مسیح است. پارسایی او به آنها نسبت داده میشود (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱۵: ۶؛ رومیان ۴). آنها درست و مقدس (عملی از سوی خدا) اعلام میشوند.

اما عهد جدید نیز مؤمنان را به تقدس و تقدیس دعوت می کند. این هر دو موقعیت الهیات در کار پایان یافته عیسی مسیح و دعوت به مسیحیت در نگرش و اعمال در زندگی روزمره است. به عنوان رستگاری یک هدیه رایگان است و هزینه زندگی و شیوه زندگی هم همینطور تقدس است.

پاسخ اولیه	مسیحیت پیشرو
اعمال رسولان ۲۶: ۱۸	رومیان ۶: ۱۹
رومیان ۱۵: ۱۶	دوم قرنتیان ۷: ۱
اول قرنتیان ۱: ۲ الی ۳، ۶: ۱۱	افسیان ۱: ۴، ۲: ۱۰
دوم تسالونیکیان ۲: ۱۳	اول تسالونیکیان ۳: ۱۳، ۴: ۳ الی ۴، ۷، ۵: ۲
عبرانیان ۲: ۱۱، ۱۰: ۱۰ و ۱۰: ۱۴، ۱۳: ۱۲	اول تیموتائوس ۲: ۱۵
دوم پطرس ۱: ۲	دوم تیموتائوس ۲: ۲۱
	اول پطرس ۱: ۱۵ الی ۱۶
	عبرانیان ۱۲: ۱۴

■ "در همه رفتار خویش" به تاکید بر "همه" توجه کنید. چالش بر پارسایان منتخب نیست، بلکه تقدس فراگیر است (مراجعه شود به اول یوحنا ۳: ۳).

۱: ۱۶ "چرا که نوشته شده است: «مقدس باشید، زیرا من قدوسم»" نوشته شده است "زمان مجهول کامل خبری است، و اصطلاحی از کتاب مقدس است که اغلب توسط عیسی استفاده میشد، ولی فقط در اینجا توسط پطرس استفاده شده است. این نقل قولی از لاویان ۱۱: ۴۴ الی ۱۹، ۴۵، ۲: ۲۰، ۷ و ۲۶ است. این نیاز جدید نیست، یک نیاز تکراری است (مراجعه شود به انجیل متی ۵: ۴۸). تقدس در مفهوم عهد عتیق بدون گناه بودن نیست، بلکه انطباق با پیش نیازهای پیمان خدا است (یعنی کتاب خروج ۱۹: ۶، ۲۲: ۳۱، کتاب تثنیه ۱۴: ۲ و ۲۱، ۲۶: ۱۹). عهد جدید همچنین پیش نیازهایی بر پیمان دارد که شبیه مسیح بودن است (مراجعه شود به رومیان ۸: ۲۸ الی ۲۹، دوم قرنتیان ۳: ۱۸، ۷: ۱، غلاطیان ۴: ۱۹، افسسیان ۱: ۴، ۴: ۱۳، اول تسالونیکیان ۳: ۱۳، ۴: ۳ و ۷، ۵: ۲۳). موضوع خاص زیر را مطالعه کنید.

موضوع خاص: مقدس

(SPECIAL TOPIC: HOLY)

۱. عهد عتیق (عمدتاً از اشعیا الهام گرفته شده)

- ریشه اصطلاح *kadosh* (KB 1072, BDB 872) مشخص نیست، احتمالاً کنعانی است (یعنی Ugaritic). این احتمال هست که بخشی از ریشه آن (یعنی *kd*) به معنی "تقسیم کردن" باشد. این منشا اصطلاح متداول "تفکیک شده برای استفاده خدا (از فرهنگ کنعانی، مراجعه شود به کتاب تثنیه ۷: ۶، ۱۴: ۲ و ۲۱، ۲۶: ۱۹) است.
- در رابطه با حضور خدا در اشیا، مکانها، زمانها و افراد است. در کتاب پیدایش از آن استفاده نشده است ولی در کتابهای خروج، لاویان و اعداد متداول است.
- در ادبیات انبیا (به خصوص اشعیا و هوشع) عنصر فردی از پیش وجود دارند ولی بر آن تاکید نشده و پیش آورده نمی شود (موضوع خاص: آن مقدس را مطالعه کنید). این تبدیل به شیوه ای برای اطلاق کردن وجود خدا است (مراجعه شود به اشعیا ۶: ۳). خدا مقدس است. نام او که بیان کننده شخصیت او است مقدس است. مردمش که باید شخصیت او را به دنیای نیازمند آشکار کنند مقدس هستند (در صورتیکه از پیمان ایمان اطاعت کنند).

- i. استفاده به عنوان صفت، BDB 872 קדש ، "مقدس"، "روحانی"
۱. خدا، اشعیا ۵: ۱۶، ۶: ۳ (سه مرتبه)، موضوع خاص: آن مقدس را مطالعه کنید
 ۲. نام او، اشعیا ۴۰: ۲۵، ۴۹: ۷، ۵۷: ۱۵
 ۳. مقرر او، اشعیا ۵۷: ۱۵
 ۴. شبات او، اشعیا ۵۸: ۱۳

ii. فعل، BDB 872 קדש ، "جدا از هم"، "consecrated"

۱. شخصیت خدا، اشعیا ۵: ۱۶، ۲۹: ۲۳
 ۲. خدا، اشعیا ۸: ۱۳، ۶۵: ۵
 ۳. فرشتگان خدا، اشعیا ۱۳: ۳
 ۴. نام خدا، ۲۹: ۲۳
 ۵. فستیوال، اشعیا ۳۰: ۲۹
 ۶. انسانهای محبوس، اشعیا ۶۶: ۱۷
- iii. اسم، BDB 871 קדש ، "جدایی"، "مقدس"
۱. بذر مقدس، اشعیا ۶: ۱۳
 ۲. کوه مقدس، اشعیا ۱۱: ۹، ۲۷: ۱۳، ۵۶: ۷، ۵۷: ۱۳، ۶۵: ۱۱ و ۲۵، ۶۶: ۲۰
 ۳. جدا کردن، اشعیا ۲۳: ۱۸
 ۴. راه تقدس، اشعیا ۳۵: ۸
 ۵. محراب، اشعیا ۴۳: ۲۸، ۶۲: ۹، ۶۴: ۱۱
 ۶. شهر مقدس، اشعیا ۴۸: ۲، ۵۲: ۱
 ۷. آن مقدس، اشعیا ۴۹: ۷ (موضوع خاص: آن مقدس را مطالعه کنید)
 ۸. دست مقدس اشعیا ۵۲: ۱۰
 ۹. روز مقدس، اشعیا ۵۸: ۱۳
 ۱۰. مردم مقدس، ۶۲: ۱۲
 ۱۱. روح القدس، ۶۳: ۱۰ و ۱۱
 ۱۲. پادشاهی خدا، اشعیا ۶۳: ۱۵
 ۱۳. مکان مقدس، اشعیا ۶۳: ۱۸
 ۱۴. شهر مقدس، اشعیا ۶۴: ۱۰

d. رحمت و عشق خدا از مفاهیم الهیاتی پیمانها، عدالت و شخصیت اصلی او جدایی ناپذیر هستند. در اینجا تنش خدا نسبت انسان به نامقدس، گمراه و یاغی دیده میشود. مقاله بسیار جالبی در مورد رابطه میان خدا به عنوان "رحیم" و خدا به عنوان "مقدس" در *Synonyms of the Old Testament* اثر Robert B. Girdlestone صفحات ۱۱۲ الی ۱۱۳ وجود دارد.

۲. عهد جدید

- a. نگارندگان عهد جدید (به استثنای لوقا) عبری فکر میکردند، ولی به یونانی کوبین مینوشتند. کلیسای عهد جدید از ترجمه یونانی عهد عتیق Septuagint استفاده کرد. این ترجمه یونانی عهد عتیق بود، نه ادبیات، تفکر، یا مذهب یونانی که دستور زبان را کنترل میکرد.
- b. عیسی مقدس است زیرا از خدا و همانند خدا است (مراجعه شود به انجیل لوقا ۱: ۳۵، ۴: ۳۴، اعمال رسولان ۳: ۱۴، ۴: ۲۷ و ۳۰، مکاشفه ۳: ۷). او مقدس و پارسا است (مراجعه شود به اعمال رسولان ۳: ۱۴، ۲۲: ۱۴). عیسی مقدس است زیرا گناه نکرده است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۸: ۴۶، دوم قرنتیان ۵: ۲۱، عبرانیان ۴: ۱۵، ۷: ۲۶، اول پطرس ۱: ۱۹، ۲: ۲۲، اول یوحنا ۳: ۵).
- c. زیرا خدا مقدس است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۷: ۱۱، اول پطرس ۱: ۱۵۶ الی ۱۶، مکاشفه ۴: ۸، ۶: ۱۰)، فرزندان او باید مقدس باشند (مراجعه شود به رومیان ۸: ۲۸ الی ۲۹، دوم قرنتیان ۳: ۱۸، غلاطیان ۴: ۱۹، افسسیان ۱: ۴، اول تسالونیکیان ۳: ۱۳، ۴: ۳، اول پطرس ۱: ۱۵). مسیحیان نجات می یابند تا با همانند مسیح بودن (تقدس) خدمت کنند.

^{۱۷} اگر او را پدر می خوانید که هر کس را بی غرض بر حسب اعمالش داوری می کند، پس دوران غربت خویش را با ترس بگذرانید،^{۱۸} زیرا می دانید از شیوه زندگی باطلی که از پدرانتان به ارث برده بودید، باز خرید شده اید، نه به چیزهای فانی چون سیم و زر،^{۱۹} بلکه به خون گرانبهای مسیح، آن بره بی عیب و بی نقص.^{۲۰} او پیش از آفرینش جهان انتخاب شد، اما در این زمانهای آخر برای شما ظهور کرد.^{۲۱} شما به واسطه او به خدا ایمان آورده اید، به خدایی که او را از مردگان برخیزانید و جلال بخشید، بدان سان که ایمان و امیدتان بر خداست.

۱: ۱۷ "اگر" این شرط نوع اول است که از دیدگاه نگارنده یا هدف نگارشی او شرط درست است.

■ "او را پدر می خوانید" این زمان حال اخباری میانی است (مراجعه شود به هوشع ۱۱: ۱ الی ۳، ارمیا ۳: ۱۹)، و دلالت بر این دارد که تمامی مومنین باید یهوه را با اصطلاحات خانوادگی خطاب کنند (مراجعه شود به رومیان ۸: ۱۵، غلاطیان ۴: ۶) همانطور که عیسی به آنان تعلیم میداد (مراجعه شود به انجیل متی ۶: ۹). موضوع خاص: پدر در بخش مربوط به انجیل مرقس ۱۳: ۳۲ را مطالعه کنید.

■ "هر کس را بی غرض بر حسب اعمالش داوری می کند" خداوند نه تنها کسانی را که او را شناخته اند، بلکه کسانی که ادعا می کنند او را می شناسند، را نیز در نظر میگیرد (مراجعه شود به اول پطرس ۴: ۵ و ۱۷ الی ۱۸، رومیان ۱۴: ۱۲، دوم قرنتیان ۵: ۱۰). از آنان که بیشتر به آنان داده شده، بیشتر هم خواسته میشود (مراجعه شود به انجیل لوقا ۱۲: ۴۸)!

اگر او را پدر خطاب میکنیم، پس باید مشخصه های خانوادگی را هم در نظر بگیریم، همانطور هم پسر ارشد او! پدر ما، آن مقدس، یک قاضی بیطرف است (مراجعه شود به کتاب تثنیه ۱۰: ۱۷، دوم تواریخ ۱۹: ۷، اعمال رسولان ۱۰: ۳۴، رومیان ۲: ۱۱، غلاطیان ۲: ۶، افسسیان ۶: ۹، کولسیان ۳: ۲۵، اول پطرس ۱: ۱۷).

انسانها گزینه انتخاب دارند (مراجعه شود به کتاب تثنیه ۳۰: ۱۵ الی ۲۰، یوشع ۲۴: ۱۵، حزقیال ۱۸: ۳۰ الی ۳۲) که چگونه با خدا رابطه داشته باشند. او میتواند پدر دوست داشتنی باشد اگر به مسیح ایمان داشته باشند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۱۲، رومیان ۱۰: ۹ الی ۱۳) یا او میتواند یک داور مقدس باشد اگر آنها به نفع خود یا ادای آداب و رسوم دینی، قوانین و تشریفات آن اتکا کنند (مراجعه شود به انجیل متی ۲۵: ۳۱ الی ۴۶، کولسیان ۲: ۲۰ الی ۲۳). شما به رحمت او را میخواهید یا قضاوتش را؟

اصطلاح "بیطرف" منعکس کننده اصطلاح عهد عتیقی "چهره برگرفتن" دارد. داوران نباید تحت تاثیر این قرار بگیرند که چه کسی متهم است، بلکه باید اعمال را ببینند.

■ "هر کس را... بر حسب اعمالش" این یک جهان اخلاقی است. خدا قاضی است. انسان برای نعمت زندگی به خداوند احترام می گذارد (مراجعه شود به انجیل متی ۲۵: ۳۱ الی ۴۶، دوم قرنتیان ۵: ۱۰، مکاشفه ۲۰: ۱۱ الی ۱۵). ما پیشکار هستیم و هر آنچه که میکاریم، درو میکنیم (مراجعه شود به یعقوب ۳۴: ۱۱، مزامیر ۲۸: ۴، ۶۲: ۱۲، امثال ۱۲: ۱۴، ۲۴: ۱۲، اشعیا ۳: ۱۰ الی ۱۱، ارمیا ۱۷: ۱۰، هوشع ۴: ۹، انجیل متی ۱۶: ۲۷، ۲۵: ۳۱ الی ۴۶، رومیان ۲: ۶، اول قرنتیان ۳: ۸، غلاطیان ۶: ۷، کولسیان ۳: ۲۵، مکاشفه ۲: ۲۳، ۲۰: ۱۲ الی ۱۳، ۲۲: ۱۲).

■ "دوران غربت خویش را با ترس بگذرانید" یک احترام خاص نسبت به خدای مقدس وجود دارد (مراجعه شود به دوم قرنتیان ۵: ۲۱). این احترام آن است که فرزندان زندگی مقدسی دارند، و از خدا به خاطر نعمت زندگی و انجیل شکرگزار هستند.

■ "در طول دوران غربت" (این عبارت در نسخه انگلیسی انجیل "در طول دورانی که در زمین زندگی میکند" خوانده میشود- مترجم) این عبارت اشاره بر آن دارد که مومنین در یک سرزمین بیگانه زندگی میکنند (مراجعه شود به اول پطرس ۱: ۱، ۲: ۱۱، عبرانیان ۱۱: ۹ الی ۱۰). این دنیا خانه ما نیست.

۱: ۱۸ "زیرا میدانید" آگاهی ما از کار عیسی از طرف ما باعث شده که زندگی مطیعانه همانند مسیح داشته باشیم.

در میان مفسرین گمانه زنی هایی وجود دارد مبنی بر استفاده پطرس از، سرودهای مذهبی و یا مراسم عبادت در کلیسای اولیه. اول پطرس ۱: ۱۸-۲۱ و ۲: ۲۱-۲۵ نشانه هایی از الگوی شعر را نشان می دهند. پولس همچنین از این سرودهای مذهبی و مراسم عبادت و یا حتی ادبیات خاص برای کمک به حافظه استفاده کرد (مراجعه شود به افسسیان ۵: ۱۹، فیلیپیان ۲: ۶ الی ۱۱، کولسیان ۱: ۱۵ الی ۱۶، ۳: ۱۶، اول تیموتائوس ۳: ۱۶، دوم تیموتائوس ۲: ۱۱ الی ۱۳).

■ "باز خرید شده اید" اصطلاح "باز خرید" منعکس کننده اصطلاح عهد عتیقی "باز خرید کسی" است از فقر یا بردگی. دو اصطلاح عبری وجود دارند (خونبها، باز خرید). این یک مفهوم اضافی "باز خرید شده توسط یکی از اقوام" دارد (*go'el*، خویشاوند باز خرید کننده، مراجعه شود به روت ۴: ۱ و ۳ و ۶ و ۸ و ۱۴). عیسی خویشاوند نزدیک ما است که با زندگی خود بخشش ما را خرید (مراجعه شود به اشعیا ۵۳، انجیل مرقس ۱۰: ۴۵، دوم قرنتیان ۵: ۲۱). موضوع خاص: خونبها/باز خرید در بخش مربوط به انجیل مرقس ۱۰: ۴۵ را مطالعه کنید.

NASB, NJB "از شیوه بی هدف زندگی"

رومیان ۴: ۲۴، ۸: ۱۱، ۱۰: ۹، دوم قرن‌تینان ۴: ۱۴). این تأیید پدر برای قربانی شدن به عنوان جایگزین است (مراجعه شود به اول قرن‌تینان ۱۵). از منظر الهیاتی، همه سه فرد تثلیث در رستاخیز عیسی دخیل بودند.

۱. پدر (اعمال رسولان ۲: ۲۴، ۳: ۱۵، ۴: ۱۰، ۵: ۳۰، ۱۰: ۱۳، ۴۰: ۳۰ و ۳۳ و ۳۴: ۱۷: ۳۱)
۲. روح القدس (رومیان ۸: ۱۱)
۳. پسر (انجیل یوحنا ۲: ۱۹ الی ۲۲، ۱۰: ۱۷ الی ۱۸)

■ "و جلال بخشید" در این متن پذیرش و تأیید پدر از کلمات و آثار پسر در دو رویداد بزرگ بیان شده است.

۱. قیام عیسی از مردگان
۲. معراج عیسی به سوی دست راست پدر

موضوع خاص: شکوه (DOXA) در بخش مربوط به انجیل مرقس ۱۰: ۳۷ را مطالعه کنید.

NASB: اول پطرس ۱: ۲۲ الی ۲۵

۲۲ حال که با اطاعت از حقیقت، جانهای خویش را طاهر ساخته‌اید تا محبت برادرانه بی‌ریا داشته باشید، بر شماس‌ت که یکدیگر را از صمیم دل به شدت محبت کنید. ۲۳ زیرا تولد تازه یافته‌اید، نه از تخم فانی بلکه تخم غیرفانی، یعنی کلام خدا که زنده و باقی است. ۲۴ زیرا، «آدمی جملگی چون علف است و جلالش یکسره بسان گل صحرا؛ علف می‌خشکد و گلها می‌ریزند، اما کلام خداوند جاودان ماند». و این است آن کلام که به شما بشارت داده شد.

۱: ۲۲ "با اطاعت" موضوع تکراری در فصل اول است (مراجعه شود به اول پطرس ۱: ۲ و ۱۴ و ۲۲). اشاره به پذیرفتن انجیل (یعنی حقیقت، مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۷: ۱۷، دوم تسالونیکیان ۲: ۱۲) و بر اساس آن گام برداشتن دارد. به خاطر داشته باشید که انجیل: (۱) یک فرد است، (۲) حقیقت درباره آن فرد است، و (۳) زندگی همانند آن فرد است. عیسی به وضوح اهمیت اطاعت را در انجیل لوقا ۶: ۴۶ بیان می‌دارد. اطاعت شاهد این است که ما واقعا او را دیده ایم و توسط او تغییر یافته ایم. حیات جاویدان مشخصه های قابل رویت دارد.

■ "از حقیقت" به مفهوم "با اطاعت از حقیقت"، که حالت مضاف الیه است. حقیقت مشخصه هم خدا و هم فرزندان او است. به موضوع خاص: حقیقت در بخش مربوط به دوم پطرس ۱: ۱۲ مراجعه کنید.

■ "جانهای خویش را طاهر ساخته‌اید" (در نسخه انگلیسی "روح" نوشته شده نه "جان" مترجم) این وجه وصفی و زمان حال کامل فعال است. اطاعت از حقیقت و مطهر ساختن فردی (مراجعه شود به یعقوب ۴: ۸، اول یوحنا ۳: ۳). این تطهیر ساختن معنوی محبت و پذیرش خدا را بدست نمی آورد، ولی در مقابل منعکس کننده آن است. این فرایند تطهیر ساختن از رستگاری آغاز میشود و در سراسر زندگی تداوم پیدا میکند (زمان حال کامل فعال). نتیجه آن محبت صمیمانه برادران است (مراجعه شود به اول یوحنا ۴: ۷ الی ۲۱). مسیحیت هم (۱) یک پاسخ فردی از روی ایمان به پیشنهاد رستگاری خدا از طریق مسیح است و (۲) یک تجربه گروهی و مشارکتی خدمت به کالبد مسیح (مراجعه شود به اول قرن‌تینان ۱۲: ۷). مومنین محبت خود به خدا را با محبت کردن به سایر فرزندان نشان می‌دهند (مراجعه شود به رومیان ۱۴: ۱ الی ۱۵: ۳). یادداشت کاملتر در مورد روح را در بخش اول پطرس ۱: ۹ مطالعه کنید.

■ "محبت برادرانه بی‌ریا داشته باشید، بر شماس‌ت که یکدیگر را از صمیم دل به شدت محبت کنید" اولین کاربرد "محبت" در این عبارت ترکیبی از کلمه یونانی *philadelphī* (محبت برادرانه) است. دومی حالت آتوریست اخباری فعال از فعل *agapaō* و *phileō* است. از این اصطلاحات (*agapaō* و *phileō*) در عهد عتیق به عنوان جایگزین یکدیگر بسیار استفاده شده است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۵: ۲۰ در مقابل ۳: ۲۵ و ۱۶: ۲۷ در مقابل ۱۷: ۲۳). در برخی عبارتها همانند انجیل یوحنا ۲۱: ۱۵ الی ۱۷ ممکن است آنها در بردارنده حالات دیگری از محبت باشند. کلیسای اولیه حالت بلا استفاده اسمی آن را گرفته (*agapē*) و شروع به استفاده و بیان آن به شیوه منحصر به فردی در مورد محبت کردن پدر از طریق مسیح کرده است.

۱: ۲۳ "زیرا تولد تازه یافته‌اید" (در نسخه انگلیسی "زیرا دوباره متولد شده‌اید" آمده است-مترجم) این زمان مجهول کامل است. این تفکر الهیاتی را از اول پطرس ۱: ۳ بسط می‌دهد. یک استعاره خانوادگی است که برای توصیف به عنوان اعضا جدید خانواده خدا از طریق ایمان به مسیح استفاده شده است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۱۲ الی ۱۳). مشابه متولد شده از آسمان در انجیل یوحنا ۳: ۳ است.

به حقیقت عجیبی که فعل آن را با خود حمل میکند توجه کنید:

۱. زمان کامل = رستگاری ما در گذشته آغاز شده و تا حال و در شرایط فعلی ادامه یافته است
۲. حالت مجهول = ما خود را نجات نداده ایم، یک عمل برونی توسط تثلیث بوده است
۳. همین حالت فعل (با یک کلمه یونانی دیگر) در افسسیان ۲: ۵ و ۸ یافت میشود که آن هم آیه حیرت انگیزی در مورد اطمینان و امنیت مومنین است.

■ "نه از تخم فانی" تخم یک استعاره انجیلی برای (۱) تولد (یعنی توسط ربی‌ها برای اسپرم استفاده میشود) و یا (۲) نسل فیزیکی (یعنی کتاب پیدایش ۱: ۱ الی ۳ برای نسل ابراهیم) است. این همان است که زندگی را به وجود می آورد.

■ "تخم غیرفانی، یعنی کلام خدا که زنده و باقی است" موعظه انجیل به عنوان وسیله‌ای است که به وسیله آن پدر، ایمانداران را به ارمغان آورده است (یعقوب ۱: ۱۸). این موعظه مقدس حقیقت انجیل به صورت زنده و باقی مانده (مراجعه شود به عبرانیان ۴: ۱۲) توصیف می‌شود، که هر دو جنبه یهوه است!

۱: ۲۴ آیات ۲۴ الی ۲۵ نقل قول از LXX اشعیا ۴۰: ۶ الی ۸ هستند (مراجعه شود به یعقوب ۱۴: ۱ الی ۲، مزامیر ۹۰: ۵ الی ۶، ۱۰۳: ۱۵ الی ۱۷) که همچنین بر سستی و محدودیت و پایان پذیری زندگی انسانی (مراجعه شود به یعقوب ۱: ۱۰ الی ۱۱) در برابر جاودانگی کلام خدا (مراجعه شود به یعقوب ۱: ۲۱) تاکید میکند. در متن اصلی این آیات به اسرائیل اشاره دارند، ولی اینک آنها به کلیسا اشاره میکنند (مراجعه شود به اول پطرس ۲: ۵ و ۹). این جابجایی مشخصه اول پطرس است.

۱: ۲۵ "کلام خدا" اینها دو کلمه یونانی هستند که معمولا "کلام" یا "پیام" ترجمه میشوند. در لوگوهای یونانی کوبین (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۱؛ اول پطرس ۱: ۲۳) و *rema* (مراجعه شود به نقل قول عهد عتیق از Septuagint در اول پطرس ۱: ۲۵ الف و اشاره به آن در اول پطرس ۱: ۲۵) معمولا مترادف هستند. محتوا، نه یک لغت نامه، مترادف را تعیین می‌کند. خدا خودش را آشکار کرد (یعنی مکاشفه)!

NASB: اول پطرس ۲: ۱ الی ۳

پس هر نوع کینه، و هر گونه مکر و ریا و حسد، و هر قسم بدگویی را از خود برانید^۲ و همچون نوزادگان، مشتاق شیر خالص روحانی باشید تا به مدد آن برای نجات نمو کنید،^۳ اگر برآستی چشیده‌اید که خداوند مهربان است.

۲: ۱ "پس" این نشان میدهد که بحث بعدی بر اساس چیزی است که گفته شد.

■ "برانید" این زمان آنوریست میانی است که از نظر مفهومی اشاره به "شخصا دور کردن" دارد. در آوردن لباس یک استعاره متداول انجیلی برای توصیف زندگی روحانی و معنوی است (مراجعه شود به یعقوب ۲۹: ۱۴، مزامیر ۱۰۹: ۲۹، اشعیا ۶۱: ۱۰، رومیان ۱۳: ۱۲، افسسیان ۴: ۲۲ و ۲۵ و ۳۱، کولسیان ۳: ۸، عبرانیان ۱۲: ۱).

به حالت میانی توجه کنید، که بر عمل فاعل تاکید میکند. مومنین باید یک مرتبه و برای همیشه (زمان آنوریست به عنوان عمل کامل شده) شیطان را دور کنند. این فقط به واسطه معرفی کارهای تثلیث خدا ممکن است (مراجعه شود به اول پطرس ۱: ۲). انسان گمراه نمیتواند بدون کمک از گناه و پلیدی روی برگرداند، ولی خدایی که در مسیح است از طریق روح القدس مومنین را قادر می‌سازد تا بطور کامل به خدا روی آورند (مراجعه شود به رومیان ۶). تراژدی اینجا است که مومنین از این قدرت خداوند خود را رها کرده و تصمیم میگیرند که به پلیدی روی آورند (مراجعه شد به رومیان ۷).

■ "هر گونه مکر" این اشاره به "اراده سست و ضعیف" دارد (مراجعه شود به رومیان ۱: ۲۹، اول قرنتیان ۵: ۸، ۱۴: ۲۰، افسسیان ۴: ۳۱، کولسیان ۳: ۸، تیتوس ۳: ۳، اول پطرس ۲: ۱۶). فسادهایی که در دنیای روم رایج بودند (یعنی رواقیون) و در عهد عتیق فهرست شده‌اند (مراجعه شود به انجیل مرقس ۷: ۲۱ الی ۲۷، رومیان ۱: ۲۹ الی ۳۱، ۱۳: ۱۳، اول قرنتیان ۵: ۱۰، ۶: ۹ الی ۱۰، دوم قرنتیان ۱۲: ۲، غلاطیان ۵: ۱۹ الی ۲۰، افسسیان ۴: ۳۱، کولسیان ۳: ۸، اول تیموتائوس ۱: ۹ الی ۱۰، دوم پطرس ۲: ۱۰ الی ۱۴، مکاشفه ۲: ۲۱، ۸: ۲۲، ۱۵).

■ "هر گونه ریا" این اصطلاح در مورد "طعمه ماهیگیری" استفاده میشود. این تلاشی برای جلب نظر دیگر ماهیها با استفاده از فریب و نیرنگ را نشان می‌دهد (مراجعه شود به اول قرنتیان ۱۲: ۱۶، اول تسالونیکیان ۲: ۳، اول پطرس ۲: ۱ و ۲، ۳: ۱۰).

■ "دو رویی" (این اصطلاح در نسخه فارسی ترجمه نشده است- مترجم) این به معنای واقعی کلمه "قضاوت تحت...." است. این یک اصطلاح تئاتری است که بازیگران در پشت ماسک سخن می‌گویند.

■ "حسد" این حسادت ناشی از تمایل به چیزی است که فرد دیگری آن را در اختیار دارد (مراجعه شود به انجیل متی ۲۷: ۱۸، انجیل مرقس ۱۵: ۱۰، رومیان ۱: ۲۹، فیلیپیان ۱: ۱۵، اول تیموتائوس ۶: ۴، تیتوس ۳: ۳، یعقوب ۴: ۵).

■ "تهمت زدن" (در ترجمه فارسی به اشتباه بدگویی ترجمه شده- مترجم) این به مفهوم تهمتهای شیطانی به کسی زدن به منظور بی آبرو کردن فرد است (مراجعه شود به رومیان ۱: ۳۰، دوم قرنتیان ۱۲: ۲۰، اول پطرس ۲: ۱ و ۱۲، ۳: ۱۶). این اصطلاح در عهد عتیق و عهد برای توصیف شیطان استفاده می‌شود. با همین اشاره به این موضوع، واضح است که برای کلیساهای اولیه که چنین آزار و شکنجه‌هایی را تجربه کرده بودند نیز این امر مشکل بود.

۲: ۲ "همچون نوزادگان" این احتمالا در رابطه با اخطار عیسی به شاگردان وی است تا ایمانی مانند بچه‌های کوچک داشته باشند (انجیل متی ۱۸: ۳). این اصطلاح همچنین در رابطه با استعاره خانوادگی در مورد تولد دوباره است (مراجعه شود به اول پطرس ۱: ۳ و ۲۳؛ انجیل یوحنا ۳: ۳).

در اول پطرس ۲، پطرس از چندین استعاره برای توصیف مومنین استفاده میکند.

a. نوزادان، اول پطرس ۲: ۱

- b. سنگهای زنده ای که یک خانه معنوی و روحانی را شکل میدهند، اول پطرس ۲: ۵
- c. مقام مذهبی، اول پطرس ۲: ۵ و ۹
- d. مردم، اول پطرس ۲: ۹ و ۱۰
- e. بیگانگان و غریبه ها، اول پطرس ۲: ۱۱
- f. گوسفندان، اول پطرس ۲: ۲۵

■ "مشتاق" این وجه وصفی آئوریست فعال امری است. این یک اصطلاح قوی برای تمایل است (مراجعه شود به فیلیپیان ۱: ۸، ۲: ۲۶). رشد معنویت و روحانیت و بلوغ در زندگی مسیحی امری اتوماتیک نیست. اساس این فرمان را میتوان در مزامیر ۴۲: ۱ الی ۴ و انجیل متی ۵: ۶ ببینید.

■ "خالص" این اصطلاحی است که از کارخانه های شراب سازی قرن اول گرفته شده است. این اصطلاح *guile dolon*، مراجعه شود به اول پطرس ۱: ۱) با حذف آلفا می باشد (مراجعه شود به اول پطرس ۱: ۱). شراب اغلب با آب قاطی می شد، به خصوص شراب های قدیمیتر. اغلب تجار سعی می کردند که شرابهایی بفروشند که آب قاطی آن شده و ته نشین شده است. بنابراین این اصطلاح به صورت استعاره ای در مورد چیزی استفاده میشد که "خالص" بوده و "چیزی با آن قاطی نشده" باشد.

با توجه به استعاره متنی مسیحیان به عنوان نوزاد تازه متولد شده، این اشاره به تغذیه مناسب نوزادان، شیر است. این افراد توسط کلام خدا نجات یافتند (مراجعه شود به اول پطرس ۱: ۲۳)؛ در حال حاضر آنها نیاز به توسعه در کلمه خدا. این حاصل دلخواه و مورد نیاز تولدی تازه است. اوه، تراژدی مؤمنان مسیحیان تازه تولد یافته است.

■ "شیر" ترتولیان به "تازه ایمان آوردگان" به عنوان نماد زندگی جدید در ایمان به عیسی و بر اساس همین متن، پس از تعمید شیر و غسل میدادند. ما به حقیقت خدا نیاز داریم، که این در مسیح و موعظه های ممتد شاگردانش آشکار شد (مراجعه شود به عبرانیان ۵: ۱۲).

"جهان" NASB, NKJV,
NRSV, TEV
"روحانی" NJB

logikos یک اصطلاح فلسفی است همانطور که در رومیان ۱۲: ۱ آمده است. میتواند به منطق معنوی (مراجعه شود به NASB, NKJV) و یا به صورت استعاره به منطق روحانی اشاره داشته باشد. بدیهی است که مرتبط با نیاز تازه ایمان آوردگان به موعظه ها و تعالیم شاگردان است (مراجعه شود به اول پطرس ۱: ۲۳ الی ۲۵). مومنین نیاز دارند که انجیل را بخوانند و با آن آشنا شوند.

■ "برای نجات نمو کنید" این وجه وصفی آئوریست مجهول است. مונظه شاگردان فردی شده و به عنوان عامل مجهول است، که باعث میشود مومنین رشد کنند. در عهد جدید به نجات به صورت یکی از موارد زیر نگاه میشود:

۱. تصمیمی که در گذشته اتخاذ شده است (زمان آئوریست)
۲. یک فرایند در حال انجام (زمان حال)
۳. رویدادی که در گذشته شروع شده و در حال خاتمه می یابد (زمان کامل)
۴. تحقق در آینده (زمان آینده)

این متن میگوید که رشد معنویت و روحانیت توسط حقیقت آشکار شده خدا (مراجعه شود به اول پطرس ۱: ۲۳ و ۲۵، ۲: ۲) برای تحقق زندگی مسیحی حیاتی است. موضوع خاص در بخش مربوط به اول پطرس ۱: ۵ را مطالعه کنید.

۲: ۳ "اگر براستی چشیده اید که خداوند مهربان است" این یک شرط نوع اول است که تصور می شود درست است. از ایمانداران که فضل خدا را تجربه کرده اند، انتظار میرود که مشتاق حقیقت خدا باشند و حقیقت خداوند را به نجات کامل تبدیل کنند. آیه ۳ اشاره ای است به مزامیر ۳۴: ۸. مزامیر به یهوه اشاره دارد، اما در اینجا به عیسی اشاره می کند. *Handbook on the First Letter from Peter* متعلق به United Bible Societies تصریح میکند که این میتواند به نخستین همبستگی مومنین اشاره داشته باشد (صفحه ۵۳).

۱. بازی با کلمات محبت (*chrēstos*) و مسیح (*Christos*)
۲. مزامیر ۳۴ در طول ارائه خدمت توسط کلیسای اولیه مورد استفاده قرار میگرفت
۳. "چشیده اید" (زمان آئوریست) اشاره به اولین همبستگی دارد (احتمالاً پس از تعمید)

سوالاتی برای بحث

این یک راهنمای مطالعاتی است، که بدین معنی است که شما خودتان مسئول تفسیر انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر خودمان گام برداریم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. شما نباید این امر را به یک مفسر واگذار کنید. این سوالات مباحثاتی به منظور کمک به شما در تفکر نسبت به مسائل اصلی این بخش از کتاب مطرح شده اند. آنها صرفاً تفکر برانگیز هستند نه قطعی.

۱. پطرس برای کفار مینوشت یا یهودیان یا هر دو؟
۲. حقیقت مرکزی دعاهای پطرس در اول پطرس ۱: ۳ الی ۹ چیست؟
۳. چرا مسیحیان رنج میکشند؟
۴. چرا گفته میشود که نجات ما هنوز در آینده است؟
۵. در اول پطرس ۱: ۱۰ الی ۱۲ انبیا عهد عتیق در آرزوی دانستن چه چیزی بودند؟
۶. فرامینی را که در اول پطرس ۱: ۱۳ الی ۲۲ آمده فهرست کنید
۷. بیشترین چیزی که تازه ایمان آوردگان نیاز دارند چیست؟

اول پطرس ۲: ۴ الی ۲۵

پاراگراف‌های ترجمه‌های مدرن

UBS ⁴	NKJV	NRSV	TEV	NJB
سنگ زنده و قوم مقدس	کلام پایدار (۱: ۲۲ الی ۲: ۳)	درخواست تقدس (۱: ۲۳ الی ۲: ۱۰)	سنگ زنده و قوم مقدس	بازسازی توسط کلام (۱: ۲۲ الی ۲: ۳)
۲: ۱ الی ۸	سنگ منتخب و قوم منتخب او ۲: ۴ الی ۱۰	۲: ۴ الی ۸	۲: ۱ الی ۸	کشیش جدید ۲: ۴ الی ۸
۲: ۹ الی ۱۰	۲: ۹ الی ۱۰	۲: ۹ الی ۱۰	۲: ۹ الی ۱۰	۲: ۹ الی ۱۰
زندگی به عنوان خدمتگزاران خدا	زندگی در جهان	وظایف مسیحیان (۲: ۱۱ الی ۴: ۱۱)	بردگان خدا	وظایف مسیحیان نسبت به بی‌ایمانان
۲: ۱۱ الی ۱۲	۲: ۱۱ الی ۱۲	۲: ۱۱ الی ۱۲	۲: ۱۱ الی ۱۲	۲: ۱۱ الی ۱۲
	ارائه به دولت			وظایف مسیحیان در برابر مقامات جامعه
۲: ۱۳ الی ۱۷	۲: ۱۳ الی ۱۷	۲: ۱۳ الی ۱۷	۲: ۱۳ الی ۱۷	۲: ۱۳ الی ۱۷
مثال رنج مسیح	ارائه به اربابان		مثال رنج مسیح	وظایف مسیحیان نسبت به اربابان
۲: ۱۸ الی ۲۵	۲: ۱۸ الی ۲۵	۲: ۱۸ الی ۲۵	۲: ۱۸ الی ۲۵	۲: ۱۸ الی ۲۰ ۲: ۲۱ الی ۲۵

* تقسیم‌بندی پاراگرافها، تحت تاثیر الهام صورت نگرفته، بلکه کلید درک مطلب و دنبال کردن عزم اولیه نویسنده می‌باشند. هر ترجمه جدید، پاراگراف‌ها را تقسیم و خلاصه کرده است. هر پاراگراف شامل یک موضوع مرکزی، حقیقت یا تفکری است. هر نسخه این موضوع را به شیوه‌ای متمایز به کار می‌گیرد. همانطور که متن را می‌خوانید، از خودتان سوال کنید که کدام ترجمه متناسب با درک شما از موضوع و تقسیم‌بندی آیه است. در هر فصل ما ابتدا باید کتاب مقدس را بخوانیم و سعی کنیم موضوعات آن (پاراگراف‌ها) را شناسایی کنیم، سپس درک خود با نسخه‌های جدید را مقایسه کنیم. تنها وقتی می‌توانیم هدف اصلی نویسندگان را دریابیم که با پیروی از منطق و نحوه ارائه آن، بتوانیم واقعا کتاب مقدس را درک کنیم. فقط نویسنده اصلی الهام گرفته است - خوانندگان حق ندارند پیام را تغییر داده یا اصلاح کنند. خوانندگان کتاب مقدس مسئولیت اعمال حقیقت الهام گرفته را روزانه و در طول زندگی دارند. توجه داشته باشید که تمام اصطلاحات فنی و اختصارات به طور کامل در اسناد زیر توضیح داده شده است: [انتقادات متنی و واژه‌نامه](#).

مطالعه حلقه سوم (رجوع کنید به "راهنمای مطالعه مفید انجیل")

به دنبال نیت اصلی نویسنده در سطوح پاراگراف

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید.

کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص نمایید (مطالعه حلقه شماره ۳). تقسیمات موضوعی خود را با پنج ترجمه بالا مقایسه کنید. پاراگراف‌بندی به نویسنده الهام نشده است، اما کلید پیگیری اهداف اصلی نویسنده است که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول
۲. پاراگراف دوم
۳. پاراگراف سوم و غیره

NASB: اول پطرس ۲: ۴ الی ۸

با نزدیک شدن به او، یعنی به آن سنگ زنده که آدمیان رد کرده‌اند اما نزد خدا برگزیده و گرانبهاست،^۵ شما نیز چون سنگهای زنده به صورت عمارتی روحانی بنا می‌شوید تا کاهنانی مقدس باشید و به واسطه عیسی مسیح، قربانیهای روحانی مقبول خدا را تقدیم کنید. زیرا در کتب مقدس آمده است که: «اینک در صهیون سنگی می‌نهم، سنگ زاویه برگزیده و گرانبها؛ آن که بر او توکل کند، سرافکننده نگردد». این سنگ برای شما که ایمان آورده‌اید، گرانبهاست؛ اما آنان را که ایمان نیاورده‌اند، «سنگی که معماران رد کردند مهمترین سنگ بنا شده است»،^۶ و نیز، «سنگی که سبب لغزش شود، و صخره‌ای که موجب سقوط گردد». اینان می‌لغزند چون کلام را فرمان نمی‌برند، که این بر ایشان مقدر گشته است.

■ "با نزدیک شدن به او" این وجه وصفی حال میانی است. NRSV، NKJV و TEV این را به صورت امری ترجمه کرده‌اند. به عنصر آمدن مستمر و فردی "به او" توجه کنید. انجیل اساساً یک شخص است که باید از او استقبال کنیم، به او اعتماد کنیم و همانند او شویم. این اصطلاح میتواند مفهوم نزدیک شدن به خدا، به عنوان کشیش یا زاهد را داشته باشد (مراجعه شود به عبرانیان ۴: ۱۶، ۷: ۲۵، ۱۰: ۱ و ۲۲، ۱۱: ۶). پطرس استعاره خود را از شیر در اول پطرس ۲: ۲ الی ۳ به استعاره‌های ساختن در اول پطرس ۲: ۴ الی ۸ تغییر میدهد (مومنین به عنوان سنگ‌های زنده و عیسی به عنوان سنگ زیربنا). این احتمالاً اشاره ای به مزامیر ۳۴: ۴ از انجیل Septuagint است.

■ "به آن سنگ زنده" در عهد عتیق ثبات، قدرت و استقامت خدا اغلب با مفاهیم سنگ در قالب عنوان توصیف میشوند (مراجعه شود به کتاب تثنیه ۳۲: ۴ و ۱۵ و ۱۸ و ۳۰، مزامیر ۱۸: ۲ و ۳۱ و ۴۶، ۲۸: ۱، ۳۱: ۳، ۴۲: ۹، ۷۱: ۳).

استعاره عیسی به عنوان سنگ در بخشهای زیر یافت میشوند:

۱. سنگ رد شده (مزامیر ۱۱۸: ۲۲)
۲. سنگ بنا (مزامیر ۱۱۸: ۲۲، اشعیا ۲۸: ۱۶)
۳. سنگ لغزان (اشعیا ۸: ۱۴ الی ۱۵)
۴. سنگ غالب و فاتح (پادشاهی) (دانیال ۲: ۴۵)

عیسی از این عبارات برای توصیف خود استفاده میکرد (مراجعه شود به انجیل متی ۲۱: ۴۰، انجیل مرقس ۱۲: ۱۰، انجیل لوقا ۲۰: ۱۷)

■ "که آدمیان رد کرده‌اند" (در نسخه انگلیسی این عبارت "که توسط آدمیان رد شده است" - *which has been rejected by men* - نوشته شده که مجهول است ولی در ترجمه فارسی جمله تغییر داده شده و به صورت معلوم نوشته شده است - مترجم) این زمان کامل مجهول است. میتواند اشاره ای به اول پطرس ۲: ۷ باشد، که اشاره ای به مزامیر ۱۱۸: ۲۲ انجیل Septuagint است. سنگ توسط سازندگان مورد تأیید قرار نگرفته است، که میتواند به رهبران یهود اشاره داشته باشد، ولی در پطرس وسیعتر شده و به تمامی بی ایمانان اشاره دارد. این اصطلاح که از *apo dokimazō* گرفته شده به معنی آزمودن کسی یا چیزی برای تشخیص اصل بودن آن است. یهودیان به انکار عیسی به عنوان مسیح ادامه می‌دادند و این انکار تبدیل به یک حالت کوری روحانی شد (مراجعه شود به انجیل مرقس ۸: ۳۱، انجیل متی ۶: ۲۳).

■ "اما نزد خدا برگزیده و گرانبهاست" این احتمالاً زمان حال مجهول اخباری است، هرچند در حالتی میتواند حال امری مجهول باشد. این همان فعلی است که در انجیل متی ۱۶: ۱۸ برای توصیف کلیسایی که بر مبنای ایمان فردی بنا میشود، استفاده شده است (یعنی پطرس به عنوان مثال). کل متن تداومی برای بسط استعاره اول پطرس ۲: ۴ است. عیسی معبد جدید است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۲: ۱۸ الی ۲۲). مومنینی که به عیسی ایمان می‌آورند، کشیشان واقعی هستند. یهودیان ایمان نیاورده (مراجعه شود به اول پطرس ۲: ۷ الی ۸) بر روی همان سنگی که یهوه معبد روحانی و معنوی خود را بنا کرده، لغزیده‌اند - (۱) عیسی و (۲) کلیسا (مراجعه شود به اول تیموتائوس ۳: ۱۵). تنها کسانی که به عیسی ایمان دارند میتوانند به عنوان معبد روحانی خدا عمل کنند، و قربانی قابل قبول روحانی و معنوی هدیه کنند (زندگی روحانی خود را تقدیم کنند، مراجعه شود به اول پطرس ۱: ۱۴ الی ۱۶، رومیان ۱۲: ۱ الی ۲).

موضوع خاص: تقدیس کردن (SPECIAL TOPIC: EDIFY)

اصطلاح *oikodomeō* و سایر حالات آن اغلب توسط پولس استفاده شده‌اند. این اصطلاح به مفهوم "ساختن یک خانه" است (مراجعه شود به انجیل متی ۷: ۲۴)، ولی به صورت استعاره برای موارد زیر استفاده میشود:

۱. بدن مسیح، کلیسا، اول قرن‌تینان ۳: ۹، افسسیان ۲: ۲۱، ۴: ۱۶
۲. بناکردن
 - a. برادران ضعیف، رومیان ۱۵: ۱
 - b. همسایگان، رومیان ۱۵: ۲
 - c. یکدیگر، افسسیان ۴: ۲۹، اول تسالونیکیان ۵: ۱۱
 - d. قدیسان برای بشارت، افسسیان ۴: ۱۱
۳. بنا میکنیم یا تقدیس میکنیم با
 - a. محبت، اول قرن‌تینان ۸: ۱، افسسیان ۴: ۱۶
 - b. محدود کردن آزادیهای فردی، اول قرن‌تینان ۱۰: ۲۳ الی ۲۴
 - c. پرهیز از احتکار، اول تیموتائوس ۱: ۴
 - d. محدود کردن سخنگویان در عبادت (خوانندگان، معلمین، انبیا، و مفسرین، سخن گفتن به زبانها)، اول قرن‌تینان ۱۴: ۳ الی ۴ و ۱۲
۴. همه چیز باید تقدیس شوند
 - a. اقتدار پولس، دوم قرن‌تینان ۱۰: ۸، ۱۲: ۱۹، ۱۳: ۱۰
 - b. جمع بندی در رومیان ۱۴: ۱۹ و اول قرن‌تینان ۱۴: ۲۶

■ "تا کاهنانی مقدس" پطرس از اسامی عهدعتیقی مردمان خدا، اسرائیل، برای توصیف کلیسا استفاده میکند (مراجعه شود به کتاب خروج ۱۹: ۵، اول پطرس ۲: ۹ الی ۱۰، مکاشفه ۱: ۶). در عهد عتیق یهوه به اسرائیل وعده داده که از طریق فرزندان حوا تمام بشریت را ارستگار کند (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۳: ۱۵). یهوه ابراهیم را فرا میخواند (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱۲: ۱ الی ۳) تا پادشاهی کشیشان را فراخواند (مراجعه شود به کتاب خروج ۱۹: ۵ الی ۶) تا به سراسر جهان گسترش پیدا کند (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱۲: ۳ و کتاب خروج ۱۹: ۵). اسرائیل در این وظیفه شکست میخورد (مراجعه شود به حزقیال ۳۶: ۲۷ الی ۳۸).

بنابراین خدا مردمان مومن جدیدی را منصوب میکند (مراجعه شود به ارمیا ۳۱: ۳۱ الی ۳۴، حزقیال ۳۶: ۲۲ الی ۳۸) تا صدای خدا را به جهان برسانند (مراجعه شود به انجیل متی ۲۸: ۱۹ الی ۲۰، انجیل لوقا ۲۴: ۴۷، اعمال رسولان ۱: ۸، اول پطرس ۲: ۹).

مارتین لوتر از اقتدار کتاب مقدس و حقیقت پولسی از طریق ایمان برای رد سنت‌های کلیسای کاتولیک از طریق فیض استفاده کرد. او اصطلاح "کشیش بودن مؤمن" (مفرد) را به کار برد. فردگرایی غربی این شعار را گرفته و آن را به یک مجوز برای آزادی شخصی در باور و شیوه زندگی تبدیل کرده است. اما این مفهوم مشارکتی است، نه فردی (به عنوان مثال، به ضمائر جمع در اول پطرس ۲: ۵ و ۷ و ۹ مراجعه شود). این تمرکز بر اعلامیه انجیل است، نه تمرکز بر آزادی فردی. به مؤمنان ماموریت بشارتی که به اسرائیل داده شده بود، داده شده است (رومیان ۱۶: ۱۵؛ عبرانیان ۱۳: ۱۵-۱۶). نگرش کشیشی به معنی واقعی آن این است که ما از طریق مسیح مستقیم به خدا دسترسی داریم، اما این هدف استعاره نیست. یک کشیش بین مردم نیازمند و یک خدای مقدس قرار دارد. او طرفدار موقعیت خود نیست، بلکه طرفدار نیازهای مردم است. عهد جدید ادعای مؤمنان (حالت جمع، مشارکت) را تأیید می کند زیرا آنها دنیای از دست رفته را با ایمان به مسیح باز میگردانند.

موضوع خاص: مسیحیت مشارکتی است (SPECIAL TOPIC: CHRISTIANITY IS CORPORATE)

۱. پولس و پطرس از حالت جمع در استعاره ها برای مردم خدا استفاده میکنند
 - a. بدن (مراجعه شود به اول قرن‌تینان ۱۲: ۱۲ الی ۲۰)
 - b. زمین (مراجعه شود به اول قرن‌تینان ۳: ۹)
 - c. ساختن (مراجعه شود به اول پطرس ۲: ۴ الی ۵)
۲. اصطلاح "قدیس" همیشه جمع است (به استثنای فیلیپیان ۴: ۲۱، ولی حتی در آنجا نیز مشارکت وجود دارد)
۳. تأکید اصلاح طلبانه مارتین لوتر بر "کشیش بودن مؤمن" (یعنی صلاحیت روح) یک فرض کتاب مقدس است. در واقع کتاب مقدس از "کشیش بودن مؤمنان" سخن می گوید (مراجعه شود به کتاب خروج ۱۹: ۶، اول پطرس ۲: ۵ الی ۹، مکاشفه ۱: ۶)
۴. به هر مومن برای خیر همگان نعمتی داده شده است (مراجعه شود به اول قرن‌تینان ۱۲: ۷)
۵. فقط با کار گروهی و مشارکتی است که مردم میتوانند برای خدا موثر باشند. بشارت مشارکتی است (مراجعه شود به افسسیان ۴: ۱۱ الی ۱۲)

■ "قربانیهای روحانی مقبول خدا را تقدیم کنید" پس از تخریب معبد در سال ۷۰ میلادی، یهودیان عبارات عهد عتیقی را برجسته کردند که از قربانیان

غیر حیوانی حمایت می کنند (مراجعه شود به مزامیر ۵۰: ۱۴، ۵۱: ۲۷، ۶۹: ۳۰ الی ۳۱، ۱۰۷: ۲۲، ۱۴۱: ۲، هوشع ۱۴: ۲). عبرانیان ۱۳: ۵ منعکس کننده این نوع قربانیان مسیحی است. در متن این اشاره به اول پطرس ۱: ۱ و مومنینی دارد که با تقدس فروتنانه زندگی میکنند (به خصوص اول پطرس ۲: ۱۴ الی ۱۶، عبرانیان ۱۳: ۱۵ الی ۱۶).

■ "سنگی می نهیم، سنگ زاویه برگزیده و گرانها" این نقل قول از اشعیا ۲۸: ۱۶ است. این مفهوم مسیح به عنوان صخره یا سنگ در عهد عتیق تکرار میشود (مراجعه شود به مزامیر ۱۱۸: ۲۲، دانیال ۲: ۳۴ الی ۳۵، اشعیا ۸: ۱۴، ۲۸: ۱۶). از این عبارات عهد عتیق اغلب در عهد جدید نقل میشوند (مراجعه شود به انجیل متی ۲۱: ۴۲، انجیل مرقس ۱۲: ۱۰، انجیل لوقا ۲۰: ۱۷، اول قرنتیان ۱۰: ۴، افسسیان ۲: ۲۲، اول پطرس ۲: ۶ الی ۸) تا به عیسی به عنوان آن موعود خدا اشاره شود. پطرس همچنین از آن در موئظه های خود در اعمال رسولان ۴: ۱۱ استفاده میکند. به یادداشت مربوط به اول پطرس ۲: ۴ مراجعه شود. موضوع خاص: سنگ زیربنا در بخش مربوط به انجیل مرقس ۱۲: ۱۰ را مطالعه کنید.

NASB "و کسی که به او ایمان نیاورد، ناامید نخواهد شد"
NKJV "و کسی که به او ایمان می آورد، خجالت نخواهد کشید"
NRSV "و هر کس به او ایمان آورد، شرم نخواهد کرد"
TEV "هر کس به او ایمان آورد هرگز ناامید نخواهد شد"
NJB "هیچکدام از کسانی که بر این اعتقاد دارند، به ناامیدی تبدیل خواهند شد"

این عبارت از اشعیا ۲۸: ۱۶ از LXX است. توجه کنید که دعوت برای همه است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۱۲، ۳: ۱۶، رومیان ۱۰: ۹ الی ۱۳، اول تیموتائوس ۲: ۴، دوم پطرس ۳: ۹). این منفی مضاعف است، "هرگز، هیچوقت، ناامید نخواهد شد" یا "شرمنده نخواهد شد". برای "مومنین" موضوع خاص: در بخش مربوط به انجیل مرقس ۱: ۱۵ را مطالعه کنید.

Answers to Questions اثر F. F. Bruce (صفحه ۱۵۸) به تفاوت های میان متون Septuagint و عبری مازراتی اشاره میکند.

۱. LXX - "ناامید نخواهد شد" (NASB) یا "شرمنده نخواهد شد" (NJB) فعل *yēbōsh* است.

۲. MT - "آشفته نخواهد شد" (NASB، حاشیه)، "با عجله" فعل *yahish* است.

در صفحه ۱۵۷ بروس چنین تفسیر میکند که احتمالاً نویسندگان عهد جدید از نسخه متداول در کلیسای اولیه نقل قول میکردند مگر اینکه دلیل الهیاتی خاصی وجود داشته که مجبور شوند به نسخه دیگری استناد کنند. محور کلی عبارت، کلیدی برای مفهوم الهام است، نه یک مبارزه با هر یک از کلمات. به انسانها یک وحی قابل اعتماد داده شده است!

■ "معماران" تارگامس یهودی (ترجمه آرامی همراه با تفسیر) از این اصطلاح به عنوان لقب برای کاتبین و علما استفاده میکند. این نقل قولی از مزامیر ۱۱۸: ۲۲ است. عیسی از همین نقل قول عهد عتیق در تمثیلهایش برای کشاورزان مستاجر در انجیل متی ۲۱: ۴۲ استفاده میکند. این تمثیل رهبران یهود روزگار عیسی را توصیف میکند. مشخص نیست که کلام قدرتمند عیسی در رابطه با (۱) رد کردن مفهوم غیر آرونی رهبری یهودی است (یعنی آناس و قیافا) که مقام خود را از روم خریدند یا (۲) اینکه او تمام قوم یهود (یعنی اسرائیل) که او را رد کردند و به او ایمان نیاوردند، باشد (مراجعه شود به رومیان ۹ الی ۱۱).

۲: ۸ "سنگی که سبب لغزش شود، و صخره ای که موجب سقوط گردد" این نقل قول از اشعیا ۸: ۱۴ است. همچنین در رومیان ۹: ۳۲، جایی که به عیسی اشاره میکند، از آن نقل قول شده است. سنگ خاص رد شده است و تبدیل به هدف تخریب میگردد!

■ "اینان می لغزند چون کلام را فرمان نمی برند" این زمان حال فعال است. آنها (بی ایمانان روزگار پطرس، هم یهودیان و هم پیروان سایر ادیان) به نافرمانی ادامه میدهند و عیسی را به عنوان مسیح رنج کشیده قبول نمیکند. آنان هم موعظه های عیسی و هم شاگردانش را رد میکنند (مراجعه شود به اول پطرس ۱: ۲۴ و ۲۵). آنان جهان ابدی را رد میکنند (یعنی انجیل، مراجعه شود به اول پطرس ۱: ۲۲ الی ۲: ۲).

NASB "و آنها نیز به این عذاب محکوم شدند"
NKJV "که آنها نیز به آن محکوم شدند"
NRSV "این تقدیر خدا برای آنان بود"
TEV "این خواست خدا برای آنها بود"

کالوینیستها از این آیه و رومیان ۹: ۲۲، اول تسالونیکیان ۵: ۹ برای تصریح اینکه خدا برخی را برای رستگاری انتخاب کرد و برخی را لعنت کرد، استفاده میکنند. با این حال، آیتانی مشابه انجیل یوحنا ۳: ۱۶، اول تیموتائوس ۲: ۴، دوم پطرس ۳: ۹ نشان میدهد که این نمیتواند درست باشد. انتخاب خدا اساساً برای تقدس است (مراجعه شود به افسسیان ۱: ۴، ۲: ۱۰)، برای همانند مسیح بودن است (مراجعه شود به رومیان ۸: ۲۹).

این آیه برای من یادآور اشعیا ۶: ۹ الی ۱۳ است. مردم تحت پیمان خدا نور مورد نیاز را داشتند تا به او پاسخ مناسب بدهند، اما آنها این کار را نکردند. این رد پیوسته به خاطر قلبهای سخت بود که نمیتوانستند پاسخ دهند. تنها قضاوت امکان پذیر بود. خداوند زمان و تاریخ، می داند که انسان چه کاری انجام خواهد داد، اما اجازه می دهد تا آن را انجام دهد و پس از آن، پیامدهای انتخاب های زمانی / ابدی خود را تأیید و بپذیرند.

این برای مؤمنان یهودی بسیار سخت بود تا مقابله با رد عیسی توسط دیگر یهودیان را بپذیرند. چگونه این اتفاق می افتد؟ این مؤمنان اولیه شروع به خواندن کتاب مقدس برای یافتن سرخ این بی ایمانی باورنکردنی کردند.

۱. اشعیا ۶: ۹ الی ۱۰

۲. ارمیا ۵: ۲۱، ۷

۳. انجیل متی ۲۱: ۳۳ الی ۴۴، انجیل مرقس ۱۲: ۱ الی ۱۲

۴. انجیل لوقا ۲: ۳۴، ۲۰: ۹ الی ۱۸

۵. رومیان ۹ الی ۱۱

۶. اول قرنتیان ۱: ۲۳

نقل قول زیر از *Answers to Questions* اثر F. F. Bruce صفحات ۱۹۶ الی ۱۹۷ است. در خصوص "انتخاب" در برابر "انتصاب"

"آیا انتخاب برای رستگاری و انتخاب برای لعن اصطلاحات مرتبط با هم هستند؟

در برخی سیستم های الهیاتی خاص، مرتبط هستند، ولی مهم این است که تمامی سیستم های الهیاتی را توسط کتاب مقدس بیازماییم، و به خاطر داشته باشیم که وقتی آموزش کتاب مقدس سیستماتیک میشود، چیزی از این فرایند خارج میشود. اصطلاح "منتخب" (election) انتخاب بسیار در مجادلات الهیاتی کاربرد پیدا کرده به طوری که حس آموزش انجیلی بر روی موضوع ممکن است بهتر ایجاد شود اگر ما از کلمه غیر الهیاتی انتخاب (selection) بجای آن استفاده کنیم. مسیح دوازده نفر را انتخاب کرد تا شاگردان او باشند (انجیل لوقا ۶: ۱۳)، او شائول تاروسوس را به عنوان ابزار منتخب انتخاب کرد (اعمال رسولان ۹: ۱۵)، ولی انتخاب این مردان توسط او به منظوری خاص، به معنی نفی دیگرانی که انتخاب نشده اند، نیست. خدا قوم اسرائیل را از میان اقوام مختلف به سبب سود رساندن بیشتر به بقیه انتخاب کرد (اعمال رسولان ۱۳: ۱۷) نه به سبب اینکه مزیتی را از آنان سلب کند. وقتی که انتخاب مردمان خدا در این عصر مورد سوال قرار میگیرد، بیشتر به خاطر انتخاب آنان برای رستگاری یا انتخاب شدن برای اینکه مقدس شوند و بر آن تاکید گردد، نیست. این، برای مثال، در افسسیان ۱: ۴ و اول پطرس ۱: ۱ دیده میشود، و به طور مشابه در رومیان ۸: ۲۹، هدفی که خدا به خاطر آن کسانی را که پیش از او پیشگویی کرده بود پیش بینی کرده بود و باید با تصویر پسر او سازگار باشند. در هیچ جا، هیچ پیشنهادی برای "انتخاب برای مورد لعن قرار گرفتن" وجود ندارد. ما باید از این منابع خاص مانند آنهایی که در رومیان ۹: ۲۲ هستند استفاده کنیم. ("عروق خشم ساخته شده برای نابودی") و اول پطرس ۲: ۸ "آنها میگذرد زیرا از این کلام سرپیچی می کنند). تحلیل کلی کتاب مقدس بر این موضوع نشان می دهد که برخی از آنها که توسط خدا انتخاب شده یا انتخاب می شوند، نه به منظور اینکه دیگران، از آنها جدا شده و ممکن است از بین بروند، بلکه دیگران از طریق آنها ممکن است مورد لطف و برکت قرار گیرند."

NASB: اول پطرس ۲: ۹ الی ۱۰

۹ اما شما ملت‌های برگزیده و مملکتی از کاهنان و امتی مقدس و قومی که ملک خاص خداست هستید، تا فضایل او را اعلام کنید که شما را از تاریکی به نور حیرت‌انگیز خود فرا خوانده است. ^۹ پیش از این قومی نبودید، اما اکنون قوم خدایید؛ زمانی از رحمت محروم بودید، اما اکنون رحمت یافته‌اید.

۲: ۹ "اما شما" به حالت جمع "شما" و تضاد آن توجه کنید. نگارنده از اشاره ترکیبی از کتاب خروج ۱۹: ۶ و سپس ۱۹: ۵ استفاده میکند.

■ "ملت‌های برگزیده" همین توصیف در کتاب تثنیه ۷: ۶، ۱۰: ۱۵، اشعیا ۴۳: ۲۰ الی ۲۱ یافت میشود. برگزیده برای بشارت! این عنوان عهد عتیق برای خدمتگزاران برگزیده است.

■ "مملکتی از کاهنان" این عنوان در کتاب خروج ۱۹: ۶، اشعیا ۶۱: ۶، ۶۶: ۲۱ یافت میشود. همانطور که اسرائیل انتخاب شد تا یهوه را به جهان بشناساند، اینک از کلیسا خواسته میشود تا نیازمندان، مردم گناهکار را با خدا آشنا کرده و به سوی او بیاورند.

■ "امتی مقدس" این عنوان در کتاب خروج ۱۹: ۶، کتاب تثنیه ۷: ۶، ۱۴: ۲ و ۲۱، ۲۶: ۱۹ یافت میشود. اسرائیل فرا خوانده شد تا به طور منحصر به فرد مقدس باشد و در نتیجه خدای مقدس را بر جهان گمراه آشکار سازد (مراجعه شود به انجیل متی ۵: ۴۸، اول پطرس ۱: ۱۵ الی ۱۶).

■ "قومی که ملک خاص خداست هستید" این عنوان در کتاب خروج ۱۹: ۵، کتاب تثنیه ۴: ۲۰، ۷: ۶، ۱۴: ۲، ۲۶: ۱۸، ملاکی ۳: ۱۷ یافت می‌شود. این عبارت از کلیسا به عنوان اسرائیل معنوی صحبت می‌کند (مراجعه شود به غلاطیان ۶: ۱۶). این عناوین عهد عتیقی برای مردم خدا اینک در مورد کالبد عهد جدیدی مسیح مصداق دارد (مراجعه شود به رومیان ۲: ۲۸ الی ۲۹، غلاطیان ۳: ۲۹، ۶: ۱۶، افسسیان ۲: ۱۱ الی ۱۳، مکاشفه ۱: ۶). به چندین طریق کلیسا جایگزین اسرائیل شده است، به عنوان مثال در ماموریت بشارت جهانی (مراجعه شود به انجیل متی ۲۸: ۱۹ الی ۲۰، انجیل لوقا ۲۴: ۴۷، اعمال رسولان ۱: ۸).

■ "تا فضایل او را اعلام کنید" هدف مردم خدا شهادت دادن به بزرگی تنها خالق/رستگار کننده واقعی یعنی خدا است. آنان برگزیده شده اند و برای سخن گفتن از انجیل زندگی می‌کنند.

■ "که شما را از تاریکی به نور حیرت‌انگیز خود فرا خوانده است" تاریکی و نور استعاره‌های انجیلی در مورد گناه، شورش و پلیدی در مقابل امید، حقیقت و خوب بودن هستند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۴ الی ۵، ۳: ۱۹ الی ۲۱، ۸: ۱۲، ۱۲: ۳۵ الی ۳۶، و ۴۶، اعمال رسولان ۲۶: ۱۸، دوم قرنتیان ۴: ۶، اول یوحنا ۱: ۵، ۲: ۸ الی ۹ و ۱۱). همانطور که عبارت قبلی ممکن است اشاره به اشعیا ۴۲: ۱۲ باشد، این عبارت هم می‌تواند اشاره به اشعیا ۴۲: ۱۶ باشد.

■ "پیش از این قومی نبودید،" این نقل قول از هوشع ۱: ۱۰ و ۲: ۲۳ را معرفی می‌کند. اصطلاح کلیدی *lo ammi* (نام یکی از فرزندان هوشع) است که اساساً به این اشاره دارد که اسرائیل به واسطه زنا و شیوه زندگی و پیمان شکنی قوم خدا نیست. آنها (۱) به اتحادهای سیاسی اعتماد میکردند و نه به خدا و (۲) بعل را با استفاده از نام بیهوه عبادت می‌کردند.

■ "اما اکنون قوم خداید" این نقل قول دیگری از هوشع ۲: ۲۳ است. این عبارت در متن عهد عتیقی خود تأیید میکند که هر چند اسرائیل گناه کرد و از پیمان خود با خدا خارج شد، آماده بود که تحت پیمان مجدداً این ارتباط را برقرار کند (استعاره ازدواج). همین خدای دوست داشتنی و بخشنده اینک دستهای خود را برای کفار باز میکند.

این استفاده از هوشع که در ابتدا به پادشاهی شمالی پادشاهی اسرائیل در قرن هشتم قبل از میلاد اشاره میکند در حال حاضر توسط پطرس برای ارتباط با کفار و پیروان سایر ادیان استفاده می‌شود. این بسط یافتن متون عهد عتیق از یک متن یهودی/بیگانه به یک بی ایمان/باوردارنده مشخصه عهد جدید است! بیگانگان ایمان آورده اینک جزو مردمان خدا محسوب میشوند (مراجعه شود به افسسیان ۲: ۱۱ الی ۳: ۱۳).

■ "زمانی از رحمت محروم بودید" هوشع پیامبر سه فرزند داشت که بر آنان اسامی انبیا را داده بود.

۱. پسری بنام جزیل، به معنی "خدا با ثمر میسازد" (*Jezreel*)

۲. دختری بنام لو-روحماح، به معنی "بدون محبت" (*Lo-Ruhamah*)

۳. پسری به نام لو-امی، به معنی "مردم من نیستند" (*Lo-Ammi*)

همانطور که بخش نخست اول پطرس ۲: ۱۰ از نام سومین فرزند استفاده میکند، آخرین بخش اول پطرس ۲: ۱۰ از نام فرزند دوم استفاده میکند (مراجعه شود به هوشع ۱: ۶، ۲: ۲۰ و ۲۳). خدا به طور کامل گناهکاران را میپذیرد زیرا آنان را دوست دارد.

حالات دستور زبانی که در اول پطرس ۲: ۱۰ یافت میشوند در بیان نکات الهیاتی کمک می‌کنند. در بخش بیگانگان و کفار، اعتراضی مطرح شده است، و گفته شده که نمایندگان شیطان هستند (وجه وصفی کامل مجهول)، ولی پیمان خدا قاطعانه با استفاده از مسیح در طی تاریخ شکوفا شده و روز جدیدی را برای این میثاق به ارمغان آورده است (وجه وصفی اُتوریست مجهول). این حقیقت مشابه کار برنامه خدا است، قبلاً پنهان بوده ولی آشکار شده است (مراجعه شود به افسسیان ۲: ۱۱ الی ۳: ۱۳).

NASB: اول پطرس ۲: ۱۱ الی ۱۲

۱۱ ای عزیزان، از شما تمنا دارم چون کسانی که در این جهان بیگانه و غریبند، از امیال نفسانی که با روح شما در ستیزند، بپرهیزید.
۱۲ کردارتان در میان بی‌ایمانان چنان پسندیده باشد که هر چند شما را به بدکاری متهم کنند، با مشاهده اعمال نیکتان، خدا را در روز دیدارش، تمجید نمایند.

۱۱: ۲ "بیگانه" این اصطلاح عهد عتیقی در مورد افراد غیر بومی مقیم با حقوق زندگی محدود در مکانی که خانه آنان نیست صحبت میکند، همانند ابراهیم (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۲۳: ۴، مزامیر ۳۹: ۱۲، عبرانیان ۱۱: ۱۳، اول پطرس ۲: ۱۱). در اینجا به صورت استعاره برای مومنینی که در سیستم دنیای گمراه زندگی میکنند استفاده شده است.

■ "غریبند" این اصطلاح دلالت بر اقامت موقت دارد (مراجعه شود به اول پطرس ۱: ۱ و ۱۷). این اشاره به این واقعیت است که مومنین اتباع قلمرو بهشت هستند، نه این واقعیت حاضر که دارای محدودیت زمانی است. ما مخلوقاتی از گوشت و روح هستیم (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱: ۲۶ الی ۲۷).

■ "بپرهیزید" این به مفهوم "همچنان خود را از چیزی دور نگاه داشتن" است (یعنی زمان حال میانی نامحدود). مومنین باید به مبارزه با وسوسه و گناه ادامه دهند (مراجعه شود به رومیان ۷). مبارزه با پلیدی با رستگاری خاتمه نمی‌یابد (مراجعه شود به افسسیان ۶: ۱۰ الی ۲۰). به شیوه‌های مختلف شدت پیدا میکند. وقتی که کسی ایمان می‌آورد و مسیح را میپذیرد، او در روح غرق میشود (مراجعه شود به رومیان ۸: ۹) و طبیعت الهی به او داده میشود (مراجعه شود به دوم پطرس ۱: ۴). با این حال، بدین معنی نیست که طبیعت گناهان قدیمی از بین رفته باشد. با خاتمه یافتن کار مسیح از جانب ما، غیر فعال میشوند (مراجعه شود به رومیان ۶، به موضوع خاص: پوچ و توخالی مراجعه شود).

روحانیون میگویند که در قلب هر انسانی یک سگ سیاه و سفید وجود دارد. به هر کدام بیشتر خوراک دهید، آن بزرگتر میشود. مومنین با به صورت مستمر با گزینه‌های جستجوی نیکی، غوطه خوردن در روح، در نور گام برداشتن یا فعال کردن مجدد طبیعت گناهان قدیمی مواجه هستند. مومنین اتباع دو قلمرو هستند (طبیعت انسان گمراه و روح القدس، مراجعه شود به رومیان ۸: ۵ الی ۱۷)، دو عصر (یعنی عصر پلیدی کنونی و عصر پارسایی، مراجعه شود به تیتوس ۲: ۱۱ الی ۱۴)، کدامیک بیشترین نفوذ را دارد؟

■ "از امیال نفسانی" بدن خود پلید نیست (تفکر یونانی)، بلکه میدان مبارزه خود-محوری و وسوسه های شیطانی است (مراجعه شود به رومیان ۶ الی ۸، غلاطیان ۵: ۱۶ الی ۲۴).

■ "در ستیزند" این زمان حال میانی اخباری است. این نبرد در یعقوب ۴: ۱ الی ۴ توصیف شده است.

۱۲:۲ "کردارتان در میان بی ایمانان چنان پسندیده باشد" این وجه وصفی حال فعال است که به صورت امری استفاده شده است. غیر مومنین نظاره گر هستند. این که مومنین چگونه زندگی میکنند و نسبت به جدل های متداول زندگی واکنش نشان میدهند شهادت بلندی است به تمامی کسانی که آنان را میشناسند. اغلب زندگی ما با صدای بلندتری از کلام مان صحبت میکند.

■ "شما را به بدکاری متهم کنند" مسیحیان اولیه به اینها متهم میشدند:

۱. آدمخواری (به خاطر اصطلاحات به کار رفته در شام آخر)
۲. زنا (به دلیل اینکه یکدیگر را دوست دارند)
۳. بی خدایی (زیرا خدای آنان نامرئی بود)
۴. خیانت (زیرا در ارتش خدمت نمیکردند و به سزار هم اعلام وفاداری نمیکردند)
۵. بی اخلاقی (احتمالا به خاطر بوسه مقدس)

به نظر میرسد این اتهام طریق (مراجعه شود به اول پطرس ۲۴: ۱۴، اعمال رسولان ۲۸: ۲۲) در مناطق طرفدار امپراتور یا امپراتوری روم (آسیای صغیر) بسط یافته باشد.

■ "با مشاهده اعمال نیکتان، خدا را در روز دیدارش، تمجید نمایند" چگونه زندگی کردن به عنوان یک مسیحی منعکس کننده خدایی است که نسبت به او ادعا داریم، می شناسیم و خدمت می کنیم (مراجعه شود به اول پطرس ۲: ۱۵، ۳: ۱۶، انجیل متی ۵: ۱۶، فیلیپیان ۲: ۱۵، تیتوس ۲: ۷ الی ۸). حالت شرطی، احتمالی بودن را نشان میدهد. جلال خدا بالاترین فراخوان و وظیفه بشارتی است (مراجعه شود به اول پطرس ۴: ۱۱ و ۱۶).

■ "در روز دیدارش" این اشاره به هر زمانی دارد که خدا تعیین میکند، یا برای برکت دادن یا برای داوری (مراجعه شود به اشعیا ۱۰: ۳، ارمیا ۸: ۱۲، ۱۰: ۱۱، ۱۱: ۲۳، ۱۲: ۲۳، ۱۳: ۴۶، ۲۱: ۴۸، ۴۴: ۵۰، ۲۷: ۵۱، ۱۸: ۷، هوشع ۹: ۷، میکاه ۷: ۴). میتواند موقتی یا اسکاتولوژیک باشد (مراجعه شود به انجیل لوقا ۱۹: ۴۴). برخی این را در رابطه با محاکمه مومنین می بینند ولی در متن به نظر میرسد در رابطه با هر فرصتی برای نجات نیافتگان باشد تا پیام را بشنوند و قبل از اینکه با او جهت داوری مواجه شوند، به عیسی به عنوان ناجی پاسخ دهند.

خلاصه رؤس مطالب بخش اول پطرس

۱. تسلیم به دولت و انجمن (اول پطرس ۲: ۱۳ الی ۱۷)
۲. تسلیم اربابان زمینی (اول پطرس ۲: ۱۸ الی ۲۵)
۳. وقف خانه مسیحیان (اول پطرس ۳: ۱ الی ۷)
۴. تسلیم آزار و شکنجه (اول پطرس ۳: ۸ الی ۲۲)

NASB: اول پطرس ۲: ۱۳ الی ۱۷

^{۱۳} به خاطر خداوند، تسلیم هر منصبی باشید که در میان انسانها مقرر گشته است، خواه پادشاه که مافوق همه است،^{۱۴} و خواه والیان، که مأمور اویند تا بدکاران را کیفر دهند و نیکوکاران را تحسین کنند.^{۱۵} زیرا خواست خدا این است که با کردار نیک خود، جهالت مردم نادان را خاموش سازید.^{۱۶} همچون آزادگان زندگی کنید، اما آزادی خود را پوششی برای شرارت مسازید، بلکه چون غلامان خدا زندگی کنید.^{۱۷} همگان را حرمت بدارید، برادران را محبت کنید، از خدا بترسید و به پادشاه احترام بگذارید.

۱۳:۲ "تسلیم" این آئوریست امری مجهول است ولی NASB و NKJV آن را به صورت میانی ترجمه کرده اند (مراجعه شود به اول پطرس ۲: ۱۸). "خودتان" (این کلمه در نسخه فارسی ترجمه نشده است- مترجم) در متن یونانی نیست. دلالت بر این دارد که آنان باید تصمیم قاطع برای تسلیم شدن بگیرند (مراجعه شود به اول پطرس ۲: ۱۸، ۳: ۱). این یک اصطلاح نظامی است که در سلسله مراتب درجات استفاده میشود. به مفهوم "خود را تحت فرمان قراردادن" است. این یک موضوع تکراری در پطرس است (مراجعه شود به اول پطرس ۲: ۱۳ و ۱۸، ۳: ۱ و ۵ و ۲۲، ۵: ۵). تسلیم شدن دلالت بر نابرابری ندارد، زیرا عیسی با این اصطلاح توصیف میشود. به مفهوم خدمت کردن تحت یک فرمانده است. در افسسیان ۵: ۲۱ یکی از پنج مشخصه زندگی لبریز از روح القدس است (تسلیم دوجانبه در مسیح).

موضوع خاص: تسلیم/ارائه (*hupotassō*)

(SPECIAL TOPIC: SUBMISSION (*HUPOTASSŌ*))

انجیل Septuagint از این اصطلاح برای ترجمه ده اصطلاح متفاوت عبری استفاده کرده است. معنی اصلی آن "فرمان دادن" یا "حق فرمان" است. این برگرفته از Septuagint (LXX) است.

- فرامین خدا (مراجعه شود به لاویان ۱۰: ۱، یونا ۲: ۱، ۴: ۶ الی ۸)
 - فرامین موسی (مراجعه شود به کتاب خروج ۳۶: ۶، کتاب تثنیه ۲۷: ۱)
 - فرمان پادشاهان (مراجعه شود به دوم تواریخ ۳۱: ۱۳)
- در عهد جدید این حس تداوم پیدا میکند همانند اعمال رسولان ۱۰: ۴۸، جایی که یکی از شاگردان فرمان صادر میکند. با این حال، مفاهیم جدیدی در عهد جدید بسط یافته اند.

- یک جنبه اختیاری بسط می یابد (اغلب زمان میانی)
 - این عمل محدود میتواند در دستورات و خواسته های عیسی دیده شود
 - به پدر (مراجعه شود به اول قرنتیان ۱۵: ۲۵)
 - به والدین زمینی خود (مراجعه شود به انجیل لوقا ۲: ۵۱)
 - مؤمنان به جنبه های فرهنگی می پردازند تا انجیل تحت تاثیر قرار نگیرد
 - سایر مومنین (مراجعه شود به افسسیان ۵: ۲۱)
 - همسران مومن (مراجعه شود به کولسیان ۳: ۱۸، افسسیان ۵: ۲۲ الی ۲۴، تیتوس ۲: ۵، اول پطرس ۳: ۱)
 - مومنین نسبت به دولتهای کافر (مراجعه شود به رومیان ۱۳: ۱ الی ۷، اول پطرس ۲: ۱۳)
- مومنین بر اساس انگیزه های عشق نسبت به خدا، نسبت به مسیح، نسبت به پادشاهی خدا، و به خاطر دیگران رفتار میکنند. همانند *agapaō* (عشق) کلیسا این اصطلاح را با معنی جدیدی بر اساس نیازهای پادشاهی و نیازهای دیگران لبریز میسازد. این اصطلاح، یک عالم جدیدی از فروتنی، نه مبتنی بر یک فرمان، بلکه یک رابطه جدید با یک خداوند متعال و مسیح او است. مؤمنان اطاعت می کنند و به خاطر همه و برکت خانواده خداوند استوار می شوند.

■ "به خاطر خداوند" این انگیزه تمامی فعالیتها را ما است (مراجعه شود به اول پطرس ۴: ۱۱، اول قرنتیان ۱۰: ۳۱، کولسیان ۳: ۱۷، افسسیان ۶: ۵).

■ "هر منصبی که در میان انسانها مقرر گشته" برای "منصب" به موضوع خاص در بخش مربوط به انجیل مرقس ۱۰: ۶ مراجعه کنید. از آنچه که در ادامه می آید، این توصیه برای ارائه به دولت و یا مقامات مدنی، بسیار شبیه رومیان ۱۳: ۱-۷ و تیتوس ۳: ۱ است. این مهمتر از آزار و شکنجه دولتی است که این مؤمنان با آن مواجه هستند. مشخص نیست که آیا آزار و شکنجه یهودیان، کفار، دولت محلی یا امپراطوری گسترده بود یا خیر. قویترین شاهد ما قدرت انجیل در زمان آزار و اذیت است. نگرش، کلام و اقدامات ما وقتی که با ما غیرمنصفانه رفتار میشود، توجه کافران را جلب میکند.

موضوع خاص: دولت انسانی

(SPECIAL TOPIC: HUMAN GOVERNMENT)

- معرفی
 - تعریف- دولت یک سازمان انسانی است که خود را برای تامین و ایمن کردن نیازهایی که احساس شده، سازماندهی میکند (یعنی کتاب پیدایش ۴ و ۱۱). انسانها موجودات اجتماعی هستند، حتی قبل از گمراهی (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۲: ۱۸). خانواده ها، قبیله ها، اقوام جامعه را به ما میدهند.
 - هدف- خداوند اراده کرده که نظم بر آنارشیسم ترجیح دارد.
 - قوانین موسی، به ویژه ده فرمان، اراده خدا برای بشریت در جامعه است. این باعث تعادل در پرستش و زندگی میشود.
 - از هیچ فرم و یا ساختار حکومتی در کتاب مقدس حمایت نشده است، اگرچه تئوری اسرائیل باستان شکل پیش بینی شده ای از بهشت است. نه دموکراسی و نه سرمایه داری یک حقیقت کتاب مقدس نیستند. مسیحیان باید در هر سیستم دولتی که خودشان را می یابند، به طور مناسب عمل کنند. هدف مسیحیت، تبلیغ و بشارت است، و نه انقلاب. همه دولت ها گذرا هستند!
- منشا دولت انسانی

i. کاتولیک روم ادعا کرده است که حتی قبل از سقوط و گمراهی، دولت انسانی یک نیاز فیزیکی است. به نظر میرسد ارسطو اولین بار این نظریه را مطرح کرده باشد. او می گوید "انسان یک حیوان سیاسی است" و به این معنی است که دولت "برای ارتقای زندگی خوب" وجود دارد.

ii. پروتستانتیسم، به ویژه مارتین لوتر، ادعا کرده است که حکومت انسانی در دوران گمراهی و سقوط ذاتی است. او این را "دست چپ پادشاهی خدا" می نامد. او گفت که "راه خدا برای کنترل افراد بد این است که افراد بد را در به عنوان مسئول قرار دهد."

iii. کارل مارکس ادعا کرده است که دولت وسیله ای است که چند تن از نخبگان توده ها را کنترل می کنند. برای او، دولت و دین نقش مشابهی ایفا می کنند.

۲. مطالب انجیلی

a. عهد عتیق

i. اسرائیل الگویی است که از آن در بهشت استفاده خواهد شد. در اسرائیل باستان، یهوه پادشاه بود. حکومت الهی اصطلاحی است که برای حکمرانی مستقیم خدا استفاده شده است (مراجعه شود به اول سموئیل ۸: ۴ الی ۹).

ii. حاکمیت خدا در حکومت انسانی می تواند به وضوح در انتصابهای وی دیده شود

۱. تمامی پادشاهان، دانیال ۲: ۲۱، ۴: ۱۷ و ۲۴ الی ۲۵

۲. حکومت مسیح، دانیال ۲: ۴۴ الی ۴۵

۳. نبوکدنصر (بابل جدید)، ارمیا ۲۷: ۶، دانیال ۵: ۲۸

۴. کوروش دوم (پارس)، دوم تواریخ ۳۶: ۲۲، عزرا ۱: ۱، اشعیا ۴۴: ۲۸، ۴۵: ۱

iii. برخورد مردم خدا باید حتی با دولت های مهاجم و اشغالگر نیز محترمانه و محترمانه باشد:

۱. دانیال ۱ الی ۴، نبوکدنصر (بابل جدید)

۲. دانیال ۵، بلشزر (بابل جدید)

۳. دانیال ۶، داریوش (پارس)

۴. عزرا و نحمیا (پارس)

iv. یهودا بازسازی شده بود که برای کوروش و سلطنت خویش دعا کند

۱. عزرا ۶: ۱۰، ۷: ۲۳

۲. یهودیان باید برای مقامات مدنی دعا کنند، میشنا، آووت ۳: ۲

b. عهد جدید

i. عیسی به دولتهای انسانی احترام نشان داد

۱. انجیل متی ۱۷: ۲۴ الی ۲۷، او مالیات معبد را داد (مقامات مذهبی و مدنی مشابه هم بودند، مراجعه شود به اول پطرس ۲: ۱۷)

۲. انجیل متی ۲۲: ۱۵ الی ۲۲، انجیل مرقس ۱۲: ۱۳ الی ۱۷، انجیل لوقا ۲۰: ۲۰ الی ۲۶، او از وضعیت پرداخت مالیات به روم و در نتیجه مقامات مدنی رومی دفاع کرد

۳. انجیل یوحنا ۱۹: ۱۱، خدا به مقامات مدنی اجازه فعالیت میدهد

ii. گفته های پولس در رابطه با دولتهای انسانی

۱. رومیان ۱۳: ۱-۵، مؤمنان باید به مقامات مدنی تحویل دهند زیرا آنها توسط خدا تاسیس شده اند

۲. رومیان ۱۳: ۶ الی ۷، مومنین باید مالیاتهایشان را پرداخت کنند و به مقامات مدنی احترام بگذارند

۳. اول تیموتائوس ۲: ۱ الی ۳، مومنین باید برای مقامات مدنی دعا کنند

۴. تیتوس ۳: ۱، مؤمنان باید مطیع مقامات مدنی باشند

iii. گفته های پطرس در رابطه با دولتهای انسانی

۱. اعمال رسولان ۴: ۱ الی ۳۱، ۵: ۲۹، پطرس و یوحنا در برابر سانهدرین (این سابقه انجیلی در مورد نافرمانی مدنی را نشان می دهد)

۲. اول پطرس ۲: ۱۳ الی ۱۷، مومنین باید به خاطر جامعه و به منظور بشارت دادن سهم خود را به مقامات مدنی پرداخت نمایند.

۳. گفته های یوحنا در رابطه با حکومتهای انسانی

۴. مکاشفه ۱۷، فاحشه بابل، در برابر حکومت انسانی ایستاده و به دور از خداوند عمل می کند

۵. مکاشفه ۱۸، فاحشه بابل نابود میشود

۲. جمع بندی

- a. دولت انسانی (در دنیای گمراه) توسط خدا تعیین میشود. این "حق الهی پادشاهان نیست"، بلکه کار الهی دولت است (نظم، نه اغتشاش). از هیچ حالت دیگری حمایت نمیشود.
- b. وظیفه دینی مومنین است که برای مقامات مدنی دعا کنند.
- c. برای مؤمنان مناسب است که از حکومت انسانی به وسیله مالیات با یک نگرش شفاف پشتیبانی شود.
- d. هدف حکومت انسانی برقراری نظم اجتماعی است. آنان خدمتگزاران خدا در این مهم هستند.
- e. حکومت انسانی نهایی نیست. این در اقتدار محدود است. مؤمنان باید به خاطر وجدان خود، زمانی که حکومت‌های انسانی از مرزهای تعیین شده پا فراتر می نهند، در رد مقامات مدنی عمل کنند. همانطور که آگوستین در *The City of God* ادعا کرده است، ما شهروندان دو قلمرو، یکی موقتی و یک ابدی هستیم (مراجعه شود به فیلیپیان ۳: ۲۰). ما در هر دو مسئولیتی داریم، اما پادشاهی خدا نهایی است! تمرکز شخصی و مشارکتی در مسئولیت ما نسبت به خدا وجود دارد.
- f. ما باید مؤمنان را در یک سیستم دموکراتیک تشویق کنیم تا به طور فعال در فرایند مشارکت و اجرای تعالیم کتاب مقدس، در صورت امکان مشارکت داشته باشند.
- g. تغییر اجتماعی باید قبل از تحول فردی باشد. هیچ امید و اعتقاد واقعی در دولت وجود ندارد. تمامی حکومت‌های انسانی، هر چند که توسط خدا مورد تمجید و استفاده قرار می گیرد، گفته‌های گناه آلود سازمان انسانی جدا از خدا هستند. این مفهوم در استفاده یونانی از اصطلاح "جهان" بیان شده است (به عنوان مثال، یوحنا ۲: ۱۵-۱۷).

■ "هر منصبی باشید" این اصطلاح در کلاسیک یونانی به معنی "انسان بنیانگذار یک شهر" است، با این حال، در عهد جدید همیشه در مورد اقتدار خدا به کار میرود (مراجعه شود به انجیل متی ۲۲: ۱۲، رومیان ۱۳: ۱ الی ۷، اول تیموتائوس ۲: ۱ الی ۷، تیتوس ۳: ۱ الی ۸)، که اغلب به سازمان‌های انسانی اطلاق میشود. خدا نظم را بر هر ج و مرج ترجیح میدهد.

۲: ۱۴ "و خواه والیان، که مأمور اویند" (در نسخه انگلیسی این عبارت "و یا حاکمانی که توسط او فرستاده میشوند" است- مترجم) این زمان حال مجهول است. خدا کنترل همه چیز را در دست دارد. این متن "حق الهی پادشاهان" را تعلیم نمیدهد، بلکه پشتیبانی و حمایت خدا از نظم و قانون را تصریح میکند (یعنی، یک جامعه باثبات) نه هر ج و مرج را.

■ "تا بدکاران را کیفر دهند" دولت دارای اختیاراتی است که از جانب خداوند برای حفظ نظم و تضعیف و مجازات اختلال به او داده شده است. مجازات‌های مالی یکی از این نوع است (مراجعه شود به رومیان ۱۳: ۴، اعمال رسولان ۲۵: ۱۱).

۲: ۱۵ "زیرا خواست خدا این است" موضوع خاص زیر را مطالعه کنید.

موضوع خاص: اراده (THELĒMA) خدا

(SPECIAL TOPIC: THE WILL (*thelēma*) OF GOD)

اراده خدا شامل طبقه بندی‌های بسیاری می‌شود

انجیل یوحنا

- عیسی آمد که خواست خدا را انجام دهد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۴: ۳۴، ۵: ۳۰، ۶: ۳۸)
- در روز آخر تمام کسانی که پدر به پسر داده برمی‌خیزند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۶: ۳۹)
- تمام آنان که به پسر ایمان دارند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۶: ۲۹ و ۴۰)
- دعا‌های پاسخ داده شده در رابطه با اراده خدا (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۹: ۳۱ و اول یوحنا ۵: ۱۴)

سایر اناجیل

- انجام خواست خدا که مهم است (مراجعه شود به انجیل متی ۷: ۲۱)
- انجام اراده خدا فرد را با عیسی خواهر یا برادر می‌کند (مراجعه شود به انجیل متی ۱۲: ۵۰، انجیل مرقس ۳: ۳۵)
- خدا برای هیچکس آرزوی نابودی نمی‌کند (مراجعه شود به انجیل متی ۱۸: ۱۴، اول تیموتائوس ۲: ۴، دوم پطرس ۳: ۹)
- کالواری ارائه خدا برای عیسی بود (مراجعه شود به انجیل متی ۲۶: ۴۲، انجیل لوقا ۲۲: ۴۲)

نامه‌های پولس

- خدمت به تمامی مومنین (مراجعه شود به رومیان ۱۲: ۱ الی ۲)
- مومنینی که از این عصر شیطانی می‌روند (مراجعه شود به غلاطیان ۱: ۲)
- اراده خدا برنامه رستگاری او بود (مراجعه شود به افسسیان ۱: ۵ و ۹ و ۱۱)
- مومنینی که زندگی سرشار از روح را تجربه می‌کنند (مراجعه شود به افسسیان ۵: ۱۷ الی ۱۸)
- مومنینی که سرشار از آگاهی نسبت به خدا هستند (مراجعه شود به کولسیان ۱: ۹)
- مومنینی که کامل شده‌اند (مراجعه شود به کولسیان ۴: ۱۲)
- مومنینی که تقدیس شدند (مراجعه شود به اول تسالونیکیان ۴: ۳)
- مومنینی که بابت همه چیز شکرگزار هستند (مراجعه شود به اول تسالونیکیان ۵: ۱۸)

نامه‌های پطرس

- مومنینی که کار درست را انجام می‌دهند (مثلا به مقامات ارجاع می‌دهند) و بدینوسیله کارهای احمقانه افراد را متوقف می‌کنند، بنابراین فرصتی برای بشارت فراهم می‌سازند (مراجعه شود به اول پطرس ۲: ۱۵)
- مومنینی که رنج می‌کشند (مراجعه شود به اول پطرس ۳: ۱۷، ۴: ۱۹)
- مومنینی که زندگیشان خود-محورانه نیست (مراجعه شود به اول پطرس ۴: ۲)

نامه‌های یوحنا

- مومنینی که برای همیشه اطاعت می‌کنند (مراجعه شود به اول یوحنا ۲: ۱۷)
- کلید مومنین در دعاها مستجاب شده (مراجعه شود به اول یوحنا ۵: ۱۴)

■ "خاموش" این به مفهوم بستن دهان است (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱: ۲۵، ۴: ۳۹).

■ "بیتفاوت" (این اصطلاح در ترجمه فارسی ترجمه نشده است) این اشاره به کسی دارد که فاقد بصیرت روحانی و معنوی است (مراجعه شود به اول قرنتیان ۱۵: ۳۴)

■ "مردم نادان" این اصطلاح در فهرست یک سری از گناهان در انجیل مرقس ۷: ۲۲ ذکر شده است. این اصطلاح معلمین یهودی ایمان نیاورده در رومیان ۳: ۲۰ توصیف میکند، ولی همچنین مومنین در افسسیان ۵: ۱۷ را نیز توصیف میکند. بنابراین دلالت بر حالت تنبلی فکری هم نجات یافتگان و هم نجات نیافتگان دارد. در اینجا اشاره به کفار ناآگاهی دارد که مومنین را به چیزهایی متهم میکنند که حقیقت ندارد (مراجعه شود به اول پطرس ۲: ۱۲).

■ ۱۶: ۲ "همچون آزادگان زندگی کنید" این وجه وصفی دلالتی امری است (مراجعه شود به NIV، TEV، NASB). این در مقابل کفاری است که بردگان گناه هستند. مؤمنان حق انتخاب دارند. عیسی آنها را از تسلط بر گناه آزاد کرد (مراجعه شود به رومیان ۶). اما اغلب آنها از آزادی جدید خود برای گناه دوباره استفاده می‌کنند.

■ "اما آزادی خود را پوششی برای شرارت مسازید" این به مفهوم نفی "ساختن" است (وجه وصفی حال فعال)، که به صورت امری استفاده شده است. چند مرتبه آزادی ما تبدیل به مجوز میشود (مراجعه شود به اول قرنتیان ۸: ۸، غلاطیان ۵: ۱۳) بجای اینکه زندگی ما یک شاهد فدایی باشد (مراجعه شود به رومیان ۱۴: ۱ الی ۱۵: ۱۳). آزادی همیشه مسئولیت به همراه دارد ولی مراقب قانون گرایی یا آداب مذهبی هم باشید (مراجعه شود به اول قرنتیان ۸ الی ۱۰، کولسیان ۲: ۱۶ الی ۲۳). مومنین اینک از گناه‌ها هستند تا به خدا (مراجعه شود به رومیان ۶) و به یکدیگر (مراجعه شود به اول قرنتیان ۹: ۱۹ الی ۲۳) خدمت کنند.

■ "بلکه چون غلامان خدا زندگی کنید" مومنین اینک از گناه‌ها شده‌اند و آزاد هستند تا به خدا خدمت کنند (مراجعه شود به رومیان ۶: ۲۲).

■ "همگان را حرمت بدارید" این آئوریست فعال امری است، نخستین دستور زیبا از چهار دستوری که در اول پطرس ۲: ۱۷ آمده است. این دستور یعنی تمامی انسانها از دیدگاه خداوند ارزشمند هستند (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱: ۲۶ الی ۲۷، انجیل یوحنا ۳: ۱۶) و به گونه‌ای زندگی کنید که آنان را به خود جذب کرده تا به مسیح ایمان آورند (مراجعه شود به انجیل متی ۲۸: ۱۸ الی ۲۰، انجیل لوقا ۲۴: ۴۷، اعمال رسولان ۱: ۸).

■ "برادران را محبت کنید" این آئوریست امری فعال است. مسیحیان باید همچنان به محبت کردن به یکدیگر ادامه دهند (مراجعه شود به اول پطرس ۱: ۲۲، انجیل یوحنا ۱۳: ۳۴، ۱۵: ۱۲ و ۱۷، رومیان ۱۲: ۱۰، اول تسالونیکیان ۴: ۹، عبرانیان ۱۳: ۱، اول یوحنا ۲: ۷ الی ۸، ۳: ۱۱ و ۲۳، ۴: ۱ و ۱۱، دوم یوحنا ۵). محبت کردن شاهد راستینی است که ما خدا را دوست داریم، که ما به مسیح اعتماد داریم، و اینکه ما توسط روح القدس هدایت می‌شویم. این مشخصه خانوادگی خدا است. مومنین باید تمامی انسانها را به خاطر انجیل دوست بدارند و به دیگر مسیحیان محبت کنند زیرا آنان بخشی از خانواده خدا هستند.

■ "از خدا بترسید" این زمان حال میانی (دپوننت) امری است (مراجعه شود به یعقوب ۲۸: ۲۸، مزامیر ۱۱۱: ۱۰، امثال ۱: ۷، ۱۵: ۳۳). ما کلمه انگلیسی phobia را از این اصطلاح یونانی گرفته ایم. در مفهوم حیرت و احترام از آن استفاده میشود. اعمال تمامی مومنین باید بر اساس رابطه و احترام آنان نسبت به خدا ناشی شوند.

■ "به پادشاه احترام بگذارید" این دو زمان حال امری آخری ممکن است اشاره ای به امثال ۲۴: ۲۱ باشند. به خاطر داشته باشید در روزگار پطرس نرون امپراتور بود (مراجعه شود به اول پطرس ۲: ۱۳).

NASB: اول پطرس ۲: ۱۸ الی ۲۵

۱۸ ای غلامان، با کمال احترام تسلیم اربابان خود باشید، نه فقط تسلیم نیکان و مهربانان، بلکه کج خُلقان نیز.^{۱۹} زیرا پسندیده است که کسی از آن رو که چشم بر خدا دارد، چون به ناحق رنج کشد، دردها را تحمل کند.^{۲۰} اما اگر به سبب کار خلاف تنبیه شوید و تحمل کنید، چه جای فخر است؟ حال آنکه اگر نیکویی کنید و در عوض رنج ببینید و تحمل کنید، نزد خدا پسندیده است.^{۲۱} چه، برای همین فرا خوانده شده‌اید، زیرا مسیح برای شما رنج کشید و سرمشقی گذاشت تا بر آثار قدمهای وی پا نهدید.^{۲۲} «او هیچ گناه نکرد، و فریبی در دهانش یافت نشد».^{۲۳} چون دشنامش دادند، دشنام پس نداد؛ و آنگاه که رنج کشید، تهدید نکرد، بلکه خود را به دست داور عادل سپرد.^{۲۴} او خود گناهان ما را در بدن خویش بر دار حمل کرد، تا برای گناهان بمیریم و برای پارسایی زیست کنیم، همان که به زخمهایش شفا یافته‌اید.^{۲۵} زیرا همچون گوسفندان گمراه شده بودید، اما اکنون به سوی شبان و ناظر جانهایتان بازگشته‌اید.

۱۸: ۲ "ای غلامان، با کمال احترام تسلیم اربابان خود باشید" این وجه حال میانی وصفی است که به صورت امری استفاده شده است (به یادداشت و موضوع خاص در بخش مربوط به اول پطرس ۲: ۱۳ مراجعه کنید). بردگان مومن به اربابان زمینی خود احترام بگذارند زیرا آنان به خدا احترام میگذارند! این حتی نسبت به اربابانی که ایمان ندارند و بی رحم هستند یا برده داران مسیحی که نامناسب رفتار میکنند اشاره دارد. در روزگار ما، حالت مشابه آن در رابطه با کارفرمایان مسیحی و کارمندان مسیحی است. این مشابه تعلیم پولس در افسسیان ۶: ۵ الی ۹ است. به یادداشت شماره ۳ در موضوع خاص زیر توجه کنید. این مکان خوبی برای بحث در مورد جنبه های فرهنگی تفسیر کتاب مقدس است. اگر انجیل (۱) فرهنگ یونان و روم، قرن نخست یا (۲) فرهنگ برده داری خود را به چالش کشیده بود، توسط جامعه قرن اول رد و تخریب می شد. با موعظه انجیل هر دو این موانع به مرور زمان از بین رفتند! کتاب مقدس باید همیشه در محدوده تاریخی آن تفسیر شود و سپس حقیقت الهام گرفته شده برای روز و فرهنگ ما با همان قدرت و تأثیر تفسیر گردد. این بدان معنا نیست که ما سعی می کنیم فرهنگ اول قرن را به عنوان خواست خداوند برای هر جامعه در هر سنی باز تولید کنیم. هدف موعظه حقیقت ابدی انجیل است که بر افراد و در نهایت جامعه تاثیر می گذارد.

موضوع خاص: نصایح پولس به بردگان

(SPECIAL TOPIC: PAUL'S ADMONITIONS TO SLAVES)

- ۱- خشنود باشید، اما اگر فرصتی برای آزادی وجود داشت، آن را بپذیرید (اول قرنتیان ۷: ۲۱-۲۴).
- ۲- با ایمان به مسیح هیچ کس برده یا آزاد نیست (مراجعه شود به غلاطیان. ۳: ۲۸؛ کولسیان ۳: ۱۱؛ اول قرنتیان ۱۲: ۱۳).
- ۳- برای خداوند کار کنید و او جبران خواهد کرد (افسسیان ۶: ۵-۹؛ کولسیان ۳: ۲۲-۲۵؛ اول پطرس ۲: ۱۸-۲۰).
- ۴- با ایمان به مسیح بردگان با هم برادر می شوند (اول تیموتائوس ۶: ۲؛ فلیمون ۱: ۱۶-۱۷).
- ۵- بردگان خدا پرست برای خدا افتخار می آورند (اول تیموتائوس ۶: ۱، تیتوس ۲: ۹).

یادداشت پولس به برده داران

برندگان مسیحی و برده داران همه یک ارباب دارند؛ بنابراین، آنها باید با یکدیگر با احترام رفتار کنند (افسسیان ۶: ۹؛ کولسیان ۴: ۱). برده داری یکی از اقلام فرهنگی (مانند فرهنگ پدرسالاری) است که یکی از ستونهای جهان قرن اول است. عهد جدید هیچ جنبه ای را به چالش نمی کشد. با این حال، حقیقت انجیل، به مرور زمان باعث تغییر در این جنبه های فرهنگی می شود.

۱۹: ۲

NASB	"زیرا به منفعت است"
NKJV	" زیرا قابل ستایش است "
NRSV	" زیرا برای شما اعتبار است "
TEV	"به خاطر این خدا به شما نعمت میدهد"
NJB	" ببینید، سود دارد "

این به پذیرش خدا، حتی علیرغم آزار و شکنجه اشاره دارد، زمانی که این آزار و شکنجه در رابطه با اعتقادات مسیحی و ایمان به مسیح باشد (مراجعه

شود به اول پطرس ۳: ۱۴ و ۱۷، ۴: ۱۳ الی ۱۴ و ۱۶). "منفعت" اصطلاح یونانی *charis* (فضل) است که در مفهوم غیر الهیاتی استفاده شده است.

■ "اگر" این عبارت شرطی نوع اول است، که تصور میکند شرط از دیدگاه نویسنده و یا از نظر متنی درست است. بردگان مسیحی تحت سلطه اربابان بیرحم به خاطر مسیح رنج میکشند.

■ "وجدان" (در نسخه انگلیسی عبارت به صورت "آن که وجدانش به سوی خدا است" نوشته شده که در فارسی "چشم بر خدا دارد" ترجمه شده است- مترجم) به یادداشت مربوط به اول پطرس ۳: ۱۶ مراجعه کنید.

۲: ۲۰ "چه جای فخر است" (در نسخه انگلیسی اصطلاح *credit* نوشته شده که یعنی "اعتبار" - مترجم) این اصطلاحی است در مورد احترامی که به حسن شهرت فرد مرتبط میباشد (مراجعه شود به انجیل لوقا ۶: ۳۲ الی ۳۴). از اصطلاح یونانی *kaleō* می آید که به معنی فراخواندن است. بنابراین اشاره به ستایش، احترام و شکوه فرد دارد.

■ "اگر" دو عبارت شرطی نوع اول در این آیه وجود دارد، که تصور میشود درست باشند. اولین جمله شرطی در مفهوم منفی استفاده شده و دومین جمله شرطی با فعل مجهول. خدا وقتی که با مومنین غیر منصفانه ولی صبورانه به خاطر ایمان داشتن رفتار میشود، خشنود میگردد (مراجعه شود به اول پطرس ۱: ۲۹، ۳: ۲۴ و ۲۷، ۴: ۱۲ الی ۱۶، انجیل متی ۵: ۱۰ الی ۱۶).

■ "چه، برای همین فرا خوانده شده‌اید" این آئوریست مجهول اخباری است. در متن بدین معنی است که مومنین فراخوانده شده اند که مشابه عیسی زندگی کنند، که برای خدا شکوه و برای نوع بشر رستگاری به همراه دارد. این یک فراخوان است برای همه مؤمنان، که بلوغ روحانی و یک شاهد قدرتمند انجیل را به ارمغان می آورد.

این که مؤمنان از جانب خداوند فراخوانده میشوند تا رنج ببرند، بی نظیر است، مخصوصا برای فرهنگ غربی که مسیحیت را (۱) «چه چیزی برای دارد» یا (۲) انجیل سلامت، ثروت و رفاه می آورد، می پندارد. آزار و اذیت مؤمنان یک احتمال واقعی در یک جهان گمراه است (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۴: ۲۲، رومیان ۵: ۳-۴، ۸: ۱۷؛ فیلیپیان ۱: ۲۹؛ اول تسالونیکیان ۳: ۳ الی ۴؛ دوم تیموتائوس ۳: ۱۲؛ یعقوب ۱: ۲-۴؛ اول پطرس ۳: ۱۴؛ ۴: ۱۹-۱۲).

■ "مسیح رنج کشید" رنج کشیدن مسیح برای یهودیانی که انتظار یک مسیح نظامی فاتح داشتند، غافلگیر کننده بود. اشارات خاصی در عهد عتیق وجود دارند (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۳: ۱۵، مزامیر ۲۲، اشعیا ۵۳). عیسی خودش (۱) به شاگردانش (مراجعه شود به انجیل متی ۱۶: ۲۱، ۱۷: ۱۲ و ۲۲ الی ۲۳، ۲۰: ۱۸ الی ۱۹) و (۲) به کلیسای اولیه (مراجعه شود به انجیل لوقا ۲۴: ۲۵ الی ۲۷) این پیامهای نبوتی را نشان داد.

رنج و مرگ او بخش جدایی ناپذیر مונظه های شاگردان در کلیسای اولیه در اعمال رسولان بود که *Kerygma* نامیده میشود (مراجعه شود به اعمال رسولان ۲: ۲۳، ۳: ۱۳ الی ۱۴ و ۱۷، ۱۸، ۳: ۲۶؛ ۲۳). موضوع خاص در بخش مربوط به اول پطرس ۱: ۱۱ را مطالعه کنید.

چندین حقیقت الهیاتی در رابطه با رنج کشیدن او وجود دارد:

۱. مسیح سرمشق ما است (اول پطرس ۲: ۲۱)
۲. مسیح گناهان ما را بر صلیب بر جان خرید (اول پطرس ۲: ۲۴)
۳. کار مسیح باعث شد که در گناه بمیریم و به خاطر خدا زندگی کنیم (اول پطرس ۲: ۲۴)
۴. مسیح چوپان محافظ روان ما است (اول پطرس ۲: ۲۵)

اصطلاح "رنج کشیدن" (*epathen*) در MSS P⁷² و A و B و C یافت میشود ولی در سایر نسخ باستانی MSS P⁸¹، «مرد» (*apethanen*) دیده میشود. UBS⁴ به اولی رتبه A (یقین) میدهد، و تصور میکند که "مرد" توسط کاتبین از ۳: ۱۸ منتقل شده باشد.

■ "سرمشقی" عهد عتیق سه دلیل ارائه میدهد که چرا عیسی آمد:

۱. به عنوان قربانی مطهر و معصوم. او بدون گناه و معصوم (مراجعه شد به اول پطرس ۲: ۲۲) و بره خدا (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۲۹) بود که به جای ما خود را پیشکش کرد (مراجعه شود به اول پطرس ۲: ۲۴).
۲. برای اینکه اشکار کننده کامل پدر باشد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۱ الی ۱۴، ۱۴: ۸ الی ۹)
۳. برای اینکه سرمشقی برای مومنین باشد (مراجعه شود به اول پطرس ۲: ۲۱) تا همانند او باشند. او یک اسرائیلی ایده آل، یک انسان کامل بود، چیزی که انسان باید باشد، میتواند باشد و روزی خواهد بود.

۲۲: ۲ "او هیچ گناه نکرد" این نقل قولی از اشعیا ۵۳: ۹ است. این مفهوم در انجیل یوحنا ۸: ۴۶، ۱۴: ۳۰، انجیل لوقا ۲۳: ۴۱، دوم قرنتیان ۵: ۲۱، عبرانیان ۴: ۱۵، ۷: ۲۶ الی ۲۷، اول پطرس ۱: ۱۹، ۲: ۲۲، ۳: ۱۸، اول یوحنا ۳: ۵ بیان شده است. او میتواند بجای ما بمیرد زیرا نمیتوانست به خاطر گناهان خودش بمیرد.

■ "و فریبی در دهانش یافت نشد" عیسی یک اسرائیلی ایده آل بود (مراجعه شود به اشعیا ۵۳: ۹ و صفیا ۳: ۱۳).

۲۳:۲ "چون دشنامش دادند، دشنام پس نداد" یک مجموعه زمانهای غیر کامل فعال اخباری در اینجا ذکر شده اند. اولی اشاره ای به اشعیا ۵۳:۷ است. عیسی نبوت خود را در موقع محاکمه در برابر قیافا، اناس کاهن اعظم، پیلاتس و هیروود کامل کرد.

■ "آنگاه که رنج کشید، تهدید نکرد" او حرف زد، ولی در مورد بخشایش کسانی که در مرگ او شریک و دخیل بودند سخن گفت (مراجعه شود به انجیل لوقا ۲۳:۳۴).

■ "بلکه خود را به دست داور عادل سپرد" این اعتماد گرایش معمولی زندگی عیسی بود. این اعتماد را با قدرت بسیار میتوان در انجیل لوقا ۲۲:۴۲ و ۲۳:۴۶ دید.

۲۴:۲ "او خود گناهان ما را..... حمل کرد" بدیهی است که این از اشعیا ۵۳:۴ و ۱۱ و ۱۲ میباشد. اصطلاح "حمل کرد" در مورد قربانی در لایوان ۱۴:۲۰ و یعقوب ۲:۲۱ استفاده شده است. این اساس قربانی شدن به عنوان جایگزین است (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۰:۴۵، رومیان ۵:۶ و ۸ و ۱۰، دوم قرنتیان ۵:۲۱).

■ "در بدن خویش بر دار" (در نسخه انگلیسی کتاب مقدس عیسی مصلوب شده و در نسخه انگلیسی این آیه اصطلاح *CROSS* به معنی صلیب نوشته شده است- مترجم) گرچه هیچ عنصر عرفانی خاصی در ارتباط با اول پطرس وجود ندارد (یک فلسفه اولیه مسیحی / یونانی تصریح میکند که عیسی واقعا انسان نیست؛ مراجعه شود به کولسیان، اول تیموتائوس، اول یوحنا). این متن یک تأیید قدرتمند دیگر بشریت در مورد مرگ فیزیکی عیسی ناصری است (مراجعه شود به کولسیان ۱:۲۲).

عبارت بر صلیب میتواند رابطه ای با کتاب تثنیه ۲۱:۲۳ داشته باشد، جایی که هر کسی که آویزان شود (بجای اینکه به صورت مناسب دفن شود توسط خدا لعنت شده است. تا روزگار عیسی روحانیون این را چنین تفسیر کرده و شامل مصلوب کردن هم کرده بودند. عیسی به کفر متهم شده بود، که بر اساس شریعت موسی، باید سنگسار میشد. پس چرا رهبران یهود خواستند که او مصلوب شود، که نیازمند تأیید رومیان بود و قبل از عید پسخ برای آنان مشکل ایجاد میکرد؟ برخی گفته اند که تحت قوانین روم یهودیان اجازه کشتن کسی را نداشتند، ولی در مورد استفان در اعمال رسولان ۷ چه؟

من فکر میکنم آنها میخواستند که عیسی، کسی که ادعای مسیح بودن دارد مصلوب شود تا بگویند مورد لعنت خدا بود! ولی این دقیقا چیزی بود که اتفاق افتاد. عیسی از طرف ما مورد لعنت واقع شد (مراجعه شود به غلاطیان ۳:۱۳). عهد عتیق خودش تبدیل به لعنت شد (مراجعه شود به کولسیان ۲:۱۴). میگوید روحی که گناه میکند باید بمیرد (مراجعه شود به دوم پادشاهان ۱۴:۶، حزقیال ۱۸:۴ و ۲۰). ولی تمامی انسانها گناه کرده اند (مراجعه شود به رومیان ۳:۹ الی ۱۸ و ۲۳، غلاطیان ۳:۲۲). بنابراین همه سزاوار مرگ و این نوع مجازات مرگ هستند. عیسی بره بدون گناه خدا (انجیل یوحنا ۱:۲۹) گناه تمامی جهان را با خود حمل کرد (مراجعه شود به رومیان ۵:۱۲ الی ۲۱).

■ "تا برای گناهان بمیریم و برای پارسایی زیست کنیم" این یک عبارت منظوری (*hina*) است. این هدف مسیحیت است (مراجعه شود به رومیان ۶:۲۰، غلاطیان ۲:۲۰). این باعث احیا تصویر خدا در انسانها میشود که رابطه دوستی با خدا را برقرار میکند.

■ "به زخمهایش شفا یافته‌اید" این آئوریست اخباری مجهول است. در اشعیا ۵۳:۴ الی ۶ این سخن از شفای روح دارد نه شفای فیزیکی. من منکر شفای فیزیکی به عنوان کاری از جانب خداوند مهربان نیستم، ولی منکر این هستم که جنبه وعده داده شده تطهیر عیسی است. در عهد عتیق مشخصه گناه بیماری فیزیکی است (مراجعه شود به اشعیا ۱:۵ الی ۶)، مزامیر ۱۰۳:۳). این استعاره ای برای بخشش گناه است، نه این قول که اگر مومنین ایمان کافی به خدا داشته باشند، خدا هر مشکل فیزیکی هر مومنی را شفا میدهد.

برای یک بحث خوب در مورد اشعیا ۵۳:۴ و استفاده آن در انجیل متی ۸:۱۷ به بعد به *Answers to Questions* اثر F. F. Bruce صفحات ۴۴ الی ۴۵ مراجعه کنید. بسیار مفید و کمک کننده است.

۲۵:۲ "زیرا..... گمراه شده بودید" این اشاره ای به اشعیا ۵۳:۶ است. زمان مجهول غیر کامل دارای الفاظ زائد است، که اشاره به تکرار عمل در زمان گذشته و یا شروع آن در گذشته دارد. آیا به یکی از اینها اشاره دارد؟

۱. یهودیان عهد عتیق (مراجعه شود به رومیان ۳:۹ الی ۱۸ که مجموعه ای از نقل قولها است)
۲. تمامی بشریت
۳. مومنینی که مورد آزار و اذیت قرار میگیرند
۴. مومنین و یهودیانی که در مبارزه روزانه با طبیعت گناه شکست میخورند

■ "اما اکنون..... بازگشته‌اید" این آئوریست مجهول اخباری است که دلالت بر یک بازگشت قطعی توسط نماینده خدا، مسیح یا روح (مراجعه شود به TEV "بازگردانده شده‌اید") دارد. بیشتر نسخه های انگلیسی این را به صورت میانی ترجمه کرده اند (مراجعه شود به NIV, NJB, NRSV, NASB). در عهد عتیق "چرخیدن" یا "بازگشتن" (*shub*) اغلب در مورد مردمان خدا که به او روی آورده و به طرف او بازمیگردند استفاده شده است.

■ "شبان" این عنوان در مورد خدا (مراجعه شود به مزامیر ۲۳:۱ و حزقیال ۳۴) و اینجا در مورد عیسی، مثلا انجیل یوحنا ۱۰:۱ الی ۱۸ و عبرانیان ۱۳:۲۰،

استفاده شده است. بیانگر توجه از روی فکر و ممتد است. این عنوان میتواند منعکس کننده بحث پطرس با عیسی در انجیل یوحنا ۲۱ باشد (مراجعه شود به اول پطرس ۵: ۱ الی ۳).

NASB, NRSV, NJB "محافظ"
NKJV "ناظر"
TEV "نگهبان"

در اینجا اصطلاح *episkopos* در مورد عیسی استفاده شده است ولی معمولاً اشاره به رهبران کلیساهای محلی دارد. این اصطلاح به "اسقف" یا "ناظر" ترجمه میشود و زمینه شهری/ایالتی یونانی دارد، در حالیکه اصطلاح مترادف آن "بزرگان" (*presbuteros*) عبری بوده و زمینه قبیله ای دارد. این اصطلاحات معمولاً به صورت مترادف برای بیان نقش عهد جدیدی شبان (*pastor*) استفاده میشوند (مراجعه شود به اعمال رسولان ۲۰: ۱۷ و ۲۸، تیتوس ۱: ۵ و ۷).

سوالاتی برای بحث

این یک راهنمای مطالعاتی است، که بدین معنی است که شما خودتان مسئول تفسیر انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر خودمان گام برداریم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. شما نباید این امر را به یک مفسر واگذار کنید. این سوالات مباحثاتی به منظور کمک به شما در تفکر نسبت به مسائل اصلی این بخش از کتاب مطرح شده اند. آنها صرفاً تفکر برانگیز هستند نه قطعی.

۱. آیا همه مسیحیان به عنوان مسیحیان کودک شروع می کنند؟ چرا؟
۲. چرا پطرس از بسیاری اصطلاحات عهد عتیق برای توصیف مومنین عهد جدید استفاده میکند؟
۳. اهمیت اینکه مومنین "سنگ" نامیده میشوند در چیست؟
۴. چرا شیوه زندگی ما بسیار مهم است؟
۵. چرا ما به عنوان مسیحی موظف هستیم که از اقتدار دولتها تبعیت کنیم؟
۶. چرا مسیحیت به بردگی حمله نکرد؟
۷. نصیحت پطرس به آنانی که در شرایط غیر عادلانه بودند چه بود؟
۸. اهمیت مرگ عیسی در چیست؟

اول پطرس ۳

پاراگراف‌های ترجمه‌های مدرن

UBS ⁴	NKJV	NRSV	TEV	NJB
زنان و شوهران	اطاعت از شوهران	وظایف مسیحیان	زنان و شوهران	وظایف مسیحیان: در ازدواج
۳: ۱ الی ۶	۳: ۱ الی ۶ کلامی به شوهران	۳: ۱ الی ۶	۳: ۱ الی ۶	۳: ۱ الی ۶
۳: ۷	۳: ۷	۳: ۷	۳: ۷	۳: ۷
تحمل درد و رنج به خاطر پارسایی	فراخواندن به نعمت		تحمل درد و رنج برای انجام کار درست	وظایف مسیحیان: محبت به برادران
۳: ۸ الی ۱۲	۳: ۸ الی ۱۲ تحمل درد و رنج برای درست و نادرست	۳: ۸ الی ۱۲	۳: ۸ الی ۱۲	۳: ۸ الی ۱۲
۳: ۱۳ الی ۲۲	۳: ۱۳ الی ۱۷ درد و رنج عیسی و ما	۳: ۱۳ الی ۲۲	۳: ۱۳ الی ۲۲	۳: ۱۳ الی ۱۷ قیام از مردگان و سقوط در جهنم
	۳: ۱۸ الی ۴: ۶			۳: ۱۸ الی ۲۲

* تقسیم‌بندی پاراگرافها، تحت تاثیر الهام صورت نگرفته، بلکه کلید درک مطلب و دنبال کردن عزم اولیه نویسنده می‌باشند. هر ترجمه جدید، پاراگراف‌ها را تقسیم و خلاصه کرده است. هر پاراگراف شامل یک موضوع مرکزی، حقیقت یا تفکر است. هر نسخه این موضوع را به شیوه‌ای متمایز به کار می‌گیرد. همانطور که متن را می‌خوانید، از خودتان سوال کنید که کدام ترجمه متناسب با درک شما از موضوع و تقسیم‌بندی آیه است. در هر فصل ما ابتدا باید کتاب مقدس را بخوانیم و سعی کنیم موضوعات آن (پاراگراف‌ها) را شناسایی کنیم، سپس درک خود با نسخه‌های جدید را مقایسه کنیم. تنها وقتی می‌توانیم هدف اصلی نویسندگان را دریابیم که با پیروی از منطق و نحوه ارائه آن، بتوانیم واقعا کتاب مقدس را درک کنیم. فقط نویسنده اصلی الهام گرفته است - خوانندگان حق ندارند پیام را تغییر داده یا اصلاح کنند. خوانندگان کتاب مقدس مسئولیت اعمال حقیقت الهام گرفته را روزانه و در طول زندگی دارند. توجه داشته باشید که تمام اصطلاحات فنی و اختصارات به طور کامل در اسناد زیر توضیح داده شده است: [انتقادات متنی و واژه‌نامه](#).

مطالعه حلقه سوم (رجوع کنید به "راهنمای مطالعه مفید انجیل")

به دنبال نیت اصلی نویسنده در سطوح پاراگراف

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید. کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص نمایید (مطالعه حلقه شماره ۳). تقسیمات موضوعی خود را با پنج ترجمه بالا مقایسه کنید. پاراگراف‌بندی به نویسنده الهام نشده است، اما کلید پیگیری اهداف اصلی نویسنده است که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول
۲. پاراگراف دوم
۳. پاراگراف سوم و غیره

مطالعه کلمات و عبارات

NASB: ۳: ۱ الی ۶

۱ به همین سان، شما ای زنان، تسلیم شوهران خود باشید تا چنانچه برخی کلام را اطاعت نکنند، بی‌آنکه سخنی بر زبان آرید، در اثر رفتار همسرانشان جذب شوند، زیرا زندگی پاک و خداترسانه شما را مشاهده خواهند کرد. زیبایی شما نه در آرایش ظاهری، همچون گیسوان بافته و جواهرات و جامه‌های فاخر، بلکه در آن انسان باطنی باشد که آراسته به زیبایی ناپژمردنی روحی ملایم و آرام است، که در نظر خدا پس

گرانیهاست. ^۵ زیرا زنان مقدس اعصار گذشته که بر خدا امید داشتند، خود را بدین گونه می آراستند. آنان تسلیم شوهران خود بودند، چنانکه سارا مطیع ابراهیم بود و او را سرور خود می خواند. شما نیز اگر نیک کردار باشید و هیچ ترس به دل راه ندهید، فرزندان او خواهید بود.

۳: ۱ "به همین سان" این به تذکر او به شهروندان مسیحی (مراجعه شود به اول پطرس ۲: ۱۸) باز میگردد.

■ "ای زنان، تسلیم شوهران خود باشید" این وجه وصفی حال میانی همانند ۲: ۱۸ است. این یک اصطلاح نظامی به معنی "خود را تحت سلطه قرار دادن" است (مراجعه شود به افسسیان ۵: ۲۱ الی ۳۳، کولسیان ۳: ۱۸ الی ۱۹، تیتوس ۲: ۴ الی ۵). تمامی این فصل در رابطه با بحث پطرس در رابطه با مطیع بودن مومنین نسبت به دولت (۲: ۱۳ الی ۱۷) و مطیع بودن بردگان ایمان دار نسبت به اربابانشان (۲: ۱۸ الی ۲۰) است. اطاعت یک اصطلاح منفی نیست، توصیف کننده خود عیسی است. او مطیع والدین زمینی خود بود. او مطیع پدر آسمانی خود بود.

■ "چنانچه" این یک عبارت منظوری (*hina*) است، که بیانگر هدف الهیاتی برای اطاعت زن است. همیشه برای بشارت است. مومنین باید الگوی روزانه پادشاهی خدا باشند (مراجعه شود به مؤتله کوه، انجیل متی ۵ الی ۷).

■ "اگر" این جمله شرطی نوع اول است که در دیدگاه نویسنده و یا از نظر مفهوم متنی شرط درست تصور میشود. این متن در مورد شوهران بی ایمان صحبت میکند. در قرن نخست خانواده های مخلوط بسیار متداول بودند زیرا یکی از والدین ایمان می آورد. این یک تأیید انجیلی برای ازدواج با بی ایمانان نیست.

■ "برخی کلام را اطاعت نکنند" این زمان حال فعال اخباری است، که دلالت بر تداوم عمل دارد. همانطور که ایمان انجیلی یک تجربه ممتد است، همینطور هم بی ایمانی چنین تجربه ای است.

■ "کلام" در اول پطرس "کلام" (یعنی *logos*) استعاره ای برای موعظه انجیل توسط شاگردان است. مومنین دوباره توسط کلام متولد میشوند (مراجعه شود به اول پطرس ۱: ۲۳). آنان باید مشتاق روحانیت یا شیره کلام صمیمانه باشند (یعنی *logikos*، مراجعه شود به اول پطرس ۲: ۲).

■ "جذب شوند" این آینده مجهول اخباری است. این اصطلاح یعنی "بهره بردن". در اول قرنتیان ۹: ۱۹ الی ۲۲ از این اصطلاح استفاده شده است. هدف طبیعی زنان مومن رستگاری خانواده او است. این باید هدف تمامی مومنین باشد.

■ "بی آنکه سخنی بر زبان آرید" زندگی از روی ایمان او بلند تر و واضح تر از گفته هایش صحبت میکنند. با این حال، در برخی مقاطع، باید از کلام برای انتقال پیام استفاده کرد.

■ "در اثر رفتار" اغلب شیوه زندگی ما بلندتر از حرفمان صحبت میکند.

۳: ۲ "مشاهده خواهند کرد" این اصطلاح به عنوان شهادت عینی استفاده شده است. پطرس از آن سه مرتبه در نامه هایش استفاده کرده است (مراجعه شود به اول پطرس ۲: ۱۲، ۳: ۲، دوم پطرس ۱: ۱۶). زندگی مومنین بر صفحه نمایش است. هرچند کلیشه ای است، ولی درست است که زندگی مومنین تنها انجیلی است که برخی آن را خواهند خواند. زندگی مومنین تنها عیسی ای است که برخی خواهند شناخت. عجب مسئولیت حیرت انگیزی.

NASB "رفتار پرهیزکارانه و احترام آمیز شما"

NKJV "رفتار پرهیز کارانه همراه با ترس"

NRSV "خلوص و حرمت زندگی شما"

TEV "خلوص و حرمت زندگی شما این است که"

NJB "حرمت و خلوص شیوه زندگی شما"

پطرس از اصطلاح "ترس" استفاده کرده است و آن را به عنوان احترام از پیشتر در اول پطرس ۱: ۱۷ و ۲: ۱۸ درک کرده است (مراجعه شود به اعمال رسولان ۹: ۳، ۱۰: ۲، رومیان ۳: ۱۸، ۷: ۱۳، افسسیان ۵: ۳۳، مکاشفه ۱۱: ۱۸). مومنین با از خودگذشتگی و خدایپسندانه و از نظر فرهنگی مقبول برای شهادت پادشاهی و بشارت زندگی میکنند.

اصطلاح "خلوص" (*agnos*) به شیوه ها و معانی مختلف ترجمه میشود (خالص، خلوص، فروتن، معصوم، بی تقصیر). در دوم قرنتیان ۱۱: ۲، تیتوس ۲: ۵ و در اینجا مورد استفاده قرار گرفته است.

۳: ۳ "زیبایی شما نه در آرایش ظاهری" این تأکیدی در مورد کیفیت باطنی مومن است نه ممنوعیت علیه تمامی اصول و آداب فرهنگی. آراستگی ظاهری بر اساس فرهنگ اگر تبدیل به غایت و فخر فروشی شود، میتواند مسئله ساز شود زیرا مشخصه قلب شیطنانی است (مراجعه شود به اشعیا ۳: ۱۸ الی ۲۴). اینکه فرد چگونه بیوشد پنجره ای به سوی قلب او است (مراجعه شود به اول پطرس ۳: ۴).

اصطلاح "آراستگی" کاربرد منحصر به فرد، *kosmos* (حالت فعلی در اول پطرس ۳: ۵) است. این کاربرد همان جایی است که ما کلمه *cosmetic* را در زبان انگلیسی بر گرفته ایم.

■ "همچون گیسوان بافته و جواهرات و جامه‌های فاخر" همه این‌ها به لباس‌های گرانبیقیمت و آرایش مو و لباس زنان در یونان و روم قرن اول اشاره دارند. مؤمنان نباید تمایل به این شیوه برای پذیرش اجتماعی و رتبه‌بندی اجتماعی بر اساس زیور آلات ظاهری داشته و آن را تقلید کنند. این بدین معنا نیست که ما باید لباس‌های زنده بپوشیم، بلکه ایمانداران باید لباس‌هایی را که به لحاظ اجتماعی و فرهنگی مناسب هستند، بپوشند، و جلب توجه نکنند.

۳:۴ "آن انسان باطنی" این اشاره به انسان جدید پس از رستگاری دارد. پیمان جدید قبل و روح جدیدی به فرد میدهد (مراجعه شود به حزقیال ۳۶:۲۲ الی ۳۸). برای "قلب" به موضوع خاص در بخش مربوط به انجیل مرقس ۲:۶ مراجعه کنید.

■ "زیبایی ناپژمردنی" پطرس این اصطلاح را در مورد (۱) میراث ناپژمردنی خدا که در بهشت برای انسانها از آن محافظت میکند (یعنی ۱:۴) و (۲) مومنین که از بذر ناپژمردنی دوباره متولد میشوند (یعنی ۱:۲۳) استفاده میکند.

پولس از همین اصطلاح در مورد قیام بدن‌ها از میان مردگان در اول قرن‌تین ۱۵ و تاج فاسد ناشدنی مومنین در اول قرن‌تین ۹:۲۵ استفاده میکند.

■ "روحی ملایم و آرام" نخستین اصطلاح *praus* (صبور، ملایم) عیسی را در انجیل متی ۱۱:۲۹ و ۲۱:۵ توصیف میکند و همچنین مشخصه سعادت جاودانی مومنین (مراجعه شود به انجیل متی ۵:۵) است. این اصطلاح همچنین در اول پطرس ۳:۱۵ به عنوان مشخصه شهادت مومنین استفاده شده است.

اصطلاح دوم، *hēsuchia* یا *hēsuchios* چندین مرتبه در نوشته‌های پولس برای توصیف مومنین به عنوان افرادی آرام، ملایم، صلح طلب یا پراسایش (مراجعه شود به اول تسالونیکیان ۴:۱۱، دوم تسالونیکیان ۳:۱۲، اول تیموتائوس ۲:۲ و ۱۱ و ۱۲) به کار رفته است. تضادی میان تغییر شیوه زندگی جهان (مراجعه شود به اول پطرس ۳:۳) و مشخصه زندگی یک فرد رستگار و نجات یافته حاکم است (مراجعه شود به اول پطرس ۳:۴).

۳:۵ "تسلیم.... بودند" این موضوع کلی تمام متن است (مومنین مطیع مقامات اجتماعی بودند، اول پطرس ۲:۱۳ الی ۱۷، بردگان مومن مطیع اربابشان، اول پطرس ۲:۱۸ الی ۲۰، مسیح مطیع برنامه‌های پدر، اول پطرس ۲:۲۱ الی ۲۵، زنان مومن مطیع شوهرانشان، اول پطرس ۳:۱ الی ۶). این تغییر جهت قابل توجه انسان گمراه در کتاب پیدایش ۳ است. مؤمنان دیگر برای خود زندگی نمی‌کنند، بلکه برای خدا زندگی میکنند.

۳:۶ "سارا..... او را سرور خود می‌خواند" این یک مثال عهد عتیقی (یعنی کتاب پیدایش ۱۸:۱۲) از مطیع بودن زنان خدا است.

■ "فرزندان او خواهید بود" معمولاً از قدیسان عهد عتیق برای تشویق و دلگرمی مومنین استفاده میشود (مراجعه شود به عبرانیان ۱۱). همچنین برای نشان دادن اینکه آنان به طور کامل توسط خدا با ایمان به مسیح پذیرفته میشوند استفاده میشود (مراجعه شود به رومیان ۲:۲۸ الی ۲۹، ۴:۱۱، غلاطیان ۳:۷ و ۹). ما از خانواده مومن ابراهیم و سارا هستیم. ما مردم جدید خدا هستیم. اسرائیل جدید ایمان (مراجعه شود به غلاطیان ۶:۱۶، اول پطرس ۲:۵ و ۹).

■ "اگر نیک‌کردار باشید" (در نسخه انگلیسی "اگر آنچه را که درست است انجام دهید" نوشته شده- مترجم) به یادداشت مربوط به اول پطرس ۲:۱۴ مراجعه کنید. عنصر شرطی (اگر) که در ترجمه انگلیسی استفاده شده است (TEV, NKJV, NASB) در متن یونانی وجود ندارد، ولی بر آن دلالت وجود دارد. زندگی از روی ایمان مشخصه‌های قابل مشاهده دارد.

■ "هیچ ترس به دل راه ندهید" این هم یک مشخصه دیگر زندگی از روی ایمان است (مراجعه شود به اول پطرس ۳:۶ و ۱۴). این ممکن است اشاره ای به کتاب امثال ۳:۲۵ و حقیقت مزامیر ۲۳:۴، ۲۷:۱، و ۹۱:۵ باشد.

NASB: اول پطرس ۳:۷

به همین سان، شما نیز ای شوهران، در زندگی با همسرانتان با ملاحظه باشید و با آنان چون جنس ظریفتر با احترام رفتار کنید، چرا که همپای شما وارث هدیه فیض آمیز حیاتند، تا دعاهایتان باز داشته نشود.

۳:۷ "ای شوهران" این بخش که در رابطه با شوهران مومن است به مراتب کوتاهتر از بخشی است که خطاب به زنان مومن گفته شده است، با این حال، اساساً منعکس کننده توازن مثبت برای روزگار پطرس است، بیشتر شبیه نوشته‌های پولس (مراجعه شود به افسسیان ۵:۲۱ الی ۳۱).

■ "باملاحظه باشید" این میتواند اشاره به (۱) حقایق کتاب مقدس (یعنی کتاب پیدایش ۱:۲۶ الی ۲۷، ۲:۱۸ الی ۲۵، غلاطیان ۳:۲۸) و یا (۲) به فکر ساختار فیزیکی منحصر به فرد زنان بودن باشد (به یادداشت زیر مراجعه کنید).

■ "جنس ظریفتر" این یعنی از لحاظ فیزیکی (مراجعه شود به یعقوب ۴:۱۹، ۱۰:۹، ۳۳:۶، دوم قرن‌تین ۴:۷)، نه از لحاظ معنوی و روحانی یا فکری (مراجعه شود به غلاطیان ۳:۲۸). برخی از مفسرین این را به وضعیت اجتماعی ربط میدهند. همین اصطلاح "جنس" در اول تسالونیکیان ۴:۴ به عنوان مرجعی برای زن یک نفر (یا اصطلاحی که یک روح جاودانی را درون کالبدی از گل توصیف میکند، مراجعه شود به کتاب پیدایش ۲:۷، ۳:۱۹) به کار رفته است.

- "با احترام رفتار کنید، چرا که همپای شما وارث هدیه فیض آمیز حیاتند" این منعکس کننده تساوی روحانی (یعنی شریک در ارث، مراجعه شود به اول پطرس ۱: ۴ الی ۵) مردان و زنان (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱: ۲۷، ۲: ۱۸، غلاطیان ۳: ۲۸) است. حتی اینک به چند طریق رستگاری عواقب گمراهی (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۳: ۱۶) انسان را حذف کرده و تساوی میان زنان و مردان کتاب پیدایش ۱ الی ۲ را برقرار مینماید.
- "تا دعاهایتان بازداشته نشود" چگونگی رفتار زن و شوهر مومن با یکدیگر بر رابطه آنان با خدا تاثیر میگذارد (مراجعه شود به اول قرتیان ۷: ۵).

NASB: اول پطرس ۳: ۸ الی ۱۲

باری، همه شما یکدل و همدرد و برادردوست و دلسوز و فروتن باشید. ^۱بدی را با بدی و دشنام را با دشنام پاسخ مگویید، بلکه در مقابل، برکت بطلبید، زیرا برای همین فرا خوانده شده‌اید تا وارث برکت شوید. ^۲زیرا «هر که دوستدار حیات است و خواهان دیدن روزهای نیکو، باید زبان از بدی باز دارد و لبان از فریب فرو بندد. ^۱باید از بدی روی بگرداند و نیکویی پیشه کند؛ آرام بجوید و در پی صلح باشد. ^۲زانرو که چشمان خداوند بر یارسایان است و گوشه‌هایش به دعای ایشان، اما روی خداوند به ضد بدکاران است».

۸: ۳

NASB "باری"

NKJV, NRSV, NJB "تهانینا"

TEV "برای جمع بندی"

این یک اصطلاح یونانی ("اینک در پایان") است که به معنی "به طور خلاصه" میباشد، نه برای کل متن، بلکه فقط برای این بخش (مراجعه شود به اول پطرس ۱۳: ۱ الی ۱۷، ۱۸ الی ۲۵، ۳: ۱ الی ۸، ۸ الی ۲۲).

- "همه شما باشید" این خطاب به کل جامعه مومنین است. هیچ فعل خاصی برای تشویق در این لیست وجود ندارد.

NASB "هماننگ"

NKJV "همفکر"

NRSV "یکپارچگی روح"

TEV "هم عقیده"

NJB "همه باید با یکدیگر موافق باشید"

از نظر مفهومی این یک حالت ترکیبی از *homos* (تک یا مشابه) و *phrēn* (ذهن یا فکر) است. همین مفهوم در انجیل یوحنا ۱۷: ۲۰ الی ۲۳، رومیان ۱۲: ۱۶، فیلیپیان ۱: ۲۷ و ۲: ۲ تشویق میشود.

NASB, NJB "دلسوز"

NKJV "همدردی با یکدیگر"

NRSV "ابراز همدردی"

TEV "داشتن احساسات مشابه"

از نظر مفهومی این اصطلاح ترکیبی از کلمات *sun* (با) و *paschō* (تحمل کردن) است. اصطلاح انگلیسی "*sympathy*" از این اصطلاح ترکیبی یونانی برگرفته شده است. در زمان آزار و اذیت و محاکمه این بسیار مهم است، همینطور هم سایر شرایطی که در اول پطرس ۳: ۸ ذکر شده اند.

NASB "برادرانه"

NKJV "همانند برادر دوست داشتن"

NRSV "به خاطر یکدیگر محبت کردن"

TEV "به یکدیگر محبت کردن"

NJB "به برادران محبت کردن"

از نظر مفهومی این اصطلاح ترکیبی از *philos* (محبت/عشق) و *adelphos* (برادر) است. البته، این استفاده معمولی از کلمه برادر است. احتمالاً شیوه بهتر برای بیان آن "محبت خانوادگی را به همه مومنین نشان دهید" باشد (مراجعه شود به رومیان ۱۲: ۱۰، اول تسالونیکیان ۴: ۹). این منعکس کننده فرمان عیسی در انجیل یوحنا ۱۳: ۳۴، اول یوحنا ۳: ۲۳، ۴: ۷ الی ۸ و ۱۱ الی ۱۲ و ۱۹ الی ۲۱ است. در زبان یونانی کویین *philos* و *agapē* معمولاً مترادف یکدیگر هستند (با انجیل یوحنا ۳: ۳۵ و ۵: ۲۰ مقایسه کنید).

NASB "قلب مهربان"

"قلب لطیف"	NKJV
"یک قلب لطیف"	NRSV
"مهربان باشید"	TEV
"محبت کنید"	NJB

از نظر مفهومی این اصطلاح ترکیبی از *eu* (خوب) و *splagchnon* (درون) است. قدما معتقد بودند که بخش پائینی بدن (منظور از گردن به پائین است) (اعمال رسولان ۱: ۱۸) محل احساسات (مراجعه شود به انجیل لوقا ۱: ۲۸، دوم قرنتیان ۶: ۱۲، فیلیپیان ۱: ۸) است. این ترکیب از مومنین میخواید نسبت به یکدیگر "احساسات خوب" داشته باشند (مراجعه شود به افسسیان ۴: ۳۲).

"روح فروتن"	NASB
"مودب"	NKJV
"ذهن فروتن"	NRSV
"فروتن"	TEV
"متواضع"	NJB

از نظر مفهومی این اصطلاح ترکیبی از *tapeinos* (فروتن) و *phrēn* (فکر) است. از این اصطلاح در اعمال رسولان ۲۰: ۱۹، افسسیان ۴: ۲ و فیلیپیان ۲: ۳ استفاده شده است. این تقوای منحصر به فرد مسیحیت است. یعنی بر خلاف خودکامگی، و فخر فروشی است.

۹: ۳ "بدی را با بدی پاسخ مگویند" این وجه وصفی حال فعال میانی است که به صورت امری استفاده شده است. اشاره به بخشش واقعی دارد (مراجعه شود به امثال ۱۷: ۱۳، ۲۰: ۲۲، رومیان ۱۲: ۱۷، اول تسالونیکیان ۵: ۱۵). به خاطر داشته باشید که اول پطرس خطاب به مومنینی که مورد آزار و شکنجه قرار گرفته و محاکمه شدند نوشته شده است، ولی آنان باید همانطور که عیسی به رفتار ناشایست پاسخ داد، پاسخ دهند.

■ "و دشنام را با دشنام پاسخ مگویند" این منعکس کننده زندگی عیسی است (مراجعه شود به اول پطرس ۲: ۲۳).

■ "بلکه در مقابل، برکت بطلبید" این یک وجه وصفی حال فعال دیگر است که به صورت امری مورد استفاده قرار گرفته. از نظر مفهومی به معنی "نیکو سخن گفتن" یا "ستایش کردن" در زبان انگلیسی است (مراجعه شود به انجیل متی ۵: ۱۰ و ۱۲ و ۴۴، ۶: ۱۴ الی ۱۵، انجیل لوقا ۶: ۲۸، رومیان ۱۲: ۱۴، اول قرنتیان ۴: ۱۲).

۹: ۳ "زیرا برای همین فرا خوانده شده‌اید" این دقیقا همان حقیقتی است که در اول پطرس ۲: ۲۱ بیان شده است. رنج کشیدن، همانند مثال مسیح، ابزار بالغ شدن مومن است (مراجعه شود به عبرانیان ۵: ۸) و شهادت او (مراجعه شود به اول پطرس ۳: ۱۵).

■ "تا وارث برکت شوید" این منعکس کننده گفته های عیسی در انجیل متی ۵: ۴۴ و انجیل لوقا ۶: ۲۸ است. ارثیه مومن یک بحث تکراری است (مراجعه شود به اول پطرس ۱: ۴ الی ۵، ۳: ۷ و ۹). ما اعضا خانواده خدا هستیم و همراه با عیسی جزو وارثین میباشیم (مراجعه شود به رومیان ۸: ۱۷).

۱۰: ۱ الی ۱۲ این نقل قولی از مزامیر ۳۴ در MT است و در Septuagint نیست. به مزامیر در موارد زیر اشاره شده است:

۱. اول پطرس ۲: ۳ - مزامیر ۳۴: ۸ (مراجعه شود به عبرانیان ۶: ۵)
۲. اول پطرس ۲: ۲۲ - مزامیر ۳۴: ۱۳
۳. اول پطرس ۳: ۱۰ - مزامیر ۳۴: ۱۲ الی ۱۳
۴. اول پطرس ۳: ۱۱ - مزامیر ۳۴: ۱۴ (مراجعه شود به رومیان ۱۴: ۱۹، عبرانیان ۱۲: ۱۴)
۵. اول پطرس ۳: ۱۲ - مزامیر ۳۴: ۱۵ الی ۱۶

■ به سه نصیحت توجه کنید

۱. زبان را از پلیدی دور نگاهدارید (مراجعه شود به اول پطرس ۳: ۱۰، موضوع خاص: کلام انسان در بخش مربوط به انجیل مرقس ۷: ۲۰ را مطالعه کنید)

۲. باید از شیطان و پلیدی روی برگرداند (مراجعه شود به اول پطرس ۳: ۱۱)

۳. باید در جستجوی صلح و آرامش بود و آن را تداوم بخشید (مراجعه شود به اول پطرس ۳: ۱۱)

این نشان دهنده جنبه انسانی پاسخ مومن به پیمان است. دلایل اعمال مومنین در اول پطرس ۳: ۱۲ بیان شده اند:

۱. سرور شخصا به افراد صالح توجه میکند

۲. سرور صدای افراد صالح و پارسا را میشنود

۳. سرور خود بر ضد پلیدی است

در طول مزامیر اصطلاح "سرور" اساسا به یهوه، خدای پیمان اسرائیل اشاره دارد، با این حال، در این متن به عیسی اشاره دارد، کسی که پیمان جدید را آورد

NASB: اول پطرس ۳: ۱۳ الی ۲۲

^{۱۳} اگر برای نیکویی کردن غیورید، کیست که به شما ضرر رساند؟ ^{۱۴} اما حتی اگر در راه حق رنج دیدید، خوشا به حالتان! «از آنچه آنان می‌ترسند شما مترسید و در هراس مباحثید». ^{۱۵} بلکه در دل خویش مسیح را به عنوان خداوند مقدس شمارید و همواره آماده باشید تا هر کس دلیل امیدی را که در شماست بپرسد، او را پاسخ گوید، اما به نرمی و با احترام. ^{۱۶} وجدانتان را پاک نگاه دارید تا کسانی که رفتار نیک شما را در مسیح بد می‌گویند، از بدگویی خویش شرمسار شوند. ^{۱۷} زیرا اگر خواست خدا باشد، بهتر است برای نیکوکاری رنج ببرید تا بدکرداری. ^{۱۸} زیرا مسیح نیز یک بار برای گناهان رنج کشید، پارسایی برای بدکاران، تا شما را نزد خدا بیاورد. او در عرصه جسم کشته شد، اما در عرصه روح، زنده گشت ^{۱۹} و در همان منزلت رفت و این را به ارواحی که در قرارگاه خود به سر می‌بردند اعلام کرد، ^{۲۰} همان ارواحی که در ایام گذشته نافرمانی کرده بودند، آنگاه که خدا در روزگار نوح که کشتی ساخته می‌شد، با شکیبایی انتظار می‌کشید. در آن کشتی تنها شماری اندک، یعنی هشت تن، به واسطه آب نجات یافتند. ^{۲۱} و آن آب نمونه تعمیدی است که اکنون نیز شما را نجات می‌بخشد، تعمیدی که نه زدودن آلودگی تن، بلکه تعهد وجدانی پاک است به خدا. این تعمید به واسطه رستائیز عیسی مسیح شما را نجات می‌بخشد، ^{۲۲} همان که به آسمان رفت و اینک به دست راست خداست و فرشتگان و ریاستها و قدرتها مطیعش گشته‌اند.

۳: ۱۳ "کیست که به شما ضرر رساند" این ممکن است اشاره ای به مزامیر ۱: ۱۸: ۶ باشد زیرا این مزامیر در اول پطرس ۲: ۷ و ۹ نقل شده است. همین حقیقت در رومیان ۸: ۳۱ الی ۳۴ بیان شده است.

باید مدام به مومنین خاطر نشان کرد که این جان خانه آنان نیست و جهان فیزیکی حقیقت غایی نیست. ما اینجا زائرینی هستیم که فقط عبور میکنیم. ما نباید بترسیم (یعنی اول پطرس ۳: ۱۴).

خیلی عجیب است که کسانی که مورد محافظت خدا هستند اغلب همان کسانی هستند که مورد آزار و اذیت قرار میگیرند. شناختن، عشق ورزیدن و خدمت کردن به خدا فرد را از درد، رفتار ناشایست و حتی مرگ دور نگاه نمیدارد. ممکن است چنین به نظر برسد که شیطان پیروز شده است، حتی در میانه درد و رنج مومن نعمت میگیرد (مراجعه شود به انجیل متی ۵: ۱۰ الی ۱۲، اعمال رسولان ۵: ۴۱).

■ "اگر برای نیکویی کردن غیورید" این جمله عبارت شرطی نوع سوم بوده و به معنی احتمال وقوع عمل است. آنان رنج میکشیدند زیرا مسیحی بودند (مراجعه شود به اول پطرس ۳: ۱۴، ۲: ۱۹، ۳: ۱۶، ۴: ۱۶). با این حال به احتمالی بودن آن توجه کنید (وجه وصفی حالت)، "مشتاق برای آنچه که نیک است"!

۳: ۱۴ "اما حتی اگر در راه حق رنج دیدید" این یک جمله شرطی نادر از نوع چهارم است (دورترین حالت از واقعیت)، که یعنی عمل قطعی نیست (مراجعه شود به دوم تیموتائوس ۳: ۱۲). هر مومنی در هر جایی رنج نمیکشد. درد و رنج را هرگز و هیچوقت همه مومنین تجربه نمیکند، ولی هر مسیحی باید آماده باشد (مراجعه شود به اول پطرس ۴: ۱۲ الی ۱۶، انجیل یوحنا ۱۵: ۲۰، اعمال رسولان ۱۴: ۲۲، مکاشفه ۸: ۱۷)!

■ "پارسا" (این آیه در نسخه انگلیسی چنین خوانده میشود: "اما حتی اگر به خاطر پارسا بودن رنج دیدید" - مترجم) در این متن این اصطلاح باید اشاره به زندگی خداپرستانه و یا شهادت کلامی ما در مورد انجیل داشته باشد. موضوع خاص زیر را مطالعه کنید.

موضوع خاص: پارسایی

(SPECIAL TOPIC: RIGHTEOUSNESS)

"پارسایی" یکی از موضوعات حساس است که هر دانشجوی انجیل باید مطالعات فردی جامعی در خصوص این مفهوم انجام دهد. در عهد عتیق، شخصیت خدا به صورت "عادل" و "پارسا/صالح" (فعل، BDB 842, KB 1003، اسم مذکر، BDB 841, KB 1004، اسم مونث، BDB 842, KB 1006) توصیف شده است. این اصطلاح بین‌النهرینی از "ساقه نی" می‌آید که از آن در ساختمان به عنوان ابزاری برای تشخیص صاف بودن سطح افقی دیوارها و پرچینها استفاده می‌شد. خدا این اسم را برای استفاده استعاره‌ای برای ماهیت خودش انتخاب کرد. او یک سطح کاملاً صاف است (مانند خطکش) که توسط آن همه چیز ارزیابی می‌شوند. این مفهوم صادق بودن و همچنین حق داوری او را تصریح می‌کند. انسان با تصویری از خدا خلق شد (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱: ۲۶ الی ۲۷، ۱: ۵ و ۳، ۶: ۹). نوع بشر برای دوستی با خدا خلق شد (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۳: ۸). کل خلقت مرحله‌ای است برای تعامل میان خدا و نوع بشر. خدا می‌خواست بالاترین مخلوقش، یعنی نوع بشر، او را بشناسد، دوستش داشته باشد، به او خدمت کند، و مانند او باشد! وفاداری نوع بشر آزمایش شد (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۳) و اولین زوج در آزمایش شکست خوردند. این باعث شد رابطه خدا با انسان قطع شود (مراجعه شود به رومیان ۱۲: ۵ الی ۲۱).

خدا قول داد که این دوستی را مجدداً برقرار کند (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۳: ۱۵)، به موضوع خاص: برنامه رستگاری جاودانی یهوه مراجعه

شود). او این کار را با اراده خود و توسط پسرش انجام داد. انسانها توانایی مرمت این شکاف را نداشتند (مراجعه شود به رومیان ۱:۱۸ الی ۳:۲۰، مکاشفه ۵).

پس از سقوط، نخستین گام خدا برای برقراری مجدد این رابطه، مفهوم پیمان بر اساس دعوت انسان به توبه، وفاداری و پاسخ به اطاعت از وی بود (مراجعه شود به ارمیا ۳۱:۳۱ الی ۳۴، حزقیال ۲۲:۳۶ الی ۳۸). به واسطه سقوط، انسانها فاقد توانایی دادن پاسخ مناسب بودند (مراجعه شود به رومیان ۳:۲۱ الی ۳:۲۱، غلاطیان ۳). خدا خودش باید نخستین گام را برمی داشت تا پیمان شکنی انسانها را مرمت کند. او این کار را با اقدامات زیر انجام داد:

۱. از طریق کارهای مسیح نوع بشر را صادق اعلام کردن (عدالت قضایی)
 ۲. از طریق مسیح به رایگان صداقت را به نوع بشر دادن (عدالت محسوب شده)
 ۳. دادن روح به نوع بشر که صداقت را ایجاد می کند (مسیح گونه بودن، بازیابی تصویری از خدا)
 ۴. تجدید دوستی باغ عدن (کتاب پیدایش ۱ الی ۲ را با مکاشفه ۲۱ الی ۲۲ مقایسه کنید)
- با این وجود، خدا می خواهد که به پیمانش پاسخ دهیم. خدا حکم می کند (به رایگان می دهد، مراجعه شود به رومیان ۸:۵، ۲۳:۶) و تامین می کند ولی انسانها باید پاسخ داده و آن را ادامه دهند با

۱. توبه
۲. ایمان
۳. پیروی شیوه زندگی
۴. استقامت

بنابراین، پارسایی یک پیمان و اقدام دوجانبه میان خدا و بالاترین مخلوقش است، بر اساس شخصیت خدا، کار عیسی و فعال کردن روح القدس، که به آن هر فرد باید شخصا و به صورت مداوم پاسخ مناسب بدهد. به این مفهوم "دادن حق با لطف و از طریق ایمان" گفته می شود (مراجعه شود به افسسیان ۸:۲ الی ۹). این مفهوم در اناجیل فاش می شود، ولی نه با این کلمات. در ابتدا توسط پولس، که از اصطلاح یونانی صداقت به اشکال مختلف بیش از یکصد مرتبه استفاده شده مطرح شد.

پولس که یک روحانی آموزش دیده است، از اصطلاح *dikaionē* در مفهوم عبری کلمه *tsaddiq* که در نسخه عبری انجیل به کار رفته، استفاده می کند، نه از نسخه یونانی. در نوشته های یونانی این کلمه به کسی گفته می شود که توقعات خدا و جامعه را برآورده می کند (مانند نوح، یعقوب). در مفهوم عبری همیشه در قالب کلمات پیمان است (به موضوع خاص: پیمان مراجعه شود). بهوه خدای عادل، با اخلاق و معنوی است. او می خواهد مردمش منعکس کننده شخصیتش باشند. انسان آزاد شده تبدیل به مخلوق جدیدی می شود (مراجعه شود به دوم قرنتیان ۵:۱۷، غلاطیان ۶:۱۵). این تازگی حاصلش تازگی شیوه جدید زندگی خداپسندانه است (مراجعه شود به انجیل متی ۵:۷، غلاطیان ۵:۲۲ الی ۲۴، جیمز، اول یوحنا). از آنجا که اسرائیل یک حکومت مذهبی بود، هیچ تعریف واضحی میان سکولار و روحانی (اراده خدا) وجود نداشت. این تمایز در قالب کلمات عبری و یونانی به کلمه "*justice*" (عدالت) (در رابطه با جامعه) و "پارسا" در رابطه با مذهب ترجمه شده است.

خبر خوب عیسی این است که رابطه انسان سقوط کرده با خدا تجدید می شود. این کار با عشق، رحم و لطف خدا انجام می شود، زندگی، مرگ و قیام از مردگان پسرش و با اظهار عشق روح القدس و جلب توجه به سوی خبر خوش. *Justification* یک حرکت آزاد از جانب خداست، ولی باید در قالب خداپسندانه باشد (وضعیت آگوستین، که منعکس کننده شکل بخشی مجدد که بر آزادی انجیل و کلیسای کاتولیک رم تاکید بر زندگی تغییر یافته بر اساس عشق و وفاداری نسبت به خدا). برای اصلاح کنندگان کلمه "صداقت خدا" حالت اضافه عینی است (این عمل که انسان گناهکار برای قابل پذیرش شود) [تقدیس موقعیتی]، در حالیکه برای کاتولیکها این یک مضاف الیه است، که فرایند بیشتر تبدیل شدن به خدا است [تقدیس تجربی در حال پیشرفت]. در واقعیت یقینا این هر دو است.

در دیدگاه من از تمام انجیل، از کتاب پیدایش ۴ گرفته تا مکاشفه ۲۰، حکایت از این دارد که خدا رابطه دوستی با بهشت را تجدید می کند. انجیل از دوستی خدا با انسان از همان ابتدا شروع می شود (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱ الی ۲) و انجیل با همین شیوه خاتمه می یابد (مکاشفه ۲۱ الی ۲۲). تصویر و هدف خدا بازیابی می شود.

برای مستندسازی بحث فوق به عبارتهای منتخب از عهد جدید در زیر بر اساس گروه کلمات یونانی مراجعه کنید

۱. خدا صادق است اغلب با اینکه خدا قاضی است مرتبط می باشد)

- a. رومیان ۲:۲۶
- b. دوم تسالونیکیان ۵:۵ الی ۶
- c. تیموتائوس ۸:۴
- d. مکاشفه ۵:۱۶

۲. عیسی صادق است

- a. اعمال رسولان ۱۴:۳، ۵۲:۷، ۱۴:۲۲ (عنوان مسیح)
 - b. انجیل متی ۱۹:۲۷
 - c. اول یوحنا ۱:۲ و ۲۹:۳، ۷:۳
۳. اراده خدا برای مخلوقش صداقت است
- a. لایوان ۱۹:۲
 - b. انجیل متی ۴۸:۵ (مراجعه شود به ۱۷:۵ الی ۲۰)
۴. ابزار خدا برای تامین و ایجاد صداقت
- a. رومیان ۳:۲۱ الی ۳۱
 - b. رومیان ۴
 - c. غلاطیان ۳:۶ الی ۱۴
 - d. رومیان ۵:۶ الی ۱۱
۵. داده شده توسط خدا
- a. رومیان ۳:۲۴، ۳:۲۳، ۶:۲۳
 - b. اول قرنطیان ۱:۳۰
 - c. افسسیان ۲:۸ الی ۹
۶. دریافت با ایمان
- a. رومیان ۱:۱۷، ۳:۲۲ و ۲۶:۳، ۴:۳ و ۵:۱۳، ۹:۳۰، ۴:۱۰ و ۶:۱۰
 - b. دوم قرنطیان ۷:۵ و ۲۱
۷. توسط کارهای پسر
- a. رومیان ۵:۲۱
 - b. دوم قرنطیان ۵:۲۱
 - c. فیلیپیان ۲:۶ الی ۱۱
۸. اراده خدا این است که پیروانش صادق باشند
- a. انجیل متی ۳:۵ الی ۴۸، ۲۴:۷ الی ۲۷
 - b. رومیان ۱۳:۲، ۱:۵ الی ۵، ۱:۶ الی ۲۳
 - c. افسسیان ۴:۱، ۱:۱۰، ۲:۱۰
 - d. اول تیموتائوس ۱:۱۱، ۶:۱۱
 - e. دوم تیموتائوس ۲:۲۲، ۲:۱۶، ۳:۱۶
 - f. اول یوحنا ۷:۳
 - g. اول پطرس ۲:۲۴
۹. خدا جهان را با صداقت داوری میکند
- a. اعمال رسولان ۳۱:۱۷
 - b. دوم تیموتائوس ۸:۴
۱۰. صداقت یک مشخصه خدا است، که آن را توسط مسیح به انسان گناهکار می دهد.
- a. یک حکم خدا
 - b. هدیه ای از خدا
 - c. یک کار مسیح
 - d. زندگی که باید زندگی کرد

ولی صالح شدن هم فرایندی دارد که باید با نیرومندی و پایداری آن را طی کرد، که با فرارسیدن بازگشت دوم، به سرانجام خواهد رسید. دوستی با خدا در رستگاری تجدید می شود ولی تداوم و پیشرفت آن در طی زندگی و مواجهه رو در رو با او (مراجعه شود به اول یوحنا ۲:۳) در زمان مرگ انجام می شود.

برای جمع بندی این بحث، در اینجا نقل قول خوبی را برگرفته از *Dictionary of Paul and His Letters* از IVP بیان می دارم:

"کالوین بیش از لوتر بر جنبه رابطه‌ای صداقت و صالح بودن خدا تاکید دارد. به نظر می‌رسد دیدگاه لوتر از صداقت خدا در بردارنده جنبه برائت باشد. کالوین بر طبیعت حیرت‌انگیز ارتباط یا رساندن صداقت خدا به ما تاکید می‌کند" (صفحه ۸۳۴).

از نظر من، رابطه مومن با خدا شامل این سه جنبه است:

۱. انجیل یک فرد است (تاکید کلیسای شرقی و کالوین)
۲. انجیل حقیقت است (تاکید آگوستین و لوتر)
۳. انجیل زندگی تغییر یافته است (تاکید کاتولیک)

همه اینها درست هستند و باید برای مسیحیت سالم و انجیلی با همدیگر حفظ شوند. اگر هر کسی بیش از حد تاکید کرده یا مسامحه نماید، مشکلاتی به وجود می‌آیند.

ما باید عیسی را بپذیریم!

ما باید به انجیل ایمان داشته باشیم!

ما باید همچون مسیح بودن را ادامه دهیم!

■ **"خوشا به حالتان"** (در نسخه انگلیسی "نعمتی به شما داده شده است" نوشته شده-مترجم) این با اول پطرس ۳: ۹ تفاوت دارد. این اصطلاحی است که در بخش سعادت جاودانی موعظه عیسی در کوه (مراجعه شود به انجیل متی ۵: ۱۰ الی ۱۲) استفاده شده است. مومنین با پیامبران عهد عتیق به عنوان نور خدا بر دنیای گمراه پیوند داده میشوند. با شهادت ما حتی در میانه رنج، بی ایمانان ممکن است تحت تاثیر قرار گرفته و خدا را ستایش کنند (مراجعه شود به اول پطرس ۳: ۱ و ۸ الی ۹).

■ **"از آنچه آنان می‌ترسند شما مترسید و در هراس مباحثید"** این اشاره ای به اشعیا ۸: ۱۲ الی ۱۳ است (به مفهوم مشابه در اشعیا ۵۰: ۹، ۵۴: ۱۷، رومیان ۸: ۳۱ الی ۳۸ توجه کنید). از نظر مفهومی این عبارت یعنی "از ترس آنان نترسید" است. این عبارت میتواند به دو شیوه درک شود: (۱) ترس از خدا که آزاردهندگان آن را احساس کردند یا (۲) ترسی که آنان در دیگران القا میکنند. نداشتن ترس مشخصه فرزندان خدا است (مراجعه شود به اول پطرس ۳: ۶).

■ **۱۵: ۳ "مقدس شمارید"** این زمان آنوریست فعال امری است، که دلالت بر انجام قطعی عمل جدا کردن کسی به منظور استفاده خدا در زمان گذشته دارد (این هم ممکن است اشاره ای به اشعیا ۸: ۱۴ باشد که "تقدس" دارد). مومنین باید مسیح را در دل خویش تقدیس کنند همانطور که مسیح خود را برای آنان تقدیس کرد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۷: ۱۹).

توجه کنید که در اول تسالونیکیان ۵: ۲۳ این خدا است که مومنین را تقدیس میکند. اینک به مومنین دستور داده میشود که باید خود را تقدیس کنند. این پارادوکس پیمانی ایمان انجیلی است (حزقیال ۱۸: ۳۱ را با ۳۶: ۲۶ الی ۲۷ مقایسه کنید). خدا حاکم است، با این حال انسانها هم آزاد هستند باید این آزادی را تحت اراده خدا تجربه کنند. و چگونه مسیح را تقدس کنیم؟

۱. با محبت خود نسبت به یکدیگر (مراجعه شود به اول پطرس ۳: ۸ الی ۹)
۲. با زندگی خود (مراجعه شود به اول پطرس ۳: ۱۳ الی ۱۴)
۳. با شهادت کلامی خود (مراجعه شود به اول پطرس ۳: ۱۵)

■ **"مسیح به عنوان خداوند"** نسخه کینگ جیمز میگوید "خدای سرور"، که منعکس کننده اشعیا ۸: ۱۲ الی ۱۳ است، که "سرور میزبانان" دارد، در حالیکه اول پطرس ۳: ۱۴ یک متن مسیحانه است. با این حال در نسخ دستنویس باستانی یونانی ^{P72}، A، B و C "مسیح به عنوان سرور" ذکر شده که با این متن بهتر مطابقت دارد.

■ **"در دل خویش"** (در نسخه انگلیسی "دلها" نوشته شده است-مترجم) "دلها" یک اصطلاح عهد عتیقی است که اشاره به انسان کامل دارد. موضوع خاص: قلب/دل در بخش مربوط به انجیل مرقس ۲: ۶ را مطالعه کنید.

■ **"همواره آماده باشید"** این اصطلاح یونانی *apologia* است، که ترکیبی از *apo* (از) و *logos* (کلمه) است. این اصطلاح اشاره به دفاع قانونی در دادگاه دارد (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۹: ۳۳، ۲۲: ۱، ۲۵: ۱۶، ۲۶: ۱ و ۲: ۲۴). از این متن اغلب برای تشویق مومنین برای اینکه بر بشارت خود شهادت دهند استفاده میشود، که یقیناً به آن نیاز است، ولی در متن این احتمالاً اشاره به محاکمه رسمی یا بازجویی دارد. توجه کنید که خیلی مهم است مومنین همیشه یک ارائه منطقی از ایمان خود نسبت به مسیح داشته باشند؛ اعم از اینکه در دادگاه باشد یا برای یک همسایه. هر مومنی باید آماده شهادت کلامی باشد.

■ **"امیدی را که در شماست"** امید یک کلمه کلیدی برای انجیل و تحقق آن در آینده است. مومنین الان به واسطه اعتمادی که به وعده های مسیح و بازگشت او دارند، در مسیر خدا زندگی میکنند.

موضوع خاص: امید (elpis، در پولس)

(SPECIAL TOPIC: HOPE)

پولس اغلب از این اصطلاح به شیوه های مختلف ولی در مفاهیم مرتبط استفاده کرده است. اغلب با تحقق یافتن ایمان مؤمن همراه بود (به عنوان مثال، اول تیموتائوس ۱: ۱). این می تواند به عنوان شکوه، زندگی ابدی، نجات نهایی، آمدن دوم و غیره بیان شود. تحقق یافتن قطعی است، اما عنصر زمان، آینده بوده و نامشخص است. امید اغلب با "ایمان" و "عشق" همراه بود (مراجعه شود به اول قرنتیان ۱۳: ۱۳؛ اول تسالونیکیان ۱: ۳؛ دوم تسالونیکیان ۲: ۱۶). لیستی از برخی از کاربردهای پولس عبارتند از:

۱. آمدن دوم، غلاطیان ۵: ۵، افسسیان ۱: ۱۸، ۴: ۴، تیتوس ۲: ۱۳
۲. عیسی امید ما است، اول تیموتائوس ۱: ۱ (خدا امید ما است، اول تیموتائوس ۵: ۵، اول پطرس ۳: ۵)
۳. مومن به خدا نشان داده میشود، کولسیان ۱: ۲۲ الی ۲۳، اول تسالونیکیان ۲: ۱۹
۴. امید در بهشت قرار دارد، کولسیان ۱: ۵
۵. اعتماد به انجیل، کولسیان ۱: ۲۳، اول تسالونیکیان ۲: ۱۹
۶. رستگاری نهایی، کولسیان ۱: ۵، اول تسالونیکیان ۴: ۱۳، ۵: ۸
۷. شکوه خدا، رومیان ۵: ۲، دوم قرنتیان ۳: ۱۲، کولسیان ۱: ۲۷
۸. رستگاری کفار توسط مسیح، کولسیان ۱: ۲۷
۹. تضمین رستگاری، اول تسالونیکیان ۵: ۸
۱۰. حیات جاویدان، تیتوس ۱: ۲، ۳: ۷
۱۱. نتایج بلوغ مسیحی، رومیان ۵: ۲ الی ۵
۱۲. رستگاری همه مخلوقات، رومیان ۸: ۲۰ الی ۲۲
۱۳. تصدیق پذیرش، رومیان ۸: ۲۳ الی ۲۵
۱۴. عنوان خدا، رومیان ۱۵: ۱۳
۱۵. اشتیاق پولس برای مومنین، دوم قرنتیان ۱: ۷
۱۶. عهد عتیق به عنوان راهنمایی برای مومنین عهد جدید، رومیان ۱۵: ۴

■ **"به نرمی و با احترام"** اصطلاح اول در مورد زنان (همسران) در اول پطرس ۳: ۴ استفاده شده است، جایی که رفتاری که خدا را خشنود میسازد، توصیف شده است. این نه فقط در روابط میان افراد خانه درست است، بلکه در مورد رابطه میان مومنین با یکدیگر، حتی آنان که آزار و اذیت میکنند درست است (مراجعه شود به دوم تیموتائوس ۲: ۲۵).

اصطلاح دوم اغلب در اول پطرس استفاده شده است و منعکس کننده روز آزار و اذیت و ارباب است (مراجعه شود به اول پطرس ۱: ۱۷، ۲: ۱۷ و ۱۸، ۳: ۲ و ۱۵). ما باید به خدا احترام بگذاریم و به واسطه آن، حتی به اربابان بی ایمان، شوهران و آزار دهندگان احترام بگذاریم، زیرا ما بر قدرت و پادشاهی او شهادت میدهم.

۳: ۱۶ ابهاماتی در خصوص اینکه اول پطرس ۳: ۱۶ از کجا آغاز میشود وجود دارد. NASB و NKJV از اینجا شروع میکنند و UBS⁴، NRSV، TEV، و NJB از یک جمله پیشتر شروع میکنند.

■ **"وجدانتان را پاک نگاه دارید"** این وجه وصفی حال فعال است که به صورت امری استفاده شده.

همتای عهد عتیقی برای اصطلاح یونانی "وجدان" وجود ندارد، مگر این که اصطلاح عبری "افکار" معنی شناخت خود و انگیزه هایش باشد. اصطلاح یونانی به آگاهی مربوط به پنج حس اشاره دارد. از احساسات درونی استفاده میکند (مراجعه شود به رومیان ۲: ۱۵). پولس از این اصطلاح دو بار در دادگاه های خود در اعمال رسولان استفاده می کند (مراجعه شود به اعمال رسولان ۲۳: ۱ و ۲۴: ۱۶). به احساس او مبنی بر اینکه آگاهانه هیچ وظیفه ای را که باید برای انجام دهد، آگاهانه نقض نکرده بود (مراجعه شود به اول قرنتیان ۴: ۴). وجدان بسط درک انگیزه ها و اعمال مومنین بر اساس موارد زیر است:

۱. جهان بینی انجیلی

۲. روح مقیم

۳. آگاهی نسبت به کلام خدا

۴. پذیرش فردی انجیل

پطرس از این عبارت سه مرتبه استفاده کرده است، اول پطرس ۲: ۱۹، ۳: ۱۶ و ۲۱. این دقیقاً همان چیزی است که قانون گرائی دینی نمی تواند ارائه

دهد، اما انجیل می تواند.

■ "تا کسانی که رفتار نیک شما را در مسیح بد می گویند، از بدگویی خویش شرمسار شوند" به یادداشت مربوط به اول پطرس ۲: ۱۲ و ۲: ۱۵ مراجعه کنید.

۳: ۱۷ " زیرا اگر خواست خدا باشد " این جمله شرطی نادر نوع چهارم همانند اول پطرس ۳: ۱۴ است. پطرس مرتب در مورد احتمال رنج و محاکمه مومنین صحبت میکند، ولی نه در مورد یقین بودن آن (مراجعه شود به اول پطرس ۱: ۶، ۲: ۱۵، ۳: ۱۷، ۴: ۱۴).

۳: ۱۸ الی ۲۲ Richard N. Longenecker در *Biblical Exegesis In the Apostolic Period* صفحات ۶۹ و ۱۷۲ تصریح میکند که این آیات مربوط به سرودهای زمان تعمید هستند. Grant Osborne در *The Hermeneutical Spiral* فکر میکند که فقط اول پطرس ۳: ۱۸ شعر است (هیچکدام از ترجمه های استفاده شده در این تفسیر آن را به صورت شعر منتشر نکرده اند). اگر این سرود یا شعر باشد، پس نباید در بحث دکترین مورد استفاده یا مرجع قرار گیرد.

۳: ۱۸ " زیرا مسیح نیز یک بار برای گناهان رنج کشید " (در متن انگلیسی این آیه " زیرا مسیح برای گناهان مرد " نوشته شده است- مترجم) این عبارت در نسخه Septuagint برای "دادن گناهان" استفاده شده است (مراجعه شود به لایوان ۵: ۷، ۶: ۳۰، اشعیا ۵۳: ۲، دوم قرتیان ۵: ۲۱). این عبارت از مرگ عیسی به عنوان جانشین همانند ۲: ۲۲ الی ۲۴ صحبت میکند.

دو بخش این عبارت در نسخ یونانی تفاوت دارند.

۱. "مسیح مرد" (مراجعه شود به NJB، TEV، NASB). این در نسخ دستنویس یونانی P⁷²، A، B و C یافت میشود. سایر نسخ دستنویس یونیکال یونانی "رنج کشید" (NRSV، NKJV، یعنی MSS B، K و P) نوشته شده است. "رنج کشید" هم با متن و با ادبیات نگارشی پطرس همخوانی دارد (او اصطلاح "رنج کشید" را یازده مرتبه استفاده کرده است)، ولی اگر ما به خواهیم به ریشه بنگریم، چرا یک کاتب باید آن را به "مرد" تغییر دهد؟

۲. "برای گناهان". هفت نگارش متفاوت در مورد این بخش از آیه وجود دارد. در بیشتر آنها "برای ما" یا "از طرف ما" آمده است. مشکل اینجاست که پیشوند یونانی *peri* در رابطه با گناه استفاده شده تا *hyper* که انتظار آن می رود.

■ "یک بار برای" این بحث کتاب عبرانیان است (مراجعه شود به رومیان ۶: ۱۰، عبرانیان ۷: ۱۷، ۹: ۱۲ و ۱۸ و ۲۶ و ۲۸، ۱۰: ۱۰). مسیح یک قربانی کامل و موثر برای یکبار قربانی شده به خاطر گناهان بود.

■ "پارسایی برای بدکاران" (در نسخه انگلیسی "عدالت برای بی عدالتی" نوشته شده است- مترجم) این ممکن است اشاره ای به اشعیا ۵۳: ۱۱ الی ۱۲ باشد و میتواند به "پارسایی برای غیر پارسیان" ترجمه شود (مراجعه شود به NRSV). "آن پارسا" میتواند عنوانی برای عیسی در کلیسای اولیه باشد (مراجعه شود به اعمال رسولان ۳: ۱۴، ۷: ۵۲، اول یوحنا ۲: ۱ و ۲۹، ۳: ۷). این بر زندگی به دور از گناه او تاکید دارد (مراجعه شود به اول پطرس ۱: ۱۹، ۲: ۲۲) که آن را به خاطر گناهان ما داد (مراجعه شود به اول پطرس ۲: ۲۴).

■ "تا" این عبارت یک بند هدف (*hina*) است.

■ "شما را نزد خدا بیاورد" (در متن انگلیسی بجای "شما"، "ما نوشته شده است- مترجم) این اشاره به "دسترسی" یا "آشنایی" با خدا باشد (مراجعه شود به رومیان ۵: ۲، افسسیان ۲: ۱۸، ۳: ۱۲). مرگ عیسی رابطه با خدا را که در زمان سقوط و گمراهی از بین رفته بود احیا کرد. تصویر خدا در نوع بشر از طریق مسیح احیا میشود. مومنین امکان رابطه صمیمانه با خدا، همانطور که آدم و حوا در بهشت قبل از سقوط در کتاب پیدایش ۳ تجربه کرده بودند، را میتوانند تجربه کنند.

■ "او در عرصه جسم کشته شد، اما در عرصه روح، زنده گشت" تضادی میان کالبد فیزیکی عیسی (مراجعه شد به اول پطرس ۴: ۱) و زندگی روحانی او وجود دارد (مراجعه شود به اول پطرس ۴: ۶، اول قرتیان ۱۵: ۴۵). همین حقیقت ممکن است در اشعار و سرودهای اولیه که در اول تیموتائوس ۳: ۱۶ ثبت شده اند، منعکس شده باشند.

هر دوی این عبارات وجه وصفی آئوریست مجهول هستند، که دلالت بر یک رخداد تاریخی دارند (مصلوب شدن و قیام از مردگان، مراجعه شود به رومیان ۱: ۳ الی ۴) که توسط یک عامل خارجی (یعنی پدر یا روح القدس) صورت گرفته اند. در این عبارت به سختی میتوان تصمیم گرفت که آیا "روح" (*spirit*) اسم خاص است (یعنی حرف اول بزرگ باید باشد که در اینصورت منظور روح القدس یا Holy Spirit است) یا نه (یعنی روح انسانی عیسی). من دومی را ترجیح میدهم (همانند A. T. Robertson) ولی F. F. Bruce اولی را ترجیح میدهد.

■ "به اعلام کرد" این اصطلاح یونانی *kērussō* است که به معنی اعلام کردن در ملا عام میباشد. در متن مربوطه، ۴: ۶، فعل *euangelizō* انحصاراً اشاره به موعظه کردن خبر خوش (انجیل) دارد. مشخص نیست که آیا باید تمایزی میان این دو اصطلاح در متن قائل شد یا نه (مراجعه شود به انجیل مرقس ۵: ۲۰، انجیل لوقا ۹: ۶۰، که *kērussō* برای اعلام خبر خوش (انجیل) استفاده شده است). من فکر میکنم که آنها مترادف یکدیگر باشند.

■ "روح" دو نظریه در این مورد وجود دارد: (۱) مردگان (مراجعه شود به ۴: ۶، عبرانیان ۱۲: ۲۳) یا (۲) فرشتگان پلید (کتاب پیدایش ۶، دوم پطرس ۲: ۴ الی ۵، یهودا ۶، اول انوش). در عهد عتیق به انسانها به عنوان روح و بدون مشخص کردن سایر ویژگیها اشاره نشده است (مراجعه شود به Answers To Questions اثر F. F. Bruce، صفحه ۱۲۸).

■ "در قرارگاه خود به سر می‌بردند" (در نسخه انگلیسی "اینک در زندان به سر می‌برند" نوشته شده-مترجم) در متن چندین مورد وجود دارد که باید به نوعی با یکدیگر مرتبط شوند تا بتوان مشخص کرد منظور پطرس چه بوده است:

۱. عیسی "در روح" بوده است (اول پطرس ۳: ۱۸)
 ۲. عیسی برای ارواحی موعظه میکرد که در زندان بوده اند (اول پطرس ۳: ۱۹)
- وقتی که تمامی اینها با یکدیگر مقایسه شوند، به نظر میرسد پیامی به فرشتگان سقوط کرده کتاب پیدایش ۶ یا انسانهای روزگار نوح که غرق شدند، تنها گزینه‌های متنی باشند. روزگار نوح همچنین در دوم پطرس ۲: ۴ الی ۵ همراه با سدوم و غموره (مراجعه شود به دوم پطرس ۲: ۶) ذکر شده اند. در یهودیه، فرشتگان یاغی (مراجعه شود به یهودا ۶) و سدوم و غموره (مراجعه شود به یهودا ۷) هم به یکدیگر مرتبط هستند.
- از متن طولانیتر مشخص نیست که چرا پطرس حتی این موضوع را مطرح میکند مگر اینکه از سیل به عنوان نا تعمید استفاده کرده باشد (یعنی از طریق آب نجات یافته باشند، مراجعه شود به اول پطرس ۳: ۲۰).

آیا دو نکته مجادله برانگیز در تفسیر و ترجمه این متن (۱) کی/چه زمانی و (۲) محتوای موثله مسیح هستند؟

۱. مسیحی که از قبل از پیدایش وجود داشت از طریق نوح (مراجعه شود به اول پطرس ۱: ۱۱ جایی که روح القدس مسیح از طریق نویسندگان عهد عتیق موعظه میکند) بر مردم روزگار خود موعظه میکند، و اینک زندانی هستند (آگوستین)
۲. مسیح در بین فاصله زمانی مرگ و قیام از مردگان برای مردم زندانی روزگار نوح اینها را موعظه میکند

a. محکومیت

b. رستگاری برای آنان (کلمنت آگوستین)

c. چیزهای خوب برای نوح و خانواده (در بهشت) در برابر آنان (در تارتاروس)

۳. مسیح در میانه مرگ و قیام از مردگان بر اینها موعظه میکند

a. فرشتگانی که زنان انسانی را میبردند و با آنان صاحب فرزند میشدند (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۶: ۱ الی ۲)

b. نیمه فرشته نیمه انسانهای کتاب پیدایش ۶: ۴ (موضوع خاص مربوط به کتاب پیدایش ۶ را در سایت www.freebiblecommentary.org مطالعه کنید). محتوای پیام داوری آنان و پیروزی وی بود. اول انوش میگوید این نیمه فرشته/نیمه انسانها شیاطین عهد جدید هستند.

۴. مسیح به عنوان مسیح فاتح در بهشت صعود می‌کند (یعنی سطوح عرفان یا هفت بهشت ربی‌ها، مراجعه شود به اول پطرس ۳: ۲۲، افسسیان ۴: ۹). دوم انوش ۷: ۱ الی ۵ می‌گوید که فرشتگان سقوط کرده در بهشت دوم زندانی شدند. او، با عملش، پیروزی خود را بر قلمرو فرشتگان اعلام کرد (یعنی تمامی مخالفت‌های روحانی، مراجعه شود به *Jerome Bible Commentary* صفحه ۳۶۷). من این گزینه را دوست دارم چون در این متن بهترین است.

موضوع خاص: مردگان، کجا هستند؟

۳: ۲۰ "خدا..... با شکیبایی انتظار می‌کشید" این ترکیبی از *mēkos* (به معنی فاصله، از راه دور) و *thumos* (به معنی خشم) است. این زمان غیر کامل میانی اخباری است که دلالت بر این دارد که خدا خود دوباره و دوباره صبر میکند. رنج دراز مدت خدا کندی در انتقام، محبت صبورانه، مشخصه او در رابطه با انسانهای یاغی است (مراجعه شود به اول پطرس ۳: ۲۰، کتاب خروج ۳۴: ۶، نحمیا ۹: ۱۶ الی ۲۳، مزامیر ۱۰۳: ۸ الی ۱۴، یوئیل ۲: ۱۳، میکاه ۶: ۱۸ الی ۲۰، دوم پطرس ۳: ۱۵، رومیان ۲: ۴، ۹: ۲۲). این شخصیت خداگونه همچنین در فرزندانش هویدا است (مراجعه شود به دوم قرنتیان ۶: ۶، غلاطیان ۵: ۲۲، افسسیان ۴: ۲، کولسیان ۱: ۱۱، ۳: ۱۲، اول تیموتائوس ۱: ۱۶، دوم تیموتائوس ۳: ۱۰، ۴: ۲).

در نوشته‌های پطرس خدا اینگونه نشان داده شده که صبورانه منتظر است و داوری خود را نگاه میدارد تا شاید مردم نجات یابند.

۱. او در روزگار نوح صبر کرد، اول پطرس ۳: ۲۰

۲. او آمدن دوم را به تاخیر انداخت، دوم پطرس ۳: ۹

خدا میخواهد که تمامی مردم نجات یابند (مراجعه شود به دوم پطرس ۳: ۹ و ۱۵)!

■ "در ایام گذشته نافرمانی کرده بودند،..... نوح" به نظر میرسد که این به فرشتگان کتاب پیدایش ۶ (مراجعه شود به دوم پطرس ۲: ۴ الی ۵، یهودا ۶) و یا انسانهای بی ایمان روزگار نوح اشاره داشته باشد.

■ "به واسطه آب نجات یافتند" از نظر متنی چنین به نظر میرسد که پطرس مسئله تاریخی نوح و سیل را به عنوان راهی برای صحبت کردن در مورد نجات (نجات فیزیکی عهد عتیق در برابر رستگاری روحانی عهد جدید) یافتن از طریق آب مطرح کرده باشد (یعنی سیل عهد عتیق در کتاب پیدایش ۶ الی ۹ در

برابر تعمیم مسیحی). اگر اول انوش زمینه باشد، پس نوح و خانواده اش (یعنی تمامی نوع بشر) با آب سیل از شیطان نجات و نژاد مخلوط انسانها و فرشتگان یافتند.

۲۱:۳

NASB	"مربوط به آن"
NKJV	"نوع دیگری وجود ندارد"
NRSV	"که از پیش ترسیم شده است"
TEV	"که نمادی است اشاره میکند به"
NJB	"مربوط به این"

این اصطلاح یونانی *antitupon* است که ترکیبی از *anti* (بر ضد یا در رابطه با) و *tupos* (به معنی تصویر یا کپی) میباشد. این تنها مثال از کاربرد صفتی این اصطلاح در عهد جدید است، ولی حالت اسم آن در عبرانیان ۹: ۲۴ دیده میشود. این عبارت ماهیت مراجع نمادین و واژه ای پطرس را نشان میدهد.

■ "تعمید" برای هر کس در کلیسای اولیه فرصتی برای اقرار عمومی (یا اعتراف) بود. تعمیم مکانیزمی برای رستگاری نبود/نیست، ولی فرصتی برای تصریح کلامی ایمان است. به خاطر داشته باشید کلیساهای اولیه ساختمانی نداشتند و به دلیل آزار و اذیت در خانه ها یا مکانهای پنهانی گرد هم می آمدند.

بسیاری از مفسرین تصریح کرده اند که اول پطرس یک موعظه مربوط به زمان تعمیم است. هر چند این ممکن است، ولی تنها گزینه نیست. این درست است که اغلب پطرس از تعمیم به عنوان یک عمل مهم از روی ایمان استفاده میکرد (مراجعه شود به اعمال رسولان ۲: ۳۸ و ۴۱، ۱۰: ۴۷). با این حال، این رویداد یک رویداد مقدس نیست، بلکه یک رویداد اعتقادی است که نماد مرگ، دفن و رستاخیز است که مؤمن با تجربه شخصی مسیح را اقرار میکند (مراجعه شود به رومیان ۶: ۷ الی ۹، کولسیان ۲: ۱۲). عمل نمادین است، نه مقدس، عمل فرصتی برای اقرار است، نه مکانیزمی برای رستگاری.

■ "شما را نجات می بخشد" این اصطلاح بیشتر در عهد عتیق برای رهایی فیزیکی استفاده شده است، ولی بیشتر در عهد جدید برای رهایی روحانی و معنوی استفاده شده. در این متن آزار و شکنجه، بدیهی است که هر دو مفهوم دلالت دارند.

■ "بلکه تعهد وجدانی پاک است به خدا" این نشان میدهد که مراسم تعمیم نیست که نجات میدهد، بلکه گرایش فرد به سوی خدا است (مراجعه شود به اول پطرس ۳: ۱۶). با این حال، من اضافه میکنم که تعمیم یک گزینه نیست بلکه (۱) مثالی است که توسط عیسی داده شده (مراجعه شود به انجیل متی ۳: ۱۳ الی ۱۷، انجیل مرقس ۱: ۹ الی ۱۱، انجیل لوقا ۳: ۲۱ الی ۲۲، انجیل یوحنا ۱: ۳۱ الی ۳۴ و (۲) دستوری از جانب عیسی است (مراجعه شود به انجیل متی ۲۸: ۱۹) برای تمامی مومنین. عهد جدید چیزی در مورد مومنین تعمیم نگرفته نمیداند. در عهد جدید تعمیم بطور جدا ناشدنی در رابطه با اقرار به ایمان فرد است.

■ "به واسطه رستاخیز عیسی مسیح" این نشان میدهد که اساس رستگاری در قیام عیسی از مردگان است (مراجعه شود به رومیان ۱: ۴ الی ۵)، نه تعمیم گرفتن ما. این خط فکری به وضوح در رومیان ۶: ۳ الی ۴ دیده میشود. تعمیم با توافق، با غوطه وری مرگ، دفن و قیام را نمادین میسازد. در واقعیت حالت آنقدر اهمیت ندارد که قلب فرد اهمیت دارد.

۲۲: ۳ "همان که به دست راست است" این یک استعاره انسانی از اقتدار، قدرت و ابهت است (مراجعه شود به اول یوحنا ۲: ۱). این تصویر در مزامیر ۱۱۰: ۱ ترسیم شده است.

انجیل از زبان انسانی برای توصیف اشخاص، مکانها و رخدادهای ماوراالطبیعی استفاده میکند. بدیهی است که نمادین، قیاسی و استعاره ای باشد. همچنین قادر است تا واقعیت را منتقل کند ولی با محدودیت (محدودیتهای (۱) سطح درک ما انسانهای گمراه و (۲) مشخصه های فیزیکی، محدود به زمان و فرهنگی). مناسب هست ولی غایت نیست.

■ "فرشتگان و ریاستها و قدرتها مطیعش گشته اند" به نظر می رسد که این بخش به درجه و رتبه بندی فرشتگان اشاره داشته باشد (مراجعه شود به رومیان ۸: ۳۸ الی ۳۹، اول قرنتیان ۱۵: ۲۴، افسسیان ۱: ۲۰ الی ۲۱، ۶: ۱۲، کولسیان ۲: ۱۵، اول انوش). این بخش اقتدار و قدرت کامل عیسی را بر قلمروی معنویت نشان میدهد.

هر چند اول پطرس به طور مستقیم عرفان را مورد خطاب قرار نمیدهد، از سایر نوشته های عهد جدید (کولسیان، افسسیان، اول تیموتائوس، تیتوس و اول یوحنا) واضح است که متن فرهنگی قرن اول جهان روم و یونان تحت تاثیر این تفکر فلسفی قرار داشتند. در قرن دوم عرفان (و متون Nag Hammadi) اصطلاح یونانی *pleroma* (کامل/پر) اغلب توسط پولس استفاده میشد و به "کامل بودن خدا"، سطوح فرشتگان (aeons، احتمالا هفت بهشت یهود) میان خدای والای خوب و خدایان پائینتر اشاره داشت. عیسی کلید بهشت است، نه یک رمز مخفی یا دانشی مرتبط با این موجودات فرشته ای/شیطانی. حتی اگر عرفان aeon نقطه تمرکز متن نباشد به نظر میرسد که فرشتگان باشند. این دلالت بر این دارد که "ارواح زندانی" اشاره به فرشتگان نافرمان که

زنان انسانی را برای تولید مثل با خود آوردند داشته باشد (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۶: ۱ الی ۴).
موضوع خاص: عرفان (از کلمه یونانی gnosis، به معنی دانش و آگاهی، مراجعه شود به اول تیموتائوس ۶: ۲۰)

سوالاتی برای بحث

این یک راهنمای مطالعاتی است، که بدین معنی است که شما خودتان مسئول تفسیر انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر خودمان گام برداریم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. شما نباید این امر را به یک مفسر واگذار کنید.
این سوالات مباحثاتی به منظور کمک به شما در تفکر نسبت به مسائل اصلی این بخش از کتاب مطرح شده اند. آنها صرفاً تفکر برانگیز هستند نه قطعی.

۱. آیا نویسندگان عهد جدید مردان شوونیست بودند؟
۲. زنان چگونه باید لباس بپوشند؟ (نوار شماره ۱۳۳۷ من تحت عنوان "A Theology of Christian Dress")
۳. چگونه روابط خانوادگی ما میتواند بر دعاهایمان تاثیر گذارد؟
۴. مشخصه هایی باید راهنمای ما در روابط اجتماعی باشند را فهرست کنید
۵. چرا مسیحیان رنج میبرند؟
۶. آیا هر مسیحی باید شهادت کلامی بدهد؟
۷. ارواح زندانی چه کسانی هستند؟
۸. آیا تعمید ما را نجات میدهد؟ (نوار شماره ۱۹۶۲ من تحت عنوان Baptismal Regeneration)

اول پطرس ۴

پاراگراف‌های ترجمه‌های مدرن

UBS ⁴	NKJV	NRSV	TEV	NJB
مباشترین خوب فضل خدا	رنج های مسیح و ما	وظایف مسیحیان	زندگی های تغییر یافته	با گناه خرد شدن
۶: ۱ الی ۴	(۳: ۱۸ الی ۴: ۶)	(۲: ۱۱ الی ۴: ۱۱)	۶: ۱ الی ۴	۶: ۱ الی ۴
	خدمت جهت شکوه خدا		مدیران خوب هدایای خدا	مکاشفه مسیح نزدیک است
۷: ۱ الی ۱۱	۷: ۱ الی ۱۱	۷: ۱ الی ۱۱	۷: ۱ الی ۱۱	۷: ۱ الی ۱۱
رنج کشیدن به عنوان یک مسیحی	رنج کشیدن به خاطر شکوه خدا	تکرار رؤوس مطالب	رنج کشیدن به عنوان مسیحی	رنج کشیدن به خاطر مسیح
۴: ۱۲ الی ۱۹	۴: ۱۲ الی ۱۹	۴: ۱۲ الی ۱۹	۴: ۱۲ الی ۱۹	۴: ۱۲ الی ۱۹

* تقسیم‌بندی پاراگرافها، تحت تاثیر الهام صورت نگرفته، بلکه کلید درک مطلب و دنبال کردن عزم اولیه نویسنده می‌باشند. هر ترجمه جدید، پاراگراف‌ها را تقسیم و خلاصه کرده است. هر پاراگراف شامل یک موضوع مرکزی، حقیقت یا تفکری است. هر نسخه این موضوع را به شیوه‌ای متمایز به کار می‌گیرد. همانطور که متن را می‌خوانید، از خودتان سوال کنید که کدام ترجمه متناسب با درک شما از موضوع و تقسیم بندی آیه است. در هر فصل ما ابتدا باید کتاب مقدس را بخوانیم و سعی کنیم موضوعات آن (پاراگرافها) را شناسایی کنیم، سپس درک خود با نسخه‌های جدید را مقایسه کنیم. تنها وقتی می‌توانیم هدف اصلی نویسندگان را دریابیم که با پیروی از منطق و نحوه ارائه آن، بتوانیم واقعا کتاب مقدس را درک کنیم. فقط نویسنده اصلی الهام گرفته است - خوانندگان حق ندارند پیام را تغییر داده یا اصلاح کنند. خوانندگان کتاب مقدس مسئولیت اعمال حقیقت الهام گرفته را روزانه و در طول زندگی دارند. توجه داشته باشید که تمام اصطلاحات فنی و اختصارات به طور کامل در اسناد زیر توضیح داده شده است: انتقادات متنی و واژه‌نامه.

مطالعه حلقه سوم (رجوع کنید به "راهنمای مطالعه مفید انجیل")

به دنبال نیت اصلی نویسنده در سطوح پاراگراف

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید. کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص نمایید (مطالعه حلقه شماره ۳). تقسیمات موضوعی خود را با پنج ترجمه بالا مقایسه کنید. پاراگراف‌بندی به نویسنده الهام نشده است، اما کلید پیگیری اهداف اصلی نویسنده است که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول

۲. پاراگراف دوم

۳. پاراگراف سوم و غیره

مطالعه کلمات و عبارات

NASB: اول پطرس ۴: ۱ الی ۶

^۱ پس چون مسیح در عرصه جسم رنج کشید، شما نیز به همین عزم مسلح شوید، زیرا آن کس را که در عرصه جسم رنج کشیده، دیگر با گناه کاری نیست. ^۲ در نتیجه باقی عمر را در جسم، نه در خدمت امیال پلید بشری، بلکه در راه انجام اراده خدا می‌گذرانند. ^۳ چرا که در گذشته به قدر کافی عمر خویش را در به عمل آوردن آنچه اقوام خدانشناس دوست می‌دارند، صرف کرده و روزگار به هرزگی و شهوت‌رانی و میخوارگی و عیش و نوش و بت‌پرستی نفرت‌انگیز گذرانده‌اید. ^۴ از همین رو، اکنون که در این بی‌بندوباری‌های مفرط با ایشان شریک نمی‌شوید، حیرانند و دشنامتان می‌دهند. ^۵ اما به او که آماده است تا بر زندگان و مردگان داوری کند، حساب پس خواهند داد. ^۶ از همین روست که حتی به آنان که اکنون مرده‌اند، بشارت داده شد تا هرچند در عرصه جسم نزد آدمیان محکوم شدند، اما در عرصه روح نزد خدا زیست کنند.

۴: ۱ "پس" این متن قبلی را به متن ادامه مرتبط میکند.

■ "مسیح در عرصه جسم رنج کشید" این در رابطه با ۳: ۱۸ است. جسم اشاره به زندگی فیزیکی عیسی دارد. او واقعا یکی از ما بود (یعنی انسان). او بجای ما مرد (مراجعه شود به اول پطرس ۴: ۱۸، اشعیا ۵۳، انجیل مرقس ۱۰: ۴۵، دوم قرنتیان ۵: ۲۱). اول پطرس بر رنج کشیدن عیسی تاکید میکند (مراجعه شود به اول پطرس ۲: ۲۱ و ۲۳، ۳: ۱۸، ۴: ۱) و واقعیت رنج کشیدن پیروانش زیرا آنها پیروان او هستند (مراجعه شود به اول پطرس ۲: ۱۹ الی ۲۰، ۳: ۱۴ و ۱۷، ۴: ۱۵ و ۱۹، ۵: ۱۰).

ماهیت رنج جایگزینی عیسی که در اول پطرس ۳: ۱۸ و ۲: ۲۱ ذکر شده، در چندین نسخه دستنویس یونانی با اضافه کردن "به خاطر شما رنج کشید" (یعنی R) یا "به خاطر ما" (یعنی K، A، P) برجسته شده است. علاوه بر این، همین نوع ضمیر مشخص کننده نیز در اول پطرس ۴: ۳ دیده می شود. کاتبین و علمای کلیسای اولیه تلاش میکردند که متون خود را روشن و واضح سازند.

■ "شما نیز به همین عزم مسلح شوید" این آئوریست میانی امری است. "مسلح شوید" یک اصطلاح نظامی برای مسلح ساختن خود جهت جنگیدن است. یک تضاد روحانی و معنوی در زندگی روزانه ما وجود دارد (مراجعه شود به افسسیان ۶: ۱۰ الی ۲۰، رومیان ۱۳: ۱۲، اول تسالونیکیان ۵: ۸).

■ "به همین عزم" نگرش عیسی نسبت به رنج، از جمله رنج کشیدن بی گناهان، این است که برای جهان گمراه که به سوی خدا میروند معمول است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۵: ۲۰، رومیان ۸: ۱۷، فیلیپیان ۱: ۲۹، دوم تیموتائوس ۳: ۱۲، اول پطرس ۴: ۱۲ الی ۱۹).

■ "زیرا آن کس را که در عرصه جسم رنج کشیده، دیگر با گناه کاری نیست" بسته به حالت دستور زبانی، این عبارت را به چندین شیوه میتوان ترجمه و تفسیر کرد. مسیح سرمشق ما در رنج کشیدن یک فرد بی گناه و معصوم است، حتی به صورت نیابتی (وجه وصفی آئوریست فعال). مومنین اینک رنج می کشند زیرا به واسطه او و مطیع او شناخته میشوند.

فعل اصلی میتواند یا میانی (A. T. Robertson's *Word Pictures of the New Testament*، صفحه ۱۲۱) یا مجهول (Moulton's *Analytical Greek Lexicon and Barbara and Tim Friberg's Analytical Greek New Testament*) باشد. اگر میانی باشد، مومنین را تشویق میکند که به عنوان پیروان مسیح گناه نکنند. اگر مجهول باشد، تاکید بر این واقعیت روحانی دارد که مومنین از قدرت گناه دور شده اند.

مرگ رابطه فرد با گناه را قطع میکند. این میتوانند به مفهوم الهیاتی رومیان ۶ مرتبط باشد. مرگ زندگی قدیمی امکان خدمت کردن به خدا را فراهم میسازد (مراجعه شود به رومیان ۶: ۲ و ۶ و ۷) یا تعمیم به صورت نمادین زندگی جدیدی را به فرد میدهد (مراجعه شود به رومیان ۶: ۴، کولسیان ۲: ۱۲).

کل نکته در اینجا است که همانطور مومنین از مثال رنج کشیدن عیسی پیروی میکنند، همینطور هم از غلبه او بر گناه بهره میبرند. با ایمان به مسیح ما موجودات جدیدی هستیم. ما باید همانند او زندگی کنیم. همانند مسیح بودن خواست خدا است (مراجعه شود به رومیان ۸: ۲۸ الی ۲۹، دوم قرنتیان ۳: ۱۸، ۱: ۷، ۱: ۱۸، ۱: ۴، ۱: ۴، ۱: ۱۳، اول تسالونیکیان ۳: ۱۳، ۴: ۴، ۷، ۵: ۲۳، اول پطرس ۱: ۱۵). این امر منعکس کننده آن است که تصویر خدا که با گمراهی و سقوط انسان (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۳) از بین رفته بود، با ایمان به مسیح مجدداً و به طور کامل احیا شده است. مجدداً، مسیحیان حق انتخاب دارند که چگونه زندگی کنند. همگام با او گام برمیدارند.

۴: ۲ "در نتیجه باقی عمر را در جسم، نه در خدمت امیال پلید بشری" این منعکس کننده همان حقیقت الهیاتی رومیان ۶ است. مومنین در گناه میمیرند و اینک برای خدمت به خدا زندگی میکنند (مراجعه شود به رومیان ۶: ۲۰). آنان دیگر برده گناه نیستند. این مشخصه مشهود آنان است.

■ "بلکه در راه انجام اراده خدا می گذرانند" موضوع خاص: اراده و قداست خدا در بخش مربوط به اول پطرس ۲: ۱۵ را مطالعه کنید.

۴: ۳ این آیه زندگی کفر آمیز قبلی خوانندگان را محکوم میکند. این یکی از آیاتی است که باعث میشوند مفسرین تصریح کنند کلیساهایی که پطرس خطاب به آنان می نوشته مربوط به جوامع غیر یهودی است. جامعه کفار بسیار بی اخلاق بودند، حتی در انجام عبادت. مسیحیت باید یک تغییر قابل توجه و تغییر اساسی در این عادات زندگی ایجاد کند. این تغییر اغلب نقطه آغاز آزار و اذیت توسط دیگر کفار است. گناه به شریک نیاز دارد.

پس از کلمه آغازین "چرا"، برخی متون یونانی "شما" و بقیه "ما" را اضافه کرده اند. اینها هر دو اضافات علما و کاتبین هستند که تلاش میکردند عبارات نگارنده را واضح سازند.

موضوع خاص: فساد و تقوا در عهد جدید

(SPECIAL TOPIC: VICES AND VIRTUES IN THE NT)

هم فهرست تقواها و هم فهرست گناهان در عهد جدید یکسان هستند. اغلب آنها منعکس کننده فهرستهای فرهنگی و ربی هستند. فهرستهای عهد عتیق که مشخصه های متضاد آنها را بیان میدارد به شرح زیر است:

تقواها	فسادها	
----	رومیان ۱: ۲۸ الی ۳۲	۱. پولس
رومیان ۱۲: ۹ الی ۲۱	رومیان ۱۳: ۱۳	
---	اول قرنطیان ۵: ۹ الی ۱۱	
اول قرنطیان ۶: ۶ الی ۹	اول قرنطیان ۶: ۱۰	
دوم قرنطیان ۶: ۴ الی ۱۰	دوم قرنطیان ۱۲: ۲۰	
غلاطیان ۵: ۲۲ الی ۲۳	غلاطیان ۵: ۱۹ الی ۲۱	
---	افسیسیان ۴: ۲۵ الی ۳۲	
---	افسیسیان ۵: ۳ الی ۵	
فیلیپیان ۴: ۸ الی ۹	---	
کولسیان ۳: ۱۲ الی ۱۴	کولسیان ۳: ۵ و ۸	
---	اول تیموتائوس ۱: ۹ الی ۱۰	
---	اول تیموتائوس ۶: ۴ الی ۵	
دوم تیموتائوس ۲: ۲۲ ب و ۲۴	دوم تیموتائوس ۲: ۲۲ الف و ۲۳	
تیتوس ۱: ۸ الی ۹ و ۳: ۱ الی ۲	تیتوس ۱: ۷ و ۳: ۳	
یعقوب ۳: ۱۷ الی ۱۸	یعقوب ۳: ۱۵ الی ۱۶	۲. یعقوب
اول پطرس ۴: ۷ الی ۱۱	اول پطرس ۴: ۳	۳. پطرس
دوم پطرس ۱: ۵ الی ۸	دوم پطرس ۱: ۹	
---	مکاشفه ۲۱: ۸، ۲۲: ۱۵	۴. یوحنا

■ "که در گذشته عمر خویش را صرف کرده" این زمان کامل میانی است. بی ایمانان تعدما و دائما در مسیر گناه گام بر میداشتند.

NASB "حساسیت"

NKJV, NRSV "مجازات"

TEV "ناراحتی"

NJB "رفتار خجالت آور"

این اصطلاح دلالت بر فقدان کامل خویشتنداری، مصمم در نقض آداب اجتماعی، به خصوص در زمینه های جنسی دارد (مراجعه شود به انجیل مرقس ۷: ۲۲، رومیان ۱۳: ۱۳، دوم قرنطیان ۱۲: ۲۱، غلاطیان ۵: ۱۹، افسسیان ۴: ۱۹، اول پطرس ۴: ۳، دوم پطرس ۲: ۷ و ۱۸، یهودا ۶).

■ "امیال" این اصطلاح یعنی اشتیاق قوی به چیزی و یا کسی داشتن. شدت آن می تواند مثبت باشد (مراجعه شود به انجیل لوقا ۲۲: ۱۵، اول تیموتائوس ۲: ۱، اول پطرس ۱: ۱۲)، ولی معمولا منفی هستند (مراجعه شود به اول پطرس ۱: ۱۴، ۲: ۱۱، ۴: ۲ و ۳، دوم پطرس ۱: ۴، ۲: ۱۰ و ۱۸، ۳: ۳، انجیل مرقس ۴: ۱۹).

■ "میخوارگی" این یک اصطلاح مرکب است که فقط در اینجا در عهد عتیق در مورد "شراب" (*oinos*) و "مستی" (*phluō*) یافت میشود. در دوران باستان به صورت مستمر شراب مینوشیدند، همانطور که عیسی مینوشید (مراجعه شود به انجیل متی ۱۱: ۱۸ الی ۱۹) و در کلیسای اولیه مینوشیدند. زیاده روی در آن است که محکوم میشود (مراجعه شود به جامعه ۲۳: ۲۹ الی ۳۵، رومیان ۱۳: ۱۳، غلاطیان ۵: ۲۱).

موضوع خاص: گرایش انجیل نسبت به الکل و سو استفاده از الکل

(SPECIAL TOPIC: BIBLICAL ATTITUDES TOWARD ALCOHOL AND ALCOHOLISM)

۱. اصطلاحات انجیلی

a. عهد عتیق

- i. *Yayin*، این اصطلاح کلی برای شراب است (BDB 406, KB 409)، که ۱۴۱ مرتبه تکرار شده است. ریشه‌یابی این اصطلاح نامشخص است زیرا ریشه آن عبری نیست. همیشه معنی آن آب میوه (معمولا انگور) تخمیر شده است. برخی متونی که این اصطلاح در آنجا استفاده شده عبارتند از: پیدایش ۹:۲۱، خروج ۲۹:۴۰، اعداد ۵:۱۵ و ۱۰.
- ii. *Tirosh* این اصطلاح یعنی "شراب تازه" (BDB 440, KB 1727). به واسطه شرایط آب و هوایی در خاور نزدیک، تخمیر از شش ساعت پس از گرفتن آب میوه شروع می‌شود. این اصطلاح به شرابی اشاره می‌کند در حین انجام فرایند تخمیر است. برخی از متونی که این اصطلاح در آنجا استفاده شده عبارتند از: تثنیه ۱۷:۱۲، ۱۸:۴، اشعیا ۸:۶۲ الی ۹، یوشع ۱۱:۴).
- iii. *Asis*، بدیهی است که این نوشیدنی الکی است ("شراب شیرین"، BDB 1016, KB 1500، مثلا یوئیل ۵:۱، اشعیا ۴۹:۲۶).
- iv. *Sekar*، این اصطلاح یعنی "نوشیدنی قوی". ریشه عبری این اصطلاح در اصطلاح "مست" یا "می‌خواره" استفاده شده است. چیزی به آن اضافه شده تا بیشتر مست کند. این اصطلاح همسو با *yayin* است (مراجعه شود به امثال ۱:۲۰، ۳۱:۶، اشعیا ۲۸:۷).

b. عهد جدید

- i. *Oinos*، معادل یونانی *yayin*
- ii. *Neos oinos*، (شراب تازه)، معادل یونانی برای *Tirosh*، (مراجعه شود به انجیل مرقس ۲:۲۲)
- iii. *Gleuchos vinos*، (شراب شیرین، *asis*)، شرابی که در مراحل اولیه تخمیر است (مراجعه شود به اعمال رسولان ۲:۱۳)

۲. استفاده انجیلی

a. عهد عتیق

- i. شراب هدیه خداست (پیدایش ۲۷:۲۸، مزبور ۱۴:۱۰۴ الی ۱۵، امثال ۹:۷، یوشع ۸:۲ الی ۹، یوئیل ۲:۱۹ و ۲۴، عاموس ۹:۱۳، زکریا ۷:۱۰)
- ii. شراب یکی از تقدیمی‌های مراسم قربانی کردن است (خروج ۲۹:۴۰، لاویان ۱۳:۲۳، اعداد ۷:۱۵ و ۱۰، ۲۸:۱۴، تثنیه ۲۶:۱۴، داوران ۹:۱۳)
- iii. شراب به عنوان دارو استفاده می‌شود (دوم سموئیل ۲:۱۶، امثال ۳۱:۶ الی ۷)
- iv. شراب می‌تواند یک مشکل جدی باشد (نوح- پیدایش ۹:۲۱، لوط، پیدایش ۱۹:۳۳ الی ۳۵، شمعون - داوران ۱۶، نابال - اول سموئیل ۲۶:۲۵، اوریا - دوم سموئیل ۱۳:۱۱، امنون - دوم سموئیل ۱۳:۲۸، ایله - اول پادشاهان ۹:۱۶، بنهدد - اول پادشاهان ۱۲:۲۰، رهبران - عاموس ۶:۶، و زنان - عاموس ۴)
- v. شراب می‌تواند مورد سو استفاده قرار گیرد (امثال ۱:۲۰، ۲۳:۲۹ الی ۳۵، ۳۱:۴ الی ۵، اشعیا ۱۱:۵ و ۲۲، ۱۹:۱۴، ۲۸:۷ الی ۸، یوشع ۱۱:۴)
- vi. شراب برای گروه‌های خاصی ممنوع شده است (کشیشان در حال خدمت، لاویان ۹:۱۰، حزقیال ۲۱:۴۴، ناصریان، اعداد ۶، و حاکمان، امثال ۳:۴ الی ۵، اشعیا ۱:۵۶ الی ۱۲، یوشع ۵:۷)
- vii. شراب به صورت اسکاتولوژیک استفاده شده است (عاموس ۹:۱۳، یوئیل ۳:۱۸، زکریا ۱۷:۹)

b. سایر نگرشها

- i. در برقراری میانه روی بسیار کمک کننده است (جامعه ۲۷:۳۱ الی ۳۳)
- ii. روحانیون می‌گویند "شراب بهترین داروها است، هر جا که شراب نباشد، به دارو نیاز است" (BB 58b)

c. عهد جدید

- i. عیسی حجم زیادی از آب را به شراب تبدیل کرد (انجیل یوحنا ۲:۱ الی)
- ii. عیسی شراب نوشید (انجیل متی ۱۱:۱۸ الی ۱۹، انجیل لوقا ۷:۳۳ الی ۳۴، ۲۲:۱۷)
- iii. پطرس متهم به مستی با شراب تازه در پنتیکاست شد (اعمال رسولان ۱۳:۲)

- iv. شراب می تواند به عنوان دارو مورد استفاده قرار گیرد (انجیل مرقس ۲۳: ۱۵، انجیل لوقا ۳۴: ۱۰، اول تیموتائوس ۲۳: ۵)
- v. رهبران نباید سواستفاده گر باشند. این بدین معنی نیست که باید طرفدار منع استفاده از الکل باشند (اول تیموتائوس ۳: ۳ و ۸، تیتوس ۱: ۷، ۲: ۳، اول پطرس ۳: ۴)
- vi. شراب به صورت اسکاتولوژیک استفاده شده است (انجیل متی ۱: ۲۲، مکاشفه ۹: ۱۹)
- vii. مستی پشیمانی است (انجیل متی ۲۴: ۴۹، انجیل لوقا ۱۲: ۴۵، ۲۱: ۳۴، اول قرنتیان ۵: ۱۱ الی ۱۳، ۶: ۱۰، غلاطیان ۵: ۲۱، اول پطرس ۳: ۴، رومیان ۱۳: ۱۳ الی ۱۴)
۳. بینش الهیاتی
- a. تنشها و جدلها
- i. شراب هدیه خدا است
- ii. مستی مشکل اساسی است
- iii. مومنین در برخی از فرهنگها باید به خاطر انجیل آزادیهای خود را محدود کنند (انجیل متی ۱۵: ۱ الی ۲۰، انجیل مرقس ۷: ۱ الی ۲۳، اول قرنتیان ۸: ۱۰، رومیان ۱۴)
- b. گرایش در عبور از مرزها
- i. خدا منشا همه خوبیها است
۱. غذا، انجیل مرقس ۷: ۱۹، انجیل لوقا ۱۱: ۴۴، اول قرنتیان ۱۰: ۲۵ الی ۲۶
۲. همه چیز پاک است، رومیان ۱۴: ۱۴ و ۲۰، اول تیموتائوس ۴: ۴
۳. همه چیز مجاز است، اول قرنتیان ۶: ۱۲، ۱۰: ۲۳
۴. همه چیز خالص است، تیتوس ۱: ۱۵
- ii. انسان سقوط کرده از تمامی هدایای خدا با فرارفتن از مرزها و محدودیتها، سو استفاده کرده است
- c. سو استفاده در ما است، نه در چیزها. در خلقت هیچ چیز شیطانی وجود ندارد
۴. فرهنگ یهودیت قرن اول و تخمیر
- a. تخمیر خیلی سریع آغاز می شود، تقریبا شش ساعت بعد از اینکه انگور له شد
- b. آداب یهود می گوید وقتی کف نازکی بر روی سطح ظاهر شد (به نشانه تخمیر)، تبدیل به شراب شده است (ما آسروت ۷: ۱). به این "شراب تازه" یا "شراب شیرین" گفته می شود.
- c. تخمیر اولیه پس از یک هفته کامل می شود.
- d. تخمیر ثانویه حدود ۴۰ روز به طول می انجامد. در این مرحله به آن "شراب کهنه" گفته می شود و می توان آن را به محراب تقدیم کرد (ادهویوت ۱: ۶)
- e. شرابی که با ته نشین آن باشد (شراب قدیمی) شراب خوب تلقی می شود، ولی باید قبل از استفاده از به خوبی صاف و تصفیه شود.
- f. شراب یک سال پس از تخمیر به خوبی عمل می آید. سه سال بیشترین مدتی است که می توان شراب را نگاهداری کرد. در این مدت به آن شراب قدیمی گفته می شود و باید با آب رقیق گردد.
- g. فقط طی ۱۰۰ سال گذشته در محیطهای استریل و مواد افزودنی شیمیایی می توان مدت زمان تخمیر را به تعویق انداخت. در دوران قدیم نمی توانستند فرایند تخمیر را متوقف سازند.
۵. جمع بندی
- a. اطمینان حاصل کنید که تجربه، الهیات و تفسیر انجیلی عیسی و فرهنگ یهودی/مسیحی قرن اول را کم بها نمی کند. بدیهی است که آنها به طور کامل طرفدار منع مصرف مشروبات الکلی نبودند.
- b. من مدافع مصرف الکل نیستم! با این وجود، بسیاری شاهد موضع گیری انجیل در این خصوص هستند و اینک ادعای ارجحیت بر رسوم فرهنگی را دارند.
- c. از نظر من، رومیان ۱۴ و اول قرنتیان ۸: ۱۰ بینش و خط مشی بر اساس محبت و رفاقت برای مومنین ارائه کرده اند و انجیل را در فرهنگ ما نشر کرده اند، نه آزادی فردی یا دآوری انتقادی را. اگر انجیل تنها مرجع ایمان و تجربه است، پس شاید ما باید در مورد این مسئله مجددا فکر کنیم.
- d. اگر ما کلام منع مصرف الکل را اراده خدا بدانیم، پس در مورد عیسی چه باید گفت، در فرهنگ مدرن هم ما به طور مرتب شراب می نوشیم (مثلا اروپا، اسرائیل، آرژانتین).

"میگساری کردن"	NASB
"عیاشی"	NKJV
"خوش گذرانی"	NRSV
"خوشگذرانی/عیاشی"	TEV

این اصطلاح *kōmos* در رابطه با اصطلاح یونانی *kōmē* است که برای روستا به کار می‌رود. دلالت بر جشن گروهی گسترده دارد که شامل زیاده روی در خوردن، نوشیدن و فعالیت‌های سکسی بدون محدودیت دارد (مراجعه شود به رومیان ۱۳: ۱۳، غلاطیان ۵: ۲۱).

■ "میهمانیهای میخوارگی" (این عبارت در نسخه فارسی ترجمه نشده است- مترجم) این اصطلاح در رابطه با اصطلاح قبلی است. NJB آنها را با هم ترکیب کرده و به صورت "میهمانیهای وحشیانه و شهوترانی" بیان کرده است.

"بت پرستی نفرت انگیز"	NASB, NKJV
"بت پرستی"	NRSV
"پرستش نفرت انگیز بتها"	TEV
"پرستش خدایان دروغین"	NJB

این فهرست گناهان در رابطه با آداب بت پرستی کفار است که اغلب شامل زیاده روی در نوشیدن، خوردن و سکس غیر اخلاقی بود. مشابه دعای باروری کنعانیان بود که در عهد عتیق محکوم شده است.

۴:۴ این آیه در رابطه با ۲: ۱۲ و ۱۵، ۳: ۱۶ است. مسیحیان درست درک نشده و به آنها حمله میشد زیرا (۱) زندگی و اولویتهای آنان به طور مشهود و بنیادین تغییر کرده بود به طوری که خانواده، دوستان و همسایگان متوجه شده بودند و (۲) برخی از اصطلاحات مسیحی و آداب آن اشتباه تفسیر شده بودند (یعنی دوست داشتن به عنوان زنا با محارم، شام آخر به عنوان آدم خواری، و غیره تعبیر شده بودند).

۴:۵ "به او که آماده است تا بر زندگان و مردگان داوری کند، حساب پس خواهند داد" داوری قطعی است (مراجعه شود به انجیل متی ۱۲: ۳۶، عبرانیان ۹: ۲۷، ۱۰: ۲۷، دوم پطرس ۲: ۴ و ۹، ۳: ۷). کسی که داوری میکند:

۱. خدا است (مراجعه شود به رومیان ۲: ۲ الی ۳، ۱۴: ۱۰ و ۱۲، اول پطرس ۱: ۱۷، ۲: ۲۳، مکاشفه ۲۰: ۱۱ الی ۱۵)
۲. مسیح است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۹: ۳۹، انجیل متی ۱۶: ۲۷، ۲۵: ۳۱ الی ۴۶، اعمال رسولان ۱۰: ۴۲، ۱۷: ۳۱، دوم قرنتیان ۵: ۱۰، دوم تیموتائوس ۴: ۱)
۳. پدر از طریق پسر (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۵: ۲۲ الی ۲۷، اعمال رسولان ۱۷: ۳۱، رومیان ۲: ۱۶) داوری یک موضوع ناخوشایند، ولی تکراری در انجیل است. بر اساس چندین حقیقت انجیلی است
۱. این یک جهان اخلاقی است که توسط خدای با اخلاق خلق شده است (هر آنچه بکاریم درو خواهیم کرد، مراجعه شود به غلاطیان ۶: ۷)
۲. بشریت گمراه است. ما یاغیگری کرده ایم
۳. این دنیایی نیست که خدا میخواست
۴. تمامی مخلوقات هوشیار (فرشتگان و انسانها) به خاطر نعمت زندگی شکر گزارند. ما خدمتگزاران هستیم.
۵. حیات جاویدان با اعمال و تصمیماتی که میگیریم تعیین میشود

■ "زندگان و مردگان" این یعنی تمامی انسانها، هم کسانی که زنده هستند و هم کسانی که فوت کرده اند (مراجعه شود به فیلیپیان ۲: ۱۰، مکاشفه ۲: ۱۳). ۴:۶ "از همین روست که حتی به آنان که اکنون مرده اند، بشارت داده شد" در مورد این عبارت چندین نظریه وجود دارد:

۱. در رابطه با ۳: ۱۸ الی ۲۰ است (یعنی ارواح زندانی)
۲. به تمامی انسانها اشاره دارد زیرا تمامی انسانها، مومنین و ایمان نیابردگان، به خاطر گناه از نظر فیزیکی میمیرند (همسو با اول پطرس ۴: ۵)
۳. به کسانی اشاره دارد که به انجیل و پیام خوش پاسخ داده ولی مرده اند (هر دو آتوریست مجهول)
۴. به کسانی اشاره دارد که بر اساس آگوستین، بیده، اراسموس و لوتر از نظر معنوی و روحانی مرده اند (یعنی گمراه هستند) (مراجعه شود به انجیل لوقا ۱۵: ۲۴ و ۳۲، افسسیان ۲: ۱ و ۵، ۵: ۱۴، کولسیان ۲: ۱۳)

این نظریه آخر میگوید که برخی (آنان که هرگز پیام خوش را ننشیده اند) این شانس را خواهند داشت که پس از مرگ مسیح را بپذیرند. این نظریه برای خرد انسانی جذاب است، ولی کلا با بقیه کتاب مقدس بیگانه است (یعنی عبرانیان ۹: ۲۷). این ضرورت و الزام به بشارت در حال را نقض میکند. من فکر میکنم که گزینه های ۱ یا ۳ با متن بهتر سازگار باشند.

■ "تا هر چند در عرصه جسم نزد آدمیان محکوم شدند، اما در عرصه روح نزد خدا زیست کنند" این جمله بندی بسیار شبیه توصیف عیسی در اول پطرس ۳: ۱۸ است. زندگی پس از مرگ را تأیید میکند. انجیل در مورد زندگی پس از مرگ هم برای نجات یافتگان و هم گمراهان صریح است (مراجعه شود به دانیال ۱۲: ۲، انجیل متی ۲۵: ۴۶، انجیل یوحنا ۵: ۲۸ الی ۲۹، اعمال رسولان ۲۴: ۱۵).

NASB: اول پطرس ۴: ۷ الی ۱۱

پایان همه چیز نزدیک است؛ پس جدی و در دعا منضبط باشید. ^۸مهمتر از همه، یکدیگر را به شدت محبت کنید، زیرا محبت، انبوه گناهان را می پوشاند. ^۹یکدیگر را بدون شکوه و شکایت میهمانی کنید. ^{۱۰}همچون مباشران امین بر فیض گوناگون خدا، یکدیگر را با هر عطایی که یافته اید خدمت کنید. ^{۱۱}اگر کسی سخن می گوید، سخن او مانند سخنان خدا باشد؛ و اگر کسی خدمت می کند، با قدرتی که خدا می بخشد خدمت کند، تا در همه چیز، خدا به واسطه عیسی مسیح تمجید شود. جلال و توانایی تا ابد بر او باد. آمین.

۴: ۷ "پایان همه چیز نزدیک است" این زمان کامل فعال اخباری است. آمدن دوم یک موضوع تکراری در اول پطرس است (مراجعه شود به اول پطرس ۱: ۵ و ۶، ۴: ۱۳ و ۱۷، ۵: ۱ و ۱۰). زمین فیزیکی با آتش پاک کننده نابود شده /تطهیر میگردد (مراجعه شود به دوم پطرس ۳: ۱۰). دیدگاه خطر قریب الوقوع پارتوسیا در عیسی (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱: ۱۵، انجیل لوقا ۲۱: ۳۲)، پولس (مراجعه شود به رومیان ۱۳: ۱۱) یعقوب (مراجعه شود به یعقوب ۵: ۸) و یوحنا (مراجعه شود به مکاشفه ۱: ۱ و ۳، ۳: ۱۱، ۲۲: ۶ و ۷ و ۱۰ و ۱۲ و ۲۰) نیز دیده میشود

بازگشت قریب الوقوع عیسی برای دو هزار سال موضوع بسیاری از موعظه ها بوده و هنوز باز نگشته است. آیا (۱) دلالت بر این دارد که او باز نخواهد گشت (۲) یا اینکه عهد جدید در مورد بازگشت او در اشتباه است؟ عیسی زمان بازگشت خود را نمیدانست (مراجعه شود به انجیل متی ۲۴: ۳۶). این برای ما اعجاب آور است و همچنین بخشی از راز بازگشت به زندگی است.

به نظر میرسد بازگشت قریب الوقوع دیدگاه نگارندگان عهد جدید بوده است. چه اتفاقی افتاده است؟ نخست، اجازه دهید خاطر نشان کنم که زمان فقط برای کسانی که با آن در ارتباط هستند دارای اهمیت است. خدا کند نیست، ولی همچنین خدا فراتر از زمان است. نزدیکی بازگشت عیسی مشوق و انگیزه ای الهی برای هر نسلی از مومنین است. با اینحال، از منظر الهیاتی دوم تسالونیکیان از بازگشت با تاخیر صحبت میکند (یعنی نه تا زمانی که "انسان بی قانون هویدا شود"). آمدن دوم موضوع تکراری است ولی فقط برای نسل مومن یک واقعیت است (مراجعه شود به دوم پطرس ۳).

NASB	"از قضاوت صحیح و روح آرام باشید"
NKJV	"جدی و مراقب باشید"
NRSV	"خودتان جدی و شاگرد باشید"
TEV	"باید خویشتندار و هشیار باشید"
NJB	"روان خود را آرام نگاه دارید"

این شروع و آغاز یک سری افعال امری و وجوه وصفی است که به صورت امری استفاده شده اند و بر زندگی خدا پرستانه تأکید دارند (مراجعه شود به اول پطرس ۴: ۶). این دو اصطلاح اشاره به هشیاری ذهنی دارند، به خصوص در زمینه دعا و عبادت. اصطلاح اول *sōphroneō* است. این اصطلاح (و حالت‌های مرتبط به آن) اشاره به تفکر در آرامش، ثبات و قوی دارد (این اصطلاح اغلب در نامه های پولس استفاده شده است، مراجعه شود به اول تیموتائوس ۲: ۹ و ۱۵، ۳: ۲، دوم تیموتائوس ۱: ۷، تیتوس ۱: ۸، ۲: ۲ و ۴ و ۵ و ۶ و ۱۲). اصطلاح دوم *nēphō* (و حالت‌های مرتبط با آن) است، که از نظر مفهومی در ارتباط با حالت مستی دارد ولی به صورت نمادین در مورد تفکر منطقی، کنترل شده، آرام و احتمالاً با خویشتنداری استفاده شده است (مراجعه شود به اول تسالونیکیان ۵: ۶ و ۸، اول تیموتائوس ۳: ۱۱، تیتوس ۲: ۲، و اول پطرس ۱: ۱۳، ۵: ۸).

با این حال، توجه کنید که پطرس هیچیک از رخدادهای آخرالزمانی را با بازگشت مسیح مرتبط نمیکند. او از واقعیت آن جهت ایجاد انگیزه برای یک زندگی خدا پرستانه استفاده میکند. اینها هر دو آتوریست امری هستند. این احتمالاً با تجربه پطرس در جتسیمانی مرتبط است (مراجعه شود به انجیل متی ۲۶: ۴۰ الی ۴۱). چشم انداز بلافصل پاروزیا تشویق همانند عیسی زندگی کردن در هر عصری است، به خصوص در میانه آزار و شکنجه.

■ "در دعا" دعا یک سلاح قدرتمند در دوران وسوسه و آزار و شکنجه است (مراجعه شود به افسسیان ۶: ۱۸ الی ۱۹)، نه فقط برای خود فرد، بلکه برای دیگران (مراجعه شود به اول تسالونیکیان ۵: ۱۷ و ۲۵، یعقوب ۵: ۱۶). همان طور که اول پطرس ۴: ۳ رفتار ناشایست بیگانگان کافر را توصیف میکند، اول پطرس ۴: ۷ الی ۱۱ رفتاری که از مومنین انتظار می رود را توصیف میکند.

۸: ۴

NASB, NRSV, NJB	"مهمتر از همه"
NKJV	"فراتر از همه چیز"
TEV	"مهمتر از همه چیز"

این یک اصطلاح یونانی است که برای اولویت به کار می رود (مراجعه شود به یعقوب ۵: ۱۲). عشق ورزیدن اولویت دارد (مراجعه شود به اول پطرس ۱: ۲۲، ۳:

۸، انجیل یوحنا ۱۳: ۳۴، ۱۵: ۱۲ و ۱۷، اول قرنتیان ۱۳، اول یوحنا ۲: ۷ الی ۸، ۳: ۱۱ و ۲۳، ۴: ۷ الی ۲۱).

■ "یکدیگر را به شدت محبت کنید" این وجه وصفی حال فعال است که به صورت امری استفاده شده. این عشق ورزیدن مستمر بر دیگر مومنین را الزامی میکند، که موضوع اول پطرس است و پیشتر معرفی گردید (مراجعه شود به اول پطرس ۱: ۲۲، ۳: ۸).

■ "یکدیگر" به حالت سه جانبه "یکدیگر" توجه کنید (مراجعه شود به اول پطرس ۴: ۸ و ۹ و ۱۰). مسیحیت جمعی و اجتماعی است. ما به هر کس محبت میکنیم (مراجعه شود به اول قرنتیان ۱۲: ۷).

■ "محبت، انبوه گناهان را می پوشاند" چندین نظریه در مورد این عبارت وجود دارد.

۱. این یک نقل قول عهد عتیقی از امثال ۱۰: ۱۲ است (از MT، نه از LXX) جایی که عشق و محبت خطاها و کارهای اشتباهی که بر او وارد شده را به خاطر نمی آورد.

۲. در رابطه با یعقوب ۵: ۲۰ است، جایی که عشق و محبت به مومن دیگری کمک میکند عواقب روحانی خطاهای گذشته خود را جبران کند

۳. در رابطه با انجیل متی ۶: ۱۴ الی ۱۵ و انجیل مرقس ۱۱: ۲۵ است، جایی که بخشش دیگران توسط ما شاهدهی بر این است که ما خود بخشوده شده ایم (یعنی اوریگن و ترتولیان)

۴. در رابطه با اول قرنتیان ۱۳: ۷ است، توانایی عشق این است که ضعف های بدیهی یک دوست مسیحی تحت شکنجه را نبینیم

۹: ۴ "یکدیگر را میهمانی کنید" این یک اصطلاح مرکب از *phileō* (محبت کردن /عشق ورزیدن) و *xenos* (غریبه) است. محبت به غریبه به خصوص برای مسیحیان مسافر در روزگاری که مهمانخانه ها محل پلیدی بود (مراجعه شود به انجیل متی ۲۵: ۳۵ به بعد، رومیان ۱۲: ۱۳، اول تیموتائوس ۳: ۲، تیتوس ۱: ۸، عبرانیان ۱۳: ۲، دوم یوحنا ۵: ۸). در این عبارت هیچ فعلی در متن یونانی دیده نمیشود. به دلیل تعداد دستورات، احتمالاً این دستور مستمر است.

■ "بدون شکوه و شکایت" نگرش مومنین مهم است. مومنین میدانند که مالک هیچ چیزی نیستند و خدمتگزاران همه چیز هستند. این سیاست درب باز نه فقط برای کارمندان در حال سفر کلیسا مورد نیاز است، بلکه برای مومنین محلی که شغل و خانه خود را بر اثر آزار و اذیتها از دست داده اند مهم است. این فرمان، همانند دیگر فرامین، نشاندهنده ماهیت گروهی و جمعی ایمان مسیحی است.

۱۰: ۱ "یکدیگر را با هر عطایی که یافته اید" این زمان آئوربست فعال اخباری است، که دلالت بر کامل شدن عملی در زمان گذشته دارد. اصطلاح عطا (کلمه *gift* انگلیسی در نسخه فارسی عطا ترجمه شده است- مترجم) (*charisma*) از ریشه کلمه "رحمت" یا "grace" (*charis*) است. این هدایا، هدایای عاشقانه و بی منفعت شخصی جهت بشارت هستند. هر مومنی یک نعمت روحانی خاص دارد، که توسط خدا در زمان نجات و برای بشارت در کلیسا و برای کلیسا به او داده میشود (مراجعه شود به رومیان ۱۲: ۶ الی ۸، اول قرنتیان ۱۲: ۷ و ۱۱ و ۱۸، افسسیان ۴: ۷). این هدایا یا عطایا ممکن است استعداد طبیعی باشند، ولی اگر چنین باشد، به آنها بطور ماورای الطبیعه ای برای شکوه و جلال مسیح نیروی خاصی داده شده است.

جنبه عملی این حقیقت عهد جدید این است که هر مومنی به اصطلاح دارای نعمت بشارت بر مسیح است (مراجعه شود به افسسیان ۴: ۱۲). بنابراین هر مومنی تاثیر حیاتی در کلیسای محلی دارد. این یک تصحیح انجیلی بر الگوی بسیار متداول روحانیت در کلیسای مدرن است ولی البته بسیار نا کارآمد هم میباشد. جهان هرگز با شاگردانی که در مقابل پول کار میکنند یا کارمندان منتخب، پیروز نمیشود.

■ "یکدیگر را خدمت کنید" این وجه وصفی حال فعال است که به صورت امری استفاده شده. از اصطلاح یونانی (*diakonos*) برای خدمتگزار می آید. بعداً این تبدیل به عنوانی برای سرودهای مذهبی میشود (مراجعه شود به فیلیپیان ۱: ۱). در مسیحیت رهبران خدمتگزار هستند نه رئیس. نعمات معنوی برای دیگران است نه برای ما (مراجعه شود به اول قرنتیان ۱۲: ۷). نعمات روحانی و معنوی "برچسب مزیت" نیستند بلکه "دستمال خدمتگزاری" هستند.

■ "همچون مباشران امین" این به مفهوم "مدیران خانگی" است. کلیسا خانه خدا است (مراجعه شود به اول پطرس ۴: ۱۷). مومنین برای هدایا و نعمات روحانی خدا که از طریق مسیح به آنان داده شده با خدمتگزاری به خدا قدردانی میکنند (مراجعه شود به اول قرنتیان ۳: ۱۰ الی ۱۷، دوم قرنتیان ۵: ۱۰).

■ "بر فیض گوناگون خدا" (این آیه در نسخه انگلیسی چنین خوانده میشود "از آنجا که هر کس نعمت خاصی دریافت میکند، آن نعمت را در راه خدمت کردن به یکدیگر چند برابر به کار بگیرد"- مترجم) اصطلاح "چند برابر" دو مرتبه در اول پطرس ۱: ۶ استفاده شده است. برای هر محاکمه (مراجعه شود به یعقوب ۱: ۲) یک فیض متناسب با آن توسط خدا در نظر گرفته شده و در زمان مناسب خدا آن را از طریق دیگر مومنین فراهم مینماید. هیچ مومنی مطرود و تنها نیست.

۱۱: ۴ "کسی ... کسی" اینها دو جمله شرطی نوع اول هستند. از خدمتگزارانی که نعمت خدادادی به آنان داده شده انتظار میرود که صحبت کنند و از طریق قدرت او، خدمت کنند. اگر ما حرف بزنیم، سخنان او هستند. اگر خدمت کنیم، به واسطه قدرت او است.

■ "خدا می بخشد" این زمان حال فعال اخباری کلمه ای است که در مورد کسی که از نظر مالی یک گروه "گُر" (*chorēgēō*)، که ترکیبی از *choros* و *hēgeomai* (میباشد) را حمایت میکند، استفاده شده است. خدا به حمایت از کسانی که به آنان نعمتی را داده ادامه میدهد (مراجعة شود به دوم قرنتیان ۹: ۱۰، همین کلمه با پیشوند *epi* در دوم پطرس ۱: ۵ و ۱۱ تکرار شده است).

جالب است که به نظر میرسد پولس این نوع نعمات خدادادی را به روح القدس (مراجعة شود به رومیان ۱۲) یا مسیح (مراجعة شود به افسسیان ۴: ۱۱) منتسب میدانند، ولی پطرس آنها را منتسب به خدای پدر میدانند. این مثال دیگری از تمامی افراد تثلیث است که در کارهای پادشاهی خدا فعالیت دارند (مراجعة شود به اول قرنتیان ۱۲: ۴ الی ۶).

■ "تا در همه چیز، خدا به واسطه عیسی مسیح تمجید شود" این جمله هدف (*hina*) است. نعمات روحانی و معنوی باید خدا را جلال داده و با شکوه سازند، نه نمایندگان انسانی او را. نعمات ما به او اشاره میکنند (مراجعة شود به انجیل متی ۵: ۱۶، اول قرنتیان ۱۰: ۳۱، اول پطرس ۲: ۱۲).

■ "جلال و توانایی تا ابد بر او باد" در این متن، این اشاره به عیسی دارد (مراجعة شود به دوم تیموتائوس ۴: ۱۸، دوم پطرس ۳: ۱۸، مکاشفه ۱: ۶). در مکاشفه ۵: ۱۳ در مورد هم پدر و هم پسر استفاده شده است. معمولا این عبارت اشاره به پدر دارد (مراجعة شود به اول پطرس ۵: ۱۱، رومیان ۱۱: ۳۶، ۱۶: ۲۷، افسسیان ۳: ۲۱، فیلیپیان ۴: ۲۰، اول تیموتائوس ۱: ۱۷، اول پطرس ۵: ۱۱، یهودا ۲۵، مکاشفه ۷: ۱۲). برای یادداشتی در مورد "جلال" به ۱: ۲۱ مراجعه کنید.

■ دوکولوژیها در عهد جدید متداول هستند. نگارندگان عهد جدید اغلب به تمجید خدا میپردازند (مراجعة شود به رومیان ۱۱: ۳۳ الی ۳۶، افسسیان ۳: ۲۰ الی ۲۱، اول پطرس ۵: ۱۱).

■ "آمین" به موضوع خاص: آمین در بخش مربوط به انجیل مرقس ۳: ۲۸ مراجعه کنید.

NASB: اول پطرس ۴: ۱۲ الی ۱۹

۱۲ ای عزیزان، از این آتشی که برای آزمودن شما در میانتان برپاست، در شگفت م باشید، که گویی چیزی غریب بر شما گذشته است. ۱۳ بلکه شاد باشید از اینکه در رنجهای مسیح سهیم می شوید، تا به هنگام ظهور جلال او به غایت شادمان گردید. ۱۴ اگر به خاطر نام مسیح شما را ناسزاگویند، خوشا به حالتان، زیرا روح جلال که روح خداست بر شما آرام می گیرد. ۱۵ اگر رنج می کشید، مباد که به سبب قتل، دزدی، شرارت یا حتی فضولی باشد. ۱۶ اما اگر از آن سبب رنج می کشید که مسیحی هستید، شرمسار م باشید، بلکه چون کسی که این نام را بر خود دارد خدا را تمجید کنید. ۱۷ زیرا زمان آن رسیده که داوری از خانه خدا آغاز شود؛ و اگر آغاز آن از ماست، پس سرانجام آنان که انجیل خدا را اطاعت نمی کنند، چه خواهد بود؟ ۱۸ و «اگر پارسا به دشواری نجات یابد، خدانشناسان و گناهکاران چه خواهند کرد؟» ۱۹ پس کسانی که به خواست خدا رنج می کشند، باید که جانهای خویش را به 'خالق آمین' بسپارند و به نیکوکاری ادامه دهند.

۱۲: ۴ "ای عزیزان" این شیوه پدر است که به پسر خود اشاره میکند (در زمان تعمید عیسی، مراجعه شود به انجیل متی ۳: ۱۷، نقل قول از اشعیا ۴۲: ۱ و ۱۲: ۱۸، در زمان تغییر چهره عیسی، ۱۷: ۵). این عنوان بعدا برای خطاب کردن پیروانش مورد استفاده قرار گرفت (مراجعة شود به اول پطرس ۲: ۱۱، ۴: ۱۲، دوم پطرس ۱: ۱۷، ۱: ۳ و ۸ و ۱۵ و ۱۷، و به صورت مکرر در نوشته های پولس استفاده شد).

■ "در شگفت م باشید" این زمان حال مجهول امری است، که معمولا اشاره به متوقف ساختن عملی را که در حال انجام است. این مومنین در موقع آزار و اذیت شگفت زده شدند.

■ "آتشی که در میانتان برپاست" این استعاره ای است در مورد محاکمات و آزار و اذیتها (یک مشکل متداول در زندگی روزمره نیست، مراجعه شود به اول پطرس ۴: ۱۴ و ۱۸، ولی چگونه زندگی فرهنگی خود را اداره کنیم، یک شهادت است). متون انجیلی بسیاری هستند که تصریح میکنند رنج کشیدن و آزار و اذیت برای کسانی که پیرو مسیح هستند، معمولی است (مراجعة شود به انجیل متی ۵: ۱۰ الی ۱۲، انجیل یوحنا ۱۵: ۱۸ الی ۲۱، ۱۶: ۱ الی ۳، ۱۷: ۱۴، اعمال رسولان ۱۴: ۲۲، رومیان ۵: ۳ الی ۴، ۸: ۱۷، دوم قرنتیان ۴: ۱۶ الی ۱۸، ۶: ۳ الی ۱۰، ۱۱: ۲۳ الی ۳۰، فیلیپیان ۱: ۲۹، اول تسالونیکیان ۳: ۳، دوم تیموتائوس ۳: ۱۲، یعقوب ۱: ۲ الی ۴، اول پطرس ۴: ۱۲ الی ۱۶). آنها ابزارهای پدر برای ایجاد کسانی است که همانند مسیح باشند (مراجعة شود به عبرانیان ۵: ۸).

■ "در میانتان" این زمان آینده نیست، بلکه وجه وصفی حال است. این یک واقعیت غیر منتظره حال است.

■ "برای آزمودن شما" این فعل یونانی *periazō* است. موضوع خاص در بخش مربوط به انجیل مرقس ۱: ۱۳، شماره ۲، ث را مطالعه کنید.

■ "که گویی چیزی غریب بر شما گذشته است" این عبارت یک فعل ترکیبی دارد (وجه وصفی حال فعال) با پیشوند *sun* که معنی آن "شرکت کردن در" است. این مومنین آزار و اذیت را سپری میکردند. آنها باید میدانستند که
۱. برای مومنین غیر معمول نیست

۲. بر اثر گناه نیست (یعنی کتاب تثنیه ۲۷ الی ۲۸)

۳. هدفی در اراده خدا وجود دارد

موضوع خاص: چرا مسیحیان رنج می کشند؟

(SPECIAL TOPIC: WHY DO CHRISTIANS SUFFER?)

۱. به واسطه گناهان فردی (داوری موقتی). این دلالت بر تمامی مشکلات و شرایط منفی به واسطه نتیجه گناه ندارد (مراجعه شود به یعقوب، مزامیر ۷۳، انجیل لوقا ۱۴: ۱ الی ۵، نحمیا ۹، انجیل لوقا ۹، اعمال رسولان ۵: ۱ الی ۱۱، اول قرنتیان ۱۱: ۲۹ الی ۳۰، غلاطیان ۶: ۷)
 ۲. برای همانند مسیح شدن (عبرانیان ۵: ۸). حتی عیسی، اگر به زبان انسانی سخن بگوئیم، باید بالغ میشد، همچنین پیروانش (مراجعه شود به رومیان ۵: ۳ الی ۴، ۸: ۲۸ الی ۲۹، دوم قرنتیان ۱۲: ۷ الی ۱۰، فیلیپیان ۳: ۱۰، عبرانیان ۱۲: ۵ الی ۱۲، یعقوب ۱: ۲ الی ۴، اول پطرس ۱: ۷).
 ۳. به منظور توسعه یک شهادت موثر و قدرتمند (مراجعه شود به انجیل متی ۵: ۱۰ الی ۱۲، انجیل یوحنا ۱۵: ۱۸ الی ۲۲، اول پطرس ۲: ۱۸ الی ۲۱، ۳: ۱۳ الی ۱۷)
 ۴. به عنوان نشانه ای همانند درد تولد عصر جدید (مراجعه شود به انجیل متی ۲۴: ۶، انجیل مرقس ۱۳: ۸)
- دو کتاب که به من در درک بیعدالتی و پلیدی این دنیای گمراه کمک کردند *The Christian's Secret of a Happy Life* اثر Hannah Whithall و *The Goodness of God* اثر John W. Wenham هستند.
- مومنین باید به خاطر داشته باشند که مشکلات و رنج الزاما نشان خشم یا طرد شدن توسط خدا نیستند. در جهان گمراه اتفاقات ناگواری برای مومنین وفادار رخ میدهند (مراجعه شود به اول پطرس ۴: ۱۲ الی ۱۹). وعده های خدا و جان دادن مسیح نشانه های محبت خدا هستند (مراجعه شود به رومیان ۵: ۸). کتاب مقدس باید بر شرایط موقتی اولویت داشته باشد.

۱۳:۴ "سهیم می شوید" موضوع خاص زیر را مطالعه کنید.

موضوع خاص: KOINŌNIA (رفاقت)

(SPECIAL TOPIC: KOINŌNIA)

اصطلاح "رفاقت" (KOINŌNIA) یعنی:

۱. رابطه نزدیک با یک فرد
 - a. با پسر (مراجعه شود به اول قرنتیان ۹: ۱، اول یوحنا ۱: ۶)
 - b. با روح القدس (مراجعه شود به دوم قرنتیان ۱۳: ۱۴، فیلیپیان ۲: ۱)
 - c. با پدر و پسر (مراجعه شود به اول یوحنا ۱: ۳)
 - d. با سایر برادران و خواهران هم پیمان (مراجعه شود به اعمال رسولان ۲: ۴۲، دوم قرنتیان ۸: ۲۳، غلاطیان ۲: ۹، فیلمون آیه ۱۷، اول یوحنا ۱: ۳ و ۷)
 - e. نه با شیطان (مراجعه شود به دوم قرنتیان ۶: ۱۴)
 ۲. رابطه نزدیک با گروه ها یا چیزها
 - a. با انجیل (مراجعه شود به فیلیپیان ۱: ۵، فیلمون آیه ۶)
 - b. با خون مسیح (مراجعه شود به اول قرنتیان ۱۰: ۱۶)
 - c. نه با تاریکی (مراجعه شود به دوم قرنتیان ۶: ۱۴)
 - d. با رنج کشیدن (مراجعه شود به دوم قرنتیان ۷: ۱، فیلیپیان ۳: ۱۰، ۴: ۱۴، اول پطرس ۴: ۱۳)
 ۳. هدیه یا مشارکت در حالت سخاوتمندانه (مراجعه شود به رومیان ۱۲: ۱۳، ۱۵: ۲۶، دوم قرنتیان ۸: ۴، ۹: ۱۳، فیلیپیان ۴: ۱۵، عبرانیان ۱۳: ۱۶)
 ۴. هدیه خدا از طریق مسیح، که همبستگی بشریت را با او و برادران و خواهرانش باز میگرداند
- این رابطه افقی (انسان به انسان) را تصریح می کند که از طریق رابطه عمودی (انسان به خالق) ایجاد می شود. همچنین بر ضرورت و شادی جامعه مسیحی تأکید دارد (مراجعه شود به عبرانیان ۱۰: ۲۵).

■ "شاد باشید" این حال فعال امری است. حیرت انگیز است که رنج کشیدن مسیح به شادی پیوند خورده است. این جهان بینی ریشه ای را نشان میدهد که مومنین با ایمان و زمانی که نهایت ایمان و اعتقاد خود را در مسیح قرار میدهند، بدست می آورند. عیسی خود خود نخستین بار این حقیقت را در انجیل

متی ۵: ۱۰ الی ۱۲ بیان داشت. پولس همین حقیقت را در رومیان ۵: ۲ و ۳ بیان میدارد.

■ "تا به هنگام ظهور جلال او" این اشاره به بازگشت باشکوه مسیح دارد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۴: ۱ الی ۳).

۴: ۱۴ "اگر" این جمله شرطی نوع اول است، که از نظر نگارنده و یا از نظر متنی تصور میشود درست و تحقق یافته باشد.

■ "ناسزا گویند" اصطلاح "ناسزا گفتن" یا "اهانت کردن" هم از انجیل متی ۵: ۱۱ می آید. پطرس باید شنیدن سخنان عیسی در این مورد خاص را به خاطر داشته باشد.

■ "به نام مسیح" به نام.... "یک اصطلاح عهد عتیقی است که اشاره به فرد دارد. فرا خواندن به نام سرورمان (یعنی یوئیل ۲: ۳۲، اعمال رسولان ۲: ۲۱، مراجعه شود به رومیان ۱۰: ۹ الی ۱۳) یعنی اعتماد کردن به عیسی به عنوان ناجی. دعا کردن به نام سرورمان (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۴: ۱۳، ۱۵، ۱۶، ۲۳ الی ۲۴) یعنی عبادت کردن در شخص و شخصیت او.

■ "نعمت نصیبتان میشود" (این عبارت در نسخه فارسی "خوشا به حالتان" ترجمه شده است- مترجم) این اصطلاح یونانی *Makarios* است که توسط عیسی در دعای برکت جاودانی استفاده شد (مراجعه شود به انجیل متی ۵: ۳ الی ۹). این آیه منعکس کننده انجیل متی ۵: ۱۰ الی ۱۲ است. همین حقیقت (و همین کلمه) در اول پطرس ۳: ۱۴ هم به کار رفته است. برای مادی گرایان غربی بسیار حیرت انگیز است که رنج و آزار میتواند شادی و نعمت به همراه داشته باشد.

■ "زیرا روح جلال که روح خداست بر شما آرام می گیرد" این یا اشاره ای است به (۱) تجربه ای مشابه تعمید عیسی (مراجعه شود به انجیل متی ۳: ۱۶، انجیل یوحنا ۱: ۳۲) یا (۲) چگونگی مسیح را اقتدار بخشید (مراجعه شود به اشعیا ۱۱: ۲، ۴۲: ۲، ۵۹: ۲۱، ۶۱: ۱). تجربه عیسی در مورد رنج اینک متعلق به ما است (مراجعه شود به رومیان ۸: ۱۷). حضور روح القدس سلامتی، ثروت و فراوانی نمی آورد، بلکه آزار به همراه دارد (مراجعه شود به انجیل متی ۱۰: ۱۶ الی ۲۳، به خصوص اول پطرس ۴: ۲۰).

چندین تنوع (۴) در مورد این عبارت در نسخ دستنویس یونانی وجود دارد. ⁴UBS به آن که در NASB آمده رتبه A میدهد (یقین).

Textus Receptus در این نقطه عبارتی را اضافه میکند که در KJV و NKJV منعکس شده است: "از دید آنان کافر است ولی از دید شما او جلال یافته است". این عبارت به حالت‌های متفاوت فقط در نسخ دستنویس یونیکال جدیدتر پدید می‌شود (یعنی K از قرن نهم میلادی، L از قرن هشتم میلادی، و P از قرن ششم میلادی) و احتمالاً اصل نیست. ⁴UBS حذف آن را "یقین" میداند.

۴: ۱۵ "اگر رنج می کشید" (در نسخه انگلیسی این عبارت به صورت "اطمینان داشته باشید هیچ یک از شما به عنوان قاتل، یا دزد یا خلافکار یا فضول در دسر ساز، شکنجه نمیشوید و آزار نمی‌بینید" خوانده میشود نه به صورت شرطی- مترجم) این زمان حال فعال امری با وجه وصفی منفی است و معمولاً به معنی متوقف ساختن عملی است که از پیشتر در حال انجام است.

■ "فضول در دسر ساز" این اصطلاح در تمامی نسخ یونانی، فقط در اینجا استفاده شده است. این اصطلاح ترکیبی از دو کلمه یونانی "به یکدیگر تعلق داشتن" (یعنی *allotrios*) و "مراقب بودن" یا "بررسی کردن" (یعنی *episkopos*). پس این اشاره به کسی دارد در روابط میان افراد دیگر فضولی کرده و در دسر ایجاد میکند.

۴: ۱۶ "اگر" این هم یک عبارت شرطی نوع اول دیگر است، که تصور میشود درست باشد. خیلی ساده، مسیحیان به خاطر اینکه مسیحی هستند مورد آزار و اذیت قرار میگیرند.

■ "یک مسیحی" در ابتدا این اصطلاح برای تمسخر به کار میرفت (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۱: ۲۶، ۲۶: ۲۸). فقط سه مرتبه در عهد جدید به کار رفته است. این اصطلاح یعنی "مسیح کوچک" (یعنی *Christianos*). بعداً در اواسط قرن نخست میلادی این اصطلاح تبدیل به عنوانی برای مومنین شد (یعنی تاسیتوس، آن ۱۵: ۴۴).

■ "شرمسار مباحثید" این زمان حال مجهول امری با وجه وصفی منفی است که معمولاً دلالت بر متوقف ساختن عملی است که از پیشتر در حال انجام است. این میتواند بازگشت پطرس به شب محاکمه عیسی باشد که او شرمسار شد (مراجعه شود به انجیل متی ۲۶: ۶۹ الی ۷۵، انجیل مرقس ۱۴: ۶۶ الی ۷۲، انجیل لوقا ۲۲: ۵۶ الی ۶۲، انجیل یوحنا ۱۸: ۱۶ الی ۱۸ و ۲۵ الی ۲۷).

۴: ۱۷ "زیرا زمان آن رسیده که داوری..... آغاز شود" این ممکن است اشاره ای به ملاکی ۳: ۱ الی ۶ جایی که داوری با آمدن ناگهانی مسیح و به صورت حیرت انگیزی مردمانش (که بسیار به آنان داده شده، بسیار بیش از آنچه که نیاز باشد، مراجعه شود به ارمیا ۲۵: ۲۹)، آغاز میشود، باشد. اگر میان مردمان خدا گناهکاران باشند که تعدماً توبه نکرده اند (که هستند)، ابتدا بر آنان داوری خواهد شد. تنها امید آنان شخصیت تغییر نیافته یهوه است (مراجعه شود به ملاکی ۱: ۶).

این عبارت همچنین ممکن است یک اصطلاح یهودی باشد در مورد نزدیکی آمدن مسیح به عنوان داور. یهودیان عهد عتیق (و شاگردان عهد جدید)

حال فاجعه باری را برای تاریخ بشری پیش بینی کرده اند، که اغلب "درد تولد عصر جدید" نامیده میشود، که به وضوح توسط خود عیسی در انجیل مرقس ۱۳: ۸ هم بیان شده است.

■ "از خانه خدا" دو ساختمان استعاره ای در اول پطرس وجود دارند که مرتبط با کلیسا هستند: (۱) کلیسا به عنوان معبدی که از سنگهای زنده ساخته شده (مراجعه شود به اول پطرس ۲: ۴ الی ۱۰) و (۲) کلیسیا به عنوان خانه خدا (استعاره مشارکتی از مردم یا یک خانواده بزرگ، مراجعه شود به اول پطرس ۴: ۱۷، اول تیموتائوس ۳: ۱۵، عبرانیان ۳: ۶).

■ "اگر" این هم یک جمله شرطی نوع اول همانند اول پطرس ۴: ۱۶ و ۱۸ است.

۴: ۱۸ "اگر پارسا به دشواری نجات یابد" این اشاره ای به جوامع ۱۱: ۳۱ در نسخه Septuagint ("اگر پارسا به سختی نجات یابد، خلافاکاران و گناهکاران کجا خواهند بود؟") است.

۴: ۱۹ "کسانی که به خواست خدا رنج می‌کشند"، اگر در این جهان پارسایان هستند که رنج می‌کشند (جمله شرطی نوع اول اول پطرس ۴: ۱۸)، پس برای ناپرسایان در روز داوری خدا اوضاع چگونه خواهد بود؟ خدا با نجات یافتگان است (مراجعه شود به اول پطرس ۳: ۱۲ و ۱۴)، ولی بر ضد بی ایمانان یاغی و شکنجه گران است (مراجعه شود به اول پطرس ۳: ۱۲).

■ "باید که جانهای خویش را بسپارند" این حال میانی امری است و دلالت بر این دارد که آنان خودشان باید به خدا اعتماد کنند. پولس اعتماد به انجیل را به تیموتائوس سپرد (مراجعه شود به اول تیموتائوس ۱: ۱۸). پولس اعتماد به انجیل را به مومنین واگذار کرد تا ادامه دهند (مراجعه شود به دوم تیموتائوس ۲: ۲). یک اصطلاح بانی به نام "سپرده/سپردن" وجود دارد. عیسی از این اصطلاح در زمان مرگ خود بر بالای صلیب استفاده کرد. او روح خود را به پدر سپرد (مراجعه شود به انجیل لوقا ۲۳: ۴۶).

■ "به خالق امین" خدا امین است! این تصریح پایه این انجیل است (مراجعه شود به کتاب اعداد ۲۳: ۱۹، کتاب تثنیه ۷: ۹، اشعیا ۴۰: ۸، ۴۹: ۷، ۵۵: ۱۱، اول قرنتیان ۱: ۱۸، اول تسالونیکیان ۵: ۲۴، دوم تسالونیکیان ۳: ۳، دوم تیموتائوس ۲: ۱۳ و اول پطرس ۱: ۱۹). این شخصیت تغییر ناپذیر خدا است (مراجعه شود به ملاکی ۳: ۶) که امید حتمی هر مومن است. خدا به هر آنچه که گفته عمل خواهد کرد.

■ "به نیکوکاری ادامه دهند" این یک اصطلاح یونانی به معنی "کار نیک کردن" یا "کار خوب انجام دادن" است. این یک موضوع تکراری در اول پطرس است (مراجعه شود به اول پطرس ۲: ۱۴ و ۱۵ و ۳: ۶ و ۱۷، ۴: ۱۹). این نامه بدین مضمون است که باید درست زندگی کرد و آماده رنج بود. موضوع خاص: چرا مسیحیان رنج میکشند در بخش مربوط به اول پطرس ۴: ۱۴ را مطالعه کنید.

سوالاتی برای بحث

این یک راهنمای مطالعاتی است، که بدین معنی است که شما خودتان مسئول تفسیر انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر خودمان گام برداریم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. شما نباید این امر را به یک مفسر واگذار کنید. این سوالات مباحثاتی به منظور کمک به شما در تفکر نسبت به مسائل اصلی این بخش از کتاب مطرح شده اند. آنها صرفاً تفکر برانگیز هستند نه قطعی.

۱. کارهایی را که مومنین باید به دلیل اینکه آمدن دوم قریب الوقوع است، انجام دهند را فهرست کنید.
۲. آیا نگارندگان عهد جدید منتظر آمدن سریع یا دیرتر سرورمان بودند؟
۳. چگونه عشق و محبت گناه را میپوشاند؟ گناهان چه کسانی؟
۴. آیا هر مسیحی یک نعمت الهی خدادادی دارد؟ اگر چنین است، چرا؟
۵. آیا رنج کشیدن برای مومنین معمولی است یا غیر عادی؟
۶. هدف از رنج کشیدن و محاکمه بیگناه در زندگی مومنین چیست؟
۷. چگونه مسیحیان باید نسبت به رنج کشیدن بیگناه پاسخ دهند؟
۸. آیا مسیحیان مورد داوری قرار خواهند گرفت؟ چگونه؟ چرا؟ کی؟ کجا؟

اول پطرس ۵

پاراگراف‌های ترجمه‌های مدرن

UBS ⁴	NKJV	NRSV	TEV	NJB
تعلیم گله خدا	شبان گله	خیر مقدم و جمع بندی نصایح	گله خدا	راهنمایی: به مشایخ
۴ الی ۱: ۵	۴ الی ۱: ۵	۵ الی ۱: ۵	۴ الی ۱: ۵	۴ الی ۱: ۵
		تقدیم به خدا، مقاومت در برابر شیطان		راهنمایی: به وفاداران
۵: ۵	۵ الی ۱۱		۵ الی ۷	۵ الی ۱۱
۵ الی ۶: ۷		۵ الی ۱۱		
۵ الی ۸: ۱۱			۵ الی ۸: ۱۱	
ختم کلام	وداع و صلح		آخرین خیر مقدم	کلام آخر
۱۴ الی ۱۲: ۵	۱۴ الی ۱۲: ۵	۵ الی ۱۲ الف	۵: ۱۲	۵: ۱۲
			۵ الی ۱۳ الف	۵: ۱۳
		۵: ۱۴ ب	۵: ۱۴ ب	۵: ۱۴

* تقسیم‌بندی پاراگرافها، تحت تاثیر الهام صورت نگرفته، بلکه کلید درک مطلب و دنبال کردن عزم اولیه نویسنده می‌باشند. هر ترجمه جدید، پاراگراف‌ها را تقسیم و خلاصه کرده است. هر پاراگراف شامل یک موضوع مرکزی، حقیقت یا تفکری است. هر نسخه این موضوع را به شیوه‌ای متمایز به کار می‌گیرد. همانطور که متن را می‌خوانید، از خودتان سوال کنید که کدام ترجمه متناسب با درک شما از موضوع و تقسیم بندی آیه است. در هر فصل ما ابتدا باید کتاب مقدس را بخوانیم و سعی کنیم موضوعات آن (پاراگرافها) را شناسایی کنیم، سپس درک خود با نسخه‌های جدید را مقایسه کنیم. تنها وقتی می‌توانیم هدف اصلی نویسندگان را دریابیم که با پیروی از منطق و نحوه ارائه آن، بتوانیم واقعا کتاب مقدس را درک کنیم. فقط نویسنده اصلی الهام گرفته است - خوانندگان حق ندارند پیام را تغییر داده یا اصلاح کنند. خوانندگان کتاب مقدس مسئولیت اعمال حقیقت الهام گرفته را روزانه و در طول زندگی دارند. توجه داشته باشید که تمام اصطلاحات فنی و اختصارات به طور کامل در اسناد زیر توضیح داده شده است: [انتقادات متنی و واژه‌نامه](#).

مطالعه حلقه سوم (رجوع کنید به "راهنمای مطالعه مفید انجیل")

به دنبال نیت اصلی نویسنده در سطوح پاراگراف

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید. کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص نمایید (مطالعه حلقه شماره ۳). تقسیمات موضوعی خود را با پنج ترجمه بالا مقایسه کنید. پاراگراف‌بندی به نویسنده الهام نشده است، اما کلید پیگیری اهداف اصلی نویسنده است که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول

۲. پاراگراف دوم

۳. پاراگراف سوم و غیره

مطالعه کلمات و عبارات

NASB: اول پطرس ۵: ۱ الی ۵

۱ من که خود از مشایخ هستم و شاهد بر رنجهای مسیح و شریک جلالی که آشکار خواهد شد، مشایخ را در میان شما پند می‌دهم: ^۲گله خدا را که به دست شما سپرده شده است شبانی و نظارت کنید، اما نه به اجبار بلکه با میل و رغبت، [آن گونه که خدا می‌خواهد]؛ و نه برای منافع نامشروع بلکه با عشق و علاقه. ^۳آه آنکه بر کسانی که به دست شما سپرده شده‌اند سروری کنید، بلکه برای گله نمونه باشید، ^۴تا چون رئیس شبانان ظهور کند، تاج جلال غیرفانی را دریافت کنید. ^۵ای جوانان، شما نیز تسلیم مشایخ باشید. همگی در رفتارتان با یکدیگر فروتنی را بر کمر بندید، زیرا، «خدا در برابر متکبران می‌ایستد، اما فروتنان را فیض می‌بخشد».

۱: ۵ "مشایخ... مشایخ را در میان شما" (در نسخه انگلیسی واژه بزرگان (edlers) به کار رفته است- مترجم) در اول پطرس ۵: ۱ و ۵ با اصطلاح مشایخ (presbuteros) بازی شده است. این اصطلاح ظاهراً برای عنوان رهبری استفاده شده (مراجعه شود به اول پطرس ۵: ۱) و دلالت بر سالخوردگی دارد (مراجعه شود به اول پطرس ۵: ۵). استفاده از این اصطلاح جالب است و اساساً باید در نظر گرفت که این یک اصطلاح یهودی برای رهبری قبیله است، در حالیکه "اسقف" یا "ناظر" (episcopos) اصطلاح یونانی در مورد شهر و دولت برای رهبری و اداره است. اول پطرس از اصطلاحات یهودی برای مومنین خارجی استفاده میکند.

پطرس خود را "دوست بزرگتر" خطاب میکند، اصطلاح presbuteros به اضافه syn که دلالت بر "همکاری مشترک" دارد. پطرس اقتدار شاگردی خود را تصریح نمیکند (مراجعه شود به دوم یوحنا ۱، جایی که یک شاگرد دیگر خود را "بزرگتر" میخواند)، بلکه (یعنی "من نصیحت میکنم"، زمان حال فعال اخباری) رهبران محلی را نصیحت میکند تا به طور مناسب در این نورها زندگی کنند

۱. الگوی مسیح

۲. نزدیک بودن بازگشت او

کلیساهای اولیه فاقد سمتهای رهبری در قبال پرداخت دستمزد بودند، بلکه در هر یک آنها کسانی که نعمت خدادادی بشارت را داشتند، به رسمیت شناخته میشدند. این تصریح نعمت داشتن باید با احترام به فرهنگ "خرد-سالخوردگان" متوازن میشد، به خصوص میان جامعه یهودیان معتقد. بنابراین پطرس هر دو نوع رهبری را مورد خطاب قرار میدهد.

همچنین توجه داشته باشید که "بزرگان" جمع است. این ممکن است اشاره به (۱) تعداد رهبران کلیساهای خانگی (مراجعه شود به اعمال رسولان ۲۰: ۱۷) و یا (۲) نعمات معنوی متفاوتی میان رهبران (مراجعه شود به افسسیان ۴: ۱۱) داشته باشد. که به وضوح میگوید که بشارت دادن متعلق به تمامی مومنین است. این همسو با مفهوم "پادشاهی کشیشان" (مراجعه شود به اول پطرس ۲: ۵ و ۹) است.

■ "شاهد بر رنجهای مسیح" این یک تأیید شهادت عینی در مورد تجدید خاطره زندگی عیسی است (مراجعه شود به اعمال رسولان ۳: ۱۵، ۱۰: ۳۹). همچنین ممکن است منعکس کننده خاطره پطرس از گفته های عیسی در اعمال رسولان ۱: ۸ باشد. اصطلاح "رنج" اشاره به مصلوب شدن دارد. پطرس اغلب از اصطلاح رنج کشیدن استفاده میکند (مراجعه شود به اول پطرس ۱: ۱۱، ۲: ۱۹ و ۲۰ و ۲۱ و ۲۳، ۳: ۱۴ و ۱۷ و ۱۸، ۴: ۱ (دو مرتبه) و ۱۳ و ۱۵ و ۱۹، ۵: ۱ و ۱۰). این بحث در مورد رنجهای عیسی هم به عنوان رستگاری و سرمشقی برای مومنین که باید آن را تکرار کنند، بخش کلی اول پطرس را تشکیل میدهد.

■ "شریک جلالی که آشکار خواهد شد" این نه فقط یک اشاره به آینده آمدن دوم است (مراجعه شود به اول پطرس ۱: ۵، ۷، ۴: ۱۳، ۵: ۴)، بلکه احتمالاً یک شهادت عینی و اشاره به تغییر چهره در گذشته است (مراجعه شود به انجیل متی ۱۷، انجیل مرقس ۹: ۲ الی ۸، دوم پطرس ۱: ۱۶ الی ۱۸). موضوع خاص: جلال/شکوه در بخش مربوط به انجیل مرقس ۱۰: ۳۷ را مطالعه کنید.

■ "گله خدا را که به دست شما سپرده شده است شبانی و نظارت کنید" این آئوریست فعال امری است. "شبان" یک استعاره عهد عتیقی برای خدا است (مراجعه شود به مزامیر ۲۳: ۱، ۱۰۰: ۳). این تبدیل به عنوان برای رهبران (مراجعه شود به حزقیال ۳۴: ۷ الی ۱۰) شد. گوسفند نیاز به مراقبت، توجه و محافظت مداوم دارد. عیسی در انجیل یوحنا ۱۰ "شبان خوب" خوانده میشود و به در انجیل یوحنا ۲۱ پطرس میگوید که شبانی گوسفندان او را بکند. در عهد جدید چندین لقب برای رهبران کلیساهای محلی دیده میشود:

۱. بزرگان

۲. ناظران یا بیشاپ ها

۳. شبانان یا پاستورها

به نظر میرسد که اینها را میتوان به جای یکدیگر استفاده کرد (مراجعه شود به اعمال رسولان ۲۰: ۱۷ و ۲۸، تیتوس ۱: ۵ و ۷).

NASB "انجام نظارت"

NKJV "خدمت به عنوان ناظر"

NRSV "به عنوان ناظر عمل کردن"

TEV حذف شده است

NJB حذف شده است

چندین نسخه دستنویس یونانی (یعنی P⁷²، A، P و والگیت) حالت فعلی "ناظر" (وجه وصفی حال فعال) را به کار برده اند که با کار بزرگان همراه است. برخی نسخ دستنویس باستانی وجه وصفی را حذف کرده اند (یعنی B* و B). مشخص نیست که این حذف تمعداً توسط کاتبینی که از ادغام وظایف یا نقشهای بزرگان و ناظرین ناراضی بودند صورت گرفته یا نه.

۵: ۲ الی ۳ اینبا مجموعه ای از شرایط ضد و نقیض (مراجعه شود به اول پطرس ۵: ۲ الی ۳) برای رهبران کلیساهای آغاز میشود.

مثبت	منفی
۱. داوطلبانه	نه تحت اجبار
۲. با اشتیاق	نه برای منفعت
۳. به عنوان مثال	نه برای حکمرانی

انسان حیرت میکند که تا چه اندازه این نفی کننده ها، منعکس کننده شرایط واقعی رهبری برخی از کلیساهای خانگی در ارتباط با تعالیم دروغین بودند (مراجعه شود به دوم پطرس).

■ "آن گونه که خدا می خواهد" این عبارت در بسیاری از نسخ یونانی (P, A, α^2, P^{72}) زمان حال است، ولی در MSS B و K و L حذف شده. در بیشتر ترجمه های انگلیسی مدرن زمان حال است، ولی در KJV حذف شده است. پطرس از این عبارت اغلب در اول پطرس استفاده میکند (مراجعه شود به اول پطرس ۲: ۱۵، ۳: ۱۷، ۴: ۲ و ۳ و ۱۹). بنابراین احتمالا اصل است.

■ "نمونه" به موضوع خاص بعدی مراجعه کنید.

۴: ۵ رئیس شبانان "نامگذاری پطرس برای عیسی به عنوان شبان (مراجعه شود به اول پطرس ۲: ۲۵) میتواند از مکالمه او با سرور زنده شده که در انجیل یوحنا ۲۱: ۱۵ الی ۱۷ ثبت شده باشد. در اینجا پطرس مسیح را با اصطلاحی ترکیبی از *archi* به اضافه *poimen* به معنی والترین یا اولین شبان (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۰: ۱ الی ۱۸) خطاب میکند. در عبرانیان ۱۳: ۲۰ مسیح به عنوان "شبان بزرگ" توصیف میشود. تمامی دیگر رهبران ("بزرگان" یا "ناظرین") زیر-شبانان هستند.

احتمال دارد که پطرس به اشعیا ۶۳: ۱۱هـ جایی که موسی "شبان" خطاب میشود، اشاره میکند.

■ "ظهور کند" این هم یک اشاره دیگر به آمدن دوم است (مراجعه شود به اول پطرس ۵: ۱، ۱: ۵ و ۷، ۴: ۱۳).

■ "تاج جلال غیرفانی" در متن (یعنی اول پطرس ۵: ۱ الی ۵) این اشاره به "زیر-شبانان" دارد. پطرس یک استعاره ورزشی (مراجعه شود به اول قرنتیان ۹: ۲۳) را با استعاره گل در اینجا ادغام میکند. این تاج محو ناشدنی جلال میتواند اشاره به ارثیه مومنین که توسط خدا در اول پطرس ۱: ۴ از آن محافظت میشود، باشد. این همسو با یکی از اینها باشد:

۱. "تاج پارسایی" پولس در دوم تیموتائوس ۴: ۸

۲. "تاج زندگی" یعقوب در یعقوب ۱: ۱۲

۳. "تاج زندگی" عیسی در مکاشفه ۲: ۱۰، ۳: ۱۱

این نمادی از پیروزی مومنین در نبرد علیه گناه، خود، و همچنین صبوری، رنج از روی وفاداری به خاطر مسیح است.

۵: ۵ "ای جوانان" در جامعه یهود مرد تا زمانی که به سن چهل سالگی برسد جوان تلقی میشود. هیچ خلا نسلی و جنگ در جامعه مؤمنین، به جز احترام متقابل، وجود نداشت (یعنی همانند اول پطرس ۵: ۵).

■ "تسلیم مشایخ باشید" این آئوریست مجهول امری است که رفتار تعیین شده در زندگی را توصیف میکند. متن دلالت بر این دارد که "بزرگان" اول پطرس ۵: ۱ همان "بزرگان اول پطرس ۵: ۵ هستند. با این حال، "جوانان" باید منعکس کننده تضاد سنی باشند (مراجعه شود به اول تیموتائوس ۵: ۱ که اشاره به یک فرد مسن دارد، در حالی که اول تیموتائوس ۵: ۱۷ اشاره به یک رهبر کلیسا دارد. موضوع خاص: تسلیم در بخش مربوط به اول پطرس ۲: ۱۳ را مطالعه کنید.

■ "همگی" پطرس از اعتراض به رهبران کلیسا و دیگر مردان جماعت طرف خطاب خود را به همه اعضای کلیسا منتقل می کند (مراجعه شود به افسسیان ۵: ۲۱). این خیلی مهم است که مومنین مسئولیت های شخصی خود را برای صلح و وحدت در رفاقت درک کنند (مراجعه شود به افسسیان ۴: ۲ الی ۳).

■ "کمر بندید" (در نسخه انگلیسی "خود را بپوشانید" نوشته شده است- مترجم) این آئوریست میانی امری است. پوشیدن و درآوردن لباس یک اصطلاح انجیلی برای شبوه زندگی اخلاقی مومنین است (مراجعه شود به یعقوب ۲۹: ۱۴، مزامیر ۱۰۹: ۲۹، اشعیا ۶۱: ۱۰، افسسیان ۴: ۲۲ و ۲۴ و ۲۵ و ۳۱). آنان باید مشخصه های خدا را بپوشند و هر گونه روح رقیب را از خود دور کنند.

اصطلاح یونانی برای "لباس" به مفهوم "کمر بند بستن" است. این احتمال هست که پطرس اعمال عیسی در اتاق طبقه بالا که در انجیل یوحنا ۱۳: ۲ الی ۱۱ ثبت شده را منعکس میکند (عیسی پیش بند بردگان را میبندد و پاهای شاگردان را میشوید). پطرس تواضع واقعی را دیده بود و اینک از مومنین میخواهد که رفتار مسیح را تکرار کنند (مراجعه شود به فیلیپیان ۲: ۸، یعقوب ۴: ۱۰).

■ "فروتنی" این اصطلاح ترکیبی از "فروتنی" و "طرز فکر" است. یادداشت مربوط به اول پطرس ۳: ۸ را مطالعه کنید.

■ "با یکدیگر" این تاکید بر جامعه است (مراجعه شود به اول پطرس ۳: ۹، افسسیان ۵: ۲۱). به مومنین برای یکدیگر نعمت داده میشود (مراجعه شود به

اول قرن‌تینان (۱۲: ۷). با یکدیگر می‌ایستیم یا سقوط می‌کنیم.

■ "خدا در برابر متکبران می‌ایستد، اما فروتنان را فیض می‌بخشد" این نقل قولی از امثال ۳: ۳۴ است (مراجعه شود به یعقوب ۴: ۶). اصطلاح "فیض" در مفهوم عهد عتیقی "لطف" استفاده شده است.

NASB: اول پطرس ۵: ۶ الی ۱۱

پس خویشتن را زیر دست نیرومند خدا فروتن سازید تا در زمان مناسب سرافرازتان سازد. همه نگرانیهای خود را به او بسپارید زیرا او به فکر شما هست.

هشیار و مراقب باشید، زیرا دشمن شما ابلیس همچون شیری غرآن در گردش است و کسی را می‌جوید تا ببلعد. پس در ایمان راسخ باشید و در برابر او بایستید، زیرا آگاهید که برادران شما در دنیا با همین زحمات روبه‌رویند. پس از اندک زمانی زحمت، خدای همه فیضها که شما را به جلال ابدی خود در مسیح فرا خوانده است، خود شما را احیا و استوار و نیرومند و پایدار خواهد ساخت. او را تا ابد توانایی باد. آمین.

۵: ۶ "خویشتن را فروتن سازید" این آئوریست امری مجهول است. این یکی از مشخصه‌های عیسی است (مراجعه شود به انجیل متی ۱۱: ۲۹) که تبدیل به استاندارد برای پیروانش شده است (مراجعه شود به یعقوب ۴: ۱۰).

■ "دست نیرومند خدا" این یک عبارت انسان‌شناسانه است (مراجعه شود به یعقوب ۴: ۶ و ۱۰) که از توجه، شروط و محبت وفاداران خدا حتی در میانه رنج صحبت میکند. او "دست نامرئی" است همانطور که در استر آمده.

■ "سرافرازتان سازد" این منعکس کننده گفته‌های عیسی در انجیل متی ۲۳: ۱۲ و نصیحت یعقوب در یعقوب ۴: ۶ است. بیهوش به طور منظم در برابر غرور مقاومت کرده و فروتنی و تواضع را تحسین میکند (مراجعه شود به یعقوب ۵: ۱۱، مزامیر ۱۳۸: ۶، امثال ۳: ۳۴، حزقیال ۱۷: ۲۴، ۲۱: ۲۶).

NASB "در زمان مناسب"
NKJV, NRSV, NJB "در وقتش"
TEV "در موقع خود"

در متن، این دو هدف الهیاتی را دنبال میکند: (۱) در حال حاضر این خوانندگان تحت آزار و اذیت قرار دارند، نه اینکه به آنان احترام گذارده میشود و (۲) زمان احترام و تحسن موقع آمدن دوم است. هشیاری، فروتنی و فقدان اضطراب در زمان مواجهه با آزار و اذیت ناشی از مداخلات شیطان حیاتی است.

۵: ۷ "همه نگرانیهای خود را به او بسپارید" این وجه وصفی آئوریست فعال است که به صورت امری استفاده شده و ممکن است اشاره ای به مزامیر ۵: ۵: ۲۲ در انجیل Septuagint باشد. این اصطلاحی است که میگوید فرد به صورت محض توجه خود را به مسیح جلب کرده (مراجعه شود به انجیل متی ۶: ۲۵). او آنها را حتی در میانه رنج و شکنجه برای ما حمل کرد. او گناهان ما را تقبل کرد و اینک ترس و اضطراب ما را تحمل میکند!

مومنین میتوانند اینکار را انجام دهند زیرا میدانیم او ما را دوست دارد. ما این را از موارد زیر میدانیم:

۱. مرگ او (مراجعه شود به اول پطرس ۲: ۲۲ الی ۲۴، ۳: ۱۸)
۲. از بازگشت او به زندگی (مراجعه شود به اول یوحنا ۲: ۱ الی ۲)
۳. از شبانی او (مراجعه شود به اول پطرس ۲: ۲۵، ۵: ۴)

۵: ۸ "هشیار و مراقب باشید" (در نسخه انگلیسی این عبارت به صورت "روحتان را در آرامش نگاهدارید، هشیار باشید" خوانده میشود- مترجم) اینها آئوریست امری فعال هستند. مومنین باید تصمیم قاطع در مورد هشیاری ذهنی بگیرند (مراجعه شود به انجیل متی ۲۴: ۴۲، ۲۵: ۱۳، ۲۶: ۴۱، انجیل مرقس ۱۳: ۳۵، ۳۷، ۱۴: ۳۸، اعمال رسولان ۲۰: ۳۱، اول قرن‌تینان ۱۶: ۱۳، کولسیان ۴: ۲، اول تسالونیکیان ۵: ۶ و ۱۰، مکاشفه ۳: ۳ الی ۱۶: ۱۵). پطرس قبلا (مراجعه شود به اول پطرس ۱: ۱۳، ۴: ۷) بر اینها (آرام و هشیار) تاکید کرده بود. هشیاری و تفکر مناسب میتواند بر اضطراب و وسوسه فائق آید.

■ "دشمن شما ابلیس" اصطلاح "دشمن" منعکس کننده عنوان عبری برای شیطان است (۳۶ مرتبه در عهد جدید استفاده شده است) که به معنی دشمن است. عنوان "ابلیس" (۳۷ مرتبه در عهد جدید استفاده شده است) یک کلمه مرکب یونانی از "به طرفی پرتاب کردن" بوده و به معنی افترا زدن است. موضوع خاص زیر را مطالعه کنید.

موضوع خاص: شیطان فردی

(SPECIAL TOPIC: PERSONAL EVIL)

۱. شیطان موضوع بسیار سختی است

a. عهد عتیق یک دشمن قوی بر علیه نیکی (خدا) را نشان نمی دهد، بلکه یک خادم یهوه که به انسان جایگزینیهایی را معرفی کرده و انسان را متهم به بی صداقتی می کند (A. B. Davidson, *A Theology of the OT*, صفحه ۳۰۰ الی ۳۰۶).

b. مفهوم دشمن خدا تحت تاثیر نفوذ دین زرتشتی پارسیان و در نوشته‌های غیر انجیلی ساخته شد. این، به نوبه خود، شدیداً روحانیون یهود را تحت تاثیر قرار داد (تبعید اسرائیل در بابل، پارس).

c. عهد جدید موضوع عهد عتیق را به شیوه بسیار زیبایی بسط داد، ولی به صورت منتخب و طبقه‌بندی شده.

اگر کسی بخواهد از دیدگاه الهیات انجیلی، شیطان را مورد مطالعه و بررسی قرار دهد (هر کتاب، نویسنده، و موضوع جداگانه) نگرشهای کاملاً متفاوتی نسبت به شیطان آشکار خواهد شد.

اگر مطالعه شیطان از روی منابع غیر انجیلی و از دیدگاه سایر مذاهب یا مذاهب شرقی باشد، بیشتر توسعه‌های عهد جدید در سایه دوگانگی پارسی و یونانی-رومی قرار می‌گیرند.

اگر به صورت پیش فرض، فرد خود را بر اقتدار الهی کتب مقدس متعهد بداند (همانطور که من هستم)، پس بسط عهد جدید باید به صورت مکاشفه تصاعدی دیده شود. مسیحیان باید در برابر اجازه دادن به فولکور یهودی یا ادبیات انگلیسی، جبهه بگیرند (یعنی دانت، میلتن) تا مفهوم را بیشتر روشن کنند. یقیناً رازها و ابهاماتی در زمینه مکاشفه وجود دارند. خدا چنین تصمیم گرفت که همه جنبه‌های پلیدی، منشا آن (موضوع خاص: لوسیفر را مطالعه کنید)، و هدف آن را آشکار نکند، بلکه شکست آن را آشکار کرده است!

۲. شیطان در عهد عتیق

در عهد عتیق به نظر می‌رسد "شیطان" (BDB 966, KB 1317) یا "متهم کننده" به سه گروه جداگانه مرتبط باشد:

a. انسانهای متهم کننده (اول سموئیل ۲۹: ۴، دوم سموئیل ۱۹: ۲۲، اول پادشاهان ۵: ۴ و ۱۱: ۱۴ و ۲۳ و ۲۵، مزامیر ۱۰۶: ۶ و ۲۰ و ۲۹)

b. فرشتگان متهم کننده (اعداد ۲۲: ۲۲ الی ۲۳، زکریا ۱: ۳)

i. فرشته خدا - اعداد ۲۲: ۲۲ الی ۲۳

ii. شیطان - اول تواریخ ۲۱: ۱، یعقوب ۱ الی ۲، زکریا ۳: ۱

c. شیاطین (احتمالاً شیطان) متهم کننده (اول پادشاهان ۲۲: ۲۱، زکریا ۱۳: ۲)

ابلیس فقط در دوره تعاملی پیدایش ۳ به عنوان شیطان معرفی می‌شود (مراجعه شود به کتاب حکمت ۲: ۲۳ الی ۲۴، دوم انوش ۳: ۱، و حتی بعداً این تبدیل به گزینه روحانیون شد (مراجعه شود به تورات یهودیان Sanh 29a و Sot 9b). "پسران خدا" در پیدایش ۶ تبدیل به فرشتگان شیطان در اول انوش ۵۴: ۶ می‌شوند. آنها تبدیل به منشا الهیات روحانیون می‌شوند. این را برای تصریح دقیق بودن الهیات نمی‌گوئیم، بلکه برای نشان دادن بسط و گسترش آن. در عهد جدید این فعالیت‌های عهد عتیقی در دوم تواریخ ۱۱: ۳، مکاشفه ۹: ۱۲ به فرشتگان پلید (شیطان) منتسب می‌شوند.

از عهد عتیق منشا شخصیت دادن به شیطان را (بسته به دیدگاه شما) به سختی می‌توان تعیین کرد یا حتی می‌توان گفت غیر ممکن است. یک دلیل برای این امر، یکتاپرستی قوی اسرائیل است (مراجعه شود به تثنیه ۶: ۴ الی ۶، اول پادشاهان ۲۲: ۲۰ الی ۲۲، جامعه ۷: ۱۴، اشعیا ۴۵: ۷، عاموس ۳: ۶). تمام علت و معلول به یهوه منسوب است تا منحصر به فرد بودن و ارشدیت خود را نشان دهد (مراجعه شود به اشعیا ۴۳: ۱۱، ۴۴: ۶ و ۸، ۴۵: ۵ الی ۶ و ۱۴ و ۱۸ و ۲۱ و ۲۲).

منابع احتمالی اطلاعات عبارتند از: (۱) یعقوب ۱ الی ۲، که شیطان یکی از پسران خدا است (یعنی فرشته است) یا (۲) اشعیا ۱۴، حزقیال ۲۸ که از پادشاهان مغرور شرقی (بابل و تیریه) برای نشان دادن غرور شیطان استفاده شدند (اول تیموتائوس ۳: ۶). در مورد این گرایش، احساسات را هم ادغام کردم. حزقیال از استعاره‌های باغ عدن نه فقط برای پادشاه تیریه به عنوان شیطان استفاده می‌کند (مراجعه شود به حزقیال ۲۸: ۱۲ الی ۱۶)، بلکه برای پادشاه مصر هم به عنوان درخت دانش خوبی و بدی استفاده می‌کند (حزقیال ۳۱). با این حال، به نظر می‌رسد اشعیا ۱۴ به خصوص آیات ۱۲ الی ۱۴، یک شورش از روی غرور فرشتگان را توصیف می‌کند. اگر خدا می‌خواست ماهیت خاص و منشا شیطان را بر ما آشکار کند، این یک شیوه کاملاً غیر مستقیم و محل انجام آن بود (موضوع خاص: لوسیفر را مطالعه کنید). ما باید در مقابل گرایش الهیات سیستماتیک برداشتهای کوچک و مبهم از اظهارات، نویسندگان، کتب و موضوعات جبهه‌گیری کنیم و آنها را به عنوان قطعاتی از یک پازل الهی ببینیم.

۳. شیطان در عهد جدید

آلفرد ادرسهایم (*The Life and Times of Jesus the Messiah*، جلد دوم ضمائم ۸، صفحات ۷۴۸ الی ۷۶۳ و ضمیمه ۹ صفحات ۷۷۰ الی ۷۷۶)، می‌گوید که روحانیون یهود شدیداً تحت تاثیر دوالیسم پارسی و حدس و گمان شیطانی قرار داشتند. روحانیون در این زمینه منبع خوبی برای حقیقت نیستند. عیسی بر انشعابات تعالیم کنیسه شدیداً حمله می‌کرد. من فکر می‌کنم که مفهوم روحانی وساطت

فرشتگان (مراجعه شود به اعمال رسولان ۷: ۵۳) و مخالفت در دادن قانون به موسی در کوه سینا، درب را برای مفهوم دشمن بزرگ یهوه و نوع بشر باز کرد. دو خدا در دوگانگی خدایان ایرانی (زرتشتی) وجود دارند.

۱. اهورا مزدا، که بعداً اهورمزد گفته شد، و خدای خالق و خدای نیکی بود

۲. انگرا مینیو که بعداً اهریمن به آن گفته شد، نابود کننده روح و خدای پلیدی

آنان بر سر برتری در زمین می‌جنگند. این دوگانگی به صورت دوگانگی میان یهوه و شیطان به صورت محدودتر در یهودیسم بسط یافت.

یقیناً مکاشفه تصاعدی در عهد عتیق در خصوص بسط شیطان وجود دارد، ولی نه با جزئیاتی که روحانیون یهود ادعا می‌کردند. یک مثال خوب در مورد این تفاوت، "جنگ در بهشت" است. سقوط شیطان یک الزام منطقی است، ولی مشخصه‌های آن داده نشده است (مراجعه شود به موضوع خاص: سقوط شیطان و فرشتگان). حتی آنچه که ارائه شده در یک حجاب آخرالزمانی پوشیده شده است (مراجعه شود به مکاشفه ۱۲: ۴ و ۷ و ۱۲ الی ۱۳). هر چند شیطان شکست خورد و به زمین تبعید گردید، هنوز به عنوان خادم یهوه خدمت می‌کند (مراجعه شود به انجیل متی ۴: ۱، انجیل لوقا ۲۲: ۳۱ الی ۳۲، اول قرنتیان ۵: ۵، اول تیموتائوس ۱: ۲۰).

ما باید محدوده کنجکاوی خود را به این زمینه محدود کنیم. یک نیروی انسانی وسوسه و شیطان وجود دارند، ولی هنوز فقط یک خدا هست و نوع بشر هنوز مسئول انتخاب‌هایش می‌باشد. یک نبرد معنوی وجود دارد، هم قبل و هم بعد از رستگاری. پیروی فقط از طریق تثلیث خدا می‌آید و باقی خواهد ماند. شیطان شکست خورده و حذف خواهد شد (مکاشفه ۲۰: ۱۰)!

■ "همچون شیری غران در گردش است" استعاره این حیوان برای شیطان احتمالاً از عهد عتیق می‌آید.

۱. نماد دشمن قدرتمند (مراجعه شود به مزامیر ۷: ۲، ۱۰: ۲، ۱۷: ۱۲، ۲۲: ۱۳ و ۲۱، دوم تیموتائوس ۴: ۱۷)

۲. یکی از راه‌های خدا برای داوری بر مردمانش (مراجعه شود به دوم پادشاهان ۱۷: ۲۵، اشعیا ۱۵: ۹، ارمیا ۵۰: ۱۷)

■ "کسی را می‌جوید تا ببلعد" هدف غایی شیطان آشکار می‌شود - نابودی و مرگ. او دشمن همه خوبیها، خدایی و حقیقت است.

۵: ۹ "در برابر او بایستید" این هم یک آئوریست امری فعال دیگر است. با ایمان به عیسی مومنین قدرت مقاومت در برابر شیطان و پلیدی را دارند. در یعقوب ۴: ۷ همین تحسین مرتبط با فرار شیطان است، ولی در اینجا با رنج و محاکمه مرتبط شده است. پیروزی بر پلیدی به معنی فقدان درد و رنج نیست.

■ "در ایمان راسخ باشید" مومنین باید ایمان خود را حفظ کنند (مراجعه شود به کولسیان ۲: ۵). رونق و سلامتی همیشه نشان از برکت خدا نیستند (مراجعه شود به یعقوب، مزامیر ۷۳). مومنین باید ایمان خود را تحت هر شرایطی و در همه حال تقویت کنند. تداوم حساس است (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۴: ۲۲، رومیان ۸: ۱۷).

موضوع خاص: استقامت

(SPECIAL TOPIC: PERSEVERANCE)

توضیح دکترین کتاب مقدس در رابطه با زندگی مسیحی دشوار است چرا که آنها در قالب متداول گفتگوهای شرقی ارائه شده‌اند (مراجعه شود به موضوع خاص: ادبیات شرقی (پارادوکس‌های کتاب مقدس)). این جفت‌ها متناقض به نظر می‌رسند، اما هر دو قطب کتاب مقدس هستند. مسیحیان غربی تمایل دارند یک حقیقت را انتخاب کنند و حقیقت مخالف را نادیده می‌گیرند. بعضی مثالها:

۱. آیا رستگاری تصمیم اولیه برای اعتماد به مسیح است یا تعهد زندگی به شاگردی؟

۲. آیا نجات انتخابی به واسطه فضل الهی است و یا یک پاسخ ایمان و توبه از جانب بشر؟

۳. آیا وقتی که یکبار رستگاری پذیرفته شد، غیر ممکن است که از دست برود، یا نیاز به سعی و کوشش مداوم در حفظ آن وجود دارد؟ مسئله استقامت در سراسر تاریخ کلیسا با تضادهای درگیر بوده است. مشکل با تناقضات عهد عتیق شروع می‌شود:

۱. متون در رابطه با تضمین

a. گفته‌های عیسی در انجیل یوحنا (انجیل یوحنا ۶: ۳۷، ۱۰: ۲۸ الی ۲۹)

b. گفته‌های پولس (مراجعه شود به رومیان ۸: ۳۵ الی ۳۹، افسسیان ۱: ۱۳، ۲: ۵ و ۸ الی ۹، فیلیپیان ۱: ۶، ۲: ۱۳، دوم تسالونیکیان ۳: ۳، دوم تیموتائوس ۱: ۱۲، ۴: ۱۸)

c. گفته‌های پطرس (اول پطرس ۱: ۴ الی ۵)

۲. متون در رابطه با استقامت

a. گفته‌های عیسی در سایر اناجیل (انجیل متی ۱۰: ۲۲، ۱۳: ۱ الی ۹، ۲۴ الی ۳۰، ۲۴: ۱۳، انجیل مرقس ۱۳: ۱۳)

b. گفته‌های عیسی در انجیل یوحنا (انجیل یوحنا ۸: ۳۱، ۱۵: ۴ الی ۱۰)

c. گفته های پولس (رومیان ۱۱: ۲۲، اول قرنتیان ۱۵: ۲، دوم قرنتیان ۱۳: ۵، غلاطیان ۱: ۶، ۳: ۴، ۵: ۴، ۶: ۹، فیلیپیان ۲: ۱۲، ۳: ۱۸ الی ۲۰، کولسیان ۱: ۲۳، دوم تیموتائوس ۳: ۲)
 d. گفته های نویسنده عبرانیان (۲: ۱، ۳: ۶ و ۱۴، ۴: ۱۴، ۶: ۱۱)
 e. گفته های یوحنا (اول یوحنا ۲: ۶، دوم یوحنا ۹، مکاشفه ۲: ۷ و ۱۷ و ۲۶، ۳: ۵ و ۱۲ و ۲۱، ۷: ۲۱)

رستگاری انجیلی ناشی از عشق، رحمت و فضل تثلیث الهی است. هیچ انسانی نمی تواند بدون اینکه روح القدس حرکتی کند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۶: ۴۴، ۶۵) نجات یابد. خدا منشا شروع است و دستورالعمل را تنظیم میکند، اما خواستار آن است که انسانها باید با ایمان و توبه، در ابتدا و به طور مداوم پاسخ دهند. خداوند در قالب پیمان با انسان کار می کند. امتیازات و مسئولیت هایی وجود دارند!

رستگاری برای همه انسانها ارائه می شود. مرگ عیسی با مسئله گناه آفرینش سقوط کرده سروکار دارد! خدا راه را فراهم کرده است و می خواهد همه کسانی که در تصویر او ساخته شده اند به عشق او از طریق عیسی پاسخ دهند.

اگر میخواهید در این زمینه مطالعات بیشتری داشته باشید، به منابع زیر مراجعه کنید:

۱. Dale Moody, *The Word of Truth*, Eerdmans, 1981 (pp. 348-365)

۲. Howard Marshall, *Kept by the Power of God*, Bethany Fellowship, 1969

۳. Robert Shank, *Life in the Son*, Westcott, 1961

کتاب مقدس دو مشکل مختلف را در این زمینه مطرح می کند: (۱) اطمینان به عنوان مجوز برای زندگی بی ثمر و خودخواهانه و یا (۲) تشویق کسانی که با بشارت کردن و گناه شخصی مبارزه می کنند. مشکل این است که گروه های اشتباه پیغام اشتباه را دریافت می کنند و سیستم های الهیاتی را در پاراگراف های کتاب مقدس محدود می کنند. برخی از مسیحیان به شدت به پیام اطمینان نیاز دارند، در حالی که دیگران نیاز به هشدارهای دستوری برای استقامت دارند! شما جزو کدام گروه هستید؟

یک بحث علمی تاریخی مربوط به آگوستین در مقابل Pelagius و کالوین در مقابل Arminius (نیمه Pelagian) وجود دارد. مسئله شامل سوال در خصوص نجات است: اگر کسی واقعا نجات یابد، آیا او باید در ایمان و مفید بودن پایبند باشد؟

کالوینیستها در پشت این متون مقدس که حاکمیت خداوند و حفظ قدرت را تصریح میکنند، (انجیل یوحنا ۱۰: ۲۷-۳۰؛ رومیان ۸: ۳۱-۳۹؛ اول یوحنا ۵: ۱۳، ۱۸؛ اول پطرس ۱: ۳-۵) و و حالات صرف فعل مانند وجه وصفی کامل مجهول در افسسیان ۲: ۵ و ۸ صف می کشند.

ارامنه پشت این متون کتاب مقدس که به ایمانداران "برای نگه داشتن"، "نگه داشتن" یا "ادامه دادن" هشدار میدهند، صف کشیده اند (انجیل متی ۲۲: ۱۰؛ ۲۴: ۹ الی ۱۳؛ انجیل مرقس ۱۳: ۱۳؛ انجیل یوحنا ۱۵: ۴ الی ۶؛ اول قرنتیان ۱۵: ۲؛ غلاطیان ۶: ۹؛ مکاشفه ۲: ۷ و ۱۱ و ۱۷ و ۲۶؛ ۳: ۵ و ۱۲ و ۲۱؛ ۷). من شخصا اعتقاد ندارم که عبرانیان ۶ و ۱۰ قابل اجرا هستند، اما بسیاری از ارامنه از آنها به عنوان هشداریه علیه ارتداد استفاده می کنند. مثلا تمثیل بذر در انجیل متی ۱۳ و انجیل مرقس ۴ مسئله اعتقاد ظاهری را مطرح می کند، مانند یوحنا ۸: ۳۱ الی ۵۹. همانطور که کالوینیستها از صرف افعال کامل که برای توصیف رستگاری استفاده می کنند، ارامنه از پاراگراف های با زمان حال کامل مانند اول قرنتیان ۱: ۱۸، ۱۵: ۲، دوم قرنتیان ۲: ۱۵ استفاده می کنند.

این یک مثال کامل از این است که چگونه نظام های دینی از روش تفسیر اثبات متن سوء استفاده می کنند. معمولا از یک اصل هدایت کننده یا متن اصلی برای ساخت یک شبکه الهیاتی که تمام متون دیگر را نظاره می کند، استفاده می شود. مراقب منابع باشید. آنها از منطق غرب آمده است، نه آگاهی. کتاب مقدس یک کتاب شرقی است. این حقیقت را جفت هایی که پر تنش و پارادوکسی به نظر میرسند، ارائه می دهد. مسیحیت به معنای تایید هر دو و زندگی در درون تنش است. عهد جدید امنیت مؤمن و تقاضا برای ادامه ایمان را ارائه می دهد. مسیحیت یک پاسخ اولیه بر اساس توبه و ایمان است که نیازمند پاسخ مداوم همراه با توبه و ایمان است. رستگاری یک محصول (بلیط بهشت یا یک سیاست بیمه آتش سوزی) نیست، بلکه یک رابطه است. این تصمیم و شاگردی است. این در عهد جدید و در تمام حالات صرف فعل شرح داده شده است:

- آئوریست (عمل کامل شده)، اعمال رسولان ۱۵: ۱۱، رومیان ۸: ۲۴، دوم تیموتائوس ۱: ۹، تیتوس ۳: ۵

- کامل (عمل کامل شده ای که نتیجه آن همچنان ادامه دارد)، افسسیان ۲: ۵ و ۸

- کامل (عملی که همچنان در حال اجرا است) اول قرنتیان ۱: ۱۸، ۱۵: ۲، دوم قرنتیان ۲: ۱۵

- آینده (رخدادهای آینده و یا رخداد های خاص)، رومیان ۵: ۸ و ۱۰، ۹: ۱۰، اول قرنتیان ۳: ۱۵، فیلیپیان ۱: ۲۸، اول تسالونیکیان ۵: ۸ و ۹،

عبرانیان ۱: ۱۴، ۹: ۲۸

■ "آگاهید که برادران شما در دنیا با همین زحمات روبه رویند" پطرس از این تجربه مشترک مومنینی که در سراسر امپراتوری روم پراکنده اند، به عنوان مشوق این مومنین تحت آزار استفاده میکند. تجربه آنان غیر معمول نبود، بلکه معمولی بود.

۵: ۱۰ "پس از اندک زمانی زحمت" این اشاره به این زندگی دارد (مراجعه شود به اول پطرس ۱: ۶).

■ "خداى همه فیضها" امید همه مؤمنان، شخصیت محصور و تغییر ناپذیر خداوند مهربان، بخشنده و رحیم است. هر چند که ما در جهان گمراه و سقوط کرده پلیدی و یاغی زندگی میکنیم، وقتی که به اعتماد کنیم هیچ چیز ما را از او جدا نخواهد کرد (مراجعه شود به رومیان ۸: ۳۱ الی ۳۹).
 NIDOTTE، جلد ۲ صفحات ۷۸ و ۷۹ لیست حیرت انگیزی از عباراتی که به صورت مضاف الیه هستند و برای توصیف خدا استفاده شده اند را درج کرده است.

۱. خداى آرامش و صلح - رومیان ۱۵: ۳۳، ۱۶: ۲۰، اول قرنتیان ۱۴: ۳۳، اول تسالونیکیان ۵: ۲۳، فیلیپیان ۴: ۹، عبرانیان ۱۳: ۲۰
۲. خداى رحمت - انجیل لوقا ۱: ۷۸
۳. خداى تمامی آسایشها - رومیان ۱۲: ۱، دوم قرنتیان ۱: ۳
۴. خداى تمامی فیضها - اول پطرس ۵: ۱۰ و ۱۲
۵. خداى عشق - دوم قرنتیان ۱۳: ۱۱
۶. خداى ابهام نیست - اول قرنتیان ۱۴: ۳۳

■ "که شما را به جلال ابدی خود در مسیح فرا خوانده است" این تاکید دیگری مبنی بر شناسایی ما با مسیح است. ما اینک با او و مرگش (مراجعه شود به رومیان ۶: ۴) و رنجش (مراجعه شود به رومیان ۸: ۱۷) و همچنین قیام او از مردگان و جلالش (مراجعه شود به دوم قرنتیان ۴: ۱۷، دوم تیموتائوس ۲: ۱۰) شناخته میشویم. این جلال ابدی فقط با تجربه مرگ فیزیکی و یا آمدن دوم تحقق می یابد!

۵: ۱۱ "خود شما را احیا و استوار و نیرومند و پایدار خواهد ساخت" هدف خدا برای تمامی مومنین همانند مسیح بودن از طریق رنج و تقلا است (مراجعه شود به اول پطرس ۴: ۱۳، رومیان ۸: ۱۷، دوم قرنتیان ۱: ۵ و ۷، فیلیپیان ۳: ۱۹، دوم تیموتائوس ۲: ۱۲، عبرانیان ۲: ۱۰، ۵: ۸* با این وجود، او خودش است که هر آنچه مورد نیاز باشد را تامین میسازد. در اینجا مجددا مفهوم پارادوکسی پیمان را مبینیم. خدا سهم خود را انجام میدهد و نیز باید سهم خود را انجام دهیم.

■ "او را تا ابد توانایی باد" این در رابطه با ۴: ۱۱ است، به استثنای اینکه در اینجا هیچ فعلی وجود ندارد. بسیاری از موضوعات اول پطرس (همانند اول یوحنا) همانند الگوهای پرده های نقشدار یا ملودیهای موزیک هستند که با اندکی تفاوت مرتب تکرار میشوند. خدا کنترل همه چیز را در دست دارد (مراجعه شود به رومیان ۱۱: ۳۶).

NASB: اول پطرس ۵: ۱۲ الی ۱۴ الف

^{۱۲} به کمک سیلاس که او را برادری امین می دانم، این چند خط را به اختصار به شما نوشتم تا تشویقتان کنم و شهادت دهم که همین است فیض حقیقی خدا. در آن استوار بمانید.
^{۱۳} خواهر برگزیده با شما که در بابل است، و پسر من مرقس، به شما درود می فرستند. ^{۱۴} یکدیگر را با بوسه محبت آمیز سلام گویند.
 بر همه شما که در مسیح هستید، سلامتی باد.

۵: ۱۲ "به کمک سیلاس" این همان سیلاس اعمال رسولان ۱۵: ۴۰ است. این مرد منشا الهیات و خداشناسی و نوشته های پطرس و نیز مرقس یوحنا بود. از بسیاری جهات نوشته های پطرس همانند نوشته های پولس هستند.
 حدس و گمان های زیادی در مورد این رابطه این عبارت با نگارش اول پطرس وجود دارد. من فکر میکنم که بی تردید از یک کاتب استفاده کرده است، ولی آیا او سیلاس بود؟ مقاله جالبی در *Journal of the Evangelical Theological Society* جلد ۴۳ شماره ۳ صفحات ۴۱۷ الی ۴۳۲ تحت عنوان "سیلاس منشی پطرس نبود" اثر E. Randolph Richards مرا متقاعد کرده که این عبارت احتمالا اشاره به سیلاس که نامه را برای خواندگانش میبرد اشاره دارد نه اینکه الزاما برای پطرس آنها را نوشته باشد.

موضوع خاص: سیلاس/سیلوانوس

(SPECIAL TOPIC: SILAS/SILVANUS)

- سیلاس یا سیلوانوس کسی بود که پطرس او را انتخاب کرد تا در سفر بشارتی دومش (یعنی اعمال رسولان ۱۵: ۴۰ الی ۱۸: ۵) پس از اینکه بارناباس و یوحنا مرقس به قبرس بازگشتند (یعنی بحث در مورد مرقس، مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۵: ۳۶ الی ۳۹) او را همراهی کند.
۱. نخستین بار در انجیل در اعمال رسولان ۱۵: ۲۲ جایی که او در میان برادران کلیسای اورشلیم رئیس خوانده شد، از او نام برده شده است.
 ۲. او هم یک نبی بود (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۵: ۳۲).
 ۳. او همانند پولس یک شهروند روم بود (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۶: ۳۷).
 ۴. او و یهودا بارساباس توسط کلیسای اورشلیم جهت بررسی وضعیت به آنتیوخوس فرستاده شدند (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۵: ۲۲ و ۳۰)

الی (۳۵).

۵. پولس در دوم قرن‌تیاں ۱: ۱۹ از او به عنوان دوستی که انجیل را مؤظله میکند، یاد مینماید.
۶. بعدا در نگارش اول پطرس او با پطرس شناسایی میشود (مراجعه شود به اول پطرس ۵: ۱۲، احتمالاً به این دلیل است که نگارش پطرس بسیار شبیه نگارش پولس است).
۷. هم پولس و هم پطرس او را سیلوانوس صدا میزنند در حالیکه لوقا او را سیلاس میکند (حالت آرامی شائول). ممکن است که سیلاس نام یهودی و سیلوانس نام لاتین او بوده باشند (مراجعه شود به *Paul: Apostle of the Heart Set Free* اثر F. F. Bruce صفحه ۲۱۳).

■ "فیض حقیقی خدا" تا زمان نگارش نوشته های پطرس سایر نگرشهای عیسی بسط یافته بودند. پطرس تصریح میکند فقط یک فیض واقعی وجود دارد و آن انجیل است. پطرس بر فیض خدا اغلب در اول پطرس تاکید کرده است (مراجعه شود به اول پطرس ۱: ۱۰ و ۱۳، ۲: ۳، ۷: ۴، ۱۰: ۵، ۵: ۱۰ و ۱۲). خبر خوش عیسی مسیح واقعا منعکس کننده قلب پهوه است. در اینجا "درست" نامیده میشود زیرا در زندگی این مومنین رنج دیده تجربه شده است.

■ "در آن استوار بمانید" این آتوریست فعال امری است. این در روز بازجویی مهم است. "استوار ماندن" در رابطه با "استواری در ایماننان" در اول پطرس ۹: ۱ است. نگرشی به سوی خدا، نگرشی به سوی مسیح و به دور از گناه، خود، و شیطان است. این یک اصطلاح نظامی در افسسیان ۶: ۱۱ و ۱۳ و ۱۴ است. پولس از آن در چندین شیوه مختلف استفاده میکند.

۱. خلاصه انجیل در اول قرن‌تیاں ۱۵: ۱

۲. توضیح "فضاوت بر اساس ایمان" در رومیان ۵: ۲

۳. تحسین خارجیان برای نگاهداشتن ایمان در رومیان ۱۱: ۲۰

۴. هشدار در خصوص غرور روحانی در اول قرن‌تیاں ۱۰: ۱۲

مومنین یک مسئولیت پیمانی برای استواری در ایمان دارند. موضوع خاص: استقامت در بخش مربوط به اول پطرس ۵: ۹ را مطالعه کنید.

۵: ۱۳ "او" (ضمیر مونث) کلیساها، احتمالاً به دلیل مفهوم عهد عتیقی خدا به عنوان شوهر و اسرائیل به عنوان همسر (مراجعه شود به هوشع ۱ الی ۳) اغلب به عنوان مونث شناسایی میشوند (مراجعه شود به دوم یوحنا). کلیسا عروس مسیح است (مراجعه شود به افسسیان ۵: ۲۱ الی ۳۱).

■ "بابل" این احتمالاً اشاره رمزی به روم است (مراجعه شود به مکاشفه ۱۴: ۸، ۱۷: ۵، ۱۸: ۲ و ۱۰، ۱۷: ۵ Sibylline Oracles، ۱۵۲ و ۱۴۳، براوخ ۹: ۱). روم در روزگار پطرس نماد قدرت جهان در عهد عتیق بود (یعنی آسور، بابل و پارس). این یک سیستم مرسوم جهانی قدرت، غرور و بت پرستی دور از خدا بود (مراجعه شود به افسسیان ۲: ۲ الف).

■ "مرقس" این اشاره به یوحنا مرقس دارد. کلیسای اولیه در منزل خانوادگی او در اورشلیم با یکدیگر ملاقات میکردند (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۲: ۱۲). همچنین محلی بود که سه مرتبه سرورمان پس از قیام از مردگان در آنجا حاضر شد و روح القدس آمد.

یوحنا مرقس پولس و پسر عمویش بارناباس (مراجعه شود به کولسیان ۴: ۱۰) را در اولین سفر بشارتی شان همراهی میکرد (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۲: ۲۵ الی ۱۳: ۱۳). به دلایلی او تیم را رها کرد و به خانه بازگشت (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۵: ۳۸). بارناباس میخواست که او را در سفر دوم هم اضافه کند ولی پولس آن را رد کرد (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۵: ۳۶ الی ۴۱). این منجر به جدایی پولس و بارناباس شد. بارناباس یوحنا مرقس را به قبرس برد (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۵: ۳۹). بعدا در حالی که پولس در زندان بود، از یوحنا مرقس مثبت یادآوری میکند (مراجعه شود به کولسیان ۴: ۱۰) و مجدداً در دومین مرتبه ای که پولس در روم زندانی شود درست قبل از مرگش مجدداً از یوحنا مرقس یاد میکند (مراجعه شود به دوم تیموتائوس ۴: ۱۱). ظاهراً یوحنا مرقس بخشی از تیم بشارتی پطرس بود (مراجعه شود به اول پطرس ۵: ۱۳). ایزوبوس، *Eccl. His.* ۳: ۳۹: ۱۲ ماجرای جالبی در مورد رابطه یوحنا مرقس با پطرس را بیان میکند.

پاپیاس در کتاب خود به ما می گوید که سخنان سرورمان را از آریستیون به دست آورده شده است و یا به طور مستقیم از جانب شیخ کلیسا یوحنا فرا گرفته است. با توجه به این که این امر توجه دانشمندان را به خود جلب کرده است، باید اظهاراتی را که قبلاً از او نقل کرده ام با اطلاعاتی که او در رابطه با مرقس، نویسنده انجیل ارائه می دهد، دنبال کرد:

"این را نیز، شیخ پیشتر میگفت. مرقس، که مترجم پطرس بود، با دقت همه چیز یادداشت میکرد، اما نه به صورت منظم، فقط هر آنچه که او از گفته ها و اعمال سرورمان به یاد می آورد. زیرا او سرورمان را ندیده بود و نه گفته هایش را شنیده و نه اینکه یکی از پیروانش بود، بلکه همانطور که گفتم، مترجم پطرس بود. پطرس عادت داشت که تعالیم خود را بدون اینکه گفته های سرورمان را منظم و سیستماتیک کرده باشد، با اینها وفق دهد، به همین دلیل مرقس باید هر آنچه که او به خاطر می آورد را یادداشت کند. زیرا او فقط یک هدف داشت - چیزی که شنیده بود را از دست ندهد و هیچ گونه اشتباهی در آن صورت نگرفته باشد" (صفحه ۱۵۲)

در این نقل قول، پاپیاس در *Against Heresies* ۵: ۳۳: ۴ به "شیخ یوحنا" اشاره میکند، ایرنئوس میگوید "اینها شهادتهای عینی در نوشته پاپیاس

هستند که پایبان، که سخنان یوحنا و همراهش را میشنید بیان کرده‌اند". این دلالت بر آن دارد که پاپیاس از یوحنا‌ی شاگرد آنها شنیده است. یوحنا مرقس خاطرات و موعظه‌های پطرس را در انجیل بازنویسی کرد.

۱۴:۵ "بوسهٔ محبت‌آمیز" این یک ادای احترام فرهنگی میان اعضای خانواده است. این حالت برای خانواده خدا تطبیق داده شد (مراجعه شود به رومیان ۱۶:۱۶، اول قرن‌تینان ۱۶:۲۰، دوم قرن‌تینان ۱۳:۱۲، اول تسالونیکیان ۵:۶). تا قرن چهارم میلادی به دلیل سو درک از خارج از کلیسا، و سو استفاده در داخل کلیسا، بوسیدن محدود به همجنس بود. این ادای احترام دوستی بخش منظم شام سرور یا جشن محبت است.

NASB: اول پطرس ۵:۱۴ ب

بر همهٔ شما که در مسیح هستید، سلامتی باد

۱۴:۵ فقط کسانی که به مسیح ایمان دارند آرامش دارند (مراجعه شود به انجیل متی ۱۰:۳۴، انجیل لوقا ۱۲:۴۹ الی ۵۳، انجیل یوحنا ۱۴:۲۷).

سوالاتی برای بحث

این یک راهنمای مطالعاتی است، که بدین معنی است که شما خودتان مسئول تفسیر انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر خودمان گام برداریم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. شما نباید این امر را به یک مفسر واگذار کنید.

این سوالات مباحثاتی به منظور کمک به شما در تفکر نسبت به مسائل اصلی این بخش از کتاب مطرح شده‌اند. آنها صرفاً تفکر برانگیز هستند نه قطعی.

۱. اصطلاحات عهد جدید برای کسانی که رهبر کلیساهای خانگی هستند را فهرست کنید
۲. چهار موردی که شبان‌ها در اول پطرس ۵:۲ الی ۳ تحسین میشوند را فهرست کنید.
۳. اشارات پطرس در مورد تماس فردی پطرس با عیسی که در این فصل ذکر شده اند را فهرست کنید
۴. چگونه رنج کشیدن با بلوغ مسیحیت مرتبط است؟ با شیطان چگونه؟

مقدمه‌ای بر دوم پطرس

کلام آغازین

۱. هدف و یا دامنه این مقدمه این نیست که جزئیات مشکلات مربوط به اقتدار دوم پطرس را مورد بحث قرار دهیم. من شخصا به این نتیجه رسیده‌ام که دلیل قانع کننده ای برای انکار اقتدار پطرس وجود ندارد. سه منبع در تفکر این موضوع مفید بوده‌اند.
 - a. مقاله Bruce M. Metzger تحت عنوان *Literary Forgeries and Canonical Pseudepigrapha* در *The Journal of the Society of Biblical Literature*, ۱۹۷۲، صفحات ۳ الی ۲۴
 - b. مقاله Michael J. Kruger در *The Journal of the Evangelical Theological Society*، جلد ۴۲، شماره ۴، صفحات ۶۴۵ الی ۶۷۱
 - c. کتاب *2 Peter Reconsidered* اثر E. M. B. Green، انتشارات Tyndale، ۱۹۶۱
۲. از آنجا که به این احتمال فکر میکنم که دوم پطرس توسط پطرس نوشته نشده است، نکات بسیاری در ذهنم میگذرند.
 - a. اینکه چه کسی دوم پطرس را نوشته تغییر در عقیده من ایجاد نمیکند که تحت الهام نوشته شده است. اقتدار بر نگارش تاثیر گذارده، نه وحی، که یک پیش فرض ایمان و فرایند تاریخی قابل استناد است
 - b. چرا من با نام مستعار ناراحت هستم؟ ظاهرا قرن اول قرن نوزدهم، به آن عادت داشت (مقاله Metzger)
 - c. آیا به خاطر سلیقه شخصی نمیخواهم به خودم اجازه این کار را بدهم یا آیا می توانم شواهد تاریخی و متنی را صادقانه ارزیابی کنم؟ آیا سنت من را به نتیجه خاصی متوسل کرده است
 - d. کلیسای باستان اقتدار پطرس را زیر سوال برد، ولی پیام کتاب را نه (به استثنای کلیسای سوریه). این یک پیام درست در وحدت الهیاتی با سایر کتب عهد جدید با وابستگی های بسیار با موعظه های پطرس در کتاب اعمال رسولان است.
۳. ایزوبیوس از سه طبقه بندی برای توصیف نوشته های مسیحی استفاده کرد
 - a. پذیرفته شده
 - b. اختلاف نظر وجود دارد
 - c. جعلی است

او دوم پطرس همراه با یعقوب، یهودا، دوم یوحنا و سوم یوحنا را در طبقه بندی دوم قرار میدهد (یعنی "اختلاف نظر وجود دارد"). ایزوبیوس اول پطرس را پذیرفته است، در مورد دوم پطرس تردید دارد و دیگر نوشته های پطرس (۱) اعمال رسولان پطرس، (۲) انجیل پطرس، (۳) موعظه پطرس و (۴) آپوکالیپس پطرس را رد میکند.

اقتدار

۱. در خصوص اقتدار سنتی، در مورد این کتاب بیشترین اختلاف نظر وجود دارد.
۲. دلایل این اختلاف نظرات هم داخلی (شیوه و سبک نگارش) و هم خارجی (پذیرفتن آن با تاخیر) هستند.

توجهات درونی

- a. سبک
 - i. سبک نگارش با اول پطرس کاملا متفاوت است. اورینگن و جروم این را تشخیص دادند.
 ۱. اورینگن تأیید میکنند که برخی اقتدار پطرس را رد کردند، با این وجود، او شش مرتبه از دوم پطرس در نوشته هایش نقل قول کرد.
 ۲. جروم این را به استفاده پطرس از یک کاتب دیگر منتسب میکند. او هم تأیید میکنند که برخی در روزگار خودش اقتدار پطرس را رد کردند.
 ۳. ایزوبیوس این را در *Eccl. His ۳: ۳: ۱* بیان میکند: "اما به اصطلاح پیام دوم را ما به عنوان شرعی نمیپذیریم، ولی با این وجود برای بسیاری مفید به نظر رسیده و با سایر کتاب مقدس مورد مطالعه قرار گرفته است"
 - ii. سبک نگارش دوم پطرس کاملا متمایز است. مقاله *The Epistle of James, Peter and Jude* در *Anchor Bible* صفحات ۱۴۶ الی ۱۴۷ اثر B. Reicke آن را "آسیایسم" تلقی کرده است.
"این سبک "آسیایی" نامیده می شود زیرا نمایندگان برجسته آن از آسیای صغیر آمده اند و از طریق روش بارز، عمیق و با صدای بلند همانند رمان و غریب بوده و بی پروایی در مورد نقض آرمان های کلاسیک به سادگی در آن دیده می شود. نامه ما، بدون شک، مطابق با قوانین مکتب آسیایی بود که هنوز در طول اولین قرن مسیحی مهم بود"
 - iii. این احتمال وجود دارد که پطرس تلاش کرده تا به زبانی بنویسد (یونانی کوین) که بر آن تسلط نداشته است. زبان مادری او آرامی بود.
- b. ژانر

- i. آیا این یک نامه معمولی قرن اول است؟
- ii. ممکن است یک ژانر یهودی خاص بنام "پیمان" باشد، که با اینها مشخص میشود
۱. نامه وداع
 - a. کتاب تثنیه ۳۱ الی ۳۳
 - b. یوشع ۲۴
 - c. عهدنامه ۱۲ شیخ
 - d. انجیل یوحنا ۱۳ الی ۱۷
 - e. کتاب اعمال رسولان ۲۰: ۱۷ الی ۲۸
 ۲. پیش گویی مرگ قریب الوقوع (مراجعه شود به دوم تیموتائوس)
 ۳. تشویق شنوندگان برای اینکه سنت او را حفظ کنند
- iii. رابطه میان دوم پطرس و دوم یهودا
۱. بدیهی است که برخی از نوشته ها از جاهای دیگر اقتباس شده اند
 ۲. اشاره به منابع غیرشرعی باعث شده است که بسیاری از مردم یهودا و دوم پطرس را رد کنند، با این وجود حتی اول پطرس به اول انوش و پولس اشاره کرده و حتی از شاعران یونانی نقل قول میکند.
- iv. کتاب خودش ادعا میکند که از جانب پطرس شاگرد است
۱. نام او در دوم پطرس ۱: ۱ آمده است. او سیمیون پطرس خطاب شده است. پطرس نامی بود که توسط عیسی به او داده شد (مراجعه شود به انجیل متی ۱۶). سیمیون (نه شمعون) نادر و غیر معمول است. اگر کسی سعی در نوشتن در نام پیتر داشته باشد، انتخاب این املا برای اسم مستعار بسیار شگفت انگیز و مخرب است.
 ۲. در دوم پطرس ۱: ۱۶ الی ۱۸ او ادعا میکند که شاهد عینی تغییر چهره بوده است (مراجعه شود به انجیل متی ۱۷: ۱ الی ۸، انجیل مرقس ۹: ۲ الی ۸، انجیل لوقا ۹: ۲۸ الی ۳۶).
 ۳. او ادعا میکند که یک نامه اولی هم نوشته است (مراجعه شود به دوم پطرس ۳: ۱) که دلالت بر اول پطرس دارد.

v. صحت

۱. هیچ چیزی در این نامه وجود ندارد که متناقض با تعالیم شاگردان عهد جدید باشد
۲. فقط چند آیت منحصراً به فرد وجود دارند (جهان با آتش نابود میشود و نوشته های پولس به عنوان کتاب مقدس تلقی میشوند)، ولی هیچ چیز عرفانی یا کفر در آن دیده نمیشود.

عوامل خارجی

۱. ایزوبیوس نوشته های مسیحی قرن اول و دوم را به گروه طبقه بندی میکند
 - a. پذیرفته شده
 - b. اختلاف نظر وجود دارد
 - c. جعلی است
- دوم پطرس و نیز عبرانیان، یعقوب، دوم و سوم یوحنا در فهرست "اختلاف نظر وجود دارد" قرار میگیرند.
۲. دوم پطرس در شریعت مارسیون (سال ۱۵۴ میلادی) دیده نمیشود، ولی مارسیون هم بسیاری از دیگر کتب عهد جدید را رد میکند.
۳. دوم پطرس در Muratorian Fragment (سال ۱۸۰ الی ۲۰۰ میلادی) ظاهر نمیشود، ولی به نظر میرسد که فهرست آسیب دیده و همچنین عبرانیان، یعقوب و اول پطرس هم در آن دیده نمیشود.
۴. کلیسای شرق (سوریه) آن را رد کرده است
 - a. در پیشینا نیست (نیمه اول قرن پنجم)
 - b. در Philoxeniana (سال ۵۰۷ میلادی) در عراق و نسخه هراکلین (Harclean) (سال ۶۱۶ میلادی) از شمال آفریقا اضافه شده است
 - c. Chrysostom و Theodore of Mopsuestia (رهبران مکتب ترجمه آنتیوخوس) تمامی نامه های کاتولیک را رد کردند.
۵. به نظر میرسد که از دوم پطرس در "the Gospel of Truth" و "the Apocryphon of John" که از متون عرفانی Nag Hammadi هستند نقل قول شده است (مراجعه شود به *The Nag Hammadi Gnostic Texts and the Bible* اثر Andrew K. Helmbold صفحه ۹۱). این نوشته های کپتیک ترجمه های اولیه متون یونانی هستند. اگر دوم پطرس تحت وحی است پس غیر ممکن است که در قرن دوم نوشته شده باشد.

۶. در P⁷² دیده میشود و تاریخ آن توسط UBS⁴ (صفحه ۸) مربوط به قرن سوم یا چهارم است.
۷. توسط کلمنت روم در سال ۹۵ میلادی به آن اشاره و از آن نقل قول شده است.
- a. اول کلمنت (۹: ۲ - دوم پطرس ۱: ۱۷)
- b. اول کلمنت (۲۳: ۳ - دوم پطرس ۳: ۴)
- c. اول کلمنت (۳۵: ۵ - دوم پطرس ۲: ۲)
۸. ممکن است در *Dialogue with Trypho* اثر Justin Martyr ۸۲: ۱ - دوم پطرس ۲: ۱ اشاره شده باشد. اینها تنها دو نوشته مسیحی باستانی هستند که اصطلاح یونانی *pseudoprophetai* در آنها استفاده شده است.
۹. ایرنئوس (۱۳۰ الی ۲۰۰ میلادی) احتمالاً دوم پطرس اشاره میکند (در *Eusebius' His. Eccl.* ۵: ۳۲ - دوم پطرس ۳: ۸ و ۳: ۱: ۱ - دوم پطرس ۱: ۱۵)
۱۰. کلمنت اسکندریه (۱۵۰ الی ۲۱۵ میلادی) نخستین تفسیر را بر دوم پطرس نوشت (البته اینک از بین رفته است)
۱۱. در نامه عید پاک Athanasius دیده میشود (سال ۳۶۷ میلادی) که فهرست کنونی کتب شرعی است.
۱۲. توسط شورای کلیسای Laodicea (سال ۳۷۲ میلادی) و Carthage (سال ۳۹۷ میلادی) به عنوان "شرعی" پذیرفته شد.
۱۳. خیلی جالب است که نوشته های پطرس (یعنی اعمال پطرس، اعمال آندریاس و پطرس، اعمال پطرس و پولس، محبت پطرس و پولس، اعمال پطرس و دوازده شاگرد، آپوکالیپس پطرس و موعظه های پطرس) همگی توسط کلیسای اولیه به عنوان "غیر جدی" رد شدند (یعنی تحت الهام و وحی نیستند).
۳. Richard N. Longenecker در کتاب *Biblical Exegesis in the Apostolic Period* (صفحه ۱۷۴) چنین تفسیر میکند که دوم پطرس نوشته خود پطرس و بدون استفاده از کاتب باشد (یعنی سیلاس برای اول پطرس ۵: ۱۲ و یوحنا مرقس برای انجیل مرقس). برای شنیدن او تصریح میکند که اول پطرس انحصاراً برای نقل قولهای عهد عتیق از Septuagint استفاده میکند ولی دوم پطرس (مراجعه شود به دوم پطرس ۲: ۲۲) از MT برای امثال ۱۱: ۲۶ استفاده میکند که زمینه عبری دارد.

تاریخ

۱. بستگی به اقتدار دارد
۲. اگر کسی به نویسندگی پطرس متقاعد شده باشد، پس تاریخ آن مربوط به قبل از مرگ است (مراجعه شود به دوم پطرس ۱: ۱۴).
۳. سنت کلیسا تصریح میکند که پطرس شاگرد در روم و زمانی که نرون سزار بود، مرد. نرون محاکمات و مجازاتهایی را نسبت به مسیحیان در سال ۶۴ میلادی اعمال میکرد. او خود را در سال ۶۸ میلادی کشت.
۴. اگر یکی از پیروان پطرس به نام او نوشته است، پس تاریخ مربوط به ۱۳۰ الی ۱۵۰ میلادی بوده و احتمال دارد دوم پطرس در *Apocalypse of Peter* و همچنین *The Gospel of Truth* و *Apocryphon of John* نقل قول شده باشد.
۵. یکی از باستانشناسان برجسته آمریکایی به نام W. F. Albright تصریح میکند که به دلیل تشابهات با کتیبه بحرالمیت، قبل از سال ۸۰ میلادی نوشته شده است.

گیرندگان

۱. اگر در دوم پطرس ۳: ۱ به اول پطرس اشاره شده است، پس گیرندگان همانها هستند (یعنی شمال ترکیه)
۲. دوم پطرس میتواند شهادتی باید برای تشویق تمامی مومنین که تحت محاکمه و شکنجه هستند تا استقامت و بردباری داشته و در برابر معلمین دروغین مقاومت کرده و در سنتهای انجیل و پیش گویی آمدن دوم شاد زندگی کنند.

مناسبت

۱. همانطور که اول پطرس در مورد شکنجه و رنج صحبت میکند، دوم پطرس در مورد معلمین دروغین صحبت میکند.
۲. ماهیت دقیق تعالیم دروغین مشخص نیست، ولی میتواند با عرفان انطومی مرتبط باشد (مراجعه شود به دوم پطرس ۲: ۱ الی ۲۲، ۳: ۱۵ الی ۱۸). این کتاب از اصطلاحات فنی به کار رفته هم در عرفان آغازین و ادیان رمز و راز استفاده کرده است. ممکن است این یک روش هدفمند برای حمله به الهیات آنها باشد.
۳. این کتاب همانند دوم تسالونیکیان در خصوص آمدن دوم ولی با تاخیر صحبت میکند، زمانی که فرزندان خدا جلال یافته و بی ایمانان مورد داوری قرار میگیرند (مراجعه شود به دوم پطرس ۳: ۳ الی ۴). جالب است که اول پطرس از نظر شخصیتی از اصطلاح *apocalupsis* برای اشاره به بازگشت عیسی استفاده میکند، در حالیکه دوم پطرس از *parousia* استفاده میکند. این احتمالاً منعکس کننده کاتبین متفاوت است (یعنی جروم).

چرخه مطالعه اول

این یک راهنمای مطالعات تفسیری است، که به معنای آن است که شما مسئول تفسیر خودتان از انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر نوری که داریم حرکت کنیم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. البته نباید مفسر را نادیده بگیرید. فصل را به صورت یکجا بخوانید. موضوع کلی کتاب را با کلمات خود بیان کنید.

۳. موضوع کل کتاب
۴. نوع ادبیات کتاب

چرخه مطالعه دوم

این یک راهنمای مطالعات تفسیری است، که به معنای آن است که شما مسئول تفسیر خودتان از انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر نوری که داریم حرکت کنیم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. البته نباید مفسر را نادیده بگیرید. کل کتاب انجیلی را یکجا بخوانید. موضوعات اصلی را مشخص کنید و آنها را در یک جمله بیان کنید.

۶. موضوع اولین نکته
۷. موضوع دومین نکته
۸. موضوع سومین نکته
۹. موضوع چهارمین نکته
۱۰.

دوم پطرس ۱

پاراگراف‌های ترجمه‌های مدرن

UBS ⁴	NKJV	NRSV	TEV	NJB
درود ۱:۱ الی ۱	سلام بر وفادار ۱:۱ الی ۴	درود ۱:۱ الی ۲	مقدمه ۱:۱ ۲:۱	سلام ۱:۱ الی ۲
فراخوانی و انتخاب مسیحیان ۱:۳ الی ۱۱	رشد باثمر از روی ایمان ۱:۵ الی ۱۱ پطرس به مرگ نزدیک میشود	اظهار ادب و احترام ۱:۳ الی ۱۱	فراخواندو و انتخاب خدا ۱:۳ الی ۹	دست و دلبازی خدا ۱:۳ الی ۱۱
جلال مسیح و کلام نبوتی ۱:۱۲ الی ۱۵	کلام نبوتی قابل اعتماد ۱:۱۲ الی ۱۵	۱:۱۲ الی ۱۵	شهادتهای عینی جلال مسیح ۱:۱۲ الی ۱۵	شهادت شاگردی ۱:۱۲ الی ۱۵
۱:۱۶ الی ۲۱	۱:۱۶ الی ۲۱	۱:۱۶ الی ۱۸	۱:۱۶ الی ۱۸	۱:۱۶ الی ۱۸
		۱:۱۹ الی ۲۱	۱:۱۹ الی ۲۱	۱:۱۹ الی ۲۱

* تقسیم‌بندی پاراگرافها، تحت تاثیر الهام صورت نگرفته، بلکه کلید درک مطلب و دنبال کردن عزم اولیه نویسنده می‌باشند. هر ترجمه جدید، پاراگراف‌ها را تقسیم و خلاصه کرده است. هر پاراگراف شامل یک موضوع مرکزی، حقیقت یا تفکری است. هر نسخه این موضوع را به شیوه‌ای متمایز به کار می‌گیرد. همانطور که متن را می‌خوانید، از خودتان سوال کنید که کدام ترجمه متناسب با درک شما از موضوع و تقسیم بندی آیه است. در هر فصل ما ابتدا باید کتاب مقدس را بخوانیم و سعی کنیم موضوعات آن (پاراگرافها) را شناسایی کنیم، سپس درک خود با نسخه‌های جدید را مقایسه کنیم. تنها وقتی می‌توانیم هدف اصلی نویسندگان را دریابیم که با پیروی از منطق و نحوه ارائه آن، بتوانیم واقعا کتاب مقدس را درک کنیم. فقط نویسنده اصلی الهام گرفته است - خوانندگان حق ندارند پیام را تغییر داده یا اصلاح کنند. خوانندگان کتاب مقدس مسئولیت اعمال حقیقت الهام گرفته را روزانه و در طول زندگی دارند. توجه داشته باشید که تمام اصطلاحات فنی و اختصارات به طور کامل در اسناد زیر توضیح داده شده است: [انتقادات متنی و واژه‌نامه](#).

مطالعه حلقه سوم (رجوع کنید به "راهنمای مطالعه مفید انجیل")

به دنبال نیت اصلی نویسنده در سطوح پاراگراف

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید. کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص نمایید (مطالعه حلقه شماره ۳). تقسیمات موضوعی خود را با پنج ترجمه بالا مقایسه کنید. پاراگراف بندی به نویسنده الهام نشده است، اما کلید پیگیری اهداف اصلی نویسنده است که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول
۲. پاراگراف دوم
۳. پاراگراف سوم و غیره

بینش متنی بر آیات ۱ الی ۱۱

۱. آیات ۱ الی ۱۱ یک جمله یونانی هستند که هر دو جنبه پیمان را با هم ترکیب میکنند: پادشاهی فیض فراوان و الزام بر همانند مسیح زندگی کردن
۲. برجستگیها به نظر میرسد اینها باشند
- a. معرفی سنتی (دوم پطرس ۱:۱ الی ۲)

۱. از چه کسی
۲. به چه کسی
۳. سلام و خیر مقدم
- b. آیات ۳ الی ۴ - سهم خدا
- c. آیات ۵ الی ۷ - سهم مومنین
- d. آیات ۸ الی ۹ - جنبه های مثبت و منفی وفاداری
- e. آیات ۱۰ الی ۱۱ - تضمین از طریق شیوه زندگی کردن خداپسندان

مطالعه کلمات و عبارات

NASB: دوم پطرس ۱:۱ الی ۱۱

از شمعون پطرس، خادم و رسول عیسی مسیح،

به آنان که به برکت عدالت خدا و نجات دهنده ما عیسی مسیح، ایمانی همتراز با ایمان ما نصیبشان شده است:

فیض و سلامتی به واسطه شناخت خدا و خداوند ما عیسی، به فزونی بر شما باد.

زندگی مسیحی در پرتو دعوت الهی

قدرت الهی او هرآنچه را برای حیات و دینداری نیاز داریم بر ما ارزانی داشته است. این از طریق شناخت او میسر شده که ما را به واسطه جلال و نیکویی خویش فرا خوانده است. ^۴ او به واسطه اینها وعده های عظیم و گرانمای خود را به ما بخشیده، تا از طریق آنها شریک طبیعت الهی شوید و از فسادی که در نتیجه امیال نفسانی در دنیا وجود دارد، بپرهیزید.

^۵ از همین رو، به سعی تمام بکشید تا به واسطه ایمان خود نیکویی بار آورید و به واسطه نیکویی، شناخت، ^۶ و به واسطه شناخت، خویشنداری، و به واسطه خویشنداری، پایداری، و به واسطه پایداری، دینداری، ^۷ و به واسطه دینداری، مهر برادرانه و به واسطه مهر برادرانه، محبت. ^۸ زیرا چون اینها در شما باشد و فزونی یابد، نخواهد گذاشت در شناخت خداوند ما عیسی مسیح، بی فایده و بی ثمر باشید. ^۹ اما آن که عاری از اینهاست، کور است و کوتاه بین، و از یاد برده که از گناهان گذشته خویش پاک شده است. ^{۱۰} پس ای برادران، هر چه بیشتر بکشید تا فراخواندگی و برگزیدگی خویش را تثبیت نمایید، چرا که اگر چنین کنید هرگز سقوط نخواهید کرد. ^{۱۱} زیرا این چنین، دخول به پادشاهی جاودان خداوند و نجات دهنده ما عیسی مسیح به فراوانی به شما عطا خواهد شد.

۱:۱ "شمعون" این همان سیمون است (به *A Textual Commentary On the Greek New Testament* اثر Bruce Metzger صفحه ۶۹۹ مراجعه شود). این اسم عبری پطرس و نیز نام یکی از دوازده قبیله است. همین حالت فقط در اعمال رسولان ۱۵: ۱۴ ظاهر میشود. اگر این آخری نام مستعار بود، نگارنده یقیناً از تلفظ متداول "شمعون" استفاده میکرد.

■ "پطرس" این همان پیتر یا پطرس است که در زبان یونانی به معنی صخره بزرگ است. این نام مستعاری بود که توسط عیسی در انجیل متی ۱۶: ۱۸ و نیز انجیل یوحنا ۱: ۴۲ به شمعون داده شد. در این متن در انجیل یوحنا اصطلاح آرامی قیافاس ذکر شده است. در مکالمات روزمره عیسی به زبان آرامی صحبت میکرد، نه زبان عبری یا یونانی. پولس اغلب از قیافاس استفاده میکرد (مراجعه شود به اول قرنیتیان ۱: ۱۲، ۳: ۲۲، ۹: ۵، ۱۵: ۵، غلاطیان ۱: ۱۸، ۲: ۹ و ۱۱ و ۱۴).

مباحثات زیادی میان اساتید انجیلی کاتولیک و پروتستان درباره اهمیت این تغییر نام صورت گرفته است (که اهمیت عهد عتیقی در مورد ابراهیم، یعقوب و غیره دارد). در انجیل متی ۱۶: ۱۸ پطرس صخره گفته میشود که زیربنای کلیسا است. پروتستانها همیشه این را یک نکته الهیاتی کرده و اشاره میکنند که "پطرس" یا "پیتر" مذكر است ولی "صخره" (*Petra*) مونث میباش، در نتیجه اقرار به ایمان پطرس نه خود پطرس بلکه منظور سنگ زیربنای کلیسا است. با این حال، این تمایز در دستور زبان یونانی در زبان آرامی وجود ندارد، یعنی قیافاس در هر دو جا استفاده میشود.

به عنوان یک استاد الهیات من نمیخواهم رهبری بدیهی پطرس را انکار کنم، ولی همچنین این هم تشخیص دادم که دیگر شاگردان ارجحیت او را قبول نکردند (مراجعه شود به انجیل مرقس ۹: ۳۴، انجیل لوقا ۹: ۴۶، ۲۲: ۲۴ الی ۲۷، انجیل متی ۲۰: ۲۰ الی ۲۴). هر چند عیسی در مکالمات به زبان یونانی صحبت نمیکرد، متن تحت الهام به زبان یونانی ثبت شده است، بنابراین تمایز دستور زبانی تصور میشود که تحت وحی بوده است.

■ "خادم" این اصطلاح یونانی *doulos* است که به خدمتگزار یا برده اشاره میکند. این یا یک زمینه افتخار آمیز عهد عتیقی در مورد "خدمتگزار خدا" بودن دارد (یعنی موسی، یوشع، داوود، و اشعیا) و یا توجه عهد جدیدی بر فروتنی در رابطه با عیسی به عنوان سرورمان دارد (مراجعه شود به انجیل متی ۱۰: ۲۴ الی ۲۵).

■ "رسول" بدیهی است که این یک شیوه نگارشی برای نویسنده دوم پطرس بوده که هویت خود را به عنوان شاهد عینی، پیرو و شاگرد منتخب عیسی تصریح کند.

اصطلاح "رسول" از فعل یونانی "من میفرستم" (*apostellō*) است. عیسی دوازده نفر از شاگردان خود را انتخاب کرد تا در مفهوم خاصی با او باشند و آنان را "رسول" خطاب کرد (مراجعه شود به انجیل لوقا ۶: ۱۳). این اصطلاح اغلب در مورد عیسی که توسط پدر فرستاده شده، استفاده شده است (مراجعه شود به انجیل متی ۱۰: ۴۰، ۱۵: ۲۴، انجیل مرقس ۹: ۳۷، انجیل لوقا ۹: ۴۸، انجیل یوحنا ۴: ۳۴، ۵: ۲۴ و ۳۰ و ۳۶ و ۳۷ و ۳۸ و ۴۰ و ۵۷، ۷: ۲۰، ۸: ۴۲، ۱۷: ۳ و ۸ و ۱۸ و ۲۱ و ۲۳ و ۲۵، ۲۰: ۲۱). در منابع یهودی در مورد کسی استفاده شده است که به عنوان نماینده هرسمی شخص دیگری فرستاده میشود، مشابه "سفیر" (مراجعه شود به دوم قرنیتیان ۵: ۲۰). پطرس اقتداری که مسیح به او داده است را تصریح میکند.

در اینجا کاربردی فراتر از "دوازده شاگرد" بسط داده میشود (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۴: ۴ و ۱۴ و بارناباس، رومیان ۱۶: ۷، اندرونیکوس و جوناس، اول قرنیتیان ۴: ۶ و ۹ و ۱۲: ۲۸ و ۲۹، ۱۵: ۷ شاگردان، فیلیپیان ۲: ۲۵ اپافوردیتوس، اول تسالونیکیان ۲: ۶ سیلوانوس و تیموتائوس). کار دقیق آنان مشخص نیست، ولی شامل اعلام خبر خوش و رهبری خدمتگزارانه کلیسا است. حتی احتمال دارد که رومیان ۱۶: ۷ ("جونیا") اشاره به یک رسول مونث داشته باشد!

■ "عیسی مسیح" به یادداشت مربوط به اول پطرس ۱: ۱ مراجعه کنید.

NASB, NRSV, NJB "به آنان که ایمان آوردند"
NKJV "به آنان که ایمان ارزشمندی بدست آوردند"
TEV "به آنان ... که ایمان داده شد"

این وجه وصفی آتوریست فعال از اصطلاح (*lagchanō*) است، که اشاره به شکل گرفتن

۱. همانند قمار کردن (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۹: ۲۴)

۲. به مفهوم انجام وظیفه (مراجعه شود به انجیل لوقا ۱: ۹)

۳. به عنوان شیوه‌ای که گزینه الهی را نشان دهد (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱: ۱۷)

خیلی ساده به معنی "حاصل شدن" یا "بدست آوردن" است، ولی میتواند مفهوم اضافی دیگری در کاربرد "با اراده خدا" در LXX داشته باشد. همین موضوع در دوم پطرس ۱: ۳ و ۴ "عطا شدن" (دو مرتبه) و "فرا خواندن" است، همچنین به یادداشت مربوط به دوم پطرس ۱: ۱۰ "فراخواندگی و برگزیدگی خویش" توجه کنید.

این ابهام دقیقا مشابه پارادوکس پارسایی است. آیا پارسایی توسط انتخاب خدا صورت میگیرد یا انتخاب کسی که ایمان می آورد؟ پاسخ یقینا بله است! انجیل به وضوح میگوید که این جهان متعلق به خدا است. او در همه جنبه‌های آن حضور دارد. او انتخاب کرده است که با مخلوق هشیارش از طریق بیمان ارتباط داشته باشد. او تماس را آغاز می کند. او دستور کار را تنظیم می کند، اما درخواست کرده است که ما پاسخ دهیم (یعنی از ابتدا و به طور مداوم). این خوانندگان ایمانی را بدست آوردند که اراده خدا برای آنها (و برای همه) بود.

اصطلاح "ایمان" از واژه یونانی *pistis* است که در زبان انگلیسی به عنوان "ایمان"، "اعتماد" یا "باور" ترجمه شده است. در اصل در زبان عبری، این مفهوم به یک موضع پایدار اشاره میکند، اما در مورد کسی دلالت میکند که وفادار، صادق، و یا قابل اعتماد است. در کتاب مقدس ایمان مؤمن نیست، بلکه وفاداری خداوند است؛ اعتماد مؤمن نیست، بلکه اعتماد خداوند است. موضوع خاص در بخش مربوط به انجیل مرقس ۱: ۱۵ را مطالعه کنید.

NASB "از همان نوع همانند ما"
NKJV "ارزشمند"
NRSV, TEV, NJB "به ارزشمندی"

این اصطلاح ترکیبی یونانی، ترکیبی از *isotimos* که *isos* از آن گرفته شده (به عنوان مثال، برابر، مثل یا متناظر) و *time* (یعنی قیمت، ارزش یا ارزش با اشاره گر گرانبها یا هزینه) است. ایمان خداوند از ارزش ارزشمندی برخوردار بود (مراجعه شود به اول پطرس ۱: ۷) و همه مومنین در همان نوع ایمان سهیم هستند. هیچ ایمان دیگری برای رسولان و یهودیان و امتهای دیگر وجود ندارد (مراجعه شود به اول قرنیتیان ۱۳: ۱۲؛ غلاطیان ۳: ۲۸؛ اعمال رسولان ۳: ۱۱). هدایای مختلف وجود دارد، اما تنها یک ایمان (مراجعه شود به افسسیان ۴: ۵).

■ "پارسایی" این به پارسایی ما اشاره نمیکند (مراجعه شود به رومیان ۴) بلکه به پارسایی مسیح اشاره دارد (مراجعه شود به اعمال رسولان ۳: ۱۴، ۷: ۵۲، ۲۲: ۱۴، اول یوحنا ۲: ۱ و ۲۹، ۳: ۷). موضوع خاص: پارسایی در بخش مربوط به اول پطرس ۳: ۱۴ را مطالعه کنید. این واضح ترین نقطه در عهد عتیق است که *Theos* به عیسی دلالت دارد.

این ریشه یونانی (که منعکس کننده ریشه عبری *קָדַשׁ* BDB841 است) چندین مرتبه در دوم پطرس استفاده شده است.

۱. پارسا، صادق (*dikaios*) - ۲: ۸، فرد پارسا

۲. پارسا، عادل (*dikniosunē*)

۱: ۱ - پارسایی عیسی

۲: ۵ - پارسایی نوح (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۷: ۱)

۲: ۲۱ - راه پارسایی

۳: ۱۳ - بهشت جدید و زمین جدیدی که پارسایی در آن ساکن است

۳. درست کار

۱: ۱۳ - درست، شایسته

۲: ۷ - لوط عادل

۲: ۸ - انسان پارسا

عیسی پارسا است، مومنین از طریق او پارسا هستند، بنابراین، باید با پارسایی و تقوایی زندگی کنند که منعکس کننده عصر جدید است.

■ "خدا و نجات‌دهنده ما عیسی مسیح" این عبارت به فقط عیسی اشاره دارد.

۱. ضمیر اشاره فقط قبل از اولین اسم (قانون Granville Sharp)

۲. حالت دستور زبانی هر چهار اصطلاح کلیدی، "خدا"، "نجات‌دهنده"، "عیسی" و "مسیح" (مضاف‌الیه مفرد مذکر)

۳. حالت تکراری دستور زبانی (به استثنای "سرور" بجای "خدا") در دوم پطرس ۱: ۱۱، ۲: ۲۰، ۳: ۱۸

۴. A. T. Robertson در کتاب Word Pictures in the New Testament جلد ۶، صفحه ۱۴۸ به ما یادآوری میکند که در دوم پطرس

gnōsis و *epignōsis* همیشه در مورد عیسی استفاده شده اند.

۵. جاهای دیگری هم در عهد جدید هستند که الهی بودن عیسی تصریح میشود (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۱، ۸: ۵۷ الی ۵۸، ۲۰: ۲۸،

رومیان ۹: ۵، فیلیپیان ۲: ۶ الی ۱۱، دوم تسالونیکیان ۱: ۱۲، تیتوس ۲: ۱۳، عبرانیان ۱: ۸، و اول یوحنا ۵: ۲۰)، که در نور یکتاپرستی عهد

عتیق حیرت‌انگیز هستند.

در عهد عتیق، "نجات‌دهنده" معمولاً در مورد یهوه استفاده میشود، ولی گاهی اوقات در مورد مسیح استفاده شده است. در عهد جدید معمولاً به خدای

پدر اشاره دارد. در تیتوس این عبارت سه مرتبه در مورد پدر استفاده شده است (مراجعه شود به تیتوس ۱: ۳، ۲: ۱۰، ۳: ۴)، با این وجود، در برخی متون به

عیسی هم اشاره دارد (مراجعه شود به تیتوس ۱: ۴، ۲: ۱۳، ۳: ۶). این اصطلاح فقط در دوم پطرس استفاده شده و اغلب در مورد عیسی به کار رفته است

(مراجعه شود به دوم پطرس ۱: ۱ و ۱۱، ۲: ۲۰، ۳: ۲ و ۱۸).

۱: ۲ "فیض و سلامتی به‌فزونگی بر شما باد" این مشابه اول پطرس ۱: ۲ است. پولس اغلب "فیض و سلامتی" را استفاده میکرد، ولی در دنباله آن "از

جانب خدا، پدر ما" را به کار میبرد و اغلب "و سرورمان عیسی مسیح" را هم اضافه میکرد.

فیض اغلب منعکس‌کننده این حقیقت است که رستگاری انسان گناهکار و رفاقت نتیجه شخصیت و بینش خداوند است. این رابطه رفاقت (یعنی احیا

شده) جدید با خدا به آرامش و سلامتی منتهی میشود. انسانها برای دوستی با خدا خلق شده اند، بر اساس این تصاویر و با یکدیگر ما خلق شده ایم. فیض

همیشه بر آرامش اولویت دارد! این فعل آتوریست مجهول آرزویی است. این یک دعا است. پطرس میخواهد خدا هم فیض و هم سلامتی بدهد.

■ "به واسطه شناخت خدا" فیض و سلامتی توسط خدا از طریق دانش تجربی (*epignōsis*) هم خودش و هم پسرش داده میشوند (یعنی حالت مجهول).

شناخت یک موضوع تکراری در دوم پطرس است، احتمالاً به واسطه معلمین دروغین (یعنی عرفان و عرفا)، همانند کولسیان و اول یوحنا.

۱. *epignōsis* (شناخت کامل) *epignōskō* (به طور کامل شناختن)

دوم پطرس ۱: ۲ (دو مرتبه)

دوم پطرس ۱: ۲

دوم پطرس ۱: ۳

دوم پطرس ۱: ۸

دوم پطرس ۲: ۲۰

۲. *gnōsis* (شناخت) *ginōskō* (شناختن)

دوم پطرس ۱: ۵

دوم پطرس ۱: ۶

gnōrizō (شناساندن)

دوم پطرس ۱: ۱۶

به نظر میرسد معلمین دروغین فصل ۲ دارای مشخصه‌هایی هستند که بعداً عرفان آنتینومی نامیده شد. این منجر به بسط سیستم فلسفی/الهیاتی

ارتدادی در قرن دوم شد، ولی ریشه‌های آن مربوط به قرن اول هستند. مشخصه آن بر اساس انحصار‌گرایی بر اساس دانش رموز و اسرار است. رستگاری با

این دانش مرتبط شد، نه با اخلاقیات. موضوع خاص در بخش مربوط به اول پطرس ۳: ۲۲ را مطالعه کنید.

■ "خدا و خداوند ما عیسی" من نکات دستور زبانی دوم پطرس ۱:۱ در رابطه با همین عبارت که فقط به عیسی اشاره دارد را تدوین کردم/

۱. یک فاعل

۲. همه در حالت مضاف الیه

همین ویژگیهای دستور زبانی در این عبارت یافت میشوند و همچنین تا حدودی تردید در مورد اینکه آیا دوم پطرس ۱:۱ فقط به عیسی اشاره دارد یا به پدر و پسر. با این حال، اختلاف مربوط به تفاوتها و پیچیدگیهای نسخ دستنویس متنوع است. در میان نسخ متنوع دستنویس یونانی، دستور زبان دوم پطرس ۱:۱ هیچ تفاوتی وجود ندارد. برای مشاهده فهرست کامل تفاوتها به یادداشت مندرج در چاپ چهارم Greek New Testament از United Bible Society صفحه ۷۹۹ و اثر Bart Ehrman صفحه ۸۵ مراجعه کنید.

۱:۳ الی ۷ این یک جمله طولانی یونانی است.

۱:۳ "با مشاهده" در NASB (نسخه به روز شده) به صورت مصطلحی در اینجا آورده شده است. وجه وصفی "با مشاهده" در متن یونانی دیده نمیشود.

■ "او" این ضمیر یا به خدای پدر و یا به خدای پسر اشاره دارد. تمامی ضمائر در این آیه آغازین به طور مشابهی مبهم هستند. این مشخصه نوشته های پطرس است. این احتمال وجود دارد که این ابهام تعمدی باشد (گوش مضاغف، همانند نوشته های یوحنا). عیسی به عنوان "خدا" در دوم پطرس ۱:۱ معرفی میشود، هم پدر و هم پسر از نظر دستور زبانی در دوم پطرس ۱:۲ به یکدیگر مرتبط میشوند، و صفت "الهی" در دوم پطرس ۱:۳ اشاره به هر دو دارد.

■ "بر ما ارزانی داشته است" این فعل دپوننت کامل میانی است. این حالت کلمه یونانی (*dōreomai* from *didōmi*) فقط در انجیل مرقس (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۵:۴۵) و نامه های پطرس (مراجعه شود به اول پطرس ۱:۳ و ۴) استفاده شده است، که ممکن است رابطه ادبی میان انجیل مرقس و نامه های پطرس باشد.

■ "هرآنچه را برای حیات" آیه سوم اساساً تکذیب الهیات معلمین دروغین عرفانی در مورد جدایی رستگاری از دانش اسرار و زندگی خداپسندانه روزانه است. خداپرستی زندگی ابدی (یعنی *zoe*) و روزمره همانند مسیح (یعنی *eusebeia*) را ایجاد می کند. شناخت واقعی ایمان داشتن به عیسی مسیح است که بر زندگی روزانه تاثیر میگذارد. مومنین تمامی نیازهای معنوی و روحانی را از طریق مسیح در اختیار دارند. ما نیاز نداریم در جستجوی عمیقتر حقیقت و تجربه کردن آن باشیم.

■ "دینداری" این کلمه مرکب (یعنی *eusebia*) از "خوب" و "عبادت" می آید. مفهوم آن زندگی روزمره خداپسندانه است. پطرس به صورت مکرر بر نیاز به دینداری تاکید میکند زیرا معلمین دروغین اخلاقیات و شرع را نادیده میگیرند (مراجعه شود به دوم پطرس ۱:۳ و ۶ و ۷، ۲:۹، ۳:۱۱). یادداشت کاملتر را در بخش مربوط به دوم پطرس ۱:۶ مطالعه کنید.

NASB "شناخت حقیقی"

NKJV, NRSV, NJB "شناخت"

TEV "شناخت ما"

این سیلی دیگری بر معلمین دروغینی است که بر دانش اسرار تاکید دارند (مراجعه شود به دوم پطرس ۲:۲۰ الی ۲۱). انجیل همانطور که توسط رسولان موعظه شد، شناخت واقعی است و عیسی حقیقت است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۴:۶). این حالت تشدید یافته *epignōsis* است، که مفهوم دانش تجربی دارد (مراجعه شود به دوم پطرس ۱:۲ و ۳ و ۸، ۲:۲۰). انجیل یک فرد است که باید آن را تجربه کرد نه فقط یک تعریف الهیاتی.

■ "ما را فرا خوانده است" این فعل چندین مرتبه در پطرس استفاده شده است (اول پطرس ۱:۱۵، ۲:۹ و ۲۱، ۳:۹، ۵:۱۰، دوم پطرس ۱:۳). همیشه به فراخواندن از جانب خدا اشاره دارد. هیچکس به سوی خدا نمیروند مگر اینکه روح القدس او را ببرد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۶:۴۴ و ۶۵، افسسیان ۱:۴ الی ۵).

■ "به واسطه جلال و نیکویی خویش" در این نقطه یک تفاوت در میان نسخ دستنویس یونانی وجود دارد.

۱. نسخ دستنویس L, K, B, P⁷² و بیشتر نسخ کوچک *dia* (از طریق) جلال و تقوی دارند (مراجعه شود به NKJV)

۲. نسخ دستنویس A, C, P و بیشتر ترجمه های باستانی *idia* (خودش) جلال و تقوی دارند (مراجعه شود به TEV, NRSV, NASB, NJB).

سوال اساسی این است که "آیا تمامی مومنین (۱) با ابزارها (یعنی پدر یا پسر) و ویژگیهای الهی فرا خوانده میشوند یا (۲) باید این ویژگیها را به اشتراک گذارند؟" کمیته ترجمه UBS⁴ رتبه B (تقریباً یقین) به گزینه شماره یک میدهد.

۱:۴ "او به واسطه اینها به ما بخشیده" این زمان اخباری کامل دپوننت میانی است که با وجه وصفی که در دوم پطرس ۱:۳ آمده مطابقت دارد. قدرت الهی خدا به مومنین تمامی نیازهای اولیه و مستمر را توسط وعده های خود داده است.

NASB "وعده های گرانبها و ارزشمند"

NKJV	"وعده های بیش از اندازه بزرگ و ارزشمند"
NRSV	"وعده های ارزشمند و بسیار بزرگ"
TEV	"هدایای بزرگ و ارزشمندی که وعده داد"
NJB	"بزرگترین و ارزشمندترین وعده ها"

این اصطلاحات توصیفی باید به انجیل اشاره داشته باشند، جایی که مومنین تبدیل به شریک طبیعت الهی میشوند (یعنی روح القدس). امید انسان گمراه فیض و شخصیت استوار خدا است، که از طریق وعده هایش بیان میشوند (یعنی هم عهد عتیق، ولی به خصوص از طریق مسیح، مراجعه شود به عبرانیان ۶: ۱۷ الی ۱۸). ترتیب این دو اصطلاح در نسخ دستنویس یونانی متفاوت است.

اصطلاح "ارزشمند" در اول پطرس ۱: ۱۹ برای خون بهای مسیح استفاده شده بود. این اصطلاح ریشه نام "تیموثائوس" یا "تیموتی" را تشکیل میدهد.

■ "شریک طبیعت الهی" این اشاره به (۱) روح القدس (مراجعه شود به دوم پطرس ۱: ۳) دارد که در زمان رستگاری می آید، یا (۲) شیوه دیگری برای اشاره به تولد جدید (مراجعه شود به اول پطرس ۱: ۳ و ۲۳). این با مفهوم فلسفه یونانی (هر چند که اصطلاحات از فلسفه رواقیون می آید) در مورد بارقه الهی در تمامی انسانها از بدو خلقت، بسیار تفاوت دارد. بدین معنی نیست که ما از خدایان هستیم یا خواهیم بود، بلکه بدین معنی است که باید همانند عیسی باشیم (مراجعه شود به اول رومیان ۸: ۲۹، افسسیان ۱: ۴، انجیل یوحنا ۳: ۲). مومنین باید الگوی شخصیتی خانواده خدا باشند (یعنی تصویر خدا). اصطلاح الهی هم در دوم پطرس ۱: ۳ و ۴ استفاده شده از *theios* است که به معنی "خداگونه" یا "شبیبه خدا" میباشد.

■ "پرهید" این کلمه فقط در دوم پطرس در عهد جدید استفاده شده است (مراجعه شود به دوم پطرس ۱: ۴، ۲: ۱۸ و ۲۰). این وجه وصفی آتوریست فعال است، که دلالت بر یک عمل انجام شده و کامل شده دارد (یعنی رستگاری، در زمان پذیرش انجیل، مراجعه شود به دوم پطرس ۱: ۱).

■ "فسادی که در نتیجه امیال نفسانی در دنیا وجود دارد" مسئله در دوم پطرس معلمین دروغینی هستند که دانش اسرار خاصی را اشاعه میکنند (یعنی عرفان)، ولی زندگی کردن روزانه به شیوه خداپسندانه را رد میکنند (مراجعه شود به اول پطرس ۱: ۱۴، ۲: ۱۱، ۳: ۴، دوم پطرس ۲: ۱۰ و ۱۸). فصل نخست به این اشتباه در دوم پطرس ۱: ۳ الی ۱۱ پاسخ میدهد.

زندگی مومنین سند (نه مبنای) تحول واقعی آنان است (مراجعه شود به یعقوب و اول یوحنا). بدون ثمر، بدون ریشه (مراجعه شود به انجیل مرقس ۴: ۱ الی ۲۰).

۱: ۵ "از همین رو" (در نسخه انگلیسی "به همین دلیل" نوشته شده است- مترجم) این اشاره به پاسخ مومنین به نعمات و وعده های خدا در دوم پطرس ۱: ۳ الی ۴ دارد (مراجعه شود به فیلیپیان ۲: ۱۲ الی ۱۳). موضوع خاص: فساد و تقوا در بخش مربوط به اول پطرس ۴: ۳ را مطالعه کنید.

NASB	"به سعی تمام بکوشید"
NKJV	"تمام تلاش را کردن برای اضافه کردن"
NRSV	"برای حمایت باید هر تلاشی را انجام دهید"
TEV	"حداکثر تلاش خود را برای اضافه کردن بکنید"
NJB	"تهدایت حمایت خود را بکنید"

این به مفهوم "انجام دادن حداکثر کوشش به منظور تامین" است. این وجه وصفی آتوریست فعال است که به صورت امری و در قالب فعل آتوریست امری فعال استفاده شده است. به طور حیرت انگیزی خدا رستگاری را ارائه کرده است (مراجعه شود به دوم پطرس ۱: ۳ الی ۴). اینک مومنین باید در مسیر آن گام بردارند (مراجعه شود به دوم پطرس ۱: ۵ الی ۷). انجیل مطلقاً از (۱) اراده خدا، (۲) کار خاتمه یافته مسیح، و (۳) تشویق روح القدس جدا است، ولی وقتی که پذیرفته شد، تبدیل به بهای هر چیزی در شاگردی روزانه میشود. این پارادوکس انجیل است. نعمتی است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۴: ۱۰، رومیان ۳: ۲۴، ۶: ۲۳، افسسیان ۲: ۸، عبرانیان ۶: ۴)، ولی همچنین پیمانی است با مزایا و مسئولیتهای خاص خود. انجیل واقعی بر ذهن، دل، قلب و دستان تاثیر میگذارد.

■ "ایمان" این اصطلاح میتواند معانی متفاوتی داشته باشد.

۱. معنی عهد عتیقی آن "وفاداری" و "قابل اعتماد بودن" است.

۲. پذیرش و دریافت پیشنهاد بخشش رایگان خدا از طریق مسیح توسط ما

۳. وفادار، زندگی خداپسندانه

۴. احساس جمعی ایمان مسیحی یا حقیقت در مورد عیسی (مراجعه شود به اعمال رسولان ۶: ۷ و یهودا ۳ و ۲۰)

در این متن (یعنی دوم پطرس ۱: ۱) پیشنهاد میکند که مسیح را به عنوان نجات دهنده پذیرفته شود. اینک مومنین باید رشد یافته و توسعه یابند. این رشد انتظار یافته مسیحی در رومیان ۵: ۳ الی ۴ و یعقوب ۱: ۳ الی ۴ هم بیان شده است.

موضوع خاص: رشد مسیحی (ویژگیها)

(SPECIAL TOPIC: CHRISTIAN GROWTH)

دوم پطرس ۱: ۵ الی ۷	یعقوب ۱: ۳ الی ۴	غلاطیان ۵: ۲۲ الی ۲۳	رومیان ۵: ۳ الی ۴
اعمال دائمی	حاصل آزمایشات	ثمره روح القدس	دلایل رنج و عذاب
• برتری اخلاقی	• تحمل	• عشق	• استقامت
• شناخت	• بلوغ	• لذت	• شخصیت اثبات شده
• خویشن داری	۱. استقامت	• آرامش	• امید (مراجعه شود به آیه ۲)
• استقامت	۲. کامل بودن	• صبوری	
• خدایی بودن		• صبر	
• محبت برادرانه		• محبت	
(philadelphia)		• نیکی	
• محبت مسیحی (agapē)		• وفاداری	
		• نرمی	
		• خویشن داری	

■ "برتری اخلاقی" (این اصطلاح در ترجمه فارسی حذف شده است-مترجم) این ویژگی در مورد مسیح (یا خدای پدر) در دوم پطرس ۱: ۳ استفاده شده است. این یکی از ثمره های روح القدس است (مراجعه شود به غلاطیان ۵: ۲۲ الی ۲۳). متضاد "زیاده روی" است (مراجعه شود به دوم پطرس ۲: ۳ و ۱۴). موضوع خاص: فساد و تقوا در عهد جدید در بخش مربوط به اول پطرس ۴: ۲ را مطالعه کنید.

■ "شناخت" شناخت (gnōsis) انجیل که به همانند مسیح هدایتان میکند یک چیز حیرت انگیز است. معلمین دروین شناخت دروغینی را اشاعه میدهند که به فساد اخلاقی منتهی میشود.

■ "خویشنداری" این تقوا کسی را توصیف میکند که قادر است خودخواهی های ماهیت انسان گمراه را کنترل کند (مراجعه شو به اعمال رسولان ۲۴: ۲۵، غلاطیان ۵: ۲۳، تیتوس ۱: ۸). در برخی متون (یعنی اول قرنیتیان ۷: ۹) به فعالیتهای جنسی نامناسب اشاره میکند و به دلیل گرایشات بی بندوبارانه معلمین دروغین، این مفهوم را نیز میتوان در اینجا اضافه کرد.

■ "استقامت" این اصطلاح به یک استقامت فعال، داوطلبانه و پایدار اشاره دارد. این یک ویژگی خدا پسندانه در مورد صبوری با مردم و شرایط است (مراجعه شود به رومیان ۵: ۳ الی ۴، یعقوب ۱: ۳).

■ "دینداری" این یک اصطلاح مهم در نامه های مقدس و همچنین در دوم پطرس است (به یادداشت مربوط به دوم پطرس ۱: ۳ مراجعه کنید)، که میخوایم از تفسیر خود در جلد ۹، اول تیموتائوس ۴: ۷ نقل قول کنم:

"این یک اصطلاح محض در نامه های مقدس است. این به معنای پیروی از آموزه های دینی و روزمره انجیل اشاره دارد (مراجعه شود به اول تیموتائوس ۳: ۱۶). این توصیف استثنایی نیست بلکه توصیفی است که انتظار می رود. این عبارت ترکیبی از "خوب" (eu) و "عبادت" (sebomai) است. پرستش واقعی، تفکر مناسب زندگی روزانه است (مراجعه شود به اول تیموتائوس ۴: ۱۶ الف). به تعداد دفعاتی که این کلمه در نامه های مقدس استفاده می شود، توجه داشته باشید:

۱. اسم (eusebeia)، اول تیموتائوس ۲: ۲، ۳: ۱۶، ۴: ۷ و ۸، ۶: ۳ و ۵ و ۶ و ۱۱، دوم تیموتائوس ۳: ۵، تیتوس ۱: ۱
۲. قید (eusebēs) دوم تیموتائوس ۳: ۱۲، تیتوس ۲: ۱۲
۳. فعل (eusebeō) اول تیموتائوس ۵: ۴
۴. اصطلاح مرتبط theosebeia، اول تیموتائوس ۲: ۱۰
۵. اصطلاح منفی (الفای خصوصی شده، یعنی asebeia) دوم تیموتائوس ۲: ۱۶، تیتوس ۲: ۱۲، (صفحه ۵۳)

۷:۱

NASB, NKJV "محبت برادرانه، عشق"
NRSV "احساس متقابل همراه با عشق"
TEV "محبت مسیحی همراه با عشق"

این ترکیب اصطلاح یونانی *phileō* (یعنی عشق) و *adelphos* (یعنی برادر) است. در اول پطرس ۱: ۲۲ هم تکرار شده است. در این متن اشاره به برادران و خواهران هم پیمان دارد.

اغلب گفته میشود که *phileō* اشاره به عشقی خفیفتر از *agapeō* دارد (مراجعه شود به دوم پطرس ۱: ۷)، ولی در یونانی کوبین این اصطلاحات مترادف هستند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۵: ۲۰، که از *phileō* برای عشق پدر برای عیسی استفاده میکند). با این حال، در اینجا و در انجیل یوحنا ۲۱ میتواند آن تمایز مد نظر، در نظر گرفته شود.

۸: ۱ "زیرا چون اینها" این یک حالت متداول در جملات شرطی در زبان یونانی نیست (مراجعه شود به NJB، با این حال، A. T. Robertson در *Word Pictures in the New Testament* این عبارت به صورت دو زمان حال فعال و وجه وصفی متناسب با شرایط (یعنی شرطی) شناسایی میشود، مراجعه شود به جلد ۶، صفحه ۱۵۱)، ولی شواهد مورد نیاز برای حصول اطمینان بر مبنای تغییر کردن و تغییر زندگی با توبه، ایمان اطاعت و خدمت کردن و استقامت بیان شده اند. حیات جاویدان (یعنی طبیعت الهی) مشخصه‌های قابل مشاهده‌ای دارد.

۱. مومنین کیفیت زندگی مسیحی را نشان میدهند، دوم پطرس ۱: ۵ الی ۷
۲. مومنین این ویژگیها را دارند و آنها را بیشتر میکنند (هر دو وجه وصفی حال فعال هستند)، دوم پطرس ۱: ۸
۳. مومنین برای خدا مثمر ثمر و مفید هستند، دوم پطرس ۱: ۸
۴. مومنین با شناخت کامل خدا زندگی میکنند (یعنی همانند مسیح هستند، مراجعه شود به دوم پطرس ۱: ۸)

■ "نخواهد گذاشت بی‌فایده و بی‌ثمر باشید" اغلب این حالت روحانی مومنین است

۱. بی استفاده و بی ثمر - یعقوب ۲: ۲۰
 ۲. بی فایده - انجیل متی ۷: ۱۶ الی ۱۹، ۱۳: ۲۲، انجیل مرقس ۴: ۱۹، کولسیان ۱: ۱۰، تیتوس ۳: ۱۴
 ۳. پولس از این کلمه برای هشدار استفاده میکند "در کارهای بی ثمر تاریکی شرکت نکنید" در مورد بی ثمر، میوه بد هشیار باشید! حیات جاویدان ویژگیهای قابل مشاهده دارد. بی ثمر - بی ریشه!
- ۹: ۱ همانطور که دوم پطرس ۱: ۸ یک مسیحی واقعی را توصیف میکند، دوم پطرس ۱: ۹ مومنینی را توصیف میکند که تحت تاثیر دوگانگی میان دانش - زندگی، الهیات - اخلاق، ارتدکس - ارتوپراکس معلمین دروغین قرار میگیرند.

■ "کوتاه بین" این به مفهوم "تجاهل کردن"، "باز و بسته کردن" و "با چشمان نیمه باز نگاه کردن" است. به صورت استعاره ای در مورد کسی به کار می‌رود که سعی میکند به وضوح ببیند ولی نمیتواند، احتمالاً آگاهانه از نور روی برمیگرداند (مراجعه شود به *The Vocabulary of the Greek Testament: Illustrated from the Papyri and Other Non-literary Sources* اثر James Hope Moulton و George Milligan صفحه ۴۲۰).

NASB	"از یاد برده که از گناهان گذشته خویش پاک شده است"
NKJV	"از یاد برده که از گناهان پیشینش پاک شده است"
NRSV	"فراموش کردن پاک شدن گناهان گذشته"
TEV	"از یاد برده‌اید که از گناهان گذشته خود پاک شده‌اید"
NJB	"فراموش کردن اینکه چگونه گناهان گذشته پاک شده‌اند"

این بدان معناست که اینها مؤمن هستند، اما توسط معلمین دروغین به شیوه زندگی کافرانه و گمراهانه کشانده شدند (مراجعه شود به دوم پطرس ۲). عجب فاجعه‌ای.

۱. این شیوه زندگی هیچ شادی، آرامش یا تضمینی را با خود به همراه ندارد
 ۲. این شیوه زندگی باعث انحطاط می شود
 ۳. این شیوه زندگی بشارت موثر را نابود میکند
 ۴. این شیوه زندگی مرگ زود هنگام را با خود به همراه می‌آورد.
- در این عبارت، پطرس به تطهیر یا پاک شدن از گناه اشاره میکند که از طریق مرگ مسیح به جای ما رخ داده است (مراجعه شود به اول پطرس ۱: ۱۸، ۲: ۲۴، ۱۸: ۱).

۱۰: ۱ "هر چه بیشتر بکوشید" این آتوریست فعال امری است. این اصطلاح (مراجعه شود به دوم پطرس ۱: ۱۵، ۳: ۱۴) میتواند به یکی از این معانی باشد:

۱. کاری را سریعاً انجام دادن (مراجعه شود به تیتوس ۳: ۱۲)

۲. حداکثر تلاش را انجام دادن (مراجعه شود به افسسیان ۴: ۳)
 ۳. مشتاق بودن (مراجعه شود به اعمال رسولان ۲۰: ۱۶، غلاطیان ۲: ۱۰)

به نظر میرسد گزینه ۳ بهترین باشد (مراجعه شود به NRSV).

"یقین حاصل کردن"	NASB
"اطمینان بدست آوردن"	NKJV
"تائید کردن"	NRSV
"دائمی کردن"	TEV
"هرگز اجازه نقض شدن ندادن"	NJB

این اصطلاح به سه شیوه استفاده شده است

۱. یقین به واسطه خوب انجام دادن (مراجعه شود به رومیان ۴: ۱۶)
 ۲. قابل اعتماد (مراجعه شود به دوم پطرس ۲: ۱۹ و عبرانیان ۳: ۱۴، ۶: ۱۹)
 ۳. قابل تائید (در نسخه پایروسی یونانی کورین که در مصر یافت شد در مورد تضمینهای قانونی مثل تائید کردن وصیتنامه استفاده شده است)
 مسیحیان تضمین دارند (مراجعه شود به فیلیپیان ۲: ۱۲ الی ۱۳، اول یوحنا ۵: ۱۳). موضوع خاص زیر را مطالعه کنید.

موضوع خاص: تضمین مسیحیت

(SPECIAL TOPIC: ASSURANCE)

تضمین (۱) یک حقیقت انجیلی، (۲) تجربه‌ای در ایمان مومن، و (۳) شاهد شیوه زندگی است.

۱. مبنای انجیلی تضمین

a. شخصیت و هدف خدای پدر

- i. خروج ۳۴: ۶ الی ۷ (موضوع خاص: مشخصه خدای اسرائیل را مطالعه کنید)
- ii. نحمیا ۹: ۱۷
- iii. انجیل یوحنا ۱۶: ۳، ۲۸: ۱۰ الی ۲۹ (موضوع خاص: برنامه رستگاری یهوه را مطالعه کنید)
- iv. رومیان ۸: ۳۸ الی ۳۹
- v. افسسیان ۱: ۳ الی ۱۴، ۵: ۲ و ۸ الی ۹
- vi. فیلیپیان ۱: ۶
- vii. دوم تیموتائوس ۱: ۱۲
- viii. اول پطرس ۱: ۳ الی ۵

b. کار پسر خدا

- i. دعای کشیشانه او، انجیل یوحنا ۱۷: ۹ الی ۲۴، بخصوص آیه ۱۲، عبرانیان ۷ الی ۹
- ii. قربانی شدن او بجای دیگران (مراجعه شود به اشعیا ۵۲: ۱۳ الی ۵۳: ۱۲)
 ۱. انجیل مرقس ۱۰: ۴۵
 ۲. دوم قرنتیان ۵: ۲۱
 ۳. اول یوحنا ۲: ۲، ۴: ۹ الی ۱۰
- iii. نماز روحانی مستمر او
 ۱. رومیان ۸: ۳۴
 ۲. عبرانیان ۷: ۲۵
 ۳. اول یوحنا ۲: ۱

c. فعال کردن روح خدا

- i. فراخواندن او، انجیل یوحنا ۶: ۴۴ و ۶۵
- ii. صحه گذاشتن او
 ۱. دوم قرنتیان ۱: ۲۲، ۵: ۵

۲. افسسیان ۱: ۱۳ الی ۱۴، ۴: ۳۰

iii. تضمین شخصی او

۱. رومیان ۸: ۱۶ الی ۱۷

۲. اول یوحنا ۵: ۷ الی ۱۳

۲. پاسخ ضروری مبتنی بر پیمان مومن (موضوع خاص: پیمان را مطالعه کنید)

a. توبه و ایمان اولیه و مستمر (موضوع خاص: دریافت کردن / ایمان / اعتراف یعنی چه؟ را مطالعه کنید)

i. انجیل مرقس ۱: ۱۵

ii. انجیل یوحنا ۱: ۱۲

iii. اعمال رسولان ۳: ۱۶ و ۲۰: ۲۱

iv. رومیان ۱۰: ۹ الی ۱۳

b. بخاطر داشتن اینکه هدف رستگاری شبیه عیسی بودن است

i. رومیان ۸: ۲۸ الی ۲۹

ii. دوم قرنتیان ۳: ۱۸

iii. غلاطیان ۴: ۱۹

iv. افسسیان ۱: ۴، ۲: ۱۰، ۴: ۱۳

v. اول تسالونیکیان

vi. دوم تسالونیکیان ۳: ۱۳، ۴: ۳، ۵: ۲۳

vii. تیتوس ۲: ۱۴

viii. اول پطرس ۱: ۱۵

c. بخاطر داشتن اینکه شیوه زندگی، تأیید ضمانت است

i. یعقوب

ii. اول یوحنا

d. به خاطر داشتن اینکه با ایمان و پایداری فعال تضمین می‌شود (موضوع خاص: استقامت را مطالعه کنید)

i. انجیل مرقس ۱۳: ۱۳

ii. اول قرنتیان ۱۵: ۲

iii. عبرانیان ۳: ۱۴، ۴: ۱۴

iv. دوم پطرس ۱: ۱۰

v. یهودا ۱: ۲۰ الی ۲۱

■ "فراخواندگی" در متن یونانی ضمیر مالکیت "او" وجود ندارد، ولی دلالت آن از دوم پطرس ۱: ۳ است. امید نهایی مومن در شخصیت پدر، کار پسر، و تحسین روح القدس است. با این حال، اینها توسط تک تک مومنین با زندگی از روی ایمان و خداپرستی تأیید میشوند (مراجعه شود به دوم پطرس ۱: ۵ الی ۷، فیلیپیان ۲: ۱۲ الی ۱۳). خدا با انسانها از طریق پیمان رابطه دارد. او دستور کار را تعیین کرده، گام اول را برداشته، ما را به سوی خود میکشاند، ولی ما ابتدا باید با توبه پاسخ داده و در آن بمانیم، خدمت و اطاعت کنیم و استقامت داشته باشیم. انجیل فردی است که باید او را بپذیریم، حقیقتی که باید به آن ایمان داشته باشیم و حیاتی که زندگی کنیم. اگر هر یک از آنها حذف یا کنار گذاشته شوند، رستگاری انجیلی غیر ممکن است.

موضوع خاص: فراخواندن

(SPECIAL TOPIC: CALLED)

خدا همیشه در فرا خواندن، انتخاب کردن و تشویق مومنین به سوی خود گام اول را برمیدارد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۶: ۴۴ و ۶۵، ۱۵: ۱۶، اول قرنتیان ۱: ۱ الی ۲، افسسیان ۱: ۴ الی ۵ و ۱۱). اصطلاح "فراخواندن" در چندین مفهوم الهیاتی استفاده شده است.

۱. در عهد عتیق، "فراخواندن به نام او" همیشه در متن دعاها استفاده شده است (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۴: ۲۶، ۱۲: ۸، ۲۱: ۳۳، ۲۶: ۲۵، کتاب خروج ۳۴: ۵).

۲. با فیض خدا (یعنی کتاب خروج ۳۴: ۶ الی ۷)، و از طریق کاری که مسیح انجام داده و روح القدس گناهکاران را محکوم کرده است (یعنی

- klētos*، مراجعه شود به رومیان ۱: ۶ الی ۷، ۹: ۲۴، که از نگاه الهیاتی مشابه اول قرن‌تینان ۱: ۱ الی ۲ و دوم تیموتائوس ۱: ۹، دوم پطرس ۱: ۱۰ (است) گناهکاران به رستگاری فراخوانده میشوند.
۳. به نام خدا گناهکاران برای رستگاری فرا خوانده میشوند (یعنی *epikaleō*)، مراجعه شود به اعمال رسولان ۲: ۲۱، ۲۲: ۱۶، رومیان ۱۰: ۹ الی ۱۳). این عبارت یک اصطلاح در دعا‌های یهودیان است.
۴. در مواقع بحران و فشار مومنین به نام او فرا خوانده میشوند (یعنی اعمال رسولان ۷: ۵۹)
۵. مومنین فرا خوانده میشوند که همانند مسیح زندگی کنند (یعنی *klēsis*)، مراجعه شود به اول قرن‌تینان ۱: ۲۶، ۷: ۲۰، افسسیان ۴: ۱، فیلیپیان ۳: ۱۴، دوم تسالونیکیان ۱: ۱۱، دوم تیموتائوس ۱: ۹)
۶. مومنین فراخوانده میشوند تا بشارت کنند (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۳: ۲، اول قرن‌تینان ۱۲: ۴ الی ۷، افسسیان ۴: ۱)

■ "برگزیدگی خویش" اسم *eklogē* همیشه همیشه در مورد انتخاب های خدا استفاده شده است.

۱. یعقوب/اسرائیل - رومیان ۹: ۱۱
۲. وفاداری پایدار - رومیان ۱۱: ۵ و ۲۸
۳. مومنین عهد جدید - رومیان ۱۱: ۷
۴. کلیسا - اول تسالونیکیان ۱: ۴، دوم پطرس ۱: ۱۰

موضوع خاص در بخش مربوط به انجیل مرقس ۱۳: ۲۰ و اول پطرس ۱: ۲ را مطالعه کنید.

■ "اگر چنین کنید هرگز سقوط نخواهید کرد" (در نسخه انگلیسی این عبارت به صورت "تا زمانی که این کارها را انجام دهید، هرگز دچار لغزش نخواهید شد" نوشته شده است - مترجم) "این کارها" اشاره به دوم پطرس ۱: ۳ الی ۷ دارد. حیات جاویدان مشخصه های قابل مشاهده ای دارد. حالت دستور زبانی (یعنی نفی مضاعف) و اصطلاح *pote* (یعنی "هر زمان" یا "تا زمانی که") تضمین بزرگی به مومنینی که در میانه رنج و عذاب (یعنی اول پطرس) هستند و درگیر معلمین دروغین (یعنی دوم پطرس) میباشند، میدهد.

در *Word Pictures in the New Testament* جلد ۶، صفحه ۱۵۳، A. T. Robertson فعل "انجام دادن" (یعنی *pioeō*) را به صورت وجه وصفی حال فعال ضمنی یا شرطی همانند دوم پطرس ۱: ۸ شناسایی میکند. نسخ NASB، NKJV، NRSV و TEV حرف شرط "اگر" را در ترجمه های خود اضافه کرده اند (همانند دوم پطرس ۱: ۸).

■ "هرگز سقوط نخواهید کرد" این یک ساختار دستور زبانی است که شدیدترین حالت نفی یک بیان است (نفی مضاعف و وجه شرطی حالت). همین حقیقت در یهودا ۲۴ بیان شده است.

با این حال، همانند عبرانیان (مراجعه شود به عبرانیان ۲: ۱ الی ۴، ۳: ۷ الی ۴: ۱۱، ۵: ۱۱ الی ۶: ۱۲، ۱۰: ۹ الی ۳۹، ۱۲: ۱۴ الی ۲۹)، دوم پطرس چندین هشدار شوکه کننده دارد (مراجعه شود به دوم پطرس ۲: ۱ و ۲۰، ۲۰: ۳ الی ۳: ۱۷). رستگاری تضمین شده است (مراجعه شود به اول پطرس ۱: ۴ الی ۶) ولی باید حفظ شود.

موضوع خاص: ارتداد (*APHISTĒMI*)

(SPECIAL TOPIC: APOSTASY (*APHISTĒMI*))

اصطلاح یونانی *aphistēmi* زمینه معنایی گسترده‌ای دارد. در زبان انگلیسی اصطلاح *apostasy* از این اصطلاح مشتق شده و کاربرد آن خوانندگان عصر مدرن را متعصب می‌کند. همیشه، متن کلید است نه مفهوم عصر حاضر. این اصطلاح یک کلمه مرکب است که از پیشوند *apo* که به معنی "از" یا "به دور از" و *histēmi* به معنی "نشستن"، "ایستادن" یا "درست کردن" است. به کاربردهای غیر الهیاتی زیر توجه کنید.

۱. پاک کردن/حذف کردن به صورت فیزیکی
 - a. از معبد، انجیل لوقا ۲: ۳۷
 - b. از خانه، انجیل مرقس ۱۳: ۳۴
 - c. از فرد، انجیل مرقس ۱۲: ۱۲، ۱۴: ۵۰، اعمال رسولان ۵: ۳۸
 - d. از همه چیز، انجیل متی ۱۹: ۲۷ و ۲۹
۲. پاک کردن/حذف کردن به صورت سیاسی، اعمال رسولان ۵: ۳۷
۳. پاک کردن/حذف کردن به صورت رابطه‌ای، اعمال رسولان ۵: ۳۸، ۱۵: ۳۸، ۱۹: ۹، ۲۲: ۲۹

۴. پاک کردن/حذف کردن به صورت قانونی (طلاق)، تثنيه ۲۴: ۱ و ۳ (LXX) و عهد جدید، انجيل متی ۵: ۳۱، ۱۹: ۷، انجيل مرقس ۱۰: ۴، اول قرنتيان ۷: ۱۱
۵. پاک کردن/حذف کردن بدهی، انجيل متی ۱۸: ۷
۶. نشان دادن بی توجهی با ترک کردن، انجيل متی ۴: ۲۰، انجيل يوحنا ۴: ۲۸، ۱۶: ۳۲
۷. نشان دادن توجه با ترک نکردن، انجيل يوحنا ۸: ۲۹، ۱۴: ۱۸
۸. اجازه دادن، انجيل متی ۱۳: ۳۰، ۱۹: ۱۴، انجيل مرقس ۱۴: ۶، انجيل لوقا ۱۳: ۸
- در مفهوم الهیاتی این فعال معنی گسترده‌ای دارد
۱. لغو کردن، عفو کردن، بخشیدن از گناه، خروج ۳۲: ۳۲ (LXX)، اعداد ۱۴: ۱۹، يعقوب ۴۲: ۱۰ و عهد جدید انجيل متی ۶: ۱۲ و ۱۴ الی ۱۵، انجيل مرقس ۱۱: ۲۵ الی ۲۶
۲. خودداری از گناه، دوم تیموتائوس ۲: ۱۹
۳. بی توجهی کردن با دوری کردن از
- a. قانون، انجيل متی ۲۳: ۲۳، اعمال رسولان ۲۱: ۲۱
- b. ایمان، حزقیال ۲۰: ۸ (LXX)، انجيل لوقا ۸: ۱۳، دوم تسالونیکیان ۲: ۳، اول تیموتائوس ۴: ۱، عبرانیان ۳: ۱۲، مومنین عصر مدرن سوالات الهیاتی بسیار زیادی می‌پرسند که نویسندگان عهد جدید هرگز راجع به آنها فکر نکرده بودند. یکی از این سوالات در رابطه با گرایش عصر مدرن نسبت به جدا کردن ایمان از وفاداری است.
- افرادی در انجيل هستند که جزو مردمان خدا هستند ولی اتفاقاتی می‌افتند و باعث می‌شوند که آنها بروند.
۱. عهد عتیق
- a. آنان که گزارش جاسوسی دوازده (ده) نفر را شنیدند، اعداد ۱۴ (مراجعه شود به عبرانیان ۳: ۱۶ الی ۱۹)
- b. قورح، اعداد ۱۶
- c. پسران القانه، اول سموئیل ۲ و ۴
- d. شائل، اول سموئیل ۱۱ الی ۳۱
- e. پیامبران دروغین مرد
- i. تثنيه ۱۳: ۱ الی ۵، ۱۸: ۱۹ الی ۲۲ (راه های شناختن پیامبران دروغین)
- ii. ارمیا ۲۸
- iii. حزقیال ۱۳: ۱ الی ۷
- f. پیامبران دروغین زن
- i. حزقیال ۱۳: ۱۷
- ii. نحمیا ۶: ۱۴
- g. رهبران شیطانی اسرائیل
- i. ارمیا ۵: ۳۰ الی ۳۱، ۸: ۱ الی ۲، ۲۳: ۱ الی ۴
- ii. حزقیال ۲۲: ۲۳ الی ۳۱
- iii. میکاه ۳: ۵ الی ۱۲

۲. عهد جدید

a. این فعل یونانی به مفهوم "مرتد شدن" (to aposasize) است. عهد عتیق و عهد جدید هر دو تشدید فعالیت شیطان و تعالیم دروغین قبل از آمدن دوم را تأیید می‌کنند (مراجعه شود به انجيل متی ۲۴: ۲۴، انجيل مرقس ۱۳: ۲۲، اعمال رسولان ۲۹: ۲۰ و ۳۰، دوم تسالونیکیان ۲: ۹ الی ۱۲، دوم تیموتائوس ۴: ۴). این اصطلاح یونانی می‌تواند منعکس کننده حرفهای یهودیان در تمثیل خاک در انجيل متی ۱۳، انجيل مرقس ۴، و انجيل لوقا ۸ باشد. این معلمین دروغین بدیهی است که مسیحی نیستند، ولی از درون آمده‌اند (مراجعه شود به امثال ۲۹: ۲۰ الی ۳۰، اول يوحنا ۱۹: ۲). با این حال، آنان می‌توانند مومنینی را که از نظر معنوی به بلوغ معنوی نرسیده‌اند، اغوا و گمراه کنند (مراجعه شود به عبرانیان ۳: ۱۲).

سوال الهیاتی این است که اصولاً آیا این معلمین دروغین مومن بوده‌اند؟ به این سوال به سختی می‌توان پاسخ داد زیرا این معلمین دروغین در کلیساهای محلی بودند (مراجعه شود به اول يوحنا ۱۸: ۲ الی ۱۹). اغلب سنتها یا نگرش الهیاتی یا مذهبی ما بدون استناد به متن خاصی در انجيل به این سوالات پاسخ می‌دهند (به استثنای روشهای شیوه بررسی و صحت مطلب که از نقل

آیه و بطن محتوا می توان گرایش کسی را اثبات کرد).

b. ایمان بدیهی

- i. یهودا، انجیل یوحنا ۱۷: ۱۲
- ii. شمعون جادوگر، اعمال رسولان ۸
- iii. کسانیکه در موردشان در انجیل متی ۷: ۱۳ الی ۲۳ صحبت می شد
- iv. کسانیکه در موردشان در انجیل متی ۱۳ و انجیل مرقس ۴ و انجیل لوقا ۸ صحبت می شد
- v. یهودیان انجیل یوحنا ۸: ۳۱ الی ۵۹
- vi. الکساندر و هیمنائوس، اول تیموتائوس ۱: ۱۹ الی ۲۰
- vii. آنان که در اول تیموتائوس ۶: ۲۱ در موردشان صحبت شد
- viii. هیمنائوس و فیلتوس، دوم تیموتائوس ۲: ۱۶ الی ۱۸
- ix. داماس، دوم تیموتائوس ۴: ۱۰
- x. معلمین دروغین، دوم پطرس ۲: ۱۹ الی ۲۲، یهودا ۱: ۱۲ الی ۱۹
- xi. ضد مسیحیان، اول یوحنا ۲: ۱۸ الی ۱۹

c. ایمان بی ثمر

- i. اول قرنتیان ۳: ۱۰ الی ۱۵
- ii. دوم پطرس ۱: ۸ الی ۱۱

به دلیل الهیات سیستماتیک (کالوینیسم، ارمیسیسم، و غیره) ما به ندرت به این متون فکر می کنیم، زیرا اینها پاسخ مجاز را بر ما دیکته می کنند. لطفا در مورد من پیش داوری نکنید که این مطلب را مطرح می کنم. توجه من بر فرایند صحیح مطالعه انجیل است. ما باید اجازه دهیم که انجیل با ما صحبت کند و اینکه سعی نکنیم آن را در یک قالب الهیات از پیش آماده شده بگنجانیم. اغلب این کار به دلیل تعصبات فرهنگی، مذهبی و رابطه ای (والدین، دوستان، شبان) دردناک و ناراحت کننده است، نه به دلیل تعصبات انجیلی (موضوع خاص: دریافت کردن، ایمان آوردن اعتراف کردن یعنی چه؟ را مطالعه کنید). کسانی که جزو مردمان خدا هستند تبدیل به کسانی می شوند که جزو مردمان خدا نیستند (مراجعه شود به رومیان ۹: ۶).

۱۱: ۱ "پادشاهی جاودان" این به پادشاهی جاودانی یهوه و مسیح اشاره دارد (مراجعه شود به اشعیا ۹: ۷، دانیال ۷: ۱۴ و ۲۷، انجیل لوقا ۱: ۳۳، اول تیموتائوس ۶: ۱۶، مکاشفه ۱۱: ۱۵ و ۲۲: ۵). این نه به پادشاهی هزاره و نه به هیچ متن دیگری در عهد جدید به استثنای مکاشفه ۲۰ اشاره ندارد، البته برخی اشاره در اول قرنتیان ۱۵: ۲۵ الی ۲۸ را نادیده میگیرند. من این کار را نمیکنم.

■ "خداوند و نجات دهنده" همین عبارت در مورد امپراتور استفاده شده است. این اصطلاح نادری است که اغلب در این کتاب استفاده شده است (مراجعه شود به دوم پطرس ۱: ۱۱، ۲: ۲۰، ۳: ۲ و ۱۸).

■ "به فراوانی به شما عطا خواهد شد" این زمان آینده مجهول اخباری است. حالت امری آن در دوم پطرس ۱: ۵ استفاده شده است. خدا تمامی نیازهای مومنین را تامین میکند (مراجعه شود به دوم پطرس ۱: ۳). به مومنین فرمان داده شده تا در نور قوانین خدا پاسخ مناسب دهند (مراجعه شود به دوم پطرس ۱: ۴). پاسخ آنها راهی برای پذیرفتن خدا نبود، اما شاهدهی مبنی بر قبول آنها بود.

NASB: دوم پطرس ۱: ۱۲ الی ۱۵

۱۲ پس این امور را همواره به شما یادآوری خواهم کرد، هر چند آنها را می دانید و در آن حقیقت که یافته اید، استوارید. ۱۳ آری، مصلحت چنین می دانم تا آنگاه که در این خیمه ساکنم، شما را از طریق یادآوری برانگیزانم، ۱۴ زیرا می دانم به زودی این خیمه را وداع خواهم گفت، چنانکه خداوند ما عیسی مسیح مرا آگاهانید. ۱۵ از این رو هر چه در توان دارم خواهم کرد تا بتوانید پس از رحلت همواره این امور را به یاد آورید.

۱۲: ۱ "پس" بر مبنای حقایق دوم پطرس ۱ انجیل .

■ "همواره به شما یادآوری خواهم کرد" این یک موضوع تکراری (مراجعه شود به دوم پطرس ۱: ۱۲ الی ۱۳ و ۱۵، ۳: ۱ الی ۲، فیلیپیان ۳: ۱، یهودا ۵ و ۱۷) است. این حقایق باید بارها و بارها برای آگاهی تازه ایمان آورندگان و ثبات بلوغ مومنین تکرار شوند.

آیات ۱۲ الی ۱۵ اغلب به عنوان ژانری به نام "گواهی/شهادت" شناخته میشوند. اغلب در مورد آخرین گفته های فرد قبل از مرگ به کار میرود (مراجعه شود به یوشع ۲۳ الی ۲۴، اول سموئیل ۱۲، دوم تیموتائوس ۴: ۶ الی ۸، دوم پطرس ۱: ۱۲ الی ۱۵).

■ "استوارید" (در نسخه انگلیسی این عبارت به صورت مجهول آمده است "استوار شده اید"-مترجم) این وجه وصفی مجهول کامل است. این میتواند به (۱) موعظه انجیل و یا (۲) ظهور معجزه آسا اشاره داشته باشد. توجه داشته باشید که این قدرت خدا (حالت مجهول) است که به مومن ثبات میدهد (مراجعه

شود به اول پطرس ۵: ۱۰). ولی مومنین باید از آن محافظت کنند (مراجعه شود به دوم پطرس ۳: ۱۷، اول پطرس ۵: ۹).

■ "در آن حقیقت" اصطلاحات "حقیقت/درست/قابل اعتماد" مفاهیم مهم انجیلی هستند که مایلیم دو موضوع خاصی که مربوط به تفسیر نوشته های یوحنا هستند (جلد ۴) را با شما در میان بگذارم.

موضوع خاص: حقیقت (مفهوم آن در نوشته های یوحنا)

(SPECIAL TOPIC: "TRUTH" (THE CONCEPT) IN JOHN'S WRITINGS)

در یک مفهوم یوحنا زمینه عبری و یونانی *alētheia* حقیقت را در هم ادغام می کند همانند کاری که در مورد *logos* انجام داد (رجوع شود به ۱: ۱ الی ۱۴). زبان عبری (رجوع شود به باور، اعتماد، ایمان و وفاداری در عهد عتیق) معنی می کند که کدامیک درست یا قابل اعتماد است (اغلب همراه با Septuagint یا *pisteuō*) است. در یونانی با واقعیت در مقابل غیر واقعی بودن افلاطون همراه است، بهشتی در مقابل زمینی. این با دوگانگی یوحنا همخوانی دارد. خدا به وضوح (ریشه یابی الهی نشان دادن، آشکار کردن، به وضوح آشکار کردن) خودش را به پسرش نشان داد. این به راه های مختلف بیان شده است.

۱. اسم، *alētheia*، حقیقت

- a. عیسی سرشار از محبت و حقیقت است (رجوع شود به یوحنا ۱: ۱۴ و ۱۷ - شرایط پیمانهای عهد عتیق)
- b. عیسی موضوع اصلی شهادت یحیی تعمید دهنده است (رجوع شود به انجیل یوحنا ۱: ۳۲ الی ۳۴، ۱۸: ۳۷ - آخرین پیامبر عهد عتیق)
- c. عیسی حقیقت را می گوید (رجوع شود به انجیل یوحنا ۸: ۴۰ و ۴۴ و ۴۵ و ۴۶ - مکاشفه درونی و فردی است)
- d. عیسی راه، حقیقت و زندگی است (رجوع شود به انجیل یوحنا ۱۴: ۶)
- e. عیسی آنها را با حقیقت مقدس می سازد (رجوع شود به انجیل یوحنا ۱۷: ۱۷)
- f. عیسی (پیامبر ۱: ۱ الی ۳) حقیقت است (رجوع شود به انجیل یوحنا ۱۷: ۱۷)

۲. صفت، *alēthēs*، درست، قابل اعتماد

- a. شاهد عیسی (رجوع شود به انجیل یوحنا ۵: ۳۱ و ۳۲، ۷: ۱۸، ۸: ۱۳ و ۱۴)
- b. قضاوت عیسی (رجوع شود به انجیل یوحنا ۸: ۱۶)

۳. صفت، *alēthinus*، واقعی

- a. عیسی نور حقیقی است (رجوع شود به انجیل یوحنا ۱: ۹)
- b. عیسی نان واقعی است (رجوع شود به انجیل یوحنا ۶: ۳۲)
- c. عیسی شراب واقعی است (رجوع شود به انجیل یوحنا ۱: ۱۵)
- d. عیسی شاهد واقعی است (رجوع شود به انجیل یوحنا ۱۹: ۳۵)

۴. قید، *alēthōs*، واقعا

- a. یک سامری به عیسی به عنوان نجات دهنده جهان شهادت می دهد (رجوع شود به انجیل یوحنا ۴: ۴۲)
- b. عیسی غذا و نوشیدنی واقعی است برخلاف روز منای موسی (رجوع شود به انجیل یوحنا ۶: ۵۵)

برای یک بحث خوب در خصوص حقیقت در عهد عتیق و عهد جدید به *A Theology of the New Testament* اثر Ladd, George E

صفحات ۲۶۳ الی ۲۶۹ مراجعه کنید.

موضوع خاص: درست/حقیقی (اصطلاح) در نوشته های یوحنا

(SPECIAL TOPIC: "TRUE" (THE TERM) IN JOHN'S WRITINGS)

۱. خدای پدر

- a. خدا حقیقی/قابل اعتماد است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۳: ۳، ۳۳: ۷ و ۱۸، ۲۸: ۸، ۲۶: ۱۷، ۳: رومیان ۳: ۴، اول تسالونیکیان ۱: ۹، اول یوحنا ۵: ۲۰، مکاشفه ۶: ۱۰)
- b. شیوه های خدا درست هستند (مراجعه شود به مکاشفه ۱۵: ۳)
- c. داورهای خدا درست هستند (مراجعه شود به مکاشفه ۱۶: ۷، ۱۹: ۲)

d. گفته های خدا درست هستند (مراجعه شود به مکاشفه ۱۹: ۱۱)

۲. خدای پسر

a. پسر حقیقت است

i. نور حقیقی (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۹، اول یوحنا ۲: ۸)

ii. شراب حقیقی (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۵: ۱)

iii. لبریز از فیض و حقیقت (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۱۴ و ۱۷)

iv. او حقیقت است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۴: ۶ و ۸: ۳۲)

v. او حقیقی است (مراجعه شود به مکاشفه ۳: ۷ و ۱۴، ۱۹: ۱۱)

b. شهادت پسر درست است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۸: ۳۷)

۳. میتواند مفهوم مقایسه ای داشته باشد

a. قوانین موسی در برابر فیض و حقیقت عیسی (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۱۷)

b. جشن خیمه ها در بیابان در برابر جشن خیمه ها در بهشت (مراجعه شود به عبرانیان ۸: ۲، ۹: ۱)

۴. در اغلب نوشته های یوحنا این اصطلاح مفاهیم (عبری و یونانی) کاملا متفاوتی دارد. یوحنا از آنها تماما برای توصیف پدر، پسر، به عنوان افراد، به عنوان سخنگویان و پیام آنان که باید به پیروانشان منتقل شود استفاده میکند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۴: ۲۳، ۱۹: ۳۵، عبرانیان ۱۰: ۲۲، مکاشفه ۲۲: ۶).

۵. از نظر یوحنا این دو صفت پدر و پسر را به عنوان واحد و تنها خدای قابل اعتماد (مراجعه شود به ۵: ۴۴، اول یوحنا ۵: ۲۰) و عیسی را به عنوان مکاشفه حقیقی و کامل برای هدف رستگاری و نه فقط حقایق شناختی توصیف میکند!

NASB	"که نزد شما است"
NKJV	"حقیقت نزد شما"
NRSV	"که نزد شما آمده است"
TEV	"که دریافت کرده اید"
NJB	(این عبارت حذف شده است)

این عبارت به مفهوم "در حقیقت نزد شما" است. "حقیقت" چگونه حضور دارد؟ حقیقتا هم (۱) قابل اعتماد بودن شخصیت و کلام خدا و (۲) توصیف عیسی به شیوه اشاره به پیام انجیل است (یعنی کلام زنده و کلام نوشته شده).

اصطلاح "حاضر" که از *parousē* آمده است، برای توصیف آمدن دوم مسیح به عنوان "حضور" او استفاده شده است (مراجعه شود به دوم پطرس ۱: ۱۶ و ۳: ۴ و ۱۲).

۱۳: ۱ "در این خیمه ساکنم" (در نسخه انگلیسی "در این زمین ساکنم" نوشته شده است - مترجم) پولس از این عبارت در دوم قرنتیان ۵: ۱ الی ۱۰ برای اشاره به کالبد فیزیکی خود استفاده کرده است. آیات ۱۴ و ۱۵ به وضوح نشان میدهد که پطرس انتظار شهادت قریب القوع خود را دارد.

۱۴: ۱ "خداوند ما عیسی مسیح" (در متن انگلیسی انجیل، در مورد عیسی همیشه اصطلاح *Lord* به معنی ارباب سرور به کار رفته است و این اصطلاح به معنی خداوند نیست - مترجم) این اصطلاح برای خواننده مسیحی/یهودی قرن اول بر چندین حقیقت الهیاتی دلالت دارد.

■ "خداوند" (در متن انگلیسی انجیل، در مورد عیسی همیشه اصطلاح *Lord* به معنی ارباب/سرور به کار رفته است و این اصطلاح به معنی خداوند نیست - مترجم) اصطلاح یونانی ارباب (*kurios*) میتواند در مفهوم کلی و یا در مفهوم بسط یافته الهیاتی استفاده شود. این اصطلاح به معنی "آقا"، "سرکار" (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۴: ۱۱)، "ارباب"، "مالک"، "شوهر" (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۹: ۳۶ و ۳۸) است. کاربرد عهد عتیقی (عبری، *adon*) این اصطلاح میتواند از تردید یهودیان در به کار بردن نام پیمانی خدا، یعنی یهوه، از مصدر عبری "بودن" (مراجعه شود به کتاب خروج ۳: ۱۴) باشد. موضوع خاص: اسامی الهی در بخش مربوط به انجیل مرقس ۱۲: ۳۶ را مطالعه کنید. آنان از شکستن فرمان هراس داشتند که میگفت "نباید نام خدا را بیهوده به کار ببرید" (مراجعه شود به کتاب خروج ۲۰: ۷، کتاب تثنیه ۵: ۱۱). بنابراین آنان فکر میکردند اگر آن را بر زبان نیاورند، آن را بیهوده به کار نبرده اند. بنابراین کلمه *adon* را جایگزین آن کردند، که معنی مشابهی با کلمه یونانی *kurios* (سرور) داشت. نگارندگان عهد جدید از این اصطلاح برای توصیف الهی بودن مسیح استفاده کردند. عبارت "عیسی سرور است" اقرار عمومی به ایمان و یک فرمول تعمید در کلیسای اولیه بود (مراجعه شود به رومیان ۱۰: ۱، ۹ الی ۱۳، اول قرنتیان ۱۲: ۳، فیلیپیان ۲: ۱۱).

■ "عیسی" این اسم عبری به معنی "یهوه نجات میدهد" یا "یهوه رستگاری می آورد" است. این نام توسط یک فرشته به والدینش گفته شد (مراجعه شود به

انجیل متی ۱: ۲۱). "عیسی" از کلمه عبری برای رستگاری، هوشع، با پسوند نام پیمانی خدا، پهوه مشتق شده است. مشابه نام عبری یوشع (جاشوا) است. ■ "مسیح" این (کرایست) معادل اصطلاح یونانی مسیح است، که به معنی "آن تطهیر شده" است. دلالت بر "کسی که توسط خدا برای انجام کار خاصی تجهیز شده است" دارد. در عهد عتیق سه گروه رهبران یعنی کشیشان پادشاهان و انبیا تطهیر شده اند. عیسی برای هر سه مقام تطهیر شده است (مراجعه شود به عبرانیان ۱: ۲ الی ۳).

■ "مرا آگاهانید" این میتواند به مرگ پطرس (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۳: ۳۶) یا شیوه مرگ پطرس که توسط سرورمان در انجیل یوحنا ۲۱: ۱۸ الی ۱۹ بر او آشکار شد، اشاره داشته باشد.

۱۵: ۱ "پس از رحلتیم" این اصطلاح "خروج/رفتن" (مراجعه شود به انجیل لوقا ۹: ۳۱) در مفهوم مرگ استفاده شده است (یعنی یک euphemism) یا بازگشت به بهشت.

■ "همواره این امور را به یاد آورید" این میتواند به کتاب اول پطرس، کتاب دوم پطرس یا انجیل مرقس اشاره داشته باشد (مراجعه شود به ایرئوس). پطرس متوجه شد که روح القدس از نوشته‌های او پس از مرگش استفاده می‌کند. او باید این حس را داشته باشد که روح القدس از طریق او برای مسیحیان بعد از مرگش از آن استفاده کرده و صحبت می‌کند!

NASB: دوم پطرس ۱: ۱۶ الی ۱۸

۱۶ زیرا آنگاه که ظهور پر قدرت خداوندان عیسی مسیح را به شما اعلام می‌کردیم، از پی افسانه‌هایی که زیرکانه ابداع شده باشند نرفته بودیم، بلکه کبریای او را به چشم دیده بودیم. ۱۷ زیرا از خدای پدر، جلال و اکرام یافت و سروشی از جلال کبریایی به او در رسید که، «این است پسر محبوبم که از او خشنودم». ۱۷ ما خود بر آن کوه مقدس با او بودیم و آن سروش آسمانی را به گوش شنیدیم.

۱۶:۱

"داستانهای هوشمندانه ساختن"	NASB
"جکایتیهای اخلاقی سرائیدن"	NKJV
"اسطوره های هوشمندانه سرائیدن"	NRSV
"داستان سرائی کردن"	TEV
"اسطوره های هوشمندانه خلق کردن"	NJB

این وجه وصفی مجهول کامل است، که دلالت بر یک وضعیت توهم بیپهوه دائمی دارد (زمان کامل) که توسط یک عامل (حالت مجهول) بیرونی ناشناخته به وجود می‌آید که میتواند همان معلمین دروغین باشد و یا شیطان. ما کلمه انگلیسی *myth* به معنی اسطوره را از این کلمه یونانی گرفته‌ایم که فقط در اینها یافت میشود

۱. اول تیموتائوس ۱: ۴، ۴: ۷
۲. دوم تیموتائوس ۴: ۴
۳. تیتوس ۳: ۹ و ۱۴
۴. دوم پطرس ۱: ۱۶

از آنجا که این معلمین دروغین (از توصیف دوم پطرس ۲) آغازگر عرفان با برخی گرایشات یهودی بودند (یعنی شماره ۲) این اسطوره ها میتوانند به یکی از اینها اشاره داشته باشند

۱. سطوح متفاوت فرشتگان میان خدای مقدس و موجودات روحانی رده پائینتر (aeons) و اسامی رمز آنان
۲. نسب مرتبط با مسیح به عنوان موجود بهشتی متمایز از مسیح انسانی
۳. تفکیک تعمدی الهیاتی رستگاری و اخلاق

برای یک بحث جالب در مورد شیوه های متفاوتی که از "اسطوره" استفاده شده است به *The Language and Imagery of the Bible* اثر G. Caird B. فصلهای ۱۲ الی ۱۳ صفحات ۲۰۱ الی ۲۴۳ مراجعه کنید.

■ "ظهور ... خداوندان" این هم یکی دیگر از موضوعات محوری کتاب است. اصطلاح *Parousia* که به "آمدن" یا "حضور" ترجمه میشود (ریشه مشابه در دوم پطرس ۱: ۲) در نسخه پایروسی یونانی کوبین برای بازدید سلطنتی از یک پادشاه استفاده شده است. اصطلاح *Parousia* معمولاً به آمدن دوم اشاره میکند (مراجعه شود به دوم پطرس ۳: ۴ و ۱۲)، ولی همچنین میتواند به دوباره زنده شدنش نیز اشاره داشته باشد. در اینجا، به دلیل اشاره متنی به تغییر چهره در عبارت بعدی، ممکن است که به آن اشاره داشته باشد.

موضوع خاص: اصطلاحات به کار رفته برای آمدن دوم

(SPECIAL TOPIC: THE SECOND COMING)

چندین اصطلاح و عبارت هستند که به آمدن دوم عیسی اشاره میکنند

۱. *parousia* (یعنی یعقوب ۵: ۷)، که یعنی "حضور"، در مورد بازدید سلطنتی استفاده شده است (مراجعه شود به انجیل متی ۲۴: ۳ و ۲۷ و ۳۷ و ۳۹، اول قرنتیان ۱۵: ۲۳، اول تسالونیکیان ۲: ۱۹، ۳: ۱۳، ۴: ۱۵، ۵: ۲۳، دوم تسالونیکیان ۲: ۱ و ۸، دوم پطرس ۱: ۱۶، ۳: ۴ و ۱۲، اول یوحنا ۲: ۲۸)

۲. *epiphaneia* "رو در رو ظاهر شدن" (یعنی اول تیموتائوس ۶: ۱۴، دوم تیموتائوس ۱: ۱۰، ۴: ۱ و ۸، تیتوس ۲: ۱۳)

۳. *apokalupis* "نمایان شدن"، "آشکار شدن" (یعنی اول قرنتیان ۱: ۷، دوم تسالونیکیان ۱: ۷، اول پطرس ۱: ۵ و ۱۳، ۴: ۱)

۴. "روز سرور" و حالات متفاوت این عبارت (موضوع خاص: روز سرور را مطالعه کنید)

عهد جدید در کل با جهانبینی عهد عتیق نوشته شده است که اینها را تصریح میکند:

۱. حصر پلیدی و یاغی حاضر

۲. آمدن عصر جدید پارسایی

۳. این ممکن است توسط عامل روح القدس از طریق کار مسیح (آن تظہیر شده، موضوع خاص: مسیح را مطالعه کنید) تحقق یابد.

فرضیه الهیات مکاشفه پیشرفته مورد نیاز است، زیرا نویسندگان عهد جدید اندکی در توقعات اسرائیل تغییراتی ایجاد کردند. به جای آمدن نظامی متمرکز بر ناسیونالیسم (اسرائیل) مسیح، دو آمدن وجود دارد. اولین آمدن به مفهوم تولد عیسی ناصری بود. او به عنوان غیر نظامی "خدمتکار رنج کشیده" اشعیا ۵۳: همچنین سوار بر پشت یک الاغ (نه یک اسب جنگی و یا پادشاه) از زکریا ۹: ۹ آمد. با اولین آمدن، عصر جدید مسیحیت، پادشاهی خدا در زمین آغاز شد (نگاه کنید به موضوع خاص: پادشاهی خدا). در یک نگاه پادشاهی در اینجا است، اما البته دیگری هنوز هم دور است. این تنش بین دو دیدار مسیح است که به نوعی دو عصر همپوشان یهودی است که از عهد عتیق نامعلوم بوده و یا حداقل مشخص نشده است (نگاه کنید به موضوع خاص: این عصر و عصری که خواهد آمد). واقعیت این است که این دوگانگی تأکید بر تعهد یهوه برای رستگار ساختن تمام بشریت است (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱۵: ۳؛ ۱۲: ۳؛ کتاب خروج ۱۹: ۵ و موعظه انبیا، به ویژه اشعیا و یونس؛ نگاه کنید به موضوع ویژه: طرح رستگاری جاودانگی یهوه).

کلیسا منتظر تحقق نبوت عهد عتیق نیست زیرا بیشتر نبوتها به آمدن اول اشاره دارند (مراجعه شود به *How to Read the Bible For All Its Worth*، صفحات ۱۶۵ الی ۱۶۶). آنچه مومنین حدس میزنند آمدن باشکوه شاه شاهان، سرور سروران است، تحقق عصر جدید پارسایی بر زمین که اینک در بهشت حکمفرما است (مراجعه شود به انجیل متی ۶: ۱۰). گفته های عهد عتیق نادرست نبودند، اما ناقص بودند. او دوباره خواهد آمد، با قدرت و اقتدار یهوه، درست همانطور که انبیا پیشگویی کرده بودند (مراجعه شود به موضوع خاص: چرا وعده های عهد عتیق با وعده های عهد جدید اینهمه تفاوت دارند؟)

آمدن دوم یک اصطلاح انجیلی نیست، بلکه مفهومی است که چهارچوب و جهانبینی کل عهد عتیق را شکل میدهد. خدا همه چیز را مشخص میسازد. رفاقت میان خدا و انسانی که در تصویر او خلق شده احیا میشود (مراجعه شود به مکاشفه ۲۱ الی ۲۲). پلیدی مورد داوری قرار گرفته و از بین میروید (مراجعه شود به مکاشفه ۲۰: ۱۱ الی ۱۵). اهداف خدا نمیتوانند شکست بخورند و شکست نخواهند خورد!

■ "کبریای او را به چشم دیده بودیم" (در نسخه انگلیسی "شکوه اعلیحضرت" نوشته شده است- مترجم) این اقتدار پطرس را با دادن شهادت عینی در مورد زندگی زمینی عیسی تصریح میکند. این به طور خاص به تغییر چهره اشاره دارد (مراجعه شود به دوم پطرس ۱: ۱۸، و انجیل مرقس ۹: ۲ الی ۸). این عبارت همچنین در مورد شروع ادیان رمز و راز و تجربه یکپارچگی با خدا استفاده می شود. پطرس، همانند پولس اغلب از گفته ها و عبارات مخالفین برای رد و یا اصطلاح آنها استفاده میکند.

عیسی با اصطلاح "اعلیحضرت" توصیف شده است. در آیه بعدی (دوم پطرس ۱: ۱۷) خدای پدر نیز با همین اصطلاح "شکوه اعلیحضرت" معرفی میشود. اساس الهی بودن عیسی بر حلقه داخلی شاگردان در کوه آشکار میشود (مراجعه شود به پطرس، یعقوب، و یوحنا).

۱۷: ۱ "جلال و اکرام" این یک اشاره احتمالی به "شکوه شکینا" است (آنچه که ربی ها آن را ابری در کتاب خروج و کتاب اعداد میدانند)، ابری که از درون آن خدا صحبت کرد (مراجعه شود به انجیل مرقس ۹: ۲ الی ۸). موضوع خاص: شکوه (DOXA) در بخش مربوط به اول پطرس ۱: ۲۱ را مطالعه کنید.

■ "پدر" موضوع خاص در بخش مربوط به انجیل مرقس ۱۳: ۳۲ را مطالعه کنید.

■ "سروش" ربی ها به این *Bath Kol* میگویند (یعنی صدایی از بهشت)، که تأیید اراده خدا در طول دوران از ملاکی تا یحیی تعمید دهنده بود که طی آن دوره هیچ خبری از انبیا نبود. پدر، عیسی را هم در زمان تعمید و هم در زمان تغییر چهره تأیید میکند (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱: ۱۱، انجیل متی ۱۷: ۵ الی ۶).

■ "پسر محبوبم" این یک عنوان مسیحانه از مزامیر ۲: ۷ است.

■ "که از او خوشنودم" این اشاره به اشعیا ۴۲: ۱ است (مراجعه شود به انجیل متی ۳: ۱۷، ۱۷: ۵) / با پیوند دادن مزامیر ۲ و اشعیا ۴۲، پطرس هم بر شاهانه بودن و هم بر خدمتگزار رنج کشیده بودن مسیح تأکید میکند. این دو جنبه دو بار آمدن او را تعریف میکنند: تولد= خدمتگزار رنج کشیده، آمدن دوم= پادشاه و داور!

NASB: دوم پطرس ۱: ۱۹ الی ۲۱

۱۹ به علاوه، کلام بس مطمئن انبیا را داریم که نیکوست بدان توجه کنید، چرا که همچون چراغی در مکان تیره و تاریک می درخشد تا آنگاه که سپیده برآمد و ستاره صبح در دلهایتان طلوع کند. آقبل از هر چیز، بدانید که هیچ وحی کتب مقدس زایدۀ تفسیر خود نبی نیست. ۲۱ زیرا وحی هیچ گاه به اراده انسان آورده نشد، بلکه آدمیان تحت نفوذ روح القدس از جانب خدا سخن گفتند.

۱: ۱۹ "کلام انبیا" این اشاره به یا (۱) متون عهد عتیق (یعنی دوم پطرس ۱: ۱۷) و یا (۲) شهادتهای عینی رسولان (مراجعه شود به دوم پطرس ۱: ۱۲، اول یوحنا ۱: ۵) دارد.

■ "بس مطمئن" مکاشفه عهد عتیقی خدا در مکاشفه عهد جدید تأیید میشود. یقیناً عهد عتیق برای درک کامل عهد عتیق اهمیت زیادی دارد (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱: ۱ الی ۳).

کل این پاراگراف در رابطه با آمدن دوم با تأخیر است که برخی در مورد آن شروع به تردید کرده اند. پطرس میخواهد به خوانندگانش اطمینان دهد:

۱. تجربه شخصی خود در مورد عصر جدید (یعنی تغییر چهره عیسی)

۲. تحقق نبوت در زندگی، تعالیم، مرگ و قیام عیسی از مردگان

روز جدید فرا رسیده بود و تحقق خواهد یافت (یعنی به عنوان نوری درخشان، همانطور که ونوس میدرخشد). به *Answers to Questions* اثر F. Bruce مراجعه شود.

■ "چراغی در مکان تیره و تاریک می درخشد" این اشاره ای به مزامیر ۱۱۹: ۱۰۵ و احتمالاً امثال ۶: ۲۳ است. خدا برای انسان گمراه تمامی اطلاعاتی که برای پاسخ دادن به او با ایمان لازم است را تأمین کرده (یعنی مکاشفه، وحی و منور ساختن). مکاشفه خدا از طریق عهد عتیق و از طریق مسیح که توسط نگارندگان عهد جدید ثبت و توضیح داده شده است، کاملاً کفایت میکند (هرچند که جامع نیست). این مکاشفه (عهد عتیق و عهد جدید) همانند نوری است که در تاریکی و فرشته یایگر انسان گناهکار میدرخشد. ولی روزی نوری به مراتب بهتر و درخشانتر (یعنی مواجهه رو در رو با مسیح) قلب و ذهن تمامی مومنین را منور میسازد. هدف مکاشفه اطلاع دادن نیست بلکه رستگاری است (یعنی احیا رابطه دوستانه).

معلمین دروغین ادعا میکردند که رابطه مکاشفه ای خاصی با خدا دارند ولی پطرس تأیید میکند که عیسی مکاشفه تمام و کمال خدا است.

■ "ستاره صبح" این به مفهوم "حامل نور" یا "ستاره روز" (مراجعه شود به مکاشفه ۲: ۲۸، ۲۲: ۱۶) است. از این اصطلاح یونانی ما کلمه انگلیسی "فسفر" را گرفته ایم. این جنبه درخشش نور چندین مفهوم عهد عتیقی دارد.

۱. در رابطه با اصطلاح عبری *helel* که به "ستاره صبح" ترجمه میشود (در زبان لاتین، *Lucifer*، مراجعه شود به اشعیا ۱۴: ۱۲) معمولاً اشاره به سیاره ونوس دارد.

۲. در رابطه با آمدن مسیح در کتاب اعداد ۲۴: ۱۷ است (یعنی "ستاره ای از جانب یعقوب خواهد آمد") و ملاکی ۴: ۲ (یعنی "خورشید پارسایی طلوع خواهد کرد").

۳. در رابطه با درخواستن قدیسان در دانیال ۱۲: ۳ است (یعنی "به روشنی همانند نور بهشت خواهد درخشید")

۴. در رابطه با تولد شاهانه مسیح در مکاشفه ۲۲: ۱۶ است (یعنی، "فرزند داوود ستاره درخشان صبح")

■ "در دلهایتان طلوع کند" در متن این اشاره به مواجهه با خدا است که توسط مکاشفه او در کتاب مقدس (عهد عتیق)، عیسی (تجسم) و نوشته های رسولان (عهد جدید) به وجود می آید. در برخی مواقع انسانهای گمراه در یک لحظه "درک" می کنند. حقیقت خدا در آگاهی ما وارد میشود. این فرآیند درک و اعتقاد، توسط روح القدس هدایت می شود (انجیل یوحنا ۶: ۴۴، ۶۵). مسیحیت به عنوان رویکرد فرد و پاسخ ایمان به خدا در مسیح آغاز می شود. این مسئله در یک تجربه مشارکتی از زندگی خانوادگی به کار گرفته میشود (مراجعه شود به اول قرنیتیان ۱۲: ۷). موضوع خاص: قلب/دل در بخش مربوط به انجیل مرقس ۲: ۶ را مطالعه کنید.

۱: ۲۰ "کتب مقدس" این یکی از چندین آیاتی است که عهد عتیق از مکاشفه خدا در نوشته های عهد عتیق و عهد جدید صحبت میکند (یعنی کتاب مقدس)

۱. انجیل متی ۵: ۱۷ الی ۱۹

۲. اول قرنیتیان ۲: ۹ الی ۱۳

۳. اول تسالونیکیان ۲: ۱۳

۴. دوم تیموتائوس ۳: ۱۶

۵. اول پطرس ۱: ۲۳ الی ۲۵

۶. دوم پطرس ۱: ۲۰ الی ۲۱

۷. دوم پطرس ۳: ۱۵ الی ۱۶

اساس همه اینها این است که کتاب مقدس از جانب خدا و متعلق به خدا است؛ منشا انسانی ندارد. خدا به نویسندگان (مراجعه شود به دوم پطرس ۱: ۲۰ الی ۲۱) وحی کرده و نوشته های آنان وحی خدا است (مراجعه شود به دوم تیموتائوس ۳: ۱۶).

■ **"زاییده تفسیر خود نبی"** (در نسخه انگلیسی، "زاییده تفسیر خود فرد" آمده است- مترجم) یقیناً این عبارت تنشی موجود که توسط معلمین دروغین در کلیساها به وجود آمده را بیان میکند. احتمال دارد که آنان از کتاب مقدس نقل میکردند و بعد چرخش های فردی خود را در آن اضافه می کردند (که امروز هم مرسوم است).

در متن دشوار است که بتوان فهمید آیا این عبارت به (۱) نویسندگان عهد عتیق یا (۲) معلمان دروغین معاصر اشاره دارد. اگر گزینه اول را مد نظر قرار دهیم، آن را به مفهوم الهیاتی وحی می گوید (دوم تیموتائوس ۳: ۱۶ مراجعه کنید. به نظر می رسد آیه زیر این تفسیر را تایید می کند. اگر گزینه دوم را مد نظر قرار دهیم، از مفهوم الهی روشنایی (به عنوان مثال، که روح هدایت مؤمنان در تفسیر کتاب مقدس) صحبت می کند. لازم به ذکر است که مفهوم انجیلی "کشیش بودن مؤمن" معمولاً به عنوان دادن توانایی توسط روح القدس به فرد در تفسیر کتاب مقدس برای خود، شناخته می شود. با این حال، در کتاب مقدس، این عبارت به کلیسا به عنوان نماینده رسمی کمیسیون عالی اشاره دارد، به اول پطرس ۲: ۵ و ۹، مکاشفه ۱: ۶ کنید. توجه داشته باشید در عهد عتیق (مراجعه شود به کتاب خروج ۱۹: ۶) و عهد جدید عبارت "کشیش بودن مؤمنان" جمع است (به عنوان مثال، مشارکت)، نه مفرد.

۱: ۲۱ "تحت نفوذ روح القدس" این به مفهوم "حمل شدن" بوده که وجه وصفی حال مجهول است. این تأکیدی بر این حقیقت دارد که انجیل پیام خدا است، نه پیام انسان. درست است که انجیل با کلمات انسانی نوشته شده است، ولی توسط انسانهایی که انحصاراً تحت هدایت روح القدس بوده اند. انجیل حقیقت جامع نیست، زیرا هیچ انسانی نمیتواند چنین سطحی از واقعیت را درک کند، ولی حقیقت قابل اعتماد و بسنده در مورد خدا، در مورد گناه، در مورد رستگاری در مورد زندگی خداپسندانه و درباره ابدیت است.

شیوه های دقیق وحی تفاوت دارند

۱. تجلی خدا بر انسان

۲. توأمین

۳. رویاها

۴. چشم اندازها

۵. از خود بیخود شدن

۶. فرشتگان

۷. احتمال نمادین

۸. رخدادهای خاص و تفاسیر

سوالاتی که باقی میمانند (۱) آیا خدا محتوا را داد و انسانها آن را در قالب یک فرم نوشتند و یا (۲) خدا هر دو را داد؟

سوالاتی برای بحث

این یک راهنمای مطالعاتی است، که بدین معنی است که شما خودتان مسئول تفسیر انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر خودمان گام برداریم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. شما نباید این امر را به یک مفسر واگذار کنید. این سوالات مباحثاتی به منظور کمک به شما در تفکر نسبت به مسائل اصلی این بخش از کتاب مطرح شده اند. آنها صرفاً تفکر برانگیز هستند نه قطعی.

۱. زندگی مسیحی کار خدا است یا وظیفه ما؟

۲. انسانها در مورد رابطه با خدا چه نقشی را بازی میکنند؟

۳. آیا شیوه زندگی مسیحی را میتواند از رستگاری جدا کرد؟

۴. آیا رستگاری مشروط است؟

۵. با کدام آموزش دروغین پطرس در این نامه مقابله میکند؟

۶. اهمیت کلام پدر در دوم پطرس ۱: ۱۹ چیست؟

۷. آیات ۲۰ الی ۲۱ در مورد انجیل چه میگویند؟

دوم پطرس ۲

پاراگراف‌های ترجمه‌های مدرن

UBS ⁴	NKJV	NRSV	TEV	NJB
انبیا و معلمین دروغین ۲: ۱ الی ۳	دکترین مخرب ۲: ۱ الی ۳	حمله بر معلمین دروغین ۲: ۱ الی ۳	معلمین دروغین ۲: ۱ الی ۳	معلمین دروغین ۲: ۱ الی ۳
۲: ۴ الی ۱۰ الف	سرنوشت معلمین دروغین ۲: ۴ الی ۱۱	۲: ۴ الی ۱۰ الف	۲: ۴ الی ۱۰ الف	درسهایی از گذشته ۲: ۴ الی ۱۰ الف
۲: ۱۰ ب الی ۱۶	فساد معلمین دروغین ۲: ۱۲ الی ۱۷	۲: ۱۰ ب الی ۱۶	۲: ۱۰ ب الی ۱۶	مجازات پیش رو ۲: ۱۰ ب الی ۱۲
۲: ۱۷ الی ۲۲	فریبهای معلمین دروغین ۲: ۱۸ الی ۲۲	۲: ۱۷ الی ۲۲	۲: ۱۷ الی ۲۲	۲: ۱۳ الی ۱۶ ۲: ۱۷ الی ۲۲

* تقسیم‌بندی پاراگرافها، تحت تاثیر الهام صورت نگرفته، بلکه کلید درک مطلب و دنبال کردن عزم اولیه نویسنده می‌باشند. هر ترجمه جدید، پاراگراف‌ها را تقسیم و خلاصه کرده است. هر پاراگراف شامل یک موضوع مرکزی، حقیقت یا تفکری است. هر نسخه این موضوع را به شیوه‌ای متمایز به کار می‌گیرد. همانطور که متن را می‌خوانید، از خودتان سوال کنید که کدام ترجمه متناسب با درک شما از موضوع و تقسیم بندی آیه است. در هر فصل ما ابتدا باید کتاب مقدس را بخوانیم و سعی کنیم موضوعات آن (پاراگرافها) را شناسایی کنیم، سپس درک خود با نسخه‌های جدید را مقایسه کنیم. تنها وقتی می‌توانیم هدف اصلی نویسندگان را دریابیم که با پیروی از منطق و نحوه ارائه آن، بتوانیم واقعا کتاب مقدس را درک کنیم. فقط نویسنده اصلی الهام گرفته است - خوانندگان حق ندارند پیام را تغییر داده یا اصلاح کنند. خوانندگان کتاب مقدس مسئولیت اعمال حقیقت الهام گرفته را روزانه و در طول زندگی دارند. توجه داشته باشید که تمام اصطلاحات فنی و اختصارات به طور کامل در اسناد زیر توضیح داده شده است: [انتقادات متنی و واژه‌نامه](#).

مطالعه حلقه سوم (رجوع کنید به "راهنمای مطالعه مفید انجیل")

به دنبال نیت اصلی نویسنده در سطوح پاراگراف

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید. کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص نمایید (مطالعه حلقه شماره ۳). تقسیمات موضوعی خود را با پنج ترجمه بالا مقایسه کنید. پاراگراف بندی به نویسنده الهام نشده است، اما کلید پیگیری اهداف اصلی نویسنده است که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول

۲. پاراگراف دوم

۳. پاراگراف سوم و غیره

بینش متنی بر دوم پطرس ۲: ۱ الی ۲۲

- این بخش همسو با کتاب یهودا است. از نظر مفهومی قرض گرفته شدن است، ولی مشخص نیست که چه کسی از چه کسی مفهوم را قرض گرفته است. ممکن است که یهودا به نبوت پطرس اشاره میکند زیرا پس از مرگ او، به تحقق پیوست (انجیل NET)
- به نظر میرسد این معلمان دروغین، متضاد هستند، عرفای آغازین الهیات بسیار توسعه یافته ای در مورد فرشتگان داشتند (که ممکن است بر اثر نفوذ پارس باشد؛ به عنوان مثال اول تیموتاوس ۶: ۳ الی ۵). همه داستانهای عهد عتیق به نوعی فرشتگان را در بر دارند.
- پطرس از دانش متداول روزگار خود استفاده میکند (داستانهای عهد عتیق، اول انوش، منابع کفار و پیروان سایر ادیان).
- انجیل در مورد منشا، گمراهی و کارهای دنیای فرشتگان بسیار مبهم است. اجازه ندهید کنجکاوای شما فراتر از اطلاعاتی شود که خدا در اختیارمان قرار داده است (داستانهای مدرن).
- فهرست توسعه یافته ای در مورد ویژگیهای معلمین دروغین وجود دارد

- a. به طور پنهانی ارتداد مخرب را ترویج میکنند (دوم پطرس ۲: ۱)
- b. سرورمان را انکار میکنند (دوم پطرس ۲: ۱)
- c. از احساسات پیروی میکنند (دوم پطرس ۲: ۲)
- d. طماع هستند (دوم پطرس ۲: ۳)
- e. قدرت خداوند را خوار میشمارند (دوم پطرس ۲: ۱۰)
- f. همانند حیوانات رفتار میکنند (دوم پطرس ۲: ۱۲)
- g. در جستجوی لذت هستند (دوم پطرس ۲: ۱۳)
- h. اعیاد مسیحی را بی ارزش میدانند (دوم پطرس ۲: ۱۳)
- i. باعث میشوند که مومنین ضعیف گناه کنند (دوم پطرس ۲: ۱۴)
- j. وعده آزادی میدهند، ولی همگی برده هستند (دوم پطرس ۲: ۱۹)

مطالعه کلمات و عبارات

NASB: دوم پطرس ۲: ۱ الی ۳

۱ اما در میان قوم، انبیای دروغین نیز بودند، همان گونه که در میان شما نیز معلّمان دروغین خواهند بود که پنهانی بدعت‌های مهلک خواهند آورد و حتی سروری را که ایشان را خریده، انکار خواهند کرد و این گونه، هلاکتی سریع بر خود فرو خواهند آورد. آسپاری فجور ایشان را پیروی خواهند کرد، و به سبب آنان راه حق مذمت خواهد شد. ایشان از طمع، با توسل به سخنان فریبنده، از شما بهره‌کشی خواهند کرد. اما محکومیتشان که از دیرباز رقم خورده، بی‌کار ننشسته و نابودی‌شان نخواهید است!

۲: ۱ "انبیای دروغین" در مورد انبیای واقعی در دوم پطرس ۱: ۱۹ الی ۲۱ صحبت شد. عهد عتیق اغلب در مورد انبیای دروغین (مراجعه شود به کتاب تشبیه ۱: ۱۳ الی ۵، ۱۸: ۱۹ الی ۲۲، اول پادشاهان ۱۸: ۱۹ و ۲۲: ۶ به بعد، ارمیا ۵: ۳، ۲۳: ۹ الی ۱۸) همانند عهد جدید (مراجعه شود به انجیل متی ۷: ۱۵، ۲۴: ۱۱ و ۲۴: ۲۴، انجیل مرقس ۱۳: ۲۲، انجیل لوقا ۶: ۲۶، دوم پطرس ۲: ۱، اول یوحنا ۴: ۱، مکاشفه ۱۶: ۱۳، ۱۹: ۲۰، ۲۰: ۱۰) یادآوری میکند. موضوع خاص: ارتداد در بخش مربوط به اول پطرس ۱: ۱۰ را مطالعه کنید.

■ "که در میان شما نیز معلّمان دروغین خواهند بود" این اشاره به مردم عهد عتیق خدا دارد. به همسویی در میان دو عبارت نخست توجه کنید (تکرار "میان"). توجه کنید که معلمین دروغین از میان مردمان خدا ظهور خواهند کرد، و نه اینکه از خارج از جمع آنها بیایند.

■ "معلّمان دروغین" سرخ‌های موجود در دوم پطرس ۲ نشان میدهند که اینان عرفای تازه کار هستند. موضوع خاص: عرفان در بخش مربوط به اول پطرس ۳: ۲۲ را مطالعه کنید.

■ "پنهانی خواهند آورد" این ترکیبی از *eisagō* و *para* است که مفهوم "رخنه کردن در داخل چیزی" را دارد (مراجعه شود به غلاطیان ۲: ۴ و یهودا آیه ۴).

■ "بدعت‌های مهلک" (در متن انگلیسی "ارتداد مخرب" نوشته شده است- مترجم) اصطلاح "ارتداد" (نفاق) به سه شیوه در عهد جدید استفاده شده است.

۱. به عنوان یک بخش پنهانی (مراجعه شود به اعمال رسولان ۲۴: ۱۴، ۲۶: ۵)

۲. تقسیم بندی در میان مسیحیان (مراجعه شود به اول قرنتیان ۱۱: ۱۹)

۳. به عنوان تعلیمی بر خلاف تعلیم درست

آنها اغلب ترکیبی از حقیقت و خطا هستند. اغلب برخی حقایق را بزرگ کرده تا دیگر حقایق انجیلی را سرپوش گذاشته یا مسیحیت را به انحراف می‌کشاند. ارتداد همیشه از درون رفاقت با مسیحیان حاصل میشود (مراجعه شود به انجیل متی ۷: ۱۵ الی ۲۳، ۲۴: ۲۴، اول تیموتائوس ۴: ۱ الی ۵، اول یوحنا ۲: ۱۸ الی ۲۵). توصیف اعمال آنان را میتوان در (۱) بینش مفهومی ردیف ۵ و یا (۲) غلاطیان ۵: ۱۹ دید.

■ "حتی سرور را انکار خواهند کرد" این وجه وصفی حال میانی (دیپونت) است که از تداوم رد مسیح توسط معلمین دروغین سخن میگوید. این اشاره به یا انکار مسیح (۱) از طریق الهیات یا (۲) شیوه زندگی (مراجعه شود به یهودا ۴) است. این یکی از چهار عبارت توصیفی (مراجعه شود به دوم پطرس ۲: ۱ الی ۳) درباره انکار مسیح توسط معلمین دروغین با یکی از موارد زیر است:

۱. اعمال و باورهای آنان

۲. شیوه‌های غیر اخلاقی آنان

۳. طمع آنان

۴. خود-فریبی آنان

عنوان "سرور" از اصطلاح *despotēs* است که به معنی "ارباب" یا "سرور" (*Lord*) میباشد. این اصطلاح در مورد برده‌داران استفاده میشد (مراجعه شود به اول تیموتائوس ۶: ۱ و ۲، تیتوس ۲: ۹، اول پطرس ۲: ۱۸).

جالب است که توجه شود اصطلاح "سرور" (*Lord*) معمولاً در مورد خدای پدر استفاده میشود (مراجعه شود به انجیل لوقا ۲: ۲۹، اعمال رسولان ۴: ۲۴ (نقل قول از LXX کتاب خروج ۲۰: ۱۱ یا مزامیر ۱۴۶: ۶)). با این حال، در مورد مسیح هم استفاده شده است (مراجعه شود به دوم تیموتائوس ۲: ۲۱، یهوذا ۴، مکاشفه ۶: ۱۰). در اینجا عنوان دیگری است که از پدر به پسر منتقل شده تا الهی بودن او تصریح شود.

■ "که ایشان را خریده" این وجه وصفی آئوریست فعال است. به نظر میرسد این همانند دوم پطرس ۲: ۲۰ الی ۲۲، بوده و دلالت بر این دارد که آنان یکبار نجات یافتند ولی اینک نه! این اشاره به (۱) یهوه دارد که مردمش را در عهد عتیق نجات میدهد یا (۲) کار رستگاری مسیح در عهد جدید (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۰: ۴۵، اعمال رسولان ۲۰: ۲۸، اول قرنتیان ۶: ۲۰، افسسیان ۱: ۷، اول تیموتائوس ۲: ۶، عبرانیان ۲: ۹، اول پطرس ۱: ۱۹، اول یوحنا ۲: ۲، مکاشفه ۵: ۹). در مکاشفه برای بازخرید کسی از بردگی (یعنی بازپرداخت) به تحویل فیزیکی اشاره دارد. معمولاً در عهد جدید به رستگاری اشاره دارد. در عهد عتیق برای فروختن کسی به دشمن در نتیجه داوری اشاره میشود.

NJB ترجمه جالبی دارد: "که برایشان آزادی را خرید". ظاهراً آنان متن (دوم پطرس ۲: ۲ الی ۳) را به عنوان رابطه ای با مومنینی میبینند که به دور از خدا زندگی میکنند و مسیح و مسیحیت را سرزنش میکنند. پس این اشاره به مومنین دارد که به واسطه زندگی به دور از خدا و نفوذ مخرب زودتر میمیرند.

■ "هلاکتی سریع بر خود فرو خواهند آورد" هیچ مومن قرن نخستی این سوال را نپرسید، ولی مومنین عصر مدرن درباره آن زیاد فکر میکنند، به خصوص در رابطه با اینکه چگونه گروه آنان به تضمین نگاه میکنند! برخی این عبارت را به "یهوه" یا "مردم" نسبت میدهند که در نتیجه میتواند به خروج (یعنی دوره بیابانگردی) اشاره داشته باشد.

سوال واقعی این است: "آیا مردها واقعا نجات یافته‌اند؟" من اعتقاد دارم که آموزه های کتاب مقدس در جاهایی دیالکتیکی یا پارادوکسی هستند، که مشخصه ادبیات شرقی است. خوانندگان و مترجمین مدرن غربی تمایل به اصطلاحات، گزینش و تفسیر آیه دارند. من مطمئناً امنیت مؤمن را تأیید می‌کنم، اما به دلیل متونی مانند این، بیشتر و بیشتر ناراحت هستم. امنیت (بر اساس) زندگی خدا پسندانه (به یعقوب و اول یوحنا مراجعه شود) نشان داده شده است. ایمانداران تلاش می‌کنند و گناه می‌کنند، اما به مسیح اعتماد می‌کنند و (گاهی اوقات آرام) به اصلاح روح القدس پاسخ می‌دهند. با اینحال، تمثیل خاک (مراجعه شود به انجیل متی ۱۳) و مذهبیون فعال ولی گمراه انجیل متی ۷: ۱۵ الی ۲۷ به من تضمین میدهند که آموزه های خطای ایمان هم وجود دارند (مراجعه شود به دوم پطرس ۲: ۲۰ الی ۲۲، اول یوحنا ۲: ۱۸ الی ۱۹).

معلمین دروغین هنوز هم در کلیسا آشفتگی های بزرگی را باعث شده و ایجاد می‌کنند. در اول یوحنا، چندین آزمون برای مؤمنان واقعی وجود دارد.

۱. تمایل به اعتراف به گناه (اول یوحنا ۱: ۵، ۲: ۲۲)
۲. شیوه زندگی از روی اطاعت (اول یوحنا ۲: ۳ الی ۶)
۳. شیوه زندگی محبت آمیز (اول یوحنا ۲: ۷ الی ۱۱)
۴. پیروزی بر پلیدی (اول یوحنا ۲: ۱۲ الی ۱۴)
۵. رها کردن دنیا (اول یوحنا ۲: ۱۵ الی ۱۷)
۶. استقامت (اول یوحنا ۲: ۱۹)
۷. دکتربین (اول یوحنا ۲: ۲۰ الی ۲۴)

پطرس همچنین اقدامات نامناسب این معلمان دروغ را فهرست می‌کند (مراجعه کنید به بینش متنی، بخش ۵). اگر درست است، انجیل یک (۱) شخص است؛ (۲) یک پیام در مورد آن شخص است؛ و (۳) یک شیوه زندگی شبیه سازی آن شخص، پس این معلمان دروغین تمام این سه را نقض کرده‌اند. آیا می‌توان کسی "توسط" عیسی "خریده شود" و سپس او عیسی را انکار کند؟ مشکل این است. رستگاری رایگان است و برای همه کسانی است که با توبه، ایمان، اطاعت و استقامت پاسخ خواهند داد. اما، بلوغ، شاگردی با ارزش است. ما باید هر دو این حقایق کتاب مقدس را محکم نگه داریم. دکتربین در جفت‌های پر از تنش می‌آید، زیرا مسیحیت نه تنها الهیات کتاب مقدس است (رومیان ۶)، بلکه تقلائی روزانه (مراجعه شود به رومیان ۷) است برای خدا پسند بودن. نجات یک رابطه است، نه یک تصمیم جداگانه!

۲: ۲ "بسیاری..... پیروی خواهند کرد" تراژدی هدایت دیگران به سوی گمراهی (مراجعه شود به انجیل متی ۱۸: ۶ الی ۷). پطرس از این ترکیب اغلب استفاده میکند (مراجعه شود به دوم پطرس ۱: ۱۶، ۲: ۲ و ۱۵ و ۲۱، انجیل متی ۱۸: ۶).

NASB	"حساسیت آنان"
NKJV	"شیوه های مخرب آنان"
NRSV	"شیوه های شهوترانی آنان"
TEV	"شیوه های غیر اخلاقی آنان"

اصطلاح *aselgeia* را میتوان "شهوتران"، "خدشه آمیز" یا "حساسیت" ترجمه کرد که به فعالیت‌های جنسی خارج از حد و مرز دلالت دارند (مراجعه شود به دوم پطرس ۲: ۷ و ۱۸، اول پطرس ۴: ۳، یهودا ۴). اغلب این در فهرست گناهان جوامع کفار لیست میشود (مراجعه شود به رومیان ۱۳: ۱۳، اول قرن‌تین ۱۲: ۲۱، غلاطیان ۵: ۱۹).

■ "به سبب آنان راه حق مذمت خواهد شد" این که مومنین چگونه زندگی میکنند بسیار حساس است. آنان باید ویژگی‌های خانواده خدا را منعکس کنند (یعنی ایمان به عیسی تصویر خدا در نوع بشر را منعکس میکند، مراجعه شود به اول تیموتائوس ۶: ۱) تیتوس ۲: ۵).

■ "راه حق" "راه" نام اولیه برای مسیحیان بود (مراجعه شود به اعمال رسولان ۹: ۲، ۱۸: ۲۵ الی ۲۶: ۱۹، ۹ و ۲۳، ۲۲: ۴، ۱۴: ۲۲). این نام منعکس کننده مفهوم عهد عتیقی ایمان انجیلی به عنوان راه مشخص و واضحی بود که باید دنبال کرد (مراجعه شود به مزامیر ۱۱۹: ۱۰۵، امثال ۶: ۲۳). این عبارت به پیام انجیل اشاره دارد. به طور بدیهی یک شیوه زندگی خدا پسندانه بخش جدایی ناپذیری از رستگاری است.

■ "مذمت خواهد شد" کفار مومنین را اشتباه درک کرده بودند و آنان را به انجام کارهای غیر اخلاقی متهم میکردند. زندگی این معلمین دروغین به این سو عتفاهم‌ها دامن میزد.

■ "ایشان از طمع" این اصطلاح مفهوم منفی هم Septuagint و هم در عهد جدید دارد. معلمین دروغین با تمایل به بیشتر و بیشتر خواستن به هر قیمتی مشخص میشدند (مراجعه شود به دوم پطرس ۲: ۱۴، میکاه ۳: ۱۱، اول تیموتائوس ۶: ۵، تیتوس ۱: ۱۱، یهودا ۱۶). این اصطلاح در عهد جدید اغلب به به کار رفته است (مراجعه شود به انجیل مرقس ۷: ۲۲، انجیل لوقا ۱۲: ۱۵، رومیان ۱: ۹، دوم قرن‌تین ۹: ۵، افسسیان ۵: ۳، کولسیان ۳: ۵، اول تسالونیکیان ۲: ۵، دوم پطرس ۲: ۳ و ۱۴) زیرا ماهیت خودمحموری انسان گمراه را نشان میدهد. این میتواند به طمع مادی، طمع جنسی یا طمع نسبت به مکان یا احترام (برای مثال، معلمین) در داخل کلیسا هم اشاره داشته باشد.

■ "از شما بهره‌کشی خواهند کرد" نسخه شاه جیمز "از شما کالا بسازند" آورده است. ما کلمه انگلیسی emporium را از این کلمه یونانی برگرفته ایم.

NASB "با گفته های دروغین"

NKJV, NRSV "حرفهای فریبنده"

NJB "داستانهای نادرست"

صفت حکایت از آن دارد که کدام ساختگی است (مراجعه شود به رومیان ۹: ۲۰). ما کلمه انگلیسی "پلاستیک" را از این اصطلاح یونانی گرفته ایم. معلمین دروغین در میان جمع مومنین در جامعه مسائل و مشکلاتی ایجاد میکردند. زندگی آنان منجر به خوار شمردن انجیل و دروغهای آنان پیام انجیل را منحرف میکرد.

■ "محکومیتشان" همیشه در میان مردمان خدا معلمین دروغین وجود داشته اند. در عهد عتیق آنان محکوم شده اند (مراجعه شود به کتاب تثنیه ۱۳: ۱ الی ۵ و ۶ الی ۱۱ و ۱۲ الی ۱۸). داوری موقتی و همچنین اسکاتولوژیک آنان حتمی بوده و تاخیری در آن وجود ندارد (مراجعه شود به غلاطیان ۶: ۷). در این متن، هم به "داوری" و هم به "تخریب" شخصیت داده شده است.

این یک اصل روحانی است. خدا پیرو اصول اخلاقی است و همچنین مخلوقاتش. انسانها خود را در چهارچوب استانداردهای خدا قرار میدهند. ما هر آنچه بکاریم، درو خواهیم کرد. این امر در مورد مومنین و غیر مومنین صادق است (ولی بر رستگاری تأثیری نمیگذارد) - (مراجعه شود به یعقوب ۳۴: ۱۱، مزامیر ۲۸: ۴، ۶: ۱۲، امثال ۲۴: ۱۲، جوامع ۱۲: ۱۴، ارمیا ۱۷: ۱۰، ۳۲ این انجیل متی ۱۶: ۲۷، ۲۵: ۳۱ الی ۴۶، رومیان ۲: ۶، ۱۴: ۱۲، اول قرن‌تین ۳: ۸، غلاطیان ۶: ۷ الی ۱۰، دوم تیموتائوس ۴: ۱۴، اول پطرس ۱: ۱۷، مکاشفه ۲: ۲۳، ۲۰: ۱۲، ۲۲: ۱۲).

NASB: دوم پطرس ۲: ۴ الی ۱۰ الف

زیرا اگر خدا بر فرشتگانی که گناه ورزیدند رحم نکرد، بلکه ایشان را به ته‌هاویه افکند و در سیاهچالهای تاریک محبوس کرد تا برای داوری نگاه داشته شوند؛^۵ و اگر بر دنیای قدیم نیز رحم نکرد، بلکه بر آن عالم بی‌دینان توفان فرستاد و تنها نوح، آن واعظ پارسایی را، با هفت تن دیگر محفوظ داشت؛^۶ و اگر شهرهای سدوم و غموزه را خاکستر نمود و به نابودی محکوم کرد و عبرتی ساخت از سرانجام بی‌دینی،^۷ و لوط پارسا را که از فجور بی‌دینان به ستوه آمده بود، رهایی بخشید -^۸ زیرا آن مرد پارسا هر روزه در میان ایشان به سر می‌برد و روح پارسایش از دیدن و شنیدن کردار قبیحشان در عذاب بود -^۹ پس خداوند می‌داند چگونه پارسایان را از آزمایشها برهاند و گنهکاران را برای مکافات روز داوری نگاه دارد،^{۱۰} بخصوص آنان را که در پی تمایلات فاسد نفس خویشند و اقتدار خداوند را خوار می‌شمارند.

۴: ۲ "اگر" این یک جمله شرطی نوع اول است که از نظر نگارنده و یا از دیدگاه متنی تصور میشود که درست است. این یک جمله طولانی را شروع میکند که تا آیه ۱۰ الف ادامه می‌یابد. این احتمال هست که این الگوی شرطی در طول این جمله که به یونانی بوده، تکرار شود. NRSV در دوم پطرس ۲: ۴ و ۵ و ۶

و ۷ "اگر" دارد، NIV در دوم پطرس ۲: ۴ و ۵ و ۶ و ۷ و ۹ "اگر" دارد، ولی فقط در نسخه یونانی در دوم پطرس ۲: ۴ یکبار دیده میشود. این زمینه مجموعه‌ای از قضاوت‌های عهد عتیق را مشمول فرشتگان می‌کند.

■ "فرشتگانی که گناه ورزیدند" این همسو با یهودا ۶ است. متن زیر یادداشت‌هایی از تفسیر من در مورد یعقوب و یهودا (جلد ۱۱) است:

یادداشت‌هایی از تفسیر یهودا

یهودا ۶ "و فرشتگانی که قلمرو خود را حفظ نکردند، بلکه مسکن مناسب خود را ترک کردند، در قلمرو ابدی تاریکی تا روز بزرگ داوری نهایی نگاه داشته خواهند شد" سدوم و عموره به همان شیوه ای که این فرشتگان بودند، به شدت بی رحمانه از بین رفتند و به دنبال کالبدی آلوده رفتند. هر دو آنها به عنوان سرمشق در معرض مجازات آتش ابدی قرار دارند.

یهودا ۶ "و فرشتگان" این آیه فرشتگان را هم به فهرست کسانی که در ابتدا عبادت میکردند و بعد بر علیه یهوه شورش کردند قرار میدهد و بنابراین نابود شده و یا مورد داوری قرار خواهند گرفت. ولی کدام فرشتگان؟ اطلاعاتی ارائه میشود که این گروه خاص فرشتگان را توصیف میکند:

۱. آنان قلمرو خود را حفظ نکردند

۲. آنان مایملک خود را ترک کردند

۳. آنها برای داوری در تاریکی ابدی قرار خواهند گرفت

۴. "گناه کرده اند" (مراجعه شود به دوم پطرس ۲: ۴)

۵. "به تَه هاویه افکند" (دوم پطرس ۲: ۴)

۶. "در سیاهچالهای تاریک محبوس کرد" (دوم پطرس ۲: ۴)

کدام فرشتگان در عهد عتیق شورش کردند و مرتکب گناه شدند؟

۱. فرشتگانی که به عنوان منشا قدرت در پس دعاهای کفار قرار دارند

۲. فرشتگان رده های پائینتر، که با نامهای خاص در عهد عتیق از آنها نام برده میشود. مثال: لیلیت (مراجعه شود به اشعیا ۳۴: ۱۴)، ازازل (مراجعه شود به لاویان ۱۶: ۸)، و شیاطین بز مانند (مراجعه شود به لاویان ۷: ۷)

۳. "پسران خدا" در کتاب پیدایش ۶ (اغلب در مورد آنها در نوشته های آپوکالیپتیک و مذهبی در مورد آنها بحث میشود، اول انوش ۸۶ الی ۸۸، دوم انوش ۷ و ۱۸، دوم بروخ ۵۶، جیبیلی ۵)

۴. فرشتگانی که به عنوان مثال در نوشته‌های مذهبی یهودی از آنها یاد میشود (به واسطه استفاده یهودا از سایر کتب این نوع در یهودا ۹ و ۱۴)

NASB "که قلمرو متعلق به خود را حفظ نکردند"

NKJV "که قلمرو خود را حفظ نکردند"

NRSV "که مایملک خود را حفظ نکردند"

TEV "که در چهارچوب و محدودیتهای تحت اقتدار خود نماندند"

NJB "که اقتداری را که داشتند حفظ نکردند"

در دوم پطرس ۲: ۶ با صرف زمانهای فعل "حفظ کردن" بازی شده است. فرشتگان محل خود را حفظ نکردند (وجه وصفی اُتوریست فعال) بنابراین خدا تا روز داوری آنها را در جایی زندانی کرد (زمان حامل فعال اخباری). آن فرشتگانی که اراده خدا را نقض کردند هم با داوری موقتی و هم اسکاتولوژیک مواجه خواهند شد، درست همانند شورشیان اسرائیل در طول دوران بیابانگردی و ساکنان سدوم و عموره.

اصطلاح "قلمرو" معادل اصطلاح یونانی *archē* است که به مفهوم "شروع" یا "منشا" چیزی میباشد.

۱. آغاز نظم ایجاد شده (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۱، اول یوحنا ۱: ۱)

۲. آغاز انجیل (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱: ۱، فیلیپیان ۴: ۱۵)

۳. نخستین شاهدان عینی (مراجعه شود به انجیل لوقا ۱: ۲)

۴. نشانه های آغازین (معجزات، مراجعه شود به انجیل یوحنا ۲: ۱۱)

۵. اصول آغازین (مراجعه شود به عبرانیان ۵: ۱۲)

۶. آغاز اطمینان/تضمین آغازین (مراجعه شود به عبرانیان ۳: ۱۳)

در مورد "حکمرانی" یا "اقتدار" هم استفاده شده است

۱. در مورد انسانهایی که حکومت میکردند

- a. انجیل لوقا ۱۲: ۱۱
 b. انجیل لوقا ۲۰: ۲۰
 c. رومیان ۱۳: ۳، تیتوس ۳: ۱
 ۲. در مورد اقتدار فرشتگان
 a. رومیان ۸: ۳۸
 b. اول قرنتیان ۱۵: ۲۴
 c. افسسیان ۱: ۲۱، ۳: ۱۰، ۶: ۱۰
 d. کولسیان ۱: ۱۶، ۲: ۱۰ و ۱۵

این معلمین دروغین تمامی اقتدار زمینی و بهشتی را نقض کردند. آنها آزادی مطلق میخواهند. آنان خود و امیال خود را بالاتر از خدا، فرشتگان، مقامات مدنی و رهبران کلیسا میدانند.

NASB	"بلکه مسکن مناسب خود را ترک کردند"
NKJV	"بلکه ماواى خود را ترک کردند"
NRSV	"خانه و کاشانه خود را رها کردند"
TEV	"مشکن مال خود را رها کردند"
NJB	"مکانی را که به آنان اختصاص داده شده بود ترک کردند"

این فرشتگان قلمرو بهشتی خود را ترک کرده و به جایی دیگر (زمین) رفتند. این با تفسیر فرشتگان کتاب پیدایش ۶: ۱ الی ۴ کاملاً مطابقت دارد. عمل انجام شده رد تعمدی اراده و اقتدار خدا بود.

■ "قلمرو ابدی" (این عبارت در نسخه فارسی ترجمه نشده است- مترجم) در اول انوش برای فرشتگان از زنجیر استفاده شده و شیطان در مکاشفه ۲۰: ۱ الی ۲ با "زنجیر بزرگ" بسته شده است. اصطلاح "ابدی" میتواند به معنی "قدرتمند" یا "مناسب" یا "یقین" باشد و الزاماً به مفهوم ابدی نیست، زیرا این فرشتگان فقط تا روز داوری نگاه داشته میشوند. زمانی که سایر ابزارهای احیا باید مورد استفاده قرار بگیرند (مراجعه شود به مکاشفه ۲۰: ۱۰ و ۱۴ الی ۱۵). نکته اینجاست که برخی از فرشتگان اینک زندانی هستند، و همینطور هم کارهای شیطانی آنان تحت کنترل است.

■ "در تاریکی" اصطلاح ته‌هاویه (در یهودا استفاده نشده ولی در دوم پطرس ۲: ۴ و اول انوش ۲۰: ۲ استفاده شده است) در اسطوره شناسی یونانی برای مکان نگاهداری تایتانها، نیمه‌خدا، نیمه‌انسان استفاده میشود. این تا تفسیر فرشتگان کتاب پیدایش ۶ متناسب است. اول انوش مسکن جدید این فرشتگان یاغی را به عنوان تاریکی ابدی توصیف میکند (مراجعه شود به اول انوش ۱۰: ۵ و ۱۲). چقدر با بهشت درخشان تفاوت دارد (شکوه). ربی‌ها شیئول را به "بهشت" (برای پارسایان) و هاویه (برای پلیدها) تقسیم کرده است. اصطلاح "پرتگاه" (مراجعه شود به انجیل لوقا ۸: ۳، مکاشفه ۹: ۱، ۱۱: ۷، ۲۰: ۳) مترادف با استعاره تاریکی است که در آیه ۱۳ ب به کار رفته است.

■ "داوری" (در متن انگلیسی "روز بزرگ" نوشته شده است- مترجم) این هم یک شیوه دیگر برای اشاره به روز داوری است، روزی که خدا تمامی مخلوقاتش را به عنوان مسئول نعمت زندگی مورد داوری قرار میدهد (مراجعه شود به فیلیپیان ۲: ۱۰ الی ۱۱، اشعیا ۴۵: ۲۳، رومیان ۱۴: ۱۰ الی ۱۲).

موضوع خاص: "پسران خدا" در کتاب پیدایش ۶

(SPECIAL TOPIC: "the sons of God" in Genesis 6)

۱. مباحثات جدی در مورد شناسایی عبارت "فرزندان خدا" وجود دارد. سه تفسیر مهم در این زمینه وجود دارند:

- a. این عبارت به سلسله مقدس سیت اشاره دارد
 b. این عبارت به یک گروه از موجودات فرشته ای اشاره دارد
 c. این عبارت به پادشاهان سلاطین سلسله کنعان اشاره دارد (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۴)
 ۲. شواهدی برای اشاره به سلسله سیت است

a. مفهوم بلافصل متن کتاب پیدایش ۴ و ۵ گسترش سلسله یاغی کنعان و سلسله مقدس سیت را نشان میدهد. بنابراین به نظر میرسد شواهد متنی به نفع خاندان سیت باشد

- b. در درک این عبارت میان ربی ها اختلاف نظر وجود دارد. برخی تصریح میکنند که به سیت اشاره دارد (ولی بیشتر به نفع فرشتگان است).
- c. عبارت "پسران خدا" هر چند بیشتر در مورد فرشتگان استفاده شده است، به ندرت به انسانها اشاره دارد
- i. کتاب تثنیه ۱۴: ۱، "پسران یهوه، خدای شما"
 - ii. کتاب تثنیه ۳۲: ۵، "پسران او"
 - iii. کتاب خروج ۲۱: ۶، ۲۲: ۸ الی ۹، (احتمالا لاویان و داوران، مراجعه شود به مزامیر ۸۲: ۱)
 - iv. مزامیر ۷۳: ۱۵، "فرزندان تو"
 - v. هوشع ۱: ۱۰، "پسران خدای زنده"
۳. شواهدی برای اشاره به موجودات فرشته ای
- a. این رایج ترین درک سنتی از این عبارت است. محدوده بیشتر کتاب پیدایش، می تواند این دیدگاه را به عنوان مثال دیگری از شر شیطانی که سعی در خرد کردن اراده خدا برای بشریت دارد، پشتیبانی کند (ربی ها از روی حسادت می گویند).
 - b. عبارت "پسران خدا" به طور فزاینده ای در عهد عتیق در مورد فرشتگان استفاده شده است.
 - i. یعقوب ۱: ۶
 - ii. یعقوب ۲: ۱
 - iii. یعقوب ۳۸: ۷
 - iv. مزامیر ۲۹: ۱
 - v. مزامیر ۸۹: ۶ و ۷
 - c. کتاب اول انوش، که در دوران عهد جدید میان مومنین بسیار محبوب بود، همراه با *Genesis Apocryphon* از کتیبه بحالمیت و جبیلی ۵: ۱، این فرشتگان یاغی را تفسیر میکنند (اول انوش ۱۲: ۴، ۱۹: ۱، ۲۱: ۱ الی ۱۰).
 - d. به نظر میرسد متن کتاب پیدایش ۶ دلالت بر این دارد که "دلیر مردان قدیمی، مردان پرآوازه" از این ادغام نامناسب ترتیب خلقت می آید.
 - e. اول انوش حتی تصریح میکند که سیل نوح برای نابودی این گروه فرشته/انسان ها آمد که نسبت به یهوه و طرح خلقت او دشمنی داشتند (مراجعه شود به اول انوش ۷: ۱ به بعد، ۱۵: ۱ به بعد، ۸۶: ۱ به بعد).
۴. شواهدی که این متن اشاره به پادشاهان و سلاطین سلسله کنعان دارد
- a. چندین ترجمه باستانی وجود دارند که این نگرش را پشتیبانی میکنند
 - i. تارگوم و انکلوس (قرن دوم میلادی) "پسران خدا" را "پسران اشراف" ترجمه میکند
 - ii. سیماکوس (قرن دوم میلادی) که ترجمه یونانی عهد عتیق است، "پسران خدا" را به عنوان "پسران پادشاهان" ترجمه کرده است
 - iii. اصطلاح الوهیم گاهی اوقات در مورد رهبران اسرائیل استفاده شده است (مراجعه شود به کتاب خروج ۲۱: ۶، ۲۲: ۸، مزامیر ۸۲: ۱ و ۶، به انجیل NIV و NET توجه کنید).
 - iv. نیفلیم (NIDOTTE، جلد ۳، صفحه ۱۳۰، شماره ۵) مرتبط با *Gibborim* در کتاب پیدایش ۶: ۴ است. *Gibborim* جمع *Gibbor* بوده و به معنی "مردی قدرتمند، دارای قدرت، ثروت یا قدرت" است
 - b. این تفسیر و شواهد آن برگرفته از *Hard Sayings of the Bible*، صفحات ۱۰۶ الی ۱۰۸ میباشد.
۵. شواهد تاریخی که هر دو کاربرد را تقویت میکنند
- a. عبارت اشاره به سیتها دارد
 - i. سیریل اسکندریه
 - ii. تنودورت
 - iii. آگوستین
 - iv. جروم
 - v. کالوین
 - vi. کایل
 - vii. گلیسون آرچر
 - viii. واتس
 - b. عبارت اشاره به فرشتگان دارد

i. نویسندگان Septuagint

ii. فیلو

iii. جوزفوس (Antiquities ۱-۳-۱)

iv. شهید جاستین

v. کلمنت اسکندریه

vi. ترتولیان

vii. اوریگن

viii. لوتر

ix. دلیجتج

x. هنگستنبرگ

xi. اولفورد

xii. وسترن

xiii. ونهام

xiv. انجیل NET

۶. چگونه فیلیم کتاب پیدایش ۶: ۴ با "پسران خدا" و "دختران انسان" در کتاب پیدایش ۶: ۱ الی ۲ مرتبط است؟ به سه نظریه توجه کنید:

a. آنها غولهای هستند که از اتحاد میان فرشتگان و زنان انسان به وجود آمدند (به Wisdom of Ben Sira ۱۶: ۷ مراجعه شود)

b. اصلا به هم ربطی ندارند. خیلی ساده، از آنان به عنوان موجوداتی که در زمان رخدادهای پیدایش ۶: ۱ الی ۲ و پس از آن در زمین وجود داشتند، نام برده شده است.

c. R. K. Harrison در کتاب *Introduction to the Old Testament* صفحه ۵۵۷، چنین نقل میکند "به طور کامل بینش انسان شناسی ارزشمند را در رابطه میان انسان متفکر و گونه های پیش از آدم که در این متن هستند را فراموش میکند و گروهی از محققان مصر در جستجوی آنها هستند"

این به من نشان می دهد که او این دو گروه را به عنوان نمایندگان گروه های مختلف انسان دوستانه می بیند. این به معنای ایجاد آدمهای بعد از آدم و حوا است، بلکه تکامل تکاملی انسان نئاندرتال است.

۷. فقط منصفانه است که درک خود را از این متن جنجالی بیان کنم. اولاً، اجازه دهید به همه یاد آوری کنم که متن کتاب پیدایش کوتاه و مبهم است. نخستین شنوندگان موسی، باید بینش تاریخی بیشتری داشته باشند یا موسی از زمان پدرسالاری سنت شفاهی یا نوشته ای استفاده می کرد که او به طور کامل درک نمی کرد. این موضوع یک موضوع خداپاورانه نیست. ما اغلب در مورد چیزهایی که در کتاب مقدس به آن اشاره شده اند کنجکاو هستیم. این بسیار جالب خواهد بود که الهیات دقیق را از این و بخشهای مشابه اطلاعات کتاب مقدس بیاموزیم. اگر به این اطلاعات نیاز داشتیم، خدا آن را در فرم واضح تر و کاملتری فراهم می کرد. من شخصا بر این باور بودم که فرشتگان و انسانها بودند:

a. عبارت "پسران خدا" مرتب، هر چند به طور غیرانحصاری، در مورد فرشتگان در عهد عتیق استفاده شده است.

b. Septuagint (اسکندریه ای) (اواخر قبل اول قبل از میلاد) "پسران خدا" را به صورت "فرشتگان خدا" ترجمه میکند.

c. کتاب اول انوش (احتمالاً ۲۰۰ سال قبل از میلاد نوشته شده) به طور خاص به فرشتگان اشاره دارد (مراجعه شود به فصلهای ۶ الی ۷، همچنین به جیبلی ۴: ۱۹ توجه کنید)

d. دوم پطرس ۲ و یهودا از فرشتگانی صحبت میکند که گناه کردند و ماوای خود را حفظ نکردند (همچنین به اول انوش ۱۰: ۴ و ۱۲ توجه کنید)

میدانم که برای برخی این متضاد با انجیل متی ۲۰: ۳۰ به نظر میرسد، ولی این فرشتگان خاص نه در بهشت هستند و نه در زمین بلکه در زندانی خاص به سر میبرند (تارتاروس)

e. فکر میکنم یک دلیل که بسیاری از رخدادهای کتاب پیدایش ۱ الی ۱۱ در بسیاری از دیگر جوامع دیده میشوند (یعنی مشابه داستانهای خلقت، مشابه داستان سیل، مشابه داستانهای فرشتگانی که زن میگیرند) به خاطر این است که همه انسانها با یکدیگر بودند و شناختی نسبت به یهوه در طول این دوران داشتند، ولی پس از تخریب برج بابل شناخت دچار فساد شد و با الگوی چند خدایی مطابقت پیدا کرد.

مثال خوبی در این مورد، اسطوره های یونانی هستند که گولهای نیمه انسان / نیمه سوپر انسان به نام تایتان در تارتاروس زندانی هستند، همین نام فقط یکبار در انجیل (دوم پطرس ۲) برای مکان نگاهداری فرشتگانی که در ماوای خود نماندند استفاده شده است. در الهیات ربی ها حادث به بخشی برای پارسایان (بهشت) و بخشی برای نافرمانان (تارتاروس) تقسیم شده است.

"جهنم"

NASB, NKJV, NRSV,

TEV, NIV

"دنیای زیر زمین"

NJB

"تارتاروس"

Weymouth

به یادداشت فوق در مورد "در تاریکی" در یادداشتهای یهودا ۶ مراجعه کنید.

■ "سیاهچالهای تاریک" اصطلاح *Sirois* در نسخ دستنویس باستانی A و B و C یافت میشود. نسخه شاه جیمز "زنجیر" (*seirais*) دارد که مشابه معنی "بندها" (*demois*) در یهودا ۶ است که در نسخه دستنویس پاپیروسی P⁷² یافت میشود، به اول انوس ۱۰: ۱۲ هم مراجعه کنید)

۵: ۲ "و اگر بر دنیای قدیم نیز رحم نکرد" (در نسخه انگلیسی "اگر نیست-مترجم) این اشاره به داوری خدا بر بدیهی نوع بشر دارد (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۶: ۵، ۱۱ الی ۱۲ و ۱۳، ۸: ۲۱ ب). این داوری توسط آب در کتاب پیدایش ۶ الی ۹ توصیف شده است. همین رخداد در اول پطرس ۳: ۱۸ الی ۲۲ ذکر شده است.

■ "نوح" یک انسان و خانواده اش "مورد لطف سرورمان قرار گرفتند" (یعنی نوح، مراجعه شود به کتاب پیدایش ۶: ۸ الی ۹ و ۱۸). این رخداد در *Antiquities of the Jews* ۱-۳-۱ جوزفوس، اول کلمنت ۷: ۶ و ۹: ۴ و *Sibylline Oracles* ۱: ۱۲۸ توصیف شده است.

■ "واعظ پارسا" عهد عتیق موعظه کردن نوح را ذکر نکرده است، ولی سنتهای ربی ها یقینا اینکار را کرده اند (مراجعه شود به جبیلی ۷: ۲۰ الی ۲۹، *Sibylline Oracles* ۱: ۱۲۸ الی ۱۲۹).

■ "سیلی" از این کلمه یونانی، کلمه انگلیسی "cataclysm" می آید. بر طبق اول انوش، این داوری خدا بر نسل مخلوط روابط جنسی انسان/فرشته در کتاب پیدایش ۶: ۱ الی ۴ صورت گرفت.

۲: ۶ "سدوم و عموره" تخریب این شهرهای فاسد در کتاب پیدایش ۱۹: ۲۴ الی ۲۸ توصیف شده است. فرشتگان وسیله فرار برای لوط و خانواده اش بودند و به طور ضمنی آنها در نابودی این شهرها دخیل بودند.

این همسو با یهودا ۷ است. به نظر میرسد که نوح مثال داوری توسط آب و سدوم و عموه مثال داوری با آتش باشند.

من یادداشت زیر را از تفسیر خود در مورد یهودا ۷ نقل میکنم

یادداشتهایی از تفسیر یهودا

یهودا ۷ "سدوم و عموره" این سومین نمونه از شورش است که فعالیت های جنسی را در خارج از طرح آشکار شده خداوند در مورد ازدواج شامل میشود:

۱. عبادت باروری کنعانیان در شیطیم (مراجعه شود به اعداد ۲۵)
۲. تلاش فرشتگان در به هم ریختن نظم خلقت (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۶: ۱ الی ۴، دوم پطرس ۲: ۴)
۳. فعالیهای همجنسگرایانه سدوم و عموره نسبت به فرشتگان (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱۹، دوم پطرس ۲: ۶)

■ "و شهرهای اطراف آنها" این شهرها در کتاب تثنیه ۲۹: ۲۳ فهرست شده اند.

■ "به همان شیوه" این اتهامی است که از نظر دستور زبانی به فرشتگان مربوط می شود (یهودا ۶)، نه "شهرهای اطراف". پیش بینی شده است که یهودا از این تصاویر عهد عتیق استفاده می کند؛ چرا که چون فرشتگان زن را در ۶ پیدایش یافتند، بنابراین مردان در تلاش بودند تا فرشتگان را بیاورند (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱۸: ۲۲ و ۱۹: ۱). اگر چنین است، این نمونه دیگری از تلاش برای ایجاد در هم ریختگی در نظرم خلقت است. با این حال، به نظر می رسد که ساکنان سدوم نمی دانستند که اینها فرشتگان بودند و فکر می کردند که آنها مرد هستند (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱۸: ۲۲) /

■ "فساد عظیمی که در پی کالبدی عجیب بود" این اشاره به "انواع متفاوتی کالبد (*heteros*)" دارد. به نظر میرسد که این (۱) بر اساس *Antiquities of the Jews* ۱: ۳: ۱ اثر جوزفوس هم به فرشتگان و زنان (۲) هم به همجنسگرایی (مراجعه شود به رومیان ۱: ۲۶ الی ۲۷) شایع در نواحی سدوم اشاره داشته باشد.

■ "به عنوان مثالی از مجازات آتش ابدی نشان داده میشوند" یهودا از این مثالهای عهد عتیقی به عنوان هشدار واضح برای خوانندگان استفاده میکند. در مورد سو استفاده های جنسی هر کسی هشیار باشید.

عهد جدید به وضوح از مجازات ابدی صحبت میکند (مراجعه شود به انجیل متی ۲۵: ۴۱ و ۴۶، دوم تسالونیکیان ۲: ۸ الی ۹، مکاشفه ۱۹: ۲۰، ۲۰: ۱۱ و ۱۴ الی ۱۵، ۲۱: ۲۸، و همچنین اول انوش ۵۴: ۱). به سختی میتوان در مورد این موضوع بحث کرد زیرا انجیل اطلاعات زیادی در مورد بهشت یا جهنم ارائه نمیدهد. واقعی بودن آنها را تصریح میکند، ولی اطلاعات مشخصی را آشکار نمیسازد، معمولاً آنها را با زبان استعاره توصیف میکند. عیسی از "دره پسران هینوم" استفاده میکند، که درست در جنوب اورشلیم قرار دارد و توسط اسرائیلیان تحت مناسه برای عبادت مُلج (Molech)، خدای آتش کنعانیان که باید کودکی قربانی میشد، استفاده میکند. یهودیان از روی شرم و تاسف از برگزاری چنین مراسم باروری، این مکان را تبدیل به زباله دانی اورشلیم کردند. استعاره های آتش، دود و گرمهای عیسیاز این مکان که "جهنم" نام داشت می آیند.

این محل عذاب نه برای بشریت، بلکه فرشتگان یاغی (انجیل متی ۲۵: ۴۱) ایجاد شد. شرارت در تمام سطوح از خلقت خدا برداشته خواهد شد. جهنم روش کتاب مقدس برای توصیف این تقسیم دائمی است.

قبل از اینکه من این موضوع را ترک کنم بگذارید دردی که از این موضوع تحمل میکنم را بیان دارم. این تنها رنج در کتاب مقدس است که به رستگاری منتهی نمیشود. این اراده خدا برای کسی نیست. این نتیجه شورش آگاهانه و پیوسته هر دو فرشته و انسان است. این یک خونریزی باز و خونریزی در قلب خداست که هرگز شفا نخواهد یافت! تمایل خدا برای آزادی اراده در میان موجودات او منجر به زبان های دردناک و ابدی می شود.

The Jerome Biblical Commentary جلد دوم صفحه ۳۷۹ میگوید که توصیف یهودا از مجازات این فرشتگان بسیار مشابه با اول انوش ۱۰: ۴ الی ۶ و ۱۱ و ۱۳، ۱۲: ۴، ۱۵: ۳، ۱۹: ۱ است. به نظر میرسد که این آشنایی یهودا با کارهای آپوکالیپتیک یهودیان را تأیید میکند.

۲: ۷ الی ۸ "لوط پارسا" این ممکن است اشاره به (۱) کتاب افراطی یهودی Wisdom of Solomon ۱۰: ۶ یا (۲) یک سنت ربانی باشد. لوط از طریق اقدامات مردم شرور معاصر از روحانیت بیزار شد (برخی از سنتهای ربانی در دوم پطرس ۲: ۸ و اول کلمنت ۱: ۱ منعکس شده اند) همانطور که خوانندگان دوم پطرس از معلمهای دروغین با کارهای غیر اخلاقی آنان بیزار شدند.

کل این متن از عهد عتیق است. اتفاقاتی که در تاریخ اسرائیل رخ داده بودند در روزگار پطرس تکرار میشدند.
۲: ۹ این جمع بندی متن بسط یافته ای است که در دوم پطرس ۲: ۴ آغاز شد. خدا مردم خود را نجات میدهد (یعنی نوح، دوم پطرس ۲: ۵، و لوط، دوم پطرس ۲: ۷) و غیر پارسایان را برای داوری در مورد اعمالشان نگاه میدارد (یعنی فرشتگان و انسانها).

۲: ۱۰ "کسانی که در پی امیال فاسد خود هستند" این اشاره به غرایز انسانی دارد که توسط خدا داده شده اند اما با محدودیت های خاصی (به عنوان مثال، فعالیت های جنسی انسان، اما بعد از ازدواج). بشریت گمراه نعمات خداوند را فراتر از مرزهای خداوند برای اهداف خودخواهانه (بیشتر و بیشتر برای من در هر هزینه) می خواهد.

■ "و اقتدار فاسد" به طرق مختلف این همسو با یهودا ۸ است

یهودا ۸

۱. کالبد فاسد
۲. رد اقتدار
۳. آراستگی عظمت فرشتگان

دوم پطرس ۲: ۱۰

۱. کالبد افراطی
۲. اقتدار فاسد
۳. آراستگی عظمت فرشتگان

با این عبارت یهودا بدیهی است که به فرشتگان اشاره دارد، ولی دوم پطرس را شاید بتوان به خوبی با دوم پطرس ۲: ۴ مرتبط کند و در پی آن رد مسیح، من یادداشتهای خود درباره یهودا ۸ را اضافه کرده ام.

یادداشتهای از تفسیر یهودا

یهودا ۸ "با این حال به همان شیوه" معلمین دروغین روزگار یهودا تشابهاتی با یاغیان قدیم دارند. ماهیت دقیق این تشابه مشخص نشده است.

■ "اینان" این شیوه یهودا برای اشاره به معلمین دروغینی است که به کلیسا یورش بردند (مراجعه شد به یهودا ۸ و ۱۰ و ۱۲ و ۱۴ و ۱۶ و ۱۹).

■ "همچنین در آرزوی" این اصطلاح در مورد انبیا دروغین عهد عتیق استفاده شده است (مراجعه شود به کتاب تثنیه ۱۳: ۱ الی ۵، ارمیا ۲۳: ۲۵ الی ۳۲)، آنانی که ادعای مکاشفه خاصی از جانب خدا داشتند (مراجعه شود به کولسیان ۲: ۱۸).

■ "کالبد فاسد" این استفاده استعاره ای برای اصطلاح "گندیده" است. به وضوح یک جنبه غیر اخلاقی در تعالیم و یا شیوه زندگی آنها وجود داشت. همه

این نمونه های عهد عتیقی شامل دربر دارنده نوعی گناه جنسی بودند (مراجعه شود به دوم تیموتائوس ۳: ۱ به بعد، دوم پطرس ۲).

■ "رد صلاحیت و ناسزا گفتن به فرشتگان" سه مشخصه در مورد "اینها" وجود دارد:

۱. "بدن فاسد"
۲. "رد صلاحیت و اقتدار" (NRSV، NKJV، NASB)
 - a. "رد اقتدار خدا" (TEV)
 - b. "نادیده گرفتن اقتدار" (NJB)
۳. "ناسزا گفتن به فرشتگان" (NASB)
 - a. "گفتن سخنان شریانه در مورد مقامات" (NKJV)
 - b. "تهمت زدن به مقام والا" (NRSV)
 - c. "توهین به موجودات والای آسمانی" (TEV)
 - d. "سو استفاده از جلال" (NJB)

بدیهی است که اولی در مورد گناهان جنسی است، ولی در مورد دومی و سومی چه؟ مورد دوم، یعنی "رد صلاحیت و اقتدار" حد اقل به دو شیوه متفاوت مورد تفسیر قرار گرفته است.

۱. اصطلاح یونانی برای "صلاحیت" *kuriotēa* است، که مرتبط با اصطلاح "سرور" (*kurios*) است، بنابراین برخی این را به رد کردن یعنی انکار عیسی در یهودا ۴ مرتبط میدانند (هر چند از نظر فعلی متفاوت است) ("تنها ارباب و سرورمان، عیسی مسیح")
۲. اصطلاح یونانی برای "صلاحیت" *kuriotēta* است، که مرتبط با *kuriotēs* میباشد و در دوم پطرس ۲: ۱۰ برای اشاره به فرشتگان استفاده شده است (مراجعه شود به افسسیان ۱: ۲۱، کولسیان ۱: ۱۶).

به نظر میرسد که متن به فرشتگان اشاره میکند، بنابراین شماره ۲ بهترین گزینه است.

سومین تفسیر از اصطلاح "جلال" عهد عتیقی (*kabod*) استفاده میکند که در مورد خدا استفاده میشود (مراجعه شود به یهودا ۲۴ و ۲۵، دوم پطرس ۱: ۳ و ۱۷، ۳: ۱۸) و هر آنچه که به خدا مرتبط است، به خصوص در بهشت یا زندگی که پیش رو خواهد بود. در این مورد یهودا بسط انجیلی این مفهوم عهد عتیقی را گرفته تا به فرشتگان، افراد قدرتمند و با اقتدار اشاره کند.

این حتی ممکن است به رد قانون عهد عتیق اشاره کند؛ زیرا یهودیان معتقد بودند که فرشتگان به عنوان واسطه برای یهوه عمل کرده و قانون را در کوه سینا به موسی دادند (مراجعه شود به اعمال رسولان ۷: ۳۵).

این بخش از متن، در مورد سبک زندگی خارج از محدوده "این" معلمان دروغین در زمینه اخلاق و اقتدار است. فهرست ویژگیهای معلمین دروغین که در یهودا ۱ الی ۴ آغاز شده است، همچنان ادامه دارد: (۱) نومییدی از اقتدار، دوم پطرس ۲: ۱۰؛ (۲) همانند حیوانات دوم پطرس ۲: ۱۲؛ (۳) در جستجوی لذت، دوم پطرس ۲: ۱۳؛ (۴) نابود کردن جشن محبت، یهودا ۱۳؛ (۵) باعث گناه کردن مومنین ضعیف میشوند، یهودا ۱۴؛ و (۶) وعده آزادی، ولی آنها بردگانی بیش نیستند، یهودا ۱۹.

NASB: دوم پطرس ۱۰ ب الی ۱۶

اینان چنان گستاخند و متکبر که از اهانت به بزرگان آسمانی پروایی ندارند؛^{۱۱} حال آنکه حتی فرشتگان که از قدرت و اقتدار بیشتر نیز برخوردارند، هرگز به هنگام اعلام محکومیت خداوند بر این بزرگان، اهانتشان نمی کنند.^{۱۲} در مقابل، اینان در اموری اهانت می ورزند که از آن هیچ شناختی ندارند. آنان همچون وحوش عاری از شعورند که تنها تابع غرایز خویشند و زاده شده اند تا به دام افتند و هلاک گردند. پس بسان وحوش نیز هلاک خواهند شد^{۱۳} و در سزای آن بدی که کرده اند، بد خواهند دید. تفریح اینان عیش و عشرت در روز روشن است. لکه های ننگی هستند که حتی به هنگام شرکت در ضیافت با شما، از غرقه شدن در لذات فریبنده خویش دست بر نمی کشند.^{۱۴} چشمانی دارند پر از زنا که از گناه کردن سیر نمی شود. این ملعونان، سست مایگان را اغوا می کنند و در طمع ورزی بسی چیره دستند!^{۱۵} راه راست را ترک گفته و با در پیش گرفتن راه بلعام بن بَعور که مزد ناراستی را دوست می داشت، گمراه گشته اند.^{۱۶} اما بلعام به سبب بدکرداری اش از زبان الاغی توبیخ شد. حیوان بی زبان همانند انسان سخن گفت و بر دیوانگی نبی لگام زد.

۲: ۱۰ ب "گستاخ" (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۲: ۳۴، ۱۵: ۴۳)

■ "متکبر" (مراجعه شود به تیتوس ۱: ۷)

■ "از اهانت پروایی ندارند" (مراجعه شود به انجیل متی ۲۸: ۴، انجیل لوقا ۸: ۴۷، اعمال رسولان ۷: ۳۲، اول قرنتیان ۲: ۳)

سه اصطلاح مقدم، بی احترامی معلمان دروغین به قدرت و قدرت روحانی را توصیف می کنند. آنها احتمالاً به الهیات گسترده عرفانی سطوح فرشتگان

(aeons) و اسامی مخفی این فرشتگان مربوط می شود که به نظر می رسد از طریق قلمرو خود در راه برقراری ارتباط با خدای بزرگ و والا، مرتبط باشند.

"فرشتگان والا"	NASB
"سخنان ناسزا در مورد مقامات گفتن"	NKJV
"تهمت زدن به مقامات والا"	NRSV
"بی احترامی به مقام والا"	TEV
"توهین کردن به مقام والا"	NJB

به یادداشت بخش قبل از یهودا در مورد "شکوه" (*doxai*) مراجعه کنید.

۱۱: ۲ "هرگز به هنگام اعلام محکومیت خداوند بر این بزرگان، اهانتشان نمی کنند" این همسو با یهودا ۹ است، که ممکن است نقل قولی از *The Assumption of Moses* باشد. مربوط به رخدادی میان میخائیل (یعنی فرشته کماندار و محافظ اسرائیل) و شیطان بر سر بدن موسی است (مراجعه شود به کتاب تنبیه ۳۴: ۶).

در مورد این آیه یک اختلاف در نسخ دستنویس یونانی وجود دارد.

۱. در برابر خداوند (*para* با حالت مکانی، ۴، B، C، K، P، مراجعه شود به NASB، NKJV، TEV، NJB)
۲. از خدا (*para* به صورت مفعول عنه، P⁷²، مراجعه شود به NRSV)

۱۲: ۲ این آیه همسو با یهودا ۱۰ است. یهودا ۹ مواجهه میخائیل با شیطان را توصیف میکند. این آیه در دوم پطرس و یهودا ۱۰ توصیف میکند که چگونه معلمین دروغین به اقتدار فرشتگان واکنش نشان دادند

۱. همانند حیوانات بی خرد عمل کردند
۲. آنان موجوداتی با غرایز حیوانی هستند

آنچه آنان میدانند (و آنچه بدان عمل میکنند) آنان را نابود خواهد کرد.

■ "لکه های ننگ.... غزق شدن" به موضوع خاص زیر مراجعه کنید.

موضوع خاص: تخریب، نابودی، فساد (*phtheirō*)

(SPECIAL TOPIC: DESTROY, RUIN, CORRUPT (*phtheirō*))

معنی اصلی اصطلاح *phtheirō* نابودی، تخریب، فساد و از بین بردن است. از این اصطلاح در موارد زیر استفاده میشود.

۱. نابودی مالی (احتمالاً دوم قرن تیان ۷: ۲)
 ۲. تخریب فیزیکی (مراجعه شود به اول قرن تیان ۳: ۱۷ الف)
 ۳. فساد اخلاقی (مراجعه شود به رومیان ۱: ۲۳، ۸: ۲۱، اول قرن تیان ۱۵: ۳۳ و ۴۲ و ۵۰، غلاطیان ۶: ۸، مکاشفه ۱۹: ۲)
 ۴. سو استفاده جنسی (مراجعه شود به دوم قرن تیان ۱۱: ۳)
 ۵. نابودی ابدی (مراجعه شود به دوم پطرس ۲: ۱۲ و ۱۹)
 ۶. سقوط سنتهای انسانی (مراجعه شود به کولسیان ۲: ۲۲)
- اغلب این اصطلاح در همان متن به عنوان ناقص آن استفاده میشود (مراجعه شود به رومیان ۱: ۲۳، اول قرن تیان ۹: ۲۵، ۱۵: ۵۰ و ۵۳). به همسوهای متضاد میان جسم فیزیکی زمینی ما و کالبد ابدی و بهشتی ما توجه کنید.
۱. فاسد شدنی در برابر فاسد ناشدنی، اول قرن تیان ۱۵: ۴۲ و ۵۰
 ۲. بی احترامی در برابر شکوه، اول قرن تیان ۱۵: ۴۳
 ۳. ضعف در برابر قدرت، اول قرن تیان ۱۵: ۴۳
 ۴. کالبد طبیعی در برابر کالبد معنوی، اول قرن تیان ۱۵: ۴۴
 ۵. اولین آدم در برابر آخرین آدم، اول قرن تیان ۱۵: ۴۵
 ۶. تصویر زمینی در برابر تصویر بهشتی، اول قرن تیان ۱۵: ۴۹

۱۳: ۲ "در سزای آن بدی که کرده اند، بد خواهند دید" این یک ساختار نامعمول است که یا (۱) یک اصطلاح و یا (۲) بازی با کلمات (یعنی *adikoumenoi*، به معنی "از بدی رنج کشیدن" و *adikias*، که "از بدی" ترجمه میشود) است.

■ "عیش و عشرت در روز روشن" آنها اعمال خود طوری انجام میدهند که همه ببینند. این عبارت و عبارت آخر دوم پطرس ۲: ۱۲ هم همین را می گویند

"ننگ و بدنامی"	NASB
"لکه و بدنامی"	NKJV
"لکه دار کردن و بدنامی"	NRSV
"شرم و بی احترامی"	TEV
"لکه ناخوشایند"	NJB

اصطلاح اول *spilas* (و حالات مختلف آن) دو معنی کاملا متمایز دارد: (۱) اساسا به معنی خطر دیده نشده، پنهان یا صخره های کم عمق است، (مراجعه شود به یهودا ۱۲) و (۲) لکه چرک یا لک کثیف (مراجعه شود به افسسیان ۵: ۲۷، یعقوب ۳: ۶، دوم پطرس ۲: ۱۳، یهودا ۲۳). اصطلاح دوم به نوعی مترادف است. به صورت استعاره ای در مورد "بدنامی" و "لکه ننگ" استفاده شده است. هر دوی اینها اشاره به طعنه های جنسی که معلمین بی اخلاق دروغین بر مومنین در جشن محبت بر مسیحیان وارد میکردند، دارند (شام سرور).

"هنگام میگساری با شما"	NASB
"هنگام شرکت در ضیافت با شما"	NKJV, NRSV
"به خوراک خوردن با شما ملحق شدن"	TEV
"حتی زمانی که با شما بر سر یک میز نشستند"	NJB

این همسو با یهودا ۱۲ است. ضیافتی که به آن اشاره شده "جشن محبت" (مراجعه شود به اول قرنتیان ۱۱: ۱۷ الی ۲۲) است که یک گردهمایی اوکاریستی جامعه مومنین است.

۲: ۱۴ "چشمانی دارند پر از زنا" آنان به هر زنی بر سر میز مسیح به عنوان یک ابزار جنسی نگاه میکردند. این معلمین دروغین سو استفاده گران جنسی بودند (مراجعه شود به دوم پطرس ۲: ۱۰ و ۱۴ و ۱۸). ربی ها میگویند که چشم ها دریچه ای به روح و روان هستند. گناه از فکر کردن آغاز میشود. چشمان این معلمین دروغین هیچوقت استراحت نمیکند.

■ "سست مایگان را اغوا می کنند" آنان مومنان ضعیف و جدید را اغوا میکنند (مراجعه شد به انجیل متی ۱۸: ۶، دوم تیموتائوس ۳: ۶).

■ "در طمع ورزشی بسی چیره دستند" (در نسخه انگلیسی، "قلبی دارند که برای طمع ورزشی تعلیم داده شده است" خوانده میشود- مترجم) این وجه وصفی مجهول کامل است. ما کلمه انگلیسی *gymnasium* را از این کلمه گرفته ایم. آنها مرتب تعلیم میدیدند که بیشتر و بیشتر و به هر بهایی هر چیزی را برای خود بخواهند. موضوع خاص: قلب/دل در بخش مربوط به انجیل مرقس ۲: ۶ را مطالعه کنید.

"کودکان نفرین شده"	NASB
"و هستند کودکانی که نفرین شده اند"	NKJV
"کودکان نفرین شده"	NRSV
"آنان تحت لعنت خدا هستند"	TEV
"تحت نفرین هستند"	NJB

(این عبارت در ترجمه فارسی دیده نمیشود- مترجم) این یک اصطلاح عبری است (مراجعه شود به افسسیان ۲: ۳). آنها ویژگی ها و شخصیت پدر و مادرشان، یعنی شیطان را نشان می دهند. متضاد مثبت این اصطلاح "فرزندان مطیع" از اول پطرس ۱: ۱۴ است!

۲: ۱۵ "راه راست را ترک گفته" این منعکس کننده اصطلاح عبری "گناه" است (مراجعه شود به NRSV, TEV, NJB). پارسایی به عنوان راه یا مسیر توصیف شده است. مردمان خدا باید راه را دنبال کنند (مراجعه شود به مزامیر ۱۱۰: ۱۰۵، امثال ۶: ۲۳). هر حالت انحرافی از راه، گناه است.

■ "گمراه گشته اند" اصطلاح "گمراه" همان کلمه انگلیسی "سیاره" است، که به معنی "بی هدف گشتن" است. این همسو با یهودا ۱۳ است.

■ "راه بلعام" همین رخداد عهد عتیقی در یهودا ۱۱ ذکر شده است. در اعداد ۲۲ الی ۲۵، ۳۱: ۸ و ۱۶ به ثبت رسیده است. همانطور که طمع بلعام به پول بود، معلمین دروغین هم طمع داشتند (یعنی طماع بودند، دوم پطرس ۲: ۱۴).

"بُکور"	NASB, NKJV, TEV
"بُسور"	NRSV, NJB

نخستین گویش از اعداد ۲۲ Septaugint و در MS B است. دومین گویش در MSS P⁷²، A^C، A^C، C است و UBS⁴ رتبه A (یقین) به آن میدهد. با این حال، در هیچ جای دیگری نمونه ای از این اسم دیده نمی شود.

۲: ۱۶ "زبان الاغی" (در نسخه انگلیسی، "الاغی که با صدای انسان حرف میزد" نوشته شده است- مترجم) این اشاره به کتاب اعداد ۲۲: ۲۴ و ۳۱ دارد که

NASB: ۱۷:۲ الی ۲۲

^{۱۷} این معلمان دروغین، چشمه‌هایی بی‌آب و بخارهایی رانده از تندبادند که تاریکی مطلق برایشان مقرر است.^{۱۸} زیرا سخنان تکبرآمیز و باطل می‌گویند و با بهره‌جویی از تمایلات نفس و شهوت‌انگیزی، کسانی را که به‌تازگی از چنگ گمراهان رسته‌اند، اغوا می‌کنند.^{۱۹} بدیشان وعده آزادی می‌دهند، حال آنکه خود بنده فسادند؛ چه، آدمی بنده هر آن چیز است که بر او مسلط است.^{۲۰} زیرا آنان که با شناخت خداوند و نجات‌دهنده ما عیسی مسیح، از فساد دنیا رستند، اگر باز بدان گرفتار و مغلوب آیند، سرانجامشان بدتر از آغاز خواهد بود.^{۲۱} بهتر آن می‌بود که از آغاز، راه پارسایی را نمی‌شناختند، تا اینکه پس از شناختن، از حکم مقدسی که بدیشان سپرده شد، روی برتابند.^{۲۲} پس آنان مصداق این مثل راستین‌اند که: «سگ به قی خود باز می‌گردد»، و «خوک شسته شده، به غلتیدن در گل».

۱۷:۲ " چشمه‌هایی بی‌آب " این همسو با یهودا ۱۲ است. آنان وعده نعمت میدادند ولی فقط مرگ میدادند.

■ " که تاریکی مطلق برایشان مقرر است " (در نسخه انگلیسی "تاریکی مطلق برایشان تعیین شد" نوشته شده است- مترجم) این به مفهوم "تاریکی عمیق" است (مراجعه شود به دوم پطرس ۲: ۴، یهودا ۶ و ۱۳). فعل آن زمانی اخباری کامل مجهول است که دلالت بر دلالت و محکومیت ابدی توسط خدا دارد. این عبارت همچنین با یهودا ۱۳ هم همسو است. این استعاره ای در مورد مجازات ابدی با استفاده از تاریکی است (مراجعه شود به انجیل متی ۸: ۱۲، ۲۲: ۱۳، ۲۵: ۳۰ و اول انوش ۱۰: ۴ الی ۵، ۶: ۳).

۱۸:۲

NASB	"مغرورانه صحبت کردن"
NKJV	"کلمات سرشار از خلط بر زبان آوردن"
NRSV	"صحبت بی معنی"
TEV	"گفته های احمقانه"
NJB	"سخنرانی با صدای بلند ولی پوچ"

این همسو با دوم پطرس ۲: ۱۷ و یهودا ۱۲ الی ۱۳ و ۱۶ است. آنان به صورت روحانی و راستین خود را نشان میدهند ولی حقه بازی و نیرنگ است.

NASB	"با تمایلات جسمانی جذب میکنند"
NKJV	"با بهره‌جویی از تمایلات نفس و شهوت‌انگیزی اغوا میکنند"
NRSV	"با خواسته های دلسوزانه جسمانی آنها را جذب میکنند"
TEV	"به بهانه آرامش انسان را به دام می اندازند"
NJB	"با به بازی گرفتن خواسته های جسمانی وسوسه میکنند"

این هم مجددا جنبه جنسی معلمین دروغین است. آنها بر خطا هستند، نه فقط از منظر الهیاتی، بلکه از نظر اخلاقی هم بر خطا هستند.

NASB	"کسانی را که ... رسته‌اند"
NKJV	"کسانی که واقعا گریخته‌اند"
NRSV	"کسانی که صرفا گریخته‌اند"
TEV	"کسانی که تازه می‌خواهند فرار کنند"
NJB	"کسانی که به ندرت فرار میکنند"

در مورد این عبارت تنوعاتی در میان نسخ دستنویس یونانی وجود دارد.

۱. *oligōs* به معنی "تقریبا" (مراجعه شود به MSS P⁷², A, B, و والگیت، سیریاک و ترجمه های کپتیک)

۲. *ontōs* به معنی "واقعا" یا "در حقیقت" (مراجعه شود به MSS 8*, C و ترجمه های ارمنی و اسلاوی)

مسئله الهیاتی اینجاست که این مومنین به کجا هدایت میشوند (مراجعه شود به NIV, NRSV, NKJV) یا آیا آنان اصلا مومن بودند (مراجعه شود به NASB, NRSV (یادداشت)، TEV)؟ متن دوم پطرس ۲: ۲۰ الی ۲۱ یقینا دلالت بر این دارد که «ان مومن بودند (یعنی جمله شرطی نوع اول).

۱۹:۲ " وعده آزادی می‌دهند " این معلمان دروغین آزادی را به دوشیوه وعده میدادند: (۱) آزادی مذهبی بر اساس دانش اسرار از قلمرو فرشتگان و (۲) آزادی از محدودیت های اخلاقی بر اساس رستگاری، تنها شامل دستیابی به تفکر (یعنی عرفان عامیانه).

پولس از مؤمنین خواسته که از آزادی خود به عنوان مجوزی برای گناه کردن استفاده نکنند (مراجعه شود به غلاطیان ۱۶: ۱۶)، پطرس هم چنین میگوید (مراجعه شود به اول پطرس ۲: ۱۶). آزادی همیشه میوه ممنوعه بوده است. خویشنداری علامت بلوغ روحانی است (مراجعه شود به غلاطیان ۵:

۲۳). این در معنای استوکی تسلط بر خود نیست، بلکه در مفهوم مسیحی مومنی که با کمک روح القدس و وحی خداوند (عهد جدید) خود را وقف مکاشفه خدا میکند، است. سوال واقعی این است که چه کسی یا چه چیزی کنترل و / یا زندگی ما را مشخص می کند؟

■ "فساد" موضوع خاص در بخش مربوط به دوم پطرس ۲: ۱۲ را مطالعه کنید.

۲: ۲۰ "اگر" این عبارت شرطی نوع اول است که یعنی جمله از نظر دستور زبانی و یا از دید نگارنده و یا از نظر متنی شرط درست است. شرط دلالت بر آن دارد که قربانیان دوم پطرس ۲: ۱۸ مومنین بودند.

■ "از فساد دنیا رستند" این وجه وصفی آتوریست فعال است، که دلالت بر عمل کامل شده دارد (کار ایمان آوردن آنان به مسیح). انجیل آنان را از قدرت طبیعت گمراهی رها ساخته است (مراجعه شود به رومیان ۶).

■ "با شناخت خداوند" این اصطلاح *epignōskō* است، که به معنی شناخت تجربی کامل است (مراجعه شود به دوم پطرس ۱: ۲). ابزار رستگاری انجیل بود که فرد، حقیقت درباره آن فرد و شیوه زندگی آن فرد است. معلمین دروغین، هر سه مورد را نقض کردند!

■ "... رستند ... اگر باز بدان گرفتار و مغلوب آیند" نخستین فعل وجه وصفی آتوریست مجهول است، در حالیکه دومین فعل وجه وصفی اخباری مجهول است. به حالت مجهول توجه کنید، که دلالت بر وجود یک عامل خارجی است (یعنی معلمین دروغین و یا شیطان). متن بلافصل، پیچیدگی را به عنوان حساسیت و تمایلات جسمانی تعریف می کند. برای تفسیر خوب این آیه، *Hard Sayings of the Bible*، صفحات ۷۲۹ الی ۷۳۰ را ببینید. من کاملاً با ارزیابی آنها موافقم.

■ "سرانجامشان بدتر از آغاز خواهد بود" این میتواند به (۱) تازه ایمان آوردگان (مراجعه شود به دوم پطرس ۲: ۱۴، ۱۸ ب و ۲۱) و یا (۲) معلمین دروغین (مراجعه شود به دوم پطرس ۲: ۱۷ و ۱۸ الف) اشاره داشته باشد. همین ابهام در رابطه با دوم پطرس ۲: ۱۹ هم وجود دارد.

۲: ۲۱ چگونه وضعیت آنان میتواند بدتر شود؟ (۱) در برابر ایمان واقعی واکنش شدند. آنان همانند عبرانیان ۲: ۱ الی ۴، ۶ الی ۶، و ۱۰: ۲۶ الی ۳۱ هستند (یعنی بی ایمانان در زمان حضور نوز شدید)، (۲) این میتواند به تازه ایمان آوردگان و یا شیوه زندگی سست ایمانان اشاره داشته باشد که بیشتر شاهد گمراهی خود هستند تا رستگاریشان. این وضعیت ستیز شدید میان طبیعت قبلی و جدید (مراجعه شود به رومیان ۷) است، هم قبل از رستگاری و حتی بعد از آن.

■ "راه پارسایی" این اشاره به انجیل، و همچنین "فرمان مقدس" در دوم پطرس ۲: ۲۱ و "شناخت خدا" در دوم پطرس ۲: ۲۰ دارد (مراجعه شود به دوم پطرس ۳: ۲).

۲: ۲۲ "مَثَل راستین" ضرب المثل سگ از MT، است نه از امثال ۲۶: ۱۱ در LXX است. ضرب المثل قورباغه از کتاب عقلانی Ahikan به زبان آرامی (یعنی ۸: ۱۸) است، که در طول تبعید یهودیان به آشور به خوبی آن را میشناختند. Ahikan در کتاب یهودی *Tobit* به عنوان یک مرد عاقل از یکی از ده قبیله تبعیدی در شمال اشاره شده است. سنت یهودیان می گوید که او در طول سلطنت سناخیریب و اسارحادون، یکی از مقامات بلندپایه دولت (به عنوان مثال، همانند دانیال) بود. این معلمان دروغین به نظر میرسید که مؤمن هستند (به عنوان مثال، مردان دجله)، اما اعمالشان نشان داد که این فقط تغییر سطحی بود و توبه واقعی نیست (مراجعه شد به انجیل متی ۷ و ۱۳).

سوالاتی برای بحث

این یک راهنمای مطالعاتی است، که بدین معنی است که شما خودتان مسئول تفسیر انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر خودمان گام برداریم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. شما نباید این امر را به یک مفسر واگذار کنید.

این سوالات مباحثاتی به منظور کمک به شما در تفکر نسبت به مسائل اصلی این بخش از کتاب مطرح شده اند. آنها صرفاً تفکر برانگیز هستند نه

قطعی.

۱. آیا معلمین دروغین مسیحی واقعی بودند؟ (دوم پطرس ۲: ۱)
۲. آیا پیروانشان مسیحی بودند؟
۳. مشخصه های این معلمین دروغین را فهرست کنید.
۴. چرا در این فصل اینهمه در مورد فرشتگان صحبت شده است؟
۵. آیات ۲۰ الی ۲۲ به چه چیزی دلالت دارند؟

دوم پطرس ۳

پاراگراف‌های ترجمه‌های مدرن

UBS ⁴	NKJV	NRSV	TEV	NJB
روز سرور: انبیا و رسولان ۳: ۱ الی ۷	وعده آمدن سرورمان ۳: ۱ الی ۹	روز سرورمان ۳: ۱ الی ۷	وعده خدا پوچ نیست ۳: ۱ الی ۷	وعده آمدن سرورمان ۳: ۱ الی ۲ روز سرور: معلمین دروغین ۳: ۳ الی ۷
۳: ۸ الی ۱۳	روز سرور ۳: ۱۰ الی ۱۳ مقاوم باشید	۳: ۸ الی ۱۰ ۳: ۱۱ الی ۱۳	۳: ۸ الی ۹ ۳: ۱۰ الی ۱۳	۳: ۸ الی ۱۰ فراخوان تازه به تقدس ۳: ۱۱ الی ۱۸
۳: ۱۴ الی ۱۸	۳: ۱۴ الی ۱۸	۳: ۱۴ الی ۱۸	۳: ۱۴ الی ۱۶ ۳: ۱۷ الی ۱۸	

* تقسیم‌بندی پاراگرافها، تحت تاثیر الهام صورت نگرفته، بلکه کلید درک مطلب و دنبال کردن عزم اولیه نویسنده می‌باشند. هر ترجمه جدید، پاراگراف‌ها را تقسیم و خلاصه کرده است. هر پاراگراف شامل یک موضوع مرکزی، حقیقت یا تفکری است. هر نسخه این موضوع را به شیوه‌ای متمایز به کار می‌گیرد. همانطور که متن را می‌خوانید، از خودتان سوال کنید که کدام ترجمه متناسب با درک شما از موضوع و تقسیم بندی آیه است. در هر فصل ما ابتدا باید کتاب مقدس را بخوانیم و سعی کنیم موضوعات آن (پاراگراف‌ها) را شناسایی کنیم، سپس درک خود با نسخه‌های جدید را مقایسه کنیم. تنها وقتی می‌توانیم هدف اصلی نویسندگان را دریابیم که با پیروی از منطق و نحوه ارائه آن، بتوانیم واقعا کتاب مقدس را درک کنیم. فقط نویسنده اصلی الهام گرفته است - خوانندگان حق ندارند پیام را تغییر داده یا اصلاح کنند. خوانندگان کتاب مقدس مسئولیت اعمال حقیقت الهام گرفته را روزانه و در طول زندگی دارند. توجه داشته باشید که تمام اصطلاحات فنی و اختصارات به طور کامل در اسناد زیر توضیح داده شده است: [انتقادات متنی و واژه‌نامه](#).

مطالعه حلقه سوم (رجوع کنید به "راهنمای مطالعه مفید انجیل")

به دنبال نیت اصلی نویسنده در سطوح پاراگراف

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید. کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص نمایید (مطالعه حلقه شماره ۳). تقسیمات موضوعی خود را با پنج ترجمه بالا مقایسه کنید. پاراگراف بندی به نویسنده الهام نشده است، اما کلید پیگیری اهداف اصلی نویسنده است که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول
۲. پاراگراف دوم
۳. پاراگراف سوم
۴. و غیره

مطالعه کلمات و عبارات

NASB: دوم پطرس ۳: ۱ الی ۷

^۱ ای عزیزان، این نامه دوّم است که به شما می‌نویسم. هر دو نامه را به قصد یادآوری نگاشتم تا شما را به تفکری سالم برانگیزانم، تا کلامی را که پیامبران مقدّس در ایام گذشته گفته‌اند، به یاد آرید و نیز حکم خداوند و نجات‌دهنده ما را که به واسطه رسولان شما بیان شد.

^۳ قبل از هر چیز، بدانید که در ایام آخر استهزاکنندگانی ظهور خواهند کرد که پیرو امیال پلید خود خواهند بود و استهزاکنان^۴ خواهند گفت: «پس چه شد وعده آمدن او؟ از زمانی که پدران ما به خواب رفتند، همه چیز همان‌گونه است که از بدو آفرینش بود!»^۵ بدین‌سان، آنان به عمد بر این حقیقت چشم می‌پوشند که به کلام خدا آسمانها از قدیم بود و زمین از آب و به وسیله آب شکل گرفت؛^۶ و به وسیله همین آب، دنیای آن

زمان غرق و نابود شد.^۷ و به همان کلام، آسمانها و زمین کنونی برای آتش ذخیره شده است و تا روز داوری و هلاکت بی‌دینان نگاه داشته می‌شود.

۲: ۱ "عزیز" این اصطلاح اساساً توسط پدر در زمان تعمید پسر (مراجعه شود به انجیل متی ۳: ۱۷) و در زمان تغییر چهره (مراجعه شود به انجیل متی ۱۷: ۵ و دوم پطرس ۱: ۱۷) استفاده شد. این اصطلاح تبدیل به عنوانی برای مردمان خدا شد (مراجعه شود به رومیان ۱: ۷). فقط یک مرتبه در اول پطرس (مراجعه شود به اول پطرس ۲: ۱۱، ۴: ۱۲) از آن استفاده شده است ولی به کرات در دوم پطرس ۳ از آن استفاده شده است (مراجعه شود به دوم پطرس ۳: ۱ و ۸ و ۱۴ و ۱۵ الی ۱۷). همچنین در اول و سوم یوحنا بسیار متداول است.

■ "نامه دوم" ظاهراً این به اول پطرس اشاره دارد، البته اگر باور داشته باشید که پطرس منشا هر دو پطرس ۱ و ۲ باشد، که من باور دارم.

NASB	"تفکری سالم"
NKJV	"تفکر صمیمانه شما"
NRSV	"نیت صمیمانه شما"
TEV	"افکار پاک شما"
NJB	"درکی روشن"

این اصطلاح میتواند به معنی خالص در مفهوم صمیمانه یا از نظر اخلاقی درست باشد (مراجعه شود به فیلیپیان ۱: ۱۰). معلمین دروغین در هیچ مفهوم یا قالبی خالص نبودند. آنان خودخواهان غیر اخلاقی و حقه باز بودند.

■ "به قصد یادآوری" اینها دقیقاً گفته‌های دوم پطرس ۱: ۱۳ الی ۱۴ هستند (مراجعه شود به یهودا ۱۷). در انجیل اغلب از انسانها خواسته میشود تا خدا، کلامش و اعمالش را به خاطر داشته باشند. با این وجود، خدا تلاش میکند که گناهان آنها را فراموش کند (یعنی ارمیا ۳۱: ۳۴، اشعیا ۴۳: ۲۵، به صورت استعاره ای در مزامیر ۱۰۳: ۳، اشعیا ۱: ۱۸، ۳۸: ۱۷، ۴۴: ۲۲، میکاه ۷: ۱۸).

۳: ۲ "تا کلامی به یاد آرید" این زمان آنوریست نامحدود مجهول است. این تاکید بسیاری قوی است بر شناخت (۱) عهد عتیق (مراجعه شود به دوم پطرس ۱: ۲۱)، (۲) گفته‌های عیسی (مراجعه شود به دوم پطرس ۲: ۲۱) و (۳) شاگردانش (مراجعه شود به دوم پطرس ۱: ۱). این عبارت همسو با یهودا ۱۷ است.

شناختن/یادآوری به معنی تاثیر گذاشتن بر اعتماد بر آمدن دوم و همانند مسیح زندگی کردن است.

■ "کلامی را که پیامبران مقدس در ایام گذشته گفته‌اند" این وجه وصفی مجهول کامل است، که دلالت بر مکاشفه دائمی دارد (زمان کامل، مراجعه شود به انجیل متی ۵: ۱۷ الی ۱۹، اول پطرس ۱: ۲۵) که توسط روح القدس انجام میشود (حالت مجهول، مراجعه شود به دوم پطرس ۱: ۲۰ الی ۲۱).

این به کل عهد عتیق اشاره دارد. یهودیان معتقد بودند که کل کتاب مقدس توسط انبیا نوشته شده است. به همین دلیل است که موسی در کتاب تثنیه ۱۸: ۱۵ پیامبر خطاب میشود و اینکه یوشع در سراسر پادشاهان "پیامبران پیشین" میگوید.

■ "حکم خداوند و نجات‌دهنده ما" این اصطلاحی که به انجیل اشاره دارد ("فرمان مقدس"، مراجعه شود به دوم پطرس ۲: ۲۱، "فرمان" اول تیموتائوس ۶: ۱۴). با اصطلاح "قانون مسیح" مرتبط است (مراجعه شود به غلاطیان ۶: ۲).

■ "رسولان شما" نخستین پیمان به پیامبر داده شد و دومین به رسولان داده شد.

۳: ۳ "قبل از هر چیز، بدانید" همین عبارت در دوم پطرس ۱: ۲۰ هم استفاده شده است. پطرس از این اصطلاح مفهومی برای مشخص کردن نکات اصلی استفاده میکند.

■ "در ایام آخر" این عبارت عهد عتیقی نشان دهنده دوره زمانی درست قبل از رسیدن به تاریخ بشری است. پطرس در خصوص این که مدت زمان این دوره چقدر است، کمی مبهم است. در دوم پطرس ۲، او از تدریس غلط «آمدن»، ولی با این حال حضور دارد، سخن می‌گوید. این از لحاظ الهی شبیه به "ضد مسیحیان" اول یوحنا ۲: ۱۸ است. این معلمین دروغین و فریبکار، در هر دوره تاریخی کلیسا که از قرن اول شروع می‌شود، مشخص میشوند. موضوع خاص در بخش مربوط به انجیل مرقس ۱۳: ۸ را مطالعه کنید.

■ "استهزاکنندگانی ظهور خواهند کرد و استهزاکنان" این همسو با یهودا ۱۸ است. از حالت‌های اسمی و سایر فرم‌های همین اسم برای تاکید کردن استفاده میشود. این معلمین دروغین وعده‌های انجیل در مورد بازگشت مسیح را استهزا کرده و همچنان استهزا میکنند (مراجعه شود به دوم پطرس ۳: ۴).

■ "که پیرو امیال پلید خود خواهند بود" معلمین دروغین به واسطه گفته‌ها و اعمالشان مشخص هستند (مراجعه شود به انجیل متی ۷: ۱۵ الی ۲۰، و دوم تیموتائوس ۳: ۲ الی ۵). این همسو با یهودا ۱۸ است.

۳:۴ "پس چه شد وعده آمدن او" این میتواند به (۱) روز آمدن یهوه در عهد عتیق و یا (۲) آمدن دوم مسیح در عهد جدید اشاره داشته باشد.

NASB, NKJV "پدران"
NRSV, TEV "اجداد"
NJB "پدرانمان"

دوره عهد عتیق در دوم پطرس ۳: ۲ ذکر شده است، بنابراین "پدران" باید اشاره به سلاطین یا رهبران قبیله داشته باشد. این مسئله در دوم پطرس که در مورد خلقت صحبت میشود، تأیید میگردد.

متن به وضوح به داوری خدا اشاره دارد (مراجعه شود به دم پطرس ۲). عهد عتیق تصریح میکند که انسانها روزی بابت نعمت زندگی که به آنها داده شده، به خدا حساب پس خواهند داد (یعنی انجیل متی ۲۵: ۳۱ الی ۴۶، ۲۰: ۱۱ الی ۱۵). این استهزا کنندگان نه فقط منکر زنده شدن دوباره عیسی هستند، بلکه حتی در یهودا به بازگشت او خندیدند.

■ "به خواب رفتند" این گویش عهد عتیقی در مورد مردن است، که در عهد جدید هم ادامه پیدا میکند (مراجعه شود به انجیل متی ۲۷: ۵۳، انجیل مرقس ۵: ۳۹، انجیل یوحنا ۱۱: ۱۱، اول قرنتیان ۱۱: ۳۰، ۱۵: ۵۱، افسسیان ۵: ۱۴، اول تسالونیکیان ۴: ۱۴).

■ "همه چیز همان گونه است که از بدو آفرینش بود" تاریخ بشر، هر چند حداقل در مقایسه با تاریخ زمین شناسی، یک حس وجود نظم را به انسان میدهد. این پیش فرض علم مدرن (به عنوان مثال، Uniformitarianism) است که روند طبیعی و منظم قوانین طبیعی می تواند در هر زمان و به عقب و جلو پیش بینی شود. کتاب مقدس تصریح می کند که آغازی برای خلقت وجود دارد و پایانی خواهد داشت. خداوند با هدفی خلقت را ایجاد کرد. این هدف ارتباط با موجودات ساخته شده در تصویر او بود که شخصیت او را منعکس می کردند. جهان به خدا از نظر اخلاقی، و وجدانی پاسخگو است. با این حال، توهم زمان بی پایان و منظم طبیعت باعث شده است که معلمان دروغین مکاشفه کتاب مقدس، کلمات عیسی و اعلام رسولان را رد کنند. تاریخ بشر و طول عمر فردی به اندازه کافی طولانی هستند تا انسانها را به یک تصور غلط از اعتماد به نفس در "فردا درست مثل امروز" تحریک کند!

۳:۵

NASB "مورد توجه قرار نگرفت"
NKJV "آنها عمدا فراموش کردند"
NRSV, NJB "آنها عمدا نادیده گرفتند"
TEV "آنها نعمدا نادیده گرفتند"

این اصطلاح به مفهوم فراموش کردن یا پنهان کردن چیزی است، بنابراین یک نیت تعمدی در این اصطلاح وجود دارد (مراجعه شود به دوم پطرس ۱: ۹، ۳: ۵ و ۸). این معلمان دروغین مداخله خدا در خلقت و نیت او در حساب پس دادن تمامی مخلوقات (یعنی داوری) را "به راحتی فراموش کردند" یا "خواستند که نادیده بگیرند".

■ "به کلام خدا" این خلقت بر اساس کلام گفته شده است (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱: ۳ و ۶ و ۸ و ۱۴ و ۲۰ و ۲۴). در الهیات با کلمه لاتین "fiat" از آن نام برده میشود که یعنی "توسط کلام گفته شده"، به *The Lost World of Genesis One* اثر John L. Walter مراجعه شود، جایی که میگوید پیدایش ۱ خلقت چیزی نیست بلکه جهانی است که درست عمل میکند. معلمان دروغین عرفان انکار میکنند که خدای مقدس توانسته این چیزهای منظم را شکل داده باشد و موجوداتی خلق کند که گناه میکنند.

NASB, TEV "زمین از آب و با آب تشکیل شد"
NKJV "زمین از آب و به وسیله آب شکل گرفت"
NRSV "زمین از آب و توسط آب شکل گرفت"
NJB "زمین با کلام خدا و با آب و از میان آبها شکل گرفت"

آب عنصر مهمی در کتاب پیدایش ۱: ۲ است ("عمیق" و "آبها"). به طور خاص گفته نشده که به وجود آمد. ضمیر پیشوند یونانی "توسط" (*dia*) آب میتواند به معنی "میان"، "گرد آمدن"، "در میان"، "عمل" هم باشد (مراجعه شود به مزامیر ۲۴: ۲، ۱۳۶: ۶). این عبارت میتواند به کتاب پیدایش ۱: ۲، ۱: ۶ یا ۱: ۹ اشاره داشته باشد.

۳:۶ "دنیا آن زمان غرق و نابود شد" این اشاره به سیل نوح دارد (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۶ الی ۸). یادداشت کوتاهی را از تفسیر خود در مورد کتاب پیدایش ۱: ۱۱ اضافه میکنم:

"برخی گمانها وجود دارد که اصطلاح "سیل" ممکن است به اصطلاح Assyrian مربوط شود " از بین بردن". سیل روز نوح در سراسر جهان و یا تنها در نزدیکی شرق باستان بود؟ اصطلاح "زمین" اغلب "زمین" را به مفهوم محلی ترجمه می شود. اگر انسانها به تمام قسمتهای زمین نفوذ نکنند، که مطمئنا تجربه برج بابل در دوم پطرس ۱۰ الی ۱۱ نشان داده، سیل محلی این کار را انجام خواهد داد. بهترین کتابی که من درباره شواهد منطقی سیل محلی مطالعه کرده ام، *The Christian View of Science and Scripture* اثر Bernard Ramm است. (صفحه ۶۲)

۷:۳

"با کلامش" NASB
 "با کلام مشابه" NKJV, NRSV
 "با فرمانی مشابه" TEV
 "این همان کلام است" NJB

همانطور که خدا توسط کلام گفته شده خلق شد و توسط کلام حکومت می کند (به عنوان مثال، مسیح، مراجعه شود به یوحنا ۱: ۱)، ما دوباره با کلام و پیروی از خدای زنده متولد شدیم (اول پطرس ۱: ۲۳). او همچنین با کلام (یعنی قضاوت سیل، قضاوت آتش) پاک خواهد کرد. استعاره عیسی در مکاشفه ۱۹: ۱۵ در مورد بازگشت او و با شمشیر دو لبه که از دهان او خارج میشود، راه دیگری برای بیان همین حقیقت است.

■ "آسمانها و زمین کنونی برای آتش ذخیره شده است" این یک وجه وصفی مجهول کامل با الفاظ اضافی است، که از چیزی که قبلا اتفاق افتاده صحبت میکند. در اینجا در مفهوم نبوتی قطعیت رخداد آینده بر مبنای قابل اعتماد بودن کلام خدا استفاده شده است. کل این متن بر قدرت و حاکمیت کلام خدا تاکید دارد (مراجعه شود به دوم پطرس ۱: ۱۹، ۳: ۵ و ۷، اول پطرس ۱: ۲۳، ۲: ۸، ۳: ۱).

دوری با آتش در عهد عتیق ممکن است از دو مفهوم بیاید: (۱) مزامیر از آتشی صحبت میکند که در پس سرور می آید (مراجعه شود به مزامیر ۱۸: ۸، ۵۰: ۳، ۹۷: ۳) و یا (۲) دآوری بیهو در بیابانگردی (مراجعه شود به لاویان ۱۰: ۲، اعداد ۱۱: ۱ الی ۳، ۱۶: ۳۵، ۲۶: ۱۰) و یا اسکاتولوژیک (مراجعه شود به دانیال ۷: ۱۰، اشعیا ۳۰: ۲۷ و ۳۰ و ۳۳).

در عهد عتیق، اغلب معمولا با حضور بیهو همراه است. این ممکن است با مفهوم (۱) خدا به عنوان عامل شناخت و مکاشفه (نور) و یا (۲) خدا به عنوان عامل پاک کننده یا (۳) خدا به عنوان داور همراه باشد (یعنی عامل تخریب کننده).

موضوع خاص: آتش (KB 92, BDB 77)

(SPECIAL TOPIC: FIRE)

در کتاب مقدس، آتش هم مفهوم مثبت و هم مفهوم منفی دارد.

۱. مثبت

- گرمی (مراجعه شود به اشعیا ۴۴: ۱۵، انجیل یوحنا ۱۸: ۱۸)
- نور (مراجعه شود به اشعیا ۵۰: ۱۱، انجیل متی ۲۵: ۱ الی ۱۳)
- آشپزی (مراجعه شود به کتاب خروج ۱۲: ۸، اشعیا ۴۴: ۱۵ الی ۱۶، انجیل یوحنا ۲۱: ۹)
- پاک کننده (مراجعه شود به کتاب اعداد ۳۱: ۲۲ الی ۲۳، امثال ۱۷: ۳، اشعیا ۱: ۲۵، ۶: ۶ الی ۸، ارمیا ۶: ۲۹، ملاکی ۳: ۲ الی ۳)
- تقدس خدا (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱۵: ۱۷، کتاب خروج ۳: ۲، ۱۹: ۱۸، حزقیال ۱: ۲۷، عبرانیان ۱۲: ۲۹)
- رهبری خدا (مراجعه شود به کتاب خروج ۱۳: ۲۱، کتاب اعداد ۱۴: ۱۴، اول پادشاهان ۱۸: ۲۴)
- قدرت بخشیدن خدا (مراجعه شود به اعمال رسولان ۲: ۳)
- محافظت خدا (مراجعه شود به زکریا ۲: ۵)

۲. منفی

- سوزاندن (مراجعه شود به یوشع ۶: ۲۴، ۸: ۸، ۱۱: ۱۱، انجیل متی ۲۲: ۷)
- نابود کردن (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱۹: ۲۴، لاویان ۱۰: ۱ الی ۲)
- خشم (مراجعه شود به کتاب اعداد ۲۱: ۲۸، اشعیا ۱۰: ۱۶، زکریا ۱۲: ۱۲)
- مجازات کردن (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۳۸: ۲۴، لاویان ۲۰: ۱۴، ۲۱: ۹، یوشع ۷: ۱۵)
- نشانه های اسکاتولوژیک دروغین (مراجعه شود به مکاشفه ۱۳: ۱۳)

۳. خشم خدا در برابر گناه اغلب به صورت تصویری از آتش بیان میشود

- a. خشم او میسوزاند (مراجعه شود به هوشع ۸: ۵، صفیا ۳: ۸)
- b. او آتش فرو میریزد (مراجعه شود به نحیا ۱: ۶)
- c. آتش ابدی (مراجعه شود به ارمیا ۱۵: ۱۴، ۱۷: ۴، انجیل متی ۲۵: ۴۱، یهودا آیه ۷)
- d. داوری اسکاتولوژیک (مراجعه شود به انجیل متی ۳: ۱۰، ۵: ۲۲، ۱۳: ۴۰، انجیل یوحنا ۱۵: ۶، دوم تسالونیکیان ۱: ۷، دوم پطرس ۳: ۷ الی ۱۰، مکاشفه ۸: ۷، ۱۶: ۸، ۲۰: ۱۴ الی ۱۵)
۴. آتش اغلب به عنوان تجلی خدا بیان میگردد
- a. کتاب پیدایش ۱۵: ۱۷
- b. کتاب خروج ۳: ۲
- c. کتاب خروج ۱۹: ۱۸
- d. مزامیر ۱۸: ۷ الی ۱۵، ۲۹: ۷
- e. حزقیال ۱: ۴ و ۲۷، ۲: ۱۰
- f. عبرانیان ۱: ۷، ۱۲: ۲۹
۵. همانند بسیاری از استعاره ها در انجیل (یعنی خمیرمایه، شیر) آتش میتواند بسته به متن نعمت یا نفرین باشد.

■ "برای ... است و تا روز داوری و هلاکت بی دینان نگاه داشته می شود" این وجه وصفی حال مجهول است. هم دوم پطرس ۲ و هم یهودا تاکید کرده اند که فرشتگان و انسانهای پلید برای روز داوری نگاه داشته میشوند. تمامی موجودات دارای هوش (مراجعه شود به فیلیپیان ۲: ۹ الی ۱۱) روزی باید به نعمت زندگی و شیوه استفاده از آن پاسخ پس دهند (مراجعه شود به غلاطیان ۶: ۷).

این روز اسکاتولوژیک، زمان داوری برای مردم دور از خدا، و زمان پاداش بزرگ برای مومنین است. کلیسای تحت آزار و اذیت باید به یاد داشته باشد که روزی خدا همه چیز را درست خواهد کرد!

■ "هلاکت" ما کلمه انگلیسی Apollyon را از این کلمه برگرفته ایم (مراجعه شود به مکاشفه ۹: ۱۱).

NASB: دوم پطرس ۳: ۸ الی ۱۰

اما ای عزیزان، از این نکته غافل مباشید که نزد خداوند یک روز همچون هزار سال است و هزار سال همچون یک روز. ^۹ برخلاف گمان برخی، خداوند در انجام وعده اش تأخیر نمی ورزد، بلکه با شما بردبار است، چه نمی خواهد کسی هلاک شود بلکه می خواهد همگان به توبه گرايند.

^{۱۰} اما روز خداوند چون دزد خواهد آمد، که در آن آسمانها با غریوی مهیب از میان خواهد رفت و اجرام سماوی سوخته شده فرو خواهد پاشید، زمین و همه کارهایش عیان خواهد شد.

۸: ۳

NASB	"نگذارید این حقیقت از زیر توجه شما خارج شود"
NKJV	"این چیز را فراموش نکنید"
NRSV	"این واقعیت را نادیده نگیرید"
TEV	"این یک چیز را فراموش نکنید"
NJB	"یک چیز هست... هرگز نباید آن را فراموش کنید"

این حال امری با وجه وصفی منفی است، که معمولا دلالت بر "توقف عمل در حال انجام" دارد. به دلیل آزار و اذیت (مراجعه شود به اول پطرس) و معملین دروغین (مراجعه شود به دوم پطرس) مومنین شروع به سوال کردن در مورد قابل اعتماد بودن رخدادهای اسکاتولوژیک انجیلی میکنند.

■ "یک روز همچون هزار سال است" این اشاره ای به مزامیر ۹۰: ۴ است. تصریح میکنند که زمان برای خدای ابدی عامل نیست. فقط مخلوقاتش گذشته، حال و آینده را تجربه میکنند. ما بر زمان و در هشیاری محدود هستیم. مومنین باید حقیقت وعده های خدا را به یاد داشته باشند، خدا به آنها عمل میکند (مراجعه شود به اول پادشاهان ۸: ۲۴ و ۲۶ و ۵۶). ما به شخصیت او، به قولهایش، به کلامش و به پسرش اعتماد میکنیم. زمان بی معنی است، هر چند خدا از زمان برای آشکار کردن اهدافش استفاده میکند.

اولین نسل مومنین انتظار داشتند که عیسی سریع بازگردد (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۳: ۳۰). این دلیلی است که چرا آنها گفته ها و اعمال عیسی (یعنی انجیل) را برای سالها ثبت نکردند. بلکه با تأخیر انجام دادند

۱. شهادت های عینی شروع به فراموش شدن کردند
۲. معلمین دروغین دست به کار شدند

۳. برخی شروع به تردید کردند که چرا؟

هم پولس (مراجعه شود به دوم تسالونیکیان ۲) و هم پطرس (مراجعه شود به دوم پطرس ۳) این موضوع تاخیر در آمدن دوم را مطرح کردند. حتی در تعالیم عیسی تنشی میان بازگشت قریب الوقوع وجود دارد (مراجعه شود به انجیل متی ۱۰: ۲۳، ۲۴: ۲۷ و ۳۴ و ۴۴، انجیل مرقس ۹: ۱، ۱۳: ۳۰) و "برخبر اتفاقات ابتدا باید رخ دهند".

۱. بازگشت بشارت جهانی، مراجعه شود به انجیل متی ۲۴: ۱۵، انجیل مرقس ۱۳: ۱۰

۲. مکاشفه "انسان گناهکار"، مراجعه شود به انجیل متی ۲۴: ۱۵، دوم تسالونیکیان ۲، مکاشفه ۱۳

۳. آزار و شکنجه بزرگ، مراجعه شود به انجیل متی ۲۴: ۲۱ و ۲۴، مکاشفه ۱۳

پیتر انحصارا، تاخیر را با دلسوزی خداوند برای افراد گمراه و از دست رفته پیوند می دهد! خداوند بازگشت مسیح را به تاخیر می اندازد تا گمراهان بیشتری بتوانند توبه کنند و به راه مسیح بازگردند. زندگی خداپرستانه مؤمنان برای این است که کافران را به سوی خدا هدایت کنند.

۹: ۳ "خداوند... تاخیر نمی ورزد" (در متن انجیل کلمه Lord به معنی سرور نوشته شده) این استفاده "سرور" باید به یهوه اشاره داشته باشد. طرح آشکار خدا (مراجعه شود به عبرانیان ۲: ۳) برای خلقت و رستگاری به نظر انسان بسیار کند است. عنصر زمان اجازه می دهد تا ما در طول زمان اعتماد به نفس داشته باشیم. این دوره زندگی ما تنها زمانی است که ایماندارانی که با ایمان زندگی می کنند و خدا را خشنود می سازند. صبر و شکیبایی ما و زندگی خداپرستانه، بیان و شاهد تعهد ایمان و اعتماد به خداوند است.

■ "بلکه با شما بردبار است" یکی از خصوصیات خداوند صبر و شکیبایی او نسبت به هم گناهکار و قدیس است. با این حال، صبر او به هر دو گروه فرصت میدهد. صبر او یک هدف دارد، بازگرداندن تصویری که در زمان سقوط و گمراهی از دست رفته است.

■ "نمی خواهد کسی هلاک شود" این وجه وصفی حال میانی (دپوننت) است. خداوند می خواهد همه انسانها نجات یابند (مراجعه شود به حزقیال ۱۸: ۲۳ و ۳۲: ۳۳: ۱۱؛ انجیل یوحنا ۳: ۱۶: ۴: ۴۲؛ اعمال رسولان ۱۷: ۳۰؛ رومیان ۱۱: ۳۲؛ اول تیموتائوس ۲: ۴: ۶: ۴: ۱۰؛ تیتوس ۲: ۱۱؛ عبرانیان ۲: ۹؛ اول یوحنا ۲: ۲). از آنجایی که همه انسانها در قالب تصویری از او برای رفاقت ساخته شده اند، او پسر خود را برای مرگ می فرستد تا همه بتوانند به او پاسخ دهند (رومیان ۵: ۱۲ الی ۲۱). این تعادل مهمی برای سیستم های الهیاتی است که در جایگاه خدا در نجات است، اما پاسخ انحصاری مورد نیاز بشریت را به حداقل می رساند. من یادداشت های خود در خصوص این موضوع از اول تیموتائوس ۲: ۴ (جلد ۹ صفحه ۲۵) را در اینجا ذکر میکنم.

یادداشتهایی از تفسیر من در مورد اول تیموتائوس ۲: ۴

۴: ۲ "او که میخواهد همه انسانها نجات یابند" مومنین باید برای همه مردم دعا کنند زیرا خدا میخواهد همه مردم نجات یابند. این یک بیان تکان دهنده خطاب به معلمین دروغین انحصارطلب بود، چه عرفان یا یهودی یا، بیشتر احتمالاً در نامه های مقدس، ترکیبی از اینها بودند. این حقیقت بزرگ در مورد عشق خدا نسبت به همه بشریت است (مراجعه شود به اول تیموتائوس ۴: ۱۰، حزقیال ۱۸: ۲۳ و ۳۲: ۳۳: ۱۱؛ انجیل یوحنا ۳: ۱۶، اعمال رسولان ۱۷: ۳۰؛ رومیان ۱۱: ۲۲؛ اول تیموتائوس ۲: ۴، ۶: ۴، ۱۰: ۴؛ تیتوس ۲: ۱۱؛ عبرانیان ۲: ۹؛ دوم پطرس ۳: ۹؛ اول یوحنا ۲: ۲). این آیه نشان دهنده عدم تعادل دگماتیک، گمراه و لفظی است که بر حاکمیت خداوند تاکید می کند تا هر واکنش انسانی مورد نیاز را تأیید کند. حقایق اعلام شده از "پنج نکته" کالوینیسیم، به ویژه "فیض غیر قابل مقاومت" و "تطهیر محدود"، جنبه پیمانی کتاب مقدس را نقض می کند. این اشتباه است که خداوند را محدود به عروسک اراده آزادی انسان کرد، زیرا این امر نیز نادرست است که انسان را به عروسک اراده الهی تقلیل دهیم. خدا در حاکمیت او تصمیم گرفته است که با بت پرستان و با معبد مقابله کند. او همیشه میثاق را آغاز می کند (انجیل یوحنا ۶: ۴۴ و ۶۵)، اما او دستور داده است که انسان ها باید پاسخ دهند و با توبه و ایمان پاسخ دهند (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۵: ۱؛ اعمال رسولان ۳: ۱۹، ۱۶: ۲۰؛ ۲۱)، و همچنین با اطاعت و استقامت!

اغلب بحث معرفتی حاکمیت خدا (تقدیر) و آزادی انسان به یک مسابقه اثبات محض خاتمه می یابد. کتاب مقدس به وضوح حاکمیت یهوه را نشان می دهد. با این حال، این نیز نشان می دهد که به بالاترین خلقت او، انسان، ساخته شده در تصویر او، کیفیت عالی تصمیم گیری اخلاقی داده شده است. انسان ها در هر حوزه زندگی باید با خداوند همکاری کنند.

اصطلاح "بسیاری" بدین منظور استفاده شده که تصریح کند خدا برخی را انتخاب کرده (نه همه را)، که عیسی برای برخی بمیرد، نه همه. مطالعه دقیق متون زیر نشان میدهد که اینها در قالب همسو استفاده شده اند!

اشعیا ۵۳

رومیان ۵

۱. "همه" (رومیان ۵: ۱۸)

۱. "همه" (اشعیا ۵۳: ۶)

۲. "بسیاری" (رومیان ۵: ۱۹)

۲. "بسیاری" (اشعیا ۵۳: ۱۱ الی ۱۲)

موضوع خاص: برنامه رستگاری جاودانی یهوه

(SPECIAL TOPIC: YHWH'S ETERNAL REDEMPTIVE PLAN)

باید به شمای خواننده اذعان دارم که در این نقطه من متعصب هستم. نظام خداشناسی من بر پایه مکتب جان کالوین یا سایر مکاتب ریاکار نیست، بلکه ترویج قوی مسیحیت است (مراجعه شود به انجیل متی ۲۸:۱۸ الی ۲۰، انجیل لوقا ۲۴:۴۶ و ۴۷، اعمال ۱:۸). من معتقدم خدا یک برنامه جاودانی برای رستگاری تمامی بشریت دارد (برای مثال پیدایش ۳:۱۵ و ۱۲:۳، خروج ۵:۱۹ و ۶، ارمیا ۳۱:۳۱ الی ۳۴، حزقیال ۱۸، ۲۲:۳۶ الی ۳۹، اعمال ۲:۲۳، ۳:۱۸، ۴:۲۸، ۱۳:۲۹، رومیان ۳:۹ الی ۱۸ و ۱۹ و ۲۰ و ۲۱ الی ۳۱)، تمامی آنها در تصور او به زیبایی خلق شدند (رجوع شود به پیدایش ۱:۲۶ و ۲۷). تمامی آن وعده‌ها در عیسی جمع شده‌اند (مراجعه شود به غلاطیان ۳:۲۸ و ۲۹، کولسیان ۳:۱۱). عیسی راز خداست، پنهان بود ولی اینک هویدا شده است (رجوع شود به افسسیان ۲:۱۱ و ۳:۱۳)! انجیل عهد جدید، و نه اسرائیل کلید کتاب مقدس است.

این درک مقدماتی، تمامی تفاسیرهای مرا از کتاب مقدس رنگین می‌سازد. من تمامی متون را با این ذهنیت خواندم! یقیناً این تعصب است (در تمامی تفاسیر دیده می‌شود!)، ولی این یک پیش‌فرض ناشی بر مبنای آگاهی به کتاب مقدس است.

تمرکز پیدایش ۱ الی ۲ بر آن است که یهوه مکانی را خلق می‌کند که او و بالاترین مخلوقش، نوع بشر می‌توانند با هم رفاقت کنند (رجوع شود به آفرینش ۱:۲۶ و ۲۷، ۳:۸). خلقت فیزیکی مرحله‌ای است برای این اقدام الهی.

۱. سنت آگوستین به این شخصیت حفره الهی شکل در انسان می‌دهد که فقط می‌تواند توسط خود خدا پر شود

۲. سی اس لوتیس به این سیاره نام "سیاره لمس شده" را می‌دهد (توسط خداوند برای بشر تهیه شده).

عهد عتیق اشارات زیادی بر این اقدام الهی دارد.

۱. آفرینش ۳:۱۵ نخستین وعده‌ای است که یهوه نوع بشر را در فاجعه و گناه و شورش رها نمی‌کند. به اسرائیل اشاره نمی‌کند زیرا اسرائیلی وجود ندارد، یا مردم تحت پیمان، تا زمانیکه ابراهیم در آفرینش ۱۲ ظهور می‌کند.

۲. پیدایش ۱۲:۱ الی ۳ اولین نام بردن یهوه از رستگاری توسط ابراهیم است که مردم پیرو، و اسرائیل را بوجود می‌آورد. ولی حتی در این نخستین یادآوری، خدا مجبور بود که مراقب تمام دنیا باشد. به پیدایش ۱۲:۳ توجه کنید!

۳. خروج ۲۰ (سفر تثنیه ۵) یهوه فرمان او (خدا) را به موسی داد تا مردم خاص خود را هدایت کند. توجه کنید که در خروج ۵:۱۹ و ۶، یهوه رابطه خاصی را که اسرائیل خواهد داشت افشا می‌کند. ولی همچنین توجه داشته باشید که آنها، همانند ابراهیم، منتخب بودند تا جهان را برکت دهند (رجوع شود به خروج ۱۹:۵ "تمامی زمین از آن من است"). اسرائیل باید مکانیزمی می‌بود برای ملت‌ها تا یهوه را بشناسند و به خدا روی آورند. متأسفانه آنها موفق نشدند (رجوع شود به حزقیال ۳۶:۲۲ الی ۳۸).

۴. در اول پادشاهان ۸ سلیمان معبدی را اهدا می‌کند تا همه بتوانند بسوی یهوه بیایند (رجوع شود به اول پادشاهان ۴۳:۸ و ۶۰).

۵. در مزامیر ۲۷:۲۲ و ۲۸، ۴:۶۶، ۹:۸۶ (مکاشفه ۴:۱۵)

۶. از میان پیامبران یهوه به طور مستمر برنامه‌های رستگاری او (خدا) را آشکار می‌کرد.

a. اشعیا - ۲:۲۰ الی ۴:۱۲، ۵:۶، ۶:۲۵ و ۹، ۶:۴۲ و ۱۰ الی ۱۲، ۴۵:۲۲، ۴۹:۵ و ۶، ۵۱:۴ و ۵، ۵۶:۶ الی ۸، ۶۰:۱ الی ۳، ۶۶:۱۸ و ۶۶:۲۳

b. ارمیا ۳:۱۷، ۴:۲، ۱۹:۱۶

c. میکاه ۴:۱ الی ۳

d. مالاچی ۱:۱۱

تاکید کلی با به کارگیری "پیمان جدید" آسانتر می‌شود (ارمیا ۳۱:۳۱ الی ۳۴، حزقیال ۳۶:۲۲ الی ۳۸)، که بر بخشش یهوه تأکید دارد، نه بر عملکرد انسان انحطاط یافته. این "قوت قلب جدیدی" است، "تفکری جدید"، و "روحی جدید". اطاعت ضروری ولی درونی است، نه فقط اعمال ظاهری (رجوع شود به رومیان ۳:۲۱ الی ۳۱).

عهد جدید به وضوح برنامه رستگاری جهانی را به راه‌های مختلف به اجرا می‌گذارد.

۱. کمیسیون عالی (انجیل متی ۲۸:۱۸ الی ۲۰، انجیل لوقا ۲۴:۴۶ و ۴۷، اعمال ۱:۸)

۲. برنامه جاودانه خدا (یعنی از پیش تعیین شده) - انجیل لوقا ۲۲:۲۲، اعمال ۲:۲۳، ۳:۱۸، ۴:۲۸، ۱۳:۲۹

۳. خدا می‌خواهد تمامی انسانها نجات یابند - انجیل یوحنا ۳:۱۶، ۴:۴۲، اعمال ۳:۴ و ۱۰، ۳۵، تیموتائوس ۲:۴ الی ۶، تیتوس ۲:۱۱، دوم پطرس ۳:۹، اول یوحنا ۲:۲ و ۴:۱۴

۴. مسیح عهد قدیم و عهد جدید را متحد می‌سازد - غلاطیان ۳:۲۸ و ۲۹، افسسیان ۲:۱۱ الی ۳:۱۳، کولسیان ۳:۱۱. تمامی موانع و تمایزات در مسیح از بین می‌روند. عیسی "راز خداست"، که پنهان بود ولی اینک آشکار شده است (افسیان ۲:۱۱ الی ۳:۱۳).

عهد جدید بر عیسی تمرکز دارد، نه اسرائیل. انجیل، نه منطقه‌ای و نه جغرافیایی، بلکه در مرکزیت است. اسرائیل اولین مکاشفه بود ولی عیسی آخرین است (رجوع شود به انجیل متا ۱۷: ۵ الی ۴۸).
 امیدوارم زمانی را نیز صرف خواندن این مقاله کنید: موضوع خاص: چرا به نظر می‌رسد که وعده‌ها و پیمانهای عهد عتیق با وعده‌ها و پیمانهای عهد جدید متفاوت هستند؟ می‌توانید آن را در www.freebiblecommentary.org بیابید

■ "همگان به توبه گرایند" توجه کنید که تاکید بر "همه" است نه بر "برخی" (یعنی انتخاب). هر کسی میتواند به صورت بالقوه مسیح را انتخاب کند. موضوع خاص: توبه در عهد عتیق در بخش مربوط به انجیل مرقس ۱: ۴ را مطالعه کنید.

۳: ۱۰ "روز خداوند چون دزد خواهد آمد" این عبارت "روز خداوند" (روز سرور) یک عبارت عهد عتیقی برای آخر زمان است. دزدها معمولاً به عنوان استعاره برای بازدید غیر منتظره استفاده میشود (مراجعه شود به انجیل متی ۲۴: ۴۳ الی ۴۴)، انجیل لوقا ۱۲: ۳۹، اول تسالونیکیان ۵: ۲، مکاشفه ۳: ۳، ۱۶: ۱۵) از خدا (یعنی روز داوری / آمدن دوم / روز قیام از مردگان).

■ "در آن آسمانها از میان خواهد رفت" این یک موضوع تکراری (یعنی مخلوقات فیزیکی از بین میروند، ولی نه کلام خدا، مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۳: ۳۱، انجیل متی ۵: ۱۸، ۲۴: ۳۵) است که تمایل و محدودیت خلقت فیزیکی را توصیف می‌کند (مراجعه شود به مکاشفه ۲۱: ۱).

NASB, NJB	"با غرش"
NKJV	"با صدایی عظیم"
NRSV	"با صدایی بسیار بلند"
TEV	"با سر و صدای زیاد"

این کلمه مفهوم ضمنی صدای سوت مانند چیزی است که به سرعت در حال حرکت در هوا است. اتمام و پاکسازی عصر جدید با صدا و شعله بسیار شبیه به افتتاح عصر جدید در پنطیکاست است (مراجعه شود به اعمال رسولان ۲: ۲ الی ۳).

■ "اجرام سماوی" بیشتر کلمات از لحاظ معنایی، معنایی و فکری با بسط استعاری ایجاد می‌شوند. این اصطلاح (*stoicheia*) در اصل به چیزی در یک ردیف، یک سری اشاره میکند. این به چند نکته تبدیل شده است:

۱. بلوک‌های فیزیکی اولیه جهان (هوا، آب، زمین و آتش، مراجعه شود به دوم پطرس ۳: ۱۰ و ۱۲).
۲. تعالیم اولیه موضوع (مراجعه شود به عبرانیان ۵: ۱۲، ۶: ۱ برای یهودیت)
۳. قدرتهای فرشتگان در پس کالدهای بهشتی (مراجعه شود به اول انوش ۵۲: ۸ الی ۹، پدران کلیسای اولیه، کولسیان ۲: ۸ و ۲۰، اول قرنتیان ۱۵: ۲۴) یا تبه‌های فرشتگان (*aeons*) معلمین دروغین عرفان (مراجعه شود به کولسیان ۲: ۱۰ و ۱۵، افسسیان ۳: ۱۰).
۴. فرشتگانی که با انسان دشمنی داشتند و سعی میکردند جلوی دادن قانون به موسی را بگیرند (مراجعه شود به اعمال رسولان ۷: ۳۸، عبرانیان ۲: ۲)
۵. احتمالاً ساختارهای غیرشخصی از جهان گمراه ما که به انسان گمراه و سقوط کرده می‌رسد مستقل از خدا به نظر میرسند (تحصیلات، دولت، دارو، مذهب، و غیره، مراجعه شود به غلاطیان ۴: ۳، ۸ الی ۹ و کتاب Hendrik Berkhof بنام *Christ and the Powers* از انتشارات هرالد، صفحه ۳۲).

■ "با حرارت بسیار شدید" (این عبارت در نسخه فارسی انجیل ترجمه نشده است- مترجم) این وجه وصفی حال مجهول است که دلالت بر خدا به عنوان عاملی که از آن نام برده نشده، دارد. این اصطلاح پزشکی برای نشان دادن تب بسیار بالا است.

NASB	"زمین و کارهایش خواهند سوخت"
NKJV	"زمین و چیزهایی که در آن است خواهند سوخت"
NRSV	"زمین و آنچه که بر روی آن انجام می‌شود، باز می‌شود"
TEV	"زمین با هر آنچه که در آن است، ناپدید خواهد شد"
NJB	"زمین و هر چه در آن است سوخته خواهد شد"

تنوعات زیادی در میان نسخ دستنویس یونانی در خصوص این عبارت وجود دارد

۱. "کشف خواهد شد" (مراجعه شود به P, K, B, MSS &)
۲. "ناپود شده یافت خواهد شد" (مراجعه شود به MS P⁷²)
۳. "خواهد سوخت" (مراجعه شود به MS A)
۴. "پنهان خواهد شد" (مراجعه شود به MS C)

NASB: دوم پطرس ۳: ۱۱ الی ۱۳

۱۱ پس حال که همه اینها بدین سان فرو خواهد پاشید، شما چگونه مردمان باید باشید؟ بر شماست که زندگی مقدس و خدایسندانه‌ای داشته،^{۱۲} انتظار روز خدا را بکشید و فرا رسیدن آن را بشتابانید. آن روز سبب خواهد شد که آسمانها به آتش کشیده شده، فرو پاشند و اجرام سماوی از گرما ذوب گردند.^{۱۳} اما ما بنا بر وعده او مشتاقانه در انتظار آسمانی جدید و زمینی جدید هستیم که منزلگه پارسایی است.

۳: ۱۱ " شما چگونه مردمان باید باشید " معلمین دروغین اخلاقیات و شیوه زندگی خدایسندانه را رد میکردند، بنابراین پطرس آنها را حفظ میکرد.

■ " بدین سان " (در متن انگلیسی این عبارت به صورت "با هدایت مقدس و خدایی" نوشته شده است- مترجم) اصطلاح "خدایی" مفهوم مهمی در دوم پطرس و همچنین در نامه های مقدس است. من یادداشت خود از اول تیموتائوس ۴: ۷ (مراجعه شود به جلد ۹، صفحه ۵۳) را در اینجا نقل میکنم. پطرس از حالت اسمی در دوم پطرس ۱: ۳ و ۷ و ۳: ۱۱ و از حالت قید آن در دوم پطرس ۲: ۹ استفاده میکند.

یادداشتهایی از تفسیر من در مورد اول تیموتائوس

■ "خدایسندانه" این یک اصطلاح محوری در نامه های مقدس است. اشاره به دلالت‌های دکترینی و شیوه زندگی روزانه انجیل دارد (مراجعه شود به اول تیموتائوس ۳: ۱۶). نه آنچه که استثنا است، بلکه آنچه را که انتظار می‌رود توصیف میکند. این اصطلاح مرکب استپ، ترکیبی از "خوب" (*eu*) و "عبادت" (*sebomai*). عبادت واقعی زندگی روزانه با کمک تفکر مناسب است (مراجعه شود به اول تیموتائوس ۴: ۱۶ الف). به تعداد دفعاتی که این کلمه در نامه های مقدس تکرار شده است توجه کنید:

۱. اسم (*eusebeia*)، اول تیموتائوس ۲: ۲، ۳: ۱۶، ۴: ۷ و ۸، ۶: ۳ و ۵ و ۶ و ۱۱، دوم تیموتائوس ۳: ۵، تیتوس ۱: ۱

۲. قید (*eusebēs*)، دوم تیموتائوس ۳: ۱۲، تیتوس ۲: ۱۲

۳. فعل (*eusebeō*)، اول تیموتائوس ۵: ۴

۴. اصطلاح مرتبط *theosebeia*، اول تیموتائوس ۲: ۱۰

۵. اصطلاح نقض (*asebeia*, alpha privative)، دوم تیموتائوس ۲: ۱۶، تیتوس ۲: ۱۲

۳: ۱۲

NASB, NKJV "جستجو و عجله برای آمدن روز خدا"

NRSV "انتظار و عجله برای آمدن روز خدا"

TEV "همانطور که برای روز خدا صبر میکنید و بهترین کار را برای انجام آن به سرعت انجام دهید"

NJB "در حالی که شما صبر میکنید تا روز خداوند بیاید، سعی کنید آن را سریعتر انجام دهید"

این ها هر دو وجه وصفی حال فعال هستند که دو جنبه مربوط به آمدن دوم را توصیف می کنند که در اینجا انحصاراً "روز خدا" نامیده می شود. نخستین اصطلاح اساساً به معنی "نگاه کردن با انتظار" است (مراجعه شود به اعمال رسولان ۳: ۵؛ ۲۴: ۱۰) یا "صبر با انتظار" (مراجعه شود به انجیل لوقا ۲۶: ۲۱؛ اعمال رسولان ۳۳: ۲۷؛ ۲۸: ۶). این اصطلاح ۳ مرتبه در دوم پطرس ۳: ۱۳، ۱۲ و ۱۴ مورد استفاده قرار گرفته است. مؤمنان باید منتظر بمانند، اما کافران از این روز از حساب می ترسند.

اصطلاح دوم دو مفهوم دارد که مرتبط با ساختار دستور زبانی است که در آن یافت شده است

۱. اگر فعل متعدی باشد، (عمل را به مفعول بیواسطه منتقل میکند) یعنی "درخواست کردن"، "مشتاق چیزی بودن" (به یادداشتهای NRSV، Peshita، NIV، NEB، ASV و نسخه عصر جدید مراجعه کنید، معنی مشابه در کلیسای اولیه *maranatha* است).

۲. اگر ساختار دستور زبانی فعل لازم باشد (یعنی آن را به صورت حالت بودن و یا متمرکز بر عامل حرکت یا عمل توصیف میکند) یعنی "عجله کردن" (مراجعه شود به انجیل لوقا ۱۹: ۵، اعمال رسولان ۲۲: ۱۸). الهیاتی که اعمال مومنین میتواند آمدن سرورمان را سرعت دهد در انجیل متی ۶: ۱۰ (دعا) و اعمال رسولان ۳: ۱۹ الی ۲۰ (تقویت)، رومیان ۹ الی ۱۱ (همه کفار و یهودیان نجات می یابند) آمده است. در این متن، شیوه زندگی خدایسندانه مومنین با امید قطعی اسکاتولوژیک تشویق و تقویت میشود.

به خاطر تفکر مدرن ما، این یک گفته دشواری است که پارادوکس را از بین می برد. خداوند حاکم است و تاریخ بازگشت مسیح را تعیین کرده است، اما اعمال مؤمنان (یعنی نماز، شهادت دادن، الهی بودن) ممکن است تاریخ را تغییر دهد (به عنوان مثال، دیر یا زود). این جنبه عهد حقیقت کتاب مقدس است که برای مردم غربی مدرن گیج کننده است. خدا توسط فرزندانش تحت تأثیر قرار گرفته است (هم منفی و مثبت!) با این حال، همین حقیقت دلیل این است

که چرا نماز روحانی اثر بخش است.

■ "آن روز سبب خواهد شد که آسمانها به آتش کشیده شده، فرو باشند و اجرام سماوی از گرما ذوب گردند" سوال تفسیری این است: آیا اینها به معنای واقعی هستند یا آخرالزمانی؟ این اظهارات عهد عتیقی وجه اشتراک زیادی با اشعیا ۱۰: ۱۰ الی ۱۳، ۳۴: ۴، ۵۱: ۶، یوئیل ۲: ۲۸ الی ۳۲، میکا ۱: ۴. این متن چندین مرتبه به این قلمرو فیزیکی زمان و پایان زمان با گرما و حرارت شدید اشاره کرده است. این پاکسازی مرحله روحانی را برای بهشتهای جدید و زمین جدید آماده می‌سازد. آیا آنها فیزیکی (بازسازی عدن) یا روحانی هستند (مراجعه شود به اول قرنیتیان ۱۵: ۳۵ الی ۵۸)؟ به سختی میتوان واقعیتهای نهایی و معنوی را با کلمات بشر زمینی بیان کنیم. واقعیت این را تحت تاثیر قرار نمی دهد!

۳: ۱۳ "اما ما بنا بر وعده او" (مراجعه شود به اشعیا ۶۵: ۱۷ الی ۲۵، ۶۶: ۲۲ الی ۲۴)

■ "آسمانی جدید و زمینی جدید" (مراجعه شود به اشعیا ۱۱: ۶ الی ۹، ۶۵: ۱۷، ۶۶: ۲۲، مکاشفه ۲۱: ۱ الی ۲۷)

■ "که منزلگه پارسایی است" خداوند مشتاق است که مردم را با شخصیت خود مقایسه کند (اشعیا ۴۵: ۲۴-۲۵). خدای مقدس به مردمی مقدس نیاز دارد (اشعیا ۱۲: ۶۰، انجیل متی ۵: ۴۸). این خلقتی جدید است، زیرا متضاد با مخلوقات فاسد و گمراه میباشد.

NASB دوم پطرس ۳: ۱۴ الی ۱۸

۱۴ پس ای عزیزان، حال که این امور را انتظار می کشید، به سعی تمام بکوشید تا در حضور او بی لکه و بی عیب و در صلح یافت شوید. ۱۵ و شکیبایی خداوند ما را رستگاری بینگارید، همان گونه که برادر عزیز ما پولس نیز مطابق حکمتی که به او عطا شده است، به شما نوشت. ۱۶ او در همه نامه های خود چنین می نویسد، هر آنگاه که از این امور سخن می گوید. نامه های او شامل مطالبی است که درکش دشوار است و جاهلان و سست مایگان تحریفش می کنند، همان گونه که با دیگر نوشته های مقدس چنین می کنند، و این موجب هلاکتشان خواهد شد. ۱۷ پس شما ای عزیزان، حال که این را می دانید، به هوش باشید مبدا به راه نادرست بی دینان گمراه شوید و پایداری تان را از کف بدهید، ۱۸ بلکه در فیض و شناخت خداوند و نجات دهنده ما عیسی مسیح نمو کنید، که او را از حال تا ابدالابد جلال باد! آمین.

۳: ۱۴ "به سعی تمام بکوشید تا در حضور او بی لکه و بی عیب و در صلح یافت شوید" این آئوریست فعال امری است، که تاکید بر ضرورت دارد. مومنین مسئولیت دارند که زندگی خداپسندانه ای داشته باشند. باید نسبت به عشق خدا پاسخ مناسب و بر اساس پیمان بدهند.

فعل دوم آئوریست مجهول نامحدود است. ظاهرا اشاره به "روز خدا" در دوم پطرس ۳: ۱۲ دارد. عیسی اغلب از تصویر مومنین در قالب میهماندارانی که در خدمت ارباب هستند، استفاده میکند. آنها باید در هر زمانی آماده بازگشت او باشند و در قبال کارهای خود پاسخگو باشند (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۳: ۳۳ الی ۳۷، انجیل لوقا ۱۸: ۸).

صلح فقط زمانی ممکن است که اگر (۱) فرد به پیشنهاد انجیل پاسخ داده باشد، (۲) فرد پیام انجیل را درک کرده باشد، و (۳) زندگی روزانه فرد بر پایه انجیل باشد. معلمین دروغین و پیروان آنها در هر سه این موارد شکست خورده و رنگ صلح را نمی بینند.

■ "بی لکه و بی عیب" این اصطلاح در اول پطرس ۱: ۱۹ برای اشاره به مسیح (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۸: ۴۶، ۱۴: ۳۰، انجیل لوقا ۲۳: ۴۱، دوم قرنیتیان ۵: ۲۱، عبرانیان ۴: ۱۵، ۷: ۲۶ الی ۲۷، اول پطرس ۲: ۲۲، ۳: ۱۸، اول یوحنا ۲: ۲، ۴: ۱۴) استفاده شده است. این یک استعاره عهد عتیق برای توصیف خلوص حیوانات قربانی است (مراجعه شود به لایوان ۲۲: ۱۹ الی ۲۰). ما باید در نور (۱) مثالهای مسیح، (۲) فرامین مسیح و (۳) آمدن مسیح، زندگی کنیم.

۳: ۱۵

NASB, NRSV

"در نظر گرفتن صبر و حمایت خداوند ما برای رستگاری"

NKJV

"و حسابی که رنج طولانی مدت سرور ما برای رستگاری است"

TEV

"به صبر و شکیبایی پروردگار خود به عنوان فرصتی که به شما می دهد تا نجات یابید، نگاه کنید"

NJB

"صبر خداوند را به عنوان فرصتی برای نجات یافتن خود ببینید"

این به چه کسی اشاره میکند (۱) مسیحیانی که نجات یافته اند یا (۲) معلمین دروغین دور از خدا و پیروانشان؟ بدیهی است که به عقب و صبوری خدا در دوم پطرس ۳: ۹ نگاه میکند. برخی از شفقت خدا استفاده کرده و خود محورانه زندگی میکنند. دیگران لطف خدا را پذیرفته و تلاش میکنند شخصیت او را تکرار کنند.

■ "همان گونه که برادر عزیز ما پولس" این عبارت به وضوح نشان میدهد که هیچ تنشی میان پولس و پطرس وجود نداشته است. هر کدام از آنها فراخوان و نعمات و فیضهای دیگری را به رسمیت شناخته اند (مراجعه شود به غلاطیان ۲: ۷ الی ۱۰). این رخداد در غلاطیان ۲: ۱۱ الی ۲۱ ثبت شده و هیچ شکافی را میان آنها به وجود نیاورده بود.

■ "به شما نوشت" مشخص نیست که به کدام نامه پولس اشاره میشود. اگر گیرندگان (آسیای صغیر) همان گیرندگان اول پطرس و باشند و پولس غلاطیان

را خطاب به گروه های کلیسایی در شمال آسیای صغیر نوشته باشد، پس غلاطیان برای همان منطقه ای که دوم پطرس خطاب به آنان نوشته شده بود، نوشته شده است، و بهترین گزینه غلاطیان است. ولی در واقعیت، هیچ اطلاعی نداریم.

گزینه شماره دو این است که از آنجا که موضوع کلی این فصل، آمدن دوم است، پس احتمالاً به نامه های اولیه پولس به تسالونیکیان، اشاره می شود. گزینه سوم این است که برخی بر این باورند بخشی از رومیان در ابتدا به عنوان یک نامه چرخشی عمل می کرد. از نظر من، غلاطیان یا رومیان که کتاب های معرفت شناختی بیشتری برای پولس هستند، احتمالاً بهترین حدس هستند.

۳: ۱۶ "گزینه شماره دو این است که از آنجا که موضوع کلی این فصل، آمدن دوم است، پس احتمالاً نامه های اولیه پل به تسالونیکی ها، آنچه اشاره می شود، است. گزینش سه این است که برخی بر این باورند که بخشی از رومی ها در ابتدا به عنوان یک نامه چرخه ای عمل می کردند. برای من Galatians و یا رومی ها، که کتاب های معرفت شناختی بیشتری برای پولس هستند، احتمالاً بهترین حدس است."

■ "در همه نامه های خود" بسیاری از انتقادات دوم پطرس که آیا توسط پطرس نوشته شده است مربوط به این اشاره به نامه های پولس است. درست است که تمام نامه های پولس با هم جمع شده و تحت عنوان "رسول" منتشر شده اند، اما این بسیاری پس از مرگ پطرس در دوران نرون (۶۴ الی ۶۸ میلادی رخ داد. با این حال، این متن ادعا نمی کند که پطرس از چه تعداد از نامه های پولس بحث میکند، و یا این مرجع به معنای گردش کل مکاتبات نیست.

■ "نامه های او شامل مطالبی است که درکش دشوار است" چه مطالبی؟ (۱) مکاشفه (مراجعه شود به دوم پطرس ۳: ۲)، (۲) روزهای آخر (دوم پطرس ۳: ۳ الی ۴ الف)، (۳) خلقت (دوم پطرس ۳: ۴ الی ۵)، (۴) سیل نوح (دوم پطرس ۳: ۶)، (۵) روز داوری (دوم پطرس ۳: ۷ و ۱۰)، (۶) زمان خدا (دوم پطرس ۳: ۹)، (۷) آمدن دوم (دوم پطرس ۳: ۱۲)، (۸) عصر جدید پارسایی (دوم پطرس ۳: ۱۲ الی ۱۳)، (۹) رستگاری فردی (دوم پطرس ۳: ۱۴ الف، ۱۵ الف)، زندگی خداپسندانه (دوم پطرس ۳: ۱۱ و ۱۴ ب)، یا چیزی در فصل ۱ یا ۲؟

هر چه بوده، معلمین دروغین آن را اشتباه درک کردند و آن را پیچاندند تا خرابش کنند. در این مفهوم، تاکید پولس بر رستگاری به عنوان نعمتی از جانب خدا بوده که جدای از کارهای انسان برای پارسا بودن است (داوری بر اساس ایمان). احتمال دارد که یعقوب (مراجعه شود به یعقوب ۲: ۱۴ الی ۲۶) یک سو تفاهم دیگر را از مונظه های پولس برطرف کرده باشد.

■ "تحریفش می کنند، همان گونه که با دیگر نوشته های مقدس چنین می کنند" برابرم مفید است که بدانم رسولانی که چند سال با عیسی همراه بودند، همیشه او را درک نمی کردند (انجیل متی ۹: ۳۲؛ انجیل لوقا ۲: ۵۰؛ ۹: ۴۵؛ ۱۸: ۳۴؛ انجیل یوحنا ۲: ۲۲؛ ۱۰: ۱۰؛ ۶: ۱۲؛ ۱۶: ۱۶؛ ۱۸: ۱۸). همه رسولان نوشته های دیگر رسولان را درک نکردند. ما به عنوان یک شاهد وفادار و برادر خداپرست فرا خوانده شده ایم! هیچکدام از ما همه چیز را درک نمی کنند.

در عهد جدید اصطلاح "کتاب مقدس" همیشه به عهد عتیق اشاره دارد. عهد جدید تا پایان قرن اول تکمیل نشد. بسیاری از متون آشنا بر الهام و اعتبار کتاب مقدس به عهد عتیق اشاره دارند (انجیل متی ۵: ۱۷ الی ۱۹؛ اول قرنتیان ۲: ۹ الی ۱۳؛ اول تسالونیکیان ۲: ۱۳؛ دوم تیموتائوس ۳: ۱۶؛ اول پطرس ۱: ۲۳ الی ۲۵؛ دوم پطرس ۱: ۲۰-۲۱).

این یکی از جاهای نادری است که نوشته های عهد جدید با کتاب مقدس عهد عتیق معادل هستند. پطرس، تحت الهام بودن پولس و اقتدار نوشته های او را با این عبارت تایید می کند.

■ "موجب هلاکتشان خواهد شد" کتاب مقدس معرفت خداوند به دنیای گمراه و محتاج است. انسانهای گناهکار (به عنوان مثال، معلمان دروغین) آن را به خطری برای خود تبدیل می کنند. داوری پیش رو است؛ عیسی تنها امید است؛ هر کس روزی در برابر خدا می ایستد!

۳: ۱۷ "حال که این را می دانید" معلمین دروغین همیشه حضور دارند. خوانندگان نگران استفاده معلمین دروغین از کتاب مقدس (یعنی عهد عتیق) و نوشته های رسولان هستند (مراجعه شود به دوم پطرس ۳: ۲). چندین شیوه انجیلی برای شناسایی معلمین دروغین وجود دارد:

۱. علائم یا شگفتی ها، اما به نام خدایی دیگر (کتاب تثنیه ۱۳: ۱ الی ۵)

۲. پیش بینی دقیق آینده، اما به نام خدایی دیگر (کتاب تثنیه ۱۸: ۱۸ الی ۲۲)

۳. سبک زندگی (انجیل متی ۷، یعقوب، اول یوحنا و دوم پطرس)

۴. معجزات به طور خودکار نشانه ای از خدا نیستند (انجیل متی ۲۴: ۲۴)

۵. پیام باید مسیح-محور باشد (انجیل یوحنا ۴: ۱ الی ۶)

۶. تفسیر نادرست وحی خدا (دوم پطرس ۳: ۲)

■ "به هوش باشید" این زمان حال میانی امری است. این یک اصطلاح نظامی همانند اول پطرس ۱: ۴ است. مومنین مسئولیت فردی در قبال بررسی آنچه که دیگران درباره خدا/مسیح میگویند، دارند. فریبکاران هم در میان دوستان و هم غیر دوستان وجود دارند (مراجعه شود به افسسیان ۴: ۱۴، ۶: ۱۱ الی ۱۲). از لحاظ دینی ساده لوح نباشید.

■ "مبادا به راه نادرست بی دینان گمراه شوید" این وجه وصفی آئوریست مجهول است. متضاد اصطلاح عهد عتیقی برای ایمان که به معنی ثابت قدم

است، میباشد (یعنی ثبات). همین اصطلاح اعمال خود پطرس را در غلاطیان ۲: ۱۳ توصیف میکند.

۳: ۱۸ " بلکه در فیض و شناخت خداوند و نجات‌دهنده ما عیسی مسیح نمو کنید " این حال فعال امری است. موضوع اصلی کتاب میباشد. مومنین باید با رشد شناخت انجیل و زندگی بر اساس آن در برابر خطا جبهه گیری کنند. این همسو با یهودا ۲۰ است.

■ " او را از حال تا ابدالآباد جلال باد " این عبارت عمدتاً برای خدای پدر استفاده می شود (نگاه کنید به یادداشت مندرج در اول پطرس ۴: ۱۱، مراجعه شود به یهودا، دوم پطرس ۳: ۲۴ الی ۲۵)، اما گاهی اوقات برای مسیح هم استفاده میشود (مراجعه شود به دوم تیموتائوس ۴: ۱۸؛ دوم پطرس ۳: ۱۸؛ مکاشفه ۱: ۶).

در عهد عتیق شایع ترین کلمه عبری برای "شکوه" (*kbd*) در اصل یک اصطلاح تجاری است که به یک ترازو اشاره دارد و به معنای "سنگین بودن" است. آنچه سنگین بود، ارزشمند بود یا ارزش ذاتی دارد. اغلب مفهوم روشنایی برای بیان عظمت خدا بدان اضافه میشود (مراجعه شود به کتاب خروج ۱۹: ۱۶-۱۸، ۲۴: ۱۷؛ اشعیا ۶۰: ۱۲). او به تنهایی ارزشمند و محترم است. او برای انسان گمراه بیش از اندازه تابناک به نظر می آید (مراجعه شود به کتاب خروج ۳۳: ۱۷ الی ۲۳؛ اشعیا ۶: ۵). خداوند فقط از طریق مسیح درست شناخته میشود (مراجعه شود به ارمیا ۱: ۱۴، انجیل متی ۱۷: ۲؛ عبرانیان ۱: ۳، یعقوب ۲: ۱).

اصطلاح جلال به نوعی مبهم است.

۱. میتواند همسو با "پارسایی خدا" باشد
 ۲. میتواند اشاره به مقدس بودن یا کامل بودن خدا داشته باشد
 ۳. میتواند به تصویر خدا که از آن نوع بشر خلق شد اشاره داشته باشد (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱: ۲۶ الی ۲۷، ۵: ۱، ۹: ۶)، ولی بعداً با شورش و یاغیگری گمراه شد (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۳: ۱ الی ۲۲)
- نخستین مرتبه در مورد حضور یهوه در میان مردمش در کتاب خروج ۱۶: ۷ و ۱۰، لاویان ۹: ۲۳، اعداد ۱۴: ۱۰ استفاده شده است.

NASB, NRSV	"هم اکنون و هم تا روز ابد"
NKJV	"هم اکنون و هم همیشه"
TEV	"الان و برای همیشه"
NJB	"در زمان و ابدیت"

این به معنای واقعی کلمه "هم اکنون و هم تا روز قیامت" است. این یک فرم منحصر به فرد از یک پایان معمول است، تا حدودی همسو با یهودا ۱: ۲۵ است. یهودیان تاریخ را بر اساس دو عصر، عصر حال شیطانی و عصر آینده پارسایی میدیدند. این عصر آینده مترادف با پادشاهی جاودان است. به موضوع ویژه در بخش مربوط به انجیل مرقس ۱۳: ۸ مراجعه کنید.

■ "آمین" این کلمه در نسخه باستانی یونانی یونیکال دستنویس B (یعنی واتیکانوس) دیده نمیشود، ولی در P72، A، C و دیده میشود. به موضوع خاص در بخش مربوط به انجیل مرقس ۳: ۲۸ مراجعه کنید.

سوالاتی برای بحث

این یک راهنمای مطالعاتی است، که بدین معنی است که شما خودتان مسئول تفسیر انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر خودمان گام برداریم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. شما نباید این امر را به یک مفسر واگذار کنید. این سوالات مباحثاتی به منظور کمک به شما در تفکر نسبت به مسائل اصلی این بخش از کتاب مطرح شده اند. آنها صرفاً تفکر برانگیز هستند نه قطعی.

۱. چرا عرفا منکر آمدن دوم مسیح هستند؟
۲. پیام اصلی عهد جدید در خصوص آمدن دوم چیست؟
۳. چرا پطرس به نوشته‌های پولس اشاره میکند؟

اصطلاحات دستور زبان یونانی

یونانی کوین (*Koine Greek*) که اغلب یونانی هلنی (*Hellenistic Greek*) هم گفته می‌شود، زبان متداول در منطقه مدیترانه بود که از زمان اسکندر کبیر (۳۳۶ تا ۳۲۳ قبل از میلاد) رایج شد و تا هشت صد سال (۳۰۰ قبل از میلاد تا ۵۰۰ بعد از میلاد) دوام یافت. این زبان صرفاً یک زبان ساده شده و کلاسیک یونانی نبود، بلکه از جهات مختلف حالت جدیدی از زبان یونانی بود که تبدیل به زبان دوم سرزمینهای باستانی خاور نزدیک و مدیترانه شده بود.

نسخه یونانی عهد جدید از برخی جهات منحصر به فرد است، زیرا نویسندگان آن به استثنای لوقا و نویسنده عبری، زبان اولش احتمالاً آرامی بود. بنابراین نوشته‌های او تحت تاثیر کلمات و چارچوب ساختاری زبان آرامی بود. همچنین آنها Septuagint (ترجمه یونانی عهد عتیق) را می‌خواندند و از آن نقل قول می‌کردند که آن هم به زبان یونانی کوین نوشته شده بود. ولی Septuagint توسط اساتید یهودی که زبان مادری آنها یونانی نبود، نوشته شده بود.

این امر به ما یادآوری می‌کند که ما نمی‌توانیم عهد جدید را در قالب دستور زبانی درست ببینیم. منحصر به فرد است و وجوه اشتراک زیادی با (۱) Septuagint، (۲) نوشته‌های یهودی مانند نوشته‌های جوزفوس و (۳) پاپیروس‌ی که در مصر یافت شد، دارد. پس چگونه می‌توانیم عهد جدید را از نظر دستور زبانی مورد بررسی و تحلیل قرار دهیم؟

ویژگی‌های دستور زبانی یونانی کوین و عهد جدید روان هستند. از جهات بسیاری نوعی ساده‌سازی دستور زبان است. متن راهنمای اصلی ما می‌باشد. کلمات فقط در متون طولانی دارای معنی هستند، بنابراین ساختار دستور زبانی را فقط می‌توان در سایه (۱) شیوه نگارش یک نویسنده خاص، و (۲) یک متن خاص درک کرد.

زبان یونانی کوین اساساً یک زبان گفتاری بود. اغلب کلید تفسیر و ترجمه نوع و فرم کلمات و افعال هستند. در بیشتر عبارات اصلی فعل اول می‌آید تا برتری آن را نشان دهد. در تحلیل فعل در زبان یونانی باید به سه بخش اطلاعات توجه کرد: (۱) تاکید اولیه زمان فعل، لحن گفتار و حس گفتار (اصول صرف و نحو و تاریخ لغوی)، (۲) معنی اصلی یک فعل خاص (واژه نگاری)، و (۳) موضوع متن (هماهنگی قسمتهای مختلف متن).

۱. زمان فعل

a. زمان یا وضع فعل شامل رابطه افعال برای تکمیل یک عمل یا کامل نشدن یک عمل است. این اغلب "کامل" یا "ناتمام گفته" می‌شود.

i. فعل زمان کامل بر رخداد یک عمل تمرکز دارد. هیچ گونه اطلاعات بیشتری داده نمی‌شود به جز اینکه اتفاقی رخ داده است! شروع، طول مدت یا دوام و پایان آن مشخص نمی‌شود.

ii. فعل زمان ناتمام بر تداوم فرایند یک عمل تمرکز دارد. می‌توان آن را در قالب یک حرکت خطی، مدت زمان سپری شده و پیشرفت عمل توصیف کرد.

b. زمانهای افعال را می‌توان بر اساس اینکه نویسنده چگونه پیشرفت عمل را می‌بیند، طبقه‌بندی کرد

i. رخ داد (عمل انجام شد) = آتوریستی

ii. رخ داد و نتایج آن متوقف شد = کامل

iii. در زمان گذشته در حال انجام بود و خاتمه یافت، ولی نه در حال = ماضی بعید

iv. در حال وقوع است = زمان حال

v. در حال انجام بود = ناکامل

یک مثال صریح از اینکه چگونه این زمان‌ها به ترجمه و تفسیر کمک می‌کنند می‌تواند فعل "نجات دادن" (save) باشد. این در

چندین حالت زمانی مختلف استفاده شده است تا روند اجرا و نقطه اوج آن نشان داده شود.

i. آتوریست - "نجات داد" (رجوع شود به رومیان ۸: ۲۴)

ii. کامل - "نجات داده شد و نتیجه آن همچنان ادامه دارد" (رجوع شود به افسسیان ۲: ۵ و ۸)

iii. حال - "نجات داده می‌شود" (رجوع شود به اول قرنتیان ۱: ۱۸، ۱۵: ۲)

iv. آینده - "نجات داده خواهد شد" (رجوع شود به رومیان ۵: ۹ و ۱۰، ۱۰: ۹)

c. با تمرکز بر روی زمان فعل، مترجمین باید بدنبال دلیلی بگردند که چرا نویسنده اصلی یک زمان خاصی را برای بیان عبارت خویش استفاده کرده است. زمان فعل "ریشه‌دار نکردن" آتوریستی بود. از آن می‌توان برای طیف وسیعی از شیوه‌هایی که متن باید تعیین کننده باشد، استفاده کرد. خیلی ساده، می‌گوید که اتفاقی رخ داده است. جنبه گذشته زمان صرفاً به منظور این است که نشان دهنده حالت باشد. اگر هر زمان دیگری استفاده شده بود، بر روی چیزی دقیقتر تاکید شده بود. ولی چه؟

i. زمان کامل. از کامل شدن عملی با نتیجه مشخص صحبت می‌کند. در برخی شرایط، ترکیبی از زمان آتوریستی و زمان حال است. معمولاً تمرکز بر روی نتایج حاصله و یا کامل شدن عمل است (مثال: افسسیان ۲: ۵ و ۸، "از راه ایمان نجات یافته‌اید")

ii. زمان ماضی بعید. این زمان همانند زمان کامل است با این تفاوت که نتیجه آن کامل شده است. مثال: انجیل یوحنا ۱۸: ۱۶ "پطرس

پشت در ایستاد".

- iii. زمان حال. این زمان از عملی ناقص و خاتمه نیافته صحبت می‌کند. تمرکز آن معمولاً بر روی ادامه یک رخداد است. مثال: اول یوحنا ۳: ۶ و ۹، "آن که در او می‌ماند گناه نمی‌کند". "آن که از خدا مولود شده است گناه نمی‌کند"
- iv. زمان غیر کامل. در این زمان، رابطه با زمان حال مشابه رابطه میان زمان کامل و ماضی بعید است. زمان غیر کامل از کامل نشدن عملی در گذشته خبر می‌دهد. مثال: انجیل متی ۳: ۵ "مردمان اور شلیم و سرا سر یهودیه و تمامی نواحی اطراف رود اردن، جملگی نزد او می‌رفتند" یا "پس همه مردم اوشلیم بیرون آمده و نزد او می‌رفتند".
- v. زمان آینده. این زمان از عملی صحبت می‌کند که باید در یک مقطع زمانی در آینده رخ دهد. تمرکز آن بر روی احتمال وقوع آن است تا حتم بر وقوع آن. مثال: انجیل متی ۵: ۴ الی ۹، "خوشا به حال ... خواهد شد".

۲. لحن گفتار

- a. لحن یا صدای گفتار از رابطه میان عمل فعل و موضوع سخن می‌گوید.
- b. لحن فعال یک شیوه معمولی، قابل انتظار، غیر تأکیدی برای بیان موضوعی است که عمل فعل بر روی آن انجام می‌گیرد.
- c. لحن مجهول یعنی موضوع عمل فعل را که توسط یک عامل خارجی انجام شده، دریافت می‌کند. عامل خارجی که عمل را ایجاد می‌کند در نسخه یونانی عهد جدید با حروف اضافه و حالات مختلف نشان داده‌اند.
- i. عامل مستقیم فردی توسط *hupo* با مفعول عنه (رجوع شود به انجیل متی ۱: ۲۲، اعمال رسولان ۲۲: ۳۰)
- ii. یک عامل فردی واسطه توسط *dia* با مفعول عنه (رجوع شود به انجیل متی ۱: ۲۲)
- iii. یک عامل غیر فردی توسط *en* با حالت موردی
- iv. گاهی اوقات یک عامل فردی یا غیر فردی و توسط مفعول عنه به تنهایی
- d. لحن متوسط یعنی موضوع عمل فعل را ایجاد می‌کند و همچنین به صورت مستقیم با عمل فعل در ارتباط است. این حالت اغلب لحن بلند با اهداف شخصی گفته می‌شود. این ساختار به شیوه‌ای تأکید بر موضوع جمله یا عبارت دارد. این ساختار در زبان انگلیسی وجود ندارد. احتمالات زیادی برای معانی و ترجمه آن از زبان یونانی وجود دارد. برخی مثالهای این حالت به شرح زیر هستند:
- i. انعکاسی - عمل مستقیم موضوع بر روی خودش. مثال: انجیل متی ۲۷: ۵، "خود را حلق آویز کرد"
- ii. شدید - موضوع عملی را برای خودش ایجاد می‌کند. مثال: دوم قرنیتیان ۱۱: ۱۴، "شیطان نیز خود را به شکل فرشته نور درمی‌آورد"
- iii. متقابل - عمل متقابل دو موضوع. مثال: انجیل متی ۲۶: ۴، "شور کردند"

۳. حس گفتار (یا "حالت")

- a. در یونانی کوبین چهار نوع حالت وجود دارد. آنها، حداقل از دیدگاه شخصی نویسنده، دلالت بر رابطه فعل با واقعیت دارند. حالت‌ها به دو گروه کلی تقسیم می‌شوند: آنها که بر واقعیت دلالت دارند (دلالت‌کننده) و آنها که بطور بالقوه دلالت می‌کنند (وجه شرطی، دستوری و آرزویی).
- b. حالت دلالت‌کننده حالت معمولی برای بیان عملی است که رخ داده است و یا در حال وقوع است، حداقل از دیدگاه نویسنده. اینها حالتی در دستور زبان یونانی هستند که زمان مشخصی را بیان می‌کنند، و حتی در اینجا این یک جنبه ثانویه است.
- c. حالت وجه شرطی احتمال وقوع عمل در آینده است. چیزی که هنوز اتفاق نیافتاده است، ولی احتمال وقوع آن می‌رود. این زمان وجه اشتراک زیادی با آینده دلالت‌کننده دارد. تفاوت در این است که وجه شرطی تردیدی را نشان می‌دهد. در انگلیسی این حالت معمولاً با *may, would, could* و یا *might* بیان می‌شود.
- d. حالت آرزو، آرزویی را که از نظر تئوری وقوع آن ممکن است را بیان می‌دارد. یک گام جلوتر از واقعیت نسبت به وجه شرطی در نظر گرفته شد. حالت آرزویی احتمال وقوع را تحت شرایط خاصی بیان می‌دارد. حالت آرزویی در عهد جدید به ندرت استفاده شده است. بیشترین کاربرد آن توسط پولس در جمله معروف او است: "شاید که هرگز نباشد" (انجیل نسخه شاه جیمز، "خدا منع می‌کند")، پانزده مرتبه استفاده شده است (رجوع شود به رومیان ۳: ۴ و ۶ و ۳۱، ۶: ۲ و ۱۵، ۷: ۷ و ۱۳، ۹: ۱۴، ۱۱: ۱ و ۱۱، اول قرنیتیان ۶: ۱۵، غلاطیان ۲: ۱۷، ۳: ۲۱، ۶: ۱۴)
- e. حالت دلالت‌کننده بر فرمانی که احتمالش هست، تأکید می‌کند، ولی تأکید بر روی قصد گوینده است. فقط احتمال قابل نقض و مشروط، انتخاب دیگر است. یک کاربرد دلالت‌کننده خاص در درخواست دعای شخص ثالث هم هست. این دستورات فقط در زمان آتوریستی در عهد جدید هستند.
- f. برخی دستورات گرامری ضمائر مفعولی را به عنوان نوع دیگری از حالت طبقه‌بندی می‌کنند. آنها در عهد جدید یونانی بسیار متداول هستند، معمولاً به عنوان صفت شفاهی تعریف می‌شوند. تنوع زیادی در ترجمه صفات مفعولی وجود دارد. آنها در ترکیب با فعل اصلی که

- به آن مرتبط هستند ترجمه می‌شوند. احتمال تنوع در ترجمه صفت مفعولی بسیار زیاد است. بهترین کار این است که به ترجمه‌های مختلف مراجعه کرد. *The Bible in Twenty Six Translations* از انتشارات بیکر کمک زیادی می‌کند.
- g. زمان آئوریست دلالت کننده فعال یک شیوه معمولی و بدون نشان برای ثبت یک رخداد است. سایر زمانها، لحن یا حالت یک اهمیت تفسیری خاصی دارند که نویسنده اصلی قصد داشته تا بدان طریق ارتباط برقرار کند.
۴. برای کسی که با زبان یونانی آشنایی نداشته باشد، مطالعات ذیل کمک کرده و اطلاعات مورد نیاز را ارائه می‌کنند:
- a. باربارا و تیموتی فرایبرگ. *Analytical Greek New Testament*. انتشارات بیکر، سال ۱۹۸۸
- b. آلفرد مارشال. *Interlinear Greek-English New Testament*. انتشارات زوندروان، سال ۱۹۷۶
- c. ویلیام دی. ماونس. *The Analytical Lexicon to the Greek New Testament*. انتشارات زوندروان، سال ۱۹۹۳
- d. ری سامرز. *Essentials of New Testament Greek*. انتشارات برادمن، سال ۱۹۵۰
- e. دروس مکتباتی زبان یونانی کوبین که دارای تائید آکادمیک می‌باشند نیز توسط Moody Bible Institute در شیکاگو ایلیونیز قابل دسترسی است.

۵. اسم

- a. از نظر دستور زبان، اسم‌ها بر اساس موردی طبقه‌بندی می‌شوند، یعنی بر اساس یک اسم که رابطه آن با فعل و سایر اجزا جمله را نشان می‌دهد، طبقه‌بندی می‌شوند. در زبان یونانی کوبین، بسیاری از عملکردهای مورد دلالت بر ضمایر مفعولی دارند. از آنجا که حالت موردی می‌تواند روابط مختلفی را شناسایی کند، از ضمیر مفعولی برای بسط آن استفاده می‌شود تا تفکیک سازی بهتر این اعمال انجام شود.
- b. مورد در دستور زبان یونانی به هشت گروه زیر تقسیم می‌شود:
- i. حالت فاعلی برای نامگذاری استفاده می‌شود و معمولاً موضوع جمله یا عبارت بود. همچنین برای اسم‌های پیش فرض و صفت با متصل کردن به افعال "بودن" یا "شدن" استفاده می‌شد.
- ii. حالت مضاف الیه برای توصیف کردن استفاده می‌شد و معمولاً یک صفت یا کیفیتی که با آن در ارتباط بود، به کلمه اطلاق می‌شد. این به سوال "چه نوعی" پاسخ می‌دهد. در زبان انگلیسی با حرف اضافه of این حالت توصیف می‌شود.
- iii. حالت مفعول عنه به همان شیوه صرف شده برای مضاف الیه استفاده می‌شد، ولی برای توصیف جدا سازی به کار می‌رفت. معمولاً برای بیان جدا شدن از یک نقطه در زمان، مکان، مبدأ، منشا یا درجه استفاده می‌شد. در زبان انگلیسی این حالت با حرف اضافه "از" (*from*) بیان می‌شود.
- iv. حالت مفعولی برای توصیف نفع شخصی استفاده می‌شد. می‌توانست به جنبه مثبت یا منفی دلالت کند. اغلب مفعول غیر مستقیم بود. اغلب در زبان انگلیسی با حرف اضافه "به" (*to*) بیان می‌شد.
- v. حالت مکانی مشابه فرم صرفی حالت مفعولی است، ولی موقعیت یا مکان را در فضا، زمان یا محدودیت‌های منطقی بیان می‌کرد. این معمولاً در زبان انگلیسی با یکی از حروف اضافه "در"، "آن"، "روی"، "میان"، "در طول"، "توسط"، و "باضافه" بیان می‌شود.
- vi. حالت یابی مشابه همان حالت صرف حالت مفعولی و حالت مکانی است. از آن برای بیان ابزار یا پیوستگی استفاده می‌شد. اغلب در زبان انگلیسی با "بوسیله" یا "با" بیان می‌شد.
- vii. حالت مفعولی اتهامی برای توصیف جمع‌بندی یک عمل استفاده می‌شد. این حالت محدودیت را بیان می‌کرد. استفاده اصلی آن برای مفعول بیواسطه بود. این حالت به سوال "چه اندازه" یا "تا چه حد" پاسخ می‌دهد.
- viii. حالت آوایی برای بیان مستقیم استفاده می‌شد.

۶. حروف ربط

- a. یونانی زبان بسیار دقیقی است زیرا کلمات ربط بسیار زیادی دارد. آنها افکار (عبارات، جملات و پاراگرافها) را به یکدیگر متصل می‌سازند. آنها بسیار متداول هستند بطوری که بودن آنها اغلب اهمیت خاصی دارد. در حقیقت، این حروف ربط مشخص کننده مسیر فکری نویسنده هستند. اغلب آنها در تعیین اینکه گوینده دقیقاً چه چیزی می‌خواهد بگوید بسیار مهم هستند.
- b. در اینجا فهرستی از برخی حروف ربط و معنی آنها را ارائه می‌کنم (این اطلاعات بیشتر از *A Manual Grammar of the Greek New Testament* اثر H. E. Dana and Julius K. Mantey گردآوری شده‌اند).

i. حروف ربط زمانی

۱. *epei, epeidē, hopote, hōs, hote, hotan* (موضوع) - "وقتی که"

۲. *heōs* "در حالی که"

۳. *hotan, epan* (موضوع) - "هر وقت"

۴. *heōs, achri, mechri* (موضوع) - "تا وقتی که"
۵. *priv* - (مصدر) - "قبل از"
۶. *Hōs* - "از وقتی که"، "وقتی که"، "از"
- ii. حروف ربط منطقی
۱. هدف
- a. *hina, hopōs, hōs* - به منظور، "که"
- b. *hōste* (مصدر مفعولی) - "که"
- c. *Pros* - (مصدر مفعولی) یا *eis* (مصدر مفعولی) - "که"
۲. نتیجه (ارتباط نزدیکی میان حالات دستوری هدف و نتیجه وجود دارد)
- a. *hōste* (مصدر، این متداولترین است) - "به منظور اینکه"، "بنابراین"
- b. *hiva* (موضوع) - "تا"
- c. *Ara* - "بنابراین"
۳. دلیل یا سبب
- a. *gar* (سبب/تاثیر یا دلیل/جمع بندی) - "برای"، "زیرا"
- b. *dioti, hotiy* - "از"
- c. *dia* (با حالت مفعولی) و (با حالت مفصل انتزاعی) - "زیرا"
۴. استنتاج
- a. *ara, poinun, hōste* - "بنابراین"
- b. *dio* (قویترین حرف ربط استنتاجی) - "به چه حسابی"، "بر چه اساسی"، "بنابراین"، "به چه دلیل"
- c. *oun* - "بنابراین"، "در نتیجه"، "بدنبال آن"
- d. *Toinoun* - "متعاقبا"
۵. حرف نقض یا مخالف
- a. *Alla* (قویترین حرف نقض) - "ولی"، "بجز"
- b. *De* - "ولی"، "اما"، "با این حال"، "به عبارت دیگر"
- c. *kai* - "اما"
- d. *mentoi, oun* - "معهدا"
- e. *plēn* - "با این وجود"
- f. *oun* - "معهدا"
۶. مقایسه
- a. *hōs, kathōs* - (معرفی جمله مقایسه‌ای)
- b. *kata* - (در ترکیب، *kathosper, kathaper, katho*)
- c. *hosos* - (در عبرانیان)
- d. *ē* - "از"
- e. توالی یا سری
- f. *de* - "و"، "حالا"
- g. *kai* - "و"
- h. *tei* - "و"
- i. *hina, oun* - "که"
- j. *oun* - "بعد" (در انجیل یوحنا)
۷. کاربردهای تاکیدی
- a. *Alla* - "قطعیت"، "اری"، "در حقیقت"
- b. *ara* - "در واقع"، "یقینا"، "واقعا"

c. *gar* - "اما واقعا"، "یقینا" حتما"

d. *de* - در واقع

e. *ean* - "حتی"

f. *kai* - "حتی"، "در واقع"، "واقعا"

g. *mentoi* - "در واقع"

h. *oun* - "واقعا"، "با تمام قوا"

۷. جملات شرطی

a. یک جمله شرطی جمله‌ای است که شامل یک یا چند شرط باشد. این ساختار دستور زبانی به تفسیر جمله کمک می‌کند زیرا شرایط یا دلایلی را ارائه می‌دهد یا عواملی را نشان می‌دهد که چرا عمل فعلی اصلی انجام شده یا انجام نشده است. چهار نوع جمله شرطی وجود داشتند. آنها از آن که تصور می‌شود از دیدگاه نگارنده یا برای منظورش درست بودند شروع می‌شود و تا اینکه فقط یک آرزو بود ختم می‌شوند.

b. جمله شرطی نوع اول برای بیان عمل یا حضوری استفاده می‌شود که از دیدگاه نگارنده و یا به خاطر منظورش تصور می‌شود درست باشد، حتی در صورتیکه "اگر" در جمله به کار رفته باشد. در بسیاری از جملات می‌توان آن را "از آنجا که" ترجمه کرد (رجوع شود به انجیل متی ۴: ۳، رومیان ۸: ۳۱). با این حال، این بدین معنی نیست که تمامی جملات شرطی نوع اول در واقعیت درست هستند. اغلب از آنها برای ایجاد یک نکته در بحث و یا مشخص کردن یک اشتباه استفاده می‌شود (رجوع شود به انجیل متی ۱۲: ۲۷).

c. به حالت جملات نوع دوم شرطی اغلب "برخلاف واقعیت" گفته می‌شود. بیان کننده چیزی است که خلاف واقعیت است و برای ایجاد یک نکته استفاده می‌شود. مثالها:

i. "اگر این مرد برآستی پیامبر بود، می‌دانست این زن که لمسش می‌کند کیست و چگونه زنی است - می‌دانست که بدکاره است" (انجیل لوقا ۷: ۳۹)

ii. "اگر موسی را تصدیق می‌کردید، مرا نیز تصدیق می‌کردید، چرا که او درباره من نوشته است" (انجیل یوحنا ۵: ۴۶).

iii. "اگر همچنان در پی خشنودی مردم بودم، خادم مسیح نمی‌بودم" (غلاطیان ۱: ۱۰)

d. حالت سوم از احتمال وقوع عملی در آینده صحبت می‌کند. اغلب احتمال وقوع عملی را تصور می‌کند. معمولاً بر یک احتمال دلالت دارد. عمل فعلی اصلی احتمال عمل در "اگر" است. مثالهای این حالت: اول یوحنا ۱: ۶ الی ۱۰، ۲: ۴ و ۶ و ۹ و ۱۵ و ۲۰ و ۲۱ و ۲۴ و ۲۹، ۳: ۲۱، ۴: ۲۰، ۵: ۱۴ و ۱۶.

e. حالت چهارم شرط، دورترین حالت احتمال است. این حالت به ندرت در عهد جدید به کار رفته است. در واقع، هیچ جمله شرطی نوع چهارمی که در آن هر دو حالت شرط در آن قرار بگیرند، کامل نمی‌شوند. به عنوان مثال جمله شرطی چهارم در اول پطرس ۳: ۱۴ دیده می‌شود. مثال جمله شرطی نوع چارم تقریباً جمله جمع‌بندی در اعمال رسولان ۸: ۲۱ می‌باشد.

۸. ممانعت‌ها

a. زمان حال امری با پسوند $\bar{M}E$ اغلب (ولی نه انحصاراً) تاکید بر متوقف کردن عملی را دارد که در حال حاضر در حال انجام است. برخی مثالها: "بر زمین گنج می‌اندوزید" انجیل متی ۶: ۱۹، "نگران زندگی خود نباشید" (انجیل متی ۶: ۲۵)، "اعضای بدن خود را تسلیم گناه نکنید تا ابزار شرارت باشند" (رومیان ۶: ۱۳)، "روح قدوس خدا را که بدان برای روز رهایی مهر شده‌اید، غمگین مسازید" (افسیسیان ۴: ۳۰)، "مست شراب مشوید" (افسیسیان ۵: ۱۸).

b. وجه شرطی آنوریستی با پسوند $\bar{M}E$ تاکید بر "عملی را حتی شروع یا آغاز نکن" دارد. برخی مثالها: "گمان مبرید که آمده‌ام تا تورات و نوشته‌های پیامبران را نسخ کنم" (انجیل متی ۵: ۱۷)، "پس نگران نباشید و نگویید چه بخوریم یا چه بنوشیم و یا چه بپوشیم" (انجیل متی ۶: ۳۱)، "از شهادت بر خداوند ما عار مدار" (دوم تیموتائوس ۱: ۸).

c. منفی مضاعف با حالت وجه شرطی نفی کاملاً محرز است. "هرگز، نه هرگز"، یا "تحت هیچ شرایطی نه". برخی مثالها: "مرگ را تا به ابد نخواهد دید" (انجیل یوحنا ۸: ۵۱)، "تا ابد گوشت نخواهم خورد" (اول قرنتیان ۸: ۱۳).

۹. حرف تعریف

a. در یونانی کوبین حرف تعریف مطلق "the" کاربردی دقیقاً مشابه انگلیسی دارد. کاربرد اصلی آن به عنوان یک نشانگر است که توجه به یک کلمه، اسم یا عبارت جلب شود. کاربرد آن میان نویسندگان عهد عتیق متفاوت است. حرف تعریف مطلق می‌تواند کاربردهای زیر را داشته باشد

i. به عنوان تضاد روش برای نشان دادن ضمیر

- ii. به عنوان نشان برای اشاره کردن که موضوع یا فردی که قبلاً معرفی شده
- iii. شیوه‌ای برای شناسایی موضوع در یک جمله با فعل ربط. مثالها: "خدا روح است" (انجیل یوحنا ۴: ۲۴)، "خدا نور است" (اول یوحنا ۱: ۵)، "خدا محبت است" (اول یوحنا ۴: ۸ و ۱۶)
- b. یونانی کوبین حرف تعریف نامعین همانند "a" یا "an" نداشت. عدم وجود حرف تعیین مطلق به یکی از معانی زیر می‌تواند باشد:
- تمرکز بر روی مشخصه یا کیفیت چیزی
 - تمرکز بر روی طبقه‌بندی چیزی
 - نویسندگان عهد جدید از روشهای کاملاً متنوعی برای استفاده از حرف تعریف استفاده کرده‌اند.
۱۰. راه‌های نشان دادن تاکید در عهد عتیق یونانی
- a. در عهد جدید تکنیک‌های به کار رفته برای نشان دادن تاکید میان نگارندگان کاملاً متفاوت است. رسمی‌ترین و ثابت‌ترین قدم‌ترین نویسندگان لوقا و نویسندگان عبرانیان بودند.
- b. پیشتر گفتیم که اُتوریست دلالت‌کننده فعال یک روش استاندارد برای تاکید است، ولی زمان، لحن و حالت اهمیت تفسیری دارند. این دلالت بر این ندارد که اُتوریست دلالت‌کننده فعال اغلب برای مفاهیم دستور زبانی مهمی بکار نمی‌رفت. (مثال: در رومیان ۶: ۱۰ دو مرتبه تکرار شده)
- c. ترتیب کلمه در یونانی کوبین
- زبان یونانی کوبین زبان متفاوتی است که به ترتیب کلمات مانند زبان انگلیسی وابسته نیست. در نتیجه، نویسنده می‌تواند از ترتیبی که انتظار می‌رود برای نشان دادن موارد زیر استفاده کند
 - آنچه که نگارنده می‌خواست به خواننده تاکید کند
 - آنچه که نگارنده تصور می‌کرد برای خواننده حیرت‌انگیز باشد
 - آنچه نگارنده عمیقاً بدان فکر می‌کرد
 - هنور ترتیب درست کلمات در ادبیات یونانی معضلی است. با این حال، ترتیبی که تصور می‌شود درست باشد، به شرح زیر است
 - برای وصل کردن افعال
 - فعل
 - فاعل
 - متمم
 - برای افعال متعدی
 - فعل
 - فاعل
 - مفعول
 - مفعول باواسطه
 - حرف اضافه
 - برای عبارات اسمی
 - اسم
 - تعدیل‌کننده
 - حرف اضافه
- iii. ترتیب کلمات می‌تواند یک نکته بیش از حد مهم در ترجمه و تفسیر باشد. مثالها:
- "دست رفاقت به من و برنابا دادند." عبارت "دست رفاقت" در متن اصلی و انگلیسی جدا شده و در ابتدای جمله آمده تا اهمیت آن نشان داده شود (غلاطیان ۲: ۹).
 - "با مسیح" در اول جمله آمده. مرگ او در وسط (غلاطیان ۲: ۲۰).
 - "بارها و از راه‌های گوناگون" (عبرانیان ۱: ۱) در اول جمله قرار گرفته است. این شیوه‌ای است که خدا خودش را نشان داد که متناقض است، نه واقعیت مکاشفه.
 - d. معمولاً مقداری تاکید نشان داده می‌شود توسط:
 - تکرار ضمیری که قبلاً در حالت تعریف فعل معرفی شده است. مثال: "من هر روزه تا پایان این عصر با شما هستم!" (انجیل متی

- ii. نبود حرف ربطی که باید باشد، یا سایر اضافاتی که میان کلمات، عبارات یا جملات باید باشند. به این حالت غیر مرتبط گفته می‌شود. انتظار یک رابط می‌رفت، بنابراین نبود آن جلب توجه می‌کند. مثالها:
۱. سعادت جاویدان، انجیل متی ۵: ۳ (تاکید در لیست)
 ۲. انجیل یوحنا ۱۴: ۱ (موضوع جدید)
 ۳. رومیان ۹: ۱ (بخش جدید)
 ۴. دوم قرنتیان ۱۲: ۲۰ (تاکید در لیست)
- iii. تکرار کلمات یا عبارات حاضر در یک متن مشخص. مثالها: "فیض پر جلال او ستوده شود" (افسسیان ۱: ۶ و ۱۲ و ۱۴). از این عبارت استفاده شده تا نقش هر فرد در تثلیث نشان داده شود.
- iv. استفاده از یک کلمه (صدا) یا اصطلاح برای بازی میان کلمات
۱. Euphemisms - کلمات با فاعل‌های تابو را جایگزین می‌کند مانند "خواب" برای مرگ (انجیل یوحنا ۱۱: ۱۱ الی ۱۴) یا "پا" برای اندام تناسلی مرد (روت ۳: ۷ و ۸، اول سموئیل ۲۴: ۳)
 ۲. بیان غیر مستقیم - نام خدا را با کلمات دیگر جایگزین می‌کند، مانند "پادشاهی بهشت" (انجیل متی ۳: ۲) یا "صدایی از بهشت" (انجیل متی ۳: ۱۷)
 ۳. حالات سخن گفتن
 - a. اغراق غیر ممکن (انجیل متی ۳: ۹، ۵: ۲۹ و ۳۰، ۱۹: ۲۴)
 - b. اظهارات زیادی ملایم (انجیل متی ۳: ۵، اعمال رسولان ۲: ۳۶)
 - c. تجسم شخصیت (اول قرنتیان ۱۵: ۵۵)
 - d. وارونه گویی (غلاطیان ۵: ۱۲)
 - e. شعر (فیلیپیان ۲: ۶ الی ۱۱)
 - f. اصوات میان کلمات
 - i. کلیسا
 ۱. کلیسا (افسسیان ۳: ۲۱)
 ۲. صدا کردن (افسسیان ۴: ۱ و ۴)
 ۳. فرا خوانده شدن (افسسیان ۴: ۱ و ۴)
 - ii. آزاد
 ۱. زن آزاد (غلاطیان ۴: ۳۱)
 ۲. آزادی (غلاطیان ۵: ۱)
 ۳. آزاد (غلاطیان ۵: ۱)
 ۴. زبان اصطلاحی - زبانی است که اولاً فرهنگی و مشخص است
 - a. استفاده تمثیلی از "غذا" (انجیل یوحنا ۴: ۳۱ الی ۳۴)
 - b. استفاده تمثیلی از "معبد" (انجیل یوحنا ۲: ۱۹، انجیل متی ۲۶: ۶۱)
 - c. اصطلاح عبری مقایسه، "نفرت" (سفر پیدایش ۲۹: ۳۱، تثنیه ۲۱: ۱۵، انجیل لوقا ۱۴: ۲۶، انجیل یوحنا ۱۲: ۲۵، رومیان ۹: ۱۳)
 - d. "همه" در مقابل "بسیاری". اشعیا ۵۳: ۶ (همه) را با ۵۳: ۱۱ و ۱۲ (بسیاری) مقایسه کنید. اصطلاحات مترادف هستند مانند آنچه رومیان ۵: ۱۸ و ۱۹ نشان می‌دهد.
 - v. استفاده از یک عبارت کامل دستوری در مقابل یک کلمه. مثال: "خداوند عیسی مسیح".
 - vi. استفاده خاص *autos*
 ۱. وقتی که با مفعول (صفت مکانی) "همان" ترجمه شده باشد
 ۲. وقتی که بدون مفعول (موقعیت پیش‌بینی شده) و به عنوان ضمیر انعکاسی با شدت ترجمه شده باشد، مانند "خودش".
- e. دانشجویی که انجیل غیر یونانی را مطالعه می‌کند، می‌تواند تاکیدها را به شیوه‌های مختلف شناسایی کند:
- i. استفاده تحلیلی فرهنگ لغت و مقایسه سطر به سطر متن یونانی/انگلیسی

ii. مقایسه ترجمه‌های مختلف انگلیسی، به خصوص ترجمه‌هایی از دیدگاه‌های مختلف. مثال: مقایسه "کلمه به کلمه" (نسخه شاه جیمز، نسخه بازبینی شده شاه جیمز، نسخه استاندارد انگلیسی، نسخه انگلیسی امروز، نسخه بازبینی شده استاندارد، نسخه استاندارد بازبینی شده جدید) با "معادل دینامیک" (ویلیامز، نسخه انگلیسی استاندارد، انجیل انگلیسی جدید، نسخه انگلیسی بازبینی شده، انجیل اورشلیم، انجیل جدید اورشلیم، نسخه انگلیسی امروز). کمک مفید در اینجا - *The Bible in Twenty Six Translations* از انتشارات بیکر است.

iii. استفاده از *The Emphasized Bible* اثر جوزف برایت روترهام (کرگل، ۱۹۹۴)

iv. استفاده از ترجمه‌های تحت الفظی

۱. *The American Standard Version* (نسخه استاندارد امریکایی) از سال ۱۹۰۱

۲. *Young's Literal Translation of the Bible* از رابرت یانگ (انتشارات گاردین، ۱۹۷۶)

مطالعه دستور زبان خسته کننده است ولی برای ترجمه درست لازم است. این تعاریف، تفسیرها و مثالهای مختصر به منظور تشویق و آماده کردن خوانندگانی است که نسخه غیر یونانی را می‌خوانند تا بتوانند از توضیحات دستور زبانی که در اینجا قید شده استفاده نمایند. به طور قطع این تعاریف بیش از حد ساده شده‌اند. از آنها نباید بطور محض (دگماتیک) یا غیر قابل انعطاف استفاده شوند، بلکه به عنوان آگاهی بیشتر برای درک بهتر می‌باشند. امیدواریم که این تعاریف به درک خواننده از ترجمه‌های سایر منابع مطالعاتی مانند تفاسیر فنی عهد جدید کمک کنند.

ما باید بتوانیم تعبیر خود را بر اساس بخشهای اطلاعاتی که در متون انجیل یافت می‌شوند، تأیید نمائیم. دستور زبان یکی از کمک کننده‌ترین این موارد است. سایر اقلام شامل زمینه‌های تاریخی، متون تحت الفظی، و کاربرد کلمات امروزی عبارات مترادف می‌باشند.

موضوع خاص: انتقاد متنی

این موضوع خاص جهت توضیح یادداشتهای متنی است که در این تفسیر یافت می‌شوند. رئوس مطالب زیر مورد بهره برداری قرار خواهند گرفت:

۱. منابع انگلیسی انجیل

a. عهد قدیم

b. عهد جدید

۲. توضیح مختصر مسائل و نظریات "نقد کوتاه" یا "انتقاد متنی"

۳. منابع پیشنهادی برای مطالعه بیشتر

۱. منابع متنی انجیل انگلیسی ما

a. عهد قدیم

i. منبع مازراتی (Masoretic Text - MT) - متن عبری مختلط که توسط ربی آکویبا (Rabbi Aquiba) در سال ۱۰۰ پس از میلاد تنظیم شده است. اضافه کردن حروف صدا دار، تاکیدها، پی نویسه‌ها، علامتگذاریها و نشانه گذاریها در قرق ششم پس از میلاد شروع و در قرن نهم پس از میلاد خاتمه یافت. این کار توسط یک خانواده تحصیل کرده یهودی بنام مازراتی انجام شد. فرم متنی که مورد استفاده قرار گرفت مشابه همان فرمی است که در میشنا، تلمود، تارگومز، پشینتا و والگیت استفاده شد.

ii. سپتواگینت (Septuagint - LXX) - روایتی می‌گوید که سپتواگینت (ترجمه یونانی عهد عتیق) توسط هفتاد استاد یهودی در هفتاد روز برای کتابخانه اسکندریه تحت حمایت شاه پتولمی دوم (Ptolemy) (۲۸۵ الی ۲۴۶ قبل از میلاد) تهیه شد. این ترجمه ظاهراً به درخواست یک رهبر یهودی که در اسکندریه زندگی می‌کرد تهیه شده است. این روایت از "نامه‌های ارسطو" می‌آید. LXX عمدتاً بر اساس تفاوت‌های میان متن سنتی عبری از متن ربی آکویبا (MT) هستند.

iii. کتیبه دریای سیاه (Dead Sea Scrolls - DSS) - کتیبه دریای سیاه به زبان رومی در دوره ۲۰۰ تا ۷۰ بعد از میلاد توسط یک فرقه یهودی بنام "اسنس" (Essenes) نوشته شده بود. نسخه دستنویس عبری، در چندین نقطه در اطراف دریای سیاه یافت شد، که نگارشهای مختلف متن عبری MT و LXX در پی هم نشان می‌دهد.

iv. برخی مثالها که نشان می‌دهند چگونه مقایسه این متون به مترجمین کمک کرده است که عهد عتیق را بهتر درک کنند.

۱. LXX به مترجمین و اساتید کمک کرده است که تا MT را درک کنند

a. LXX اشعیا ۵۲: ۱۴، "چنانکه بسیاری از او در حیرت شدند"

b. MT اشعیا ۵۲: ۱۴ "بسیاری از تو به حیرت درآمدند"

c. در اشعیا ۵۲: ۱۵ تمایز ضمیر در LXX تأیید می‌شود.

i. LXX پس بسیاری از ملتها از او در حیرت خواهند شد

ii. MT پس او ملتهای زیادی را شگفت زده می‌کند

۲. DSS به مترجمین و اساتید کمک کرد که MT را درک کنند

a. DSS اشعیا ۲۱: ۸ "آنگاه دیدبان فریاد برآورد از بالای برج من ایستاده‌ام..."

b. MT اشعیا ۲۱: ۸ "و من فریاد زدم، شیر! خداوندا، من همیشه در روز در برج ایستاده و مراقب خواهم بود"

۳. هر دو DSS و MT به روشن شدن اشعیا ۵۳: ۱۱ کمک کرده‌اند

a. DSS و LXX "ثمره مشقت جان خویش را خواهد دید و سیر خواهد شد"

b. MT "او خواهد دید.... مصیبت روحش را، او اقناع خواهد شد"

b. عهد جدید

i. بیش از ۵۳۰۰ دستنویس از نسخه یونانی عهد جدید وجود دارند. حدود ۸۵ نسخه بر روی پاپیروس و ۳۶۸ نسخه دستنویس با حروف بزرگ نوشته شده‌اند. بعدها، در حدود قرن نهم میلادی، یک نسخه منحصر به فرد تنظیم شد. تعداد نسخ یونانی به صورت دستنویشته حدود ۲۷۰۰ نسخه می‌باشد. همچنین حدود ۲۱۰۰ کپی از فهرست کتاب مقدس برای دعا استفاده می‌شد که ما به آنها "صورت آیات" می‌گوئیم.

ii. حدود ۸۵ نسخه یونانی حاوی بخشهایی از عهد جدید بر روی پاپیروس هستند که در موزه نگهداری می‌شوند. قدمت برخی از آنها به قرن دوم میلادی باز می‌گردد، ولی بیشتر آنها مربوط به قرنهای سوم و چهارم میلادی هستند. هیچکدام از این MSSها متن کامل کتاب مقدس را شامل نمی‌شوند. صرفاً به دلیل اینکه اینها قدیمیترین کپی‌های عهد جدید هستند، بدین معنا نیست که

- انواع دیگری وجود نداشته باشد. از روی بسیاری از اینها برای استفاده داخلی کپی برداری شد. در طول این فرایند، به مراقبت از آنها توجهی نشد. بنابراین در میان آنها تنوع و تفاوت وجود دارند.
- iii. Codex Sinaiticus که با حرف «الف» (یا «الف» (۰۱) شناخته می‌شود، در صومعه سنت کاترین در کوه سینا توسط تیشندورف پیدا شد. قدمت آن به قرن چهارم میلادی باز می‌گردد. و حاوی هم LXX عهد عتیق و هم یونانی عهد عتیق است. این یکی از انواع "متون اسکندریه‌ای" است.
- iv. Codex Alexandrinus که با "A" هم شناخته می‌شود، دستنویس متعلق به قرن پنجم میلادی است که در اسکندریه مصر یافت شد.
- v. Codex Vaticanus که با "B" یا (۰۳) هم شناخته می‌شود، در کتابخانه واتیکان در رم یافت شد و قدمت آن مربوط به اواسط قرن چهارم بعد از میلاد است. حاوی هم LXX عهد عتیق و هم نسخه یونانی عهد جدید است. این متن از نوع "متن اسکندریه‌ای" است.
- vi. Codex Ephraemi، که با "C" یا (۰۴) هم شناخته می‌شود، یک نسخه دستنویس یونانی است که بخشی از آن نابود شده است.
- vii. Codex Bezae، که با "D" یا (۰۵) هم شناخته می‌شود، یک نسخه دستنویس یونانی مربوط به قرن پنجم یا ششم میلادی است. این نسخه اصلی است که نماینده چیزی است که امروز "انجیل غربی" خوانده می‌شود. حاوی اضافات بسیاری است و شاهد اصلی است برای ترجمه شاه جیمز.
- viii. NT MSS را می‌توان در سه یا شاید چهار گروه/خانواده تقسیم بندی کرد که در مشخصه‌های خاصی با هم وجه اشتراک دارند.

۱. متن اسکندریه‌ای از مصر

- a. P⁷⁵، P⁶⁶ (حدود سال ۲۰۰ میلادی)، که اناجیل را ثبت می‌کند
- b. P⁴⁶ (حدود سال ۲۲۵ میلادی)، که نامه‌های پطرس را ثبت می‌کند
- c. P⁷² (حدود سالهای ۲۲۵ تا ۲۵۰ میلادی)، که پطرس و یهوذا را ثبت می‌کند
- d. Codex B که به آن Vaticanus هم گفته می‌شود (حدود سال ۳۲۵ میلادی) که شامل متن کامل عهد عتیق و عهد جدید است
- e. نقل قول اورینگن از این نوع متن
- f. سایر MSSها که این نوع متن را نشان می‌دهند: «W, L, C, 33»

۲. متن غربی از آفریقای شمالی

- a. نقل قولهای پدران کلیسای آفریقای شمالی تروتولیان، سایپریان، و ترجمه قدیمی به لاتین
- b. نقل قولهایی از ایرانیوس (Irenaeus)
- c. نقل قولهایی از تالیان و ترجمه قدیمی سیریاک
- d. Codex D یا "Bezae" که به این نوع متن نوشته شده

۳. متن بیزانس شرقی از قسطنطنیه

- a. این نوع متن منعکس کننده بیش از ۸۰٪ از ۵۳۰۰ متن MSS است
- b. نقل قول شده از Antioch از پدران کلیسای سوریه، کاپادوسیانس (Cappadoceans)، کریسوستوم (Chrysostom) و تروودورت (Therodoret)
- c. Codex A فقط در انجیل
- d. Codex E (قرن هشتم) برای متن کامل عهد جدید

۴. نوع احتمالا چهارم سزازی از فلسطین

- a. عمدتاً فقط در انجیل مرقس دیده میشود
- b. برخی از اقرارها به آن در P⁴⁵ و W هستند

۲. مسائل و نظریات "نقد کوتاه" یا "نقد متنی"

a. تنوعات چگونه به وجود آمدند

- i. غیر عمدی یا تصادفی (طیف وسیعی از پیش آمدها)

۱. خطای چشمی در زمان کپی و دستنویسی که چشم دو کلمه مشابه را می‌بیند و یکی یا همه کلمات بین آنها را ناخودآگاه

حذف می کند (*homoioteleuton*)

- a. خطای چشم در حذف کلمات دو حرفی یا عبارات
- b. خطای ذهن در تکرار عبارت یا جمله یک متن یونانی
۲. خطای شنیداری در زمان دستنویسی و هنگامی که فرد متن را برای کپی کننده می خواند و در این حالت خطای نوشتاری صورت می گیرد. اغلب اغلاط املائی به دلیل تشابه صوتی کلمات یونانی صورت گرفته اند.
۳. نسخ اولیه متن یونانی فصل بندی و آیه بندی نشده بود، علامتگذاری بسیار کم و اغلب نداشتند و هیچ فاصله ای میان کلمات نبود. این احتمال وجود دارد که یک کلمه از جاهای مختلف جدا شود و بدین ترتیب کلمه دیگری شده و معنی دیگری بدهد
- ii. عمدی
۱. تغییراتی اعمال شدند تا ساختار دستور زبانی متن کپی شده بهبود یابد
۲. تغییراتی اعمال شدند تا متن با سایر متون انجیل همخوانی داشته باشد (هارمونی مترادفها)
۳. تغییراتی اعمال شدند تا با ادغام دو یا چند متن متفاوت یک متن مرکب طولانی به وجود آید (تالیف)
۴. تغییراتی اعمال شدند تا مشکلی که در مشاهده شده بود اصلاح گردد (مراجعه شود به اول قرن تیان ۱۱: ۲۷ و اول یوحنا ۵: ۷ و ۸)
۵. برخی اطلاعات توضیحی در مورد رخداد های تاریخی یا تفسیر مناسب متن به صورت پی نویسی توسط یک نگارنده اضافه شد و نگارنده بعدی آن را به داخل متن منتقل کرد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۵: ۴)
- b. فرضیه های اولیه نقد متنی (راهنماییهای منطقی برای تعیین اینکه کدام متن اصلی وقتی تنوع زیادی موجود است خوانده شود)
- i. عجیبترین و غیر معمولترین دستور زبان به کار رفته در متن احتمالاً اصل است
- ii. کوتاهترین متن احتمالاً اصل است
- iii. به متن قدیمتر بهای بیشتری داده می شود به دلیل نزدیکی تاریخی به اصل، بقیه برابر هستند
- iv. MSS ها که از نظر جغرافیایی پراکنده هستند، معمولاً خوانندگان اصل دارند
- v. متونی که از نظر دکتربندی ضعیف هستند، به خصوص آنها که در ارتباط با بحثهای اصلی الهیات در دوران تغییر دستنویسها بودند مانند تثلیث در اول یوحنا ۵: ۷ الی ۸ باید ترجیح داده شود.
- vi. متنی که به بهترین شکل بتواند سایر نسخه های متفاوت را توضیح دهد
- vii. دو نقل قول که می توانند به برقراری توازن میان سایر نسخه های متفاوت کمک کنند و آن را نشان دهند
۱. کتاب *Introduction to New Testament Textual Criticism* اثر J. Harold Greenlee "هیچ دکتربندی مسیحی نمی تواند نسبت به یک متن قابل بحث کوتاه بیاید، و دانشجوی عهد جدید باید آگاه باشد که متن او باید ارتدکسی تر یا از نظر دکتربندی باید قویتر از نسخه اصل که تحت الهام بوده، باشد" (صفحه ۶۸).
۲. W. A. Criswell به Greg Garrison از *The Birmingham News* گفته که او (کریسول) باور ندارد که تمامی کلمات انجیل تحت الهام باشد، "حد اقل نه تمامی کلماتی که طی قرنها توسط مترجمین به دنیای مدرن منتقل کرده اند". کریسول گفت:
- "من شدیداً به نقد متن اعتقاد دارم. بدین ترتیب، فکر می کنم، نیمه آخر فصل شانزدهم انجیل مرقس ارتداد است. تحت الهام نیست، صرفاً ساختگی است... وقتی آن دستنویسهای بسیار قدیمی را مقایسه می کنیم، چنین جمع بندی که در کتاب مرقس آمده وجود ندارد. کسی آن را اضافه کرده است...."
- بزرگان SBC همچنین ادعا کردند که اضافاتی هم در انجیل یوحنا ۵، در قسمتی که عیسی در کنار حوض بیت الحم است صورت گرفته است. و در مورد دو شیوه مختلف قتل یهودا صحبت می کند (مراجعه شود به انجیل متی ۲۷ و اعمال رسولان (۱). کریسول می گوید: "این صرفاً یک نگرش متفاوت نسبت قتل است." "اگر در انجیل قرار دارد، توضیحی برای آن وجود دارد. و دو شرح از قتل یهودا در انجیل وجود دارد." کریسول اضافه می کند "نقد متنی به نوبه خود، علم حیرت انگیزی است. زودگذر نیست، بی ربط نیست، پویا و مرکز...."
۳. مشکلات دستنویس (نقد متن). منابع پیشنهادی برای مطالعه بیشتر
- a. *Biblical Criticism: Historical, Literary and Textual* اثر آر. اچ. هریسون
- b. *The Text of the New Testament: Its Transmission, Corruption and Restoration* اثر بروس ام مترگر
- c. *Introduction to New Testament Textual Criticism* اثر جی. اچ. گرینلی

واژه نامه

Adoptionism/پذیرش/فرزندخواندگی. این یکی از نخستین دیدگاه‌ها نسبت به رابطه عیسی با خدا بود. اساسا این دیدگاه می‌گفت که عیسی از هر جنبه یک انسان معمولی بود و به مفهومی خاص، در زمان تعمید فرزند خدا شد (مراجعه شود به انجیل متی ۳: ۱۷، انجیل مرقس ۱: ۱۱) و یا در زمان قیامش از مردگان (مراجعه شود به رومیان ۴: ۱). عیسی آنچنان زندگی نمونه‌ای داشت که خدا در مقطعی، (تعمید، قیام)، او را به عنوان "پسر" خود قبول کرد (مراجعه شود به رومیان ۴: ۱، فیلیپیان ۲: ۹). این دیدگاه کلیسای اولیه و کلیسای قرن هشتم بود. بجای اینکه خدا تبدیل به انسان شود، عمل عکس صورت گرفته و انسان تبدیل به خدا می‌شود!

سخت است بیان اینکه چگونه عیسی، خدای پسر، با وجود از پیش وجود داشتن الهی، به خاطر زندگی نمونه‌اش پاداش می‌گیرد. اگر او خدا بوده و از قبل وجود داشته، چگونه می‌تواند پاداش بگیرد؟ اگر او شکوه و جلال از قبل وجود داشتن را داشته، چگونه می‌تواند بیشتر مورد تقدیر قرار بگیرد؟ هر چند درک و هضم این برای ما مشکل است، ولی به نوعی پدر به شیوه‌ای خاص به دلیل تحقق بخشیدن کامل به اراده‌اش او را مورد تقدیر قرار می‌دهد.

Alexandrian School/مکتب اسکندرون. این شیوه ترجمه و تفسیر انجیل در اسکندریه، مصر در قرن دوم میلادی توسعه یافت. این مکتب از اصول ترجمه و تفسیر فیولا، که از پیروان افلاطون بود استفاده می‌کند. به این شیوه اکثرا روش مجازی گفته می‌شود. این روش تا دوران اصلاحات در کلیسا رواج داشت. اورینگن و آگوستین از طرفداران این مکتب و شیوه بودند. جهت اطلاعات بیشتر به *Moises Silva, Has The Church Misread The Bible? (Academic, 1987)* مراجعه کنید.

Alexandrinus/الکساندرینوس. این نسخه دستنویس یونانی قرن پنجم از اسکندریه، مصر شامل عهد عتیق، آپوکریفا، و بیشتر عهد جدید بوده و یکی از شواهد اصلی برای کل نسخه یونانی عهد جدید است (به استثنای انجیل متی، یوحنا و دوم قرنتیان). این دستنویس، رتبه A دریافت کرده، و دستنویس اطلاق شده به آن رتبه B (*Vaticanus*) در خواندن مطابقت دارد، و از جانب اکثر اساتید در بیشتر بخشها اصل تلقی می‌شود.

Allegory/قیاس. این نوعی تفسیر انجیلی است که در ابتدا توسط یهودیسم اسکندریه توسعه یافت. این روش توسط فیولا از اسکندریه محبوبیت یافت. قدرت پایه آن در میل به ساختن کتاب مقدس در رابطه با فرهنگ فرد یا سیستم فلسفی با نادیده انگاشتن ترتیبات تاریخی و یا مفهوم واقعی متن است. این روش در جستجوی مفاهیم پنهان یا معنوی در فراسوی هر متن کتاب مقدس است. باید اذعان داشت که عیسی، در انجیل متی ۱۳، و پولس در غلاطیان ۴، از تمثیل برای بیان حقیقت استفاده کرده‌اند. با این وجود، روش قیاس در قالب نوع‌شناسی است نه فقط تمثیل.

Analytical Lexicon/تحلیل واژگانی. این یک شیوه ابزار تحلیل است که اجازه می‌دهد فرد هر حالت کلمه یونانی را در عهد جدید شناسایی کند. در ترتیب الفبای یونانی، تلفیقی است از حالت و مفهوم پایه کلمه. با ترکیب ترجمه سطر، اجازه می‌دهد مومنینی که متن یونانی را نمی‌خوانند بتوانند اصطلاحات دستور زبانی یونانی و صرف و نحو آنها را تحلیل کنند.

Analogy of Scripture/تشابه در کتاب مقدس. این عبارتی است که برای توصیف دیدگاهی که تمام انجیل تحت الهام خدا است و بنابراین متناقض نبوده بلکه مکمل یکدیگر هستند، به کار می‌رود. این تصریح پیش فرض پایه‌ای است برای استفاده متون همسو در تفسیر متون انجیلی.

Ambiguity/ابهام. این اشاره به عدم قطعیت در نتایج حاصله در متن دارد، زمانی که دو یا چند مفهوم وجود دارند و یا وقتی که همزمان دو معنی یا مفهوم خاص به یک موضوع اشاره کند. احتمال دارد که یوحنا از روی عمد از ابهام استفاده کرده باشد (دو مفهومی).

Anthropomorphic/انسان شناسی. به معنی "داشتن مشخصه‌هایی که به انسان‌ها اطلاق می‌شود" است، از این اصطلاح برای توصیف زبان مذهبی ما درباره خدا استفاده می‌شود. این عبارت از اصطلاح یونانی که برای نوع بشر استفاده می‌شود آمده است. به این معنی است که ما به شیوه‌ای درباره خدا صحبت می‌کنیم که گویی انسان است. خدا در قالب اصطلاحات فیزیکی، اجتماعی و فیزیولوژیکی توصیف می‌شود که مربوط به انسانها است (مراجعه شود به پیدایش ۳: ۸، اول پادشاهان ۲۲: ۱۹ الی ۲۳). البته این فقط قیاس است. هیچ طبقه‌بندی یا اصطلاحی غیر از اصطلاحات انسانی وجود ندارند که بتوان از آنها استفاده کرد. بنابراین، دانش ما در مورد خدا، هر چند درست است، ولی محدود می‌باشد.

Antiochian School/مکتب آنتیوخیا. این روش تفسیر انجیل در آنتیوخ سوریه در قرن سوم میلادی به عنوان واکنشی در برابر روش قیاس اسکندریه مصر بسط یافت. فشار اولیه آن بر روی تمرکز بر معانی تاریخی انجیل است. این روش انجیل را به صورت متن معمولی و انسانی ترجمه و تفسیر می‌کند. این مکتب وارد جدل بر سر این شد که آیا عیسی دارای دو ماهیت است (*Nestorianism*) یا یک ماهیت (تماما الهی و تماما انسانی). توسط کلیسای کاتولیک رم این به مکتب برچسب تاریخی زده شد و به پاس منتقل شد و اهمیت چندانی ندارد. اصول پایه‌ای تفسیر این مکتب بعدها تبدیل به اصول تفسیر اصطلاح طلبان کلاسیک پروتستان شد (اوتر و کالوین).

Antithetical/ضد و نقیض. این یکی از سه اصطلاحی است که در مورد رابطه میان ابیات اشعار عبری استفاده می‌شود. در رابطه با ابیات شعر است که معنی تضاد دارند (مراجعه شود به امثال ۱۰: ۱، ۱۵: ۱)

Apocalyptic literature/ادبیات آخر زمانی. این یک بحث غالب و حتی احتمالا منحصر به فرد در موضوعات یهودی است. این یک شیوه نگارش رمزی بود که در دوران تهاجم و اشغال یهودیان توسط قدرتهای جهانی استفاده می‌شد. تصور می‌کند که خدایان را ایجاد کرده و کنترل می‌کند، و اینکه اسرائیل یکی از علائق خاص او است. این ادبیات وعده پیروزی نهایی از طریق تلاش خاص خدا را می‌دهد. این ادبیات شدیداً نمادین و تخیلی است و اصطلاحات رمزی زیادی دارد. اغلب حقیقت را در قالب رنگها، اعداد، نگرش، روایا، فرشتگان واسطه، کلمات رمزی و دوگانگی شدید میان خوب و بد نمایش می‌دهد.

برخی از مثالهای این موضوع (۱) در عهد عتیق، حزقیال (فصلهای ۳۶ الی ۴۸)، دانیال (فصلهای ۷ الی ۱۲)، زکریا، و (۲) در عهد جدید، انجیل متی ۲۴، انجیل مرقس ۱۳، دوم تسالونیکیان و مکاشفه دیده می‌شوند.

Apologist (Apologetics)/دفاعی. این اصطلاح از ریشه یونانی برای "دفاع قانونی" است. مبحث خاصی در الهیات وجود دارد که در جستجوی شواهد و مباحثات مربوطه برای ایمان مسیحی است.

A priori/استقرا. این اصطلاح مترادف با "پیش فرض" است. شامل دلیل آوردن برای مفاهیم، اصول یا موقعیتهایی است که پیش‌تر صحت آنها پذیرفته شده است. حالتی است که بدون آزمایش یا تحلیل پذیرفته شده است.

Arianism/آریانیسم. آریوس شبان کلیسا در اسکندریه مصر در قرن سوم و اوایل قرن چهارم بود. او تصریح کرده بود که عیسی از پیش وجود داشت ولی الهی نبود (نه در مفهوم پدر)، احتمالاً از امثال ۸: ۲۲ الی ۳۱ ایده گرفته بود. او توسط اسقف کلسیای اسکندریه به چالش کشیده شد که از سال ۳۱۸ میلادی جدلی آغاز شد و سالهای زیادی ادامه یافت. آریانیسم تبدیل به فرقه‌ای در کلیسای شرق شد. شورای نیکا در سال ۳۲۵ میلادی آریوس را محکوم کرد و یکسان بودن الهی و انسانی بودن پسر را تصریح کرد.

Aristotle/ارسطو. او یکی از فلاسفه یونان باستان و شاگرد افلاطون و معلم اسکندر کبیر بود. نفوذ او، حتی امروز، بر زمینه‌های گسترده‌ای از مطالعات مدرن حاکم است. این امر به دلیل آن است که او بر دانش بر پایه مشاهده و طبقه‌بندی تأکید داشت. این یکی از گرایش‌ها و روشهای علمی است.

Autographs/دستخط/دست‌نوشته. این نامی است که به نسخه اولیه نوشته‌های انجیل داده شده است. این نسخ اصل و دست‌نویس همگی از بین رفته‌اند. فقط نسخه‌ای از کپی آنها موجود است. این منشا بسیاری از متون متنوع دست‌نویس عبری و یونانی باستانی است.

Beza/بزا. این نسخه دست‌نویس یونانی و لاتین قرن ششم میلادی است. به این نسخه رتبه D داده شده است. حاوی اناجیل، اعمال رسولان و برخی نامه‌های عمومی است. از مشخصه‌های آن اضافات حاشیه‌ای دست‌نویس بسیار زیاد است. این نسخه مبنای *Textus Receptus*، نسخه دست‌نویس قدیمی یونانی است که در ورای نسخه شاه جیمز قرار دارد.

Bias/تعصب. از این اصطلاح برای توصیف آمادگی و گرایش شدید نسبت به یک موضوع یا دیدگاه استفاده می‌شود. ذهنیتی است که توسط آن بی‌طرفی نسبت به یک موضوع یا دیدگاه غیر ممکن است. این یک موضع‌گیری متعصبانه است.

Biblical Authority/اقتدار کتاب مقدس. این اصطلاح در یک مفهوم خیلی خاص استفاده می‌شود. این اصطلاح به شکل درک آنچه نویسنده اصلی در روزگار خودش گفته و اعمال این حقیقت در روزگار امروز تعریف می‌شود. اقتدار کتاب مقدس یا اقتدار انجیلی معمولاً به صورت نگرش به خود انجیل به عنوان تنها راهنمای مجاز ما تعریف می‌شود. با این وجود، در نور تفاسیر و ترجمه‌های نامناسب جاری، من این مفهوم را به انجیل به آن طور که توسط اعتقادات مذهبی و شیوه‌های دستور زبان قدیم تفسیر می‌شود، محدود کرده‌ام.

Canon/مجموعه کتب. این اصطلاح برای توصیف نوشته‌هایی که باور بر این است به صورت انحصاری تحت وحی نوشته شده‌اند، استفاده می‌شود. این اصطلاح در مورد هم عهد عتیق و هم عهد جدید استفاده می‌شود.

Christocentric/کریستوسنتریک. این اصطلاح برای توصیف مرکزیت و محوریت مسیح استفاده می‌شود. من از این اصطلاح در رابطه با مفهوم "عیسی سرور کل انجیل است"، استفاده می‌کنم. عهد عتیق به او اشاره می‌کند و او تحقق و هدفش است (مراجعه شود به متی ۵: ۱۷ الی ۴۸).

Commentary/تفسیر. این یک نوع کتاب تخصصی در زمینه تحقیق است. یک زمینه کلی در مورد کتب انجیل ارائه می‌دهد. سپس تلاش می‌کند معانی هر بخش کتاب را توضیح دهد. برخی بر کاربرد تمرکز می‌کنند، در حالی که دیگران در ارتباط با متن به شیوه تخصصی‌تر هستند. این کتب مفید هستند، ولی فرد باید پس از اینکه خودش مطالعات اولیه‌ای را انجام داد، آنها را مطالعه کند. بدون انتقاد نباید تفسیر مفسرین را بی‌قید و شرط پذیرفت. معمولاً مطالعه و مقایسه چندین مفسر از چند دیدگاه مختلف مفید و کمک کننده است.

Concordance/تطابق. این یک نوع ابزار تحقیقاتی برای مطالعه انجیل است. تکرار هر کلمه را در عهد عتیق و عهد جدید فهرست می‌کند. به چندین شیوه کمک می‌کند: (۱) مشخص ساختن کلمه عبری یا یونانی که در پس هر کلمه انگلیسی خاص قرار دارد، (۲) مقایسه عبارتهایی که یک اصطلاح مشابه یونانی یا عبری استفاده شده است، (۳) نشان دادن جاهایی که دو کلمه عبری یا یونانی خاص به یک کلمه انگلیسی خاص ترجمه شده‌اند، مشخص کردن

تناوب استفاده از کلماتی خاص در کتبی خاص یا نوشته‌های نویسنده‌ای خاص، (۵) کمک کردن در یافتن عبارت خاص در انجیل (مراجعه شود به Walter Clark's *How to Use New Testament Greek Study Aids*، صفحه ۵۴ الی ۵۵).

Dead Sea Scrolls/کتیبه بحر المیت. این اشاره به مجموعه متون باستانی نوشته شده به زبانهای عبری و آرامی دارد که در سال ۱۹۴۷ در نزدیکی بحر المیت پیدا شدند. آنها کتابخانه‌ای از یک فرقه یهودی قرن اول هستند. فشار رومیان اشغالگر و جنگهای متعصبانه دهه ۶۰ باعث شد کتیبه‌ها را در کوزه‌های در بسته داخل غارها و سوراخها پنهان کنند. آنها به ما کمک کرده‌اند تا شرایط تاریخی فلسطین قرن اول را درک کنیم و تأیید می‌کنند که متون مازراتی، حداقل تا اواخر دوران قبل از میلاد کاملاً دقیق هستند. این متون با اختصار DSS مشخص می‌گردند.

Deductive/استقرایی/قیاسی. این روش منطقی یا استدلال از طریق اصول، از اصول کلی به کاربردهای خاص منتقل می‌شود. این استدلال مخالف استدلال استنتاجی است که روش علمی را با حرکت از جزئیات مشاهده شده به نتیجه کلی (نظریه‌ها) بازتاب می‌دهد.

Dialectical/مناظره‌ای. این روش استدلال است که به موجب آن، آنچه که متناقض یا متضاد به نظر می‌رسد در یک تنش با هم حضور دارند، به دنبال پاسخی یکپارچه است که شامل هر دو جنبه متضاد است. بسیاری از آموزه‌های کتاب مقدس دارای جفت دیالکتیکی هستند، اراده آزاد است. امنیت-استقامت؛ ایمان-کارها؛ تصمیم‌گیری-شاگردی؛ آزادی مسیحی-مسئولیت مسیحی.

Diaspora/دیاسپورا. این اصطلاح یونانی است که یهودیان فلسطینی برای توصیف یهودیان دیگر که در خارج از مرزهای جغرافیایی سرزمین موعود زندگی می‌کنند، استفاده می‌نمایند.

Dynamic equivalent/معادل پویا. این یک نظریه ترجمه کتاب مقدس است. ترجمه کتاب مقدس را می‌توان به عنوان یک متن پیوسته از مکاتبات "کلمه به کلمه" مشاهده کرد، که در هر عبارت، به ازای هر کلمه عبری یا یونانی باید یک کلمه انگلیسی ارائه شود، و در آن تنها اندیشه و تفکر ترجمه می‌شود کمتر به اصطلاحات اولیه یا عبارت توجه می‌شود. در میان این دو نظریه، "معادل پویا" است که تلاش می‌کند متن اصلی را به طور جدی در نظر بگیرد، اما آن را در قالب‌های اصطلاحی و اصطلاحات مدرن ترجمه می‌کند. بحث جالبی را در مورد نظرات مختلف برای ترجمه می‌توانید در *Fee and Stuart's How to Read the Bible For All Its Worth*, p. 35 and in Robert Bratcher's Introduction to the TEV مطالعه کنید.

Eclectic/منتخب. این اصطلاح در ارتباط با انتقاد متنی استفاده می‌شود. این اصطلاح اشاره به انتخاب یک متن از نسخ دستنویس مختلف یونانی است تا بتوان به متنی دست یافت که به بیان نگارنده اصلی نزدیک باشد. این اصطلاح دیدگاهی را که معتقد به اصل بودن هر یک از نسخ یونانی است، مردود می‌داند.

Eisegesis/تفسیر به رای. این مخالف تفسیر است. اگر تفسیر استخراج قصد نویسنده اصلی باشد، این اصطلاح به معنای "وارد کردن" یک ایده یا عقیده خارجی است.

Etymology/ریشه یابی. این یک جنبه از مطالعه کلمه است که تلاش می‌کند تا معنی اصلی کلمه را تعیین کند. از این ریشه به معنی، کاربردهای تخصصی به راحتی شناسایی می‌شوند. در تفسیر، ریشه شناسی تمرکز اصلی نیست، بلکه معنای معاصر و استفاده از یک کلمه است.

Exegesis/تفسیر. این اصطلاح فنی برای تفسیر یک متن خاص است. به معنی "استخراج کردن" (از متن) بوده و حاکی از این است که هدف ما درک هدف نویسنده اصلی به سبب شرایط تاریخی، زمینه ادبی، نحو و معنای معاصر است.

Genre/نوع. این یک اصطلاح فرانسوی است که انواع متفاوتی از ادبیات را نشان می‌دهد. محور اصطلاح عبارت است از تقسیم اشکال ادبی به دسته‌هایی است که ویژگیهای مشترک دارند: روایت تاریخی، شعر، ضرب المثلی، آخزمانی و قانون.

Gnosticism/عرفان. بیشتر دانش ما در مورد این ملکوت از نوشته‌های عرفانی قرن دوم می‌آید. با این حال، ایده‌های ابتدایی در قرن اول (و قبل از آن) وجود داشت.

برخی از اصول ادعای والنتاین و عرفان سرینتین قرن دوم عبارتند از: (۱) ماده و روح همسو باقی مانده‌اند (دوگانگی هستی شناختی). کالبد بد است، روح خوب است. خداوند، که روح است، نمی‌تواند مستقیماً با قالب‌زیری کالبد شریک کاری داشته باشد؛ (۲) خلقت (اثون یا فرشتگان) بین خدا و ماده وجود دارد. آخرین و یا کمترین آن یهوه در عهد عتیق بود که جهان را تشکیل داد. (۳) عیسی مانند یهوه بود اما در مقیاس بالاتر، نزدیک به خدا واقعی است. بعضی او را به عنوان بالاترین می‌دانند، اما هنوز هم کمتر از خداوند است (انجیل یوحنا ۱: ۱۴). از آنجا که ماده بد است، عیسی نمی‌تواند بدن انسان داشته باشد و در عین حال الهی هم باشد. او شبیح معنوی بود (مراجعه شود به اول یوحنا ۱: ۱، ۳، ۴؛ و (۴) رستگاری از طریق ایمان به عیسی به همراه دانش ویژه به دست می‌آید، که تنها توسط افراد خاص شناخته می‌شود. دانش (رمزها) برای گذر از حوزه‌های آسمانی مورد نیاز بود. قانونگرایی یهودی برای رسیدن به خدا لازم بود.

معلمان دروغین عرفانی از دو نظام مخالف اخلاقی حمایت می‌کردند: (۱) برای برخی، سبک زندگی به هیچ وجه به نجات منجر نمی‌شود. برای آنها، رستگاری و معنویت به دانش مخفی (کلمه عبور) از طریق فرشتگان محصور شدند. یا (۲) برای دیگران، شیوه زندگی برای نجات بسیار مهم بود. آنها تاکید کردند که شیوه زندگی زاهدانه در حکم سند معنویت واقعی است.

Hermeneutics/علم تفسیر. این یک اصطلاح فنی برای اصولی است که راهنمای تفسیر را ارائه می‌دهد. این هم مجموعه‌ای است از دستورات عملی‌های خاص و هنر/هدیه. علم تفسیر کتاب مقدس معمولاً به دو دسته تقسیم می‌شود: اصول کلی و اصول خاص. این مربوط به انواع مختلف ادبیات موجود در کتاب مقدس است. هر نوع مختلف (ژانر) دارای رهنمودهای منحصر به فرد خود می‌باشد، ولی همچنین برخی از مفروضات و روشهای تفسیر مشترک را نیز به اشتراک می‌گذارد.

Higher Criticism/انتقاد بالا. این روش تفسیر کتاب مقدس است که بر شرایط تاریخی و ساختار ادبی یک کتاب مقدس خاص متمرکز است.

Idiom/اصطلاح. این کلمه برای عباراتی که در فرهنگهای مختلف یافت می‌شوند، استفاده می‌گردد که مفهوم خاصی دارند و معنی لغوی بر آن حاکم نیست. برخی از نمونه‌های مدرن از این اصطلاحات عبارتند از: "که خیلی معرکه بود" یا "منو میکشی". کتاب مقدس همچنین شامل این نوع عبارات است.

Illumination/نورانی/چراغانی. این نام به مفهومی است که خدا با انسان صحبت کرده است. مفهوم کامل معمولاً با سه اصطلاح بیان می‌شود: (۱) وحی - خدا در تاریخ بشری کار کرده است؛ (۲) الهام بخش - او تفسیر مناسب از اعمال او و معنای آن دادن وحی و الهام به برخی از افراد منتخب است تا کلام خدا را برای انسان ثبت کنند؛ و (۳) روشنایی - او روح خود را برای کمک به بشر گمراه فرستاد تا به انسانها کمک کند و او را بشناسند.

Inductive/استنتاجی/القایی. این یک روش منطقی برای استدلال است که از جزء به کل می‌رسد. این روش تجربی علم مدرن بوده و اساساً رویکرد ارسطویی است.

Interlinear/خطی/سطری. یک نوع ابزار پژوهشی است که اجازه می‌دهد کسانی که یک زبان کتاب مقدس (یونانی/آرامی/عبری) را مطالعه نمی‌کنند، بتوانند معنی و ساختار آن را تجزیه و تحلیل کنند. این روش ترجمه انگلیسی کلمه به کلمه در زیر کلمات زبان اصلی کتاب مقدس قرار می‌دهد. این ابزار، همراه با "تحلیل لغوی"، به تعاریف اساسی عبری و یونانی شکل می‌داد.

Inspiration/وحی/الهام. این مفهومی است که خداوند با هدایت نویسندگان کتاب مقدس به بشریت سخن گفته است و به وضوح وحی او را ثبت کرده‌اند. مفهوم کامل معمولاً با سه اصطلاح بیان می‌شود: (۱) مکاشفه - خدا در تاریخ بشر کار کرده است؛ (۲) وحی - او تفسیر مناسب از اعمالش و معنای آن را به برخی از مردان منتخب جهت برای انسان داده است؛ و (۳) روشنایی - او روح خود را برای کمک به بشر در درک و افشای خود داده است.

Language of description/زبان توصیف. این در رابطه با اصطلاحاتی است که در عهد عتیق نوشته شده است. از دنیای ما در رابطه با مواردی صحبت می‌کند که در حواس پنجگانه ظاهر می‌شوند و یک توصیف علمی نیست.

Legalism/قانون پرستی. این نگرش با تاکید بیش از حد بر قوانین یا آیین‌ها مشخص می‌گردد. تمایل به این دارد که به عملکرد انسان بر مقررات به عنوان ابزار پذیرش خداوند تکیه کند. این نگرش تمایل بر این دارد که روابط را از بین ببرد و عملکرد را افزایش دهد، که هر دو جنبه مهمی از روابط میان خدای مقدس و انسان گناهکار است.

Literal/تحت اللفظی/مفهومی. این نام دیگری برای روش تمرکز بر متن و روش تاریخی علم تفسیر انجیل از آنتیخوس است. به این معناست که تفسیر معنای عادی و آشکار زبان بشری را در بر می‌گیرد، البته هنوز زبان مجازی را به رسمیت می‌شناسد.

Literary genre/سبک ادبی. این به اشکال متمایزی که انسانها می‌تواند ارتباط برقرار کنند، مانند شعر یا روایت تاریخی، اشاره می‌کند. هر نوع ادبیات علاوه بر اصول کلی نوشته شده، دارای رویکرد خاص در علم تفسیر است.

Literary unit/واحد ادبی. این مفهوم به تقسیمات فکری مهم در کتاب مقدس اشاره دارد. این مفهوم را می‌توان از تشکیل چند آیه، پاراگراف یا فصل شکل داد.

Lower Criticism/انتقاد سطح پایین. موضوع خاص: انتقاد متنی را مطالعه کنید.

Manuscript/دستخط. این اصطلاح مربوط به نسخه‌های مختلف عهد جدید یونانی است. معمولاً آنها را به انواع مختلف تقسیم می‌کنند (۱) مواد که بر روی آن نوشته شده‌اند (پاپیروس، چرم)، یا (۲) شکل خود نوشتن (همه با حروف بزرگ و یا دستخط). این عبارت "MS" (منحصر به فرد) یا "MSS" (جمع) است.

Masoretic Text/متن مازروتنی. به نسخ خطی عبری از عهد عتیق قرن نوزدهم اشاره دارد که طی چندین نسل توسط اساتید یهودی تهیه شده و حاوی حروف صدادار و دیگر نکات متنی هستند. این متن اصلی برای عهد عتیق انگلیسی ما است. متن آن به طور تاریخی توسط MSS عبری تایید شده، به ویژه اشعیا، از کتیبه دریای مرده. این اختصار این اصطلاح "MT" است.

Metonymy/کنایه. شکلی از بیان است که در آن از نام یک چیز برای نشان دادن چیز دیگری مرتبط با آن استفاده می‌شود. به عنوان مثال، "کتری جوش" در واقع "آب در داخل کتری جوش است."

Muratorian Fragments/قطعه موراتورین. فهرستی از کتابهای عهد جدید است که قبل از سال ۲۰۰ میلادی در رم نوشته شده بود. این همان بیست و هفت کتاب را به عنوان عهد جدید پروتستان معرفی کرده به وضوح نشان می‌دهد کلیساهای محلی در نقاط مختلف امپراتوری روم "عملاً" کانون را قبل از شورای بزرگ کلیسای قرن چهارم تشکیل داده بودند.

Natural revelation/مکاشفه طبیعی. این یک طبقه‌بندی از افشای خدا به انسان است. این شامل نظم طبیعی (رومیان ۱: ۱۹ الی ۲۰) و آگاهی اخلاقی (رومیان ۲: ۱۴ الی ۱۵) است. از آن در مزامیر ۱۹: ۱ الی ۶ و رومیان ۱ الی ۲ توضیح داده شده است. این مشخصه از وحی ویژه است که خود افشاء خاص خدا در کتاب مقدس است و در عیسی ناصری متعالی است.

بر این طبقه‌بندی الهیاتی با جنبش "زمین قدیم" در میان دانشمندان مسیحی مجدداً تأکید شده (به عنوان مثال نوشته‌های Hugh Ross). آنها از این طبقه‌بندی استفاده می‌کنند تا ادعا کنند که همه حقیقت، حقیقت خدا است. طبیعت درها را برای دانش در مورد خدا باز نموده و آن را از وحی ویژه (کتاب مقدس) متمایز می‌کند. به علوم مدرن اجازه می‌دهد با آزادی نظم طبیعی را بررسی کند. به نظر من این یک فرصت فوق العاده جدید است تا به جهان مدرن علمی غربی شهادت داده شود.

Nestorianism/نستوریسم. نستوریوس پدرسالار قسطنطنیه در قرن پنجم بود. او در آنتیوخ سوریه آموزش دیده و تأیید کرد که عیسی دارای دو طبیعت بود، یکی کاملاً انسان و یک فرد کاملاً الهی. این دیدگاه از دیدگاه طبقاتی اسکندریه از دیدگاه ارتدوکس منحرف شد. نگرانی اصلی Nestorius عنوان "مادر خدا" است که به مریم داده شده است. نستوریوس با سیریل اسکندریه مخالف بود و به طور ضمنی آموزش خود را در اسکندریه برگزار کرد. آنتیوخ ستاد رویکرد تاریخی-دستوری-متنی به تفسیر کتاب مقدس بود، در حالی که اسکندریه مقرر چهارم (تفسیری) مدرسه تفسیر بود. نستوریو در نهایت از مقام خود خلع و تبعید شد.

Original Author/نویسنده اصلی. این عبارت به نویسندگان اصلی کتب مقدس اشاره دارد.

Papyrus/پاپیروس. این یکی از موادی است که از مصر بوده و بر روی آن می‌نوشتند. این ماده از نی کنار رودخانه‌ها ساخته می‌شد. این ماده‌ای است که قدیمی‌ترین نسخه‌های عهد جدید یونانی بر روی آن نوشته شده است.

Parallel passages/عبارتهای همسو. این قبیل عبارات بخشی از مفهومی هستند که تمام کتاب مقدس از جانب خدا داده شده و بنابراین، به نوبه خود بهترین مترجم از حقایق دوگانه است. این نیز هنگامی که یک نفر تلاش می‌کند بخشی که نامشخص یا مبهم است را بتواند تفسیر کند. همچنین به شما کمک می‌کند تا واضحترین بخش در مورد یک موضوع مشخص شده را درک و همچنین تمام جنبه‌های معنوی یک موضوع مشخص را بیابید.

Paraphrase/ترجمه/تفسیر/ترجمه آزاد. این نام یک نظریه در مورد ترجمه کتاب مقدس است. ترجمه کتاب مقدس را می‌توان به عنوان یک متن دنباله‌دار "کلمه به کلمه" از مکاتبات مشاهده کرد، جایی که باید به ازای هر واژه عبری یا یونانی یک کلمه انگلیسی، بدون توجه به اصطلاح اولیه یا اصطلاح ترجمه شده قرار گیرد. در میان این دو نظریه، "معادل پویا" است که تلاش می‌کند متن اصلی را جدی بگیرد، اما آن را با اصطلاحات مدرن دستور زبانی ترجمه می‌کند. بحث بسیار خوبی در مورد نظریه‌های مختلف ترجمه را می‌توانید در *Fee and Stuart's How to Read the Bible For All Its Worth* صفحه ۳۵ مطالعه کنید.

Paragraph/پاراگراف. این واحد ادبی تفسیر اصلی متن است. شامل یک موضوع اصلی و گسترش آن است. اگر ما مفهوم و قصد نویسنده را حفظ کنیم، چیزی از نیت اصلی نویسنده را، از دست نخواهیم داد.

Parochialism/پاروشالیسم. این مربوط به تعصباتی است که در یک محیط محلی فرهنگی بسته هستند. ماهیت فرامنطقه‌ای آن، حقیقت کتاب مقدس یا کاربرد آن را به رسمیت نمی‌شناسد.

Paradox/دوگانگی. به حقایقی اشاره دارد که به نظر می‌رسد متناقض هستند، هر چند در تنش با یکدیگرند، ولی هر دو درست می‌باشند. آنها حقیقت را با بیان اینکه اگر از طرف مقابل هستند، شکل می‌دهند. حقیقت کتاب مقدس در جاهای پارادوکسی (یا دیالکتیکی) ارائه شده است. حقایق کتاب مقدس همانند ستارگانی منفک هستند، اما یک کهکشان از ستارگان، از مجموعه ستارگان منفک تشکیل می‌شود.

Plato/افلاطون. او یکی از فیلسوفان یونان باستان بود. فلسفه او از طریق محققان اسکندریه، مصر و بعداً، آگوستین بر کلیسای اولیه تأثیر گذاشت. او بر این عقیده بود که همه چیز روی زمین، توهم است و فقط یک نسخه از یک نمونه اولیه معنوی است. به علاوه نظریه‌پردازان بعدها "شکلها/ایده‌های" افلاطون را با قلمرو روحانی برابر می‌کردند.

Presupposition/پیش فرض. این به درک پیشین ما از یک موضوع اشاره دارد. اغلب ما عقاید یا قضاوت‌های مربوط به مسائل را قبل از اینکه به کتاب مقدس مراجعه کنیم، تشکیل می‌دهیم. این حالت نیز به عنوان یک تعصب، یک موقعیت پیشین، یک فرض یا یک مقدمه شناخته شده است.

Proof-texting/اثبات متن. این تمرین تفسیر کتاب مقدس با نقل قول از یک آیه بدون در نظر گرفتن زمینه آن و یا زمینه بزرگتر در واحد ادبی آن است. ارتباط آیات را از نیت نویسنده اصلی حذف می‌کند و معمولاً در تلاش است تا یک نظر شخصی را در هنگام تایید اقتدار کتاب مقدس بیان کند.

Rabbinical Judaism/یهودیت روحانی. این مرحله از زندگی یهودیان در تبعید بابلی آغاز شد (۵۳۸-۵۸۶ قبل از میلاد). همانطور که نفوذ کشیشان و معبد از بین رفت، کنیسه‌های محلی بر زندگی یهودی تمرکز کردند. این مراکز محلی فرهنگ یهودی، مذهبی، عبادت و مطالعه کتاب مقدس تبدیل به محور زندگی مذهبی ملی شده‌اند. در روزگار عیسی این "کاتبین مذهبی" با کشیشان همسو بود. پس از سقوط اورشلیم در سال ۷۰ میلادی، فرم کاتبین که تحت فرمانروایی فریسیان بود، بر زندگی مذهبی یهودیان کنترل و نظارت داشت. آن را با یک تفسیر عملی و قانونی از تورات می‌توان مشخص کرد که در سنت شفاهی (تالمود) توضیح داده شده است.

Revelation/افشا. این نام به مفهومی است که خدا با بشریت سخن گفته است. مفهوم کامل معمولاً با سه اصطلاح بیان می‌شود: (۱) مکاشفه - خدا در تاریخ بشر کار کرده است؛ (۲) وحی - او تفسیر مناسب از اعمالش و معنای آن را به برخی از مردان منتخب جهت برای انسان داده است؛ و (۳) روشنایی - او روح خود را برای کمک به بشر در درک و افشای خود داده است.

Semantic field/زمینه معنایی. این به کل محدوده معنایی مرتبط با یک کلمه اشاره دارد. این اساساً مفاهیم متفاوت یک کلمه در متون مختلف است. **Septuagint.** این نام به ترجمه یونانی عهد عتیق عبری داده شده است. سنت می‌گوید که در هفتاد روز توسط هفتاد محقق یهودی برای کتابخانه اسکندریه مصر نوشته شده است. تاریخ سنتی حدود ۲۵۰ قبل از میلاد (در حقیقت احتمالاً بیش از صد سال طول کشید). این ترجمه قابل توجه است زیرا (۱) به ما یک متن باستانی را با مقیاس الهام بخش مقدس می‌دهد؛ (۲) به ما وضعیت تفسیر یهودیان در قرن سوم و دوم قبل از میلاد را نشان می‌دهد؛ (۳) به ما مفهوم مسیح یهودی را قبل از رد عیسی نشان می‌دهد. اختصار آن "LXX" است.

Sinaiticus. یک نسخه یونانی از قرن چهارم میلادی است. این توسط محقق آلمانی، Tischendorf، در صومعه سنت کاترین در جبل موسی، مکان سنتی کوه سینا یافت شد. این دستنوشته با اولین حرف الفبای عبری به نام "الف" [א] تعیین شده است. این شامل عهد قدیم و عهد جدید است. این یکی از قدیمی‌ترین MSSهای غیر رسمی ما است.

Spiritualizing/معنوی. این واژه مترادف با تمثیل است به این معنی که زمینه تاریخی و ادبی یک متن و تفسیر آن بر اساس معیارهای دیگر آن را حذف می‌کند.

Synonymous/مترادف. به اصطلاحات با معنایی دقیق یا بسیار مشابه اشاره دارد (اگر چه در واقع دو کلمه هیچ یک همپوشانی معناشناسی کامل ندارند)، آنها خیلی نزدیک به هم هستند به طوری که می‌توانند جایگزین یکدیگر در یک جمله بدون از دست دادن معنی باشند. همچنین برای تعیین یکی از سه شکل همسو در اشعار عبری استفاده می‌شود. به این معنا، به دو بیت شعر می‌گویند که یک حقیقت را بیان می‌کنند (مراجعه شود به مزامیر ۱۰۳: ۳).

Syntax/نحو. این اصطلاح یونانی است که به ساختار جمله اشاره دارد. این مربوط به راه‌هایی است که بخش‌هایی از یک جمله برای ایجاد یک تفکر کامل ساخته می‌شوند.

Synthetical. این یکی از سه اصطلاحی است که مربوط به انواع اشعار عبری است. این اصطلاح از ابیات شعر می‌گوید که بر اساس یک معنی نوشته می‌شوند، گاهی اوقات "climatic" نامیده می‌شوند (ش. ۱۹: ۷-۹).

Systematic theology/الهیات سیستماتیک. این مرحله‌ای از تفسیر است که تلاش می‌کند تا حقایق کتاب مقدس را به شیوه‌ای متحدالشکل و منطقی مرتبط سازد. این یک رویکرد منطقی و نه صرفاً تاریخی از نظر الهیات مسیحی طبقه بندیها (خدا، انسان، گناه، نجات، و غیره) است.

Talmud/تلمود. این عنوان برای تدوین سنت شفاهی یهودی است. یهودیان معتقد بودند که او به موسی به در کوه سینا گفته است. در واقع، به نظر می‌رسد که این خرد جمعی معلمان یهودی طی این سالها باشد. دو نسخه مختلف نوشته شده از تلمود وجود دارند: نسخه بابلی که کوتاهتر است و نسخه ناتمام فلسطینی.

Textual criticism/انتقاد متنی. این علم مطالعه نسخ خطی کتاب مقدس است. انتقاد متنی ضروری است زیرا هیچ نسخه اصلی وجود ندارد و همه نسخه‌ها با یکدیگر تفاوت دارند. این تلاش برای توضیح تغییرات و رسیدن به (نزدیکترین حد ممکن) به اصطلاحات اصلی دستنویس عهد عتیق و جدید است. این اغلب "انتقاد کمتر" است.

Textus Receptus. این نام به نسخه Elzevir از عهد جدید یونانی در سال ۱۶۳۳ اطلاق شد. اساساً این یک نوع عهد جدید یونانی است که از چند نسخه خطی یونانی و نسخه‌های لاتین اراسموس (۱۵۱۰-۱۵۳۵)، استفانوس (۱۵۴۶-۱۵۵۹) و الزویر (۱۶۲۴-۱۶۷۸) تهیه شده است. در *An*

Introduction to the Textual Criticism of the New Testament، ص. ۲۷، A. T. Robertson می گوید: "متن بیزانس عملاً Textus Receptus است." متن بیزانس کم ارزشترین نسخه از سه نوع نسخ خطی یونانی (غربی، اسکندریه و بیزانسی) است. این شامل خطاهای انباشته شده طی قرن‌ها از متون دستکاری شده است. با این حال، A. T. Robertson همچنین می گوید: «Textus Receptus برای ما متن قابل ملاحظه دقیقی را حفظ کرده است» (ص ۲۱). این نسخه دستنویس یونانی (به خصوص نسخه سوم Erasmus 1522) نسخه مبنای انجیل شاه جیمز در سال ۱۶۱۱ میلادی را شکل می‌دهد.

Torah/تورات. این واژه عبری برای "آموزش" است. این عنوان رسمی برای نوشته‌های موسی بود (از پیدایش تا تثنیه). این بخش برای یهودیان، قدرتمندترین بخش است.

Typological/تایپوگرافی. این یک نوع تفسیر تخصصی است. معمولاً این امر شامل حقیقت عهد جدید است که در عبارات عهد عتیق با استفاده از علامتهای متشابه یافت می‌شود. این طبقه‌بندی از علم تفسیر انجیل یک عنصر اصلی از روش اسکندریه بود. به دلیل سوء استفاده از این روش تفسیر، باید استفاده از آن را به نمونه‌های خاصی که در عهد جدید وارد شده محدود کرد.

Vaticanus/واتیکانوس. این نسخه یونانی قرن چهارم است. این در کتابخانه واتیکان یافت می‌شود. در اصل شامل تمام عهدعتیق، Apocrypha و عهد جدید بود. با این حال، برخی از بخشها از بین رفته‌اند (پیدایش، مزامیر، عبرانیان، کشیشان، فیلیمون و مکاشفه). این یک نسخه خطی بسیار مفید در تعیین قالب‌بندی اصلی نسخ دستنویس است. این نسخه امتیاز "B" بزرگ دریافت کرده است.

Vulgate/والگیت. این نام لاتین کتاب مقدس جروم است. این نسخه تبدیل به نسخه مبنا یا "مشترک" برای کلیسای کاتولیک روم شد. در سال ۳۸۰ میلادی این کار صورت گرفت.

Wisdom literature/ادبیات عرفانی. این یک نوع ادبیات رایج در خاور نزدیک باستان (و جهان مدرن) بود. اساساً تلاشی بود به عنوان دستورالعملی برای راهنمایی نسل جدید جهت زندگی موفق از طریق شعر، تمثیل یا مقاله بود و بیشتر فرد را مورد خطاب قرار می‌داد تا جامعه. به تاریخ اشاره نداشت، اما بر تجربیات و مشاهدات زندگی استوار بود. در کتاب مقدس، وظیفه از طریق غزل غزلها حضور و پرستش یهوه را پذیرفت، اما این دیدگاه مذهبی در هر تجربه انسانی در هر زمان صریح نیست.

به عنوان یک ژانر، حقیقت عمومی را بیان کرد. با این حال، از این ژانر/نوع نمی‌توان در هر وضعیت خاصی استفاده کرد. اینها اظهارات کلی هستند که همیشه برای هر وضعیت فردی قابل اعمال نیستند.

این حکما شهادت این را داشتند تا سوالاتی سخت در مورد زندگی بپرسند. اغلب آنها دیدگاه‌های سنتی مذهبی (یعقوب، جامعه) را به چالش کشیدند. آنها تعادل و تنش را به پاسخ آسان در مورد تراژدی‌های زندگی می‌رسانند.

World picture and worldview/تصویر و جهان بینی جهانی. اینها اصطلاحات همراه هستند. آنها هر دو مفاهیم فلسفی مربوط به خلقت هستند. اصطلاح "تصویر جهان" به "چگونگی" خلقت اشاره می‌کند در حالی که "جهان بینی" مربوط به "چه کسی است". این اصطلاحات در ارتباط با تفسیری هستند که پیدایش ۱-۲ در درجه اول با چه کسی، نه چگونه، خلقت صورت گرفت، سر و کار دارد.

YHWH/یهوه. این نام خدا در عهد عتیق است. این نام در خروج ۳: ۱۴ تعریف شده است. این شکل ظاهری اصطلاح عبری "بودن" است. یهودیان می‌ترسیدند این نام را بر زبان آورند مبادا نابجا به کار برند، بنابراین، اصطلاح عبری آدونایی، "ارباب" جایگزین کردند. به این دلیل است که پیمان در انگلیسی این چنین ترجمه می‌شود.

بیانیه دکترین

من به بیانیه ایمان یا عقاید اهمیت چندانی نمی‌دهم. ترجیح می‌دهم به خود کتاب مقدس اعتراف کنم. با این وجود، می‌دانم که بیانیه ایمان برای کسانی که مرا نمی‌شناسند راهی را فراهم می‌کند تا دیدگاه‌های اعتقادی مرا بسنجند. در روزگاری که سرشار است از فریب و خطاهای الهیاتی، من حاصل تحقیقاتم را در زمینه الهیات مسیح، در زیر به طور خلاصه تقدیم می‌کنم.

۱. کتاب مقدس، شامل عهدعتیق و عهدجدید هر دو کلام الهامی، لغزش‌ناپذیر، با اقتدار و جاودانی خدا هستند. این کتاب مکاشفه شخصی خدا می‌باشد که تحت هدایت روح به وسیله انسانها ثبت شده است. کتاب مقدس تنها منبع حقیقت روشن در مورد خدا و اهداف اوست. تنها منبع ایمان و عمل برای کلیسای او.

۲. تنها یک خدای ابدی، خالق و نجات دهنده وجود دارد. آفریننده همه چیزهای دیدنی و نادیدنی اوست. او خود را به صورت خدای محبت و توجه مکشوف کرده است با این حال منصف و عادل نیز هست. او خدا را در سه شخصیت متمایز مکشوف کرد: پدر، پسر و روح القدس، کاملاً مجزا و در عین حال دارای ذات واحد.

۳. خدا فعالانه بر جهان تسلط دارد. هم طرحی ابدی برای خلقتش دارد که تغییرناپذیر است و هم طرح فردی که اراده آزاد انسان را ممکن می‌سازد. بدون اذن و اطلاع خدا هیچ چیز اتفاق نمی‌افتد، با وجود این او به فرشتگان و انسانها امکان انتخابهای شخصی را می‌دهد. عیسی انسان برگزیده پدر بود و از طریق او همه بالقوه برگزیده هستند. دانش پیشاپیش خدا در مورد وقایع انسان را تا حد نسخه از پیش پیچیده شده تنزل نمی‌دهد. ما همه مسئول افکار و اندیشه‌های خود هستیم.

۴. گرچه انسان به سیمای خدا و عاری از گناه خلق شد، اما تصمیم گرفت بر ضد خدا طغیان کند. آدم و حوا حتی با آنکه توسط عاملی فوق طبیعی وسوسه شدند، اما به خاطر خودخواهی ارادیشان مسئولند. نافرمانی آنها بشر و خلقت را تحت اثر قرار داد. همه ما چه به لحاظ شرایطی که از آدم و حوا به ارث برده ایم و چه به خاطر نافرمانی شخصی و ارادیمان به رحمت و فیض خدا نیاز داریم.

۵. خدا برای بخشش و احیای انسان سقوط کرده راهی فراهم کرد. عیسی مسیح، پسر یگانه خدا، انسان شد، بدون گناه زیست و از طریق مردن به جای ما مجازات گناه انسان را پرداخت. او تنها راه احیاء و داشتن رابطه با خدا است. جز از طریق ایمان به کار تکمیل شده او راه دیگری برای رسیدن به نجات وجود ندارد.

۶. هر کدام از ما هدیه بخشش و احیای خدا در عیسی را باید شخصا دریافت کند. این به وسیله اعتماد ارادی به وعده‌های خدا از طریق عیسی و دوری ارادی از گناه شناخته شده محقق می‌شود.

۷. همه ما بر اساس ایمانمان به مسیح و توبه از گناه کاملاً بخشوده و احیاء می‌شویم. با وجود این، زندگی تغییر یافته و در حال ما گواه این رابطه تازه است. هدف خدا بری انسان این است که اکنون زندگی مسیحگونه داشته باشد، نه اینکه تنها روزی وارد بهشت شود. کسانی که واقعا نجات را دریافت کرده‌اند، با آنکه گاهی گناه می‌کنند، اما در طول عمر خود در ایمان و توبه ثابت قدم می‌مانند.

۸. روح القدس "عیسای دیگر" است. او در این جهان حاضر است تا گم‌شده را به سوی مسیح هدایت و چهره مسیحگونه را در نجات یافته آشکارتر نماید. شخص هنگام نجات، عطایای روح را دریافت می‌کند. این عطایا زندگی و خدمت عیسی هستند که بین بدنش یعنی کلیسا تقسیم شده‌اند. عطایا که اساسا روشها و انگیزه‌های عیسی هستند باید به وسیله ثمرات روح به حرکت درآیند. روح در عصر ما فعال است، همانطور که در ایام کتاب مقدس بود.

۹. پدر عیسی مسیح قیام یافته را داور همه چیز قرار داده است. او به زمین باز خواهد گشت تا انسانها را داوری کند. کسانی که به عیسی ایمان آورده‌اند و نامشان در دفتر حیات نوشته شده است، به هنگام بازگشت او بدنهای جلال یافته جاودانی دریافت خواهند کرد. آنها تا ابد با او خواهند بود. اما آنها که حقیقت خدا را نپذیرفته‌اند برای همیشه از شادی رفاقت با خدای تثلیث محروم خواهند شد.

۱۰. آنها به همراه شیطان و فرشتگانش محکوم خواهند شد.

مطمئناً مواردی که ذکر کردم کامل یا بی نقص نیستند اما امیدوارم در مورد الهیاتی که من به آن باور قلبی دارم به شما ایده‌ای بدهد. سخن زیر برای من جالب است:

"اتحاد - در ضروریات، آزادی - در مسایل حاشیه‌ای، محبت - در همه چیز"